

دیباچه	4
مقدمه	6
شرایط وجوب حجة الاسلام	9
مسائل متفرقه استطاعت	47
استفتائات استطاعت	57
نیابت در حج	88
استفتائات نیابت	104
حج استحبابی	135
اقسام عمره	137
اقسام حج	141
صورت حج افراد و عمره مفرد	142
صورت حج تمتع اجمالاً	147
استفتائات اقسام عمره و حج	150
باب اول: اعمال عمره تمتع	160
فصل اول: محل احرام عمره تمتع	161
مسائل متفرقه میقات	178
استفتائات میقات	188
فصل دوم: واجبات احرام	202
استفتائات احرام	228
مستحبات احرام	234
مکروهات احرام	238
فصل سوم: مُحَرَّمات احرام	241
مسائل متفرقه مُحَرَّمات احرام	335
استفتائات مُحَرَّمات احرام	340
مستحبات دخول حرم	358
مستحبات دخول مکه معظمه	359
آداب دخول مسجدالحرام	360
فصل چهارم: طواف واجب و بعضی از احکام آن	363
واجبات طواف	368
مسائل متفرقه طواف	426
استفتائات طواف	433
آداب و مستحبات طواف	515
فصل پنجم: نماز طواف	518
استفتائات نماز طواف	530
مستحبات نماز طواف	551
فصل ششم: سعی و بعض احکام آن	553
مسائل متفرقه سعی	568
استفتائات سعی	570
مستحبات سعی	588
فصل هفتم: تقصیر و بعض احکام آن	592
مسائل و استفتائات متفرقه تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع	597
تبدیل حج تمتع به افراد	618

استفتائات تبدل	624
باب دوم: اعمال حج تمتع	631
فصل اول: احرام حج	632
استفتائات احرام حج	641
مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات	644
فصل دوم: وقوف به عرفات	646
استفتائات وقوف به عرفات	656
مستحبات وقوف به عرفات	662
فصل سوم: وقوف به مشعرالحرام	666
استفتائات وقوف به مشعرالحرام	683
مستحبات وقوف به مشعرالحرام	688
فصل چهارم: واجبات مني	690
اول - رمي جمره عقبه	690
مستحبات رمي جمرات	707
دوم - ذبح (قرباني)	708
چند مسأله راجع به بدل ذبيحه	733
مسائل متفرقه هدي	746
استفتائات قرباني	750
مستحبات هدي	771
سوم تقصير يا حلق	772
مسائل متفرقه حلق يا تقصير در حج	788
استفتائات حلق و تقصير	793
مستحبات حلق	810
فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال مني	811
استفتائات اعمال بعد از مني و طواف نساء	827
مستحبات طواف حج و نماز آن و سعي	844
فصل ششم: بيتوته به مني	845
مسائل متفرقه بيتوته به مني	860
استفتائات بيتوته در مني	863
فصل هفتم: رمي جمرات سه گانه	870
مسائل متفرقه رمي	887
استفتائات رمي جمرات ثلاث	890
مستحبات مني	904
مستحبات ديگر مکه معظمه	905
استحباب عمره مفرده	907
طواف وداع	908
مسائل متفرقه	909
استفتائات مسائل متفرقه	924
محصور و مصدود	949
استفتائات محصور و مصدود	971
استفتائات جديد	974
تقليد	975

استطاعت	980
نیابت	980
احرام	984
محرمات احرام	988
طواف	991
سعی	998
رمی	1.003
قربانی	1.006
حلق	1.008
بیتوته	1.009
نماز	1.011
متفرقه	1.017
شرایط وجوب حَجَّة الاسلام	1.032

دیباچه

أحمد الله رب العالمين، الذي جعل الحج تشبيداً للدين، و الصلاة و السلام على مَحي الحجّ بسيرة إبراهيم، أشرف الأنبياء و المرسلين، أبي القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين سيما خير مَن يحجّ و يلبي في عصرنا بقية الله الأعظم أرواحنا له الفداء، و لعنة الله على الصّادّين عن المسجد الحرام

حج یکی از ارکان اسلام و دارای ابعاد گوناگون مختلف فردی، اجتماعی، عبادی، سیاسی، اخلاقی و عرفانی است. عبادتی حیرت انگیز، دشوار و طولانی، آکنده از راز و رمز و اشارات اسرارآمیز که توأم با انجام مناسک خاص می باشد.

مناسک حج، مناسک بندگی و زندگی است حج از یک سو چگونه با خدا زیستن را به انسان می آموزد و از دیگر سو چگونه زیستن با بندگان خدا را. حاجیان در سفر الهی و معنوی حج می کوشند خود را به خدا نزدیک کنند، حجاب ها و موانع قرب به حق را از سر راه بردارند. رنگ خدایی به خود بگیرند و جز رضای او چیزی طلب نکنند.

آنان در این تمرین زیبای عبودیت، ضمن اینکه لذت ها را بر خویشتن حرام کرده، تمرین می کنند که با هم نوعان خویش زندگی مسالمت آمیز داشته باشند و با اهتمام به حفظ محیط زیست؛ متعرض امنیت حیوانات و گیاهان نیز نشوند.

نتیجه این اعمال روح بخش، کسب نورانیت و رهایی از تیرگی گناه و حفظ صفا و نورانیت حاصل از آن است، چنانچه از امام صادق (علیه السلام) نقل است: «الحاج لا يزال عليه نور الحج مالم يُلْمَ بذنب» [۱]

گام نخست برای دستیابی به این هدف بزرگ، فراگیری و انجام صحیح مناسک است؛ حج گزار وظیفه دارد که با این مناسک آشنا شود و عمل خویش را بر آن منطبق سازد؛ و در گام دوم به اسرار و معارف هر یک از آنها پی ببرد.

مناسک حج از چنان گستردگی و اهمیتی برخوردار است که زراره گوید: «روزی خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و گفتم مولای من، چهل سال است از حضور شما و پدر بزرگوارتان مسائل حج را می آموزم، آیا هنوز تمام نشده است؟ حضرت فرمود: «خانه ای که دو هزار سال قبل از حضرت آدم (علیه السلام)، فرشتگان پیرامون آن طواف می کرده اند انتظار داری مسائل آن در چهل سال تمام شود؟» [۲]

از آنجا که روحانیون محترم کاروان ها که وظیفه خطیر ارشاد زائران به مسائل شرعی را برعهده دارند نیازمند مناسکی جامع هستند که بر اساس آن بتوانند با سهولت از جدیدترین فتاوی مراجع عظام تقلید مطلع شوند، و به زائرین منتقل کنند؛ و از سوی دیگر لازم است در هر سال کتاب مناسک محشی حج مورد بازنگری قرار گیرد تا نواقص چاپ های پیشین برطرف و تغییرات فتاوی مراجع و مسائل مستحدثه در آن طرح گردد؛ تهیه و تنظیم این مناسک با حواشی مراجع بزرگوار تقلید، توسط بعثه مقام معظم رهبری، گامی بزرگ در جهت آگاهی و آموزش مناسک حج همراه با جدیدترین فتاوی مراجع و مسائل مستحدثه محسوب می شود.

در پایان از همه همکاران که در تدوین و تألیف این اثر همکاری کردند، به ویژه حضرت حجت الاسلام و المسلمین فلاح زاده و نیز از حضرت حجت الاسلام و المسلمین مقدادی که زحمت ورود برخی فتاوی جدید مراجع و تصحیح نهایی را بر عهده داشتند، و همکاران محترمی که در تایپ، مقابله و تصحیح آن نقش آفرین بودند، کمال تشکر را داریم.

ومن الله التوفيق
گروه فقه و حقوق
پژوهشکده حج و زیارت

[۱]. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۵.

[۲]. الحج فی السنة، ص ۵۱.

مقدمه

بدان که بر هر مکلف که جامع شرایط باشد، وجوب حج به دلیل قرآن و احادیث وارده از نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه معصومین (علهم السلام) : ثابت است. حج یکی از ارکان دین است و از ضروریات آن به شمار می رود. ترک حج، با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است.^[۱] خداوند متعال در قرآن مجید فرمود: (وَ اللَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَنِ الْعَالَمِينَ)

شیخ کلینی (رحمه الله) به طریق معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت نموده که: هر کس از دنیا برود و حجة الاسلام به جا نیاورد، بدون اینکه او را حاجتی ضروری باشد یا آنکه به جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آنکه پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کسی در حال مردن، به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت.

این آیه و این روایت، در اهمیت حج و وجوب آن کافی است و روایات بسیاری در این دو قسمت وارد شده که این مختصر، گنجایش ذکر آنها را ندارد و چون که مستحبات حج بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و بقیه را به کتب مفصله وامی گذاریم که به جا آوردن آنها^[۲] به امید ثواب اشکالی ندارد.

و نظر به اینکه این مناسک برای فارسی زبانان می باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است، اکتفا به بیان احکام آنها شد و قبل از شروع در مناسک، که مشتمل است بر دو باب و چند فصل و مسائلی چند، بعض مسائل و شرایط وجوب حجة الاسلام و بعض مسائل نیابت و وصیت به حج و چند مسأله دیگر بیان می شود:

۱ م - حجة الاسلام که حج واجب بر شخص مستطیع است، بیش از یک مرتبه در تمام عمر واجب نیست.

۲ م - وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری^[۳] است ؛ یعنی واجب است در سال اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست^[۴] و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین

۳ م - اگر درک حج، بعد از حصول استطاعت^[۵]، متوقف بر مقدماتی مثل سفر و تهیه اسباب آن باشد، تحصیل آن واجب است ؛ به طوری که در همان سال به حج برسد^[۶] و در صورتی که شخص کوتاهی^[۷] کند و به حج در آن سال نرسد، حج بر او مستقر می شود^[۸] که باید در هر صورت بعداً به حج برود، هر چند استطاعت از بین برود.^[۹]

[۱]. آیه الله اردبیلی: به شرط اینکه با علم به وجوب، آن را انکار کند و بداند که انکار آن به انکار الوهیت یا رسالت منجر می شود.

آیه الله بهجت: در صورت منافات با بقای تصدیق به وحدانیت خالق یا بقای تصدیق به نبوت و عدم استناد به شبهه خاصه به شخص (ذخیره، ج ۱، ص ۴۴ و کتاب حدود ص ۳۹) .

آیات عظام تبریزی، خویی و سیستانی: در صورتی که مستند به شبهه نباشد.

آیه الله خامنه ای: اگر انکار هر یک از ضروریات دین به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) یا وارد کردن نقیصی به شریعت منجر شود، باعث کفر و ارتداد است (اجوبة الاستفتائات، ص ۳۳۶) .

آیه الله زنجانی: و انکار آن از کسی که در محیط اسلامی نشو و نما کرده نشانه کفر است و بر اساس احادیث معتبر به همین جهت خداوند متعال...

آیه الله سبحانی: منکر آن مرتد و تارک آن مستحق عقاب و عذاب الهی است.

آیه الله فاضل: چنانچه به انکار رسالت برگشت کند.

آیه الله مکارم: در صورتی که علم به ضروری بودن آن داشته باشد.

[۲]. آیه الله زنجانی: هر چند استحباب بسیاری از آنها ثابت نیست، ولی به جا آوردن آنها...

[۳]. آیه الله سبحانی: و تأخیر آن جایز نیست و اگر سال اول نرفت باید سال دوم و اگر نرفت سال بعد برود.

آیه الله سیستانی: در این فوریت دو وجه است: اول: اینکه شرعی باشد و گویا مشهور هم همین باشد. دوم: اینکه عقلی باشد، از باب احتیاط، تا مبدا تأخیر آن منجر به ترک واجب بدون عذر شود که در این صورت مستحق عقوبت خواهد بود. وجه اول احوط است و دوم اقوی. پس اگر آن را از سال اول استطاعت تأخیر انداخت، بدون اینکه اطمینان داشته باشد که بعداً می تواند آن را انجام دهد ولی بعداً موفق به انجام آن شود متجری می شود، و اگر اصلاً موفق نشود مرتکب گناه بزرگی شده است (مناسک، ص ۸).

[۴]. آیه الله بهجت: و تأخیر آن بدون عذر حرام است و تکرار این تأخیر در سال های بعد، بدون توسیط توبه از گناهان کبیره، مثل ترک حج است (مناسک، ص ۳).

آیات عظام تبریزی، خویی، گلپایگانی: بلکه بعید نیست تأخیر آن از گناهان کبیره باشد.

آیه الله خامنه ای: و به تأخیر انداختن آن بدون عذر جایز نیست و اگر به تأخیر اندازد معصیت کرده است و حج بر ذمه او باقی است (مناسک حج، م ۲).

آیه الله صافی: و تأخیر آن بدون عذر گناه کبیره است.

آیه الله فاضل: تأخیر آن معصیت است ولی کبیره بودن آن، به طوری که مُسَقَط عدالت باشد، ثابت نیست.

[۵]. آیه الله زنجانی: حصول استطاعت مالی.

[۶]. آیه الله اردبیلی: اگر پس از حصول استطاعت رفتن به حج منوط به آن باشد که ثبتنام کند تا در سال های بعد به حج برود، ثبتنام واجب است.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: و در صورت حصول استطاعت، چنانچه راه منحصر به نامنویسی برای چند سال بعد باشد، آن نیز واجب است.

[۷] آیه الله بهجت: در صورت اعتماد و وثوق به اینکه با تأخیر نیز حج را حتماً درک خواهد کرد، اظهر عدم وجوب خروج در اولین فرصت است. پس اگر اتفاقاً درک نکرد حج بر او مستقر نشده است و امّا با عدم اعتماد مذکور، پس مورد تأمل است و عدم حرمت تفویض احتمالی، با تأخیر یا غیر آن از مقدمات مقوّته در واقع بعد از اشتغال ذمه یا قبل از آن، در موردی که دلیل خاص نباشد خالی از وجه نیست. (کتاب حج، ص ۱)

آیه الله زنجانی: و در اثر کوتاهی به حج در آن سال نرسد، ظاهراً حج بر او مستقر می شود و کسی که حج بر او مستقر شده است باید در اولین فرصت به حج برود هر چند استطاعت او از بین رفته باشد؛ بلی در صورتی که بدون اختیار انجام حج بر او حرجی شود تأخیر حج تا رفع حرج جایز است و اگر از رفع حرج مأیوس باشد، باید در اولین سال ممکن با قصد قربت برای حج نایب بگیرد، هر چند در هر دو صورت می تواند خودش با تحمل حرج، حج به جا آورد.

[۸] آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مگر اینکه حرجی باشد که در این صورت بر خودش واجب نیست ولی بعد از مرگ وی باید از ترکه او حج به جا آورند.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: اگر تأخیر، به علت اطمینان به درک حج در همین سال باشد و اتفاقاً نرسد، حج بر او مستقر نخواهد شد (مناسک آیه الله سیستانی، مسأله ۳؛ کتاب الحج آیه الله سبحانی، ج ۱، ص ۳۶).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی حج مستقر می شود که معلوم شود اگر می رفت به حج می رسید (مناسک عربی، ص ۱۲، مسأله ۶).

آیه الله فاضل: در صورتی حج بر او مستقر می شود که اگر می رفت به حج می رسید.

[۹] آیه الله اردبیلی: اگر انجام حج برای او حرجی باشد، وجوب انجام حج بر خود او نیست ولی تکلیفی دارد که بعداً ذکر خواهد شد.

آیه الله فاضل: اگر انجام حج برای او حرجی باشد، حج از خودش ساقط است ولی باید خود او بعداً، در صورت قدرت، انجام دهد و یا بعد از فوتش از ترکه او حج نیابی ولو از میقات انجام دهند.

شرایط وجوب حجة الاسلام

با چند شرط، حج واجب می شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست:

اوّل و دوّم - بلوغ و عقل. پس بر کودک و دیوانه [۱] حج واجب نیست.

[۴] م - اگر غیر بالغ حج به جا آورد صحیح است، هرچند از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

[۵] م - اگر کودک ممیّز برای حج مُحرم شود و در وقت درک [۲] مشعرالحرام بالغ باشد [۳] کفایت از حجة الاسلام می کند [۴] ، و همچنین اگر مجنون قبل از درک مشعر عاقل شود. [۵]

[۶] م - کسی که گمان می کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و بعد معلوم شد بالغ بوده، حج او کفایت از حجة الاسلام نمی کند [۶] مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه را نموده و آن را بر حج ندبی اشتباهاً تطبیق کرده باشد.

[۷] م - از برای بچه ممیز، مستحب است حج رفتن و صحیح است حج او اگرچه ولی او اذن ندهد [۷] ، لکن بعد از بالغ شدن، اگر استطاعت داشت باید حج برود و حج زمان کودکی کافی نیست.

[۸] م - مستحب است ولی طفل غیر ممیز [۸] مُحرم کند او را [۹] و لباس احرام به او بپوشاند، و نیت کند که این طفل را مُحرم می کنم برای حج، یا این طفل را مُعْتَمِر می کنم به عمره تمتع، و اگر می شود تلبیه را تلقین کند به او، و الا خودش به عوض او بگوید.

[۹] م - بعید نیست که ولی در این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار او است، اگرچه ولی شرعی نباشد. [۱۰]

[۱۰] م - بعد از آنکه طفل مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولی، او را از محرّمات احرام باز دارد [۱۱] ، و اگر ممیّز نیست خود ولی حفظ کند او را از محرّمات.

[۱۱] م - بعد از اینکه طفل محرم شد، اگر محرّمات احرام را به جا آورد یا ولی، او را از آنها باز نداشت [۱۲] کفاره بر ولی طفل است نه بر مال طفل بنابر اقوی در صید و بنابر احتیاط واجب در غیر آن نیز. [۱۳]

[۱۲] م - گوسفند قربانی برای حج، بر عهده ولی طفل است. [۱۴]

[۱۳] م - تمام اعمال حج و عمره را باید ولی، طفل را وادار کند که به جا آورد و اگر نمی تواند، ولی او به نیابت طفل به جا آورد. [۱۵]

[۱۴] م - اگر طفل نابالغ قبل از اینکه در میقات محرم شود بالغ شد [۱۶]، حج او حجة الاسلام است، اگر از همانجا که محرم می شود مستطیع باشد. [۱۷]

سوّم: حرّیت. [۱۸]

چهارم: استطاعت از جهت مال و صحت بدن و توانایی و باز بودن راه و آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن.^[۱۹]

۱۵ م - استطاعت از جهت مال ؛ یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مرکب سواری است^[۲۰] ، و چنانچه عین آنها را ندارد کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن را صرف در تهیه آنها نماید^[۲۱] ، و شرط است که مخارج برگشتن^[۲۲] را نیز داشته باشد.^[۲۳] و امور دیگری در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان می شود.

۱۶ م - شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، اینکه ضروریات زندگی^[۲۴] و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد داشته باشد^[۲۵]، مثل خانه مسکونی^[۲۶] و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن، در حدی که مناسب^[۲۷] با شأن او باشد^[۲۸]، و چنانچه عین آنها را ندارد^[۲۹]، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد.

۱۷ م - اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حجة الاسلام کفایت نمی کند.^[۳۰]

۱۸ م - کسی که نیاز به ازدواج دارد^[۳۱] و برای آن پول لازم دارد، در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد.^[۳۲]

۱۹ م - کسی که از دیگری طلب دارد و بقیه شرایط استطاعت را نیز دارا است^[۳۳] ، اگر وقت طلب او رسیده یا حال است و می تواند بدون واقع شدن در حج و

مشقت^[۳۴]، آن را بگیرد واجب است مطالبه کند^[۳۵] و بگیرد و به حج برود^[۳۶] ، مگر مدیون نتواند بپردازد که در این صورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی شود^[۳۷] و همچنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می شود، ولی اگر مدیون نمی خواهد بپردازد مطالبه واجب نیست^[۳۸] ، هر چند با مطالبه حاضر به پرداخت شود.^[۳۹]

۲۰ م - اگر غیر مستطیع، مصارف حج را قرض کند^[۴۰]، مستطیع نمی شود، هر چند بتواند بعداً به سهولت قرض را ادا کند^[۴۱] و اگر با آن حج به جا آورد از حجة الاسلام کفایت نمی کند.^[۴۲]

۲۱ م - کسی که مخارج حج را دارد و بدهی^[۴۳] نیز دارد^[۴۴] ، چنانچه بدهی او مدتدار باشد و مطمئن است که در وقت ادای بدهی، تمکن از ادای آن را دارد، واجب است به حج برود، و همچنین در صورتی که وقت ادای بدهی رسیده، لکن طلبکار راضی به تأخیر ادا باشد^[۴۵] و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می تواند بدهی را ادا نماید^[۴۶] و در غیر این دو صورت حج واجب نیست.^[۴۷]

۲۲ م - کسی که خمس یا زکات^[۴۸] بدهکار است^[۴۹] در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر آنها مخارج حج را داشته باشد.^[۵۰]

۲۳ م - کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت صحت بدن^[۵۱] یا باز بودن راه مستطیع نیست^[۵۲] می تواند^[۵۳] در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی هم خارج کند^[۵۴] ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسایل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده^[۵۵]، نمی تواند^[۵۶] خود را از استطاعت خارج کند و اگر کرد، حج بر او مستقر می شود و باید به هر نحو است به حج برود.^[۵۷]

۲۴ م - اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سال های دیگر از آن جهات

استطاعت پیدا می کند، می تواند [۵۸] در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید. [۵۹]

[۲۵] م - کسی که استطاعت حج دارد باید خرج های مقدماتی را ؛ از قبیل

خرج تذکره و ویزا و ودیعه و آنچه مربوط به حج است بدهد، و این خرج ها موجب سقوط حج نمی شود، ولی اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست.

[۲۶] م - اگر اجرت ماشین یا هواپیما زیاد باشد [۶۰] یا زیاده از حد معمولی باشد و همینطور قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد باشد یا زیاده از حد متعارف باشد [۶۱] باید حج برود، و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت مگر آنکه [۶۲] به قدری زیاد باشد که موجب حرج و مشقت در زندگانی شود. [۶۳]

[۲۷] م - شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملک دارد [۶۴] باید بفروشد و به حج برود اگرچه به واسطه مشتری نداشتن، به کمتر از قیمت معمولی [۶۵] بفروشد مگر آنکه [۶۶] فروش به این نحو موجب حرج و مشقت [۶۷] برای او شود. [۶۸]

[۲۸] م - کسانی که کتب زیاد دارند و محل احتیاج آنها نیست [۶۹] و اگر زاید را بفروشند به قدر مؤونه حج می شود و سایر شرایط را نیز دارا باشند واجب است به حج بروند، بلکه اگر از کتب موقوفه [۷۰] رفع احتیاج می شود [۷۱] و کتاب ملکی به قدر حج هست واجب است حج بروند [۷۲] به شرط آنکه کتاب های موقوفه در معرض زوال نباشد.

[۲۹] م - اگر شک کند که مالی که دارد به اندازه استطاعت هست یا نه، احتیاط واجب آن است که تحقیق کند [۷۳]، و فرقی نیست در وجوب تحقیق، میان آنکه مقدار مال خود یا مقدار مخارج حج را نداند.

[۳۰] م - اگر نذر کند که در روز عرفه کربلائی معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند، نذرش صحیح است [۷۴]، لکن اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شد باید حج برود [۷۵]، و نذر مانع از حج نمی شود، و اگر نرفت حج بر او مستقر می شود، و باید به نذر عمل کند [۷۶]، و اگر حج رفت تخلف نذر موجب کفاره نمی شود، ولی اگر حج نرفت و به نذر هم عمل نکرد کفاره نذر را باید بدهد. [۷۷]

[۳۱] م - اگر رفتن حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی می شود [۷۸] باید ملاحظه اهمیت حج یا حرام و واجب را کرد، اگر حج اهمیتش بیشتر است [۷۹] باید برود و الا نباید برود [۸۰] لکن اگر رفت و حرامی به جا آورد یا واجبی را ترک کرد معصیت کار است ولی حج او صحیح است. [۸۱]

[۳۲] م - اگر با اعتقاد به اینکه مستطیع نیست، قصد [۸۲] حج استحبابی کند

و بعد معلوم شود که مستطیع بوده کفایت از حجة الاسلام نمی کند [۸۳] مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه نموده باشد [۸۴] و اشتباه آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

[۳۳] م - اگر شخص زاد و راحله ندارد ولی به او گفته شد که حج به جا آور و

نفقه تو [۸۵] و عائله ات [۸۶] بر عهده من، با اطمینان به وفا و عدم رجوع [۸۷] باذل [۸۸]، حج واجب مي شود و اين حج را بذلي مي گویند [۸۹] و در آن رجوع به کفایت که از شرایط وجوب است شرط نیست [۹۰]، بلي اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگي او شود [۹۱] واجب نیست.

۳۴ م - اگر مالي که براي حج کفایت مي کند را به او ببخشند براي اینکه حج به جا آورد، بايد قبول کند و حج به جا آورد [۹۲] و همچنین اگر واهب بگوید مخیري بين اینکه حج آوري يا نه [۹۳] ولي اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد قبول واجب نیست. [۹۴]

۳۵ م - باذل مي تواند از بذلش برگردد [۹۵]، ولي اگر در بين راه باشد^[۹۶] بايد^[۹۷] نفقه برگشتن او را بدهد، و اگر بعد از احرام رجوع [۹۸] کند بايد نفقه اتمام حج را نیز بپردازد.^[۹۹]

۳۶ م - پول قرباني در حج بذلي بر عهده باذل است [۱۰۰] ولي كفارات [۱۰۱] بر عهده او نیست [۱۰۲] و اگر پول قرباني را بذل نکند حج واجب نمي شود [۱۰۳] مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت. [۱۰۴]

۳۷ م - کسي که در راه حج براي خدمت اجير شود، به اجرتي که با آن مستطیع مي شود، حج بر او واجب مي شود [۱۰۵] هرچند اجاره بر او واجب نبوده است [۱۰۶] ولي بعد از آن مستطیع مي شود و بايد حج به جا آورد. [۱۰۷]

۳۸ م - کسي که براي نیابت از دیگری اجير شد و با اجرت آن مستطیع گشت در صورتي که استیجار براي سال اول باشد بايد حج نیابي را مقدم بدارد [۱۰۸] و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقي بماند براي خودش در سال بعد حج به جا آورد. [۱۰۹]

۳۹ م - شرط است در استطاعت که مخارج عائله اش را تا برگشت از حج داشته باشد هرچند عائله واجب النفقه او نباشند. [۱۱۰]

۴۰ م - شرط است در استطاعت، رجوع به کفایت [۱۱۱]؛ يعني بعد از برگشت از حج، تجارت يا زراعت يا صنعت يا منفعت ملک، مثل باغ و دکان داشته باشد به طوري که براي زندگاني به شدت و حرج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لایق به حالش هم داشته باشد کافي است [۱۱۲] و اگر بعد از مراجعت، نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعيه داشته باشد کفایت نمي کند [۱۱۳]، بنابراین بر طلاب و اهل علمي که در بازگشت از حج نیاز به شهریه حوزه هاي علمیه دارند [۱۱۴] حج واجب نیست. [۱۱۵]

۴۱ م - شرط است در وجوب حج، استطاعت بدني و استطاعت از جهت باز بودن راه و استطاعت زماني، پس بر مريضی [۱۱۶] که قدرت رفتن به حج [را] ندارد يا بر او حرج و مشقت زياد دارد، واجب نیست [۱۱۷] و بر کسي که راه براي او باز نیست يا وقت تنگ است؛ به طوري که نمي تواند به حج برسد نیز واجب نیست. [۱۱۸]

۴۲ م - اگر با وجود شرایط استطاعت، حج را ترک کرد، حج بر او مستقر مي شود [۱۱۹] و بايد بعداً به هر نحو که مي تواند به حج برود. [۱۲۰]

۴۳ م - مستطیع بايد خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمي کند، مگر در مورد مريض يا پير، به شرحي که بعداً بيان مي شود. [۱۲۱]

[۴۴] م - کسی که خودش مستطیع است نمی تواند از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج استحبابی به جا آورد، و اگر حج نیایی [۱۲۲] یا استحبابی به جا آورد باطل است. [۱۲۳]

[۴۵] م - کسی که حج بر او مستقر شد و به جا نیاورد تا فوت شد، باید از ترکه او برایش حج بدهند و حج میقاتی کفایت می کند و تا حج او را ندهند، ورثه نمی توانند در ترکه تصرف نمایند [۱۲۴] و لازم است در همان سال فوت، حج را ادا نمایند و تأخیر از آن جایز نیست [۱۲۵]، و چنان چه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است [۱۲۶] از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می شود [۱۲۷]، و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادت از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند [۱۲۸]، و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامنند، بلی اگر میت ترکه نداشته باشد، بر وارث، حج او واجب نمی شود.

[۱] آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: که قاصر باشد زمان افاقه او از اداء واجب فعلی بر او (کتاب حج ص ۲) .

[۲] آیه الله بهجت: کفایت ادراک آنچه با آن حج ادراک می شود، اگرچه اضطراری مشعر باشد، با انجام واجب از اضطراری عرفه خالی از وجه نیست (کتاب حج، ص ۳) .

[۳] آیه الله زنجانی: باید به قصد انجام امر فعلی حج را تمام کند و چنانچه در آینده مستطیع بود حجة الاسلام خود را به جا آورد.

[۴] آیه الله اردبیلی: بلکه کفایت نمی کند و همچنین است در مجنون.

آیه الله بهجت: با سایر شروط و با ادای واجبات لاحق، بدون نیاز به تجدید نیت حجة الاسلام یا تجدید نیت احرام یا نیت وجوب به مجرد کمال، و معتبر است از زمان کمال نه قبل از آن استطاعت او به قدر فراغ از واجبات حج بنابر اظهر، و در صورت ادراک حج به نحو صحیح در اجزاء عمره سابقه بر کمال از متمتع تأمل است، و احوط اعاده عمره است به قصد وظیفه بعد از اتمام حج اگر در اشهر حج باشد و اگر نباشد در سال آینده بقصد وظیفه انجام دهد عمره را با حج تمتع بنابر احوط (کتاب حج، ص ۳) .

آیه الله تبریزی: کفایت از حجة الاسلام نمی کند. بلکه اگر متمکن بود طبق مسأله ۱۶۹ مناسک، برای عمره تمتع احرام ببندد و اعمال عمره و حج را اتیان کند، کفایت می کند. و در غیر این صورت باید آن حج را تمام کند و در سال های آینده، چنانچه مستطیع بود، حجة الاسلام را به جا آورد و اگر مجنون قبل از فوت زمان عمره تمتع عاقل شود بر فرض استطاعت محرم شده و اعمال را انجام می دهد و در غیر این فرض اتمام حج بر او واجب نیست.

آیه الله خویی: کفایت از حجة الاسلام نمی کند (و تفصیلی دارند که به مناسک، مسأله ۴ رجوع شود) .

آیه الله سبحانی: بدون نیاز به تجدید نیت و احوط اعاده عمره است به قصد وظیفه فعلیه بعد از اتمام اعمال حج، هر چند احتیاط مستحب آن است که در صورت استطاعت حج را در سال های بعد اعاده کند (کتاب الحج، ج ۱، ص ۷۷).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احوط بلکه اقوی عدم کفایت از حجة الاسلام است و همچنین نسبت به مجنون، بنابراین اگر سال های بعد مستطیع بودند حجة الاسلام را به جا آورند. (مناسک عربی، ص ۱۴، مسأله ۱۴)

آیه الله فاضل: هر چند احتیاط مستحب آن است که در صورت استطاعت، حج را در سال های بعد اعاده کند (مناسک، ص ۱۰).

آیه الله مکارم: احتیاط واجب در هر دو، اعاده بعد از آن است، در صورتیکه مستطیع شوند.

[۵]. آیه الله فاضل: اگر کسی در میقات مجنون بود، همراهان او می توانند او را رجاء مثل کودک غیر ممیز محرم کنند و چنانچه قبل از درک مشعر عاقل شود کفایت از حجة الاسلام می کند. و احتیاط این است که به اذن ولی شرعی، او را محرم کنند. و احتیاط مستحب آن است که در سال های بعد اگر مستطیع شد حجة الاسلام را اعاده کند.

آیه الله زنجانی: اگر مجنون، قبل از مشعر، عاقل شود و مستطیع باشد، چنانچه بتواند احرام ببندد و پس از انجام اعمال عمره تمتع و احرام حج، مشعر را درک کند، باید به احرام عمره تمتع محرم گردد و اگر نمی تواند، به حج افراد محرم می گردد و کفایت از حجة الاسلام می کند؛ در غیر این صورت باید در اولین سالی که می تواند حج به جا آورد.

آیه الله سبحانی: و احتیاط مستحب است در سال های بعد اگر مستطیع شد اعاده کند.

[۶]. آیات عظام اردبیلی، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی: این حج کافی از حجة الاسلام می باشد.

آیه الله زنجانی: مگر در صورتی که در نیت احرام انجام وظیفه فعلیه را انشاء کرده و آن را اشتباهاً بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: در صورتی که قصد مأمور به واقعی را داشته باشد کفایت می کند.

[۷]. آیه الله اردبیلی: اقوی این است که صحت حج او متوقف بر اذن ولی نیست گرچه تصرفات مالی او بدون اذن ولی مشروع نیست و در مواردی که حج او مستلزم تصرفات مالی نیست، رفتن به حج اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: احرام صبی ممیز صحیح است و احوط در صورت استلزام تصرف در مال، اذن ولی است در صحت آن. (کتاب حج ص ۴).

آیه الله زنجانی: ولی اگر انجام حج، مستلزم تصرف در اموال کودک باشد، پس چنانچه ولی، مصلحت کودک نداند باید مانع حج رفتن کودک گردد، و در هر حال اگر حج به جا آورد صحیح است، لکن کفایت از حجة الاسلام نمی کند.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: حج برای غیر مکلف ممیز مستحب است ولی کفایت از حجة الاسلام نمی کند و اذن ولی در صحت حج او شرط نیست، اگرچه در مواردی که حج او موجب تصرف در اموالش می شود، برای تصرف، اذن ولی لازم است. (آداب و احکام حج، مسأله ۵).

آیه الله سیستانی: بعید نیست که در صحت آن اذن ولی معتبر باشد. (مناسک، مسأله ۶).

آیه الله مکارم: ولی اگر تصرف در مال خود می کند، باید به اذن ولی باشد.

[۸]. آیه الله بهجت: صحیح است احرام ولی از طفل غیر ممیز و از مجنون، و متولّی نیت احرام طفل، ولی حاضر می شود، و تمام اعمال حج را آنچه را متمکن است طفل و غیر عاقل انجام می دهد با نیت ولی و آنچه را متمکن نیست ولی از جانب او انجام می دهد از آن جمله تلبیه احرام است که اگر متمکن باشد طفل و غیر عاقل انجام می دهد با نیت ولی، وگرنه ولی نایب می شود. (کتاب حج ص ۴).

آیه الله تبریزی: استحباب احجاج، اختصاص به طفل غیر ممیز ندارد بلکه احجاج طفل ممیز هم بر ولی او مستحب است.

[۹]. آیه الله زنجانی: کودکی که در تحت سرپرستی کسی به سفر حج آمده است و خودش نمی تواند مستقلاً اعمال را به جا آورد، مستحب است که سرپرستش او را محرم کند و اگر کودک با تلقین هم نمی تواند به شکل صحیح تلبیه بگوید، آن شخص از طرف او تلبیه می گوید.

آیه الله سبحانی: این طفل را برای حج یا برای عمره محرم می کنم.

[۱۰]. آیه الله اردبیلی: مشکل است، بلکه در صورت مخالفت با ولی شرعی جایز نیست. البته در این مسأله مادر ملحق به ولی شرعی است.

آیه الله بهجت: ولی در این مقام عبارت است از ولی در مال؛ مثل اب وجدایی و وصی ایشان و حاکم و امین حاکم. و ولایت

مادر در احرام طفل و سایر اعمال حج خالی از وجه نیست. (رساله ذخیره العباد، ص ۵) .

آیه الله خویی: در صورتی که مستلزم تصرف در اموال طفل نباشد والا اذن ولی شرعی لازم است. (معتمد، ج ۱، ص ۳۶)

آیه الله زنجانی: ولی در این امر کسی است که شرعاً اختیار دارد کودک را به سفر حج ببرد؛ خواه پدر یا جد باشد یا غیر آنها.

آیه الله سیستانی: ولی طفل در این امر کسی است که حق حضانت و سرپرستی او را دارد، چه پدر و مادر او باشند و چه غیر آنها. (مناسک، مسأله ۱۱) .

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: قدر متیقن از ولی در این امر نسبت به بچه غیر ممیز،

ولی شرعی است؛ مانند پدر و جد و یا وصی یکی از آن دو، و همچنین حاکم و امین از طرف حاکم و یا وکیل یکی از آنها، و امّا غیر ولی شرعی مانند عمو و دایی و برادر، محال اشکال است، اگر چه کفیل و نگهدار بچه باشد، لکن مادر در این مورد ملحق به ولی شرعی است زیرا نسبت به او دلیل خاصی داریم، و امّا در بچه ممیز در مواردی که اجازه ولی لازم است اجازه غیر ولی شرعی کفایت نمی کند. (مناسک عربی، ص ۱۳، مسأله ۱۱) .

آیه الله سبحانی: علاوه بر ولیمادر و همچنین کسی که متکفل امور کودک غیر ممیز است می تواند کودک را محرم نماید. و در مورد اخیر احتیاطاً از ولی کودک اجازه بگیرد.

آیه الله فاضل: مقصود از ولی، همان ولی شرعی است، ولی مادر در این مورد ملحق به ولی شرعی است.

آیه الله مکارم: ولی به اذن ولی شرعی انجام می دهد.

آیه الله نوری: در غیر ولی شرعی، محل اشکال است.

[۱۱]. آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است و همینگونه است حکم مذکور در مسأله ۱۱ و ۱۲ و ۱۳.

آیه الله تبریزی: این حکم در مورد احجاج صبی است.

آیه الله زنجانی: در مورد کودکی که مستقلاً محرم شده است ولی وظیفه خاصی ندارد، امّا در مورد کودکی که ولی او را محرم کرده است موظف است که با نهی خود یا ممانعت عملی او را از محرمات احرام باز دارد؛ و در این امر فرقی بین ممیز و غیر آن نیست.

[۱۲]. آیه الله زنجانی: در غیر صید کفارہ ندارد و در صید، چنانچه ولی کودک، او را محرم کرده باشد، کفارہ بر عہدہ اوست و در غیر این صورت بر عہدہ خود طفل است.

[۱۳]. آیه الله اردبیلی: در غیر صید کفارہ بر ولی نیز واجب نیست.

آیه الله بہجت: فداء صید مولی علیہ بر ولی است (کہ با مباشرت او عمل مولی علیہ صحیح است) و کفارہ موجب ہدی بر ولی است در آنچه عمد و خطا کفارہ دارد بلکہ در آنچه عمد فقط کفارہ دارد و صبی عمداً مرتکب شد ثبوت کفارہ بر ولی کہ سبب است خالی از وجہ نیست (کتاب حج، ص ۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی: ظاہراً کفارات دیگر، در غیر صید نہ بر ولی واجب است و نہ در مال طفل، ولی کفارہ صید بر ولی واجب است. (مناسک، ص ۱۳، مسأله ۹).

آیه الله خامنہ ای: اگر غیر بالغ یکی از مُحَرَّمات احرام را مرتکب شود، چنانچه آن عمل حرام باشد، کفارہ آن بر عہدہ ولی اوست، اما در مورد کفارات دیگر، ظاہر آن است کہ پرداخت آن واجب نیست نہ بر ولی و نہ از مال خود غیر بالغ. (مناسک حج، م ۵).

آیه الله سیستانی: کفارہ صید غیر ممیز بر ولی اوست و در غیر آن، بر نابالغ کفارہ نیست؛ نہ در مال او و نہ در مال ولیش.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کفارہ صید بر ولی طفل است، و اما در وجوب سایر کفارات بر ولی اشکال است، اگر چه احوط این است کہ بر عہدہ ولی است. (مناسک عربی، ص ۱۳، مسأله ۱۳).

آیه الله مکارم: این احتیاط مستحب است.

[۱۴]. آیه الله تبریزی: قربانی بچہ غیر ممیز بر ولی او است کہ او را بہ حج بردہ و چنانچہ پول آن را نداشت و خود بچہ مالی داشت، از مال او قربانی تہیہ می کند و گرنہ ولی روزہ می گیرد.

آیه الله زنجانی: اگر کودک مستقلاً حج بہ جا می آورد قربانی بر عہدہ خود اوست و اگر ولی یا مأذون از طرف او، کودک را بہ حج آورده است، پول گوسفند بر عہدہ ولی اوست، ہر چند کودک، ممیز باشد و پول داشته باشد، و اگر ولی پول ندارد از مال کودک، قربانی تہیہ می کند و اگر کودک ہم ندارد از طرف او روزہ می گیرد.

آیه الله سبحانی: و اگر مادر طفل را محرم کند ہزینہ قربانی بر عہدہ ولی است مگر اینکہ خود مادر قبول کردہ باشد.

آیه الله سیستانی: پول قربانی بچہ غیر ممیز بر ولی اوست (مناسک، مسأله ۱۲).

آیه الله فاضل: و اگر تمکن نداشت از طرف طفل روزہ بگیرد، و چنانچہ خود ولی نیز حج تمتع انجام دادہ و فقط تمکن از یک قربانی دارد، آن را برای طفل قربانی کند و برای خودش روزہ بگیرد.

[۱۵]. آیه الله بهجت: در صورت تمکن، احوط آن است که در حال طواف، هر دو طاهر باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند و سنگ ریزه را در دست طفل یا مجنون بگذارد و ولی با آن کیفیت رمی و نیت نماید و در تمام افعال آنچه در غیر نیت می تواند انجام دهد، ولی متصدی نیت می شود (کتاب حج، ص ۴) .

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: در وقتی که می خواهد طفل را طواف دهد، واجب است او را وضو دهد، اگر چه به صورت وضو باشد. (مناسک، ص ۱۴، مسأله ۷) .

آیه الله زنجانی: برای طواف دادن کودک غیر ممیز لازم نیست که کودک یا ولی او با وضو بوده و بدن و لباسشان پاک باشد.

آیه الله فاضل: در اعمالی که نیاز به وضو دارد، احتیاطاً طفل را وضو بدهد و خودش هم وضو بگیرد.

[۱۶]. آیه الله سبحانی: در این صورت حج او مجزی است.

آیه الله فاضل: اگر از همانجا مستطیع باشد.

[۱۷]. آیه الله مکارم: و کافی است که از همان محل مستطیع باشد.

[۱۸]. آیه الله بهجت: ولو به حصول عتق قبل از وقوف مشعر به نحو متقدم، پس قبل از عتق، حج و عمره بر او واجب نیست، اگر چه زاد و راحله را مالک بذل نماید و حج با اذن مالک صحیح است ولی مجزی از حجة الاسلام نیست. (کتاب حج، ص ۵) .

[۱۹]. آیه الله خامنه ای: استطاعت ؛ که مشتمل بر چند امر است:الف) استطاعت مالی ؛ ب) استطاعت بدنی و جسمی ؛ ج) استطاعت طریقی (ایمن بودن راه ها) ؛ د) استطاعت زمانی (مناسک حج، ص ۱۳، شرط سوم) .

آیه الله زنجانی: و امنیت داشتن در سفر و اینکه تشرف به حج زندگیش را مختل نکند و مستلزم هتک حیثیت او نیز نباشد.

[۲۰]. آیه الله سیستانی: اگر به آن نیاز داشته باشد.

آیه الله سبحانی: فردی مستطیع است که علاوه بر تأمین هزینه های رفت و برگشت و اقامت در مکه و مشاعر، قدرت مالی برمقدمات حج مانند هزینه های گذرنامه و عوارض خروج و... را داشته باشد و پس از بازگشت از حج آبرومندانه زندگی کند و به اصطلاح فقها رجوع او به کفایت باشد.

[۲۱]. آیه الله بهجت: و نیز اظهر وجوب حج و تحقق استطاعت است بر کسی که فعلاً زاد و راحله را ندارد ولی می تواند به مناسبت موقعیت شغلی خود، بدون استیجار که بعداً ذکر می شود در بین راه کسب کند، و با کسب لایق به شأن، حوایج مناسب هر وقت را تحصیل نماید بدون خطر و با اطمینان به حصول، مثل خدمت کردن در کاروان به اعمالی که در غیر سفر، شغل او همان هاست (کتاب حج، ص ۹).

[۲۲]. آیات عظام بهجت، صافی، فاضل، گلپایگانی: داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود را داشته باشد. اما اگر نخواسته باشد برگردد، یا خواسته باشد در جای دیگر غیر از وطن خود ساکن شود، باید هزینه رفتن به آنجا را داشته باشد، و دارا بودن هزینه بازگشت به وطن لازم نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود یا جایی که دورتر از وطن نباشد را داشته باشد ولی اگر قصد رفتن به جایی دورتر از وطن خود را داشته باشد، داشتن هزینه برگشت به وطن کافی است (البته مقصود جایی است که از نرفتن به آنجا به حرج نمی افتد) (مناسک، مسأله ۲۲).

[۲۳]. آیه الله اردبیلی: به شرط آنکه قصد بازگشت به وطن را داشته باشد و اگر قصد داشته باشد که به محل دیگری برود و سکونت گیرند، چنانچه هزینه رفتن به آن محل از هزینه رفتن به وطن بیشتر باشد داشتن هزینه مازاد بر بازگشت به وطن شرط استطاعت نیست مگر اینکه رفتن به آن محل به جهت ضرورت و حاجت باشد.

آیه الله بهجت: به نحوی که به واسطه حج ناچار به تبدیل محل اقامت و مسکن نشود (کتاب حج، ص ۹).

آیه الله زنجانی: داشتن هزینه بازگشت در صورتی معتبر است که مکلف، نیاز به برگشت داشته باشد.

آیه الله سبحانی: اگر قصد بازگشت به غیر وطن خود را دارد، دارا بودن هزینه بازگشت به آنجا در صورتی معتبر است که بیشتر از هزینه بازگشت به وطن نباشد مگر در صورتی که پس از خروج از وطن خود، از بازگشت به آنجا ممنوع شده باشد، در این صورت دارا بودن هزینه بازگشت به محل دیگری که قصد استقرار در آنجا را دارد نیز معتبر است. (کتاب الحج، ج ۱، ص ۱۰۸)

[۲۴]. آیه الله بهجت: ضرورت شخصیه یا شأنیه.

[۲۵]. آیه الله زنجانی: داشتن ضروریات زندگی در استطاعت معتبر نیست، بلی کسی که بعضی از ضروریات زندگی خود را ندارد و مالی به مقدار مخارج حج به دست آورده که اگر آن را در راه سفر حج هزینه کند برای تهیه لوازم زندگی به مشقت شدید می افتد یا در تهیه آنها با آبروریزی مواجه می شود مستطیع نمی باشد؛ البته در صورتی که اگر حج هم نرود این مال را در تهیه ضروریات زندگیش مصرف نمی کند مستطیع می باشد.

آیه الله سبحانی: مسلماً شؤون افراد و محیط زندگی در تعیین حدود ضروریات مؤثر است.

[۲۶]. آیه الله مکارم: خواه ملکی باشد یا اجاره ای که با شؤون او سازگار باشد.

[۲۷]. آیه الله بهجت: در حدی که کافی برای شخص و شأن او باشد (کتاب حج، ص ۸ و ۲۶).

[۲۸]. آیه الله خامنه ای: شؤون عرفی اشخاص با هم متفاوت است. کسی که داشتن مسکن شخصی از ضروریات زندگی او یا عرفاً مناسب با شأن او است، و یا سکونت در منزل استیجاری یا عاریه ای و یا وقفی برای او حرج و مشقت دارد و یا موجب وهن او می شود، برای تحقق استطاعت او، داشتن خانه ملکی شرط است. (مناسک حج، م ۲۱).

آیه الله سیستانی: ... و نداشتن آن موجب حرج باشد.

[۲۹]. آیه الله صافی: و نداشتن آن حرجی باشد.

[۳۰]. آیه الله اردبیلی: ولی کسانی که اهل ساده زیستی و قناعت هستند و چنانچه به حج هم نروند لوازم زندگی معمولی را نمی خردند، هرگاه لوازم زندگی را نخریده و به حج بروند، حج آنها حجة الاسلام محسوب می شود.

آیه الله خویی: به پاورقی مسأله ۱۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: کسی که برای سفر حج باید لوازم زندگی خود را بفروشد و پس از بازگشت برای تهیه آن با مشکل روبرو می شود مستطیع نیست والا با داشتن سایر شرایط مستطیع است و به هر شکلی حج به جا آورد کافی است؛ هر چند ضروریات اولیه زندگیش را خرج سفر حج کند.

آیه الله سبحانی: اگر پس از بازگشت با عسرت و سختی زندگی کند چنین فردی مستطیع نمی باشد.

[۳۱]. آیه الله اردبیلی: و قصد ازدواج نیز دارد.

آیه الله خامنه ای: و ترک ازدواج موجب مشقت یا حرج او شود و بتواند ازدواج کند. (مناسک حج، م ۱۵).

آیه الله زنجانی: چنانچه انجام حج باعث شود که برای تهیه مخارج ازدواج به مشقت شدید بیفتد یا به کارهایی که موجب وهن اوست، مجبور شود مستطیع نمی باشد؛ بلی اگر این مال را در امر ازدواج مصرف نمی کند مستطیع است.

آیه الله سبحانی: کسی که امکان مالی برای حج دارد ولی ازدواج نکرده و به آن نیازمند است ازدواج او مقدم بر حج است خواه زندگی بدون ازدواج برای او سخت باشد یا نباشد.

آیه الله فاضل: بهطوری که ترک ازدواج موجب مشقت یا ضرر باشد.

آیه الله نوری: به طوری که اگر متأهل نشود به زحمت می افتد یا به حرام افتد در صورتی...

[۳۲]. آیه الله اردبیلی: هرچند در صورت ترک ازدواج یا تأخیر در آن دچار حرج یا بیماری یا انجام کار حرام نشود.

آیه الله بهجت: اگر در ترک نکاح مشقت غیر قابل تحمل به حسب عادت بود یا خوف مرض یا خوف وقوع در حرام بود، اظهر جواز صرف در نکاح است و همچنین اگر قبل از رسیدن وقت سیر کاروان حج، صرف در نکاح کند، اما بعد از رسیدن وقت سیر نمی تواند صرف در نکاح نماید، به نحوی که متمکن از حج در آن سال نمی شود نه در صورت تمکن از جمع بین آن دو. (کتاب حج، ص ۱۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود، حج بر

او واجب نمی شود، و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می شود. آیه الله خویی: اضافه فرمود: بلی اگر بنابر صرف نکردن آن مال در نیاز خود داشت حج بر او واجب است. (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۲۳۴).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر ترک تزویج مستلزم حرج باشد به نحوی که عرفاً بگویند مستطیع نیست واجب نمی شود و الا حج بر او واجب و مقدّم است. (مناسک عربی، ص ۱۸، مسأله ۳۲).

آیه الله مکارم: منظور از نیاز این نیست که به خاطر ترک آن به عسر و حرج بیفتد بلکه همین اندازه که ازدواج از شؤون زندگی او باشد کافی است.

[۳۳]. آیه الله زنجانی: کسی که تمام هزینه حج را ندارد ولی از دیگری به مقدار مورد نیاز حج طلبی دارد که وقت پرداخت آن است چنانچه مدیون بتواند بدهی خود را بپردازد و طلبکار نیز بتواند بدون مشقت و آبروریزی به طلب خود برسد مستطیع بوده حج بر او واجب می شود و اگر انجام حج متوقف بر مطالبه قرض باشد مطالبه آن نیز واجب می گردد و چنانچه بتواند طلب خود را به مبلغ کمتری بفروشد و پول آن به مقدار مورد نیاز حج باشد، چنانچه این کار بر او مشقت شدید نداشته باشد مستطیع بوده حج بر او واجب می گردد؛ هر چند در این فروش ضرر کند.

[۳۴]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و نیز می تواند ولو با کمک غیر و اقامه دعوی در نزد حاکم شرع و یا با رجوع به حاکم غیر شرعی - در صورتی که استیفای حق، موقوف بر آن باشد، بنابر اقوی - آن را وصول نماید، گرفتن و رفتن به حج واجب است. (احکام و آداب حج، مسأله ۲۹).

[۳۵]. آیه الله سبحانی: و گرفتن طلب چندان مشکل نیست در این صورت باید طلب خود را مطالبه کند و به حج برود مگر اینکه بدهکار طلب او را نپردازد.

آیه الله سیستانی: مستطیع است و واجب است حج برود هر چند با مطالبه و صرف آن مال در حج باشد و همچنین است اگر بدهکار دارا باشد و نپردازد ولی بتواند هر چند با رجوع به حاکم جور حق خود را بگیرد یا بدهکار منکر باشد ولی بتواند آن را اثبات کند و بگیرد یا بتواند از اموال او از باب تقاص بردارد.

[۳۶]. آیه الله بهجت: اگر تحصیل آن، متوقف بر مراجعه به دادگاه اگر چه حاکم جور باشد، لازمست مراجعه نماید در صورتی که

موجب ضرر و حرج فوق حد مسامحه نباشد، و در تضرر مالی غیر مجحف و نیز ضرر حالی مثل ذلت نفس و نقص جاه نزد حاکم جور تأمل است و اقرباً وجوب مطالبه است با عقلایی بودن تن دادن به این ضرر با قطع نظر از تکلیف به حج (کتاب حج، ص ۱۰).

[\[۳۷\]](#) آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در این مسأله قائل شده اند که اگر بتواند دین را بفروشد و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد و برای او مشقت نداشته باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

آیه الله سیستانی: اگر بتواند دین را بفروشد به نحوی که اجحاف در حق او نباشد، و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

آیه الله فاضل: اگر بتواند دینش را به مقدار کمتر بفروشد در صورتی که موجب ضرر و مشقت نباشد. و این مقدار برای حج کافی باشد مستطیع است و باید حج انجام دهد.

[\[۳۸\]](#) آیه الله اردبیلی: مگر اینکه بداند به صرف ابراز، مدیون بدون هیچ حرجی طلب وی را می پردازد و مطالبه هم مخالف با شأن او نباشد.

[\[۳۹\]](#) آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: در صورتی که اگر مطالبه کند بدهکار خواهد پرداخت، باید مطالبه کند و به حج برود.

آیه الله سیستانی: اگر مهلت داشتن قرض به نفع بدهکار باشد همچنان که معمولاً چنین است.

آیه الله صافی: حکم مسأله در صورتی که فروش دین مؤجل به نقد ممکن نباشد والا فروش آن مانند فروش سایر اموال واجب است.

آیه الله فاضل: مگر آنکه یقین باشد که اگر مطالبه کند مدیون حاضر به پرداخت آن می شود، که در این صورت مطالبه لازم است.

آیه الله گلپایگانی: و اگر شک داشته باشد که مدیون با مطالبه می پردازد یا نه، به جهت آنکه احتمال استطاعت می دهد، و تمکن از فحص دارد، احتیاط در مطالبه است، و مطالبه در این فرض فحص از استطاعت است، نه تحصیل استطاعت. (آداب و احکام حج، مسأله ۲۹).

آیه الله مکارم: اگر مطالبه محذوری ندارد باید مطالبه کند.

[۴۰]. آیه الله اردبیلی: اگر هنگامی که آن پول را قرض می گیرد، طلبی داشته باشد که به اندازه مخارج حج او باشد، چنانچه قرض کند و به حج برود حجة الاسلام محسوب می شود، هر چند قرض کردن واجب نیست.

آیه الله سبحانی: البته این نوع حج نیز از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

[۴۱]. آیه الله خامنه ای: کسی که هزینه رفتن به حج را در اختیار ندارد، اما می تواند قرض بگیرد و سپس به سادگی قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر او واجب می شود. (مناسک حج، م ۱۳)

[۴۲]. آیه الله بهجت: قرض گرفتن برای حج تحصیل استطاعت است و واجب نیست. مگر آنکه مالی داشته باشد بالفعل که می تواند پس از حج با فروش و استبدال آن ادای دین کند که در این صورت قرض گرفتن واجب است با عدم تمکن از فروش آن قبل از حج و اگر مالی که با آن ادای دین می نماید بعد از حج تحصیل می شود، پس در وجوب حج فعلاً تأمل است (کتاب حج، ص ۱۱).

آیه الله تبریزی: هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد و در وقت قرض کردن مالی داشته باشد که بتواند با آن قرض خود را ادا کند ولی فعلاً نمی تواند آن را بفروشد یا در آن تصرف کند حج بر او واجب خواهد بود (مناسک، مسأله ۳۳).

آیات عظام خویی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد، و قدرت پرداخت آن را بدون مشقت (آیه الله زنجانی: مشقت شدید) بعد از آن داشته باشد، حج بر او واجب خواهد بود.

آیه الله سیستانی: مگر آنکه وقت پرداخت قرض آنقدر دور باشد که اصلاً عقلاً به آن توجه نکنند. که در این صورت حج بر او واجب خواهد شد. (مناسک، مسأله ۳۳).

[۴۳]. آیه الله بهجت: از حقوق الناس.

آیه الله سبحانی: هرگاه فرد مستطیع به شخصی بدهکار است ولی وقت آن نرسیده اگر مطمئن باشد چنانچه به حج برود می تواند بدهی خود را بپردازد برچنین فردی حج واجب است.

[۴۴]. آیه الله زنجانی: چنانچه هزینه کردن این پول در سفر حج باعث می شود که نتواند بدهی خود را بپردازد، یا پرداخت بدهی با مشقت شدید یا با وهن او همراه می گردد، مستطیع نیست والا مستطیع می باشد؛ و فرقی بین بدهی مدتدار و غیر آن نیست. و در هر حال اگر بدهی خود را نمی پردازد حج بر او واجب می گردد و کفایت از حجة الاسلام می کند.

[۴۵]. آیه الله اردبیلی: و اذن به تأخیر هم بدهد.

[۴۶]. آیه الله بهجت: بنابر عدم فعلیت وجوب ادا مگر بعد از مطالبه (کتاب حج، ص ۱۱) .

آیه الله تبریزی: در صورتی حج واجب می شود که بدون حج و مشقت قادر به ادا باشد.

آیه الله خویی: بلی اگر دین خود را ادا نکند حج بر او واجب است و به هر حال اگر چنین فردی حج به جا آورد مجزی از حجة الاسلام می باشد. (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۲۳۶) .

آیه الله سبحانی: حج بر او واجب نمی شود مگر اینکه بدهی او مدتدار باشد و مدت آن به قدری طولانی باشد که اطمینان عرفی به تمکن از ادای بدهی در مدت یاد شده را داشته باشد مثل کشاورزی که بدهی مدتدار برای پنج سال بعد دارد و می داند که با درآمد یک سال کشاورزی خود به راحتی بدهی خود را می تواند ادا کند. (کتاب الحج، ج ۱، ص ۱۲۸)

[۴۷]. آیه الله سیستانی: اگر انسان مال وافی به هزینه حج را داشته، و به همان مقدار هم مقروض باشد، بنابر اظهر حج بر او واجب نخواهد بود، و همچنین اگر کمتر از آن مقدار، مقروض باشد، به طوری که اگر مقدار قرض برداشته شود، باقیمانده آن وافی به هزینه حج نباشد، که در این صورت هم حج بر او واجب نخواهد بود، و فرقی نیست بین اینکه وقت پرداخت بدهی رسیده باشد یا نه، مگر اینکه آن قدر، وقت پرداخت دور باشد که اصلاً عقلاً به آن توجه نکنند؛ مانند پنجاه سال. (مناسک، مسأله ۳۴) .

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اگر می داند که طلبکار از طلب خود خواهد گذشت، و یا بنابر مسامحه دارد (مثل مهریه بعض زنان) چنین دینی مانع استطاعت نیست. (احکام و آداب حج، مسأله ۳۴) .

آیه الله فاضل: یعنی مخیر است بین انجام حج و ادای دین و در صورت انجام حج کفایت از حجة الاسلام می کند.

[۴۸]. آیه الله بهجت: یا کفاره یا نذر (کتاب حج، ص ۱۰) .

[۴۹]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حکم سایر دیون را دارد الا اینکه عین مال متعلق خمس و زکات باشد، که در صورتی مستطیع می شود که غیر از آنها مخارج حج را داشته باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حکم سایر دیون را دارد، الا اینکه عین مال متعلق خمس و زکات باشد که مقدم بر سایر دیون است.

آیه الله فاضل: یعنی بر ذمه او تعلق گرفته است.

[۵۰]. آیه الله اردبیلی: و یا اینکه از ولی خمس اجازه بگیرد تا خمس را به تأخیر بیندازد و بعد از حج از مالی که به دست می آورد و می داند که به مقدار بدهی اش خواهد بود، خمس را بپردازد.

آیه الله زنجانی: البته اگر خمس یا زکات در اموالش نباشد بلکه بر عهده او آمده در صورتی که خمس و زکات را نپردازد یا اگر علاوه بر آنها هزینه حج را نیز داشته باشد، مستطیع است.

[۵۱]. آیه الله تبریزی: اگر می داند در همان سال سایر شرایط استطاعت حاصل می شود، حفظ استطاعت مالی لازم است و گرنه لزوم ندارد و اگر اطمینان به زوال عذر تا آخر عمر ندارد، بنابر احتیاط در همان سال نایب بگیرد و چنانچه عذرش زایل شد و استطاعت مالی باقی بود بنابر احتیاط دوباره خودش حج به جا آورد.

آیه الله سبحانی: استطاعت بدنی شرط مباشرت است این افراد با یأس از بهبودی باید نائب بگیرند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صحت بدن استطاعت ندارد و امید خوب شدن ندارد واجب است نایب بگیرد، بلکه احوط نایب گرفتن است برای کسی که امید خوب شدن دارد، پس اگر رفع عذر شد، خودش نیز به حج برود، مگر اینکه پس از رفع عذر استطاعت مالی نداشته باشد. (مجمع المسائل، ج ۱، مسأله ۱۸ ص ۴۳۱) .

[۵۲]. آیه الله اردبیلی: و از تمکن در آینده نیز مأیوس است.

آیه الله خویی: اگر دارا و ثروتمند است و توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد یا دشوار و بامشقت است باید نایب بگیرد. و وجوب نایب گرفتن، مانند وجوب حج فوری است. (مناسک، مسأله ۶۳).

آیه الله زنجانی: اگر احتمال می دهد که بتواند در آینده همزمان با متعارف مردم منطقه، به حج مشرف شود - ولو با تحصیل استطاعت طریقی و بدنی و... - فوریت حج از او ساقط است، ولی باید استطاعت از جهات غیر مالی را تحصیل کند تا بتواند به حج مشرف گردد و اگر راه انجام حج منحصر به استفاده از این پول باشد تا نیاز مبرمی پیش نیامده نباید آن را مصرف کند؛ لکن اگر ضرورتی پیش آمد و مال را مصرف کرد از استطاعت می افتد، لذا در کشورهایی که - مانند ایران - باز شدن راه حج، منحصر به ثبتنام است بر کسی که استطاعت مالی دارد ثبتنام واجب است. و کسی که استطاعت مالی دارد چنانچه از پیدا کردن استطاعت از جهات دیگر ناامید است باید با قصد قربت برای حج در اولین سال ممکن نایب بگیرد و این حج کفایت از حجة الاسلام می کند، هر چند عذر او برطرف شود؛ و فرقی بین بیماری و غیر آن نیست؛ و در هر حال کسی که استطاعت مالی دارد اگر با تحمل حرج، خودش حج به جا آورد مجزی است.

آیه الله سیستانی: کسی که تمکن مالی دارد ولی توانایی مباشرت حج را ندارد و امید اینکه بتواند در آینده انجام دهد ندارد، واجب است نایب بگیرد و اگر مباشرت برای او حرج و مشقت داشته باشد، می تواند نایب بگیرد، گرچه مباشرت افضل است و به هر حال همچنان که وجوب مباشرت فوری است، وجوب استنابه نیز فوری است.

آیه الله مکارم: یعنی در موقع حج استطاعت بدنی و باز بودن راه را ندارد.

[۵۳]. آیه الله بهجت: در صورتی که موضوع وجوب استنابه، که یأس از رفع مانع است، محقق نشده باشد. (کتاب حج، ص ۱۸ و ۱۹).

آیه الله گلپایگانی: بلی اگر علم داشته باشد که در آن سال متمکن از رفتن به حج است، جواز مصرف کردن وجه در غیر حج (خصوصاً در اوان خروج مردم برای حج) مشکل است، و اگر استطاعت مالی بعد از استطاعت طریقی حاصل شده باشد، تصرف در آن مال در زمانی که مردم آماده برای حج می شوند جایز نیست. (آداب و احکام حج، مسأله ۳۷).

[۵۴]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

[۵۵] آیه الله اردبیلی: هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، حج بر او واجب می شود و جایز نیست در آن مال تصرفی کند تا از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند. و این تصرف خواه پیش از تمکن از سفر باشد یا بعد از آن فرقی ندارد، بلکه ظاهر این است که قبل از ماه های حج تصرف جایز نیست مشروط بر اینکه احتمال عقلایی بدهد که بعداً بتواند با این مال به حج برود.

آیه الله فاضل: حتی اگر اول ماه محرم باشد که هنوز چندین ماه به موسم حج باقی است.

[۵۶] آیه الله سبحانی: نمی تواند خود را از استطاعت نسبت به همان سال خارج کند حتی اگر ماه های حج نرسیده باشد اما حفظ استطاعت نسبت به سال های بعد لازم نیست مگر اینکه به خاطر زیادی زائر، دولت ناچار باشد افراد را به صورت تدریجی به حج اعزام کند. در این صورت احتیاطاً باید تمکن مالی خود را حفظ کند. (کتاب الحج، ج ۱، ص ۱۵۸)

[۵۷] آیه الله بهجت: هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، می تواند قبل از وقت حرکت قافله آن را در مصارف خود خرج کند هر چند دیگر نتواند به حج برود ولی در صورتی که آن مال را به طور نسبی تا زمان بعد از حج بفروشد و منظور فرار از استطاعت باشد، احتیاط این است که اقدام به این عمل ننماید. و اگر نموده با خود معامله مستطیع کند به اینکه سال آینده به حج برود با احتیاطاتی که سبب قطع به اجزاء از حجة الاسلام است (یعنی احتیاطاً سعی در تحصیل و حفظ استطاعت شرعی برای خود در وقت سیر کاروان در سال آینده بنماید نه صرف استطاعت عقلیه) و اگر معامله نه برای فرار است بلکه برای حاجت فعلی است که متمکن از برآورده شدن آن نمی شود، مگر بعد از وقت سیر یا وقت حج اظهر جواز آن است (کتاب حج، ص ۱۱).

آیه الله خویی: هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، حج بر او واجب می شود و جایز نیست در آن مال تصرفی کند که از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند. و این تصرف خواه پیش از تمکن از سفر باشد یا بعد از آن فرقی ندارد، بلکه ظاهر این است که قبل از ماه های حج تصرف جایز نیست.

آیه الله سیستانی: در تفصیل تمکن از مسیر می فرمایند: اگر در آن تصرفی کند که از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند، و برای او مشخص شده باشد که قدرت رفتن به حج در روزهای آن را داشته باشد، بنابر اظهر حج در ذمه او مستقر است، ولی اگر قدرت رفتن برای او مشخص نشده باشد، حج در ذمه او مستقر نیست. (مناسک، مسأله ۳۹).

[۵۸] آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: تصرف در مال جایز نیست و واجب است مال را حفظ کند و خود را از استطاعت خارج نکند. (حاشیه بر عروة الوثقی).

آیه الله سبحانی: در صورتی که تنها راه تشرّف به حج صبر کردن در نوبت به مدت چند سال باشد، نمی تواند خود را از استطاعت

خارج کند.

آیه الله صافی: اگر اطمینان دارد که در سال های دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می کند بنا بر احتیاط نمی تواند در مال تصرف کند.

آیه الله گلپایگانی: اگر اطمینان دارد در سال های بعد از آن جهات استطاعت پیدا می کند نمی تواند در مال تصرف کند.

[۵۹]. آیه الله اردبیلی: مگر اینکه باز شدن راه در سال های بعد با پرداختن هزینه در سال های قبل میسر شود.

آیه الله خامنه ای: کسی که مستطیع شده، نمی تواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج، صرف کند، خود را از استطاعت خارج نماید. بلکه احتیاط واجب آن است که قبل از آن زمان نیز خود را از استطاعت خارج نکند. (مناسک حج، م ۳۲)

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۶۰]. آیه الله زنجانی: به قدری زیاد باشد که در تهیه آن مشقت شدید یا هتک حیثیت باشد...

[۶۱]. آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: اگر ضرر زاید بر مقدار متعارف و موجب اجحاف باشد، ولو موجب حرج و مشقت هم نشود، حج واجب نیست و اما اگر هزینه و مخارج حج بالا برود و مثلاً کرایه ماشین در سال استطاعت گران تر از سال بعد باشد تأخیر جایز نیست و باید همان سال برود. (معتمد ج ۱، ص ۹۵ و مناسک مسأله ۲۱).

[۶۲]. آیه الله بهجت: اگر هزینه و مخارج حج بالا برود و به حد غیر عقلایی نرسد و مثلاً کرایه ماشین در سال استطاعت گران تر از سال بعد باشد تأخیر جایز نیست و باید همان سال برود. (مناسک، م ۱۸).

آیه الله گلپایگانی: مگر آنکه ضرر به نحوی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

[۶۳]. آیه الله خامنه ای: ولی اگر توانایی پرداخت مازاد را ندارد یا پرداخت آن اجحاف بر او باشد واجب نیست آن را بپردازد و مستطیع نیست. (مناسک حج، م ۱۶)

آیه الله مکارم: بهطوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

[۶۴]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر خانه وقفی و یا غیر وقفی در اختیار اوست؛ بهطوری که کسر شأن او نبوده و بدون سختی و حرج، از داشتن خانه دیگر بی نیاز است و احتمال از دست رفتن آن خانه نیست، اگر خانه ملکایی دارد که قیمت آن وافی به مخارج حج و یا تتمیم آن باشد، واجب است خانه ملکي خود را فروخته و صرف مخارج حج کند، و همچنین است نسبت به دیگر چیزهایی که مورد نیاز بوده، و از غیر راه ملکیت رفع احتیاجش شده باشد. (آداب و احکام حج، مسأله ۲۴).

آیه الله سبحانی: که زاید بر مؤونه زندگی است.

[۶۵]. آیه الله بهجت: اگر حرجی یا ضرری نباشد (کتاب حج، ص ۸).

آیه الله تبریزی: اگر بخواهد حج نماید باید آن را به مقدار زیادی کمتر از قیمت بفروشد، فروشش واجب نیست. (مناسک، مسأله ۲۱).

آیه الله خویی: اگر باعث ضرر کلی شود فروشش واجب نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: مگر اینکه اجحاف بر او باشد. (مناسک عربی، مسأله ۲۱).

[۶۶]. آیه الله سبحانی: تفاوت قیمت به قدری زیاد باشد که عرفاً تحمل آن برای او حرجی به شمار آید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اجحاف و ضرر به حدی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

آیه الله مکارم: بهطوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

[۶۷]. آیه الله زنجانی: مشقت شدید یا هتک حیثیت.

[۶۸]. آیه الله خامنه ای: حکم مسأله قبل را دارد. (مناسک حج، م ۱۶)

آیه الله سبحانی: مگر اینکه نوعی اجحاف و خسارت غیر قابل تحمل برای او باشد.

[۶۹]. آیه الله بهجت: به حاشیه مسأله ۱۶ مراجعه شود.

آیه الله خویی: اگر با فروش آنها به حرج نمی افتد، حج واجب است. (مناسک، مسأله ۲۲).

آیه الله سبحانی: واگر بفروشد با پول آن می تواند هزینه حج خود را تأمین کند، چنین فردی مستطیع است.

[۷۰]. آیه الله سبحانی: فروش کتب ملکی حتی در صورت وجود کتب موقوفه برای حج واجب نیست. چون کتب موقوفه عرفاً جایگزین کتب ملکی در رفع نیاز نمی باشد. (کتاب الحج، ج ۱، ص ۱۲۵)

آیه الله نوری: که در پیش او است.

[۷۱]. آیه الله سیستانی: و استفاده از آنها بر او حرجی نباشد. (مناسک عربی، مسأله ۲۴).

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: و منافات با شأن او نداشته باشد و موجب حرج بر او نباشد.

آیه الله مکارم: به طوری که هر ساعت نیاز داشته باشد، بدون زحمت در اختیار او قرار بگیرد.

[۷۲] آیه الله اردبیلی: فروش کتاب های ملکی برای رفتن به حج واجب نیست ولو اینکه کتب موقوفه در دسترس باشند.

[۷۳] آیه الله اردبیلی: بلکه وجوب آن خالی از قوت نیست.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی: لازم نیست فحص و تحقیق کند هر چند احوط است.

آیه الله بهجت: اضافه ای دارد مگر اینکه عسر و حرج باشد. (مناسک، مسأله ۳۴).

آیه الله خامنه ای: ملاک استطاعت برای حج، توانایی ادای آن به نحو متعارف بین مردم است و اگر کسی اعتقاد دارد که به این نحو استطاعت ندارد لکن احتمال می دهد که اگر تحقیق و تلاش کند بتواند راهی بیابد که با وضع مالی فعلی اش مستطیع از انجام حج شود، واجب نیست تحقیق نماید. ولی اگر شک در استطاعت داشته باشد و بخواهد بداند که آیا مستطیع شده یا خیر، ظاهراً واجب است وضعیت مالی خود را بررسی کند. (مناسک حج، م ۱۷)

[۷۴] آیه الله اردبیلی: نذرش در صورتی صحیح است که در زمان خواندن صیغه نذر، مستطیع نباشد و در همان سال نیز مستطیع نشود وگرنه نذرش باطل است. بنابراین هرگاه با وجود چنین نذری بعداً مستطیع شود، باید حج به جا بیاورد و عمل به نذر، لازم نیست؛ پس در صورت مستطیع شدن حتی اگر معصیت کند و به حج نرود، عمل نکردن به نذر، کفاره ندارد.

آیه الله زنجانی: اگر عمل به نذر باعث شود که دیگر نتواند حج به جا آورد حتی در آینده، نذر منعقد نمی شود، ولی اگر عمل به نذر تنها باعث تأخیر حج می شود، چنانچه قبل از حصول استطاعت، نذر کرده باشد باید به نذر عمل نماید و اگر عمل نکرد حج بر او واجب می شود و چنانچه قبل از نذر، استطاعت مالی پیدا کرده باشد باید حج به جا آورد، ولی اگر حج به جا نیاورد باید به نذرش عمل کند.

[۷۵] آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: نذر منحل می شود و باید به حج برود.

آیه الله سبحانی: اگر پس از نذر مستطیع شود باید عمل به نذر را بر حج مقدم بدارد ولی اگر مستطیع بود و بعداً نذر کرد در این صورت حج بر نذر مقدم می باشد.

[۷۶]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در این صورت عمل به نذر واجب نیست، بنابراین تخلف از نذر موجب کفاره نمی شود.

[۷۷]. آیه الله سبحانی: در صورتی که نذر قبل از استطاعت بوده و تخلف کرده، باید کفاره نذر بدهد.

آیه الله مکارم: نذر منعقد نیست و کفاره ندارد.

[۷۸]. آیه الله سبحانی: باید به حج برود مگر اینکه واجبی که ترک می کند یا گناهی که انجام می دهد اهمیت بالاتری داشته باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و یا موجب از بین رفتن مال معتد به (قابل توجه) بدون عوض شود. (آداب و احکام حج، مسأله ۷۶).

[۷۹]. آیه الله زنجانی: باید حج به جا آورد؛ مگر آنکه انجام تکلیف دیگر تنها موجب تأخیر حج می شود نه از بین رفتن اصل آن، که در این صورت، اول آن تکلیف و سپس حج را به جا می آورد و اگر هر دو مساوی باشند یا اهمیت حج کمتر باشد چنانچه آن تکلیف را به جا آورد و بعد از آن استطاعت حج را نداشته باشد مستطیع نیست و الا مستطیع می باشد.

[۸۰]. آیه الله اردبیلی: در مقام بررسی اهمیت باید به مسأله فوریت هم توجه داشت. گاه ممکن است کار واجبی با آنکه در اصل، اهمیتش کمتر از حج است، ولی با رفتن به حج زمان آن فوت می شود همچنان که عکس آن نیز تصوّر می شود.

آیه الله تبریزی: اگر فقط احتمال اهمّیت در حج باشد حج مقدّم است و گرنه باید حرامی را که حج بر آن توقف دارد ترک کند و چنانچه ارتکاب حرام بعد از شروع در حج باشد مجزی از حجّه الاسلام نیست و اگر حج متوقف بر ترک واجب باشد نظر ایشان موافق نظر آیه الله خویی است.

آیه الله خویی: در فرض تساوی و یا احتمال اهمّیت در هر یک مخیر بین آنها است و اگر در یکی از آنها احتمال اهمّیت می دهد آن مقدم است.

آیه الله سیستانی: در صورت تساوی مخیر است.

[۸۱]. آیه الله اردبیلی: در صورتی که ارتکاب حرام یا ترک واجب پس از احرام باشد، صحت حج او محل اشکال است.

[۸۲]. آیه الله گلپایگانی: اگر بهطور جزم، قصد حج استحبابی کرده است کفایت آن از حَجَّة الاسلام خالی از اشکال نیست. (آداب و احکام حج، مسأله ۷۸).

[۸۳]. آیات عظام اردبیلی، تبریزی، خویی، صافی، مکارم: کفایت می کند.

آیه الله زنجانی: مگر در صورتی که احتمال وجوب می داده و در نیت احرام، انجام وظیفه فعلیه را انشاء کرده و آن را اشتباهاً بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

[۸۴]. آیه الله سبحانی: به ذیل سؤال ۶۷ مراجعه شود.

[۸۵]. آیه الله فاضل: تعهد نسبت به عائله و اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل شرط نیست.

[۸۶]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر نمی تواند نفقه عیال را تأمین کند، چه به حج برود و چه نرود، بذل نفقه عیال شرط نیست.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه نفقه عائله اش را تا زمان برگشت داشته باشد یا اینکه فرق نمی کند، چه حج برود و چه نرود نفقه آنها را نمی تواند تأمین کند یا از عدم تأمین نفقه آنها در حج نمی افتد یا عائله واجب النفقه او نیستند که در این موارد بذل

نفقه عائله شرط وجوب حج نیست. (مناسک عربی، مسأله ۴۳).

[۸۷]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل، شرط نیست، ولی اگر وثوق و اطمینان به رجوع و عدم وفای باذل دارد حج واجب نمی شود.

آیه الله سبحانی: فردی که تعهد می کند هزینه سفر حج دیگری را بپردازد نمی تواند بعد از شروع سفر او از تعهد خود باز گردد.

[۸۸]. آیه الله نوری: به شرطی که قبول این بذل برای او مستلزم ذلت و متت نباشد.

[۸۹]. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: در این مسأله فرقی بین اباحه (در اختیار گذاشتن) و تملیک و دادن عین مال و یا قیمت آن نیست.

آیه الله سیستانی: اباحه ای که برای اباحه کننده آن قابل برگشت باشد شرعاً، و تملیک متزلزلی که از طرف مقابل قابل فسخ بوده باشد شرعاً، موجب حصول استطاعت نمی شود مگر اینکه اطمینان داشته باشد که از اباحه اش صرف نظر نمی کند یا تملیکش را فسخ نمی نماید. (مناسک، مسأله ۲۹-۴۰-۴۳).

[۹۰]. آیه الله بهجت: بلی داشتن مؤونه عیال تا وقت رجوع شرط است مگر آنکه با نرفتن حج نیز عیال او در مضیقه بهسر برند و رفتن حج تأثیری در این جهت نداشته باشد. (مناسک، ص ۱۹، مسأله ۴۲).

آیه الله زنجانی: حج بذلی مانند حج استطاعتی است؛ یعنی اگر کسی تنها مخارج حج را بذل کند - نه مخارج عائله را - چنانچه انجام حج مستلزم اختلال در تأمین زندگی خود یا کسانی که شرعاً یا عرفاً واجب النفقه او هستند نباشد مستطیع است. بلی، کسی که به باذل، مطمئن نیست و احتمال می دهد که از بذل برگردد یا به عهد خود وفا نکند چنانچه می ترسد که این امر باعث بروز □
□ مشکلی برای او شود مستطیع نیست و اگر نمی ترسد از نظر حکم ظاهری مستطیع است.

آیه الله سیستانی: ولی اگر خودش مقداری از مصارف حج را داشته باشد و بقیه را به او بذل کنند در این صورت رجوع به کفایت

شرط است. (مناسک، مسأله ۴۵).

[۹۱]. آیه الله سبحانی: با پرداخت هزینه عائله از طرف باذل به مبذول له این قید منتفی است.

آیه الله سیستانی: بلی اگر در آمدش در خصوص روزهای حج باشد و با درآمد آن در بقیه روزهای سال یا بعضی از آنها زندگی می کند، بهطوری که اگر به حج برود قدرت تأمین هزینه زندگی در بقیه یا بعضی از روزهای یاد شده نداشته باشد. در این صورت حج بر او واجب نخواهد بود، مگر اینکه مخارج زندگیش را در بقیه روزهای سال هم بدهند که در این صورت واجب خواهد بود. (مناسک، مسأله ۴۵).

آیه الله مکارم: یا مستلزم مٹ و هتک او باشد.

[۹۲]. آیه الله بهجت: واجب نیست قبول نماید و در صورت قبول، استطاعت بذلیه محقق است و استطاعت مالیّه است در دو صورت بعد. (مناسک، مسأله ۴۳).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: چنانچه مال کافی برای مؤونه حج باشد و یا به مقداری است که به ضمیمه اموال خود شخص استطاعت حاصل می شود، حج بر او واجب و کافی از حجة الاسلام است. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۷).

آیه الله نوری: مگر اینکه در قبول، ذلت و مهانت برای او باشد که در این صورت قبول واجب نیست.

[۹۳]. آیه الله اردبیلی: بلکه در این صورت قبول واجب نیست، مگر اینکه بقیه شرایط استطاعت از جمله رجوع به کفایت را دارا باشد که در این صورت قبول مال واجب است و حج بذلی محسوب نمی شود و همینطور است اگر فقط مال را به او ببخشد و اسم حج را نیاورد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و اگر واهب (بخشنده) اختیار را به انسان بدهد و بگوید می خواهی با این مال حج برو و نمی خواهی به حج نرو و یا مالی را ببخشد و نامی از حج نبرد، قبولش واجب نیست.

[۹۴]. آیه الله زنجانی: در هر سه صورت با داشتن سایر شرایط مستطیع است.

آیه الله خامنه ای: لکن اگر قبول کرد، حج بر او واجب می شود. (مناسک حج، م ۲۹)

آیه الله سبحانی: اگر مالی را به او ببخشد واسمی از حج نیاورد باید بپذیرد و به حج برود.

آیه الله مکارم: بلکه قبول واجب است به شرط اینکه به هنگام بازگشت، زندگی او تأمین باشد.

[۹۵]. آیه الله اردبیلی: مگر اینکه بخشش به قصد قربت یا به یکی از خویشاوندان باشد که در این صورت بخشش، لازم است و حق ندارد آن را پس بگیرد و اگر رجوع بخشنده مال، موجب اهانت یا اذیت و آزار مبذول له بشود، حتی در مواردی که می تواند مال را پس بگیرد، مرتکب عمل حرام شده است.

[۹۶]. آیه الله زنجانی: و بدون اتمام سفر نتواند به وطن بازگردد، باذل باید مخارج اتمام سفر را بپردازد.

[۹۷]. آیه الله بهجت: و بنابر اظهر، نفقه بازگشت از محلّ اعلام رجوع که زاید بر نفقه وطن است، بر باذل است. (مناسک، ص ۲۲، مسأله ۵۱).

[۹۸]. آیه الله بهجت: اظهر عدم جواز رجوع است. (مناسک، مسأله ۵۱).

آیه الله تبریزی: باذل ضامن نفقه برگشتن او نیست همانطور که در صورت رجوع بعد از احرام، نفقه اتمام حج را هم ضامن نمی باشد گرچه اتمام بر او واجب است مطلقاً.

آیه الله سبحانی: بعد از احرام رجوع جایز نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بعد از احرام احوط ترک رجوع است و نسبت به رجوع به عین مبذوله، تفصیلی در مناسک عربی موجود است.

آیه الله فاضل: اگر اتمام واجب باشد باید نفقه اتمام حج را نیز بپردازد، اما وجوب اتمام در این فرض محل تأمل است.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب آن است که بعد از احرام رجوع نکند.

[۹۹]. آیه الله خویی: در صورتی که اتمام آن بر مبذول له واجب باشد. و آن در جایی است که آنچه تاکنون به او بذل شده و او صرف نموده، با ضمیمه به اموال خود موجب استطاعت او باشد.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از احرام باذل رجوع کند، مبذول له باید حج را تمام کند، اگر بر او حرجی نباشد هر چند فعلاً مستطیع نباشد و باذل ضامن مصرف اتمام حج او و بازگشتش می باشد.

[۱۰۰]. آیه الله زنجانی: به حسب ظاهر وعده بذل حج، پول قربانی و کفاراتی که ارتکاب سبب آن از لوازم متعارف حج است - مانند استتلال در روزهای بسیار سرد - بر عهده باذل است؛ مگر آنکه تصریح به خلاف کرده باشد، ولی داشتن پول قربانی و دیگر کفارات، شرط استطاعت نیست، پس چنانچه مبذول له تمکن از قربانی را نداشت باید روزه بگیرد، ولی در صورتی که روزه، برایش مشقت شدید یا از آن خوف ضرر دارد، مستطیع نیست.

آیه الله سبحانی: وفرد قادر بر قربانی باشد باید قربانی کند و در غیر این صورت حکم او حکم کسانی خواهد بود که قادر نیستند قربانی کنند بنا براین حتی در صورتی که باذل به تعهد خود در مورد قربانی عمل نکند باز حج بر مبذول له واجب می شود.

[۱۰۱]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که هدی بر مبذول له واجب باشد پول آن بر عهده باذل است، و الا تبدیل به صوم می شود. ولی در کفارات اگر محرم موجب و سبب آن را مرتکب شود پس اگر عمد باشد کفاره اش بر عهده خود او می باشد و اگر از روی فراموشی یا جهل و یا اضطرار و ناچاری باشد و به این سبب کفاره واجب شود، پس اگر مبذول له تمکن از ادا داشته باشد و کفاره یافت شود، پول آن به عهده باذل می باشد و الا باید مبذول الله به وظیفه غیر متمکن از کفاره عمل نماید. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۶).

[۱۰۲]. آیه الله مکارم: احتیاط در غیر عمد، آن است که باذل بپردازد.

آیه الله نوری: اگر عمل موجب کفاره را از روی عمد و اختیار انجام داده باشد، و در غیر این صورت به عهده باذل است علی

الأحوط.

[۱۰۳]. آیه الله تبریزی: مگر در صورتی که بتواند بدون حرج بدل هدی روزه بگیرد.

آیه الله سیستانی: در وجوب حج برگیرنده، در این صورت اشکال است، مگر در صورتی که خود توانایی خرید آن را از مال خود داشته باشد، بلی اگر پرداخت قیمت قربانی موجب حرج و مشقت باشد قبول بر او واجب نخواهد بود. (مناسک، م ۵۲).

آیه الله فاضل: واجب می شود لکن پول قربانی بر عهده باذل است.

[۱۰۴]. آیات عظام بهجت، خویی، سبحانی: مگر در صورتی که خود توانایی خرید آن را از مال خود داشته باشد، بلی اگر پرداخت پول قربانی موجب ناراحتی مالی او شود، قبول بر او واجب نخواهد بود.

[۱۰۵]. آیه الله زنجانی: مگر در صورتی که نتواند با انجام خدمت اعمال حج را به جا آورد.

آیه الله سبحانی: در صورتی که آن مبلغ برای اداره زندگی او و خانواده اش در مدت حج کافی باشد؛ همچنین است کسانی که حج آنها در برابر خدمتشان عرضه می شود مانند طبیب کاروان، خدمه و مدیر و روحانی و سایر عوامل، حج چنین افرادی از حجة الإسلام کفایت می کند، هر چند قبول بر آنها واجب نیست.

[۱۰۶]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: لکن برای کسی که عادت و شغلش خدمت باشد سزاوار است احتیاط به قبول ترک نشود، چون عرفاً استطاعت صدق می کند. (آداب و احکام حج، مسأله ۶۴).

[۱۰۷]. آیه الله اردبیلی: مشروط بر اینکه انجام حج مانع از انجام وظیفه ای که برای آن اجیر شده اند نشود و در این صورت اگر حال آنها قبل و بعد از حج یکی باشد، رجوع به کفایت شرط نیست.

آیه الله بهجت: و همچنین اگر در اجاره برای او شرط شد تأمین زاد و راحله و نفقه عیال، قبول واجب نیست، ولی اگر قبول کرد مستطیع می شود به استطاعت مالیه در هر دو صورت، نه بذلیه، پس دین مانع از آن است مگر آنکه علی ای تقدیر متمکن از ادای دین نباشد و فقط به این اجاره مشروطه، مالک گذراندن امور خود در مصاحبت اهل حج باشد که در حکم استطاعت بذلیه است ولی باز قبول استیجار واجب نیست (کتاب حج، ص ۱۴).

آیه الله خامنه ای: به شرط آنکه انجام مناسک حج مزاحم با خدماتی که برای آن اجیر شده نباشد. (مناسک حج، م ۳۵)

[۱۰۸]. آیه الله بهجت: اما اگر حج نیابتی مقید به همان سال نباشد، حج خود را مقدم بدارد. (مناسک، ص ۱۴، مسأله ۲۹).

آیه الله تبریزی: اما اگر مقید به همان سال نباشد و برای او محرز است که می تواند حج نیابتی را در سال های بعد به جا آورد، حج خودش را مقدم کند و الا باید حج نیابتی را مقدم بدارد.

آیه الله زنجانی: و بعد از آن در اولین سالی که می تواند برای خودش حج به جا آورد و اگر راه انجام حج خود منحصر به حفظ این اجرت باشد نمی تواند آن را در کار دیگری مصرف کند مگر آنکه نیاز مبرمی پیش آید پس اگر پول را در آن خرج کرد از استطاعت خارج می شود و اما اگر حج نیابتی مقید به همان سال نباشد چنانچه برای او محرز است که می تواند حج نیابتی را در سال های بعد به جا آورد، حج خودش را مقدم کند و الا باید حج نیابتی را مقدم بدارد.

آیه الله سیستانی: و اما اگر حج نیابتی مقید به همان سال نباشد، باید حج خود را مقدم بدارد، مگر اینکه برای او وثوق حاصل شود که در سال های آینده حج را انجام خواهد داد، که در این صورت واجب نیست حج خود را مقدم بدارد.

[۱۰۹]. آیه الله اردبیلی: و اگر برای سال های بعد نایب شود، در سال اول باید برای خودش حج به جا آورد، مگر آنکه به جا آوردن حج برای خودش مانع از انجام حج نیابتی در سال های بعد شود.

[۱۱۰]. آیه الله بهجت: در عیال غیر واجب النفقه و مصارف لازمه برای حفظ شأن، احوط رعایت عسر و حرج است؛ یعنی نه اقتصار بر فقط مقداری که بر او واجب شرعی است می کند و نه انتظار تمکن از هر چه عرفیت دارد می کشد. پس تحقق استطاعت منوط به دارا بودن مقداری است که اگر نباشد لازمه اش عسر و حرج است (کتاب حج، ص ۱۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: داشتن مخارج عائله غیر واجب النفقه شرعی، شرط نیست مگر اینکه با ترک انفاق بر آنها خودش به حرج می افتد.

آیه الله زنجانی: در استطاعت شرط است که انجام حج سبب اختلال در تأمین زندگی کسانی که عرفاً یا شرعاً واجب النفقه او

هستند، نباشد و لازم نیست مخارج آنها را بالفعل داشته باشد بلکه کافی است که بتواند بدون آنکه به حرج بیفتد آن را تأمین نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و عرفاً ملتزم به پرداخت نفقه آنها شده باشد؛ مثل خواهر و برادر، باید نفقه آنها را هم داشته باشد. (آداب و احکام حج، مسأله ۶۶).

[۱۱۱] آیه الله بهجت: اظهر اعتبار رجوع به کفایت است؛ به این معنا که به سبب حج، از غنا بهفقر یا از فقر به اوسع از آن، واقع نشود. (کتاب حج، ص ۲۶).

آیه الله زنجانی: رجوع به کفایت به این معنی در استطاعت شرط است که حج، مستلزم اختلال در زندگی او نباشد مثلاً اگر حج باعث از دست دادن تنها محل درآمد زندگی کسی شود مستطیع نیست.

آیه الله سبحانی: یعنی حج گزار گذشته از داشتن هزینه های سفر حج، پس از بازگشت آبرومندانه زندگی کند.

[۱۱۲] آیه الله فاضل: و همچنین اگر از طریق زکات یا خمس و یا استعطا، امور خود را اداره کند، کافی است و همچنین کسی که آنچه دارد در راه حج خرج کند زندگی او قبل و بعد از حج تفاوتی نکند، حج بر او واجب می شود و نیز بر طلاب که با شهریه اداره می شوند؛ چنانچه هزینه حج و مخارج خانواده خود را داشته باشند یا به عنوان روحانی مشرف شوند حج واجب است و از حجة الاسلام کفایت می کند.

[۱۱۳] آیه الله بهجت: عیناً موافق حاشیه بعد حاشیه آیه الله تبریزی و... بوده با این تفاوت که ایشان صراحت در وجوب حج دارند. (مناسک، مسأله ۲۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کسی که از وجوه شرعی، مانند خمس و زکات و امثال اینها زندگی خود را اداره می کند و بر حسب عادت مخارجش بدون مشقت، مضمون و حتمی باشد، در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد، بعید نیست حج بر او واجب باشد، و همچنین است کسی که شخص دیگر در تمام مدت زندگی او، مخارجش را متکفل باشد و همچنین کسی که اگر آنچه دارد در راه حج صرف کند زندگی بعد از حجش با قبل از آن تفاوتی نکند.

آیه الله زنجانی: نیاز به وجوه شرعی، مانع استطاعت نیست؛ مگر در مورد کسانی که انجام حج، آنها را مجبور به ارتزاق از وجوه شرعی می کند و این امر، مناسب شأن آنها نبوده یا وجوه شرعی به مقدار کافی در اختیار آنها نباشد.

آیه الله سبحانی: کسی که زندگی او با وجوه شرعی اداره می شود در صورتی که دارای مقداری پول گردد که برای هزینه حج و

مخارج عیالش تا زمان مراجعت کافی باشد، حج بر او واجب می شود و کفایت از حجة الاسلام می کند و اگر بعد از مراجعت با عسرت و سختی زندگی کند چنین فردی مستطیع نمی باشد.

[۱۱۴]. آیه الله بهجت: اگر زندگی آنها با وجوهات، بر حسب عادت بدون مشقت مضمون و حتمی باشد. در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد حج بر او واجب است. (مناسک، مسأله ۲۵).

[۱۱۵]. آیه الله اردبیلی: چنانچه حال آنها قبل از حج و بعد از آن یکی باشد، اقوی وجوب حج است.

آیه الله خامنه ای: طلاب علوم دینی اگر بعد از مراجعت از حج زندگی آنها با شهریه حوزه های علوم دینی اداره یا تکمیل می شود، کافی است. (مناسک حج، م ۲۷)

آیه الله صافی: ولی رعایت احتیاط به اینکه به نحوی خود را واجد شرط استطاعت نماید، ترک نشود.

آیه الله گلپایگانی: افرادی که از وجوه خاصی مثل سهم سادات و وجوهات شرعی و نذورات استفاده می کنند؛ مانند طلاب و سادات و اشخاص دیگری که مورد توجه مردم هستند، در صورتی که هزینه حج و مخارج عیالات را تا بازگشت داشته باشند، بعید نیست که حج بر آنان واجب باشد. (آداب و احکام حج، مسأله ۶۸).

آیه الله مکارم: برای طلاب و مانند آنها حج واجب می شود.

[۱۱۶]. آیه الله خویی: بر مریض یا شخصی که استطاعت مالی دارد ولی از تمکن از رفتن به حج ناامید است یا بر او حرجی است واجب است نایب بگیرد و وجوب آن فوری است. (مناسک. مسأله ۶۳).

آیه الله سبحانی: بر مریض در صورت یأس از خوب شدن، واجب است نایب بگیرد و وجوب آن فوری است و اگر پس از انجام حج توسط نایب، حال منوب عنه خوب شد، حج نیابتی کفایت می کند و نیاز به اعاده حج ندارد. (کتاب الحج، ج ۱، ص ۲۳۷ - ۳۴۹).

[۱۱۷]. آیه الله بهجت: در صورت یأس از خوب شدن، استنابه می کند، به نحو فوری بنابر اظهر (کتاب حج، ص ۱۸ و ۱۹).

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط باید نایب بگیرد و وجوب آن فوری است مگر اینکه اطمینان به تمکن از مباشرت در سال های بعد داشته باشد.

آیه الله سبحانی: چنانچه استطاعت او در سال بعد باقی بماند باید به حج برود.

آیه الله سیستانی: اگر امید به تمکن از حج بدون حرج و مشقت بعد از آن هم نداشته باشد در این فرض گرفتن نایب واجب است و وجوب آن فوری است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صحت بدن استطاعت ندارد و امید خوب شدن ندارد، واجب است نایب بگیرد در صورتی که حج بر او مستقر شده، و اگر حج بر او مستقر نشده باشد، نایب گرفتن مطابق احتیاط است، اگرچه امید به زوال عذر هم وجود داشته باشد. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۰).

[۱۱۸] آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۳ مراجعه شود.

[۱۱۹] آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل به حصول استطاعت یا غافل از آن باشد، یا جاهل به وجوب حج یا غافل از آن باشد، و در این جهل و غفلت معذور باشد.

آیه الله فاضل: چنانچه تا پایان اعمال حج، شرایط استطاعت باقی باشد، در این صورت باید حج را انجام دهد مگر اینکه انجام حج حرجی باشد، که در این فرض از خودش ساقط است، و در این صورت باید از ترکه او - ولو از میقات - نایب بگیرد، یا شخصی تبرعاً حج او را انجام دهد.

[۱۲۰] آیه الله اردبیلی: مگر اینکه بر او حرجی باشد.

آیه الله بهجت: هر وقت قدرت پیدا نمود، فوراً باید به جا آورد ولو استطاعت شرعی زایل شده باشد (کتاب حج، ص ۲۷).

آیه الله تبریزی: مگر جاهل قاصر بوده باشد و در صورت استقرار هم اگر رفتن به حج حرجی شود واجب نیست.

آیه الله خویی: مگر غافل از وجوب حج بوده و در غفلت خود معذور باشد که در این صورت حج بر او مستقر نیست و در صورت استقرار باید به هر نحو که ممکن باشد حج برود مگر اینکه حرجی باشد.

آیه الله سبحانی: چنانچه شرایط استطاعت در او جمع باشد هر چند مشقت زا و حرجی باشد، ولی اگر فعلاً استطاعت بدنی ندارد

مثلاً مریض است و یا آن‌گونه حرجی است که از حالت استطاعت بدنی خارج است، باید نایب بگیرد.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۳ مراجعه شود.

[۱۲۱] آیه الله زنجانی: به شرحی که در حاشیه مسأله ۲۳ گذشت.

[۱۲۲] آیه الله خامنه ای: اما اگر نایب از واجب بودن حج برخود بی خبر باشد، بعید نیست که حج نیابی او صحیح باشد. (مناسک حج، ص ۲۸، شرائط نایب، ۵)

آیه الله زنجانی: و اگر حج نیابی به جا آورد باطل است مگر در صورتی که انجام حجة الاسلام خود در امسال بر او واجب نباشد به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۳۸ گذشت و اگر حج استحبابی به جا آورده باطل است مگر در صورتی که در حاشیه مسأله ۳۲ گذشت.

[۱۲۳] آیه الله اردبیلی: اگر شخص مستطیع حج استحبابی به جا بیاورد و قصد تشریع نکند، حج او حج واجب خواهد بود و کفایت از حجة الاسلام می کند، ولی اگر حج نیابتی به جا آورد، بنابر احتیاط صحیح نیست.

آیه الله بهجت: حج نایب، صحیح و ذمه منوب عنه برئ می شود.

آیه الله تبریزی: اگر حج نیابی به جا آورد، حجت صحیح است و ذمه منوب عنه برئ می شود ولی در فرضی که واقعاً بر او حج واجب بوده ولو نسبت به آن جاهل باشد، اجاره باطل است و نایب استحقاق اجرة المثل را دارد مگر بیشتر از اجرة المسمی باشد و اگر حج استحبابی برای خودش انجام دهد، در صورت علم به استطاعت خود و عدم صحت حج استحبابی، حج او باطل است و در غیر این صورت حجت صحیح و مجزی از حجة الاسلام می باشد.

آیه الله خویی: در صورت تنجز وجوب حج بر نایب اجاره باطل است، مگر اینکه اجاره مطلق باشد که بتواند اول برای خودش حج به جا آورد و بعد از آن حج منوب عنه را و در فرض بطلان اجاره، اجیر مستحق اجرة المثل است مگر اینکه اجرة المثل بیشتر از اجرة المسمی باشد و اگر مستطیع، حج استحبابی برای خودش انجام دهد، با اینکه می داند مستطیع است، گرچه حجت صحیح است ولی مجزی از حجة الاسلام نمی باشد. (مستفاد از تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۲۴۱ و ۳۷۵ و مناسک، مسأله ۱۰۴).

آیه الله سبحانی: کسی که خودش مستطیع است جائز نیست در همان سال نیابت بپذیرد و اگر حج نیابی انجام داد باطل است و ذمه منوب عنه فارغ نمی شود، ولی در صورت جهل به استطاعت ذمه منوب عنه فارغ شده و در مورد اجرت با مستأجر مصالحه کند.

آیه الله سیستانی: کسی که ذمه اش مشغول به حج واجب است و متوجه است، جایز نیست در همان سال نیابت بپذیرد ولی اگر حج نیابی انجام داد صحیح است و ذمه منوب عنه فارغ می شود، اما اجاره باطل است و مستحق اجرت المثل است و قصد حج استحبابی برای خودش اثری ندارد و حجة الاسلام محسوب می شود مگر قصدش به نحوی باشد که به قصد قربت خلل ایجاد کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صحت آن اشکال است و احتیاط ترک نشود، عالم باشد و یا جاهل. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۱۵).

آیه الله فاضل: حج او صحیح است هر چند معصیت کرده است.

آیه الله مکارم: حج نیابتی او صحیح است، هر چند گناه کرده است و حج استحبابی او حج وجوبی محسوب می شود.

[۱۲۴]. آیه الله بهجت: ورثه پیش از استیجار برای حج، می توانند در ترکه تصرف کنند در صورتی که قصد استیجار داشته باشند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسی که مرده و حجة الاسلام بر او بوده، ورثه پیش از استیجار برای حج نمی توانند در ترکه تصرف کنند، خواه هزینه حج برابر ترکه باشد یا کمتر از آن، بنابر احتیاط، بلی اگر ترکه خیلی زیاد باشد و ورثه ملتزم به ادای حج شوند، می توانند تصرف کنند.

آیه الله خامنه ای: در خصوص اختیار ورثه نسبت به تصرف در ترکه و عدم آن، نظر معظم له یافت نشد.

آیه الله زنجانی: البته این در صورتی است که بترسد با تصرف در ترکه استیجار حج فوت شود یا به تأخیر افتد.

آیه الله سیستانی: برای ورثه جایز نیست تا زمانی که ذمه او به حج مشغول است؛ بهطوری در میراث تصرف نمایند که منافی با قضای حج میت از میراث باشد. (مناسک، مسأله ۷۶).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حتی در صورتی که ترکه بیش از مخارج حج باشد، بنابر احتیاط واجب تصرف در اموال میت جایز نیست. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۰۴).

آیه الله فاضل: بلی اگر ترکه بیشتر از مخارج حج باشد بهتر است تصرف نکنند.

آیه الله مکارم: مگر اینکه بنای قطعی بر ادای حج داشته باشد، در این صورت تصرف جایز است.

[۱۲۵]. آیه الله بهجت: تأخیر در ادای دین بدون عذر جایز نیست.

آیه الله سبحانی: هزینه حج او را از ترکه قبل از تقسیم بردارند و کافی است در این مورد به

هزینه حج میقاتی اکتفا کنند مگر اینکه وصیت به حج بلدی کرده باشد و بر ورثه او لازم است که در همان سال نخست برای او حج نیایی بگیرند و هزینه مازاد بر حج نیایی را از ثلث ترکه میت بردارند.

[۱۲۶]. آیه الله سیستانی: احوط این است که فوراً برای فارغ شدن ذمه او اقدام نمایند، هر چند با استیجار از ترکه، و اگر در همان سال استیجار از میقات میسر نشد، به احتیاط واجب باید از بلد استیجار کنند و تأخیر نیندازند هر چند بدانند در سال بعد، از میقات میسر می شود، ولی در این صورت مازاد بر اجرت حج از میقات را، از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند. (مناسک، مسأله ۷۹).

[۱۲۷]. آیه الله خامنه ای، آیه الله سبحانی: مگر آنکه وصیت کرده باشد که مخارج حج از ثلث پرداخت شود، و در این صورت عمل به آن، بر وصایای مستحب اولویت دارد و اگر ثلث مالش برای انجام آن کافی نباشد، کمبود آن از اصل مال برداشت می شود. (مناسک حج، م ۴۳).

آیه الله سیستانی، آیه الله زنجانی: مگر اینکه وصیت کند از ثلث خارج شود و ثلث کافی باشد و اگر کافی نباشد از سایر ترکه باید تکمیل شود.

آیه الله مکارم: مگر اینکه وصیت کند از ثلث خارج شود.

[۱۲۸]. آیه الله بهجت: دین مقدم است حتی بر وصیت ولی در زاید باید با اجازه ورثه باشد و بنابر احتیاط زاید را بین غیر صغار تقسیم نمایند.

آیه الله زنجانی: و اگر کسی که ترکه در اختیار اوست اهمال کند و ترکه از بین برود ضامن است، هر چند وصی یا وارث نباشد...

آیه الله سبحانی: در هر صورت مازاد بر حج میقاتی را از ثلث بدهند مگر اینکه ورثه راضی نشوند از اصل داده شود.

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب، ولی مازاد بر اجرت متعارف را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

مسائل متفرقه استطاعت

[۴۶] م - اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او، از ارث شوهر، استطاعت مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود، در صورتی که مرض او به نحوی است که قدرت بر رفتن به حج ندارد [۱]، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست [۲] و همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند نداشته باشد، مستطیع نمی شود، هر چند ارثی که برده، برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد. [۳]

[۴۷] م - زنی که مهریه اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است [۴]، اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست [۵] و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده ای ندارد، با فرض اینکه شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می دهد [۶]، لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد؛ مثل اینکه ممکن است مطالبه، به نزاع [۷] و طلاق منجر شود که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است.

[۴۸] م - با وجوه شرعیه؛ مثل سهم امام و سهم سادات، شخص مستطیع نمی شود [۸] و اگر به مکه برود، کفایت از حجة الاسلام نمی کند. [۹]

[۴۹] م - اگر کسی منزل گرانیجی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزان تر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود [۱۰]، چنانچه منزلی که دارد زاید بر شوون او نباشد لازم نیست آن را بفروشد [۱۱] و با این فرض مستطیع نیست و اگر زاید بر شوون او باشد [۱۲]، با وجود سایر شرایط، مستطیع است.

[۵۰] م - کسی که از راه کسب یا غیر کسب مخارج رفتن و برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج، مقداری از مؤونه زندگی خود را از درآمد کسب؛ مثل منبر و بقیه را از شهریه ای که از وجوه شرعیه است تأمین می کند، اگر در راه اداره زندگی بعد از مراجعت از حج، نیاز به شهریه داشته باشد مستطیع نیست. [۱۳]

[۵۱] م - اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند [۱۴]، در صورت نیاز به منزل مسکونی [۱۵] مستطیع نمی شود هر چند [۱۶] پولی که به دست آورده، برای مخارج حج کافی باشد.

[۵۲] م - اگر شخصی از سال های قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما، به جهت کسالت، برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نباشد [۱۷]، نمی تواند نایب بگیرد [۱۸] و باید در وقت تمکن به حج برود و اگر متمکن نشد تا فوت شد، باید از ترکه اش برای او حج بدهند و اگر از سال های قبل استطاعت نداشته، در فرض مزبور مستطیع نشده است. [۱۹]

[۵۳] م - هرگاه زنی با کسب می تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت می افتد، اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حرج [۲۰] برای زن نباشد [۲۱] مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر مانع استطاعت زن نمی شود.

[۵۴] م - کسی که در محل خودش مستطیع نیست، واجب نیست به حج برود، هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر داشت مستطیع می شود و کفایت از حجة الاسلام

می کند.

[۵۵] م - کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، سعی در رفتن به حج داشته و در قرعه‌کشی شرکت نموده و از جهت اینکه قرعه به نامش اصابت نکرده نتوانسته به حج برود [۲۲] مستطیع نشده [۲۳] و حج بر او واجب نیست [۲۴] ولی اگر مسامحه کرد و تأخیر نمود و در سال های بعد در قرعه‌کشی شرکت کرد، حج بر او مستقر شده است هر چند قرعه به نام او اصابت نکند. [۲۵]

[۵۶] م - کسی که برای حج نیابتی اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده [۲۶]؛ چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد، باید حج نیابتی را به جا آورد [۲۷] و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.

[۵۷] م - در حصول استطاعت فرقی نیست بین اینکه در شهر [۲۸] حج یعنی شوال و ذیقعد و ذیحجه مال پیدا کند یا قبل از آن، بنابراین اگر استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرایط موجود باشد نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند، حتی در اوائل سال و قبل از ماه های حج. [۲۹]

[۵۸] م - خدمه کاروان ها که وارد جده می شوند، اگر سایر شرایط استطاعت را دارند؛ از قبیل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه و رجوع به کفایت [۳۰]، مثلاً کار و صنعت و غیر آن، که با آنها می توانند پس از مراجعت ادامه زندگی مناسب خود را بدهند، مستطیع هستند [۳۱] و باید حجة الاسلام به جا آورند و کفایت از حج واجب آنان می کند و چنانچه سایر شرایط را ندارند [۳۲] به مجرد امکان حج، برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبابی است و چنانچه بعداً استطاعت پیدا کردند، باید حج واجب را به جا آورند و حکم روحانی کاروان نیز همین است لیکن اگر بعد از مراجعت از مکه نیاز به شهریه حوزه دارند مستطیع نمی شوند. [۳۳]

[۵۹] م - پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده اند و در میقات جامع شرایط استطاعت هستند، واجب است [۳۴] حجة الاسلام به جا آورند [۳۵] هر چند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند. [۳۶]

[۱] آیه الله زنجانی: باید طبق تفصیلی که در حاشیه مسأله ۲۳ گذشته نایب بگیرد.

[۲] نظریات آیات عظام در این مسأله، در ذیل مسأله ۴۱ گذشت.

[۳] حکم رجوع به کفایت، در مسأله ۴۰ گذشت.

[۴] آیه الله بهجت: در صورتی که مطالبه مهر از شوهر ناراحتی و یا مشکلاتی در زندگی ایجاد نکند وی مستطیع است و مطالبه مهر منعی ندارد بلکه لازم است، ولی اگر موجب دردسر و ناراحتی برای وی شود و یا مراجعه به حاکم باعث منقصت شأن او گردد مطالبه لازم نیست. (پرسش های جدید حج، س ۳). (و نیز مراجعه به حاشیه مسأله ۱۹ مفید است).

[۵]. آیه الله زنجانی: و همچنین در صورتی که مطالبه مهریه، موجب حرج یا آبروریزی زن می شود مستطیع نیست....

[۶]. آیه الله زنجانی: مستطیع است و باید به حج برود و اگر بدون مطالبه مهریه نمی تواند حج به جا آورد باید مهریه را مطالبه نماید و به حج برود.

[۷]. آیه الله تبریزی: اگر مطالبه مهریه موجب ناراحتی هایی شود که زن در زندگی اش به حرج و مشقت بیفتد، حج بر او واجب نیست.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: یعنی مطالبه بر او حرجی یا در آن خوف ضرر باشد. حج بر او واجب نیست.

آیه الله سیستانی: اگر به حدی باشد که برای زن تحملش مشکل باشد.

آیه الله گلپایگانی: مجرد طلاق باعث عدم وجوب حج نیست. بلکه اگر صرف مهریه در حج موجب شود که زندگی او مختل شود حج بر او واجب نیست. (مجمع المسائل، ج ۱، مسأله ۳۳)

آیه الله مکارم: حتی اگر منجر به طلاق نشود ولی مشکلات مهمی در زندگی او حاصل گردد حج لازم نیست.

[۸]. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه ای، خویی، سیستانی، گلپایگانی: به حاشیه مسأله ۴۰ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی: کسی که مالی را که بتواند با آن حج به جا آورد، در اختیار دارد هر چند ملک او نباشد ولی تصرفش در آن جایز باشد با تحقق سایر شرایط مستطیع است.

آیه الله سبحانی: اگر تملک او یا تصرف او در وجوه شرعیه به وجه صحیح صورت گرفته باشد مثل اینکه فقیه جامع الشرائط سهمی را در اختیار او قرار داده باشد با تحقق سائر شرائط، مستطیع می شود و حج او از حجة الاسلام کفایت می کند. (کتاب الحج، ج ۱، ص ۲۲۴)

آیه الله فاضل: چنانچه به عنوان شهریه یا از روی استحقاق و خدمات دینی از طریق حاکم شرع به او داده شده، مالک می شود و اگر به مقدار حج باشد مستطیع است و باید حجة الاسلام به جا آورد.

[۹]. آیه الله اردبیلی: مگر اینکه کسی که حق پرداخت و تملیک این گونه وجوه را دارد به او تملیک نماید و سایر شرایط استطاعت را نیز دارا باشد.

آیه الله مکارم: هرگاه در شأن او باشد مانعی ندارد و حج او صحیح است.

[۱۰]. آیه الله زنجانی: چنانچه تبدیل آن به منزل ارزان تر مستلزم حرج و هتک حیثیت او نباشد، مستطیع است هر چند منزل کنونی، زائد بر شؤون او نباشد.

[۱۱]. آیه الله اردبیلی: چنانچه منزل دوم نیز مطابق شأن او باشد و تبدیل منزل برای او حرجی نباشد و تفاوت قیمت نیز زیاد باشد، بنابر احتیاط واجب باید منزل را تبدیل کرده و با تفاوت قیمت آن مستطیع می شود و باید به حج برود.

آیه الله بهجت: گذشت در مسأله ۱۶، و اگر استبدال ضرری یا حرجی باشد لازم نیست (کتاب حج، ص ۸).

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: اگر فروش خانه سبب حرج و مشقت او نیست حج بر او واجب است.

آیه الله سبحانی: اگر به حسب شأن او مورد نیاز او باشد لازم نیست آن را بفروشد (کتاب الحج، ج ۱، ص ۱۱۰).

[۱۲]. آیه الله خامنه ای: کسی که ضروریات زندگی از قبیل مسکن، لوازم خانه، وسیله نقلیه و ابزار کار و مانند آن را بیشتر از شأن خود دارد، اگر می تواند با فروش آنها و خرید مایحتاج زندگیش، مقدار زائد را صرف مخارج حج کند و این کار موجب حرج و وهن و منقصت او نمی شود، و مقدار مازاد به اندازه مخارج حج و یا مکمل آن است، باید این کار را انجام دهد و مستطیع است. (مناسک حج، م ۲۴)

آیه الله سبحانی: بهتر است بفروشد، ولی تا نفروخته حج بر او واجب نمی شود مگر اینکه اقدام به فروش کند و خانه مناسب شأن

تهیه نماید و سپس با باقیمانده پول به حج برود.

[۱۳]. نظر مراجع عظام در ذیل مسأله ۴۰ بیان شد.

آیه الله اردبیلی: چنانچه حال او قبل از رفتن به حج و پس از آن یکسان باشد، مستطیع است و باید به حج برود.

[۱۴]. آیه الله زنجان: در صورتی که رفتن به حج مستلزم آن باشد که در تهیه منزل مسکونی مورد نیازش به حرج یا هتک حیثیت بیفتد، مستطیع نیست.

[۱۵]. آیه الله مکارم: و قصد تهیه آن را داشته باشد.

[۱۶]. آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود، حج بر او واجب نمی شود، و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می شود.

آیه الله خامنه ای: در صورتی که منزل شخصی جزء نیازهای ضروری او باشد و یا مالکیت آن با موقعیت عرفی او مناسب است، با گرفتن پول زمین مستطیع نمی شود هرچند به مقدار مخارج حج و یا مکمل آن باشد. (مناسک حج، م ۲۵).

[۱۷]. آیه الله زنجان: اگر امید بهبودی ندارد باید برای انجام حج در اولین سال نایب بگیرد والا باید خودش حج به جا آورد ولی فوریت آن ساقط است و می تواند حج را تا خوب شدن به تأخیر بیندازد و در هر حال اگر انجام نداد تا فوت شد باید برای او حج بدهند و اگر وصیت نکرده نباشد از اصل ترکه او برداشته می شود و همچنین است حکم کسی که از سال های قبل استطاعت نداشته است.

[۱۸]. آیه الله اردبیلی: اگر امید به بهبود یا پیدا شدن راه دیگری دارد، نمی تواند نایب بگیرد و باید خودش در وقت تمکن، به حج

برود وگرنه باید نایب بگیرد.

آیه الله بهجت: در صورت استقرار حج، با فرض یأس از زوال عذر، واجب است استنابه نماید و با امید زوال عذر، احوط جمع بین استنابه فوری و لوازم مناسب با احتیاط در آن است، و با زوال عذر احوط اعاده با مباشرت است و با تبدیل امید زوال عذر به یأس از آن احوط تجدید استنابه است و با استمرار عذر تا وقت وفات، احوط برای غیر مأیوس قضای از او با تکرار استنابه است. و اما در صورت عدم استقرار حج، پس با فرض یأس از زوال عذر، اظهر وجوب فوری استنابه است و با امید زوال عذر، احتیاط مستحب این است که فوراً استنابه کند که با زوال عذر اعاده با مباشرت می نماید و احتیاط در بقیه بر همان نحو است که ذکر شد (کتاب حج، ص ۱۸ و ۱۹).

آیه الله تبریزی: اگر اطمینان به تمکن از مباشرت نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب است که برای خود نایب بگیرد و چنانچه می داند متمکن از مباشرت نمی شود باید نایب بگیرد و همچنین در فرض بعدی باید بنابر احتیاط نایب بگیرد و وجوب نایب گرفتن مانند وجوب حج فوری است.

آیه الله خامنه ای: کسی که حج بر او مستقر شده، اگر بر اثر پیری یا بیماری قدرت رفتن به حج را ندارد و یا برای او حرج و مشقت دارد و امیدی به بهبودی و قدرت پیدا کردن بر ادای حج بدون مشقت را - هر چند در سال های آینده - نداشته باشد، واجب است نایب بگیرد. ولی کسی که حج بر او مستقر نشده، واجب نیست نایب بگیرد. (مناسک حج، م ۴۰)

آیات عظام خویی، سبحانی، سیستانی: اگر امید به تمکن از مباشرت نداشته باشد، واجب است که برای خود نایب بگیرد.

آیه الله مکارم: اگر امید بهبودی نداشته باشد می تواند نایب بگیرد.

[۱۹]. تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۴۱ استطاعت گذشت.

[۲۰]. آیه الله زنجان: موجب حرج یا آبروریزی برای زن نباشد...

[۲۱]. آیه الله سیستانی: به حدی که تحملش برای او مشکل باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به نحوی که زندگی او مختل شود. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۲۹، مسأله ۱۱).

[۲۲] آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال بدهد که بتواند راه حج را بر خود باز کند باید در اولین سال ممکن خودش حج به جا آورد و هرگاه از بازشدن راه حج ناامید شد باید نایب بگیرد.

[۲۳] آیه الله تبریزی: در صورتی که از رفتن به حج به صورت آزاد متمکن نباشد.

آیه الله سبحانی: اگر راه معمول تشرف به حج، نام نویسی به روش مذکور و در نوبت ماندن باشد، باید ثبت نام کند و عدم اصابت قرعه رافع استطاعت نیست.

آیه الله مکارم: در صورتی که راه مشروع، منحصر به شرکت در قرعهکشی باشد.

[۲۴] آیه الله خامنه ای: ولی اگر رفتن به حج در سال های بعد از آن منوط به نام نویسی و پرداخت مبلغی در این سال باشد، بنابر احتیاط واجب باید به این کار اقدام کند. (مناسک حج، م ۳۹)

[۲۵] آیه الله اردبیلی: مشروط بر اینکه احتمال دهد چنانچه ثبتنام می کرد، امکان رفتن به حج برایش فراهم می شد.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم: مشروط بر اینکه مطمئن بوده که در مرحله قبل قرعه به نامش اصابت می کرده.

آیه الله زنجانی: و در صورتی که تأخیر او از روی مسامحه نبوده - مثلاً از ثبتنام برای قرعهکشی اصلاً اطلاع نداشته است - حج بر او مستقر نشده است، مگر آنکه معلوم گردد که اگر می خواست می توانست حج به جا آورد.

آیه الله سیستانی: چنانچه می دانست در همان سال ثبتنام، قرعه به نام او اصابت می کرد، حج بر او مستقر است و چنانچه می دانست سال های بعد، قرعه به نام او اصابت می کرد، در فرضی که احتمال عروض مانع دیگری، از انجام حج را در سالی که قرعه به نام او اصابت می کرد، نمی داد، بنابر احتیاط واجب، لازم بود ثبت نام کند و در این فرض که ثبتنام نکرده، بنابر احتیاط واجب حج بر او مستقر می شود.

[۲۶] آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: اگر استطاعت به سبب اجیر شدن برای حج نیابتی پیدا کرد، مطابق متن عمل

کند، ولی اگر از راه دیگر استطاعت پیدا کرد کشف از بطلان اجاره می شود و باید حج خود را به جا آورد.

آیه الله خامنه ای: کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و سپس بعد از عقد اجاره به واسطه مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده، اجاره باطل است، و در غیر این صورت، باید حج استیجاری را در سال بعد به جا آورد. (مناسک حج، م ۳۶)

آیه الله زنجانی: باید مطابق مسأله ۳۸ و حاشیه آن عمل نماید.

آیه الله سیستانی: اگر وثوق داشته باشد که در سال آینده می تواند برای خود به جا آورد یا استطاعت او به مال الاجاره باشد، پس اجاره صحیح است و به مقتضای آن عمل نماید. و اگر وثوق ندارد و استطاعت او به غیر مال الاجاره، است در این صورت اجاره باطل است و باید برای خودش حج نماید. (ملحقات، مناسک مسأله ۱۹).

[۲۷۷]. آیه الله اردبیلی: بلکه باید حج خود را به جا آورد مگر اینکه حصول استطاعت به واسطه گرفتن اجرت نیابت در حج باشد و برای همان سال اول اجیر شده باشد.

[۲۸]. شهر = ماه

[۲۹]. تفصیل نظر مراجع در ذیل مسأله ۲۳ و ۲۴ گذشت.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۵ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: خواه این استطاعت مالی در اول سال باشد یا در ماه های نزدیک به حج.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

[۳۰]. آیه الله اردبیلی: اگر حال آنها قبل و بعد از حج یکی باشد، رجوع به کفایت در استطاعت شرط نیست.

[۳۱]. آیه الله اردبیلی: مشروط بر آنکه انجام حج مانع از انجام وظیفه آنها به عنوان خدمه نگردد و گرنه مستطیع نیستند.

آیه الله زنجانی: کارگزاران حج بعد از قبول مأموریت چنانچه تشرف به حج، زندگی آنها را مختل نکند و با مأموریت آنها منافات نداشته باشد، با داشتن سایر شرایط مستطیع هستند.

[۳۲]. آیه الله خویی: اگر حج موجب تفاوت در زندگی آنان نباشد وجوب آن بعید نیست (مناسک، مسأله ۲۸).

آیه الله سبحانی: اگر حج موجب تفاوت در زندگی آنان نباشد حج واجب می شود (کتاب الحج، ج ۱، ص ۲۷۴).

[۳۳]. تفصیل نظر مراجع در ذیل مسأله ۴۰ گذشت.

آیه الله اردبیلی: اگر حال آنها قبل و بعد از حج فرقی نکند، مستطیع می شوند و نیاز به شهریه مضربه استطاعت نیست.

آیه الله فاضل: گذشت در مسأله ۴۰ که چنین اشخاصی مستطیع می شوند و حج آنها از حجة الاسلام کفایت می کند.

آیه الله مکارم: در تمام مواردی که افراد به عنوان خدمه یا روحانی یا غیر آن به حج می روند، چنانچه زندگی خانواده آنها در همان مدت تأمین باشد حجه الاسلام و تأمین زندگی آنها در بازگشت شرط نیست.

[۳۴]. آیه الله خامنه ای: به شرط آنکه ادای مناسک حج مزاحم با خدماتی که برای آن اجیر شده اند نباشد. (مناسک حج، م ۳۵)

[۳۵]. آیات عظام بهجت، زنجانی، سبحانی: باید حجة الاسلام به جا آورند، مگر آنکه مأموریت به گونه ای باشد که نتوانند به وظائف عمل کنند. (پرسش های جدید حج، ص ۲، س ۸).

آیه الله فاضل: مگر اینکه مأموریت آنها مشروط به عدم احرام برای حج تمتع باشد، یا عمل به مأموریت مانع از انجام اعمال حج

باشد که در این دو صورت حج واجب نیست، بلی اگر مخالفت کردند و حج انجام دادند هر چند مرتکب معصیت شده اند ولی حج آنها صحیح است و کفایت از حجّة الاسلام می کند.

[۳۶]. آیه الله اردبیلی: حکم آن در مسأله قبل بیان شد.

استفتائات استطاعت

[۶۰] س - کسی در مدینه مریض شده (سکته کرده) و فعلاً در بیمارستان است و دکترها گفته اند که باید تا دو هفته استراحت کند، آیا بعد از مدت استراحت در صورتی که حمل او برای انجام دادن اعمال مشکل باشد، اگر او را به مکه ببرند وظیفه این شخص چیست؟

ج - اگر [۱] سال اول استطاعت او است و قدرت اعمال، حتی به نحو اضطراری را ندارد [۲]، از استطاعت افتاده [۳] و حج بر او واجب نیست ولی برای دخول مکه باید مُحرم شود و با انجام اعمال عمره مفرده ولو اضطراری آن، از احرام خارج می شود، و چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج بر او مستقر شده، اگر مأیوس از خوب شدن باید نایب بگیرد که برایش عمره و حج تمتع انجام دهد و خودش برای دخول مکه مُحرم شود و عمره مفرده به طوری که ذکر شد به جا آورد، و چنانچه برای این شخص انجام اعمال حج تمتع ممکن باشد، ولو به نحو اضطرار و انجام اضطراری اعمال، لازم است مُحرم شود و هر مقدار از اعمال را که می تواند ولو با کمک گرفتن از دیگری انجام دهد، و هر مقدار را که نمی تواند، نایب بگیرد ولی در وقوفین، گرفتن نایب کافی نیست.

[۶۱] س - کسی که احتمال می دهد حجتی که در سال های قبل انجام داده، صحیح نبوده یا مستطیع نبوده است و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، حج را به چه نیتی به جا آورد؟

ج - می تواند قصد مافی الذمه ؛ یعنی قصد امتثال مطلق امر متوجه به او را کند [۴] و می تواند قصد حجة الاسلام احتیاطاً نماید.

[۶۲] س - شخصی که حج واجب خود را انجام داده است آیا می تواند آن را به قصد مافیالذمه اعاده کند؟

ج - مانع ندارد [۵] ولی اعاده حج کفایت از اجزاء - در صورت صحّت حج سابق و بطلان اجزاء - نمی کند و باید خود آن جزء تدارک شود.

[۶۳] س - کسی که با وجود تقلید صحیح، قبلاً به حج مشرف شد و چون رجوع به کفایت را مجتهد او شرط استطاعت نمی دانسته حجة الاسلام قصد نموده و به جا آورده است با اینکه رجوع به کفایت نداشته است، فعلاً همه شرایط استطاعت برای او موجود است و از حضرت امام تقلید می کند آیا باید حج سابق را اعاده کند یا خیر؟

ج - اعاده لازم است. [۶]

[۶۴] س - شخصی بعد از انجام عمره تمتع مریض شد و از انجام حج منصرف شد و به ایران رفت و در مکه کسی را وکیل کرده که برای فراغ ذمه او اقدام نماید، وظیفه در این مورد چیست و آیا محرمات احرام بر چنین شخصی چه وضعی دارد؟

ج - در فرض مسأله، وکیل گرفتن بی فایده است [۷] و چنانچه سال اول استطاعت او بوده است و در اثر مرض از قدرت انجام حج افتاده باشد در این صورت وجوب حج بر او موقوف است به بقای استطاعت تا سال های [۸] بعد، ولی در صورتی که سال اول استطاعت نبوده و حج بر او از قبل واجب بوده است، چنانچه مأیوس از خوب شدن باید در همان سال [۹] یا سال بعد [۱۰] برای حج و عمره تمتع نایب بگیرد، و در صورتی که مأیوس از خوب شدن نباشد [۱۱] نمی تواند نایب بگیرد و باید خودش حج و عمره تمتع را مجدداً انجام دهد، و در هر صورت فعلاً از احرام خارج و محرمات احرام بر او حلال شده است.

[۶۵] س - در حال حاضر، که هر کسی بخواهد حج مشرف شود باید قبلاً برای ثبت نام و مقدمات حج اقدام نماید، اگر کسی ثبتنام کرد ولی نوبت او را برای

چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شد و پول قرض کرد و به مکه رفت، آیا حج او حجة الاسلام است یا خیر؟

ج - اگر قبلاً حج بر او مستقر نشده و فعلاً هم نمی تواند به حج برود مگر با قرض [۱۲]، حج بر او واجب نشده است، و حج او حجة الاسلام نیست. [۱۳]

[۶۶] س - اگر کسی به خیال اینکه استطاعت دارد، به قصد عمره تمتع مُحرم شد و به ترتیب کلیه اعمال حج تمتع حجة الاسلام را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد که مستطیع نبوده است، بفرمایید احرام و اعمال گذشته اش چگونه است و نسبت به آینده اگر مستطیع شد، آیا حجة الاسلام بر او واجب است یا نه؟

ج - مُحرم نیست [۱۴]، ولی اگر مستطیع شد باید حجة الاسلام به جا آورد.

[۶۷] س - کسی خیال می کرد، مستطیع نیست، به نیت استحباب مُحرم شد و اعمال عمره تمتع را انجام داد، بعد در مکه پرسید، معلوم شد مستطیع بوده است، آیا مجدداً باید به نیت وجوب مُحرم شود یا کافی است؟

ج - کفایت نمی کند [۱۵]، و در صحت حج ندبی او تأمل است. [۱۶]

[۶۸] س - شخصی برای زیارت سوریه ثبتنام کرده و فعلاً سه هزار روپیه بهدست آورده است و خرج حج بیتالله هم همین مقدار می شود، آیا رفتن حج واجب است یا می تواند به زیارت سوریه برود؟

ج - اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد باید به حج برود. [۱۷]

[۶۹] س - در قباله های کنونی برای ازدواج، مبلغ زیادی نوشته می شود، آیا زنی که می خواهد ازدواج کند طبق برنامه مذکور واجب الحج می شود یا خیر؟ ضمناً مشخص فرمایید مبلغ چقدر باشد بهتر است؟

ج - اگر بدون مفسده [۱۸] بتواند مهر را بگیرد و به حج برود مستطیع است، و مهرالسنه بهتر است و استحباب دارد. [۱۹]

[۷۰] س - اگر پدری بعد از ثبت نام برای حج، فوت کرده است و چند پسر دارد و اجازه حج به یکی از پسران داده می شود، آیا در چنین موردی استطاعت طریقی برای کدام حاصل می شود؟

ج - با فرض وجود سایر شرایط استطاعت، به هر کدام اجازه داده شود مستطیع می شود. [۲۰]

[۷۱] س - پدری برای حج ثبتنام کرده و در وصیتش گفته است که برایش حج مستحبی به جا آورند و پسر بزرگتر چون دیده خودش استطاعت بدنی و مالی دارد و فقط استطاعت طریقی نداشته که آن هم با فوت پدر برایش حاصل شده، به نیت خود حج را انجام داده، نه به نیابت از پدر، آیا حج او صحیح است یا نه؟ چون استطاعت طریقی نداشته مگر از طریق نیابت؟

ج - فرض مزبور نیابت نیست، و حج خودش صحیح و مجزی است. [۲۱]

[۲۲] س - مسلمین بعضی از کشورهایی که حکومتشان کمونیستی است، اگر بخواهند حج بروند باید مبلغ زیادی به آن حکومت کمک کنند و قهراً این پول برای تقویت چنین حکومتی مصرف می شود، در صورتی که راه منحصر به این کار باشد آیا اولاً: حج بر چنین اشخاصی واجب است یا نه؟ و ثانیاً: اگر این مقدار پول را بدهند و به حج بروند از حجة الاسلام کفایت می کند یا نه؟

ج - آنچه ذکر شد موجب سقوط حج نمی شود. [۲۲]

[۲۳] س - زنی برای حج ثبت نام کرده است، ولی شوهرش که او هم استطاعت داشته، به عللی ثبت نام ننموده است، آیا زن می تواند شرعاً نوبت خود را به شوهرش بدهد به این امید که در آینده هر دو با هم ثبت نام نمایند یا نه؟

ج - اگر زن مستطیع است نمی تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد [۲۳]، ولی اگر نوبت را به او داد حج شوهر صحیح است. [۲۴]

[۲۴] س - من با داشتن بیست هزار تومان قرض و گرفتن یک ماه حقوق قبل از پرداخت آن، موفق به سفر حج شدم، با توجه به اینکه شخص طلبکار از این سفر حج کاملاً راضی و به پولش احتیاج ندارد، آیا این حج واجب محسوب می شود یا نه؟

ج - اگر استطاعت مالی برای شما محقق بوده، در فرض مزبور حج شما صحیح و حج واجب محسوب است، به شرط آنکه امکان ادای بدهی بعداً به سهولت برای شما فراهم باشد. ولی اگر با قرض [۲۵] برای حج استطاعت مالی پیدا کرده اید، مستطیع نشده اید و از حجة الاسلام محسوب نمی شود. [۲۶]

[۲۵] س - اگر کسی مستطیع شد، آیا می تواند مال خودش را به پدر یا مادر ببخشد و خرج سفر حج ایشان نماید و اگر چنین کرد تکلیفش چیست؟

ج - اگر شخصاً مستطیع است باید حج به جا آورد و با بخشش پول به والدین، تکلیف از او ساقط نمی شود و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حج واجب بر خود را به جا آورد بخشش جایز نیست، اگر چه صحیح است.

[۲۶] س - اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند و از طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم می نویسند، آیا برای این گونه اشخاص اسم نویسی واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب، اگر مسامحه کردند و ننوشتند و بعد از مدت پنج سال مردند یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترک واجب کرده اند یا اینکه حج هم بر آنان مستقر است؟

ج - اگر احتمال دهند که قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون می آید لازم است شرکت کنند [۲۷] و اگر شرکت نکردند باید به حج بروند و حکم کسی را دارند که حج بر او مستقر است. [۲۸]

[۲۷] س - اینجانب با شرایط زیر، طبق قرعه کشی سازمان حج و زیارت - ان شاء الله - در سال ۱۳۶۶ عازم بیت الله الحرام هستم:

۱. هزینه کامل زیارت خود و همسرم از پول مُحَمَّش تهیه شده است.

۲. معلم آموزش و پرورش بوده و حقوق مستمر در حد معمول زندگی با قناعت را دریافت می دارم.

۳. فاقد مسکن و اتومبیل شخصی بوده و در هر شهری که شاغل باشم، مستأجر هستم.

۴. وسائل زندگی را در حد معمول دارا می باشم.

با توجه به شرایط فوق و شبهاتی که نسبت به وجوب حج و عدم آن از اطراف القا می شود، آیا حج اینجانب و همسر من از حج واجب، کفایت می کند یا خیر؟

[۲۹] در فرض مرقوم چنانچه همسر شما به مقدار رفتن و برگشتن برای حج پول دارند و می توانند بروند، مستطیع هستند، و شما در صورتی استطاعت دارید که لوازم زندگی خود و عائله را به مقدار شأنتان دارا باشید [۳۰]، و بعد از برگشتن بتوانید با درآمد کسب خودتان، زندگی خود و عائله را اداره کنید.

[۷۸] س - اگر شخصی مستطیع بود و در رفتن به حج مسامحه کرد تا نوبت او از دست رفت، حال که اسم نمی نویسند، آیا با واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران و با صرف مبالغی زیاد، جایز است به حج مشرف شود یا خیر؟ زیرا در غیر این صورت سال ها فریضه او تأخیر می افتد و خوف این را دارد که خدای ناکرده از تارکین حج به حساب آید؟

ج - باید به هر نحو [۳۱] هست و برخلاف مقررات جمهوری اسلامی نیست به حج مشرف شود. [۳۲]

[۷۹] س - شخصی قبلاً حج بر او مستقر نشده، اما در موقع ثبتنام جهت حج تمتع مستطیع بوده و ثبت نام نموده، ولی بعداً از نظر مالی محتاج شده و احتیاج به پول سپرده شده در بانک را دارد، بفرمایید می تواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنانچه در سال اول یا سال های بعد قرعه به نام او اصابت کند، فرق دارد یا نه؟

ج - با فرضی که ذکر شده مستطیع نیست و می تواند [۳۳] پول را بگیرد و فرق ندارد. [۳۴]

[۸۰] س - پدرم در سال ۱۳۶۰ برای زیارت خانه خدا مستطیع شد و در سال ۱۳۶۲ جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد، ولی بعد از احرام بستن، بین راه سگته و فوت کرد و هیچ گونه عملی را انجام نداد، آیا حج به گردنش می باشد یا خیر؟

ج - اگر بعد از دخول حرم مرده [۳۵]، حج از او ساقط شده است و اگر قبل از دخول حرم فوت کرده [۳۶]، در صورتی حج واجب نیست که سال اول استطاعت او باشد. [۳۷]

[۸۱] س - دارایی شخصی قریب هفتصد و پنجاه هزار تومان از اصل ملک و خانه که ارث از پدرش به او رسیده می باشد، به اضافه اینکه یک باب منزل مسکونی هم دارد، اکنون که نامبرده در اثر سانحه ای از دنیا رفته است، دارایی یک همسر و دو بچه صغیر می باشد که معاش آنان از درآمد همین املاک مذکور تأمین می شود، آیا شخص متوفی مستطیع بوده یا خیر؟ و در صورت وجوب حج، آیا حج بلدی گرفته شود یا میقاتی کفایت می کند؟ و آیا می شود مخارج حج، از کل ترکه پرداخت گردد؟

[۳۸] چنانچه شخص متوفی در حال حیات، خرج رفت و برگشت خود و عیالاتش [۳۹] را داشته و در برگشتن هم درآمد لایق به حال خود و خانواده را داشته و می توانسته به مکه برود [۴۰] و تأخیر انداخته، مستطیع بوده و چنانچه وصیت نکرده، حج میقاتی از اصل ترکه خارج می گردد. [۴۱]

[۸۲] س - شخصی که حج به جا آورده، لیکن چون امرار معاش او از وجوه و امثال آن بوده و آن زمان نیز متذکر مسأله مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی نشده و گمان کرده که حج واجب خود را انجام داده است، پس از آن و در حال استطاعت قطعی نیابتاً حج به جا آورده است، آیا حج نیابتی وی صحیح است یا باید پس از انجام حج واجب مستقر خودش، نیابت را تکرار کند؟ [۴۲]

ج - چنانچه در وقت انجام حج اولی مستطیع نبوده، با فرض حصول استطاعت در زمان حج ثانی، حج نیابتی باطل است [۴۳] و حج خود را باید انجام دهد و حج نیابتی را اگر وقت آن موسّع بوده، بعد از حج خودش انجام دهد و در غیر این صورت به صاحب پول مراجعه کند.

۸۳] س - کسی که واجب الحج بوده، از پاکستان عازم حج شد و در مدینه منوره بیمار گردید و در حال بیماری به طرف مکه رهسپار شد و در بیمارستان مکه قبل از حج وفات نمود، تمام دارائیش در وقت فوت، مقداری پول و قطعه زمینی در پاکستان بوده است، با توجه به اینکه پول موجودش برای نیابت حج او کفایت نمی کند، آیا ورثه اش باید زمین را بفروشند و برایش نایب بگیرند، و یا اینکه با فوت او حج ساقط می شود؟ اجرکم علی الله.

ج - اگر با احرام عمره تمتع داخل مکه شده [۴۴] و پیش از انجام یا اكمال اعمال عمره یا بعد از انجام آن فوت نمود، همان مقدار عمل او مجزی و حج از او ساقط است، ولی اگر بدون احرام عمره وارد مکه شد [۴۵] و در آنجا فوت نمود، در صورتی که حج بر او قبلاً مستقر بوده، باید از اصل ترکه او برایش نایب بگیرند و حج میقاتی کفایت می کند.

۸۴] س - اینجانب در موقع ازدواج، یک سفر حج به زوجه ام وعده داده ام، آیا ادائش چگونه می باشد؟

ج - اگر مجرد وعده بوده است [۴۶]، لازم نیست ادای [۴۷] آن. و اگر مهر قرار داده شده باشد [۴۸] باید به آن عمل کند. [۴۹]

۸۵] س - اینجانب که به علت کهولت سن و بالا بودن قند خون و امراض دیگر قادر به انجام فریضه حج نمی باشم، آیا می توانم نیابتاً از طرف خود کسی را به حج بفرستم یا خیر؟

ج - اگر قبلاً از جمیع جهات مستطیع بوده اید، ولیکن اقدام بر انجام حج نکرده اید و در نتیجه حج بر شما مستقر شده و فعلاً در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن نباشد تمکن از سفر حج ندارید واجب است کسی را نایب بگیرید تا برای شما حج به جا آورد. [۵۰]

۸۶] س - شخصی پدرش وصیت کرده است که فرزندش از جانب او حج به جا آورد، بعد از مرگ پدر، فرزند مستطیع می شود. آیا لازم است حج خود را بر حج پدر مقدم بدارد و اگر حج خود را مقدم بدارد آیا صحیح است یا نه؟

ج - اگر قبل از آنکه پسر مستطیع شود، پدر او را اجیر کرده که بعد از فوت او در سال اول حج برای پدر انجام دهد یا نسبت به مدت، مطلق بوده که منصرف به سال اول است و پسر قبل از استطاعت خود اجازه را قبول کرده [۵۱]، لازم است سال اول بعد از فوت پدر حج نیابی برای پدر انجام دهد. [۵۲] و در غیر این صورت باید برای خودش حج کند. [۵۳] و در صورت اول، اگر برای خودش حج به جا آورد صحیح است، گرچه در مخالفت اجازه معصیت کرده است. ولی در صورت دوم، اگر حج نیابی به جا آورد صحیح نیست [۵۴]، و نه برای خودش واقع می شود و نه برای پدرش، و حج بر خودش مستقر می شود که باید به هر نحو شده در سال بعد اتیان کند و اگر به جا نیاورد در سال های بعد، با مراعات فوراً ففوراً، انجام دهد. و باید معلوم باشد که مجرد وصیت [۵۵] به حج بدون استیجار فرزند، نیابت را بر او واجب نمی کند هر چند وصیت را قبول کرده باشد. بنابراین در فرض استطاعت فرزند بعد از فوت پدر باید برای خودش حج به جا آورد و نیابت صحیح نیست. [۵۶]

۸۷] س - خانم خانهداری که حج بر او واجب شده است و شوهرش اجازه مسافرت به تنهایی را نمی دهد و می گوید چون برای حج اسم مرا ننوشته ای من اجازه نمی دهم، وظیفه اش چیست؟ و آیا بدون اجازه شوهر می تواند به حج برود یا نه؟

ج - در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد ولو اینکه شوهر او راضی به مسافرت او برای حج نباشد. [۵۷]

۸۸ س - شخصی طبق وصیت پدر، که پول به حساب سازمان حج واریز کرده است، به نیابت او به مکه آمده در حالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته است، آیا به نیابت پدر حج به جا آورد یا حج خود را انجام دهد؟

ج - اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او، راه برای او باز شده است [۵۸] باید، برای پدرش حج کند [۵۹]، مگر آنکه تبرعاً و بدون اجاره به نیابت پدر آمده باشد، که در این صورت مستطیع شده و باید برای خودش حج به جا آورد [۶۰]، و گذشت که به مجرد وصیت^[۶۱] و قبول فرزند، نیابت واجب نمی شود مگر آنکه قبل از استطاعت اجیر شود. [۶۲]

۸۹ س - شخصی به جز برای هدّی، استطاعت حج را دارا است، آیا حج برای او واجب است؟

ج - بلی مستطیع است [۶۳] و پول هدّی، جزو استطاعت نیست. [۶۴]

۹۰ س - اینجانب سال گذشته به حج مشرف شدم و با توجه به فتوای حضرتعالی که فرموده اید طلابی که به شهریه حوزه نیاز دارند مستطیع نیستند و در صورتی مستطیع می شوند که از وجوه شرعیه مستغنی باشند، لذا اینجانب مقدار پولی با افراد ذیحق (پدر و همسایه) مبادله و دستگردان کردم و به عنوان اینکه نسبت به بنده ذی حق هستند، به آنان بخشیدم و ایشان آن را جهت مخارج حج به من برگرداندند، من هم در تمام اعمال و مناسک حج نیت حجة الاسلام کردم، آیا این حج برای اینجانب کفایت از حجة الاسلام می کند یا نه؟ ضمناً لازم به تذکر است که در ثبت نام عمومی سال ۱۳۶۰ پول به حساب ریختم و آن موقع فتوای فوق را ندیده بودم و پولی که دستگردان شده بود جایگزین آن پولی که در حساب واریز کرده بودم قرار گرفت، بفرمایید آیا عین پول مبذول باید هزینه باشد یا بذل آن کافی است؟

ج - در فرض سؤال احوط آن است [۶۵] که بعداً اگر استطاعت پیدا کردید حج را اعاده نمایید. [۶۶]

۹۱ س - شخصی قدرت مسافرت حج را ندارد و از قادر شدن بعد هم مأیوس است و استطاعت مالی هم ندارد، اگر به او بذل نفقه حج نمایند، آیا باید قبول کند و نایب بگیرد یا اینکه قبول واجب نیست، و نیز اگر او را مهمان کنند، حج واجب می شود تا استنابه کند یا خیر؟

ج - در فرض مرقوم حج واجب نیست. [۶۷]

۹۲ س - اگر در میقات مستطیع شد و حجة الاسلام به جا آورد، مُجْزِی است یا نه؟ و آیا در فرض مسأله، رجوع به کفایت شرط است یا نه؟

ج - اگر مستطیع شده، مُجْزِی است، ولی رجوع به کفایت شرط است. [۶۸]

۹۳ س - شخصی که استطاعت رفتن به حج را پیدا کرده، آیا می تواند پول حج را به مصرف لازمی در غیر مؤونه خود و افراد واجب النفقه اش خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد؟ مثلاً آیا می تواند در شرایط کنونی کشور خرج جبهه کند؟

ج - مستطیع باید به حج برود [۶۹]، و دادن پول در مصارف مذکور کافی از حج واجب نیست، و اگر خرج کند [۷۰] و از استطاعت بیفتد، باید به هر نحو هست به حج برود.

۹۴ س - در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج می فرستند، بدون اینکه ملزم باشد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است یا خیر؟ و قبول آن واجب است؟

ج - با فرض مشروعیت آن بدون تعهد به هیچ کاری، حکم حج بذلی دارد. [۷۱]

[۹۵] س - مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت جمهوری اسلامی وقتي برای ثبتنام اعلام نشده است، آیا نگهداری آن پول لازم است و من مستطیع هستم؟

ج - اگر سایر شرایط را دارید و در همین سال هم ثبتنام می شود، باید ثبتنام کنید. و در غیر این صورت مستطیع نیستید [۷۲] و نگهداری پول لازم نیست. [۷۳]

[۹۶] س - همسر شهیدی که دارای دو بچه چهار ساله می باشد و عملاً سرپرستی این دو بچه را دارد و به عنوان خانواده شهید قرعه حج هم به نام او در آمده است، آیا مشارالیه می تواند مخارج را از مال این دو صغیر بردارد و مناسک حج را انجام دهد یا خیر؟

ج - نمی تواند مصارف حج را از اموال صغیر بردارد.

[۹۷] س - کسی که چهار پسر دارد و زن برای همیشان گرفته است، و خرج سالانه خود را هم دارد و قرض هم ندارد، و با پسرانش درآمدشان یکجا است، الآن خرج دو نفر را دارند که به حج بروند، آیا حج واجب است یا نه، و اگر واجب شده است آیا تنها بر پدر واجب شده یا بر پسر هم واجب شده است و اگر بر پسر هم واجب شده است کدامشان حق اولویت دارند؟

ج - کسی که از مال خودش به مقدار حج دارد و می تواند به مکه برود [۷۴] و بعد از برگشت زندگانی لایق شأنش را داشته باشد مستطیع است و باید حج برود. [۷۵]

[۹۸] س - کسی که واجد شرایط حج باشد و نوه ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد که اگر زن نگیرد به حرام می افتد، آیا کدام مقدم است و وظیفه پدر بزرگ چیست، ازدواج برای نوه اش یا حج؟

ج - حج خودش مقدم است [۷۶] مگر اینکه ازدواج نوه، از مخارج عرفی او محسوب شود و نتواند هم برای او ازدواج کند و هم به مکه برود. [۷۷]

[۹۹] س - اینجانب با داشتن استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چون معتاد به خوردن تریاک هستم طبق مقررات کشوری، اداره بهداشت از رفتن حج جلوگیری می کند، از نظر شرع تکلیف حج چیست؟

ج - اگر قبلاً مستطیع بوده اید و با امکان، حج نرفته اید حج بر شما مستقر شده است [۷۸]، و اگر قبلاً استطاعت نداشته اید در فرض مذکور مستطیع نیستید [۷۹]، مگر آنکه بتوانید، ولو با ترک تریاک، تحصیل اجازه کنید و به مکه بروید. [۸۰]

[۱۰۰] س - آیا از منافع خمس و زکات، کسی مستطیع می شود یا نه، و آیا خمس و زکات جزو ترکه میت است یا نه؟

ج - چنانچه به عنوان مصرف از طرف ولی امر [۸۱] به او داده شده، مالک شده و جزو ترکه او محسوب است، و از منافع آن هم با وجود سایر شرایط، مستطیع می شود. [۸۲]

[۱۰۱] س - هرگاه کسی سرمایه یا ابزار کار دارد که اگر مقداری از آن را بفروشد می تواند با آن زندگی کند بدون زحمت، و با تفاوت آن قادر بر حج است آیا این شخص مستطیع است؟

ج - با وجود سایر شرایط، مستطیع است. [۸۳]

[۱۰۲] س - شخصی باغی دارد که چند سال است درآمدی نداشته، اما از نظر قیمت برای سفر حج کافی بوده، صاحب باغ عرفاً

اطمینان دارد وقتی باغ ثمر بدهد او هم از کار افتاده خواهد شد و باید از درآمد باغ امرار معاش نماید، آیا این شخص مستطیع است؟

ج - اگر تمکن از امرار معاش به غیر از درآمد آن باغ نداشته باشد مستطیع نیست. [۸۴]

[۱۰۳] س - شخصی که بعد از عمره تمتع دیوانه شده، آیا لازم است که او را برای حج محرم کنند و وظیفه چیست؟

ج - لازم نیست و بر دیوانه تکلیفی نیست. [۸۵]

[۱۰۴] س - اگر دختر بچه سه ساله را مادرش در سفر مکه معظمه همراه ببرد و در میقات نیت احرام و تلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد و در طواف عمره و سعی بین صفا و مروه و طواف زیارت و طواف نساء و وقوف عرفات و مشعر و منی، مادر از طرف دختر نیت نموده و خود دختر را طواف و سعی و توقف بدهد و آنچه از اعمال حج که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد می تواند شوهر نماید یا خیر؟

ج - با فرض اینکه تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده اند از احرام خارج شده و می تواند شوهر کند. [۸۶]

[۱۰۵] س - اگر اطفال غیر ممیز - پسر یا دختر - را پدر و یا مادر در سفر مکه معظمه همراه ببرند، آیا واجب است که پدر یا مادر در صورت تمکن اطفال، خود اطفال را وادار به انجام اعمال حج و عمره و طواف نساء نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نایب ایشان اعمال عمره و حج و طواف نساء را از جانب اطفال به جا آورند، و اگر هیچ کدام از کارهایی مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند آیا این اطفال بعد از بلوغ و رشد می توانند ازدواج کنند و یا باید به مکه بروند و عمره و حج و طواف نساء را انجام دهند و بعد ازدواج نمایند و یا تنها طواف نساء بر گردن آنان است؟

ج - بر ولی طفل واجب نیست او را مُحرم کند یا از طرف او حج انجام دهد [۸۷]، ولی اگر او را مُحرم کرد باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه ای که در مناسک و در رساله ذکر شده است انجام دهند [۸۸]، وگرنه در بعض صور، طفل در احرام باقی می ماند و تا تدارک نکند نمی تواند ازدواج نماید.

[۱۰۶] س - اولاً با وجود دین چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟ و ثانیاً در صورتی که پول باشد لیکن به علت بیماری قلب، مقامات پزشکی سازمان حج و زیارت تشرف را خالی از خطر ندانسته و تجویز نمایند، آیا بایستی یک نفر برای انجام حج اعزام گردد؟

ج - شما اگر قبل از آنکه استطاعت پیدا کنید مریض شده اید، که قدرت رفتن به مکه را از جهت مرض نداشته اید، مستطیع نشده اید [۸۹] و نایب گرفتن لازم نیست و نیز استطاعت مالی در صورتی موجود است که پول به مقدار رفتن و برگشتن داشته باشید و پس از برگشت، امکان پرداخت دین به سهولت برای شما باشد. [۹۰]

آیه الله سبحانه: خدمه کاروانها و پزشکان و امدادگران و افراد دیگری که با مأموریت به میقات آمده اند اگر حج موجب تغییر روال زندگی آنها نباشد (از نظر مالی وضعشان بدتر نشود) بر آنها حجة الاسلام واجب می شود.

[۱]. آیه الله بهجت: گذشت حکم استنباهه در مسأله ۵۲.

[۲]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد ولو به اینکه برای بعض اعمال نایب بگیرد، از استطاعت افتاده است. ولی اگر ثروتمند است و دیگر هیچگاه توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد و یا مشقت دارد، باید برای حج نایب بگیرد و وجوب نایب گرفتن، مانند وجوب حج، فوری است. (مناسک، م ۶۳).

آیه الله زنجانی: در صورت حرج یا ضرر شدید فعلاً وظیفه ای ندارد و باید مطابق حاشیه مسأله ۶۴ عمل نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و قدرت بر نایب گرفتن هم ندارد.

آیه الله مکارم: حتی نایب هم نتواند بگیرد.

[۳]. آیه الله خویی: ولی اگر دارا و ثروتمند است و امید به بهبودی ندارد یا حج بر او حرجی است باید نایب بگیرد.

آیه الله سبحانی: اگر تمکن مالی برای استنابه ندارد از استطاعت خارج شده لیکن اگر متمکن است و امید به بهبودی او نیست باید استنابه کند.

آیه الله سیستانی: اگر توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد و نایب هم نمی تواند بگیرد، از استطاعت افتاده است ولی اگر تمکن مالی دارد و توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد یا دشوار و با مشقت است و امید به بهبودی ندارد باید نایب بگیرد. (مناسک، مسأله ۶۳).

[۴]. آیات عظام بهجت، تبریزی، سبحانی: در این مسأله و مسأله بعد، قصد امتثال امر فعلی را بنماید.

[۵]. آیه الله سبحانی: به عنوان امتثال امر فعلی در تمام مراحل نیت کند.

آیه الله مکارم: اگر حج خود را به طور صحیح انجام داده وجهی برای اعاده آن نیست.

آیه الله نوری: مانع ندارد مطلقاً.

[۶]. آیات عظام اردبیلی، تبریزی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: اعاده لازم نیست.

آیه الله بهجت: به معنایی که برای رجوع به کفایت، در ذیل مسأله ۴۰ گذشت مراجعه فرمایید.

[۷]. آیه الله زنجانی: اگر برای حج مجدد نیز استطاعت مالی داشته یا از سال های قبل استطاعت مالی داشته باشد باید در اولین فرصت حج به جا آورد، و اگر از بهبودی مأیوس است نایب بگیرد؛ ولی چنانچه به مصرف کردن این مال، نیاز مبرمی پیدا کرد و مال را مصرف نمود از استطاعت می افتد.

[۸]. آیه الله بهجت: برای حکم استنابه، به مسأله ۵۲ مراجعه شود. و عمره او مفرده می شود و احتیاطاً باید طواف نساء به جا آورد (مستفاد از سؤال ۱۳۶ مناسک).

آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی: مگر آنکه ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند، پس بنابر احتیاط باید نایب بگیرد.

آیه الله خویی: مگر آنکه ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند یا برای او مشقت داشته باشد و امید به بهبودی نداشته باشد که در این صورت باید برای حج نایب بگیرد. و وجوب نایب گرفتن مانند وجوب حج فوری است. (مناسک، مسأله ۶۳ و قبل از مسأله ۱۵۱).

آیه الله سبحانی: اگر بازگشت برای او مقدور نیست احتیاطاً باید برای طواف نساء نایب بگیرد و در صورتی که ثروتمند باشد و امید به بهبودی نداشته باشد برای حج نیز نائب بگیرد (کتاب الحج، ج ۱، ص ۳۳۷).

آیه الله سیستانی: اگر از انجام حج متمکن نبوده، وظیفه او بنابر احتیاط واجب این بوده است که عمره تمتع را بدل به عمره مفرده کند و طواف نساء را انجام دهد، و اکنون اگر بازگشت برای او مقدور نیست احتیاطاً باید برای طواف نساء نایب بگیرد. (مناسک، ذیل مسأله ۱۵۱ و ملحقات مناسک، ص ۹۲).

[۹]. آیه الله فاضل: و اگر نشد سال بعد.

[۱۰] آیه الله مکارم: در همان سال و اگر ممکن نشد در سال های بعد.

[۱۱] آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط در این صورت هم نایب بگیرد و اگر بعداً رفع عذر شد و دارای شرایط بود احتیاطاً خودش نیز حج را انجام دهد. (مناسک عربی، ص ۳۲، مسأله ۹۰).

[۱۲] آیه الله اردبیلی: اگر هنگامی که آن پول را قرض می گیرد طلبی داشته باشد که به اندازه مخارج حج او باشد، چنانچه قرض کند و به حج برود، حجة الاسلام محسوب می شود، هر چند قرض کردن واجب نیست.

آیات عظام بهجت، زنجانی، فاضل: حکم قرض گرفتن در ذیل مسأله ۲۰ گذشت.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد و قدرت پرداخت آن را بدون مشقت بعد از آن داشته باشد، حج بر او واجب خواهد بود. (مناسک، م ۳۳).

آیه الله سیستانی: مگر آنکه وقت پرداخت قرض آنقدر دور باشد که اصلاً عقلاً به آن توجه نکنند. که در این صورت حج بر او واجب خواهد شد. (مناسک، مسأله ۳۳).

[۱۳] آیه الله تبریزی: هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد و در وقت قرض کردن مالی داشته باشد که بتواند با آن قرض خود را ادا کند حج بر او واجب خواهد بود بلکه مثل این شخص اگر بتواند بدون منت قرض کند لازم است قرض کند و به حج برود (مناسک، م ۳۳).

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۲۰ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر برای پرداخت قرض خود به حرج نیفتاده باشد، حج او حجة الاسلام است.

آیه الله سبحانی: تحصیل استطاعت با قرض واجب نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: مگر در صورتی که از کسی طلب داشته باشد و یا مالی دارد که در دسترس او نیست و بعداً به راحتی می تواند به واسطه آن قرضی را که گرفته ادا کند، که در این صورت با قرض کردن صدق استطاعت می کند و اگر قرض کرد و سایر شرایط هم فراهم بود حج واجب می شود و حجة الاسلام می باشد. (مناسک عربی، ص ۱۹، مسأله ۳۴).

آیه الله مکارم: مگر اینکه نوبت خود را، که برای آن ثبت نام کرده، در مقابل آن به وام دهنده واگذار کند.

[۱۴]. آیه الله اردبیلی: حجّی که انجام داده حج استحبابی محسوب می شود و اکنون در احرام نیست و حج انجام شده کفایت از حجة الاسلام نمی کند.

آیه الله بهجت: اگر به قصد انجام وظیفه فعلیه بوده حج صحیح استحبابی هم می باشد.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجان: حش صحیح است ولی کفایت از حجة الاسلام نمی کند.

آیه الله خامنه ای: اگر به قصد انجام وظیفه فعلیه بوده، حج صحیح و استحبابی است.

آیه الله سبحانی: حج او مستحبی است و چنانچه بعداً مستطیع شد باید حجة الاسلام به جا آورد.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: احرام او صحیح و حج او مستحبی است و کفایت از حجة الاسلام نمی کند.

آیه الله نوری: اگر به قصد تقیید بوده احرام واقع نشده، و اگر خطا در تطبیق بوده احرام حج مستحب واقع شده و احرام صحیح بوده و از آن خارج شده، ولی مجزی از حجة الاسلام نیست.

[۱۵]. آیه الله اردبیلی: چون غالباً قصد امر فعلی می شود و این مورد از موارد خطا در تطبیق است، تجدید احرام لازم نیست و کفایت از حجة الاسلام می کند.

آیه الله بهجت: اگر به قصد امر فعلی بوده، اگر چه اعتقاد ندبیت آن را داشته، اظهار صحت و اجزاء از حجة الاسلام است (کتاب حج، ص ۳۰).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مجزی از حجة الاسلام است و نیاز به احرام جدید نیست.

آیه الله خامنه ای: اگر شخص مستطیع با اعتقاد به اینکه مستطیع نیست قصد حج استحبابی کند، و بعد معلوم شود که مستطیع بوده، کفایت آن از حجة الاسلام محل اشکال است و بنابر احتیاط، واجب است در سال بعد حج را به جا آورد، مگر آنکه به توهم اینکه وظیفه فعلیه او امتثال امر استحبابی است، قصد امتثال امر فعلی شارع مقدس را داشته باشد که در این صورت کفایت از حجة الاسلام می کند. (مناسک حج، م ۳۷)

آیه الله سبحانی: هرگاه به نیت امر فعلی محرم شده باشد از عمره تمتع کفایت می کند و در غیر این صورت احتیاط کندی در این گونه

که طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و آن را عمره مفرده قرار دهد و سپس به یکی از مواقیت رفته و اگر نشد به ادنی الحل و سپس برای عمره تمتع واجب محرم شود و اعمال آن را انجام دهد سپس اعمال حج تمتع را به جا آورد.

آیه الله سیستانی: چنانچه کسی به اعتقاد اینکه مستطیع نیست به عنوان استحباب، به حج رفت و قصد اطاعت امری که فعلاً متوجّه او است را نمود و بعداً معلوم شد مستطیع بوده، حجّش کفایت می کند و حج دیگری بر او واجب نیست. (مناسک، مسأله ۵۸).

آیه الله صافی، آیه الله مکارم: بلکه کفایت می کند.

آیه الله فاضل: باید حجة الاسلام را انجام دهد و اکتفا به عمره انجام شده مشکل است، لذا برای احرام عمره تمتع وجوبی، باید به وظیفه ناسی احرام که در مسأله ۲۱۵ بیان شده است، عمل کند و در ضیق وقت باید حج افراد انجام دهد، مگر اینکه خطا در تطبیق باشد.

[۱۶]. آیه الله زنجان: حج استحبابی او صحیح است و باید در اولین فرصت، حجة الاسلام خود را به جا آورد.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: اگر تقييد به استحباب داشته، و اگر به نحو خطا در تطبیق بوده، صحیح و کافی است.

آیه الله گلپایگانی: مگر اینکه قصد کرده باشد حجّی را که بر اوست و اشتباهاً گمان کرده استحبابی است، که در این صورت بعید نیست کفایت کند. (مناسک عربی، ص ۳۰، مسأله ۸۰).

[۱۷]. آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: و اگر سایر شرایط را ندارد باید برای سال های آینده استطاعت مالی خود را حفظ کند و اگر از تحقق سایر شرایط ناامید است، نایب بفرستد.

[۱۸]. آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۴۷ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: بدون وقوع در حج.

آیه الله سیستانی: اگر مستلزم حرجی بر زن باشد، که تحملش برای او مشکل است، مستطیع نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اختلال در زندگی. (مجمع المسائل، ج ۱، مسأله ۳۳).

آیه الله مکارم: و یا حاصل شدن هر چیزی برخلاف حیثیت او.

[۱۹] آیه الله زنجانی: اگر مهریه، حالّ باشد و شوهر بتواند از مهریه به مقدار مخارج حج را بپردازد و مطالبه آن مستلزم حرج و آبروریزی برای زن نباشد و همچنین اگر شوهر بخواهد آن را بپردازد، زن مستطیع است.

[۲۰] آیه الله اردبیلی: اگر قبلاً بر پدر حج مستقر نبوده و وصیتی هم نکرده باشد، هر یک از آنان که باقی ورثه رضایت برای استفاده او بدهند، استطاعت طریقی برایش حاصل می شود.

آیه الله زنجانی: اگر لازم باشد که با آن فیش برای پدر، حج به جا آورند هیچ کدام مستطیع نیستند والا هر پسری که استطاعت مالی دارد اگر می تواند باید برای جلب رضایت ورثه در استفاده از فیش اقدام کند و اگر اقدام نکند حج بر عهده اش مستقر می شود.

آیه الله سبحانی: اگر کسی برای حج ثبت نام نمود و قبل از رسیدن ذی الحجه فوت کرد و در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده بود، حج بر او مستقر نشده است و فیش ثبت نام از ترکه میت به حساب می آید و اگر ورثه توافق کردند و فیش را به یکی از وراثت مجاناً و یا به عنوان سهم الارث و یا با فروختن به او واگذار کردند و او سایر شرایط استطاعت به جز استطاعت طریقی را داشت، مستطیع می شود و در غیر این صورت اگر همه وراثت در شرایط مساوی بودند باید قرعه بکشند و انجام حج را برای یک نفر از بین خود میسر کنند و اگر ورثه توافق نمودند فیش فروخته می شود و بهای آن بین ورثه تقسیم می شود.

آیه الله صافی: اگر به عنوان نیابت پدر است بر هیچ یک از آنها رفتن به حج و قبول نیابت واجب نیست مگر آنکه بالخصوص مورد وصیت باشد و اگر منظور این است که یکی از آنها می تواند با استفاده از فیش پدر برای خود حج به جا آورد، در صورت داشتن سایر شرایط استطاعت، بر هر کدام که می داند با استفاده از فیش مورد مزاحمت دیگران قرار نمی گیرد حج واجب است و اگر همه در این جهت مساوی باشند بر همه لازم است اقدام کنند و چنانچه یکی از آنها بدون مسامحه دیگران موفق به استفاده شد حج از دیگران ساقط است ولی با مسامحه، حکم به استقرار حج بر او خالی از وجه نیست. این در صورتی است که فیش از ترکه میت محسوب نشود و اگر از ترکه محسوب شود در صورتی که هیچ یک از ورثه از حقّ خود نسبت به آن صرف نظر نکنند، باید به فروش برسند و بهای آن بین ورثه - کما فرض الله - تقسیم شود و بنابراین، هر یک از ورثه یا غیر ورثه باید اقدام به خرید فیش نماید، هر کس برایش فراهم شد حج بر او واجب است و چنانچه پدر واجب الحج بوده است باید برای او استیجار نمایند هر چند به فروش فیش باشد.

آیه الله گلپایگانی: اگر به عنوان نیابت پدر است بر هیچ یک از آنها رفتن به حج و قبول نیابت واجب نیست، مگر آنکه بالخصوص مورد وصیت باشد، و اگر منظور این است که یکی از آنها می تواند با استفاده از فیش پدر برای خود حج به جا آورد، در صورت داشتن سایر شرایط استطاعت، باید هر کدام سعی کنند که خودشان به حج بروند و در صورت مشاجره بین آنها، با قرعه تعیین شود، و در هر صورت ارزش فیش را به ورثه مدیون است، و چنانچه پدر واجب الحج بوده است، باید برای او استیجار نمایند. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۴۴).

آیه الله مکارم: ولی ورثه باید بر آن توافق کنند و حج واجبی هم بر عهده پدر نباشد.

[۲۱]. آیه الله اردبیلی: ولی مرتکب عمل حرام شده است.

آیه الله خویی: فتوای ایشان در این مورد در دست نیست.

آیه الله سبحانی: حج او صحیح است، ولی باید برای پدر حج نیایی به جا آورد.

آیه الله سیستانی: وصیت پدر در حج نسبت به او نافذ است و پسر استطاعت طریقی نداشته که بتواند برای خودش حج به جا آورد. (ملحق مناسک، سؤال ۱۰).

آیه الله مکارم: ولی به خاطر ترک وصیت پدر، گناه کرده و باید حج مستحبی او را انجام دهد و یا کسی را بفرستد تا به جا آورد.

[۲۲]. آیه الله بهجت: ضررهای مالی غیر محجف، که از ظالمین در طریق و از حکومت های ظالمة صورت می گیرد، داخل در استطاعت است و با قدرت تحمل موجب سقوط نمی شود بلکه واجب است و همچنین قراردادهای حکومت های ظلم. و اگر ضرر مالی، محجف و موجب عسر باشد مانع از استطاعت شرعی است. (کتاب حج، ص ۲۱)

آیه الله تبریزی: هرگاه در راه حج دشمنی باشد که دفع او جز به پرداخت مال زیاد ممکن نباشد، پرداخت مال واجب نیست و وجوب حج ساقط خواهد شد مگر اینکه بذل مال، امر متعارف باشد، مثل اینکه حکومت از کسانی که وارد کشور می شوند مالی را اخذ می کند که در این صورت بذل واجب است و از مؤونه حج حساب می شود. (مناسک، مسأله ۱۶).

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: اگر جزو مخارج حج در آن کشور باشد حج واجب است و اگر اتفاقاً این مبلغ را از او می گیرند، اگر مستلزم ضرر مالی معتدیه می باشد حج بر او واجب نیست. (مستفاد از مسأله ۲۱ مناسک). البته اگر موجب فساد بر مسلمین باشد طبعاً جایز نیست.

آیه الله سیستانی: هرگاه در راه حج دشمنی باشد که دفع او جز به پرداخت مال به او ممکن نباشد، پس اگر پرداخت آن نسبت به حال شخص ضرر زیادی داشته باشد، واجب نخواهد بود و وجوب حج ساقط می شود، والا واجب خواهد بود. بلی پرداخت پول جهت جلب رضای او تا آنکه راه را باز کند واجب نیست. (مناسک، مسأله ۱۶).

آیه الله صافی: اگر موجب تقویت کفر در برابر اسلام محسوب شود که عرفاً آن بر ضرر اسلام و خلاف مصلحت مسلمین شمرده شود استطاعت حاصل نیست ولی اگر پول را پرداخت و استرداد آن ممکن نبود، پس از پرداخت، اگرچه معصیت کرده، استطاعت حاصل می شود و باید به حج برود.

آیه الله گلپایگانی: این گونه پرداخت ها منافات با استطاعت ندارد و در صورت امکان باید مبلغ را پرداخته و به حج برود و آن حج از حجة الاسلام کفایت می کند.

آیه الله مکارم: و حج او مجزی است.

[۲۳] آیه الله اردبیلی: چنانچه رفتن به حج برای زن هیچ محذوری نداشته باشد، نمی تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد و چنانچه این کار را بکند گناه کرده و حج بر او مستقر می شود ولی حج شوهرش صحیح است.

[۲۴] آیه الله مکارم: ولی زن گناه کرده است.

[۲۵] تفضیل مسأله و نظر مراجع عظام در ذیل مسأله ۲۰ و ۲۱ گذشت.

[۲۶] آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۲۰ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: مگر اینکه مالی که معادل آن باشد و بتواند دین را با آن ادا کند داشته باشد.

[۲۷] آیه الله اردبیلی: بلکه اگر احتمال دهد که در سال های بعد از سال اول هم قرعه به نامش اصابت می کند، باید ثبتنام کند و اگر ثبتنام نکند و بمیرد، چنانچه احتمال برود که اگر ثبتنام می کرد می توانست به حج برود، حج بر او مستقر شده است.

آیه الله خامنه ای: بلکه اگر رفتن به حج در سال های بعد منوط به نامنویسی و پرداخت مبلغی در این سال باشد بنابر احتیاط واجب باید به این کار اقدام کند. (مناسک حج، م ۳۹)

آیه الله خویی: به هر حال باید در قرعه کشی شرکت کنند. (مستفاد از مناسک، صفحه ۱۶، والمسائل الشرعیه، ج ۱، صفحه ۲۹۷، س ۱).

آیه الله سیستانی: چنانچه توقع عروض مانع دیگری از رفتن به حج در سالی که قرعه به نام او اصابت می کند، ندارد، بنابر احتیاط واجب لازم است ثبتنام کند وگرنه حج بر او بنابر احتیاط واجب مستقر می شود.

[۲۸]. آیه الله تبریزی: اگر اطمینان داشته باشد که در سال اول نامش بیرون می آید لازم است در قرعهکشی شرکت کند.

آیه الله زنجانی: اسمنویسی واجب است و اگر نکردند و در اولین سال به حج نرسیدند طبق حاشیه مسأله ۳ عمل نمایند.

آیه الله سبحانی: و همچنین در صورتی که رفتن به حج براساس قوانین کشور منحصر به ثبتنام برای پنج سال آینده باشد در این صورت نیز احتیاط واجب این است که باید ثبتنام بکند و اگر ثبتنام نکرد و به خاطر ثبتنام نکردن استطاعت طریقی پیدا نکرد، حج بر او مستقر می شود.

آیه الله صافی: در مورد سؤال، وجوب نامنویسی محلّ تأمل است و چنانچه با ترک آن، بعد از پنج سال فوت کرد استقرار حج بر او معلوم نیست اگر چه احتیاط آن است که برای او، با بقای استطاعت تا سال پنجم، استیجار حج نمایند.

آیه الله گلپایگانی: در مورد سؤال، نامنویسی واجب است و چنانچه مسامحه کرد و بعد از پنج سال فوت نمود، چون علیالظاهر در طول پنج سال متمکن از رفتن به حج بوده است حج بر او مستقر شده، و باید برای او استیجار نمایند.

آیه الله مکارم: اسمنویسی برای این اشخاص واجب است و اگر یقین به اصابت قرعه داشته باشند حج بر آنها مستقر می شود ولی احتمال کافی نیست.

[۲۹]. آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی، مکارم: در فرض سؤال مذکور، حج بر شما و همسران واجب است.

[۳۰]. آیه الله اردبیلی: چنانچه نداشتن مسکن و اتومبیل ملکی برای شما حرجی و بلکه مخالف با شأن نباشد، مستطیع می باشید.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: اگر از جهت صرف هزینه حج، در ناراحتی و مشقت نشوند واجب است حج بروند.

[۳۱]. آیه الله اردبیلی: چنانچه حرجی نباشد و نیز متوقف بر ارتکاب حرام اهمّ نباشد باید به حج مشرف شود.

آیه الله بهجت: قبل از استقرار حج استطاعت شرعیه شرط است و بعد از آن استطاعت عقلیه و مقدوریت میزان است البته با مراعات سایر احکام شرعیه. (مستفاد از صفحه ۲۷ و ۲۲ کتاب حج)

آیه الله تبریزی: باید به هر نحو ممکن، مادامی که حرج نبوده و مستلزم ارتکاب حرام نباشد، به حج مشرف شود.

آیه الله خویی: اگر حرجی نباشد و نیز متوقف بر ارتکاب حرام اهم یا مساوی نباشد حج واجب است.

آیات عظام سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: در صورت تمکن، اگر چه با صرف مبلغ زیادتیر، لازم است به حج برود.

آیه الله فاضل: اگر حرجی نباشد باید به هر نحو...

[۳۲] آیه الله زنجانی: به هر نحو که حرجی و موجب مهانت نباشد باید اقدام کند و اگر مستلزم معصیت باشد حج را تا رفع مشکل، تأخیر بیندازد؛ ولی اصل وجوب حج باقی است و به هر شکل، حج به جا آورد مجزی است.

[۳۳] آیه الله تبریزی: اگر در سال اول قرعه به نام او اصابت کند، نمی تواند پول را بگیرد مگر آنکه در حج بیفتد.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: اگر نفقه لازم باشد و یا از ترک انفاق به حج بیفتد.

آیه الله سیستانی: اگر پول را برای نفقات لازم نیاز داشته و غیر از آن پولی نداشته است.

[۳۴] آیه الله زنجانی: اگر احتیاج مبرم به پول حج داشته باشد می تواند پس بگیرد و اگر گرفت و مصرف کرد مستطیع نیست؛ و فرقی بین سال اول و بعد نیست.

[۳۵] آیه الله سیستانی: ظاهر سؤال این است که حج بر او مستقر بوده است و در این صورت و در فرض سؤال، حج از او ساقط نیست و باید از او قضا کنند و اگر فوت بعد از احرام و دخول حرم بوده به مسأله ۱۱۰ رجوع شود.

آیه الله مکارم: اگر بعد از احرام فوت کند حج از او ساقط است. خواه در حرم فوت کرده باشد و یا در خارج حرم.

[۳۶]. آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۴۲)

[۳۷]. آیه الله بهجت: یعنی سال اول استطاعت شرعیه نه فقط مالیه.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: بلکه در این فرض که حج بر ذمه اش مستقر نبوده ولی قبل از احرام یا دخول حرم بمیرد، ظاهراً قضا از او واجب شود.

آیه الله سبحانی: باید برای آن شخص دوباره نائب بگیرند.

[۳۸]. آیه الله زنجانی: چنانچه بدون اختلال در زندگی می توانسته به حج برود، مستطیع بوده و حج میقاتی کافی است و چنانچه وصیت نکرده از اصل ترک خارج می شود.

[۳۹]. آیه الله بهجت: یعنی و نفقه عیالاتش در نبود او.

[۴۰]. آیه الله بهجت: و اگر نمی توانسته ولی می توانسته استنابه کند، حکم آن در مسأله ۵۲ گذشت و نیز برای «مراد از رجوع به کفایت» به مسأله ۴۰ مراجعه شود.

آیه الله خویی: بلکه اگر دارا و ثروتمند بوده و توانایی مباشرت اعمال حج را نداشته یا دشوار و با مشقت بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده حج بر ذمه اش می باشد مگر اینکه احتمال داده شود در حال حیات در مورد استطاعت خود غافل قاصر بوده که در این صورت لازم نیست برای او حج به جا آورند. (مناسک، مسأله ۶۳ و تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۲۴۰).

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: بلکه اگر تمکن مالی داشته و توانایی مباشرت اعمال حج را نداشته یا دشوار و با مشقت بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده است حج بر ذمه اش می باشد (مناسک، مسأله ۶۳).

[۴۱]. آیه الله تبریزی: و همچنین بنابر احتیاط اگر ثروتمند بوده و توانایی مباشرت اعمال حج را نداشته یا دشوار بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده، حج بر ذمه اش می باشد.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۴۵ مراجعه شود.

[۴۲]. آیه الله بهجت: با ملاحظه حواشی مسأله ۴۰ که گذشت، هر دو حج او صحیح است.

آیه الله فاضل، آیه الله سبحانی: در فرض مذکور مستطیع بوده و حج انجام شده حج واجب می باشد و حج نیابی هم محکوم به صحت است.

[۴۳]. تفصیل نظر آیات عظام در این مسأله ذیل مسأله ۳۸ و ۴۰ گذشت و در ذیل مسأله ۱۰۷ در شرط ۶ خواهد آمد.

آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسائل ۳۸ و ۴۰ مراجعه شود.

آیات عظام خامنه ای، زنجانی، مکارم: حج اوّل صحیح بوده و حج نیابتی او نیز صحیح است.

[۴۴]. آیه الله اردبیلی: و آن بخش از مکه خارج از حرم نمی باشد.

آیه الله مکارم: اگر بعد از احرام فوت شده، حج از او ساقط است؛ خواه بعد از دخول حرم و یا قبل از دخول حرم باشد.

[۴۵]. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۸۰ گذشت.

آیه الله اردبیلی: و آن بخش از مکه خارج از حرم نمی باشد.

[۴۶]. آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط به آن عمل کند.

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب باید به آن وفا کنید.

[۴۷]. آیه الله مکارم: ولی بدون شک عمل به آن مستحب مؤکد است.

[۴۸]. آیه الله مکارم: یا شرط ضمن العقد بوده است.

[۴۹]. آیه الله اردبیلی: و همچنین اگر به نحو شرط ولو شرط ابتدایی باشد.

آیه الله بهجت: تنها وعده سفر موجب استطاعت نمی شود ولی بر مرد لازم است که به وعده خود وفا کند، اگر هنگام عقد ازدواج به او وعده داده است. (مناسک، ص ۱۶۱، س ۴) .

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر شرط ضمن العقد باشد، وفا واجب است و در غیر آن، تخلف از وعده کراهت شدید دارد.

آیه الله زنجانی: اگر تعهد کرده اید مدیون هستید ؛ پس چنانچه بتوانید باید به آن عمل کنید.

آیه الله سبحانی: اگر شرط ضمن العقد یا مهر بوده باید به آن عمل کند و اگر تنها وعده بوده نیز بنابه احتیاط واجب باید به وعده خود وفا کند.

[۵۰]. تفصیل نظریه آیات عظام در این مسأله در ذیل مسأله ۴۱ گذشت.

آیه الله بهجت: بر چنین شخصی واجب نیست به حج برود ولی نایب گرفتن بر او واجب است علی الأظهر و تفصیل آن در حاشیه مسأله ۵۲ گذشت.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۳ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: کسی که مستطیع بوده و به حج نرفته، باید نائب بگیرد.

[۵۱]. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: در صورتی که استطاعت او توقف بر قبول استیجار داشته باشد، لازم است اوّل برای پدر حج انجام دهد والا استطاعت بعد، کاشف از بطلان اجاره است.

آیه الله فاضل: هر کدام از دو حج را سال اول انجام دهد، محکوم به صحت است هر چند در بعضی از صور عصیان کرده است.

[۵۲]. آیه الله اردبیلی: بلکه واجب است حج خود را انجام دهد، چه پدر وصیت کرده باشد که او به حج برود و چه او را اجبر کرده باشد؛ و استطاعت بعدی کشف از بطلان اجاره و وصیت می کند، مگر اینکه در فرض اجاره استطاعت از طریق مال الاجاره حاصل شده باشد که در این صورت باید حج پدر را انجام دهد و اگر استطاعت او تا سال های بعد باقی بماند، بعداً حج خودش را انجام دهد.

آیه الله خامنه ای: اگر بعد از عقد اجاره به واسطه مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده اجاره باطل است و در غیر این صورت باید حج استیجاری را در سال بعد به جا آورد. (مناسک حج، م ۳۶)

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۱۵۱ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر با پول نیابت مستطیع شده باشد. ولی اگر با پول دیگری مانند ارث مستطیع شده باشد، پس اگر مطمئن باشد که سال بعد می تواند حج خود را انجام دهد، اجاره صحیح است و باید در سال اوّل، حج پدر را انجام دهد و اگر مطمئن نباشد اجاره باطل است و باید حج خود را انجام دهد.

[۵۳]. آیه الله سیستانی: مگر اینکه مطمئن باشد که سال بعد می تواند حج خود را انجام دهد.

[۵۴]. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: در حاشیه مسأله ۴۴ گذشت که حج نایب صحیح و ذمه منوب عنه بریء می شود.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: حج نیابی او صحیح است و برای پدرش واقع می شود، ولی نایب اجرةالمثل را طلبکار است. نه اجرةالمسمی را.

آیه الله مکارم: صحیح است ولی به خاطر تأخیر حجّ خودش، معصیت کرده است.

[۵۵]. آیه الله سبحانی: اگر در وصیت قید مباشرت شده و فرزند قبول کرده و ظاهر وصیت فوریت باشد، باید برای پدر حج انجام دهد.

آیه الله سیستانی: اگر اجرت را معین کرده و او در حیات پدر قبول کرده، اجاره است و در صورتی که صحیح باشد باید انجام دهد. (منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۴۴۹).

آیه الله مکارم: اگر وصیت کرده خود فرزند به جا آورد و او قبول کرده لازم است عمل کند. بنابراین استطاعت برای او حاصل نمی شود.

آیه الله نوری: اگر در وصیت قید «مباشرت» شده و فرزند وصیت را قبول کرده، نیابت واجب می شود، هر چند استیجار هم محقق نشده باشد.

[۵۶]. تفصیل این مسأله و نظریه آیات عظام در مسأله ۳۸ و ۷۰ گذشت.

آیه الله زنجانی: اگر انجام حج نیابی باعث می شود که دیگر نتواند - حتی در سال های بعد - حجة الاسلام خود را به جا آورد، حج خودش مقدم است و اگر چنین نباشد، پس چنانچه برای نیابت قراردادی الزامی در کار نیست در این صورت نیز باید حج خود را به جا آورد و اگر قرارداد الزامی باشد باید حج نیابی به جا آورد؛ هر چند اگر مخالفت کرده حج خود را به جا آورد صحیح و مجزی از حجة الاسلام است.

[۵۷]. آیه الله اردبیلی: مگر اینکه رفتن به حج موجب شود که زن دچار مشقت شدید گردد.

آیه الله زنجانی: ولی اگر در مخالفت با شوهر، حرج یا هتک حیثیت زن باشد رفتن به حج فعلاً واجب نیست.

آیه الله سبحانی: ولی شایسته است رضایت او را جلب کند.

آیه الله مکارم: ولی بهتر جلب رضایت اوست.

[۵۸]. آیه الله زنجانی: چنانچه فرزند بتواند از این فیش برای خودش استفاده کند باید حج خود را به جا آورد ولی اگر به جهتی مثلاً قبول وصیت پدر یا اجیر شدن برای ورثه یا رضایت نداشتن ورثه نتواند با استفاده از این فیش برای خودش حج به جا آورد، باید برای پدرش حج به جا آورد.

[۵۹]. آیه الله اردبیلی: و فرقی نمی کند که برای انجام حج اجیر شده باشد یا آن را تبرّعی انجام داده باشد.

آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی: باید برای خود حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

آیه الله سبحانی: اگر از جهت نوبت پدر، راه برای او باز باشد و در وصیت قید مباشرت شده و فرزند قبول کرده و ظاهر وصیت فوریت باشد، باید برای پدر حج انجام دهد.

[۶۰]. آیه الله خویی: در صورتی که وصیت پدر این بوده که او خودش حج نیایی را به جا آورد، فتوای ایشان معلوم نیست.

آیه الله سیستانی: در این صورت نیز باید برای پدرش حج کند.

آیه الله فاضل: در این صورت نیز باید برای پدرش حج به جا آورد هر چند اگر برای خودش نیز حج انجام دهد صحیح است.

[۶۱]. آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۸۶ رجوع شود.

آیه الله سبحانی: اگر پسر وصیت پدر را قبل از استطاعت خود پذیرفته، حج نیایی مقدم است.

آیه الله سیستانی: و گذشت که اگر اجرت معین شده باشد و او در حیات پدر وصیت را قبول کرده باشد، اجازه است و باید انجام دهد.

آیه الله مکارم: اگر وصیت را قبول کرده واجب العمل است.

آیه الله نوری: اگر در وصیت قید «مباشرت شده» و فرزند وصیت را قبول کرده، نیابت واجب می شود و استیجار لازم نیست.

[۶۲]. آیه الله اردبیلی: آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۸۶ مراجعه شود.

[۶۳]. آیه الله اردبیلی: مستطیع نیست و پول قربانی جزء استطاعت است.

[۶۴]. آیه الله تبریزی: در صورتی که بتواند بدون حرج و مشقت بدل هدی روزه بگیرد.

آیات عظام خویی، سبحانی، فاضل: چنین شخصی مستطیع نیست مگر با تمکن از جمیع مصارف حج و از جمله ثمن هدی. آیه الله زنجانی: و به جای آن روزه می گیرد مگر در صورتی که روزه گرفتن برای او مشقت شدید یا خوف ضرر داشته باشد که در این صورت مستطیع نیست.

آیه الله سیستانی: استطاعت حاصل است و به جای هدی روزه می گیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: مستطیع نمی شود و پول هدی جزو استطاعت است. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۳۷، مسأله ۳۸).

آیه الله مکارم: زیرا به جای آن روزه می گیرد و چنین کسی عرفاً استطاعت برای حج دارد.

[۶۵]. آیه الله خامنه ای: این گونه افراد حجتان صحیح و مجزی است. (مناسک حج، م ۲۷)

آیات عظام زنجانی، سبحانی، مکارم: سابقاً گفته شد اینگونه افراد از طلاب و غیر طلاب مستطیع هستند و حجتان صحیح و مجزی است.

تفصیل این مسأله و نظریه مراجع در ذیل مسأله ۴۰ گذشت.

[۶۶]. آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسأله ۴۰ مراجعه شود.

[۶۷]. آیه الله بهجت: در این صورت استنباه می کند علی الأحوط.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: اگر مالی را به او اباحه کنند، به اندازه ای که با آن می تواند حج برود و مجاز در نایب گرفتن هم باشد، بنابر احتیاط واجب نایب بگیرد.

آیه الله خویی: اگر مالی را به او اباحه کنند، به اندازه ای که با آن می تواند حج برود و مجاز در نایب گرفتن هم باشد، نایب گرفتن بر او واجب می شود (مستفاد از مبانی ایشان در بحث استطاعت).

آیه الله زنجانی: اگر هزینه حج یا مکمل آن را به او تملیک یا اباحه کنند و مجاز در نایب گرفتن هم باشد باید بدون تأخیر نایب بگیرد.

[۶۸]. آیه الله اردبیلی: در صورتی که وضع زندگی او قبل از حج و بعد از آن فرقی نکند، رجوع به کفایت شرط نیست.

آیه الله بهجت: در مسأله ۴۰ معنای رجوع به کفایت گذشت که زندگی او از یسر به عسر تغییر نکند.

آیه الله تبریزی: مگر برای کسی که اگر آنچه دارد در راه حج خرج کند به حرج نمی افتد.

آیات عظام خویی، زنجانی، سیستانی: به شرحی که در ذیل مسأله ۴۰، شرایط وجوب گذشت.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۵۹ مراجعه شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: مگر برای کسی که اگر آنچه دارد در راه حج خرج کند زندگی او قبل و بعد از حج تفاوتی ندارد.

آیه الله مکارم: اگر چنانچه انجام حج در این شرایط تأثیر چندانی در وضع و حال او نداشته باشد حج او صحیح است و رجوع به کفایت شرط نیست.

[۶۹]. آیه الله بهجت: هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، می تواند قبل از وقت حرکت قافله آن را در مصارف خود خرج کند، هر چند دیگر نتواند به حج برود. ولی در صورتی که آن مال را نسیه تا زمان بعد از حج بفروشد و منظور فرار از استطاعت باشد، احتیاط این است که اقدام به این عمل نکند و تفصیل آن در ذیل مسأله ۲۳ گذشت. (مناسک، ص ۱۶، مسأله ۳۶).

[۷۰]. آیه الله زنجانی: و حج نیاورد حج بر عهده اش مستقر شده و باید به نحوی که در حاشیه مسأله ۳ گذشت عمل نماید.

[۷۱]. آیه الله خویی: در صورتی که ولایت شرعی بر بذل داشته باشد یا حاکم شرع آن را اجازه نماید.

[۷۲]. آیه الله اردبیلی: چنانچه احتمال عقلایی بدهید که بتوانید با این پول در سال های آینده ثبتنام کرده و به حج بروید، نمی توانید خود را از استطاعت خارج کنید.

آیه الله تبریزی: در صورتی که فقط از طریق ثبت نام می توانید به حج بروید، چنانچه در این سال ثبت نام می شود و اطمینان دارید با ثبتنام می توانید در همین سال به حج بروید، باید ثبتنام کنید و به حج بروید، و همچنین اگر توانایی رفتن به حج از طریق آزاد را دارید، مستطیع هستید و باید به حج بروید، و در غیر این دو صورت مستطیع نیستید و نگهداری پول لازم نیست.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۲۴ مراجعه شود.

آیه الله خویی: به هر حال باید آن را تا زمان ثبتنام حفظ کنید.

آیه الله سیستانی: اگر احرار کند که در سال بعد واجد شرایط خواهد شد لازم است پول را نگه دارد.

آیه الله صافی: اگر اصل اعلام وقت و اجازه از طرف دولت معلوم نباشد نگهداری آن لازم نیست و اگر ثبتنام برای حج در امسال معلوم باشد هر چند تاریخ آن هنوز معین نشده باشد جواز صرف آن در راه دیگر، محل تأمل است. (آداب و احکام حج، حاشیه مسأله ۱۵۵).

[۷۳]. آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۳ مراجعه شود.

[۷۴]. آیه الله زنجانی: و رفتن به حج زندگی او را مختل نمی کند، مستطیع است.

[۷۵]. آیه الله بهجت: چون پنج نفر شریک و مالک این در آمد هستند بر هیچکدام واجب نیست. (مستفاد از سؤال ۶ مناسک) .

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر پس از برگشت در زندگی به حرج نمی افتد حج بر او واجب است.

آیه الله سبحانی: در صورتی که حصّه پدر یا هر کدام از پسرها کافی برای مخارج حج باشد، حج بر خصوص آن شخص واجب می شود.

آیه الله مکارم: یعنی اگر فرضاً مال مزبور را تقسیم کنند و حق هر کدام را بدهند، هر کدام مستطیع است باید حج برود و اگر هیچ کدام مستطیع نمی شوند بعضی می توانند حق خود را به دیگری واگذار کنند تا مستطیع شود.

[۷۶]. آیه الله بهجت: حکم آن در مسأله ۳۹ گذشت.

[۷۷]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و ترک آن بر پدر بزرگ مستلزم وقوع در حرج باشد.

آیه الله زنجانی: اگر مخارج ازدواج نوه، شرعاً یا عرفاً بر او لازم باشد یا تشرف به حج و ترک ازدواج نوه، موجب هتک حیثیت یا حرج بر پدر بزرگ شود، مستطیع نیست.

آیه الله سبحانی: خصوصاً اگر نوه پسری و پدر از دست داده باشد.

آیه الله سیستانی: اگر صرف مال در حج و ترک تزویج نوه برای او (پدر بزرگ) حرجی باشد، حج واجب نیست و گرنه واجب است. (ملحق مناسک، س ۱۲) .

آیه الله صافی: اگر عرفاً مخارج ازدواج نوه به عهده پدر بزرگ باشد که ترک ادای آن حرجی باشد، عدم حصول استطاعت بعید نیست. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۵۳) .

آیه الله گلپایگانی: مخارج ازدواج نوه از نفقات واجبه بر پدر بزرگ نیست و اگر مستطیع است باید به حج برود. بلی اگر از جهت ترک تزویج نوه، پدر بزرگ در عسر و حرج واقع می شود مخارج ازدواج او را مقدم دارد. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۱۸ و ۱۵۳) .

[۷۸]. آیه الله اردبیلی: و در صورت یأس از رفتن به حج، واجب است نایب بگیرید.

آیه الله مکارم: و اگر مأیوس از ترک اعتیاد هستید باید نایب بگیرید.

[۷۹]. تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۲۳ و ۴۱ گذشت.

آیه الله بهجت: حکم آن در مسأله ۵۲ بیان شد.

[۸۰]. آیه الله اردبیلی: و همچنین است اگر بتوانید از راه دیگری به حج بروید.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: و اگر نتوانید بنابر احتیاط باید نایب بگیرید.

آیه الله زنجانی: اگر از ترک اعتیاد مأیوس هستید باید نایب بگیرید هر چند سال اول استطاعت باشد، والا باید اقدام به ترک اعتیاد کرده حج به جا آورید.

[۸۱]. آیه الله اردبیلی: یعنی کسی که شرعاً حق پرداخت و تملیک خمس و زکات را دارد.

آیه الله سبحانی: قدرت پرداخت آنها و هزینه های حج را نیز داشته باشد.

[۸۲]. آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: کسی که در زمان اخذ زکات و سهم سادات مستحق آن باشد، آن را مالک می شود و جزو ترکه او حساب می شود. و اگر با آن کسب کند و از راه کسب یا نماء منفعی داشته باشد، با وجود سایر شرایط مستطیع می شود و سهم امام (علیه السلام) چنانچه عین آن باقی باشد، ملک گیرنده نیست و جزو ترکه او حساب نمی شود و اگر با آن چیزی را خریده و با سهم امام (علیه السلام) ثمن آن را ادا کرده، آنچه را که خریده مالک می شود و احکام ملک بر آن بار می شود.

آیه الله خویی: عین سهم امام که به اهل علم برای ارتزاق داده می شود ملک آنها نیست.

آیه الله زنجانی: و اگر مالک آن نباشد ولی خمس و زکات در اختیارش بوده و شرعاً هم بتواند با استفاده از آن حج به جا آورد

مستطیع است، ولی جزء ترکه محسوب نمی شود.

آیه الله سیستانی: در مورد سهم امام (علیه السلام) اگر فقط مجاز در تصرف باشد مالک نمی شود و جزو ترکه نیست و موجب استطاعت نمی باشد و اگر از سوی حاکم شرع تملیک شده باشد جزو ترکه است و موجب استطاعت و اما سهم سادات و زکات، اگر مستحق بوده مالک است و جزو ترکه است و موجب استطاعت.

[۸۳]. آیه الله اردبیلی: به شرط آنکه فروختن ابزار و وسایل، مخالف شأن او نباشد.

آیه الله مکارم: در صورتی که فروختن آن مخالف شؤون او نباشد.

[۸۴]. آیه الله مکارم: اگر در حال حاضر و پس از بازگشت، زندگی او از طریق دیگر تأمین می شود، حج بر او واجب است.

[۸۵]. آیه الله بهجت: و تکلیف ولی او برای احرام غیر لزومی در مسأله ۸ گذشت.

آیه الله سبحانی: لیکن ولی یا متکفل امر او به نیابت از او طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و اگر مستلزم مخارجی شد ولی یا متکفل امرش از مال مجنون بپردازد.

[۸۶]. آیه الله بهجت: در این مسأله و مسأله بعد، مراجعه به مسأله ۸ الی ۱۳ مفید است.

آیه الله سیستانی: و در غیر این صورت هم، چنانچه به ارکان حج خلل وارد نشده باز از احرام خارج شده است، ولی اگر فقط به طواف نساء خلل وارد شده باید طواف نساء را به جا آورد.

[۸۷]. نظر آیه الله زنجانی: در این مسأله به دست نیامد.

[۸۸] آیه الله سیستانی: تنها در صورتی بر احرام باقی می ماند که اعمال عمره مفرده را درست انجام ندهند ولی در حج اگر خلل به ارکان آن بزند با گذشت وقت حج احرام آن فاسد می شود، بلی اگر فقط طواف نساء را بهطور صحیح به جا نیاورند استمتاع از زن بر او حرام است، مگر با اتیان طواف نساء، ولی ازدواج صحیح است.

آیه الله مکارم: همان وظیفه ای که در مسأله بالا گفته شد.

[۸۹] آیه الله بهجت: به مسأله ۵۲ و ۲۱ مراجعه شود.

تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۲۳ گذشت.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط نایب گرفتن لازم است.

[۹۰] نظریه آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی و سیستانی: ذیل مسأله ۲۱ گذشت.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۰ و ۲۳ مراجعه شود.

نیابت در حج

[۱۰۷] م - در نایب اموری شرط است:

۱. بلوغ، بنابر احتیاط واجب. [۱]

۲. عقل.

۳. ایمان. [۲]

۴. وثوق و اطمینان [۳] به انجام دادن او، و اما بعد از اجرای عمل نایب، لازم نیست اطمینان به صحت آن، و در صورت شک در صحت [۴]، حکم به صحت می شود^[۵] و استنباه صحیح است هر چند قبل از عمل شک داشته باشد. [۶]

۵. معرفت نایب به افعال و احکام حج [۷] ولو با ارشاد کسی در حال عمل.

۶. ذمه نایب، مشغول به حج واجب [۸] در آن سال نباشد.^[۹]

۷. معذور [۱۰] در ترک بعض افعال حج نباشد.

[۱۰۸] م - در منوب عنه اموری شرط است:

۱. اسلام. [۱۱]

۲. در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد یا اگر زنده است حج بر او مستقر شده [۱۲] و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری [۱۳] نتواند به حج برود [۱۴] و در حج استحبابی این شرط نیست و در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست [۱۵] و مماثله بین نایب و منوب عنه نیز شرط نیست [۱۶] و جایز است کسی که تاکنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود. [۱۷]

[۱۰۹] م - نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین کند [۱۸] ولو اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند، گرچه مستحب است. [۱۹]

[۱۱۰] م - ذمه منوب عنه فارغ نمی شود مگر به اینکه نایب، عمل را صحیحاً انجام دهد. بلی اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوب عنه مجزی است [۲۰] و در اجرای این حکم در حج تبرّعی اشکال است [۲۱] بلکه در غیر حجة الاسلام خالی از اشکال نیست. [۲۲]

[۱۱۱] م - لباس احرام و پول قربانی در حج نیایی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

۱۱۲ م - نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استحبابی [۲۳] آن است که به قصد مافی الذمه به جا آورد. [۲۴]

۱۱۳ م - اگر نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی شود و بر منوب عنه چیزی نیست. [۲۵]

۱۱۴ م - استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه او عدول به افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست [۲۶]، بلی اگر در سعه وقت او را اجیر کرد و بعد وقت ضیق شد باید عدول کند [۲۷] و بنابر احتیاط از منوب عنه مجزی نیست. [۲۸]

۱۱۵ م - در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست [۲۹] و در غیر واجب مانع ندارد.

۱۱۶ م - کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی سال اول استطاعت حج نرفته، اگر به واسطه مرض یا پیری، قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد واجب است نایب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد و به احتیاط واجب [۳۰] باید فوراً نایب بگیرد و اگر مستقر نشده باشد بر او، اقوی عدم وجوب است. [۳۱]

۱۱۷ م - بعد از آنکه نایب عمل را به جا آورد، حج از معذور ساقط می شود و لازم نیست خودش حج کند اگرچه عذرش برطرف شود [۳۲] و اما اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد، چه قبل از احرام یا بعد، باید خودش حج برود. [۳۳]

۱۱۸ م - کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد، جایز نیست نیابت کند از غیر و اگر نیابت کند باطل است [۳۴]؛ چه عالم به حکم باشد یا نباشد. [۳۵]

۱۱۹ م - اگر اجیر برای حجة الاسلام بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد کفایت می کند از حج کسی که برای او به جا آورده است و لازم نیست حج کردن برای او و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد باید دو مرتبه اجیر بگیرند [۳۶]، و همین حکم را دارد کسی که برای خودش به حج برود. [۳۷]

۱۲۰ م - اگر کسی را برای حج اجیر کردند [۳۸] و قرار نگذاشتند که اجرت برای خصوص عمل باشد یا در مقابل عمل و رفت و آمدها باشد، پس اگر قبل از داخل شدن در حرم مرد، ظاهراً مستحق اجرت رفتن تا محل موت می باشد [۳۹] و همین طور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، بیشتر از آن چه ذکر شد و اجرت احرام مستحق نیست [۴۰]، اگر چه حج از میت ساقط می شود [۴۱]، و اگر بعض اعمال را به جا آورد و مرد، مستحق اجرت آن اعمال نیز می باشد، و اگر اعمال را به نحوی به جا آورده است که در عرف گفته شود که عمره و حج را به جا آورد، مستحق تمام اجرت است، اگر چه بعض اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترک کرده باشد. [۴۲]

۱۲۱ م - کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه و خودش حج واجب به جا نیاورد [۴۳]، احتیاط آن است [۴۴] که بعد از عمل نیابت [۴۵]، برای خودش عمره مفرده بهجا [۴۶] آورد و این احتیاط واجب نیست [۴۷] لیکن خیلی مطلوب است.

۱۲۲ م - کسی که اجیر شده برای حج تمتع، می تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده بعد از عمل حج، چنانچه می تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به جا آورد. [۴۸]

۱۲۳ م - کسی که عذر داشته باشد از بعض اعمال حج، نمی شود [۴۹] او را اجیر کرد برای حج، و اگر شخص معذور از بعض اعمال، تبرعاً از غیر، حج بکند اکتفا کردن به آن اشکال دارد. [۵۰]

[۱]. آیه الله اردبیلی: ظاهر این است که نیابت صبی ممیز چنانچه وثوق به صحت اعمال او وجود داشته باشد، کافی است.

آیه الله بهجت: نیابت طفل غیر ممیز صحیح نیست و اگر بچه ممیز باشد و قائل به شرعیت عبادت صبی ممیز باشیم، خالی از رجحان نیست که نیابت وی صحیح باشد (کتاب حج، ص ۳۹).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: نایب باید بالغ باشد، پس حج بچه نابالغ بهجای دیگری کفایت نمی کند، البته در حجة الاسلام و حج های واجب دیگر، هر چند آن بچه ممیز باشد که خوب و بد را تشخیص دهد. بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با اذن ولی صحیح باشد (مناسک، م ۱۰۳).

آیه الله زنجانی: ممیز بودن نایب کافی است.

آیه الله سبحانی: نائب باید بالغ باشد ولی بچه ممیز می تواند حج ندبی به جا آورد و ثواب آن را به کسی هدیه کند..

آیه الله سیستانی: بلوغ شرط است و بنابر احتیاط بچه ممیز نمی تواند نایب شود، مگر در حج مندوب به اذن ولی.

آیه الله مکارم: بلکه بنابر اقوی در حج واجب.

[۲]. آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، ص ۲۸، شرائط نایب، ۳)

[۳]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و اگر نایب ثقه باشد اخبار او کافی است.

آیه الله زنجانی: وثوق به انجام عمل، شرط واقعی صحت نیابت نیست، لکن برای امتثال

واجب نمی توان به مجرد نایب گرفتن بدون داشتن حجت شرعی بر انجام دادن عمل، اکتفا کرد.

آیه الله سیستانی: اگر خبر داد که از طرف او انجام داده و از خبرش وثوق و اطمینان حاصل نشد، در این صورت اکتفا به خبر دادن او اشکال دارد (مناسک، مسأله ۱۰۴).

آیه الله فاضل: این شرط در استنباه معتبر است نه در اصل نیابت.

[۴]. آیه الله بهجت: وقتی ذمه منوب عنه فارغ و بریء می شود که یقین حاصل شود که نایب عمل را به طور صحیح به جا آورده یا آنکه اماره معتبره باشد بر به جا آوردن. (مناسک، مسأله ۱۰۱) .

[۵]. آیه الله زنجانی: اگر احتمال بدهیم که نایب به رعایت شرایط عمل توجه داشته و همچنین سهلانگار نیست، حکم به صحت عمل او می شود.

[۶]. آیه الله اردبیلی: مگر آنکه نایب متهم به سهلانگاری باشد.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب عدم استنباط در این دو مورد است.

[۷]. آیه الله زنجانی: اگر نایب بخشی از افعال حج را که نمی داند مطابق احتیاط به جا آورد کافی است.

[۸]. آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسأله ۱۱۸ مراجعه شود.

آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: (با اختلاف تعابیر) : مگر در صورتی که جاهل به وجوب باشد ؛ یعنی نداند که حج بر خودش واجب است یا می دانسته ولی غافل است و فراموش کرده، که در این دو صورت نیابت وی عیبی ندارد. و این شرط «شرط صحت اجاره» است نه «شرط صحت حج نایب». آیه الله بهجت: اضافه می فرماید: پس هرگاه درحالی که حج بر خودش واجب بوده و از قبل دیگری و به نیابت او حج نماید اظهر آن است که حج او صحیح است و ذمه منوب عنه بریء شده است ولی بنابر اینکه اجاره را به نحو ترتب تصحیح نکنیم، نایب اجرتی را که قرار داده شده مستحق نخواهد شد بلکه مستحقّ اجرةالمثل خواهد بود (اجرةالمثل یعنی نرخ متعارف) ، (مناسک، ص ۳۷، مسأله ۱۰۰) .

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: ذمه نایب مشغول به حج واجب منجز نباشد و این شرط صحت اجاره است، و اگر غافل از

استطاعت بود اجاره او صحیح است. (مناسک، م ۱۰۳).

آیه الله زنجانی: در سال نیابت انجام حجة الاسلام خودش، بر او واجب نباشد و اگر غیر حجة الاسلام خودش، حج دیگری بر او واجب بود، نیابت باطل نمی شود، و این شرط در مورد نیابت در حج است نه اجزاء آن مانند نیابت در طواف یا سعی.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۴۴ رجوع شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صحت حج غافل و جاهل اشکال است و احوط عدم اکتفا به حج آن دو است. (مناسک عربی، ص ۴۹، مسأله ۱).

آیه الله فاضل: این شرط معتبر نیست.

آیه الله مکارم: اگر ذمه او مشغول باشد نیابت او صحیح است هر چند گناه کرده است.

[۹]. آیه الله خامنه ای: اما اگر نایب از واجب بودن حج بر خود بی خبر باشد بعید نیست که حج نیابی او صحیح باشد. (مناسک حج، ص ۲۸، شرائط نایب، ۵)

[۱۰]. آیه الله اردبیلی: ولی چنانچه عذر پس از قبول نیابت عارض شود، اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: بنابر احتیاط، با تمکن از استیجار غیر معذور، نمی توان معذور را اجیر نمود، بلکه اگر چنین شخصی تبرعاً به نیابت دیگری حج نمود، اکتفا کردن به عملش مشکل است بلی اگر در به جا آوردن کارهایی که بر محرم حرام است معذور باشد مثل اینکه مضطر به تظلیل (زیر سایه رفتن) باشد، اجیر گرفتن یا نایب گرفتن چنین شخص عیبی ندارد]. (مناسک، ص ۴۱، مسأله ۱۱۰).

آیه الله تبریزی: نیابت کسی که از ابتدا می داند از اتیان به حج اختیاری عاجز است، در حج واجب اشکال دارد.

آیه الله خویی: اجاره کردن معذور برای حج جایز نیست بلکه اگر خودش تبرعاً حج نیابی به جا آورد اجزاء آن از منوب عنه مشکل است ولی نیابت معذور به عذر طاری مجزی است.

آیه الله زنجانی: کافی است بتواند به شکل صحیح محرم شود و هنگام محرم شدن، اطمینان داشته باشد که از انجام مناسک اختیاری حج و عمره معذور نیست و اگر در ضمن اعمال عذری پیش آمد، ضرری به نیابتش نمی زند و همچنین معذور بودن نسبت به محرمات احرام، مانع صحت نیابت نیست و در بطلان نیابت معذور، فرقی نیست که عمل نایب، تبرعی باشد یا با اجاره، ولی مخصوص حج یا عمره واجب است.

آیه الله سبحانی: کسی که از انجام عمل اختیاری حج در اعمالی که ترک عمدی آنها موجب بطلان حج است معذور می باشد، او نمی تواند نیابت از حجة الإسلام را بپذیرد.

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب نمی شود کسی را که از پیش، عجز او از عمل اختیاری معلوم است اجیر کرد، بلکه اکتفا به تبرّع او در نیابت نیز محلّ اشکال است و در مورد عذرهایی که بعداً عارض می شود حکم نایب همان حکم منوب عنه است که در بعضی موارد حج صحیح است و گاهی باطل است و استیجار و نیابت کسی که در انجام بعضی واجبات حج که ترک عمدی آنها هم موجب بطلان نیست، مانند طواف نساء و بیتوته و رمی روز یازده و دوازده اشکال ندارد.

آیه الله صافی: نیابت کسی که از اتیان بعض اعمال عمره و حج معذور است اگر ترک عمدی آن عمل، از غیر معذور موجب بطلان حج یا عمره نباشد به اینکه ترک آن عمل یا فقط حرمت تکلیفی دارد و یا علاوه بر آن موجب کفاره هم هست ولی ترک آن موجب بطلان عمل عمره یا حج نیست، اشکال ندارد و حتی اگر می داند که اجیر بعضی از اعمالی که ترک آن موجب بطلان حج و عمره نیست عمداً بدون عذر ترک می کند استیجار او مانعی ندارد و مبریه ذمه منوب عنه می باشد، بلی نسبت به استحقاق اجرت اگر موقع عقد اجاره، مستأجر اطلاع از معذور بودن اجیر در امور مذکوره نداشته باشد، اجیر استحقاق اجرت ندارد ولو اینکه عمل او مبریه ذمه منوب عنه است.

آیه الله فاضل: نیابت معذور، برای حج واجب حتی اگر تبرعاً و بدون وکالت باشد، صحیح نیست .

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط نیابت معذور صحیح نیست. (مناسک عربی، ص ۵۰، مسأله ۹) .

آیه الله مکارم: ولی عذرهایی که در خود حج پیش می آید مانعی ندارد.

آیه الله نوری: در نایب معذور به عذر طاری اشکال ندارد.

[۱۱] آیه الله بهجت: نیابت از کافر به احتمال حصول تخفیف عذاب، محلّ تأمل است. (مناسک، مسأله ۱۰۶) .

آیه الله زنجانی: در منوب عنه علاوه بر اسلام اموری معتبر است: ۱. بلوغ ؛ ۲. عقل، مگر در مورد دیوانه ای که قبلاً حج بر عهده او مستقر شده است ؛ ۳. منوب عنه ناصبی نباشد، البته در صورتی که منوب عنه، پدر نایب باشد مسلمان بودن کافی است ؛ ۴. در حجة الاسلام، شرط است که منوب عنه فوت شده باشد مگر در موردی که حاشیه مسأله ۲۳ گذشت و در حج کفاره ای، نیابت صحیح نیست و صحت حج نیابی در حجتی که با نذر یا قسم یا شرط و مانند آن واجب شده بستگی به کیفیت التزام آنها دارد.

آیه الله فاضل: در منوب عنه، اسلام و ایمان شرط است، پس حج به نیابت کافر و مخالف صحیح نیست.

[۱۲] آیه الله بهجت: به مسأله ۵۲ مراجعه شود.

تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۲۳ گذشت.

[۱۳]. آیه الله اردبیلی: یا مانع و عذر دیگری که امید برطرف شدنش نیست.

[۱۴]. آیه الله خامنه ای: یا برای او حرج و مشقت داشته باشد و امیدی به رفع مشقت حتی در سال های بعد نداشته باشد.
(مناسک حج، م ۴۰)

[۱۵]. آیه الله بهجت: در غیر صبی ممیز مشکل است.

آیه الله سبحانی: نیابت تبرعی از مجنونی که قبل از جنون حج بر او مستقر شده و امیدی به بهبودی او نیست، اشکال ندارد و در صورت نیابت استیجاری ولی او باید از اموال مجنون هزینه حج را بپردازد و در مورد غیر بالغ در حج مستحبی اشکالی ندارد که استنابه شود به شرطی که در ایام حج در مکه نباشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در نیابت از مجنون اشکال است مگر آنکه به قصد رجا آورده شود.

آیه الله فاضل: شرط هست ولی اگر حج قبل از جنون بر او مستقر شده، عقل شرط نیست و در صورت یأس از بهبودی یا بعد از فوت او باید از مالش - ولو از میقات - برای او استنابه کنند.

آیه الله مکارم: نیابت از بچه و دیوانه ای که حج بر او مستقر نشده خالی از اشکال نیست.

آیه الله نوری: اسلام و ایمان در نایب و منوب عنه شرط است.

[۱۶]. آیه الله اردبیلی: نیابت از صبی غیر ممیز مشکل است و نیابت از مجنون در صورتی که حج قبل از جنون بر او مستقر نشده باشد، صحیح نیست.

آیه الله بهجت: اگر چه نیابت زن از مرد مرجوح است. (مناسک، ص ۳۹، م ۱۰۴).

[۱۷]. آیه الله بهجت: بلی نایب گرفتن سروره مکروه است ؛ به خصوص در صورتی که نایب زن و منوب عنه مرد باشد، اگر چه با داشتن بعض مرجحات دیگر ؛ از قبیل فقاہت و تقوی و کمالات دیگر، جانب رجحان تقویت می یابد و از مرجوحیت بیرون می آید (کتاب حج، ص ۴۰) .

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بلکه اگر منوب عنه مرد و زنده باشد که به خاطر عدم تمکن نمی تواند حجة الاسلام را بهجای آورد، احتیاط لزومی آن است که مردی را که تاکنون به حج نرفته، به نیابت خود به حج بفرستد.

[۱۸]. آیه الله بهجت: معتبر است در نیابت قصد آن و تعیین منوب عنه با تعدد، و در صورت اتحاد کافی است قصد نیابت واجبه مثلاً (کتاب حج، ص ۳۹) .

آیه الله سبحانی: با قصد اتیان فعل از طرف یا برای منوب عنه قصد نیابت هم حاصل می شود. بنابراین قصد خصوص نیابت به صورت جداگانه لازم نیست (کتاب الحج، ج ۲، ص ۵۲) .

[۱۹]. آیه الله خامنه ای: متعرض استحباب نشده اند. (مناسک حج، م ۵۲)

آیه الله زنجانی: پس اگر قصد نیابت نکند، برای خودش واقع می شود و اگر قصد نیابت کرد، ولی منوب عنه را - ولو به طور اجمال - تعیین نکرد، احرامش باطل است.

[۲۰]. آیه الله نوری: مجزی است مطلقاً.

[۲۱]. آیه الله اردبیلی: بلکه این حکم در حج تبرعی و غیر از حجة الاسلام نیز جاری است.

[۲۲]. آیات عظام بهجت، سبحانی، صافی، گلپایگانی: بعد از احرام و پس از دخول حرم کافی است و در این حکم بین حجة الاسلام

و غیر آن و بین نیابت به مزد و اجرت و تبرّع فرقی نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه نایب بعد از احرام بمیرد کفایت از منوبعنه می کند هر چند مردنش قبل از دخول حرم باشد بنابر اظهر، و در این مورد فرقی بین حجة الاسلام و غیر آن نیست، و همچنین فرقی نیست بین اینکه نیابت به اجرت باشد یا به تبرّع.

آیه الله خامنه ای: و تفاوتی ندارد که نیابت او مجانی بوده یا با اجرت، و برای حجة الاسلام بوده یا حج واجب دیگر. (مناسک حج، م ۶۲)

آیه الله زنجانی: اگر بعد از استنابه نایب برای حج حرکت کرد وقتی آثار مرگ در او ظاهر شد برای حج منوبعنه نایب می گیرد و اگر نتوانست برای آن وصیت می کند و حج نایب دوم از منوب عنه کفایت می کند و چنانچه قبل از آنکه این امر فراهم شود نایب فوت کرد، حج از ذمه منوبعنه ساقط می گردد و در این مورد فرقی بین حجة الاسلام و حج واجب دیگر نیست و فرقی نیست که نایب بعد از احرام بمیرد یا قبل از آن، ولی اگر نایب بدون درخواست کسی به قصد حج نیابتی حرکت کرد و در راه فوت نمود مجزی نیست.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد محل اشکال است و اگر بعد از دخول حرم باشد مجزی است و در این حکم فرقی بین حجة الاسلام و غیر آن نیست ولی در مورد حج تبرعی اشکال است.

آیه الله مکارم: در حکم مذکور فرقی بین حجة الاسلام و غیر آن و اقسام نیابت نیست.

[۲۳] آیه الله سبحانی: اگر به هنگام طواف نساء قصد ما فی الذمه کند، آن نیز صحیح است.

آیه الله فاضل: این احتیاط لازم نیست.

[۲۴] آیه الله خامنه ای: متعرض این احتیاط نشده اند. (مناسک حج، م ۶۶)

[۲۵] آیه الله سبحانی، آیه الله گلپایگانی: بلی، اگر نایب در خصوص طواف نساء نیابت داشته است تا طواف را صحیح به جا بیاورد مباشرت با زن بر منوب عنه حلال نمی شود.

[۲۶]. آية الله اردبيلي: ولي چنانچه نايب شد و عذري پيش نيامد و حج تمتع به جا آورد، صحيح است.

[۲۷]. آية الله زنجانى: و چنانچه بدون کوتاهي کردن نايب در اثنائي سفر اموري پيش آمده که وقت عمره تمتع ضيق شده، از منوب عنه کفايت مي کند، خواه هنگام احرام عمره تمتع وقت ضيق بوده و از ابتدا به حج افراد محرم شده باشد يا اول به عمره تمتع محرم شده ولي بعد از احرام وقت ضيق شده يا معلوم شده که از اول وقت تنگ بوده است لذا به حج افراد عدول کرده است.

[۲۸]. آية الله اردبيلي: عملش صحيح و مجزي است و مستحق اجرت مي باشد.

آية الله بهجت: از منوب عنه مجزي است. در صورتي که نيابت بر فراغ ذمه او باشد (مستفاد از سؤال ۱۲۶ مناسک)

آية الله خامنه اي: کفايت از حج تمتع مي کند و مستحق اجرت هم هست. (مناسک حج، م ۵۳)

آية الله خويي، آية الله سيستاني: ذمه منوب عنه بريء مي شود ولي در صورتي که اجازه بر اعمال عمره و حج تمتع بوده، اجير استحقاق اجرت را نخواهد داشت، بلي اگر اجازه بر تفريغ ذمه منوب عنه بوده مستحق اجرت خواهد بود (مناسک، مسأله ۱۲۵).

آية الله سبحاني: از منوب عنه مجزي است ولي در صورتي که اجازه بر اعمال عمره و حج تمتع بوده، در مورد اجرت بايد مصالحه کنند.

آيات عظام صافي، گلپايگاني، نوري: از منوب عنه مجزي است.

[۲۹]. آية الله اردبيلي: مگر اينکه به نحو شرکت بر آنها واجب شده باشد. مثل اينکه دو نفر يا بيشتر نذر کنند که با مشارکت يکديگر کسي را اجير نمايند که در اين صورت مي توانند يک نفر را براي حج اجير نمايند.

آيات عظام بهجت، تبريزي، خويي، زنجانى، سبحاني، سيستاني، فاضل: مگر اينکه به نحو شرکت بر آنها واجب شده باشد؛ مثل اينکه دو نفر يا بيشتر نذر کنند که با شرکت يکديگر کسي را اجير نمايند که در اين صورت مي توانند يک نفر را براي حج اجير نمايند (مناسک، ص ۴۵، مسأله ۱۲۳).

[۳۰]. آیه الله اردبیلی: بلکه باید فوراً نایب بگیرد.

آیه الله خامنه ای: باید فوراً به آن مبادرت شود. (مناسک حج، م ۴۴)

[۳۱]. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: به مسأله ۵۲ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: به حاشیه ۳ و ۲۳ مراجعه شود.

تفصیل این مسأله ذیل مسأله ۲۳ گذشت.

[۳۲]. آیه الله اردبیلی: اگر عذرش برطرف شد، در صورت تمکن باید حج را به جا آورد، چه قبل از اتمام حج باشد و چه بعد از اتمام آن.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب، در صورت حصول تمکن، باید خودش حج را به جا آورد.

آیه الله سبحانی، آیه الله گلپایگانی: مگر اینکه در وقت نایب گرفتن، امید خوب شدن و رفع عذر داشته باشد که در این صورت بنابر احتیاط، اگر رفع عذر شد و استطاعت داشت باید خودش هم حج را انجام دهد.

آیه الله صافی: در صورتی که حج بر او مستقر بوده، با تمکن باید خودش حج به جا آورد و همچنین اگر مستقر نبوده ولی استطاعتش باقی باشد، باید حج به جا آورد. (آداب و احکام حج، حاشیه مسأله ۹۰).

[۳۳]. آیه الله سیستانی: گرچه احتیاط واجب است که نایب نیز عمل حج را تمام نماید. (مناسک، م ۶۴).

آیه الله سبحانی: اما اگر عذر او موقعی بر طرف شد که نائب هنوز در نیمه راه است در چنین صورتی احتیاط مستحب آن است که خود شخص نیز به حج برود.

آیه الله صافی: اگر بعد از احرام عذر مرتفع گردد که امکان انجام حج برای منوب عنه در همان سال یا سال بعد باشد ارتفاع عذر کاشف از بطلان اجاره و بلکه بطلان احرام نایب است.

آیه الله گلپایگانی: مگر اینکه در اثنای عمل بعد از احرام عذر برطرف شد ولی منوب عنه تمکن از انجام عمل کامل نداشته باشد که در این صورت حج نایب مجزی است. (مناسک عربی، مسأله ۹۰).

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب باید خودش حج برود.

[۳۴]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط.

آیات عظام سبحانی، فاضل، مکارم: نیابت او صحیح است هر چند گناه کرده است.

[۳۵]. تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۱۰۷ گذشت.

آیه الله اردبیلی: اگر در جهلش مقصر نباشد و یا غافل باشد، نیابتش صحیح است.

آیه الله خامنه ای: اما اگر نایب از واجب بودن حج بر خود بی خبر باشد بعید نیست که حج نیابی او صحیح باشد. (مناسک حج، ص ۲۸، شرائط نایب، ۵)

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۴۴ مراجعه شود.

[۳۶]. آیه الله اردبیلی: اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد، این حکم مبنی بر احتیاط است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی: چنانچه بعد از احرام بمیرد کفایت از منوب عنه می کند هر چند مردنش قبل از دخول حرم باشد (مناسک، مسأله ۱۱۴).

آیه الله خامنه ای: اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد بنابر احتیاط واجب مجزی نیست. (مناسک حج، م ۶۲)

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد این حکم احتیاطی است.

[۳۷]. آیه الله اردبیلی: مگر آنکه سال اول استطاعت او باشد که در این صورت حتی اگر پیش از احرام نیز بمیرد چیزی بر او نیست.

آية الله زنجاني: حکم فوت نایب در سفر حج در حاشیه مسأله ۱۱۰ گذشت و کسی که برای خودش حجة الاسلام به جا می آورد چنانچه بعد از احرام و دخول حرم بمیرد حج از عهده اش ساقط می شود و اگر قبل از آن بمیرد کفایت نمی کند پس اگر قبلاً حج برعهده او مستقر شده باید برایش حج بدهند و کسی که برای خودش حج واجب دیگری - مانند حج نذری - را به جا می آورد چنانچه در سفر حج بمیرد کفایت نمی کند، به استثناء حج کفاره ای که قضای آن واجب نیست حتی اگر قبل از احرام حج بمیرد.

آية الله سيستاني: کسی که حج بر او مستقر شده است اگر بعد از احرام حج در حرم بمیرد حجة الاسلام از او ساقط است ؛ چه تمتع باشد چه قران و چه افراد و اگر در عمره تمتع بمیرد نیز ساقط است و اگر قبل از آن بمیرد ؛ چه بعد از احرام قبل از دخول حرم و چه بعد از دخول حرم بدون احرام ساقط نمی شود و باید از او قضا کند و این حکم در حج واجب غیر از حجة الاسلام و در عمره مفرده جاری نیست و اما کسی که حج بر او مستقر نشده است، اگر بعد از احرام بمیرد قضا واجب نیست هر چند قبل از دخول حرم باشد.

تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۸۰ و ۱۱۰ گذشت.

[۳۸]. آية الله سبحاني: کسی که برای انجام حج نیابتی اجیر شود و در نیمه راه پیش از عمل بمیرد، برای دریافت اجرت سه حالت دارد: الف) اگر مبلغ در مقابل عمل حج قرار گرفته، چیزی به او تعلق نمی گیرد. ب) اگر مبلغ در مقابل بریء الذمه شدن منوب عنه پرداخت شده و نائب پس از دخول حرم فوت کند، همه مبلغ به او تعلق می گیرد. ج) هرگاه مبلغ در مقابل رفت و برگشت و عمل، معین شده ؛ به مقداری که کار انجام شده تعلق می گیرد.

آية الله مکارم: معمولاً اجاره برای ادای تکلیف منوب عنه است. بنابراین مستحق تمام اجرت می باشد.

[۳۹]. آية الله بهجت: اگر تصریح به خلاف متعارف نباشد، بر حسب معلوم از داعی استیجار که براءت ذمه منوب عنه است چیزی از اجرت پس گرفته نمی شود وقتی که وفات نایب پس از احرام و دخول حرم باشد و اگر قبل از احرام باشد استحقاق اجرت المثل مقدار راهی که پیموده است بعید نیست و نیز توزیع اجرة المسمی بی وجه نیست در صورتی که بعض عمل را مثل احرام انجام داده باشد و یا سیر از طریق خاص در اجاره قید شده باشد. (کتاب حج، ص ۴۱).

آية الله تبریزی، آية الله خویی: هرگاه اجیر بعد از محرم شدن بمیرد، تمام اجرت را مستحق خواهد شد، در صورتی که بر تفریغ ذمه میت اجیر شده باشد. و اما اگر اجیر بر به جا آوردن اعمال شده باشد، اجرت مقداری را که به جا آورده مستحق می شود و چنانچه قبل از احرام بمیرد چیزی مستحق نخواهد بود. بلی اگر مقدمات عمل داخل اجاره باشد، هر مقدار از مقدمات را که انجام داده باشد اجرت همان مقدار را مستحق می شود (مناسک، مسأله ۱۱۵).

آية الله سبحاني: ظاهر اجاره این است که اجیر برای به جا آوردن اعمال اجیر می شود لذا اجرت مقداری را که به جا آورده مستحق می شود و بعید نیست که مقدمات نیز داخل اجاره باشد، لذا هر مقدار از مقدمات را که انجام داده اجرت آن را نیز مستحق می شود (کتاب الحج، ج ۲، ص ۷۲).

آیه الله سیستانی: در صورتی که مقدمات عمل داخل اجاره باشد، هر مقدار از مقدمات را که انجام داده باشد اجرت همان مقدار را مستحق می شود.

[۴۰]. آیه الله گلپایگانی: ظاهراً مستحق تمام اجرت می باشد علی الاقوی و همچنین است حکم صورت بعد.

[۴۱]. آیه الله اردبیلی: ولی اگر برای تفریغ ذمه منوب عنه اجیر شده باشد و یا ارتکاز طرفین عقد اجاره بر این باشد، مستحق تمام اجرت است.

آیه الله خامنه ای: هرگاه نایب پس از احرام و ورود به حرم بمیرد، اگر نایب گرفتن برای بری شدن ذمه منوب عنه باشد، کما اینکه ظاهر حال اطلاق قرار داد اجاره چنین است اجیر مستحق تمام اجرت خواهد بود که باید آن را به ورثه اش پردازند. (مناسک حج، م ۵۴)

آیه الله صافی، آیه الله فاضل: مگر آنکه اجیر برای تفریغ ذمه شده باشد، که در این صورت تمام اجرت را می برد.

[۴۲]. آیه الله خویی: اگر بر خود اعمال اجیر باشد، به نحو تعدّد مطلوب، به نسبت اعمالی که انجام داده مستحق اجرت است.

آیه الله سیستانی: مگر آنکه اجیر برای تفریغ ذمه شده باشد که در این صورت تمام اجرت را می برد و اگر برخود اعمال اجیر باشد به نحو تعدّد مطلوب به نسبت اعمالی که انجام داده مستحقّ اجرت است.

فتوای آیه الله زنجان: در این مسأله به دست نیامد.

[۴۳]. آیه الله بهجت: احتیاطاً عمره به جا آورد.

[۴۴]. آیه الله زنجانی: احتیاط مستحب آن است که پیش از عمره تمتع یا بعد از انجام حج و گذشتن ایام تشریق برای خودش عمره مفرده به جا آورد، خصوصاً اگر استطاعت انجام عمره مفرده از وطن خود را داشته باشد.

[۴۵]. آیه الله فاضل: یا قبل از آن.

[۴۶]. آیه الله سبحانی: مستحب است که نائب پس از حج نیابی برای خود نیز عمره مفرده انجام دهد.

آیه الله گلپایگانی: رجاء (احکام عمره فارسی، ص ۱۶) .

[۴۷]. آیه الله اردبیلی، آیه الله مکارم: این احتیاط واجب است.

[۴۸]. آیه الله مکارم: در مورد عمره مفرده اگر در همان ماه عمره تمتع باشد قصد رجاء کند.

[۴۹]. آیات عظام اردبیلی، بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی: به ذیل مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط.

[۵۰]. آیه الله خامنه ای: کسی که از انجام دادن برخی از اعمال حج معذور است، نمی تواند برای نیابت حج اجیر شود. معذور

کسی است که نتواند اعمال اختیاری حج مانند تلبیه و نماز طواف به نحو صحیح، و راه رفتن با پای خود در طواف و سعی، و رمی جمرات به دست خودش، و وقوف در عرفات و مشعر در وقت مقرر، و رمی جمرات و بیتوته در منی را انجام دهد به طوری که منجر به نقص بعضی از اعمال حج شود. و اگر منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود و فقط در ارتکاب بعضی از محرمات احرام معذور باشد، نیابت او صحیح است.

در عدم کفایت حج نایبی که معذور است، فرقی نیست بین اینکه نایب اجیر باشد و یا نیابت مجانی و تبرّعی انجام شود. و نیز فرقی نیست بین اینکه نایب جاهل به عذر باشد یا نایب گیرنده جاهل به آن باشد، و همچنین فرقی نیست بین اینکه نایب یا نایب گیرنده جاهل باشد به اینکه آن عذر از عذرهایی است که نیابت با آن صحیح نیست، مانند آنکه نایب جاهل باشد که نمی تواند به وقوف اضطراری در مشعرالحرام اکتفا کند. (مناسک حج، م ۵۷ و ۶۰)

استفتائات نیابت

[۱۲۴] س - کسی مستطیع بوده و در میقات به نیابت دیگری مُحرم شده و به مکه آمده و عمره تمتع را از طرف منوب عنه انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج - با اینکه خودش [۱] مستطیع است نیابت او صحیح نیست [۲] و احرام او باطل است [۳] و باید برگردد به میقات و از آنجا برای خودش مُحرم شود. [۴]

[۱۲۵] س - اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده، از بعض اعمال معذور است، آیا می تواند در این اعمال نایب بگیرد و آیا می تواند پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را به جا آورد؟

ج - نایب شدن معذور [۵] صحیح نیست [۶] و باید پول را به صاحبش برگرداند، مگر اینکه از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت می تواند دیگری را در اصل عمل حج نایب کند و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کرد و او عمل را انجام داد، حج از طرف منوب عنه واقع می شود [۷] ولی پول را باید به صاحبش برگرداند [۸] و صاحب پول ضامن چیزی نیست و اجرت نایب را باید امر کننده بپردازد.

[۱۲۶] س - از هر کاروان نوعاً چند نفر از خدمه به نیابت آمده اند و بناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منی یا همراه ضعفا، به منی بروند، سؤال این است که آیا اجیر شدن و نیابت آنان صحیح است یا خیر؟

ج - با توجه به اینکه از معذورین هستند و نمی توانند وقوف اختیاری در مشعر را درک کنند، نیابت آنان صحیح نیست [۹] و اگر قبل از استخدام اجیر شده اند باید حج را به جا آورند و وقوف اختیاری را درک نمایند.

[۱۲۷] س - آیا شخص زنده در موردی که می تواند نایب بگیرد، باید از بُد نایب بگیرد یا از میقات، و اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت می کند یا خیر؟

ج - نایب گرفتن از میقات کفایت می کند و خودش باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست؛ مگر از طرف او وکالت داشته باشد. [۱۰]

[۱۲۸] س - آیا عمره مفرده یا طواف استحبابی را می توانیم به نیابت چند نفر انجام دهیم و در اعمال آن؛ از جمله طواف نساء، نیت همه باید بشود یا نیت بعضی کافی است؟

ج - می توانید به نیابت چند نفر انجام دهید و باید نیت همه بشود. [۱۱]

[۱۲۹] س - کسی را روز عید، قبل از حلق دستگیر کرده اند و او را به ایران فرستاده اند، آیا رفقای او می توانند از او نیابت کنند و بقیه اعمال را انجام دهند یا خیر و چگونه از احرام خارج می شود؟

ج - بدون اینکه خودش نایب بگیرد نیابت صحیح نیست [۱۲]، و برای خارج شدن از احرام باید به منی بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر نمی تواند برود در محل خودش حلق یا تقصیر نماید و بنابر احتیاط [۱۳] موهای خود را به منی

بفرستد و باید برای اعمال مترتبه نایب بگیرد. [۱۴]

[۱۳۰] س - افرادی که هر سال به حج می روند ؛ مانند خدمه کاروانها، در محل خود از کسی نیابت قبول می کنند، ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و مُحرم می شوند [۱۵]، بعد که متوجه شدند دوباره نیت نیابت می کنند، آیا حج نیابتی آنان درست است یا حج برای خودشان حساب می شود؟

ج - باید [۱۶] عمره و حج را به همان نیت اول اتمام کنند [۱۷] و احرام دوم صحیح نیست مگر آنکه احرام اول باطل باشد ؛ مثل اینکه حج بر او واجب نبوده و نیت حجة الاسلام کرده باشد. [۱۸]

[۱۳۱] س - شخصی در میقات برای خودش مُحرم می شود و تبلیه می گوید، بعد به فکر می افتد که چون خودش حج واجب را در سال های گذشته به جا آورده، برای پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان دیگرش حج تبرعی به جا آورد، آیا می شود با نیت عدول کند و یا دوباره به نیت شخص مورد نظر مُحرم شود یا خیر؟

ج - اگر به احرام صحیحی مُحرم شده، نمی تواند نیت را عوض کند و باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته، اتمام کند.

[۱۳۲] س - نایبی در احرام عمره تمتع، بعد از اینکه وارد مکه شد شک می کند که نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت مُحرم شود، یا اصلاً حج برای خودش حساب می شود و دیگر نمی تواند نایب باشد؟

ج - در نیت خطور لازم نیست، اگر انگیزه او در حال احرام نیابت بوده، عمل را به نیابت انجام دهد، و اگر در داعی و انگیزه هم شک دارد [۱۹]، باید اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) اتمام کند [۲۰]، و در نیابت به آن اکتفا نمی شود. [۲۱]

[۱۳۳] س - زنی در عرفات، در روز نهم دیوانه شد، او را به بیمارستان بردند و تا آخرین وقتی که می توانستند همراهان او در مکه بمانند باقی ماندند، خوب نشد، آیا شوهرش که با او است می تواند برای او نایب بگیرد و یا خودش باقی اعمال را انجام دهد یا نه؟

ج - مجنون تکلیف ندارد [۲۲] و نمی تواند برای او نایب بگیرند [۲۳]، و اگر عاقل شد حکم اشخاص مُحرم دیگر را دارد.

[۱۳۴] س - هرگاه کسی مریض شود، بهطوری که بعد از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد، آیا کسی که برای عمره تمتع مستحبی مُحرم شده و عمره را انجام داده است می تواند در حج نایب او شود یا خیر؟

ج - کسی که برای عمره تمتع مُحرم شده ولو مستحبی، نمی تواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود و باید عملش را اتمام کند، ولی اگر مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقوفین را درکند و بقیه اعمال را نایب بگیرد، جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هر چند خودش هم حج یا عمره به جا می آورد. [۲۴]

[۱۳۵] س - بنده چون مسؤول گروه حج بودم، به استناد وظیفه ام که مراقبت از بیماران و عاجزهای گروه بود، وقوف اضطراری انجام دادم، لطفاً وظیفه شرعی اینجانب را بیان فرمایید.

ج - اگر همراه عجزه بوده اید که لازم بوده با آنان باشید و آنان از وقوف اختیاری معذور بوده اند برای شما هم اشکالی نداشته [۲۵]، بلی اگر نایب کسی شده اید [۲۶] نیابت شما درست نبوده است. [۲۷]

[۱۳۶] س - اگر کسی دفعه اول به صورت خدمه، حج به جا آورده و در دفعه دوم دوباره به مأموریت خدمه عازم مکه معظمه است، آیا می تواند به عنوان پدر یا مادر که فوت شده اند نیابت نماید، و در چنین صورتی آیا حج از عهده پدر و مادرش برداشته می شود؟

ج - مانع ندارد و حج از منوبعنه کافی است، مگر آنکه سال اول، مستطیع نبوده و امسال مستطیع باشد. [۲۸]

[۱۳۷] س - اینجانب حدود شانزده سال قبل نیابتاً به مکه معظمه مشرف شدم و در منی چون سفر اول بوده است، و می دانستم که طبق تقلید حضرتعالی باید در سفر اول حلق کنم، و لیکن نمی دانستم که ماشین ته زن با تیغ فرق دارد [۲۹] و به جای تیغ با ماشین ته زن سر خود را تراشیدم و بعد از آن سفر هم دو سفر دیگر مشرف شدم و در سفرهای بعدی سر خود را ماشین نموده و ناخن هم گرفته ام، لطفاً بفرمایید در سفر اول که به جای تیغ با ماشین سر را تراشیدم، در مقابل این کار وظیفه ام چیست؟ و آیا این عمل سفر اول در سفرهای بعدی خللی وارد می آورد یا ذمه ام بریء شده است؟

ج - شما در صورت امکان باید [۳۰] به مکه بروید و در منی حلق کنید [۳۱] و بعد از آن طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورید و در این اعمال نیت اتمام حج سفر اول را بکنید و بعد از آن چیزی بر شما نیست، و اگر خودتان نمی توانید بروید یا رفتن برای شما حرجی است در محل خود حلق کنید و بنابر احتیاط موی آن را به منی بفرستید و در بقیه اعمال فوق نایب بگیرید، و نسبت به دو سفر دیگر که آیا صحیح و کافی بوده یا نه احتیاط را مراعات نمایید.

[۱۳۸] س - کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان، بعد از درک اضطراری مشعر، به منی بروند، آیا همه آنان از ذویالأعذار می باشند که نیابت ولو تبرعاً مورد اشکال است یا نسبت به بعضی استثناء شده است؟

ج - در فرض سؤال، زن ها می توانند نایب شوند و نیابت در سایر ذویالأعذار صحیح نیست. [۳۲]

[۱۳۹] س - شخصی در حج از میتی نیابت کرد و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک، هیچ عذری نداشت، ولی چند سال بعد از انجام حج متوجه شد که در وقوف مشعرالحرام، با زن ها و مریض ها به عنوان راهنما، وقوف اضطراری کرده و به منی رفته است و غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند، آیا وظیفه اش چیست؟

ج - عمل مزبور مجزی از حج نیابتی استیجاری نیست [۳۳]، و از جهت اجرت باید به اجیر کننده مراجعه نماید و یا در صورتی که اجاره، موقت به زمان مخصوصی که منقضی شده نباشد، دوباره حج نیابتی صحیح به جا آورد.

[۱۴۰] س - آیا می توانم برای مادرم و برای خودم فریضه حج را انجام دهم؟

ج - در یکسال بیش از یک حج واقع نمی شود.

[۱۴۱] س - شخصی به عنوان نیابت در مسجد شجره محرم شد و به مکه آمد، در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده است؟ آیا باید اعمال عمره را به قصد خود به جا آورد یا به قصد نیابت، و اگر باید حج را به قصد خود به جا آورد، نسبت به حج نیابی چه وظیفه ای دارد و آیا می تواند برای آن نایب بگیرد یا نه؟

ج - احرام او صحیح نبوده است [۳۴] و باید برگردد و برای عمره تمتع برای خودش محرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد و راجع به حج نیابی نمی تواند نایب بگیرد، مگر اجازه داشته باشد یا استیجار او برای مطلق تحصیل حج باشد. [۳۵]

[۱۴۲] س - کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است که به ایران بازگردد، آیا می تواند بقیه اعمال

را به دیگری واگذار نماید که حج تمتع را انجام دهد؟

ج - نمی تواند.

[۱۴۳] س - آیا شرط ایمان نایب، که در اصل نیابت حج [۳۶] و همچنین در ذبح [۳۷] شرط است [۳۸]، در سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است، مثل رمی و طواف هم شرط است یا خیر؟

ج - در سایر اعمال نیز شرط است. [۳۹]

[۱۴۴] س - شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و پدر نمی تواند بالمباشره حج را به جا آورد، پسر بدون تذکر دادن به پدر شخصی را اجیر برای حج پدر نموده و خودش هم برای حج خود مشرف شده، در این فرض آیا حج اجیر برای حج پدر، مجزی است یا خیر؟ و هرگاه در مدینه تصمیم بگیرد که آنچه را از مال پدر به اجیر داده است با پدر حساب نکند و از مال خودش باشد، رفع اشکال می شود یا نه؟

ج - در فرض مزبور استنباه در مورد پدر صدق نمی کند [۴۰]، و حجة الاسلام از طرف پدر واقع نمی شود و فرقی بین دو صورت فوق نیست. [۴۱]

[۱۴۵] س - شخصی پس از آنکه به مدینه مشرف شد جنون پیدا کرد، با توجه به اینکه سابقاً حج بر او مستقر شده است، آیا می شود برای او نایب گرفت یا خیر، و اگر نشود، تبرع حج از او چه صورت دارد؟

ج - نیابت و تبرع در فرض سؤال صحیح نیست. [۴۲]

[۱۴۶] س - فردی پس از استطاعت مالی برای حج اسمنویسی کرد و برای دو سال بعد اسمش در آمد، ولی چند ماه قبل از حرکت، فوت کرد درحالیکه پسرش را نایب قرار داده بود که برای او حج به جا آورد، در حالی که پسر خود استطاعت مالی داشته ولی در اسم نویسی مسامحه کرده و ننوشته است، در صورتی که اگر اسم می نوشت، شاید در همان سال اول، قرعه به نامش در می آمد و شاید هم سال های بعد، اکنون پسر به مدینه آمده به عنوان نیابت حج بلدی از جانب پدر و هنوز محرم نشده، چه وظیفه ای دارد؟

ج - در فرض مرقوم نیابت صحیح نیست [۴۳] و باید برای خودش حج نماید. [۴۴]

[۱۴۷] س - شخصی اجیر حج بلدی از قم شده و خودش ساکن اراک است، بعد از اجیر شدن در نظر داشته که به قم برود و از آنجا حرکت کند، پس از چند روز در حالی که از موضوع غافل شده، برای انجام کار دیگری به قم و بعد از آنجا به تهران رفته است، آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد به قم، و بر فرض خروج از ایران چه حکمی دارد؟

ج - اگر می تواند باید برگردد [۴۵]، و چنانچه برنگشت ولو در صورت تمکن و حج را انجام داد، حج صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد. [۴۶]

[۱۴۸] س - آیا بر نایب واجب است اعمال حج را طبق فتوای مرجع تقلید منوبعنه انجام دهد یا مطابق وظیفه خودش عمل نماید؟

ج - میزان، وظیفه خود اوست [۴۷] ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده، بشود. [۴۸]

[۱۴۹] س - آیا در اجاره برای اعمال حج لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند یا نه؟

ج - لازم نیست و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می کند. [۴۹]

[۱۵۰] س - نایب چند ماه قبل از حج به بلد منوبعنه می رود و به عنوان نیابت حج حرکت می کند و به وطن خودش یا محل دیگری می رود و در ماه ذیحجه، که عازم حج می شود، دیگر به بلد منوبعنه نمی رود، کافی است یا نه؟ و چه وقت باید برود؟

ج - کافی است.

[۱۵۱] س - در مودی که مرحوم پدرم فرموده بود پسر بزرگ نیابتاً به مکه برود و من که پسر بزرگ هستم به وسیله ارث مستطیع شده ام اما تاکنون نتوانسته ام سهم خود را به پول مبدل کنم، آیا می توانم با این حال به جای پدر حج به جا آورم یا نه؟

ج - با فرض حصول استطاعت مالی برای خودتان [۵۰] ولو از بابت ارثیه، اگر امکان فروش و صرف قیمت در حج را دارید باید اول برای خودتان حج به جا آورید و برای پدر بعداً انجام دهید یا دیگری را نایب بگیرید. [۵۱]

[۱۵۲] س - آیا جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا طواف حج که طواف را در غیر موسم حج به جا آورد یا نه؟

ج - مانع ندارد. [۵۲]

[۱۵۳] س - شخصی قبلاً مستطیع بوده و به حج نرفته و الآن هیچگونه قدرت مالی جهت انجام حج را ندارد، آیا فرزندش می تواند تبرعاً از طرف او حج نیابی انجام دهد؟

ج - نیابت در حج از حی صحیح نیست [۵۳] مگر در صورتی که شخص از جهت پیری نتواند به حج برود یا مریض [۵۴] باشد [۵۵] و از جهت مرض نتواند برود و مأیوس از خوب شدن تا آخر عمر باشد. [۵۶]

[۱۵۴] س - حج به نیابت حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفدا - چون در موسم حج تشریف دارند جایز است یا نه؟

ج - اشکال ندارد. [۵۷]

[۱۵۵] س - زنی که واجب الحج است وصیت کرده که از اصل ترکه اش برای او حج بلدی توسط وصیش انجام شود، حال استطاعت جانی و مالی و غیره برای وصی او فراهم است، فقط از حیث عدم شرکت در نامنویسی برای حج، آن هم با عذری، استطاعت راهی ندارد، آیا می تواند حج نیابی را انجام دهد؟

ج - [۵۸] وصی اگر قبلاً استطاعت نداشته و فعلاً هم راه برای او باز نیست الآن هم مستطیع نیست و می تواند برای حج نیابی اجیر شود [۵۹]، ولی اگر بدون اینکه اجیر شود خود را به میقات برساند، نمی تواند حج نیابی به جا آورد و باید برای خودش حج به جا آورد.

[۱۵۶] س - کسی که حج نیایی انجام می دهد، اگر در قربانی شخص ثالثی را وکیل کرد، ذایح چگونه نیت کند، آیا باید نیت کند که به وکالت از میت قربانی می کنم یا باید وکالت از نایب میت کند؟ در هر صورت آیا باید نام میت را هم ببرد؟

ج - نام میت بردن لازم نیست، بلکه چنانچه نیت کند آنچه بر عهده نایب است انجام دهد صحیح است. [۶۰]

[۱۵۷] س - کسی که برای حج اجیر می شود، اگر شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا یک عمل دیگری که نیابت بردار است نایب می گیرم، آیا این شرط نافذ است و می تواند عمل نماید یا نه؟

ج - اگر عذر دارد [۶۱] نمی تواند قبول کند، بلی در قربانی مانع ندارد و شرط لازم نیست.

[۱۵۸] س - کسی احتمال قوی عقلایی می دهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حج تمتع را بدل به افراد کند، آیا می تواند از حج واجب نیابت کند؟

ج - می تواند نیابت کند [۶۲]، ولی اگر وظیفه او عدول به افراد شد، بنابر احتیاط منوبعنه نباید اکتفا به آن کند. [۶۳]

[۱۵۹] س - نیایی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن، جزو معذورین شد و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نمود، آیا حج او از منوبعنه کافی است؟ و آیا نسبت به نحوه عذر فرقی هست یا نه؟

ج - محل اشکال است. [۶۴]

[۱۶۰] س - کسانی که در حال اجیر شدن، از معذورین نبوده اند و بعداً در اثنای عمل عذر عارض شده است، آیا نیابتشان صحیح است و مستحق تمام اجرت می باشند یا نه؟

ج - اشکال دارد. [۶۵]

[۱۶۱] س - خدمه ای که از روی جهل به مسأله اجیر شده اند و وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده اند، فعلاً تکلیفشان چیست و همچنین سایر معذورینی که حج ناقص از این قبیل انجام داده اند ؛ تبرعاً یا با اجرت؟

ج - نیابت ایشان صحیح نیست [۶۶] و کفایت از منوبعنه نمی کند و باید پول را برگردانند و خودشان با عدم عذر نسبت به درک اختیاری مشعر، باید با انجام عمره مفرده [۶۷]، از احرام خارج شوند. [۶۸]

[۱۶۲] س - در مناسک آمده است که معذور نمی تواند نایب شود، معذور به چه کسی گفته می شود؟ لطفاً حدّ آن را معین کنید ؛ مثلاً کسی که نمی تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی تواند خودش رمی جمرات کند و یا نمی تواند قربانی نماید و یا نمی تواند یکی دیگر از واجبات حج را ؛ اعم از ارکان و غیر ارکان، انجام دهد معذور است یا خیر؟

ج - هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است [۶۹] و نمی تواند نایب شود [۷۰]، ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد و لذا کسی که نمی تواند ذبح کند می تواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد.

[۱۶۳] س - کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده است، آیا نیابت او صحیح است؟ و مفروض این است که به عنوان نیابت مُحرم شده است؟

ج - اگر از قرائت صحیح معذور است [۷۱]، نیابت و احرام او باطل است [۷۲] و اگر معذور نیست صحیح است و باید قرائت خود را درست کند. [۷۳]

[۱۶۴] س - اگر مستنیب یا منوب عنه در وقت نیابت بدانند که نایب جزو معذورین است و او را نایب کنند؛ اولاً آیا اجرت نیابت برای نایب حلال است یا نه؟ و ثانیاً آیا حج نیابتی او صحیح و از حجة الاسلام یا غیر حجة الاسلام منوب عنه کفایت می کند یا نه؟

ج - با فرض اینکه معذور بوده و استیجار شده [۷۴] استحقاق اجرت ندارد و کفایت نمی کند. [۷۵]

[۱] آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

[۲] آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: با فرض وجوب حج بر خود او اجازه باطل می باشد، ولی حج صحیح است و ذمه منوب عنه بریء می شود، گرچه موظف بوده است به میقات برگردد و برای خودش محرم شود.

آیه الله سبحانی: بعد از انجام یک طواف نساء به عنوان وظیفه فعلی به میقات و اگر ممکن نشد به ادنی الحل رفته و جهت عمره تمتع برای خودش محرم شود و چنانچه وقت کافی نیست و به عرفات نمی رسد بعید نیست که بدل به حج افراد شود و حج او صحیح است مگر اینکه با علم به استطاعت خود نائب شده باشد و خود را دچار تنگی وقت کرده اکتفا به حج افراد مشکل است.

آیه الله سیستانی: اگر مطمئن باشد در سال بعد حج خود را انجام می دهد، حج نیابی را تمام کند و اگر مطمئن نیست باید به یکی از مواقیت رفته و برای خود احرام ببندد ولی اگر حج نیابی را تمام کند حجتش صحیح است و اگر استیجاری باشد اجازه باطل است و مستحق اجرت المثل است.

آیه الله فاضل: نیابت او صحیح است اگرچه معصیت کرده است، و در مورد سؤال، که فعلاً از احرام خارج شده است، واجب است به میقات برگردد و برای خودش محرم شود. ولی اگر دوباره معصیت کرد و حج نیابی را تمام کرد صحیح است و از منوب عنه مجزی است.

تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۱۰۷ و ۱۱۸ گذشت.

[۳] آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسأله ۱۱۸ مراجعه شود.

آیه الله نوری: مگر آنکه به نحو خطا در تطبیق باشد، که در این صورت از خودش واقع می شود.

[۴]. آیه الله زنجانی: به مسأله های ۴۴، ۲۱۵، ۲۱۹ و حواشی آنها مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: اگر استطاعت و یا استقرار حج بر او قبل از قبول نیابت بوده و الآن در میقات متوجه شد، نیابت باطل و باید برای خود حج به جا آورد و چنانچه از فیش منوب عنه استفاده کرده با اجازه ورثه برای متوفی حج میقاتی استنابه کند و به خاطر تفاضل قیمت هریک از حج میقاتی و فیش مصرف شده با ورثه بر اساس قاعده عدل و انصاف به توافق برسند و یا مصالحه کنند.

[۵]. آیه الله بهجت: اگر بدون توجه محرم شده، احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً به جا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی توانسته نایب شود و اما قبل از احرام پس با احراز رضایت منوب عنه حج میقاتی برای او بدهد چون اطلاق اجازه قید مباشرت را بر می دارد (مناسک، س ۱۰۶ و ۱۷).

آیه الله تبریزی: نیابت معذور در حج واجب اشکال دارد.

آیه الله خویی: نیابت معذور اشکال دارد.

آیه الله سبحانی: فقط در موارد جواز استنابه که در مسأله ۱۲۹۷ آمده است می تواند نائب شود و یا در عذر طاری در بقیه موارد نمی تواند استنابه کند و همچنین در اصل حج اگر منوب عنه زنده است می تواند استنابه کند و در مورد میت هم از ورثه باید استجازه کند مگر اینکه در هر دو مورد از اول به او اذن داده باشند.

آیه الله سیستانی: اگر عذر بعداً پیش آمده است نایب گرفتن جایز است و همچنین در مواردی که تفصیل آن در حاشیه مسأله ۱۰۷ گذشت.

آیه الله صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله مکارم: بنابر احتیاط.

[۶]. آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: مگر در عذر طاری بر احرام، به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۱۰۷ گذشت و باید پول را...

[۷] آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: اگر منوب عنه زنده است نیابت بدون اذن او (آیه الله زنجانی: در حجة الاسلام) مجزی نیست. (مناسک مسأله ۶۶)

[۸] آیه الله مکارم: مگر اینکه صاحبش راضی گردد.

[۹] آیه الله بهجت: بنابر احتیاط، با تمکن از استیجار غیر معذور، نمی توانند اجیر شوند (مستفاد از مناسک، ص ۴۰ مسأله ۱۱۰) و در جزوه پرسش های جدید حج، ص ۴، مسأله ۱۳ آمده است در صورتی که بدانند به واجبات اختیاریه نمی توانند عمل کنند احتیاط در ترک نیابت است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: نیابت آنان محل اشکال است مگر اینکه بتوانند برای درک مسمی وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: نیابت آنها صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر عالماً و عامداً ترک وقوف اختیاری کنند حجتشان باطل است و باید اعمال عمره مفرده انجام دهند و از احرام خارج شوند.

آیه الله سیستانی: صحّت نیابت آنان بعید نیست. (ملحق مناسک، س ۵۸، فرع ۲) .

آیه الله صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط.

[۱۰] آیه الله اردبیلی: و یا اینکه منوب عنه قبلاً و فعلاً راضی باشد به گونه ای که وقتی به او اطلاع می دهند، رضایت داشته باشد.

آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۱۲۹ مراجعه شود.

[۱۳] آیه الله زنجانی: البته منظور عمره مفرده مستحبی است.

[۱۴] آیه الله اردبیلی: به ذیل مسأله ۱۲۷ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: چنانچه احراز رضایت شود و شاهد حال هم بر رضایت بود؛ بهطوری که اگر او بفهمد راضی است، نیابت صحیح است با مراعات سایر جهات (مستفاد از س ۱۵۷ و ۱۷).

آیه الله سبحانی: نیابت در صورتی تحقق می پذیرد که طرف رسماً او را نایب خود قرار دهد و یا به اصطلاح به او وکالت دهد که این کار را از طرف او انجام دهد.

[۱۵] آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه از دخول به مکه جلوگیری شده، می تواند در محلّ خودش قربانی نماید و احتیاط این است که حلق یا تقصیر نیز بنماید و اگر وارد مکه شده و تنها اجازه اعمال را به او نداده اند حلق یا تقصیر نموده و در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد و برای بقیه اعمال نایب بگیرد. (مناسک، مسأله ۴۴۵).

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: در صورت امکان باید موی خود را به منی بفرستد. (مناسک، مسأله ۴۴۰).

آیه الله سبحانی: در صورتی که از دخول به مکه جلوگیری شده حکم مصدود را دارد باید با انجام قربانی در محل صد و در صورت عدم امکان در محل خود و تقصیر از احرام خارج شود و اگر وارد مکه شده و اجازه اعمال به او ندادند باید حلق کند و موی خود را به منی بفرستد و برای بقیه اعمال نایب بگیرد (کتاب الحج، ج ۵، ص ۴۶۹).

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط مستحب.

[۱۶] آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط هم وظیفه مصدود را انجام دهد (یعنی یک قربانی کند) و هم برای بقیه اعمال نایب بگیرد.

[۱۵]. آیه الله نوری: و به نیت خود محرم شود.

[۱۶]. آیه الله بهجت: در صورتی که قصد انجام وظیفه داشته، محلّ به نیابت نیست و عمل مجزی است (مناسک، ص ۲۲).

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: اگر ارتکازاً قصد منوبعنه را داشته اند؛ به طوری که اگر کسی می پرسید جواب می دادند برای منوب عنه حج به جا می آوریم کفایت می کند و حج نیابت آنها صحیح است.

آیه الله خویی: فتوای ایشان در دست نیست.

آیه الله سیستانی: اگر محرک آنان در احرام، حج نیابی باشد کافی است ولی اگر به کلی غافل باشند که اگر از آنها پرسیده شود، جواب می دهند که برای خود احرام می بندیم باید حج را به نیت خود تمام کنند ولی اگر پس از انجام عمره از مکه خارج شوند و در ماه بعد به مکه برگردند؛ مثلاً آخر ذی قعدة خارج و اول ذی حجه وارد شوند عمره آنها باطل می شود و می توانند از یکی از مواقیت به نیت منوبعنه احرام ببندند، گرچه باطل کردن عمره تمتع عمداً گناه است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با فرض آنکه مستطیع نبوده و از قبل اجبر برای انجام حج شده است نیت احرام برای خود او منعقد نشده است و در صورتی که مجدداً به نیت منوب عنه محرم شده است حج نیابی او صحیح است.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: اگر شخص غافل، ارتکازاً قصد منوبعنه را داشته، وداعی و انگیزه او منوب عنه بوده، هر چند قصد خودش را اخطار کرده، قصد ارتکازی بر اخطار فعلی مقدم است و برای منوب عنه واقع می شود، و حج نیابتی صحیح است.

آیه الله مکارم: همین اندازه که نیت نیابت در عمق ذهن او باشد کافی است.

[۱۷]. آیه الله اردبیلی: و ظاهر این است که در این موارد قصد ارتکازی موجود و کافی است؛ پس حج نیابی صحیح و از منوب عنه مجزی است.

[۱۸]. آیه الله سیستانی: در این مثال احرام اول او صحیح است.

آیه الله مکارم: نیت حجة الاسلام تأثیری ندارد.

[۱۹] آیه الله زنجانی: می تواند مناسک را به نیت خود به جا آورد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که به قصد اجمالی «آن عمره ای که به آن محرم شده ام» اعمال را به پایان برساند و کفایت از منوبعه نمی کند.

[۲۰] آیه الله تبریزی: باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت از غیر محرم شود.

آیه الله خویی: اگر احتمال بدهد که نه قصد خود و نه دیگری را کرده، احرام او باطل است. مگر اینکه در حال طواف؛ مثلاً نیت معینی دارد که به همان نیت اعمال را تمام می کند.

آیه الله سبحانی: حمل بر صحت نماید و خود را از زمان احرام تا آخر نائب بداند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که فعلاً خود را نایب می داند و شک در نیت احرام گذشته خود دارد، وظیفه او حمل به صحت است و به عنوان نیابت، بقیه اعمال را به جا آورد.

[۲۱] آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۱۳۰ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: اگر قصد انجام وظیفه داشته، مجزی است.

آیه الله سیستانی: اگر احتمال می دهد در میقات به کلی از ذهنش نیت نیابت از غیر پاک شده بوده، بنا می گذارد که احرامش برای خودش بوده و اگر این احتمال را نمی دهد همانطور که متعارف است در کسی که عازم بر نیابت بوده است بنا می گذارد که احرامش برای غیر بوده است.

[۲۲] آیه الله زنجانی: چنین کسی محصور است و اگر عاقل شد باید به وظیفه ای که در حاشیه مسأله ۱۳۸۱ گفته می شود عمل نماید.

[۲۳] آیه الله اردبیلی: ولی بنابر احتیاط، در احرام باقی است و اگر عاقل شد، احتیاطاً باید با عمره مفرده از احرام خارج شود.

آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۸ و ۱۲۹ و ۹۸۹ مورد هشتم که کفایت ادراک اختیاری عرفه به تنهایی است (اگر بعد از زوال دیوانه شده باشد) مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مجنون تکلیف ندارد و نمی تواند برایش نایب بگیرند و بنابر اظهر، احرام او باطل می شود.

آیه الله سبحانی: ولی یا متکفل امر او اعمال او را به صورت عمره مفرده تمام کند و نسبت به حج وظیفه ای ندارد و در مورد عمره اگر مستلزم مخارجی شد ولی او از اموالش بپردازد.

آیه الله سیستانی: اگر پس از درک مسمای وقوف، در عرفات دیوانه شده باشد و سپس به قدری به عقل بیاید که اختیاری مشعر را درک کند، یا اضطراری مشعر با اختیاری عرفه، پس حج او صحیح است، و اگر به عقل نیاید، باید برای تکمیل اعمال شوهر برای او نایب بگیرد.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال، نایب گرفتن مجزی و صحیح نیست و ظاهراً احرام او باطل می شود.

آیه الله مکارم: این در صورتی است که سال اول استطاعت او باشد.

[۲۴] آیه الله زنجانی: به استثناء بیتوته در منی که قابل نیابت نیست، پس اگر بدون حج می تواند بیتوته می کند والا بیتوته بر آنها واجب نیست؛ هر چند ترک بیتوته در برخی از صورت ها کفاره دارد.

آیه الله سبحانی: با طواف نساء و نماز آن که خود و یا با استنابه انجام می دهد، عمره خود را بدل به عمره مفرده کند و اگر به وطن برگشته جهت طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

[۲۵] آیه الله خویی: کسانی که ناچارند همراه زنان و بیماران باشند، اگر بتوانند ولو یک لحظه از وقوف اختیاری مشعر را درک کنند باید برگردند و اگر نمی توانند باید قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند و در فرض عجز از آن هم حج آنان صحیح است و چنانچه این وظیفه را از روی جهل به حکم ترک کرده باشند حجتشان صحیح است ولی باید یک گوسفند کفاره بدهند. (مناسک، مسأله ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰) و در حاشیه مسأله ۱۰۷ «حکم نیابت معذور به عذر طاری» گذشت.

آیه الله زنجانی: بلکه اگر نایب هم بوده اید عمل شما صحیح و کفایت از منوبعنه می کند.

[۲۶]. آیات عظام سبحانی، فاضل، گلپایگانی: اگر عذر شما طاری بوده نیابت صحیح است.

آیه الله صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

[۲۷]. آیه الله اردبیلی: مگر آنکه به هنگام قبول نیابت اطمینان داشته اید که وقوف اختیاری انجام خواهید داد و بعداً عذر برایتان حاصل شده است.

آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۱۰۷ و ۱۳۹ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: نیابت شما محل اشکال است.

آیه الله سیستانی: صحت نیابت شما بعید نیست.

آیه الله مکارم: نیابت شما هم درست است.

[۲۸]. آیه الله اردبیلی: که در این صورت چنانچه حج نیابتی به جا آورد، به احتیاط واجب صحیح نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: حج نیابتی او صحیح است.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: در این صورت حج نیابتی صحیح است اما معصیت کرده.

آیه الله مکارم: خدمه در حکم مستطیع هستند به علاوه مستطیع اگر قصد نیابت کند حج برای منوبعنه کافی است هر چند گناه کرده است.

[۲۹] آیه الله اردبیلی: در حلق ملاک استفاده از تیغ نیست، بلکه اگر ماشین ته زن مانند تیغ بتراشد، کافی است.

[۳۰] آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۳۵۷)

[۳۱] آیات عظام بهجت، خویی، فاضل، مکارم: سروره (کسی که بار اول حج اوست) بین حلق و تقصیر مخیر است، گرچه احتیاط این است که حلق کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله نوری: چون حلق برای سروره (کسی که بار اول حج اوست) متعین نیست، بنابراین حج های شما هر سه صحیح است و چیزی بر شما واجب نمی باشد. □

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: حلق با ماشین ته زن کافی است، گرچه احتیاط مستحب با تیغ است. (ملحق مناسک، س ۳۵۱).

آیه الله سبحانی: حلق با ماشین ته زن کافی است (مناسک، م ۵۲۰).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: چون تراشیدن سر به عنوان تقصیر بنابر احتیاط است، اگر در این مسأله به کسی که تقصیر را کافی می داند مراجعه نمایید تکلیفی بر شما نیست.

[۳۲] آیه الله اردبیلی: مگر آنکه عذر آنها پس از قبول نیابت به وجود آمده باشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: نیابت زنان و ضعفاء که می توانند به وقوف در شب، در مشعر اکتفاء کنند مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: در فرض سؤال بانوان و همراهان آنان و مسؤولین تدارک حجاج و بدهکار و خائف می توانند نایب شوند.

آیه الله سبحانی: ویاممکن است در طواف و نماز به علت عادت ماهانه به استنابه نیاز داشته باشند یا ممکن است حج آنها بدل به حج افراد شود، نیابت آنان اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: چون وقوف رکنی را در کرده اند نیابت آنها صحیح است.

آیه الله مکارم: نیابت در این گونه موارد صحیح است.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسأله ۱۰۷ گذشت.

[۳۳]. آیه الله اردبیلی: چنانچه هنگام قبول نیابت احتمال نمی داده که ناچار به وقوف اضطراری خواهد شد، حج و نیابتش صحیح است و مستحق اجرت نیز می باشد.

آیه الله بهجت: اتمام عمل طبق وظیفه عذری نایب (عذر طاری) کفایت می کند و مضرّ به صحت نیابت نیست. (استفتائات ویژه حج).

آیه الله تبریزی: اگر از روی جهل به مسأله قبل از طلوع فجر از مشعر کوچ کرده، حج نیابتی او بنابر اظهر صحیح است و باید یک گوسفند کفاره دهد و در اجرت با مستأجر خود، تراضی کند.

آیه الله خویی: نیابت معذور اشکال دارد و حکم نیابت معذور به عذر طاری در مسأله ۱۰۷ گذشت.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: عمل مزبور کفایت می کند و اجیر حق اجرت دارد.

آیه الله سبحانی: چنانچه جهل آنها قصوری باشد مانع ندارد و از منوب عنه کفایت می کند.

آیه الله سیستانی: عمل مزبور مجزی است حتی اگر از ابتدا چنین عذری داشته باشد؛ زیرا درک مقدار رکن از وقوف کافی است.

آیه الله صافی: حج صحیح و مبرئ ذمه منوب عنه است و نسبت به اجرت، رضایت مستأجر را تحصیل نماید.

آیه الله فاضل: در عذر طاری حج نیابتی صحیح و مستحق اجرت هم می باشد.

آیه الله گلپایگانی: بعید نیست در عذر طاری حج نیابتی صحیح و مستحق اجرت هم باشد. (آراء المراجع، ص ۳۹ و ۵۰).

[۳۴]. آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط باید اعمال عمره را تمام کند و طواف نساء هم به جا آورد و لازم است پس از آن به میقات برگشته و برای خود محرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد.

آیه الله خویی: اگر حج نیابی را تمام کند صحیح است گرچه وظیفه اش رها کردن حج نیابی و احرام بستن برای حج خودش بوده است.

آیه الله سبحانی: ولی اگر بعد از اعمال حج و یا بعد از وقوفین فهمید که خودش مستطیع بوده نیابتش صحیح است و ذمه منوب عنه فارغ گردیده است.

آیه الله سیستانی: اگر مطمئن است که سال دیگر می تواند حج خود را انجام دهد، حج نیابی را تمام کند وگرنه آن را رها کند و به میقات برگردد و برای خود احرام ببندد. (ملحق مناسک، س۱)

آیه الله فاضل: احرام او صحیح است و تبدل نیت برای شخص محرم صحیح نیست.

آیه الله مکارم: احتیاطاً عمره را تمام کند و طواف نساء به جا آورد و به میقات برگردد و محرم شود. این در صورتی است که اجیر نشده باشد والا اجاره او صحیح است و در آن سال مستطیع نیست.

[۳۵]. آیه الله زنجانی: اگر از تمام جهات (مالی و غیره) مستطیع بوده احرامش باطل است و باید حجة الاسلام خود را به جا آورد.

[۳۶]. آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، ص ۲۸، شرایط نایب، ۳)

[۳۷]. آیه الله اردبیلی: ایمان در ذابح شرط نیست.

[۳۸]. نظریات آیات عظام در شرطیت ایمان در ذبح در «مسأله ۱۰۴۲» خواهد آمد.

[۳۹] آیه الله بهجت، آیه الله نوری: در ذبح، ایمان شرط نیست.

آیه الله زنجانی: در تمام اعمال عبادی بنابر مشهور ایمان نایب، شرط است؛ ولی ذابح و کسی که مو یا ناخن محرم را می زند معمولاً نایب نیست تا ایمان در او معتبر باشد.

آیه الله سبحانی: در ذابح ایمان شرط نیست و باید خود منوبعنه نیت ذبح را به صورت قربی داشته باشد (کتاب الحج، ج ۵، ص ۱۲۳).

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: در ذبح شرط نیست و در بقیه موارد احتیاط واجب است.

[۴۰] آیه الله اردبیلی: چنانچه پدر قبلاً و فعلاً راضی باشد، کفایت می کند مگر اینکه مأیوس از خوب شدن خود نباشد.

آیه الله بهجت: با احراز رضایت پدر اشکال ندارد و تبرّع از حی در حج واجب، با عدم قدرت او، اظهر جواز آن است و با اذن باشد احوط است در تفریغ ذمه. (کتاب حج، ص ۴۵ و مناسک مستفاد از س ۱۷ و ۱۵۷).

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: اگر اختیارات او شامل نایب گرفتن در حج هم بوده کافی است و گرنه عمل نایب کافی نیست مگر اینکه قبل از احرام، پدر مطلع شود و موافقت نماید. (ملحق مناسک، س ۴۰).

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: مگر وکالت مطلقه از پدر داشته باشد.

آیه الله گلپایگانی: اجیر گرفتن برای پدر از مال او بدون اطلاع پدر صحیح نیست بلی در صورتی که مبلغ اجاره را از مال خود تبرّعاً بپردازد در فرض سؤال که پدر عاجز از انجام حج است مانعی ندارد و مجزی از حجة الاسلام پدر می باشد.

[۴۱] آیه الله زنجانی: استنابه از شخص زنده در حج واجب - حجة الاسلام و غیر آن - بدون درخواست یا اذن منوبعنه صحیح نیست و در حج مستحب مانعی ندارد.

[۴۲] آیه الله اردبیلی: مگر اینکه یأس از بهبود او داشته باشند.

آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۱۰۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: اگر امید به بهبودی او نباشد گرفتن نایب برای او مانعی ندارد.

آیه الله سیستانی: باید پس از مرگ برای او نایب بگیرند.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال که زنده است صحیح نیست، بلی در صورت یأس از بهبودی او نیابت صحیح است.

آیه الله نوری: فقط حاکم شرع می تواند برای او نایب بگیرد.

[۴۳] آیه الله بهجت: نیابت شخص مستطیع جایز نیست ولو اگر انجام دهد صحیح است؛ چنانکه در ذیل مسأله ۴۴ و ۱۰۷ گذشت.

آیه الله تبریزی: در فرض مزبور برای خودش حج به جا آورد و برای پدرش نایب بگیرد.

آیه الله خویی: حج نیابی او صحیح است و در صورتی که رفتن به حج منحصر به استفاده از سهمیه پدر بوده و استفاده از آن بنا به وصیت پدر یا نظر ورثه موقوف به این باشد که خود او برای پدر حج نیابی انجام دهد، اینکه لازم باشد پسر باز برای خود حج به جا آورد، فتوای ایشان روشن نیست.

آیه الله سبحانی: به پاسخ سؤال ۱۳۹۷ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر مطمئن باشد که در سال های آینده می تواند برای خودش حج به جا آورد می تواند امسال به نیابت از پدر حج به جا آورد، و اگر مطمئن نباشد وظیفه اش این است که برای خود حج به جا آورد، ولی به هر حال حج نیابی او صحیح است.

آیه الله فاضل: حج خودش مقدم است، لیکن اگر مخالفت کرد حج نیابی صحیح است اگر چه مرتکب گناه شده است.

آیه الله مکارم: نیابت او صحیح است و استطاعت خودش ثابت نیست، هر چند به خاطر کوتاهی کردن در اسمنویسی گناه کرده است.

[۴۴] آیه الله اردبیلی: چنانچه پسر برای آمدن به مکه هیچ راه دیگری غیر از استفاده از فیش پدر نداشته، نیابتش صحیح است.

آیه الله زنجانی: اگر فرزند قبل از استطاعت، نیابت را قبول کرده باشد باید برای پدر حج به جا آورد وگرنه حج بر عهده اش مستقر شده نمی تواند نایب شود و باید حج خود را به جا آورد. البته اگر تنها با استفاده از این فیش می تواند حج به جا آورد،

باید مطابق حاشیه مسأله ۸۸ عمل نماید.

آیه الله خامنه ای: اگر راه با فیش مورد وصیت برای پسر باز شده و یا اینکه باز شدن راه برای پسر بدین گونه بوده که ورثه فیش را به یکی از فرزندان بدهند که به نیابت پدر به حج برود باید حج را به نیابت از پدر به جا آورد و چنانچه وصیتی نبوده و از او خواسته نشده که نیابت کند، باید برای خودش حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

[۴۵]. آیه الله اردبیلی: مگر اینکه ارتکاز^۱ از قم به قصد حج حرکت کرده باشد.

آیه الله بهجت: لازم نیست برگردد.

آیه الله سبحانی: واگر عمل نکرد یا فراموش کرد حج او صحیح است ولی اجرة المثل بالنسبه کم می شود و اگر به نیت نیابت حتی چند ماه قبل به آن بلد رفته باشد و بعداً از غیر آن بلد به حج برود کافی است. □

□ آیه الله مکارم: مگر اینکه نیت در اعماق ذهنش وجود داشته باشد.

آیه الله نوری: اگر داعی ارتکازی داشته، گرچه خطاری نبوده و غافل شده، برگشتن لازم نیست؛ زیرا در نیت خطور لازم نیست و اگر بالمره غافل شده و از ارتکاز هم محو شده، باید برگردد.

[۴۶]. آیه الله سیستانی: حج او صحیح است مطلقاً، ولی اگر اجاره بر حج بلدی به نحو تقیید باشد مستحق اجرت نیست، و اگر شروع از بلد منوب عنه جزو عمل مورد اجاره باشد مستحق اجرت می باشد ولی مستأجر می تواند اجرت المثل آن قسمت را که به جا نیاورده از او بگیرد و می تواند اجاره را فسخ کند ولی باید اجرت المثل حج او را بدهد، و اگر شروع از بلد از باب شرط ضمن العقد باشد مستأجر فقط می تواند اجاره را فسخ کند و در این صورت اجرت المثل او را باید بدهد.

[۴۷]. آیه الله بهجت: در نیابت از میت به وظیفه خودش عمل می کند و در نیابت صحیح از زنده فی الجمله احتیاط می کند (مناسک، س ۲۳).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه منوب عنه حی باشد، باید طبق تقلید منوب عنه عمل کند و چنانچه منوب عنه مرده باشد، اگر وصیت کرده، باید به تقلید منوب عنه عمل کند. در غیر این دو صورت، مراعات تقلید منوب عنه لازم نیست. آیه الله تبریزی اضافه فرموده اند: و بنابر احتیاط لازم است آن عمل بنا به تقلید وصی و ورثه هم صحیح باشد و اگر وصیتی نکرده، نایب به

حسب تقلید خودش عمل کند و طوری باشد که به حسب وظیفه ورثه هم مجزی باشد.

آیه الله سبحانی: فرقی نمی کند که منوب عنه زنده باشد یا مرده.

آیه الله سیستانی: باید طبق تقلید خودش عمل کند ولی اگر اجیر شده باشد که طبق نظر منوب عنه یا مستأجر عمل کند، چه به صراحت ذکر شده باشد و چه اطلاق منصرف به آن باشد، باید به همان نحو عمل کند، مگر در صورت یقین به فساد عمل.

[۴۸] آیه الله زنجانی: در مورد محرمات احرام، نایب باید فتوای مرجع تقلید خودش را رعایت کند و در مورد مناسک و اعمال حج چنانچه به فتوای مقلد نایب نتواند بدون احرام از میقات بگذرد باید در احرام و اعمال حج، فتوای مرجع تقلید خود را رعایت کند تا به شکل صحیح، محرم شده و از آن بیرون آید و کسی که برای حج یا عمره واجب خودش، کسی را اجیر می کند یا برای آن وصیت می نماید باید رعایت فتوای مقلد خود را در اعمال حج بر نایب شرط نماید و بر ولی میت که برای حج واجب میت، نایب می گیرد و همچنین بر وصی که برای حج وصیت شده - مستحب یا واجب - نایب می گیرد، واجب است که علاوه بر رعایت تقلید منوب عنه در اعمال حج، رعایت فتوای مقلد خودش را نیز بر نایب شرط کنند و به دنبال آن نایب باید تقلید شرط شده را نیز رعایت کند و اگر مستطیع یا ولی یا وصی او در نایب گرفتن چنین قیدی ننمایند، نایب باید در اعمال حج فتوای مقلد منوب عنه و همچنین مقلد ولی یا وصی را نیز رعایت نماید.

[۴۹] آیه الله بهجت: به مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط مراعات تقلید منوب عنه را بنماید.

آیه الله خویی: اگر اجیر بتواند اعمال را به نحوی انجام دهد که بداند مطابق تقلید منوب عنه واقع می شود، و در صورتی که عمل طبق فتوای مقلد منوب عنه به نظر نایب باطل باشد، باید عمل به احتیاط کند.

آیه الله زنجانی: به تفصیلی که در پاسخ سؤال قبل گذشت مستأجر باید رعایت فتوای مقلد خود و منوب عنه را شرط کند مگر بداند که نایب رعایت می کند و نایب نیز باید سؤال کند که منوب عنه و نایب گیرنده، مقلد چه کسی هستند، مگر آنکه بخواهد احتیاط کند.

آیه الله سبحانی: فحص از تقلید منوب عنه لازم نیست.

[۵۰]. آیه الله خویی: به حاشیه مسأله ۱۴۶ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: اگر پسر وصیت پدر را قبل از استطاعت خود پذیرفته باشد حج نیابی مقدم است و در غیر این صورت باید حج خود را مقدم دارد و چنانچه حج پدر مقید به همان سال است کسی را برای او نائب بگیرد.

[۵۱]. آیه الله خامنه ای: مگر اینکه استطاعت طریقی (باز بودن راه) برای فرزند جز به لحاظ نیابت از پدر حاصل نشود.

آیه الله زنجانی: اگر قبل از استطاعت، وصیت را قبول کرده باشید حج نیابی مقدم است، والا در صورتی که بتوانید بدون حج و آبروریزی با فروش سهم الارث، مخارج حج را تأمین کنید مستطیع می باشید و باید حج خودتان را به جا آورید.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه وصیت شده باشد که حج را همان سال استطاعت انجام دهید، در این صورت اگر مطمئن باشید که سال بعد می توانید حج خود را انجام دهید به وصیت عمل کنید و گرنه در آن سال حج خود را انجام دهید و حج از جانب پدر را سال بعد انجام دهید.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری: اگر حج واجب برعهده پدر بوده، در همان سال نایب بگیرید تا تأخیر در انجام وصیت نشود.

آیه الله مکارم: اگر میت شرط مباشرت کرده نمی تواند نایب بگیرد.

[۵۲]. آیه الله اردبیلی: نایب موظف است عمل را وقتی به جا آورد که منوب عنه وقت برای به جا آوردن اعمال مترتب بر طواف را داشته باشد، ولی چنانچه پس از احرام حج متوجه شد که طواف عمره تمتع را فراموش کرده یا به جهت فراموشی یا غفلت طوافش باطل شده، باید پس از بازگشت از منی و پیش از طواف حج، خودش و در صورت عدم تمکن نایبش آن را به جا آورد و اگر پس از پایان ذیالحجه فهمید که طواف زیارت را به جا نیاورده، باید خودش و در صورت عدم تمکن نایبش در هر زمان که توانست آن را به جا آورد و اگر قبل از پایان ذیالحجه بفهمد که طواف حج را به جا نیاورده، باید تا پیش از پایان ذیالحجه طواف حج را خودش و در صورت عدم تمکن نایبش به جا آورد.

آیه الله بهجت: در حکم، با منوب عنه مشترک است. □

□ آیه الله زنجانی: نایب باید مطابق وظیفه منوب عنه عمل نماید پس اگر در طواف عمره تمتع نایب شده باشد باید طواف را در زمانی انجام دهد که منوب عنه بتواند بقیه اعمال را انجام داده عرفات را در قبل از غروب روز نهم درک کند و اگر بعد از احرام حج، نایب گرفته نایب باید قبل از طواف حج، طواف عمره را به جا آورد و اگر ذی حجه گذشته، هر وقت به جا آورد کافی است و اگر در طواف حج نایب شده باید وقتی انجام دهد که منوب عنه بتواند - ولو بالاستنابه - سعی و طواف نساء را در ذی حجه به جا آورد و اگر ذی حجه گذشته هر وقت به جا آورد کافی است.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: باید عمل را در وقتی انجام دهد که بر منوبعنه تأخیر از آن جایز نیست. پس اگر نایب در طواف عمره تمتع باشد، باید در وقتی انجام دهد که منوبعنه بتواند بقیه اعمال را قبل از فوت وقوف در عرفات انجام دهد و اگر طواف حج باشد تأخیر آن از ذی حجه جایز نیست، ولی اگر ماه ذی حجه تمام شد، در هر زمان کافی است و اگر منوب عنه طواف را فراموش کرده و به وطن بازگشته است، نایب در هر زمان می تواند آن را انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف عمره تمتع را در اشهر حج و طواف حج را در ذی حجه، روز عید و بعد از آن، باید به جا آورد مگر اینکه منوبعنه طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم متذکر شود که در این صورت خود او و در فرض عدم تمکن، نایب او می تواند طواف را در غیر اشهر حج به جا آورد.

آیه الله مکارم: طواف حج تمتع را باید تا آخر ذی حجه به جا آورد و طواف عمره تمتع را باید در اشهر حج، قبل از عرفات به جا آورد.

[۵۳]. آیه الله بهجت: مگر در صورتی که از غیر جهت مال، استطاعت نداشته باشد؛ بهطوری که مباشرت مقدور او نباشد و تفصیل صور آن در مسأله ۵۲ گذشت.

[۵۴]. آیه الله سیستانی: مرض و مانند آن.

[۵۵]. آیه الله تبریزی: یا عذر دیگری داشته باشد و اطمینان به زوال عذر و مرض نداشته باشد.

آیه الله خویی: یا عذر دیگری داشته باشد و عذر و مرض تا آخر عمر باقی بماند.

آیه الله فاضل: یا عذر دیگری داشته باشد و عذر و مرض تا آخر عمر باقی بماند؛ مثل اینکه محکوم به حبس ابد باشد.

[۵۶]. آیه الله اردبیلی: و یا به هر جهت دیگری مأیوس از رفتن به حج باشد.

آیه الله خامنه ای: که در این صورت اگر به فرزند نیابت دهد مجزی خواهد بود. (مناسک حج، ص ۲۹، شرایط منوبعنه، ۲)

آیه الله زنجانی: و همچنین است اگر عذر دیگر مستمری غیر از پیری و مرض داشته باشد. و در هر حال عمل نایب در حج واجب از حی، باید با اذن منوبعنه باشد.

[۵۷]. آیه الله بهجت: مانع ندارد و احتیاط در حج از نفس (خود) و اهدای ثواب برای آن حضرت است. (مناسک، ص ۱۵۸، مسائل متفرقه، س ۱).

آیه الله سبحانی: به امید مطلوبیت.

آیه الله مکارم: به امید مطلوبیت اشکال ندارد.

[۵۸]. آیه الله تبریزی: در فرض مزبور، وصی برای خود حج به جا آورد و برای حجّ بلدی میت نایب بگیرد.

آیه الله خویی: رجوع شود به مسأله ۱۴۶

آیه الله گلپایگانی: با فرض استطاعت در میقات، نیابت صحیح نیست.

آیه الله مکارم: اگر از نامنویسی آن زن استفاده کند، باید برای او حج نماید.

[۵۹]. آیه الله زنجانی: ولی اگر بدون تعهد الزامی برای حج نیابی، استطاعت طریقی پیدا کند - ولو با جلب رضایت ورثه - باید برای خودش حج به جا آورد و حج نیابی او صحیح است.

[۶۰]. آیه الله تبریزی: نایب باید نیت کند که برای حج نیابتی که انجام می دهد قربانی می کند و ذابح لازم نیست که نیت کند هر چند احوط و اولی این است که نیت کند آنچه را که برعهده نایب است انجام می دهد.

آیه الله زنجانی: نایب باید نیت کند که برای حج نیابی که انجام می دهد قربانی می کند و ذابح لازم نیست نیت کند مگر آنکه در امر قربانی، نایب شده و این کار بهطور کامل به او واگذار شده باشد.

[۶۱]. آیه الله بهجت: بنابر احتیاط نمی تواند قبول کند.

آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی: نیابت او محل اشکال است.

آیه الله خویی: بنابر احتیاط نیابت او مجزی نیست. (در خصوص طواف نساء فتوای ایشان در دست نیست) .

آیه الله زنجانی: اگر حج یا عمره واجب باشد صحیح نیست و اگر مستحب باشد صحیح است.

آیه الله سیستانی: در عملی مانند طواف نساء، که صحت حج بر آن متوقف نیست، اگر از ابتدا هم عذر او معلوم باشد نیابت صحیح است.

آیه الله فاضل: معذور نباید نیابت کند و شرط اجازه در استنابه صحیح نیست مگر در قربانی که آن هم نیاز به شرط ندارد و اگر شرط کنند استیجار صحیح است لیکن شرط قابل عمل نیست.

[۶۲]. آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۱۱۴ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: فردی که قبل از شروع عمل احتمال جدی می دهد که حش به افراد تبدیل می شود نباید برای حج تمتع اجیر شود و اگر اجیر شد از حج منوب عنه کفایت نمی کند مگر اینکه از اول احتمال جدی نمی داد که چنین عذری پیش آید وبدون اهمال کاری وفرصت سوزی وقت او مضیق گردد وناچار به آوردن حج افراد شود، چنین حجتی کافی وصحیح است.

[۶۳]. آیه الله اردبیلی: اگر از ابتدا اطمینان دارد که باید عدول به حج افراد کند، نمی تواند نایب شود ولی چنانچه نایب شد و عذری پیش نیامد و حج تمتع به جا آورد، صحیح است.

آیه الله بهجت: نظر ایشان ذیل مسأله بعد (۱۵۹) خواهد آمد.

آیه الله تبریزی: می تواند نیابت کند اگر وقت وسعت داشته باشد و احتمال عذر طاری بدهد و چنانچه عذر طاری شد حج او

کفایت از منوبعنه می کند.

آیه الله خامنه ای: اجیر کردن کسی که وظیفه او به سبب کمی وقت عدول به حج افراد است، صحیح نیست. اما اگر نایب را در وسعت وقت اجیر کنند و سپس اتفاقاً وقت بر او تنگ شود، واجب است که به حج افراد عدول کند و عمل او از حج تمتع منوبعنه کفایت می نماید و مستحق دریافت اجرت نیز هست. (مناسک حج، م ۵۳)

آیه الله خویی: هرگاه شخصی را برای حج تمتع اجیر نماید و وقت هم زیاد باشد و اتفاقاً (یعنی پس از احرام عمره تمتع) وقت برای حج تمتع تنگ شد و اجیر عدول به حج افراد کرد ذمه منوبعنه بریء می شود. (مناسک، مسأله ۱۲۵).

آیه الله سیستانی: اگر از ابتدا علم یا اطمینان به عروض عذر ندارد نیابت و حج صحیح است هر چند بعداً عذر عارض شود و حج او بدل به افراد شود. (ملحق مناسک، س ۳۵).

آیه الله صافی: اگر وضع بهطوری است که نایب عندالعرف استطاعت حج تمتع را دارد، از حج منوبعنه مجزی است والا در صورت عدول، مجزی از منوبعنه نیست.

آیه الله فاضل: اگر از ابتدا علم یا اطمینان به عروض عذر نداشته باشد نیابت و حج صحیح است هر چند بعداً به واسطه عذر یا تنگی وقت که اتفاقاً عارض شده، حج او بدل به افراد می شود و در این صورت ذمه منوبعنه بریء می شود.

آیه الله گلپایگانی: در عذر طاری، اجزاء بعید نیست. (آراء المراجع، ص ۳۹).

آیه الله مکارم: مگر اینکه از عذرهایی باشد که در حج احیاناً پیش می آید. که در این فرض اکتفا به آن، بی اشکال است.

آیه الله نوری: در این صورت نمی تواند نیابت کند.

[\[۶۴\]](#) آیه الله اردبیلی: اجزاء خالی از قوت نیست.

آیه الله بهجت: اتمام عمل طبق وظیفه عذری نایب کفایت می کند و مضرّ به صحت نیابت نیست (مناسک، س ۲۵).

آیه الله تبریزی: در عذر طاری نیابت معذور صحیح است و حج او از منوبعنه کافی است و در اجرت با مستأجر خود تراضی کند.

آیه الله خامنه ای: نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، لیکن بعد از عقد اجاره، در موقع عمل یا قبل از محرم شدن، جزو معذورین شده، اگر عذر او منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود نیابت او صحیح است؛ مثل اینکه در ارتکاب بعضی از تروک معذور شود ولی اگر عذر منجر به نقص در اعمال حج شود در این صورت بطلان اجاره بعید نیست و احوط مصالحه بین نایب و منوبعنه در اجرت و اعاده عمره و حج برای منوبعنه می باشد. (مناسک حج، م ۵۸).

آیه الله خویی: حکم آن در مسأله ۱۰۷ گذشت.

آیه الله سبحانی: در عذر طاری هرگاه به وظیفه معذور عمل کند حج او صحیح است.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: در عذر طاری اشکال ندارد.

آیه الله صافی: اگر قبل از احرام، معذور از انجام حج به نحوی که برای آن اجیر شده است گردیده، مستحقّ اجرت نیست اگر چه در بعض صور، حجّ او کفایت از منوبعه می کند.

[۶۵]. آیه الله اردبیلی: بلکه صحت آن خالی از قوت نیست و مستحقّ اجرت است.

آیه الله بهجت: مسأله نیابت، در سؤال ۱۵۹ گذشت و مسأله اجرت در صورت صحّت نیابت و اجزاء مستحق، تمام اجرت است، اگر شرطی بر خلاف نباشد نظیر مسأله ۱۲۰ که گذشت.

آیه الله تبریزی: در عذر طاری، نیابت معذور صحیح است و حج او از منوب عنه کافی است و در اجرت با مستأجر خود تراضی کند.

آیه الله خویی: به حاشیه مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: استحقاق اجرت، وابسته به کیفیت قرارداد است و برای حکم صحت و کفایت عمل نایب به حاشیه شرط هفتم مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: در عذر طاری نیابت معذور صحیح است و مستحقّ تمام اجرت است مگر اینکه اجاره بر اعمال باشد، در این صورت بنابر احتیاط باید در مورد اجرت مصالحه کنند.

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: عذر طاری اشکال ندارد.

آیه الله نوری: اگر عذر او موجب نقص بعض از اعمال شود، اشکال دارد.

[۶۶]. آیه الله اردبیلی: اگر قبل از اجیر شدن می دانسته اند که نمی توانند وقوف اختیاری مشعر را درک کنند، نیابت آنها صحیح نیست، هر چند جاهل به مسأله بوده باشند.

آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۹۸۴ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: چنانچه شب در مشعر وقوف کرده اند و از روی جهل به مسأله قبل از طلوع فجر، از آنجا کوچ کرده اند و در وقت دانستن مسأله امکان برگشت به مشعر و درک وقوف نبود، حج آنها صحیح است و باید یک گوسفند کفاره بدهند و اگر در حج اجیر بوده اند، در اجرت با مستأجر خود تراضی کنند و همچنین سایر معذورینی که در اثنای عمل عذر پیدا کرده اند و از اول نمی دانسته اند، اگر به وظیفه معذور عمل کنند حج نیابی آنها صحیح است ولی احتیاطاً در اجرت با مستأجر خود تراضی کنند.

آیه الله خویی، آیه الله صافی: به حاشیه مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر عذر آنها طاری بوده، نیابت صحیح است و کفایت می کند.

آیه الله سیستانی: اگر معذورند، هر چند از ابتدا معلوم باشد، چون درک وقوف رکنی می کنند کافی است و نیابت صحیح است، بلکه حتی اگر غیر معذور هم به آن اکتفا کند حجت صحیح است، ولی در صورت علم کفاره دارد.

آیه الله گلپایگانی: اگر عذر آنان طاری نبوده صحت حج و کفایت آن از منوبعنه محل اشکال است.

آیه الله مکارم: صحیح است.

[۶۷] آیه الله فاضل: احتیاطاً از ادنی الحل تجدید نماید و عمره مفرده انجام دهد.

[۶۸] آیه الله زنجانی: در مورد سؤال اگر عمره و حج واجب نباشد نیابت بانوان و همراهان آنها و مسؤولین تدارکات حجاج، مانند مدیر کاروان و پزشک حج و آشپز کاروان و شخص بدهکار و خائف، صحیح و مجزی است و همچنین نیابت کسانی که در هنگام احرام اطمینان داشته اند که معذور نخواهند شد و هنگام عمل، عذر برایشان پیش آمده است و به طور کلی نیابت معذورین در حج و عمره مستحب، صحیح و مجزی است.

[۶۹] آیه الله بهجت: با علم و اطلاع از معذور بودن، قبول نیابت خلاف احتیاط است.

آیه الله خویی، آیه الله صافی: به حاشیه مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: در اعمالی که ترک عمدی آنها موجب بطلان حج است را انجام دهد.

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۴۳، مسأله ۱۶).

[۷۰]. آیه الله اردبیلی: مگر آنکه عذر پس از قبول نیابت حاصل شود.

آیه الله تبریزی: نیابت او اشکال دارد.

آیه الله زنجانی: و در حج و عمره واجب نمی تواند نایب شود ولی مباشرت در ذبح...

آیه الله سیستانی: اگر از انجام عمل اختیاری در حج معذور باشد، هر چند مانند قرائت نماز طواف یا تلبیه باشد، بنابر احتیاط واجب، نیابت او مجزی از منوب عنه نیست، ولی اگر از انجام اعمالی که در صحت حج دخالت ندارند، مانند طواف نساء یا بیتوته یا رمی روز ۱۱ و ۱۲، معذور است نیابت صحیح است و همچنین اگر در وقوف، در بیش از مقدار رکن معذور باشد نیابت صحیح است.

آیه الله مکارم: عذرهایی که در حج پیش می آید مانع صحت نیست.

[۷۱]. آیه الله زنجانی: در عمره و حج واجب نمی تواند نایب شود و اگر معذور نیست...

آیه الله سبحانی: به احتیاط واجب نیابتش صحیح نیست مگر اینکه قبل از عمل، قرائت خود را تصحیح کند و اگر گمان می کرد می تواند تصحیح کند ولی موفق نشد و لو با تلاش زیاد، علاوه بر نماز خود، استنابه نیز بنماید هر چند نباید از اول نائب می شد ولی مستحق اجر المثل است.

[۷۲]. آیه الله اردبیلی: نیابتش صحیح و مجزی نیست ولی بطلان احرام محل اشکال است و بنابر احتیاط واجب باید اعمال را تمام کند.

آیه الله بهجت: اگر احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً به جا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد، نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی توانسته نایب شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: نیابت او اشکال دارد.

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب نیابتش مجزی نیست ولی احرامش صحیح است و باید عمل را تمام کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت او محل اشکال است، و بنابر احتیاط به قصد منوب عنه محرم به احرام حج شود و اعمال را به جا آورد و نسبت به اجرت مصالحه نمایند و بنابر احتیاط واجب، حج دیگری برای منوب عنه استیجار نمایند. (آداب و احکام حج، م ۲۵۳).

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

[۷۳] آیه الله فاضل: گرچه به تلقین شخص دیگری باشد که آن بخواند و نایب هم با او بخواند.

[۷۴] آیه الله اردبیلی: اگر نایب نمی دانسته که نیابت او باطل است، باید اجرة المثل را به او بدهند، مگر اینکه بیشتر از اجرة المسمی باشد که در این صورت اجرة المسمی کافی است.

آیه الله بهجت، آیه الله صافی: به ذیل مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: در فرض مزبور استحقاق اجرت را دارد ولی اکتفا به عمل او مشکل است.

آیه الله خویی: اجیر می تواند اجرة المثل عملش را از کسی که او را اجیر کرده بگیرد، مگر اینکه بیشتر از اجرة المسمی باشد. (المسائل الشرعیة، ج ۱، ص ۳۱۰).

آیه الله سیستانی: اجاره در فرض مذکور صحیح است و اجیر مستحق تمام اجرت است و حکم اکتفا به حج او، در مسأله ۱۰۷ گذشت.

آیه الله گلپایگانی: احوط استرضا از مستأجر است یا اجرت را مسترد دارد و بنابر احتیاط کفایت نمی کند. (مناسک عربی، ص ۵۰، مسأله ۹).

آیه الله مکارم: اگر نایب نمی دانسته و مستنیب می دانسته، باید اجرة المثل او را بپردازد.

[۷۵] آیه الله زنجانی: با تفصیلی که در ذیل مسأله ۱۰۷ گذشت نیابت معذور در حج و عمره واجب صحیح نیست و از

حجة الاسلام و غير آن كفايت نمى كند و در مورد اجرت در صورتى كه نايب، جاهل به مسأله باشد و مستنيب با علم به مسأله او را اجير كند نايب پس از انجام عمل، مستحق اقل الامرین از اجرت المثل عمل و اجرت تعيين شده مى باشد.

حج استحبابی

[۱۶۵] م - مستحب است کسی که شرایط وجوب حج را ندارد؛ از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، در صورت امکان حج به جا آورد و همچنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود و مستحب است تکرار حج در هر سال. بلکه مکروه است پنج سال متوالی آن را ترک کنند و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیت برگشتن نماید و مکروه است قصد برگشتن داشته باشد. [۱]

[۱۶۶] م - مستحب است از طرف خویشاوندان یا غیر آنها حج به جا آورد تبرعاً؛ چه زنده باشند یا مرده و همچنین از طرف معصومین و نیز طواف از طرف آنها و غیر آنها مستحب است به شرط آنکه در مکه نباشند [۲] یا معذور [۳] باشند.

[۱۶۷] م - کسی که زاد و راحله ندارد مستحب است قرض کند و به حج برود، در صورتی که می تواند قرض را ادا کند. [۴]

[۱۶۸] م - با مال حرام جایز نیست به حج برود و اگر مال او مشتبّه است و علم به حرمت آن ندارد، می تواند آن را صرف کند. [۵]

[۱۶۹] م - بعد از فارغ شدن از حج استحبابی می تواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند، همچنان که در وقت شروع می تواند آن را نیت کند.

[۱۷۰] م - کسی که مال ندارد تا با آن حج به جا آورد مستحب است ولو با اجازه دادن خودش و نیابت از دیگری به حج برود.

[۱]. آیه الله زنجانی: البته اگر استطاعت نداشتن شخص به جهت آن باشد که حج، مستلزم امر حرامی چون ضرر شدید یا هتک حیثیت یا سلب امنیت است انجام حج، مستحب نیست.

آیه الله مکارم: ولی اگر انجام حج های مستحبی پیدرپی سبب محرومیت انجام دهندگان حج واجب شود، بهتر است مجال را به آنها بدهند.

[۲]. آیه الله زنجانی: به شرط آنکه در مکه و اطراف آن تا فاصله ده میلی (حدود ۱۸ کیلومتری) مکه نباشند و چون بر حسب روایات معتبر، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ساله در موسم حج حضور دارند، انجام طواف مستحبی به نیابت از آن حضرت در موسم حج، خالی از اشکال نیست و به جای آن بسیار مناسب است که طواف مستحبی، انجام داده، ثواب آن را به محضر مبارک حضرت، تقدیم نمایند.

[۳]. آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: استحباب و مشروعیت طواف مستحبی برای حاضر در مکه، هر چند معذور باشند، ثابت نشده است.

[۴]. آیه الله خامنه ای: کسی که هزینه رفتن به حج را در اختیار ندارد، اما می تواند قرض بگیرد و سپس به سادگی قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر او واجب می شود. (مناسک حج، م ۱۳)

[۵]. آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: به شرط آنکه از نظر ظاهر محکوم به حلال بودن باشد.

اقسام عمره

[۱۷۱] م - عمره هم مانند حج دو قسم است: «واجب» و «مستحب» و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می شود و موجب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست بلکه [۱] اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می شود [۲]، هر چند برای حج مستطیع نباشد همچنانکه عکس این هم همینطور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد باید حج به جا آورد لیکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند؛ مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است، هیچگاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست؛ چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است، به خلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می شود. [۳]

[۱۷۲] م - واجب است بر کسی که می خواهد داخل مکه شود [۴] با احرام وارد شود [۵] و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می شوند و از آن خارج می شوند استثنا شده است. [۶]

[۱۷۳] م - تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده اند [۷] و احوط آن است که در کمتر از یک ماه، به قصد رجاء به جا آورده شود. [۸]

[۱]. آیه الله زنجانی: و اگر از اهالی مکه یا حوالی آن باشد استطاعت حج معتبر نیست بلکه...

[۲]. آیه الله سبحانی: برای نائی همیشه مستحب است.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب برای کسانی که اهل مکه هستند یا دور از آن.

[۳]. آیه الله سیستانی: ولی اگر وظیفه آنها بدل به حج افراد شد واجب است در صورت تمکن، بعد از آن عمره مفرده انجام دهند و اگر در آن سال نشد در سال بعد وجوب آن فوری است.

آیه الله نوری: استطاعت حج با استطاعت عمره انفکاک دارد، مخصوصاً در زمان ما که مسأله ثبتنام و رسیدن نوبت برای هر یک با آن یکی فرق می کند، بالاخره عمره مفرده واجب نیست.

[۴]. آیه الله اردبیلی: بلکه بنابر احتیاط واجب برای ورود به حرم نیز باید محرم شود.

آیه الله سیستانی: ورود به مکه بلکه در حرم بدون احرام جایز نیست. (مناسک، مسأله ۱۴۱).

[۵]. آیه الله زنجانی: ورود به مکه یا حرم بدون احرام جایز نیست و کسی که قصد ورود مکه یا حرم را دارد نباید بدون احرام از مواقیت یا نزدیکی آنها عبور کند و برای احرام...

[۶]. آیه الله اردبیلی: و همچنین کسانی که پس از اعمال عمره تمتع یا مفرده از مکه خارج شده و در همان ماه که اعمال در آن انجام داده اند، به مکه باز گردند.

آیه الله بهجت: و همچنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمره مفرده از مکه خارج شده و بیرون رفته باشد چنین شخصی می تواند در همان ماه خروج بدون گذشتن سی روز بدون احرام وارد مکه شود و در غیر این صورت حکم آن در مسأله ۲۴۱ می آید. (مناسک شیخ، ص ۹۰).

آیه الله خامنه ای: همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شده اند و می خواهند در همان ماه ادای حج یا عمره، دوباره وارد مکه شوند، احرام و عمره مجدد واجب نیست. (مناسک حج، م ۶۹).

آیات عظام سبحانی، سیستانی، فاضل: و همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شوند و در همان ماه باز گردند.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: همچنین در مورد کسانی که در همان ماه که عمره را به جا آورده اند خارج شده و سپس در همان ماه داخل می شوند احرام و عمره مجدد واجب نیست.

[۷]. آیه الله زنجانی: رعایت فاصله بین دو عمره لازم نیست، ولو هر دو برای یک نفر باشد، ولی انجام عمره مفرده در ایام تشریق (۱۱ تا ۱۳ ذی حجه) مشروع نیست و نباید بین عمره و حج تمتع، عمره مفرده به جا آورد و اگر انجام دهد هر چند صحت آن عمره مفرده خالی از اشکال نیست ولی عمره تمتع را باطل می کند و لذا اگر انجام داده باید از حرم خارج گردد (هر چند نباید از مکه خارج شود لذا می تواند به تنعیم برود) و رجاء به عمره تمتع محرم شده، اعمال آن را رجاء به جا آورد و کفایت می کند.

[۸]. آیه الله اردبیلی: فاصله یک ماه معتبر نیست بلکه در یک ماه قمری برای یک نفر نباید بیش از یک عمره مفرد انجام شود؛ بنابراین اگر دو عمره مفرد در دو ماه قمری انجام شود هرچند یکی در پایان ماه اول و دیگری در اول ماه دوم باشد اشکال ندارد. و همچنین تکرار عمره مفرد به نیابت از اشخاص متعدد در یک ماه قمری جایز است. انجام عمره تمتع و عمره مفرد در یک ماه قمری اشکال ندارد ولی نباید در فاصله میان عمره تمتع و حج تمتع، عمره مفرد به جا آورده شود.

آیه الله بهجت: فاصله بین دو عمره لازم نیست بنابر اظهر، اگر چه افضل در عمره ثانیه این است که در ماه دیگری غیر از ماه عمره سابقه باشد و یا فاصله ده روز بین دو احرام باشد، بلکه احداث فصلین احوط است و چنانچه بخواهد یک عمره برای خود و یک عمره برای دیگری به جا آورد، فاصله یک ماه لازم نیست و همچنین است اگر هر دو عمره برای دیگری باشد، همچنان که فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرد و بالعکس لازم نیست. (مناسک، مسأله ۱۳۴). □

□ آیه الله تبریزی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرد، اگر به نیت یک شخص باشد احتیاط ترک نشود.

آیه الله خامنه ای: تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است، و بین دو عمره وجود فاصله معین شرط نیست. ولی بنابر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می تواند به جا آورد. و اگر دو عمره برای افراد دیگر انجام دهد یا یک عمره برای خود و یک عمره هم برای دیگری به جا آورد، فاصله مذکور شرط نیست. بنابراین اگر عمره دوم را به نیابت از دیگری انجام دهد، جایز است نایب در برابر آن اجرت بگیرد و از عمره مفرد منوب عنه هر چند واجب باشد، کفایت می کند. (مناسک حج، م ۷۰)

آیات عظام خویی، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم: (با اختلاف در تعبیر): فاصله یک ماه شرط نیست، بلکه در هر ماه قمری می توان یک عمره انجام داد؛ مثلاً یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوم در اول ماه شعبان واقع گردد. و تفصیل مسأله خواهد آمد.

آیه الله زنجانی: همچنین در مورد مریضی که احرام و انجام مناسک برای او مشقت دارد و نیز کسانی که قبلاً حج یا عمره به جا آورده اند و از احرام قبلی آنها سی روز نگذشته است.

آیه الله سبحانی: فاصله میان دو عمره به صورت یک ماه و یا ده روز مستحب است و شخص می تواند بدون رعایت این فاصله برای خود و یا دیگران کراراً عمره مفرد انجام دهد.

آیه الله گلپایگانی: فاصله انداختن بین دو عمره مفرد لازم نیست، بلکه می توان در یک روز چندین عمره مفرد به جا آورد.

آیه الله نوری: می تواند هر روز یک عمره به جا آورد.

فاصله بین عمره تمتع با عمره مفرد:

اما در فاصله بین عمره تمتع با عمره مفرد، نظریه آیات عظام چنین است:

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، فاضل: کسی که می خواهد حج تمتع به جا آورد، می تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از حج تمتع، عمره مفرد به جا آورد و بین این دو عمره فاصله معتبر نیست.

آیه الله سیستانی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرد اشکال است و احتیاط نباید ترک شود و اما انجام عمره مفرد بین عمره تمتع و حج، موجب بطلان عمره تمتع می شود.

آیه الله گلپایگانی: انجام دو عمره پیدری، با فاصله کمتر از ده روز مکروه است و احوط ترک آن است، اگر چه اقوی جواز عمل عبادی مکروه است. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۰۰۳).



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

اقسام حج

حج سه قسم است: «تمتع»، «قران» و «إفراد».

تمتع، وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل - که [۱] شانزده فرسخ است^[۲] - از مکه دور باشند. [۳]
قران و إفراد بر غیر آنها واجب می شود و این تفصیل در حجة الاسلام است.

[۱]. آیه الله سبحانی: محل زندگی آنها از مکه حداقل ۱۶ فرسنگ شرعی دور باشد، یعنی ۴۰۰ / ۸۶ کیلومتر.

آیه الله مکارم: یا بیشتر.

[۲]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: از مسجدالحرام ۱۶ فرسخ دور باشد.

آیه الله زنجانی: که بیشتر از ۴۸ میل است و این مقدار - برخلاف مشهور - حدود ۸۰ کیلومتر است.

آیه الله مکارم: یعنی حدود ۸۶ کیلومتر.

[۳]. آیه الله اردبیلی: بلکه وظیفه کسانی است که ۱۶ فرسخ از مسجدالحرام دور باشند.

صورت حج افراد و عمره مفرده

[۱۷۴] م - صورت حج افراد، که گاهی مورد ابتلاي متمتع مي شود، از اين قرار است که: زن حايض^[۱] يا کسي که به واسطه ضيق وقت نمي تواند عمره تمتع را به جا آورد، بايد قصد کند حج افراد را، و به همان احرام عمره تمتع، که عدول به افراد کرده، برود به عرفات و مثل ساير حجاج وقوف کند، بعد از آن برود به مشعر و وقوف کند، بعد برود به مني و اعمال مني را به جا آورد مگر هدي را که واجب نيست بر او. بعد برود به مکه و طواف زیارت و نماز و سعي و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد. پس در اين وقت از احرام خارج مي شود، بعد از آن برگردد به مني براي بيتوته و اعمال ایام تشریق؛ به همان نحو که ساير حجاج به جا مي آورند. پس صورت حج افراد عين صورت حج تمتع است با یک^[۲] فرق که در حج تمتع هدي بايد ذبح کند و در حج افراد واجب نيست ولي استحباب دارد.

[۱۷۵] م - صورت عمره مفرده - که بايد کسي که حج تمتع او بدل به حج افراد شد، بعد از حج به جا آورد^[۳] - آن است که خارج شود به ادني الحل و افضل آن است که از «جعرانه» يا «حديبيه» يا «تنعيم» که از همه نزديک تر به مکه است، محرم شود و بيايد به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سعي بين صفا و مروه بکند و تقصير کند يا سر بتراشد و طواف نساء به جا آورد و نماز طواف بخواند.

[۱۷۶] م - «عمره مفرده» با «عمره تمتع» که تفصيلاً خواهد آمد، در صورت فرق ندارد، مگر در سه چيز^[۴]:

اول - آنکه در عمره تمتع بايد تقصير کند؛ يعني از مو يا ناخن خود بايد بگيرد و سر تراشيدن^[۵] جايز نيست و در عمره مفرده مخير^[۶] است بين سر تراشيدن و تقصير.

دوم - آنکه در عمره تمتع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد.^[۷]

سوم - آنکه ميقات عمره تمتع يکي از مواقيت پنجگانه است که ذکر آن مي آيد.

و ميقات عمره مفرده ادني الحل است^[۸] و جايز است از يکي از مواقيت پنجگانه محرم شود.^[۹]

[۱۷۷] م - کيفيت افعال حج افراد؛ از احرام و وقوفين و اعمال مني و اعمال مکه، عين کيفيت حج تمتع است و در احکام، مشترک هستند^[۱۰] و کيفيت افعال عمره تمتع؛ از احرام و طواف و ساير اعمال، عين کيفيت عمره مفرده است.

[۱۷۸] م - عمره تمتع را اگر کسي به جا بياورد، کافي است از عمره مفرده.

[۱۷۹] م - کسي کهظيفه اش حج تمتع است؛ مثل اشخاصي که از مکه شانزده فرسنگ شرعي دور باشند، اگر استطاعت براي عمره داشته باشند و براي حج نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب نيست مثل اشخاصي که به نيابت حج مي کنند، گرچه احتياط آن است که به جا آورد.^[۱۱]

[۱۸۰] م - کسي که محرم شد به احرام عمره مفرده، حرام مي شود بر او جميع چيزهايي که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آنکه تقصير کرد يا سر تراشيد، همه چيز بر او حلال مي شود مگر زن ها و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش به جا آورد، زن هم بر او حلال مي شود.

۱۸۱ م - طواف نساء را در عمره مفرده، باید بعد از تقصیر یا سر تراشی به جا آورد. [۱۲]

۱۸۲ م - کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شد، اگر احرامش در ماه های حج بوده [۱۳]، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد [۱۴] و دنبال آن، حج تمتع به جا آورد و در این صورت هدی بر او واجب می شود. [۱۵]

[۱] آیه الله زنجانی: زنی که هنگام احرام بستن می داند که بر اثر حیض یا نفاس نمی تواند اعمال عمره تمتع را انجام داده، احرام حج افراد ببندد و خود را قبل از غروب روز نهم به عرفات برساند و همچنین زنی که به حکم استصحاب بقاء حیض، قدرت چنین کاری را ندارد، به حج افراد محرم می گردد، پس چنانچه قبل از گذشتن وقت، پاک شد عدول به عمره تمتع می کند و اگر پاک نشد حج افراد و عمره مفرده به جا می آورد و مجزی از حجة الاسلام اوست. و زنی که فکر می کند که حیض یا نفاس، مانع انجام عمره تمتع او خواهد شد و همچنین اگر پاک باشد و شک داشته باشد که بروز حیض یا نفاس، مانع عمره تمتع خواهد شد یا خیر، در این دو صورت به عمره تمتع محرم می شود و چنانچه حیض یا نفاس عارض شد می تواند تا آخر وقت صبر کند که اگر پاک شد اعمال عمره تمتع را به جا آورد والا سعی و تقصیر کرده، احرام حج تمتع ببندد و طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج قضا کند و می تواند برای پاک شدن صبر نکند بلکه طواف را رها کرده سعی و تقصیر نماید، پس اگر قبل از احرام حج، پاک شد صبر نکند بلکه طواف را رها کرده سعی و تقصیر نماید، پس اگر قبل از احرام حج، پاک شد طواف و نماز را به جا می آورد والا آنها را قبل از طواف حج قضا می کند، و این حج نیز مجزی از حجة الاسلام است؛ و در هر صورت می تواند به نیت آنچه فعلاً خداوند از او می خواهد - عمره تمتع یا حج افراد - محرم شود پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره و حج تمتع را به جا می آورد والا اعمال حج افراد و پس از آن و گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده را به جا می آورد و مجزی از حجة الاسلام است.

[۲] آیه الله اردبیلی: فرق های دیگری هم دارند که در کتب مفصل آمده است.

آیه الله سبحانی: و در تقدیم اختیاری اعمال مکوه استعمال بوی خوش بعد از تقصیر یا حلق و حلیت همسر در صورتی که طواف نساء را ضرورتاً مقدم داشته بعد از حلق یا تقصیر در روز عید در منا و انجام طواف مستحب قبل از انجام طواف واجب حج در حج افراد.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: حج افراد با حج تمتع در تمام اعمال مشترک هستند و در ۶ جهت با هم فرق دارند (تفصیل آن در مسأله ۱۵۸ مناسک آیه الله تبریزی و مسأله ۱۵۰ مناسک آیه الله سیستانی بیان شده است).

[۳] آیه الله زنجانی: باید بعد از حج و گذشتن روز سیزدهم به جا آورد، هر چند حج تمتع او استحبابی باشد و بهتر است آن را در اوائل محرم به جا آورد و میقات آن هر نقطه ای خارج از حرم است.

آیه الله سیستانی: در صورت تمکن.

[۴] آیات عظام فرق های بیشتری را متذکر شده اند که به مناسک آنان مراجعه شود.

آیه الله اردبیلی: فرق های دیگری نیز دارند، از جمله آنکه عمره مفرده با جماع قبل از سعی باطل می شود ولی بطلان عمره تمتع با جماع معلوم نیست بلکه بعید نیست که باطل نشود.

آیه الله خامنه ای: در مناسک معظم له این مسأله نیز وجود دارد: عمره تمتع باید در یکی از ماه های حج یعنی شوال یا ذی قعدة یا ذی حجه به جا آورده شود، درحالیکه انجام عمره مفرده در همه ایام سال صحیح است. (مناسک حج، م ۷۳)

[۵]. آیه الله زنجانی: کفایت نمی کند و در عمره مفرده، مردان بین سر تراشیدن و تقصیر، مخیر هستند و تراشیدن سر افضل است.

آیه الله فاضل: مجزی نیست.

[۶]. آیه الله بهجت: با افضلیت حلق. (مناسک شیخ، ص ۸۹).

[۷]. آیه الله خامنه ای: در عمره تمتع طواف نساء و نماز طواف نساء واجب نیست، هر چند احتیاط آن است که آن دو را به قصد رجا به جا آورد. ولی در عمره مفرده طواف نساء و نماز آن واجب است. (مناسک حج، م ۷۲)

[۸]. آیه الله اردبیلی: ادنی الحل میقات کسانی است که در مکه هستند و قصد عمره مفرده دارند و همچنین کسانی که بدون قصد دخول به حرم، از مواقیت پنجگانه گذشته اند و بعد قصد کرده اند که به حرم داخل شوند.

آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: اگر در حرم باشد، و میقات است در صورت مرور به آن. (کتاب حج افراد، ص ۶).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احرام بستن برای عمره مفرده، باید از همان مواقیت عمره تمتع باشد و اگر مکلف در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده به جا آورد جایز است از حرم خارج شده و احرام ببندد و واجب نیست به یکی از مواقیت عمره تمتع برود و بهتر است که احرامش از یکی از این ۳ محل باشد: حدیبیه، جعرانه، تنعیم. (به مسأله ۲۲۲ و ۲۲۹ مراجعه شود).

□

□ آیه الله خامنه ای: میقات عمره مفرده برای کسی که داخل شهر مکه مکرمه است ادنی الحل (نزدیک ترین نقطه خارج از حرم) است، و افضل حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم می باشد، هر چند احرام بستن از یکی از مواقیت پنج گانه نیز جایز است، و اما کسی

که خارج مکه است و می خواهد عمره مفرده به جا آورد باید برای آن از یکی از مواقیت پنج گانه محرم شود. (مناسک حج، م ۷۴ و ص ۵۰، میقات های دیگر، ۳)

[۹]. آیه الله زنجانی: و کسی که از مواقیت یا حوالی آن عبور می کند باید از مواقیت محرم شود و کسی که از آنجاها عبور نمی کند و کسی که در مکه است، خارج حرم از هر کجا محرم شوند کافی است و در این جهت فرقی بین عمره تمتع و عمره مفرده نیست.

[۱۰]. آیه الله زنجانی: در برخی از احکام مانند تقدیم اعمال مکه و انجام طواف مستحبی بین حج تمتع و حج افراد، تفاوت هست.

[۱۱]. آیه الله اردبیلی، آیه الله مکارم: این احتیاط واجب است.

آیه الله زنجانی: مخصوصاً بر کسی که استطاعت عمره مفرده را از وطن خود داشته باشد.

[۱۲]. آیه الله بهجت: در عمره مفرده، تقدیم طواف نساء بر تقصیر، در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل، مجزی است. (مناسک، س ۱۶۶).

[۱۳]. آیه الله تبریزی: تا وقت حج در مکه باقی ماند.

آیه الله سیستانی: اگر عمره مفرده را در ماه های حج انجام دهد و در مکه تا روز هشتم ذی حجه بماند و قصد حج کند عمره او عمره تمتع به حساب می آید.

[۱۴]. آیه الله اردبیلی: مشروط بر آنکه تا وقت حج در مکه باقی مانده باشد.

آیه الله بهجت: جواز عدول به عمره تمتع، محل تأمل و احتیاط است، مگر اینکه متمکن از انجام عمره تمتع نباشد. (به ذیل مسأله ۱۳۲۲ مراجعه شود).

آیه الله سبحانی: و در مکه باقی بماند می تواند آن را عمره تمتع قرار دهد و پس از آن حج تمتع مستحبی به جا آورد، اما در حج تمتع واجب، عدول جایز نیست.

[۱۵]. آیه الله زنجانی: بر کسی که در ماه های حج، برای خودش عمره مفرده مستحبی به جا آورده و از مکه خارج نشده، جایز بلکه مستحب است که آن را عمره تمتع مستحبی قرار بدهد و بعد از آن حج تمتع به جا آورد و برای حج واجب و نیایی نمی تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند. پس اگر حج تمتع بر او واجب بود تبدیل عمره مفرده جایز نبوده باید عمره تمتع به جا آورد.

صورت حج تمتع اجمالاً

بدان که حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی «عمره تمتع»، و دیگری «حج تمتع» و عمره تمتع مقدم است بر حج.

و عمره تمتع مرکب است از پنج جزء:

اول - احرام.

دوم - طواف کعبه.

سوم - نماز طواف.

چهارم - سعی بین کوه صفا و مروه:

پنجم - تقصیر؛ یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.^[۱]

و چون محرم از این اعمال فارغ شد، آنچه بر او به واسطه احرام بستن حرام شده بود حلال می شود.^[۲]

و حج تمتع مرکب است از سیزده عمل:

اول - احرام بستن در مکه.

دوم - وقوف به عرفات.

سوم - وقوف به مشعر الحرام.

چهارم - انداختن سنگریزه به جمره عقبه در منی.

پنجم - قربانی در منی.

ششم - تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی.

هفتم - طواف زیارت در مکه.

هشتم - دو رکعت نماز طواف.

نهم - سعی بین صفا و مروه.

دهم - طواف نساء.

یازدهم - دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم - ماندن به منی، شب یازدهم و شب دوازدهم، و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص.

سیزدهم - در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و اشخاصی که شب سیزدهم در منی ماندند، روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند.^[۳]

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل آنها بعد ذکر می شود.

[۱۸۳] م - لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج بداند ولو اجمالاً، و کافی است که نیت کند عمره تمتع را ؛ یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده و همین طور حج تمتع را به نحوی که واجب است بر او، و کیفیت و تفصیل هر یک را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

[۱] آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب در تقصیر به گرفتن ناخن اکتفا نشود و اگر بخواهد ناخن بگیرد، اول مقداری از مویش را بچیند.

آیات عظام سبحانی، سیستانی، مکارم: احتیاط آن است که تنها به گرفتن ناخن قناعت نکند.

[۲] آیه الله اردبیلی: به جز تراشیدن سر.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: به جز تراشیدن سر، و اما سر تراشیدن تفصیلی دارد که از این قرار است: هرگاه عمره تمتع در ماه شوال به جا آورده شود، سر تراشیدن تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است و اما بعد از آن احتیاط این است که سر تراشیده نشود و چنانچه تراشیده شد و از روی علم و عمد بود، احتیاط این است که یک گوسفند کفاره داده شود.

آیه الله سبحانی: نباید بعد از فراغت از اعمال عمره تمتع و تقصیر سر خود را حلق کند و یا با ماشین ته زن بزند لیکن حرمت تکلیفی است نه وضعی و فقط معصیت کرده و کفاره ندارد و به حج یا عمره او ضرر نمی زند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی تراشیدن سر جایز نیست و اگر سر بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد، بنابر احتیاط، هر چند جاهل یا ناسی باشد.

[۳] آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: بنابر احتیاط.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

استفتائات اقسام عمره و حج

[۱۸۴] س - شخصی در اثنای عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید، فعلاً وظیفه او چیست؟ توضیح آنکه کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه او است و او را از احرام خارج می کند به جا آورد.

ج - با فرض اینکه خود شخص نمی تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوبعنه از احرام، سعی را تمام [۱] کند و آن را اعاده نماید [۲] و به منوبعنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد [۳] و توضیح آنکه مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلاً خوب شده و اینکه نمی تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

[۱۸۵] س - کسی عمره مفرده به جا آورده و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده است، فعلاً می خواهد برای عمره تمتع مُحرم شود، آیا جایز است بدون انجام طواف نساء مُحرم شود و بعد از انجام عمره تمتع، طواف نساء را به جا آورد؟

ج - مانع ندارد. [۴]

[۱۸۶] س - اگر فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد، فرموده اید باید عمره دوم را به قصد رجاء به جا آورد، آیا فرقی هست بین دو عمره مفرده از خود شخص و بین دو عمره مفرده ای که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد یا نه؟

ج - فرق نمی کند. [۵]

[۱۸۷] س - اینکه حضرتعالی فرموده اید: اگر فاصله میان دو عمره کمتر از یک ماه باشد، عمره دوم رجاءاً قصد شود، مقصود یک ماه است یا سی روز کامل؟

ج - میزان یک ماه است [۶]، و اگر در بین ماه عمره به جا آورده، احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کنند. [۷]

[۱۸۸] س - اگر بین دو عمره کمتر از یک ماه فاصله باشد باید عمره دوم را به قصد رجاء انجام دهد، چنانچه عمره دوم نیابت باشد نایب می تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر، و چنانچه بر منوبعنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت می کند یا خیر؟

ج - لازم است احتیاط مراعات شود [۸] و چنانچه با تذکر به اجیر کننده اجرت بگیرد اشکال ندارد. [۹]

[۱۸۹] س - اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می تواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آنجا اعمالی انجام نداده و فعلاً به ایران آمده، چه وظیفه ای دارد؟

ج - در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد و چنانچه به ایران آمده، اقدام کند و برگردد و اگر نمی تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند [۱۰] و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را به جا نیاورد، آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده، بر او حلال نمی شود.

[۱۹۰] س - آیا طواف در عمره مفرده استحبابی، حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف

استحبایی را دارد و در هر جای مسجدالحرام می توان نماز آن را خواند؟

ج - حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام باشد. [۱۱]

[۱۹۱] س - انجام عمره مفرده در ماه های حج، پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بین صروره و غیر صروره هست یا نه؟

ج - مانع ندارد و فرق نمی کند. [۱۲]

[۱۹۲] س - تأخیر عمره مفرده در حج افراد، تا چه وقتی بلا عذر جایز است؟

ج - باید مبادرت نماید عرفاً علی الأحوط و تأخیر نشود. [۱۳]

[۱۹۳] س - زنی که احتمال می دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجدالحرام شود، آیا می تواند برای عمره مفرده مستحبی مُحرم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد و همچنین مریض اگر احتمال می دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟

ج - اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید.

[۱۹۴] س - همچنان که عمره مفرده را قبل از عمره تمتع ولو با کمتر از فاصله شدن یک ماه تجویز فرموده اید، آیا بعد از عمره تمتع هم با کمتر از یک ماه فاصله تجویز می فرمایید یا باید رجاء انجام شود؟

ج - به قصد رجاء انجام شود. [۱۴]

[۱۹۵] س - کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده مُحرم شده است تکلیف او چیست؟

ج - اگر قصد [۱۵] عمره مفرده کرده، باید عمره مفرده [۱۶] انجام دهد و بعد عمره تمتع را به جا آورد و چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتع واقع می شود و صحیح است.

[۱۹۶] س - اگر تقصیر را در عمره مفرده جهلاً یا نسیاناً به جا نیاورد و طواف نساء را نیز ترک کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمره تمتع مُحرم شده و عمره تمتع را به جا آورده و بعد متوجه نقص کار خود شده است، تکلیف این شخص با داشتن فرصت برای اعاده عمره تمتع و نداشتن فرصت چیست؟

ج - در فرض مرقوم [۱۷] چنانچه عمره مفرده را در اَشْهُر حج به جا آورده و می خواهد حج مستحبی [۱۸] به جا آورد، می تواند عدول به عمره تمتع کند؛ چه وقت برای اعاده عمره تمتع داشته باشد یا نه. ولی اگر حج واجب باشد کفایت نمی کند علی الأحوط و باید پس از تقصیر صحیح به میقات برود [۱۹] و برای عمره تمتع مجدداً مُحرم شود. [۲۰]

[۱۹۷] س - کسی که حش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد، اگر سال بعد که به حج می رود بعد از اعمال حج، عمره مفرده را به جا آورد کافی و مُجْزئ است یا نه؟

ج - احوط [۲۱] آن است که تا عمره مفرده را انجام نداده، برای عمره و حج دیگر مُحرم نشود [۲۲] هر چند اگر خلاف کرد، ضرر به صحت عمره و حج او نمی زند. [۲۳]

[۱۹۸] س - کسانی که از هند و پاکستان به عربستان می آیند و در مکه معظمه مقیم می شوند، آیا حشاشان تمتع است یا وظیفه دیگری دارند؟

ج - چنانچه به قصد مجاورت در مکه بمانند و بعد از دو سال مستطیع شوند حکم اهل مکه را پیدا می کنند [۲۴]، و در غیر این صورت، صور مختلفه ای است که در تحریرالوسیله ذکر شده است.

[۱۹۹] س - کیفیت حج قرآن را بیان فرمایید، و آیا این حج برکدام اشخاص واجب می شود؟

ج - حج قرآن واجب تعیینی نیست و چون مورد ابتلا نیست، می توانید به کتب مفصله مراجعه نمایید. [۲۵]

[۱] آیه الله تبریزی: احتیاطاً سعی را تمام کند...

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: اعاده کافی است.

[۲] آیه الله اردبیلی: اگر یک سعی به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد، کافی است.

آیه الله سبحانی: اگر مقدار باقیمانده بیشتر از نصف است نائب سعی را اتمام و اعاده می کند و اگر مقدار باقی مانده کمتر از نصف است فقط اعاده می کند.

[۳] آیه الله سبحانی: احتیاطاً خود او نیز در هر کجا هست نماز طواف را بخواند.

آیه الله سیستانی: ولی نماز طواف را باید خودش بعد از طواف نایب بخواند.

[۴] آیه الله تبریزی: صحّت احرام جدید، قبل از طواف نسای عمره مفرده، محلّ اشکال است.

آیه الله سبحانی: باید محرم شود و آنگاه طواف نساء را انجام دهد و سپس اعمال عمره تمتع را به جا آورد.

آیه الله فاضل: احتیاطاً آن است که تا طواف نساء عمره مفرده یا حج تمتع را انجام نداده، برای عمره تمتع یا عمره مفرده محرم نشود، هر چند اگر قبل از انجام طواف نساء محرم به عمره و حج شد باطل نیست، ولی پس از اتمام آنها، طواف نساء را بنابر احتیاط انجام دهد.

آیه الله نوري: و همچنین کسی که پس از انجام حج تمتع، طواف نساء را ترک کرده، می تواند برای عمره مفرد محرم شود.

[۵]. آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: در این مسأله و دو مسأله بعدی، به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود و حکم اجرت هم از آن معلوم می شود.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل: در یک ماه قمری نمی تواند دو عمره برای خود و یا یک نفر دیگر انجام دهد. ولی انجام دو عمره، یکی برای خود و یکی برای دیگری و یا دو عمره برای دو نفر متفاوت جایز است.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله گلپایگانی: رعایت فاصله بین دو عمره لازم نیست.

آیه الله سبحانی: فاصله بین دو عمره شرط نیست حکم دو سؤال بعد هم از آن معلوم می شود.

[۶]. آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، مکارم: چنانکه گذشت در هر ماه قمری می توان یک عمره انجام داد پس اگر یک عمره را در اواخر ماه انجام دهد عمره دیگر را در اوّل ماه بعد، مانعی ندارد.

آیه الله خامنه ای: اولاً میزان، ماه قمری است و ثانیاً به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: مقصود تبدل عنوان شهر است ولی فاصله معتبر نیست.

آیه الله فاضل: میزان عنوان ماه است.

[۷]. آیه الله زنجانی: رعایت فاصله بین دو عمره لازم نیست.

[۸] آیه الله اردبیلی: مراعات احتیاط و قصد رجاء لازم نیست، بلکه می تواند در فاصله کمتر از یک ماه عمره نیابتی انجام دهد و از منوبعنه مجزی است و مستحق اجرت می باشد. □

□ آیه الله خامنه ای: نظر معظم له ذیل مسأله ۱۷۳ گذشت.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: در فرض سؤال نیابت مانعی ندارد. (مناسک، مسأله ۱۳۷) .

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اجرت گرفتن مانعی ندارد. به حاشیه مسأله ۱۸۶ مراجعه شود.

[۹] آیه الله تبریزی: نیابت مانعی ندارد و نایب می تواند برای آن اجرت بگیرد و کفایت از منوبعنه می کند.

آیه الله زنجانی: رعایت فاصله بین دو عمره لازم نیست.

آیه الله سبحانی: با قصد جدی انجام دهد چونکه فاصله معتبر نیست و در فرض سؤال نیابت مانعی ندارد و کفایت می کند و چنانچه در زمان اجاره مبلغی تعیین شده باشد مستحق اجرت می باشد.

آیه الله فاضل: کفایت از منوبعنه می کند و اجرت گرفتن اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: و کفایت کردن آن محل اشکال است.

[۱۰] آیه الله سبحانی: لیکن احتیاط مستحب است که خودش نیز در محل خودش دو نماز دو رکعتی بخواند یکی برای طواف عمره و دیگری برای طواف نساء.

آیه الله سیستانی: و نیز نماز طواف را خودش در محل خودش به جا آورد.

[۱۱] آیه الله نوری: خلف مقام لازم نیست هر چند در صورت امکان اولی است.

[۱۲] آیه الله اردبیلی: مشروط بر آنکه به جا آوردن عمره مفرده مانع از انجام حج واجب نگردد، مثل اینکه عمره مفرده را به نیابت انجام دهد و برای محرم شدن جهت عمره تمتع برای خودش نتواند به میقات باز گردد.

آیه الله سیستانی: و احوط آن است که این دو عمره در یک ماه قمری نباشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: برای کسی که نایب در حج بلد نباشد و بر خودش حج واجب نشده یا حج واجب خود را انجام داده اشکال ندارد. (آداب و احکام حج، ص ۳۹۲، مسأله ۱۰۱۴).

[۱۳] آیه الله اردبیلی: چنانچه برای عمره مفرده نیز مستطیع باشد و قبلاً آن را به جا نیاورده باشد، وجوب آن فوری است.

آیه الله تبریزی: گرچه اقوی عدم وجوب مبادرت است.

آیه الله زنجانی: اهالی مکه و حوالی آنکه وظیفه آنها حج افراد است، هرگاه استطاعت عمره مفرده پیدا کردند باید بدون تأخیر عمره مفرده به جا آورند، قبل از حج باشد یا بعد از آن و گذشتن ایام تشریق و کسانی که از مکه دور هستند و به جهتی مثل حیض یا ضیق وقت، وظیفه آنها تبدیل به حج افراد شده است و همچنین کسانی که پس از احرام عمره تمتع، عمره آنها به حج افراد تبدیل شده است، بعد از انجام حج و گذشتن روز سیزدهم باید عمره مفرده به جا آورند - هر چند عمره تمتع آنها استحبابی باشد - و بهتر است عمره مفرده را در اوائل محرم به جا آورند. و کسانی که بعد از حج افراد مستحبی می خواهند عمره مفرده انجام دهند بعد از گذشتن ایام تشریق می توانند عمره مفرده به جا آورند ولی به جا آوردن آن واجب نیست. و در هر حال انجام عمره مفرده در ایام تشریق (روز یازدهم تا سیزدهم ذی حجه) مشروع نیست.

آیه الله سبحانی: باید فوراً عمره مفرده را بعد از حج انجام دهد ولی اگر تأخیر انداخت در ماههای دیگر می تواند انجام دهد.

آیه الله سیستانی: وجوب آن فوری است، مانند وجوب حج.

[۱۴] آیه الله اردبیلی: بین عمره تمتع و عمره مفرده فاصله شدن یک ماه لازم نیست، چه قبل از حج و چه بعد از آن.

آیات عظام بهجت، تبریزی، زنجانی: به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

آیه الله خامنه ای: قصد رجاء لازم نیست. (مناسک حج، م ۷۰)

آیه الله خویی: بعد از فراغ از اعمال حج مانع ندارد و قصد رجاء لازم نیست. (مناسک، مسأله ۱۳۷).

آیه الله سبحانی، آیه الله گلپایگانی: قصد رجاء لازم نیست.

آیه الله سیستانی: انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و اعمال حج، موجب بطلان عمره تمتع است و پس از اعمال حج هم اگر

در همان ماه ذي حجه عمره تمتع به جا آورد، استحباب عمره مفرده به نیت همان کسی که عمره تمتع برای او به جا آورده شده اشکال دارد.

آیه الله صافي: اگر هر دو را برای خود انجام می دهد، در عمره مفرده قصد رجاء نماید.

آیه الله فاضل: در فرض مزبور، فاصله و قصد رجاء لازم نیست اما بین عمره تمتع و حج تمتع نمی تواند عمره مفرده انجام دهد.

آیه الله نوري: بین عمره تمتع و عمره مفرده فاصله لازم نیست ؛ چه قبل باشد چه بعد و فاصله ده روز بین دو عمره مفرده معتبر است.

[15]. آیه الله سبحانی: اگر قصد واقعي او عمره مفرده باشد.

[16]. آیه الله اردبیلی: اگر پس از پایان عمره فهمید، چنانچه تا وقت حج در مکه باقی بماند می تواند آن را عمره تمتع قرار دهد و اگر در اثنای عمره فهمید نیز می تواند آن را به نیت عمره مفرده تمام کرده و چنانچه تا وقت حج در مکه باقی ماند، می تواند آن را عمره تمتع قرار دهد، اگر چه در این فرض احتیاط مستحب آن است که نیت خود را از عمره مفرده به عمره تمتع برگرداند و آن را به نیت عمره تمتع اتمام نماید.

آیه الله تبریزی: چنانکه بعد از انجام عمره مفرده تا وقت حج در مکه باقی ماند، می تواند عمره مفرده ای را که انجام داده عمره تمتع قرار دهد و برای حج محرم شود.

آیه الله خویی: اگر کسی در ماه های حج عمره مفرده انجام دهد و اتفاقاً در مکه تا موسم حج بماند می تواند آن را عمره تمتع قرار دهد. (مناسک، مسأله ۱۴۲).

آیه الله سیستانی: ولی اگر در مکه تا روز هشتم ذي حجه بماند و قصد حج کند عمره مفرده او عمره تمتع به حساب می آید.

آیه الله صافي، آیه الله گلپایگانی: عمره مفرده او باطل است، بلی چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتع واقع می شود و صحیح است.

آیه الله فاضل: عمره مفرده او مبدل به عمره تمتع شده و کافی است.

آیه الله مکارم: می تواند عمره مفرده انجام دهد و می تواند عدول به تمتع کند، اگر در ماه های حج باشد.

[۱۷]. آیه الله اردبیلی: عمره تمتع او باطل است و برای خارج شدن از احرام عمره مفرده باید تقصیر کند و به میقات رفته و برای عمره تمتع محرم شود و اگر نمی تواند به میقات بازگردد، به خارج از حرم رفته و بنابر احتیاط هر چقدر که می تواند به سمت میقات بازگردد و در آنجا محرم شود و اگر نمی تواند از حرم خارج شود، بنابر احتیاط هر چقدر می تواند به سمت میقات بازگردد و در□

□ آنجا محرم شود و اگر این مقدار نیز امکانپذیر نیست، از همانجا که هست برای عمره تمتع محرم شود و اگر اصلاً وقت برای انجام دادن عمره تمتع ندارد، عدول به حج افراد نماید.

آیه الله بهجت: چون از احرام عمره مفرده هنوز بیرون نیامده، احرام عمره تمتع صحیح نیست باید ابتدا تقصیر کند تا از احرام عمره مفرده بیرون آید؛ چنانچه وقت داشته باشد که برای عمره تمتع محرم شود می تواند به میقات برگردد و محرم شود و در صورت عدم امکان در خارج حرم محرم شود. (مناسک، س ۱۲۲).

آیه الله سیستانی: احرام عمره تمتع او باطل است و باید برای عمره مفرده تقصیر نماید و اگر بعد از انجام عمره تمتع متوجه شد حکم کسی را دارد که جهلاً یا نسیاناً احرام عمره تمتع را انجام نداده است که احتیاط واجب بطلان عمره تمتع است.

[۱۸]. آیه الله اردبیلی: چنانچه تا ایام حج در مکه باقی باشد می تواند عمره مفرده را به عمره تمتع تبدیل نماید و فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل: (با اختلاف در تعبیر): در تبدل عمره مفرده به عمره تمتع، فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.

[۱۹]. آیه الله سبحانی: در صورت عدم امکان، از ادنی الحل محرم شود.

[۲۰]. آیه الله زنجانی: چون از احرام عمره مفرده بیرون نیامده احرام عمره تمتع صحیح نیست و چون از مکه خارج شده نمی تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند، پس باید اعمال عمره مفرده را تمام کند و برای احرام عمره تمتع کافی است از حرم بیرون برود.

[۲۱]. آیه الله اردبیلی: بلکه اقوی.

آیه الله بهجت، آیه الله خویی: مانعی ندارد. (مناسک، مسأله ۱۵۸).

آیه الله گلپایگانی: فتوای ایشان در مسأله دیده نشد.

[۲۲]. آیه الله تبریزی: احتیاط مستحب آن است...

آیه الله سبحانی: تا عمره مفرده را انجام نداده نمی تواند برای حج وعمره دیگری محرم شود.

آیه الله سیستانی: وجوب آن فوری است ولی اگر تأخیر انداخت مجزی است.

آیه الله مکارم: باید توجه داشت که عمره مفرده واجب را در هر ماه از سال می توان انجام داد ولی چون وجوب آن ظاهراً فوری است باید تأخیر نیندازد.

[۲۳]. آیه الله زنجانی: و در مورد جواز تأخیر به حاشیه مسأله ۱۹۲ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب در ترک این کار است.

[۲۴]. سایر آیات عظام نیز چون حضرت امام = در مسأله تفصیلاتی دارند که باید به مناسک آنها مراجعه شود.

آیه الله اردبیلی: و در صورتی که از ابتدا به قصد توطن در مکه مانده باشد، پس از گذشتن مدتی که مکه برای او صدق وطن کند، حکم اهل مکه را پیدا می کند هر چند دو سال نگذشته باشد.

آیه الله بهجت: شخصی که وظیفه او در حجة الاسلام تمتع است با اقامت در مکه و اطراف نزدیک آن، بدون قصد توطن دائم، فریضه او مادامی که داخل سال سوّم اقامت نشده باشد تغییر نمی کند چه قبل از اقامت مستطیع شده باشد و یا بعد از آن، بلکه باید در صورت اراده حجة الاسلام به سویی یکی از مواقیت خارج شود و آنجا محرم گردد و اگر نتوانست به یکی از مواقیت برود، در خارج حرم محرم شود و اگر در خارج حرم هم نتوانست از محلّ خودش محرم شود. (مناسک، مسأله ۱۵۵)

آیه الله سبحانی: اگر نائی به قصد توطن در مکه بماند به آن اندازه که بگویند اهل مکه است وظیفه او هنگام استطاعت وظیفه اهل مکه است و لازم نیست دو سال بگذرد ولی اگر نائی مقیم شد و از اقامت او دو سال گذشت و وارد سال سوم شد و مستطیع گردید، وظیفه او وظیفه اهلمکه است.

آیه الله نوري: مگر در صورتی که از ابتدا قصد توطن داشته باشد که پس از گذشتن مدتی که وطن صدق کند حکم اهل مکه را دارد هر چند دو سال نگذشته باشد.

[۲۵]. آیه الله خامنه ای: حج قران مانند حج افراد است با این تفاوت که در حج قران باید در حال احرام قربانی همراه محرم باشد بنابراین در این صورت قربانی بر او واجب است. همچنین در حج قران احرام هم با لبیک گفتن محقق می شود و هم با اشعار یا تقلید ولی در حج افراد فقط با لبیک گفتن محقق می شود. (مناسک حج، ص ۴۰)

آیه الله سیستانی: تفصیل آن در مسأله ۱۵۸ و ۱۶۱ مناسک آمده است.

در بیان اعمال عمره تمتع و حج تمتع تفصیلاً
و در آن دو باب است:

باب اول: اعمال عمره تمتع

و در آن هفت فصل است:

فصل اول: محل احرام عمره تمتع

[۲۰۰] م - بدان که محل احرام بستن براي عمره تمتع، که آن را ميقات مي نامند [۱]، مختلف مي شود به اختلاف راه هايي که حجاج از آنها به طرف مکه مي روند و آن پنج محل است:

اول - مسجد شجره است که آن را «ذوالحلیفه» مي نامند [۲] و آن ميقات کساني است که از مدينه منوره به مکه مي روند.

[۲۰۱] م - جايز است [۳] در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تاخير بيندازد تا ميقات اهل شام [۴].

[۲۰۲] م - احتياط واجب [۵] آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه خارج آن [۶]، هر [۷] چند نزديک به آن باشد.

[۲۰۳] م - شخص جنب و حايض مي توانند [۸] در حال عبور از مسجد محرم شوند [۹] و نبايد در مسجد توقف کنند.

[۲۰۴] م - اگر جنب به واسطه زيادي جمعيت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و آب براي غسل نباشد و نتواند صبر کند تا آب پيدا شود بايد تيمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد [۱۰].

[۲۰۵] م - اگر حايض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند احتياط آن است که نزديک مسجد محرم شود و در «جحفه» يا محاذي آن احرام را تجديد کند [۱۱].

دوم - وادي عقيقا است، که اوایل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» مي گويند که محل احرام عامه است و آن ميقات کساني است که از راه عراق و نجد به مکه مي روند [۱۲].

سوم - قرن المنازل است، و آن ميقات کساني است که از راه طائف حج مي روند [۱۳].

چهارم - يَلْمُلُمَاسْت، که اسم کوهي است و آن ميقات کساني است که از راه يمن مي روند [۱۴].

پنجم - جُحْفَه است و آن ميقات کساني است که از راه شام مي روند [۱۵].

[۲۰۶] م - اگر بيته شرعيه قائم شد ؛ يعني دو شاهد عادل [۱۶] شهادت دادند [۱۷] که فلان مکان ميقات است، تفتيش و تحصيل علم لازم نيست [۱۸] و اگر علم و بيته [۱۹] ممکن نشود مي تواند اکتفا کند به ظن حاصل [۲۰] از پرسيدن از کساني که اهل اطلاع به آن مکان ها مي باشند.

[۲۰۷] م - هرگاه از راهي برود که به هيچ يک از ميقات ها عبورش نيفتد، بايد از محاذات ميقات احرام ببندد [۲۱].

[۲۰۸] م - اگر عبور او طوري است که محاذات با دو ميقات پيدا مي کند [۲۲] احتياط واجب [۲۳] آن است که از جايي که اول، محاذات پيدا مي کند احرام ببندد و در محاذات ميقات بعد، تجديد نيت احرام کند [۲۴].

[۲۰۹] م - کساني که از محاذات غير مسجد شجره عبور مي کنند، احتياط مستحب [۲۵] آن است که قبل از رسيدن به محاذات، به نذر محرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجديد احرام کنند.

[۲۱۰] م - شخص مستطيع [۲۶] اگر احرام را از ميقات تأخير بيندازد از روي علم و عمد [۲۷] و ممكن نشود برگردد به ميقات، به واسطه عذري، و ميقات ديگري در پيش نداشته باشد [۲۸] حج او باطل است [۲۹]، و بايد سال ديگر حج به جا آورد.

[۲۱۱] م - شخصي که مي خواهد از محاذي ميقات [۳۰] محرم شود، اگر محاذات را نداند [۳۱] بايد از اهل اطلاع مورد وثوق بپرسد [۳۲]، و قول مجتهد که اهل اطلاع به آن مکان ها نيست اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد [۳۳] قبل از رسيدن به محلي که احتمال مي دهد از محاذات گذشته است به نذر محرم شود [۳۴]، بلکه اگر از محل معيني پيش از رسيدن به محاذات، به نذر محرم شود احوط است. [۳۵]

[۲۱۲] م - کساني که با هواپيما به حج مي روند و مي خواهند بعد از حج به مدينه مشرف شوند [۳۶]، احتياط آن است که بدون احرام بروند «جده» [۳۷] و از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقيق کنند اگر جده يا «حده» معلوم شد، محاذي با يکي از ميقاتها [۳۸] است، از آنجا محرم شوند والا بروند به ميقات ديگر؛ مثل جحفه و از آنجا محرم شوند [۳۹]، و اگر نتوانستند به جحفه يا به ميقات ديگر بروند با نذر [۴۰] از جده محرم شوند و بهتر آن است که در «حده» تجديد احرام کنند اگرچه لازم نيست.

[۲۱۳] م - مراد از «محاذات» آن است که کسي که مي رود به طرف مکه، به جايي برسد که ميقات به طرف راست يا چپ او واقع شود به خط راست [۴۱]؛ بهطوري که اگر از آنجا بگذرد ميقات متمايل به پشت او شود.

[۲۱۴] م - محاذات ثابت مي شود به علم و به دو شاهد عادل [۴۲] و اگر اينها ممکن نشود، اگر گمان حاصل شد [۴۳] از قول کساني که مطلع به آن مکان ها هستند ظاهراً کافي است، بلکه [۴۴] از قول کساني که اهل خبره هستند و از روي قواعد علميه محاذات را تعيين مي کنند، اگر گمان حاصل شد [۴۵] ظاهراً کافي است. [۴۶]

[۲۱۵] م - کسي که به واسطه فراموشي يا ندانستن مسأله و عذر ديگر [۴۷] بدون احرام از ميقات عبور کرد پس اگر امکان داشت برگشتن به ميقات و به اعمال عمره مي توانست با برگشتن برسد واجب است برگردد و [۴۸] از ميقات [۴۹] احرام ببندد، چه داخل حرم شده باشد يا نه و اگر ممکن [۵۰] نيست، به نحوي که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده، از همانجا احرام ببندد و احتياط مستحب [۵۱] آن است که هر مقداري مي تواند به طرف ميقات برگردد و آنجا محرم شود و اگر داخل حرم شده، واجب است اگر مي تواند و به اعمال عمره مي رسد، از حرم خارج شود [۵۲] و محرم گردد و اگر نمي تواند بهنحوي که گفته شد همانجا محرم شود و احتياط مستحب [۵۳] آن است که هر قدر مي تواند به طرف خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود.

[۲۱۶] م - زن حايض اگر مسأله نمي داندست و عقیده داشت که نبايد در ميقات محرم شود و احرام نبست، حکمش همان است که در مسأله قبل گفته شد. [۵۴]

[۲۱۷] م - جايز نيست احرام بستن پيش از رسيدن به ميقات و اگر احرام ببندد صحيح نيست ولي اگر نذر کند که از محلي که پيش از ميقات است احرام ببندد جايز است [۵۵] و بايد از همانجا محرم شود؛ مثلاً اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود واجب است عمل کند، و بهتر [۵۶] آن است که به ميقات يا محاذات ميقات که رسيد احرام را تجديد کند. [۵۷]

[۲۱۸] م - جايز نيست احرام را از ميقات تأخير بيندازد اختياراً [۵۸]، بلکه احتياط [۵۹] واجب آن است که از محاذات ميقات، بدون احرام عبور نکند [۶۰]، اگر چه ميقات ديگري بعد از آن باشد.

[۲۱۹] م - اگر از ميقات بدون احرام [۶۱] عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن ميقات محرم شود [۶۲]، بلکه اگر ميقات ديگري بعد از آن ميقات باشد بايد به احتياط واجب [۶۳] برگردد به ميقاتي که از آن گذشته و محرم شود.

[۱]. آية الله زنجاني: به حاشيه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود.

[۲]. آیه الله خامنه ای: مسجد شجره در منطقه ذوالحلیفه در نزدیکی مدینه منوره واقع شده است. (مناسک حج، ص ۴۷)

[۳]. آیه الله بهجت: و جواز طرف مقابل که احرام از مسجد با فعل مضطر الیه و فداء است، محل تأمل است. (مناسک شیخ، ص ۹)

[۴]. آیه الله خامنه ای: از قبیل بیماری و ضعف و عذرهای دیگر. (مناسک حج، م ۷۸)

[۵]. آیه الله بهجت: جایز نیست در بیرون مسجد بهطوری که محاذی و برابر آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و اختیاراً باید در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود. (مناسک، ص ۶۴).

آیه الله تبریزی: جایز است در بیرون مسجد بهطوری که محاذی آن از طرف راست یا چپ □
□ باشد احرام بسته شود و احوط این است که در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود و احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندند.

آیه الله خامنه ای: احرام خارج از مسجد شجره کفایت نمی کند و واجب است داخل مسجد مُحرم شوند. (مناسک حج، م ۷۹)

آیه الله خویی: احرام از منطقه ذوالحلیفه، مانعی ندارد. (تعلیقه العروة، ج ۲، ص ۳۴۲).

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بلکه همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد کفایت می کند، هر چند از داخل مسجد مستحب است.

[۶]. آیه الله اردبیلی: بلکه در خارج از مسجد و در منطقه ذوالحلیفه نیز می تواند محرم شود.

آیه الله زنجانی: کسی که از مدینه منوره عازم مکه است باید در مسجد شجره - هر چند قسمت های جدید آن باشد - نیت احرام را انشاء کند؛ یعنی از قلب خود بگذارند که «خود را - مثلاً - به عمره تمتع، محرم قرار می دهم» ولی مکان تلبیه واجب، منطقه ذوالحلیفه است، پس اگر داخل مسجد نیت کرد ولی تلبیه واجب را خارج مسجد هم بگوید کفایت می کند.

[۷]. آیه الله تبریزی: شخص جنب و حیض در خارج مسجد محرم می شود و تجدید تلبیه در جُحفه لزومی ندارد و نیز اگر در حال عبور از مسجد محرم شوند مانعی ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احرام از پشت دیوار مسجد نیز صحیح است.

[۸]. آیه الله خویی: این مسأله و دو مسأله بعد، مبني بر لزوم احتیاط است و در مسأله قبل گفته شد که احتیاط واجب نیست و احرام در خارج مسجد مانع ندارد.

[۹]. آیه الله اردبیلی: بلکه می توانند در خارج مسجد نیز محرم شوند.

آیه الله زنجان، آیه الله مکارم: می توانند در خارج مسجد یا در حال عبور از مسجد محرم شوند.

آیه الله سبحانی: فرد جنب نمی تواند داخل مسجد بشود و باید از بیرون مسجد سمت راست یا چپ آن محرم شود و اگر بخواهد داخل مسجد محرم شود باید حالت عبوری داشته باشد و لبیک را در حال عبور بگوید و اگر درب دوم بسته باشد احتیاط آن است که بیرون مسجد محرم شود.

آیه الله سیستانی: برای حیض و نفساء احرام بستن بیرون مسجد شجره کافی است.

[۱۰]. آیه الله اردبیلی: بلکه باید در خارج مسجد احرام ببندد.

آیه الله فاضل: و همچنین است حیض و نفساء که پاک شده اند.

آیه الله نوری: و چنین است حیض که از حیض پاک شده است.

نظریه سایر آیات عظام در مسأله از ذیل مسأله ۲۰۲ و ۲۰۳ به دست می آید.

[۱۱] آیه الله اردبیلی: باید در خارج مسجد محرم شود و تجدید احرام در جحفه لازم نیست.

آیه الله بهجت: اگر نتواند وارد مسجد شود در خارج مسجد محاذی آن محرم می شود و در جحفه یا محاذی آن تجدید احرام می کند بنابر احتیاط. (مناسک، ص ۳۴).

آیه الله خامنه ای: زنی که دارای عذر است، می تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، به شرطی که مستلزم توقف در مسجد نباشد. ولی اگر مستلزم توقف در مسجد هر چند بر اثر ازدحام و مانند آن باشد و نتواند احرام را تا برطرف شدن عذر به تأخیر بیندازد، باید از جحفه یا محاذات آن محرم شود. و جایز است با نذر از هر مکان دیگری قبل از میقات محرم شود. (مناسک حج، م ۸۰)

آیات عظام زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: اگر حیض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، باید نزدیک مسجد محرم شود و نیاز به تجدید احرام از جحفه ندارد. و همین طور است حکم زنی که در حال نفاس باشد.

آیات عظام سبحانی، سیستانی، مکارم: هر کس می تواند در کنار مسجد محرم شود و تجدید احرام لازم نیست.

نظریه سایر آیات عظام از مسأله ۲۰۲ به دست می آید.

آیه الله نوری: اگر به واسطه زیادی جمعیت، از عبور از مسجد هم عاجز باشد، احتیاط آن است که از نزدیک مسجد محرم شود.

[۱۲] آیه الله خامنه ای: و احرام بستن از همه قسمت های آن صحیح است. (مناسک حج، ص ۴۸)

آیه الله سبحانی: وادی عقیق وسیع ترین میقات در میان مواقیت پنجگانه است که در ۱۸۰ کیلومتری مکه قرار دارد و احتیاط واجب آن است که از نقطه مسلخ تا نقطه غمره محرم شوند.

[۱۳] آیه الله خامنه ای: و محرم شدن از قرن المنازل خواه از داخل مسجد باشد یا خارج آن در سایر مواضع قرن المنازل کافی است. (مناسک حج، ص ۴۹)

آیه الله سبحانی: نزدیک ترین میقات به مکه همین است که از جاده جدید ۹۴ کیلو متر با مکه فاصله دارد.

[۱۴]. آیه الله خامنه ای: و احرام بستن از همه قسمت های آن صحیح است. (مناسک حج، ص ۴۹)

آیه الله سبحانی: یلملم ۱۰۰ کیلو متر با مکه فاصله دارد.

[۱۵]. آیه الله خامنه ای: و احرام بستن از داخل مسجد و یا سایر مواضع جُحَفه صحیح است. (مناسک حج، ص ۴۸)

آیه الله سبحانی: و نیز میقات کسانی است که به هر علتی در مسجد شجره محرم نشده اند و همین طور کسانی که از طریق دریا عازم حج شده و پس از بستن احرام در آنجا عازم بندر جده می شوند.

آیه الله سیستانی: و کسانی که از مسجد شجره گذشته و محرم نشده اند هر چند بدون عذر.

[۱۶]. آیه الله سبحانی: یک شاهد عادل و اگر شاهد عادلی در کار نباشد باید از اهل محل پرسید و در صورت اطمینان به آن اعتماد کرد ولی امروزه موافقت پنج گانه به وسیله تابلوهایی معین شده و طبعاً مفید اطمینان است.

آیه الله سیستانی: شهادت دو عادل در صورتی مفید است که مستند به حس یا مانند آن باشد.

آیه الله مکارم: رسیدن به میقات با حداقل شهادت یک نفر عادل نیز ثابت می شود، ولی در زمان ما میقات ها مشخص است و احتیاجی به این امور نیست.

[۱۷]. آیه الله خامنه ای: یا شهرتی که موجب اطمینان است قائم شد. (مناسک حج، م ۸۲)

[۱۸]. آیه الله بهجت: احوط و اقوی لزوم تحصیل علم است به این اماکن و اگر علم ممکن نباشد بعید نیست اکتفا به ظنّ حاصل از پرسیدن اهل معرفت به این اماکن. (مناسک شیخ، ص ۱۰).

آیه الله زنجانی: بلکه برای شناخت میقات، گواهی اهل محل کافی است.

[۱۹] آیه الله خامنه ای: یا شهرت موجب اطمینان.

[۲۰] آیه الله اردبیلی: ظن کافی نیست و حصول اطمینان شرط است.

آیه الله تبریزی: بر مکلف واجب است یقین یا اطمینان به رسیدن به میقات پیدا نموده و احرام ببندد و یا حجت شرعیه داشته باشد و افرادی که آنجا زندگی می کنند، گفته آنها حجت شرعیه محسوب می شود، بلکه شهادت یک نفر ثقة کافی است، اگر بدانیم مستند او سؤال از عرف محل است.

آیه الله خویی: تحصیل اطمینان لازم است و گمان کافی نیست، بلی اگر ثقة خبره از محل خبر بدهد کافی است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲۰).

آیه الله سیستانی: تحصیل علم یا اطمینان یا حجت شرعیه لازم است.

آیه الله فاضل: تحصیل اطمینان لازم است.

[۲۱] آیه الله اردبیلی: احرام بستن در محاذات مواقیت غیر از محاذی میقات ذوالحلیفه خالی از اشکال نیست علاوه بر اینکه تشخیص محاذات نیز مشکل است لذا بنابر احتیاط واجب باید به یکی از مواقیت برود و محرم شود و یا اینکه پیش از میقات با نذر محرم گردد و اگر به هیچ طریقی نمی تواند به میقات برود، بنابر احتیاط واجب پیش از رسیدن به محاذی میقات با نذر محرم شود.

آیه الله بهجت: باید از محاذات اولین میقات نزدیک به خود محرم شود. (مناسک، ص ۶۶).

آیه الله خویی: کسی که تقریباً یک ماه یا بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم حج باشد و بخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش میل از مدینه دور شود محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همانجا میقاتش خواهد بود و از همانجا احرام می بندد. و در تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره و احرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر، بلکه از خصوص مورد مذکور نیز مشکل است.

آیه الله زنجانی: کسی که از مدینه منوره عازم مکه است باید از مسجد شجره محرم شود، البته اگر از غیر راه متعارف، عازم مکه باشد باید پس از آنکه به مقدار فاصله مسجد شجره از مدینه قدیم (حدود ده کیلومتر) دور شد محرم شود و کسانی که از غیر مدینه، عازم مکه هستند چنانچه از یکی از مواقیت یا حوالی نزدیک آن می گذرند باید از میقات محرم شوند و محاذات میقات کفایت نمی کند و نذر، مجوز احرام بستن در غیر میقات نیست و اگر از مواقیت و حوالی آنها عبور نمی کنند، هر کجا قبل از □ محرم محرم شوند صحیح است و در این صورت احرام از محاذات میقات، مطابق احتیاط استحبابی است و در این مسأله فرقی بین عمره مفرد و تمتع و حج افراد نیست.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۲۱۲ مراجعه شود.

[۲۲]. آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: باید از جایی که اول محاذات پیدا می کند، احرام ببندد و تجدید نیت در محاذات میقات بعد لازم نیست.

نظر آیه الله خویی و آیه الله زنجانی: با ملاحظه مسأله سابق منتفی است.

آیه الله سیستانی: مخیر است از محاذی هر کدام احرام ببندد، گرچه احتیاط مستحب احرام در محاذی اول است.

[۲۳]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب است که از جائیکه....

[۲۴]. آیه الله اردبیلی: احرام از محاذات در غیر مسجد شجره محل اشکال است.

آیه الله بهجت: اقوی کفایت احرام اول است؛ به نحوی که در مسأله قبل بیان شد. (مناسک، ص ۱۰).

آیه الله سبحانی: تجدید احرام لازم نیست لیکن هرگاه کسی که می تواند از دو میقات که یکی از آنها مسجد شجره است احرام ببندد بهتر است مسجد شجره را انتخاب کند که فضیلت بیشتری دارد.

آیه الله فاضل: تجدید احرام لازم نیست و باید از اول محاذات محرم شود.

[۲۵]. آیه الله اردبیلی: چنانچه نمی توانند به میقات بروند، این احتیاط ترک نشود و تجدید احرام در محاذات لازم نیست.

آیه الله خویی: اگر فاصله زیاد باشد، ظاهراً نذر لازم است و اگر فاصله کم باشد، بنابر احتیاط واجب باید نذر کند یا اینکه به یکی از مواقیع برود. (مناسک، مسأله ۱۶۴).

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض مسأله استحباب نذر نشده اند.

[۲۶]. آیه الله خامنه ای: یا کسی که حج بر او مستقر شده. (مناسک حج، م ۸۸)

[۲۷]. آیه الله زنجانی: و اختیار و نتواند به میقات برگردد باید به یکی دیگر از مواقیت پنج گانه رفته و از آنجا محرم شود والا احرام و عمره و حج او باطل است و نباید وارد حرم یا مکه شود.

[۲۸]. آیه الله سیستانی: واجب است برگردد به همان میقات، در صورت امکان، هر چند میقات دیگری در پیش باشد، به جز کسی که از ذوالحئیفه گذشته باشد هر چند عمداً و بدون عذر که می تواند از جحفه محرم شود.

[۲۹]. آیه الله اردبیلی: حجتش صحیح است و اگر در حرم است در صورت امکان از حرم خارج شود و بنابر احتیاط هرچقدر که می تواند به سمت میقات بازگردد و احرام ببندد و اگر نمی تواند از همانجا محرم شود.

آیه الله بهجت: بنابر احتیاط واجب باید احرام ببندد از هر مکانی که ممکن باشد، به تفصیلی که در ناسی احرام مذکور است. و عمره را به جا آورد و قضای آن بعد از آن. (مناسک شیخ، ص ۱۲).

آیه الله تبریزی: احتیاط واجب این است که در صورت امکان در خارج حرم محرم شود و در صورت عدم امکان در حرم محرم شود و اگر حج واجب باشد سال آینده آن را اعاده کند.

آیه الله خویی: اگر در صورت امکان در خارج حرم محرم شود و در صورت عدم امکان در حرم محرم شود، اگرچه به واسطه تأخیر مرتکب معصیت شده است لیکن صحت آن خالی از وجه نیست. ولی در صورت تمکن احتیاط مستحب این است که حج را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: هر چند احتیاط مستحب است که از مرز حرم، احرام ببندد و اعمال خود را انجام دهد و سال دیگر نیز باید حج را قضا کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر چه احوط آن است که از هر مکانی که ممکن باشد محرم شود و عمره را انجام دهد و بعد هم قضای آن را به جا آورد.

[۳۰]. آیه الله اردبیلی: در خصوص مسجد شجره.

[۳۱]. آیه الله بهجت: اگر علم به محاذات ممکن نباشد، ظاهراً کفایت مظنه است در صورتی که موجب اطمینان یا حاصل از سؤال اهل آن محل باشد علی الأحوط. (مناسک شیخ، ص ۱۱) .

[۳۲]. آیه الله سیستانی: اگر دو خط متقاطع را فرض کنیم که زاویه قائمه ای را تشکیل می دهند و یکی از آنها از مکه می گذرد و دیگری از میقات، نقطه تقاطع، محل محاذات با میقات است و معیار در این امر صدق عرفی است نه دقت عقلی.

[۳۳]. آیه الله بهجت: اگر در طریق او محاذات علمیه با ظنیه نباشد احوط رفتن به سوی میقاتی یا محاذات آن است و محتمل است جواز احرام از اول احتمال و تجدید آن در مقدار اقرب مواقیت به مکه. (مناسک شیخ، ص ۱۰ و ۱۱) .

[۳۴]. آیه الله مکارم: بنابر احتیاط.

[۳۵]. آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود.

[۳۶]. آیه الله زنجانی: اگر بدون رفتن به میقات مستقیم به مکه می روند می توانند از جدّه محرم شوند؛ بلکه هر کجا قبل از حرم - مانند حدیبیه - محرم شوند صحیح است.

[۳۷]. آیه الله تبریزی: محاذات جدّه با یکی از مواقیث ثابت نیست بلکه اطمینان به عدم محاذات آن است، پس احرام از جدّه مجزی نیست و بر حاجی لازم است از محل خود یا در راه قبل از رسیدن به جدّه، به مقداری که قابل ملاحظه - باشد هر چند در هواپیما باشد - نذر احرام نموده و از محلّ نذر احرام ببندد و یا به یکی از مواقیث رفته، احرام ببندد و یا به رابغ برود و آنجا با نذر احرام، محرم شود.

آیه الله خامنه ای: نمی توانند در جدّه برای عمره تمتّع اختیاراً محرم شوند، زیرا جدّه نه میقات است، نه محاذی میقات؛ بلکه برای احرام باید به یکی از میقاتها، مثل جُحفه بروند. و در صورتی که نتوانند به یکی از میقات ها بروند، احتیاط واجب این است که با نذر از جدّه احرام ببندند. (مناسک حج، م ۸۹)

آیه الله خویی: احرام از جدّه، حتی با فرض محاذی بودن آن با میقات، مجزی نیست و بر حاجی لازم است که در صورت امکان به یکی از مواقیث برود یا از وطن خود یا در راه، قبل از رسیدن به جدّه به مقداری که قابل ملاحظه باشد هر چند در هواپیما باشد، نذر احرام نموده و از محل نذر احرام ببندد و یا اینکه پس از ورود به جدّه، به محلی که رابغ نام دارد برود و از آنجا با نذر [احرام، قبل از میقات احرام ببندد.

آیه الله سبحانی: با ملاحظه نقشه های جغرافیایی، وسط شهر جدّه و سالن بزرگ فرودگاه قبل از پل بزرگ محاذی جحفه است و جحفه در طرف چپ محرم قرار می گیرد. البته در صورت احرام از جدّه احتیاطاً در ادنیالحل احرام را تجدید کند.

آیه الله سیستانی: با ملاحظه نقشه های جغرافیایی، نقطه محاذی جحفه، در جنوب شرقی جدّه واقع است و لذا با نذر می شود در فرودگاه جدّه احرام بست؛ زیرا قبل از میقات واقع است و اما نذر احرام در هواپیما یا قبل از آن، با علم به اینکه به ناچار زیر سایه خواهد رفت مورد اشکال است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: جایز نیست از جدّه با نذر محرم شوند بلکه باید به جحفه رفته، از آنجا محرم شوند.

آیه الله فاضل: محاذات جدّه با هیچ یک از میقات ها ثابت نیست. بنابراین باید یا به میقات یا محاذات میقات برود ولی برای عمره مفرده می تواند از ادنیالحل محرم شود.

آیه الله مکارم: محاذات جدّه با هیچیک از میقات ها ثابت نیست. بنابراین باید یا به میقات یا به محاذات میقات برود و یا اگر نمی تواند احتیاطاً نذر کند و در ابتدای حرم تجدید احرام کند.

آیه الله نوری: اگر از جدّه مستقیماً عازم مکه شوند میقات آنان «جحفه» است.

[۳۸]. آیه الله اردبیلی: احرام از محاذی غیر مسجد شجره مجزی نیست و باید یا به جحفه بروند و یا با نذر محرم شوند.

[۳۹]. آیه الله بهجت: احوط در مورد کسی که از جدّه به حج می رود این است که از محاذی میقاتی که اقرب به وی است احرام ببندد. (مناسک، مسأله ۱۷۳) کسانی که با هواپیما به جدّه می روند، در صورتی که رفتن به جحفه یا میقات دیگر همراه با مشقت و دشواری باشد می توانند با نذر در جدّه محرم شوند و کفایت می کند. (مناسک، س ۳۹).

[۴۰]. آیه الله تبریزی: در صورتی که رفتن به یکی از مواقیت ممکن نباشد و قبل از میقات هم به نذر محرم نشده، لازم است از جدّه با نذر احرام بسته و بعداً در خارج حرم قبل از دخول آن تجدید احرام کند.

آیه الله سبحانی: این افراد در مجموع به سه صورت محرم می شوند: الف) به مدینه بروند و از مسجد شجره محرم شوند و یا به جحفه رفته و از آنجا محرم شوند. ب) می توانند در نقطه محاذی جحفه که در جنوب شرقی جدّه است محرم شوند که طبق نقل اهل اطلاع و نقشه های جغرافیایی، فرودگاه جدّه و وسط شهر پیش از آنکه به پل بزرگ برسد محاذی جحفه است و در این صورت احرام خود را در ادنی الحل بنا بر احتیاط تجدید کند. ج) بهتر این است که به حدیبیه برود چه از راه قدیم و چه از راه جدید و در آنجا محرم شود و اصولاً کسی که از یکی از مواقیت عبور نمی کند رفتن او به میقات واجب نیست و می تواند به یکی از دو گونه اخیر محرم شود.

[۴۱]. آیه الله سبحانی: یا اینکه فاصله بین او تا مکه همان فاصله میقات تا مکه باشد به شرط اینکه عرفاً گفته شود میقات در طرف راست یا چپ او قرار دارد. بلکه هر کجا که عرفاً محاذات صدق کند کافی است و نیازی به احراز دو وجه فوق نیست (کتاب الحج، ج ۲، ص ۵۲۶).

[۴۲]. آیه الله بهجت: به حاشیه مسأله ۲۱۱ مراجعه شود.

آیه الله خامنه ای: یا شهرتی که موجب اطمینان شود. (مناسک حج، م ۸۲)

[۴۳] آیه الله اردبیلی: گمان کافی نیست و حصول اطمینان لازم است.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۲۰۶ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: اگر اطمینان حاصل شد.

[۴۴] آیه الله خامنه ای: در مناسک معظم له نیست. (مناسک حج، م ۸۲)

[۴۵] آیه الله اردبیلی: گمان کافی نیست و حصول اطمینان لازم است.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر اطمینان حاصل شد.

[۴۶] آیه الله تبریزی: محاذات با میقات، به علم و اطمینان ثابت می شود و نیز به گفته کسانی که به آن مکان ها رفت و آمد می کنند، اما گفته کسی که از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می کند، اعتباری ندارد.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود. □

□ آیه الله سیستانی: معیار در تشخیص محاذات، در حاشیه مسأله ۲۱۱ گذشت و باید علم یا اطمینان یا حجت شرعی بر آن قائم باشد.

[۴۷] آیه الله بهجت: عذری که مسووع ترک باشد ولو ظاهراً؛ از قبیل مرض و جهل به موضوع، بدون تقصیر، و ظاهر لحوق جهل به حکم است با عدم تقصیر در آنچه مذکور شد (و این در مسأله بعدی نافع است).

[۴۸]. آیه الله زنجانی: و از همان میقات احرام ببندد و اگر نمی تواند به همان میقات برگردد چنانچه میقات دیگری سر راه اوست، از آن میقات احرام ببندد و اگر نمی تواند به همان میقات برگردد چنانچه میقات دیگری سر راه اوست، از آن میقات محرم می شود - و در هر دو صورت اگر تخلف کرده از یکی دیگر از مواقیت پنج گانه احرام ببندد صحیح است - والا از هر جا که هست محرم می گردد مگر داخل حرم شده باشد که در صورت امکان باید برای احرام از حرم خارج شود.

[۴۹]. آیه الله سیستانی: این حکم در غیر مورد مسجد شجره است و کسی که از آن عبور کند هر چند عمدی باشد می تواند از جحفه محرم شود، گرچه گناه کرده است.

آیه الله مکارم: می تواند از همانجا محرم شود.

[۵۰]. آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: پس اگر از میقات دیگری عبور می کند، از میقات بعدی محرم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نیست، به مقداری که می تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچیک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود.

[۵۱]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب، به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۸۵)

آیه الله مکارم: اگر می تواند و به اعمال عمره می رسد، از حرم خارج شود و هر چند به تنعیم رود.

[۵۲]. آیه الله بهجت: و احتیاط به دور شدن از حرم، به مقدار عدم فوت حج ترک نشود. (مناسک شیخ، ص ۱۱) .

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: و در میقات محرم گردد و یا به طرف میقات به مقداری که ممکن است برود و إلا از ادنیالحل محرم شود و در صورت عدم تمکن از رفتن به ادنی الحل در مکه محرم شود. (آداب و احکام حج، مسأله ۲۹۳) .

آیه الله مکارم: هر چند به تنعیم رود.

[۵۳]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله خامنه ای: این احتیاط یافت نشد. (مناسک حج، م ۸۵)

[۵۴]. آیه الله خویی: ولی بنابر احتیاط باید به مقدار ممکن از حرم دور شود و احرام ببندد.

آیه الله سیستانی: در صورتی که داخل حرم شده باشد احتیاط واجب این است که در صورتی که نتواند به میقات برگردد به بیرون حرم رفته و از آنجا احرام ببندد، بلکه احوط آن است که در این صورت از حرم، به مقدار ممکن دور شود و اگر ممکن نشد حکم دیگران را دارد که در مسأله ۲۱۵ گذشت.

آیه الله مکارم: این زن اگر می تواند باید به میقات برگردد.

[۵۵]. آیه الله سیستانی: اگر بداند مستلزم ارتکاب محرم می شود؛ مانند استظلال، انعقاد نذر مورد اشکال است.

آیه الله فاضل: صحت نذر برای کسی که می داند ناچار می شود در روز با وسیله مسقف حرکت کند محل اشکال است، بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی تواند به یکی از مواقیت معروفه برود نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است. ولی احتیاط آن است که در ادنیالحل تجدید احرام کند و در هر دو صورت کفاره استظلال را باید بدهد.

[۵۶]. آیه الله خامنه ای: در مناسک معظم له یافت نشد. (مناسک حج، م ۸۳)

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و در این صورت احتیاط مستحب است که در هنگام عبور از میقات تلبیه را تجدید کند (مسأله ۳۰۰ آداب و احکام حج).

آیه الله فاضل: تجدید احرام لازم نیست.

[۵۷]. آیه الله بهجت: نیازی به تجدید احرام در میقات نیست بلکه می تواند از راهی به مکه برود که بر میقات نگذرد. (مناسک، مسأله ۱۶۴).

آیه الله زنجان: به حاشیه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود.

[۵۸]. آیه الله زنجان: بر کسی که عازم مکه یا حرم است گذشتن از مواقیت پنج گانه و نزدیک آنها بدون احرام، اختیاراً جایز نیست و گذشتن از محاذات دور مانعی ندارد؛ ولی برای ورود مکه یا حرم باید قبل از حرم، احرام ببندد.

[۵۹]. آیه الله بهجت: اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذوالحلیفه برای احرام از جحفه اختیاراً. (مناسک شیخ، ص ۹).

آیه الله خامنه ای: نظر معظم له نسبت به این احتیاط یافت نشد. (مناسک حج، م ۸۶)

نظریه آیه الله خویی در مورد محاذات در ذیل مسأله ۲۰۹ گذشت.

آیه الله سبحانی: چنان که عبور از محاذات میقات هم بدون احرام حرام می باشد ولی اگر این حرام را مرتکب شد و از میقات دوم احرام بست، حج او صحیح است.

آیه الله سیستانی: و احوط این است که مکلف از محاذی میقات نگذرد، مگر با احرام، اگر چه بعید نیست که گذشتن جایز باشد، در صورتی که در پیش روی مکلف میقاتی یا محاذی میقاتی باشد. (مناسک، مسأله ۱۶۷).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بلکه واجب است.

آیه الله فاضل: این احتیاط مستحب است.

[۶۰]. آیه الله اردبیلی: عبور از محاذات میقات غیر از محاذی مسجد شجره بدون احرام، مانعی ندارد مشروط بر آنکه بخواهد به میقات دیگری برود.

[۶۱]. آیه الله بهجت: در حال اختیار.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: و بدون عذر.

[۶۲]. آیه الله زنجانی: چنانچه بدون عذر از میقات گذشته به مسأله ۲۱۰ و حاشیه آن و چنانچه با عذر عبور کرده به مسأله ۲۱۵ و حاشیه آن مراجعه شود.

[۶۳]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط مستحب است و احرام بستن از منطقه ذوالحلیفه کافی است.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه ای، خویی، سبحانی، صافی، گلپایگانی: در صورت امکان باید برگردد.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.

آیه الله سیستانی: و هرگاه بدون احرام، از میقات گذشته، در صورت امکان باید به میقات برگردد، مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد، که چنین شخصی بنابر اظهر، برایش کافی است که از جحفه احرام ببندد، اگر چه گناهکار است. (مناسک، مسأله ۱۶۷).

مسائل متفرقه میقات

[۲۲۰] م - احتیاط واجب [۱] آن است که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن و احتیاط مستحب [۲] آن است که در محلّ اصلی مسجد محرم شود، اگرچه از مسجد مطلقاً جایز است، حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است. [۳]

[۲۲۱] م - اگر زن در میقات حایض باشد و یقین کند که نمی تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند [۴] و برای حج افراد محرم شود [۵] ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد [۶] در صورتی که برای حجة الاسلام محرم شده، احرام او باطل است و باید برای عمره تمتع مجدداً محرم شود.

[۲۲۲] م - کسانی که با هواپیما به جده می روند نمی توانند از جده یا حدیبیه محرم شوند [۷] بلکه باید به یکی از مواقیت، مثل جحفه [۸] بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین اینکه قصد عمره تمتع یا مفرده داشته باشند نیست [۹] و حدیبیه میقات عمره مفرده است برای کسانی که در مکه هستند. [۱۰]

[۲۲۳] م - کسانی که میقات [۱۱] برای آنها مشخص نیست نمی توانند به گفته راهنما (بلد) یا حامله دار که می گوید فلان محل میقات است محرم شوند [۱۲] مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند و الا باید به عرف محل مراجعه نمایند. [۱۳]

[۲۲۴] م - در صورتی که ثابت نیست که رابغ محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست. [۱۴]

[۲۲۵] م - کسی که در غیر ماه های حج به مکه رفته و عمره مفرده به جا آورده و در مکه مانده تا ماه های حج برای احرام عمره تمتع [۱۵]، باید به یکی از مواقیت پنجگانه معروفه برود و نمی تواند از تنعیم محرم شود. [۱۶]

[۲۲۶] م - کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی توانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند و در صورت تجاوز [۱۷]، واجب است [۱۸] به میقات برگردند [۱۹] و از آنجا محرم شوند و اگر کسی نتوانست برگردد هر جا که هست محرم شود. [۲۰]

[۲۲۷] م - اگر شخص در مکه باشد و بخواهد عمره تمتع به جا آورد و به عللی از رفتن به میقات عمره تمتع معذور باشد لازم است به خارج حرم برود [۲۱] و از آنجا محرم شود و از ادنی الحل کافی است. [۲۲]

[۲۲۸] م - میقات برای شاغلین در جده ؛ از ایرانیان و غیر آنها، در عمره تمتع و عمره مفرده [۲۳] همان مواقیت معروفه است و نمی توانند از جده یا ادنیالحل محرم شوند و اگر از روی جهل [۲۴] به مسأله در جای دیگر محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمی شود، چنانچه در صورت علم و عمد هم حکم همین است هر چند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسأله را فهمیدند عمل آنان صحیح است. [۲۵]

[۲۲۹] م - خدمه کاروان ها که می خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند [۲۶] بنابر، احتیاط [۲۷] نباید عمره تمتع انجام دهند [۲۸]، بلکه برای دخول مکه باید به یکی از مواقیت معروفه بروند و از آنجا برای عمره مفرده محرم شوند. واذنی الحلّ، میقات این اشخاص نیست [۲۹]، و پس از انجام اعمال عمره مفرده می توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده بیایند برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن، احرام واجب نیست [۳۰]، ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند باید [۳۱] در مسجد شجره محرم شوند برای عمره مفرده دیگر و چون بین این عمره مفرده و

عمره مفرده اول یک ماه فاصله نشده عمره دوم را رجاء [۳۲] به جا آورند [۳۳] و در هر صورت این اشخاص آخرین مرتبه ای که به مکه می روند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل مسجد شجره یا جُحفه بروند و از آنجا برای عمره تمتع مُحرم شوند.

[۱] آیه الله بهجت: واجب است در صورت امکان از داخل مسجد محرم شود. (مناسک، مسأله ۱۶۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم: این احتیاط مستحبی است.

آیه الله خامنه ای، آیه الله زنجان: تفصیل آن در مسأله ۲۰۲ گذشت.

[۲] آیه الله خامنه ای: این احتیاط یافت نشد. (مناسک حج، م ۷۹)

[۳] آیه الله بهجت: احتیاطاً احرام از مسجد قدیمی شجره باشد و با فحص از اهل اطلاع، توسعه از یمین و یسار و خلف است و قسمت محراب از مسجد قدیمی محسوب می شود و در صورت عدم امکان دخول به قسمت قدیمی، از محاذی آنجا محرم شوند. (استفتائات، س ۳۳).

آیه الله تبریزی: احتیاط واجب این است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندد.

[۴] آیه الله اردبیلی: می تواند به نیت ما فیالذمه (اعم از عمره تمتع و حج افراد) احرام ببندد، آنگاه اگر پیش از گذشتن وقت عمره پاک شد، اعمال عمره را به جا بیاورد و پس از آن احرام، حج ببندد و گرنه با همان احرام حج افراد به جا بیاورد و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و این حج صحیح و مجزی از حجة الاسلام است.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: می تواند به قصد مافی الذمه احرام ببندد و چنانچه قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شد، عمره تمتع به جا آورد و بعد حج آن را انجام دهد. و اگر پاک نشد به همان احرام حج افراد به جا آورد و سپس عمره مفرده انجام دهد بلکه اگر به قصد حج افراد احرام بست، و قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد، با همان احرام اعمال عمره تمتع را انجام داده و سپس حج تمتع را انجام دهد، گرچه احتیاط مستحب در این صورت تجدید احرام برای عمره تمتع می باشد.

آیه الله خامنه ای: می تواند به نیت حج افراد محرم شود و نیز می تواند به قصد ما فیالذمه داخل احرام شود ولی در صورت اول اگر زودتر از موعد مقرر پاک شود، لازم است برای عمره تمتع بار دیگر محرم شود و اما در صورت دوم اگر پیش از موعد پاک نشد، احرام او برای حج خواهد بود و اگر پیش از موعد پاک شد با همان احرام می تواند عمره تمتع به جا آورد. (استفتاء ۲۱۷۴/۷، دستخط معظم له)

آیه الله خویی: اگر به نیت مافیالذمه محرم شود اشکالی نیست ولی اگر به نیت حج افراد محرم شود و بعد پاک شود احرامش باطل است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: جمعی فرموده‌اند: «واجب است از میقات محرم به حج افراد شود»، لیکن چون این یقین بر حسب عادت است و امکان دارد برخلاف عادت پاک شود، احتیاط آن است که در وقت احرام قصد کند محرم می شوم به احرامی که بر من واجب است از عمره تمتع یا حج افراد، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره را تمام کند و مُحَلّ شود و بعد اعمال حج را به جا آورد، و حج تمتع او صحیح است، و اگر پاک نشد به همان احرام اعمال حج افراد را به جا آورد و بعد عمره مفرده به جا آورده و حج افراد صحیح است.

آیه الله مکارم: بهتر است در موقع احرام قصد کند احرامی را که بر او واجب است انجام می دهد، تا مشکلی برای او پیش نیاید.

[۵]. آیه الله زنجان: به حاشیه مسأله ۱۷۴ مراجعه شود.

[۶]. آیه الله سیستانی: عدول کند به عمره تمتع و اعمال آن را انجام دهد و باید رعایت کند که پس از انجام سعی تلبیه نگوید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: لازم است این حج افراد را عدول به عمره تمتع کند؛ یعنی طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد و تقصیر کند و بعد برای حج محرم شود و اعمال حج را به جا آورد. و این مخصوص کسی است که مکلف به حج تمتع باشد و اما کسی که حج افراد هم از او صحیح است، مختار است که عدول نماید به تمتع یا حج افراد را تمام نماید.

سایر آیات عظام متذکر مسأله کشف خلاف نشده اند. و در نیت افراد، با حضرت امام=موافق هستند.

[۷]. آیه الله زنجان: به حاشیه مسأله ۲۰۷ و ۲۱۲ مراجعه شود.

[۸]. آیه الله بهجت: مثل جحفه یا محاذات آن. (مناسک، مسأله ۱۷۳) به ذیل مسأله ۲۱۱ و ۲۱۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: می توانند از فرودگاه جده یا از وسط شهر قبل از پل بزرگ محرم شوند چون محاذی میقات است. و این افراد احتیاطاً در مرز حرم (ادنیالحل) احرام خود را تجدید کنند (کتاب الحج، ج ۲، ص ۵۴۴).

آیه الله سیستانی: می تواند از جدّه با نذر محرم شود ؛ زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است.

[۹]. آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: در عمره مفرده احرام از ادنی الحلّ کفایت می کند، اگرچه با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است. (مناسک عربی، ص ۸۴) .

[۱۰]. آیه الله اردبیلی: و همچنین کسانی که بدون قصد دخول حرم از میقات گذشته اند و سپس تصمیم بر انجام عمره مفرده گرفته اند، می توانند از ادنی الحلّ برای عمره مفرده محرم شوند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و نیز کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده و به نزدیک حرم رسیده است، می تواند از ادنی الحلّ برای عمره مفرده محرم شود. □

□ آیه الله زنجانی: کسانی که در مکه هستند برای احرام لازم نیست به مواقیت بروند، بلکه از هر نقطه خارج حرم محرم شوند صحیح است.

آیه الله سبحانی: کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند اگر در مسیرشان میقات و یا محاذات آن نیست، می توانند از مرز حرم که در اصطلاح فقهاء ادنیالحل نام دارد احرام ببندند. مرزهای حرم به وسیله تابلوهایی مشخص شده و نزدیک ترین و آسانترین نقطه برای زائران تنعیم و حدیبیه است.

آیه الله سیستانی: میقات عمره مفرده برای کسی که می خواهد وارد حرم شود همان میقات های معروف است، ولی اگر کسی برای کار دیگری غیر از عمره در آن محل بوده و قصد دخول حرم هم نداشته و از میقات گذشته و سپس تصمیم بر انجام عمره گرفته است می تواند از ادنیالحل محرم شود.

[۱۱]. آیه الله خامنه ای: یا محاذات آن. (مناسک حج، م ۸۲)

[۱۲]. آیه الله زنجانی: مگر آنکه گفته او برای شخص حاجی یا نوع حاج، اطمینان آور باشد ؛ و در هر حال، گفته اهل محل، معتبر است.

[۱۳] آیه الله بهجت: به حاشیه مسأله ۲۰۶ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و یا اینکه آنها ثقه باشند و مستندشان اخبار عرف محل باشد.

آیه الله خامنه ای، آیه الله مکارم: ظن حاصل از گفته اهل اطلاع کافی است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر ظن از این طریق هم ممکن نشود در اولین نقطه ای که احتمال محاذات با یکی از مواقیف را می دهد رجاء محرم شود و تلبیه بگوید و بعد در هر جاکه احتمال محاذات می دهد تجدید نیت کند و تلبیه را تکرار نماید تا یقین کند که در محاذات به میقات احرام بسته است.

نظریه سایر آیات عظام در مسأله ۲۰۶ گذشت.

[۱۴] آیه الله اردبیلی: کفایت احرام از محاذات مواقیف غیر از محاذی مسجد شجره مشکل است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احرام از رایغ با نذر صحیح است به اعتبار اینکه رایغ قبل از جحفه است.

آیه الله زنجانی: مگر برای کسی که از مواقیف پنج گانه و نزدیکی آنها عبور نمی کند.

[۱۵] آیه الله زنجانی: لازم نیست به مواقیف برود بلکه می تواند از حرم بیرون رفته، از آنجا محرم شد.

[۱۶] آیه الله سبحانی: در صورت ضرورت می توانند از ادنی الحل محرم شوند.

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب حتی اگر حج تمتع استحبابی باشد.

[۱۷]. آیه الله زنجانی: اگر در تأخیر احرام معذور بوده اند مطابق حاشیه مسأله ۲۱۵ و اگر معذور نبوده اند مطابق حاشیه مسأله ۲۱۰ عمل کنند.

[۱۸]. آیه الله بهجت: عبور از میقات بدون احرام جایز نیست و در صورت تجاوز، احرام از ادنی الحل برای قاصد عمره مفرده کافی است.

[۱۹]. آیه الله خامنه ای: واجب است برگردد و از همان میقاتی که از آن عبور کرده است محرم شود، چه میقات دیگری در جلو باشد یا نه. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۴۰)

آیه الله سبحانی: باید به یکی از مواقیع خمس برود و احرام ببندد و در صورت عدم توانایی برای عمره تمتع یا مفرده از ادنی الحل محرم شود و اعمال عمره را انجام دهد.

[۲۰]. تفصیل نظریه آیات عظام در این مسأله در ذیل مسأله ۲۱۰ و ۲۱۵ و ۲۲۲ گذشت.

آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط واجب هر قدر که می تواند به طرف میقات برگردد و سپس محرم شود.

آیه الله خامنه ای: مگر اینکه داخل مکه شده باشد که در این صورت وظیفه ای ندارد ولی اگر از روی عمد بدون احرام وارد مکه شده عمل حرام انجام داده و باید توبه کند. (استفتاء، ش ۳۴)

آیه الله سبحانی: می توانند از ادنی الحل محرم شوند.

[۲۱].

آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط واجب هر قدر که می تواند به طرف میقات برگردد و سپس محرم شود. □

□ آیه الله بهجت، آیه الله تبریزی: احوط این است که هر مقدار ممکن است به طرف میقات برود و محرم شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۲۲۵ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اولی این است که تا حد ممکن به طرف میقات رفته و محرم شود. (مناسک، مسأله ۱۶۹، فرع دوم) .

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب است به خارج حرم رفته و هر مقدار ممکن است به طرف میقات برود و محرم شود.

[۲۲]. آیه الله خامنه ای: مگر نایب باشد که باید به میقات برود، والا نمی تواند نایب شود. (مناسک حج، م ۵۷)

[۲۳]. آیه الله خویی: اگر حدود سه سال در جده می ماند که صدق مقرّ و منزل بر آن بکند، می تواند از جدّه محرم شود. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲۲ و ۳۲۰) .

آیه الله زنجانی: اگر مستقیماً به مکه می روند می توانند در جدّه یا هر نقطه از خارج حرم - مانند حدیبیه - محرم شوند و فرقی بین عمره مفرده و تمتع نیست.

آیه الله سبحانی: کسانی که در جده شاغل هستند چه در عمره تمتع و چه در عمره مفرده می توانند از ادنی الحل (مرزهای حرم) احرام ببندند و چه بهتر که از حدیبیه که محل بیعت رضوان است محرم شوند.

آیه الله سیستانی: می توانند از جده با نذر محرم شوند و کسی که منزلش از میقات به مکه نزدیک تر باشد می تواند از منزل احرام ببندد.

آیه الله فاضل: در عمره مفرده چون میقات ادنی الحل است می تواند از جدّه با نذر محرم شود.

آیه الله مکارم: برای عمره مفرده، می توانند مانند سایرین از حدیبیه که در ۵۰ کیلومتری مکه است محرم شوند.

تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۲۲۲ گذشت.

[۲۴]. آیه الله بهجت: از روی جهل یا عدم تقصیر. (مناسک شیخ، ص ۱۱) .

[۲۵]. آیه الله اردبیلی: در عمره مفرده واجب، چنانچه در مکه متوجه مسأله شده اند، بنابر احتیاط اکتفا به آن عمره نکنند.

آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: عمل آنان خالی از اشکال نیست و احتیاطاً در صورت امکان عمره را اعاده نمایند و این احتیاط نباید ترک شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: صحت عمره محل اشکال است.

آیه الله فاضل: در صورت جهل و نسیان، اگر بعد از اعمال حج متوجه شوند حجّ صحیح است و اگر بعد از عمره تمتع یا عمره مفرده متوجه شوند عمره باطل است و در عمره تمتع اگر وقت دارد و ممکن باشد، جبران کند و اگر وقت ندارد حجّ تمتع بدل به حجّ افراد می شود و در این صورت نیز کفایت از حجة الاسلام می کند.

[۲۶]. آیه الله زنجانی: بهتر است با احرام عمره مفرده وارد مکه شوند و پس از انجام عمره مفرده می توانند از مکه بیرون بروند و تا سی روز از احرام عمره مفرده نگذشته می توانند بدون احرام وارد مکه شوند؛ و فرقی بین جده و مدینه نیست و در زمانی که دیگر لازم نیست از مکه خارج شوند از خارج حرم - مانند تنعیم - احرام عمره تمتع می بندند.

[۲۷]. آیه الله اردبیلی: بلکه بنابر اقوی.

[۲۸]. آیه الله بهجت: خروج از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست برای کسی که اگر خارج شود فوت می شود حج از او در آن سال، و اظهر عدم اعتبار فاصله بین دو عمره است، اگرچه احوط و افضل است، و اگر بعد از عمره خارج از مکه و حرم و میقات شد و برگشت در غیر ماه احرام اولی، پس محتاج به احرام عمره است که آن را عمره تمتع قرار می دهد و برای عمره سابق انجام طواف نساء موافق احتیاط است. (مناسک شیخ، ص ۸۹ و ۹۰).

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۲۳۸ مراجعه شود.

آیه الله خویی: بیان احتیاط و عدم آن در مناسک ایشان نیامده است.

آیه الله سیستانی: اگر بین این عمره و حج، عمره دیگری فاصله نشود می توانند عمره تمتع انجام دهند و پس از آن اگر خوف فوت اعمال حج نداشته باشند می توانند برای کاری هر چند غیر ضروری خارج شوند. پس اگر در همان ماه قمري برگردند احرام مجدد لازم نیست و اگر ماه بعد باشد و نخواهند دوباره خارج شوند و در ماه بعد وارد شوند باید با احرام عمره تمتع وارد شوند و اگر باز هم بخواهند در ماه بعد وارد شوند باید اکنون با احرام عمره مفرده وارد شوند. □

□ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر حج تمتع بر آنها واجب باشد به قصد عمره تمتع محرم شوند و انجام عمره مفرده قبل از حج برای کسی که حج بر او واجب است یا نایب در حج بلد است اشکال دارد.

آیه الله فاضل: اگر بخواهند در ماهی که عمره انجام داده خارج شوند و در همان ماه برگردند، می توانند عمره تمتع انجام دهند، در این صورت فرقی نمی کند که بخواهند به مدینه بروند یا جدّه. و در این فرض باید بدون احرام مجدّد به مکه وارد شوند. اما اگر بخواهند در ماه بعد برگردند نباید عمره تمتع انجام دهند، بلکه عمره مفرده انجام دهند و برای آخرین بار که به مکه رجوع می کنند عمره تمتع انجام دهند.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: خدمه کاروان ها می توانند عمره تمتع را به جا آورند و از احرام خارج شوند و بعد برای انجام کارهای ضروری به جدّه یا مدینه و مانند آن بروند بشرطی که مطمئن باشند که به موقع به حج برسند.

[۲۹]. آیه الله سبحانی: در صورت عدم مرور از میقات یا محاذی آن، می توانند از ادنی الحلّ محرم شوند.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: همانطور که گذشت، برای عمره مفرده اگر از ادنی الحلّ محرم شود عمره اش صحیح است.

[۳۰]. آیه الله اردبیلی: اگر در همان ماه قمری برگردند لازم نیست که برای عمره مجدّد^۱ محرم شوند و اگر در ماه قمری دیگر باز می گردند باید محرم شوند، و فرقی بین رفتن به جدّه و مدینه یا به محل دیگر نیست.

آیه الله تبریزی: در ماهی که محرم شده اند تجدید احرام لازم نیست ولو به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: اگر در همان ماه قمری که محرم شده وارد شود تجدید احرام لازم نیست.

[۳۱]. آیه الله خامنه ای: چنانچه بخواهد در همان ماه که عمره را انجام داده به مکه مراجعه نماید، نیاز به احرام مجدّد ندارد. (مناسک حج، م ۶۹) □

□ آیات عظام خویی، سبحانی، سیستانی: حکم جدّه و مدینه یکی است و تا ماه هلالی که عمره مفرده را در آن انجام داده تمام نشود، می تواند بی احرام وارد مکه شود.

آیه الله مکارم: نیاز به محرم شدن از هیچ میقاتی نیست.

[۳۲]. تفصیل نظریه آیات عظام ذیل سؤال ۱۸۶ گذشت.

[۳۳]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

استفتائات ميقات

[۲۳۰] س - کساني که به علت عادت ماهانه نمي توانند داخل مسجد شجره مُحرم شوند بايد در خارج آن مُحرم شوند [۱] و در مُحَادي جُحْفه تجديد احرام نمايند ، با توجه به اينکه مُحَادي جُحْفه نقطه مشخصي نيست، وظيفه چيست؟

ج - مي توانند [۳] به جُحْفه بروند و در آنجا تجديد احرام کنند [۴]، و چنانچه حدود مُحَادات را تشخيص دهند و در تمام آن حد، با بقاي نيت، تلبيه را تکرار کنند کفايت مي کند.

[۲۳۱] س - جماعتي از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسيدن به قَرْنِ الْمَنَازِل، آنان را از راه وادي عقيق فرستادند و از راه قرن المنازل منع کردند و لذا در وادي عقيق مُحرم شدند، آيا احرام آنان چه صورت دارد؟

ج - صحيح است.

[۲۳۲] س - در مناسک مرقوم است که زن هاي حايض بايد [۵] عبوراً از مسجد شجره مُحرم شوند و اگر نمي توانند، در خارج مُحرم شوند و در مُحَادي جُحْفه تجديد احرام کنند، چون اين کار مشکل است و مُحَادي جحفه معلوم نيست، آيا حضرت امام اجازه مي فرمايند که اينگونه اشخاص در مدينه با نذر مُحرم شوند؟

ج - چون احرام قبل از ميقات با نذر صحيح است، زن هاي حايض که عذر شرعي از دخول مسجد دارند، مي توانند در مدينه با نذر براي عمره محرم شوند. [۶] و در اين صورت لازم نيست به مسجد شجره بروند، ولي نذر زن بايد با اِذن شوهر باشد. [۷]

[۲۳۳] س - زن حايضي که از مدينه عازم مکه بود، گمان مي کرد که در حال عبور در مسجد شجره مي تواند محرم شود و وظيفه اش را انجام دهد، ولي وقتي که به محوطه حياط مسجد رسيد، ديد به جهت ازدحام نمي تواند با عبور محرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند قدمي از مسجد فاصله گرفت و با نذر محرم شد، آيا کفايت مي کند يا خير؟

ج - اگر احراز کند که قبل از ميقات، با نذر محرم شده است مانع ندارد. [۸]

[۲۳۴] س - زن در حال حيض، به خيال اينکه مي تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام ببندد وارد مسجد شد و بلافاصله احرام بست و تلبيه را هم گفت و چند قدمي هم به طرف دري که مي خواست خارج شود رفت، ولي چون ديد نمي شود عبور کرد برگشت و از همان دري که وارد شده بود خارج شد، آيا احرامش چگونه است؟

ج - صحيح است. [۹]

[۲۳۵] س - يک نفر از حجاج به کلي شنوايي خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قاردر بر تکلم صحيح نيست، مسؤولين و ساير حجاج همراه، به اين موضوع توجه نداشته اند و اين آقا بدون نيت و تلبيه وارد مکه شده است، تکليف او و همراهانش چيست؟

ج - بايد به ميقات برگردد و با نيت و تلبيه محرم شود، هر چند با بردن همراه باشد و اگر نمي تواند به ميقات برود بايد در خارج حرم محرم شود [۱۰] و اگر نمي تواند تلبيه را صحيح بگويد، ولو با تلقين [۱۱]، احوط آن است که به هر نحو مي تواند بگويد و

ترجمه اش را نیز بگویند. [۱۲]

[۲۳۶] س - نظر به اینکه مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده و وسعت یافته است، آیا حجاج یا مُعْتَمِرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج - میقات در جحفه، خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می توانند محرم شوند و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از ادنی الحلّ صحیح است [۱۳] هر چند در مسجد نباشد. بنابراین در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول، و ادنی الحل در دوم، احرام اشکال ندارد.

[۲۳۷] س - در مناسک فرموده اید خدمه ای که می خواهند به مکه بروند و از مکه خارج شوند، در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده می روند، برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند باید در مسجد شجره محرم شوند برای عمره مفرده دیگر چنانچه میسر است، نکته علمی فرق میان جده و مدینه را بیان فرمایید؟

ج - فارق [۱۴]، عبور از میقات و عدم عبور است. [۱۵]

[۲۳۸] س - کسی که وسایلش در جحفه مانده است، آیا می تواند برای آوردن وسایل خود، از احرام خارج گردد، درحالیکه برای عمره تمتع محرم شده و وارد حرم گردیده است؟

ج - می تواند قبل از خروج [۱۶] از احرام عمره [۱۷]، برود و وسایل خود را بیاورد و اگر اعمال عمره تمتع را انجام داده و مُجَلّ شده است، نمی تواند از مکه خارج شود مگر در حال ضرورت، مُخَرَّماً به احرام حج علی الأحوط. [۱۸]

[۲۳۹] س - کسی از جده محرم شده و اعمال عمره تمتع را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

[۱۹] - اگر از رفتن به میقات معذور نبوده و وقت برای انجام عمره تمتع هست باید به میقات برود و محرم شود و عمره تمتع را اعاده کند، و اگر رفتن به میقات ممکن نیست به خارج حرم برود [۲۰] و از آنجا محرم شود. [۲۱]

[۲۴۰] س - آیا جایز است کسی که به احرام عمره تمتع در یکی از میقات ها محرم شده است به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز بیاید مکه؛ مثلاً از مسجد شجره به مدینه و بعد، از همان راه یا راه دیگر به مکه برود؟

ج - مانع ندارد.

[۲۴۱] س - بعد از اتمام حج تمتع؛ اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند آیا لازم است محرم شود یا خیر؟

ج - در صورتی که از وقت احرام عمره تمتع یک ماه نگذشته [۲۲] است لازم نیست محرم شود و می تواند بدون احرام وارد مکه شود.

[۲۴۲] س - کسی که عمره مفرده انجام داده است، آیا می تواند در فاصله کمتر از یک ماه، بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

[۲۳] - احتیاط آن است که به قصد رجاء [۲۴] برای عمره مفرده دیگر محرم شود و بدون احرام تجاوز نکند. [۲۵]

[۲۴۳] س - کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا می کند، آیا لازم است مُخَرَّماً وارد مکه شود یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج - مجنون تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

[۲۴۴] س - زن حیضی که نمی تواند صبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره محرم شد و بنا داشت محاذی جحفه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج - در صورت امکان [۲۶] باید برگردد و از جحفه یا محاذی آن محرم شود علی الاحوط [۲۷]، و اگر ممکن نیست از حرم خارج شود و از آنجا احرام ببندد. [۲۸]

[۲۴۵] س - اگر بعد از خروج از میقات، در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته یا نیت نکرده و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همانجا به میقات برگردد میسر نیست ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا می تواند بیاید مکه و به میقات برگردد یا باید از همانجا محرم شود؟

[۲۹] - اگر می تواند به میقات برگردد ولو از مکه، نمی تواند برای عمل واجب از غیر میقات محرم شود، ولی برای دخول مکه از ادنی الحل به نیت عمره مفرده محرم شود [۳۰] و بعد از اعمال آن، به یکی از مواقیت معروف برود و برای عمره تمتع احرام ببندد. [۳۱]

[۲۴۶] س - زن بدون اذن شوهرش نذر می کند و با نذر محرم می شود، آیا احرامش درست است و چنانچه با همان احرام اعمالش را به جا آورده باشد چگونه است؟

ج - اگر قبل از میقات محرم شده، احرام او صحیح نیست [۳۲]، اگر چه در صورتی که بعد از تمام شدن حج فهمید عملش صحیح است، ولی اگر بعد از عمره متوجه شد، در صورتی صحیح است که قابل جبران [۳۳] نباشد و در صورتی که می تواند، باید به میقات برود و از آنجا محرم شود و اگر نمی تواند به میقات برود، از خارج حرم احرام ببندد. [۳۴]

[۲۴۷] س - آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج - اشکال ندارد. [۳۵]

[۲۴۸] س - هرگاه حیض یا جنب عسیناً وارد مسجد شجره شود و مانند دیگران توقف نماید و محرم شود، آیا احرام او صحیح است یا نه؟

ج - احرام صحیح است. [۳۶]

[۲۴۹] س - کسانی که در مکه اقامت پذیرفته اند، موقتاً نه دائماً، آیا میقاتشان همان مواقیت خمسه معروفه است یا ادنی الحل؟

[۳۷] - اگر فریضه آنها تبدیل نشده، باید از مواقیت معروفه محرم شوند و اگر تبدیل شده میقات آنها مکه است.

[۲۵۰] س - شخصی بدون احرام، عمدتاً یا جهلاً یا سهواً وارد مکه شده و بعداً از جهت گرانی بیش از حد کرایه یا ممنوعیت از طرف دولت، نتوانست به میقات برگردد، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر ممکن نیست به میقات برود [۳۸]، از ادنی الحل باید محرم شود^[۳۹] مگر اینکه ترک احرام از میقات بدون عذر باشد، که در این صورت نمی تواند حج به جا آورد [۴۰] و اگر مستطیع است [۴۱] سال بعد باید حج انجام دهد و گرانی بیش از حد عذر نیست مگر موجب حرج باشد.

[۱]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۲۰۵ مراجعه شود.

[۲]. آیه الله اردبیلی: احرام در حال اختیار نیز در خارج از مسجد و در منطقه ذوالحلیفه جایز است و نیازی به تجدید احرام در جحفه نیست.

آیه الله تبریزی: می توانند در ذوالحلیفه محرم شوند و احتیاط واجب این است که از طرف راست یا چپ یا جلوی مسجد قدیم محرم شوند.

آیه الله خویی: احرام در منطقه ذوالحلیفه صحیح است. (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۳۴۲).

آیه الله سبحانی: می توانند از ذوالحلیفه محرم شوند و احتیاط واجب این است که از طرف راست یا چپ مسجد محرم شوند (کتاب الحج، ج ۲، ص ۴۷۵).

[۳]. آیه الله نوری: می توانند داخل مسجد شجره شوند و در حال عبور احرام ببندند و در مسجد توقف نکنند.

[۴]. آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: تجدید احرام لازم نیست.

[۵]. آیه الله خویی: احرام در خارج مسجد شجره صحیح است و نذر لزوم ندارد.

آیه الله فاضل: گذشت که اگر حیض و نفساء نتوانند تا وقت پاک شدن صبر کنند، باید نزدیک مسجد شجره محرم شوند و نیاز به تجدید احرام در جحفه نیست و نذر هم لازم نیست.

آیه الله نوری: و نیز می توانند در حال عبور محرم شوند؛ چنان که گذشت.

[۶]. آیه الله اردبیلی: همچنانکه می توانند در خارج از مسجد و در منطقه ذوالحلیفه محرم شوند.

آیه الله بهجت: اگر چه نایب باشند. (مناسک، س ۳۶).

آیه الله سیستانی: احرام آنها در خارج مسجد شجره نیز صحیح است.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: چون احرام در خارج مسجد شجره جایز است، از همانجا محرم می شوند.

[۷]. آیه الله اردبیلی: نذر زن در صورتی محتاج اذن همسر می باشد که منافات با حقوق او داشته باشد.

آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی، مکارم: اگر نذر زن مزاحم حق شوهر نباشد اجازه لازم نیست. □

□ آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: چنان که گذشت احرام در خارج مسجد شجره هم جایز است و تجدید تلبيه در جحفه لزومی ندارد ولی اگر بخواهند با نذر قبل از میقات محرم شوند، چنانچه احرام قبل از میقات منافاتی با حق شوهر نباشد مانعی ندارد والا باید به اذن شوهر باشد.

آیه الله خامنه ای: در صحت نذر زوجه برای احرام پیش از میقات در صورتی که شوهر او غایب باشد، اذن شوهر شرط نیست. ولی اگر حضور داشته باشد، احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد. و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر او منعقد نمی شود. (مناسک حج، م ۸۱).

آیه الله زنجانی: احرام در خارج مسجد کافی است و نذر مجوز احرام در غیر میقات نیست.

[۸]. آیه الله اردبیلی: در فرض مذکور احرام او کفایت می کند.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: می تواند از طرف راست یا چپ مسجد محرم شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با آنکه می تواند از پشت دیوار مسجد هم محرم شود نذر لازم نیست.

برای اطلاع از نظریه سایر آیات عظام به ذیل مسأله ۲۳۰ مراجعه شود.

[۹]. آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: صحت احرامش محل اشکال است.

[۱۰]. آیه الله اردبیلی: و به احتیاط واجب هر چه قدر که می تواند به سمت میقات بازگردد.

آیه الله بهجت: و بنابر احتیاط واجب باید تا مقدار ممکن از حرم دور شود. (مناسک شیخ، ص ۱۱).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به حاشیه مسأله ۲۱۵ مراجعه شود.

[۱۱]. آیه الله خامنه ای: به هر نحو که می تواند بگوید و احتیاط آن است که علاوه بر گفتن خودش نایب هم بگیرد. (مناسک حج، م ۱۰۳)

آیه الله زنجانی: باید برای گفتن تلبیه، نایب بگیرد و بنابر احتیاط مستحب، خود نیز به کامل ترین شکلی که می تواند - ولو با تلقین - تلبیه بگوید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ترجمه اش را بگوید و نایب هم بگیرد رجاء که از طرف او بهطور صحیح تلبیه را بگوید.

[۱۲]. آیه الله اردبیلی: اگر کسی قدرت بر تصحیح تلبیه ولو با تلقین را نداشته باشد، می تواند به ملحون اکتفا نماید، اگرچه احوط آن است که ترجمه آن را نیز بگوید و نایب نیز بگیرد، و نیز فرد گنگ و لال اگر با اشاره تلبیه بگوید کافی است، اگرچه احوط آن است که نایب نیز بگیرد.

آیه الله بهجت: می تواند احتیاط کند به جمع بین این و استنابه اگر چه جواز اکتفا به همان مقداری که می تواند با ضمّ ترجمه عبارت صحیحه خالی از وجه نیست مثل اکتفا به ترجمه در صورت عدم توانایی به هیچ مقدار و نیز اکتفا به استنابه با عدم قدرت بر ترجمه هم، کما اینکه لال اکتفا به تحریک لسان و اشاره به انگشت با عقد قلب می نماید و اگر ممکن نباشد استنابه می کند. (مناسک شیخ، ص ۱۳).

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد.

آیه الله خویی: اگر کسی قدرت بر تصحیح تلبیه ولو با تلقین نداشته باشد می تواند به ملحون اکتفا کند، گرچه احوط جمع بین ترجمه و استنابه نیز هست. و نیز اخرس (گنگ و لال) کافی است با اشاره تلبیه بگوید، گرچه احوط استنابه نیز هست. (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۳۶۱ و مناسک، مسأله ۱۷۹ و ۱۸۰).

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

آیه الله سیستانی: اگر تلقین میسور نبود کافی است به نحوی که می تواند بگوید، اگر عرفاً تلبیه صدق کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب هم مرادف عربی آن را و هم ترجمه آن را بگوید و هم نایب بگیرد.

آیه الله گلپایگانی: و نایب هم بگیرد رجاء^۱.

آیه الله مکارم: احوط این است که در این صورت نایب هم بگیرد.

[۱۳]. آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: ادنی الحل میقات عمره مفرده است.

[۱۴]. آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: گذشت که میان جدّه و مدینه فرق نیست بلکه فارق عنوان ماهی است که در آن خارج و داخل می شود.

[۱۵]. نظریه آیات عظام در ذیل مسأله ۲۲۹ گذشت.

[۱۶]. آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۲۲۹ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: در اثنای عمره، بنابر احتیاط نمی تواند خارج شود، مگر حاجتی داشته باشد.

آیه الله خویی: در اثنای عمره نمی تواند خارج شود مگر از روی حاجت.

آیه الله سیستانی: می تواند قبل از اتمام عمل، از مکه بیرون برود در صورتی که قدرت برگشتن به مکه را داشته باشد. (مناسک، مسأله ۱۵۲).

آیه الله فاضل: بنابر احتیاط واجب در اثنای عمل نیز نباید خارج شود. بلی اگر یقین یا اطمینان داشته باشد که خروج از مکه به حج او لطمه نمی زند مانعی ندارد که حتی بدون احرام نیز خارج شود، اگر چه احتیاط مستحب عدم خروج بدون احرام است. و در هر صورت چنانچه بدون احرام خارج شد و در همان ماه برگشت حج تمتع او صحیح است، اما اگر ماه بعد برگشت عمره اولش فاسد شده و باید مجدداً عمره تمتع انجام دهد والا حج تمتع او صحیح نیست.

آیه الله نوری: اگر اعمال عمره تمتع را انجام داده و مطمئن است که به حج در موقع خود می رسد، می تواند از مکه خارج شود و برگردد.

[۱۷]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب خروج از مکه در اثنای عمره تمتع جایز نیست.

آیه الله سبحانی: به احتیاط واجب در اثنای عمره خارج نشود بلی مثلاً بعد از احرام عمره در مسجد شجره می تواند به مدینه برگردد و با حالت احرام حوائج خود را برآورده کند لیکن اگر به مکه وارد شد و یا در اثنای عمره بدون ضرورت جدی خارج نشود مگر اینکه یقین به قدرت بر برگشتن و فاصله نشدن بیش از یک روز بین طواف وسعی داشته باشد.

[۱۸]. آیه الله اردبیلی: بلکه بنابر اقوی.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجان: مگر در فرض حاجت که باید محرم به احرام حج شده آن گاه خارج شود.

آیه الله خامنه ای: جایز است برای کسی که اطمینان دارد با خارج شدن از مکه حج او فوت نمی شود، بعد از انجام عمره تمتع و قبل از احرام حج از مکه بیرون رود اگر چه احتیاط مستحب آن است که فقط در مورد ضرورت و نیاز خارج شود. و برای ورود به شهر مکه نیاز به تجدید احرام عمره تمتع ندارد مگر اینکه در غیر ماهی که عمره تمتع را انجام داده است برگردد که در این صورت باید از میقات مجدداً برای عمره تمتع محرم شود، و عمره تمتع وی که متصل به حج می شود همین عمره تمتع دوم خواهد بود. (مناسک حج، م ۹۱ و ۹۳) □

□ آیه الله سیستانی: اگر بداند که می تواند به مکه برگردد و از آنجا احرام برای حج ببندد، اظهار جواز بیرون رفتنش از مکه بدون احرام است، و اگر نداند با احرام حج از مکه بیرون رود. (مناسک، م ۱۵۱) .

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بلی اگر رفتن به آنجا با احرام، برای او حرج باشد جایز است بدون احرام خارج شود.

آیه الله مکارم: و اگر بستن احرام برای حج و ماندن در احرام تا روز عرفه موجب عسر و حرج می شود لازم نیست.

[۱۹] آیه الله زنجانی: اگر از میقات و حوالی آن عبور نکرده احرامش صحیح است.

[۲۰] آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط واجب هر چه می تواند به سمت میقات برگردد؛ البته اگر احرام بستن از جده به علت جهل به مسأله و یا فراموشی باشد و پس از اتمام اعمال عمره تمتع متوجه شود، عمره او صحیح است.

آیه الله بهجت: با رعایت احتیاطی که گذشت در فاصله گرفتن از حرم به مقدار ممکن در جاهل غیر مقصر و یا سائر اعدار. رجوع شود به مسأله ۲۲۸.

[۲۱] آیه الله سبحانی: احتیاطاً از ادنی الحل احرام ببندد و اعمال عمره را دوباره انجام دهد.

[۲۲] آیه الله اردبیلی: اگر در همان ماه قمری که عمره تمتع را در آن انجام داده برگردد، لازم نیست محرم شود.

آیه الله بهجت: در این صورت عدم فاصله اگر ماه خروج با ماه مراجعت تغایر دارد احوط این است که با احرام برای عمره وارد مکه شود، اگر چه خروج در آخر ماهی و ورود در اوّل ماه دیگر باشد و همچنین است گذشتن سی روز با عدم تغایر ماه. (مناسک شیخ، ص ۹۰).

آیات عظام تبریزی، سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: در همان ماهی که محرم شده مراجعت کند لازم نیست محرم شود.

آیه الله خامنه ای: اگر در همان ماهی که اعمال حج را انجام داده است وارد شود احرام مجدد لازم نیست. (مناسک حج، م ۶۹)

آیه الله خویی: در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده، اگر برگردد لازم نیست محرم شود.

آیه الله زنجانی: اگر از احرام عمره تمتع سی روز نگذشته لازم نیست محرم شود.

آیه الله سیستانی: اگر در همان ماه قمری باشد که عمره تمتع را انجام داده است، لازم نیست محرم شود.

[۲۳]. رجوع شود به مسأله ۱۸۶.

آیه الله اردبیلی: اگر قصد داخل شدن به مکه و یا حرم را ندارد، لازم نیست احرام ببندد؛ همچنین اگر در همان ماه قمری که در آن عمره انجام داده به مکه و یا حرم باز گردد، احرام بستن لازم نیست.

آیه الله بهجت: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، سبحانی، مکارم: در صورتی که در همان ماه قمری که محرم شد، به مکه برود احرام مجدد لازم نیست.

آیه الله زنجانی: اگر از احرام عمره مفرده سی روز نگذشته لازم نیست احرام ببندد.

آیه الله سیستانی: مانند مسأله قبل است. بلی اگر عمره مفرده او به نیابت از دیگران بود، احتیاط واجب احرام بستن برای دخول به مکه یا حرم است.

[۲۴]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

[۲۵]. آیه الله خامنه ای: اگر در همان ماهی که احرام و اعمال عمره را انجام داده است وارد مکه شود عبور از میقات بلامانع است اما اگر احرام در ماهی و اعمال در ماه دیگر باشد پس اگر احرام وی در ماه رجب بوده و اعمال را در ماه شعبان انجام داده بنابر احتیاط واجب اگر در ماه شعبان مجدداً وارد مکه شود باید احرام ببندد. و رعایت این احتیاط در ماه های دیگر هم خوب است. (استفتاء، دستخط معظمله)

[۲۶]. آیه الله اردبیلی، آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۳۰ مراجعه شود.

[۲۷]. آیه الله خامنه ای: واجب است. (مناسک حج، م ۸۰)

[۲۸]. رجوع شود به مسأله ۲۳۰.

آیه الله بهجت: در صورتی که نتواند به میقات برگردد، همان احرام کفایت می کند. (پرسش های جدید حج).

آیه الله سبحانی: احرام در دو طرف مسجد شجره کافی است و در غیر این صورت باید به میقات برگردد و در صورت عدم تمکن به مقدار ممکن از حرم دور شود و احرام ببندد.

[۲۹]. آیه الله زنجانی: هر کجا که متوجه شد محرم می شود.

[۳۰]. آیه الله اردبیلی: بلکه بنابر احتیاط واجب، باید هر چه که می تواند به سمت میقات برگردد و از آنجا برای عمره مفرده محرم شود و اگر نمی تواند بازگردد، از همانجا که هست برای عمره مفرده احرام ببندد.

[۳۱]. آیه الله اردبیلی: احتیاط آن است که به یکی از مواقیت معروفه برود و برای عمره تمتع محرم شود و عمره مفرده ای که به جا آورده را عمره تمتع قرار ندهد.

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط اگر هر دو عمره در یک ماه انجام می شود به نیت یک شخص به جا نیآورد.

آیه الله خویی: فتوای ایشان در دست نیست ولی احتیاط موافق متن است.

آیه الله سبحانی: اما اگر طوری است که بعد از ورود به مکه فرصت کافی ندارد و یا اینکه مقدور نیست به میقات برود لازم است از حرم بیرون رفته و بنا بر احتیاط هرچه بتواند از حرم دور شود و به نیت همان عمره تمتع محرم شود.

آیه الله سیستانی: در این صورت لزوم رفتن به میقات برای احرام عمره تمتع و عدم کفایت احرام از ادنیالحل مبنی بر احتیاط است.

[۳۲]. آیه الله اردبیلی: چنانچه نذر زن با حق شوهر منافات داشته باشد، نذرش باطل است و احرامش صحیح نیست، وگرنه نذر و احرام صحیح است.

آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: در صورتی که نذر او منافاتی با حقّ شوهر نداشته باشد مانعی ندارد. (پرسش های جدید حج، س ۲۸).

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: اگر قبل از میقات محرم شده، چنانچه صحت حج توقف بر آن داشته یا آنکه منافاتی حق شوهر نبوده، احرامش صحیح است.

آیه الله خامنه ای: نذر زن برای احرام بستن قبل از میقات در غیاب شوهرش، موقوف بر اذن او نیست ولی در صورت حضور شوهر احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد و اگر بدون اذن
[شوهر نذر کند نذر او منعقد نمی شود. (مناسک حج، م ۸۱)]

آیه الله خویی، آیه الله مکارم: اگر نذر زن منافاتی حق شوهر باشد اذن معتبر است والا معتبر نیست.

[۳۳]. آیه الله اردبیلی: بلکه اگر بعد از عمره تمتع متوجه شد عمره تمتع او صحیح است و احتیاج به اعاده ندارد.

آیه الله فاضل: در صورتی که قابل جبران نباشد عمره تمتع صحیح نیست و باید حج افراد انجام دهد.

[۳۴]. آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود.

[۳۵]. آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود.

[۳۶]. آیه الله بهجت: اگر چه در توقف معصیت کرده است. (پرسش های جدید حج، س ۲۹).

آیه الله تبریزی: صحت احرام او محل اشکال است و باید تلبیه را به قصد احرام تجدید کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: چنانچه قصد قربت از او متمشی شود احرام صحیح است.

آیه الله مکارم: اگر عمد^۱ باشد خالی از اشکال نیست.

[۳۷]. آیه الله سبحانی: از نزدیک ترین میقات احرام ببندد و در صورت تعذر از ادنی الحل محرم شود.

[۳۸]. آیه الله زنجانی: چنانچه در ترک احرام معذور بوده خارج حرم محرم می شود و اگر معذور نبوده...

[۳۹]. آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط واجب باید هر چقدر که می تواند به سمت میقات برگردد و فرقی نمی کند که بدون عذر احرام از میقات را ترک کرده باشد یا با عذر.

آیه الله بهجت: لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود، و احتیاط واجب در این صورت، این است که هر چه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد.

آیه الله تبریزی: در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود و احوط در این صورت این است که هر چه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد و اگر نتواند از حرم بیرون برود در همان مکانی که هست محرم شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۲۱۰ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود و اولی در این صورت این است که هر چه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد و اگر نتواند از حرم خارج شود هر جا هست محرم شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب است تا حد امکان به سمت میقات برود.

آیه الله فاضل: پس از زوال عذر و یادآوری، اگر برگشتن به میقات ممکن باشد برمی گردد والا احرام از همانجا ببندد، اگرچه احوط آن است به هر مقدار که می تواند به میقات برگردد.

[۴۰]. آیه الله بهجت: در این صورت بنابر احتیاط واجب از حرم بیرون رفته و از بیرون حرم احرام ببندد و باید عمره را قضا نماید. (مناسک، مسأله ۱۶۸) به ذیل مسأله ۲۱۰ و ۲۱۵ مراجعه شود.

آیه الله خویی: در این فرض اگرچه معصیت کار است ولی اگر در صورت امکان به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود، صحت حج او مانند فرض اول خالی از وجه نیست، کما اینکه در هر دو فرض اگر نتواند از حرم خارج شود و در داخل حرم محرم شود اشکال ندارد. (مناسک، مسأله ۱۶۸).

آیه الله سیستانی: مگر اینکه از میقات محرم شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اقوی بطلان عمره یا حج است، اگرچه احوط احرام از ادنی الحل است و در سال بعد باید قضا کند.

آیه الله مکارم: هر چند احتیاط مستحب آن است که از ادنی الحل یا هر جا که می تواند محرم شود و حج را به جا آورد و سال آینده طبق آنچه در متن آمده عمل کند.

[۴۱]. آیه الله خامنه ای: یا حج بر او مستقر شده است. (مناسک حج، م ۸۸)

فصل دوم: واجبات احرام

[۲۵۱] م - واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اول - نیت^[۱]، یعنی انسان در حالی که می خواهد محرم شود به احرام عمره تمتع، نیت کند عمره تمتع را و لازم نیست^[۲] قصد کند ترک محرماتی را که بر محرم پس از احرام، حرام می شود، بلکه کسی که به قصد عمره تمتع یا حج تمتع لبیک های واجب را گفت، محرم می شود؛ چه قصد بکند احرام را یا نکند^[۳] و چه قصد بکند ترک محرمات را یا نکند. پس کسی که می داند ارتکاب می کند بعضی محرمات را؛ مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام او صحیح^[۴] است. ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک محرمات را.

[۲۵۲] م - آنچه ذکر شد که: لازم نیست^[۵] قصد کند ترک محرمات را، در غیر آن محرماتی است که عمره یا حج را باطل می کند؛ مثل اکثر محرمات و اما آنچه عمره یا حج را باطل می کند؛ مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد پس با قصد [۶] ارتکاب آن، احرام باطل است بلکه غیر ممکن است.^[۷]

[۲۵۳] م - عمره و حج و اجزای^[۸] آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت^[۹] خداوند تعالی به جا آورد.^[۱۰]

[۲۵۴] م - اگر عمره را به ریا یا غیر آن باطل کند^[۱۱]، احتیاط^[۱۲] واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره مفرده به جا آورد و در سال دیگر حج را اعاده کند.^[۱۳]

[۲۵۵] م - اگر حج را به نیت خالص به جا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند^[۱۴]، باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

[۲۵۶] م - اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند، پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد، عملش صحیح می شود، گرچه معصیتکار است.^[۱۵]

[۲۵۷] م - اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر، به جای نیت عمره تمتع، حج تمتع را قصد کند، پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه به جا می آورند او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش: حج تمتع است ظاهراً عمل او صحیح است و عمره تمتع است و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

[۲۵۸] م - اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر، گمان کند که حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند به عزم اینکه پس از احرام برود به عرفات و مشعر و حج به جا آورد و عمره را پس از آن به جا آورد، احرام او باطل است^[۱۶] و باید در میقات تجدید احرام کند و اگر از میقات گذشته است باید در صورت امکان برگردد به میقات و محرم شود والا از همانجا محرم شود^[۱۷] و اگر وارد حرم شده و ملتفت شد باید در صورت امکان از حرم خارج شود^[۱۸] و محرم شود، و الا در همانجا محرم شود.^[۱۹]

[۲۵۹] م - دوّم - تلبیه؛ یعنی لبیک گفتن^[۲۰]، و صورت آن بنابر اصح، آن است که بگوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»^[۲۱].

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب [۲۲] آن است که پس از آنکه چهار «لَبَّیک» را به صورتی که گفته شده گفت، بگوید:

«إِنَّ [۲۳] الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكُ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ [۲۴].»

و اگر بخواهد احتیاط [۲۵] بیشتر بکند، پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ [۲۶] إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ.»

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَقَارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ الثَّلَاثِيَّةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَ مَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعَمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكَرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ.»

و این جملات را نیز بگوید خوب است: [۲۷]

«لَبَّيْكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُنْعَةٌ إِلَيَّ الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ الثَّلَاثِيَّةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْيِيَةً تَمَامُهَا وَ بَلَاغُهَا عَلَيْكَ.»

[۲۶۰] م - واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیر الاحرام در نماز واجب است. [۲۸]

[۲۶۱] م - اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند [۲۹] باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند [۳۰]؛ یعنی کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او بهطور صحیح بگوید.

[۲۶۲] م - اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید [۳۱]، احتیاط آن است که به هر نحو که می تواند بگوید [۳۲]، و ترجمه اش را هم بگوید و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب [۳۳] هم بگیرد.

[۲۶۳] م - اگر لبیک گفتن را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم نگفت، واجب است برگردد به میقات در صورت امکان و احرام ببندد و لبیک بگوید و اگر نتواند برگردد همانجا [۳۴] بگوید اگر داخل حرم نشده است، و اگر داخل حرم شده واجب است برگردد به خارج [۳۵] حرم و احرام ببندد و لبیک بگوید [۳۶] و اگر ممکن نیست همانجا [۳۷] محرم شود و لبیک بگوید [۳۸]، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران، یادش آمد [۳۹] بعید نیست صحت عمل. [۴۰]

[۲۶۴] م - اگر کسی لبیک واجب را نگفت، چه به واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می شود به جا آورد، کفاره ندارد و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

[۲۶۵] م - اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع [۴۱]، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید، فراموش کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است و احتیاط مستحب [۴۲] در تجدید تلبیه است.

[۲۶۶] م - جایز نیست [۴۳] لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد و اگر تأخیر انداخت [۴۴] باید به دستوری که در مسأله ۲۱۵ ذکر شد، عمل کند. [۴۵]

[۲۶۷] م - واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چند می تواند و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی [۴۶] است بگوید «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تکرار کند «لَبَّيْكَ» را فقط.

[۲۶۸] م - [۴۷] احتیاط واجب [۴۸] آن است که کسی که برای عمره تمتع محرم شد، در وقتی که خانه های مکه پیدا می شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید [۴۹] و مراد از خانه های مکه خانه هایی است که در زمانی که عمره به جا می آورد، جزو مکه باشد [۵۰] هر چند مکه بزرگ شود [۵۱] و احتیاط واجب [۵۲] برای کسی که احرام حج بسته آن است که لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

[۲۶۹] م - سَوم - پوشیدن دو جامه احرام برای مردان [۵۳] که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند. و احتیاط واجب [۵۴] آن است که [۵۵] این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بیوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط [۵۶] آن است که لبیک را دوباره بگوید.

[۲۷۰] م - لازم نیست [۵۷] که لنگ، ناف و زانو را بیوشاند و کفایت می کند که به نحو متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف و زانو را بیوشاند.

[۲۷۱] م - در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی [۵۸] بیوشد مانع ندارد [۵۹]، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد و احتیاط مستحب [۶۰] آن است که رداء شانه ها را بیوشاند. [۶۱]

[۲۷۲] م - احتیاط واجب [۶۲] آن است که در حال اختیار اکتفا نکنند [۶۳] به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را رداء قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند.

[۲۷۳] م - در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب [۶۴] آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند [۶۵] و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

[۲۷۴] م - شرط است [۶۶] در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی کند جامه حریر و غیر مأكول [۶۷] و جامه ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

[۲۷۵] م - لازم است جامه ای را که لنگ قرار می دهد نازک نباشد، بهطوری که بدنما باشد و احتیاط مستحب [۶۸] آن است که رداء هم بدنما نباشد. [۶۹]

[۲۷۶] م - احتیاط واجب [۷۰] آن است که لباس احرام زن، حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نپوشد.

[۲۷۷] م - دو جامه ای که ذکر شد که باید محرم بیوشد مخصوص به مرد است [۷۱]، ولی زن می تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود؛ چه دوخته باشد یا نباشد [۷۲]، ولی حریر محض نباشد [۷۳] چنانچه گذشت.

[۲۷۸] م - احتیاط واجب [۷۴] آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه [۷۵] نجس شود [۷۶] تطهیر یا تبدیل نماید [۷۷] و احوط [۷۸] مبادرت [۷۹] به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

[۲۷۹] م - اگر تطهیر نکند جامه احرام یا بدن را، کفاره ندارد. [۸۰]

[۲۸۰] م - احتیاط آن است که [۸۱] جامه احرام از پوست [۸۲] نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد.

[۲۸۱] م - لازم نیست [۸۳] که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود [۸۴] مانع ندارد.

[۲۸۲] م - افضل آن است که محرم اگر جامه احرام را عوض کرده، وقتی که وارد مکه می شود برای طواف همان جامه ای را که در آن محرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است. [۸۵]

[۲۸۳] م - اگر محرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن [۸۶] می تواند قبا و پیراهن بپوشد [۸۷]، لیکن باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش ببندد و دست از آستین آن بیرون نیاورد و احوط [۸۸] آن است که پشت و رو نیز بکند و پیراهن را نیز باید به دوش ببندد و نپوشد [۸۹] و اگر اضطرار رفع نمی شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن، می تواند بپوشد. [۹۰]

[۲۸۴] م - لازم نیست جامه احرام را همیشه در برداشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند، بلکه جایز است برای حاجت [۹۱] هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود.

[۲۸۵] م - شخص محرم می تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر. [۹۲]

[۲۸۶] م - اگر لباس احرام را عمدتاً نپوشد [۹۳] یا لباس دوخته در حالی که می خواهد محرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی رساند [۹۴] و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.

[۲۸۷] م - گره زدن لباس احرام اشکال ندارد [۹۵] ولی احتیاط واجب [۹۶] آن است که آن را که لنگ قرار داده به گردن گره نزد و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی رساند و چیزی هم بر او نیست و سنگ در جامه احرام گذاشتن و بانخ بستن نیز جایز [۹۷] است.

[۲۸۸] م - شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حیض و نفاس مستحب است.

[۲۸۹] م - اگر پیراهن بپوشد بعد از آنکه محرم شد، لازم است که پیراهن را شکاف دهد [۹۸] و از پایین بیرون آورد، ولی اگر در پیراهن محرم شود [۹۹] لازم نیست شکاف دهد [۱۰۰] و از پایین بیرون آورد، و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد [۱۰۱] و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

[۲۹۰] م - اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همه واجبات [۱۰۲] و نتواند جبران [۱۰۳] کند احتیاط در بطلان [۱۰۴] عمره او است، اگرچه صحت آن به نظر بعید نیست [۱۰۵] ولی اگر اعمال حج را هم تمام کرد و یادش آمد عملش صحیح است. [۱۰۶]

[۱]. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: در نیت چند چیز معتبر است:

الف) قصد قربت (نزدیکی به خدا) مانند عبادات دیگر غیر از احرام.

آیه الله بهجت: قصد قربت یعنی به جهت اطاعت و امتثال فرموده خداوند عالم. (مناسک شیخ، ص ۱۲). [۰]

(ب) همزمان بودن با شروع در احرام.

(ج) تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج و تعیین حج که تمتع است یا قران یا افراد، و تعیین اینکه برای خود است یا برای دیگری و تعیین اینکه حش حجة الاسلام است که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده یا حج نذری است که به سبب نذر بر او واجب شده یا حجي است که به سبب فاسد بودن حج قبل بر او واجب شده یا حجي مستحبي است. خلاصه هر یک از اینها که باشد باید در نیت مشخص شود. پس اگر بدون تعیین نیت، احرام نمود، احرامش باطل خواهد بود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حجة الاسلام عنوان قصدي نیست و اگر مکلف مستطیع برای خود حج به جا آورد حجة الاسلام است مگر با علم و عمد قصد حج استحبابی نماید.

آیه الله خامنه ای: اول - نیت، که شرایط و کیفیت آن به شرح ذیل است:

الف) قصد انجام اعمال حج یا عمره، بنابراین کسی که می خواهد برای عمره تمتع محرم شود. باید از زمان احرام قصد انجام آن را داشته باشد. (مناسک حج، م ۹۵)

ب) قصد قربة الي الله و نیت خالص برای اطاعت خداوند داشته باشد، زیرا عمره و حج و همه اعمال و مناسک آنها عبادت هستند و باید به قصد تقرب و نزدیکی به خداوند تبارک و تعالی به جا آورده شوند. □

□ ج) کسی که می خواهد محرم شود باید هنگام احرام قصد و نیت خود را تعیین کند یعنی معین کند که آیا قصد انجام حج دارد یا عمره، و همچنین مشخص کند که آیا حج تمتع است یا افراد یا قران، حج را برای خود به جا می آورد یا به نیابت از دیگری، حجة الاسلام است یا حج نذری و یا حج مستحب. (مناسک حج، م ۹۷)

- نیت باید همراه با احرام بستن باشد، بنابراین نیت قبلي کفایت نمی کند مگر آنکه تا زمان احرام استمرار داشته باشد. (مناسک حج، م ۱۰۰)

آیه الله زنجانی: در نیت احرام، سه امر معتبر است: الف) قصد عمره یا حج ؛ ب) تعیین نوع عمره و حج ولو به نحو اجمال، و اگر نیایی باشد قصد نیابت و تعیین منوب عنه نیز لازم است ؛ ج. قصد قربت و خلوص. در نیت احرام رعایت چند امر دیگر نیز لازم است: ۱. وجود ارتکازی نیت، کافی نیست بلکه لازم است چنین معنایی را از قلب خود بگذارند که «خود را محرم می کنم - مثلاً - به عمره تمتع» ؛ ۲. در نیت احرام عمره تمتع، لازم است قصد انجام مناسک عمره و حج را داشته باشد و عمره تمتع را به عنوان بخشی از مجموعه عمره و حج به جا آورد. و در صحت احرام پسر ممیز - یعنی بچه ای که خود محرم می شود - شرط است که ختنه کرده باشد.

آیه الله سبحانی: عمره و حج دو عمل عبادی هستند که نزد خداوند دارای منزلت و احترام خاصی می باشند و احرام دروازه ورود به این مناسک است بنابراین نیت احرام این است که قصد کند: ورود در این عبادتی که نزد خدا از احترام خاصی برخوردار است و ترک یک رشته امور به نام محرمات احرام برای حفظ حریم این عبادات ؛ به هنگام نیت قصد ترک آن ها لازم نیست.

آیه الله سیستانی: در نیت معتبر است قصد قربت و وقوع آن در میقات و مانند آن و مشخص نمودن عبادتی که قصد احرام برای آن دارد، که آیا حج است و یا عمره و تعیین حج که تمتع است یا قران یا افراد و در صورت نیابت باید آن را قصد کند و اگر برای خودش باشد کافی است که قصد انجام آن از غیر ننماید و در عمل نذری کافی است که آنچه نذر نموده بر عملش منطبق باشد و لزومی ندارد قصد کند حجي را که انجام می دهد - مثلاً - حج نذری است، همچنان که برای اینکه حجي که انجام می دهد حجة الاسلام باشد، کفایت می کند که حجة الاسلام که بر او واجب شده بر عملش منطبق باشد و نیاز به قصد زایدی نیست.

(مناسک، مسأله ۱۷۶) .

[۲]. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: لازم است قصد کند ترک کارهایی را که بر محرم حرام است.

آیه الله سبحانی: نیت احرام قصد دخول در عمره یا حج است که باید با قصد قربت انجام گیرد. قصد ترک محرمات لازم نیست. (کتاب الحج، ج ۲، ص ۶۹۲) .

آیه الله مکارم: نیت احرام این است که قصد می کند تروک احرام را بر خود حرام کند و قصد اجمالی کافی است.

[۳]. آیه الله اردبیلی: چون احرام جزء عمره و حج است، کسی که قصد حج یا عمره می کند، قصد احرام هم کرده است.

[۴]. آیه الله مکارم: احرام او خالی از اشکال نیست مگر در حال ضرورت.

[۵]. چنان که گذشت، آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: قصد ترک جمیع محرمات را لازم می دانند.

[۶]. آیه الله تبریزی: در صحت احرام، عزم بر ترک محرمات، از اول تا آخر احرام معتبر نیست.

آیه الله خویی: بنابر قول مشهور (نسبت به جماع قبل از سعی در عمره مفرده، فتواست) .

آیه الله سیستانی: فقط در حین احرام عمره مفرده، اگر مکلف قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند یا تردید دارد که این کار را بکند یا نه، ظاهر این است که احرامش باطل است و بنابر احتیاط حکم استمنا هم همین است. (مناسک، مسأله ۱۷۸) .

[۷]. آیه الله خامنه ای: زیرا قصد انجام این امور با قصد انجام مناسک حج قابل جمع نیست، بلکه با قصد احرام منافات دارد. (مناسک حج، م ۹۷)

آیه الله زنجانی: بنابراین هنگام احرام عمره مفرده اگر مکلف، قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند یا در این کار تردید داشته باشد احرامش باطل است.

[۸]. آیه الله نوری: و همچنین احرام.

[۹]. آیه الله سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

[۱۰]. آیه الله نوری: و باید نیت آن را داشته باشد که بعد از عمره تمتع حج تمتع را انجام بدهد.

[۱۱]. آیه الله زنجانی: کسی که «احرام را باطل کند» اصلاً محرم نشده است و کسی که «به عمره مفرده محرم شده» و با مباشرت قبل از پایان سعی، عمره را باطل کرده است، باید یک شتر قربانی کند و تا اول ماه بعد در مکه بماند و به میقات منطقه خویش برود و عمره مفرده دیگری به جا آورد. و کسی که «به عمره تمتع محرم شده» ولی وقت عمره تمتع، تنگ شده، باید نیت خود را به حج افراد برگرداند و اعمال حج افراد و پس از گذشتن روز سیزدهم، عمره مفرده به جا آورد - هر چند عمره تمتع او استحبابی بوده است - و اگر در این تأخیر، معذور نباشد کفایت از حجة الاسلام نمی کند.

آیه الله سبحانی: باید عمره تمتع را مجدداً به جا آورد.

[۱۲] آیه الله فاضل: و جبران آن ممکن نشود و وقت نباشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به وظیفه ای که بعداً برای باطل کننده عمره یا حج خواهد آمد عمل نماید.

[۱۳] آیه الله اردبیلی: و البته این حکم در موردی است که وقت برای اعاده عمره تمتع نداشته باشد.

آیه الله بهجت: اگر وقت تنگ باشد و نتواند پیش از حج اعاده و یا جبران کند، حج او افراد می شود و عمره مفرد پس از حج به جا می آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده. (مناسک شیخ، ص ۱۶ و ۵۶).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر عمره را باطل کند، در صورت امکان واجب است اعاده آن و اگر ممکن نبود حجش باطل می شود و باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

[۱۴] آیه الله زنجانی: اگر احرام حج را باطل کرده که اصلاً محرم نشده است و اگر بعد از محرم شدن با ترک ارکان حج یا ریائی انجام دادن، حج را باطل کرده است مطابق مسأله ۹۸۷ و حاشیه آن عمل کند.

[۱۵] آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل و مسأله ۹۸۷ مراجعه شود.

[۱۶] آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

[۱۷] آیه الله اردبیلی: و گذشت که بنابر احتیاط واجب هر مقدار که می تواند به سمت میقات برگردد و محرم شود و همچنین اگر وارد حرم شده باشد.

آیه الله خامنه ای: و بنابر احتیاط واجب به هر مقدار که ممکن باشد به طرف میقات برگردد. (مناسک حج، م ۸۵)

[۱۸]. آیه الله سبحانی: و به ادنی الحل برود

[۱۹]. احکام این صور در ذیل مسأله ۲۱۵ گذشت.

[۲۰]. آیه الله خامنه ای: تلبیه در احرام، همانند تکبیرة الاحرام در نماز است، بنابراین هنگامی که حاجی تلبیه بگوید، محرم می شود و اعمال عمره تمتع را آغاز می کند. در حقیقت، تلبیه به منزله اجابت دعوت پروردگار مهربان است که مکلفان را به حج فرا خوانده است، از این رو شایسته است که ذکر تلبیه با خضوع و خشوع کامل ادا شود. (مناسک حج، م ۱۰۱)

[۲۱]. آیه الله زنجانی: و به این مقدار اکتفا نکند؛ بلکه باید پس از آن بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ» و گفتن «لَبَّيْكَ» پنجم واجب نیست هر چند ضرر هم نمی زند، و شخص با گفتن مقدار واجب از تلبیه، محرم می شود و بر او واجب می شود عمره تمتع را تکمیل کرده، پس از آن حج تمتع را به جا آورد؛ هر چند عمره و حج او استحبابی باشد.

[۲۲]. آیه الله اردبیلی: بلکه احتیاط واجب آن است که پس از آن اضافه کند: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.»

آیه الله بهجت: احتیاط واجب این است.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: صورت تلبیه واجب، که به وسیله آن احرام واقع می شود این است: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ و احتیاط در این است این جمله اضافه شود: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.»

آیه الله سیستانی: لبیک پنجم جایز است ولی جزو این احتیاط استحبابی نیست.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب است که بگوید:.... امَّا لَبَّيْكَ پنجم را نگوید.

[۲۳] آیه الله بهجت: وجوب کسر همزه انّ متّجه است. (مناسک، ص ۷۴) .

[۲۴] آیه الله سبحانی: احتیاط مستحب این است که این جمله را به دو صورت یعنی هم با اضافه کردن « لبیک » به آخر آن و هم بدون کلمه « لبیک » در آخر بگوید.

[۲۵] آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که به جای صورت اوّل بگوید.

[۲۶] آیه الله خامنه ای: لبّیک اللهم لبّیک إنّ الحمد... (مناسک حج، م ۱۰۱)
آیه الله سبحانی: در این فقره اقوی این است که جمله «لا شریک لک لبّیک» گفته شود.

[۲۷] آیه الله خامنه ای: در مناسک معظم له نیست. (مناسک حج، م ۱۰۱)

[۲۸] آیه الله خامنه ای: در مناسک معظم له این دو مسأله نیز مطرح شده است:

- هرگاه کسی عمد^۱ تلبیه را نگوید، حکم کسی را دارد که عمد^۱ احرام بستن از میقات را ترک کرده باشد. (مناسک حج، م ۱۰۴)
- هرگاه کسی تلبیه را بهطور صحیح نگوید و عذری نیز نداشته باشد، حکم کسی را دارد که عمد^۱ تلبیه را ترک کرده باشد. (مناسک حج، م ۱۰۵)

[۲۹]. آیه الله زنجانی: چنانچه وقت احرام بستن وسعت دارد - در صورت امکان - باید احرام را تا تنگی وقت به تأخیر بیندازد تا آن را یاد بگیرد یا لااقل با تلقین تلبیه را بهطور صحیح ادا کند.

[۳۰]. آیه الله سبحانی: اگر هیچ کدام از آن ها ممکن نیست هر مقدار که می تواند بگوید.

[۳۱]. آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

[۳۲]. آیه الله اردبیلی: بلکه وظیفه او همین است، گرچه بهتر است ترجمه آن را هم بگوید و نایب نیز بگیرد.
آیه الله فاضل: و ظاهراً همین مقدار کافی است و احتیاط مستحب آن است که ترجمه را بگوید و نایب نیز بگیرد.

[۳۳]. آیات عظام بهجت، خویی، زنجانی: به ذیل مسأله ۲۳۵ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، سبحانی، مکارم: احوط این است که نایب هم بگیرد.

آیه الله خامنه ای: باید به هر نحو که می تواند بگوید و بنابر احتیاط نایب هم بگیرد. (مناسک حج، م ۱۰۳)

آیه الله سیستانی: کافی است به نحوی که می تواند بگوید، اگر عرفاً صدق تلبیه کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب، هم مرادف عربی و هم ترجمه آن را بگوید و نیز نایب بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر تلقین ممکن نشد به هر طوری که می تواند بخواند و ترجمه اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید و نایب هم بگیرد رجاء^۱، که از طرف او بهطور صحیح بخواند. (مناسک فارسی، ص ۲۹).

آیه الله نوری: نایب گرفتن لازم نیست.

[۳۴]. آیه الله خامنه اي: بنابر احتیاط واجب هر مقدار که ممکن باشد به طرف میقات برگردد و احرام ببندد و لبّیک بگوید.
(مناسک حج، م ۸۵)

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب به مقداري که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.
آیه الله فاضل: احرام ببندد و لبّیک بگوید.

[۳۵]. آیه الله سبحانی: به ادنی الحل.

[۳۶]. تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۲۱۵ گذشت.

[۳۷]. آیه الله سبحانی: از همان جا که مسأله را یاد گرفته.

[۳۸]. آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط واجب در جمیع صور هر قدر که می تواند به سمت میقات باز گردد.

[۳۹]. آیه الله زنجانی: اگر در عمره تمتع باشد باید احتیاطاً حج تمتع نیز به جا آورد و برای حج واجب به این عمل اکتفا نکند و اگر در حج تمتع باشد مطابق مسأله ۹۴۷ تا ۹۴۹ و حواشی آن عمل کند.

[۴۰]. آیه الله اردبیلی: اگر پس از اتمام عمره تمتع فهمید، عمره اش صحیح است ولی اگر پیش از آن فهمید، باید احرام را به همان نحو که گفته شد تجدید نماید و اگر فرصت ندارد، حج افراد به جا آورد و مجزی از حجة الاسلام است.

آیه الله بهجت: محل تأمل است. (مناسک شیخ، ص ۱۲).

چون نظریه آیات عظام این است که کسی که تلبیه را ترک نماید محرم نمی شود لذا تفصیل این مسأله را باید در ذیل مسأله ۲۱۰ و ۲۱۵ جستجو کرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: صحت عمل خالی از اشکال نیست.

آیه الله سیستانی: اگر در عمره باشد صحت عمل مورد اشکال است.

آیه الله فاضل: اگر بعد از اعمال حج یادش آمد حج او صحیح است. ولی اگر بعد از عمره تمتع یا عمره مفرد یادش آمد عمره باطل است، و در عمره تمتع اگر فرصت دارد و امکان جبران دارد باید به میقات ولو به ادنیالحل برگردد و جبران کند و اگر امکان جبران نبود حج افراد انجام دهد، و در این صورت کفایت از حجة الاسلام می کند.

آیه الله مکارم: اگر بعد از اتمام حج یا عمره یادش بیاید، عمل او صحیح است.

[۴۱]. آیه الله زنجانی: اگر احتمال می دهد هنگام احرام، متوجه وظیفه خود بوده بنا بگذارد که مطابق وظیفه خود نیت کرده است، و همچنین است حکم احرام حج تمتع.

[۴۲]. آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی: در هر دو صورت اگر داخل در عمل مترتب مثل طواف عمره تمتع یا وقوف به عرفات شده، حکم به صحت می شود و در غیر این صورت باید اعاده نماید.

[۴۳]. آیه الله خویی: کسی که می خواهد از راه مدینه به حج برود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء (جایی که یک میل با ذوالحلیفه به طرف مکه فاصله دارد) تأخیر بیندازد و در آنجا تلبیه بگوید و کسی که از راه دیگر به حج می رود تلبیه را پس از قدری راه رفتن بگوید.

[۴۴]. آیه الله سبحانی: باید مانند کسی که بدون احرام از میقات عبور کرده عمل کند و حکم آن در مسأله ۲۱۵ گذشت.

[۴۵]. آیه الله زنجانی: و در تأخیر بدون عذر به مسأله ۲۱۰ و حاشیه آن عمل کند.

[۴۶]. آیه الله مکارم: به قصد رجاء.

[۴۷]. آیه الله سبحانی: تکرار لبیک در میقات تا دیدن خانه های مکه در عمره تمتع و در حج تا نزدیکی های ظهر عرفه و در عمره مفرده تا دخول حرم و اگر از ادنی الحل محرم شده است تا دیدن کعبه مستحب است.

[۴۸]. آیات عظام تبریزی، خامنه ای، خویی، زنجانی، سبحانی، فاضل، مکارم: واجب است.

[۴۹]. آیه الله زنجانی: در عمره تمتع بعد از مشاهده خانه های مکه، دیگر تکرار تلبیه، مستحب نیست و منظور از مکه در این مسأله محدوده مکه زمان پیامبر اکرم ۹ است و در احرام حج، تکرار تلبیه تا ظهر روز عرفه مستحب است و بعد از آن مستحب نیست.

[۵۰]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط.

[۵۱]. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی: بلکه مراد خانه های قدیمی مکه است.

[۵۲]. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، فاضل، مکارم: باید قطع نماید.

آیه الله خامنه ای: واجب است.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسأله نشده اند.

[۵۳]. آیه الله سبحانی: احتیاط لازم آن است که زنان نیز علاوه بر جامه هایی که بر تن دارند این دو جامه را بپوشند و طواف وسعی را با آن دو انجام دهند.

آیه الله صافی: احتیاط مستحب آن است که زن ها نیز دو جامه احرام را در وقت محرم شدن بپوشند و در طواف و سعی نیز همراه داشته باشند.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که زن ها نیز دو جامه احرام را هنگام محرم شدن بپوشند.

آیه الله گلپایگانی: پوشیدن دو جامه احرام اختصاص به مردان ندارد و احتیاط واجب آن است که زن ها نیز دو جامه را بپوشند، اگر چه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه احرام را بیرون بیاورند و با همان لباس خودشان باشند و بهتر آن است که در حال سعی و طواف دو جامه احرام را در برداشته باشند. (مناسک فارسی، ص ۲۸).

[۵۴]. آیه الله بهجت: واجب است پوشیدن دو جامه در حال احرام، و محل پوشیدن، از باب مقدمه قبل از نیت و تلبیه است و احتیاط در صورت تاخیر پوشیدن در اعاده نیت و تلبیه است. (مناسک شیخ، ص ۱۴).

آیه الله زنجانی: پوشیدن لباس احرام، شرط صحت احرام نیست، هر چند بنابر مشهور، پوشیدن آن هنگام لبیک گفتن لازم است. و در هر حال اگر لباسی را که پوشیده شرایط لباس احرام را نداشته باشد به احرام و سایر اعمال حج، ضرری نمی رساند.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: می بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند.

[۵۵]. آیه الله نوري: لباس هاي دوخته را بکند و اين دو جامه را...

[۵۶]. آیه الله سيستاني: احتياط مستحب اعاده نیت و تلبیه است. (مناسک، مسأله ۱۸۹).

آیه الله فاضل: احتياط مستحب است.

[۵۷]. آیه الله اردبيلي: به احتياط واجب لازم است.

آیه الله بهجت: إزار از ناف تا زانو را بايد بپوشاند (ولي استحباب پوشاندن ناف و زانو متعرض نشده اند). (مناسک، مسأله ۱۸۹). □

□ آیه الله تبريزي، آیه الله خويي: بايد به اندازه اي باشد که ناف تا زانو را بپوشاند.

آیه الله سبحاني: يکي به صورت لنگ باشد و از ناف تا زانو را بپوشاند و ديگري به صورت رداء که از شانه تا کمر را پوشش دهد.

آيات عظام سيستاني، صافي، گلپايگاني، مکارم: بنابر احتياط واجب، لازم است.

[۵۸]. آیه الله بهجت: واجب است پوشیدن دو جامه احرام که يکي از آنها ستر کند ما بين ناف و زانو را که آن را إزار گویند و ديگري که ردا باشد آنقدر باشد که بپوشاند دو شانه را ؛ بهنحوي که ردا و تردّي به آن صادق باشد. (مناسک شيخ، ص ۱۴).

آیه الله تبريزي، آیه الله خويي: احتياط آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

آیه الله خامنه اي: اگر به کيفيت متعارف باشد کفايت مي کند.

آیه الله سيستاني: احتياط مستحب اين است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

[۵۹]. آیه الله اردبیلی: بلکه بنابر احتیاط واجب باید آن را به نحو متعارف بپوشد.

[۶۰]. آیات عظام بهجت، تبریزی، صافی، گلپایگانی: باید ردا به قدری باشد که شانه ها را بپوشاند.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب این است که ردا به اندازه ای باشد که دو شانه و دو بازو و مقدار قابل توجهی از کمر را بپوشاند. (مناسک، مسأله ۱۸۹).

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

[۶۱]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله سبحانی: در مسأله قبل گذشت.

آیه الله فاضل: بلکه واجب است علاوه بر آن، قسمتی را بپوشاند؛ به گونه ای که صدق ردا بکند.

[۶۲]. آیه الله خامنه ای: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبّدي است. (استفتاء)

[۶۳]. آیه الله بهجت: احرام صحیح است.

آیه الله سبحانی: دو جامه احرام باید از هم جدا و به صورت دوتکه جداگانه باشند پس اگر با یک پارچه بلند از شانه تا زانو را بپوشاند صحیح نیست.

آیه الله سیستانی: بلکه ظاهر این است که کافی نباشد.

[۶۴]. آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، مستحب است.

[۶۵]. آیه الله بهجت: در پوشیدن لباس احرام قصد قربت لازم است. (متذکر نیت کردن لباس مخیط نشدهاند).

آیه الله سبحانی: یکی از واجبات احرام است و طبعاً باید قصد قربت کند ولی در کردن و در آوردن لباس دوخته نیت لازم نیست.

آیه الله سیستانی: بعید نیست اعتبار قصد قربت در پوشیدن لباس احرام.

[۶۶]. آیه الله بهجت: بنابر احتیاط. در مجموع موانع نماز خواندن در لباس. (مناسک شیخ، ص ۱۴).

آیه الله سبحانی: کلیه چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط شده در لباس احرام نیز شرط است.

[۶۷]. آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب در غیر درندگان.

[۶۸]. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، فاضل، مکارم، نوری: احتیاط واجب است.

آیه الله سیستانی: احتیاط این است که هیچ قسمتی از ازار بدنما نباشد، ولی این شرط در رد معتبر نیست. (مناسک، مسأله ۱۹۳).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: معظمه در مناسک فارسی احتیاط وجوبی و در مناسک عربی فتوا می دهند به اینکه بدنما نباشد.

[۶۹]. آیه الله خامنه ای: بدنما بدون ردا مانع ندارد، مشروط بر اینکه ردا بر آن صدق کند. (مناسک حج، م ۱۱۴) □

□ آیه الله سبحانی: جامه های احرام باید به قدری ضخیم باشند که بدن از پشت آنها نمایان نباشد.

[۷۰]. آیه الله بهجت: اما زنان بنابر اقوی جایز است در جامه حریر احرام ببندند، گرچه احتیاط در ترک آن است. و همچنین است جواز پوشیدن آن در جمیع احوال احرام. (مناسک شیخ، ص ۱۵) .

آیات عظام تبریزی، زنجان، خویی، صافی، گلپایگانی: باید از حریر خالص نباشد.

آیه الله خامنه ای: باید از حریر خالص نباشد. (مناسک حج، م ۱۱۶)

[۷۱]. نظریه آیات عظام سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: در سوّم از واجبات احرام (پوشیدن لباس) گذشت.

[۷۲]. آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۲۷۰ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: و به هر رنگ باشد.

[۷۳]. آیه الله بهجت: در مسأله قبلی جواز آن گذشت.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجان، سیستانی: زنان می توانند در لباس های عادی خود، در صورتی که دارای شرایط ذکر شده در لباس احرام باشد، احرام ببندند.

[۷۴]. آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب باید مبادرت کند به تبدیل یا تطهیر.

آیه الله صافی: اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احتیاط مستحب آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند. (مناسک فارسی، ص ۴۴، مسأله ۳۵).

آیه الله گلپایگانی: از مناسک فارسی ص ۲۷، مسأله ۳۵ - مطابق متن، احتیاط وجوبی استفاده می شود ولیکن در مناسک عربی ص ۷۷ - احتیاط استحبابی فرموده اند.

آیه الله مکارم: این حکم واجب است.

[۷۵]. آیه الله فاضل: یا لباسی که زن محرم پوشیده.

[۷۶]. آیه الله زنجانی: هرگاه بدن یا لباس محرم - مرد باشد یا زن -، نجس شود باید بدون تأخیر آن را تطهیر کند یا لباس را عوض نماید.

آیه الله سبحانی: باید لباس را تطهیر و یا عوض کند ولی اگر به خاطر نبودن امکانات در مسلخ و یا بُعد مسافتی که مجبور است طی کند تا جامه را عوض یا تطهیر کند مقداری طول کشید به صحت احرام لطمه نمی زند و اگر تطهیر نکرد تا زمان حلق و تقصیر، به صحت ذبح و احرام ضرر نمی زند و کفاره ندارد.

[۷۷]. آیه الله اردبیلی: اگر بعد از احرام بستن، لباس احرام یا بدن نجس شد، از جهت احرام تطهیر آن لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که آن را تطهیر کند.

[۷۸]. آیه الله بهجت: و چنانچه بدن نجس شود تطهیر آن از جهت محرم بودن واجب نیست بنابر اظهر (مناسک، مسأله ۱۹۷).

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: احتیاط استحبابی است.

آیه الله سیستانی: وجوب مبادرت به تطهیر بدن ثابت نیست.

[۷۹]. آیه الله خامنه ای: در مناسک معظم له یافت نشد. (مناسک حج، م ۱۲۳)

[۸۰]. آیه الله فاضل: و احرام او هم باطل نمی شود.

[۸۱]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنابر احتیاط، بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

[۸۲]. آیه الله بهجت: اقوی جواز احرام است در لباس هایی که می تواند در نماز بپوشد، هر چند پوست یا غیر بافتنی باشد. (مناسک، مسأله ۱۹۴).

آیه الله خامنه ای، آیه الله سبحانی: چنانچه جامه احرام از پوست یا نایلون و مانند آن باشد، اگر عرفاً به آن جامه گفته می شود و پوشیدن آن متعارف است مانع ندارد.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد. (مناسک، مسأله ۱۹۴).

[۸۳]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به احتیاط واجب جامه احرام بافته باشد و از پوست و یا مثل نمد مالیده نباشد. (مناسک فارسی، ص ۲۸، مسأله ۳۷).

آیه الله مکارم: احتیاط در آن ترک نشود.

[۸۴]. آیه الله خامنه ای: و پوشیدن آن متعارف باشد. (مناسک حج، م ۱۱۷)

[۸۵]. آیه الله خویی: نظریه معظم له در این مسأله به دست نیامد.

آیه الله سبحانی: مستحب است.

[۸۶]. آیه الله فاضل: مثل نیافتن ردا و ازار.

[۸۷]. آیه الله سبحانی: هرگاه برای ضرورتی ناچار به پوشیدن لباس دوخته شد باید کفاره بدهد و بنا بر احتیاط در صورت ضرورت قبا و پالتو و کت را پشت و رو کرده بر دوش بیندازد و دست در آستین نکند.

آیه الله گلپایگانی: ولی باید برای آن کفاره بدهد و نظر ایشان نسبت به بقیه مسأله به دست نیامد.

[۸۸]. آیه الله سیستانی: واجب این است که پشت و رو کند و دست از آستین آن بیرون نیاورد و یا اینکه آن را پایین و بالا کند و بپوشد.

آیه الله فاضل: احتیاط استحبابی است ؛ و واجب است پیراهن را نیز بالا و پایین کند.

[۸۹]. آیه الله خامنه ای: اگر بر اثر سرما و مانند آن ناگزیر از پوشیدن جامه دوخته باشد می تواند از لباس های معمولی مانند پیراهن استفاده کند اما نباید آن را بپوشد بلکه آن را به صورت برعکس بالا به پایین یا پشت و رو به روی خود بیاندازد. (مناسک حج، م ۱۱۹)

[۹۰]. آیه الله اردبیلی، آیه الله زنجانی: ولی باید كفاره بدهد.

آیات عظام تبریزی، سبحانی، سیستانی: و بنابر احتیاط كفاره هم بدهد.

آیه الله خامنه ای: و بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند كفاره بدهد. (مناسک حج، م ۱۳۵)

آیه الله صافی: ولی باید برای آن كفاره بدهد.

آیه الله مکارم: یعنی بهطور معمولی بپوشد.

[۹۱]. آیه الله اردبیلی: بلکه برای غیر حاجت نیز می تواند برای مدت محدودی لباس احرام را بیرون بیاورد.

آیه الله سبحانی: و امثال اینها جائز است و در غیر این صورت لازم است همواره دو لباس احرام را بر تن داشته باشد.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: و غیر حاجت.

[۹۲]. آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: لیکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند.

[۹۳]. آیه الله زنجانی: یا لباسی را که بر محرم حرام است درحالی که می خواهد محرم شود بپوشد...

[۹۴]. آیه الله اردبیلی: بلکه به احتیاط واجب احرامش صحیح نیست و باید آن را تجدید کند.

آیه الله خامنه ای: اگر در حین احرام، از روی علم و عمد لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد، صحت احرامش خالی از اشکال نیست و احتیاط واجب آن است که پس از بیرون آوردن آن نیت و تلبیه را تکرار کند. (مناسک حج، م ۱۱۸)

آیه الله سبحانی: پوشیدن دو جامه احرام وجوب نفسی دارد و اگر عمداً نپوشد و لبیک گوید معصیت کرده و باید هرچه زودتر لباس دوخته را از تن بیرون آورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط باید لباس را بکند و محرم شود تا قطع به صحت احرام نماید. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۵۸، م ۶).

آیه الله مکارم: در صورت عمد خالی از اشکال نیست.

[۹۵]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب ترک شود.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: احوط این است که ازار (لنگ) خویش را به گردن خود بلکه مطلقاً گره نزنند، ولو بعضی آن را به بعضی دیگر و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکنند. و احوط این است که ردا نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد.

آیه الله زنجانی: بر مرد محرم، گره زدن لباس احرام و بستن آن با دکمه و کش و سنجاق و سنگ گذاشتن و مانند آن در صورت لزوم، جایز است و در غیر این صورت باید از این امور اجتناب کند و در هر حال، این کار به احرام و حج، ضرر نمی زند.

آیه الله سبحانی: احتیاط آن است که لباس احرام را با سنجاق قفلی به هم وصل نکند ولی در حال ضرورت که مثلاً گاهی در مشعر الحرام پیش می آید مانعی ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله، به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن در آید جایز نیست، و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آنکه آن را سنگین کرده، و ردا را حفظ نماید مانعی ندارد.

[۹۶]. آیه الله خامنه ای: گره زدن لنگ به گردن جایز نیست ولی سنجاق زدن و امثال آن و گره زدن بعضی آن به بعضی دیگر مانعی ندارد مادامی که از صدق عنوان ازار خارج نشود. و همچنین در رداء گره زدن آن با سنجاق یا گیره یا با گذاشتن سنگریزه در دو طرف آن، بستن آن با نخ به نحو متعارف تا زمانی که عنوان رداء بر آن صدق کند، جایز است. (مناسک حج، م ۱۱۱)

[۹۷]. آیه الله اردبیلی: جایز نیست بنابر احتیاط.

آیه الله گلپایگانی: اگر بدون گره باشد مانعی ندارد، به شرط آنکه دو طرف ردا را روی یکدیگر نگذارد که مثل گریبان شود.

آیه الله نوری: چنان که جایز است بعضی از لباس احرام را به بعضی دیگر با سوزن و غیر آن وصل کند.

[۹۸]. آیه الله زنجانی: شکافتن پیراهن برای این است که بتواند پیراهن را از پایین بیرون آورد و اگر بدون شکافتن پیراهن بتواند آن را از پایین بیرون آورد شکافتن پیراهن لازم نیست، و در این صورت که بعد از احرام پیراهن پوشیده فرقی نیست که عالم به مسأله بوده یا از روی جهل به مسأله پیراهن پوشیده باشد.

[۹۹]. آیه الله بهجت: در هر دو صورت نزع، مخیط باید بدون پوشاندن سر باشد (مستفاد از صفحه ۲۰ مناسک شیخ).

آیه الله خامنه ای: در صورت علم و عمد، نظر معظم له در ذیل مسأله ۲۸۶ بیان شد.

آیه الله سبحانی: اگر در پیراهن و مانند آن که جلو بسته است محرم شود باید آن را بشکافد و از پایین بیرون آورد و باید کفاره دهد هر چند مضطر بوده باشد.

در فرض عمد، نظر آیه الله گلپایگانی: در مسأله ۲۸۶ گذشت.

[۱۰۰]. آیه الله زنجانی: این مطلب در صورتی است که از روی جهل به مسأله در پیراهن محرم شده باشد و اگر از روی علم به مسأله در پیراهن محرم شده باشد، باید آن را از پایین بیرون آورد و اگر لازم شد آن را بشکافد.

[۱۰۱]. آیه الله اردبیلی: چنانچه از روی علم و عمد و در غیر حال ضرورت این کار را کرده باشد، بنابر احتیاط واجب باید تبلیه را اعاده کند.

[۱۰۲]. آیه الله سبحانی: اگر کسی احرام را فراموش کرد و تا بعد از همه واجبات عمره تمتع به خاطرش نیامد، چنانچه وقت و فرصت دارد به میقات رفته و محرم می شود و اگر امکان ویا وقت ندارد، از ادنی الحل محرم می شود و عمره تمتع را مجدداً انجام می دهد و اگر امکان رفتن به ادنی الحل نیست و درک وقوف اختیاری عرفه از دست می رود، حج او به حج افراد بدل می شود ولی اگر بعد از اعمال حج متوجه شد که محرم نشده، حج او صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: عمره او صحیح است.

[۱۰۳]. آیه الله زنجانی: در عمره تمتع به حاشیه ۲۶۳ و در حج تمتع به حاشیه ۹۴۷ تا ۹۴۹ عمل نماید.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: عمره و حج او صحیح است.

آیه الله فاضل: عمره اش باطل است و باید عدول به غیر حج تمتع کند و همینطور است اگر ترک احرام از روی جهل باشد.

[۱۰۴]. آیه الله خامنه ای: نظر معظمله نسبت به صحت یا بطلان عمره به دست نیامد.

[۱۰۵]. آیه الله اردبیلی: بلکه صحت آن خالی از قوت نیست.

آیه الله بهجت: محل تأمل است صحیح بودن غیر حج. (مناسک شیخ، ص ۱۲) .

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: صحت عمره او خالی از اشکال نیست و باید احتیاط ترک نشود.

[۱۰۶]. آیه الله سیستانی: اگر احرام حج را فراموش کند یا جهلاً ترک کند تا اعمال تمام شود حج صحیح است.

استفتائات احرام

۲۹۱ س - کسی در وقت احرام این طور قصد می کند: محرم می شوم یا احرام می بندم، برای عمره تمتع یا غیر آن، با توجه به این مسأله که فرموده اید نیت احرام لازم نیست، بلکه ممکن نیست، این احرام چه صورت دارد؟

ج - به احرام ضرر نمی زند هر چند قصد احرام لازم نیست [۱] و احرام امر قصدي نیست [۲]، بلکه اگر شخص به قصد حج یا عمره تلبیه بگوید محرم می شود هر چند قصد احرام نکند.

۲۹۲ س - زنی قبل از احرام برای عمره تمتع، می دانست که عادت ماهانه او ده روز است و قبل از احرام حج، اعمال عمره تمتع را نمی تواند انجام دهد، مع ذلک، نیت عمره تمتع کرد، آیا در برگرداندن نیت احرام عمره تمتع به حج افراد، باید چه کند؟

ج - نیت را به حج افراد برگرداند [۳] و اشکال ندارد، بلی اگر با التفات به اینکه نمی تواند عمره تمتع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست به نیت عمره تمتع محرم شود، صحت این احرام، بلکه حصول جدّ به آن، محل اشکال است. [۴]

۲۹۳ س - مردها معمولاً برای احرام، یک حوله به عنوان لنگ به کمر می بندند و یکی هم بر روی شانه ها می اندازند، ولی بعضی افراد برای اینکه موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنها ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلوار ندوخته از وسط پا عبور می دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می گیرد، آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد. [۵]

۲۹۴ س - آیا می شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت یا خیر؟

ج - اَحْرَس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد [۶]، و نایب گرفتن کافی نیست. [۷]

۲۹۵ س - کسی که در گذشته حج واجبش را انجام داده و بنا دارد حج مستحبیه جا آورد، ولی از روی ناآگاهی و یا فراموشی در نیت احرام عمره می گوید «احرام عمره تمتع از حج تمتع از حجة الاسلام می بندم قربة الی الله»، آیا آوردن و در نیت داشتن حجة الاسلام، در حالی که حج مستحبی است، اشکال دارد یا خیر؟

ج - اشکال دارد [۸]، مگر آنکه اشتباه لفظی باشد و قصدش این بوده عمره ای که وظیفه او است انجام دهد و اسمش را حجة الاسلام گذاشته باشد. [۹]

۲۹۶ س - اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، محرم نمی شود و تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است یا نه؟

ج - چنانچه [۱۰] از روی عمد بوده صحیح نیست و اگر عمدي نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده، در فرض مرقوم بعید نیست صحت عمل. [۱۱]

[۲۹۷] س - اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج فهمید که صحیحاً محرم نشده است، آیا وظیفه او نسبت به سایر اعمال، و همچنین عمره قبلی او چگونه است؟

ج - با فرض اینکه بعد از وقت جبران متوجه شده [۱۲] بعید نیست صحت عمل [۱۳]، لکن احوط عدم اکتفا به این حج است و این احتیاط ترک نشود. [۱۴]

[۲۹۸] س - ترجمه تلبیه «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» چیست؟

ج - ترجمه جمله مذکور چنین است: [۱۵] «اجابت می کنم دعوت تو را، خدایا! اجابت می کنم دعوت تو را، اجابت می کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می کنم دعوت تو را». و اگر کلمه «دعوت» را هم نگوید کفایت می کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

[۲۹۹] س - لباس احرامی که معلوم نیست از درآمد منبر است یا وجوهات شرعی، آیا لازم است خمس آن را بدهد؟

ج - با فرض شک، لازم نیست، هر چند احتیاط مطلوب است. [۱۶]

[۳۰۰] س - کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می کند و خودش فراموش کرده است که نیت نماید، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، محرم نشده است و باید در صورت امکان به میقات برگردد و اگر ممکن نیست به خارج حرم برود [۱۷] و مجدداً محرم شود. [۱۸]

[۳۰۱] س - آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟

ج - مقدار واجب آن دو جامه است و زیادتیر مانع ندارد.

[۱]. آیه الله اردبیلی: نیت احرام از نیت عمره یا حج جدا نیست؛ بنابراین کسی که به قصد انجام دادن عمره یا حج لبیک می گوید، در واقع محرم شده است و احرام بستن به نحو مذکور در سؤال ضرری به احرام نمی زند.

آیات عظام بهجت، سبحانی، گلپایگانی، مکارم: لازم است و تفصیل این مسأله در ذیل بحث نیت در واجبات احرام گذشت.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: همین که به قصد عمره و یا حج تمتع تلبیه واجب را گفت، محرم می شود و قصد احرام، همین است.

[۲]. آیه الله سبحانی: در ذیل مسأله ۲۵۱ گذشت.

آیه الله نوری: قصد احرام به این است که قصد احرام حج یا عمره کند و لازم است که احرام را به این قصد انجام دهد.

[۳]. تفصیل نظریه آیات عظام در مسأله ۲۲۱ گذشت.

آیه الله بهجت: در صورتی که قصدش انجام وظیفه بوده کفایت می کند و حج افراد به جا می آورد. (مناسک، س ۴۱).

آیه الله تبریزی: این در صورتی است که در حال احرام حایض باشد چنانکه ظاهر سؤال است ولی اگر بعد از احرام حایض شد مخیر است بین اینکه حج افراد به جا آورد و بعد از فراغت، عمره مفرده به جا آورد و بین اینکه اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نمازش به جا آورد به این ترتیب که سعی و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته به عرفات و منی برود و پس از فراغ از اعمال منی قضای طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج به جا آورد.

آیه الله خویی: اگر در حال احرام تا آخرین زمان ممکن برای اتیان اعمال عمره تمتع حایض بوده، فتوای ایشان در دست نیست که آیا احرامش برای عمره تمتع باطل است یا می تواند آن را به عنوان حج افراد قرار دهد، گرچه در استفتائات حکم به بطلان احرام برای حج افراد شده، اگر زن در وقت احرام حایض بود و گمان می کرد تا آخر وقت پاک نمی شود و بعداً کشف خلاف شد.

آیه الله سبحانی: و اگر قصدش انجام وظیفه بوده باشد، کفایت می کند و در صورت التفات اگر به نیت عدول، قصد عمره تمتع کند اشکال ندارد.

[۴]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۲۲۱ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر به قصد انجام وظیفه، محرم شده و خیال کرده وظیفه اش عمره تمتع است، احرامش احرام حج افراد خواهد بود؛ و در غیر این صورت احرامش باطل است و باید مطابق حاشیه مسأله ۲۱۵ رفتار نماید.

[۵]. آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: ولی بهتر اجتناب از این گونه کارهاست.

[۶]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر چه به گفتن ترجمه آن باشد و نایب هم بگیرد رجاء که از طرف او بهطور صحیح بگوید.

[۷]. آیه الله اردبیلی: نایب گرفتن لازم نیست، هر چند مطلوب است.

آیه الله بهجت: شخص گنگ و لال با انگشت خود همراه با نیت قلبی به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد و اگر ممکن نباشد که این کار را خودش انجام دهد نایب بگیرد که به جای او تلبیه بگوید. (مناسک، مسأله ۱۸۰).

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجان، فاضل، مکارم: بهتر است نایب هم بگیرد.

آیه الله سبحانی: لال و کر مادر زاد زبان خود را مانند کسانی که «لبیک» می گویند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند و اگر برای عارضه ای زبان او بند آمده باشد با اخطار در قلب به شیوه ای که گفته شد عمل کند.

آیه الله سیستانی: اگر در اثر عارضه ای لال شده است و الفاظ تلبیه را می داند، به مقداری که می تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطار نماید و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادر زاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند.

[۸]. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجان، سیستانی: مانعی ندارد. (مستفاد از تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۲۴۰).

آیه الله سبحانی: نیت عمدی اشکال دارد.

[۹]. آیه الله مکارم: معمولاً از همین قسم است.

[۱۰]. آیه الله زنجان: اگر خیال می کرده تلبیه را صحیح می گوید در عمره تمتع به حاشیه مسأله ۲۶۳ و در حج تمتع به حواشی مسأله ۹۴۷ تا ۹۴۹ عمل کند.

آیه الله فاضل: با توجه به اینکه عالم به حکم بوده، اگر نسبت به موضوع جاهل بوده؛ یعنی نمی دانسته تلبیه را غلط می گوید، حکم ترک احرام از روی جهل و سهو را دارد که حکم آن در مسأله ۲۹۰ گذشت.

[۱۱]. آیه الله بهجت: به مسأله ۲۱۵ و ۲۶۳ و ۲۹۰ مراجعه شود.

برای اطلاع از نظریه مراجع، به ذیل مسأله ۲۱۵ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر در احرام عمره بوده، صحت عمل او خالی از اشکال نیست و باید احتیاط کند.

آیه الله سبحانی: اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و محرم شود و اعمال عمره را انجام دهد، چنانچه از روی عمد باشد عمره او باطل است و در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله احتیاطاً عمره را دوباره انجام دهد و اگر در احرام حج است چنانچه در اثناء متوجه شود آن را صحیح بگوید و چنانچه در پایان عمل ملتفت شود بعید نیست که عمل او صحیح باشد.

آیه الله سیستانی: اگر به مقدار تمکن تلبیه را گفته است و غلط بودن آن به حدی نبوده است که صدق تلبیه نکند، چیزی بر او نیست. در غیر این صورت، اگر در احرام عمره باشد بنابر احتیاط واجب عمل باطل است و اگر در احرام حج باشد صحیح است.

[۱۲] آیه الله زنجانی: حکم مسأله قبل را دارد.

[۱۳] آیه الله اردبیلی: عمره تمتع او صحیح است ولی چنانچه در احرام حج تلبیه او اشکال داشته باشد، در فرض مسأله بنابر احتیاط واجب در همان جا که هست تلبیه بگوید و حج را تمام کند و چنانچه حج او واجب بوده، به این حج اکتفا نکند.

[۱۴] آیه الله بهجت: به مسأله ۲۹۰ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: صحت عمل خالی از اشکال نیست و باید احتیاط نماید.

آیه الله فاضل، آیه الله گلپایگانی: این احتیاط استحبابی است.

آیه الله سبحانی: ذیل سؤال ۲۹۷ گذشت که صحت بعید نیست.

آیه الله سیستانی: اگر تلبیه را به مقدار تمکن ادا کرده است و غلط بودن آن به اندازه ای نیست که صدق تلبیه نکند، عمل صحیح است. در غیر این صورت، اگر تلبیه عمره را غلط گفته است عمل او بنابر احتیاط باطل است و اگر تلبیه احرام حج باشد همانجا تلبیه بگوید و عملش صحیح است.

[۱۵] آیه الله نوری: با کمال میل و شوق اجابت می کنم دعوت تو را، خدایا! با کمال میل و شوق اجابت می کنم، اجابت می کنم

دعوت تو را با کمال میل و شوق، شریکی نیست مر تو را، با کمال میل و شوق اجابت می کنم، اجابت می کنم تو را.

[۱۶]. آیه الله بهجت: در هر دو مورد به زاید از مؤونه سنه، خمس تعلق می گیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر سال بر آن گذشته باشد، لازم است خمس آن را بدهد.

آیه الله سبحانی: اما اگر با مقداری تفحص وضع آن پولی که با آن لباس احرامی را خریده و یا می خواهد بخرد مشخص می شود باید تفحص کند.

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند.

آیه الله فاضل: و این در صورتی است که وجوهات شرعی را به عنوان شهریه گرفته باشند، اما اگر به عنوان استحقاق یا خدمات دینی گرفته اند و سال بر آن گذشته است باید خمس آن را بدهند.

[۱۷]. آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط واجب (در احرام عمره تمتع یا مفرده) هر چقدر که می تواند به سمت میقات باز گردد.

[۱۸]. تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۲۱۵ گذشت.

مستحبات احرام

[۳۰۲ م - مستحبات احرام چند چیز است: [۱]

۱. آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲. کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی‌قعدة و شخصی که قاصد عمره مفردة است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند. [۲]

۳. آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید [۳] و این غسل از زن حیض و نفساء نیز صحیح است [۴] و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده نماید و بعد از این غسل [۵]، اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید. [۶]

۴. آنکه دو جامه احرام از پنبه باشد. [۷]

۵. آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد، در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر [۸] و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است [۹] و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ، وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أَوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَيْكَ، وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تَقْوِيَنِي عَلَى مَا ضَعَفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يَسَرٍّ مَنَّكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيتَ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَيْكَ، وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْسِنُنِي، فَخَلِّتْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَحْيِي وَ عَصْيِي مِنَ النَّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ.»

۶. هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرْضِي، وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَ أَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَلْبِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِزْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنَجَائِي وَ دَخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي.»

۷. آنکه تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند ؛ خصوصاً در موارد آینده:

الف) وقت برخاستن از خواب.

ب) بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج) وقت رسیدن به سواره.

د) هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازير شدن از آن.

ه) وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و) آخر شب.

ز) اوقات سحر.

زن حایض و نفساء^[۱۰] نیز این تلبیه ها را بگویند.

و شخص متمتع، تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آنکه خانه هاي مکه را ببیند و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.^[۱۱]

^[۱۱] آیه الله سیستانی: پاره اي از مستحبات و مکروهاتي که اینجا ذکر شده مبتني بر قاعده تسامح است، پس باید رعایت آنها به قصد رجا باشد نه ورود.

آیه الله مکارم: این امور و امور مربوط به ترک مکروهات را به قصد رجا به جا می آورد.

^[۱۲] آیه الله مکارم: و بعضي از فقها به وجوب آن قائل شده اند و این قول گرچه ضعیف است احوط است.

^[۱۳] آیه الله خامنه اي: مستحب است که پیش از مُحرم شدن در میقات و یا پیش از رسیدن به میقات مثلاً در مدینه غسل کند و گفته شده که احوط آن است که این غسل را ترک نکند. (مناسک حج، م ۱۲۳)

^[۱۴] آیه الله زنجاني: بنابر احتیاط مستحب موکد، کسی که می خواهد محرم شود، برای احرام، غسل نماید و انجام آن قبل از میقات نیز صحیح است، چهار چیز غسل احرام را باطل می کند: الف) پوشیدن پیراهن و به سربستن دستمال و روسري و مقنعه

برای مردان و زدن نقاب برای بانوان ؛ ب) خوردن غذای معطر ؛ ج) اگر در میقات یا حوالی آن غسل کرده چنانچه قبل از تلبیه گفتن بخوابد غسل او باطل می شود ؛ د) فاصله انداختن به مقدار یک روز... و سایر مبطلات وضو و غسل، غسل احرام را باطل نمی کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و کسی که به خاطر عذر تمکن از غسل ندارد، رجاء بدل از غسل تیمم نماید. (آداب و احکام حج، ص ۴۱۰).

[۵]. آیه الله سبحانی: پوشیدن لباسی که بر محرم حرام است یا خوردن چیزی که بر محرم حرام است و استعمال طیب و روپوش زدن برای خانم ها و خوابیدن.

[۶]. آیه الله بهجت: در انتقاض غسل سابق به غیر نوم، تأمل است و اظهر در نوم، عدم انتقاض است، و آنکه اعاده، شبیه به مستحب در مستحب است. (مناسک شیخ، ص ۶).

[۷]. آیه الله خامنه ای: در مناسک معظم له یافت نشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و بهتر آن است که در پارچه سفید محرم شود و نیت احرام و نیت پوشیدن جامه احرام بلکه نیت کردن لباس دوخته را نیز بر زبان آورد.

[۸]. آیات عظام اردبیلی، بهجت، فاضل: در صورت عدم تمکن از فریضه ادا، بعد از فریضه قضا محرم شود.

آیه الله زنجانی: بنابر احتیاط مستحب موکد بعد از خواندن نماز - واجب یا مستحب - نیت کرده تلبیه بگوید ؛ ولی خواندن نماز از زن در حال حیض و نفاس، مشروع نیست.

[۹]. آیه الله خامنه ای: مستحب است که بعد از نماز ظهر، یا بعد از هر نماز واجب دیگر و یا بعد از دو رکعت نماز مستحبی محرم شود و در برخی احادیث آمده است که پیش از احرام شش رکعت نماز مستحب است و فضیلت بیشتری دارد. (مناسک حج، م ۱۲۴)

[۱۰]. آیه الله بهجت، آیه الله فاضل:.... و جنب.

[۱۱]. آیه الله بهجت: و همچنین بر مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

مکروهات احرام

[۳۰۳] م - مکروهات احرام چند چیز است:

۱. احرام در جامه سیاه^[۱]، و افضل احرام در جامه سفید است.
۲. خوابیدن محرم بر رخت^[۲] و بالش زرد رنگ.
۳. احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.^[۳]
۴. احرام بستن در جامه راه راه.^[۴]
۵. استعمال حنا^[۵] پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.^[۶]
۶. حمام رفتن^[۷]، و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.^[۸]
۷. لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.^[۹]

[۱] آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بلکه احوط ترک آن است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بلکه اولی ترک پوشیدن هر پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبره استثنا شده است.

[۲] آیه الله بهجت: بر بالش سیاه رنگ.

[۳] آیه الله مکارم: ولی می تواند آنها را تبدیل به احرامی تمیز کند.

[۴] آیه الله سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه‌دار و مانند آن.

[۵] آیه الله بهجت: اظهر جواز استعمال حنا است قبل از احرام، هرگاه اثر آن باقی بماند تا حال احرام. (مناسک شیخ، ص ۸).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با قصد زینت خلاف احتیاط است.

آیه الله مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگ های امروز نیست.

[۶] آیه الله سبحانی: بستن حنا و رنگ کردن موها قبل از احرام به رنگی که برای زنان آرایش به حساب بیاید و رنگ آن تا وقت احرام باقی بماند ولی رنگی که مطابق رنگ طبیعی موی زن می باشد مکروه نیست و احتیاط آن است که در حال احرام از آن رنگ نیز استفاده نکند.

[۷] آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: اولی بلکه احوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

آیه الله سبحانی: رفتن به حمام های عمومی که شرایط خاصی داشته باشد.

آیه الله مکارم: کراهت حمام رفتن ثابت نیست ولی بدن خود را با کیسه و مثل آن نمالد.

[۸] آیه الله خامنه ای: رفتن به حمام و شستن بدن با کیسه و مانند آن نیز در حال احرام مکروه است. (مناسک حج، م ۱۲۵)

[۹] آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بلکه احوط ترک آن است.

آیه الله فاضل: و همچنین ساییدن صورت، چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می شود و همچنین کشتی گرفتن.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

فصل سوم: مُحَرَّمات احرام^[۱]

اول - شکار صحرایی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.^[۲]

[۳۰۴] م - خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است ؛ چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه مُحَرَّم شکار کند یا غیر مُحَرَّم.^[۳]

[۳۰۵] م - نشان دادن شکار به شکارچی حرام است و همین طور اعانت او به هر نحوی حرام است.

[۳۰۶] م - اگر مُحَرَّمی صید را ذبح کند در حکم^[۴] میته خواهد بود بنابر مشهور و به احتیاط واجب^[۵] هم درباره مُحَرَّم و هم مُحِل.

[۳۰۷] م - شکار دریایی مانع ندارد و آن حیوانی است که تخم و جوجه، هر دو را در دریا کند.^[۶]

[۳۰۸] م - ذبح و خوردن حیوانات اهلی، مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

[۳۰۹] م - پرندگان^[۷]، جزو شکار صحرایی می باشند و ملخ^[۸] نیز در حکم شکار صحرایی است.

[۳۱۰] م - احتیاط واجب آن است که زنبور^[۹] را نکشد، اگر قصد اذیت او را نداشته^[۱۰] باشد.

[۳۱۱] م - نگاه داشتن صید حرام است، اگر چه خودش مالک آن باشد.^[۱۱]

[۳۱۲] م - اگر پرندۀ ای که نزد او است^[۱۲] «پر» در نیاورده یا پر او را چیده اند، واجب است^[۱۳] آن را حفظ کند تا پر در آورد و آن را رها کند، بلکه بعید نیست که واجب باشد^[۱۴] حفظ بچه صید را ؛ مثل آهو بره، تا بزرگ شود و رها کند آن را.

[۳۱۳] م - هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است.^[۱۵]

بدان که در شکار احکام بسیاری است و چون محل حاجت چندان نیست، از بیان آنها خودداری شد.^[۱۶]

دوم - جماع کردن با زن، و بوسیدن و دست بازی کردن^[۱۷] و نگاه^[۱۸] به شهوت، بلکه^[۱۹] هر نحو لذت و تمتعی بردن.^[۲۰]

[۳۱۴] م - اگر کسی در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد، با زن، چه در قُبُل و چه در دُبُر و یا با مرد جماع کند^[۲۱] ظاهر^۱ عمره اش باطل نشود^[۲۲] ولیکن موجب کفاره است که بیان آن می آید^[۲۳] و احتیاط^[۲۴] آن است که اگر این عمل پیش^[۲۵] از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه به جا آورد^[۲۶] و اگر وقت تنگ است حج افراد^[۲۷] به جا آورد و بعد از آن عمره مفرد^[۲۸] به جا آورد و احتیاط بیشتر آن است که سال دیگر حج را اعاده کند.^[۲۹]

[۳۱۵] م - اگر در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود^[۳۰] کفاره بر او واجب می شود و کفاره^[۳۱] بنابر احتیاط واجب^[۳۲] یک شتر است^[۳۳] ؛ چه ثروتمند باشد یا نباشد.

۳۱۶ م - اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد به جا آورد، اگر قبل از وقوف به عرفات بوده حج او فاسد است مسلماً [۳۴]، و اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعرالحرام بوده، حج او فاسد است بنابر اقوی [۳۵]، و در هر دو صورت کفاره آن یک شتر [۳۶] است. [۳۷]

۳۱۷ م - در این دو صورت که حج فاسد شد باید حج را تمام کند و در سال دیگر نیز حج [۳۸] بهجا آورد. [۳۹]

۳۱۸ م - اگر این عمل بعد از وقوف به عرفات و مشعر واقع شد دو صورت دارد: [۴۰] یکی آنکه: قبل از تجاوز از نصف [۴۱] طواف نساء مرتکب شده، در این صورت حج او صحیح است، و فقط باید کفاره بدهد.

دوم آنکه: بعد از تجاوز از نصف طواف نساء [۴۲] مرتکب شده، پس حج او صحیح است و کفاره هم ندارد بنابر اقوی. [۴۳]

۳۱۹ م - اگر زنی را از روی شهوت ببوسد [۴۴] کفاره آن یک شتر [۴۵] است و اگر بدون شهوت ببوسد کفاره آن یک گوسفند [۴۶] است و احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفاره بدهد.

۳۲۰ م - اگر عمد^۱ نگاه کند به غیر زن خود [۴۷] و انزالش شود [۴۸]، احوط [۴۹] آن است که اگر می تواند یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی تواند یک گاو و اگر آن را هم نمی تواند یک گوسفند کفاره بدهد. [۵۰]

۳۲۱ م - اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود، مشهور [۵۱] آن است که یک شتر کفاره است، ولی اگر از روی شهوت نباشد [۵۲] کفاره ندارد. [۵۳]

۳۲۲ م - اگر کسی با زن دست [۵۴] بازی کند به شهوت و انزالش نشود، یک گوسفند کفاره آن است و اگر انزالش شود احتیاط [۵۵] آن است که یک شتر کفاره بدهد اگر چه کفایت گوسفند خالی از قوت نیست.

۳۲۳ م - هر یک از این امور [۵۶] که موجب کفاره است، اگر با جهل به مسأله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود، به عمره و حج او ضرر نمی رساند و بر شخص کفاره نیست.

۳۲۴ م - اگر مردی با زن خود که محرم است، از روی اجبار جماع کند، بر زن چیزی نیست و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد [۵۷]، و اگر زن از روی رضایت [۵۸] جماع دهد کفاره بر خود اوست [۵۹] و مرد باید کفاره خودش را بدهد و کفاره ای که باید بدهند گذشت. [۶۰]

سوم - عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و مُحِلّ باشد.

۳۲۵ م - جایز نیست [۶۱] شخص محرم شاهد شود برای عقد، گرچه آن عقد برای غیر محرم باشد.

۳۲۶ م - احتیاط آن [۶۲] است که شهادت ندهد بر عقد، اگر چه شاهد عقد شده باشد، در حال محرم نبودن [۶۳]، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.

۳۲۷ م - اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط [۶۴] در ترک است.

۳۲۸ م - رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد. [۶۵]

۳۲۹ م - اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند، با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی می شود. [۶۶]

۳۳۰ م - اگر زني را با جهل به مسأله براي خود عقد کند، عقدي که کرده است باطل است، لیکن حرام دائمي [۶۷] نمي شود، ولي احتياط آن است [۶۸] که آن زن را نگیرد؛ خصوصاً اگر با او نزديکي کرده باشد.

۳۳۱ م - ظاهراً فرقي بين زن عقدي و صيغه اي نيست در احكامي که ذکر شد.

۳۳۲ م - احتياط آن است [۶۹] که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند [۷۰] او را، با او نزديکي نکند و طلاق دهد او را، و در صورت علم به مسأله، او را طلاق دهد و با او هيچ وقت ازدواج نکند.

۳۳۳ م - اگر کسي عقد کند زني را براي محرمي و محرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم [۷۱] باشند بر هر يك آنها يك شتر كفاره است [۷۲] و اگر دخول نکند كفاره نيست و در اين حکم فرق نيست بين آنکه زن و عاقد مُحِلّ باشند يا مُحَرَّم و اگر بعضي از آنها حکم [۷۳] را مي دانند و بعضي نمي دانند؛ بر آنکه مي داند كفاره است.

۳۳۴ م - چهارم - استمناء؛ يعني طلب بيرون آمدن مني کردن، به دست يا غير آن، هر چند به خيال باشد يا به بازي کردن با زن خود يا کس ديگر، به هر نحو باشد. پس اگر مني خارج شود كفاره آن يك شتر است [۷۴] و احتياط [۷۵] واجب آن است که در جايي که جماع موجب بطلان است، استمناء نيز موجب بطلان باشد [۷۶] به نحوي که در جماع گفته شد.

پنجم - استعمال عطريات؛ از قبيل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق [۷۷] عطر، هر قسم که باشد [۷۸].

۳۳۵ م - مالیدن عطر بر بدن و لباس جايز نيست و همينطور پوشيدن لباسي که بوي عطر مي دهد، اگر چه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد [۷۹].

۳۳۶ م - خوردن چيزي که در آن چيزي است که بوي خوش مي دهد؛ مثل زعفران، جايز نيست [۸۰].

۳۳۷ م - اگر به پوشيدن لباس يا خوردن غذايي که بوي خوش مي دهد اضطراب پيدا کند، بايد [۸۱] دماغ خود را بگيرد که بوي خوش به آن نرسد [۸۲].

۳۳۸ م - از گل ها يا سبزي هايي که بوي خوش مي دهد بايد [۸۳] اجتناب کند [۸۴]، مگر بعضي انواع که صحرابي است؛ مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزامي» که مي گویند از خوشبو ترين گل ها است.

۳۳۹ م - احتياط [۸۵] آن است که از «دارچيني» و «زنجبيل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند، اگر چه اقوي حرام نبودن آنها است [۸۶].

۳۴۰ م - از ميوه هاي خوشبو؛ از قبيل سيب و به، اجتناب لازم نيست و خوردن آنها و بوييدن آنها مانع ندارد [۸۷]، لیکن احتياط [۸۸] آن است که بوييدن را ترک کند [۸۹].

۳۴۱ م - اقوي [۹۰] حرمت گرفتن دماغ است از بوي بد، لکن فرار کردن از بوي بد به تند رفتن عيب ندارد.

۳۴۲ م - خريد و فروش عطريات اشکال ندارد لیکن نبايد آنها را براي امتحان بو کند يا استعمال کند [۹۱].

۳۴۳ م - كفاره استعمال بوي خوش يك گوسفند است بنابر احتياط واجب [۹۲].

۳۴۴ م - مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چيزي است که کعبه را به آن خوش بو مي کنند حرام نيست، لکن چون معلوم نيست که خلوق چيست [۹۳] احتياط [۹۴] آن است که اجتناب کند از بوي خوشي که در کعبه است [۹۵].

[۳۴۵] م - اگر بوی خوش را مکرر [۹۶] استعمال کرد در وقت واحد، بعید نیست یک گوسفند کفایت کند، لیکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط [۹۷] ترک نشود [۹۸]، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است [۹۹] که باز کفاره بدهد. [۱۰۰]

ششم - پوشیدن چیز دوخته [۱۰۱]؛ مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.

[۳۴۶] م - چیزهایی که شبیه به دوخته است؛ مثل پیراهن هایی که با چرخ یا با دست می بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می مانند؛ مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن، جایز نیست [۱۰۲] پوشیدن آنها. [۱۰۳]

[۳۴۷] م - احوط [۱۰۴] اجتناب از مطلق دوخته است، هر چند کم باشد؛ مثل کمر بند دوخته [۱۰۵] و شب کلاه. [۱۰۶]

[۳۴۸] م - همیانی را که در آن پول می گذارند، اشکال ندارد به کمر ببندد [۱۰۷]، هر چند دوخته باشد و بهتر آن است که قسمی کند که بی گره باشد.

[۳۴۹] م - فتق بند، اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است ببندد، لیکن احتیاط آن است که کفاره بدهد. [۱۰۸]

[۳۵۰] م - اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد. [۱۰۹]

[۳۵۱] م - جایز است گره زدن لباس احرام را، ولی احتیاط در گره زدن است [۱۱۰] و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند. [۱۱۱]

[۳۵۲] م - جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر، بعضی را به بعضی وصل کند، گرچه احتیاط در ترک است. [۱۱۲]

[۳۵۳] م - از برای زن ها جایز است لباس دوخته، هر قدر می خواهند بپوشند و کفاره ندارد، بلی جایز نیست [۱۱۳] از برای آنها پوشیدن «قفازین» [۱۱۴] و آن چیزی بوده که زن های عرب در آن پنبه می گذاشتند و دست می کردند برای حفظ از سرما. [۱۱۵]

[۳۵۴] م - کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است. [۱۱۶]

[۳۵۵] م - اگر مُحرم چند قسم لباس دوخته بپوشد؛ مثل پیراهن و قبا و عبا، برای هر یک باید کفاره بدهد [۱۱۷] و احتیاط واجب [۱۱۸] آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یکدفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد. [۱۱۹]

[۳۵۶] م - اگر از روی اضطرار لباس های متعدد پوشید کفاره ساقط نمی شود. [۱۲۰]

[۳۵۷] م - اگر یک قسم لباس بپوشد، مثل پیراهن، و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد. [۱۲۱]

[۳۵۸] م - احتیاط واجب [۱۲۲] آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن، چه در مجلس واحد یا در مجالس عیدیه [۱۲۳]، برای هر یک کفاره بدهد. [۱۲۴]

[۳۵۹] م - هفتم - سرمه کشیدن [۱۲۵] به سیاهی [۱۲۶] که در آن زینت باشد [۱۲۷] هر چند قصد زینت [۱۲۸] نکند. و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد [۱۲۹]، بلکه اگر بوی خوش [۱۳۰] داشته باشد بنابر اقوی حرام است.

[۳۶۰] م - حرام بودن سرمه کشیدن، به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

۳۶۱ م - در سرمه کشیدن کفاره نیست [۱۳۱] لیکن اگر در سرمه بوی خوش باشد [۱۳۲] احتیاط [۱۳۳] کفاره دادن است.

۳۶۲ م - در صورتی که احتیاج داشته باشد [۱۳۴] به سرمه کشیدن مانعی ندارد.

هشتم - نگاه کردن در آینه. [۱۳۵]

۳۶۳ م - در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

۳۶۴ م - نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آب صاف اشکال [۱۳۶] ندارد.

۳۶۵ م - عینک زدن اگر [۱۳۷] زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود [۱۳۸] جایز نیست. [۱۳۹]

۳۶۶ م - در نظر کردن به آینه کفاره [۱۴۰] نیست، لیکن مستحب است [۱۴۱] که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

۳۶۷ م - اگر در اطاقی که ساکن است [۱۴۲] آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می افتد اشکال ندارد، لیکن احتیاط آن است [۱۴۳] که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

۳۶۸ م - احتیاط [۱۴۴] آن است که به آینه نگاه نکند، اگر چه برای زینت نباشد. [۱۴۵]

نهم - پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب [۱۴۶] و هر چه تمام روی پا را می گیرد. [۱۴۷]

۳۶۹ م - این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد. [۱۴۸]

۳۷۰ م - اگر مرد محتاج شود [۱۴۹] به پوشیدن چیزی که روی پا را می گیرد احتیاط واجب [۱۵۰] آن است که روی آن را شکاف دهد.

۳۷۱ م - در پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد کفاره نیست. [۱۵۱]

دهم - فسوق.

۳۷۲ م - فسوق اختصاص به دروغ گفتن ندارد [۱۵۲] بلکه فحش دادن و ^[۱۵۳] فخر به دیگران کردن نیز فسوق است و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند و مستحب است [۱۵۴] چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

یازدهم - جدال [۱۵۵] ؛ و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است.

۳۷۳ م - گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات، مرادف [۱۵۶] آن ؛ مثل «نه» و «آری»، دخالتي [۱۵۷] در جدال ندارد بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

۳۷۴ م - قسم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن ؛ مثل «خدا» در زبان فارسی، جدال [۱۵۸] است، و اما قسم به غیر خدا، به هر کسی باشد، ملحق به جدال نیست.

۳۷۵ م - احتیاط واجب الحاق سایر اسماء الله است به لفظ جلاله، پس اگر کسی قسم بخورد به «رحمان» و «رحیم» و «خالق

سموات و ارض»، جدال محسوب می شود به احتیاط واجب. [۱۵۹]

[۳۷۶ م - در مقام ضرورت، برای اثبات حقی با ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن. [۱۶۰]

[۳۷۷ م - اگر در جدال راستگو باشد، در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار [۱۶۱]، و در سه مرتبه [۱۶۲] کفاره باید بدهد و کفاره آن یک گوسفند است. [۱۶۳]

[۳۷۸ م - اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آن است که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر بلکه خالی از قوت نیست. [۱۶۴]

[۳۷۹ م - اگر در جدال به دروغ، در دفعه اول یک گوسفند کفاره ذبح کرد، بعید نیست [۱۶۵] که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ، کفاره آن یک گوسفند باشد نه گاو.

[۳۸۰ م - اگر در جدال به دروغ، دو مرتبه جدال کرد و یک گاو [۱۶۶] ذبح کرد برای کفاره و بعد یک مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهر^۱ یک گوسفند [۱۶۷] کفاره است و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهر^۱ یک گاو [۱۶۸] کفاره آن است.

[۳۸۱ م - اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه [۱۶۹] مرتبه، هر چند باشد یک گوسفند کفاره است مگر آنکه بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست باید یک گوسفند ذبح کند. [۱۷۰]

[۳۸۲ م - اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند، کفاره یک شتر [۱۷۱] است ظاهر^۱، مگر آنکه پس از سه مرتبه یا زیادت، کفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گاو و در دفعه سوم شتر است. [۱۷۳]

دوازدهم - کشتن^۱ جانورانی که در بدن ساکن می شوند^{۱۷۲}؛ مثل شپش و کیک[❖] و کنه که در بدن حیوان است.^{۱۷۴}

[۳۸۳ م - جایز نیست [۱۷۸] انداختن شپش و کک^{۱۷۳} را از بدن.^{۱۸۱}

[۳۸۴ م - جایز نیست [۱۸۱] نقل کردن آن را^{۱۸۲} از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد [۱۸۳] و احتیاط^{۱۸۴} آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد.

[۳۸۵ م - احتیاط مستحب [۱۸۵] آن است که آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اول محفوظتر باشد.

[۳۸۶ م - بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن، کفاره نباشد [۱۸۶]، لیکن احتیاط^{۱۸۷} یککف از طعام صدقه بدهد.

سیزدهم - انگشتر به دست کردن؛ به جهت زینت [۱۸۸] و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد. [۱۸۹]

[۳۸۷ م - اگر انگشتر به دست کند، نه برای زینت و نه برای استحباب؛ مثل آنکه برای خاصیتی به دست کند، اشکال ندارد.

[۳۸۸ م - احتیاط واجب [۱۹۰] آن است که محرم «حنا» برای زینت نبندد، بلکه اگر زینت باشد ولو قصد نکند احتیاط در ترک است، بلکه حرمت [۱۹۱] آن، در هر دو صورت، خالی از وجه نیست.

[۳۸۹ م - اگر قبل از احرام «حنا» ببندد، چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند، مانع ندارد

ولي احتیاط خوب است. [۱۹۲]

۳۹۰ م - انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد. [۱۹۳]

چهاردهم - پوشیدن زیوراست برای زن به جهت زینت. [۱۹۴]

۳۹۱ م - اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب [۱۹۵] آن است که ترک کند هر چند قصد تزیین نداشته باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست. [۱۹۶]

۳۹۲ م - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن، قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیورد. [۱۹۷]

۳۹۳ م - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن، نباید [۱۹۸] به مرد نشان دهد، حتی به شوهر خود.

۳۹۴ م - پوشیدن زیور حرام است ولي کفاره ندارد. [۱۹۹]

پانزدهم - روغن مالیدن به بدن. [۲۰۰]

۳۹۵ م - احوط [۲۰۱] بلکه اقوي حرام بودن مالیدن روغن است، اگر چه بوي خوش در آن نباشد.

۳۹۶ م - جایز نیست روغنی که بوي خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام، اگر اثرش باقي مي ماند تا وقت احرام. [۲۰۲]

۳۹۷ م - اگر از روي اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد. [۲۰۳]

۳۹۸ م - خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوي خوش مثل زعفران نباشد.

۳۹۹ م - اگر در روغن بوي خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست. [۲۰۴]

۴۰۰ م - اگر در روغن بوي خوش باشد کفاره آن [۲۰۵] یک گوسفند است [۲۰۶] اگر چه از روي اضطرار [۲۰۷] باشد. [۲۰۸]

شانزدهم - ازاله مو از بدن خود یا غیر خود، چه مُحرم باشد چه مُحلّ.

۴۰۱ م - در حرمت ازاله مو، فرقی نیست میان کم و زیاد، بلکه ازاله یک مو نیز حرام است. [۲۰۹]

۴۰۲ م - ازاله مو، اگر از روي ضرورت باشد عیب ندارد [۲۱۰]؛ مثل زیادی شپش و دردسر و موي چشم که اذیت مي کند.

۴۰۳ م - اگر در وقت غسل یا وضو [۲۱۱] مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد.

۴۰۴ م - در ازاله مو فرقی نیست [۲۱۲] بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن.

۴۰۵ م - کفاره سر تراشیدن، اگر به جهت ضرورت [۲۱۳] باشد، دوازده «مُد» طعام است که باید به شش [۲۱۴] مسکین بدهد، یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند. [۲۱۵] و «مُد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً.

۴۰۶ م - اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب [۲۱۶] آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه تعیین گوسفند در این صورت بعید نیست.

۴۰۷ م - اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند [۲۱۷] باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره [۲۱۸]، بلکه احتیاط [۲۱۹] آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند یک گوسفند کفاره بدهد. [۲۲۰]

۴۰۸ م - احتیاط واجب آن است که اگر موی سر [۲۲۱] را ازاله کند به غیر تراشیدن، کفاره تراشیدن را بدهد. [۲۲۲]

۴۰۹ م - اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد، احتیاط [۲۲۳] آن است که یککف طعام صدقه بدهد. [۲۲۴]

هفدهم - پوشانیدن مرد سر خود را [۲۲۵]، به هر چه او را بپوشاند.

۴۱۰ م - احتیاط واجب [۲۲۶] آن است که سر را به چیزهایی غیر پوششی هم نپوشاند؛ مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها.

۴۱۱ م - احتیاط واجب [۲۲۷] آن است که چیزی بر سر نگذارد؛ مثل باربرای حمل، که سر به آن پوشیده شود.

۴۱۲ م - جایز است [۲۲۸] به بعض بدن خود، سر را بپوشاند؛ مثل آنکه دست ها را روی سر بگذارد، لیکن [۲۲۹] احتیاط در ترک آن است.

۴۱۳ م - جایز نیست [۲۳۰] سر را زیر آب کند بلکه جایز نیست [۲۳۱] زیر مایع دیگری؛ مثل گلاب و سرکه و غیر آن، کند. [۲۳۲]

۴۱۴ م - در حکم سر است بعض [۲۳۳] سر، پس نباید بعض سر را هم بپوشاند [۲۳۴] و نه زیر آب یا مایع دیگری کند. [۲۳۵]

۴۱۵ م - گوش ها ظاهراً [۲۳۶] از سر محسوب است پس نباید آنها را بپوشانید.

۴۱۶ م - پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

۴۱۷ م - گذاشتن بند خیک آب بر سر، از حکم پوشش استثنا شده و مانع ندارد.

۴۱۸ م - دستمالی را که برای سردرد به سر می بند عیب ندارد. [۲۳۷]

۴۱۹ م - گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن [۲۳۸] مانع ندارد.

۴۲۰ م - اگر پارچه ای را روی کماني بیندازند؛ به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند برای حفظ از پشه، مانع ندارد و همچنین رفتن در پشه بند اشکال ندارد.

۴۲۱ م - زیر دوش حمام رفتن برای مُحرم مانع ندارد [۲۳۹]، لیکن زیر آبخاری که سر را فرو گیرد جایز نیست.

۴۲۲ م - اگر سر را شست نباید [۲۴۰] با حوله و دستمال خشک کند و بعض سر هم در حکم همه است. [۲۴۱]

۴۲۳ م - در وقت خوابیدن، مرد نباید سر خود را بپوشاند [۲۴۲] و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آن را باز کند و همینطور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن. [۲۴۳]

۴۲۴ م - اگر سر را بپوشاند ؛ به نحوی از انحاء، کفاره [۲۴۴] آن یک گوسفند است [۲۴۵] و احتیاط [۲۴۶] واجب کفاره است برای پوشاندن بعض سر. [۲۴۷]

۴۲۵ م - احوط آن است [۲۴۸] که اگر مکرر سر را پوشانید، مکرر کفاره بدهد ؛ یعنی برای هر دفعه یک گوسفند کفاره است [۲۴۹] ، گرچه تعدد کفاره معلوم نیست و به نظر بعید نمی آید واجب نبودن. [۲۵۰]

۴۲۶ م - اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را پوشانید احتیاط [۲۵۱] به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه وجوبش معلوم نیست. [۲۵۲]

۴۲۷ م - کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را بپوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان بپوشاند کفاره ندارد. [۲۵۳]

هیجدهم - پوشانیدن ^[۲۵۴] زن روی خود را به نقاب و روبند و برقع.

۴۲۸ م - پوشانیدن رو را به هر چیز، اگر چه چیزهای غیر متعارف باشد [۲۵۵] ؛ مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر، جایز نیست بنابر احتیاط، و جایز نیست با بادبزنی روی خود را بپوشاند. [۲۵۶]

۴۲۹ م - بعض رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند. [۲۵۷]

۴۳۰ م - اگر دست های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد. [۲۵۸]

۴۳۱ م - اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد. [۲۵۹]

۴۳۲ م - واجب است برای نماز سر را بپوشاند و مقدماتی برای پوشانیدن سر کمی از اصراف رو را بپوشاند [۲۶۰]، لیکن واجب است [۲۶۱] بعد از نماز فوراً آن را باز کند. [۲۶۲]

۴۳۳ م - جایز است برای رو گرفتن از نامحرم [۲۶۳] چادر یا جامه را که به سر افکنده پایین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست. [۲۶۴]

۴۳۴ م - بهتر آن است [۲۶۵] که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می اندازد، با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد [۲۶۶] که به صورت نچسبد، بلکه این کار احوط [۲۶۷] است.

۴۳۵ م - بعضی برای دور نگه داشتن جامه از صورت، کفاره لازم دانسته اند [۲۶۸] و آن احوط است، گرچه اقوی واجب نبودن آن است. [۲۶۹]

۴۳۶ م - در نقاب انداختن و پوشاندن رو [۲۷۰]، به هر نحو که باشد [۲۷۱]، کفاره لازم نیست [۲۷۲] گرچه موافق احتیاط است.

نوزدهم - سایه قرار دادن مرد بالای سر خود: ^[۲۷۳]

۴۳۷ م - سایه قراردادن جایز نیست از برای مردان [۲۷۴]، و برای زن ها و بچه ها جایز است و کفاره هم ندارد.

۴۳۸ م - حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر، مختص به حال منزل طی کردن است و اما در حالیکه در محلی منزل کرد در منی باشد یا غیر آن [۲۷۵]، زیر

سایه رفتن مانع ندارد و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع [۲۷۶] ندارد اگرچه در حال راه رفتن باشد [۲۷۷] پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می کنند یا محلی که رمی جمرات می کنند با چتر برود [۲۷۸] گرچه احتیاط مستحب [۲۷۹] ترک است در حال راه رفتن.

[۴۳۹] م - فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل، بین آنکه در محملی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سرپوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد.

[۴۴۰] م - احتیاط [۲۸۰] آن است که در وقت طی منزل، به پهلوی محمل یا هر چیزی که بالای سر او نباشد، استظلال نکنند [۲۸۱]، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست. [۲۸۲]

[۴۴۱] م - کسانی که از تهران یا جای دیگر می خواهند به مکه مشرف شوند یا هواپیما، اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران، نذر آنها صحیح است [۲۸۳] و باید محرم شوند [۲۸۴] و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما، باید بروند به حج، لیکن برای زیر سقف بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند.

[۴۴۲] م - کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر محرم شود، باید محرم شود [۲۸۵] و حتی الامکان باید از راهی برود که زیر سایه - در طی منزل - قرار نگیرد و اگر راهی نباشد که زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت کار است [۲۸۶] برای آنکه خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است. [۲۸۷]

[۴۴۳] م - کسانی که می خواهند با هواپیما به مکه بروند، لازم است با هواپیما به مدینه بروند و از آنجا در مسجد شجره محرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آنکه بروند جده به قصد رفتن به جحفه و در صورت امکان بروند به جحفه و از آنجا محرم شوند و با اتومبیل بی روپوش بروند به مکه معظمه، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت از جده [۲۸۸] محرم شوند [۲۸۹] و بهتر آن است که [۲۹۰] در «جده» هم که بین جده و مکه است تجدید احرام کنند. [۲۹۱]

[۴۴۴] م - نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب [۲۹۲] خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن به نظر بعید [۲۹۳] نیست، بنابراین بعید نیست جایز بودن نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می کند.

[۴۴۵] م - در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن، فرق [۲۹۴] نیست بین سواره و پیاده.

[۴۴۶] م - کسانی که کشتی سوار می شوند در حال احرام، زیر سقف آن نباید بروند، لیکن در کنار دیوار کشتی که سایه است، ظاهر^۱ نشستن جایز است. [۲۹۵]

[۴۴۷] م - استظلال در وقت طی منزل برای عذری، مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لیکن باید کفاره بدهد.

[۴۴۸] م - کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است، چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار، بنابر احتیاط [۲۹۶] واجب.

[۴۴۹] م - اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره، هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد و یک گوسفند است در احرام حج هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد. [۲۹۷]

[۲۹۸] بیستم - بیرون آوردن خون از بدن خود:

[۴۵۰] م - بیرون آوردن خون از بدن دیگری؛ مثل حجامت کردن او، یا دندان او را کشیدن حرام نیست. [۲۹۹]

۴۵۱ م - جایز نیست [۳۰۰] به مثل خراشیدن بدن، خون از آن بیرون آورد و همینطور به مسواک [۳۰۱] نمودن، خون از بن دندان ها بیرون آورد.

۴۵۲ م - جایز است در حال احتیاج [۳۰۲] خون بگیرد به حجامت و غیر آن و همینطور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جَرَب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگر چه از آن خون در آید.

۴۵۳ م - خون از بدن در آوردن کفاره ندارد. [۳۰۳]

بیست و یکم - ناخن گرفتن: [۳۰۴]

۴۵۴ م - جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب آزار شود [۳۰۵]؛ مثل آنکه بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد. [۳۰۶]

۴۵۵ م - جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد؛ چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد.

۴۵۶ م - فرقی نیست بین آلات ناخنگیری، قیچی باشد یا چاقو یا ناخنگیر و احتیاط [۳۰۷] واجب آن است که ازاله ناخن نکند به هیچوجه، حتی به سوهان و دندان. [۳۰۸]

۴۵۷ م - اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد احتیاطاً، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط [۳۰۹] آن است که ناخن آن را نگیرد، اگر چه بعید نیست جواز، اگر معلوم شد آن انگشت یا آن دست [۳۱۰] زیادی است.

۴۵۸ م - اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد [۳۱۱] طعام باید کفاره بدهد و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد و همچنین در ناخن های پا.

۴۵۹ م - اگر تمام ناخن دست ها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است.

۴۶۰ م - اگر ناخن دست ها را تماماً بگیرد، در یک مجلس یا چند [۳۱۲] مجلس، و در محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است.

۴۶۱ م - اگر تمام ناخن دست ها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخن های پا یک مد [۳۱۳] طعام باید بدهد و همچنین اگر ناخن پاها را بگیرد تماماً و ناخن دست ها را کمتر از ده بگیرد. [۳۱۴]

۴۶۲ م - اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست [۳۱۵]، برای هر یک باید یک مد طعام کفاره بدهد و همچنین است اگر کمتر از ده، در هر یک از دست و پا، بگیرد برای هر یک باید کفاره بدهد. [۳۱۶]

۴۶۳ م - اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد، پس اگر تمام را بگیرد باید یک گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب [۳۱۷] آن است که برای ناخن زیادی از ده تا، کفاره بدهد برای هر یک، یک مد.

۴۶۴ م - اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد، ده ناخن اصلی را بگیرد، احتیاط واجب [۳۱۸] آن است که یک گوسفند بدهد و اگر بعضی از ناخن های اصلی را و بعضی از ناخن های زیادی را بگیرد برای ناخن های اصلی یک مد بدهد و برای زیادی ها احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهد. [۳۱۹]

۴۶۵ م - اگر تمام ناخن های دست را گرفت و کفاره آن را داد و بعد در همان مجلس ناخن های پا را تماماً گرفت باید یک

گوسفند دیگر كفاره [۳۲۰] بدهد.

[۴۶۶] م - اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای هر یک، یک مد طعام باید بدهد و احتیاط مستحب [۳۲۱] آن است که یک گوسفند ذبح کند.

[۴۶۷] م - اگر محتاج شد به گرفتن ناخن [۳۲۲]، احتیاط واجب [۳۲۳] آن است که كفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد. [۳۲۴]

[۴۶۸] م - بیست و دوم - کندن دندان [۳۲۵] است ؛ هر چند خون نیاید بنابر احتیاط [۳۲۶] و احتیاط آن است که یک گوسفند كفاره بدهد. [۳۲۷]

بیست و سوم - کندن^[۳۲۸] درخت یا گیاهی^[۳۲۹] که در حرم روییده باشد: [۳۳۰]

[۴۶۹] م - اگر گیاهی یا درختی در منزل مُحرم روییده باشد، بعد از آنکه منزل او شده، پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آن را بکند. [۳۳۱]

[۴۷۰] م - اگر درختی در منزل او روییده، بعد از آنکه منزل او شده لیکن خودش آن را نکاشته باشد، احتیاط [۳۳۲] آن است که آن را قطع نکند گرچه اقوی جواز است.

[۴۷۱] م - اگر گیاهی که در منزل او روییده، بعد از آنکه منزل او شده و خودش آن را نکاشته باشد احتیاط واجب [۳۳۳] آن است که آن را قطع نکند.

[۴۷۲] م - اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است، نباید آن را قطع کند. [۳۳۴]

[۴۷۳] م - درخت های میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می تواند [۳۳۵] آنها را قطع کند و در گیاه ها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.

[۴۷۴] م - اگر درختی را که جایز نیست کندنش، بکند [۳۳۶]، احتیاط آن است که [۳۳۷] اگر بزرگ باشد یک گاو كفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند. [۳۳۸]

[۴۷۵] م - اگر بعض درخت را قطع کند، اقوی [۳۳۹] آن است که قیمت آن را كفاره بدهد.

[۴۷۶] م - در قطع گیاه ها كفاره نیست به جز استغفار. [۳۴۰]

[۴۷۷] م - جایز است شتر خود را بگذارد که علف بخورد [۳۴۱]، ولی خودش برای او قطع نکند. [۳۴۲]

[۴۷۸] م - آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم، مختص به مُحرم نیست، بلکه برای همه کس ثابت است. [۳۴۳]

[۴۷۹] م - اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد. [۳۴۴]

[۴۸۰] م - بیست و چهارم - سلاح در برداشتن [۳۴۵]، بنابر احوط [۳۴۶] مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هرچه از آلات جنگ باشد مگر برای ضرورت و مکروه [۳۴۸] است سلاح را همراه بردارد در صورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر [۳۴۹] باشد و احوط ترک آن است.

[۱] آیه الله خامنه ای: بر شخص واجب است که از لحظه شروع احرام تا آنگاه که محرم است، از برخی امور اجتناب کند که به آنها «محرمات احرام» گفته می شود. (مناسک حج، م ۱۲۶)

[۲] آیه الله سیستانی: حیوانی که در اصل وحشی باشد، هر چند بالعرض اهلی شده باشد و فرقی نمی کند که حلال گوشت باشد یا حرام گوشت و علاوه بر شکار کردن، کشتن و مجروح ساختن بلکه هرگونه ایزای آن حرام است.

[۳] آیه الله سبحانی: اگر محرمی شکار را سر ببرد بر محرم و غیر محرم خوردن آن حرام است ولی اگر با تیر یا سگ های شکاری در غیر حرم شکار کند خوردن آن بر محرم حرام است ولی بر غیر محرم حرام نمی باشد.

آیه الله سیستانی: حتی اگر غیر محرم آن را در غیر حرم شکار کرده باشد.

آیه الله مکارم: خواه قبل از احرام خودش شکار کرده باشد یا نه.

[۴] آیه الله سبحانی: تنها از نظر خوردن حکم میته را دارد اما از نظر سایر آثار حکم میته را ندارد. □

□ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر محرم صیدی را شکار کند و یا آن را ذبح کند میته خواهد بود، پس بر محرم و غیر محرم حرام است خوردن آن، بلکه نماز خواندن در پوست آن نیز جایز نیست. (مناسک عربی، ص ۸۶).

آیه الله فاضل: اگر محرمی صید را ذبح کند، از نظر خوردن در حکم میته خواهد بود، در صورتی که ذبح یعنی بریدن رگ های چهارگانه، به دست محرم باشد اما چنانچه با پرتاب تیر صید کرده باشد، به احتیاط واجب در حکم میته است. بدون فرق بین آنکه محرم از آن استفاده نماید یا محل.

[۵] آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: صیدی را که محرم ذبح کرده بر محرم و محل حرام است.

آیه الله سیستانی: اگر محرم در بیرون حرم صید را با شکار کردن یا پس از آن کشته باشد، بنابر احتیاط خوردن آن گوشت بر محل نیز حرام است و همچنین حرام است بر محل صیدی که آن را محل یا محرم در حرم شکار یا ذبح کرده باشد.

[۶]. آیات عظام تبریزی، سیستانی، گلپایگانی: حیوان دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند.

آیه الله زنجانی، آیه الله نوری: و در آن هم زندگی کند.

آیه الله سبحانی: مقصود از آن حیوانی است که زیر آب زندگی می کند بنابراین پرندگان دریایی که گاهی در آب و گاهی در خشکی زندگی می کنند از گروه حیوانات دریایی به شمار نمی آیند.

آیه الله فاضل: زندگی او در دریا باشد به نظر عرف.

آیه الله مکارم: و زندگی در دریا کند بنابر احتیاط واجب.

[۷]. آیه الله سبحانی: پرندگان وحشی.

[۸]. آیه الله سبحانی: محرم نباید به قصد کشتن پا روی ملخ بگذارد و در راه رفتن مواظب باشد حتی الامکان پا روی آن ها نگذارد مگر اینکه (به واسطه ی زیاد بودن ملخ در سطح شهر) این کار موجب اختلال در حرکت شود و حرجی گردد، در این صورت کفاره ندارد ولی اگر بی مبالاتی و سهل انگاری نمود برای کشتن به تعداد انگشتان دست مقداری آرد گندم و اگر زیاد بود یک گوسفند کفاره بدهد.

[۹]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کشتن عمدی زنبور مقداری طعام کفاره دارد و در صورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد کفاره ندارد. (مناسک، م ۲۱۲)

آیه الله سبحانی: کشتن زنبور حرام است و در هر حال (چه قصد اذیت داشته یا نداشته) کفاره دارد و کفاره آن دادن مقداری آرد گندم به فقیر است.

آیه الله فاضل: زنبور عسل باشد یا زنبورهای دیگر.

[۱۰]. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: در این صورت نباید بکشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض حکم مسأله نشده اند.

آیه الله سیستانی: نظر ایشان در مسأله ۳۱۳ خواهد آمد.

[۱۱]. آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: چه خودش آن را شکار کرده باشد، پیش از احرام یا بعد از آن، و چه دیگری شکار کرده باشد و چه شکار در حرم صورت گرفته باشد، چه در بیرون آن، اگر با خود همراه داشته باشد (مناسک، مسأله ۲۰۱)

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر صید را با خود آورده باشد وقتی محرم شد از ملک او بیرون می رود و باید آن را رها کند.

آیه الله فاضل: اگر قبل از احرام با خود آورده باشد باید آن را رها کند و با خود نگاه ندارد.

[۱۲]. آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسأله نشده اند.

[۱۳]. آیه الله بهجت: در موردی که دلیل خاص نباشد واجب نیست.

[۱۴]. آیه الله تبریزی، آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

[۱۵]. آیه الله سیستانی: بعید نیست حرمت برداشتن، شکستن و خوردن تخم آنها بر محرم، و به احتیاط واجب نباید دیگری را در این امر کمک کنند.

[۱۶]. آیه الله سیستانی: همان گونه که شکار حیوانات صحرائی حرام است، کشتن همه حیوانات حرام است به جز: الف) حیوانات اهلی هر چند وحشی شده باشند. ب) مرغی که قادر بر پرواز نیست مانند مرغ خانگی. ج) آنچه که محرم از آن بر خود می ترسد یا قصد جان او را داشته باشد از درندگان و مارها و غیر آنها پس کشتن اینها بر محرم جایز است. د) پرندگان شکاری اگر کبوتران حرم را اذیت کنند. ه) مار بد و عقرب و موش و همچنین تیراندازی و سنگ انداختن به کلاغ و لاشخور جایز است.

[۱۷]. آیه الله سیستانی: و همچنین بلند کردن یا در آغوش گرفتن با شهوت.

[۱۸]. آیه الله بهجت: قید بودن شهوت برای نظر به اهل، مسلم است (مناسک شیخ، ص ۱۶) .

آیه الله سیستانی: در صورتی که نگاه کردن به همسر از روی شهوت موجب خروج منی شود، لازم است از آن پرهیز کند و احتیاط مستحب آن است که اگر موجب خروج منی هم نشود پرهیز کند.

[۱۹]. آیه الله اردبیلی: بلکه بنابر احتیاط هر نوع لذت و تمتع شهوانی.

[۲۰]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: محرم می تواند به غیر از جماع و بوسیدن و لمس و نگاه به شهوت و ملاعبه، از عیال خود لذت برد بنابر اظهر (مانند التذاذ از صدا و یا سخن گفتن با او) گرچه احوط ترک استمتاع است مطلقاً. (مناسک، مسأله ۲۳۱) .

آیه الله خامنه ای: بنابر این [نگاه زن و شوهر به یکدیگر و گرفتن دست یکدیگر اگر از روی شهوت و التذاذ جنسی نباشد، جایز است. (مناسک حج، م ۲۲۶ و مناسک حج دستنویس، م ۱۶۰)

آیه الله زنجانی: جماع کرد با زن و بوسیدن او از روی شهوت و ملامسه او در صورتی که با قصد لذت یا خروج منی همراه باشد و همچنین نگاه کردن به او چنانچه با قصد لذت و خروج منی همراه باشد، بر محرم حرام است و احتیاط مستحب در ترک مطلق تمتعات است.

آیه الله سبحانی: ولی بدون قصد لذت و بدون نگاه شهوت انگیز زن و مرد می توانند با هم زندگی کنند و در یک اتاق در بسته استراحت نمایند.

آیه الله سیستانی: محرم می تواند از همنشینی و صحبت و مانند آن با عیال خود لذت ببرد ولی احتیاط مستحب ترک استمتاع است مطلقاً.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: برای زنان، همین حکم نسبت به مردان صادق است اگر چه از محارم زن باشند. □

□ آیه الله فاضل: مرد نسبت به زوجه خودش.

آیه الله مکارم: نگاه و لمس بدون قصد لذت مانعی ندارد و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک نماید.

آیه الله نوری: از زن.

[۲۱] آیه الله بهجت: عمره اش باطل است لکن باید عمره را تمام کند و دوباره اعاده نماید و بعد حج تمتع به جا آورد و اگر وقت تنگ باشد حج او مبدل به افراد می شود و باید از حج، عمره مفرده به جا آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده. (مناسک، مسأله ۲۲۰).

آیه الله خویی: ایشان متعرض جماع با مرد نشده اند.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از تمام شدن سعی باشد و همچنین در عمره مفرده.

آیه الله فاضل: حرمت نفسی و ذاتی و طبعی با مرد گرچه خیلی شدید و موجب حدّ است لیکن ارتباط آن با احرام محل اشکال است.

[۲۲] آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر پیش از سعی باشد عمره او فاسد است و باید احتیاطاً آن را تمام کند و بعد از تمام کردن عمره پیش از حج، واجب است عمره را اعاده نماید و یک شتر کفاره بر او واجب است و اگر وقت اتمام و اعاده ندارد آن عمره فاسد را قطع کند و اعاده نماید و اگر نتواند به واسطه تنگی وقت آن را پیش از حج اعاده کند حج او افراد می شود و باید بعد از حج عمره مفرده به جا آورد، ولی باید به همان احرام عمره باقی بماند و احتیاطاً به یکی از مواقیف خارج مکه برود و تجدید نیت جهت حج افراد بنماید و احوط اعاده حج است در سال آینده.

[۲۳]. آیه الله فاضل: بنابر احتیاط موجب کفاره است.

آیه الله مکارم: کفاره آن بنابر احتیاط یک شتر است.

[۲۴]. آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: احتیاط مستحب.

[۲۵]. آیه الله تبریزی: بنابر اظهر عمره اش باطل نمی شود ولی احتیاط این است که عمره را پیش از حج در صورت امکان اعاده نماید و در صورت عدم امکان در سال بعد، حج را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب این است که عمره اش را تمام کند و پس از آن حج به جا آورد و در سال آینده هر دو را دوباره به جا آورد و اگر در عمره مفرده باشد نیز عمره اش باطل است و واجب است در مکه بماند تا ماه دیگر قمری و برود از یکی از مواقیت پنجگانه محرم شود و عمره را اعاده کند و به احتیاط واجب احرام از خارج حرم کافی نیست. (مناسک، مسأله ۲۲۰).

[۲۶]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: از اینجا تا آخر در مناسک ایشان نیست بلکه به جایی آن آمده است: «و در صورت عدم امکان سال دیگر حج را اعاده نماید». (مناسک، مسأله ۲۲۰).

[۲۷]. آیه الله اردبیلی: حج را به قصد ما فی الذمة یعنی اعم از افراد و تمتع به جا آورد.

آیه الله سبحانی: عدول به حج افراد خلاف احتیاط است لذا عمره را اتمام کند و اگر وقت دارد اعاده نماید و اگر وقت ندارد برای حج محرم شود و حج خود را با همان عمره به پایان ببرد و احتیاط مستحب سال بعد حج را اعاده نماید و در هر صورت کفاره بر او یک شتر واجب شده است که مخیر است در مکه و یا در منا و در صورت تأخیر در محل خود انجام دهد.

آیه الله مکارم: اگر وقت تنگ است عمره را اعاده نکند و حج تمتع را ادامه دهد.

[۲۸]. آیه الله زنجانی: و بعد از حج و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده...

[۲۹]. آیه الله فاضل: ظاهر^۱ عمره باطل نمی شود، لذا اگر وقت تنگ است حج تمتع را به جا آورد و احتیاط مستحب آن است که سال بعد حج را اعاده کند. و اگر این عمل در عمره مفرده قبل از سعی واقع شده باید این عمره را تمام کند و یک شتر کفاره بدهد و در ماه بعد نیز یک عمره مفرده دیگر انجام دهد. (اگر چه اصل آن مستحب بوده) و محل احرام عمره دوم در صورتی که در عمره اول از یکی از مواقیت معروفه محرم شده همانجاست والا از ادنی الحل است. همانطور که در صورت عدم تمکن از رفتن به مواقیت می تواند از ادنیالحل محرم شود.

[۳۰]. آیه الله فاضل، آیه الله نوری: عمره او صحیح است.

[۳۱]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب برای کسی که بتواند شتر تهیه کند، کفاره یک شتر است و اگر حال او متوسط باشد و نتواند شتر تهیه کند، کفاره او یک گاو است و اگر گاو نیز نتواند تهیه کند، کفاره او یک گوسفند است.

آیه الله بهجت: کفاره اش یک شتر است. (مناسک شیخ، ص ۱۶ و ۹۳).

آیه الله تبریزی: کفاره اش یک گوسفند است و بنابر احتیاط یک شتر و یا یک گاو. (مناسک، مسأله ۲۲۰).

آیه الله خویی، آیه الله نوری: بنابر احتیاط واجب یک شتر است برای کسی که بتواند شتر تهیه کند، و یک گاو است اگر متوسط باشد و نتواند شتر تهیه کند، و یک گوسفند است اگر مُعْسِر باشد و نتواند گاو تهیه کند. □

□ آیه الله سبحانی، آیه الله صافی: کفاره آن اگر متمکن است یک شتر و الا یک گاو است.

آیه الله سیستانی: کفاره اش بنابر احتیاط یک شتر و یا یک گاو است. (مناسک، مسأله ۲۲۰).

آیه الله فاضل: کفاره اش یک شتر و یا یک گاو و یا یک گوسفند است به اختیار خودش اگر چه بهتر آن است که شتر را کفاره دهد.

آیه الله گلپایگانی: و کفاره او اگر ثروتمند باشد یک شتر، و اگر فقیر باشد یک گوسفند، و در متوسط الحال یک گاو است، و اظهار تخیر بین سه چیز است مطلقاً!

[۳۲] آیه الله خامنه ای: کفاره اش یک شتر است. (مناسک حج، م ۲۲۸)

[۳۳] آیه الله زنجانی: در کفاره بین شتر و گاو و گوسفند، مخیر است؛ و اگر قبل از اتمام سعی، مرتکب شود در این صورت نیز عمره او فاسد نمی شود و کفاره آن یک شتر است.

آیه الله سبحانی: بنابر فتوا یک شتر است و فرقی بین فقیر و ثروتمند نیست و اگر از آن عاجز باشد ساقط می شود.

[۳۴] آیه الله سبحانی: حج در هر دو صورت صحیح است ولی باید یک شتر و در صورت عجز یک گوسفند کفاره بدهد و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک را تمام کنند و سال بعد باید حج تمتع را به عنوان عقوبت انجام دهند و در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند پس از رسیدن به محل معصیت از هم جدا شوند تا اتمام مناسک.

آیه الله فاضل: ظاهراً حج او در هر دو صورت صحیح است ولی باید یک شتر و در صورت عجز یک گاو کفاره بدهد و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند و سال بعد باید حج تمتع به عنوان عقوبت انجام دهند. و همچنین در سال بعد در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محل معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک. و زن هم اگر در احرام بوده و به عمل راضی شده همین حکم را دارد و اگر مجبور شده کفاره اش به عهده شوهر است.

آیه الله نوری: و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند و همچنین در سال بعد، در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محل معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک.

[۳۵] آیه الله بهجت، آیه الله گلپایگانی: در این صورت حج او فاسد است علی الأظهر.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر این عمل قبل از وقوف در مزدلفه صورت گرفته باشد، باید حج در سال آینده اعاده شود. (و آیه الله سیستانی اضافه می فرماید: چه حج واجب باشد چه مستحب).

[۳۶] آیه الله بهجت: کفاره این عمل در صورت تمکن یک شتر و در صورت عجز یک گاو و در صورت عجز یک گوسفند می باشد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در صورت تمکن یک شتر و در صورت عجز یک گوسفند کفاره بدهد.

[۳۷]. آیه الله زنجانی: در هیچ یک از دو صورت، حج، فاسد نمی شود، لیکن سه امر واجب می گردد: الف) اگر قبل از درک رکن مشعر باشد سال آینده حجبی که از نظر نوع مانند حج امسال باشد به جا آورد، هر چند حج اول او استحبابی باشد؛ ب) یک شتر قربانی کند؛ ج) از یکدیگر جدا شوند و در سال بعد نیز اگر از همان مسیر سال قبل به عرفات می روند پس از رسیدن به محل معصیت از یکدیگر جدا شوند. و زن در صورتی که محرم بوده و این عمل از روی علم و عمد و اختیار از او صادر شده باید شتر قربانی کند و سال بعد حج به جا آورد و اگر شوهرش او را مجبور کرده باید قربانی زن را نیز بپردازد و در این صورت حج سال بعد بر زن واجب نیست. و در هر حال برای وجوب جدایی کافی است که در این معصیت یکی از آنها علم و عمد و اختیار داشته باشد. کفاراتی که در باب جماع می آید مخصوص به جماع با همسر است.

آیه الله سبحانی: اگر وقوع تا قبل از وقوف مشعر واقع شود احکام چهارگانه مترتب است: الف) حج او صحیح است (ولی به شرحی که می آید هم عقوبت و هم کفاره دارد) ب) باید اعمال حج را پایان برساند و باید زن و مرد با هم خلوت نکنند تا اعمال حج را تمام کنند. ج) در سال آینده دوباره حج را به عنوان عقوبت انجام دهد و در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند پس از رسیدن به محل معصیت از هم جدا شوند تا اتمام مناسک. د) باید یک شتر کفاره بدهد و در صورت عجز یک گوسفند کفاره بدهد و از اینجا حکم مسأله بعد هم بیان شد.

[۳۸]. آیات عظام در مناسک خود، اضافه بر کلام حضرت امام = متعرض تفریق و جدایی بین زن و شوهر در حج امسال و سال آینده شده اند.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: گذشت که حج فاسد نشده است.

[۳۹]. آیه الله اردبیلی: و زن و شوهری که این کار را در حال احرام انجام داده اند، تا پایان مناسک حج نباید با یکدیگر خلوت کنند. حتی در سال بعد هم چنانچه بخواهند از همان راه قبلی حج به جا آورند، وقتی به محل معصیت رسیدند، باید تا پایان اعمال حج از یکدیگر جدا شوند. □

□ آیه الله زنجانی: گذشت که حج فاسد نشده است هر چند در برخی صورت ها باید سال بعد حج به جا آورد.

[۴۰] آیه الله خامنه ای: ما بین مشعر و اتمام طواف نساء اگر آمیزش جنسی شود حج صحیح است و فقط باید کفاره بدهد، ولی اگر پس از طواف نساء باشد کفاره هم ندارد. در باب حکم اثناء طواف نساء و اینکه آیا عبور از نصف در حکم تمام طواف است یا عبور از شوط پنجم، میان فقهاء بحث است که محل ابتلاء نیست. (استفتاء، دستخط معظمله، ش ۴۴)

آیه الله سبحانی: خواه قبل از تقصیر و یا حلق و یا پس از آن باشد.

[۴۱] آیه الله اردبیلی: اگر بعد از شوط پنجم باشد حج او صحیح است و کفاره ندارد و اگر قبل از اتمام شوط سوم باشد، حج او صحیح است ولی باید کفاره بدهد و بعید نیست گفته شود که اگر بین شوط چهارم و پنجم باشد ملحق به قسم اول و چنانچه بین شوط سوم و چهارم باشد ملحق به قسم دوم است.

آیه الله بهجت: اگر این عمل در دور سوم طواف نساء باشد و همچنین اگر در دور چهارم باشد، بنابر احتیاط و اگر بعد از دور پنجم طواف نساء بوده کفاره نیز ندارد علی الأظهر الأشهر اگر چه احوط کفاره است. (مناسک شیخ، ص ۱۶ و ۹۳)

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: اگر این عمل پیش از طواف نساء و یا قبل از تمام شدن شوط پنجم باشد، حج او صحیح است ولی باید کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: اگر این عمل قبل از طواف نساء و یا قبل از اتمام شوط چهارم طواف نساء باشد، حجتش صحیح و کفاره دارد و اگر بعد از آن باشد کفاره هم ندارد. (مناسک، مسأله ۲۲۲).

آیه الله فاضل: اگر قبل از تمام شدن شوط سوم باشد حج او صحیح و کفاره دارد.

آیه الله مکارم: اگر قبل از طواف نساء این عمل صورت گیرد، حجتش صحیح ولی گناه کرده است و کفاره آن یک شتر است.

[۴۲] آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بعد از تجاوز از ۵ شوط اگر مرتکب شود، حج او صحیح و کفاره نیز ندارد، اگر چه احوط است.

آیه الله نوری: بعد از تمام شدن شوط پنجم طواف نساء.

[۴۳] نظریه آیه الله بهجت و آیه الله مکارم در صورت اول گذشت.

آیه الله تبریزی: بعد از شوط پنجم کفاره ندارد.

آیه الله زنجانی: اگر این عمل بعد از اتمام شوط چهارم طواف نساء باشد کفاره ندارد و اگر قبل از آن و بعد از مشعر باشد قربانی شتر و جدایی زن و مرد واجب می شود و تکرار حج واجب نمی شود.

آیه الله فاضل: اگر این عمل بعد از تمام شدن شوط سوّم باشد کفاره نیز ندارد.

آیه الله نوری: علی الأظهر الاظهر، گرچه احوط کفاره است.

[۴۴] آیه الله اردبیلی: چنانچه منی از او خارج شود بنابر اقوی و اگر منی خارج نشود بنابر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد و اگر بوسیدن از روی شهوت نباشد، کفاره آن یک گوسفند است اگر چه احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفاره بدهد؛ و بنابر احتیاط واجب هرگاه زن محرم نیز مردی را ببوسد همین حکم را دارد.

آیه الله سبحانی: خواه منی از او خارج بشود یا نشود.

[۴۵] آیه الله بهجت: اگر او را از روی شهوت ببوسد یک شتر کفاره بدهد اگر منی خارج شود و اگر خارج نشود نیز بنابر احوط یک شتر کفاره دارد. (مناسک شیخ، ص ۹۵)

آیه الله تبریزی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود یک شتر کفاره بدهد و اگر منی خارج نشود یا از روی شهوت نباشد یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۲۶).

آیه الله خویی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی از او خارج شود یک شتر باید کفاره بدهد و اگر منی از او خارج نشود، بنابر احتیاط یک شتر باید بدهد. (مناسک، مسأله ۲۲۶).

آیه الله زنجانی: اگر محرم، همسرش را با قصد لذت ببوسد کفاره آن یک شتر است مگر این عمل بعد از اتمام سعی عمره یا حج تمتع باشد که گوسفند کافی است و اگر بدون قصد لذت ببوسد کفاره ندارد مگر منی خارج شود که باید یک گوسفند قربانی کند و اگر غیر همسر را ببوسد - محرم باشد یا نامحرم - کفاره ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر مرد محرم همسرش را از روی شهوت ببوسد و منی خارج شود لازم است یک شتر کفاره بدهد، ولی اگر منی خارج نشود بعید نیست که یک گوسفند کفاره دادن کافی باشد و اگر مردی که محرم نیست همسر محرم خود را ببوسد، به احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۲۶). □

□ آیه الله فاضل: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود کفاره آن یک شتر است و اگر منی خارج نشود کفاره آن یک گوسفند است. و بوسیدن بدون شهوت کفاره ندارد، چون حرام نیست. و زن هم در این مسأله حکم مرد را دارد.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

[۴۶]. آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: در این صورت بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۲۶).

آیه الله خامنه ای: کفاره بوسیدن همسر اگر با شهوت باشد، شتر است و اگر بدون شهوت باشد گوسفند و ظاهراً بوسیدن غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفاره هم ندارد. (استفتاء، دستخط معظمله، ش ۴۵)

آیه الله صافی، آیه الله نوری: در این صورت بنابر احتیاط واجب یک شتر باید کفاره بدهد.

آیه الله گلپایگانی: در این صورت خالی از قوت نیست که یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را ترک کند و اگر ببوسد یک گوسفند کفاره بدهد.

[۴۷]. آیه الله بهجت: بنحو حرام، و اما اگر انزال نشود پس جز اینکه گناه کرده چیزی بر او نیست بنابر اظهر (مناسک شیخ ص ۱۷ و ۹۴).

[۴۸]. آیه الله زنجانی: اگر به غیر همسر خود نگاه کند - با شهوت یا بی شهوت - و انزالش شود، اگر به دست و پای او و مانند آن نگاه کرده، باید یک شتر یا گاو و اگر نمی تواند یک گوسفند قربانی کند، و اگر به ساق و عورت و مانند آن نگاه کرده، چنانچه ثروتمند است باید یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله سبحانی: در صورت توانایی مالی کفاره آن یک شتر و اگر نمی تواند یک گاو و اگر به آن هم توانایی ندارد یک گوسفند است.

[۴۹]. آیه الله اردبیلی: بلکه اقوی.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چه با شهوت باشد و چه بدون شهوت اگر انزال شود کفاره اش یک شتر است در صورت دارا بودن و یک گاو است اگر متوسط باشد و یک گوسفند است اگر فقیر باشد.

آیه الله سبحانی: اگر محرم با شهوت به غیر زن خود نگاه کند و انزال شود، واجب است که اگر متمول است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد. □

آیه الله سیستانی: اگر محرم به غیر همسر خود نگاه حرام کند اگر منی خارج نشود کفاره ندارد و اگر خارج شود کفاره واجب است و احتیاط واجب آن است که اگر وضع مالی او خوب است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو کفاره بدهد و نسبت به فقیر یک گوسفند کافی است.

آیه الله فاضل: اقوی آن است که اگر متمول است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد.

[۵۰]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب نگاه زن به غیر شوهر خود نیز همین حکم را دارد.

[۵۱]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد و اگر منی خارج نشود و یا بدون شهوت به او نگاه کند و اتفاقاً منی خارج شود، کفاره ندارد.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، صافی، گلپایگانی: باید یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب یک شتر بدهد. و اما اگر منی بیرون نیاید و یا بدون شهوت به او نگاه کرد و منی بیرون آمد، کفاره واجب نیست. (مناسک، مسأله ۲۲۹).

آیه الله فاضل: بنابر اقوی یک شتر کفاره بدهد.

[۵۲]. آیه الله بهجت: ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند و منی بیرون بیاید کفاره ندارد. (مناسک، مسأله ۲۲۹).

آیه الله تبریزی: و یا از روی شهوت باشد و انزال نشود...

آیه الله سبحانی: ولی اگر به صورت عادی نگاه کند کفاره ندارد هر چند حالتی پیش آید که منی از او خارج شود.

[۵۳]. آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط واجب نگاه زن محرم به همسر خود نیز همین حکم را دارد.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه قبل از مسأله ۳۱۴ (دوم جماع کردن...) مراجعه شود.

[۵۴]. آیه الله اردبیلی: اگر محرم همسر خود را با شهوت لمس نماید، باید یک گوسفند کفاره بدهد، چه انزال بشود و چه نشود، و اگر با همسر خود ملاعبه کند و انزال شود، کفاره آن مانند کفاره جماع است و اگر انزال نشود، کفاره آن یک گوسفند است و بنابر احتیاط دست زدن و ملاعبه زن محرم با همسرش نیز همین حکم را دارد. □

□ آیه الله بهجت: اگر با شهوت همسر خود را لمس نماید یک گوسفند باید بدهد و اگر با او ملاعبه کند و انزال شود لازم است یک شتر کفاره بدهد و احوط قضای حج است در موردی که این ملاعبه با انزال و امثال آن به نحو حرام بر غیر محرم صورت بگیرد؛ مثل اینکه با اجنبیه باشد و در ملاعبه بدون انزال یک گوسفند است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر محرم زن خود را با شهوت لمس کند باید یک گوسفند کفاره دهد و اگر با همسر خود ملاعبه کند و انزال شود لازم است یک شتر کفاره دهد.

آیه الله سبحانی: کفاره آن یک گوسفند است خواه منی از او خارج شود یا نشود و اگر بدون شهوت دست بزند کفاره ندارد هر چند حالتی پیش آید که منی از او خارج شود.

آیه الله سیستانی: اگر زن خود را با شهوت لمس نماید یا بلند کند یا در آغوش بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد. چه انزال شود و چه نشود و اگر بدون شهوت باشد کفاره ندارد و اگر با زن خود ملاعبه نماید و انزال شود باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی تواند باید یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۲۸ و ۲۲۹).

آیه الله فاضل: اگر محرم زن خود را با شهوت لمس کند و یا با او بازی کند، اگر انزال نشود یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر انزال شود بنابر احتیاط واجب یک شتر کفاره دارد.

[۵۵]. آیه الله خامنه ای: کفاره ملاعبه منتهی به إمناء در حال احرام، یک شتر است. (استفتاء، دستخط معظمله، ش ۴۳)

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورت انزال واجب است یک شتر کفاره بدهد. (آداب و احکام حج، مسأله ۳۹۱).

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: بنابر احتیاط واجب یک شتر کفاره دارد.

[۵۶]. اموری که در حرام دوم از محرمات بعد از مسأله ۳۱۳ آمده است و مراد تمام محرمات احرام نمی باشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر طواف حج را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی کند و یا بعد از سعی و قبل از تقصیر از روی جهل به حکم باشد باید کفاره بدهد.

[۵۷]. آیه الله سیستانی: اگر مرد زنش را مجبور به جماع کند، بنابر احتیاط واجب باید کفاره او را نیز بدهد.

[۵۸]. آیه الله سبحانی: در آغاز کار یا در اثناء راضی شود در این صورت کفاره زن بر خود او واجب است.

[۵۹]. آیه الله فاضل: و در این صورت ظاهراً حج او صحیح است، اما باید مثل مرد سال بعد به عنوان عقوبت حج تمتع انجام دهد.

[۶۰]. آیه الله اردبیلی: و همچنین صور بطلان حج و وجوب اعاده آن در سال بعد.

[۶۱]. آیات عظام اردبیلی، مکارم، نوری: احتیاط واجب.

آیه الله بهجت: حاضر شدن در مجلس عقد و شاهد شدن بر آن، بر محرم حرام است. (مناسک، مسأله ۲۳۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: شاهد شدن بر عقد، بنابر قول مشهور، بر محرم حرام است و این قول موافق احتیاط است.

[۶۲]. آیات عظام اردبیلی، بهجت، مکارم: احتیاط واجب این است که محرم.

آیه الله سبحانی: ادای شهادت بر عقد چه در حال احرام شاهد آن شده باشد یا در حال غیر احرام جایز است هر چند احتیاط مستحب آن است که آن را ترک کند.

[۶۳]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بعضی از فقها فرموده اند که گواهی بر عقدي که قبلاً واقع شده نیز بر محرم حرام است، ولی دلیلش ظاهر نیست.

آیه الله سبحانی: خواستگاری در حال احرام مکروه است. □

□ آیه الله فاضل: شهادت دادن به عقد در حال احرام جایز است، هر چند احتیاط مستحب در ترک آن است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: شهادت بر عقد جایز نیست، اگر چه پیش از احرام شاهد شده باشد.

[۶۴]. آیات عظام اردبیلی، تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: بنابر احتیاط واجب محرم نباید خواستگاری نماید.

[۶۵]. آیه الله سبحانی: و زن در طلاق خلعي می تواند از بذل خود برگردد.

[۶۶]. آیه الله سبحانی: چه آن زن محرم باشد یا نباشد و خواه عالم به مسأله باشد یا نباشد.

[۶۷]. آیه الله بهجت: اگر جاهل بود حرام ابدی نمی شود، اگر چه دخول بنماید، بنابر اظهر و اشهر. (کتاب نکاح، ص ۴۸).

آیه الله سبحانی: و بعد^۱ می تواند او را برای خود عقد کند

آیه الله نوری: در صورت عدم دخول، و در صورت دخول حرام دائمی می شود.

[۶۸]. آیه الله مکارم: این احتیاط مستحب است.

[۶۹]. آیه الله اردبیلی: اگر زنی که در حال احرام است با مردی که در حال احرام نیست ازدواج کند، عقد او باطل است ولی می تواند بعداً با آن مرد ازدواج کند، اگر چه در صورتی که زن می دانسته ازدواج کردن در حال احرام حرام است، احتیاط مستحب آن است که بعداً با او ازدواج نکند.

آیه الله بهجت: احوط اتحاد حکم مرد و زن است بلکه خالی از وجه نیست. (کتاب نکاح، ص ۴۸). □

□ آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در صورتی که زن محرم باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود در آورد، این عقد باطل است و چنانچه زن عالم به حکم بوده است موجب حرمت ابدی هم می شود. (آیه الله سیستانی: حکم اخیر مبنی بر احتیاط است).

آیه الله زنجانی: در احکامی که در مسائل پیشین گفته شد بین مرد و زن محرم فرقی نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر زنی احرام بسته باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود در آورد، این عقد باطل است و چنانچه زن عالم به حکم بوده، عقد باطل است و برای همیشه بر یکدیگر حرام می شوند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر زوجه محرم، عالم به حرمت عقد باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند، احتیاط واجب آن است که دیگر با او ازدواج نکند، بلکه عدم جواز خالی از قوت نیست. (هدایة العباد، ج ۲).

[۷۰]. آیه الله سبحانی: اگر یکی از آنان از حکم مسأله آگاه باشد و بداند که عقد در حال احرام حرام است چنین عقدي باطل و آن زن برای آن مرد حرام ابدی می شود.

[۷۱]. آیه الله بهجت: و نیز عالم به موضوع در موردی که محلی برای جهل آن هست. (مناسک شیخ، ص ۱۸).

آیات عظام زنجانی، سیستانی، فاضل: عالم به حکم و موضوع (یعنی اینکه بدانند مرد مُحرم است) باشند.

[۷۲]. آیه الله سبحانی: البته در مورد زنی که محرم نیست علاوه بر آگاهی از حکم شرعی به موضوع یعنی محرم بودن زوج نیز آگاهی داشته باشد و اگر برخی از حکم شرعی آگاه بوده و برخی نبودند کفاره تنها بر کسانی واجب است که حکم شرعی را می دانسته اند.

[۷۳]. آیه الله اردبیلی، آیه الله زنجانی: و موضوع.

[۷۴]. آیه الله خامنه ای: و اگر نتواند شتر بدهد، قربانی کردن یک گوسفند کافی است. البته وجوب کفاره در صورت علم به حکم و عمد می باشد و علاوه بر آن اگر استمناء با کاری است که او با خود انجام می دهد و پیش از مزدلفه است، لازم است حج را تمام کند و در سال بعد آن را دوباره به جا آورد و اگر استمناء به وسیله همسرش انجام شده، احتیاط واجب آن است که باز هم این گونه عمل کند. (اجوبة الاستفتاءات فی الحج، س ۵۵)

آیه الله زنجانی: اگر محرم با آلت خود بازي کند و مني از او خارج شود کفاره آن یک شتر و انجام حج در سال آینده است - هر چند قصد او خروج مني نباشد - و اگر با همسر خود به قصد خروج مني، ملاعبه نماید و مني از او خارج شود باید یک شتر قربانی کند. و در غیر این دو صورت کفاره ندارد.

[۷۵]. آیه الله اردبیلی: بلکه اقوي.

آیه الله بهجت: و بدان که انزال مني با استمناء، بعضي او را مفسد حج دانسته اند، مثل جماع کردن و این قول احوط است در استمناء به مثل عبث با آلت خود و مانند آن از محرم بر غیر محرم. پس ترک نشود احتیاط به قضای حج. (مناسک، مسأله ۲۳۲)

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر محرم با آلت خود بازي کند و مني از آن بیرون بیاید حکم کسی است که با زن خود نزدیکی کرده و مسأله آن گذشت. و اگر بدون بازي با آلت استمناء نمود، کفاره بر او واجب می شود و بنابر اظهار حج و عمره اش فاسد نخواهد شد. هر چند رعایت احتیاط در اعاده آنها بهتر است.

آیه الله سیستانی: استمناء با عضو تناسلی؛ چه با دست و غیر آن، مطلقاً حرام است و حکم آن در حج حکم جماع است که گذشت و همچنین در عمره مفرده به احتیاط واجب. و استمناء به وسیله بوسیدن زن و یا دست زدن و یا ملاعبه و نگاه، حکمش در مسائل قبل گذشت. و استمناء به وسیله شنیدن صحبت زن و یا اوصاف و مشخصات او و یا به وسیله تصوّرات او در خیال و مانند آن، بر محرم حرام است ولی موجب کفاره نیست. (مناسک، مسأله ۲۳۲).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که با آلت خود بازی کند و منی بیرون بیاید کفاره آن یک شتر است و اگر این عمل قبل از موقوفین باشد سال دیگر باید اعاده حج نماید.

[۷۶]. آیه الله سبحانی: و بنابر احتیاط در مواردی که نزدیکی با زن موجب کفاره و اعاده می شود استمناء نیز همین حکم را دارد.

آیه الله فاضل: ظاهراً استمناء موجب بطلان نمی شود و حکم آن مثل جماع است که گذشت. و ظاهراً زن نیز همین حکم را دارد.

[۷۷]. آیه الله بهجت: حرمت در غیر طیب مسلم الحرمه؛ مانند مشک و زعفران و عنبر و کافور و ورس، معلوم نیست، بلکه جواز آن شماً و استعمالاً خالی از وجه نیست، اگرچه احتیاط در اجتناب عامه بوی خوش است.

آیه الله تبریزی: این حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و مشک و ورس، مبنی بر احتیاط مستحب است.

آیه الله خامنه ای: و نیز استفاده محرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنابر احتیاط جایز نیست. (مناسک حج، م ۱۶۸)

آیه الله خویی: احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از این ها است.

آیه الله زنجانی: بوییدن مطلق اشیاء خوشبو، خواه از عطریات باشد یا گل ها و سبزیجات خوشبو، بلکه بوییدن میوهجات خوشبو بر محرم حرام است؛ لکن حرمت انواع دیگر استعمال عطریات مانند مالیدن آنها به بدن، مخصوص زعفران و مشک و عود و عنبر و ورس و عطریاتی است که در این سطح یا قوی تر از آنهاست و لذا هرگونه استفاده از عطریاتی که امروزه متداول است بر محرم حرام است.

آیه الله سبحانی: استعمال عطریات چه به عنوان بوییدن و یا مالیدن به لباس و بدن و یا خوردن باشد.

آیه الله سیستانی: بر محرم حرام است استعمال هر ماده ای که برای خوشبو کردن بدن یا لباس یا خوراک یا غیر آنها مورد استفاده واقع می شود چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن یا رنگ کردن یا بخور دادن و احتیاط واجب آن است که از شامپو و صابون و سیگاری که بوی خوش دارد نیز اجتناب کند.

[۷۸] آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب.

[۷۹] آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله مکارم: یا پراکندن در فضا به وسیله اسپری و مانند آن.

[۸۰] آیه الله خامنه ای: خوردن غذایی که در آن زعفران وجود دارد، برای محرم جایز نیست. (مناسک حج، م ۱۷۰)

آیه الله زنجانی: خوردن چیزهای خوشبویی که در سطح زعفران یا قوی تر از آن است جایز نیست؛ بنابراین خوردن گل ها و سبزیجات و میوهجات خوشبو بر محرم جایز است، ولی باید مواظبت کند -ولو با گرفتن بینی- که بوی خوش آنها به مشامش نرسد.

[۸۱] آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنابر احتیاط لازم.

[۸۲] آیه الله اردبیلی: در مورد پوشیدن لباس بنابر احتیاط و در مورد خوردن غذا بنابر اقوی باید کفاره بدهد و کفاره آن یک گوسفند است.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج باشد.

آیه الله سبحانی: بینی خود را بگیرد و از بوییدن عطر آن خودداری کند.

[۸۳] آیات عظام اردبیلی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب از تمام گل ها اجتناب کند.

آیه الله بهجت، آیه الله خویی: به حاشیه قبل از مسأله ۳۳۵ پنجم: استعمال عطریات] مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: چنانکه گذشت حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و ورس و مشک، مبنی بر احتیاط مستحب است.

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب، باید محرم از بوییدن هر چیز معطر اجتناب کند، هرچند به آن عطر اطلاق نشود، مانند گل ها و سبزیجات و میوه های خوشبو. (مناسک حج، م ۱۶۹)

آیه الله سبحانی: باید از گل هایی که برای عطر گیری کاشته می شوند مانند گل محمدی، یاسمن، نیلوفر پرهیز کرد ولی در غیر این نوع گل ها اجتناب لازم نیست.

آیه الله سیستانی: این حکم مخصوص گیاهانی است که برای بوییدن مورد استفاده واقع می شود، چه از آن عطر گرفته شود و چه نشود.

[۸۴] آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۳۳۶ و حاشیه قبل از مسأله ۳۳۵ مراجعه شود.

[۸۵] آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

[۸۶] آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: از بوییدن و خوردن چیزهای خوشبویی مثل زنجبیل و دارچین خودداری شود.

آیه الله سیستانی: حرمت شامل آنها نیز می شود.

نظریه آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

[۸۷] آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب از بوییدن آنها خودداری کند. (مناسک حج، م ۱۷۱)

[۸۸]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب از بوییدن آنها اجتناب کند.

آیه الله تبریزی: اولی این است که از بوییدن آنها هنگام خوردن خودداری شود.

آیه الله سبحانی: بهتر است از بوییدن آنها خودداری شود.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط از بوییدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نهایت احتیاط در آن...

[۸۹]. آیه الله زنجانی: باید مواظبت کند که بوی خوش آنها به مشامش نرسد.

آیه الله سبحانی: از بوییدن نعناء و کلیه سبزیهای خوشبو خودداری شود ولی استفاده از آنها برای خوراک اشکال ندارد.

[۹۰]. آیه الله بهجت: بنابر احوط بلکه اقوی. (مناسک، مسأله ۲۴۱).

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط واجب. (مناسک، مسأله ۲۴۱).

آیه الله فاضل: و اگر گرفت معصیت کرده ولی کفاره ندارد.

[۹۱]. آیه الله زنجانی: همچنین رفتن محرم در اماکن خوشبو جایز نیست.

آیه الله سبحانی: حتی برای آزمایش.

آیه الله نوری: اگر صابون و شامپو دارای بوی خوش باشد، باید مُحرم از آن اجتناب کند.

[۹۲]. آیه الله اردبیلی: کفاره خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می دهد، بنابر اقوی یک گوسفند است.

آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: در صورت عمد...

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کفاره اش بنابر مشهور یک گوسفند است، ولی ثبوت کفاره در غیر خوردن، محل اشکال است هر چند احوط کفاره دادن است. (مناسک، م ۲۴۰).

آیه الله خامنه ای: احتیاط واجب آن است که برای استفاده عمدي از عطریات و بوی خوش، چه آنهایی که در خوراک از آن استفاده می شود مانند زعفران و چه غیر آنها، یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک حج دستنویس، م ۱۰۷)

آیه الله زنجانی: کفاره خوردن زعفران و مانند آن، یک گوسفند است و سایر انواع استفاده از عطریات، کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: کفاره بوی خوش در صورت استفاده خوردنی یک گوسفند است و در استعمالات دیگر بنابر احتیاط باید گوسفند کفاره داده شود.

آیه الله سیستانی: هرگاه محرم عمد^۱ مقداری از چیزهای خوشبو را بخورد و یا چیزی را بپوشد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانده باشد، بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد، ولی در غیر این دو مورد، در استفاده از بوی خوش، کفاره واجب نیست، هر چند احوط کفاره دادن است. (مناسک، مسأله ۲۴۰).

آیه الله فاضل: در صورت علم و عمد.

[۹۳]. آیه الله فاضل: ماده خوشبوی مخصوصی است که برای نظافت کعبه استعمال می شود.

[۹۴]. آیه الله بهجت: این احتیاط در صورتی است که معلوم باشد دخول آنچه جایز نیست بوییدن آن (ولو به حسب احتیاط ممنوع باشد) در آن، و معلوم نباشد نامیده شدن آن به خلوق کعبه که خوشبو کنند کعبه است با خصوصیتی در ساخت آن (والا اقوی عدم حرمت است). (مناسک شیخ، ص ۱۹).

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، فاضل: این احتیاط لازم نیست.

آیه الله سیستانی: خلوق کعبه عطری است که از زعفران و غیر آن گرفته می شده است، ولی بعید نیست که اجتناب از بوی خوش کعبه لازم نباشد و بتوان آن را استشمام کرد.

[۹۵]. آیه الله سبحانی: رسیدن بوی خوش پرده کعبه اشکال ندارد و اجتناب از آن لازم نیست.

[۹۶]. آیه الله بهجت: با تخلل تکفیر کفاره دارد و بدون آن احتیاط است.

آیه الله تبریزی: چنانچه گذشت کفاره در غیر خوردن مبنی بر احتیاط وجوبی است و در صورت تکرار احتیاط در تعدّد کفاره است.

آیه الله خامنه ای: تکرّر استعمال طیب در یک زمان تا حدی که عرفاً آن را یکبار استعمال کردن بدانند، کفاره را متعدّد نمی کند و در غیر آن علیالظاهر باید کفاره را به تعداد استعمال تکرار کند و عدم تخلل کفاره تأثیری ندارد. (استفتاء، دستخط معظمله، ش ۵۶)

آیه الله سبحانی: کفاره استعمال بوی خوش در صورتی که خوردنی باشد یک گوسفند است و در استعمالات دیگر مانند مالیدن به لباس و بدن و بوییدن آن ها احتیاطاً یک گوسفند است؛ اگر در یک وقت چند بار بوی خوش استفاده کرد یککفاره واجب است و اگر در اوقات مختلف این کار را انجام داد کفاره مکرر می شود و اگر غذای خوشبویی را خورد و فوراً کفاره را داد و سپس دوباره از آن استفاده کرد کفاره تکرار می شود و این حکم در بوییدن تنها بنابر احتیاط است.

آیه الله گلپایگانی: در صورت تکرار کفاره هم تکرار شود. (مناسک عربی، ص ۹۸).

[۹۷]. آیه الله اردبیلی، آیه الله فاضل: بنابر اقوی کفاره را باید متعدد بدهد.

[۹۸]. آیه الله زنجانی: اگر در یک احرام باشد یککفاره کافی است، مگر در خوردن غذای معطر که چنانچه بعد از کفاره دادن، دوباره غذای معطر بخورد باید دوباره کفاره بدهد.

[۹۹]. آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۱۷۳)

[۱۰۰]. آیه الله خویی: متعرض این مسأله نشده اند.

آیه الله سیستانی: کفار با تعدد لباس یا خوردن طیب مکرر می شود چه در بین آن کفار داده باشد یا نداده باشد.

[۱۰۱]. آیه الله اردبیلی: بر مردان.

آیه الله خویی: پوشیدن پیراهن و قبا و شلوار و زیر شلوار و جامه دکمهدار با بستن دکمه آن و درع □ (زره) و هر جامه ای که آستیندار باشد که دست در آن برود بر محرم حرام است. (مناسک، م ۲۴۲).

آیه الله زنجانی: دوخته بودن لباس، از محرمات احرام نیست؛ ولی پوشیدن لباس های معمولی؛ مانند پیراهن و قبا و شلوار و زیرپوشش و هر لباسی مانند آنها که عرض بدن را می پوشاند، بر مردم محرم جایز نیست، و در این امر فرقی بین لباس دوخته و بافته و غیر آن نیست، و پوشیدن حوله و لنگ و پتو و مانند آن مانعی ندارد - هر چند دوخته باشد -؛ همچنان که می تواند پتوی دوخته روی خود بپندازد یا داخل کیسه خواب بخوابد هر چند خلاف احتیاط مستحب است.

آیه الله سبحانی: پوشیدن لباس های دوختنی مانند پیراهن و شلوار و قبا و امثال آن برای مردان و دست کش برای زنان در حال احرام جایز نیست و بنابر احتیاط از چیزهای بافتنی یا آنچه که به شکل پیراهن یا شلوار در آید پرهیز کند.

آیه الله سیستانی: برای محرم جایز نیست که جامه دکمهدار یا آنچه فایده دکمه را داشته باشد بپوشد در صورتی که دکمه آن را ببندد و همچنین جایز نیست جامه ای بپوشد که یقه و آستین داشته باشد و سر را از یقه و دست ها را از آستین بیرون بیاورد و همچنین جایز نیست شلوار و زیر شلوار و آنچه را که در ستر عورتین مانند آنها باشد مگر اینکه ازار (لنگ) نداشته باشد که در این صورت پوشیدن آن جایز است و بنابر احتیاط واجب باید از پوشیدن لباس های متعارف؛ مانند پیراهن و قبا و لبّاده و کت و پیراهن عربی، بپرهیزد، هر چند دکمه آنها را نبندد یا دست از آستین و سر از یقه بیرون نیاورد. (مناسک، مسأله ۲۴۲).

[۱۰۲]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط اجتناب از هر جامه دوخته بلکه شبیه دوخته است؛ مانند نمدي که چوپانان آن را می پوشند.

آیه الله سبحانی: بر محرم جایز نیست لباس دکمهدار یا لباسی که پوشش حساب شود در برابر سرما و گرما و نظایر آن بپوشد چه دوخته باشد و چه بافتنی و نمد، بنابراین استفاده از وسائلی که این دو ویژگی را ندارد، اشکال ندارد هر چند دوخته باشند.

آیه الله سیستانی: فرقی نیست در آنچه در حاشیه قبل گفته شد که لباس دوخته باشد یا بافتنی یا نمد مالی یا غیر آن.

آیه الله مکارم: همچنین لباس هایی که قطعات آن را به هم می چسبانند.

[۱۰۳] آیه الله خامنه ای: و همچنین لباس های دکمه دار، که با بستن دکمه های آن به صورت پیراهن و مانند آن در می آید گرچه مخیط نباشد، پوشیدن آن برای مردان حرام است. (مناسک حج، م ۱۲۹)

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۱۰۴] آیه الله اردبیلی: پوشیدن چیزهایی مثل کمر بند، دمپایی، بند ساعت و امثال آن هر چند دوخته باشد اشکال ندارد.

آیه الله خویی: احوط اجتناب از مطلق جامه دوخته و شبیه دوخته است ولی انداختن پتوی حاشیه دار که طرفین آن را با نخ دوخته اند مانع ندارد. (استفتائات، ص ۲۴۱، س ۷۱۲).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: استفاده از این اشیاء برای محرم جایز است، هر چند دوخته باشد: الف) همیان و کمر بند که برای حفظ پول به کمر می بندند. ب) فتق بند. ج) کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

آیه الله فاضل: ظاهراً حرمت و ثبوت کفاره مخصوص به پوشیدن لباس دوخته؛ مانند پیراهن، قبا، شلوار و سایر لباس های متعارف است. اما پوشیدن و استفاده از دمپایی و کفش دوخته که تمام روی پا را نپوشاند و کمر بند و همیان و فتق بند و بند ساعت و سایر اشیای کوچک دوخته دیگر که به آن لباس گفته نمی شود و همچنین حمل قمقمه دوخته اشکال ندارد و کفاره هم ندارد. و از این، حکم مسأله بعد نیز روشن می شود.

[۱۰۵] آیه الله خامنه ای: کمر بند و همیان که در آن پول می گذارند و به کمر می بندند و بند ساعت و امثال اینها که لباس محسوب نمی شود اگر چه دوخته باشد اشکال ندارد. همچنین نشستن و خوابیدن بر روی فرش دوخته یا لباس های ممنوع یا به عنوان روانداز از آنها استفاده کردن مانعی ندارد. همینطور انداختن پتو و امثال آن بر روی دوش هر چند حاشیه آن دوخته باشد اشکال ندارد. و نیز دوختن حاشیه پارچه احرام بلامانع است. (مناسک حج دستنویس، م ۶۶ تا م ۶۸ و مناسک حج، م ۱۳۱ تا ۱۳۳)

آیه الله سبحانی: پوشیدن شبکلاه جایز نیست اما کمر بند در صورتی که پهن نباشد و پوشش حساب نشود اشکال ندارد.

[۱۰۶] آیه الله تبریزی: پوشیدن شب کلاه جایز نیست و کمر بند مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: به سر گذاشتن کلاه و هر چه سر را می پوشاند و بستن کمر بند و همیان و مانند آن جایز نیست مگر در صورت لزوم، و محرمی که برای حفظ پول یا نگاه داشتن لنگ احرامش باید از همیان یا کمر بند استفاده کند می تواند کمر بند یا همیان ببندد، هر چند دوخته باشد و کفاره هم ندارد.

آیه الله سیستانی: معلوم شد که معیار لباس، دوخته نیست، بلکه انواع خاصی از لباس حرام است و به احتیاط واجب لباس های متعارف هم حرام است و اما کمربند و بند ساعت و دمپایی و امثال آن اگر دوخته باشد اشکال ندارد، گرچه کمربند مکروه است و همچنین اشکال ندارد اگر حاشیه لباس احرام دوخته باشد یا بر آن مارکی باشد که دوخته باشند.

[۱۰۷]. آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۱۰۸]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط مستحب.

آیه الله تبریزی: کفاره هم ندارد.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۳۴۷ مراجعه شود.

آیات عظام زنجانی، سیستانی، مکارم: ضرورت لازم نیست و کفاره هم ندارد.

آیه الله سبحانی: در صورت دوخته بودن کفاره دارد.

آیه الله صافی، آیه الله فاضل: اولی این است که کفاره بدهد.

[۱۰۹]. آیه الله بهجت: الا در صورتی که إزار نداشته و شلوار بپوشد که در وجوب فدیّه تأمل است. (مناسک شیخ، ص ۲۰ و ۲۱).

آیات عظام تبریزی، خامنه ای، خویی، سبحانی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

آیه الله زنجانی: اگر لنگ ندارد جایز است شلوار بپوشد و کفاره هم ندارد ؛ و در غیر این مورد، پوشیدن لباس هایی که در حاشیه مسأله ۳۵۴ گفته شده، کفاره دارد، هر چند مضطر باشد.

[۱۱۰]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

[۱۱۱]. نظریه آیات عظام در ذیل مسأله ۲۸۷ گذشت.

[۱۱۲]. نظریه آیات عظام در ذیل مسأله ۲۸۷ گذشت.

آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

[۱۱۳]. آیات عظام تبریزی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، مکارم: منظور از قفازین هر نوع دستکش است.

[۱۱۴]. آیه الله خامنه ای: پوشیدن دستکش برای زنان جایز نیست. (مناسک حج، م ۱۳۶)

آیه الله سبحانی: هر نوع دستکش خواه برای حفظ از سرما یا آفتاب یا حجاب و یا زینت و یا مقاصد دیگری مثل رعایت بهداشت در کار در حال احرام باشد برای زنان جایز نیست.

[۱۱۵]. بلکه بنابر احتیاط واجب پوشیدن هرگونه دستکش بر زن ها جایز نیست.

[۱۱۶]. آیه الله بهجت: برای متعمّد و یا مضطرّ، به خلاف ناسی و ساهی و جاهل که چیزی بر آنها نیست. (مناسک شیخ، ص ۲۰).

آیه الله زنجانی: اگر مرد محرم پیراهن یا شلوار یا قبا و زیرپوش و مانند آنکه عرض بدن را می پوشاند بپوشد یا جوراب به پا کند یا عمامه و کلاه و دستار بر سر بگذارد باید یک گوسفند قربانی کند؛ هر چند دوخته نباشد. و زن محرم اگر دستکش دست کند یا نقاب و پوشیه و مانند آن بپوشد باید یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله نوري: هر چند از روی اضطرار پوشیده باشد و با تعدّد لباس یا تکرار در پوشیدن، کفاره نیز تکرار می شود.

[۱۱۷] آیه الله خامنه ای: ادامه مسأله در مناسک معظم له نیست.

آیه الله خویی: فتوای ایشان در دست نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ظاهر آن است که اگر برای پوشیدن جنس دوخته یککفاره بدهد کافی است. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۱، مسأله ۲۰).

[۱۱۸] آیه الله اردبیلی: بلکه اقوی.

آیه الله بهجت: ظاهر تعدّد کفاره است به تعدّد صنف ها مطلقاً، چه علی الترتیب بیوشد و چه در یک دفعه بیوشد. (مناسک شیخ، ص ۲۰).

آیه الله سیستانی: در این صورت اگر نوع این لباس ها مختلف باشد، به تعداد هر لباس باید کفاره بدهد و اگر نوع لباس ها یکی باشد، بنابر احتیاط به تعداد هر لباس باید کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۴۵).

[۱۱۹] آیه الله زنجانی: اگر محرم چند عدد از لباس هایی که در حاشیه مسأله قبل گفته شد را پوشید چنانچه همه از یک نوع باشند - مانند دو پیراهن یا دو پوشیه - تنها یککفاره واجب می شود و اگر از چند نوع باشد - مانند یک پیراهن و یک شلوار - باید چند کفاره بدهد؛ به خصوص اگر اختلاف نوع آنها از قبیل پیراهن و کلاه یا پوشیه و دستکش باشد.

[۱۲۰] آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط در صورت اضطرار به پوشیدن لباس هم کفاره دارد.

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب در صورت اضطرار به پوشیدن لباس هم باید کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۱۳۵)

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط. (مناسک، مسأله ۲۴۵).

آیه الله سبحانی: و بنابر احتیاط در صورت ضرورت قبا و پالتو و کت را مقلوب کند (پشت و رو) و بر دوش خود انداخته و دست در آستین آن نکند.

آیه الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

[۱۲۱]. آیه الله خویی: فتوای معظم له در دست نیست.

[۱۲۲]. آیه الله زنجانی: احتیاط مستحب آن است که...

[۱۲۳]. آیه الله بهجت: اگر یک دفعه پوشیدن صدق کند. (مستفاد از مناسک شیخ، ص ۲۰).

[۱۲۴]. آیه الله تبریزی: در صورتی که چند لباس بپوشد ولو از یک نوع باشد، باید به تعداد آنها کفاره بدهد.

آیه الله سبحانی: اگر مرد محرم چند لباس دوخته را در یک مجلس و یک زمان با هم بپوشد یککفاره دارد ولی اگر چند لباس دوخته را در دو مجلس یا بیشتر بپوشد کفاره آن متعدد خواهد بود.

آیه الله خویی: فتوای معظم له در دست نیست.

آیه الله فاضل: چنانچه چند لباس از یک نوع را یک دفعه (یعنی پشت سر هم و بدون فاصله) بپوشد، فقط یککفاره واجب می شود.

آیه الله گلپایگانی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره، یککفاره و در احرام حج نیز یککفاره کافی است. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۱، - مسأله ۲۰).

آیه الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

[۱۲۵] آیه الله اردبیلی: سرمه کشیدن اگر زینت محسوب شود و یا در آن بوی خوش باشد، حرام است، مگر اینکه ضرورتی اقتضا کند و اگر زینت نبوده و بوی خوش نیز نداشته باشد، چنانچه سرمه سیاه باشد بنا بر احتیاط باید از آن اجتناب شود و اگر سیاه نباشد، اشکال ندارد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که از آن اجتناب شود.

[۱۲۶] آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: سرمه سیاه به قصد زینت کردن حرام است قطعاً. و بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره بدهد و از سرمه سیاه بدون قصد زینت و غیر سیاه با قصد زینت بنا بر احتیاط واجب اجتناب کند. آیه الله خویی: و بنا بر احتیاط مستحب، کفاره هم دارد ولی سرمه غیر سیاه بدون قصد زینت مانع ندارد و کفاره نیز ندارد.

آیه الله سیستانی: سرمه سیاه و هر سرمه ای که زینت حساب شود، اگر به قصد زینت باشد حرام و اگر به قصد زینت نباشد احتیاط واجب در ترک است و اما سرمه ای که نه سیاه باشد و نه زینت شمرده شود، اگر به قصد زینت نباشد جایز و اگر به قصد زینت باشد احتیاط واجب در ترک است، بلی در هر صورت برای معالجه در حال اضطرار اشکال ندارد. (مناسک، مسأله ۲۴۶).

آیه الله مکارم: فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت زینت و عدم زینت است.

[۱۲۷] آیه الله زنجانی: کشیدن سرمه سیاه و سرمه معطر و هر سرمه ای که زینت محسوب شود بر محرم حرام است، هر چند قصد زینت نداشته باشد؛ لکن در صورت لزوم مانند مواردی که معالجه، متوقف بر سرمه کشیدن باشد جایز است.

[۱۲۸] آیه الله بهجت: اگر سرمه سیاه بکشد و قصد زینت نداشته باشد بلکه برای علاج مرض باشد اشکال ندارد. (مناسک، مسأله ۲۴۶).

آیه الله خویی: اگر قصد زینت نکند بنا بر احتیاط واجب باید اجتناب کند.

[۱۲۹] آیه الله خامنه ای: کشیدن سرمه به چشم در صورتی که زینت محسوب شود و همچنین خط کشیدن به دور چشم ها که زنان برای زینت می کشند در حال احرام جایز نیست و فرقی میان رنگ سیاه و غیر آن نیست. (مناسک حج، م ۱۹۸)

آیه الله سبحانی: احتیاط واجب آن است که از مطلق سرمه که در آن جنبه زیبایی هست، اجتناب کند و اگر سرمه ماده خوشبویی داشته باشد، هر چند برای زیبایی نباشد حرام است.

[۱۳۰]. آیه الله بهجت: احوط اجتناب از مطلق سرمه است، اگر به قصد زینت باشد یا بوی خوش در آن باشد. (مناسک شیخ، ص ۲۱)

نظریه آیات عظام در قسم پنجم از محرمات احرام گذشت.

[۱۳۱]. آیه الله تبریزی: اگر سرمه سیاه را به قصد زینت بکشد بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد و در سرمه سیاه که به قصد زینت نباشد یا سرمه ای که به قصد زینت می کشد ولی سیاه نیست احتیاط استحبابی در کفاره دادن است.

آیه الله خویی: بنابر احتیاط باید گوسفند کفاره دهد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.

[۱۳۲]. آیه الله سبحانی: کفاره دارد.

[۱۳۳]. آیه الله فاضل: اگر بوی خوش آن در لحظه سرمه کشیدن قابل استشمام باشد، اقوی کفاره دادن است، ولی چنانچه بوی خوش از آن استشمام نشود، احتیاط مستحب در کفاره دادن است.

آیه الله مکارم: یک گوسفند اگر عمد^۱ باشد.

[۱۳۴]. آیه الله سبحانی: و چیز دیگری جایگزین آن نباشد.

[۱۳۵]. آیه الله بهجت: در صورتی که برای عذری، از قبیل مرض نباشد، که صدق تزئین نمی کند. (مناسک شیخ، ص ۲۱) .

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: نگاه کردن در آینه جهت زینت بر مُحرم حرام است.

آیه الله خامنه ای: نگاه کردن در آینه بدون قصد زینت ؛ مانند راننده و امثال آن، اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۷۴)

آیه الله زنجانی: نگاه کردن در آینه و همچنین در دیگر اجسامی که عکس محرم در آنها پیداست اگر برای آرایش یا در معرض آرایش باشد حرام است ؛ اما نگاه کردنی که هیچ ارتباطی با آرایش ندارد مانند نگاه کردن راننده برای دیدن اطراف، اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: مقصود این است که انسان در آینه نگاه کند تا چهره خود را ببیند و یا خود را بیاراید ولی مثلاً اگر برای رفع خون از بینی و صورت می نگرد و همچنین اگر راننده برای آگاهی از پشت سر به آینه می نگرد اشکالی ندارد.

آیه الله مکارم: در صورتی که برای تزئین خود و اصلاح سر و وضع خود باشد.

[۱۳۶]. آیه الله اردبیلی: چنانچه از آنها به همان منظوری استفاده شود که از آینه استفاده می شود، حکم آینه را دارند.

آیه الله خامنه ای: نگاه کردن در آب صاف یا در اجسام صیقلی که تصاویر در آن دیده می شود نیز همانند نگریستن در آینه است، اگر برای زینت باشد، جایز نیست. (مناسک حج، م ۱۷۵)

آیه الله سبحانی: اگر به قصد آرایش باشد حرام است.

آیه الله زنجانی: مگر به منظور آرایش یا در معرض آرایش باشد.

آیه الله سیستانی: اجسام صیقلی دیگری که خاصیت آینه را داشته باشند حکم آینه را دارند.

آیه الله مکارم: هرگاه برای تزئین و اصلاح خود باشد اشکال دارد.

[۱۳۷]. آیه الله بهجت: اگر به قصد زینت نباشد ینابر اقوی عیبی ندارد.

[۱۳۸]. آیه الله فاضل: و به قصد زینت استفاده کند.

[۱۳۹]. آیه الله خامنه ای: احتیاط واجب اجتناب از هر چیزی است که عرفاً زینت محسوب می شود. (مناسک حج، م ۱۸۳)

آیه الله سیستانی: در صورتی که عینک زدن عرفاً زینت باشد، احوط پرهیز از آن است. (مناسک، مسأله ۲۴۷) .

[۱۴۰]. آیه الله تبریزی: کفاره اش بنابر احتیاط استحبابی یک گوسفند است. (مناسک، مسأله ۲۴۷) .

آیه الله خویی: کفاره اش بنابر احتیاط یک گوسفند است. (مناسک، مسأله ۲۴۷) .

آیه الله سبحانی: واجب است لبیک بگوید و این به منزله کفاره است (کتاب الحج، ج ۳، ص ۳۱۹) .

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کفاره اش استغفار است. (آراء المراجع، ص ۱۵۳) .

[۱۴۱]. آیه الله خامنه ای: احتیاط واجب است. (مناسک حج، م ۱۷۹)

[۱۴۲]. آیه الله فاضل: یا در ماشینی که نشسته است.

[۱۴۳]. آیه الله خامنه ای: اما بهتر آن است. (مناسک حج، ح ۱۷۶)

آیه الله سبحانی: و برای جلوگیری از احتمال حرام پارچه ای روی آن بیاندازد.

[۱۴۴]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط مستحب است.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، مکارم: نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد.

آیه الله خامنه ای: نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۷۴)

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست، چه به قصد زینت باشد و چه نباشد. (مناسک عربی، ص ۸۹).

[۱۴۵]. آیه الله زنجانی: به حاشیه قبل از مسأله ۳۶۳ مراجعه شود.

آیه الله نوری: در حال احرام، عکس گرفتن از یکدیگر، چون نگاه کردن در آینه بر آن صدق نمی کند، اشکال ندارد.

[۱۴۶]. آیه الله زنجانی: و کفش و هرگونه پاپوشی که تمام روی پا را می پوشاند و نیز هر پاپوشی که تمام پشت پا را می پوشاند ولی پوشیده شدن پا با حوله احرام یا پتویی که روی خود می اندازد اشکال ندارد.

[۱۴۷]. آیه الله بهجت: و مانند چکمه و جوراب است بلکه مطلقاً با صدق لبس و پوشیدن علی الأحوط. (مناسک شیخ، ص ۲۱).

آیه الله تبریزی: احوط نپوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند.

آیه الله خامنه ای: مرد محرم نباید چکمه و جوراب بپوشد و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا را می پوشاند مانند کفش و گیوه و امثال آن اجتناب کند. لکن اگر لباس احرام یا پتو و امثال آن را روی پا بیندازد اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۳۷ و ۱۳۹)

آیه الله سبحانی: و به بدن می چسبد برای مردان محرم حرام است نه زنان.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد.

[۱۴۸]. آیه الله بهجت: بعید نیست ابتدای حکم بر منع کشف قدمین در غیر حال احرام، پس پوشیدن آنها در حال احرام ممنوع نیست و عدم منع آن پس بامرد مشترک است. (مناسک شیخ، ص ۲۱ و ۲۲).

آیه الله خامنه ای: اما احتیاط مستحب آن است که زنان نیز آن را مراعات کنند. (مناسک حج، م ۱۴۲)

[۱۴۹]. آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی: بلکه مضطرّ شود.

[۱۵۰]. آیات عظام اردبیلی، بهجت، مکارم: احتیاط مستحب این است.

آیه الله خامنه ای: قدر مسلم از حرام بودن پوشاندن روی پا، پوشیدن چکمه و جوراب و امثال آن است نه هر چیزی که روی پا را می پوشاند و در هر صورت اگر محرم ناچار به پوشیدن آن شود، احتیاط شکافتن روی آن است.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: احتیاط مستحب. (مناسک عربی، مسأله ۲۴۸).

آیه الله سبحانی: و حالت یکپارچگی آن را از بین ببرد.

[۱۵۱]. آیه الله اردبیلی: اگر کفش، چکمه و مانند آن را بپوشد، کفاره ندارد ولی اگر عمد^۱ جوراب یا چیزی مانند آن را به پا کند، بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احوط ثبوت کفاره گوسفند است.

آیه الله خامنه ای: احتیاط مستحب در مورد خصوص جوراب آن است که یک گوسفند به عنوان کفاره قربانی کند. (مناسک حج دست نویس، م ۷۶)

آیه الله زنجانی: کفاره پوشیدن جوراب، یک گوسفند است و پوشیدن چکمه و کفش، کفاره ندارد.

آیه الله سیستانی: در پوشیدن چکمه و مانند آن کفاره ای واجب نیست، ولی بنابر احتیاط، اگر عمد^۱ جوراب و مانند آن را بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۴۸).

آیه الله نوری: کفاره پوشیدن آنچه که روی پا را می گیرد یک گوسفند است.

[۱۵۲]. آیه الله بهجت: اظهار مقید بودن دروغ گفتن و دشنام دادن و مفاخرت است به آنکه بر غیر مُحرم حرام باشند. (مناسک شیخ، ص ۲۲).

□ آیه الله سبحانی: مقصود از آن سه چیز است: دروغ گفتن، دشنام دادن، فخر فروشی بر یکدیگر، لذا اینکه دیده شده گاهی به زبان جدّ یا شوخی، انسانی، مردم شهری یا قبیله ای و یا ایل و عشیره ای و یا لهجه ای را با تمسخر یاد می کنند و یا بر آن ها مفاخره می کنند این عمل فی نفسه حرام و در حال احرام حرمتش مؤکد است.

[۱۵۳]. آیه الله تبریزی: فخر کردن بر دیگران، اگر برای اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد که توهین دیگری را در برداشته باشد، این عمل فی نفسه حرام است.

آیه الله خویی: مراد از فسوق در آیه مبارکه {فَلَا رَفْتَ وَلَا قُصُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ} دروغ و دشنام است و فخر کردن حرام هم ملحق به فسوق است، فخر، در صورتی که مستلزم اهانت به دیگران نباشد، حرام نیست. (مناسک، مسأله ۲۴۹).

آیه الله سیستانی: فخر کردن اگر مستلزم اهانت و تحقیر مؤمن باشد همیشه حرام است و در حال احرام حرمتش مؤکد است و اگر چنین نباشد اشکالی ندارد حتی در حال احرام.

آیه الله فاضل: خواه موجب نقص دیگران باشد و یا نباشد.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب فخر فروشی نیز از فسوق است.

[۱۵۴]. آیه الله خامنه ای: در مناسک معظم له نیست. (مناسک حج، م ۲۰۸)

[۱۵۵]. آیه الله زنجانی: و آن قسم خوردن به خداوند متعال در مقام اثبات یا ابطال مطلبی است، راست باشد یا دروغ، همراه با نزاع و ستیزهجویی باشد یا نباشد.

آیه الله سبحانی: جدال آن است که برای اثبات یا رد سخنی به خدا سوگند بخورد خواه با لفظ جلاله «الله» باشد یا معادل آن در زبان های دیگر.

[۱۵۶]. آیه الله فاضل: در مرادف اشکال است و ظاهراً در جدال محرم خصوص لفظ «لا» و «بلی» دخالت دارد.

[۱۵۷]. آیه الله تبریزی: و احتیاط در این است که به غیر این دو کلمه نیز قسم نخورد و همچنین با الفاظی که مترادف آنهاست از هر لغتی که باشد.

ظاهر فرمایش آیه الله خویی: این است که: کلمه لا و بلی دخالت در مطلب دارد.

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط لازم، گفتن کلمه «آری و الله» و «بله و الله» و «نه و الله» ملحق به آن است.

[۱۵۸]. آیه الله بهجت: اگر قسم به لفظ جلاله نباشد اظهر عدم الحاق است و اگر به لفظ جلاله باشد ظاهر تحقق حرام به مجرد آن است. (مناسک شیخ، ص ۲۲).

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب لفظ مرادف «الله» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است. (مناسک حج، م ۲۱۰)

آیه الله خویی: بنابر احتیاط واجب لفظ مرادف «الله» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است.

آیه الله فاضل: ظاهراً لفظ «الله» بدون «لا» و «بلی» جدال محرم نیست و مرادف «الله» نیز به هر زبانی که باشد جدال محرم نمی باشد.

[۱۵۹]. آیه الله بهجت: به مسأله قبلی مراجعه شود.

آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی: در جدال کافی است که قسم به خدای متعال باشد ولو به لفظ جلاله نباشد.
آیه الله فاضل: در صورتی که مشتمل بر کلمه «لا» و یا «بلی» باشد در این صورت نیز احتیاط مستحب الحاق است.

[۱۶۰] آیه الله بهجت: و در صورت جواز کفاره ای نیست علی الاظهر. (مناسک شیخ، ص ۲۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: و همچنین برای اظهار مؤدت و دوستی و اکرام مؤمن نیز جایز است.

آیه الله زنجانی: بلکه قسم خوردن برای اظهار دوستی مؤمن یا تکریم او جایز است.

آیه الله سیستانی: استثنا می شود از حرمت جدال موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر مکلف باشد، مثلاً حق او را پایمال کند.

[۱۶۱] آیه الله سیستانی: به گفته بعضی از فقها جدال با قسم راست محقق نمی شود مگر اینکه سه بار پیدری باشد و این گفته خالی از وجه نیست، گرچه احتیاط ترک آن است حتی یک بار.

[۱۶۲] آیه الله اردبیلی: اظهار این است که ملاک در تعدد قسم، تعدد موضوع و مجلسی است که در آن جدال صورت می گیرد؛ بنابراین چنانچه در یک مجلس و در موضوع واحد چند بار قسم بخورد، یک قسم محسوب می شود.

آیه الله خامنه ای: و در بیش از دو بار. (مناسک حج، م ۲۱۲)

[۱۶۳] آیه الله بهجت: اگر سه مرتبه پیدری باشد، و در حکم غیر صورت تتابع با عدم تخیل تکفیر تأمل است در صادق و کاذب. (مناسک شیخ، ص ۲۲).

آیه الله سبحانی: در کفاره در مرتبه سوم کفاره آن یک گوسفند و اگر بار دیگر سه مرتبه یا بیشتر قسم راست بخورد کفاره آن نیز یک گوسفند است ولی اگر در مقام جدال سوگند دروغ یاد کند در مرتبه نخست یک گوسفند و در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر است و اگر کفاره آن را بپردازد برای مرتبه چهارم یک گوسفند است و برای مرتبه پنجم یک گاو است و برای مرتبه ششم دوباره شتر است و تمامی موارد یاد شده در صورت علم به حکم شرعی و عمد است ولی اگر از روی فراموشی و یا

جهل به مسأله قسم یاد کرد و جدال نمود چه دروغ و چه راست کفاره ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر سه بار پیدری باشد.

[۱۶۴] آیه الله اردبیلی: کفاره آن در مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر و در مرتبه سوم و بیشتر یک گاو است.

آیه الله بهجت: در یک مرتبه یک گوسفند و در دو مرتبه، بنابر احتیاط یک گاو کفاره بدهد، بلکه خالی از وجه نیست و در سه مرتبه تخیر میان گاو و شتر خالی از وجه نیست. (مناسک شیخ، ص ۲۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر (آیه الله تبریزی: در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر بنابر احتیاط) و در مرتبه سوم یک گاو کفاره بدهد. (مناسک، م ۲۵۲).

آیه الله خامنه ای: اگر سوگند دروغ یاد کند، در مرتبه اول و دوم باید یک گوسفند کفاره دهد، و احوط آن است که در مرتبه دوم، دو گوسفند بدهد، اما اگر بیش از دو بار چنین کند، در مرتبه های بعد باید یک گاو کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۲۱۳) □

□ آیه الله زنجانی: اگر از روی عمد و علم به دروغ بودن مطلبی برای آن قسم بخورد، کفاره آن یک شتر است و اگر در دروغ بودن آن تردید داشته و بعد از قسم معلوم شد که دروغ بوده کفاره آن در بار اول گوسفند و بار دوم گاو و بار سوم و بیشتر شتر یا گاو است و اگر از دروغ بودن خبر غفلت داشته، کفاره جدال صادق، واجب می شود.

آیه الله فاضل: واجب است که در مرتبه اول گوسفند کفاره بدهد و احتیاط واجب آن است که در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر کفاره بدهد و احتیاط کامل به آن تحقق پیدا می کند که در مرتبه دوم بین گوسفند و گاو و در مرتبه سوم بین گاو و شتر جمع نماید.

آیه الله مکارم: این قول موافق احتیاط است.

[۱۶۵] آیه الله سبحانی: کفاره آن یک گاو است.

آیه الله سیستانی: و اگر کفاره را داد و دوباره قسم دروغ خورد، باید به ترتیبی که گذشت کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: بلکه بعید نیست کفاره اش یک گاو باشد.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند.

آیه الله مکارم: بعید است.

[۱۶۶]. آیه الله اردبیلی: کفاره آن دو گوسفند است.

[۱۶۷]. آیه الله تبریزی: چنان که سابقاً گفته شد، در مرتبه دوم جدال به دروغ، باید یک گوسفند دیگر بدهد و در مرتبه سوم باید یک گاو بدهد و بنابراین اگر بعد از دو مرتبه قسم خوردن به دروغ، مرتبه سوم هم قسم به دروغ خورد باید یک گاو کفاره بدهد و گاوی را که قبلاً ذبح کرده کافی نیست و همچنین است اگر بعد از دو مرتبه سابق، دو مرتبه دیگر یا بیشتر قسم خورد، بلی اگر بعد از اینکه دو مرتبه بر دروغ جدال کرد و دو گوسفند کفاره داد برای مرتبه سوم فقط یک گوسفند باید بدهد و اگر بعد از دادن دو گوسفند دو مرتبه دیگر جدال به دروغ کرد باید دو گوسفند و اگر سه مرتبه یا بیشتر جدال به دروغ کرد یک گاو باید ذبح کند.

آیه الله سبحانی: کفاره آن یک شتر است و اگر پس از ذبح شتر دوباره به دروغ جدال کرد کفاره آن یک گوسفند است.

آیه الله فاضل: بعید نیست کفاره اش یک شتر باشد.

[۱۶۸]. آیه الله اردبیلی: کفاره آن دو گوسفند است.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: به حاشیه مسأله ۳۷۸ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: بعید نیست کفاره اش دو شتر باشد.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند.

آیه الله مکارم: مانند مسأله سابق است.

[۱۶۹]. آیه الله خویی: فتاوی صریحی از ایشان نیست، ولی در کتاب معتمد العروه، ج ۴، ص ۱۷۷ از ایشان نقل شده است: «در جدال راست از بار سوم به بعد هر بار یک گوسفند دارد و دادن کفاره در اثناء تأثیری در این حکم ندارد».

آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسأله و مسأله بعد (۳۸۲) نشده اند.

[۱۷۰] آیه الله سیستانی: اگر بعد از سه بار یا بیشتر قسم راست خوردن پیدری کفاره بدهد و یا سه بار پشت سر هم قسم بخورد و پس از فاصله دوباره سه بار یا بیشتر پشت سر هم قسم بخورد، در این دو صورت باید یککفاره دیگر بدهد. (مناسک، مسأله ۲۵۲)

آیه الله فاضل: ثبوت کفاره محل اشکال است.

[۱۷۱] آیه الله اردبیلی: کفاره آن یک گاو است و مراد از تعدد قسم در مسأله ۲۷۷ گذشت.

[۱۷۲] آیه الله زنجانی: کفاره آن یک شتر یا گاو است و اگر برای برخی از جدال ها کفاره داده، مازاد به نحو مستقل کفاره دارد.

[۱۷۳] آیه الله اردبیلی: کفاره آن به ترتیبی است که در مسأله ۳۷۸ گذشت.

آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۳۷۷ و ۳۷۸ مراجعه شود. □

□ آیه الله تبریزی: چنانچه به دروغ بیش از سه مرتبه جدال کرد کفاره آن یک گاو است مگر اینکه پس از مراتب سابق کفاره را ذبح کرده باشد که در این صورت باید آنچه را که بعد از دادن کفاره محقق شده ملاحظه نماید چنانچه یک مرتبه جدال به دروغ کرد یک گوسفند و اگر دو مرتبه جدال به دروغ کرد دو گوسفند و اگر سه مرتبه یا بیشتر بود باید یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله خویی: در جدال دروغ، بار اوّل یک گوسفند و بار دوّم گوسفندی دیگر و بار سوّم به بعد، هر بار یک گاو است و دادن کفاره در اثناء، تأثیری در حکم ندارد. (معتمد العروه، ج ۴، ص ۱۷۷).

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: بعید نیست که برای هر جدال زاید بر سه مرتبه یک شتر واجب باشد.

آیه الله سیستانی: کفاره قسم دروغ در بار سوم و بعد از آن، هر چه باشد یک گاو است ولی اگر کفاره داد و دوباره قسم دروغ خورد یک گوسفند است و بار دوّم نیز گوسفند و سوّم گاو است.

[۱۷۴]. آیه الله بهجت: بنابر مشهور و موافق با احتیاط و در خصوص شپش حرمت قتل و القاء از جسد یا ثوب خالی از وجه نیست. (مناسک شیخ، ص ۲۳).

[۱۷۵]. آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۲۱۴)

آیه الله فاضل: انسان یا حیوان.

[۱۷۶]. آیه الله زنجانی: کشتن شپش، مطلقاً و کشتن پشه و کک و سایر جاندارانی که در بدن ساکن می شوند، در صورتی که آزار نرسانند جایز نیست.

* کیک یا کک: حشره ای است به اندازه شپش، بال ندارد و چون پاها و عقب او بلند است به آسانی می جهد، خرطومی دارد که با آن خون انسان را می مکد و گاهی باعث سرایت بیماری طاعون می شود. «فرهنگ عمید».

[۱۷۷]. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: کشتن شپش و انداختن او از بدن برای محرم جایز نیست، اما پشه و کک احتیاط در نکشتن آنها است، در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود اما تا راندن آنها ظاهراً جایز است هر چند احوط ترک است.

آیه الله سیستانی: در مورد پشه و کک فرموده اند: اگر ضرر از آنها متوجه شخص نباشد احتیاط واجب این است که آنها را نکشد و اما راندن آنها جایز است.

[۱۷۸]. آیه الله بهجت: حرمت القای غیر شپش دلیلی ندارد و شهرت هم بر آن ثابت نیست، بلی دور انداختن کنه خود یا کنه شتر خود، مورد احتیاط است. (مناسک شیخ، ص ۲۳) .

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب انداختن شپش از بدن و لباس جایز نیست.

آیه الله فاضل: در غیر شپش احتیاط واجب در نینداختن است.

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب جایز نیست که شپش را از روی لباس و بدن بیفکند اما راندن پشه و کک و مانند آنها ظاهراً جایز است هر چند احوط ترک آن است. (مناسک، مسأله ۲۵۳) .

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب در این مسأله و مسأله بعد.

[۱۷۹]. در خصوص کک بنابر احتیاط استحبابی است.

[۱۸۰]. آیه الله زنجانی: انداختن شپش از بدن یا لباس، جایز نیست و انداختن حشرات دیگر اشکالی ندارد.

[۱۸۱]. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: به صورت اطلاق فرموده اند که جابهجا کردن آنها ایرادی ندارد.

آیه الله سبحانی: انتقال آن ها از نقطه ای به نقطه دیگر از بدن مخصوصاً اگر در معرض افتادن از بدن قرار گیرد.

آیه الله فاضل: در غیر شپش احتیاط واجب در عدم نقل است.

[۱۸۲]. آیه الله اردبیلی: در خصوص شپش.

[۱۸۳]. آیه الله زنجانی: نقل شپش به مکانی که می داند از آنجا ساقط می شود جایز نیست، ولی نقل آن به جایی که در معرض افتادن است - مانند مطلق نقل سایر حشرات - جایز است، هر چند جای اول محفوظ تر باشد.

[۱۸۴]. آیه الله بهجت: جابهجا کردن آن از جای محفوظ تر عیبی ندارد، در صورتی که سبب افتادن آن نشود. (مناسک شیخ، ص ۲۳).

[۱۸۵]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نباید آن را از محلی...

آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله نوری: احتیاط واجب.

[۱۸۶]. آیه الله زنجانی: کفاره انداختن شپش از بدن یا لباس و کفاره کشتن آن هم یک مشت طعام است و سایر موارد کشتن و انداختن و انتقال حشرات، کفاره ندارد.

[۱۸۷]. آیه الله اردبیلی: در کشتن و انداختن شپش این احتیاط ترک نشود.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، نوری: بنابر احتیاط واجب باید یک مشت از طعام به فقیر کفاره بدهد.

آیه الله سبحانی: اگر کسی جانوران ساکن در بدن مثل شپش و یا تخم آن را که به «رشک» معروف است بکشد مستحب است یککف طعام (گندم) کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: در صورت کشتن و یا انداختن شپش، احتیاط مستحب آن است که یک مشت از طعام کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۵۳).

آیه الله فاضل: این احتیاط در کشتن یا انداختن شپش ترک نشود.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب است خواه عمد^۱ باشد یا از روی خطا.

[۱۸۸]. آیه الله اردبیلی: و یا آنکه عرفاً زینت محسوب شود ولو قصد زینت نداشته باشد.

[۱۸۹]. آیه الله اردبیلی: و احتیاط واجب آن است که مرد و زن محرم از هر چیزی که عرفاً زینت محسوب می شود، چه قصد زینت با آن را داشته باشند یا نه، اجتناب کنند.

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب، محرم باید از به دست کردن انگشتر اگر زینت محسوب شود اجتناب کند، گرچه قصد زینت نکند، بلکه از هر کاری که زینت حساب شود اجتناب کند. (مناسک حج، م ۱۸۰ و ۱۸۳)

آیه الله سبحانی: زینت نمودن دو قسم است: الف) قسمی که مشترک بین زن و مرد است؛ ب) مخصوص بانوان که در آینده می آید؛ در قسم اول مرد و زن باید از هر چیزی که زینت شمرده می شود اجتناب کنند خواه به قصد زینت باشد یا نباشد مثل انگشتر زینتی و یا حنا بستن اما اگر انگشتری جنبه زینت ندارد مثلاً برای حرز یا ثواب آن استفاده می شود اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: انگشتر به دست کردن برای زینت به احتیاط واجب جایز نیست ولی برای امر دیگری مانند استحباب و یا نگهداری آن اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

[۱۹۰]. آیه الله بهجت: حنا بستن اگر برای زینت باشد جواز آن مورد تأمل است. (مناسک شیخ، ص ۸).

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجان، سبحانی، مکارم: حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود بر محرم حرام است.

آیه الله خامنه ای: احتیاط واجب آن است که فرد محرم از استعمال حنا و رنگ مو - اگر زینت بشمار آید - بلکه از هر کاری که زینت محسوب می شود اجتناب کند. (مناسک حج، م ۱۸۳)

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب برای زن و مرد محرم ترک هر چیزی است که عرفاً زینت شمرده شود چه قصد زینت کردن داشته باشد چه نداشته باشد و از این قبیل است حنا مالیدن به روش معمول ولی استعمال آن به نحوی که زینت نباشد در موارد علاج و مانند آن اشکال ندارد.

[۱۹۱] آیه الله فاضل: حرمت محلّ اشکال است.

[۱۹۲] آیه الله اردبیلی: در صورتی که اثرش تا زمان احرام باقی بماند و زینت محسوب شود، بنابر احتیاط باید از آن خودداری شود.

آیه الله سبحانی: اگر اثرش تا زمان احرام بماند احتیاط مستحب آن است که استفاده نکند و همچنین است رنگ کردن مو قبل از احرام ولی پاک کردن آن به هنگام احرام لازم نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی می ماند بنابر احتیاط باید خودداری کند (مناسک فارسی، ص ۴۱) و در مناسک عربی، ص ۹۱، مطابق متن فرموده اند: اگر اثرش تا زمان احرام بماند بهتر است قبل از احرام حنا نبندد.

آیه الله مکارم: اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد.

[۱۹۳] آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط استحبابی کفاره اش یک گوسفند است. (مناسک، مسأله ۲۵۴) .

آیه الله خویی: بلکه زینت نمودن به هر چیز باشد بر محرم حرام است و کفاره اش بنابر احتیاط یک گوسفند است. (مناسک، مسأله ۲۵۴) .

[۱۹۴] آیه الله زنجانی: حرمت این امر، اختصاص به بانوان ندارد.

آیه الله سبحانی: زینت مانند پوشیدن دستبند و گردنبند و گوشواره و انگوی طلا و یا آرایشی سر و صورت به شکلی که بین بانوان مرسوم است در حال احرام جایز نیست.

[۱۹۵] آیه الله اردبیلی: بلکه اقوی.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان مُحرم حرام است.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.

آیه الله سیستانی: اگر زیور به قصد زینت باشد حرام است و اگر به قصد زینت هم نباشد ولی عرفاً زینت حساب می شود احتیاط واجب در ترک است.

[۱۹۶]. آیه الله زنجانی: پوشیدن هرگونه زیور آلات بر مرد محرم حرام است ولی به دست کردن انگشتر در صورتی که به قصد زینت نباشد اشکال ندارد و در مورد بانوان حرمت پوشیدن زیور، اختصاص به گوشواره و گردنبند دارد. و این دو نیز در دو مورد مستثنی است: الف) عادت به پوشیدن آنها داشته باشد؛ ب) هنگام احرام در تن او باشد و پوشیدن سایر زیور آلات بر بانوان مکروه است؛ و در هر حال اگر زیوری را پوشید نباید آن را به مردان نشان دهد.

آیه الله سبحانی: مرد و زن محرم از هر چیزی که زینت شمرده می شود باید اجتناب کنند خواه به قصد زینت باشد یا نباشد و در خصوص زن محرم لباسش ساده و بی پیرایه باشد لذا نباید چادر و پیراهن و مقنعه و جوراب خود را با تور دوزی و امثال آن به شکلی جلوه دهد که از سادگی و بی پیرایگی خارج شود و شکل زینت به خود بگیرد مگر اینکه در میان بعضی اقوام و کشورها فرم و شکل لباسشان اینگونه باشد و زینت قابل توجه حساب نشود و ابروهایی که بین خانم ها به صورت خالکوبی رائج شده در حال احرام و غیر احرام نباید نامحرم ببیند گر چه به صحت احرام ضرر نمی رساند.

[۱۹۷]. آیه الله فاضل: اگر قصد زینت به آنها را نداشته باشد.

آیه الله مکارم: ولی آن را بپوشاند.

[۱۹۸]. آیه الله سبحانی: نشان دادن زیورهای مذکور به شوهر جایز نیست، اما جلوگیری از دیده شدن آنها به شوهر لازم نیست (کتاب الحج، ج ۳، ص ۴۰۹).

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط مستحب آنها را برای شوهرش و مردانی که با او محرماند ظاهر نسازد و نشان ندهد. (مناسک، مسأله ۲۵۶).

[۱۹۹]. آیه الله تبریزی: کفاره اش بنابر احتیاط مستحب، یک گوسفند است.

آیه الله خویی: متعرض اثبات و نفي مسأله کفاره نشده اند.

[۲۰۰]. آیه الله زنجانی: روغن مالیدن به بدن خود.

آیه الله سبحانی: روغن مالیدن به بدن حرام است و اگر بوي خوش داشته باشد کفاره هم دارد ولي اگر بوي خوش نداشت مستحب است که گوسفندي قرباني نماید.

[۲۰۱]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: محرم نباید بر بدن خود روغن بمالد.

آیه الله خامنه ای: مالیدن روغن به اعضاي بدن و مویسر، در حال احرام جایز نیست، چه از قبیل کرم که برای زینت زده می شود و چه غیر آن و چه معطر باشد و چه نباشد. (مناسک حج، م ۱۸۶)

آیه الله فاضل: اقوي این است.

[۲۰۲]. آیه الله بهجت: به نحو قطع و در صورت ارتکاب، تأخیر احرام با امکان، تا زمان زوال رائحه لازم است. (مناسک شیخ، ص ۲۴).

آیه الله خویی: فتوای معظمله به دست نیامد.

آیه الله زنجانی: بلکه اگر روغن یا کرم غیر معطر، مالیده چنانچه اثر زیادی از آن مانده، نمی تواند در آن حال محرم شود.

آیه الله سیستانی: ولي اگر در آن عطر نباشد بلکه خودش خوشبو باشد اشکال ندارد.

[۲۰۳]. آیه الله زنجانی: ولي چنانچه با روغن غیر معطر، مشکل برطرف شود نباید روغن معطر بمالد.

آیه الله سبحانی: اگر اضطرار با روغن بدون بوی خوش رفع می شود باید به آن اکتفا کند (کتاب الحج، ج ۳، ص ۴۲۰).

آیه الله سیستانی: محرم می تواند روغنی که بوی خوشی ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوشبو است یا بوی خوش در آن است.

[۲۰۴]. آیه الله تبریزی: کفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است، چه در روغن بوی خوش باشد یا نباشد و اگر از روی نادانی باشد، کفاره اش اطعام یک فقیر است بنابر احتیاط در هر دو مورد.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

آیه الله خویی: کفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است و اگر از روی نادانی باشد، کفاره اش اطعام یک فقیر است بنابر احتیاط در هر دو مورد.

آیه الله زنجانی: کفاره مالیدن روغن در صورتی که از روی علم و عمد باشد یک گوسفند است؛ و اگر از روی نادانی باشد غذا دادن یک فقیر است، و فرقی بین روغن خوشبو و غیر آن و حالت اختیار و اضطرار نیست. و کفاره خوردن روغنی که در آن زعفران و مانند آن باشد یک گوسفند است.

آیه الله سبحانی: احتیاط مستحب یک گوسفند است.

آیه الله مکارم: احتیاطاً یک گوسفند است.

[۲۰۵]. آیه الله خامنه ای: کفاره مالیدن روغن معطر بنابر احتیاط یک گوسفند و کفاره روغن غیر معطر بنابر احتیاط اطعام یک فقیر است، اگر چه عدم وجوب کفاره در هر دو مورد بعید نیست. (مناسک حج، م ۱۹۰).

آیه الله سیستانی: اگر مُحْرَم با علم و آگاهی و از روی عمد، بدن خود را با روغن خوشبو روغن مالی نماید، بنابر احتیاط باید یک گوسفند کفاره بدهد، هر چند از روی اضطرار باشد و اگر بدون علم و آگاهی این کار را کرده باشد، بنابر احتیاط کفاره آن اطعام یک فقیر است. (مناسک، مسأله ۲۵۸).

آیه الله فاضل: اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره خوردن آن بنابر اقوی یک گوسفند است و در غیر مصرف خوردن هم احتیاطاً کفاره را بدهد.

آیه الله نوری: کفاره مالیدن روغن به بدن، یک گوسفند است، اگر چه از روی اضطرار باشد.

[۲۰۶]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب.

[۲۰۷]. آیه الله بهجت، آیه الله تبریزی: کفاره اش یک گوسفند است حتی در صورت ضرورت، علی الأحوط.

آیه الله فاضل: در حال اضطرار کفاره ثابت نیست.

[۲۰۸]. آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۲۰۹]. آیه الله سیستانی: بلکه حتی جزئی از یک مو.

[۲۱۰]. آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: گناه ندارد ولی کفاره دارد.

[۲۱۱]. آیه الله بهجت: یعنی به سبب وضو یا غسل و اظهار عدم وجوب فدیة است. (مناسک شیخ، ص ۲۴).

آیه الله خامنه ای: یا تیمم. (مناسک حج، م ۱۹۲)

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: یا تیمم یا تطهیر از خبث یا ازاله مانع از رسیدن آب وضو و غسل و مانند آن.

آیه الله سبحانی: محرم می تواند حمام برود ولی اگر بداند با کشیدن کیسه مویی از بدن جدا می شود نباید این کار را بکند.

[۲۱۲] آیه الله زنجانی: در حرام بودن ازاله مو بین انواع مذکور فرقی نیست ولی در کفاره فرق دارد.

[۲۱۳] آیه الله بهجت: اگر محرم با ضرورت و بدون ضرورت سر خود را بتراشد کفاره اش یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام ده مسکین است که به هر یک یک مد داده شود بلکه بنا بر احتیاط به هر کدام به مقداری که سیر شوند اگر چه بیش از یک مد باشد طعام داده شود. احتیاط در رعایت اکثر از مدّ و اشباع است. (مناسک، مسأله ۲۶۰ و مناسک شیخ، ص ۲۴). □

□ آیه الله فاضل: یکی از سه چیز به نحو تخییر است.

آیه الله گلپایگانی: کفاره ازاله مو از بدن خود، چه در حال ضرورت و چه در غیر ضرورت ثابت است الا در ازاله مو از بدن دیگری که در حال ضرورت کفاره ندارد.

[۲۱۴] آیه الله گلپایگانی: صدقه دادن ده مدّ به ده مسکین کفایت می کند اگرچه دوازده مد به شش مسکین بهتر است. (مناسک فارسی، ص ۴۲، مسأله ۶۳). □

[۲۱۵] آیه الله زنجانی: این کفاره، مخصوص بیماری و سردرد است و تراشیدن تمام سر برای ضرورت های دیگر مانند تراشیدن قسمتی از سر، کفاره ندارد. (مدّ حدود نهصد گرم است). □

[۲۱۶] آیات عظام اردبیلی، تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، مکارم، نوری: کفاره آن یک گوسفند است.

آیه الله بهجت: رعایت این احتیاط لازم نیست (مناسک شیخ، ص ۲۴). □

آیه الله خامنه ای: اگر سر را عالم‌اً عامداً بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۱۹۴)

[۲۱۷]. آیه الله اردبیلی: کفاره آن طعام سه مسکین است بنابر اقوی.

[۲۱۸]. آیه الله نوری: اگر از زیر هر دو بغل ازاله مو کند احتیاط آن است برای هر یک از بغل ها یک گوسفند کفاره بدهد.

[۲۱۹]. آیه الله مکارم: این حکم واجب است.

[۲۲۰]. آیه الله بهجت: اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند کفاره اش یک گوسفند است بنابر اقوی و در کردن موی یک طرف، سه مسکین را طعام بدهد. (مناسک، مسأله ۲۶۰).

آیه الله زنجانی: اگر موی زیر هر دو بغل را بکند باید یک گوسفند قربانی کند، و در غیر کردن و همچنین در ازاله موی زیر یک بغل، کفاره گوسفند بنابر احتیاط مستحب است.

آیه الله سیستانی: اگر موی زیر بغل را بکند حکم همین است و همچنین بنابر احتیاط واجب □
□ اگر به وسیله دیگری، غیر از کردن، موی آن را ازاله نماید و اگر موی ریش یا غیر آن را بکند کفاره آن یک مشت طعام است و اگر مُحرم سر دیگری را تراشید چه مُحرم باشد چه غیر مُحرم کفارهندارد.

آیه الله فاضل: سه فقیر را اطعام کند.

آیه الله گلپایگانی: کفاره ازاله مو از زیر بغل، یک گوسفند است. (مناسک عربی، ص ۹۷ - مناسک فارسی، مسأله ۳۹۷).

[۲۲۱]. آیه الله بهجت: فرقی بین کردن و ماشین کردن و نوره گذاشتن نیست، چه از سر باشد یا صورت یا مواضع دیگر.

آیه الله خویی: بلکه واجب است. (معتمد، ج ۴، ص ۲۰۸).

[۲۲۲]. آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، مستحب است.

آیه الله سبحانی: حکم آن از نظر کفاره با تراشیدن یکی است.

[۲۲۳]. آیه الله بهجت: یککف از طعام صدقه بدهد و ساقط شدن مو به این سبب با عدم اطمینان به ساقط شدن، غیر از ازاله غیر عمدیه است که فدیة ندارد، اگر چه هر دو جایز است. (مناسک شیخ، ص ۲۵).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید یک مشت طعام بدهد.

آیه الله خامنه ای: احتیاط مستحب آن است که به قدر یک مشت گندم و آرد و امثال آن صدقه بدهد. (مناسک حج، م ۱۹۷)

آیه الله زنجانی: باید یک مشت طعام، کفاره بدهد و کشیدن اعضاي دیگر حکم کشیدن دست را دارد.

آیه الله سبحانی: اگر در حال التفات به احرام عمد^۱ دست خود را بر سر یا ریش خود بکشد و تار مویی کنده شود باید یک مشت آرد گندم کفاره دهد.

آیه الله سیستانی: خاراندن سر و بدن اشکال ندارد اگر مویی را نکند و خون خارج نشود و اگر بی جهت محرم دست به سر و ریش خود بکشد و مویی یا بیشتر بیافتد باید یک مشت طعام کفاره بدهد ولی اگر در وضو و مانند آن باشد چیزی بر او نیست.

آیه الله فاضل: در غیر وضو و غسل.

آیه الله مکارم: مقصود از یککف طعام، مقداری غذاست.

[۲۲۴]. آیه الله اردبیلی: چنانچه با علم و عمد باشد، باید یک مشت طعام صدقه بدهد و گرنه کفاره ندارد. همچنین محرم اگر مقداری از سر یا زیر بغل خود را بتراشد، چنانچه مقدار آن به حدی باشد که عرفاً گفته شود که سر یا زیر بغل خود را تراشیده است، کفاره آن مانند کفاره تراشیدن تمام سر یا زیر بغل است و گرنه کفاره آن یک مشت طعام است.

[۲۲۵]. آیه الله اردبیلی: با چیزهایی که معمولاً سر را با آن می پوشانند، مانند پارچه و کلاه.

آیه الله سبحانی: هر وسیله ای که باشد بنابراین پوشاندن سر به وسیله گل و حنا و دارو و بار برای حمل جایز نیست و احتیاط واجب است که مرد محرم سر خود را به وسیله اعضا بدن مثل دست نبوشاند از اینجا حکم سه مسأله بعد روشن شد (م ۴۱۱ تا

[۲۲۶]. آية الله اردبيلي: اين احتياط مستحب است.

آيات عظام تبريزي، خويي، زنجاني: محرم نبايد سر خود را بپوشاند حتي با گل و مانند آن.

آية الله صافي، آية الله گلپايگاني: پوشاندن سر و گوش ها براي مردان حرام است و در اين امر تفاوتی بين پوشاندن تمام يا قسمتي از سر نيست، و تفاوتی بين پوشاندن سر با پارچه و يا با حنا، گل، گذاشتن بار بر روي سر، و يا روي دوش بهطوري که قسمتي از سر را بپوشاند، و يا ارتماس در آب و امثال آن نمي باشد. (آداب و احكام حج، ص ۱۶۱).

[۲۲۷]. آية الله اردبيلي: اين احتياط مستحب است.

[۲۲۸]. آية الله بهجت: احوط و اولي ترك پوشانيدن سر به قسمتي از بدن ؛ مثل دست است در غير موارد ضرورت عرفيه يا شرعيه. اگر چه جواز خالي از وجه نيست. (مناسك شيخ، ۲۵).

[۲۲۹]. آية الله نوري: از لکن احتياط... در مناسك ايشان نيامده است.

[۲۳۰]. آية الله بهجت: محرم نبايستي در آب فرو رود که سرش زير آب شود و بنابر احتياط در غير آب از مايعات ديگر (مناسك، مسأله ۲۶۴).

آية الله تبريزي، آية الله خويي: محرم نبايستي در آب فرو رود که سرش زير آب برود.

آیه الله خامنه ای: فرو بردن تمام سر در آب برای محرم جایز نیست ولی کفاره ندارد. و بنابر ظاهر در این مسأله تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد. (مناسک حج، م ۱۴۷)

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: برای محرم جایز نیست همه سر خود را در آب فرو برد بلکه بنابر احتیاط در غیر آب هم جایز نیست و فرقی در این حکم بین زن و مرد نیست و منظور از سر در این حکم، همه قسمتی است که بالاتر از گردن است.

[۲۳۱]. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: بنابر احتیاط.

[۲۳۲]. آیه الله اردبیلی: و در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

[۲۳۳]. آیه الله خویی: بردن بعض سر در آب مانعی ندارد. (معتمد العروه، ج ۴، ص ۲۲۱).

آیه الله سبحانی: البته قسمتی از سر اشکال ندارد زیر آب برود.

آیه الله سیستانی: پوشیدن بعض سر جایز نیست ولی زیر آب بردن بعض سر جایز است.

آیه الله فاضل: بنابر اقوی در تغطیه، لکن در حمل، بنابر احتیاط.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب، ولی ریختن آب بر سر مانعی ندارد.

[۲۳۴]. آیه الله خامنه ای: پوشاندن قسمتی از سر به نحوی که عرفاً مصداق پوشاندن سر باشد - مانند گذاشتن کلاه کوچک در وسط سر - جایز نیست، امّا در غیر این صورت - مانند گذاشتن قرآن و مانند آن بر روی سر و یا خشک کردن تدریجی بخشی از سر - اشکال ندارد، هر چند احوط آن است که از آن نیز اجتناب نماید. (مناسک حج، م ۱۴۶)

[۲۳۵]. آیه الله اردبیلی: در خصوص فرو بردن سر در آب یا مایع دیگر، احتیاط واجب آن است که معظم سر را در آن فرو نبرد.

آیه الله خامنه ای: حرمت زیر آب بردن نسبت به بعض سر معلوم نیست. (استفتاء، دستخط معظمه، ش ۲۸)

[۲۳۶]. آیه الله تبریزی، آیه الله نوری: گوش ها در این حکم ملحق به سر است.

آیه الله سبحانی: گوش ها از سر محسوب نمی شوند ولی بنابر احتیاط واجب گوش ها را نیز نپوشاند اما گذاشتن سمعک یا پنبه داخل سوراخ گوش اشکالی ندارد.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله فاضل: ولی پوشاندن مقداری از گوش مانعی ندارد.

[۲۳۷]. آیه الله اردبیلی: ولی بنابر احتیاط واجب باید كفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: و كفاره هم ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: گناه ندارد ولكن كفاره دارد.

[۲۳۸]. آیه الله سبحانی: که بخشی از سر را می پوشاند اشکالی ندارد.

[۲۳۹]. آیه الله زنجانی: بلکه رفتن زیر آبشاری که سر را فرا گیرد نیز مانع ندارد.

[۲۴۰]. آیه الله بهجت: مرد می تواند سر خود را با حوله خشک کند و زن صورتش را در صورتی که این کار به تدریج انجام گیرد. (پرسش های جدید حج، ص ۱۱، مساله ۴۹).

آیه الله خامنه ای: خشک کردن تدریجی سر با حوله اشکال ندارد مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن خشک کند. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۳۰)

آیه الله زنجانی: خشک کردن سر با حوله و مانند آن اشکال ندارد مگر در صورتی که برای خشک کردن حوله را روی سر یا بعض آن قرار دهد. □

□ آیه الله سیستانی: هر چند به نحو کشیدن پارچه بر سر باشد بنابر احتیاط واجب و اگر وقت نماز تنگ است گوشه حوله یا پارچه را بگیرد و به مقداری که در مسح سر واجب است خشک کند.

آیه الله گلپایگانی: در آراء المراجع (چاپ سوم، ص ۱۶۸) نقل می کند که معظم له شفاهاً فرموده اند: خشک نمودن سر به وسیله حوله و دستمال مانع ندارد ولی باید طوری خشک کند که سر پوشیده نشود.

آیه الله مکارم: خشک کردن مانع ندارد به شرط اینکه سر را با آن نپوشاند.

[۲۴۱]. آیه الله اردبیلی: اگر خشک کردن سر به نحو جزء جزء سر باشد که در هر بار خشک کردن، پوشاندن سر بر آن صدق نکند، اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: مگر اینکه به صورت تدریجی انجام بگیرد.

[۲۴۲]. آیه الله زنجانی: بر مردم محرم، مکروه است که هنگام خوابیدن، روانداز را روی سر خود بکشد و احتیاط استحبابی در ترک آن است، ولی نباید سر را با کلاه و دستمال و مانند آن بپوشاند.

آیه الله سبحانی: ابتداءً جایز نیست ولی اگر در خواب بی اختیار سر او پوشیده شد مانعی ندارد و دیگران نیز تکلیفی ندارند تا او را با خبر سازند لیکن وقتی بیدار شد و یا ملتفت شد باید فوراً پتو و امثال آن را کنار بزند و احتیاطاً تلبیه بگوید.

[۲۴۳]. آیه الله زنجانی: بلکه گفتن تلبیه واجب است و گفتن یک «لبیک» کافی است.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسأله نشده اند.

آیه الله نوری: از «مستحب است تلبیه...» در مناسک ایشان نیامده است.

[۲۴۴]. آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، فاضل، مکارم: بنابر احتیاط واجب کفاره اش یک گوسفند است.

[۲۴۵]. آیه الله اردبیلی: به احتیاط واجب و بنابر اظهر سر زیر آب کردن کفاره ندارد.

آیه الله خامنه ای: کفاره پوشاندن سر، بنابر احتیاط واجب، یک گوسفند قربانی کردن است. و بعضی سر حکم تمام سر را ندارد مگر عرفاً بر آن صدق کند که سر را پوشانده است؛ مثل اینکه کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می پوشاند بر سر بگذارد. (استفتاء، دستخط معظمه، ش ۲۹)

[۲۴۶]. آیه الله خامنه ای: کفاره پوشاندن سر، بنابر احتیاط، یک گوسفند قربانی کردن است و بعضی سر حکم تمام سر را ندارد مگر عرفاً بر آن صدق کند که سر را پوشانده است؛ مثل اینکه کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می پوشاند بر سر بگذارد.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.

[۲۴۷]. آیه الله زنجانی: اگر عمداً با کلاه یا عمامه یا دستار و مانند آن تمام یا قسمتی از سر را بپوشاند باید یک گوسفند کفاره بدهد و اگر با گذاشتن غیر لباس مانند بادبزن و حنا سر را بپوشاند کفاره ندارد.

[۲۴۸]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

[۲۴۹]. آیه الله نوری: با تکرار در پوشاندن سر، کفاره نیز مکرر می شود.

[۲۵۰]. آیه الله بهجت: احوط تعدد فدیة است به تعدد پوشانیدن، خصوصاً هرگاه بی عذر باشد، خصوصاً هرگاه مجلس متعدّد باشد و اقوی تعدد فدیة است در صورت تخلل تکفیر. (مناسک شیخ، ص ۲۶).

آیه الله تبریزی: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله خامنه ای: احتیاط تکرر کفاره در صورت تکرر ستر است مطلقاً. (استفتاء، دستخط معظمله، ش ۳۱)

آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط باید کفاره مجدد بدهد و حتی اگر سر را در دو مجلس بیوشاند هر چند در وسط کفاره پرداخته باشد احتیاط آن است که دو کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: بعید نیست یککفاره کافی باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورت تعدد پوشانیدن سر، باید کفاره متعدد بدهد. (مناسک عربی، ص ۹۱)

آیه الله مکارم: این احتیاط در این مسأله و مسأله بعد، وجوبی است.

[۲۵۱]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

[۲۵۲]. نظریه آیات عظام بهجت، خامنه ای، صافی، گلپایگانی: در مسأله قبل گذشت.

آیات عظام تبریزی، زنجانی، سیستانی: در این صورت دوباره باید کفاره بدهد.

آیه الله نوری: احتیاط، واجب است.

[۲۵۳]. آیات عظام خویی، سیستانی: بلکه ظاهر این است که در موارد جواز ستر و اضطرار نیز کفاره واجب نیست (مناسک،

مسأله ۲۵۶ .

آیه الله سبحانی: اما در صورت ضرورت نیز احتیاط واجب در کفاره است.

[۲۵۴] آیه الله بهجت: در غیر حال ضرورت، مانند تحفظ از مگس و نحو آن در حال خوابیدن. (مناسک شیخ، ص ۲۶) .

[۲۵۵] آیه الله زنجانی، آیه الله نوری: پوشاندن رو هر چند به چیزهای غیر متعارف ؛ مثل پوشال و گل نیز جایز نیست و جایز نیست با بادبزنی خود را بپوشاند.

[۲۵۶] آیه الله خامنه ای: پوشاندن صورت با بادبزنی و مانند آن (کاغذ و روزنامه و...) برای زنان حرام است، اما گذاشتن دست ها بر روی صورت اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۵۳)

[۲۵۷] آیه الله اردبیلی: پوشاندن صورت در قسمت پایین آن یعنی از بینی تا چانه جایز نیست و در قسمت بالای آن نیز احتیاط ترک نشود.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط.

آیه الله خامنه ای: پوشاندن صورت در حال احرام به گونه ای که متعارف زنان در حجاب از نامحرم یا خودداری از شناخته شدن است برای زنان جایز نیست. بنابراین پوشاندن بخشی از صورت به نحوی که پوشاندن صورت بر آن صدق کند، مانند پوشاندن گونه ها و بینی و دهان و چانه جهت حجاب یا شناخته نشدن، مانند پوشاندن، تمام صورت است و جایز نمی باشد. (مناسک حج، م ۱۵۰) - استفاده از ماسک برای پوشش بینی و دهان برای زنان در حال احرام مانع ندارد. (مناسک حج، م ۱۵۱)

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب، و لذا پوشیدن مقنعه که اطراف صورت را می گیرد خلاف احتیاط است و همچنین جایز نیست بنابر احتیاط خشک کردن صورت با حوله یا دستمال، هر چند همه صورت را نپوشاند، ولی تمیز کردن بینی و مانند آن اشکال ندارد. □

□ آیه الله فاضل: بعضی رو در حکم تمام است. و بنابر اقوی پوشاندن صورت در قسمت پایین آن ؛ یعنی از بینی تا چانه جایز

نیست و در قسمت بالایی آن به احتیاط واجب.

آیه الله مکارم: پوشانیدن بعض صورت، به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند جایز است.

آیه الله نوری: با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، چون چانه جزو صورت محسوب می شود، باید مقنعه را طوری ببندد که زیر چانه قرار بگیرد، چون زیر چانه جزو صورت نیست.

[۲۵۸] آیه الله بهجت: دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد. (پرسش های جدید حج، ص ۱۲، س ۵۰).

آیه الله گلپایگانی: متعرض مسأله نشده اند.

[۲۵۹] آیه الله اردبیلی: بلکه زن محرم در حال خوابیدن می تواند با مثل پتو و ملحفه صورت خود را بپوشاند.

آیه الله زنجانی: بلکه برای خواب می تواند روانداز را روی صورتش بکشد.

آیه الله نوری: زن محرم نمی تواند صورت خود را با حوله خشک و یا پاک کند؛ چنانکه مرد محرم نمی تواند سر خود را با آن پاک یا خشک کند.

[۲۶۰] آیه الله بهجت: پوشانیدن رو به مقداری که مقدمه پوشانیدن سر می باشد، در حال نماز عیبی ندارد و می تواند سر اندازش را آویزان نماید در نماز و بعد از آن. (مناسک شیخ، ص ۲۶).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، گلپایگانی: پوشانیدن رو که مقدمه پوشانیدن سر می باشد، در حال نماز عیبی ندارد.

[۲۶۱] آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

آیه الله مکارم: واجب نیست.

[۲۶۲]. آیه الله خامنه ای: پوشاندن اطراف صورت از بالا یا پایین و یا دو طرف آن، بهطوری که زنان هنگام پوشیدن مقنعه به نحو متعارف و یا هنگام پوشاندن سر در نماز انجام می دهند و پوشاندن صورت بر آن صدق نمی کند، اشکال ندارد، چه در نماز باشد و چه در حال دیگر. (مناسک حج، م ۱۵۲)

[۲۶۳]. آیه الله اردبیلی: بلکه بعید نیست که در جایی که نامحرم نیست نیز همین حکم باشد.

آیه الله بهجت: بلکه مطلقاً و اختیاراً و تا حدّ نحر علی الأظهر. (مناسک شیخ، ص ۲۶).

آیه الله زنجانی: بلکه مطلقاً جایز است.

[۲۶۴]. آیه الله خامنه ای: جایز است زن در حال احرام، چادر یا جامه ای را که بر سر انداخته طرف آن را بر روی صورت بیاویزد، به نحوی که بخشی از صورت و پیشانی اش را تا بالای بینی بپوشاند، اما احوط آن است که اگر مرد اجنبی او را نمی بیند، از این کار اجتناب نماید. (مناسک حج، م ۱۵۴)

آیه الله سیستانی: و در جایی که نامحرم نیست این گونه پوشش نیز جایز نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگهدارند. (آداب و احکام حج، ص ۱۶۲).

[۲۶۵]. آیه الله خامنه ای: در مسأله قبل احوط آن است که پوشش مذکور با صورت تماس نداشته باشد. (مناسک حج، م ۱۵۵)

[۲۶۶]. آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: تحفظ آن از رسیدن به صورت لازم نیست.

آیه الله نوری: زن ها در حال احرام باید سعی کنند که مقنعه در حال درآوردن و پوشیدن صورتشان را نپوشاند.

[۲۶۷]. آیه الله اردبیلی، آیه الله تبریزی: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله خویی: احوط آن است که از صورت دور نگه دارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارد.

[۲۶۸]. آیه الله بهجت: شاید وجه آن، استفاده مساوات احرام زن در رو، با احرام مرد در سراست در جمیع احکام از بعضی روایات، و در این استفاده تأمل است. (مناسک شیخ، ص ۲۶) .

[۲۶۹]. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره دهد.

آیه الله سبحانی: دلیلی برای تفصیل نیست و همینطور ممکن است استناد شیخ به صحیحہ علی بن جعفر باشد و با توجه به اینکه لفظ " جرحت " محتمل است که نسخه بدل " خرجت " باشد وجهی ندارد پس اصل برائت در مورد کفاره پوشاندن صورت برای زن محرم محکم است و کفاره ندارد.

[۲۷۰]. آیه الله زنجانی: کفاره پوشاندن رو با چیزهای پوششی مانند نقاب و پوشیه، یک گوسفند است و با غیر لباس ظاهر^۱ کفاره ندارد.

[۲۷۱]. آیه الله نوری: هر چند بر زنی که احرام بسته حرام است، اگر تخلف کرد کفاره بر او لازم نیست.

[۲۷۲]. آیه الله بهجت: وجوب کفاره پوشانیدن صورت زنان یک گوسفند، منقول از شیخ و حلبی است. (مناسک شیخ، ص ۲۶).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند بدهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید یک گوسفند کفاره بدهد.

[۲۷۳]. آیه الله زنجانی: حرکت کردن با وسیله نقلیه سقفدار برای مرد محرم جایز نیست، روز باشد یا شب، هوا آفتابی باشد یا ابری، همچنین جایز نیست در هوای آفتابی یا بارانی در پناه سایبان متحرک مانند چتر حرکت کند.

آیه الله فاضل: بنابر احتیاط واجب سایر قراردادن برای بدن نیز در حال سیر و پیمودن راه جایز نیست. بنابراین نشستن در ماشین و بیرون نگهداشتن سر از شیشه یا سقف آن، خلاف احتیاط وجوبی است.

آیه الله نوری: در حال سیر و راه پیمودن.

[۲۷۴]. آیه الله سبحانی: در حال حرکت.

[۲۷۵]. آیه الله زنجانی: می تواند در پناه سایبان ثابت مانند دیوار و پل و خیمه و تونل های کوتاه حرکت کند ولی با وسیله سقفدار و چتر نمی تواند به قربانگاه یا جمرات برود، همچنان که اگر هوا آفتابی یا بارانی باشد اگر مشقت شدید نداشته باشد نباید از تونل های طولانی استفاده کند و در این حکم فرقی بین مکه و عرفات و مشعر و منی و مسیرهای بین راه نیست.

[۲۷۶]. آیه الله بهجت: احتیاط واجب ترک سایه انداختن است در وقت تردد برای حوائج غیر خانه و خیمه و نحو آنها، چه در مکه و چه در عرفات و منی. (مناسک شیخ، ص ۲۷) .

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط نمی تواند در حال حرکت، برای خود سایه بان درست کند ؛ مثل آنکه چتر بردارد و یا سوار ماشین سقفدار شود.

آیه الله سیستانی: اما پس از پیاده شدن و جایی را منزل خود قراردادن، اگر محرم بخواهد جهت انجام کارهایش به اینجا و آنجا برود ؛ مانند اینکه در مکه منزل کند و بخواهد جهت انجام طواف و سعی به مسجدالحرام برود و یا به منزل خود در منی وارد شود و بخواهد به قربانگاه یا جمرات برود، حکم به جواز سایه قرار دادن بالای سر خود، چون به وسیله چتر و چه سوار شدن ماشین سقفدار خیلی مشکل است، و احتیاط نباید ترک شود. (مناسک، مسأله ۲۷۱) .

آیه الله نوری: حرمت سایه بر سر قرار دادن، اختصاص به سایه ای دارد که با شخص حرکت می کند ؛ مثل چتر و ماشین مسقف و هواپیما و اما سایه ثابت مثل پل و تونل هر قدر طولانی باشد، جواز عبور از زیر آنها بدون اشکال است.

[۲۷۷]. آیه الله خامنه ای: احوط آن است که شخص محرم پس از رسیدن به مکه پیش از انجام مناسک عمره و همچنین در حال احرام در عرفات و منی، از قرار گرفتن در زیر سایه های متحرک مانند اتوبوس مسقف و چتر، اجتناب کند. ولی قرار گرفتن در سایه دیوار و درخت و مانند آنها و نیز عبور از زیر سقف های ثابت مانند پل و تونل، حتی در روز اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۵۸ و ۱۶۱)

[۲۷۸]. آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط واجب پس از ورود به مکه برای رفتن به مسجد الحرام و همچنین در منی برای حرکت از نقطه ای به نقطه دیگر از سایبان های متحرک مانند چتر و اتومبیل سقف دار استفاده نکند.

آیه الله نوری: اشکال ندارد.

[۲۷۹]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله خویی: و در قسمت جدید شهر مکه بنابر احتیاط، سوار ماشین سقفدار نشوند. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۷) .

[۲۸۰]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

[۲۸۱]. آیه الله زنجانى: محرم نمى تواند در سایه سایبان متحرکى که بالای سر او نباشد نیز حرکت کند، ولی قرار گرفتن در سایه صندلی ها و دیوارهای ماشین، اشکال ندارد، و فرقی بین ماشین خود و دیگری نیست.

[۲۸۲]. آیه الله بهجت: احوط ترک سایه انداختن از آفتاب است، اگر چه منحرف از بالای سر باشد با چیزی که در سر ممنوع است. (مناسک شیخ، ص ۲۷).

آیه الله تبریزی: حرمت و ثبوت کفاره در تظلیل جانبی مبني بر احتیاط است.

آیه الله خویی: و احوط بلکه اظهر این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود، پس اگر از طرف چپ و راست چیزی بر او سایه بیفکند؛ به نحوی که تأثیر در کم شدن گرما یا سرما یا باد و نحو آن داشته باشد، جایز نیست و کفاره دارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: گذشتن از زیر پل های وسط راه مانعی ندارد و همچنین بودن در سایه ای که از دیوارهای اتومبیل سر باز و مانند آن به وجود می آید.

آیه الله سیستانی: سایه های متحرکه بالای سر محرم قرار نگرفته برای پیاده مطلقاً جایز است و سواره احتیاطاً اجتناب کند مگر اینکه کوتاه باشد که سر و سینه را فرا نگیرد.

آیه الله گلپایگانی: احتیاط مستحب آن است که مرد محرم در حال راه رفتن در سایه چیزی که بالای سر او هم نیست نباشد. (آراء المعراجع، ص ۱۷۲).

آیه الله نوری: استظلال، اختصاص به بالای سر دارد و شامل سایه حاصل از دیوار ماشین نمی شود.

[۲۸۳]. آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

آیه الله زنجانى: نذری که سبب می شود محرم ناچار گردد با وسیله سرپوشیده سفر کند باطل است.

[۲۸۴]. آیه الله سبحانی: احتیاطاً این شخص در میقات یا اگر نشد در ادنی الحل تجدید احرام کند.

آیه الله سیستانی: نذر احرام قبل از میقات، برای کسی که می داند ناچار می شود زیر سقف برود محل اشکال است. (ملحق مناسک).

آیه الله فاضل: صحت نذر برای کسی که می داند باید در روز با وسیله مسقف حرکت کند محل اشکال است. بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی تواند به یکی از مواقیع معروفه برود، نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است، ولی احتیاط آن است که در ادنی الحل تجدید احرام کند. و در هر صورت کفاره زیر سقف رفتن را باید بدهد.

[۲۸۵]. آیات عظام سبحانی، فاضل، نوری: می تواند از راهی برود که زیر سایه قرار بگیرد، مانند تونل و پل و زیر درخت، از سایه های ثابت.

[۲۸۶]. آیه الله اردبیلی: بلکه بنابر احتیاط واجب نذر او صحیح نیست.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: به حاشیه مسأله ۴۴۱ مراجعه شود.

[۲۸۷]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: ظاهر این است که معصیت نکرده است، ولی برای استتلال اضطراری کفاره باید بدهد.

آیه الله سبحانی: در صورتی که از مواقیع معروفه می گذرد احتیاطاً احرام خود را در میقات تجدید کند و الا در ادنی الحل احرام را تجدید کند.

آیه الله مکارم: معصیتی نکرده است.

[۲۸۸]. آیه الله اردبیلی: با نذر.

آیه الله زنجانی: اگر از مواقیع پنج گانه یا نزدیک آن می گذرند باید از آنجا محرم شوند، وگرنه هر کجا قبل از حرم محرم شوند کافی است و در هر دو صورت بعد از احرام باید از محرمات احرام پرهیز کنند.

آیه الله فاضل: از ادنیالحلّ محرم شوند.

[۲۸۹]. آیه الله خامنه ای: جدّه نه میقات است و نه محاذی میقات، لذا احرام برای عمره تمتّع در آنجا در حال اختیار صحیح نمی باشد، امّا اگر رفتن به میقات ممکن نباشد احتیاط واجب آن است که با نذر از آنجا محرم شود. (مناسک حج، م ۸۹)

[۲۹۰]. آیه الله سبحانی: و احتیاطاً در ادنی الحل احرام را تجدید کند.

آیه الله مکارم: از حدیبیه.

[۲۹۱]. تفصیل این مسأله در مسأله ۲۱۲ میقات گذشت.

[۲۹۲]. آیه الله بهجت: استظلال در شب نیست و مانع ندارد و ظاهر مجموع روایات و مقتضای اصل، اختصاص ممنوعیت به سایه انداختن از آفتاب است. (مناسک، س ۵۰).

آیه الله زنجانی: حرکت با وسیله نقلیه سقفدار در شب نیز جایز نیست مگر در صورت ضرورت، و در هر حال اگر با علم و عمد مرتکب شود کفاره دارد، هر چند لزوم کفاره در شب غیر بارانی؛ بنابر احتیاط است.

آیه الله سبحانی: حرکت با وسایط نقلیه سر پوشیده شب هنگام اشکال ندارد مگر اینکه باد شدید یا باران در کار باشد در این صورت می توانند وسیله را متوقف کنند و پس از برطرف شدن این دو پدیده ی جوّی حرکت کنند در غیر این صورت کفاره دارد ولی تا ممکن است در شب نیز از وسایل نقلیه بدون سقف استفاده کنند.

آیه الله نوری: جایز است بنابراین، نشستن محرم در هواپیمایی که در شب حرکت می کند و همچنین ماشین و کشتی جایز است.

[۲۹۳]. آیه الله اردبیلی: چنانچه موجب تحفظ از باران، گرما و سرما نباشد.

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.

آیه الله خامنه ای: احوط آن است که در شب های بارانی و سرد از سوار شدن به اتوبوس مسقف و مانند آن اگر برای فرار از باران و سرما باشد اجتناب کند. (مناسک حج، م ۱۶۰)

آیه الله خویی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنها است. پس اگر هیچ کدام از آنها نباشد، به نحوی که وجود و عدم سایبان یکسان باشد اشکال ندارد، و در این حکم بین شب و روز فرقی نیست. (مناسک، مسأله ۲۷۰). و در فرض شک در اینکه آیا مظله وجود و عدمش یکسان است یا نه استظلال جایز است. (استفتائات آخر مناسک، چاپ ۲۱، ص ۳۲۵).

آیه الله سبحانی: حرکت با وسایط نقلیه سرپوشیده به هنگام شب اشکال ندارد مگر اینکه باد شدید یا باران در کار باشد و همچنین حرکت در روز ابری با ماشین مسقف مانع ندارد.

آیه الله سیستانی: سوار شدن در ماشین سقفدار و مانند آن در شب و بین الطلوعین و روزهایی که ابر غلیظ مانع تابش خورشید باشد، در صورتی که بارانی نباشد اشکال ندارد و اگر بارانی باشد کفاره دارد و به احتیاط واجب جایز نیست. (مناسک، مسأله ۲۷۰).

آیه الله مکارم: جایز است مگر در شب های بارانی که باید کفاره بدهد و در روزهای کاملاً ابری و بین الطلوعین نیز استفاده از ماشین سرپوشیده مانعی ندارد.

[۲۹۴]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنابر احتیاط.

[۲۹۵]. تفصیل نظریه آیات عظام در ذیل مسأله ۴۴۰ و ۴۴۱ گذشت.

[۲۹۶]. آیات عظام اردبیلی، بهجت، تبریزی، خامنه ای، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، فاضل، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: کفاره آن یک گوسفند است و فرقی بین اختیار و اضطرار نیست.

[۲۹۷]. آیه الله سیستانی: ولی احتیاط مستحب این است که برای هر روزی یککفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۷۱) .

[۲۹۸]. آیه الله بهجت: به کاری که بداند موجب آن می شود ؛ زیرا اخراج احتمالی خون، محکوم به حرمت نیست (مناسک شیخ، ص ۲۸) .

آیه الله خامنه ای، آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله سبحانی: بیرون آوردن خون از بدن در حال احرام به هر وسیله ممکن در غیر حال ضرورت جایز نیست، مانند خاراندن بدن و مسواک کردن دندان که موجب خونریزی می شود حتی گرفتن خون از بدن به وسیله سرنگ یا تزریق آمپول در حال احرام که موجب بیرون آمدن خون می شود نیز این حکم را دارد. مطلب دیگر اینکه محرم می تواند به حمام برود ولی اگر بداند با کیسه کشیدن از بدن او خون بیرون می آید نباید این کار را انجام دهد.

[۲۹۹]. آیه الله زنجانی: لکن اگر این کار، باعث نجس شدن بدن یا لباس محرم شود بدون عذر جایز نیست.

آیه الله سیستانی: اگر آن دیگری محرم باشد احتیاط مستحب ترک است و بر خود آن محرم جایز نیست، بنابر احتیاط واجب.

[۳۰۰]. آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۲۰۳)

آیه الله مکارم: مکروه است در غیر حال احتیاج و ضرورت.

[۳۰۱]. آیات عظام اردبیلی، بهجت، خویی: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد، گرچه بداند خون خارج می شود و کفاره ندارد. □

□ آیه الله زنجانی: اگر بتواند با احتیاط مسواک بزند نباید در مسواک زدن بی احتیاطی کند ؛ ولی اگر لثه های او طوری است که معمولاً با مسواک زدن از آن خون بیرون می آید مسواک زدن معمولی جایز است ؛ هر چند خون بیاید. و در هر حال از خمیر

دندان معطر که بوی آن به مشامش می رسد نباید استفاده کند.

آیه الله مکارم: در این مسأله و مسأله قبل بنابر احتیاط واجب.

[۳۰۲]. آیه الله خویی: در حال ضرورت یا رفع ناراحتی. (مناسک، مسأله ۲۷۴) .

آیه الله سبحانی: در مواردی که ضرورت عرفی صدق می کند، جایز است (کتاب الحج، ج ۳، ص ۵۴۵) .

[۳۰۳]. آیه الله تبریزی: کفاره اش بنابر احتیاط یک گوسفند است.

آیه الله خامنه ای: اما مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد. (مناسک حج، م ۲۰۶)

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط مستحب کفاره اش یک گوسفند است. (مناسک عربی، مسأله ۲۷۳) .

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنابر احوط و اولی کفاره آن یک گوسفند است.

آیه الله فاضل: کفاره ندارد اگر چه بدون ضرورت باشد.

آیه الله نوری: احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اگر خون از بدن خود در آورد یک گوسفند کفاره بدهد.

[۳۰۴]. آیه الله زنجانی: ناخن گرفتن از خود.

آیه الله سبحانی: محرم نمی تواند ناخن بگیرد و در این قسمت فرقی بین آلات ناخن گیری مانند: قیچی، چاقو یا ناخن گیرهای رایج نیست و همچنین از طریق غیر متعارف مثال کندن قسمتی از ناخن با دندان یا سوهان یا وسیله دیگر.

[۳۰۵]. آیه الله زنجانی: مگر در صورت حرج و در هر حال گرفتن بعض ناخن کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: اگر برای گرفتن ناخن ضرورتی پیدا کند می تواند ناخن بگیرد ولی باید كفاره بدهد.

[۳۰۶]. آیه الله بهجت: لیکن محتمل است فدیة بعضی از ناخن آزار رساننده، قبضه ای از طعام باشد نه مدّ. (مناسک شیخ، ص ۲۸).

آیه الله تبریزی: در این صورت گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام كفاره بدهد (مناسک، مسأله ۲۸۵). آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: و كفاره آن یک مدّ طعام است.

[۳۰۷]. آیات عظام بهجت، زنجانی، سبحانی، سیستانی: فرقی نیست و ازاله ناخن به هیچ وسیله جایز نیست.

آیه الله خامنه ای، آیه الله مکارم: بنابر اقوی.

آیه الله فاضل: تفاوتی در گرفتن ناخن ها با قیچی و ناخنگیر و حتی دندان نیست علی الأقوی.

[۳۰۸]. آیه الله خامنه ای: بر محرم حرام است ناخن دست یا پای خود را بگیرد، چه تمام آن را بگیرد و چه قسمتی از آن را و چه با قیچی باشد یا با چیز دیگر، و تفاوتی ندارد که ناخن را ببرد یا کوتاه کند و یا بکند، چه با قیچی یا ناخنگیر یا چاقو باشد و یا با وسیله دیگر. (مناسک حج، م ۱۹۹)

[۳۰۹]. آیه الله بهجت: در صورت زیادتی برده، احوط مدّ است برای هر یک ناخن. (مناسک شیخ، ص ۲۸).

آیه الله فاضل: این احتیاط و احتیاط قبلی ترک نشود، چه زیادی آن معلوم باشد چه نباشد.

[۳۱۰]. آیه الله تبریزی: گرفتن ناخن انگشت زیادی جایز نیست و گرفتن ناخن از دست زیادی چنانچه معلوم شود آن دست زیادی است، خلاف احتیاط است.

آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: گرفتن ناخن زیادی یا ناخن انگشت زیادی جایز نیست.

آیه الله صافی: در هر دو مورد احتیاط ترک نشود.

آیه الله مکارم: فرقی میان انگشت زیادی و غیر آن نیست بنابر احتیاط واجب.

[۳۱۱]. آیه الله بهجت: با عدم تخلل تکفیر برای هر ناخنی، در اثناء هر یک از دست ها و پاها و گرنه متجه کفایت مدّ است برای هر یک از ناخن های باقی مانده در دست ها یا در پاها. (مناسک شیخ، ص ۲۸).

آیه الله مکارم: یک مد طعام حدود ۷۵۰ گرم است.

[۳۱۲]. آیه الله بهجت: مجالس متعدّد باشد، بعد از تکفیر لازم و قبل از تکفیر احتیاط است.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

[۳۱۳]. آیه الله فاضل: در این فرض کفاره برای پا ثابت نیست.

[۳۱۴]. آیه الله فاضل: در این فرض برای ناخن های دست کفاره ای ثابت نیست.

[۳۱۵]. آیه الله زنجانی: باید احتیاطاً ده مد طعام (حدود ۹۰۰ گرم) و یک گوسفند کفاره بدهد.

[۳۱۶]. آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: در کفاره دم مماثلہ لازم نیست. و لذا اگر ده ناخن از دست یا پا و یا هر دو تلفیقاً بگیرد، باید یک گوسفند کفاره بدهد و در کمتر از آن برای هر ناخن یک مد کفاره بدهد.

آیه الله مکارم: کفاره مدّ طعام بدهد.

[۳۱۷]. آیه الله بهجت: در این مسأله و مسأله بعدی به ذیل مسأله ۴۵۷ مراجعه شود.

آیه الله خویی: تصریحی به این فرع و فرع ۴۶۴ و ۴۶۶ نکرده اند و آنچه در مناسک، مسأله ۲۷۶ آمده این است که کفاره گرفتن ناخن های دست در یک مجلس یک گوسفند است و همچنین پا.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: این احتیاط واجب است.

[۳۱۸]. آیات عظام تبریزی، زنجانی، سیستانی: اگر ده ناخن از ناخنهایش را بگیرد احتیاط واجب این است که یک گوسفند بدهد و تفاوتی بین اینکه همه آن ناخن ها اصلی یا بعضی زیادی باشد نیست، و اگر کمتر از ده ناخن را بگیرد باید برای هر کدام یک مد بدهد.

[۳۱۹]. آیه الله خویی: متعرض این مسأله نشده اند.

آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله مکارم: کفاره مد طعام بدهد.

[۳۲۰]. آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله نوری: بنابر احتیاط.

[۳۲۱]. آیه الله خویی: متعرض این مسأله نشده اند.

آیه الله سبحانی، آیه الله نوری: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: باید یک گوسفند کفاره بدهد.

[۳۲۲]. آیه الله زنجانی: باید برای هر ناخن یک مشت طعام بدهد و کفاره ده ناخن نیز ده مشت طعام است.

[۳۲۳]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در صورتی که بقای ناخن ضرر نداشته باشد؛ مثل اینکه ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی شود، گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۷۵).

آیه الله سیستانی: باید کفاره بدهد.

[۳۲۴]. آیه الله سبحانی: کفاره آن برای هر ناخن یک مشت طعام است.

آیه الله فاضل: و می تواند برای هر ناخن یککف از طعام کفاره بدهد.

[۳۲۵]. آیه الله زنجانی: در صورتی که خون بیاید کشیدن دندان بر محرم حرام است و کشیدن دندان شخص دیگر بر محرم جایز است مگر باعث نجس شدن بدن یا لباس او شود و در هر حال کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: کندن دندان در حال اختیار برای محرم حرام است و در صورت ضرورت مانعی ندارد ولی اگر خون بیاید باید کفاره بدهد.

[۳۲۶]. آیه الله بهجت: کندن دندان در صورتی که موجب خون آمدن شود حرام است ولی کفاره ندارد و اگر موجب خون آمدن نشود و یا کندن دندان ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد. (مناسک، مسأله ۲۷۸).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: جمعی از فقها نظرشان این است که کندن دندان هر چند خون در نیاید، از محرمات احرام است و کفاره اش را یک گوسفند دانسته اند، ولی دلیلش تأمل دارد و بعید نیست این عمل جایز باشد.

آیه الله خامنه ای: احتیاط واجب آن است که از کشیدن دندان - اگر موجب بیرون آمدن خون می شود - جز در موارد ضرورت و نیاز خودداری کند. (مناسک حج، م ۲۰۵)

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: بر محرم حرام است که دندان خود را بکند هر چند خون نیاید.

آیه الله مکارم: این احتیاط و احتیاط بعد مستحب است.

[۳۲۷]. آیه الله خامنه ای: بیرون آوردن خون از بدن کفاره ندارد، اما مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد. (مناسک حج، م ۲۰۶)

آیه الله سبحانی: این احتیاط مستحب است.

[۳۲۸]. آیه الله بهجت: و بریدن و نحو آنها.

آیه الله سبحانی: کندن و بریدن گیاه و درخت حرم، حرام است.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: این مسأله از محرمات احرام نیست، بلکه بر همه کس حرام است؛ چنانکه خواهد آمد.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: و بریدن آن.

[۳۲۹]. آیه الله سیستانی: حتی اگر اصل آن در خارج حرم و شاخه آن در حرم یا به عکس باشد.

[۳۳۰]. آیه الله خامنه ای: قطع کردن و بریدن و شکستن درختان و گیاهان روییده در حرم، برای محرم و غیر محرم حرام است. (مناسک حج، م ۲۱۵)

[۳۳۱]. آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: اختصاص به محرم ندارد و فرقی بین کاشتن خود شخص و دیگری در این صورت نیست، ولی اگر گیاه یا درختی را خود شخص کاشته باشد (آیه الله زنجانی: یا آبیاری کرده باشد) می تواند قطع کند، هر چند در ملک دیگری باشد.

آیه الله سبحانی: کندن و بریدن آنها جایز نیست.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: و یا قطع کند.

[۳۳۲]. آیه الله بهجت: کندن و بریدن اینگونه درخت ها و گیاه ها اشکال ندارد. (مناسک، مسأله ۲۸۳).

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، گلپایگانی: مانعی ندارد کندن درخت و گیاه در این صورت.

[۳۳۳]. نظریه آیات عظام در مسأله ۴۶۹ گذشت.

آیه الله بهجت: نظر ایشان در حاشیه مسأله قبل گذشت.

آیه الله خویی، آیه الله مکارم: این احتیاط واجب نیست، بلکه مستحب است.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: قطع آنها اشکال ندارد.

آیه الله نوری: اقوی جواز قطع آن است.

[۳۳۴]. آیه الله سبحانی: اگر منزلی را برای استفاده مثلاً یا در ایام حج در مکه خرید و یا اجاره کرد به احتیاط واجب درخت و گیاه خود روی آن را نکند و یا شاخه های درختان را نشکند.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند.

آیه الله مکارم: تنها قطع درختان و گیاهان خودرو که قبل از بنادر آن بوده حرام است و غیر آن حرام نیست.

آیه الله نوری: منزلی که در آن سکونت کرده ولو نخریده باشد.

[۳۳۵]. آیه الله سبحانی: خواه خود رو باشند یا دیگری کاشته باشد.

آیه الله فاضل: میوه های آنها و شاخه هایی از آنها را که در کمیت یا کیفیت میوه تأثیر می گذارد می تواند قطع کند اما خود آنها را نباید قطع کند.

آیه الله مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست.

[۳۳۶]. آیه الله زنجانی: باید یک گاو كفاره بدهد، درخت کوچک باشد یا بزرگ

آیه الله سبحانی: و از ریشه در آورد اگر بزرگ باشد باید یک گاو و اگر کوچک باشد باید یک گوسفند كفاره بدهد.

[۳۳۷]. آیه الله بهجت: اگر درختی را بکند كفاره دادن یک گاو در درخت بزرگ و یک گوسفند در کوچک و اگر بعض درخت باشد قیمت آن را، موافق احتیاط است در صورتی که در درخت کوچک و در بعض درخت رعایت عدم نقصان از قیمت بشود. (مناسک شیخ، ص ۳۰).

[۳۳۸]. آیه الله تبریزی آیه الله خویی: کفاره کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است و کفاره قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. و کندن علف یا قطع آن کفاره ندارد.

آیه الله خامنه ای: اگر درختی را که بریدن آن حرام است ببرد بنابر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۲۱۷)

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط کفاره کندن هر درختی قیمت همان درخت و کفاره قطع آن، قیمت همان مقداری است که قطع کرده است و در کندن و قطع گیاه کفاره نیست. (مناسک، مسأله ۲۸۲). □

□ آیه الله صافی: و ظاهر آن است که اگر گاو یا گوسفند را به قصد مافیالذمه، از عین آنها یا قیمت درخت بدهد و قیمت درخت بیشتر نباشد کافی است.

آیه الله مکارم: در هر دو صورت احتیاط یک گاو است.

آیه الله نوری: اگر درختی را بکند، اگر بزرگ باشد باید یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند و اگر بعض درخت را بکند قیمت آن را کفاره بدهد و در قطع گیاه کفاره نیست بهجز استغفار.

[۳۳۹]. آیه الله بهجت: به ذیل مسأله قبلی مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: بلکه احوط است.

[۳۴۰]. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کفاره ندارد. (مناسک، ص ۱۱۴).

آیه الله سبحانی: در کندن گیاهان کوچک.

[۳۴۱]. آیه الله سیستانی: همچنین چهارپایان دیگر.

[۳۴۲]. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: این کار جایز است.

آیه الله خامنه ای: گیاهانی که به عنوان علوفه حیوانات از آن استفاده می شود از حکم مذکور مستثنی است. (مناسک حج، م ۲۱۶)

[۳۴۳]. آیه الله بهجت: در تکلیف تحریمی و در وجوب فداء علی الظاهر. (مناسک شیخ، ص ۳۰).

[۳۴۴]. آیه الله بهجت: اطلاق حکم به صورت علم به قطع و عدم ضرورت مورد تأمل است. (مناسک شیخ، ص ۳۰).

آیه الله سبحانی: اگر قصد این کار را نداشته باشد مانعی ندارد.

[۳۴۵]. آیه الله سبحانی: بستن سلاح گرم یا سرد بر خود در غیر حال ضرورت حرام است ولی حمل سلاح در بار و اثاث مانعی ندارد.

[۳۴۶]. آیه الله بهجت: بر محرم حرام است سلاح برداشتن، مگر به جهت ضرورت، که در این صورت کفاره هم ندارد و منصوص پوشیدن است یا آنکه صدق کند سلاح بر اوست، پس همراه داشتن سلاح حرمت ندارد علی الأظهر. (مناسک شیخ، ص ۳۰).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حمل سلاح بر محرم حرام است و الحاق آلات تحفظ به سلاح احوط است و کفاره حمل سلاح بنا بر احتیاط یک گوسفند است، آیه الله تبریزی: ولی بودن سلاح نزد محرم اگر حملش نکند مانعی ندارد هر چند احوط ترک آن است.

آیه الله خامنه ای: حمل سلاح برای محرم جایز نیست. (مناسک حج، م ۲۱۸)

- اگر برای حفظ جان خود و دیگران نیاز به حمل سلاح داشته باشد، حمل آن جایز است. (مناسک حج، م ۲۱۹)

آیه الله زنجانی: مسلح بودن بر محرم جایز نیست مگر برای ضرورت، و مکروه است سلاح را همراه داشته باشد.

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: در برداشتن و پوشیدن سلاح حرام است.

آیه الله مکارم: بنابر اقوی.

[۳۴۷]. آیه الله سیستانی: ولی پوشیدن و حمل وسایل دفاع؛ مانند زره و سپر اشکال ندارد.

[۳۴۸]. آیه الله سبحانی: حمل سلاح اگر طوری باشد که او را مسلح بدانند، جایز نیست و حمل آن بهطوری که او را مسلح ندانند مکروه است ولی پوشیدن و حمل وسایل دفاع مانند زره اشکال ندارد (کتاب الحج، ج ۳، ص ۶۰۳ - ۶۰۵)

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط حمل آن هم بهطوری که او را مسلح بدانند جایز نیست. ولی بودن سلاح نزد محرم و حمل آن اگر بهطوری باشد که او را مسلح ندانند، اشکال ندارد، ولی احوط ترک آن است. (مناسک، مسأله ۲۷۷ و ۲۷۸).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که سلاح را حمل نکند.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط مستحب.

[۳۴۹]. آیه الله مکارم: خواه ظاهر باشد و یا نباشد.

مسائل متفرقه محرمات احرام

۴۸۱ م - اگر حاجی در حال احرام برای سردرد دستمالی به دور سر ببندد، اگر چه تمام سر را بگیرد کفاره [۱] ندارد.

۴۸۲ م - آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنابراین اگر ماشین از زیر پل هایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار محرمین از زیر پل ها عبور کنند و یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شوند و محرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی شود و کفاره ندارد.

۴۸۳ م - شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می کند باید در هر احرام یکگوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن، کفاره تکرار نمی شود و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن [۲].

۴۸۴ م - پوشیدن نعلینی که بندهای عربی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد، در حال احرام مانعی ندارد.

۴۸۵ م - در شب، استظلال [۳] نیست. بنابراین، جایز است محرم در شب با ماشین سقفدار به مکه برود [۴]، ولی در هوای ابری [۵] در روز جایز نیست، مگر ابر بهطوری تیره [۶] باشد که استظلال صدق نکند.

۴۸۶ م - جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر محرم شود [۷]، ولی اگر زیر سقف سفر می کند باید کفاره بدهد. [۸]

۴۸۷ م - تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می شود تزریق [۹] نکند، مگر در مورد حاجت و ضرورت [۱۰].

۴۸۸ م - در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن، فرقی بین سایه ای که با شخص حرکت کند، مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت [۱۱] مثل پل و غیره نیست [۱۲] و فرقی بین اجبار و اختیار نیست [۱۳] ولی بر عبور از زیر پل هایی که در جاده ها هست صادق نیست.

۴۸۹ م - کسی که حش را باطل کند، اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده از احرام خارج شده و گرنه در احرام باقی است. [۱۴]

۴۹۰ م - بعد از آنکه محرم به منزل رسید ولو در محله های جدید مکه، که از مسجدالحرام دور هستند، می تواند [۱۵] برای رفتن به مسجدالحرام در ماشین های مسقف سوار شود یا زیر سایه برود. [۱۶]

[۱]. آیه الله اردبیلی، آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب کفاره دارد.

آیه الله بهجت: اگر چه جایز است ولی کفاره دارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: مانعی ندارد ولی یک گوسفند کفاره دارد. (مناسک فارسی، ص ۴۲).

آیه الله نوری: احوط ثبوت کفاره است.

[۲]. تفصیل این مسأله در مسأله ۴۴۸ گذشت.

[۳]. تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۴۴۴ گذشت.

آیه الله اردبیلی: ولی چنانچه سوار شدن در ماشین مسقف موجب تحفظ از باران، سرما یا گرما شود، كفاره دارد.

[۴]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۴۴۴ مراجعه شود.

[۵]. آیه الله بهجت: اگر طوري باشد که تظليل صادق نباشد اشکال ندارد.

[۶]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: استظلال در روز ابري هم جایز نیست.

آیه الله سبحانی: پس از غروب خورشید تا زوال حمرة جزء شب است و حرکت در روز ابري با ماشین مسقف مانع ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر ابر تیره باشد که اشعه آفتاب را به کلي پوشانده باشد و باران نباشد اشکال ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در جواب استظلال در روز ابري فرموده‌اند: استظلال در هوای ابري در روز جایز نیست. (مناسک فارسی، ص ۱۸۴).

آیه الله مکارم: تیره بودن ابرها لازم نیست، منظور نبودن سایه است.

[۷]. آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۴۴۱ گذشت.

آیه الله سبحانی: علاوه بر عمل به آن نذر لازم است که احتیاطاً احرام خود را از ادنی الحل (مانند حدیبیه یا تنعیم) تجدید کند.

[۸]. آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسأله ۴۴۲ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: که در مسأله ۴۴۱ گذشت.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: صحت نذر برای کسانی که می دانند باید زیر سقف بروند محل اشکال است.

[۹]. آیه الله بهجت: یعنی اگر بداند که چنین می شود، چنانکه گذشت در ذیل بیستم از محرمات احرام.

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب تزریق نکند مگر در صورت نیاز. (مناسک حج، م ۲۰۴)

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست مگر در حال ضرورت.

آیه الله مکارم: مکروه است.

[۱۰]. آیه الله فاضل: و در هر صورت کقاره ندارد.

[۱۱]. آیات عظام اردبیلی، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، مکارم: عبور از زیر سایبان ثابت اشکال ندارد.

آیه الله خامنه ای: عبور از زیر سایه ثابت اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۶۱)

آیه الله زنجانی: عبور محرم از زیر سایبان های ثابت مانع ندارد ؛ و عبور از طول سایبان ها و تونل های طولانی در هوای آفتابی یا بارانی، جایز نیست، مگر در حال اجبار یا مشقت شدید.

آیه الله گلپایگانی: احتیاط آن است که به اختیار خود، روز از آن تونل هایی که صدق رفت و آمد در منزل نمی کند، نرود. (آراء المراجع، ص ۱۷۸).

[۱۲]. آیات عظام بهجت، سبحانی، فاضل، نوری: فرق هست و حرمت استظلال، سایه ثابت را شامل نمی شود.

آیه الله مکارم: پل ها اشکال ندارد.

[۱۳]. آیه الله سیستانی: در فرض اجبار قطعاً حرام نیست.

[۱۴]. آیه الله اردبیلی: به احتیاط واجب این کار را نکند.

آیه الله زنجانی: و با انجام اعمال عمره مفرده از احرام بیرون می رود.

آیه الله سیستانی: اگر حج خود را باطل کند احرامش باطل می شود.

آیه الله مکارم: یا در بعضی از موارد که وظیفه او تبدیل به عمره مفرده است، عمره مفرده را به پایان برساند.

[۱۵]. آیه الله زنجانی: بدون عذر نمی تواند - ولو در محله های قدیم مکه - برای رفتن...

آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط واجب بعد از رسیدن به منزل نیز در حال سیر استظلال نکند و از ماشین های مسقف استفاده نکند (کتاب الحج، ج ۳، ص ۵۱۳).

آیه الله نوری: چون مکه منزل است همین قدر که محرم به مکه رسید می تواند در زیر سایه قرار بگیرد و در روز هم با ماشین مسقف حرکت کند و لازم نیست که منتظر رسیدن به منزل و اتخاذ منزل در مکه باشد.

[۱۶]. تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۴۳۸ گذشت.

استفتائات محرمات احرام

۴۹۱ س - آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟

ج - از محرمات احرام محسوب نیست. [۱]

۴۹۲ س - اگر از روی علم و عمد در احرام حج، قبل از وقوف عرفه، با زوجه خود جماع نماید مسلماً حج او باطل است، و قبل از وقوف مشعر الحرام هم بنابر اقوی باطل است و کفاره دارد و بعد از اتمام در سال آینده اعاده کند، آیا در صورت جهل چه وظیفه ای دارد؟

ج - در صورت جهل، عمل او صحیح است و کفاره هم ندارد. [۲]

۴۹۳ س - آیا شوهر پس از محل شدن می تواند زوجه محرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج - بر مرد مزبور منعی نیست ولی اگر زن نیز لذت می برد، در فرض سؤال نباید حاضر شود، علی الأحوط. [۳]

۴۹۴ س - فردی که از احرام در آمده، زنش را که محرم است می بوسد، اگر چه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟

ج - اگر زن اختیار نداشته، چیز بر او نیست. و بر مرد هم کفاره واجب نشده است. [۴]

۴۹۵ س - صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارد، آیا می شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.

ج - اگر صدق بوی خوش می کند، از آن اجتناب کنند [۵] و در غیر این صورت مانع ندارد. [۶]

۴۹۶ س - حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود، برای محرم چه صورت دارد؟

ج - احتیاط آن است که آن را به دوش [۷] نیندازد [۸] و دست گرفتن آن مانع ندارد. [۹]

۴۹۷ س - در مورد نظر کردن در آئینه، گاهی نگاه می کند که خود را ببیند و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی، آیا برای محرم فرق می کند و یا یکسان است؟

ج - احوط، اجتناب است [۱۰] در همه موارد ذکر شده در سؤال. [۱۱]

۴۹۸ س - در حال احرام عده ای از همدیگر عکس می گیرند و در دوربین عکاسی که آئینه است و یا حالت شفاف و آینه مانندی دارد نظر می کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟

ج - اگر معلوم نیست [۱۲] که در آینه نظر می شود، اشکال ندارد. [۱۳]

[۴۹۹] س - آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگندهای روزمره مردم کوچه و بازار؟

ج - قسم به غیر خدا از محرمات احرام نیست. [۱۴]

[۵۰۰] س - بعضی به علت عرق سوزش بدن، احتیاج به پمادی دارند که چربی دارد، آیا مُحرم می تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟

ج - نمی تواند [۱۵] مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر مورد ضرورت [۱۶] مگر آنکه بوی خوش داشته باشد، که کفاره آن یک گوسفند، است [۱۷] اگر چه از روی اضطرار باشد. [۱۸]

[۵۰۱] س - در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج - فرق نمی کند [۱۹] به شرط آنکه دست کشیدن عمدي باشد. [۲۰]

[۵۰۲] س - اگر غیر مُحرم از محرم ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر محرم به اختیار خود [۲۱] حاضر شود که مثلاً مُحلی سر او را بتراشد حرام است و باید کفاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد، حتی بر مُحلّ مزبور.

[۵۰۳] س - محرم سرشتر است [۲۲]، اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشک شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می کند و نمازش قضا می شود، آیا وظیفه اش تیمم است؟

ج - اگر نمی تواند [۲۳] ولو با دست سر را خشک کند، احوط جمع بین وضو با این [۲۴] حال و تیمم است. [۲۵]

[۵۰۴] س - کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج محرم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشکال دارد؟

ج - ضرر به عمره و حج ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است باید کفاره بدهد. [۲۶]

[۵۰۵] س - با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام [۲۷]، آیا چانه هم جزو صورت محسوب می شود و باید باز باشد یا اینکه اگر مقنعه ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لب هایپوشاند مانعی ندارد؟

ج - زیر چانه جزو صورت محسوب نمی شود ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده اشکال دارد. [۲۸]

[۵۰۶] س - آیا زن محرم می تواند صورت خود را با حوله پاک کند یا حکم سر مرد را دارد که نمی تواند روی آن را بیپوشاند؟

ج - احتیاط، مراعات شود. [۲۹]

[۵۰۷] س - زن ها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، صورتشان پوشیده می شود، چه صورت دارد؟

ج - باید سعی کنند پوشیده نشود [۳۰]، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

[۵۰۸] س - فرموده اید که محرم از منزل تا مسجدالحرام می تواند زیر سقف برود، آیا کسانی که در مسجدالحرام برای حج محرم می شوند می توانند در مکه زیر سقف باشند؟

ج - تا عرفاً در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می توانند [۳۱] استظلال نمایند. [۳۲]

[۵۰۹] س - کسی که از تنعیم محرم می شود، استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج - چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد. [۳۳]

[۵۱۰] س - میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در آنجا برای عمره مفرده احرام بست می تواند در اتوبوس سققدار سوار شود یا خیر، با توجه به اینکه محل سکونت او مکه است؟

ج - در فرض مذکور مانع ندارد. [۳۴]

[۵۱۱] س - افرادی از مسجد شجره محرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، کفاره دارد یا خیر، و الآن که ایستاده اند و می خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

ج - برای مدتی که خواب بوده اند، یا ماشین ایستاده، کفاره واجب نیست، ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده ولو اضطراراً، کفاره واجب است. [۳۵]

[۵۱۲] س - در حال احرام وقتی ماشین های بی سقف حرکت می کند و سفر انجام می شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟

ج - مانع ندارد.

[۵۱۳] س - کسانی که از مسجدالحرام برای حج محرم می شوند و از مسجدالحرام در ماشین سققدار سوار می شوند و مثلاً در عزیزی که منزل ایشان است پیاده می شوند، آیا سوار شدن در اتومبیل سققدار از مسجدالحرام به منزل چه صورت دارد، و اگر پیاده نشوند و از اول قصد عرفات داشته باشند حکم چیست؟

ج - در فرض اول مانع ندارد و در فرض دوم احتیاط کنند. [۳۶]

[۵۱۴] س - اینجانب یکی از خدمه کاروان حج هستم، امسال (۱۳۶۵) بعد از درک عرفات به اتفاق مدیر کاروان و معاون و اینجانب و بانوان کاروان در یک اتوبوسی سربسته قرار گرفتیم و برای درک اضطراری به مشعرالحرام رفته و چون در مسیر مزدلفه به منی به راهبندان برخوردیم، لذا در هوای آفتابی در اتوبوس سربسته بودم، ناگاه به یادم آمد که نباید در زیر طاق اتوبوس قرار بگیرم، چند دقیقه ای با علم به اینکه اتوبوس سرپوشیده است مانده و پس از توقف اتوبوس بر اثر راهبندان پیاده شدم، و مابقی راه را تا محل چادر کاروان در منی پیاده طی نمودم، لذا از محضر آن بزرگوار تقاضا دارم بفرمایید:

۱. آیا کفاره تعلق می گیرد یا نه؟

۲. در صورتی که تعلق گرفته باشد حتماً در منی ذبح گردد؟

۳. در حالی که اکنون در تهران هستیم آیا می توانم قربانی را در محل اقامتم ذبح نمایم؟

۴. در صورتی که خدمه کاروان بودم و به دستور مدیر گروه برای کمک نمودن به بانوان مسن برای رمی جمره عقبه عازم منی بودم و از خود استقلال نداشتم، آیا وجه این گوسفند را چه کسی باید بپردازد؟ ستاد حج، مدیر گروه یا اینجانب؟

۵. چنانچه ستاد حج تقبل نموده باشد ذبح را، آیا از گردن اینجانب ساقط می گردد یا نه؟

ج - باید قربانی کنید و اگر چه باید [۳۷] در منی ذبح نمایید، لیکن ذبح در محل خودتان هم برای کفاره کفایت می کند و می توانید به مسؤولین در ستاد نیابت دهید که برای شما ذبح کنند و در این صورت ذبح آنها هم کافی است، ولی بدون نیابت صحیح نیست.

[۵۱۵] س - آیا استظلال [۳۸]، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می شود؟

ج - فرق نمی کند. [۳۹]

[۵۱۶] س - آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می باشد یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال صدق می کند؟

ج - [۴۰] صدق نمی کند.

[۵۱۷] س - آیا استظلال فقط مربوط به سقف می باشد یا شامل سایه حاصل از دیوار ماشین هم می شود؟

ج - شامل نمی شود. [۴۱]

[۵۱۸] س - آیا در عرفات هم مثل منی می شود زیر چتر حرکت کرد یا حکم عرفات غیر از حکم منی است؟

ج - زیر چتر حرکت کردن در عرفات اشکال ندارد. [۴۲]

[۵۱۹] س - در شهر مکه تونل هایی احداث کرده اند که طولش بیش از ۱۵۰۰ قدم می باشد آیا بعد از احرام حج می شود داخل آن با اتومبیل سفر کرد، با علم به اینکه مسقف است؟

ج - مانع ندارد، بلی اگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر آن سقف برود اشکال دارد. [۴۳]

[۵۲۰] س - آیا محرم به محض وصول به مکه می تواند استظلال نماید و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟

ج - مکه منزل است و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد. [۴۴]

[۵۲۱] س - اخیراً از حدود کشتارگاه تا نزدیک جمرات، مسقفی را درست کرده اند، آیا عبور از این راه برای محرمی که هنوز منزل نکرده و از مشعر مستقیم به جمرات می رود جایز است یا نه؟

ج - مانع ندارد. [۴۵]

[۵۲۲] س - آیا گرفتن ناخن توسط مُحرم از غیر مُحرم جایز است؟

ج - اشكال ندارد. [۴۶]

[۵۲۳] س - آیا محرم مي تواند ناخن محرم ديگر را به قصد تقصير بگيرد يا نه؟

ج - اشكال ندارد. [۴۷]

[۵۲۴] س - كندن دندان كه بر محرم حرام است [۴۸]، مقصود دندان خودش مي باشد يا شامل دندان غير هم مي شود؟ و در تقدير حرمت در صورت خون آمدن است يا مطلقاً؟

ج - شامل دندان غير نمي شود، هر چند خون از آن بيرون آيد. [۴۹]

[۵۲۵] س - آیا در حال احرام مي توان دنداني را كه شديد درد دارد و دكتر سفارش مي كند كه آن را بكشيد، كشيد، گرچه باعث خونريزي شود؟

ج - اگر ضرورت دارد مانع ندارد، ولي كفاره دارد علي الأحوط. [۵۰]

[۵۲۶] س - هرگاه محرم سر خود را با چيز دوخته بپوشاند، آیا يک كفاره بايد بدهد يا دو كفاره؟

ج - بايد دو كفاره بدهد [۵۱] مگر در صورت جهل و نسيان.

[۵۲۷] س - در بين مردم معروف است كه محرم نبايد به كسي دستور بدهد ؛ مثلاً نبايد به كسي بگويد يك ليوان آب يا چاي يا چيز ديگر به من بدهيد و بايد خودش بردارد، آیا اگر در حال احرام چنين درخواستي از دوست خود بكند گناه كرده است يا نه؟ و در صورت گناه آیا كفاره هم دارد يا نه؟

ج - اشكال ندارد.

[۱] آية الله اردبيلي: بنابر احتياط واجب كشتن هيچ حيواني مگر حيوانات موزي جايز نيست، بنابراين بنابر احتياط بايد از كشتن جانوراني مانند مارمولك و زنبور هم اجتناب نمود، ولي اگر محرم از اذيت و آزار حيواني بترسد كشتن آن مانعي ندارد.

آية الله بهجت: اشكال دارد.

آية الله تبريزي، آية الله خويي: جايز نيست مگر او را اذيت كند. (المسائل الشرعيه، ج ۱، ص ۳۳۱) ، كشتن يك نوع مارمولك (عظايع) كفاره آن يك مشت طعام است.

آية الله زنجاني: اشكال دارد مگر از آن بر خود بترسد.

آية الله سبحاني: كشتن حيواناتي مانند مارمولك، مار، مورچه، موش، رتيل، عنكبوت، انواع سوسكها و جيرجيركها و امثال اينها از محرمات احرام حساب نمي شود ليكن اگر محرم از ناحيه آنها اذيتي نمي شود نبايد آنها را بكشد و يا به آنها اذيت برساند و چنانچه اين كار را انجام داد استغفار كند.

آية الله سيستاني: حرام است. مراجعه شود به حاشيه مسأله ۳۱۳

آية الله صافي: اگر اذيت كند، از محرمات محسوب نيست.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند.

آیه الله مکارم: کشتن هیچ حیوانی جایز نیست بنابر احتیاط واجب مگر حیوانات موزی.

[۲]. آیه الله زنجانی: برای حکم صورت علم و عمد به حاشیه مسأله ۳۱۶ مراجعه شود.

[۳]. آیه الله بهجت: اگر زن احتمال می دهد که متلذذ شود احتیاط در ترک است.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: در این صورت تمکین زن حرام است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بل الاقوی. (آداب و احکام حج، م ۴۱۹).

آیه الله فاضل: حرمت در زن محل اشکال است هر چند لذت می برد.

[۴]. آیه الله بهجت: اگر زن می داند که متلذذ می شود باید مانع شود و مرد بنابر احتیاط باید یک گوسفند کفاره بدهد. (پرسش های جدید، س ۶۴ و...).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه شخص بعد از طواف نساء زن خود را که در حال احرام است ببوسد، باید بنابر احتیاط یک گوسفند بکشد. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۷).

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید مرد یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۲۷).

آیه الله فاضل: تحقق حرمت بر هیچ کدام ثابت نیست و کفاره هم بر هیچ یک از آنها لازم نیست.

آیه الله گلپایگانی: متعرض مسأله نشده اند.

[۵]. آیه الله بهجت، آیه الله خویی: بنابر احتیاط (مستفاد از مسأله ۲۳۷ مناسک) .

آیه الله خامنه ای: استفاده مُحرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنابر احتیاط جایز نیست. (مناسک حج، م ۱۶۸)

آیه الله زنجانی: محرم نمی تواند با صابون معطر، صورت خود را بشوید و شستن اعضاي دیگر با صابون معطر در صورتی جایز است که بوي خوش آن به مشام او نرسد.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب اجتناب از استعمال آنها است، در صورتی که بوي خوش داشته باشند.

[۶]. آیه الله مکارم: اگر مشکوک هم باشد مانعی ندارد.

[۷]. آیه الله بهجت: اگر مثل همیان باشد و صدق لبس نکند اشکال ندارد.

آیات عظام تبریزی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، فاضل: مانعی ندارد.

آیه الله مکارم: حمل کیف ها و ساک هاي دوخته، هر چند به شانه و گردن بیندازد مانعی ندارد.

[۸]. آیه الله اردبیلی: به دوش انداختن مانعی ندارد.

[۹]. آیه الله خامنه ای: پوشیدن چیز دوخته که به آن لباس گفته نمی شود مانند کمربند و همیان و بند ساعت و مانند آن اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۳۱)

آیه الله سبحانی: همراه داشتن همیان و کیف و ساک دوخته شده و قمقمه آب و کیسه هایی که برای حفاظت از کفش و دمپایی و وسایل زائر است و امثال اینها مانند گهواره هاي کوچکی که برای بچه ها روی دست می گیرند، اشکالی ندارد.

[۱۰]. آیه الله اردبیلی: اگر به هیچ وجه قصد زینت نداشته باشد و عرفاً نیز صدق زینت نکند، اشکال ندارد.

آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: نگاه کردن مُحرم در آینه، اگر برای زینت باشد حرام است و گرنه حرام نیست.

آیه الله خامنه ای: نگاه کردن مُحرم در آینه، اگر برای زینت باشد حرام است و گرنه حرام نیست. (مناسک حج، م ۱۷۴)

آیه الله زنجانی: به حاشیه قبل از مسأله ۳۶۳ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: تنها در موردی اشکال دارد که برای تزیین و اصلاح سر و وضع خودش در آینه نگاه کند.

[۱۱]. مراجعه شود به مسأله ۳۶۸.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: در صورتی که ضرورتی نباشد.

[۱۲]. آیه الله اردبیلی: نظر به آینه نیست و بر فرض آینه بودن نیز، قصد زینت وجود ندارد و عرفاً نیز صدق زینت نمی کند، بنابراین جایز است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی: بر فرض آینه بودن و نظر کردن به آن، چون غرض غیر زینت است، مانعی ندارد.

آیه الله خامنه ای: در حال احرام تصویربرداری با دوربین عکاسی یا فیلمبرداری اشکال ندارد. (مناسک حج دستنویس، م ۱۱۲)

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: نظر در آینه صدق نمی کند و اشکال ندارد.

[۱۳]. آیه الله بهجت: چون برای تزیین نیست اشکال ندارد (مناسک، مسأله ۲۴۷).

[۱۴]. آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۳۷۴ و ۳۷۶ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: و قسم هایی که بدون توجه، از محرم صادر می شود اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: و اسماء الهی.

[۱۵]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کفارہ روغن مالی از روی علم و عمد یک گوسفند و از روی جهل اطعام یک فقیر است بنابر احتیاط در هر دو مورد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: اگر بوی خوش نداشته باشد، برای معالجه اشکال ندارد و اگر داشته باشد، در صورت ضرورت جایز است. در مورد کفارہ به حاشیه مسأله ۴۰۰ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: اگر بوی خوش داشته باشد کفارہ آن یک گوسفند است و اگر بوی خوش نداشته باشد، کفارہ واجب نیست.

آیه الله مکارم: مالیدن انواع پمادها در ضرورت و معالجه مانعی ندارد.

[۱۶]. آیه الله مکارم: در غیر مورد ضرورت کفارہ آن احتیاطاً یک گوسفند است.

[۱۷]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب.

[۱۸]. مراجعه شود به مسأله ۳۹۹ و ۴۰۰.

آیه الله خامنه ای: اگر بوی خوش داشته باشد، بنابر احتیاط مستحب، کفارہ آن گوسفند است. (مناسک حج، م ۱۹۰)

[۱۹] آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۴۰۹ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: یعنی میان سر و صورت فرقی نیست.

[۲۰] آیه الله زنجانی: یعنی اگر عمد^۱ دست بکشد و مو کنده شود کفاره دارد، خواه به کنده شدن مو توجه داشته باشد یا نه.

آیه الله سیستانی: و بی هدف.

[۲۱] آیه الله سبحانی: اگر در عمره تمتع محرم به اختیار خود حاضر شود که شخص محلّ قبل از سعی او را تقصیر کند یا سر او را بتراشد و یا در حج قبل از اعمال روز عید او را حلق یا تقصیر نماید مرتکب حرام شده و باید کفاره دهد لکن کفاره تقصیر قبل از سعی در عمره تمتع یک گاو است.

آیه الله فاضل: نسبت به محلّ مطلقاً کفاره ای نیست و نسبت به محرم اگر در موقع ازاله بی اختیار بوده و یا اسناد ازاله به محرم ولو تسبیحاً محرز نباشد کفاره ندارد.

[۲۲] آیه الله زنجانی، مکارم: با حوله خشک کند مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: می تواند با گوشه حوله، مقدار لازم از سر را خشک کند.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال، با دست یا با حوله - بهطوری که سر پوشانده نشود - جایی مسح را خشک کند.

[۲۳] آیه الله اردبیلی: اگر نمی تواند به صورت جزء جزء و به تدریج محل مسح را خشک کند، بنابر احتیاط باید با همان سرخیس وضو بگیرد و تیمم نیز بکند.

[۲۴]. آیه الله بهجت: مرد می تواند قسمت جلوی سر را تدریجاً خشک کند به طوری که حوله تمام سر را نپوشاند و وضو بگیرد. (مناسک حج، م ۱۴۶)

آیه الله خویی: فتوای معظم له در دست نیست.

[۲۵]. مراجعه شود به مسأله ۴۲۲.

آیه الله تبریزی: با دست و یا جای دیگر بدن، سر را به مقدار مسمای مسح، خشک کند.

آیه الله سیستانی: اگر چاره ندارد می تواند با کنار حوله به مقدار مسح سرش را خشک کند.

[۲۶]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله بهجت: در صورت توجه و نیز عدم جهل به مسأله، در غافل و جاهل کفاره نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر از روی اضطرار باشد ظاهراً کفاره ندارد.

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۱۴۸)

آیه الله زنجانی: در صورت اضطرار یا غفلت از حکم شرعی یا جهل به آن کفاره ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر از روی ضرورت باشد کفاره ندارد و در غیر این صورت بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد. (ملحق مناسک).

[۲۷]. آیه الله بهجت: چانه جزو صورت است که نباید پوشانده شود و بعض صورت نیز در حکم تمام آن است، ولی دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد. (پرسش های جدید حج، ص ۱۲، سؤال ۵۰).

[۲۸]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۴۲۹ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

[۲۹]. آیه الله اردبیلی: اولی خشک کردن جزء جزء و تدریجی با حوله به طوری که صدق پوشاندن نکند، اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: اگر تدریجی باشد مانعی ندارد. (مستفاد از پاسخ سؤال ۴۹ پرسش های حج).

آیه الله خامنه ای: اگر حوله را بر روی همه صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر این صورت مانع ندارد. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۳۴)

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: جایز نیست.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: پاک کردن صورت با حوله مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: خشکاندن قسمت بالای صورت با حوله اشکال ندارد اما قسمت پایین صورت باید پوشانده نشود حتی احتیاطاً برای خشکاندن با حوله (کتاب الحج، ج ۳، ص ۴۸۴).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به نحوی که صورت پوشیده نمی شود خشک کند.

[۳۰]. آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۴۳۴ مراجعه شود. □

□ آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: این مقدار مانعی ندارد.

آیه الله سیستانی: پوشیدن مقنعه که مقداری از اطراف صورت را می پوشاند به احتیاط واجب جایز نیست.

[۳۱]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط نمی توانند استظلال نمایند.

آیه الله سبحانی: باید در روز از وسایل نقلیه بی سقف استفاده کنند.

[۳۲]. به مسأله ۴۳۸ مراجعه شود.

آیه الله خامنه ای: احوط آن است که از قرار گرفتن زیر سایه های متحرک مثل اتوبوس مسقف و چتر اجتناب کند. (مناسک حج، ۱۵۸)

آیه الله زنجانی: استظلال در مکه نیز - در حال اختیار و عدم حرج - جایز نیست و فرقی نمی کند که برای رفتن به مسجدالحرام باشد یا منزل یا عرفات، در منزل مستقر شده باشد یا نه.

آیه الله سبحانی: در حال حرکت و سیر احتیاطاً نباید استظلال بکنند.

آیه الله مکارم: در مکه مانعی ندارد هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد.

[۳۳]. آیه الله اردبیلی، آیه الله بهجت: به احتیاط واجب تظلیل جایز نیست. (استفتائات ویژه حج، س ۸) .

آیه الله تبریزی: احتیاط لازم ترک استظلال در تنعیم و در حرکت از آنجا تا مسجدالحرام یا محل اقامت است.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه سؤال ۵۰۸ مراجعه شود.

آیه الله خویی: بنابر احتیاط، استظلال نکند تا دخول مکه متیقن سابق. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۷) .

آیه الله زنجانی: جایز نیست، مگر آنکه مشقت شدید داشته یا از اختیار محرم خارج باشد.

آیه الله سبحانی: در روز جایز نیست و در شب هم در صورت باد شدید و یا باران جایز نیست.

آیه الله سیستانی: حکم به جواز استظلال در مفروض سؤال بسیار مشکل است و احتیاط ترک نشود. (مناسک، مسأله ۲۷۱) .

[۳۴]. در مسأله قبل گذشت.

آیه الله اردبیلی، آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط استظلال جایز نیست.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه سؤال ۵۰۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: نمی تواند، مگر غیر اختیاری یا حرجی باشد.

[۳۵]. مراجعه به مسأله ۴۴۸ و ۴۴۹ شود.

آیه الله تبریزی: در فرض مزبور بنابر احتیاط برای استتلال در شب باید کفاره بدهند.

آیه الله مکارم: در این صورت کفاره ای لازم نیست.

[۳۶]. به سؤال ۵۰۹ مراجعه شد.

آیه الله اردبیلی: در هر دو صورت احتیاط کنند.

آیه الله خامنه ای، آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۵۰۸ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: در فرض دوم جایز نیست.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: در هر دو فرض مانعی ندارد.

[۳۷]. آیه الله اردبیلی: ذبح در منی لازم نیست و می توانید در وطن ذبح نمایید.

آیه الله تبریزی: کفاره ای که بر محرم برای غیر از شکار واجب شده است، اظهر این است که می تواند کشتنش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد و بهتر این است که کفاره را در حج خود بکشد (مناسک، مسأله ۲۸۷).

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب در منی ذبح کند. (مناسک حج، م ۲۳۴)

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: ذبح در منی لزومی ندارد. (مناسک آیه الله خویی، مسأله ۲۸۷)

آیه الله سیستانی: جای این کفاره بنابر احتیاط واجب منی است ولی اگر نکشت هر چند بدون عذر باشد ذبح در هر جای دیگر کافی است.

آیه الله فاضل: احتیاط این است که کفاره محرمات احرام عمره در مکه ذبح شود و کفاره محرمات حج در منی، ولی فعلاً که گوشت آن در آن دو مکان مصرف فقراي مؤمن نمی شود ذبح در وطن جایز بلکه مطابق احتیاط است تا به مصرف فقراي مؤمن برسد.

[۳۸]. آیه الله نوري: گفته شد که میزان استظلال نیست.

[۳۹]. آیه الله بهجت: احوط این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود. (مناسک، مسأله ۲۶۹).

آیه الله زنجانی: ولی سایه دیوار ماشین ها و سایه صندلی ها و همسفران، مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: اگر شخص پیاده در سایه ماشین و یا حیوانات و یا هر وسیله متحرک دیگر در حال احرام حرکت کند اشکال ندارد. به شرطی که مانع از تابش مستقیم خورشید نشود بنابراین نمی توان زیر سایه چتر و لو اینکه در دست دیگری باشد حرکت کرد.

آیه الله مکارم: سایه دیوارهای ماشین بدون سقف و مانند آن مانعی ندارد.

[۴۰]. آیه الله بهجت: فرق نمی کند. (ضمناً به ذیل مسأله ۴۴۰ مراجعه شود).

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب صدق می کند.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: صدق می کند.

آیه الله فاضل: گذشت که بنابر احتیاط واجب برای بدن نیز نباید سایبان قرار دهد.

[۴۱]. به مسأله ۴۴۰ مراجعه شود.

آیه الله اردبیلی: احوط آن است که از سایه چیزی که روی سر نیست نیز اجتناب شود.

[۴۲]. تفصیل نظریه آیات عظام در مسأله ۴۳۸ گذشت.

آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب ترک نشود.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه سؤال ۵۰۸ مراجعه شود.

[۴۳]. آیات عظام اردبیلی، سبحانی، فاضل، نوری: اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: اشکال ندارد (مستفاد از س ۵۳ مناسک).

آیه الله خامنه ای: عبور از زیر سقف های ثابت مانند پل و تونل اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۶۱)

آیه الله زنجانی: در صورتی که انتخاب راه روباز با مشقت شدید همراه باشد، مانع ندارد.

آیه الله مکارم: در این صورت هم مانعی ندارد.

نظریات آیات عظام در مسأله ۴۸۸ گذشت.

[۴۴]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب استظلال نکند.

آیات عظام تبریزی، سیستانی: چنانکه در مسأله ۴۳۸ گذشت بعد از رسیدن به مکه هم بنابر احتیاط نمی تواند در حال حرکت برای خود سایبان درست کند؛ مثل اینکه چتر بردارد یا سوار ماشین مسقف شود، بلی رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۴۳۸ مراجعه شود.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه سؤال ۵۰۸ مراجعه شود.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۵۰۹ مراجعه شود.

[۴۵]. این سؤال و سؤال قبل به مسأله ۴۳۸ مراجعه شود.

[۴۶]. آیه الله اردبیلی: ولی بنابر احتیاط واجب ناخن گرفتن در تقصیر کافی نیست.

[۴۷]. آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: ولی ناخن گرفتن در تقصیر بنابر احتیاط واجب کافی نیست.

[۴۸]. آیه الله سیستانی: مراجعه شود به مسأله ۴۶۸

آیه الله مکارم: در فرض خونریزی مکروه است.

[۴۹]. آیه الله سبحانی: هر چند شخص دیگر نیز محرم باشد و اگر خون آمد صاحب دندان باید کفاره بدهد.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند.

[۵۰]. مراجعه شود به بیست و دوم از محرمات احرام (کندن دندان) بعد از مسأله ۴۶۷.

آیه الله بهجت: ولی کفاره ندارد علی الأظهر، حتی در صورت غیر ضرورت، با خون انداختن اگر چه حرام است چنان که گذشت. (مناسک شیخ، ص ۲۸ و ۲۹).

آیه الله تبریزی: کشیدن دندان، اگر خون در نیاید، مانع ندارد و کفاره هم ندارد و در صورتی که خون بیاید، اگر برای رفع ناراحتی بوده کفاره ندارد.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۴۶۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: کفاره لازم نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: کفارہ ندارد.

آیه الله مکارم: مطلقاً مانعی ندارد و کفارہ هم ندارد.

[۵۱]. آیه الله بهجت: احتیاطاً. (مناسک، س ۵۸) .

آیه الله تبریزی، آیه الله زنجانی: یککفارہ کافی است.

آیه الله خویی: حرمت لبس اینگونه مخیط به نظر ایشان مبني بر احتیاط است و لذا احتیاط در دو کفارہ است.

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب، در صورتی که چیزی که پوشیدن آن حرام است را بپوشد؛ مثل عمامه و کلاه، ولي اگر مثلاً پیراهن خود را بر سر بگذارد، بیش از یککفارہ لازم نیست.

آیه الله مکارم: در مثل پارچه دوخته شده یککفارہ دارد، ولي کلاه دوخته و مانند آن، بنابر احتیاط واجب دو کفارہ دارد.

[\[۵۲۸\]](#) مستحبات دخول حرم^[۱]

۱. همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم، غسل نماید.

۲. از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق - جلّ و علا - پابرهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳. وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: {وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ}. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الرُّفْقَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِئِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

۴. وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

[۱]. آیه الله مکارم: به قصد رجاء انجام دهد.

مستحبات دخول مکه معظمه

[۵۲۹ م - برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه برود، از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب دخول مسجد الحرام

[۵۳۰] م - مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل نماید [۱] و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بني شيبه» [۲] وارد شود و گفته اند که باب بني شيبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون ها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَللَّهُمَّ اقْتَحِ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحَقِّ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَقْدِهِ وَزَوَّارِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَغْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، أَللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَيْكَ مَاتِي حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَا تَنِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا تَكُّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنْتَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كَقَوْلِ أَحَدٍ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِنِّي زِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَافِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.»

پس سه مرتبه می گوید:

«أَللَّهُمَّ فَكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.»

پس می گوید:

«وَأَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رَزَقِكَ الْخَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فُسَقَاةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست ها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّ حَاطَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهَدَى لِلْعَالَمِينَ أَللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْفُ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ

لِعَفْوَتِكَ اللَّهُمَّ اقْتَحِ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ.»

بعد خطاب می کند به سوی کعبه و می گوید:

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ.»

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و هنگامی که نظرش به حجرالأسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَى وَاحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُخَيِّ وَيُمِيتُ وَيُخَيِّ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِيْلٌ شَيْءٌ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ.»

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالأسود رسیدی، دست های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، حجر را بوسیده و استلام نما و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَذِيَّتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَأَقْبِلْ سُبْحَتِي وَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخُرَى فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

[۱]. آیه الله سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست، مگر اینکه برای طواف باشد.

[۲]. آیه الله سبحانی: باب اصلی بنی شبیه محاذی مقام ابراهیم روبروی رکن که مشهور به رکن عراقی و قبل از ورود به محدوده مطاف بوده است و کسی که از باب السلام وارد می شده می توانسته از آن به مطاف وارد شود و وجه آن درج ۱ باب ۹ ابواب مقدمات طواف ج ۹ وسائل آمده است. که زمانی که علی ۷ "بت هُبل" را از بام کعبه به زمین انداخت نزد باب بنی شبیه دفن شد و کسی که از این در وارد می شود پا روی آن می گذارد.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

فصل چهارم: طواف واجب و بعضی از احکام آن

کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع و وارد مکه معظمه شد، اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است، آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع.^[۱]

۵۳۱ م - طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن؛ به نحوی که خواهد آمد و هر دوری را شوط می گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

۵۳۲ م - طواف از ارکان عمره است و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است؛ چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد.^[۲]

۵۳۳ م - چنین کسی که عمره خود را باطل کرد^[۳]، احوط^[۴] آن است که حج افراد به جا آورد، و پس از آن عمره به جا آورد و حج را در سال بعد^[۵] اعاده کند.

۵۳۴ م - وقت فوت طواف، وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره به جا آورد، نتواند وقوف به عرفات کند.^[۶]

۵۳۵ م - اگر از روی سهو ترک کرده^[۷] طواف را^[۸]، لازم است آن را به جا آورد هر وقت که باشد^[۹]، و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.^[۱۰]

۵۳۶ م - اگر سعی را به جا آورده، پیش از آنکه طواف را به جا آورد، احتیاط واجب^[۱۱] آن است که سعی را هم به جا آورد و اگر نماز طواف را به جا آورده^[۱۲]، باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند.^[۱۳]

۵۳۷ م - اگر شخص محرم به واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است، خود او را به یک نحو ببرند^[۱۴] و طواف دهند؛ اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد^[۱۵]، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.

۵۳۸ م - شخص مریض را که طواف می دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را، به مقداری که برای او ممکن است، بکنند.

[۱] آیه الله خامنه ای: لازم نیست که به محض ورود به مکه، طواف را به جا آورد، بلکه می تواند تا زمانی که وقت وقوف اختیاری در عرفات تنگ نشده، آن را به تأخیر اندازد. (زمان وقوف اختیاری در عرفات از ظهر روز نهم ذی حجه تا غروب آفتاب همان روز است). به گونه ای که بتواند پس از انجام طواف و اعمال پس از آن، وقوف در عرفات را درک کند. (مناسک حج، م ۲۸۰)

[۲] آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط واجب باید یک شتر قربانی کند، چه عالم باشد و چه جاهل.

آیه الله بهجت: و وجوب ذبح یک شتر مطلقاً، حتی در حال علم و عمد، موافق احتیاط است. (مناسک شیخ، ص ۳۵). □

□ آیه الله زنجانی: چه عالم به اصل وجوب طواف باشد و چه جاهل به آن، ولی کسی که به خاطر ندانستن برخی از احکام فرعی طواف، طواف صحیح را ترک کرده، در برخی صورت ها عمره اش باطل نمی شود و تفصیل آن در ضمن مسایل طواف خواهد آمد.

آیه الله سبحانی: معنی رکن در نماز غیر از رکن در حج است، ترک رکن در نماز عمد^۱ و سهواً موجب بطلان نماز است ولی ترک رکن در حج در صورت عمد مایه بطلان است نه در صورت سهو.

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط، جاهل به حکم باید یک شتر کفاره بدهد. (مناسک، اول بحث طواف) .

[۳]. آیه الله زنجانی: باید حج افراد و پس از انجام حج و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده به جا آورد، هر چند حج او استحبابی باشد و اگر در این کار معذور نبوده کفایت از حج واجب نمی کند.

آیه الله سبحانی: باید حج افراد به جا آورد.

[۴]. آیه الله اردبیلی: پس از تجدید احرام.

آیه الله بهجت: و ظاهراً حج او مبدل به حج افراد می شود و وجوب قضای حج بر او در سال آینده قوی است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: عمره اش باطل می شود و احرام او نیز باطل می شود و باید حج را در سال بعد اعاده کند و احتیاط مستحب این است عدول به حج افراد نموده و آن را به قصد اعمّ از حجّ و عمره مفرده تمام نماید.

آیه الله سبحانی، آیه الله گلپایگانی: حج او مبدل به حج افراد می شود و در سال بعد هم باید حج را قضا کند. (آداب و احکام حج، ص ۱۹۱ مسأله ۴۶۷) .

[۵]. آیه الله خامنه ای: اگر بر او واجب بوده (مناسک حج، م ۲۸۱)

[۶]. آیه الله اردبیلی: یعنی از ظهر روز نهم تا غروب روز نهم نتواند در عرفات باشد.

آیه الله بهجت: میزان در تنگی وقت... بیم از دست رفتن وقوف اختیاری عرفات است (مناسک، مسأله ۱۵۷).

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، فاضل: یعنی نتواند خود را به اندازه درک مقدار رکن از وقوف - مسمای وقوف اختیاری - به عرفات برساند.

آیه الله سیستانی: آخر زمان آن وقتی است که بتواند اعمال عمره را تا ظهر روز عرفه تمام کند.

[۷]. آیه الله سیستانی: یا آن را بهطور صحیح انجام نداده.

[۸]. آیه الله اردبیلی: مسأله دارای چند صورت است: ۱. اگر در میانه سعی متوجه شود، سعی را رها کند و پس از به جا آوردن طواف و نماز، سعی را اعاده کند؛ ۲. اگر پس از سعی و پیش از تقصیر متوجه شود، پس از طواف و نماز، احتیاطاً سعی را اعاده کند؛ ۳. اگر پس از تقصیر متوجه شود، طواف و نماز آن را به جا می آورد و بنابر احتیاط واجب سعی و تقصیر را هم اعاده کند و تا اعاده تقصیر از محرمات احرام اجتناب می کند؛ ۴. اگر پس از احرام حج متوجه شد، پس از بازگشت از منی و پیش از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را به جا می آورد؛ ۵. اگر پس از بازگشت به وطن متوجه شد باید به مکه برگردد و طواف و نماز آن را انجام دهد و اگر نتواند به مکه باز گردد یا برگشتن برایش مشقت داشته باشد باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد تا از طرف او طواف کند و در این صورت لازم نیست جبران طواف در ماه های حج باشد، همچنان که لازم نیست خود مکلف یا نایبش برای انجام طواف، لباس احرام برتن داشته باشند.

[۹]. آیه الله زنجانی: و اگر به محل خود برگشته باید به مکه رفته طواف نماید و اگر نتواند یا این کار ضرر جانی شدید داشته باشد باید برای طواف نایب بگیرد و اگر این کار مشقت داشته باشد مخیر است که خودش به جا آورد یا نایب بگیرد و در هر صورت بعد از طواف باید نماز آن را نیز به جا آورد.

آیه الله فاضل: و سعی را نیز بنابر احتیاط اعاده کند.

[۱۰]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر قبل از فوت وقت طواف متذکر شود، باید تا وقت نگذشته قضا کند.

آیه الله مکارم: و در این مدّت چیزی بر او حرام نیست و احتیاط آن است که یک گوسفند قربانی به مکه بفرستد و اگر فرستادن به مکه ممکن نیست در محل خود قربانی کند.

[۱۱] آیه الله سبحانی: باید علاوه بر طواف و نماز سعی را نیز مجدداً به جا آورد.

آیه الله فاضل: بنابر اقوی سعی را نیز بعد از طواف اعاده کند.

آیه الله سیستانی: باید سعی را اعاده نماید، مگر در صورتی که طواف را فراموش کند تا وقت آن بگذرد؛ مثل اینکه طواف عمره را تا وقوف در عرفات یا طواف حج را تا پایان ذی حجه فراموش کند، که اعاده سعی لازم نیست گرچه بهتر است.

آیه الله مکارم: این احتیاط در مورد سعی مستحب است.

[۱۲] آیه الله زنجانی: باید بعد از طواف و نماز، سعی و تقصیر نماید و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند.

[۱۳] آیه الله خامنه ای: اگر طواف را فراموش کند و پیش از فوت وقت به یاد آورد، باید طواف و نماز طواف را به جا آورد و سپس سعی انجام دهد. (مناسک حج، م ۲۸۲)

[۱۴] آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که بهطوری او را طواف دهند که پاهایش به زمین کشیده شود. (مناسک، مسأله ۳۲۰).

آیه الله فاضل: و بهتر است در صورت امکان پاهای او به زمین کشیده شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و طوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود، او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند و اگر هیچگونه ممکن نشود نایب بگیرد که برای او طواف کند.

آیه الله مکارم: و لازم نیست پاهای او به زمین کشیده شود.

[۱۵]. آیه الله زنجانی: و اگر این کار ممکن نباشد یا با ضرر جانی همراه باشد باید نایب بگیرد و اگر طواف بر او مشقت شدید دارد مخیر است که خود طواف نماید یا نایب بگیرد.

واجبات طواف

واجبات طواف دو قسم است: [۱]

قسم اول - چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است: [۲]

اول - نیت است ؛ یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد. [۳]

[۵۳۹] م - نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذرانند [۴]، بلکه همانکه بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد، کفایت می کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر، در این جهت فرق ندارد. پس همانطور که انسان با قصد آب می خورد و راه می رود عبادت را اگر همان طور به جا آورد با نیت به جا آورده.

[۵۴۰] م - باید عبادت را برای اطاعت خدا به جا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند به جا آورد. [۵]

[۵۴۱] م - اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریاء کند ؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن به جا آورد، طواف او و همین طور هرچه را این طور به جا آورده باطل است و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است.

[۵۴۲] م - ریاء بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، باعث بطلان عمل نمی شود.

[۵۴۳] م - کفایت می کند در صحیح بودن عمل، آنکه برای خدا بیاورد [۶] یا برای اطاعت امر خدا، یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب. [۷]

[۵۴۴] م - اگر در عملی که برای خدا می آورد، رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

دوم - آن است که طاهر باشد از حدث اکبر ؛ مثل جنابت و حیض و نفاس [۸] و از حدث اصغر ؛ یعنی باید با وضو باشد. [۹]

[۵۴۵] م - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است ؛ چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب [۱۰]، که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

[۵۴۶] م - طهارت از حدث اکبر و اصغر، در طواف مستحبی شرط نیست [۱۱]، لیکن کسی که جنب یا حیض است جایز نیست در مسجدالحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً طواف مستحب کرد صحیح است. [۱۲]

[۵۴۷] م - طواف - یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن - مستحب است و بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب [۱۳] است. و در این طواف طهارت شرط نیست. [۱۴]

[۵۴۸] م - اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف [۱۵] کند، باطل است ؛ چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان

یا ندانستن مسأله باشد.

[۵۴۹] م - اگر در اثنای طواف [۱۶]، حدث عارض شود، پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم است، باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند. [۱۷]

[۵۵۰] م - اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم [۱۸]، حدث عارض شود احتیاط واجب [۱۹] آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند و این حکم در حدث اصغر است. [۲۰]

[۵۵۱] م - اگر در اثنای طواف حدث اکبر؛ مثل جنابت [۲۱] یا حیض عارض شود، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود [۲۲]، پس اگر پیش از تمامی دور چهارم [۲۳] بود، پس از غسل طواف را اعاده کند. [۲۴]

[۵۵۲] م - اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، [۲۵] واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل. [۲۶]

[۵۵۳] م - اگر تیمم کرد بدل از غسل و حدث اصغر عارض شد [۲۷]، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند [۲۸]، بلکه برای حدث اصغر باید [۲۹] تیمم کند و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لیکن احتیاط مستحب [۳۰] آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند. [۳۱]

[۵۵۴] م - احتیاط واجب [۳۲] آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا غسل مرتفع شود، صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود. [۳۳]

[۵۵۵] م - اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنابر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.

[۵۵۶] م - اگر مُحَدِّث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

[۵۵۷] م - اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آن را به جا آورده یا نه یا شک کند با غسل آن را به جا آورده [۳۴] یا نه، طواف او صحیح است، لیکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

[۵۵۸] م - اگر در اثنای طواف شک کند که وضو [۳۵] داشته یا نه [۳۶]، پس اگر بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همانجا تتمه طواف را به جا آورد [۳۷] و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم [۳۸] است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند [۳۹] و اعاده کند. [۴۰]

[۵۵۹] م - در تمام صورت هایی که در شک گفته شد که «بنابر طهارت بگذارد» یا «طوافش صحیح است» بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاء^۱ غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می شود.

[۵۶۰] م - اگر در اثنای طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود [۴۱]، پس اگر شوط چهارم [۴۲] را تمام کرده بوده و شک کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را به جا آورد [۴۳] و الا بعد از غسل اعاده کند طواف را و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند. [۴۴]

[۵۶۱] م - اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند، موجود نباشد [۴۵]، حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مأیوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد. و احتیاط وجوبی [۴۶] آن است که اگر جنب و حیض و نفاس [۴۷]

نیست خودش نیز طواف کند[۴۸] و چون مستحاضه بدون به جا آوردن غسل هایی که بر او لازم است می تواند[۴۹] وارد مسجدالحرام شود و طواف کند، بنابراین به احتیاطی که در غیر جنب و حیض و نفساء گفته شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجدالحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

سوم - طهارت بدن و لباس است از نجاست^{۱۵۱}؛

[۵۶۲] م - احتیاط واجب[۵۱] آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده - مثل خون کمتر از درهم[۵۲] و جامه ای که با آن نتوان[۵۳] نماز خواند؛ مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر[۵۴] نجس اجتناب کند.

[۵۶۳] م - در خون قروح و جروح[۵۵] اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.[۵۶]

[۵۶۴] م - در خون قروح و جروح، تا آن اندازه ای که می شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد، احتیاط واجب آن است[۵۷] که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

[۵۶۵] م - احتیاط آن است که اگر می تواند تأخیر بیندازد طواف را تا بشود بی مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد به شرطی که وقت تنگ نشود.[۵۸]

[۵۶۶] م - اگر طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف، اظهر آن است که طوافش صحیح است.

[۵۶۷] م - اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است، می تواند با آن حال طواف کند و صحیح است؛ چه بداند که پیش از این پاک بوده یا نداند، لیکن اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است، نمی تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.[۵۹]

[۵۶۸] م - اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود، اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همانجا تمام کند و طواف او صحیح است.[۶۰]

[۵۶۹] م - اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده، ظاهراً حکم مسأله قبل را دارد.[۶۱]

[۵۷۰] م - اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده[۶۲]، احتیاط[۶۳] آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند و از همانجا بقیه طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده[۶۴] کند؛ خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند و در این احتیاط فرقی نیست بین آنکه بعد از چهار دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است.[۶۵]

[۵۷۱] م - اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط[۶۶] واجب اعاده است، و همینطور است اگر در بین طواف یادش بیاید.[۶۷]

چهارم - ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زن ها نیست، و احتیاط[۶۸] واجب آن است که درباره بچه های نابالغ مراعات شود.

[۵۷۲] م - اگر بچه را که ختنه نشده[۶۹] وادار به احرام کنند یا او را محرم کنند، احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست.[۷۰] پس اگر محرم به احرام حج شود، چون طواف نساء او باطل است[۷۱] بنابر احوط[۷۲] حلال شدن زن بر او مشکل می

شود مگر آنکه او را ختنه کنند و طواف دهند، یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند، یا آنکه نایب [۷۳] برای او بگیرند تا طواف کند.

[۵۷۳] م - اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

پنجم - ستر عورت [۷۴] است، پس اگر بدون ستر عورت طواف کند باطل است [۷۵] و معتبر است در آن اباحه [۷۶]، پس با ستر غصبی طواف صحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ستر نیز بنا بر احتیاط [۷۷] واجب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند. [۷۸]

[۵۷۴] م - احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند [۷۹]؛ یعنی در بین دوره‌های طواف آنقدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود.

قسم دوم، [از واجبات طواف - چیزهایی است که گفته اند داخل در حقیقت طواف است، اگرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لیکن در عمل فرقی نمی کند و آن هفت چیز است:

اول - آنکه ابتدا کند به حجرالأسود؛

[۵۷۵] م - در ابتدا کردن به حجرالأسود، لازم نیست [۸۰] که تمام اجزای بدن طواف کننده به تمام اجزای حجرالأسود عبور کند [۸۱]، بلکه واجب آن است که انسان از حجرالأسود، هر جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند. [۸۲]

[۵۷۶] م - آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود: از حجرالأسود شروع به طوافکرد، و ختم کرد به حجرالأسود؛ چه از ابتدای آن شروع کند، چه از وسطش، چه از آخرش. [۸۳]

[۵۷۷] م - از هر جای حجرالأسود که شروع کرد، باید در دور هفتم به همان جا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود و همچنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همان جا ختم شود. [۸۴]

[۵۷۸] م - در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می کنند، از محاذات «حجر الأسود»، بدون دقت های صاحبان وسوسه شروع کنند، و در دوره‌های دیگر، بدون توقف دور بزنند [۸۵] تا هفت دور تمام شود.

[۵۷۹] م - گاهی دیده می شود که اشخاص نادان در هر دوری که می زنند، می ایستند و عقب و جلو می روند که محاذات را درست کنند و این موجب اشکال است [۸۶] و گاهی حرام است.

دوم - ختم نمودن هر دوری است به حجرالأسود و این حاصل می شود به اینکه بدون توقف هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم [۸۷] شود و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند و کارهای جهال را نباید بکنند.

سوم - آن که در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.

[۵۸۰] م - لازم نیست در تمام حالات طواف، خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد [۸۸]، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل ۷ خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود، لیکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد. [۸۹]

[۵۸۱] م - اگر در موقع رسیدن به گوشه های خانه، شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد، اگر به طور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود. [۹۰]

[۵۸۲] م - گاهی دیده می شود که بعضی از نادانان، برای احتیاط، دیگری را وادار می کنند که او را طواف دهد و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب می کند و به دست دیگری می دهد و تکیه به دست او می دهد و او را، آن شخص دیگر با فشار دور می دهد [۹۱]، این طواف باطل است [۹۲] و اگر طواف نساء را اینطور به جا آورد، زن ها یا مردها بر او حرام خواهند بود.

[۵۸۳] م - احتیاط به اینکه خانه در تمام حالات طواف، حقیقتاً به طرف چپ باشد، گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می زنند بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند، در موقع رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه بهطوری که خلاف متعارف [۹۳] و موجب انگشتنمایی نشود مانع ندارد. [۹۴]

[۵۸۴] م - اگر به واسطه مزاحمت طوافکنندگان، مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد؛ مثل آنکه روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد. [۹۵]

[۵۸۵] م - اگر به واسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردند و دور دادند [۹۶] کفایت نمی کند [۹۷] و باید آن دور را از سر بگیرد، اگرچه خانه هم طرف چپ او بوده.

[۵۸۶] م - در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می تواند آهسته برود و می تواند تند برود و می تواند بدود و می تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند. [۹۸] لیکن بهتر آن است که بهطور میانهروی برود.

چهارم - داخل کردن حجر اسماعیل^۷ است در طواف؛ و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

[۵۸۷] م - اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد [۹۹]، طوافش باطل است و باید اعاده کند.

[۵۸۸] م - اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدي طواف را دارد که گذشت.

[۵۸۹] م - اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوي را دارد. [۱۰۰]

[۵۹۰] م - اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد احتیاط [۱۰۱] واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد و اعاده کند طواف را، اگرچه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست. [۱۰۲]

[۵۹۱] م - اگر کسی در بعضی از دورها، از روی دیوار حجر اسماعیل^۷ برود [۱۰۳]، احتیاط آن است که بهدستور مسأله قبل عمل کند [۱۰۴] و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت [۱۰۵] نمی کند تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است.

پنجم - بودن طواف است^[۱۰۶] بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) از همه اطراف.^[۱۰۷]

[۵۹۲] م - مراد از اینکه: طواف بین کعبه و مقام باشد، آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم^۷ است و در همه اطراف خانه کعبه، طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه [۱۰۸] (و مابین مقام و خانه چنانچه گفته اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) [۱۰۹] پس در همه اطراف باید همینقدر بیشتر دور نباشد. [۱۱۰]

[۵۹۳] م - اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند [۱۱۱] که مقام ابراهیم هم داخل در طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند. [۱۱۲]

[۵۹۴] م - اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند [۱۱۳] و احوط آن است که

طواف را هم اعاده کند اگرچه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعاده همان جزء.

[۵۹۵] م - چون در طرف حجر اسماعیل ۷ محل طواف تنگ می شود [۱۱۴]، زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می شود و چنانچه گفته اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می ماند باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشود. [۱۱۵]

[۵۹۶] م - اگر از جانب حجر اسماعیل ۷ بیشتر از شش ذراع و نیم [۱۱۶] در دور زدن دور شد اظهر آن است که آن جزء را اعاده کند و از مطاف دور بزند. [۱۱۷]

ششم - خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

[۵۹۷] م - در اطراف دیوار خانه، یک پیشآمدگی است که آن را «شاذروان» گویند و آن جزو خانه کعبه است و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد. [۱۱۸]

[۵۹۸] م - اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است [۱۱۹] و باید اعاده کند.

[۵۹۹] م - دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن، در آنجایی که شاذروان است جایز است [۱۲۰] و به طواف ضرر نمی رساند [۱۲۱] گرچه احتیاط مستحب [۱۲۲] در ترک آن است.

[۶۰۰] م - در حال طواف، دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل ۷ جایز است [۱۲۳] و به طواف ضرر نمی رساند، گرچه احتیاط مستحب [۱۲۴] در ترک آن است.

هفتم - آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادت.

[۶۰۱] م - اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد و یا بیشتر به جا آورد، طوافش باطل [۱۲۵] است اگرچه به هفت دور تمام کند [۱۲۶] و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند. [۱۲۷]

[۶۰۲] م - اگر در اثنای طواف [۱۲۸]، از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد زیادت‌تر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هر چه به این عمل کرده [۱۲۹] باطل است و باید اعاده کند [۱۳۰] و اگر با این قصد زیادت‌تر آورد [۱۳۱] اصل طواف باطل می شود. [۱۳۲]

[۶۰۳] م - اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

[۶۰۴] م - اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همانطور که هفت دور مستحب [۱۳۳] است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است.

[۶۰۵] م - اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور به جا آورد طوافش صحیح است.

[۶۰۶] م - اگر کم کند از طواف واجب [۱۳۴]، چه یک دور یا کمتر یا بیشتر [۱۳۵] از یک دور از روی عمد [۱۳۶]، واجب است آن را

اتمام کند[۱۳۷] و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمد^۱ ترک کرده - که در مسائل فصل چهارم گذشت - به احتیاط واجب[۱۳۸] و حکم جاهل[۱۳۹] به مسأله حکم عالم است.

[۶۰۷] م - اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند[۱۴۰] که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است که می آید.

[۶۰۸] م - اگر سهواً[۱۴۱] از طواف کم کند، پس اگر تجاوز از نصف کرده^[۱۴۲] باشد اقوی آن است که از همان جا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد[۱۴۳]، و الا احتیاط^[۱۴۴] واجب اتمام و اعاده است.

[۶۰۹] م - اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده[۱۴۵] طواف را اعاده نماید، لکن سزاوار نیست ترک احتیاط در همه موارد سهواً، به تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن[۱۴۶].

[۶۱۰] م - اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود، احتیاط[۱۴۷] آن است که خودش برگردد و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد[۱۴۸].

[۶۱۱] م - در طواف واجب، قران جایز نیست[۱۴۹]؛ یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد، بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود[۱۵۰] و در طواف مستحب مکروه است.

[۶۱۲] م - اگر زیاد کند دوری را - یا کمتر یا بیشتر از دور - بر طواف، و قصدش آن باشد که زیاده را جزو طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است که حرام است[۱۵۱].

[۶۱۳] م - در فرض سابق، اگر از اول قصد داشته یا[۱۵۲] در اثنای طواف قصد زیاده کرده باشد[۱۵۳]، احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند^[۱۵۴] و اگر بعد از تمام شدن، قصد به جا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اول، زیاده را آورد، اقوی صحت طواف اول است[۱۵۵] و احوط اعاده است.^[۱۵۶]

[۶۱۴] م - اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور، پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است و اگر یک دور یا زیادتر است، احوط[۱۵۷] آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا واجب[۱۵۸] و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آنکه تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است[۱۵۹].

[۶۱۵] م - جایز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است[۱۶۰] بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و احوط[۱۶۱] قطع نکردن آن است؛ به این معنی که قطع نکند بهطوری که ترک بقیه را کند تا موالات عرفیه بههم بخورد.

[۶۱۶] م - اگر بدون عذر طواف را قطع کرد[۱۶۲] احوط[۱۶۳] آن است که اگر چهار دور به جا آورده[۱۶۴] باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده کند[۱۶۵] و این در صورتی است که منافی به جا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه بههم بخورد.

[۶۱۷] م - اگر طواف را قطع کند[۱۶۶] و منافی به جا نیاورده باشد، اگر برگردد و تمام کند طواف صحیح است[۱۶۷].

[۶۱۸] م - اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد[۱۶۸]؛ مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار[۱۶۹] پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده، بعد از رفع عذر برگردد[۱۷۰] و از همانجا تمام کند و اگر قبل از آن بوده[۱۷۱]، طواف را اعاده کند و احتیاط مستحب[۱۷۲] در فرض اول در غیر حیض آن است که اتمام کند و اعاده نماید[۱۷۳].

[۶۱۹] م - اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده، نتوانست به جا آورد تا آنکه وقت تنگ شد، اگر ممکن است، او را حمل کنند و

طواف دهند و اگر ممکن نیست نایب [۱۷۴] برای او بگیرند.

[۶۲۰] م - اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند [۱۷۵]، پس اگر بعد از چهار دور [۱۷۶] رها کرد از همانجا طواف را تمام کند [۱۷۷]، و الا [۱۷۸] اعاده کند. [۱۷۹]

[۶۲۱] م - جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند [۱۸۰]، و احتیاط آن است که بهدستور مسأله قبل عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود. [۱۸۱]

[۶۲۲] م - اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتراً از هفت دور به جا آورده یا نه یا شک کند کمتر به جا آورده یا نه، اعتنا نکند [۱۸۲] و طوافش صحیح است [۱۸۳]، لکن در صورت دوم خالی از اشکال نیست [۱۸۴] و احتیاط ترک نشود. [۱۸۵]

[۶۲۳] م - اگر بعد از طواف شک کند که صحیح به جا آورده آن را یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل ۷ طواف کرده اعتنا نکند [۱۸۶]، و طوافش صحیح است اگرچه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه.

[۶۲۴] م - اگر در آخر دور که به حجرالاسود ختم شد شک کند [۱۸۷] که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتراً، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.

[۶۲۵] م - اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است. [۱۸۸]

[۶۲۶] م - اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است. [۱۸۹]

[۶۲۷] م - اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنابر اقل گذارد و طوافش صحیح است.

[۶۲۸] م - شخص کثیر الشک در عدد دورها [۱۹۰] اعتنا به شکش نکند [۱۹۱] و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

[۶۲۹] م - گمان در عدد دورها اعتبار ندارد [۱۹۲] و حکم شک را دارد.

[۶۳۰] م - اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف به جا نیاورده، باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند. [۱۹۳]

[۶۳۱] م - اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را به جا آورد و طواف و سعیش صحیح است. [۱۹۴] لیکن احتیاط [۱۹۵] آن است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند. [۱۹۶]

[۶۳۲] م - اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بی وضو به جا آورد طوافش باطل است و همینطور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد.

[۶۳۳] م - اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است. [۱۹۷]

[۶۳۴] م - در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد. [۱۹۸]

[۶۳۵] م - واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند [۱۹۹] و می تواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد و برگردد از همانجا اتمام کند. [۲۰۰]

[۶۳۶] م - جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همانجا اتمام کند [۲۰۱]، ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه بههم بخورد و اگر آن قدر نشست [۲۰۲] احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید. [۲۰۳]

[۱]. آیه الله زنجانی: علاوه بر چیزهایی که در این دو قسمت می آید، امور دیگری نیز در طواف واجب، معتبر است: ۱. موالات بین اجزای طواف؛ ۲. ترتیب بین اجزای طواف؛ ۳. اختیاری بودن طواف؛ ۴. معلوم بودن عدد اشواط؛ ۵. اجتناب زنان از زدن نقاب. و چون طواف کننده در معرض دید ناظر محترم است باید خود را بپوشاند، خواه طواف واجب باشد یا مستحب، اما این امر، جزء واجبات طواف نیست.

[۲]. آیه الله خامنه ای: شرایط صحّت طواف چند چیز است: ۱. نیت؛ ۲. طهارت از حدث اکبر و اصغر؛ ۳. طهارت از نجاست؛ ۴. ختنه بودن برای مردان؛ ۵. پوشاندن عورت؛ ۶. غصبی نبودن جامه طواف؛ ۷. موالات. (مناسک حج، ص ۸۹، شرایط طواف)

[۳]. نظریه آیات عظام در مسائل مربوط به کیفیت نیت در بحث نیت در احرام گذشت.

آیه الله خامنه ای: در نیت طواف باید تعیین کند که طواف عمره مفرده است یا طواف عمره تمتّع. و همچنین تعیین کند که طواف حجة الاسلام است یا حج نذری یا حج استحبابی. و در صورتی که طواف را به نیابت از دیگری به جا می آورد، آن را نیز قصد کند. (مناسک حج، م ۲۴۱)

آیه الله سبحانی: و باید نوع آن را مشخص کند و این که طواف حج است یا طواف عمره یا طواف نساء در حجة الاسلام یا حج مستحبی و یا اگر نائب است به نیت منوب عنه؛ البته اگر انجام وظیفه فعلی را نیت کند کافی است.

آیه الله فاضل: و نیز نیت کند: هفت دور طواف خانه کعبه انجام می دهم برای عمره تمتّع از حجة الاسلام یا حج استحبابی.

آیه الله مکارم: برای عمره تمتّع یا حج و غیر آن.

[۴]. آیه الله سبحانی: طواف از عبادات قصدیه است و باید به صورت آگاهانه انجام گیرد. وقتی شخص به قصد طواف کردن برای خدا وارد مطاف می شود کافی است بنابراین به زبان آوردن نیت و یا اینکه بخواهد حدیث نفس کند و از قلب بگذراند لازم نیست.

[۵]. آیه الله زنجانی: در طواف مانند سایر عبادات، قصد عنوان عمل و تعیین آن و قصد قربت و اخلاص لازم است.

آیه الله سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود؛ خواه اطاعت صدق کند یا نکند.

[۶]. آیه الله زنجانی: برای قصد قربت، کافی است که آن عمل «برای خدا» آورده شود و فرق نمی کند که انگیزه «انجام عمل برای خدا» محبت خداوند باشد یا ترس از جهنم یا شوق به بهشت و ثواب یا غیر آن.

[۷]. آیه الله سیستانی: در فرض صدق معیار مذکور در حاشیه مسأله ۵۴۰

[۸]. آیه الله اردبیلی: و مسّ میت بنابر احتیاط.

[۹]. آیه الله نوری: و اگر وضو ممکن نیست تیمّم کند.

[۱۰]. آیه الله مکارم: یعنی در طواف عمره و حجّ مستحب، طهارت لازم است.

[۱۱] آیه الله خامنه ای: در طواف مستحب لازم نیست وضو بگیرد ولی بنابر احتیاط واجب طواف در حال جنابت یا حیض یا نفاس صحیح نیست. (مناسک حج، م ۲۴۵)

آیه الله سبحانی: در طواف مستحب، طهارت از حدث اکبر شرط است ولی طهارت از حدث اصغر شرط نیست.

[۱۲] آیه الله سیستانی: در طواف مستحب طهارت از حدث اصغر شرط نیست و بنابر مشهور طهارت از حدث اکبر شرط نیست.

آیه الله فاضل: یا جهلاً.

[۱۳] آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: بهتر است هنگام ازدحام جمعیت برای طواف واجب، طواف مستحب را ترک کنند.

[۱۴] آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۱۵] آیات عظام اردبیلی، خامنه ای، زنجانی، سبحانی، فاضل، مکارم، نوری: واجب.

[۱۶] آیه الله خامنه ای: واجب. (مناسک حج، م ۲۴۳)

[۱۷] آیه الله اردبیلی: ولی اگر عمد^۱ طهارت خود را نقض کند، پس از تحصیل طهارت احتیاطاً باید طواف قبلی را تکمیل کرده و آن را اعاده نماید و یا یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیه الله بهجت: آنکه حدث بعد از تجاوز از نصف از روی سهو و غفلت باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همانجا که قطع نموده ادامه می دهد و در صورتی که بعد از تجاوز از نصف و از روی عمد باشد حکم به ادامه طواف بعد از قطع آن مورد تأمل است. (مناسک، مسأله ۲۸۸).

آیه الله تبریزی: اگر حدث قبل از بلوغ نصف ولو از روی عمد نباشد طواف باطل است و در غیر این صورت، احتیاط واجب این است که آن را اتمام کرده، سپس اعاده نماید، و می تواند یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد. □

□ آیه الله خامنه ای: اگر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم حدث اصغر عارض شود، واجب است که قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی که بعد از نصف دور چهارم - قبل از پایان آن و یا بعد از آن - عارض شود طواف را قطع نموده و پس از تحصیل طهارت اگر موالات عرفیه به هم نخورده طواف را تکمیل کند و اگر موالات به هم خورده بنابر احتیاط طواف قبلی را تکمیل و یک طواف کامل جدید نیز به جا آورد، و می تواند به جای آن یک طواف کامل به قصد اعم از اتمام طواف ناقص گذشته یا طواف مستقل جدید به جا آورد و در هر صورت می تواند طواف قبلی را رها نموده و از نو طواف کند. (مناسک حج، ۲۴۶م)

آیه الله خویی: اگر حدث بعد از تمامی دور چهارم و بدون اختیار باشد، در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همانجا که قطع نموده ادامه می دهد. و اگر حدث بعد از نصف و پیش از تمامی دور چهارم طواف، یا بعد از تمامی دور چهارم و اختیاری باشد، احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده سپس اعاده اش نماید. و به جای این احتیاط اگر این کار را بکند کافی است که پس از قطع طواف و طهارت، یک طواف کامل به قصد اعم از تمام کردن طواف پیش و یک طواف کامل جدید به جا آورد.

آیه الله زنجانی: حدث اختیاری طواف را باطل می کند و غیر اختیاری سه صورت دارد، اول: قبل از رسیدن به نیمه شوط چهارم، در این صورت باید پس از تحصیل طهارت، طواف را از سر گرفت. دوم: پس از پایان شوط چهارم که باید بعد از طهارت، طواف قبلی را از جایی که محدث شده تکمیل کند. سوم: پس از رسیدن به نصف طواف و قبل از اتمام شوط چهارم، که باید بعد از طهارت، طواف قبلی را تکمیل کرده نماز آن را بخواند و دوباره یک طواف کامل به جا آورد. در این تفصیل فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

آیه الله سبحانی: اگر بدون اختیار پس از تجاوز از نصف محدث شود باید طواف را قطع کند و پس از تحصیل طهارت از همانجا که طواف را قطع کرده، تمام کند و اگر حدث از روی اختیار باشد احتیاط واجب این است که طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همانجا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند و سپس طواف را اعاده کند و می تواند یک طواف کامل به نیت اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

آیه الله سیستانی: اگر بدون اختیار پس از تمام شدن شوط چهارم محدث شود، باید طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همانجا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند. و اگر از روی اختیار باشد احتیاط واجب این است که طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همانجا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند، و سپس طواف را اعاده نماید. (مناسک، مسأله ۲۸۵).

آیه الله فاضل: اگر در بین طواف واجب، حدث عارض شود می تواند طواف را رها کند و پس از تحصیل طهارت، آن را از سر بگیرد و اگر بخواهد احتیاط کند، مسأله چهار صورت دارد: □

□ اول: حدث قبل از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل می شود که باید بعد از تحصیل طهارت، آن را از سر

بگیرد؛ خواه محدث شدن اختیاری باشد یا بدون اختیار.

دوم: پس از رسیدن به نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم باشد، که در این صورت پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره طواف دیگر کند و نماز آن را نیز بخواند، خواه حدث با اختیار باشد یا بدون اختیار.

سوم: بعد از تمام شدن دور چهارم اختیاراً خود را محدث کند، که در این صورت نیز مثل صورت دوم عمل کند.

چهارم: پس از تمام شدن دور چهارم بی اختیار محدث شود، در این صورت پس از تحصیل طهارت، طواف را از آنجایی که محدث شده تمام کند، و صحیح است و در این مسأله فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

آیه الله گلپایگانی: اگر بعد از گذشتن از ۴ شوط محدث شود، پس از تحصیل طهارت از موضعی که محدث شده آن را ادامه دهد و طوافش صحیح است. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۷۹).

[۱۸]. آیه الله بهجت: اگر پیش از تمام شدن نصف طواف، حدث عارض شود طواف را قطع کند، پس از تحصیل طهارت آن را اعاده کند.

آیات عظام تبریزی، خویی: اگر حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل و لازم است پس از طهارت اعاده شود. (ص ۱۱۸؛ مناسک، مسأله ۲۷۹).

آیه الله سبحانی: پیش از نصف یعنی سه و نیم شوط باشد پس از تحصیل طهارت طواف را از سر گیرد.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید پس از تحصیل طهارت، آن را دوباره انجام دهد. (مناسک، مسأله ۲۸۵).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: پس اگر به سه شوط و نیم نرسیده، طواف او باطل است و باید بعد از وضو یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از سر بگیرد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به ۴ شوط نرسیده احتیاط به اتمام و اعاده طواف با نمازهای آن ترک نشود.

[۱۹]. آیه الله اردبیلی: و می تواند یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیه الله فاضل: وظیفه همان است که در مسأله سابق بیان شد.

آیه الله مکارم: وظیفه او فقط اعاده است و اتمام طواف سابق لازم نیست.

[۲۰]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: حکم مذکور در حاشیه این مسأله و مسأله قبل اختصاص به حدث اصغر ندارد جنابت نیز همان حکم را دارد. نظری که از آیه الله سیستانی در این دو مسأله نقل شد اختصاص به حدث اصغر ندارد.

[۲۱]. نظریه آیات عظام در دو مسأله قبل گذشت که فرقی بین حدث اصغر و جنابت نگذاشته اند.

[۲۲]. آیه الله خامنه ای: و پس از غسل برگردد و طواف را اعاده نماید. (مناسک حج، م ۲۵۳، بند ۸)

[۲۳]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط در هر دو صورت (قبل و بعد از شوط چهارم) این است که بعد از پاکی یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیه الله خامنه ای: اگر در بین طواف، حدث اکبر، مثل جنابت یا حیض عارض شود، باید فوراً از مسجدالحرام خارج شود و بعد از غسل طبق تفصیلی که در حاشیه مسأله ۵۴۹ گذشت عمل شود. (مناسک حج، م ۲۴۷)

آیه الله فاضل: اگر در بین طواف، حدث اکبر، مثل جنابت یا حیض، عارض شود، باید فوراً از مسجدالحرام خارج شود و طبق تفصیلی که در حاشیه مسأله ۵۴۹ گذشت عمل شود.

آیه الله سبحانی: اگر در بین طواف حیض عارض شود، اگر پیش از گذشتن از نصف طواف بوده طواف او باطل می شود، باید پس از غسل اعاده کند و اما اگر پس از گذشتن از نصف طواف باشد، باید پس از پاک شدن و غسل، از همانجا که طواف را قطع کرده، تمام کند.

آیه الله سیستانی: اگر زن در حال احرام، حین انجام طواف حایض شود، پس اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است پس اگر وقت و سعت داشته باشد باید صبر کند تا پاک شود و طواف و اعمال بعدی را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد می تواند بر عمره تمتع خود باقی بماند، و اعمال آن را به جز طواف و نماز آن انجام دهد؛ یعنی اینکه سعی و تقصیر

نماید، و بعد از آن احرام حج ببندد، و پس از فارغ شدن از اعمال منی و بازگشتن به مکه، قبل از اینکه طواف حج را انجام دهد طواف عمره و نماز آن را انجام دهد و احتیاط مستحب این است که به حج افراد عدول نماید و اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد، مقداری که انجام داده صحیح است و باقی آن را باید بعد از پاک شدن از حیض و انجام غسل به جا آورد و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر را انجام دهد و برای حج محرم شود و پس از فارغ شدن از اعمال منی و بازگشتن به مکه، قبل از طواف حج، آنچه از طوافش باقی مانده است و نماز آن را انجام دهد. (مناسک، مسأله ۲۹۰ و ۲۹۱).

[۲۴]. آیه الله اردبیلی: تفصیل این مسأله در دو مسأله قبل گذشت و فرقی بین حدت اکبر و اصغر نیست.

آیه الله زنجان: به حاشیه مسأله ۵۴۹ مراجعه شود.

[۲۵]. آیه الله زنجان: آیه الله مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر برطرف شود...

[۲۶]. آیه الله تبریزی: در صورت معذور بودن از غسل و مأیوس شدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کند و احوط اولی این است که نایب نیز بگیرند.

آیه الله فاضل: و وقت طواف تنگ شود....

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در غسل غیر جنابت، علاوه بر تیمم بدل از غسل در صورت تمکن، باید وضو هم بگیرد وگرنه باید یک تیمم دیگر بهجای وضو به جا آورد و جنب متیمم بنابر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۷۶).

[۲۷]. آیه الله بهجت: احوط جمع بین وضو یا تیمم بدل از آن و تیمم بدل از حدت اکبر است. (ذخیره، ج ۱، ص ۱۹۹).

[۲۸]. آیه الله اردبیلی: بلکه احتیاط واجب آن است که تیمم کند.

[۲۹]. آیه الله زنجانی: برای حدث اصغر باید وضو بگیرد و اگر نمی تواند تیمم کند و...

[۳۰]. آیه الله خامنه ای: احتیاط واجب. (اجوبة الاستفتائات، س ۲۰۱)

[۳۱]. آیه الله تبریزی: اگر بدل از غسل جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کند و اگر برای حدث اکبر دیگر غیر از جنابت تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنابر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

آیه الله خویی: لازم است تیمم بدل از غسل بکند. (منهاج، مسأله ۳۸۱) .

آیه الله سبحانی: استحباب تکرار تیمم بدل از غسل در جایی است که آب برای غسل ندارد و یا غسل حرجی است ولی برای حدث اصغر آب هست و وضو می تواند بگیرد و حدث اکبر دیگری رخ نداده در عین حال تکرار تیمم بدل از غسل در مورد حدث اکبر مستحب است.

[۳۲]. آیه الله بهجت: افضل و احوط تأخیر است ولی اظهر جواز مبادرت است. (ذخیره، ج ۱، ص ۱۹۶) .

آیه الله خویی: اگر احتمال بقای عذر تا آخر وقت می دهد می تواند صبر نکند ولی اگر بعداً کشف خلاف شد باید اعاده نماید بلی اگر عذرش نبود آب باشد باید فحص کند، به تفصیلی که در رساله عملیه مذکور است.

آیه الله سبحانی: اگر می داند عذر او تا آخر وقت برطرف می شود، باید صبر کند.

آیه الله سیستانی: اگر وقت تنگ نباشد به تیمم جایز نیست مگر اینکه از بر طرف شدن عذر مأیوس باشد یا احتمال دهد در صورت تأخیر از انجام تیمم نیز عاجز شود.

آیه الله گلپایگانی: با علم به بر طرف شدن عذر، انتظار واجب است و در غیر این صورت تأخیر بنابر احتیاط مستحب است. (وسيلة النجاة، احکام التیمم) .

[۳۳]. آیه الله اردبیلی: اگر ظن به زوال عذر دارد، باید صبر کند، ولی به صرف احتمال زوال عذر صبر کردن لازم نیست.

آیه الله خامنه ای: و اگر عذر او تا آخر وقت برطرف می شود، باید صبر کند. (مناسک حج، م ۲۴۹)

آیه الله زنجانی: ولی محدث به حدث اصغر اگر در وسعت وقت، رجاء تیمم کرده بعد معلوم شود که تا تنگی وقت عذرش باقی بوده، کفایت می کند.

آیه الله سبحانی: و چنانچه با یأس از برطرف شدن عذر انجام داد و عذر در وقت برطرف شد اعاده لازم نیست.

[۳۴]. آیه الله اردبیلی: اگر بعد از حدث اصغر شک کند در اینکه قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال پس از آنکه احتیاج به طهارت دارند، وضو بگیرد. □

□ آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر بعد از حدث اصغر شک کند در اینکه قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد. (منهاج الصالحین، ج ۱، مسأله ۲۰۹) .

آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال می دهد در حال طواف به رعایت طهارت، توجه داشته طواف او صحیح است.

آیه الله سبحانی: و سابقه او از جهت تقدم طهارت و حدث قبل از شروع به طواف روشن نباشد به شک خود اعتنا نکند ولی باید برای اعمال بعد طهارت لازم را تحصیل نماید.

[۳۵]. آیه الله بهجت: حکم شک در طهارت در اثنای طواف هم همان حکم شک است در طهارت در اثنای نماز. (مناسک شیخ، ص ۳۶) .

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر سابقه طهارت داشته، به شک خود اعتنا نکند و الا واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد.

آیه الله سبحانی: در صورتی که سابقه او حدث باشد یا سابقه او از نظر طهارت یا حدث روشن نباشد طواف او در هر دو صورت یعنی چه شک وی قبل از نیمه طواف بوده و چه بعد از آن، باطل است.

آیه الله سیستانی: و سابقه طهارت نداشته باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در این صورت باید وضو بگیرد و بعد طواف را از سر بگیرد، چه قبل از تمام شدن چهار دور باشد یا بعد از آن. (مناسک فارسی، ص ۶۲. مسأله ۹۳).

آیه الله فاضل: اگر در بین طواف شک کند که وضو داشته یا خیر، مسأله سه صورت دارد، اول: حالت سابق خود را بداند که طاهر بوده در این فرض جایز است طواف را تمام کند و برای اتمام آن وضو واجب نیست و اعاده طواف نیز لازم نیست و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن. دوم: حالت سابق خود را بداند که مُحَدِّث بوده، در این فرض ظاهر^۱ هر مقدار طوافی که انجام داده، محکوم به بطلان است؛ چه شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن و باید بعد از وضو از نو طواف کند. سوم: حالت سابق خود را نداند، که در این صورت به احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم یا قبل از آن عارض شده باشد.

آیه الله مکارم: و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند.

[۳۶]. آیه الله اردبیلی: و حالت سابقه خود را نیز نداند.

آیه الله خامنه ای: اگر سابقه طهارت داشته، به شک خود اعتنا نکند والا واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد و فرقی بین تمام شدن چهار دور و قبل از آن نیست. (مناسک حج، م ۲۵۳، ش ۷) □

□ آیه الله زنجانی: چنانچه حالت سابقه را بداند طبق آن عمل نماید و گرنه باید پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره آن را اعاده کند، خواه بعد از دور چهارم باشد یا قبل از آن.

[۳۷]. آیه الله مکارم: و سپس اعاده کند.

[۳۸]. آیه الله مکارم: طواف او باطل است.

[۳۹]. آیه الله سیستانی: اتمام لازم نیست بلکه اعاده کند.

[۴۰]. آیه الله اردبیلی: و می تواند یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

[۴۱]. آیه الله بهجت: اگر متمکن است تطهیر می نماید و سپس اعاده می کند.

آیه الله زنجانی: و پس از غسل، طواف را تمام کرده و نماز آن را بخواند و سپس آن را اعاده کند، خواه قبل از شوط چهارم شک کرده یا بعد از آن.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۵۵۸ مراجعه شود و در این جهت فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست و شک در اثناء طواف از جهت تحصیل طهارت و یا بطلان طهارت مانند شک قبل از شروع در طواف است در نقض طهارت به حدث و یا تحصیل طهارت بعد از حدث.

آیه الله سیستانی: اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می گیرد باید تیمم کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می گیرد باید فوراً خارج شود. (و در بقیه مسأله، نظریه ایشان موافق متن است).

[۴۲]. آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: و پس از طهارت، طواف را از سر بگیرد و چه قبل از شوط چهارم باشد و یا بعد از آن.

[۴۳]. آیه الله فاضل: و به احتیاط واجب طواف را اعاده کند.

[۴۴]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید غسل کرده و طواف را اعاده نماید.

[۴۵]. آیه الله مکارم: فرض فاقد الطهورین در مسجدالحرام وجود ندارد.

[۴۶]. آیه الله بهجت: حکم فاقد الطهورین حکم غیر متمکن از طواف است که با یأس از تمکن نایب می گیرد و احوط آن است که خود نیز طواف کند. (مناسک شیخ، ص ۳۶).

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجان، سیستانی: و احتیاط مستحب آن است.

[۴۷]. آیه الله مکارم: و مستحاضه هم نمی تواند داخل مسجدالحرام شود.

[۴۸]. آیه الله زنجان: مستحاضه کثیره بدون غسل هایی که بر او واجب است نمی تواند وارد مسجدالحرام شود.

[۴۹]. آیه الله بهجت: مستحاضه متوسطه و کثیره بدون غسل هایی که بر آن ها واجب است نمی تواند وارد مسجد الحرام و مسجدالنبی ۹ شوند. (پرسش های جدید حج، ص ۱۴، سؤال ۵۷).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بدون به جا آوردن غسل هایی که بر او لازم است، بنابر احتیاط نمی تواند وارد مسجد شود. (عروة... احکام المستحاضه، م ۱۸).

آیه الله سبحانی: مستحاضه متوسطه و کثیره اگر وظایف خود را برای نماز انجام داده باشند می توانند وارد مسجد الحرام و مسجد النبى شوند.

آیه الله مکارم: نمیتواند وارد مسجد شود.

[۵۰]. آیه الله خامنه ای: بدن و لباس طواف کننده باید از خون - و نیز از سایر نجاسات بنابر احتیاط واجب پاک باشد. (مناسک حج، م ۲۵۴)

[۵۱]. آیه الله خامنه ای: خونی که از یک درهم کمتر باشد؛ و نیز خون جراحت ها و زخم ها که موجب بطلان نماز نمی شود، به صحت طواف نیز خللی وارد نمی کند. و پاک بودن جوراب و دستمال و انگشتر و مانند آنها شرط نیست. (مناسک حج، م ۲۵۵ - ۲۵۴)

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، واجب نیست، به خصوص در خون قروح و جروح.

آیه الله سبحانی: باید بدن محرم و جامه های احرام طواف کننده از هر نوع نجاست پاک باشد حتی از برخی از نجاساتی که در حال نماز عفو شده مانند خون کمتر از درهم نیز اجتناب کنند لکن چیز نجسی که ستر عورت نیست مانند جوراب و دستمال کوچک حمل آن ها در نماز جایز است و در حال طواف نیز بی اشکال است.

آیه الله فاضل: ظاهر آن است که....

آیه الله مکارم: طواف، در حالی که بدن یا لباس خون کمتر از درهم داشته باشد، جایز نیست.

[۵۲]. آیه الله زنجانی: از خون بدن انسان یا حیوان حلال گوشت، نه دماء ثلاثه یا خون حیوان حرام گوشت.

[۵۳]. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: طواف در جامه ای که با آن نتوان نماز خواند یعنی ستر نباشد؛ مانند مثال های مذکور در متن [اگر نجس باشد مانع ندارد. و همچنین بودن چیز نجس همراه انسان در طواف مانعی ندارد.

آیه الله سیستانی: همراه داشتن چیز متنجس در طواف مانع ندارد.

آیه الله مکارم: نجس بودن این لباس های کوچک ضرری ندارد ولی خون کمتر از درهم معاف نیست.

[۵۴]. آیه الله اردبیلی: در مثل انگشتر که ثوب بر آن صدق نمی کند، طهارت آن شرط صحت طواف نیست و همچنین بودن چیز

نجس همراه انسان در طواف مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: در انگشتر و مانند آنکه ثوب صدق نمی کند برای صحت طواف طهارت آنها شرط نیست همچنین همراه داشتن چیز متنجس در صورت جهل به مسأله مانعی ندارد.

[۵۵]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: هر گاه بدن محرم به سبب دمل و یا زخم، خون آلود باشد باید برای طواف بدن را تطهیر کند و جامه آلوده به خون را بشوید و یا عوض نماید.

[۵۶]. آیه الله تبریزی: اگر تطهیر آن برای او حرجی نباشد احتیاط واجب این است که آن را تطهیر نماید.

آیه الله خویی: متعرض این فرع نشده اند.

آیه الله زنجانی: اگر زخم یا جراحت یا دملي است که خوب نشده است، لازم نیست برای طواف و نماز آن زخم یا دمل و قسمت هایی از بدن و لباس را که معمولاً از آن خون نجس می شود تطهیر کند و اگر خوب شده باید بدن و لباس را تطهیر کند، مگر این کار برای او ضرر داشته یا حرجی باشد و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می شود.

آیه الله سبحانی: اگر وقت طواف وسیع است باید صبر کند تا به نحو آسان بدن را تطهیر نماید و در صورت ضیق وقت می تواند با همان حالت طواف نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید.

[۵۷]. آیه الله خامنه ای: واجب است. (مناسک حج، م ۲۵۶)

[۵۸]. آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، لازم نیست، بلکه می توان بدون تأخیر با تحمل مشقت، تطهیر کرده طواف نمود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۵۶۳ مراجعه شود.

[۵۹]. آیه الله سبحانی: اگر حالت سابقه آن دو طهارت و یا نامعلوم باشد می تواند طواف کند حتی بعداً اگر کشف خلاف شود و معلوم گردد که بدن و جامه های او نجس بوده است طواف او صحیح است □ و اعاده لازم نیست ولی اگر سابقه آن دو نجاست بوده نمی تواند وارد طواف شود و اگر هم طواف کرده است عمل او باطل بلکه به تطهیر هر دو پردازد و سپس طواف کند.

[۶۰]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و در اثنای طواف دانست یا آنکه پیش از فراغت از طواف، بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامه پاکي داشته باشد همان جا جامه نجس را کنده و با جامه پاک طواف خود را تمام نماید و چنانچه جامه پاک همراه نداشته باشد. اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست از بدن یا لباس باقیمانده طواف را به جا آورد. و چنانچه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنابر احتیاط یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

آیه الله خامنه ای: اگر بدون رها کردن طواف تطهیر ممکن نباشد باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و فوراً برگردد و طواف را اگر موالات به هم نخورده از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است. (مناسک حج، م ۲۵۹)

آیه الله سبحانی: به ذیل سؤال ۶۹۴ مراجعه شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف، شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس بقیه طواف را تمام کند و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را به جا آورد.

آیه الله مکارم: خواه قبل از تکمیل شوط چهارم باشد یا بعد از آن.

[۶۱]. آیه الله سبحانی: به ذیل سؤال ۶۹۴ مراجعه شود.

[۶۲]. آیه الله اردبیلی: حکم آن همان حکم مسأله ۵۶۸ است.

آیه الله زنجانی: باید طواف را رها کند و تطهیر کند و از همانجا بقیه طواف را تمام کند و بنابر احتیاط مستحب، طواف و نماز را اعاده نیز بنماید.

[۶۳]. آیه الله سبحانی: حکم این مسأله با حکم مسأله ۵۶۸ یکسان است. البته در صورت فوت موالات احتیاط به اتمام و اعاده مطلوب است.

آیه الله سیستانی: حکم در این مسأله همان است که در مسأله ۵۶۸ گذشت.

آیه الله فاضل: ظاهراً طوافش صحیح است اگر چه احتیاط استحبابی آن است که....

[۶۴]. آیه الله خامنه ای: وظیفه همان است که در حاشیه م ۵۶۸ ذکر شد. (مناسک حج، م ۲۶۱)

آیه الله مکارم: وظیفه همین است و اعاده ندارد.

[۶۵]. نظریه سایر آیات عظام در حاشیه مسأله ۵۶۸ گذشت.

[۶۶]. آیه الله بهجت: صحت طواف خالی از وجه نیست و در صورت تذکر در اثناء، تطهیر می کند و سپس اتمام می نماید.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنابر اظهر طوافش صحیح است.

آیه الله خامنه ای: طوافش صحیح است ولی اگر نماز طواف را هم با بدن و لباس نجس خوانده باید آن را دوباره بخواند و احتیاط استحبابی آن است که در این مسأله طواف را نیز بار دیگر به جا آورد. (مناسک حج، م ۲۶۳)

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: طوافش صحیح است.

آیه الله گلپایگانی: اقوي اعاده طواف است. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۸۴).

آیه الله مکارم: در فرض فراموشي اعاده ندارد.

[۶۷]. آیه الله اردبیلی: اگر در بین طواف یادش بیاید، احتیاطاً باید پس از تطهیر طواف را تمام کند و نماز را به جا آورد و سپس طواف و نماز را اعاده کند و یا اینکه پس از تطهیر یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد و سپس نماز طواف را بخواند. □

□ آیه الله خامنه ای: وظیفه همان است که در حاشیه مسأله ۵۶۸ گذشت. (مناسک حج، م ۲۶۲)

آیه الله سبحانی: طواف او باطل و باید دوباره اعاده کند وظیفه جاهل به حکم نیز مانند ناسی است.

آیه الله فاضل: اگر نجس بودن بدن یا لباس را فراموش کند و در بین طواف یا پس از آن یادش آمد طواف صحیح است ولی مستحب است آن را اعاده کند. بلی اگر بعد از نماز طواف یادش آمد فقط نماز را اعاده کند.

[۶۸]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط بلکه اظهر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می دهد، اگر شخصاً محرم شود باید ختنه کرده باشد و اما اگر بچه ممیز نباشد، اعتبار ختنان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است.

آیه الله خامنه ای، آیه الله سبحانی: و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست.

آیه الله زنجانی: در صحت احرام پسر بچه ای که خود محرم می شود ختنه شرط است، بنابراین چنانچه چنین کودکی بدون ختنه احرام ببندد محرم نمی شود، و در صحت طواف او نیز ختنه شرط می باشد، پس اگر بخواهد طواف مستحب انجام دهد باید ختنه کرده باشد و همچنین اگر قبل از ممیز شدن او را - مثلاً به عمره مفرده - محرم کرده باشند و تا زمان تمیز او را طواف نداده باشند نمی تواند بدون ختنه طواف کند، و اگر از ختنه معذور باشد برای طواف نایب می گیرد و بنابر احتیاط مستحب خودش نیز طواف می کند.

آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد ختنه معتبر است و اگر نباشد احتیاط مستحب است.

آیه الله گلپایگانی: واجب است. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۸۵).

[۶۹]. آیه الله بهجت: اگر طفل محرم بدون ختنه طواف کند یا طواف دهند او را، طواف نساء از او باطل خواهد بود طبق احتیاط مذکور، پس زن از برای او بعد از بلوغ حلال نخواهد بود مگر آنکه تدارک طواف نساء نماید، خودش یا نایبش. (مناسک شیخ، ص ۲۷).

[۷۰]. آیه الله تبریزی: در ممیزی که خودش محرم شده باشد.

آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد.

آیه الله فاضل: طواف طفل ممیزی که ختنه نشده صحیح نیست، و از غیر ممیز بنابر احتیاط صحیح نیست هر چند احرام آنها صحیح است.

[۷۱]. آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: تمام طواف های او اشکال دارد.

[۷۲]. آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد بنابر احتیاط واجب حکم کسی را دارد که طواف را ترک کرده است مگر اینکه پس از ختنه طواف را اعاده کند.

[۷۳]. از آیه الله سیستانی: در مورد کفایت نیابت در این فرض، مطلبی در دست نیست.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: گرفتن نایب در این صورت (قبل از ختنه) مشکل است.

[۷۴]. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط بلکه اقوی. (مناسک، ص ۱۰۸، شرط پنجم).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است.

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب ستر عورت در طواف شرط است. (مناسک حج، م ۲۶۴)

[۷۵]. آیه الله سبحانی: بلکه لازم است علاوه بر ستر عورت عریان و برهنه نیز نباشد.

آیه الله مکارم: حتی اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است.

[۷۶]. آیه الله بهجت: طواف در لباس غصبی جایز نیست و در صحت آن تأمل و احتیاط است؛ خصوصاً در ساتر. (مستفاد از وسیله، ص ۱۷۹ در نماز).

آیه الله خامنه ای: لباس طواف کننده باید غصبی نباشد و طواف با لباس غصبی بنابر احتیاط واجب باطل است. (مناسک حج، م ۲۶۶)

آیه الله زنجانی: طواف در لباس غصبی - ساتر باشد یا غیر ساتر - برای غیر معذور، حرام و بنابر احتیاط مستحب، باطل است و در طواف واجب، پوشش به مقدار لازم بنابر احتیاط مستحب شرط صحت طواف است و لباسی را که در حال طواف واجب می پوشند علاوه بر طهارت بنابر احتیاط مستحب سایر شرایط لباس نمازگزار داشته باشد.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: بنابر احتیاط واجب.

[۷۷]. آیه الله سبحانی: باید جامه و کفش و دیگر لباس های طواف کننده مباح باشد بنابراین طواف در جامه و کفش غصبی باطل است.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: این احتیاط واجب نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر جامه احرام، کفش و یا لباس های دیگر شخص طواف کننده غصبی باشد طواف باطل است.

آیه الله نوری: بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز صحیح نیست.

[۷۸]. آیه الله نوری: از قبیل نبودن از اجزاء میته و از اجزاء حیوان غیر مأكول اللحم و از حریر نبودن و طلاافت نبودن را بنمایند.

آیه الله سبحانی: طواف در لباس غصبی صحیح نیست و شرایط لباس نمازگزار باید در آن مراعات شود.

[۷۹]. آیه الله اردبیلی: بلکه در طواف واجب مراعات موالات لازم است، مگر پس از شوط چهارم در حالت عروض عذر یا نسیان.

آیه الله بهجت: مراعات موالات عرفیه، در غیر موارد عذر حاصل بعد از شوط چهارم، لازم است. (مناسک شیخ، ص ۴۴).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: مراعات موالات لازم است.

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب، باید میان اجزاء طواف، موالات عرفی وجود داشته باشد، بدین معنا که میان دورهای طواف به اندازه ای فاصله نباشد که آن را از شکل طواف واحد خارج کند، البته اگر بعد از نصف طواف (سه و نیم دور)، آن را برای اقامه نماز و مانند آن قطع کند، اشکال ندارد. (استفتائات ۲۳ و مناسک حج، م ۲۶۷)

آیه الله زنجانی: به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۶۱۶ به بعد می آید رعایت موالات عرفی در طواف واجب و مستحب، لازم است.

آیه الله سبحانی: هفت شوط طواف و سعی هر کدام یک عمل واحدی است که باید آن را به صورت واحد به جا آورد از این جهت: اولاً نباید آنقدر طول داد که از صورت یک عمل در آید و ثانیاً هفت دور را باید پشت سر هم انجام داد و موالات را حفظ کرد و از خواندن نماز مستحبی در اثناء اشواط و دیگر اعمال که از نظر عرف با موالات سازگار نیست خودداری نمود. لکن برای رفع خستگی استراحت کردن و نشستن و مانند اینها به اندازه ای که موالات بهم نخورد چه در طواف و چه در سعی اشکالی ندارد.

آیه الله مکارم: در طواف واجب موالات لازم است و در مستحب شرط نیست.

[۸۰]. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: احوط و اولی این است که تمام بدن خود را بر تمام حجرالاسود بگذراند و برای انجام این احتیاط، کمی قبل از حجر بایستد و نیت کند که طواف را از محاذات واقعی انجام می دهم و زاید بر آن، از باب مقدمه علمیه است.

آیه الله سبحانی: در محاذات کافی است که در نظر عرف دقیق بگویند عمل خود را از محاذی حجرالاسود آغاز کرده و با رسیدن به محاذی آن پایان داد. برای این منظور کافی است که کمی قبل از رسیدن به حجرالاسود نیت کند که طواف را از محاذات واقعی آغاز می کنم و با رسیدن به آن نقطه نیز پایان می دهم (مناسک، کیفیت طواف).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف را در هر دور واجب است از حجرالاسود شروع کند و به آن ختم کند و چون تحقق این

معنا بر وجه حقیقت متعسرّ و بلکه متعذرّ است، در تحقق آن اکتفا می شود به اینکه پیش از رسیدن به حجرالأسود نیت کند و قصد کند که ابتدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زاید، از باب مقدمه علمیه باشد. و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که محاذی حجر شود و این کافی خواهد بود و با همین نیت هفت دور طواف کند.

آیه الله فاضل: آنچه که برای صحت طواف لازم است، آن است که شروع و ختم طواف نزد عرف از حجر و محاذی حجر باشد و می تواند برای یقین به حصول این معنا از باب مقدمه علمیه کمی قبل از حجر نیت کند و در پایان کمی پس از حجر ختم کند.

آیه الله مکارم: دقت در محاذی بودن اجزای بدن با اجزای حجرالأسود لازم نیست همین اندازه که عرفاً محاذات صدق کند کافی است.

[۸۱]. آیه الله اردبیلی: برای شروع کردن طواف از حجر الاسود، کافی است که طواف کننده کمی پیش از آنکه به روبروی حجر الاسود برسد، نیت کند که از همان جا که طواف واقعاً واجب است نزد خداوند محسوب شود. همین قصد اجمالی کافی است و یقین به محاذات خارجی لازم نیست.

[۸۲]. آیه الله خامنه ای: و مانعی ندارد از باب احتیاط اندکی زودتر وارد مسیر طواف شود با این نیت که طواف او از مقابل حجرالاسود باشد. (مناسک حج دستنویس، م ۱۹۸)

[۸۳]. آیه الله اردبیلی، آیه الله زنجانی: حکم آن در مسأله قبل گذشت.

[۸۴]. آیه الله اردبیلی: حکم آن در مسأله ۵۷۵ گذشت.

آیه الله خامنه ای: و البته می تواند اندکی بیش از این مقدار با نیت احتیاط طی نماید تا یقین حاصل کند که در همان نقطه آغاز طواف را پایان داده است. (مناسک حج، م ۲۷۰)

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی اقوی شروع به طواف است از جزء اول حجر.

آیه الله مکارم: این دقت ها لازم نیست و محاذات عرفیه با حجرالأسود کافی است.

نظریه سایر آیات عظام در مسأله ۵۷۵ گذشت.

[۸۵]. آیه الله خامنه ای: یعنی لازم نیست که در هر دور مقابل حجرالأسود بایستد. (مناسک حج، م ۲۷۰ و ۲۷۱)

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: یعنی توقف لازم نیست.

[۸۶]. آیه الله بهجت: به حسب شرایط مختلف باید ملاحظه تکلیف و وضع و ثبوت هر یک بشود.

[۸۷]. آیه الله اردبیلی: هرگاه طواف کننده در هر دور از طواف بدون توقف و جلو و عقب رفتن، از مقابل حجرالاسود عبور کند و در دور پایانی نیز با همان قصدی که هنگام شروع طواف گفته شد از روبروی حجرالاسود بگذرد، در واقع پایان همه دورهای طواف و نیز پایان طوافش حجرالاسود بوده و کافی است.

آیه الله بهجت: و این از حیث مطاف کافی است و از حیث طائف در ابتدا کافی است محاذات معظم بدن شخص، و تمام بدن محاذات آن احوط است و همچنین در ختم محاذات معظم بدن یا تمام بدن با بعضی از حجر، با رعایت وصول به موضع ابتدا موافق احتیاط است. (مناسک شیخ، ص ۳۹).

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی: و در شوط آخر احتیاطاً قدری از حجر بگذرد و زیادی را مقدمه علمیه محسوب دارد.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۷۷ مراجعه شود.

[۸۸]. آیه الله زنجانی: در حال طواف، لازم نیست روی طواف کننده به طرف جلو و شانه چپ او به سمت خانه کعبه باشد، بنابراین طواف کننده می تواند در حالی که رویش به سوی کعبه است طواف کند، بلکه اگر همان مسیر طواف را عقب عقب برود یا گاهی پشت او به کعبه شود طوافش صحیح است ولی باید در هر حال از حجرالاسود به سمت در خانه طواف نماید؛ پس اگر ناتوانی را که طواف می دهند در همان مسیر طواف دهند کافی است، هر چند شانه راستش به طرف کعبه باشد.

[۸۹]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: خانه خدا در جمیع احوال طواف، باید در طرف چپ قرار گیرد. پس اگر مقداری این چنین نبود، آن مقدار، از طواف شمرده نمی شود. آیه الله تبریزی در ادامه می فرمایند: و میزان در قرار دادن کعبه در طرف چپ، صدق عرفی است و بهتر این است که دقت شود بهخصوص در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبش های خانه خدا که در اینجاها باید مواظب بود که به چپ یا راست منحرف نگردد. □

□ آیه الله سبحانی: چنین حالتی که لازمه طبیعت طواف است اشکالی ندارد فقط باید مواظب باشد پشت به کعبه یا رو به کعبه نشود.

آیه الله سیستانی: خانه باید در همه حالات طواف در طرف چپ باشد، پس اگر رو به آن کند برای بوسیدن و مانند آن یا فشار جمعیت او را ناچار به پشت کردن یا رو کردن به آن کند، آن مقدار از طواف شمرده نمی شود ولی معیار صدق عرفی است و لازم نیست در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبش های خانه بدن را منحرف سازد.

آیه الله مکارم: بهتر است بهجای این گونه کارهای غیر متعارف، مانند همه مسلمین طواف کند و حضور قلب داشته باشد و با خداوند راز و نیاز کند.

[۹۰]. نظریه آیات عظام در این مسأله، در مسأله قبل گذشت.

[۹۱]. آیه الله زنجانی: اگر با اراده خودش قدم بر می دارد طوافش صحیح است.

[۹۲]. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: باطل نیست.

آیه الله خامنه ای: اگر با اختیار خود می رود ولی در اثر فشار جمعیت ممکن است گاهی به جلو یا به این طرف و آن طرف برود مانعی ندارد ولی اگر دیگری او را ببرد بهطوری که اراده از او سلب گردد اشکال دارد. (استفتاء)

آیه الله مکارم: این طواف باطل نیست. و در بسیاری از مواقع ازدحام طواف ظاهراً اختیار سلب می شود و چون از اول مختاراً این راه را انتخاب می کند منافات با اختیار ندارد، اما کارهای افراد نادان بسیار بد و زننده است.

[۹۳]. آیه الله فاضل: و خلاف تقیه نباشد و موجب...

[۹۴]. آیه الله فاضل: احتیاط در ترک آن است.

آیه الله مکارم: این کار لزومی ندارد.

[۹۵]. آیه الله زنجانی: چنانچه در حاشیه مسأله ۵۸۰ گفته شد، طواف در تمام این صورت ها صحیح است.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: و اگر نتواند در اثر ازدحام برگردد و جبران کند می تواند تا حجرالأسود بدون قصد طواف برود و از آنجا شوط را کاملاً اعاده نماید.

[۹۶]. آیه الله زنجانی: اگر با اراده خودش قدم برمی دارد طوافش صحیح است و گرنه باید آن را تدارک کند.

[۹۷]. آیه الله بهجت: البته با ملاحظه اینکه بردن غیر از سلب اختیار است. (مناسک، س ۹۵).

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

آیه الله سیستانی: اگر به طور کلی اختیار از او سلب شده باشد و در این صورت اگر بتواند آن مقدار را جبران نماید و اگر نتوانست همان گونه که در مسأله قبل گفته شد عمل کند و شوط را از سر بگیرد.

آیه الله مکارم: هرگاه با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شود و او را ببرند ضرری ندارد.

[۹۸]. آیه الله زنجانی: لکن در این صورت تا می تواند باید خود طواف کننده این وسائل را حرکت بدهد و کسی که پیاده طواف می کند در حال اختیار باید ایستاده طواف کند.

[۹۹]. آیه الله زنجانی: آن شوط باطل است و باید آن شوط را اعاده کند و منظور از ابطال عمدی و سهوی در دو مسأله بعد نیز ابطال شوط است.

[۱۰۰]. آیه الله اردبیلی: در مسأله بعدی حکم آن ذکر می شود.

[۱۰۱]. آیه الله بهجت: باید آن دور اعاده شود در صورتی که در ابتدای طواف، نیت طواف بر بیت محض نکرده باشد والا اعاده اصل طواف موافق احتیاط است؛ اگرچه عملاً در یک شوط اختصار نماید. (مناسک شیخ، ص ۴۱).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: باید آن دور اعاده شود.

آیه الله خامنه ای: اگر از داخل حجر اسماعیل ۷ طواف کند و یا از روی دیوار آن بگذرد، طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند، و اگر در یکی از دورهای طواف از داخل حجر بگذرد، فقط همان دور باطل است. (مناسک حج، م ۲۷۴)

آیات عظام زنجانی، صافی، گلپایگانی: باید آن دور را اعاده نماید و احوط اعاده کل طواف است بعد از اتمام آن.

آیه الله سبحانی: اگر سهواً و یا از روی جهل به حکم شرعی برخی از دورها را از داخل حجر اسماعیل انجام دهد دو صورت دارد. الف) اگر در همان اثنای طواف متوجه شد باید شوط و یا اشواطی را که به طور غیر صحیح انجام داده تصحیح کند و یا اعاده نماید تصحیح نسبت به □

□ اولین دوری که وارد حجر شده و اعاده نسبت به دورهای بعدی و شیوه تصحیح در ذیل مسأله ۵۸۵ بیان شد. ب) اگر پس از پایان یافتن عمل طواف متوجه شود در صورتی که ورود به حجر در شوط هفتم رخ داده باشد شیوه تدارک به همان نحو است که گفته شد و اگر شوط آخر درست انجام شد و شوط های قبلی اشتباه انجام شده در این صورت نماز طواف را بخواند و با صدق به هم خوردن موالات عرفی طواف دیگری به نیت اعم از اتمام (تصحیح) و اعاده انجام دهد و نماز طواف را به جا آورد.

آیه الله فاضل: اظهر این است که آن شوط را اعاده نماید.

آیه الله مکارم: فقط آن دور باطل می شود و چون برگشتن غالباً مشکل است می تواند همراه جمعیت برود و نزد حجر الأسود نیت کند و ادامهبدهد.

آیه الله نوری: آن مقدار از شوط را که حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرده است اعاده کند، چنان که اگر کسی از روی دیوار حجر اسماعیل رفته باشد باید شوط را اعاده نماید.

[۱۰۲]. آیه الله اردبیلی: اگر کسی به علت ندانستن مسأله در برخی از شوط های طواف به دور حجر اسماعیل ۷ نگرديد و وارد حجر شد، باید تمام آن دور را از سر بگیرد و طواف را کامل کند و نماز بخواند و اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، هرچند مطابق با احتیاط استحبابی است. ولی اگر از روی اشتباه و فراموشی وارد حجر شود، هرگاه برگردد و از همان جایی که وارد شده، طواف را ادامه دهد، کافی است و اعاده تمام آن دور و نیز اعاده تمام طواف لازم نیست.

[۱۰۳]. آیه الله زنجانی: باید احتیاطاً آن دور را از سر بگیرد و بعد از اتمام طواف و خواندن نماز، طواف و نماز آن را اعاده کند.

[۱۰۴]. آیه الله اردبیلی: با در نظر گرفتن تفصیل مذکور در حاشیه آن.

[۱۰۵]. آیه الله بهجت: اعاده همان جزء از طواف، که به بالا رفتن بر دیوار حجر باطل شده است، لازم می باشد. (مناسک شیخ، ص ۴۲).

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: در حکم رفتن در حجر است، بالا رفتن بر دیوار حجر، بنابر احتیاط.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله مکارم: اگر همان مقدار را اعاده کند کافی است.

[۱۰۶]. آیه الله خویی: به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

آیه الله فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند، طواف در خارج از محدوده، با رعایت الأقرب فالأقرب صحیح است.

آیه الله مکارم: رعایت این شرط لازم نیست ولی بهتر است.

آیه الله نوری: اقوی این است که در طواف، همین قدر که «طواف دور خانه خدا» صدق کند کافی است و مراعات اینکه طواف بین خانه خدا و مقام ابراهیم ۷ است لازم نیست و مستحب است. (مناسک، مسأله ۱۷۲).

[۱۰۷]. آیه الله اردبیلی: لازم نیست طواف در حد فاصل میان خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم ۷ که تقریباً ۲۶/۵ ذراع است انجام شود، بلکه در خارج از این حد نیز ولو در غیر حال اضطرار در صورتی که متصل به جمعیت طواف کننده باشد، می تواند طواف کند و لازم نیست برای مراعات طواف بین کعبه و مقام ابراهیم ۷، طواف را به تأخیر اندازد، هرچند مراعات حد مذکور اولی و احوط است؛ و با این تفصیل، حکم مسائل بعدی نیز روشن می شود.

[۱۰۸]. آیه الله زنجانی: یعنی در همه اطراف کعبه، مقدار محلی که در شرایط عادی می توان در آن طواف کرد، همین مقدار است؛ بنابراین در سمت دیوار حجر، محدوده طواف از بیرون دیوار حجر محاسبه می گردد نه از خانه کعبه، و کسی که نمی تواند و یا برای او مشقت شدید دارد که در محدوده، طواف کند، نایب می گیرد و اگر از آن هم معذور است می تواند در فاصله دورتر طواف کند و رعایت الاقرب فالاقرب لازم نیست؛ ولی در ایامی از سال - مانند ایام شلوغ حج و ماه رمضان - که محدوده مقام با ازدحام جمعیت روبروست و طواف کردن در این محدوده، در شب و روز برای معمول مردم، مشقت شدید دارد، طواف در فاصله دورتر صحیح است، هر چند برای شخص او طواف کردن در محدوده، مشقت نداشته باشد و فرقی بین طواف عمره و حج، و یا طواف واجب و مستحب نیست و احکام چند مسأله بعد، مربوط به شرایط عادی است که محدوده طواف، توسعه ندارد.

[۱۰۹]. آیه الله بهجت: از خانه تا سنگ مخصوص است نه بنا، و موضع معروف به «شاذروان» داخل بیت است از جمیع جوانب علیالأحوط. (مناسک شیخ، ص ۴۱).

[۱۱۰]. آیه الله بهجت: لیکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت - بیست و شش ذراع و نیم - نیز کافی باشد برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعین است و با تحریر اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع. (مناسک، مسأله ۳۰۶) و از اینجا حکم چهار مسأله بعدی معلوم می شود.

آیه الله تبریزی: در صورت امکان بنابر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم ۷ باشد ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

آیه الله خامنه ای: بنابر مشهور، طواف باید در فاصله میان کعبه و مقام ابراهیم ۷ و در جهت های دیگر نیز در همین فاصله انجام شود، اما اقوی آن است که طواف کردن در این فاصله شرط نیست و می تواند در خارج از این فاصله و در سایر بخش های مسجدالحرام نیز طواف را به جا آورد، بهویژه هنگامی که ازدحام شدید مانع از طواف در آن فاصله باشد، البته بهتر آن است که در صورت عدم ازدحام، در فاصله مذکور طواف کند. (مناسک حج، ص ۱۰۳، ششم) و از این مسأله حکم مسائل بعد نیز روشن می شود.

آیه الله خویی: و لیکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت بیست و شش ذراع و نیم نیز کافی باشد؛ خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر است و از این مسأله حکم چهار مسأله بعد هم معلوم می شود. (مناسک، مسأله ۳۰۶).

آیه الله سبحانی: یعنی در شعاع ۱۲ متر.

آیه الله سیستانی: ولی بعید نیست که در بیش از مقدار ذکر شده هم - هرچند که کراهت دارد - طواف جایز باشد؛ خصوصاً برای کسی که در فاصله ذکر شده توانایی طواف را ندارد یا موجب حرج و مشقت زیاد برای او می شود و در صورت توانایی رعایت احتیاط اولی است و از اینجا حکم مسائل بعد نیز روشن می شود. (مناسک، مسأله ۳۰۳).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: تا جایی که جمعیت طواف کننده متصل به یکدیگر مشغول طوافند، طواف در آن حدّ صحیح و مجزی است و مع ذلک اولی رعایت حدّ است با امکان، و از اینجا حکم چهار مسأله بعد روشن می شود. (آراءالمراجع، ص ۳۲۰).

آیه الله مکارم: رعایت این امر خوب است ولی لازم نیست. و در همین جا حکم چهار مسأله بعد روشن می شود.

[۱۱۱] آیه الله زنجانی: یعنی تمام اشواط طواف را پشت مقام ابراهیم طواف کند.

[۱۱۲] آیه الله تبریزی: اگر ازدحام بوده و طواف در فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم ۷ میسر نبود، طوافی که انجام داده صحیح است و اعاده ندارد، و از اینجا حکم سه مسأله بعد هم معلوم می شود.

آیه الله خویی، آیه الله مکارم: صحیح است و باطل نیست و مانند این حکم است مسأله ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶.

آیه الله سبحانی: اگر به جهت ازدحام، طواف در فاصله یاد شده موجب حرج و مشقت باشد، طواف در خارج محدوده با ملاحظه الاقرب فالاقرب صحیح است (کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۰۹).

[۱۱۳] آیه الله زنجانی: آن مقدار که از مطاف خارج بوده و بعد از آن تا در شوط بعد به همان مکانی که از مطاف خارج شده برسد، باطل است، بنابراین اگر این اشکال در شوط هفتم پیش آمده باید از جایی که از مطاف خارج شده تا حجرالاسود را اعاده کند و اگر در یکی از اشواط قبل رخ داده باید یک دور کامل دیگر بزند تا طوافش تکمیل شود؛ و در هر حال، اعاده همان جزء کفایت نمی کند.

آیه الله مکارم: مانند مسأله ۵۹۲ است.

[۱۱۴] آیات عظام زنجانی، سبحانی، صافی، گلپایگانی: در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می شود.

آیه الله فاضل: ظاهر آن است که در طرف حجر اسماعیل ۷ مقدار محل طواف ضیق نمی شود و از حجر به مقدار بیست و شش ذراع و نیم عنوان مطاف را دارد، لیکن رعایت احتیاط؛ یعنی طواف در مقدار شش ذراع و نیم نیکو است. (مناسک، مسأله ۴۱۶).

[۱۱۵] آیه الله مکارم: مانند مسأله ۵۹۲ است.

[۱۱۶] آیات عظام زنجانی، سبحانی، صافی، گلپایگانی: به حاشیه مسأله ۵۹۵ مراجعه شود.

[۱۱۷] آیه الله فاضل: ظاهر آن است که طوافش صحیح است. (مناسک، مسأله ۴۱۷).

[۱۱۸] آیه الله زنجانی: به این معنی که اگر از روی شاذروان طواف کند، آن مقدار از طوافش باطل است، و باید مطابق حاشیه مسأله ۵۹۴ طوافش را تکمیل کند و همچنین است حکم مسأله بعد.

[۱۱۹]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و احتیاط این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام، سپس طواف را اعاده نماید.

آیه الله سبحانی: باید آن مقدار را اعاده کند و چه بهتر که پس از اتمام طواف و خواندن نماز آن را نیز اعاده نماید.

آیه الله صافی: حکم راه رفتن روی دیوار حجر را دارد که حکم آن گذشت.

آیه الله مکارم: امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملاً طواف روی آن ممکن نیست.

[۱۲۰]. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: احوط آن است که در اثنای طواف دست خود را دراز نکند از طرف شاذروان به دیوار خانه به جهت استلام ارکان یا غیر آن و همچنین دست بر روی دیوار حجر نگذارد. (مناسک شیخ، ص ۴۲).

[۱۲۱]. آیه الله زنجانی: بلکه طواف کردن در حال بوسیدن کعبه نیز جایز است، گرچه...

[۱۲۲]. آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

[۱۲۳]. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله فاضل: بنابر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

آیه الله نوری: جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده نماید.

[۱۲۴]. نظریه آیات عظام، غیر از آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم که موافق متن هستند در این مسأله، مثل مسأله قبل است.

[۱۲۵]. آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط اصل طواف باطل است.

آیه الله خویی: با فرض تحقق قصد قربت طواف او صحیح است.

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط در هر حال طوافش باطل است. (مناسک عربی، ص ۱۱۲).

[۱۲۶]. آیه الله زنجانی: ولی در صورتی که به خاطر ندانستن حکم یا سهو و غفلت، قصد طواف کمتر یا بیشتر از هفت دور داشته باشد، چنانچه عملاً به هفت دور، ختم نماید، طوافش صحیح است.

[۱۲۷]. آیه الله اردبیلی: در جهل به حکم و سهو و نسیان اگر قصدش به جا آوردن وظیفه واقعی باشد ولی از باب خطا در تطبیق مثلاً شش دور یا هشت دور را نیت بکند در حالی که عملاً هفت دور طواف کند، طوافش صحیح است.

آیه الله بهجت: اشکال ندارد اگر به هفت دور تمام کند.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: در صورت ندانستن مسأله و در صورت سهو و غفلت، چنانچه به هفت دور تمام کند، اعاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است.

آیه الله خویی: نظرشان به دست نیامد.

آیه الله سبحانی: اگر از روی سهو و غفلت و یا عدم آگاهی از حکم شرع با چنین قصدی وارد طواف شود اگر در دور هفتم ختم کند طواف او صحیح است و اگر در کمتر از هفت دور طواف کند و تا موالات به هم نخورده متوجه شود و آن را تکمیل کند طواف او نیز صحیح است و الا احتیاطاً طواف قبل را تکمیل کند و نماز آن را بخواند سپس طواف و نماز را اعاده کند و می تواند یک طواف به نیت اعم از اتمام و تمام به جا آورد و بعید نیست که در صورت فوت موالات اعاده مطلقاً کافی باشد و اگر در بالاتر از هفت شوط به پایان برساند طواف او نیز صحیح است و مضر نیست مشروط بر اینکه از نخست تصمیم به اطاعت امر الهی داشته باشد و تصور می کرد که کاهش و افزایش مضر نیست.

[۱۲۸]. آیه الله زنجانی: از روی علم و عمد...

[۱۲۹]. آیه الله تبریزی: بنابراین اصل طواف باطل می شود، اگر از روی علم و عمد، قصد زیادتیر آوردن یا کمتر آوردن را کرده باشد.

آیه الله خویی: اگر قصد قربت مختل شود اصل طواف اشکال پیدا می کند.

آیات عظام سبحانی، سیستانی، فاضل، نوری: بنابراین احتیاط اصل طواف باطل می شود.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده و بعد اعاده کند.

[۱۳۰]. آیه الله اردبیلی: مگر آنکه به جهت خطای در تطبیق باشد که حکم آن در مسأله قبل گذشت.

[۱۳۱]. آیه الله زنجانی: و یا در کمتر از هفت شوط، طواف را رها کند به نحوی که موالات اجزاء سابق از بین برود اصل طواف، باطل می شود؛ و اگر عدول از قصد هفت شوط، از روی سهو یا جهل باشد آنچه با این نیت، انجام داده صحیح است، مگر بیشتر از هفت شوط طواف کرده باشد.

[۱۳۲]. آیه الله بهجت: آنچه که مصادف با نیت زیاده بوده است، باطل می باشد. (مستفاد از مناسک شیخ، ص ۴۳).

نظریه آیه الله گلپایگانی در مسأله قبل گذشت.

آیه الله سبحانی: و اگر از روی غفلت و سهو و یا عدم آگاهی از حکم شرعی باشد حکم آن در مسأله قبل گذشت.

[۱۳۳]. آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: هفت دور واجب است.

[۱۳۴]. آیه الله زنجانی: اگر به قصد هفت شوط، مشغول طواف شده و از روی علم و عمد، از طواف واجب کم کند باید قبل از فوت مولات، آن را اتمام کند و اگر نکند طوافش باطل می شود.

[۱۳۵]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر مولات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه مولات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر طواف کننده در طواف واجب بی دلیل طواف خود را قطع کرد به این معنی که از مطاف خارج شود و مشغول به کاری شود که عرفاً صدق کند طوافش را قطع کرده است پس اگر قبل از تمام نمودن شوط چهارم باشد، طواف باطل است و باید آن را دوباره انجام دهد و اگر بعد از آن باشد، احتیاط واجب این است که آن را تمام کند و دوباره انجام دهد. مگر اینکه فوت مولات شود که می تواند از سر بگیرد. (مناسک، مسأله ۳۰۸).

[۱۳۶]. آیه الله اردبیلی: چنانچه طواف کننده از مطاف خارج نشده باشد و مولات نیز به هم نخورده باشد، باید طواف را تکمیل کند و طوافش صحیح است؛ و اگر از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طواف را قطع کرده، چنانچه پیش از اتمام شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید آن را از سر بگیرد، و اگر بعد از شوط چهارم باشد، احتیاطاً باید یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد مگر اینکه مولات به هم بخورد که در این صورت باید آن را از سر بگیرد.

[۱۳۷]. آیه الله مکارم: اگر قبل از فوت مولات اتمام کند صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر مولات بهم نخورده آن را تمام کند و اگر مولات بهم خورده است طواف را تمام کند و نماز به جا آورد سپس طواف را از سر بگیرد و نماز آن را نیز بخواند و اگر هیچ کدام را انجام ندهد بسان کسی خواهد بود که عمدتاً طواف را که رکن است ترک کرده باشد.

[۱۳۸]. آیات عظام تبريزي، خويي، زنجاني، سيستاني: بلکه بنابر اظهر. (مناسک، مسأله ۳۱۵).

[۱۳۹]. آية الله بهجت، بايد اعاده کند در هر دو صورت.

آية الله زنجاني: چهل به مسأله، حکم سهو را دارد و حکم آن در مسأله ۶۰۸ خواهد آمد.

[۱۴۰]. آیات عظام زنجاني، مکارم: يا فاصله زيادي بدهد.

آية الله سبحاني: حکم آن در مسأله ۶۰۶ گذشت.

[۱۴۱]. آية الله بهجت: اگر سهو^۱ از طواف کم کرده پس تمام کردن آن در صورت تجاوز از نصف ؛ يعني با تمام شدن چهار شوط علیالاحوط، و از سرگرفتن آن در صورت عدم، خالي از وجه نيست. (مناسک شيخ، ص ۴۲).

آية الله تبريزي: نظرشان عيناً مانند آية الله خويي در حکم ذيل است، الا اينکه معظم له در مقدار فراموش شده که اگر بيش از یک و کمتر از چهار باشد بهجاي عبارت: «بايستي برگشته» مي فرمايند: بنابر احتياط بايستي برگشته و کمبود را شخصاً به جا آورد و پس از به جا آوردن، کمبود طواف را اعاده نمايد و همچنين اگر مقدار فراموش شده چهار يا بيش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است.

آية الله خويي: هرگاه مقداري از طواف را سهو^۱ کم کند، اگر پيش از فوت مولات يادش آمد و از مطاف بيرون نرفته باشد کمبود را به جا آورد و طوافش صحيح خواهد بود و چنانچه پس از فوت مولات يا بيرون رفتن از مطاف يادش بيايد و مقدار فراموش شده یک شوط باشد یک شوط را به جا آورد و طوافش صحيح است و چنانچه شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد، بايد ديگري را نايب بگيرد که آن شوط را به جا آورد و چنانچه مقدار فراموش شده بيش از یک و کمتر از چهار شوط باشد بايستي برگشته و کمبود را شخصاً بهجا آورد و بهتر اين است که پس از به جا آوردن کمبود طواف را اعاده نمايد و اگر مقدار فراموش شده چهار يا بيش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است. (مناسک، مسأله ۳۱۶).

آية الله زنجاني: اگر سهو^۱ يا به خاطر ندانستن مسأله، مقداري از طواف را ترک کنند يا آن را به شکل باطل انجام دهد هر وقت متذکر شود طواف را تکميل مي کند، هر چند از نصف طواف نگذشته باشد يا مولات از بين رفته باشد.

آية الله سبحاني: اگر از روي غفلت و فراموشي کمتر از هفت مرتبه کعبه را دور بزند اگر پيش از آنکه مولات بهم بخورد به خاطر بياورد بايد باقيمانده را به جا آورد و اگر پس از بهم خوردن مولات توجه کند هرگاه آنچه آورده کمتر از سه و نيم شوط باشد طواف را از سر بگيرد و اگر بيش از آن باشد باقيمانده را به جا آورد و بهتر است علاوه بر آن طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: در صورتی که از روی اشتباه یا فراموشی، بعضی از شوط های طواف یا □
قسمتی از یک شوط را انجام نداده باشد، پس اگر پیش از فوت موالات عرفی به یادش آمد، باقیمانده آن را به جا آورد و طواف
صحیح است و اگر پس از آن باشد، در صورتی که مقدار فراموش شده، یک یا دو یا سه شوط باشد، آن را به جا آورد و طواف باز
هم صحیح است... و در صورتی که مقدار فراموش شده بیش از سه شوط باشد، بنابر احتیاط واجب باقیمانده را بهجا آورد و طواف
را اعاده کند. (مناسک، مسأله ۳۱۳).

آیه الله مکارم: یعنی چهار دور کامل انجام داده باشد.

[۱۴۲]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر چهار دور تمام شده باشد لازم است طواف را تمام کند و اگر کمتر از نصف باشد اعاده
نماید و در فاصله بین ۵/۳ تا چهار دور احتیاط در تکمیل اشواط و اعاده است.

[۱۴۳]. آیه الله اردبیلی: بلکه حتی در صورت فوت موالات نیز وظیفه اش اتمام است و احتیاط لازم نیست.

آیه الله مکارم: این شرط زاید است.

[۱۴۴]. آیه الله فاضل: اولی و احوط این است.

آیه الله مکارم: و اتمام لازم نیست باید اعاده کند.

[۱۴۵]. آیه الله اردبیلی: چنانچه موالات به هم نخورده، آن را اتمام کند وگرنه احتیاطاً یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام به
جا آورد.

آیه الله مکارم: مانند مسأله سابق است.

[۱۴۶]. نظریه سایر آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

[۱۴۷]. آیه الله بهجت: و اگر متذکر نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود، پس نایب می گیرد. (مناسک شیخ، ص ۴۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی: باید برگردد.

آیه الله خامنه ای: باید برگردد. (مناسک حج، م ۲۸۳ و ۲۸۴) □

□ آیه الله سبحانی: اگر نصف طواف را انجام نداده باید طواف را اعاده کند و اگر نیمه اول آن را انجام داده بنا بر احتیاط اتمام و اعاده کند و اگر خود نمی تواند نایب بگیرد و علاوه بر نماز طواف نائب، خودش نیز هر کجا هست نماز طواف را بخواند.

آیه الله سیستانی: اگر نتواند باقیمانده را خود به جا آورد، اگر چه به این علت باشد که پس از رجوع به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود قرار دهد و به هر حال نماز طواف را باید خودش هر جا هست بعد از طواف نایب بخواند.

[۱۴۸]. آیه الله سبحانی: اگر بتواند باید برگردد و بعد از اتمام طواف نماز بخواند و احتیاطاً طواف را اعاده نماید و در غیر این صورت برای طواف نایب بگیرد او نیز علاوه بر اتمام طواف و انجام نماز مجدداً طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و در این صورت نیز بنابر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آن است که شتر باشد (مناسک فارسی، مسأله ۱۰۴).

آیه الله مکارم: و احتیاط آن است یک گوسفند در مکه قربانی کند و اگر نتوانست در شهر خودش قربانی کند.

[۱۴۹]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می شود.

[۱۵۰]. آیه الله زنجانی: خواه طواف دوم، واجب باشد یا مستحب، و این کار، طواف را باطل می کند، ولی اعاده احتیاطی طواف، قرآن نیست و مبطل طواف نیز نمی باشد.

[۱۵۱]. آیه الله اردبیلی: اگر طواف دوم تمام نشود، قرآن محقق نمی شود ولی چنانچه با توجه به عدم جواز قرآن آن را قصد کرده بوده، قصد قربت محقق نشده و بنابر احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند.

آیه الله بهجت: اگر طواف دیگر را به آخر نرساند، نه زیادی در طواف است و نه قرآن. (مناسک، مسأله ۳۱۷).

آیه الله تبریزی: اگر قصد جزئیت زیادی را برای طواف دیگر بنماید و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را [] به آخر برساند، در این صورت نه زیادی است و نه قرآن، ولی گاهی طواف در این صورت به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل می شود و آن در صورتی است که مکلف هنگام شروع به طواف یا در اثنای آن، با اینکه می داند قرآن حرام و مبطل طواف است آن را قصد نماید که قصد قربت با قصد حرام جمع نمی شود، هر چند از باب اتفاق آن حرام انجام نشود. (مناسک، مسأله ۳۱۷).

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: اگر طواف دوم کمتر از هفت شوط باشد داخل در قرآن نیست، بلی اگر از ابتدا قصد هفت شوط دارد و می داند قرآن مبطل است دیگر قصد قربت در طواف اول از او متمشی نمی شود. (مناسک، قبل از مسأله ۳۱۸).

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: اگر طواف دوم را تمام نکند قرآن نیست ولی اگر قصد قرآن را داشته باشد با علم به اینکه مبطل است قصد قربت محقق نمی شود و طواف باطل است.

آیه الله مکارم: ولی طواف اول باطل نیست.

نظریه سایر آیات عظام در مسأله ۶۰۹ و ۶۱۰ گذشت.

[۱۵۲]. آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می شود، چه از اول این قصد را داشته باشد و یا در بین آن و یا آخر آن.

[۱۵۳]. آیه الله زنجانی: اگر از ابتدا یا اثناء قصد زیاد کردن طواف کامل دیگری بنماید هر چه با این قصد طواف کند باطل است. و اگر بعد از تمام شدن...

[۱۵۴]. آیه الله بهجت، کلام ایشان مطلق است و تفاوتی بین اینکه از ابتدا قصد اضافه کردن را داشته باشد یا در اثناء، نگذاشته اند. (مناسک، ص ۱۱۴).

آیه الله سیستانی: اگر از ابتدا قصد قران داشته باشد باطل است.

[۱۵۵]. آیه الله زنجانی: مگر آنکه این کار باعث فوت موالات بین طواف واجب و نمازش شود.

[۱۵۶]. آیه الله اردبیلی: اگر طواف دوم را تکمیل کند، طواف اول باطل است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بلکه در فرض اتیان به طواف کامل، اظهر بطلان طواف اول است مطلقاً. (مناسک، قبل از مسأله ۳۱۸).

آیه الله سبحانی: اگر از اول و یا در اثناء یا در پایان طواف در این تصمیم عامد باشد طواف باطل است ولی نماز آن را احتیاطاً بخواند لکن باید بعد از فوت موالات طواف و نماز آن را اعاده کند و در هر صورت اکتفاء به طواف اولی نکند. □

□ آیه الله سیستانی: اگر طواف دوم را تمام کند طواف اول باطل است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط آن است که نماز طواف را بخواند و بعد اصل طواف و نماز آن را اعاده کند.

[۱۵۷]. آیات عظام اردبیلی، زنجانی: واجب است که...

آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط واجب آن را به هفت دور برساند و بعد از اتمام، دو رکعت نماز به عنوان طواف واجب و بعد از سعی دو رکعت هم برای طواف مستحب به جا آورد. نیت هفت دور دوم فقط به قصد قربت و مطلوبیت باشد نه واجب و نه مستحب اگر چه ظاهر این است که هفت دور دوم طواف واجب محسوب می شود و نماز آن بعد از طواف است و هفت دور اول مستحب و نماز آن بعد از سعی.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: این احتیاط مستحب است. (مناسک، ص ۷۰، مسأله ۱۰۳).

[۱۵۸]. از اینجا تا آخر مسأله در مناسک آیه الله خویی مذکور نیست.

[۱۵۹]. آیه الله بهجت: احتیاط در این است که دو رکعت فریضه قبل از سعی بهجای آورد و دو رکعت نافله را می تواند بعد از سعی بهجای آورد. (مناسک، مسأله ۳۱۸).

آیه الله سیستانی: اگر از روی اشتباه چیزی بر شوط های طواف خود بیافزاید، پس اگر بعد از رسیدن به رکن عراقی یادش آمد، مقدار افزوده را تا یک طواف کامل به اتمام برساند و احتیاط واجب این است که طواف دوم را در این هنگام به قصد قربت بدون اینکه واجب یا مستحب بودن آن را قصد کند به اتمام برساند، و پس از آن چهار رکعت نماز بخواند و احتیاط مستحب این است که بین آنها فاصله ای بیندازد؛ به این معنا که دو رکعت قبل از سعی جهت طواف واجب به جا آورد و دو رکعت پس از سعی جهت طواف مستحبی به جا آورد. و همچنین است بنابر احتیاط واجب اگر پیش از رسیدن به رکن عراقی یادش بیاید. (مناسک، مسأله ۳۱۴).

آیه الله فاضل: و احتیاط مستحب آن است که دو رکعت نماز بعد از سعی برای غیر فریضه انجام دهد.

[۱۶۰]. آیه الله بهجت: احوط عدم قطع طواف واجب است؛ یعنی ترک بقیه آن، بهنحویکه موالات عرفیه فوت شود بدون عذر و به مجرد خواهش نفس. (مناسک شیخ، ص ۴۴).

آیه الله خویی: قطع طواف و سعی جایز نیست. (استفتاءات).

آیه الله زنجانی: قطع عمدی طواف واجب در غیر موارد خاصه، جایز نیست؛ و مراد از قطع در این مسأله و اکثر مسائل بعدی این است که طواف کننده با ایجاد فاصله یا انجام فعل کثیر، موالات عرفیه بین اشواط را از بین ببرد. موارد خاصه عبارتند از: استراحت، وضو و غسل و تیمم، آب کشیدن بدن یا لباس، تنگی وقت نماز واجب یا نماز وتر یا نماز جماعت، رسیدن به نماز اول وقت، برآوردن احتیاج دیگری، بیماری، عیادت بیمار، و هر کاری که مطلوب شارع مقدس است و وقت آن می گذرد مانند تطهیر مسجد و تشییع جنازه مؤمن. در تمام مواردی که طواف را رها می کند اگر موالات از بین نرفته باید آن را تکمیل کند و اگر از بین رفته به حکم قطع طواف که در مسائل بعدی می آید رفتار نماید.

آیه الله سبحانی: قطع طواف واجب بدون عذر جایز نیست (کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۴۸).

آیه الله سیستانی: قطع طواف واجب برای کاری ضروری بلکه بنابر اظهر قطع آن مطلقاً گرچه برای کاری یا ضرورتی نباشد جایز است. (مناسک، مسأله ۳۰۷).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف واجب را نباید بدون عذر قطع کند. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۸۹).

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب قطع نکند.

[۱۶۱]. آیه الله خامنه ای: قطع طواف مستحبی و حتی طواف واجب، جایز است؛ هر چند احوط آن است که طواف واجب را به اندازه ای که عرفاً موالات از میان برود، قطع نکند. (مناسک حج، م ۲۶۹).

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که قطع نکند، ولی چنانچه به هر جهت قطع کرد و از نو یک طواف کامل انجام داد، مجزی و صحیح است، هر چند موالات بههم نخورده، و فرقی نیست که دور دوم را مثلاً رها کند یا غیر آن را.

[۱۶۲]. آیه الله زنجانی: باید طواف را از سر بگیرد و احتیاط مستحب در آن است که اگر قطع بعد از نیمه شوط چهارم بوده، قبل از اعاده، طواف قبلی را تکمیل کرده نماز آن را بخواند.

[۱۶۳]. آیه الله بهجت: احوط بلکه اقوی استیناف آن است هر چند که چهار شوط به جا آورده باشد. (مناسک شیخ، ص ۴۴). □

□ آیه الله تبریزی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند. (مناسک، مسأله ۳۱۰).

آیه الله گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به جا آورده باشد، طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند. (احکام عمره، ص ۶۲ و ۶۳).

نظریه سایر آیات عظام در این مسأله و مسأله بعد، در ذیل مسأله ۶۰۶ گذشت.

[۱۶۴]. آیه الله سبحانی: اگر از نصف تجاوز کرده...

[۱۶۵]. آیه الله اردبیلی: و یا یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیه الله فاضل: اعاده مستحب است، هر چند موالات عرفیه بههم نخورده باشد.

[۱۶۶]. آیه الله اردبیلی: بدون عذر.

[۱۶۷]. آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسأله ۶۰۶ مراجعه شود.

[۱۶۸]. آیه الله زنجانی: قطع طواف واجب به جهت عذر چند صورت دارد: ۱. قطع طواف به خاطر حدث اصغر یا اکبر (جنابت و حیض) حکم آن در حاشیه مسأله ۵۴۹ گذشت؛ ۲. قطع طواف برای عروض بیماری در اثناء طواف: اگر قبل از نصف (۵/۳ شوط) قطع کرد، باید خودش و اگر نمی تواند نائیش آن را از سر بگیرد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم قطع کرده باید بدون تأخیر برای تکمیل طواف، نایب بگیرد و کافی است والا باطل می شود و باید آن را از سر بگیرد و اگر بین نیمه و پایان شوط چهارم بود باید بدون تأخیر برای تکمیل آن نایب بگیرد و همچنین خودش و اگر نمی تواند نائیش یک طواف کامل به جا آورد؛ ۳. قطع طواف برای استراحت یا تطهیر بدن و لباس یا مسجد یا برای تنگی وقت نماز یا رسیدن به نماز اول وقت یا شرکت در نماز جماعت، در تمام این موارد پس از رفع عذر طواف قبلی را هر چند کمتر از نصف باشد تکمیل می کند؛ ۴. قطع طواف به جهت موانع خارجی مانند تشکیل صفوف جماعت و نظافت مسجد، حکم آن در حاشیه مسأله ۶۴۶ خواهد آمد. در تمام صورت های چهارگانه اگر طواف را از سر بگیرد طوافش صحیح است.

[۱۶۹]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۴۹ و ۵۵۱ مراجعه شود.

[۱۷۰]. آیه الله سبحانی: اگر بعد از تمام شدن سه دور و نیم باشد، و بعد از تحصیل طهارت.

[۱۷۱]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: پس اگر به نصف نرسیده اعاده کند و اگر در فاصله بین ۵/۳ و ۴ بوده احتیاط به اتمام و اعاده طواف است.

آیه الله فاضل: اگر از نصف تجاوز نکرده عذر پیدا شد طواف را اعاده کند و اگر از نصف گذشته و دور چهارم را تمام نکرده است، احتیاط آن است که طواف را تمام کند و اعاده نماید و یا از نو یک طواف کامل انجام دهد.

[۱۷۲]. آیه الله اردبیلی: وجهی برای این احتیاط وجود ندارد.

[۱۷۳]. نظریه آیات عظام در بحث حدت اصغر و جنابت در مسأله ۵۴۹ و ۵۵۰ و راجع به حیض در مسأله ۵۵۱ گذشت.

و اما در مورد مرض:

آیه الله بهجت: هرگاه طواف کننده به علت عذر ناچار طواف خود را قطع نمود و از مطاف بیرون رفت، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، اگر قادر بر اتمام نباشد احوط آن است که صبر کند تا وقت آن طواف تنگ شود، اگر قادر نشد او را دوش می گیرند و طواف می دهند و اگر ممکن نباشد نایب از برای او می گیرند در اتمام. (مناسک، مسأله ۳۱۲).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در این فرض اگر ناچار به قطع طواف شد و از مطاف خارج گردید، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، احتیاط این است که برای باقیمانده نایب بگیرد و شخصاً بعد از زوال عذر احتیاطاً باقیمانده را به جا آورده و طواف را اعاده نماید.

آیه الله سبحانی: اگر بعد از تمام شدن نصف شوط چهارم بود....

آیه الله سیستانی، نظریه ایشان مطابق با متن است ولی اضافه فرموده‌اند: این در طواف واجب بود و اما در طواف مستحبی، از هر جا که قطع کند مادامی که موالات عرفی فوت نشده است می تواند برگردد و تمام نماید و همچنین در مورد عذر، علاوه بر مرض قضای حاجتی برای خود یا برادر دینی ذکر فرموده اند.

[۱۷۴]. آیه الله سبحانی: و نایب یک طواف کامل به نیت اعم از اعاده و اتمام و یا به عنوان تکلیف فعلی منوب عنه انجام دهد و نماز آن را بخواند و احتیاطاً منوب عنه هم در هر کجا هست اگر امکان دارد نماز طواف را خودش نیز بخواند.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم عاجز شود و نتواند او را طواف دهند باید نایب بگیرد که طواف را از اوّل به نیابت او انجام دهد و اگر بعد از تمام کردن شوط چهارم باشد، نایب در مقدار باقیمانده نیابت می کند. (ملحق مناسک، ۲۳۴).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و چون بعید نیست گفته شود که: «طواف حکم نماز را دارد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج به دلیل است» نایب همه طواف را انجام دهد. (آراءالمراجع، ص ۲۴۹).

نظریه سایر آیات عظام در مورد نیابت در مسأله قبل گذشت.

[۱۷۵]. آیه الله زنجانی: و پس از آن بدون تأخیر، طواف را اتمام نماید، هر چند قبل از شوط چهارم باشد.

[۱۷۶]. آیه الله خامنه ای: اگر طواف واجب را برای اقامه نماز واجب قطع کند، در صورتی که پس از انجام نیمی از طواف چنین کند، پس از نماز ادامه آن را انجام داده و هفت دور کامل می کند، و اگر پیش از اتمام نصف طواف چنین کند، در صورتی که فاصله زیادی ایجاد شود، احوط آن است که طواف را از ابتدا انجام دهد، ولی اگر فاصله زیاد حاصل نشده باشد، عدم وجوب رعایت احتیاط در این مورد، بعید به نظر نمی رسد، اما رعایت احتیاط در هر حال پسندیده است. در این مورد، تفاوتی ندارد که نماز جماعت باشد یا فردای ؛ و وقت نماز تنگ باشد یا نباشد و از این مسأله حکم مسأله بعد نیز روشن می شود. (مناسک حج، م ۲۶۸)

آیه الله سبحانی: بعد از نیمه طواف.

[۱۷۷]. آیه الله فاضل: ولی چنانچه تمام نکرد و از سر گرفت طوافش صحیح است.

[۱۷۸]. آیه الله بهجت: اگر موالات عرفیه به هم بخورد. (مستفاد از مناسک، ص ۱۶۱، مسأله ۱۲ مسائل متفرقه).

آیه الله سبحانی: قبل از نیمه طواف بوده.

[۱۷۹]. آیه الله اردبیلی: از هر جا که قطع کرده اتمام از همان جا کافی است، چه پیش از اتمام دور چهارم باشد و چه پس از آن.

□

آية الله تبريزي: اعاده لازم نيست، گرچه احتياط مستحب آن است كه طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده كند.

آية الله سيستاني: بايد اتمام كند و احتياط مستحب آن است كه طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده كند.

آية الله صافي، آية الله گلپايگاني: ولي اگر از نصف گذشته و چهار شوط هم تمام نشده، احتياطاً طواف را تمام كند و بعد اعاده كند.

آية الله مكارم: و بنابر احتياط واجب آن را اعاده كند.

[۱۸۰]. آية الله بهجت: اگر موالات عرفيه بههم نخورد و اگر بههم بخورد و قبل از اكمال شوط چهارم باشد احتياط مراعات شود با اكمال آن طواف و اعاده آن. (مناسك، س ۸۸)؛ (مستفاد از مناسك، ص ۱۶۱، مسأله ۱۲).

آية الله سبحاني: و سپس اگر قطع طواف پس از تجاوز از نيمه طواف بوده باقيمانده را از همان نقطه و يا محاذي آن بياورد و اگر قبل از تجاوز از نصف بوده طواف را اعاده كند.

[۱۸۱]. آية الله اردبيلي: رعايت اين احتياط لازم است.

آية الله تبريزي، آية الله سبحاني: بنابر احتياط مستحب طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده كند.

آية الله خامنه اي: نبايد به شك خود اعتنا كند، بلكه بنا را بر صحت بگذارد. (مناسك حج، م ۲۸۶)

آية الله زنجاني: رعايت اين احتياط واجب نيست و اگر در جماعت شركت نكند، ولي صفوف جماعت، طواف را قطع كند حكم آن در حاشيه مسأله ۶۴۶ خواهد آمد.

آية الله مكارم: اين احتياط واجب نيست.

[۱۸۲]. آية الله زنجاني: اگر احتمال بدهد هنگام طواف نسبت به رعايت عدد اشواط، التفات داشته است، در هيچ يك از دو صورت اعتنا به شكش نكند والا بايد طواف را اعاده كند.

[۱۸۳]. آیه الله اردبیلی: به شرط آنکه وارد عمل دیگری شده باشد به گونه ای که عرفاً فارغ از عمل محسوب شود، وگرنه در صورتی که شک بین هفت و کمتر از هفت باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را اعاده نماید.

[۱۸۴]. آیه الله فاضل: این اشکال در صورت عدم انصراف از طواف است اما اگر شک بعد از انصراف و دخول در نماز طواف باشد اعتنا نکند و طواف او صحیح است بلکه ظاهراً به محض انصراف هم، طواف محکوم به صحت است و لازم نیست اعتنا کند.

[۱۸۵]. آیه الله بهجت: هرگاه بعد از فراغ از طواف شک نماید که آیا طواف هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در صورت دوم طواف باطل است مگر اینکه بعد از دخول در نماز طواف شک بکند که به شکش اعتنا نمی کند. (مناسک، مسأله ۳۱۹).

آیه الله سبحانی: به شک پس از فراغ عمل اعتنا نکند.

آیه الله سیستانی: اگر در عدد شوط ها یا در صحت آنها بعد از تمامی طواف یا بعد از تجاوز از محل شک کنند نباید به شک اعتنا نماید؛ مثلاً پس از فوت موالات یا بعد از وارد شدن در نماز طواف شک نماید. (مناسک، مسأله ۳۱۵).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط واجب نیست.

[۱۸۶]. آیه الله زنجانی: حکم مسأله قبل را دارد.

[۱۸۷]. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: حکم شک بعد از تمام شدن طواف در مسأله ۶۲۲ گذشت.

[۱۸۸]. آیه الله بهجت: احوط بطلان طواف است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاطاً بقصد رجاء تمام و اعاده طواف نماید.

آیه الله زنجانی: ولی اگر اطمینان دارد تا پیش از پایان طواف، نسبت به تعداد اشواط، حجت شرعی پیدا می کند - مثلاً از رفیقی که اشواط او را می شمرد می پرسد - می تواند طواف را در حال شک ادامه دهد و اگر حجت شرعی پیدا کرد طوافش صحیح است، والا باطل است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

[۱۸۹]. آیه الله بهجت: بطلان طواف او و لزوم استیناف خالی از قوت نیست با آنکه فیالجمله احوط است و احوط از آن بنا بر اقل بگذارد و اتمام و بعد از آن اعاده طواف نماید. (مناسک شیخ، ص ۴۳).

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: باید آن شوط را تکمیل و نماز طواف را به جا آورد و یک بار دیگر طواف و نماز را مجدداً اعاده کند البته در تمام موارد اعاده طواف بهتر است و مقداری بین طواف قبل و بعد فاصله بیندازد.

آیه الله سیستانی: اگر شک در نقیصه در غیر ۶ و ۷ باشد، طوافش باطل است. و اگر شک در پایان شوط بین ۶ و ۷ باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را اعاده کند ولی اگر در این صورت بنابر ۶ گذاشت و از روی جهل به مسأله طواف را تمام کرد و متوجه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است و اگر شک در زیاده و نقصان باشد؛ مثل اینکه شک کند بین ۶ و ۷ و ۸ و یا شک بین ۶ و ۸ طوافش باطل است. (مناسک، مسأله ۳۱۴).

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

[۱۹۰]. آیه الله زنجانی: بنابر اقل، گذاشته طواف را تمام می کند و سپس دوباره اعاده می کند؛ البته می تواند به شمارش دیگری اکتفا کند هر چند از گفته او اطمینان پیدا نکند، و همچنین اگر کثرت شک به حد وسواس برسد اعتنا نکند.

[۱۹۱]. آیه الله بهجت: کثیر الشک در طواف مثل کثیر الشک در نماز است و همان وظیفه را دارد (پرسشهای جدید حج، ص ۱۵، سؤال ۶۴).

□ آیه الله خویی: کثیر الشک در طواف تا به حدّ وسواس نرسد باید به شکش اعتنا کند. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۳).

آیه الله سبحانی: بنابراین بنا را به طرفی نمی گذارد که موجب بطلان طواف او باشد اما در رمی باید آنقدر پرتاب کند که یقین نماید.

آیه الله سیستانی: کثیر الشک در طواف نباید به شکش اعتنا کند چنانچه در نماز نباید اعتنا کند. (ملحق مناسک، س ۲۱۲).

آیه الله مکارم: و بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد.

[۱۹۲]. آیه الله بهجت: حکم آن مانند حکم ظنّ در نماز است.

[۱۹۳]. آیه الله سبحانی: باید هر کجای سعی هست آن را رها کند و برگردد و طواف و نماز آن را به جای آورد و سپس احتیاطاً سعی را اتمام و اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر قبل از شوط چهارم سعی یابد که طواف به جا نیاورده، سعی را رها کند و طواف را به جا آورد و سپس سعی را انجام دهد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم بوده، آن را قطع کند و بعد از انجام طواف، سعی را اتمام و به احتیاط واجب آن را اعاده نماید. (آداب و احکام حج، م ۶۶۷).

[۱۹۴]. آیه الله بهجت: احتیاط در اتمام و سپس اعاده سعی است.

آیه الله سبحانی: و طریقه تکمیل بدین گونه است: هرگاه تعداد شوط هایی که انجام داده نصف یا بیشتر از آن باشد در این صورت طواف را تکمیل می کند و پس از خواندن نماز برای تکمیل سعی بر می گردد و احتیاطاً سعی را تکمیل و سپس از سر بگیرد و اگر تعداد شوط های طوافی که انجام داده کمتر از نصف باشد در این صورت طواف را از سر می گیرد و نماز می خواند و سعی را احتیاطاً اتمام و اعاده می کند.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از فوت موالات متذکر شود یا بعد از آن باشد ولی سه شوط یا کمتر باقی مانده باشد اتمام طواف کافی است ولی اگر بیش از آن باشد به احتیاط واجب طواف را پس از اتمام اعاده کند و نسبت به سعی اتمام کافی است گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است پس از اتمام.

[۱۹۵]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط مستحب است. □

□ آیه الله تبریزی: این احتیاط در اتمام و اعاده طواف ترک نشود و همچنین است نسبت به سعی. ولی اگر سعی فراموش شده یک شوط باشد، اعاده لازم نیست و اتمام کافی است.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط در طواف و سعی، مستحب است.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

[۱۹۶]. آیات عظام نظریه‌شان را در مسأله قطع طواف سهواً در ذیل مسأله ۶۰۸ و ۶۰۹ مفصلاً ذکر فرموده اند ؛ مراجعه شود.

[۱۹۷]. آیه الله زنجانی: و لازم نیست در حال طواف، شانه چپ آنها به طرف کعبه باشد.

[۱۹۸]. آیه الله خامنه ای: و شایسته است که در حال طواف، همواره خشوع و حضور قلب داشته و به ذکر خدا مشغول باشد، و اداعیه وارده را قرائت کند. (مناسک حج، م ۲۴۲)

[۱۹۹]. آیه الله بهجت: اگر در حال حرکت نباشد و اگر هم باشد ولی از خط منحرف نشود اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: بوسیدن کعبه و یا لمس آن و استلام حجر و یا رکن یمانی به احتیاط واجب در حال حرکت و چرخیدن نباشد ولی قطع طواف و انجام این کارها و بعد ادامه از محلی که قطع کرده اشکالی ندارد مشروط بر اینکه بین اشواط موالات و وحدت عرفی آن به هم نخورد.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر را نگاه کند. (ملحق جدید

مناسک، ص ۳۳).

[۲۰۰]. آیه الله زنجانی: بلکه می تواند در حال بوسیدن خانه کعبه طواف نماید.

[۲۰۱]. آیه الله زنجانی: هر چند موالات عرفیه طواف به هم بخورد، ولی بعد از رفع خستگی، نباید ادامه طواف را به تأخیر بیندازد.

[۲۰۲]. آیه الله اردبیلی: چنانچه قبل از دور چهارم باشد، اتمام لازم نیست و باید طواف را اعاده کند، ولی چنانچه بعد از دور چهارم باشد، احتیاط نماید.

آیه الله بهجت: اگر در موردی است که عذر صدق نمی کند حکم آن در مسأله ۶۱۵ و ۶۱۶ گذشت، و با فرض تحقق عذر از ادامه، قبل از اكمال شوط چهارم، در حدّی که موالات عرفیه به هم نخورد مانعی ندارد و اگر به هم بخورد احتیاط مراعات شود به اكمال آن طواف و اعاده آن، و بعد از شوط چهارم مطلقاً مانعی ندارد. (مناسک، س ۸۷ و ۸۸).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در این صورت طوافش باطل است، و لازم است از نو شروع کند.

آیه الله سبحانی: اگر قبل از نیمه طواف بوده اعاده کند و اگر بعد از نیمه طواف بوده، اتمام و نماز و سپس احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله فاضل: که موالات عرفیه به هم خورد.

آیه الله مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست.

[۲۰۳]. آیه الله خامنه ای: کما اینکه می تواند آن طواف را به طور کلی رها کرده و طواف را دوباره از سر بگیرد. (مناسک حج، م ۲۴۶)

آیه الله زنجانی: هر چند موالات فوت شود، ولی بعد از رفع خستگی نباید ادامه طواف را به تأخیر بیندازد.

آیه الله فاضل: و می تواند آن را رها کند و از نو یک طواف کامل انجام دهد.

مسائل متفرقه طواف

[۶۳۷] م - در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت صادق باشد و بهنجو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هر چند باید در خارج آن طواف کرد.

[۶۳۸] م - در صورت امکان^[۱] ولو در وقت خلوت باید طواف در حد بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد^[۲] و دورتر از آن حد، کفایت نمی کند^[۳] و در صورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الأقرب فالأقرب^[۴].

[۶۳۹] م - هرگاه در طواف خانه خدا، مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد؛ مثل اینکه او را بی اختیار بردند^[۵]، همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجرالأسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد^[۶].

[۶۴۰] م - اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم^[۷] است و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید^[۸] ولی باید دانست که منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدم ها را به اختیار خود برمی دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است.

[۶۴۱] م - اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به^[۹] خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد^[۱۰] یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده^[۱۱]، اعاده شود و اگر نمی تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا بهجایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید.^[۱۲]

[۶۴۲] م - اگر حاجی در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی کند^[۱۳].

[۶۴۳] م - اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل دور زده^[۱۴]، حج او صحیح است و باید طواف^[۱۵] را اعاده^[۱۶] کند.

[۶۴۴] م - زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده، با شرایط حیض^[۱۷]، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده^[۱۸]، حیض بوده است و طواف و نمازش صحیح نیست^[۱۹] و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است و اعمالش صحیح است^[۲۰] و در صورت اول حج او صحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند^[۲۱] و اگر در عمره بوده در صورت ضیق^[۲۲] وقت احتیاطاً بعد از حج^[۲۳]، یک عمره مفرده نیز به جا آورد^[۲۴].

[۱]. آیه الله فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند انجام طواف در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب مانعی ندارد و صحیح است و صبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست.

آیه الله نوری: به حاشیه شرط پنجم طواف مراجعه شود.

[۲]. آیه الله اردبیلی: گفته شد که رعایت این فاصله لازم نیست مشروط بر اینکه متصل به جمعیت طواف کننده باشد.

آیه الله مکارم: سابقاً گفتیم رعایت این مقدار لازم نیست.

[۳]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

[۴]. نظریه آیات عظام در مسأله ۵۹۲ گذشت.

[۵]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۸۲ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: به طوری که بدون اختیار، قدم برداشت باید همان چند قدم را از سر بگیرد و نباید طواف را قطع کرده از سر بگیرد، هر چند اگر طواف را از سر بگیرد طوافش صحیح است.

[۶]. آیه الله بهجت: اگر بتواند برگردد و از همانجا طوافش را ادامه دهد باید این کار را بکند وگرنه بدون نیت دور می زند تا به محلی که بدون اختیار برده شده برسد تا از همانجا به طواف ادامه دهد. (پرسش های جدید حج، س ۷۹).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: ولی چنان که سابقاً گفته شد، مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

آیه الله خامنه ای: اگر طواف را از سر بگیرد اشکال ندارد، ولی جواز از سر گرفتن شوط محل اشکال است گرچه ضرری برای صحت طواف ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷) □

□ آیه الله سبحانی: نحوه تصحیح طواف در مسائل ۵۸۵، ۵۹۰ و سؤال ۶۵۹ و ۶۶۰ آمده است، لکن در خصوص این مسأله اگر در موقع ازدحام احیاناً انسان را ناخواسته به جلو ببرند این کار ضرری به طواف نمی زند مشروط بر اینکه نیت کند که خود را در میان

جمعیت قرار می‌دهم که طواف کنم و آنچه که بر اثر فشار به جا می‌آورم جزء طواف باشد و اگر بخواهد احتیاط کند چون بازگشت به عقب مشکل است بقیه شوط را بدون نیت برود تا به محلی برسد که او را بدون اختیار برده اند و از همانجا به طواف خود ادامه دهد.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اگر نتواند برگردد و جبران کند می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن دور را از سر بگیرد.

[۷]. آیات عظام تبریزی، سبحانی، مکارم: مانند مسأله سابق است.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۸۲ مراجعه شود.

[۸]. آیه الله فاضل: و اگر وقت خلوت پیدا نکند و اعاده نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همین مقدار اکتفا کند، و طواف در این فرض صحیح است.

[۹]. آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: در مورد فشار جمعیت مثل مسأله سابق است، اما اگر پشت به خانه شود باید آن مقدار را اعاده کند.

[۱۰]. آیه الله زنجانی: در مورد فشار جمعیت مثل مسأله سابق است و اگر در مقدار خیلی کمی از طواف، پشت به خانه شود مانعی ندارد.

آیه الله نوری: باید مقداری از طواف که پشت به خانه بوده اعاده شود.

[۱۱]. آیه الله خامنه ای: حاشیه مسأله ۵۸۲ مراجعه شود.

[۱۲]. آیه الله سیستانی: همان گونه که گذشت می تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند و نمی تواند بدون قصد طواف برود تا جایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید.

آیه الله فاضل: همان گونه که گذشت می تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند.

[۱۳]. آیه الله بهجت: همان حکم محمول غصبی در نماز را دارد.

آیه الله سبحانی: چنانچه ذمه خود را بدهکار اهل خمس نداند همراه داشتن و بردن مال غیر مخمس تصرف در مال غیر مخمس می شود و طواف را دچار مشکل می کند مگر اینکه ذمه خود را مشغول اهل خمس بداند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۲، مسأله ۲۱).

آیه الله نوری: طوافش اشکال پیدا می کند.

[۱۴]. آیه الله اردبیلی: اگر به خاطر جهل به مسأله بوده، چنانچه در طواف حج این اتفاق افتاده باشد و پیش از پایان ماه ذیالحجه متوجه شود، باید طواف را به همان ترتیب که در مسأله ۵۹۰ گذشت اتمام کند و بنابر احتیاط واجب سعی را نیز به جا آورد و حجتش صحیح است و چنانچه پس از پایان ماه ذیالحجه متوجه شود و یا در طواف عمره تمتع این اتفاق افتاده باشد، حجتش باطل است و بنابر احتیاط واجب یک عمره مفرد به جا آورد و یک شتر نیز قربانی کند. و اگر به واسطه سهو و نسیان این اتفاق افتاده باشد، چنانچه در طواف حج باشد و پیش از پایان ماه ذیالحجه متوجه شود، طواف را به همان ترتیب که در مسأله ۵۹۰ گذشت اتمام می کند و بنابر احتیاط واجب سعی را نیز به جا می آورد و چنانچه پس از پایان ماه ذیالحجه متوجه شود و یا در طواف عمره مفرد این اتفاق افتاده باشد، فقط طواف را به همان ترتیب اتمام می کند و چیزی بر او نیست و حجتش صحیح است.

آیه الله بهجت: در صورت سهو و بطلان اصل طواف. □

□ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر در عمره بوده حج او بدل به افراد شده، باید عمره مفرد بهجا آورده و در سال بعد نیز حج تمتع را انجام دهد و اگر در طواف حج باشد مسأله صوری دارد. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۵۸).

آیه الله مکارم: یعنی از روی سهو.

[۱۵]. آیه الله خامنه ای: و نماز طواف.

[۱۶]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چون از روی جهل به حکم، طواف صحیح را ترک کرده با فرض انقضای وقت، حش باطل است. (مناسک، مسأله ۳۲۵).

آیه الله خامنه ای: حج او صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله زنجانی: باید آن چند شوط و نماز طواف را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: اگر سهواً و یا از روی جهل به حکم شرعی برخی از دورها را از داخل حجر اسماعیل انجام دهد دو صورت دارد. الف) اگر در همان اثنای طواف متوجه شد باید شوط و یا اشواطی را که به طور غیر صحیح انجام داده تصحیح کند و یا اعاده نماید تصحیح نسبت به اولین دوری که وارد حجر شده و اعاده نسبت به دورهای بعدی و شیوه تصحیح در ذیل مسأله ۵۸۵ بیان شد. ب) اگر پس از پایان یافتن عمل طواف متوجه شود در صورتی که ورود به حجر در شوط هفتم رخ داده باشد شیوه تدارک به همان نحو است که گفته شد و اگر شوط آخر درست انجام شد و شوط های قبلی اشتباه انجام شده در این صورت نماز طواف را بخواند و با صدق به هم خوردن موالات عرفی طواف دیگری به نیت اعم از اتمام (تصحیح) و اعاده انجام دهد و نماز طواف را به جا آورد.

آیه الله سیستانی: اگر سهواً باشد و در سه شوط یا کمتر چنین شده باشد باید همان سه شوط را انجام دهد و اگر بیشتر باشد احتیاطاً طواف رانیز اعاده کند و در این صورت اگر طواف حج باشد و در ماه ذی حجه متذکر شود، اعمال مترتبه را نیز احتیاطاً اعاده کند و اگر بعد از ماه ذی حجه باشد یا مربوط به طواف عمره باشد، اعاده بقیه اعمال لازم نیست و اگر جهلاً و در طواف حج باشد و در ماه ذی حجه متوجه شود باید طواف و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر بعد از ماه ذی حجه متوجه شود یا مربوط به طواف عمره باشد حش باطل است و احتیاطاً باید یک شتر قربانی کند.

آیه الله فاضل: بنابر احتیاط آن چند شوط را اعاده کند و نماز را نیز اعاده کند و پس از آن اصل طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله مکارم، احتیاط آن است که تکمیل کند و بعد اعاده نماید.

[۱۷]. آیه الله زنجانی: اگر ثابت شود که بعد از قطع شدن لک در باطن، طواف و نماز را انجام داده، طواف و نمازش صحیح است، و اگر ثابت نشده باشد در دو صورت باید طواف و نماز را اعاده کند، اول آنکه: این لک، دو روز یا کمتر قبل از ایام عادت باشد که محکوم به حیض است، دوم آنکه: عادت عددیه وقتیه داشته و به جهت تکمیل عدد می بایست لک دیده شده و ما بعد آن را تا زمانی که احتمال می دهد در باطن خون باشد حیض قرار دهد مثلاً کسی که عادت او هفت روزه است چنانچه سه روز قبل از عادت، لک ببیند و احتمال بدهد که این لک نصف روز ادامه داشته - ولو در باطن - و بعد پاک شود و در ایام عادت شش روز و نیم خون ببیند نصف روز اول نیز محکوم به حیض است، پس اگر در آن وقت طواف و نماز انجام دهد، محکوم به بطلان است و

باید اعاده شود و در غیر این دو صورت طواف و نماز خوانده شده، صحیح است.

[۱۸]. آیه الله نوری: در این صورت از تاریخ دیدن لک، حیض شروع شده....

[۱۹]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر لک دارایی صفات حیض بوده، در این صورت حکم کسی را دارد که قبل از طواف حیض شده و چنانچه به وظیفه خود عمل نکرد تا زمان تدارک گذشت، حجّش باطل است.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: و باید اعاده نماید و اگر در عمره بوده و وقت اعاده ندارد حج او مبدل به افراد می شود.

[۲۰]. آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: در صورتی که به وظیفه مستحاضه عمل نموده باشد.

آیه الله نوری: ولی اگر حصول این یقین بعد از انجام اعمال حج باشد حج او صحیح است و فقط طواف و نماز طواف را اعاده کند و اگر بعد انجام عمره و قبل از حجّ یقین حاصل شد، اگر وقت هست طواف و نماز طواف را انجام بدهد و بعد برای حج محرم شود و اگر وقت نیست و احتیاطاً بعد از حج یک عمره مفرده به جا آورد.

[۲۱]. آیه الله سبحانی: گذشت که اگر قبل از رفتن به عرفات پاک شد باید طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر وقت تنگ باشد حج او به حج افراد تبدیل می شود و پس از حج یک عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله فاضل: و سعی را نیز احتیاطاً اعاده کند.

[۲۲]. آیه الله فاضل: حجّ تمتع مبدل به افراد می شود و اگر واجب بوده باید بعد از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر مستحب بوده بعد از آن عمره مفرده واجب نیست.

[۲۳] آیه الله اردبیلی: علاوه بر اعاده طواف و نماز آن، یک عمره مفرده نیز به جا آورد.

[۲۴] آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: اگر در عمره تمتع بوده، باید طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج قضا نماید.

آیه الله خامنه ای: اگر در حین احرام عمره تمتع پاک بوده است نیازی به عمره مفرده نمی باشد و انجام طواف و نماز آن کافی است. (مناسک حج، م ۷۷)

استفتائات طواف

[۶۴۵] س - جوان ۱۷ ساله غیر مختون، که به تشخیص شوراي پزشکی ختنه براي او خطر دارد، مستطیع شده و فعلاً در مدینه است، آیا تکلیف او نسبت به حج چیست؟

ج - باید محرم شود و خودش طواف کند و نایب هم بگیرد [۱] برای طواف و بعد از طواف، خودش یک نماز بخواند و بعد از طواف نایبش نیز، خودش نماز دیگر بخواند، و در صورتی که دو طواف با هم انجام شود خودش یک نماز بخواند کفایت می کند. [۲]

[۶۴۶] س - اگر در اثنای طواف نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

[۳] - اگر بعد از شوط چهارم^[۳] طواف یا سعی قطع شده^[۴]، از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند [۶]، و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده^[۵] و فصل طویل شده، طواف را از سر بگیرد [۸]، هرچند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است. [۹]

[۶۴۷] س - اگر کسی بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، وظیفه او چیست؟

ج - طواف و نماز را اعاده کند [۱۰] و عمره او صحیح است. [۱۱]

[۶۴۸] س - شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده است و احتمال می دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلاً وظیفه او چیست و البته این شک بعد از عمل برای او حادث شده است؟

ج - طواف او صحیح است. [۱۲]

[۶۴۹] س - اگر در اثنای طواف، شک در صحت شوط سابق یا جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند، چه حکمی دارد؛ مثلاً نمی داند که از مقابل حجر که عبور کرده از حدّ مطاف خارج بوده است یا نه؟

ج - اگر مسأله را می دانسته و می خواسته است عمل صحیح را انجام دهد؛ یعنی غافل نبوده، طواف صحیح است. [۱۳]

[۶۵۰] س - اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره، به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجه شده که عمل مزبور باطل بوده است وظیفه او چیست و کفاره دارد یا نه؟

ج - باید عمل باطل شده را جبران کند [۱۴] و ظاهر این است که از احرام خارج شده [۱۵] و کفاره ندارد. [۱۶]

[۶۵۱] س - کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوط های قبل، این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

[۱۷] - باید [۱۸] مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده اعاده کند [۱۹] و بعد نماز طواف را بخواند [۲۰] و ظاهر این است که از احرام خارج شده [۲۱] و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور، عمل صحیح است.

[۶۵۲] س - کسی در اثنای طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است، آیا طواف او صحیح است یا خیر [۲۲] و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفه او چیست؟ [۲۳]

ج - اگر بعد از دور چهارم بوده [۲۴] به احتیاط واجب [۲۵] آن را تمام کند و بعد یک طواف دیگر به جا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید یک طواف دیگر به جا آورد و با فرض جهل [۲۶]، ظاهر این است که اعمال مترتبه صحیح و از احرام خارج شده است. [۲۷]

[۶۵۳] س - کسی در شوط آخر محدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟

ج - باید [۲۸] قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده، با وضو به جا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند. [۲۹]

[۶۵۴] س - کسی توهّم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده شده ولی برای او جزمی نیست و چون نمی توانسته برگردد و تدارک کند، بقیه شوط تا محلّ تدارک را به قصد احتیاط و رجاء انجام می دهد که اگر شوط او باطل است زیادی لغو باشد و اگر شوط او صحیح است زیاده از طواف باشد و بعد بقیه اشواط طواف را به جا آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طواف صحیح است یا خیر؟

ج - صحیح نیست. [۳۰]

[۶۵۵] س - کسی در وقت طواف، شک در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحت طواف خود پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - صحیح است. [۳۱]

[۶۵۶] س - کسی در شوط چهارم از حجرالأسود تا اول حجر اسماعیل را پیمود و فکر کرده است که چون اول شوط چهارم نیت جدا در این شوط نداشته باید این قسمت شوط را اعاده کند، لذا بقیه شوط را بدون نیت رفته و از حجرالأسود به قصد شوط چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل می شود؟

ج - اشکال دارد. [۳۲]

[۶۵۷] س - کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می کنند و بلافاصله از نو شروع می کنند، طواف آنها چه صورت دارد و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟

ج - اشکال دارد [۳۳] و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده، باید آن را اتمام کنند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند.

[۶۵۸] س - درباره اشخاصی که قادر به طواف نیستند، آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن اینکه متصدیان وسیله نامبرده، در خارج محدوده مطاف طواف می دهند؟

[۳۴] - احتیاطاً هر دو را انجام دهند. [۳۵] اگرچه طواف دادن در خارج مطاف کفایت می کند. [۳۶]

[۶۵۹] س - شخصی در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حجر اسماعیل ۷ می شود و بعد که متوجه شد برمی گردد و از همانجا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - اشکال دارد. [۳۷] بلی، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجرالأسود به قصد احتیاط شوط را اعاده می کرد، و از محلی که وارد حجر شده، قاصد جدی طواف بود [۳۸]، طوافش اشکال نداشت.

[۶۶۰] س - اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کنند که شوط چندم و یا رکعت چندم است و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟

[۳۹] - اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه ^[۴۰] داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد و طواف و سعی صحیح است [۴۱]، ولی در نماز بدون تروی محل اشکال است، واحوط اعاده آن است. [۴۲]

[۶۶۱] س - زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد و با او ادامه داد و بعد از شوط آخر مرد که شوط ششم زن است، او به جای اینکه یک شوط دیگر بیاورد تا طوافش کامل شود، طواف را از سر گرفت، آیا طواف اول و دوم زن چگونه است؟

[۴۳] - احتیاط [۴۴] آن است [۴۵] که یک شوط دیگر [۴۶] به قصد احتیاط به جا آورد که مجموعاً چهارده شوط می شود و بعد از انجام نماز طواف، طواف و نماز را اعاده نماید. [۴۷]

[۶۶۲] س - در مطاف چیزهایی از افراد می افتد؛ از قبیل ساعت، احرامی و غیره و کسانی که طواف می کنند پا روی آن می گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی شود؟

ج - موجب بطلان طواف نمی شود. [۴۸]

[۶۶۳] س - اگر انسان می داند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او می گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

ج - به طواف ضرر نمی زند. [۴۹]

[۶۶۴] س - اگر کسی قبل از شوط چهارم طوافش را قطع و از نو طواف کند، گفته شده در صورتی که فاصله زیاد نشده باشد احتیاط این است که طواف قطع شده را تمام کند و اعاده هم بنماید، مراد از تمام کردن چیست، آیا فقط شوطی را که قطع کرده تمام کند یا مابعدش را هم به جا آورد؟

ج - طواف مزبور اشکال دارد [۵۰] و اتمام موضوع ندارد و باید طواف را بعد از نماز طواف اول، اعاده کند احتیاطاً.

[۶۶۵] س - شخصی طواف را از حجرالأسود شروع کرد و در هر شوط به رکن یمانی که می رسید نیت ختم می کرد و از حجرالأسود نیت شوط بعد را می نمود و هفت شوط طواف را این گونه تمام کرد به گمان اینکه ختم طواف و اشواط آن باید در رکن یمانی باشد، آیا وظیفه اش چیست؟

ج - این طواف اشکال دارد [۵۱]، و باید اعاده شود.

[۶۶۶] س - گاهی مأمورین نظافت مسجدالحرام از کنار کعبه دست به دست هم می دهند و همان طور توسعه می دهند تا انسان از مطاف خارج می شود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مطاف صحیح

باشد یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان می کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

ج - اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف کند و در این صورت طواف در خارج حد صحیح نیست. [۵۲]

[۶۶۷] س - کسی که از اول بلوغ، سال خمسی برای خود قرار نداده است، اگر به حج مشرف شود و با همان پول که دارد احرامی تهیه و قربانی و مصارف در حج بکند، آیا برای حج او ضرر ندارد؟

ج - اگر پول او از درآمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است [۵۳]، بدون تخمیس حکم غصب را دارد که طواف و قربانی صحیح نیست. [۵۴]

[۶۶۸] س - شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شده، و طواف و نماز به جا آورد، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد [۵۵] باید طواف و نماز را اعاده کند. [۵۶]

[۶۶۹] س - اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد و اگر نداد طواف با آن چه صورت دارد؟

ج - با فرض شک [۵۷] لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است. [۵۸]

[۶۷۰] س - شخصی در سال گذشته که حج تمتع واجب خود را انجام می داده، تنها نماز طواف را، به گمان اینکه کفایت می کند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی اعمال را انجام داده، آیا چه وظیفه ای دارد؟

ج - با فرض اینکه طواف حج [۵۹] را از روی جهل به مسأله ترک کرده و به محلش برگشته است، باید حج را اعاده کند و یک شتر [۶۰] قربانی نماید. [۶۱]

[۶۷۱] س - تعدادی مشغول طواف عمره یا زیارت بودند که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف کننده ها از مطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده است، طواف را از سر گرفته اند، بفرمایید در صورتی که به هم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

ج - اشکال دارد. [۶۲]

[۶۷۲] س - زنی است که قادر بر طواف کردن نیست، امر دائر است بین اینکه با تخت در خارج مطاف طوافش دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟

[۶۳] - باید او را در مطاف طواف دهند، هر چند نامحرم او را پشت کند. [۶۴]

[۶۷۳] س - کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوط های طواف قطع شد مثلاً، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج - فرقی نیست.

[۶۷۴] س - شخصي در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد، آیا مي تواند از همانجا که طواف را قطع کرده بود شروع کند و باقي اعمال را ادامه دهد يا نه؟

ج - اگر قبل از شوط چهارم [۶۵] بوده، وضو بگيرد و طواف را اعاده نمايد و اگر بعد از شوط چهارم بوده، بايد وضو بگيرد و طواف را اتمام کند. [۶۶]

[۶۷۵] س - آیا بعض شوط هاي طواف و سعي، براي کساني که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نيابت است يا نه؟

ج - بلي، قابل است. [۶۷]

[۶۷۶] س - با وضعيت فعلي که جمعيت حجاج خيلي زيادند و عده اي از ضعفا نمي توانند در مطاف طواف کنند، آیا توسعه در مطاف هست و نيز خلف مقام که يا نمي شود نماز خواند و يا مصادف با اذيت طواف کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز؛ مخصوصاً براي ضعفا نيست، نماز خواندن در دورتر چه حکمي دارد؟ و آیا شخصي که وارد مکه شد مي تواند فوراً به اعمال طواف و نماز، هر جور که ممکن باشد، مشغول شود يا بايد در حال احرام بماند که وقت ضيق شود؛ مثلاً تا شب نهم و آن وقت چنين کند و معلوم است براي همه کس ميسر نيست؟

[۶۸] - اگر مي توانند [۶۹] ولو در وقت خلوت در مطاف طواف کنند بايد در حد آن طواف نمايند [۷۰] و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد و صبر لازم نيست. [۷۱]

[۶۷۷] س - دختری در کودکی و يا اوایل سنین بلوغ، جنب شده و تا کنون هم ازدواج نکرده است، با توجه به اینکه در سنین بالاتر نمي دانسته به واسطه فعلي که در کودکی انجام شده جنب گشته است و در نتيجه غسل جنابت را تا حال انجام نداده است و با اين کيفيت به حج نيز رفته است، تکليف او چيست؟ آن غسل هايي که يقيناً انجام داده است، حيض و جمعه بوده است، با توجه به موارد ياد شده فوق، اين سؤال ها مطرح است:

۱. وضع نماز و روزه و کليه عباداتي که بعد از بلوغ تا کنون انجام داده است چيست؟

۲. آیا در زمان حال، محرم است و به صورت احرام وارد مکه و خارج شده است؟ و در صورت محرم بودن، آیا تا زماني که اعاده حج نکند، جميع محرمات که در آن ايام حرام است بر اين شخص حرام مي باشد يا خير؟

۳. در صورتي که فقط حش باطل باشد ولي مُحرم نباشد، چگونه مي تواند با وضع اعزام حجاج به بيت الله الحرام، که چند سال يکبار اين توفيق حاصل مي شود، اعاده حج کند؟

[۷۲] - اگر يقين دارد که جنب شده، بدون غسل جنابت نماز و طواف او صحيح نيست و غسل هاي ديگر کفايت از غسل جنابت نمي کند [۷۳] و در فرض مسأله، نمازهايي را که با اين حال خوانده بايد قضا کند و اگر نمي دانسته جنب است و روزه گرفته روزه هاي او صحيح است و قضا ندارد و حج در مفروض سؤال صحيح است [۷۴] ولي طواف هاي عمره و حج و نساء و نمازهاي آنها را بايد دو [۷۵] مرتبه به جا آورد و اگر خودش نمي تواند برود، براي آنها نايب بگيرد و تا طواف حج و طواف نساء و نماز آنها را انجام نداده يا با عدم قدرت، نايب او به جا نياورده، بايد از بوي خوش و ازدواج و محرماتي که با طواف نساء حلال مي شود، اجتناب نمايد.

[۶۷۸] س - شخصي در اثناي طواف محدث شده و خجالت کشيده بگويد و با همين حالت اعمال را تمام کرده و به ايران بازگشته، مستدعي است بفرماييد:

۱. حش چه صورت دارد؟

۲. اگر اعاده لازم است، آیا می تواند نایب بگیرد یا باید شخصاً انجام دهد؟

[۷۶] - اگر با اعتقاد صحت^[۷۷]، اعمال را تمام کرده حجت صحیح است^[۷۸] و باید طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر خودش نمی تواند برود باید نایب بگیرد و اگر در فرض مزبور، حدث بعد از شوط چهارم^[۷۹] باشد به تفصیل مذکور در مناسک^[۸۰]، طواف را تدارک کند و چنانچه کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت انجام داده^[۸۱]، شقوق و صوری دارد که در بعض آن ها صحت حج مشکل است.^[۸۲]

[۶۷۹] س - ما در شب، ساعت ۹ از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکه حرکت کردیم، در نزدیکی اذان صبح به کعبه رسیدیم و چون زائران قبلی مشغول نماز صبح بودند، سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد مقدار کمی صبر کنیم تا پس از نماز ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد، چند بار من خوابم برد، چون آب در دسترس خود نمی دیدم و جایی را نمی شناختم، روی ریگ های اطراف باغچه تیمم کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم، آیا عمل حج من با این توصیف صحیح است یا نه؟

ج - با اینکه برای شما امکان داشته که وضو بگیرید ولو به این نحو که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است و اگر عمل شما با اعتقاد به صحت بوده از احرام خارج^[۸۳] شده اید و فقط باید طواف و نماز را اعاده کنید و اگر خودتان نمی توانید بروید، باید نایب بگیرید.^[۸۴]

[۶۸۰] س - اگر کسی قبل از حجر الأسود طواف^[۸۵] را شروع نمود و به همانجا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟

ج - بلی، طواف باطل است.^[۸۶]

[۶۸۱] س - اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط، مقداری مسافت را به قصد جزئیت به جا بیاورد، آیا مبطل طواف است؟

ج - اگر عمدی باشد مبطل است و در صورت سهو قطع کند، و طوافش صحیح است.^[۸۷]

[۶۸۲] س - شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد و بدون اینکه نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

ج - اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته^[۸۸]، عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.^[۸۹]

[۶۸۳] س - کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد و بقیه اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟

[۹۰] - با فرض عذر حتی در آینده^[۹۱]، عمل مزبور صحیح است و نماز را بخواند.^[۹۲]

[۶۸۴] س - آیا می شود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر به هم زد و آن را کائلمیکن دانست و یا مانند نماز قطع کردن آن جایز نیست؟

ج - قطع مانع ندارد^[۹۳] ولی قبل از فوات موالات نمی توان^[۹۴] آن را از سر گرفت.^[۹۵]

[۶۸۵] س - کسی که از طواف، حتی در خارج مطاف، عاجز است و به خاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیایی در محدوده از او کفایت نمی کند؟

ج - اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است [۹۶] نایب بگیرد. [۱۹۷]

[۶۸۶] س - اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر به جا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟

[۹۸] - باید یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند [۹۹] و اگر با اعتقاد صحت بوده بقیه اعمال صحیح است. [۱۰۰]

[۶۸۷] س - در مواردی که شخصی شک در اشواط کند، حکم به بطلان طواف می فرمایید، حالا اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اول شش شوط داشته و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟

[۱۰۱] - اشکال دارد و باید احتیاط کند. [۱۰۲]

[۶۸۸] س - بعضی به تصور اینکه طواف ۱۴ دور است با این کیفیت طواف انجام داده اند، آیا محلّ به طواف است؟

ج - اگر به قصد ۱۴ شوط طواف کرده، طوافش باطل است. [۱۰۳]

[۶۸۹] س - اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات به یاد آورد، تکلیف چیست و آیا انجام و یا تتمیم آن فوریت دارد؟

[۱۰۴] - می تواند بعد از اعمال منی آن را تدارک کند و فوریت ندارد. [۱۰۵]

[۶۹۰] س - اگر کسی جهلاً طواف را بیش از هفت شوط آورد و بقیه اعمال بعد از آن را به جا آورد، تکلیف او چیست؟

ج - اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازش صحیح نیست [۱۰۶] و باید آنها را اعاده کند و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست [۱۰۷]، ولی اگر قصد هفت شوط داشته و بعد از تمام شدن زیاد کرده [۱۰۸]، پس اگر چهار شوط یا بیشتر زیاد کرده، احتیاط آن است که بقیه را تا چهارده شوط تتمیم کند و یک نماز دیگر هم به جا آورد و طواف و نماز را اعاده کند [۱۰۹]، و اگر کمتر از چهار شوط زیاد کرده و موالات عرفیه به هم خورده است، احتیاط واجب اعاده طواف و نماز است و اگر موالات عرفیه به هم نخورده، حکم صورت قبل را دارد. [۱۱۰]

[۶۹۱] س - شخصی طواف حج واجب خود را غلط انجام داده و پس از آن چندین بار حج نیایی انجام داده است، تکلیف او در مورد حج خود و دیگر حج ها چیست؟

ج - مانع ندارد [۱۱۱] و باید طواف حج خود را تدارک کند [۱۱۲] و حج های نیایی که انجام داده صحیح هستند. [۱۱۳]

[۶۹۲] س - شخصی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف رجاء برای جبران نقص احتمالی به جا می آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می رساند؟

ج - ضرر ندارد ولی جبران نقص نمی کند. [۱۱۴]

[۶۹۳] س - شخصی در دور پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، آیا بعداً باید همین طواف را تکمیل کند یا طواف دیگری انجام

دهد؟

ج - باید همین طواف را تکمیل کند. [۱۱۵]

[۶۹۴] س - شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود می بیند و آن را با دستمال پاک می کند و طواف خود را تمام می نماید، آیا این طواف صحیح است؟

[۱۱۶] - اگر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد و طواف را تکمیل کند و اگر بدون تطهیر بینی، طواف را ادامه داده، احتیاط آن است که بعد از تکمیل و نماز [۱۱۷]، طواف و نماز را اعاده کند و همچنین اگر دستمال نجس همراه او بوده است. [۱۱۸]

[۶۹۵] س - شخصی در شوط دوم طواف شک می کند که آیا طواف را به نیت منوب عنه آغاز کرده یا به نیت خودش وظیفه او چیست؟

ج - احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه اتمام کند و پس از نماز، دو مرتبه آن را با نماز دیگر اعاده کند. [۱۱۹]

[۶۹۶] س - شخصی در اثنای طواف، به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده و نمی داند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

ج - اگر ملتفت [۱۲۰] بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند و بعداً شک عارض شده، حکم به صحت نماید و در غیر این صورت، اکتفا به طواف مزبور محل اشکال است. [۱۲۱]

[۶۹۷] س - شخصی در اثنای طواف، بر اثر فشار جمعیت، چند گام به جلو رانده شده است، پس از آن، به جای اینکه همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می شود، آیا این طواف صحیح است؟

ج - طواف او اشکال دارد [۱۲۲] و باید آن را اعاده کند. [۱۲۳]

[۶۹۸] س - شخصی بعد از اتمام طواف، سهواً یک شوط زیاد کرده است و بعد مردّد است که سه یا چهار شوط دیگر به جا آورده است و سپس همه اعمال عمره را نیز انجام داده است، آیا طواف او باطل است و آیا تردید در عدد اشواط اضافی مضر نیست؟

ج - مضر است [۱۲۴] و باید طواف و نماز را اعاده کند. [۱۲۵]

[۶۹۹] س - شخصی بر اثر شلوغی، مقداری از طواف را در خارج مطاف انجام داده و بعد نیز بقیه اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

[۱۲۶] - اگر ممکن نبوده، ولو در وقت دیگر، که در حد، طواف کند اشکال ندارد و گرنه باید طواف و نماز اعاده شود. [۱۲۷]

[۷۰۰] س - کسی که وظیفه او وضوی جبیره ای و تیمم است، اما از روی جهل، بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج - طواف و نماز آن، باید اعاده شود. [۱۲۸]

[۷۰۱] س - شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در

محدوده معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مطاف آغاز نموده و بعد از طواف، اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

[۱۲۹] - مانع ندارد. [۱۳۰]

[۷۰۲] س - کسی که اشتباهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همانجا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده حکمش چیست؟ و چنانچه در اثنای طواف متوجه شد و طوافش را به حجر الأسود ختم کرد، مقدار زیادی، مضر به طوافش می باشد یا خیر؟

ج - طواف و نماز را باید اعاده کند و فرقی بین دو صورت نیست. [۱۳۱]

[۷۰۳] س - کسی که می داند یا احتمال می دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می دهد؛ یعنی جمعیت او را می برند، آیا می تواند از اول نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

ج - باید طواف را شروع کند و اگر در اثناء، بدون اختیار او را بردند، همان مقدار را جبران [۱۳۲] کند و طواف را ادامه دهد. [۱۳۳]

[۷۰۴] س - مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند، آیا اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند کفایست یا خیر؟

ج - این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است. [۱۳۴]

[۷۰۵] س - شخصی در عمره تمتع، بعد از تقصیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده، مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، آیا مجزی و صحیح است یا نه؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

ج - طواف وسعی او صحیح است و اعاده تقصیر لازم [۱۳۵] نیست اگرچه احوط [۱۳۶] است.

[۷۰۶] س - شخصی چند متری از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، یک شوط کامل از حجرالأسود شروع و به آنجا ختم می کند به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

ج - صحیح است، مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد. [۱۳۷]

[۷۰۷] س - کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شک می کند که در مطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - اگر از اول در مطاف بود و شک در خارج شدن دارد، طوافش صحیح است و اگر از اول شک دارد، با جهل مذکور در سؤال، نمی تواند به طواف مزبور اکتفا کند. [۱۳۸]

[۷۰۸] س - شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع می کند و مشغول نماز می شود و پس از نماز، طواف را از سر می گیرد و هفت شوط کامل به جا می آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - اشکال دارد [۱۳۹] و باید طواف را اعاده نماید. [۱۴۰]

[۷۰۹] س - شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف، از روی شهوت با بدن زنی تماس می نماید و از این تماس متلذذ می گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می کند یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - مضر به طواف نیست [۱۴۱] و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده، باید کفاره بدهد. [۱۴۲]

[۷۱۰] س - اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا می تواند در ماه های غیر حج انجام دهد؟

ج - مانع ندارد. [۱۴۳]

[۷۱۱] س - شخصی شوط اول طواف را در حالی که ناقص بوده رها می کند و پس از آن شش شوط دیگر به جا می آورد و بعد از آن نقیصه شوط اول را به جا می آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - صحیح نیست. [۱۴۴]

[۷۱۲] س - اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگ های رمی، به دیگری اعتماد کند کافی است؟

ج - اگر اطمینان به عدد پیدا کند [۱۴۵] مانع ندارد.

[۷۱۳] س - شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت، از همانجا که طواف را قطع نموده بود شروع می کند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است، طوافش چه حکمی دارد؟

ج - اگر موالات به هم نخورده صحیح است. [۱۴۶]

[۷۱۴] س - آیا واجب است برای درک خلوتی مطاف و طواف در محدوده بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد یا مستحب است یا رجحان دارد خصوصاً اگر پس از ایام تشریق مطاف خلوت نشود؟

ج - در صورت امکان طواف در حد، ولو در وقت خلوت، باید در حد طواف کند ولو با تأخیر. [۱۴۷]

[۷۱۵] س - آیا مُحَرَّم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، می تواند همین طواف ها را برای معذور نیابت کند؟

ج - مانع ندارد. [۱۴۸]

[۷۱۶] س - شخصی در طواف عمره تمتع، در اثر فشار، احساس می کند که لنگ احرامش تر و نجس شده ولی اعتنا نمی کند و با همان حال طواف را تمام می کند و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام می دهد و به منزل می رود، بعد از بررسی می بیند مقداری نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا می کند که در همان حال طواف چنین شده است، بعد از اعمال حج و مراجعت به وطن به او می گویند باطل است، مستدعی است حکم الله را با توجه به اینکه نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده، درباره این شخص بفرمایید و اگر اعمالش باطل باشد آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

ج - اگر در حال طواف شبهه داشته و یقین نداشته که نجس شده و وضوی او باطل شده، از احرام خارج شده است [۱۴۹] و فقط باید طواف و نماز را اعاده کند [۱۵۰] هرچند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد. [۱۵۱]

۷۱۷ س - آیا یقین به هل خوردن در حین طواف، مصداق عدم امکان طواف در محدوده معین و مجوز برای تجاوز بغیر این محدوده می شود یا خیر؟

ج - شامل نیست. [۱۵۲]

۷۱۸ س - در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با اجنبی یا اجنبیه برخورد می کند باز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟

ج - آنچه ذکر شده [۱۵۳] عذر نیست. [۱۵۴]

۷۱۹ س - اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را به جا آورد ولی بعداً لک دید، اعمالش چگونه است؟

ج - اگر خون دیده و از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض [۱۵۵] است که در وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند [۱۵۶] و در ضیق وقت، محل اشکال است که مراعات احتیاط باید بشود. [۱۵۷]

۷۲۰ س - بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان به هم می خورد؛ به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می بینند، آیا وظیفه این گونه زنان در حج چیست؟

ج - اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد [۱۵۸] و گرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کند. [۱۵۹]

۷۲۱ س - اگر زن در عمره تمتع بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار شوط، حیض شد و تا قبل از رفتن به عرفات، پاک نمی شود، وظیفه او چیست؟

ج - مورد [۱۶۰] عدول به افراد است. [۱۶۱]

۷۲۲ س - اگر زنی بعد از شوط چهارم [۱۶۲] در طواف عمره تمتع حیض شد و تا وقت وقوف به عرفه پاک نشد وظیفه اش چیست؟

ج - باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و محرم شود برای حج تمتع و در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد [۱۶۳] از آن، بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را هم به جا آورد. [۱۶۴]

۷۲۳ س - زنی عمره تمتع را انجام داد، بعد متوجه شد که طواف او باطل بوده است، پس از اینکه متوجه شد، دید عذر زنانه دارد، تکلیف او چیست؟

ج - هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف و نماز را اعاده کند [۱۶۵] و اگر قبل از وقوف پاک نمی شود، برای حج محرم شود و پس از آمدن به مکه و رفع عذر [۱۶۶]، آنها را انجام دهد. [۱۶۷]

۷۲۴ س - زنی مسأله را نمی دانست، بعد از پاک شدن از حیض، خیال می کرده جنب است و لذا غسل جنابت را نیت می کرد و با همین حال حج انجام داد، بفرمایید حج او چگونه است؟

ج - اگر منظور او غسل برای حدی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

[۷۲۵] س - آیا مستحاضه کثیره، باید برای طواف یک غسل و برای نماز طواف غسلی دیگر بکند یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ج - برای هر یک، غسل لازم است مگر آنکه از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد. [۱۶۸]

[۷۲۶] س - زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و یک سال و نیم خون ندیده است ولی در عرفات خون می بیند، بنابراین آیا در یائسگی او می توان تردید داشت یا نه و وظیفه او چیست؟

ج - اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده [۱۶۹] و سیّده [۱۷۰] نیست، حکم مستحاضه را دارد. [۱۷۱]

[۷۲۷] س - آیا نماز و طواف برای زن مستحاضه یک حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز جدا و مستقل هستند؟

ج - مستقل هستند. [۱۷۲]

[۷۲۸] س - زنی بعد از وقوفین حیض می شود، با مصرف قرص، خون قطع می گردد و اعمال را انجام می دهد ولی بعد از آن لک می بیند، وظیفه او چیست؟

[۱۷۳] - اگر خون سه روز مستمر نبوده و حتی در باطن فرج هم قطع شده، حیض نبوده است و با انجام وظیفه مستحاضه، عمل او صحیح است. [۱۷۴]

[۷۲۹] س - زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می شود، وظیفه او چیست؟

[۱۷۵] - اگر بعد از تمام شدن [۱۷۶] دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند و اگر قبلاً بوده، به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید. [۱۷۷]

[۷۳۰] س - زن مستحاضه ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود، در اثنای طواف لک می بیند، وظیفه او چیست؟

[۱۷۸] - اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده، با تحفظ از خروج خون، چیزی بر او نیست و در غیر این صورت [۱۷۹] حکم حدث جدید را دارد.

[۷۳۱] س - زنی به تصور اینکه پاک شده است، طواف انجام می دهد و در اثنای سعی متوجه می شود که هنوز پاک نشده است، آیا سعی او نیز باطل است و اگر بعد از سعی متوجه شود چگونه است؟

[۱۸۰] - در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز، سعی را اتمام و اعاده نماید [۱۸۱] و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز لازم و اعاده سعی مبنی بر احتیاط است. [۱۸۲]

[۷۳۲] س - زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله ای بین اعمال پیش می آید که شاید طولانی هم باشد؛ مثلاً باید ورود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟

[۱۸۳] - اگر خون قطع نمی شود برای هریک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد^[۱۸۴] و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنابراین اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجدالحرام غسل کند و وضو بگیرد. [۱۸۵]

[۷۳۳] س - زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟

ج - اگر از هنگام غسل تا آخر طواف، خون قطع بوده، طواف صحیح است و در غیر این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند [۱۸۶] و پس از غسل اعاده نماید.

[۷۳۴] س - زنی که حیض نمی شود ولی هر دو ماه یکبار، دو سه روزی لک و ترشحات می بیند، وظیفه اش چیست؟

[۱۸۷] - اگر خون استمرار تا سه روز ندارد، ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد. [۱۸۸]

[۷۳۵] س - هرگاه زن قرشیه پس از شصت سال [۱۸۹] و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طوافها و نماز چه کند؟

ج - حکم مستحاضه را دارد و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات. [۱۹۰]

[۷۳۶] س - زن هایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه کم رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف ضرر می زند یا خیر؟ [۱۹۱]

[۱۹۲] - حکم استحاضه را دارد [۱۹۳] و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند و اگر در اثنای طواف لک دیده، تفصیلی بین ما قبل از تمام شدن دور چهارم [۱۹۴] و مابعد آن هست که در مناسک ذکر شده است. [۱۹۵]

[۷۳۷] س - شخصی غسل مس میت به گردنش بوده ولی بعد از اعمال حج متذکر می شود، وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از مس میت غسل جنابت [۱۹۶] کرده باشد - چون جنب هم بوده یا بعداً جنب شده - غسل جنابت کفایت می کند و عملش صحیح است و الا باید طواف و نماز آن را اعاده کند. [۱۹۷]

[۷۳۸] س - محرمی است که مبتلا به خروج ریح است؛ یعنی مرتب ریح از او جدا می شود و در عرض سال شاید یکی دو ماه، فی الجمله تخفیف پیدا می کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می شود، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟

ج - حکم مبطلون را دارد [۱۹۸] که از تحریرالوسیله (جلد اول، صفحه ۳۰، مسأله ۳) استفاده می شود و علی ای حال چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثنای طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند [۱۹۹] و همچنین است حکم [۳۴]. در نماز طواف.

[۷۳۹] س - مدتی است که به علت ابتلا به بیماری و در اثر عمل جراحی، خروج مدفوع را احساس نمی کنم و از کیسه مخصوص استفاده می کنم، البته برای وضو و نماز فتوای حضرت امام مشخص و معین است که بدان عمل می کنم، ولی چون سال آینده به امید خدا تصمیم دارم خانه خدا را زیارت کنم، مستدعی است در رابطه با انجام مراسم حج، تکلیف شرعی بنده را مرقوم فرمایید؟

[۲۰۲] - اگر در طواف و نماز آن، رعایت وظیفه ای که برای وضو و نماز دارید، بنمایید، عمل حج شما صحیح است. [۲۰۲]

[۷۴۰] س - شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلاً کیسه ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه می ریزد، لیکن نه از مجرای بول، بلکه از موضع جراحی که در پهلوی قرار داده اند، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟

[۲۰۳] - حکم مسلوس را دارد. [۲۰۴]

[۷۴۱] س - کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می کند، مقداری که می آید گمان می کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمی گردد و نیت را با زبان می گوید و طواف را از نو شروع می کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟

ج - اشکال دارد. [۲۰۵]

[۷۴۲] س - به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال حج داده می شود و به خصوص در طواف ها و نماز آن، غالباً یک عملی روا به عنوان احتیاط و رجاء، چندین بار به جا می آورند ولو اینکه عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حد وسواس هم نمی رسد، آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکالی دارد؟

ج - وسواس همین است و نباید به وسواس اعتنا شود، بلی انجام عمل احتیاطی بدون وسواس مانع ندارد. [۲۰۶]

[۷۴۳] س - کسی به جهتی، طواف یا سعیش قطع می شود و به جلو می رود، می خواهد از همانجا که قطع شده شروع کند ولی در اثر ازدحام نمی تواند خود را به آنجا برساند و در محاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار می گیرد، آیا می تواند از محاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ج - لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه محاذات کافی است و باید طواف تکمیل شود.

[۷۴۴] س - قرآن، که در طواف حرام است، آیا طواف را باطل می کند یا خیر؟ [۲۰۷]

ج - اگر از اول یا در اثنای طواف اول، قصد قرآن داشته، احتیاط در اعاده طواف است و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قرآن کرده، طواف [۲۰۸] باطل نمی شود. [۲۰۹]

[۷۴۵] س - آیا یک شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد یا باید طواف هفت شوط باشد و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی به جا آورد و بعد نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکال دارد؟

ج - استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف مزبور صحیح است.

[۷۴۶] س - معیار در کثیر الشک بودن در طواف چیست؟

ج - عرفی است. [۲۱۰]

[۷۴۷] س - طواف کردن در محدوده ۵/۲۶ ذراع و نماز خواندن پشت مقام، هر چه نزدیک تر به مقام، آن طور که در مناسک بیان شده، گویی نزد آنان بدعت است، آیا باید همان گونه که آنان در خارج از حد طواف می کنند و دور از مقام نماز می خوانند انجام

شود؟

ج - چنین چیزی نیست و باید به وظیفه عمل شود. [۲۱۱]

[۷۴۸] س - اینکه فرموده اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند، بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج - بلی، احتیاط به این است که قبلاً اتمام کند طواف را و نماز بخواند و سپس اعاده نماید. [۲۱۲]

[۷۴۹] س - کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده، نیاز به نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که محرم است، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام، آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس مخیط هم جایز است؟

ج - هیچ یک از احرام یا لباس احرام در نایب لزوم ندارد. [۲۱۳]

[۷۵۰] س - شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد، باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک به جا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که مشقت نداشته باشد، برای هر بار که حدث از او صادر شود یک وضو بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد. [۲۱۴]

[۷۵۱] س - آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، لازم است با لباس احرام باشد؟

ج - لازم نیست. [۲۱۵]

[۷۵۲] س - هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته، اعمال عمره را؛ از طواف و سعی، انجام دهد؛ جهلاً یا عمد، آیا طواف و سعی او صحیح است؟ و عمره او مجزی است یا نه؟

ج - طواف و سعی مزبور صحیح و عمره مذکور مجزی است. [۲۱۶]

[۷۵۳] س - هرگاه محرم به احرام عمره تمتع جنب باشد و آب برای او ضرر دارد یا آب ندارد و یا وقت عمره می گذرد، آیا طواف و نماز، با تیمم کافی و مجزی است؟ یا باید نایب هم بگیرد؟

ج - نایب گرفتن لازم نیست. [۲۱۷]

[۷۵۴] س - آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق می کند؟

[۲۱۸] - فرق می کند [۲۱۹] و فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی الأحوط. [۲۲۰]

[۷۵۵] س - اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او، که باید در حال طواف بیپوشاند، ظاهر باشد آیا به طواف او ضرر می رساند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر، طواف را انجام داده، طواف او باطل است یا نه؟ [۲۲۱]

[۲۲۲] - اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست ^[۲۲۳] علی الأحوط ^[۲۲۴] و در غیر مورد عمد، صحیح است، مگر در جاهل مقصر علی الأحوط.

[۷۵۶] س - شخصی در عمره تمتع طواف را تمام کرده است، ولی می گوید دلچسب نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول، به جا می آورد و نماز و سعی به جا می آورد و تقصیر می کند، آیا عملش صحیح است یا نه؟

ج - عمل او صحیح است [۲۲۵]، هر چند داخل در قران حرام است.

[۷۵۷] س - اکل و شرب در حال طواف جایز است یا نه؟

ج - مانع ندارد.

[۷۵۸] س - کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند می کند و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد و در این حال توجه به طواف ندارد، در نتیجه نمی داند که آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند. [۲۲۶]

[۷۵۹] س - کودک نابالغی با اذن پدر محرم شد و طواف را نیمه کاره به تصور اینکه همین مقدار کافی است رها کرد و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داد، تکلیف چیست؟

ج - اگر از اول قصد هفت شوط نداشته، طواف او باطل است و باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید. [۲۲۷]

[۷۶۰] س - کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست ادامه دهد و دیگری به جای او بقیه را به جا آورد، ولیکن نماز طواف را خودش خواند و بعداً متوجه شد که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمی رساند و او با استراحت می توانست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج - بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید. [۲۲۸]

[۷۶۱] س - شخصی طواف خود را به هم می زند و طواف دوم را شروع می کند، آن را نیز به هم می زند و طواف سوم را آغاز کرده به اتمام می رساند، وظیفه او چیست؟

ج - اشکال دارد [۲۲۹] و موارد احتیاط مختلف می شود.

[۷۶۲] س - اگر شخصی رکن مستجار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن حجر الأسود است، لذا طواف را از مستجار به عنوان حجر الأسود شروع کرد و هفت شوط کامل به جا آورد، بعداً فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟

ج - طواف مزبور باطل است [۲۳۰] و باید تدارک شود.

[۷۶۳] س - گاهی انسان شک می کند که این شوط طوافم به هم خورده یا نه، آیا می شود بعد از طواف یک شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

ج - به وسوسه نباید اعتنا کرد و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند، همان قسمت باید تصحیح شود [۲۳۱] و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می شود و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی شود.

[۷۶۴] س - شخص در حالي که مشغول طواف است، در شوط پنجم یقین کرد که ۵ متر در شوط اول و ۵ متر در شوط سوم بی اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

[۲۳۲] - این طواف قابل تصحیح نیست [۲۳۳] و باید اعاده شود.

[۷۶۵] س - شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است، آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج - ظاهر آن است که آنچه در مناسک استثنا نکرده معتبر است. [۲۳۴]

[۷۶۶] س - در طواف مستحبی، زنان می دانند که به بدن مردان نگاه می کنند و احیاناً هم در بین فشار مردان قرار می گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

ج - اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند و در هر صورت طواف صحیح است.

[۷۶۷] س - آیا در طواف های مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟

ج - بلی شرط است.

[۷۶۸] س - محرم وارد مکه شد، آیا می تواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل از اعمال عمره مفرده و همچنین پس از محرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی به جا آورد یا خیر؟ و اگر به جا آورد، به عمره و حج ضرر می زند یا نه؟

[۲۳۵] - احوط ترک طواف [۲۳۶] مستحبی است در فرض سؤال، ولی به عمره و حج ضرر نمی زند.

[۷۶۹] س - آیا می شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یک نفر به جا آورد؟

ج - نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد. [۲۳۷]

[۷۷۰] س - آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب به جا آورد یا نه؟

[۲۳۸] - جایز نیست [۲۳۹] مگر در مورد ضرورت. [۲۴۰]

[۷۷۱] س - اگر حاجی از منی برگشته و هنوز طواف واجب را به جا نیاورده است، آیا می تواند طواف مستحبی به جا آورد یا نه؟

ج - احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده، طواف مستحبی نکند. [۲۴۱]

[۱]. آیه الله مکارم: گرفتن نایب لازم نیست.

[۲]. آیه الله اردبیلی: این حکم در صورتی است که به طور کلی ختنه شدن برای او ضرر داشته باشد، ولی چنانچه با تأخیر تا سال بعد بتواند ختنه کند، باید حج را در سال بعد بهجا آورد.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: اگر بتواند ختنه کند ولو با تأخیر حج تا سال آینده، باید این کار را بکند، پس اگر اصلاً متمکن از ختنه نباشد؛ یعنی برایش ضرر و مشقت دارد لازم است حج را همان سال به جا آورد لیکن احتیاط این است که در عمره و حج شخصاً طواف نموده و برای طواف، نایب نیز بگیرد، ولی خودش نماز طواف را به جا آورد.

آیه الله زنجانی: مطابق حاشیه آیات عظام عمل کند، و بنابر احتیاط استحبابی خودش طواف کند.

[۳]. آیه الله اردبیلی: بعد از نماز جماعت، طواف یا سعی را از همانجا که قطع شده ادامه دهد و صحیح است.

آیه الله سبحانی: پس از پایان یافتن نماز جماعت از همان نقطه که قطع کرده یا محاذی آن در هر شوطی که باشد طواف و یا سعی خود را تکمیل کند و این در صورتی است که با جماعت همراهی کرده و نماز بخواند در غیر این صورت اگر موالات به هم بخورد اگر قبل از تجاوز از نصف باشد اعاده طواف و سعی و بعد از آن اتمام طواف و یا سعی نماید و احوط در تمام صور اتمام طواف و نماز و اعاده آن و همچنین اتمام سعی و اعاده آن است.

[۴]. آیه الله خویی: اگر موالات فوت شود طواف باطل است و اعاده لازم است. (مناسک فارسی، مسأله ۳۱۴).

[۵]. آیه الله بهجت: در طواف اگر موالات عرفیه بههم نخورد اشکالی ندارد و اگر بههم بخورد و قبل از اكمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اكمال آن طواف و اعاده آن، ولی در سعی چون موالات معتبر نیست با فرض عذر که مورد سؤال است مانعی ندارد. (مناسک، س ۸۸).

آیه الله خامنه ای: در رابطه با طواف به حاشیه مسأله ۶۲۰ مراجعه شود.

[۶]. آیه الله تبریزی: حکم قطع طواف، در صورتی که در اثنای طواف نماز جماعت اقامه شود، در مسأله ۶۲۱ گذشت، و اما نسبت به سعی، احوط در هر دو صورت اتمام و اعاده است.

آیه الله سبحانی: حکم قطع طواف در صورتی که در اثنای طواف نماز جماعت اقامه شود در مسأله ۶۳۱ گذشت و اما در سعی اگر موالات از بین برود به احتیاط واجب باید سعی را تمام و اعاده کند.

[۷]. آیه الله سیستانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند پس از نماز از همانجا که قطع شده است ادامه دهد چه در طواف باشد چه در سعی و احتیاط مستحب اتمام و اعاده است و اگر شرکت نکند، پس اگر قبل از پایان شوط چهارم باشد و فوت موالات عرفی نشده باشد از همانجا که قطع شده است ادامه دهد و اگر موالات فوت شده است از سر بگیرد و اگر بعد از پایان شوط چهارم باشد در هر حال اتمام آن کافی است و در سعی اگر موالات از بین برود به احتیاط واجب، باید سعی را تمام و اعاده کند.

آیه الله نوری: طواف را از سر بگیرد و در سعی نیز اگر بعد مرتبه چهارم است، بعد از قطع کردن سعی و خواندن نماز، از همانجا که قطع کرده بود سعی را به آخر برساند و اگر قبل از مرتبه چهارم است سعی را از سر بگیرد.

[۸]. آیه الله فاضل: در تمام صور می تواند طواف یا سعی را از سر بگیرد و صحیح است، اما اگر بخواهد احتیاط کند پس اگر طواف قبل از سه دور و نیم قطع شده و فصل طویل شده، طواف را از سر بگیرد، اما اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم بوده و فاصله هم شده طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند و سعی را اگر بعد از دور چهارم قطع شده تمام کند. ولی اگر قبل از دور چهارم قطع شده و فاصله هم زیاد شده بنابر احتیاط لازم اعاده کند.

[۹]. آیه الله زنجانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند طواف یا سعی را تکمیل می کند، هر چند قبل از شوط چهارم باشد، و اگر شرکت نکند ولی تشکیل صفوف جماعت، مانع ادامه طواف او شود اگر بعد از شوط چهارم بوده طواف قبلی را اتمام می کند، مگر بیش از نایب گرفتن افراد بیمار فاصله شود که طواف را اعاده می کند، و اگر قبل از نیمه شوط چهارم بوده است طواف را اعاده می کند مگر فقط به مقدار استراحت افراد ضعیف، فاصله شود که باید آن را تکمیل کند و در بین سه و نیم و چهار شوط، طواف قبلی را اتمام و سپس اعاده می کند. و این تفصیل حکم تمام مواردی است که به جهت موانع خارجی مانند نظافت مسجد، طواف واجب قطع گردد.

[۱۰]. آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط واجب سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

آیه الله سبحانی: باید وضو بگیرد و تمام اعمال (طواف، نماز طواف، سعی و تقصیر) را با لباس احرام انجام دهد و اگر زمان برای انجام عمره تمتع کافی نیست و بیم آن می رود که وقوف اختیاری عرفه را از دست می دهد بنابراین برای حج محرم می شود و

اعمال حج را به عنوان وظیفه فعلیه اعم از افراد یا تمتع انجام می دهد و بعد از اعمال روز عید و یا بازگشت از منی، طواف و نماز و سعی عمره تمتع را به جا می آورد و سپس بقیه اعمال حج را و پس از اعمال حج یک عمره مفرده به جا می آورد. همچنین است حال کسی که در اثنای حج فهمید وضوی طواف عمره تمتع او باطل بوده است ولی در صورتی که از روی جهل یا عمد طواف عمره را بدون وضو انجام داده و وقت تدارک گذشته باشد باید یک عمره تمتع به جا آورد و حج را در سال بعد اعاده کند و اگر کسی بعد از حج فهمید که طواف عمره تمتع او از روی سهو باطل بوده باید خودش یا نایبش طواف و نماز آن و سعی را اعاده کند و علاوه بر نائب خودش هم نماز را هر کجا هست بخواند و اگر در مکه هست خودش و اگر نیست نایبش یک عمره مفرده به عنوان تکلیف فعلی او انجام دهد و به احتیاط مستحب حج را سال بعد اعاده کند.

[۱۱]. آیه الله بهجت، آیه الله تبریزی: و بنابر احتیاط، بعد از آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و [] تا تقصیر نکرده احکام مُحرم را مراعات کند.

و آیه الله بهجت اضافه می فرماید: و در صورتی که بطلان از جهت جهل به حکم نبوده، تقصیر قبلی کفارہ ندارد. (مناسک، س ۸۵ و ۱۷۰).

آیه الله خویی: باید لباس دوخته را بیرون بیاورد و سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و در فرض گذشت زمان تدارک، حش باطل است. (المسائل الشرعیه، ص ۳۴۲ و ۳۵۱ و ۳۵۷).

آیات عظام زنجانی، صافی، گلپایگانی: در مفروض سؤال (که بعد از تقصیر و قبل از شروع اعمال حج فهمیده) باید پس از وضو طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۸، مسأله ۴۷).

آیه الله سبحانی: اگر قبل از شروع اعمال حج فهمیده باید لباس دوخته را بیرون بیاورد و با لباس احرام طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از گذشتن وقت یادش آمد باید آن را جبران کند و بعد از آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و تا اعمال را انجام نداده است از محرمات احرام اجتناب نماید و اگر بعد از گذشتن وقت تدارک متوجه شود، در صورت سهو و نسیان، اعاده طواف کافی است و در صورت جهل حش باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر قربانی بدهد.

آیه الله مکارم: احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

[۱۲]. آیه الله اردبیلی: اگر مسأله را می دانسته و قصد داشته عمل صحیح را انجام دهد، طواف او صحیح است.

آیه الله زنجانی: طواف در حال بوسیدن کعبه صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر این شخص آگاه به مسأله بوده و بنابر آوردن طواف صحیح داشته به شک خود اعتنا نکند و الا حکم او مانند مسأله ۶۰۱ است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که توجه به حکم و بنابر اتیان طواف صحیح داشته است.

آیه الله مکارم: هرگاه آگاه به مسأله بوده که نباید در آن حالت راه برود.

[۱۳]. آیه الله بهجت: شک در صحت محل اعتنا نیست. (مستفاد از وسیله، ص ۲۳۸ در نماز) .

آیه الله تبریزی، آیه الله فاضل: و در غیر این صورت طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده نماید.

آیه الله خامنه ای: با احتمال التفات، بنابر صحت می گذارد مطلقاً.

آیه الله خویی: با احتمال التفات، بنابر صحت می گذارد مطلقاً. (تعلیقه عروه، ج ۱، ص ۶۶۳، م ۵۶ از فروع علم اجمالی) .

آیه الله زنجانی: اگر صحیح بودن قطعه سابق بر قطعه مشکوک، محرز باشد طواف او صحیح است، والا چنانچه احتمال می دهد که در قطعه مشکوک، به رعایت شرایط طواف، توجه داشته باید احتیاطاً طواف را تمام کرده و پس از خواندن نماز، آن را اعاده کند، و اگر چنین احتمالی نمی دهد باید طواف را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: در هر صورت عمل صحیح است. (بنا را بر صحت بگذارد مطلقاً) .

[۱۴]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب باید اعمال مترتب بر آن را نیز اعاده نماید به نحوی که ترتیب حاصل شود.

[۱۵]. آیه الله سبحانی: باید عمل باطل شده را با رعایت ترتیب در اعمال مترتبه جبران کند و تقصیر نماید و اگر محرم به احرام حج شده در بازگشت از منی قبل از اعمال حج با رعایت ترتیب آن ها را اعاده کند ولی اعاده تقصیر لازم نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در مورد بطلان طواف و سعی از احرام خارج نشده است. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۵۸) .

[۱۶]. به سؤال ۶۴۷ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر طواف یا سعی بهطور کلی باطل بوده باید آن عمل و اعمال بعدی را به جا آورد و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند، و اگر وقت جبران گذشته عمره اش تبدیل به حج افراد می شود و باید پس از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر برخی از اشواط طواف یا سعی، باطل بوده، آن را اتمام می کند و اگر تنها نماز، باطل بوده نماز می خواند و در این سه صورت اعاده اعمال بعدی و اجتناب از محرمات احرام، لازم نیست و در تمام صورت ها پوشیدن لباس، کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: باید عمل یاد شده و اعمال مترتبه را با پوشیدن لباس احرام جبران کند.

آیه الله سیستانی: اگر طواف یا سعی باطل بوده است، باید عمل را با رعایت ترتیب جبران کند و تقصیر نماید و از تروک احرام قبل از آن اجتناب کند و پوشیدن لباس چون عمدي نبوده است کفاره ندارد و اگر فقط نماز طواف باطل بوده است فقط آن را انجام دهد و لازم نیست لباس احرام بپوشد.

[۱۷]. آیه الله زنجانی: عملش صحیح است.

[۱۸]. آیه الله خامنه ای: اگر از طواف قبل دست برداشته و لذا طواف را از اوّل اعاده نموده است همان طواف اعاده شده صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳)

[۱۹]. آیه الله بهجت: باید طواف را از موضع علم به نجاست تمام کند و بقیه اعمال را اعاده نماید و احوط استیناف طواف بعد از اتمام آن است. (مستفاد از مسأله ۳۰۳ مناسک)

[۲۰]. آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

[۲۱]. آیه الله تبریزی: اگر طواف را به نیت وظیفه فعلیه اعاده کرده نیاز به اتمام طواف اول نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر طواف دوم را به قصد مافیالذمه (اعم از اتمام و اعاده) و به عنوان مقدمه علمیه برای یقین به برائتذمه بوده باشد صحیح است و در غیر این صورت احتیاطاً باید نقص طواف قبلی را تکمیل و نماز آن را خوانده، و پس از آن بنابر احتیاط واجب سعی و تقصیر را اعاده کند و تا تقصیر نکرده احکام محرم را مراعات کند. □

□ آیه الله سیستانی: اگر طواف دوم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده صحیح است و در غیر این صورت اگر جاهل قاصر بوده صحیح است و گرنه بنابر احتیاط واجب، اعمال عمره را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط سعی و تقصیر را هم اعاده نماید. (آداب و احکام حج، م ۶۰۳).

آیه الله مکارم: طواف دوم باطل بوده است و باید طواف سابق را ادامه دهد.

[۲۲]. آیه الله بهجت: صحیح است.

[۲۳]. آیات عظام زنجانی، صافی، گلپایگانی: بنابر اقوی طواف و اعمال مترتبه صحیح است.

[۲۴]. آیه الله اردبیلی: چنانچه طواف دوم را پس از فوت موالات عرفیه طواف اول به جا آورده باشد و یا طواف اول را پیش از تمام شدن شوط چهارم قطع کرده و از مطاف خارج شده و مشغول به عملی شده باشد که عرفاً بگویند طواف را قطع کرده، عملش صحیح است و گرنه چنانچه قطع طواف اول پیش از اتمام شوط چهارم باشد، احتیاطاً باید آن را اعاده کند و اگر پس از آن باشد، احتیاطاً باید یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیه الله خویی: در فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، طواف مزبور مجزی است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۸).

آیه الله فاضل: طواف در تمام صور صحیح است.

[۲۵]. آیه الله خامنه ای: این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سر گرفته کفایت می کند. (استفتاء ۶۲۴۶۳)

آیه الله نوری: این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سر گرفته کفایت می کند.

[۲۶]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط اعمال مترتب بر طواف را نیز به جا آورد.

[۲۷]. آیه الله تبریزی: در هر دو صورت اگر یک طواف کامل به نیت وظیفه فعلیه ؛ اعم از تمام و اتمام به جا آورد کافی است.

آیه الله سبحانی: در صورتی که پیش از تجاوز از نصف بدون عذر طواف را رها کرده و پس از فوت موالات طواف را سر گرفته باشد طواف او و اعمال بعد از آن صحیح است و در غیر این صورت بنابر احتیاط واجب طواف قبلی را تمام کند و نماز آن را بخواند و سپس طواف را از سر بگیرد و اعمال مترتبه را اعاده نماید.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است، سپس از سر گرفته باشد طواف صحیح است و اگر بعد از شوط چهارم باشد در صورتی که استیناف پس از فوت موالات عرفیه بوده صحیح است و گرنه مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله مکارم: طواف او و اعمال بعد از آن، در هر دو حال صحیح است.

[۲۸]. آیه الله بهجت: اگر سهواً و از روی غفلت محدث شده است، باید پس از تجدید طهارت طواف را از همانجایی که قطع شده ادامه دهد و در صورتی که عمداً بوده است حکم به ادامه طواف از محل قطع، مورد تأمل است و باید طواف را از سر بگیرد (مناسک، ص ۱۰۲) و احتیاطاً نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند. (پرسش های جدید حج، س ۷۴).

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۶۵۱ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: باقیمانده طواف اول را بیاورد و سپس نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد و اگر بعد از تقصیر در عمره تمتع و یا مفرده متوجه این موضوع شد آن چه انجام داده کفایت نمی کند و باید برگردد طواف خود را تکمیل کند و نماز و سپس بقیه اعمال را بیاورد همینطور است اگر این امر در طواف حج اتفاق بیافتد باید طواف را تکمیل و سپس نماز آن و سعی را به جا آورد و اگر طواف نساء را نیز انجام داده باید آن را همراه با نمازش اعاده کند و اگر زمان تدارک گذشته باشد در ذیل سؤال ۶۴۷ و ۱۳۶۲ صور مختلف آن ها بیان شده است. و در تمام صور گذشته اگر فقط طواف نساء را با وضوی باطل انجام داده است فقط باید آن را همراه با نمازش مجدداً بیاورد.

[۲۹]. آیه الله اردبیلی: و بعد از نماز طواف، احتیاطاً اعمال مترتبه را نیز به جا آورد.

آیه الله تبریزی: در مسائل سابق توضیح داده شد.

آیه الله خویی: حکم آن در مسأله سابق گذشت.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: طواف دوّم و اعمال بعد از آن صحیح است، هرچند می توانست طواف اول را پس از وضو هم تکمیل و به آن قناعت کند.

آیه الله سیستانی: اگر پس از موالات عرفیه اعاده کرده، صحیح است و گرنه مشکل است.

آیه الله فاضل: و سعی و تقصیر را احتیاطاً اعاده کند.

[۳۰]. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: با تداوم احتیاط و قصد وظیفه فعلیه، تا پایان آخرین شوط، صحیح است.

آیه الله خویی: فتوای معظم له در دست نیست.

آیه الله سیستانی: صحت آن مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

[۳۱]. آیه الله اردبیلی: اگر به قصد رجاء و کشف حال، طواف را ادامه داده، صحیح است.

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط لازم طواف را اعاده نماید.

آیه الله خویی: بنابر احتیاط صحیح نیست. (آراء المراجع، چاپ سوم، ص ۳۰۲).

آیه الله زنجانی: باید طواف و اعمال بعدی را به جا آورد و اگر وقت گذشته چنانچه در عمره تمتع بوده، عمره اش تبدیل به حج افراد می شود و باید پس از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر در حج بوده باید اعمال عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله سبحانی: در صورتی طواف او درست است که به قصد رجاء و کشف حال طواف را ادامه داده باشد ولی اگر صرفاً به ظن خود اعتماد کرده طواف صحیح نیست و باید بعد از نماز آن طواف و نماز را اعاده و اگر اعمال مترتبه را آورده مجدداً انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر به قصد رجاء و کشف حال طواف را ادامه داده صحیح است.

آیه الله فاضل: اگر با اطمینان به یک طرف ادامه داده صحیح است. و الا باید احتیاطاً طواف و نماز طواف و سعی و تقصیر را اعاده کند.

[۳۲]. آیات عظام بهجت، زنجانی، سبحانی، فاضل: اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی: اشکال دارد و احتیاط این است که آن طواف را تمام کرده و نماز طواف را بخواند و طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله خامنه ای: اشکال ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶)

آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

[۳۳]. آیه الله اردبیلی: به حاشیه مسأله ۶۵۲ مراجعه شود.

آیات عظام بهجت، زنجانی، مکارم: اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: در س ۶۵۲ حکم آن گذشت. □

□ آیه الله خویی: در صورت اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، عمل مزبور مجزی است.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اقوی صحت طواف است، و اگر بعد از شوط چهارم بوده نقصان طواف قطع شده را واجب است به جا آورد و نماز آن را نیز بخواند. (آداب و احکام حج، م ۵۹۱ و ۵۹۶).

آیه الله فاضل: اشکال ندارد به تفصیلی که در مسأله ۶۴۶ گذشت.

[۳۴]. آیه الله سبحانی: اگر با ویلچر یا امثال آن در زمان ازدحام از پشت مقام طواف داده شدند استنباه لازم نیست مگر اینکه از طبقه دوم طواف داده شوند که در ذیل سؤال ۱۴۱۵ به نحوه انجام آن اشاره شده است.

[۳۵]. آیه الله اردبیلی: احتیاط لازم نیست و طواف در تخت روان صحیح است.

[۳۶]. مراجعه شود به مسأله ۵۹۲.

آیه الله بهجت: اگر می تواند به کمک دیگری مباشرتاً در محدوده طواف کند باید این کار را بکند و در غیر این صورت واجب است نایب بگیرد که در محدوده طواف کند و طواف با تخت روان در خارج محدوده کفایت نمی کند.

آیه الله خامنه ای: برای مَطاف حدّ خاصی نمی باشد و در هر جای مسجدالحرام صحیح است (مناسک حج، ص ۱۰۳، ششم)

آیه الله زنجانی: در شرایط کنونی که نمی گذارند ناتوانان را در صحن مسجدالحرام طواف دهند، نایب بگیرند، و بنابر احتیاط مستحب، خودشان هم در طبقه دوم طواف داده شوند.

آیه الله سبحانی: احتیاطاً هر دو را انجام دهند و اکتفا به طواف دادن در طبقه دوم اشکال دارد.

آیه الله سیستانی: همه مسجدالحرام مطاف است.

آیه الله مکارم: این احتیاط لازم نیست و طوافش صحیح است.

[۳۷]. آیه الله اردبیلی: اگر به جهت فراموشی بوده، عملش صحیح است و اگر به جهت ندانستن مسأله بوده، اصل طواف اشکال ندارد لکن شوط مزبور باطل است و آن شوط را باید از حجرالأسود اعاده نماید.

آیه الله بهجت: مستفاد از آنچه در ذیل مسأله ۵۹۰ گذشت آن است که با اتمام آن به یک شوط، طواف صحیح است.

آیه الله خامنه ای: آن دور باطل است و باید آن را از حجرالأسود اعاده کند ولی چون غالباً برگشتن به عقب مشکل است بهتر است همراه جمعیت آن دور را بدون نیت ادامه دهد سپس از حجرالأسود قصد کند.

[۳۸]. آیه الله سبحانی: اگر در همان شوطی که وارد حجر شده متوجه اشتباه شود و برگردد و به نیت تصحیح از همان جایی که وارد حجر شده به صورت صحیح طواف را ادامه دهد و برای احتیاط از یکی دو قدم جلوتر از باب مقدمه علمیه طواف قطع شده را ادامه دهد طواف او صحیح است و اگر در همان شوط متوجه نشد تصحیح مشکل است باید با به هم خوردن موالات، طواف از

نو اعاده شود و صور دیگر نیز در مسأله ۵۹۰ آمده است.

آیه الله فاضل: شوط فاسد را اتیان کند و بنابر احتیاط مستحب طواف را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و در فرض اخیر هم، چون احتمال باطل شدن اصل طواف می رود احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز دوباره طواف کند و نماز آن را بخواند. (مناسک فارسی، ص ۶۷).

[۳۹]. آیه الله اردبیلی: در نماز ادامه آن در حال شک مبطل است ولی در طواف و سعی اگر به امید اینکه شکش تبدیل به یقین شود و کشف حال گردد آن را ادامه دهد اشکالی ندارد.

[۴۰]. آیه الله تبریزی: (طواف یا سعی) اشکال دارد.

آیه الله خویی: بنابر احتیاط صحیح نیست. (آراء المراجع، چاپ سوم، ص ۲۰۲).

آیه الله فاضل: ادامه دادن طواف و نماز و سعی در حال شک اشکال دارد. لذا در فرض سؤال باید از ادامه اعمال خودداری کند و تروی کند و اگر به یک طرف اطمینان پیدا کرد طبق آن عمل کند و الا عمل را از نو انجام دهد و در این مسأله فرقی بین طواف و نماز و سعی نیست.

آیه الله مکارم: به امید انجام وظیفه شرعی.

[۴۱]. آیه الله زنجانی: اگر اطمینان دارد که در ادامه عمل نسبت به تعداد اشواط به اطمینان یا حجت شرعی (مانند شمارش همراهان) می رسد می تواند در حال شک طواف یا سعی را ادامه دهد.

آیه الله سبحانی: اگر با علم به عدم زیاده در حال طواف در شماره طواف ها شک کند ولی به قصد رجاء و به امید اینکه در آینده واقع روشن شود به طواف خود ادامه دهد و سپس سرانجام به یک طرف یقین پیدا کند طواف او صحیح است و همچنین اگر کسی در حال سعی در عدد اشواط شک کند و طرف شک نقیصه باشد نه زیاده مثلاً شک کند دور پنجم است یا هفتم سعی او صحیح است و چه سعی و چه طواف در هر دو اگر در آخر به نتیجه نرسید آن ها باطل هستند و بهتر است برای طواف و یا سعی دوم صبر کند تا موالات بهم بخورد و با صرف نظر از آنچه از طواف و یا سعی انجام داده طواف و یا سعی خود را مجدداً بیاورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر در حال سعی شک کند و در حال شک بقصد رجاء کشف حال ادامه دهد و بعد یقین به صحت

پیدا کند سعی او صحیح است و در طواف، اگر از دلیل طواف لزوم حفظ هر شوط استفاده شود حکم به صحت مشکل است و الا بعید نیست. (آراء المراجع، ص ۲۶۸).

[۴۲]. آیه الله مکارم: همه شک ها احتیاج به مختصری فکر دارد تا مشمول ادله شک گردد.

[۴۳]. آیه الله اردبیلی: اگر بدون به هم خوردن موالات پس از طواف اول، طواف دوم را به جا آورده، احتیاطاً یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

[۴۴]. آیه الله بهجت، آیه الله خویی: به حاشیه مسأله ۶۵۲ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: طوافی را که از سر گرفته صحیح است.

[۴۵]. آیه الله خامنه ای: همان طواف دوم که از سر گرفته کافی است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷)

[۴۶]. آیه الله مکارم: طوافی که از سر گرفته صحیح است.

[۴۷]. به سؤال ۶۵۲ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: با فرض تمشّی قصد قربت، طوافش صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر طواف جدید را پس از انجام منافی - مثل فوت موالات عرفی - به جا آورده، صحیح است وگرنه طوافش اشکال دارد مگر آنکه، جاهل قاصر باشد.

[۴۸]. آیات عظام زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: ولی عمداً پا روی آن نگذارد.

آیه الله سبحانی: ولی عمداً پا روی آن نگذارد و اگر گذاشت موجب بطلان طواف نمی شود.

[۴۹]. آیه الله اردبیلی: ولی عمداً مرتکب این کار نشود.

آیه الله زنجانی، آیه الله گلپایگانی: ولی نباید اذیت دیگران را فراهم آورد. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۴۵).

آیه الله مکارم: ولی عمداً این کار را نکند مگر اینکه مانع عبور باشد.

[۵۰]. آیات عظام اردبیلی، بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی: به حاشیه مسأله ۶۵۲ مراجعه شود.

آیه الله خامنه ای: همان طوافی را که از سر گرفته صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷)

آیه الله سیستانی: اگر قطع به این صورت بوده که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده است که عرفاً گفته شود طوافش را قطع کرده است، طواف دوّم صحیح است وگرنه مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: گذشت مسأله ۶۵۲ طوافی که از سر گرفته کافی است.

آیه الله گلپایگانی: در فرض مذکور صحت طواف بعید نیست. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۷ مسأله ۵ و ص ۴۷۹ مسأله ۴۹).

[۵۱]. آیه الله سیستانی: طواف او باطل است.

[۵۲]. آیه الله اردبیلی: در فرض مزبور طواف صحیح است و حتی در حال اختیار نیز چنانچه اتصال عرفی به جمعیت طواف کننده وجود داشته باشد، طواف خارج از حد بین مقام و کعبه اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: می تواند در کناری قرار بگیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها، از آنجا که طوافش را قطع کرده بود به طوافش ادامه بدهد و صحیح است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در فرض مزبور، طواف صحیح است.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: ولی در ایام شلوغ (مانند ایام شلوغ حج و ماه رمضان) که طواف در محدوده در شب و روز برای معمول حجاج، مشقت شدید دارد، رعایت محدوده مقام، لازم نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: افرادی که به طریق مذکور عمل کرده اند طواف و نماز را باید اعاده کرده و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کنند و اگر کیفیت مذکور در طواف نساء واقع شده زن بر آنها حلال نشده است. بلی اگر در چنین حالاتی ضرورت عرفی اقتضا کرده و صبر کردن برای انجام طواف در محدوده مستلزم عسر و حرج بوده و در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب انجام شده صحیح است و از احرام خارج شده است.

آیه الله سیستانی: بعید نیست که در بیشتر از مقدار ذکر شده فاصله بین مقام ابراهیم و کعبه هر چند کراهت دارد، طواف جایز باشد. (مناسک، مسأله ۳۰۳).

آیه الله مکارم: طواف حد معینی ندارد.

[۵۳]. آیه الله فاضل: به احتیاط واجب با مجتهد جامع الشرایط مصالحه کند.

[۵۴]. آیه الله اردبیلی: طواف و قربانی او صحیح است و فقط مدیون خمس می باشد مگر اینکه به نحو شخصی خریده باشد و قصدش این باشد که خمس را نپردازد که در این صورت طواف و قربانی او اشکال دارد.

آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: ولیکن اگر همانطور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد، حجّش صحیح است. □

□ آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنابر احتیاط واجب اگر سائرش متعلق خمس باشد، ولی اگر همانطور که متعارف است به ذمه

خریده، حجب اشکال ندارد.

آیه الله خامنه ای: اگر به ذمه خریداری کرده باشد اشکالی ندارد.

آیه الله زنجانی: تصرف در تمام مالی که متعلق خمس است بدون اذن مجتهد جامع الشرائط، جایز نیست، و همچنین است اگر این اموال با دیگر اموالش مشتبه شود و همه اموال، محل ابتلاء او باشد؛ و در هر دو صورت اگر بدون عذر با آن اموال، لباس احرام یا قربانی بخرد، معصیت کرده، لکن معامله او و طواف و اعمال او صحیح است، هر چند احتیاط مستحب مؤکد در آن است که اگر با شخص آن اموال خریده، به آن طواف اکتفا نکند و اگر لباس احرام یا قربانی را با ثمن کلی خریده، تمام اعمالش صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر کسی سال خمسی ندارد چنانچه به حج یا عمره مشرف شود باید اموال خود را تخمیس کند و لااقل خمس تمام هزینه های حج و یا عمره را بپردازد و یا از حاکم شرع اجازه بگیرد لیکن اگر خمس مبالغ مذکور را به ذمه بگیرد و سپس مبالغ یاد شده را خرج کند و توان پرداخت خمس را داشته باشد از حجة الاسلام کفایت می کند و طواف و قربانی او هم صحیح است.

آیه الله سیستانی: در فرضی که خمس واجب باشد اگر همانطور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: ولی در همین فرض چنانچه بداند پول از درآمد همان سال است و در همان سال خرج شود خمس واجب نیست.

آیه الله نوری: و باید خودش آنها را انجام بدهد و اگر چون مراجعت کرده قدرت ندارد باید برای انجام طواف و نماز طواف و قربانی نایب بگیرد.

[۵۵]. آیه الله اردبیلی: حکم آن در مسأله قبل گذشت.

[۵۶]. مراجعه به مسأله قبل شود.

آیه الله بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده است. (وسیله، ص ۱۷۹).

آیه الله زنجانی: در این صورت نیز مانند بقیه صورت هایی که معذور نمی باشد اعاده طواف و نماز، واجب نیست. □

□ آیه الله سبحانی: بعد از پرداخت خمس لباس احرام و لااقل هزینه های حج و عمره و یا به ذمه گرفتن آن ها طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه گلیایگانی: اگر با عین پول خمس نداده لباس احرام بخرد اشکال دارد. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۴۲).

آیه الله فاضل: و بنا بر احتیاط سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

[۵۷]. آیه الله زنجانی: چنانچه سابقه تعلق خمس نداشته و همچنین با اموال متعلق خمس، مشتبه نشده است، لازم نیست خمس آن را بدهد و...

آیه الله فاضل: با مجتهد جامع الشرایط مصالحه کند.

[۵۸]. آیه الله تبریزی: اگر احتمال می دهد از ربی می خرد که سال بر آن نگذشته اشکال ندارد.

آیه الله خویی: صور مسأله مختلف است و احتیاط به مصالحه با حاکم شرع ترک نشود. (مستفاد از منهاج الصالحین، کتاب الخمس، ص ۳۴۳).

آیه الله سیستانی: اگر احتمال می دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید به نحو کلی فیالذمه صحیح است.

[۵۹]. آیه الله خویی، آیه الله فاضل: بلکه در صورتی که طواف عمره را هم، از روی جهل ترک کرده باشد عمره باطل می شود ولی کفاره ندارد و باید حج را در سال بعد اعاده کند. (مناسک، مسأله ۳۲۵).

آیه الله سبحانی: طواف حج را عمدتاً یا از روی جهل ترک کرد تا آخر ذی حجه فرصت جبران با انجام اعمال مترتبه را دارد و الا با توجه به اینکه حج او فاسد شده است یک شتر در مکه قربانی کند و حج را در سال بعد قضا نماید.

[۶۰]. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط. (مناسک شیخ، ص ۳۵).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض کفاره نشده اند ولی قبل از انجام عمره مفرده احتیاطاً از نزدیکی با زن خودداری نماید.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

[۶۱]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط و اگر طواف عمره تمتع را نیز به جهت جهل به مسأله ترک کنند و وقت تدارک آن بگذرد، حکم همین است و در هر دو فرض بنابر احتیاط جهت خروج از احرام، یک عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله زنجانی: و اگر در طواف عمره تمتع بوده و وقت تدارک آن گذشته احرامش تبدیل به حج افراد می شود و باید پس از آن و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده انجام دهد، هر چند حج او استحبابی باشد.

[۶۲]. به سؤال ۶۵۲ مراجعه شود.

آیه الله اردبیلی: اگر وقتی که اعاده طواف را شروع کردند، اعتقاد داشتند که موالات به هم خورده است و بعد از طواف شک در به هم خوردن موالات پیدا کردند، طوافشان صحیح است و اگر در زمان اعاده شک در به هم خوردن موالات داشته اند و با حالت شک شروع به اعاده کرده اند، احتیاطاً طواف را اعاده نمایند.

آیه الله خامنه ای: طوافشان صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷)

آیات عظام زنجانی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری: اشکال ندارد و طوافشان صحیح است.

[۶۳]. آیه الله اردبیلی: باید با تخت روان خارج از حد بین کعبه و مقام و متصل به جمعیت طواف کننده، طواف داده شوند.

[۶۴]. حکم این مسأله در حاشیه مسأله ۵۹۲ گذشت. و به ۶۵۸ نیز مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: با تخت در خارج از حد او را طواف دهند.

آیه الله خامنه ای: با توجه به حاشیه مسأله ۵۹۲ او را در پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) طواف دهند.

آیه الله سبحانی: با تخت در خارج حد او را طواف دهند و احتیاطاً نائب هم بگیرند.

آیه الله گلپایگانی: با توجه به اینکه: طواف با اتصال به طواف کنندگان از هر فاصله صحیح است، با تخت طواف دهند. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۶۸).

آیه الله مکارم: با توجه به اینکه مطاف حدّ معین ندارد، او را با تخت در پشت مقام ابراهیم طواف دهند.

[۶۵]. آیه الله خویی: فرض مزبور را متعرض نشده اند و مقتضی احتیاط اعاده طواف به نیت اعم از اتمام و تمام است.

آیه الله سبحانی: قبل از تجاوز از نیمه طواف.

[۶۶]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۴۹ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: در هر دو صورت می تواند طواف را از سر بگیرد.

مراجعه شود به مسأله ۵۴۹ و ۵۵۰.

[۶۷]. آیه الله اردبیلی: احتیاطاً نایب هفت شوط طواف یا سعی را به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی: اگر کسی از اتیان طواف یا سعی یا رمی کامل عاجز باشد ولی به انجام مقداری از آن قادر باشد بایستی برای تمام عمل نایب بگیرد. (آیه الله سبحانی افزودند: البته اگر خود شخص نصف طواف را انجام داده و سپس ناتوان شده نائب باید آن را تمام کند مناسک، مسأله ۳۵۶ و ۳۵۸).

آیه الله زنجانی: نیابت در بعض اشواط، ثابت نیست، مگر در مورد کسی که در اثناي طواف یا سعی بعد از تجاوز از نصف، بیمار شده است.

آیه الله سیستانی: اگر از ابتدا بداند که نمی تواند طواف را تمام کند باید برای همه آن نایب بگیرد و همچنین اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود، ولی اگر بعد از آن باشد می تواند برای باقیمانده نایب بگیرد، ولی در سعی اگر از یک شوط هم عاجز باشد باید برای همه آن نایب بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بعید نیست طواف حکم نماز را داشته باشد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج دلیل است، پس باید در همه طواف نیابت کند. (آراء المراجع، ص ۲۴۹).

آیه الله فاضل: اگر از ابتدا از انجام طواف مأیوس باشد و امکان طواف دادن او نباشد، باید برای همه آن نایب بگیرد و اگر بعد از دور چهارم از انجام بقیه آن عاجز شده است می تواند برای بقیه نایب بگیرد و در این فرض خودش نماز طواف را بخواند و احتیاطاً نایب نیز نماز بخواند و اگر کمتر از چهار دور به جا آورده نیابت در بقیه صحیح نیست.

آیه الله مکارم: در صورتی که بشود در باقیمانده، آنها را طواف داد باید چنین کنند، و در غیر این صورت برای تمام طواف نایب بگیرند.

[۶۸]. آیه الله اردبیلی: در مطاف رعایت حد لازم نیست و فقط اتصال عرفی به طواف کنندگان کافی است و نماز طواف تا حد امکان باید پشت مقام ابراهیم انجام شود و اگر مشکل بود، در پشت مقام با فاصله دورتر با رعایت الاقرب فالاقرب انجام شود.

[۶۹]. آیه الله مکارم: طواف حدّ معینی ندارد.

آیه الله نوری: در مطاف رعایت حدّ معینی لازم نیست، همینقدر که صدق طواف دور خانه کعبه بکند کافی است، هر چند هر قدر به خانه خدا نزدیک تر انجام بگیرد اولی است.

[۷۰]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند انجام طواف در خارج حدّ با رعایت الاقرب فالاقرب مانعی ندارد و صحیح است و صبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست.

[۷۱]. تفصیل نظریه آیات عظام در مسأله ۵۹۲ گذشت.

آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: برای مسأله نماز به مسأله ۷۸۰ و قبل از آن مراجعه شود.

[۷۲]. آیه الله اردبیلی: روش راحت تر برای چنین کسی این است که در این مسأله از مجتهدی تقلید کند که اغسال مستحبی و یا اغسال واجب غیر جنابت را نیز مجزی از غسل جنابت می داند که در این صورت حشش صحیح است و در مورد نمازها فقط باید اعمالی را که ما بین جنب شدن و غسل کردن انجام داده، قضا کند و اگر به مجتهد دیگری رجوع نکند حکم همان است که در متن آمده است.

[۷۳]. آیه الله بهجت: کفایت غسل واجب که انجام داده است از آن بعید نیست، اگرچه احوط خلاف آن است و در کفایت غسل مستحب از آن اشکال است احتیاط ترک نشود. (وسیله، ص ۵۹).

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجان، سیستانی، مکارم: بلکه اگر غیر از جنابت نیز، یکی از آنها را قصد کرده باشد اقوی کفایت است. بنابراین، اعمالی که بعد از غسل حیض یا جمعه انجام داده، تمام آنها صحیح است و فقط نمازهایی که بعد از جنب شدن و قبل از اولین غسل حیض یا جمعه خوانده باطل و قضا دارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر غسل واجبی انجام داده، از غسل جنابت کفایت می کند. بنابر این، همه اعمالی که بعد از غسل انجام داده، صحیح است.

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط، غسل مستحبی کفایت از غسل واجب نمی کند و در این مسأله می تواند رجوع کند به کسی که غسل مستحبی را کافی از غسل واجب می داند و در این صورت حج او صحیح است و چیزی بر او نیست. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۰ مسأله ۱۴).

[۷۴]. آیه الله سبحانی: حکم کسی را دارد که از روی جهل با وضوی باطل طواف خود را انجام داده است و حکم آن در سؤالات ۶۴۷، ۱۳۶۲ و ۶۵۳ آمده است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حج او باطل است و شخص مذکور باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود.

[۷۵]. آیه الله بهجت: و به احتیاط واجب در صورت امکان، عمره مفرده به جا آورد، با فرض بقای حالت جنابت او (مستفاد از س ۷۵ مناسک).

[۷۶]. آیه الله اردبیلی: اگر وقت جبران باقی نیست حش باطل است و احتیاطاً یک شتر کفاره بدهد و برای خروج از احرام یک عمره مفرده به جا آورد.

[۷۷]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف باطل است و تفصیل آن در محل خود ذکر شده است. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۱۰)

[۷۸]. آیه الله سبحانی: اگر وقت طواف و اعمال باقی است تدارک می کند، اگر وقت عمل گذشته است حج او باطل است. البته اگر حدث در طواف نساء بوده حج او صحیح است ولی طواف نساء را باید طبق مسأله ۵۴۹ انجام دهد.

آیه الله سیستانی: اگر وقت عمل گذشته است در هر صورت حش فاسد است.

[۷۹]. آیه الله خویی: اگر وقت طواف و اعمال بعد از آن باقی است، تدارک می کند و گرنه حش باطل است. (مستفاد از المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۲).

آیه الله زنجانی: مطابق پاسخ مسأله ۶۷۰ و حاشیه آن عمل کند.

آیه الله فاضل: اگر حدث بعد از شوط چهارم باشد حج او مطلقاً صحیح است ولی باید خودش و اگر نتواند نایبش بقیه اشواط را به جا آورد و اگر بعد از سه دور و نیم و قبل از تمام شدن دور □
□ چهارم محدث شده، باید احتیاط کند، همانطور که در مسأله ۵۴۹ گذشت و چنانچه کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت، انجام داده یا جاهل مقصر بوده است، صوری دارد که در بعضی از آن صور حج باطل است. تفصیل آن در ذیل مسأله ۵۴۹ گذشت. بلی اگر حدث در طواف نساء بوده، حج مطلقاً صحیح است ولی طواف نساء را باید طبق مسأله ۵۴۹ انجام دهد.

[۸۰]. به مسأله ۵۴۹ رجوع شود.

[۸۱]. آیه الله تبریزی: حجّش فاسد است.

آیه الله مکارم: در تمام صور حج او مشکل است.

[۸۲]. به مسأله ۵۴۹ و ۵۵۰ مراجعه شود.

[۸۳]. آیه الله اردبیلی: اگر وقت جبران باقی نیست حجّش باطل است و احتیاطاً یک شتر کفاره بدهد و برای خروج از احرام یک عمره مفرد به جا آورد.

آیه الله بهجت: اگر بعد از تقصیر بفهمد که طوافش باطل بوده، لازم است اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و اگر بعد از اعمال حج بفهمد، غیر از تدارک، در صورت امکان عمره مفرد هم به جا می آورد علی الأحوط. (مناسک، س ۸۵ و ۷۵)

آیه الله تبریزی: اگر تدارک نکرده اید، حجّ شما اشکال دارد. □

□ آیه الله خویی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: حکم کسی را دارد که از روی جهل با وضوی باطل طواف خود را انجام داده و حکم آن با صور مختلفه اش در ذیل سؤالات ۶۴۷، ۱۳۶۲ و ۶۵۳ آمده است.

آیه الله سیستانی: حج باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و در هر صورت، از احرام خارج نشده اید و اگر قبل از وقوفین باشد پس از طهارت، طواف و نماز و سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهید و سپس محرم شوید برای حج تمتع و اگر بعد از وقوفین یا بعد از حج بفهمد، حج او مبدل به حج افراد می شود و بعد از اعمال حج احتیاطاً عمره مفرد انجام دهد و سال بعد ثانیاً، عمره و حج تمتع را به جا آورد. (مستفاد از مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۸ مسأله ۴۷ و ص ۴۷۴ مسأله ۳۲ و ...).

آیه الله مکارم: خارج شدن از احرام خالی از اشکال نیست.

[۸۴]. آیه الله زنجانی: اگر وقت تدارک باقی است باید طواف و سعی و تقصیر را اعاده کنید و اگر وقت گذشته حج افراد و پس از آن و گذشتن ایام تشریق عمره مفرد انجام دهید و چنانچه اعمال حج تمتع را به جا آورده اید کفایت از حج افراد می کند.

[۸۵]. آیه الله سبحانی: به نیت طواف.

[۸۶]. آیه الله بهجت: اگر کمبود طواف ؛ یعنی از موضع شروعش تا حجرالأسود را جبران کند طوافش صحیح است. (مستفاد از س ۸۳، مناسک) .

آیه الله سبحانی: ولی اگر نیت واقعی او این باشد که طواف را از نقطه واقعی شروع و به آن جا که تکلیف اوست ختم می کند و شوط هفتم را محاذی حجر الاسود ختم کرد و مقدار کسری را جبران کرد صحیح است.

[۸۷]. به ذیل مسأله ۶۱۴ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: در مورد سهو، رجوع شود به حاشیه مسأله ۶۱۴، و اگر جاهل باشد، صحت طواف او مورد اشکال است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

[۸۸]. آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط باید طواف را اتمام و اعاده نموده و سایر اعمال را تدارک نماید.

[۸۹]. آیه الله فاضل: اگر قصد هفت شوط را هم در ابتدا داشته باشد و عمد^۱ و یا با جهل تقصیری، طواف را به این کیفیت انجام داده باشد باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.

[۹۰]. آیه الله اردبیلی: به احتیاط واجب نایب باید همه هفت شوط را به نیت اعم از تمام و اتمام انجام دهد و پس از آن خود

شخص نماز طواف را بخواند.

[۹۱]. آیه الله زنجانی: اگر عذرش بیمار شدن در اثنای طواف باشد مطابق حاشیه مسأله ۶۱۸ برای تکمیل طواف نایب می گیرد و در غیر این صورت اگر از انجام طواف در آینده نیز معذور است باید برای طواف کامل نایب بگیرد.

آیه الله فاضل: اگر قدرت بر انجام طواف ولو در آینده نداشته باشد باید برای تمام طواف نایب بگیرد و نماز طواف را نیز نایب بخواند.

[۹۲]. به سؤال ۶۷۵ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: باید برای تمام طواف نایب بگیرد ولی نماز را خودش نیز بخواند.

آیه الله مکارم: باید برای تمام طواف نایب بگیرد.

[۹۳]. آیه الله اردبیلی: ولی احتیاط مستحب آن است که طواف را قطع نکنند.

آیه الله خامنه ای: قطع طواف مستحبی و حتی طواف واجب، جایز است؛ هر چند احوط آن است که طواف واجب را به اندازه ای که عرفاً موالات از میان برود، قطع نکند. (مناسک حج، م ۲۶۹)

آیه الله خویی: قطع طواف جایز نیست. (استفتائات موجود نزد آقای موسوی مددی، ص ۲۵۵، س ۷۶۳).

آیه الله زنجانی: قطع طواف واجب در غیر موارد خاصه جایز نیست، ولی طوافی که از سرگرفته صحیح است.

آیه الله سبحانی: قطع جایز نیست اگر پیش از تجاوز از نصف قطع کند باید پس از فوت موالات آن را از سر بگیرد و اگر پس از تجاوز از نصف رها کند بنابر احتیاط باید طواف نخست را تکمیل کند و نماز آن را بخواند و سپس اعاده نماید (مناسک، مسأله ۳۴۰).

[۹۴]. آیه الله فاضل: قبل از فوات موالات نیز می توانند آن را از سر بگیرند و فرقی نیست که دور دوم را رها کنند یا غیر آن را. و اگر بخواهند احتیاط کنند به ذیل مسأله ۶۴۶ مراجعه کنند.

[۹۵]. به مسأله ۶۰۶، ۶۱۵ و ۶۱۶ مراجعه شود.

آیه الله خامنه ای: اگر طواف را از سر بگیرد نیز صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷)

آیه الله مکارم: از سرگرفتن آن مانعی ندارد.

[۹۶]. آیه الله فاضل: یا برایش حرجی است.

[۹۷]. به مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۶۵۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: کفایت می کند.

[۹۸]. آیه الله اردبیلی: اگر وارد شدنش به داخل حجر اسماعیل به دلیل جهل به مسأله بوده، چنانچه موالات به هم نخورده، یک شوط دیگر انجام دهد و نماز طواف را بخواند و سپس اعمال بعدی را به جا آورد و اگر موالات به هم خورده، یک شوط دیگر انجام دهد و نماز بخواند و احتیاطاً طواف و نماز و اعمال بعد از آن را اعاده نماید و اگر به جهت غفلت یا نسیان بوده، یک شوط طواف دیگر به جا آورد و احتیاطاً اعمال بعد از طواف را نیز اعاده کند.

[۹۹]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر طواف کننده داخل حجر اسماعیل (علیه السلام) شود، آن شوط باطل می شود و باید آن

را اعاده کند و بهتر اعاده طواف است بعد از اتمام آن، و این در صورت بقای مولات است، و در صورت فوت مولات، طواف محکوم به بطلان است، اگرچه از روی جهل یا نسیان باشد. و در مجموعه سؤال و جواب حاج آقای افتخاری، ص ۱۳۰ آمده است: سؤال: از داخل حجر طواف کرده و در وقت طواف حج به اشتباه خود واقف شد؟ جواب: در مفروض سؤال، حج او باطل است به بطلان عمرهاش. (فتوای آیه الله تبریزی هم مثل همین است).

آیه الله سبحانی: طواف و اعمال بعدی را تجدید نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را به جا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوط های گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و بعد از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را به جا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد. (آداب و احکام حج، م ۵۶۰)

آیه الله فاضل: احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

[۱۰۰]. آیه الله بهجت: آن شوط و نماز طواف را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید.

آیه الله سیستانی: در فرض جهل و فوت مولات باید طواف و سایر اعمال را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته باشد عمره او باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد.

[۱۰۱]. آیه الله اردبیلی: طواف دوم را اتمام کند و نماز بخواند و احتیاطاً بعد از نماز، یک شوط به قصد اتمام طواف اول به جا آورد و بعد از آن، نماز طواف اول را بخواند.

[۱۰۲]. آیه الله بهجت: اشکال ندارد، طواف دوم را تمام کند.

آیات عظام تبریزی، زنجان، سیستانی، فاضل: طواف دوم محکوم به صحت است همان را به اتمام برساند.

آیه الله خامنه ای: با توجه به اینکه از طواف اول دست برداشته اتمام همان طواف دوم کفایت می کند. (استفتاء ۶۲۴۶۳)

آیه الله خویی: فتوای ایشان در دست نیست و لذا طبق مبنای ایشان، برای عمل به احتیاط، کافی است چهار شوط دیگر به نیت اعم از اتمام طواف اول، در صورتی که وظیفه اش اتمام آن باشد و اتمام طواف دوم در غیر آن صورت به جا آورد.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: باید احتیاط کند به اینکه طواف دوّم را رها کند و طواف قبلی را تکمیل نماید و پس از نماز طواف قبلی طواف و نماز آن را بهطور کامل اعاده نماید (آداب و احکام حج، مسأله ۵۸۷).

آیه الله مکارم: صبر می کند تا موالات طواف دوم به هم بخورد سپس طواف اول را تکمیل کند.

[۱۰۳]. آیه الله سبحانی: جاهل به حکم بنابر احتیاط واجب بعد از نماز طواف انجام شده طواف را از سر بگیرد و نماز آن را به جا آورد و اگر اعمال مترتبه را انجام داده مجدداً آنها را نیز انجام دهد.

آیه الله سیستانی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است و گرنه مشکل است.

آیه الله فاضل: اگر جاهل قاصر بوده، طوافش صحیح و اعاده مستحب است.

[۱۰۴]. آیه الله اردبیلی: باید پس از بازگشت از منی و پیش از طواف حج، آن را به جا آورد.

[۱۰۵]. مراجعه شود به سؤال ۶۴۷.

آیه الله بهجت: و اگر سعی را انجام داده، سعی را بنابر احتیاط اعاده کند. □

□ آیه الله زنجانی: اگر طواف را فراموش کرده مطابق حاشیه مسأله ۶۷۹ عمل نماید و اگر آن را ناقص گذاشته قبل از طواف حج آن را اتمام نماید و اعاده سعی و تقصیر لازم نیست.

آیه الله سبحانی: نمی تواند بین ظهر عرفه تا غروب جهت تدارک از عرفات خارج شود و فوریت لازم نیست بلکه بعد از اعمال روز عید در منی و قبل از طواف حج طواف فراموش شده و یا نقصان آن را تکمیل نماید و اگر ناقص بیشتر از سه شوط و نیم باشد طواف را کامل اعاده نماید و اگر کمتر از سه شوط و نیم است احتیاط در اتمام و اعاده است و به احتیاط واجب سعی را نیز اعاده کند سپس اعمال حج خود را انجام دهد.

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب قبل از طواف حج، آن را تدارک کند. پس اگر کسری آن سه شوط یا کمتر است تکمیل نماید و اگر بیشتر است تکمیل کند و به احتیاط واجب اعاده کند.

[\[۱۰۶\]](#). آیه الله سبحانی: حکم جاهل در حاشیه سؤال ۶۸۸ و حکم زیادی از روی سهو در مسأله ۶۱۴ بیان شد.

آیه الله فاضل: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

[\[۱۰۷\]](#). آیات عظام اردبیلی، بهجت، فاضل: بنابر احتیاط بقیه اعمال را اعاده کند.

آیه الله خویی: بنابر احتیاط طواف باطل است و بقیه اعمال بعد از آن را هم اعاده نماید. (استفتائات، ص ۲۴۳، س ۷۱۹ والمسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۵، س ۱۹).

آیه الله زنجانی: و در مورد اعاده اعمال بعدی به حاشیه مسأله ۵۳۶ عمل نماید.

آیه الله سبحانی: و اگر اعمال مترتبه را آورده باید مجدداً آنها را انجام دهد.

آیه الله سیستانی: در هر صورت، اگر جاهل قاصر باشد طوافش صحیح است و گرنه مشکل است و به احتیاط واجب باید آن را و اعمال پس از آن را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اعاده بقیه اعمال لازم است. (آداب و احکام حج، م ۵۷۴)

[\[۱۰۸\]](#). آیه الله اردبیلی: اگر از روی جهل زیاده را به جا آورده، چنانچه به قصد زیاد کردن بر طواف اول باشد، طواف باطل است، و اگر به قصد طواف دوم باشد و هفت شوط طواف دوم را کامل کند، هر دو طواف باطل است ولی اگر طواف دوم را به هر دلیلی رها کند و تمام نکند، طواف اول او صحیح است. □

□ آیه الله فاضل: اگر سهواً اضافه کرده و قبل از یک دور متوجه شده، آن را قطع کند و طواف صحیح است و اگر بعد از یک دور متوجه شود باید طواف را به احتیاط واجب تا چهارده دور به قصد قربت تمام کند و دو رکعت نماز برای طواف واجب قبل از سعی بخواند و به احتیاط مستحب دو رکعت برای طواف مستحب نیز بعد از سعی بخواند.

آیه الله مکارم: این صورت هم مانند صورت اول است باید زیاده را رها کرده از سر بگیرد.

[\[۱۰۹\]](#). آیه الله بهجت: اعاده لازم نیست به نحوی که در مسأله ۶۱۴ گذشت.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۶۱۴ مراجعه شود.

[۱۱۰]. نظریه آیات عظام در مسأله ۶۰۱ گذشت.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۶۱۴ مراجعه شود.

[۱۱۱]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در فرض عمد یا جهل حش باطل است ولی حج های نیابی صحیح است.

آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط واجب در فرض جهل به مسأله حج خود را باید اعاده کند اما سایر حج ها صحیح است.

آیه الله سیستانی: در فرض جهل به مسأله، حج او باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد و سایر حج ها صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر از روی عمد ولو با جهل به مسأله بوده، حج هایی که انجام داده اشکال دارد و اگر از روی نسیان بوده طواف حج خود را به جا آورد و سعی را احتیاطاً انجام دهد و حج های نیابی او صحیح است.

آیه الله مکارم: اگر از روی سهو و فراموشی باشد حج او صحیح است و اگر عمداً باشد یا جهلاً، حج او اشکال دارد.

[۱۱۲]. آیه الله اردبیلی: اگر عمداً بوده هر چند از روی جهل، حش باطل است و باید آن را اعاده کند □
□ و بنابر احتیاط باید یک شتر نیز کفاره دهد و برای خروج از احرام عمره مفرده به جا آورد و حج های نیابی که به جا آورده، اشکال دارند و اگر از روی سهو و نسیان بوده، حش و همچنین حج های نیابی بعدی صحیح است ولی باید طواف را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: باید قبل از طواف عمره مربوط به نیابت، از طرف خود طواف کند و نماز طواف را بخواند و سپس اعمال نیابت را انجام دهد.

آیه الله فاضل: و اگر عمداً چنین کرده باید حج خودش را اعاده کند و سایر حج ها اگر خللی در آنها ایجاد نکرده باشد محکوم به صحت است.

[۱۱۳]. به سؤال ۶۴۷ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر طوافش را ناقص به جا آورده باید طواف را اتمام کند و نمازش را بخواند و اگر همه طواف باطل بوده چنانچه بعد از مراجعت به وطن متوجه شده طواف و نمازش را به جا آورد کافی است و در این دو صورت حج های نیایی او صحیح است.

[۱۱۴]. آیه الله بهجت: قصد جبران قصد زیاده نیست. (مناسک، س ۹۰).

آیه الله سبحانی: به صحت طواف ضرر نمی زند و با قصد اتیان به وظیفه فعلی (اتمام یا تمام) نقص احتمالی را جبران می کند و این در صورتی است که شک در تعداد اشواط نداشته باشد البته احتیاط واجب آن است که موارد حصول نقص و عدم نقص در همان شوط طواف را پس از تکمیل و خواندن نماز طواف، مجدداً طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: طواف او اشکال دارد مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله مکارم: طواف او اشکال دارد.

[۱۱۵]. به مسأله ۶۱۸ مراجعه شود.

آیه الله خامنه ای: تکمیل لازم نیست و می تواند از سر بگیرد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷)

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: تکمیل لازم نیست و می تواند از سر بگیرد همانطوری که گذشت.

[۱۱۶]. آیه الله اردبیلی: اگر خون در ظاهر بینی باشد، باید طواف را قطع کند و پس از تطهیر به تفصیلی که در مسأله ۵۶۸ گذشت عمل نماید. همراه داشتن دستمال نجس نیز اشکالی در طواف ایجاد نمی کند.

آیه الله سبحانی: اگر در اثناء طواف بدن مثلاً مثل خون دماغ شدن یا هر علت دیگر و یا لباس های احرام نجس شود اگر بدون رها کردن طواف تطهیر آن ممکن نباشد طواف را رها کند و بعد از تطهیر فوراً برگردد و طواف را از همان جا که قطع کرده شروع و به پایان برساند و در این جهت فرقی بین عروض نجاست پیش از نیمه طواف و یا پس از آن نیست.

[۱۱۷]. آیه الله فاضل: و سعی و تقصیر را اعاده کند.

[۱۱۸]. به مسأله ۵۶۸ مراجعه شود.

آیه الله بهجت، آیه الله خویی: محمول متنجس و همچنین لباس کمتر از مقدار ساتر در طواف عیبي ندارد. (مناسک، مسأله ۳۰۰).

آیه الله خامنه ای: به مسأله ۵۶۲ و ۵۶۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر ظاهر بدن و لباس، نجس نشود یا نجاست آن کمتر از مقدار درهم باشد طواف صحیح است و همراه داشتن متنجس، ضرر ندارد.

آیه الله سبحانی: حمل دستمال نجس کوچک و هر محمول متنجس اگر ساتر نباشد در حال طواف اشکال ندارد (مناسک، مسأله ۲۸۹ و ۲۹۸).

آیه الله سیستانی: اگر ظاهر بدن و لباس نجس نشود طواف صحیح است و همراه داشتن چیز متنجس ضرر ندارد.

آیه الله مکارم: لباس های کوچک که به تنهایی ستر عورت نمی کنند، اگر نجس باشند ضرری ندارند؛ خواه به صورت محمول باشند یا لباس.

[۱۱۹]. آیه الله اردبیلی: باید طواف را به نیت منوب عنه از سر بگیرد.

آیه الله بهجت: می تواند طواف را به نیت منوب عنه تمام کند. (استفتائات جدید)

آیه الله خامنه ای: می تواند طواف مزبور صرفنظر کرده و طوافی را به قصد منوب عنه از سر بگیرد. (استفتاء ۶۲۴۶۳)

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: در فرض سؤال به نیت آنچه نیت کرده آن را اتمام کند و نماز طواف را بخواند. اما نمی تواند به آن اکتفا کند و باید طواف و نماز آن را به نیت منوب عنه اعاده کند.

آیه الله سبحانی: البته اگر هنوز طواف به نصف نرسیده می تواند آن را رها کند و کمی صبر کند تا موالات به هم بخورد و به نیت منوب عنه از سر بگیرد.

آیه الله سیستانی: باید طواف را به نیت نیابت از سر بگیرد.

[۱۲۰]. آیه الله خامنه ای: احتمال التفات کافی است.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: احتمال التفات کافی است.

[۱۲۱]. به سؤال ۶۴۸ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: حمل بر صحت می شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله ۶۰۰ و سؤال ۶۴۸ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: در هر دو فرض عمل صحیح است.

[۱۲۲]. آیه الله خامنه ای: طواف او صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷)

[۱۲۳]. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: ظاهراً به طواف ضرر ندارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر آن شوط را رها کرده و از نو یک شوط دیگر آورده است، صحیح است.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

[۱۲۴]. آیه الله خویی: بنابر احتیاط باید شوط زاید را به نیت قربت مطلقه تمام می نمود. (مناسک، م ۳۱۸).

لازم به تذکر است برای رعایت احتیاط، اعاده سعی و تقصیر هم لازم است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۵، س ۱۹).

آیه الله زنجانی: و باید طواف و اعمال بعدی را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف واجب او صحیح است. (آداب و احکام، م ۶۱۴)

[۱۲۵]. رجوع شود به مسأله ۶۱۲ و ۶۱۴.

آیه الله سبحانی: به احتیاط واجب.

آیه الله سیستانی: مانند سؤال قبل است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط.

[۱۲۶]. آیه الله اردبیلی: طوافش صحیح است.

[۱۲۷]. مراجعه شود به مسأله ۵۹۲.

آیه الله بهجت: و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر در ایام شلوغ سال (مانند ایام شلوغ حج) بوده طواف و اعمال بعدی او صحیح است.

آیه الله مکارم: در هر صورت اعاده لازم نیست.

[۱۲۸]. به سؤال ۶۴۷ مراجعه شود.

آیه الله اردبیلی: و بنابر احتیاط سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و چنانچه وقت برای تدارک باقی نمانده، عمره اش باطل است.

آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: سعی و تقصیر را هم باید اعاده کند.

آیه الله زنجانی: مطابق پاسخ مسأله ۶۷۰ و حاشیه آن عمل شود.

آیه الله سبحانی: مسأله اش مانند کسی است که با وضوی باطل نماز خوانده است و صور آن در ذیل سؤالات ۶۴۷، ۱۳۶۲ و ۶۵۳ آمده است.

آیه الله سیستانی: اگر وقت تدارک باقی است باید طواف و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته است حجتش محکوم به بطلان است مگر اینکه در کفایت وضو، به غیر رجوع کند، با رعایت الأعلّم فالأعلّم، اگر از موارد رجوع باشد.

[۱۲۹]. آیه الله اردبیلی: نباید طواف اول را رها می کرده، و در صورت رها کردن طواف اول، اگر طواف دوم بعد از به هم خوردن موالات بوده، صحیح بوده و گرنه اشکال دارد.

[۱۳۰]. آیه الله خویی: ظاهراً طواف در خارج از حدّ تعیین شده صحیح است (مناسک، مسأله ۳۰۶)، ولی اگر استیناف طواف از روی اعتقاد به جواز بوده، طواف دوم صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر طواف اول را قطع کرده است، به این نحو که از مطاف خارج شده و به کاری مشغول شده باشد که عرفاً صدق کند طواف را قطع کرده است یا طواف دوم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده باشد صحیح است و گرنه مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله مکارم: احتیاط اعاده طواف است.

[۱۳۱]. آیه الله بهجت: اگر کمبود طواف؛ یعنی از رکن یمانی تا حجر الأسود را جبران کند، طوافش صحیح است. (مناسک، س ۸۳).

آیه الله سبحانی: در فرض دوم طواف او صحیح است مشروط به اینکه نیت او این بوده باشد که طواف خود را از نقطه شروع واقعی شروع می کند ولی خیال می کرد آن نقطه رکن یمانی است (مناسک، مسأله ۳۰۸).

آیه الله سیستانی: در فرض اول باطل و در فرض دوم صحیح است.

آیه الله مکارم: اعاده در صورت دوم مبني بر احتیاط است.

[۱۳۲]. آیات عظام بهجت، تبریزی، مکارم: جبران لازم نیست و طوافش صحیح است.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۸۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: در طواف و سعی هر دو می تواند در حال اختیار بر روی چرخ بنشینند و طواف یا سعی کند ولی در صورت توانایی و امکان عرفی در هر دو باید وسیله را خود برد.

آیه الله سیستانی: اگر به کلی سلب اختیار از او نشود، طواف صحیح است و گرنه باید طواف را در وقتی انجام دهد که بتواند همه آن را با اختیار انجام دهد و قصد مذکور در پایان سؤال وجهی ندارد.

آیه الله فاضل: اگر به کلی سلب اختیار از او نشود طواف صحیح است و گرنه باید طواف را در وقتی انجام دهد که بتواند همه آن را با اختیار انجام دهد و قصد مذکور در پایان سؤال وجهی ندارد، بلی اگر وقت ندارد و جبران آن مقدار نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همان مقدار اکتفا کند.

[۱۳۳]. آیه الله زنجانی: البته همین مقدار که به اختیار خود دور می زند کافی است.

[۱۳۴]. آیه الله اردبیلی: این عمل صحیح و مجزی است.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، فاضل: کفایت می کند و صحیح است.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۴۹ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: بنابر احتیاط.

[۱۳۵]. آیه الله بهجت: لازم است طواف و نماز اعاده شود و پوشیدن لباس احرام لازم نیست و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند و در صورتیکه بطلان از جهت جهل به حکم نبوده کفاره ندارد. (پرسش های جدید حج، س ۷۴).

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: اعاده تقصیر لازم است.

[۱۳۶]. آیه الله اردبیلی: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود اگرچه کفاره ندارد.

[۱۳۷]. آیه الله بهجت: در مسأله ۶۹۷ گذشت که ظاهراً به طواف ضرر ندارد.

آیه الله زنجانی: اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: هر مقدار از هر شوط طواف که خراب شد باید در همان شوط تصحیح شود و اگر از محل آن گذشت و اصلاح نکرد و طواف را به پایان برد و با اضافه کردن یک شوط به آخر به نحو مذکور در متن تدارک کرد و نماز خواند اکتفا به این طواف مشکل است به احتیاط واجب طواف و نماز را چنانچه در سؤال ۶۹۲ گذشت اعاده کند.

آیه الله سیستانی: در این فرض اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحیح نیست، مگر آنکه چند قدم جلوتر از محلی که طواف خراب شده، به عنوان مقدمه علمیه طواف را شروع کند و ادامه آن را به عنوان وظیفه واجب طواف به جا آورد. (آداب و احکام حج، م ۵۸۱).

آیه الله فاضل: طواف مزبور صحیح است ولیکن اگر پس از خرابی، اشواط دیگری را هم اتیان کرده باشد صوری دارد که در بعضی از آنها اقوی بطلان است.

[۱۳۸]. نظریه آیات عظام در مسأله ۵۹۲ طواف گذشت.

آیه الله اردبیلی: مطاف حد معینی ندارد و اگر اتصال عرفی به طوافکنندگان وجود داشته باشد، کافی است.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: در هر صورت طوافش صحیح است.

[۱۳۹]. آیه الله اردبیلی: اگر به قدری فاصله شده باشد که موالات به هم بخورد، اشکال ندارد.

آیه الله خامنه ای: اشکال ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷)

آیه الله خویی: نظریه ایشان در مسأله ۷۰۱ گذشت.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: طواف دوم صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر با اعتقاد به بطلان طواف اول، طواف دوم را انجام داده، صحیح است.

آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

[۱۴۰]. رجوع شود به مسأله ۶۲۱.

آیه الله سبحانی: باید نماز طواف دوم را بخواند و سپس اعاده کند.

[۱۴۱]. آیه الله فاضل: اما اگر این عمل با علم و عمد انجام شده و موجب انزال شده، علاوه بر گناه باید یک شتر کفاره بدهد و نسبت به طواف، حکم محدث شدن در اثنای طواف را دارد که در مسأله ۵۴۹ گذشت.

[۱۴۲]. آیه الله تبریزی: چنانچه موجب تماس، مشی در حال طواف باشد، طواف اشکال دارد.

آیه الله سبحانی: نسبت به طواف حکم محدث شدن در اثنای طواف را دارد یعنی اگر قبل از نصف محدث شد بعد از تحصیل طهارت اعاده کند و اگر بعد از نصف محدث شد وظیفه اش اتمام طواف و سپس نماز آن است ولی اگر تماس و انزال غیر اختیاری باشد فقط حکم محدث در اثنا را دارد که گفته شد و کفاره ندارد.

آیه الله فاضل: اما اگر موجب انزال شود طواف باطل و کفاره هم دارد.

آیه الله مکارم: اگر لمس از روی لباس باشد گناه کرده ولی کفاره ندارد.

[۱۴۳]. آیه الله اردبیلی: اگر بطلان نیز بر اثر فراموشی برخی از شرایط باشد نه بر اثر جهل به مسأله، چنانچه پس از گذشتن ذیالحجه متذکر شود، می تواند آن را به جا آورد و اشکالی ندارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خوبی: اگر طواف باطل باشد با گذشت زمان تدارک، حشش باطل است.

آیه الله خامنه ای: وقت طواف حج و نماز آن ماه ذی حجه است، ولی طواف نساء و نماز آن وقت معینی ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۰، س ۱۷) و در صورت نسیان تا زمانی که خود یا نایبش طواف را به جا نیاورده چیزهایی که حلال شدنش مشروط به انجام طواف بوده بر او حلال نمی گردد (مناسک حج، م ۲۸۴)

آیه الله زنجانی: اگر در عمره تمتع بوده و وقت تدارک گذشته، عمره اش مبدل به حج افراد می شود و باید پس از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر در حج تمتع بوده چنانچه در مکه و حوالی آن متوجه شده باید طواف حج و سعی و طواف نساء را قضا کند و اگر در وطن فهمیده انجام طواف حج کافی است.

آیه الله سبحانی: چه اصلالت^۱ و چه نیابت^۱. پس از ماه ذی حجه الحرام هم می تواند آن ها را قضا کند و یا در صورت عدم امکان مباشرت استنابه نماید ولی کسی که عمد^۱ یا از روی جهل به حکم طواف حج را باطل کند تا آخر ذی حجه فرصت جبران با انجام اعمال مترتبه را دارد و اگر نکرد حج او باطل و باید یک شتر در مکه قربانی کند و حج را در سال بعد قضا کند.

آیه الله سیستانی: اگر بطلان نیز در اثر فراموشی بعضی از شروط باشد، پس اگر طواف عمره باشد و در وقت متذکر شود باید در وقت انجام دهد و اگر بعد از آن و قبل از طواف حج باشد به احتیاط واجب قبل از طواف حج انجام دهد و اگر بعد از آن باشد هر وقت قضا کند جایز است و در صورتی که طواف حج باشد و در ماه ذیحجه متذکر شود باید قبل از پایان ماه انجام دهد وگرنه هر وقت قضا کند کافی است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم متذکر شود مانعی ندارد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۴۱ مسأله ۹).

آیه الله فاضل: اگر بطلان در اثر فراموشی بعضی از شروط یا از جهت جهل به برخی از شرایط و خصوصیات باشد پس اگر طواف عمره تمتع است و در وقت متوجه شد باید آن را تدارک و نماز آن را اعاده کند، و چنانچه بعد از تقصیر متوجه شود از احرام خارج شده و فقط طواف و نماز آن را تدارک کند (این حکم در عمره مفرده نیز جاری است) و اگر بعد از محرم شدن به احرام حج و قبل از طواف حج متوجه شد احتیاط مستحب آن است که قبل از طواف حج تدارک کند. هر چند اگر بعد از آن هم انجام دهد صحیح است، و چنانچه بعد از اعمال حج و در همان ماه ذی حجه متذکر شد در همان ماه انجام دهد والا هر وقت که مقدور بوده ولو با استنابه قضا کند و عمره و حج او صحیح است. بلی اگر طواف باطل انجام شده پس از متوجه شدن از بوی خوش اجتناب کند و اگر طواف نساء باطل بوده از زن اجتناب کند تا طواف را تدارک کند.

[۱۴۴]. آیه الله بهجت: اگر شوط آخری را که به عنوان تکمیل شوط اول به جا آورده، یک شوط کامل باشد هر چند به نظر او بعض آن تکمیل شوط اول بوده طوافش صحیح است.

آیه الله فاضل: اگر هنوز موالات عرفیه به هم نخورده، باید نقصان شوط اول را جبران و اتمام کند و بنابر احتیاط اعاده هم

بنماید.

[۱۴۵]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: یا آن شخص ثقه باشد.

آیه الله زنجانی: می تواند به شمارش دیگری اعتماد کند و لازم نیست به حرفش اطمینان پیدا کند.

آیه الله سیستانی: و در خصوص طواف می توان بر او اعتماد کرد، اگر خود او یقین به عدد اشواط داشته باشد.

[۱۴۶]. آیه الله زنجانی: طوافش صحیح است.

آیه الله مکارم: رفع خستگی اگر طولانی نباشد موالات را به هم نمی زند.

[۱۴۷]. مراجعه شود به مسأله ۵۹۲

آیه الله اردبیلی: مطاف حد معینی ندارد و در صورت اتصال به طوافکنندگان، خارج از حد بین مقام و کعبه نیز می توان طواف کرد.

آیه الله فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند انجام طواف در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب مانعی ندارد و صحیح است و صبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست.

[۱۴۸]. آیه الله تبریزی: احتیاط این است که پس از انجام اعمال خود، آن را برای منوب عنه انجام دهد.

آیه الله سبحانی: احتیاط مستحب این است که بعد از انجام اعمال خود برای منوب عنه انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در طواف عمره احوط آن است که بعد از ادای مناسک خود طواف نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۴۱ مسأله ۸) .

[۱۴۹]. آیه الله اردبیلی: در فرض مذکور، حش باطل است و احتیاطاً باید یک شتر قربانی کند و برای خروج از احرام نیز یک عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله تبریزی: حش بنابر احتیاط باطل است.

آیات عظام خویی، سبحانی، سیستانی: چون بعداً یقین پیدا کرده وضویش با خروج آن رطوبت باطل شده بوده در فرض مذکور حش باطل است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۲، س ۲ و صراط النجاة).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حکم حدث در اثنای طواف را دارد و طواف باطل است و تفصیل آن در محل خود ذکر شده است. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۱۰)

آیه الله فاضل: در فرض مذکور حج او باطل است، بلی اگر جاهل قاصر بوده حج او صحیح است و باید طبق حاشیه مسأله ۶۷۸ عمل کند.

[۱۵۰]. آیه الله زنجانی: اگر بعد از شوط چهارم بوده بعد از تطهیر باید طواف را تکمیل کند و اعاده سعی و تقصیر، لازم نیست و اگر قبل از سه و نیم شوط بوده باید طواف و سعی و تقصیر را دوباره انجام دهد و اگر بین سه و نیم تا چهار شوط بوده باید ابتدا طواف قبلی را تکمیل کند و نماز آن را بخواند و سپس طواف و سعی و تقصیر را دوباره انجام دهد.

آیه الله مکارم: و اگر شخصاً نمی تواند، باید نایب بگیرد و احتیاط آن است که سعی را هم اعاده کند.

[۱۵۱]. رجوع شود به سؤال ۶۴۷.

[۱۵۲]. رجوع شود به مسأله ۵۹۲

آیه الله اردبیلی: با اتصال عرفی به جمعیت طواف کننده، طواف در خارج از حد تعیین شده نیز صحیح است.

آیه الله بهجت: مجوز طواف در خارج از حد نیست (پرسش های جدید حج، س ۵۴).

آیه الله خامنه ای: بنابر اعتبار محدوده خاص برای طواف، و گذشت که لازم نیست. (حاشیه م ۵۹۲)

آیه الله سبحانی: مگر اینکه طواف در آن محدوده با حرج و مشقت فوق العاده همراه باشد.

[۱۵۳]. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: مجوّز طواف در خارج از حدّ نیست (پرسش های جدید حج، س ۵۴).

آیه الله خامنه ای: همانطور که گذشت اقوی آن است که طواف کردن در این فاصله شرط نیست. (حاشیه م ۵۹۲)

[۱۵۴]. آیه الله اردبیلی: در مسأله قبل گذشت.

آیه الله سیستانی: رجوع شود به مسأله ۵۹۲

آیه الله مکارم: طواف حد معینی ندارد و برخورد از روی لباس بدون قصد خاصی اشکال ندارد.

[۱۵۵]. آیه الله تبریزی: اگر آن لک، صفات حیض را داشت و قبل از گذشت ده روز از ابتدای حیض قطع شد باید طواف و نماز طواف را که خوانده اعاده نماید و اگر بعد از آن سعی یا تقصیر کرده آنها را هم اعاده نماید و در غیر این صورت اعمالی را که انجام داده صحیح است.

آیه الله خویی: اگر به صفات حیض ادامه یافت و از ده روز نگذشت، اعمال گذشته باطل بوده و اگر از ده روز گذشت و یا به غیر صفات ادامه یافت اعمالش صحیح واقع شده. (استفتائات آخر مناسک، چاپ سابق، ص ۱۱).

آیه الله سیستانی: پاکي بين دو خون که حیض واحد شمرده می شوند محل اشکال است و به احتیاط واجب باید طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله فاضل: اگر در طواف حج واقع شده، باید طواف و نماز را اعاده کند و احتیاطاً سعی را نیز اعاده کند و اگر در عمره تمتّع بوده، اگر فرصت دارد طواف و نماز را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و اگر فرصت نداشت حج تمتّع مبدل به افراد می شود و اگر حج واجب بوده بعد از حج افراد یک عمره مفرده انجام دهد و الا انجام عمره مفرده واجب نیست.

[۱۵۶]. آیه الله اردبیلی: و احتیاطاً اعمال بعد از طواف را نیز اعاده کند.

[۱۵۷]. آیه الله خامنه ای: اگر از ده روز تجاوز نکرده محکوم به حیض است و چنانچه طواف حج بوده در سعه وقت طواف و نماز آن را اعاده نماید و در ضیق وقت نایب بگیرد. و چنانچه در طواف عمره تمتع بوده در سعه وقت باید طواف و نماز آن را اعاده نماید و در ضیق وقت اگر در حین احرام پاک بوده پس از مراجعت از منی به مکه جهت اعمال حج، قبل از طواف حج و نماز آن و یا بعد از طواف حج و نماز آن، طواف عمره تمتع و نماز آن را قضا نماید و اگر در موقع احرام عمره ناپاک بوده حج او تبدیل به حج افراد شده، و در صورت واجب بودن حج باید از حج، عمره مفرده به جا آورد. (مناسک حج، م ۷۷ و ۲۵۱)

آیه الله زنجانى: چنانچه هنگام طواف و نماز در باطن هم پاک بوده، اعمال انجام شده صحیح است، هر چند خون از روز دهم تجاوز نکرده باشد.

آیه الله سبحانی: حج او به افراد بدل می شود.

آیه الله مکارم: اگر اعمال در حال پاکی واقع شده صحیح است.

[۱۵۸]. آیه الله زنجانى: لازم نیست سه روز اول حیض، پشت سر هم باشد ولی باید این سه روز در یک دهه واقع شود؛ یعنی اگر دو روز خون ببیند و هفت روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند هر دو خون حیض، است ولی اگر بعد از دو روز خون دیدن، هشت روز پاک شود و دوباره خون ببیند، خون دیده شده حیض نمی باشد؛ مگر پاک بودن وی به جهت مانعی همچون قرص خوردن باشد که لازم نیست سه روز اول در یک دهه واقع شود.

[۱۵۹]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اگر سه روز اول خون دیدن او پشت سر هم نباشد، تفصیلی دارد که ذیل مسأله ۷۲۸ بیان می شود.

[۱۶۰]. آیه الله خامنه ای: می تواند عدول به حج افراد نموده و بعد از اعمال حج، عمره مفرده انجام دهد و می تواند سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام داده و از احرام خارج شود و طواف عمره تمتع و نماز آن را در موقع مراجعت به مکه جهت انجام طواف

و نماز و سعی حج تمتع قبل از آنها و یا بعد از آنها به جا آورد. (مناسک حج، م ۷۷)

آیه الله سبحانی: اگر قبل از سه شوط و نیم خون دید حج او تبدیل به افراد می شود و اگر پس از سه شوط و نیم خون دید باقیمانده اعمال عمره را مانند سعی و تقصیر انجام می دهد سپس برای حج تمتع محرم می شود و در بازگشت از منی پیش از طواف حج بقیه طواف عمره با نمازش را به جا می آورد سپس به اعمال حج می پردازد (مناسک، مسأله ۳۶۳).

[۱۶۱]. آیه الله اردبیلی: باید طواف را رها کرده و سعی و تقصیر کند و سپس برای حج محرم شود و بعد از بازگشت از منی و قبل از طواف حج و نماز آن، یک طواف کامل به نیت طواف عمره به جا آورده و نماز آن را بخواند.

آیه الله بهجت: مخیر است بین اینکه اول حج افراد را به جا آورده و بعد از فراغت، عمره مفرد به جا آورد و بین اینکه اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نمازش به جا آورد بدین معنی که سعی و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته و به حج رفته و پس از فراغت از حج و بازگشت به مکه، قضای طواف عمره را پیش از طواف حج به جا آورد.

آیه الله تبریزی: طواف را رها نموده، سعی و تقصیر می کند و برای حج محرم می شود و بعد از برگشتن از منی، قبل از طواف حج، یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا می آورد و نماز آن را می خواند.

آیه الله خویی: مخیر است بین عدول به حج افراد و بقا بر حج تمتع، به این نحو که سعی و تقصیر می کند و بعد از رجوع از منی، قبل از طواف حج، یک طواف به نیت اعم از اتمام و تمام به جا می آورد. (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۳۳۱، و مناسک، مسأله ۲۹۴).

آیه الله زنجانی: سعی و تقصیر را انجام می دهد و بعد از بازگشت از منی و قبل از طواف حج باید طواف عمره تمتع را اتمام کند و نمازش را بخواند و سپس طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب این است که به حج افراد عدول نماید، گرچه می تواند در عمره تمتع خود باقی بماند و اعمال آن را بهجز طواف و نماز آن انجام دهد و پس از فراغت اعمال منی قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را به جا آورد. (مناسک، مسأله ۲۹۰). □

□ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف را رها نموده، سعی و تقصیر را احتیاطاً انجام دهد و تروک احرام را ترک نماید، و رجاء^۱ محرم به احرام حج تمتع شود و اعمال آن را به قصد مافی الذمه از تمتع و افراد انجام دهد و پس از پاک شدن، ابتدا طواف ناقص عمره را تکمیل نموده، نماز بخواند و بعد بقیه طواف ها را به جا آورد و احتیاطاً عمره مفرد نیز انجام دهد.

آیه الله فاضل: اگر قبل از سه شوط و نیم حیض شده، مورد عدول به افراد است و اگر بعد از آن و قبل از تمام شدن دور چهارم حیض شده، طواف را رها کند و سعی و تقصیر را احتیاطاً و رجاء^۱ انجام دهد و احتیاطاً محرمات احرام را رعایت کند و وقت رفتن به عرفات احتیاطاً و رجاء^۱ محرم به احرام حج تمتع شود و اعمال آن را به قصد مافی الذمه - اعم از تمتع و افراد - انجام دهد. و پس از پاک شدن، بنابر احتیاط ابتدا طواف و نماز عمره را تکمیل کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و بقیه اعمال حج را به جا آورد و اگر حج تمتع بوده احتیاطاً عمره مفرد را انجام دهد.

آیه الله نوری: و بعد از انجام حج، عمره حج افراد را به جا بیاورد.

[۱۶۲]. آیه الله سبحانی: بعد از سه شوط و نیم.

[۱۶۳]. آیه الله اردبیلی: باید بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را قبل از طواف حج به جا آورد.

آیه الله بهجت: باید قضای طواف عمره را به نحوی که گذشت، قبل از طواف حج به جا آورد.

آیه الله تبریزی: و بعد از برگشتن از منی، قبل از طواف حج یک طواف کامل به قصد اعمّ از تمامو اتمام بهجا آورد و نماز آن را بخواند.

آیه الله خویی: حکم آن مانند حکم مسأله ۷۲۱ است.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: باید سعی و تقصیر کند و پس از اعمال منی و قبل از طواف حج، باقیمانده طواف را انجام دهد و احتیاط مستحب این است که پس از اتمام، طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: باید سعی و تقصیر کند و محرم شود برای حج تمتع و پس از اعمال منی پیش از طواف حج بقیه طواف عمره تمتع با نمازش به جا آورد (مناسک، مسأله ۳۶۳).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: آنچه از طواف عمره باقیمانده و نماز آن را بعد از اعمال مکه به جا آورد و احتیاطاً سعی را هم اعاده کند هر چند لازم نیست.

[۱۶۴]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۴۹ و ۵۵۱ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: همه اعمال عمره را اعاده کند و تقصیر نماید و اگر وقت ندارد حج او به افراد تبدیل می شود سپس یک عمره مفرد به جا آورد.

آیه الله فاضل: و سعی و تقصیر را نیز احتیاطاً اعاده کند.

[۱۶۵]. آیه الله اردبیلی: و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید.

آیه الله بهجت: و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند و در صورت ضیق وقت بعداً تدارک کند و عمره مفرده هم به جا آورد به احتیاط واجب. (مناسک س ۸۵ و ۷۵).

آیه الله سبحانی: طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر وقت تنگ باشد حج او به حج افراد بدل می شود و پس از حج یک عمره مفرده به جا بیاورد.

آیه الله فاضل: سعی و تقصیر را نیز احتیاطاً اعاده کند.

[۱۶۶]. آیه الله اردبیلی: و پیش از به جا آوردن طواف حج.

[۱۶۷]. آیه الله تبریزی: رجوع شود به سؤال ۶۴۷.

آیه الله خویی: در هر دو صورت سعی و تقصیر را اعاده نماید. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۵).

آیه الله زنجانی: اگر تقصیر نکرده می تواند تقصیر کند، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شود طواف را به جا می آورد والا قبل از طواف حج، طواف عمره تمتع را قضا می کند.

آیه الله سبحانی: اگر پس از پاک شدن از حیض برای انجام طواف و نماز و سعی وقت باقی است باید اعمال گذشته را اعاده کند و اگر باقی نیست حج او به حج افراد تبدیل می شود و پس از اعمال حج یک عمره مفرده به جا می آورد (مناسک، م ۳۶۴).

آیه الله سیستانی: اگر قبل از فوت وقت وقوفین پاک شود باید همه اعمال را انجام دهد و اگر پاک نشود به وظیفه ای که در حاشیه مسأله ۷۲۱ آمده عمل کند.

[۱۶۸]. آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آن دو یک وضو بگیرد.

آیه الله خویی: و اما کثیره غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست، مگر اینکه محدث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل. (مناسک، مسأله ۲۹۹).

آیه الله زنجانی: مستحاضه کثیره باید برای هر طواف علاوه بر غسل، وضو هم بگیرد و بدون تأخیر طواف کند و در مورد نماز طواف، چنانچه آن را بدون فاصله قابل توجهی از طواف به جا آورده باشد لازم نیست برای آن مجدداً اعمال مستحاضه را به جا

آورد والا باید برای نماز طواف هم وظایف مستحاضه را تکرار کند، مگر در صورتی که اطمینان داشته باشد که پس از طواف تا پایان نماز، از وی خون بیرون نیامده است.

آیه الله سبحانی: مستحاضه ای که برای انجام نماز یومیة مثلاً ظهر غسل کرده و وضو گرفته و به مسجد آمده و مصادف شد با انجام فریضه می تواند بعد از انجام فریضه به همان طهارت برای طواف و سپس نماز آن اکتفا کند، و مستحاضه کثیره اگر وظایف روزانه خود را برای نماز انجام داده برای طواف و نماز آن وظیفه جداگانه ای ندارد ولی احتیاط مستحب است که برای طواف و نماز آن غسلی جداگانه نماید.

آیه الله سیستانی: اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود یک غسل کافی است، اگرچه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد در حالی که خون بیرون نزده باشد در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند. □

□ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر بعد از غسل برای نماز یومیة خون نبیند تجدید غسل لازم نیست و اگر خون ببیند برای هر کدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطاً به جا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می شود، مثل اینکه در نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند، احتیاطاً در موقع ورود به مسجدالحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۸ مسأله ۹).

آیه الله فاضل: احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره علاوه بر اغسال یومیة، یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهد و برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد. و متوسطه بنابر احتیاط واجب یک غسل برای طواف و نماز طواف و برای هر کدام یک وضو بگیرد.

آیه الله مکارم: مستحاضه کثیره هنگامی که غسل های نماز خود را به موقع به جا آورد، غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنابر احتیاط.

[۱۶۹]. آیه الله زنجانی: و قرشیه هم نیست حکم مستحاضه را دارد و اگر اطمینان دارد که قرشیه است یا در آن شک دارد چنانچه در عادت یا یکی دو روز قبل از آن خون دیده یا خون او اوصاف حیض را دارد، حکم حیض را دارد و سیده قسمی از اقسام قرشیه است.

[۱۷۰]. آیه الله اردبیلی: فرقی بین سیده و غیر سیده نیست و یائسگی با تمام شدن پنجاه سال شروع می شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر به صفات حیض باشد، بنابر احتیاط جمع بین احکام حیض و مستحاضه نماید.

آیه الله سیستانی: یائسگی در مسأله حیض در سیده و غیر سیده، با اتمام شصت سال قمری شروع می شود.

آیه الله مکارم: فرقی میان سیده و غیر سیده نیست.

[۱۷۱]. آیه الله خامنه ای: تعیین سن یائسگی محل تأمل و احتیاط است؛ بانوان می توانند در این مسأله به مجتهد جامع الشرایط دیگر مراجعه نمایند. (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۱۶)

[۱۷۲]. آیات عظام زنجانی، سبحانی، مکارم: در مسأله ۷۲۵ گذشت.

آیه الله سیستانی: مستحاضه قلیله، برای هر یک از نماز و طواف، به احتیاط واجب یک وضو بگیرد و در متوسطه بنابر احتیاط واجب یک غسل و برای هر کدام یک وضو لازم است.

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط.

[۱۷۳]. آیه الله زنجانی: اگر هنگام طواف و نماز در باطن هم پاک بوده اعمال او صحیح است.

[۱۷۴]. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که سه روز اول پشت سر هم نباشد؛ مثل آنکه دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنابر احتیاط لازم در روزهایی که خون می بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حیض و در روزهایی که خون نمی بیند هم کارهایی را که بر حیض حرام است ترک کند و عبادت های خود را به جا آورد. (توضیح المسائل، مسأله ۴۴۷، احکام حیض).

[۱۷۵]. آیه الله زنجانی: پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس به تفصیل مسأله بعدی عمل کند.

[۱۷۶]. آیه الله سبحانی: نصف شوط چهارم.

[۱۷۷]. به مسأله ۵۴۹ و ۵۵۰ مراجعه شود.

آیه الله اردبیلی: اتمام لازم نیست و اعاده کافی است.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۴۹ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: نیمه طواف باشد پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس طواف را تمام کند و اگر قبل از آن این حالت رخ دهد پس از وضو و تطهیر بدن و لباس طواف را از سر بگیرد و نماز طواف را بخواند.

آیه الله مکارم: وظیفه او فقط اعاده است بعد از طهارت و احتیاط لازم نیست.

[۱۷۸]. آیه الله زنجانی: اگر بلافاصله مشغول طواف شده باشد ضرری به طوافش نمی زند و می تواند با همان حال بدون فاصله عرفی، نماز طواف را هم بخواند، ولی اگر بین غسل و طواف، فاصله عرفی افتاده باشد با خروج خون، غسل و وضویش باطل می شود و پس از تجدید غسل و انجام سایر وظایف، چنانچه خون پس از ۴ شوط آمده طواف را اتمام می کند و اگر قبل از ۵/۳ شوط آمده طواف را از سر می گیرد و اگر خون بین ۵/۳ تا ۴ شوط آمده طواف را اتمام کرده، دوباره از سر می گیرد.

[۱۷۹]. آیه الله سبحانی: اگر وظایف خود را برای نمازهای یومیه انجام داده تکلیفی ندارد.

آیه الله مکارم: یعنی اگر خون قطع شده و غسل کرده سپس خون جاری شده، حکم حدث جدید دارد.

[۱۸۰]. آیه الله زنجانی: اگر هنگام طواف و نماز در باطن هم پاک بوده اعمالش صحیح است و اگر ناپاک بوده در هر دو فرض پس از پاکي و غسل، طواف و سعی و تقصیر را انجام می دهد، و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام پرهیز می نماید.

[۱۸۱]. آیه الله اردبیلی: اتمام لازم نیست و اعاده کافي است.

آیه الله بهجت: اتمام سعي لازم نیست و اعاده کافي است.

آیه الله سبحانی: تکلیف او با تکلیف کسی که پس از انجام همه عمره متوجه شده که حائض بوده است فرقي نمی کند که در مسائل قبل بیان شد.

[۱۸۲]. به سؤال ۶۴۷ مراجعه شود.

[۱۸۳]. آیه الله زنجانی: در صورتی که خون قطع نمی شود اگر ممکن است در نزدیکی مسجدالحرام غسل کرده بدون فاصله عرفی طواف و نماز را به جا آورد و اگر ممکن نیست باید احتیاط کند به این نحو که در منزل غسل کند و قبل از طواف هم تیمم بنماید.

آیه الله سبحانی: اگر وظایف خود را برای نماز انجام داده برای طواف و نماز آن وظیفه جداگانه ای ندارد ولی احتیاط مستحب است که برای طواف و نماز آن غسل جداگانه ای بنماید و لازم نیست هنگام شروع به طواف و یا در اثناء آن خون قطع باشد ولی کسی که می خواهد به این احتیاط مستحب عمل کند مبادرت عرفی به عمل بعد از غسل لازم است و لازم نیست در اطراف مسجد الحرام غسل کند بلکه غسل از هتل و طی مسافت آن با ماشین لطمه ای به این مبادرت نمی زند.

[۱۸۴]. آیه الله اردبیلی: در استحاضه کثیره برای هر یک از طواف و نماز یک غسل انجام دهد و در استحاضه قلیله برای هر یک از آنها یک وضو باید بگیرد و در استحاضه متوسطه یک غسل برای هر دو انجام دهد و برای هر یک، یک وضو بگیرد و چنانچه برای خواندن نمازهای یومیه غسل استحاضه را قبلاً انجام داده باشد، کافي است.

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آن دو یک وضو بگیرد.

[۱۸۵]. آیه الله اردبیلی: و اگر نیز ممکن نشد، به جای غسل یا وضو تیمم کند.

آیه الله خویی: در کثیره، احوط این است که برای هر کدام از طواف و نماز، غسل نماید و قلیله برای هر کدام وضو بگیرد و

متوسطه یک غسل برای هر دو به جا آورد و برای هر کدام وضو بگیرد.

آیه الله سبحانی: به حاشیه سؤال ۷۲۵ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر فاصله بین غسل یا وضو یا هر دو و انجام طواف یا نماز طواف زیاد باشد و تیمم بدون فاصله میسر باشد، به احتیاط واجب قبل از نماز یا طواف یک تیمم بدل از غسل یا وضو کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اگر از نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۸ مسأله ۹).

آیه الله مکارم: چنانکه قبلاً گذشت هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است و غسل دیگری برای طواف لازم نیست.

[۱۸۶]. آیه الله بهجت: اتمام لازم نیست.

آیه الله تبریزی: بعید نیست تمام کردن طواف سابق کافی باشد و احتیاط به اعاده آن پس از غسل نباشد.

آیه الله سبحانی: به ذیل سؤال ۷۲۵ رجوع شود.

آیه الله سیستانی: صحیح نیست و با انجام غسلی برای نماز، نمازش را اعاده کند و طواف را با غسلی دیگر از سر بگیرد، اگر قطع قبل از پایان شوط چهارم بوده است و اتمام کند اگر بعد آن بوده است.

آیه الله مکارم: مانند مسأله سابق است.

[۱۸۷]. آیه الله زنجانی: اگر مجموع لک هایی که در ضمن ده روز می بیند و مقداری پس از آن لک ها که احتمال می دهد باطن آلوده باشد بر روی هم به اندازه سه روز نباشد، احکام حیض را ندارد.

[۱۸۸]. به سؤال ۷۲۸ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: به ذیل مسأله بعدی ۷۳۵ مراجعه شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به مسأله ۷۲۸ مراجعه شود.

[۱۸۹]. آیه الله اردبیلی: قرشیه و غیر قرشیه فرقی ندارند و یائسگی زنان از پنجاه سالگی آغاز می شود.

[۱۹۰]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه بین پنجاه سال و شصت سال، خون به صفات حیض باشد، بنابر احتیاط قرشیه و غیر قرشیه بین احکام حیض و مستحاضه جمع کنند، و اگر بعد از شصت سال خونی دیده اند، حکم به استحاضه می شود.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۷۲۶ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: به حاشیه پاسخ سؤال ۷۲۶ مراجعه شود.

[۱۹۱]. آیه الله نوری: اگر در موقع اعمال خون نبینند که پاک می باشند و اعمالشان صحیح است ولی اگر در ایام عادت یک یا دو لکه کم رنگ ببینند، این خون، خون استحاضه حساب می شود و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند.

[۱۹۲]. آیه الله زنجانی: خونی که در ایام عادت می بینند، هر چند سه روز مستمر نباشد و صفات حیض را نیز نداشته باشد حکم حیض را دارد.

[۱۹۳]. آیه الله بهجت: مگر آنکه علم پیدا کند در باطن خون است. (مناسک، س ۱۷۴).

[۱۹۴]. آیه الله سبحانی: سه شوط و نصف و مابعد آن.

[۱۹۵]. به مسأله ۵۴۹ و ۵۵۰ مراجعه شود.

[۱۹۶]. به سؤال ۶۷۷ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی: یا غیر غسل جنابت از اغسال واجب یا اغسالی که استحباب آنها ثابت شده مثل غسل جمعه یا غسل احرام یا غسل دخول مکه و غیر آن.

[۱۹۷]. به سؤال ۶۴۷ مراجعه شود.

آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله سبحانی: و اگر بعد از وجوب غسل مس میت غسل جنابت نکرده حکم او حکم کسی است که با وضوی باطل طواف انجام داده که صور آن در سؤالات ۶۴۷، ۶۵۳ و ۱۳۶۲ آمده است.

آیه الله سیستانی: هر غسلی هر چند مستحبی باشد کافی است.

آیه الله مکارم: هرگاه غسل دیگری غیر از جنابت کرده باشد آن نیز کفایت می کند.

آیه الله نوری: و اگر شخصاً ممکن نیست نایب بگیرد.

[۱۹۸]. آیه الله بهجت: مانند مسلوس است و همان وظیفه را دارد. (پرسش های جدید حج، س ۶۶).

آیه الله زنجانی: وضوی مبطلون با این گونه خارج شدن باد، باطل نمی شود و می تواند طواف و نماز آن را به جا آورد.

[۱۹۹]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب.

[۲۰۰]. آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط حکم مبطلون را دارد.

آیه الله خویی: بلکه حکم مسلوس را دارد. (مستفاد از مناسک، مسأله ۲۹۹).

آیه الله سبحانی: به سؤال ۷۳۹ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: در فرض مذکور یک وضو برای طواف و نماز کافی است مگر اینکه حدیثی غیر از آنچه مستند به بیماری اوست از او سر بزند.

آیه الله فاضل: بنابر احتیاط واجب مثل مبطلون باید نایب هم بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و مبطلون برای طواف نایب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۹ مسأله ۱۳).

آیه الله مکارم: این احتیاط در مورد مسلوس و مبتلا به خروج ریح واجب نیست.

[۲۰۱]. آیه الله زنجانی: اگر نتوانید در اثناء طواف، وضو بگیرید یا حرجی باشد با یک وضو می توانید طواف کنید، و اگر بتوانید بدون حرج در اثناء طواف وضو بگیرید ولو به این شکل که همراه خود آب ببرید، باید تجدید وضو کنید، و همینطور است حکم در نماز طواف، و برای نماز طواف نمی توانید به وضویی که برای طواف گرفته اید اکتفا کنید بلکه باید دوباره وضو بگیرید.

[۲۰۲]. به سؤال قبل مراجعه شود.

آیه الله بهجت: باید برای طواف نایب بگیرد (مناسک، مسأله ۲۹۹).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مبطلون، احوط این است که در صورت ممکن، هم خود طواف نموده و هم نایب بگیرد. (مناسک، مسأله ۲۹۹).

آیه الله سبحانی: مبتلا به خروج بول یا غائط و یا ریخ چنانچه تا آخر وقت عذر آن ها برطرف می شود و یا اینکه فرصتی برای آن ها پیش می آید که می توانند وضو بگیرند و طواف و نماز را □ بدون□

اگر در بین طواف و نماز فقط چند مرتبه انگشت شمار حدث سر می زند به طوری که اگر بخواهد برای هر بار)

وضو بگیرد

مشکل نیست ظرف آبی همراه داشته باشد و وقتی حدث سر زد اگر می تواند در مطاف و یا اینکه از مطاف خارج شود و وضو بگیرد و سریع برگردد و طواف را ادامه دهد. ب) ولی اگر حدث پی در پی ایجاد می شود به شکلی که وضو گرفتن برای هر دفعه بسیار مشکل است برای طواف یک وضو و برای نماز وضوی دیگر بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب برای طواف و نماز نائب بگیرد.

[۲۰۳]. آیه الله زنجانی: حکم مسلوس را دارد و باید مطابق حاشیه مسأله ۷۵۰ عمل نماید.

[۲۰۴]. آیه الله اردبیلی: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله خویی: اگر از محل غیر معتاد ولو بالعارض خارج شود، آن هم بنابر احتیاط واجب، همان حکم را دارد. (منهاج، آخر ص ۴۱).

آیه الله سبحانی: به ذیل سؤال قبلی مراجعه شود.

[۲۰۵]. آیه الله اردبیلی: اگر قدری صبر کند که موالات از بیرون برود، اشکال ندارد.

آیات عظام تبریزی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: با قصد استیناف اشکال ندارد.

آیه الله خامنه ای: اشکال ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷)

آیه الله خویی: با اعتقاد به جواز استیناف مجزی است.

آیه الله سبحانی: لیکن اگر چنین کرد و از طواف خود صرف نظر کرد اگر طواف صرف نظر شده از نصف یعنی سه شوط و نیم گذشته به احتیاط واجب طواف را تمام کند و نماز بخواند و سپس طواف را از سر بگیرد و اگر قبل از سه شوط و نیم قطع کرد احتیاطاً مقداری درنگ کند تا موالات به هم بخورد سپس طواف را از سر بگیرد. □

□ آیه الله سیستانی: صحت طواف بعید نیست.

آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

[۲۰۶]. آیات عظام خویی، زنجانی، سبحانی، فاضل: لیکن در طواف و سعی، تکرار در اعمال در برخی از صور موجب بطلان است، اگرچه بدون وسوسه هم باشد.

[۲۰۷]. آیه الله بهجت: در صورت انحلال مقصود، موجب بطلان نمی شود.

آیه الله سبحانی: طواف باطل است و کار حرام کرده است و پس از نماز طواف باید طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر اعمال مترتبه را آورده مجدداً بیاورد.

[۲۰۸]. آیه الله فاضل: به حاشیه سوال ۶۸۸ مراجعه شود.

[۲۰۹]. مراجعه شود به مسأله ۶۱۱ و ۶۱۳.

آیه الله اردبیلی: اگر هفت شوط دوم را تکمیل کند، طوافش باطل می شود.

آیات عظام تبریزی، خویی: در صورتی که قرآن محقق شود مطلقاً موجب بطلان طواف است؛ چه از اول یا اثنای طواف اول قصد قرآن داشته یا اینکه بعد از تمام شدن طواف اول قصد قرآن کرده باشد.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۶۱۱ و ۶۱۳ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: بنابر احتیاط واجب بعد از نماز طواف و فوت موالات عرفی، از اول طواف واجب خود را با نماز آن اعاده کند، و بهتر است دو رکعت نماز بعد از سعی به عنوان تکلیف فعلی در پشت مقام بخواند.

آیه الله سیستانی: اگر هر دو طواف واجب باشد یا یکی مستحب و دیگری واجب باشد، چه از اول قصد قرآن داشته باشد و چه بعداً تصمیم بگیرد ولی طواف دوم را تمام کند، طواف اول باطل است. آری اگر هر دو مستحب باشد، هر چند کراهت دارد ولی جایز است.

[۲۱۰]. آیه الله زنجانی: و کثیرالشک، کسی است که در مواردی شک می کند که متعارف مردم، شک نمی کنند و کثیرالشک غیر از وسواس است و حکم آنها نیز متفاوت است.

آیه الله سیستانی: معیار این است: شکی که برای او حاصل می شود، نسبت به کسانی که در موجبات حواسپرتی مانند او هستند، به مقدار معتدله بیشتر باشد.

[۲۱۱]. مراجعه شود به پنجم از واجبات طواف.

آیه الله اردبیلی: چنانچه اتصال عرفی به طوافکنندگان وجود داشته باشد، مطاف حد معینی ندارد.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۵۹۲ و ۷۷۹ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: یعنی در سعی و طواف وقتی خود را با امثال و اقران خود مقایسه می کند متوجه غیر متعارف بودن شک و وسوسه خود می گردد.

آیه الله مکارم: طواف چنانکه گفتیم، حد معینی ندارد ولی نماز طواف را در صورت امکان باید پشت مقامابراهیم بهجا آورد و اگر ممکن نشد در دو طرف آن و اگر مانعی وجود داشته باشد عقب تر می خواند.

[۲۱۲]. آیه الله اردبیلی: همچنان که می توند یک طواف یا سعی به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کافی است یک طواف یا سعی به نیت اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

[۲۱۳]. آیه الله بهجت: احتیاط در احرام نایب است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احوط آن است که در عمره، نایب بعد از فراغ از ادای مناسک خود، طواف و سعی نیابتی را

قبل از تقصير و خروج از احرام انجام دهد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۴۱ مسأله ۸) .

[۲۱۴]. آية الله بهجت: به همان دستوري که براي نماز خود طهارت مي گيرد، براي طواف نيز همان نحو عمل مي کند (مناسک شيخ، ص ۳۶ و وسيله، ص ۷۶ و ۳۹) .

آية الله تبريزي: بعيد نيست که یک وضو کفايت کند ؛ مادامي که حدث متعارف از او صادر نشود ؛ گرچه احتياط، اعاده وضو است.

آية الله خويي، آية الله سيستاني: بهمان دستوري که براي نماز خود طهارت مي گيرد، براي طواف نيز همان طهارت کافي است.

آية الله زنجاني: تجديد وضو لازم نيست ؛ چون در مسلوس، وضو با خروج بول به جهت بيماري باطل نمي شود، تنها خروج بول به شکل متعارف، وضوي مسلوس را باطل مي کند.

آية الله فاضل: و در هر صورت بنابر احتياط واجب نايب هم بگيرد.

آية الله گلپايگاني: و اگر اين را هم نمي تواند (حکمي که در متن هست) ، براي طواف یک وضو بگيرد و چهار شوط آن را به جا آورد و بعد تجديد وضو نموده و سه شوط ديگر آن را انجام دهد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۷ مسأله ۴۰) .

آية الله سبحاني: به ذيل سؤال ۷۳۹ مراجعه شود.

[۲۱۵]. آية الله اردبيلي: اگر طواف عمره باشد و از مواردی باشد که بنابر احتياط بايد سعي و تقصير نيز اعاده شود، احتياطاً محرمات احرام رعايت شود.

آية الله خويي: اگر طواف را از روي جهل ترک کرده و يا آنها را باطل انجام داده تا محل تدارک آن باقي است، باقي در احرام مي باشد و لباس دوخته را بايد در بياورد و بعد از گذشت زمان، تدارک حش باطل است و بعيد نيست احرامش هم باطل باشد. (المسائل الشرعيه، ج ۱، ص ۳۴۲ و ۳۴۵ و ۳۵۱ و استفتائات، ص ۲۸۲) .

آية الله زنجاني: در صورتي که تقصير يا حلق او محکوم به صحت باشد اجتناب از پوشيدن لباس هاي معمولي و ديگر محرمات احرام، واجب نيست ؛ و در هر حال اگر در لباس هاي معمولي، طواف يا سعي را به جا آورد صحيح است.

آية الله سبحاني: اگر کسي عمره تمتع و يا عمره مفرده را انجام دهد و بعد از تقصير بفهمد که طواف و سعي او باطل بوده چنين فردي در احرام خود باقي است و بايد از محرمات احرام دوري جويد و طواف و نماز و سعي را با جامه احرام انجام دهد و با تقصير مجدد از احرام خارج شود و به خاطر تقصير چيزي بر او نيست.

آیه الله سیستانی: او بر احرام خود باقی است و باید از محرّمات احرام اجتناب کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در طواف عمره تمتع و عمره مفرده احرام واجب است و در طواف حج لازم نیست. (آداب و احکام حج، م ۶۱۰)

[۲۱۶]. آیه الله بهجت: ولی پوشیدن لباس مخیط در حال احرام کفاره دارد؛ برای متعمّد و یا مضطرّ، به خلاف ناسی و ساهی و جاهل (مناسک شیخ، ص ۲۰).

آیه الله تبریزی: اگر سائر منحصر به لباس های دوخته ای که پوشیده است باشد، طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.

آیه الله خویی: فتوای ایشان در جایی که هیچگونه سائر دوخته نشده نداشته باشد روشن نیست.

آیه الله سبحانی: ولی باید گوسفندی قربانی نماید.

آیه الله مکارم: در صورت عمد، خلاف احتیاط است، گناه کرده و یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله نوری: هر چند که مرتکب حرام شده است و باید یک گوسفند کفاره بدهد.

[۲۱۷]. آیه الله اردبیلی: و طواف و نماز چنین شخصی مجزی است. □

□ آیه الله بهجت: اگر واقع شود طواف با تیمم در آخر زمان تمکن از مباشرت (مناسک شیخ، ص ۳۶).

آیه الله سبحانی: و یا مسأله به گونه ای است که نمی تواند از کاروان جدا و خودش در مکه بایستد تا عذر برطرف شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط نایب هم بگیرد.

[۲۱۸]. آیه الله زنجان: داشتن سائر بنابر احتیاط مستحب در صحت طواف، معتبر است و از آنجا که معمولاً طواف کننده در معرض دید ناظر محترم است پوشاندن عورت بر مردها و تمام اندام بجهز وجه و کفیند بر بانوان، تکلیفاً واجب است.

[۲۱۹]. آیه الله خویی: فرق نمی کند و پوشاندن صورت برای زن از نامحرم، بنابر احتیاط واجب است ولیکن باید به نحوی باشد که سائر به صورت زن مسّ نشود. (مناسک عربی، مسأله ۲۶۷، و استفتائات، مسأله ۸۶۱) .

آیه الله سبحانی: باید در حال طواف روی پا و کف پا را بپوشاند هر چند در حال نماز پوشاندن آن ها لازم نیست و همچنین در حال نماز می تواند صورت خود را بپوشاند ولی در حال احرام به جز برای حفظ از نامحرم جایز نیست صورت خود را بپوشاند البته در این حال هم باید حجاب به صورت نجسبد.

آیه الله سیستانی: فی الجملة فرق می کند، گرچه احتیاط این است که همان مقدار که در نماز پوشاندن واجب است در طواف نیز واجب است ولی اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد طواف صحیح است همچنین به احتیاط واجب نباید صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند حتی اگر محل باشد.

آیه الله فاضل: در حال طواف برای زن حفظ از نامحرم وجوب نفسی دارد.

آیه الله مکارم: در حال نماز پشت پا و کف آن نیز مستثنی است ولی در طواف احتیاط پوشاندن آن است. همچنین در نماز نقاب ضرری ندارد ولی در طواف جایز نیست.

آیه الله نوری: فرق می کند ؛ چون در نماز می تواند صورت خود را بپوشاند ولی در طواف واجب است صورت خود را نپوشاند.

[۲۲۰]. آیه الله اردبیلی: علی الاقوی.

[۲۲۱]. آیه الله بهجت: در صورتی که علم نداشته باشد اشکال ندارد.

[۲۲۲]. آیه الله زنجانی: در هر دو مورد، طواف صحیح است، هر چند در فرض عدم عذر، گناهکار است، و رعایت این احتیاط، بسیار مناسب است.

[۲۲۳]. آیات عظام سبحانی، سیستانی، فاضل، مکارم: طواف صحیح است هر چند گناه کرده است.

آیه الله خویی: در فرض جهل به حکم، طواف صحیح است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۴).

[۲۲۴]. آیه الله خامنه ای: طواف او صحیح است، اگر چه مرتکب فعل حرام شده است. (مناسک حج، م ۲۶۵).

[۲۲۵]. آیه الله اردبیلی: و تکرار احتیاطی طواف از موارد قران محسوب نمی شود.

آیه الله بهجت: چون جنبه احتیاطی دارد، اشکالی ندارد و طواف احتیاطی، طواف دیگر نیست تا قران حاصل شود. (مناسک، س ۹۱ و ۹۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی: اعاده طواف به عنوان احتیاط قران نیست. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۳ و صراط النجاة، ج ۱، ص ۲۳۲).

آیه الله سبحانی: چنانچه نماز طواف دوم را خوانده احتیاطاً دو رکعت نماز طواف اول را بخواند و سپس باید از اول طواف واجب را انجام دهد و نماز آن را بخواند.

آیه الله سیستانی: صحّت عمل مورد اشکال است، از جهت فاصله بین طواف و نماز، مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

نسبت به نظریه سایر آیات عظام، مراجعه شود به مسأله ۶۱۱ و ۶۱۳.

[۲۲۶]. آیه الله اردبیلی: اگر نیت ارتکازی داشته، کافی است.

آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله تبریزی، آیه الله مکارم: اگر قصد طواف ولو اجمالاً داشته باشد کافی است.

آیه الله سبحانی: به شک خود اعتنا نکند و به طواف خود ادامه دهد.

[۲۲۷]. آیه الله بهجت: حکم قطع طواف را دارد به مسائل قطع طواف مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: اگر بخواهد عملش صحیح شود باید طواف و اعمال بعد از آن را اعاده کند.

آیه الله خویی: حکم قطع طواف را دارد و پس از تصحیح طواف، سعی را در طبقه اول اعاده نماید.

آیه الله زنجانی: و چنانچه در عمره تمتع این اتفاق افتاده و وقت تدارک گذشته، مطابق حاشیه مسأله ۶۷۹ رفتار نماید.

آیه الله سبحانی: به جهت فوت موالات باید طواف را اعاده کند و نماز بخواند و سعی را در طبقه اول دوباره انجام دهد.

آیه الله سیستانی: در هر صورت باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید و اگر وقت عمره تمتع گذشته، احرامش باطل شده و چیزی بر او نیست.

آیه الله فاضل: و تا اعمال را به صورت صحیح انجام نداده در احرام باقی است.

[۲۲۸]. آیه الله اردبیلی: ولی اگر موالات به هم خورده باشد، احتیاطاً باید طواف را اعاده کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: خودش احتیاطاً بقیه طواف را به جا آورد و بعد از خواندن نماز طواف، طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله خامنه ای: مگر اینکه موالات به هم خورده باشد که در این صورت، می تواند از طواف قبل صرفنظر کرده و مجدداً طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: و اگر در اثناء ناتوان شد و نائب گرفت هر گاه پیش از تجاوز از نیمه طواف نائب بگیرد باید نائب طواف را از سر بگیرد و اگر پس از تجاوز از آن نائب گرفت باید آن را اتمام کند ولی نماز طواف را خود شخص نیز علاوه بر نائب بخواند.

آیه الله سیستانی: ولی اگر موالات به هم خورده باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.

[۲۲۹]. آیه الله اردبیلی: اگر بدون به هم خوردن موالات طواف را شروع کند، اشکال دارد و گرنه طواف آخر صحیح است.

آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

آیه الله خامنه ای: اشکال ندارد و طواف اخیر صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷)

آیه الله خویی: با فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، طواف سوم مجزی است.

آیه الله سیستانی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است وگرنه مشکل است.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: طوافی را که تمام کرده صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحت طواف آخر، که به اتمام رسانده، بعید نیست. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۷ و ۴۷۹).

[۲۳۰]. آیه الله اردبیلی: مگر قصدش این باشد که طواف را از حجرالاسود شروع کند و آن را با رکن یمانی اشتباه کرده باشد و دور آخر را تا حجرالاسود به نیت طواف ادامه دهد. □

□ آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۷۰۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: اگر قصد او شروع از موضع معتبر شرعی است ولی در تطبیق اشتباه کرده است، در صورتی که کسری دور آخر را تا حجرالاسود به قصد طواف تمام کند طواف صحیح است در غیر این صورت باطل است.

آیه الله فاضل: ظاهراً قصد او شروع از موضع معتبر شرعی بوده و در تطبیق اشتباه کرده است لذا کسری دور آخر را تا حجر الاسود تمام کند و طواف صحیح است ولی احتیاطاً پس از نماز طواف، طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط.

[۲۳۱]. آیه الله سبحانی: هر شوطی که اشکال پیدا کرد باید در همان شوط تصحیح شود که قبلاً متعرض شده ایم و از وسوسه ها باید پرهیز کرد و با پیروی از آنها خود را به سختی نینداخت.

[۲۳۲]. آیه الله زنجانی: همین مقدار که با اختیار خودش دور می زند کفایت می کند و اگر این مقدار هم نبوده، باید دو شوط دیگر انجام دهد.

[۲۳۳]. آیه الله بهجت: دو شوط کامل انجام دهد بما أنه یحتمل من السبعة.

آیه الله تبریزی: بی اختیار شدن، مانع صحت طواف نیست، وقتی که شروع، به اختیار بوده است.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۸۲ مراجعه شود. □

□ آیه الله خویی: حرکت به سبب ازدحام مبطل طواف نیست. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۲).

آیه الله سبحانی: دو شوط دیگر به قصد جبران نقص انجام دهد و احتیاطاً پس از نماز طواف را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر به کلی از او سلب اختیار شده است، دو شوط دیگر انجام دهد.

آیه الله فاضل: باید از همانجایی که در شوط اول طواف را خراب کرده، طواف را تصحیح و اتمام و احتیاطاً اعاده هم بنماید. اگر موالات عرفیه به هم نخورده باشد و الا اعاده کافی است ظاهراً.

آیه الله مکارم: اگر از اول قصد کرده خود را در میان طواف کنندگان قرار دهد و با آنها بچرخد، آنچه را با فشار جمعیت به جا می آورد جزء طواف است و صحیح می باشد.

[۲۳۴]. آیه الله سبحانی: و اینکه در طواف مستحبی وضو شرط نیست و نماز آن را می توان در همه جای مسجدالحرام خواند.

آیه الله سیستانی: به حسب اختلاف شرایط و احکام، موارد متفاوت می شود. برای شناخت آن به مناسک مراجعه شود. (ملحق مناسک، ص ۲۴۴).

آیه الله فاضل: مانند اینکه در طواف مستحبی موالات، طهارت از حدث و خواندن نماز طواف معتبر نیست و قطع آن حتی بدون عذر جایز است و شک در عدد دورهای آن، موجب بطلان نمی شود و بنا را بر اقل می گذارند و صحیح است و قرآن بین دو طواف مستحب، حرام نیست بلکه مکروه است و خواندن نماز آن در هر جای مسجدالحرام در حال اختیار صحیح است.

آیه الله مکارم: مانند موالات و وضو که در طواف مستحبی معتبر نیست و نماز که در همه جای مسجدالحرام می توان خواند.

[۲۳۵]. آیه الله زنجانی: در عمره و حج تمتع کسی که طواف واجبش ولو طواف نساء را انجام نداده نمی تواند طواف مستحب انجام دهد و اگر بعد از احرام حج و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحب کرد، بنابر احتیاط مستحب، احرام را تجدید کند.

آیه الله سبحانی: ولی اگر بعد از احرام حج و پیش از رفتن به عرفات طواف مستحبی انجام داد باید « لَبِیک » را تجدید کند.

[۲۳۶]. آیه الله بهجت: اشکالی ندارد. (پرسش های جدید حج، س ۶۹) .

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی: احوط این است شخصی که احرام حج تمتع بسته، پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحبی ننماید و چنانچه طواف نمود، بنابر احتیاط بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.

آیه الله سیستانی: طواف مستحبی قبل از طواف عمره و حج اشکال ندارد ولی پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات، به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند و اگر کرد به احتیاط مستحب تلبیه بگوید. (ملحق مناسک، ۲۳۰ - ۲۳۱)

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اقوی جواز و احوط ترک آن است. (آراء المراجع، ص ۳۲۳) .

در عمره تمتع و عمره مفرده، نظریه آیات عظام نامبرده در مناسک، مطابق متن است ولیکن در آراء المراجع، ص ۳۲۳ در جواب استفتاء آیه الله خویی چنین فرموده‌اند: طواف مستحبی در اثنای عمره تمتع و عمره مفرده جایز است. و در ادامه از آقای لطفی چنین نقل شده: به نظر آیه الله العظمی خویی، احوط ترک طواف مستحبی است در اثنای عمره تمتع و عمره مفرده قبل از تقصیر، ولی در عمره مفرده بعد از تقصیر و قبل از طواف نساء مانعی ندارد.]

[۲۳۷]. آیه الله سبحانی: یک شوط طواف مستحب نیز چنانچه به قصد تقرب و رضای الهی باشد مانعی ندارد و می شود حتی آن را به نیابت از دیگری انجام داد ولی نمی توان هر یک شوط از یک طواف کامل را به نیابت کسی انجام داد ولی می توان مجموع آن را به نیابت چندین نفر انجام داد و یا ثوابش را به آن ها هدیه کرد.

آیه الله سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد. (ملحق مناسک، سؤال ۱۷۸) .

آیه الله مکارم: و نیز می تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

[۲۳۸]. آیه الله زنجانی: در این جهت مانند طواف واجب است و مطابق حاشیه مسأله ۵۹۲ عمل شود.

[۲۳۹]. مراجعه شود به پنجم از واجبات طواف.

آیه الله اردبیلی: چنانچه اتصال به جمعیت طواف کننده وجود داشته باشد، حتی در طواف واجب، لازم نیست طواف بین مقام و کعبه انجام شود.

[۲۴۰]. آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

[۲۴۱]. مراجعه شود به سؤال ۷۶۸

آداب و مستحبات طواف^[۱]

[۷۷۲ م - در حال طواف [۲]، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طُلُلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَقَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَقْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.»

و به جاي کذا و کذا حاجت خود را بطلبید.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تَغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي.»

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد و بخواند این دعا را:

«سَأَلْتُكَ، فَقِيرٌ، مِسْكِينٌ، بِيَاكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتِقْنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ.»

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فُسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فُسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِقُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَتَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنَّتَهُ شِرَارَ خَلْقِكَ.»

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.»

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار^[۳] رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ.»

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِقُهُ لِي وَأَعْفِرْ لِي مَا طَلَعْتَ عَلَيْهِ مِثِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.»

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَتِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي.»

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجرالأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید^[۴]:

«أَمَاتَنِي أَدِيَّتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدَتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ.»

[۱]. آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء به جا آورد.

[۲]. آیه الله خامنه ای: و شایسته است که در حال طواف، همواره خشوع و حضور قلب داشته و به ذکر خدا مشغول باشد و ادعیه وارده را قرائت نماید. (مناسک حج، م ۲۴۲)

[۳]. مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.

[۴]. آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیت برای بسیاری از مردم غیر ممکن است، بنابراین آنچه را ممکن است انجام می دهد و آنچه را نمی توان انجام داد، هرگاه نیت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق

نیتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد.

فصل پنجم: نماز طواف

[۷۷۳] م - واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره، دو رکعت نماز بخواند ؛ مثل نماز صبح.

[۷۷۴] م - می تواند نماز طواف را با هر سوره ای که خواست بخواند، مگر سوره های سجده [۱]، و مستحب است در رکعت اول، بعد از «حمد»، سوره «قل هو الله احد» را بخواند و در رکعت دوم، سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

[۷۷۵] م - جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

[۷۷۶] م - شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است [۲] و باید اعاده کند و بعید نیست اعتبار ظن در [۳] رکعات و در ظن در افعال [۴] احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

[۷۷۷] م - احوط آن [۵] است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود به جا آورد.

[۷۷۸] م - واجب است که این نماز [۶] نزد مقام ابراهیم واقع شود و احتیاط [۷] واجب [۸] آن است که پشت مقام به جا آورد [به طوریکه سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود] [۹] و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد نزدیک تر بایستد، لیکن نه به طوری که مزاحمت با سایرین کند.

[۷۷۹] م - اگر به واسطه زیادی جمعیت [۱۰] نتوانست پشت مقام بایستد ؛ به طوری که گفته شود نزد مقام نماز می کند به واسطه دوری زیاد [۱۱]، در یکی از دو جانب بهجا [۱۲] آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می خواند. [۱۳]

[۷۸۰] م - اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را به جا آورد باید [۱۴] ملاحظه نزدیک تر را بکند از میان دو جانب و پشت مقام، و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخواند و در دو طرف کافی نیست [۱۶] و اگر دو طرف نزدیک تر از پشت باشند به مقام ولكن هیچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جایز بودن اکتفا به پشت لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخواند و یک نماز در یک طرف با ملاحظه نزدیک تري و احوط [۱۷] اعاده نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت [۱۸] تنگ نشده برای سعی [۱۹]

[۷۸۱] م - جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد به جا آورد، اگرچه در حال اختیار، بلکه گفته اند که آن را می تواند عمد^۱ ترک [۲۰] کند.

[۷۸۲] م - اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم به جا آورد و به همان دستوری که در مسأله ۷۷۸ به بعد ذکر شده عمل نماید. [۲۱]

[۷۸۳] م - اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید، از همانجا سعی را رها کند و برگردد، دو رکعت نماز را بخواند، بعد از آن، سعی را از همانجا [۲۲] تمام کند.

[۷۸۴] م - شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند، عمل کرده، اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد، اگرچه احتیاط استحبابی در اعاده است.

[۷۸۵] م - اگر برگشتن به مسجدالحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده، باید هر جا [۲۳] یادش آمد نماز را به جا آورد، اگرچه در شهر دیگر باشد [۲۴] و برگشتن به حرم لازم [۲۵] نیست، اگرچه آسان باشد. [۲۶]

[۷۸۶] م - اگر کسی این نماز را به جا نیاورد و بمیرد، واجب است بر پسر بزرگ [۲۷] او، که آن را قضا کند؛ به نحوی که در کتاب «صلات» تفصیل داده شده است.

[۷۸۷] م - جاهل [۲۸] به مسأله، در احکامی که برای ناسی ذکر شد، شریک است با او.

[۷۸۸] م - واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح به جا آورد، خصوصاً کسی که می خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند [۲۹]، چون بعضی گفته اند [۳۰] اگر نماز او درست نباشد عمره او باطل است و همچنین حج نیز باطل است. پس علاوه بر آنکه به این قول، از حجة الاسلام برائت ذمه پیدا نمی کند، ممکن است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود؛ مثل زن و چیزهایی که گذشت، بر او حلال نشود. [۳۱]

[۷۸۹] م - اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می تواند خودش به جا آورد و کافی است و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند [۳۲] و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل اقتدا کند، لیکن [۳۳] اکتفا به نماز جماعت نکند؛ چنانکه نایب گرفتن نیز کافی نیست. [۳۴]

[۷۹۰] م - نماز طواف را در همه اوقات می شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب، که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود، پس باید اول نماز یومیه را بخواند. [۳۵]

[۷۹۱] م - اگر کسی از روی بی مبالائی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد، نماز را به [۳۶] هر نحو که می تواند باید بخواند و صحیح است [۳۷]، لیکن معصیت کار است و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۷۸۹ عمل کند و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند. [۳۸]

[۷۹۲] م - نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجدالحرام جایز است، به خصوص در موقع ازدحام مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.

[۱]. آیه الله زنجانی: قرائت سوره های سجده در نماز، مانعی ندارد ولی نباید آیه سجده را بخواند.

آیه الله سیستانی: قرائت سوره های سجده در نماز جایز است، ولی اگر سجده را انجام داد نماز باطل می شود مگر اینکه سهواً سجده کند و اگر سجده نکند نماز صحیح است ولی گناه کرده است و اگر قبل از آیه سجده، به سوره ای دیگر عدول کند اشکال ندارد هر چند عمداً شروع کرده باشد.

[۲]. آیه الله بهجت: بعد از استقرار آن به تروی علی الأحوط، و اظهر اعتبار ظنّ در رکعات است مثل ظنّ در افعال؛ چه ظنّ به وجود باشد یا عدم به مصحّح باشد یا مبطل به رکن باشد یا غیر آن، در محل شک و یا نسیان باشد یا خارج از محل. پس لوازم آن از تدارک یا بطلان یا عدم تدارک را مترتب می کند، اگر چه احتیاط در اعاده است فی الجمله، در صورت تعلّق ظنّ به فعل که تدارک نمی کند مگر در موردی که انجام دادن آن مبطل نباشد یقیناً (وسیله ص ۲۳۹ و ۲۴۷).

[۳]. آیه الله مکارم: احتیاط واجب اعاده بعد از اتمام است.

[۴]. آیه الله اردبیلی: ظن در افعال، در نماز ملحق به یقین است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی: ظن در افعال حکم شک را دارد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله فاضل: ظن در افعال معتبر است.

[۵]. آیه الله اردبیلی: بلکه اظهر آن است که نماز طواف را باید بلافاصله پس از طواف به جا آورد به طوری که عرفاً گفته شود که نماز پس از طواف خوانده شد و اگر عمد^۱ به قدری فاصله بیندازد که موالات عرفیه به هم بخورد، احتیاط واجب آن است که طواف را اعاده کند.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی: بایستی بعد از طواف مبادرت به نماز کند، که در عرف نگویند بین آنها فاصله شده و آیه الله خویی اضافه نموده اند که: فصل بین طواف و نماز طواف مبطل طواف است و اگر تدارک نشود حج باطل می شود. (استفتائات، ص ۲۴۶، س ۷۳۰).

آیه الله خامنه ای: نباید بین طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود. (مناسک حج، م ۲۸۸)

آیه الله زنجانی: نماز طواف وقت معینی ندارد ولی چون از توابع و ملحقات طواف است موالات بین طواف واجب و نماز معتبر است، یعنی نباید بدون عذر بین آن و طواف، فاصله بیندازد به قدری که عرفاً از توابع آن به حساب نیاید؛ ولی اگر به جهت عذری مانند تشکیل صفوف جماعت یا تجدید وضو به تأخیر بیفتد اشکال ندارد و اگر بدون عذر، نماز را به تأخیر بیندازد باید بعد از خواندن نماز، طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: به این معنی که به نظر عرف بین آن دو فاصله ای نباشد ولی فاصله به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و مانند آن اشکال ندارد ولی کاری دیگر مانند نماز قضا به احتیاط واجب نباید انجام دهد.

آیه الله فاضل: اقوی مبادرت به نماز است و در صورتی که عالماً و عامداً اخلال به فوریت کند. ظاهراً طواف باطل می شود و اگر تدارک نکند و وقت بگذرد حج نیز باطل است.

آیه الله نوری: احتیاط واجب آن است که بعد از انجام طواف مبادرت کند به خواندن نماز آن.

[۶]. آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب نزد مقام واقع شود. (مناسک، مسأله ۱۱۰) .

[۷]. آیه الله تبریزی: احوط بلکه اظهر آن است....

آیه الله خامنه ای: واجب پشت مقام ابراهیم ۷ و در صورت عدم ایجاد زحمت برای دیگران نزدیک به مقام اقامه شود؛ و در صورتی که این امر میسر نشود، می تواند آن را در مسجد الحرام، پشت مقام و با فاصله از آن، به جا آورد. (مناسک حج، م ۲۹۰)

آیه الله خویی: بلکه
مبادرت واجب است.

آیه الله سبحانی: جایگاه
نماز طواف نزد مقام ابراهیم است بنابراین پشت مقام و یا دو جانب او مادامی که جلوتر از مقام نباشد از نظر صحت نماز یکسان است. هرگاه به خاطر ازدحام جمعیت نتواند نزد مقام نماز بخواند، نماز را در نزدیک ترین نقطه به مقام به جا آورد خواه این نقطه پشت مقام محسوب شود یا دو جانب آن، و لازم نیست برای خلوت شدن مقام صبر کند (مناسک، م ۱۴۷ و ۱۴۸) .

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اظهر
آن است....

آیه الله مکارم: واجب
۷ به جا آورد. ز طواف را در صورت امکان پشت مقام ابراهیم

آیه [۸].
بلکه اظهر آن است. الله اردبیلی:

آیه [۹].
نماز طواف واجب را باید «پشت مقام» به جا آورد و همچنین باید نزدیک مقام باشد به قدری که مردم الله زنجان: بگویند «نزد مقام» نماز می خواند.

آیه [۱۰]

در مواقع ازدحام طواف کنندگان، لازم نیست نماز طواف واجب را نزد مقام بخواند، هر چند بتواند با محافظت الله زنجانی: همراهان، نزدیک مقام نماز بخواند؛ بنابراین می تواند تا جایی که مزاحمت طوافکنندگان نباشد عقب برود، اما باید پشت مقام بایستد به طوری که عرفاً رو به مقام و کعبه باشد و نماز در قسمت های راست و چپ مقام، صحیح نیست، هر چند به مقام نزدیک تر باشد.

آیه [۱۱]

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود. الله خامنه ای:

آیه الله نوری: در

هر نقطه ای از مسجدالحرام نماز طواف را بخواند مجزی است هر چند بهتر است که نسبت به مقام حضرت ابراهیم، الأقرب فالأقرب (هر چه نزدیکتر باشد بهتر است) را مراعات کند.

آیه الله

در صورت عدم تمکن و بُعد مفرط، در یکی از دو جانب آن به جا آورد. بهجت:

آیه الله تبریزی: نماز

باید پشت مقام باشد و در نزدیکی آن و در صورت عدم تمکن از نزدیکی مقام، با مراعات الأقرب فالأقرب به □مقام بنابر احتیاط، پشت مقام می تواند به جا آورد.

آیه الله خویی: در [

صورت عدم تمکن از نماز نزدیک مقام، می تواند با رعایت الأقرب فالأقرب دورتر نماز بخواند ولی به هر حال باید پشت مقام باشد. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲۵).

آیه الله سبحانی: در

این مسأله و مسأله بعدی طبق حاشیه مسأله ۷۷۸ عمل شود.

آیه الله سیستانی: و

اگر نتواند پشت مقام و نزدیک به آن به جا آورد، احتیاط واجب آن است که هم آن را در نزدیکی اش؛ چه در سمت راست باشد و یا چپ، و هم دور از آن ولی پشت مقام به جا آورد و اگر نتواند آن دو را به جا آورد، هر کدام که ممکن است انجام دهد و اگر نتواند هیچکدام را انجام دهد، در هر جای مسجد که شده انجام دهد و بنابر احتیاط مستحب رعایت کند هرچه

به مقام نزدیکتر باشد و اگر پس از آن، تا زمانی که وقت سعی تنگ شود توانست نزدیک به مقام و پشت آن نماز را اعاده کند، احتیاط مستحب اعاده آن است. (مناسک، ص ۲۴۵).

آیه الله

و اگر آن نیز امکان پذیر نشد، در هر جای مسجد که نماز بخواند کافی است. اردبیلی:

آیه الله

و اگر آن هم ممکن نباشد، مراعات می کند الأقرب فالأقرب به سوي خلف مقام و دو جانب آن را، با رعایت بهجت: احتیاط، در صورت دوران امر بین بعض مراتب خلف و أحد جانبین به جمع در نماز بلکه به اعاده، پس از تمکن از نماز در پشت سر، اگرچه در آخر وقت امکان باشد و نماز طواف مستحب در هر جای مسجد باشد جایز است. (مناسک، ص ۱۱۸).

آیه الله زنجانی:

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: هر

گاه به خاطر ازدحام جمعیت نتواند نزد مقام نماز بخواند نماز را در نزدیکترین نقطه به مقام به جا آورد خواه این نقطه، پشت مقام ابراهیم محسوب شود یا دو جانب آن، و کوشش کند با وجود نزدیک ترین نقطه به نقطه دورتر نرود.

آیه الله

بلکه باید در پشت بخواند حتی اگر فاصله پشت مقام بیشتر از فاصله دو طرف باشد. اردبیلی:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حکم

آن در مسأله قبل گذشت.

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه مسأله ۷۷۸ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: احوط

نماز خلف مقام است.

آیه ۱۶

کافی است. الله سبحانه:

آیه الله

اولی اعاده نماز است. فاضل:

آیه الله گلپایگانی:

بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام رجاء بخواند.

آیات ۱۸

اعاده لازم نیست. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۵۲). عظام تبریزی، خویی، سبحانی:

آیه ۱۹

تا وقتی که موالات عرفیه بین طواف و نماز به هم نخورد. الله اردبیلی:

آیه الله

مورد تأمل است (مناسک شیخ، ص ۴۷). بهجت:

آیات عظام سبحانی، صافی،

سزاوار نیست ترک کنند. گلپایگانی:

آیه الله سیستانی: ظاهر

آن است که نماز طواف مستحب، مستحب است.

آیه الله مکارم: ترک

آن مشکل است.

آیه الله.

این در صورتی است که در مکه یا حوالی آن یادش بیاید، ولی اگر بعد از دور شدن از مکه یادش آمد می تواند زنجانی: همانجا نماز بخواند.

آیه الله.

در صورت تجاوز از نصف، بقیه سعی را و در کمتر از نصف، همه آن را مجدداً به جا آورد. (آداب صافی، آیه الله گلپایگانی: و احکام حج، مسأله ۶۴۱).

آیه الله.

و در این صورت احتیاطاً برای نماز نائب بگیرد که نائب نیز نزد مقام بخواند. سبحانی:

آیه الله سیستانی:

اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که برگردد و نزد مقام نماز به جای آورد و اگر برگشتن برای او مشقت دارد نماز را در همان موضعی که یادش آمده انجام دهد و لازم نیست برای انجام نماز به حرم برگردد، گرچه میسر باشد.

آیه الله فاضل:

اگر در منی باشد مخیر است بین خواندن نماز در منی و استنابه و الا در هر جا که هست همانجا نماز بخواند گرچه جواز گرفتن نایب هم بعید نیست.

آیه الله.

اگر پیش از خروج از مکه به یاد آورد و برگشت به مسجد الحرام برای او حرجی نباشد، باید برگردد به خاмене ای: مسجد الحرام برای انجام نماز طواف، و اگر پس از خروج از مکه مکرمه به یادش آمد که نماز طواف را نخوانده است، باید آن را در همان محلی که به یاد آورده اقامه کند. (مناسک حج، م ۲۹۱)

آیه الله

و احوط آن است برگردد به حرم اگر دشوار نباشد و آنها را به جا آورد و بعضی در صورت تعذر برگشتن به مقام، بهجت: استنابه را لازم دانسته اند بنابراین احوط جمع است میان قضای آنها، در هر جا که متذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام بهجای آورد. (مناسک شیخ، ص ۴۸).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط

و اولی این است برگشته و نماز را در حرم به جا آورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و

بهتر است نایب هم بگیرد تا خلف مقام برای او به جا آورد، (مناسک فارسی، مسأله ۱۱۴).

آیه الله فاضل: برگشتن

مطابق احتیاط است ولی واجب نیست.

آیه الله مکارم: منظور

برگشتن به حرم، خارج از مسجدالحرام است.

آیه الله

به حاشیه مسأله ۷۸۲ مراجعه شود. زنجانی:

آیه الله

بر ولی او لازم است آن را قضا کند. بهجت:

آیه الله سیستانی:

بنابر احتیاط واجب باید پسر بزرگترش، آن را از طرف پدر قضا کند. (مناسک، م ۳۳۰).

آیه الله مکارم: و

اگر دیگری نیز به جا آورد کفایت می کند.

آیه الله.

قاصر و یا مقصر. (مناسک حج، م ۲۹۲) خامنه ای:

آیه الله.

کسی که می تواند همه یا برخی از اشتباه های نمازش را تصحیح کند باید طواف را به تأخیر بیندازد و پس از زنجانی: تصحیح قرائت، طواف و نماز آن را به جا آورد، ولی اگر بدون اطلاع از این امر طواف و اعمال بعدی را به جا آورد، هر وقت متوجه شود باید قرائتش را یاد بگیرد و نماز طوافش را به تفصیلی که در مسأله ۷۸۲ گذشت بخواند، ولی طواف و اعمال بعدی او صحیح است.

آیه الله.

اگر با فرض تمکن به طور ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر اینکه جاهل قاصر یا معتقد به صحت تبریزی: قرائت باشد و در فرض تعمّد حجّش باطل می شود.

آیه الله سبحانی:

اگر کسی با احرام عمره وارد مکه شد و عمداً از یادگیری قرائت صحیح سرباز زد، معصیت کار است و در صورتی که برای او حرجی نباشد باید در احرام بماند و قرائت نماز را اصلاح کند و در صورت حرجی بودن طواف و نماز را به جا آورده و سپس نماز را یاد بگیرد و به طور صحیح اعاده کند و اگر نتوانست یاد بگیرد احتیاطاً نائب بگیرد.

آیه الله خویی:

اگر در زمانی که نماز خواند می توانست صبر کند و قرائتش را تصحیح نماید و مع ذلک با قرائت ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر جاهل قاصر باشد و در فرض تعمّد حجّش باطل می شود.

آیه الله.

البته دقت های علمای تجوید شرط نیست همین اندازه که عربی صحیح صدق کند کافی است. مکارم:

آیه الله.

قرائت به همین مقدار که عربی صحیح بر آن صدق کند کافی است و کسی که اصلاً امکان صحیح خواندن برایش اردبیلی:

وجود ندارد، مثل کسی که لکنت زبان دارد، به همان نحو اگر بخواند صحیح است و تکلیف دیگری ندارد، ولی چنانچه می توانسته قرائت خود را تصحیح کند و مسامحه کرده و اکنون امکان تصحیح برایش وجود ندارد، باید خودش نماز را بخواند و اگر ممکن بود کسی هم به او تلقین کند و احتیاط واجب آن است که آن را به جماعت نیز بخواند و نایب نیز بگیرد.

آیه الله سبحانی: و اگر بتواند نماز صحیح را با تلقین کسی انجام دهد احتیاطاً این را ترک نکند و در این صورت احتیاطاً نائب نیز بگیرد.

آیه الله |

و اگر ممکن شود نماز طواف را در مقام به جماعت بخواند و در صورت عدم امکان جماعت، عمل به وظیفه بهجت: یومیّه کافی است (مناسک، ص ۱۰۵).

آیه الله |

جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نیست. (مناسک حج، م ۲۹۵) خامنه ای:

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد.

آیه الله سبحانی: احتیاط

آن است در صورت امکان به جماعت هم انجام دهد و نایب بگیرد، ولی به آنها اکتفا نکند و خودش به هر ترتیبی که می تواند به جا آورد.

آیه الله سیستانی:

اگر نتواند قرائت خود را تصحیح کند، هر چند در اثر مسامحه و سهل انگاری، ولی مقدار زیادی از سوره حمد را بتواند به طور صحیح بخواند، خواندن حمد به همین صورت کافی است و اگر نتواند، به احتیاط واجب مقداری از قرآن را که می تواند صحیح بخواند به آن اضافه کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اگر وقت برای یاد گرفتن همه حمد نباشد اگر به مقدار معتنا به یاد بگیرد کافی است و اگر نتواند، مقداری از قرآن را بخواند که عرفاً قرآن خواندن صدق کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اما سوره از جاهلی که نتواند یاد بگیرد ساقط است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

اگر یاد گرفتن قرائت و احکام واجبه نماز ممکن نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند ولی اکتفا به آن اشکال دارد و واجب است به طور فردی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با احتیاط است. (مناسک فارسی، ص ۸۱، مسأله ۱۱۳).

آیه الله .

و همچنین است اگر مزاحمت کند با واجب اهمّ دیگری، و در هر حال اگر نافرمانی کرده نماز طواف را بخواند زنجانی: صحیح است.

آیه الله .

به کامل ترین شکلی که می تواند ولو با تلقین بخواند و کفایت می کند و به جماعت خواندن، مطابق احتیاط زنجانی: استحبابی است.

آیه الله .

به حاشیه مسأله ۷۸۹ مراجعه شود. اردبیلی:

آیه الله .

بنابر احتیاط واجب به هر نحوی که خودش می تواند بخواند و با جماعت هم بخواند و نایب هم تبریزی، آیه الله خویی: بگیرد.

آیه الله سیستانی: احتیاط

مستحب در صورت مقصّر بودن، این است که هم نماز را به کیفیتی که بیان آن گذشت به جا آورد و هم آن را به جماعت بخواند و هم نایب جهت انجام آن از طرفش بگیرد. (مناسک، مسأله ۳۳۱) .

استفتائات نماز طواف

[۷۹۳] س - کسی نماز طوافِ عمره را در داخل حجر اسماعیل به جا آورده و بعد از تقصیر متوجه شده است، وظیفه او چیست؟

ج - باید

[۱] نماز را اعاده کند.

[۷۹۴] س - شخصی بعد از طواف، وضویش باطل شد و خجالت کشید که بگوید، نمازش را بی وضو خواند و بعد از آن، سعی و تقصیر را انجام داد و محل شد، وظیفه او چیست؟

[۲] -

[۳] باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

[۷۹۵] س - زنی نماز طواف خود را در حجر اسماعیل خواند و چون به منزل آمد، ملتفت شد که حیض شده است و تا وقوف به عرفات پاک نمی شود، وظیفه او نسبت به نماز چیست و آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج - عمره

بعد از آن [۴] او صحیح است و باید برای حج تمتع محرم شود و وقتی خواست طواف و نماز حج را انجام دهد، قبل یا

[۶]، نماز طواف عمره تمتع را به جا آورد. [۵]

[۷۹۶] س - کسی که هرچه سعی نمود موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد وظیفه اش چیست؟

ج -

[۷] به هر نحو قدرت دارد بخواند و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان واجب نیست.

[۷۹۷] س - در موقعی که شخص طواف می کرده جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره ای بغیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

ج -

[۹] مانع ندارد. [۸] اگر امکان نداشته با فرض اضطرار

۷۹۸ س - آیا در صورت ازدحام که نشود پشت مقام یا احد الجانبین آن نماز طواف خواند تا حدود منبر و نماز در قسمت راست یا چپ منبر خوانده شد، باز هم نماز در مقام، در صورت امکان، همان روز یا روزهای دیگر لازم است؟

ج - در

[۱۰] صورتی که تا بعد از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز آن عذر باقی بوده اعاده واجب نیست.

۷۹۹ س - در مسأله شش نماز طواف، در تحریرالوسیله فرموده اید: «و الأحوط الإقتداء بشخص عادل» و در مسأله اول نماز جماعت همان کتاب فرموده اید: «بَلْ مشروعية الجماعة في صلاة الطواف و كذا صلاة الإحتياط محلّ اشکال» بفرمایید منظور چیست؟

ج - منظور

[۱۱] از مشروعیت، صحت است و احتیاط مزبور استحبابی است و نباید به جماعت اکتفا شود.

۸۰۰ س - برای کسانی که قرائتشان درست نیست و می خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می توانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس اقتدا کنند یا نه؟

[۱۲] -

در همه موارد سؤال حاصل می شود. [۱۳] اکتفا به جماعت نباید بکنند و احتیاط

۸۰۱ س - کسی که قرائتش درست نیست، آیا می تواند تبرعاً از کسی که حج واجب بر عهده دارد نیابت کند و حج انجام دهد؟

ج - نیابت

هرچند تبرعی باشد، مگر آنکه بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی الأعدار [۱۴] چنین شخصی صحیح نیست محسوب نباشد، که در این صورت می تواند نیابت را قبول نماید، ولی باید قرائت خود را درست کند.

۸۰۲ س - افرادی با اینکه قرائتشان درست نیست و کلمات نماز را نمی توانند درست بگویند، در حج نایب می شوند و عمره را که نمی توانند نایب شوند، آیا چگونه از احرام خارج می [۱۵] به نیت منوب عنه انجام می دهند، بعد متوجه می شوند شوند و برای حج چه وظیفه ای دارند؟

ج - در

صورت امکان باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند، بلی اگر ممکن [۱۶] احرام آنها صحیح واقع نشده و از احرام خارج هستند. نیست و معذور هستند

۸۰۳ س - کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکرش که در نماز می گوید درست است و نماز طواف را ؛ اعم از طواف زیارت و نساء، همان گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است، آیا باید چه کند؟

ج -

[۱۸] اگر احتمال غلط بودن آن را نمی داده، نمازش صحیح است.

[۸۰۴] س - چند روزی که اطراف کعبه به قدری شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم ۷ می آید و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست مگر اینکه چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند، بفرمایید آیا حتماً نماز باید خلف مقام و نزدیک آن باشد ولو به این صورت، یا دورتر تا هرجا که می تواند به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج -
و در مورد ضرورت، تأخیر مانع ندارد [۲۰] و محذوری در بین نیست، باید خلف و نزد مقام نماز بخواند [۱۹] اگر امکان دارد [۲۱] با مراعات الأقرب فالأقرب.

[۸۰۵] س - در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود، او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی ندارد؟

ج -
اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته، مانع ندارد و در غیر این صورت تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آنکه وسوسه نباشد.

[۸۰۶] س - آیا محمول نجسی [۲۲] که در طواف معفو نیست [۲۳]، در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

ج - در
[۲۴] نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد.

[۸۰۷] س - بین طواف و نماز آن، اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر به جا آورد، اشکال دارد یا نه؟

[۲۵] -
[۲۶] احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

[۸۰۸] س - گاهی در پشت مقام ابراهیم ۷ جمعیت زیاد است و چون زن و مرد کنار هم قرار می گیرند، احیاناً مورد فشار ازدحام واقع می شوند، بدون اینکه ریبه و فساد در بین باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمی رساند؟

ج - برای
[۲۷] نماز ضرر ندارد.

[۸۰۹] س - احیاناً انسان می داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کننده ها می آیند و او را حرکت می دهند و جابجا می کنند، در عین حال نماز را شروع می کند، آیا اگر این نماز را تمام کند، صحیح است؟

ج -

[۲۸] اگر صحیحاً تمام کند مانع ندارد.

۸۱۰ س - در مناسک فرموده اید بر هر مکلفی واجب است قرائت نمازهای یومیه اش را یاد بگیرد، خصوصاً برای حج، حال اگر حاجی کوتاهی کرد و برای تعلم و یادگیری قرائت نماز اقدام ننمود، آیا همین نماز باطل کفایت می کند و یا اینکه باید نایب بگیرد و در صورتی که نیابت را لازم نمی دانید، آیا همین نماز کافی است یا خیر؟

ج -

اگر وقت ضیق شود؛ به طوری که اگر بعد از طواف بخواهد نماز را یاد بگیرد موالات بین نماز و طواف فوت می شود، [۲۹] خودش هر طور می تواند بخواند.

۸۱۱ س - زنی مُحرم به احرام عمره تمتع شده و پس از ورود به مکه و انجام طواف، قبل از اینکه نماز طواف بخواند حایض گردیده، چه وظیفه دارد؟

ج -

اگر وقت وسعت دارد صبر کند تا پاک شود و نماز را بخواند و بقیه اعمال را انجام دهد و چنانچه وقت تنگ باشد سعی و نماز را بخواند و سپس بقیه [۳۰] تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و مُحرم شود به حج تمتع و بعد از طواف حج یا قبل از آن، [۳۱] اعمال را انجام دهد.

۸۱۲ س - کسی که نمازش را غلط می خواند و وقت تصحیح آن را ندارد، می فرماید نماز طواف را به همان کیفیت که می تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می تواند عمره مفرده مستحبی به جا بیاورد؟

ج - اشکال

[۳۲] ندارد.

۸۱۳ س - شخصی طواف عمره را به جا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟

[۳۳]

- باید نماز و سعی را به جا آورد و با فرض جهل [۳۵] یا نسیان، اعاده تقصیر لازم نیست اگرچه احوط است. [۳۴]

۸۱۴ س - آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام» پشت مقام است یا شامل دو طرف مقام نیز می شود؟

ج - باید

[۳۶] خلف مقام باشد.

۸۱۵ س - اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحت آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

ج - فقط

[۳۷] نماز را باید اعاده کند.

۸۱۶ س - اگر پشت مقام ابراهیم دو طبقه شود، آیا نماز در طبقه بالا یا زیر زمین صحیح است؟

ج - در

صورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خوانده، صحیح نیست.

۸۱۷ س - شخصی نماز طواف را، به اعتقاد اینکه حجر اسماعیل مقام ابراهیم است، در حجر اسماعیل خوانده، چه باید بکند؟

ج - باید

نماز را اعاده کند.

۸۱۸ س - آیا نماز طواف واجب را می توان با نماز جماعت یومیه به جا آورد؟

- [۳۸]

[۳۹] صحت آن محل اشکال است.

۸۱۹ س - پشت مقام تا چه اندازه ای صادق است و آیا حد معینی نمی توان برای آن فرض کرد؟

ج - عرفی

است.

۸۲۰ س - آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد و اصولاً چه مقدار فاصله مُخَلّ است؟

ج - مانع

[۴۱]، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست. [۴۰] ندارد

۸۲۱ س - گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می رسد، آیا در این صورت می شود نماز طواف را پشتسر طواف کنندگان به جا آورد و آیا صدق پشت مقام می نماید؟

ج - صدق

[۴۲] خُلف، به نظر عرف است.

۸۲۲ س - شخصی محرم به احرام عمره تمتع، وارد مکه شده است و هفت روز مثلاً در مکه توقف دارد و نماز او غلط های زیادی دارد، آیا واجب است که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند و بعد شروع به طواف کند یا وظیفه دیگری

دارد؟

ج - لازم

، و اگر بعد از طواف تا قبل از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز نتواند غلط‌هایی خود [۴۳] نیست تا آن وقت صبر کند [۴۴] را درست کند، به هر نحو می‌تواند نماز بخواند.

[۸۲۳] س - اینجانب چند سال قبل به مکه معظمه مشرف شدم و در آنجا اولاً نماز طواف نساء و نماز طواف برای هر دو طواف واجب را که یکی عمره مفرده و دیگری حج می‌باشد نخوانده‌ام و ثانیاً در تعداد اشواط طواف دوم هم در شک می‌باشم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

ج -

اگر بعد از طواف و انصراف از آن، شک در عدد اشواط کرده‌اید به شک اعتنا نکنید و نمازهایی را که نخوانده‌اید، اگر نمی‌[۴۶] و تا نخوانده‌اید حرمت نساء باقی است. [۴۵] توانید به مکه بروید در محل خود بخوانید

آیه [۱]

□ و اعاده اعمال بعد لازم نیست. الله زنجانی، آیه الله مکارم:

آیه الله سبحانی: نزد [

مقام ابراهیم اعاده کند و اعاده اعمال مترتب بر آن لازم نیست و اگر از مکه بیرون رفته چنانچه بتواند برگردد و نماز را نزد مقام بخواند و گرنه به احتیاط برای خواندن نماز نزد طواف نائب بگیرد و خود نیز هر کجا هست بخواند.

آیه [۲]

باید نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نماز و اعمال بعدی را اعاده کند. الله زنجانی:

آیه [۳]

به احتیاط واجب باید طواف را نیز اعاده کند. الله اردبیلی، آیه الله سیستانی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در

فرض سؤال (که بعد از عمره تمتع هنوز محرم برای اعمال حج نشده است) باید نماز را اعاده کند و سعی و تقصیر او صحیح است. لکن احتیاط مؤکد در اعاده سعی و تقصیر نیز می‌باشد. (مناسک عربی، ص ۱۱۷ و مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۶).

آیه الله [۴]

از مسأله ۲۹۴ مناسک استفاده می شود که قبل از طواف حج باید آن را جبران نماید. بهجت:

آیه الله سبحانی: قبل

از طواف حج، نماز طواف عمره را بخواند.

آیه [۵]

قبل از طواف حج آن را به جا آورد. الله اردبیلی:

[۶]. ۷۲۲ سؤال به مراجعه شود .

آیه الله تبریزی: احتیاط

این است که قبل از طواف حج، نماز طواف عمره را قضا کند.

آیات عظام خویی، زنجانی، سیستانی: قضای

نماز را باید قبل از طواف حج بخواند. (مناسک عربی، مسأله ۲۹۲) .

آیه الله مکارم: احتیاط

آن است که نماز سابق را قبل از طواف حج به جا آورد.

[۷]. ۷۸۹ سؤال به مراجعه شود .

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه مسأله ۷۸۹ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: مشروعیت

جماعت در نماز طواف ثابت نیست.

آیه [۸]

اگر پشت مقام نماز خوانده باشد کافی است. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت: و

گذشت رعایت احتیاط در ذیل مسأله ۷۸۰.

آیه الله سبحانی:

به ذیل مسأله ۷۸۰ رجوع شود.

آیه الله نوری: در

صورت ازدحام، در غیر پشت مقام مانعی ندارد.

آیه [۹]

در این مسأله و مسأله بعد به حاشیه مسأله ۷۷۹ مراجعه شود. الله زنجانی:

آیه [۱۰]

گذشت رعایت احتیاط در مسأله ۷۸۰. الله بهجت:

آیه الله سیستانی: در

هر صورت اعاده لازم نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

اگر چه خوب است.

آیه [۱۱]

در صورت تمکن از یادگیری و مسامحه در آن، احتیاط در خواندن نماز طواف به جماعت ترک نشود هر چند الله اردبیلی:
نباید به آن اکتفا کرد.

آیه الله بهجت: جماعت

در نماز طواف واجب، مستحب است. (وسیله، ص ۲۸۵)

آیه الله سبحانی: احتیاط
وجوبی است

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: خواندن
نماز به جماعت، احوط است ولی نباید به آن اکتفا شود.

آیه الله مکارم:
بهتر ترک این احتیاط است.

آیه الله.
در نماز طواف نمی توان به جماعت اکتفا کرد و حکم کسی که قرائتش درست نیست در حاشیه مسأله ۷۸۸ زنجان: گذشت و نیابت چنین کسی در حج و عمره واجب، صحیح نیست.

آیه الله سبحانی: نماز
طواف را می شود به جماعت خواند ولی احتیاطاً به آن اکتفا نشود.

آیه الله.
در مواردی که نماز طواف را به جماعت می خواند، نمی تواند به امامی اقتدا کند که نماز مستحبی می خواند، اردبیلی: بلکه امام باید مشغول نماز واجب مثل نماز طواف واجب و یا نماز یومیه ادا یا قضا باشد.

آیه الله بهجت: گذشت
استحباب جماعت در نماز طواف واجب، و همچنین می تواند اقتدا کند در طواف مستحب با طواف واجب
امام (ذخیره ۲، ص ۲۳۵ و ص ۲۱۷).

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: برای
رعایت احتیاط باید به نماز طواف واجب اقتدا کند.

آیه الله خامنه ای:
□ جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نست. (مناسک حج، م ۲۹۵)

آیه الله خویی: جماعت [در هیچ یک از نمازهای مستحبی بالاصاله مشروع نیست. و همچنین بنابر احتیاط وجوبی نماز طواف را به نمازهای یومیه و بالعکس جایز نیست اقتدا کند و نماز طواف به نماز طواف واجب مانعی ندارد (قسمت اول از منهاج الصالحین، مسأله ۷۷۳ و ۷۷۴ و قسمت آخر مستفاد از مجموع مسائل و مناسک فارسی، مسأله ۳۳۶).]

آیه الله سبحانی: نمی
توان در نماز طواف به نماز یومیه اقتدا کرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: جماعت
در نماز مستحبی مشروع نیست و اگر امکان داشت به نماز طواف واجب اقتدا کند و
الا به نماز یومیه به رجاء مطلوب واقع شدن. (مناسک عربی، ص ۱۱۸).

آیه الله مکارم: مشروعیت
جماعت در نماز طواف ثابت نیست.

آیه الله.
اکتفا به عملش مشکل است (مناسک، مسأله ۱۱۰). بهجت:

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم:
بنابر احتیاط واجب.

آیه الله صافی:
به مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی: نیابت
چنین شخصی خلاف احتیاط است.

آیه الله.
کسی که قرائتش درست نبوده و یا از جهات دیگر معذور بوده و بدون توجه به این عذر به نیابت از دیگری محرم بهجت:
شده و در وسط اعمال و یا بعد از عمره تمتع متوجه نقص کار خود شده، احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً به
جا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد و نیابتش صحیح است هر چند از اوّل نمی توانسته نایب شود. (مناسک س ۱۰۶).

آیه ۱۶]

باید حج را به نیت منوبعنه تمام کند ولی مجزی از منوبعنه نیست و نسبت به اجرت با مستأجر مصلحه الله سبحانی:
نمایند.

آیه الله گلپایگانی:

بنابر احتیاط به قصد منوب عنه اعمال را به جا آورد و لكن صحت عمره مذکور براي منوب عنه محل اشكال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نمایند.

آیه الله.

بنابر احتیاط باید عمل را تمام کند اگرچه مجزي نیست، البته اگر جاهل قاصر و یا غافل بوده، مجزي است. اردبیلی:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط

این است که حج را به نیت نیابی تمام کند.

آیه الله زنجانی:

مگر آنکه نیابت در عمره یا حج مستحب باشد.

آیه الله سیستانی: احرام

صحیح است و باید حج (را) به نیت منوب عنه تمام کنند هر چند به احتیاط واجب مجزي از منوب عنه

نیست.

آیه الله فاضل:

اگر هنگام قبول نیابت، احتمال تصحیح قرائت را می داده و امکان آن نیز وجود داشته باشد، با تصحیح قرائت و انجام اعمال از احرام خارج می شود و الا اصل احرام باطل بوده است و در صورت بطلان احرام نیابی، می تواند برای خودش محرم شود و عمره و حج به جا آورد.

آیه الله مکارم: ولی

می تواند برای خودش حج به جا آورد، اگر وقت وسعت دارد حج تمتع و گرنه حج افراد به جا آورد و چنانچه حجة الاسلام به جا نیاورده حج واجب او محسوب می شود ولی پول نیابت را باید برگرداند.

آیه الله.

باطل است و باید نماز را به طور صحیح اعاده کند. بهجت:

آیه الله خویی:

اگر جاهل قاصر باشد صحیح است. (مناسک، مسأله ۳۳۶).

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی:

اگر در اشتباه خود معذور بوده، نمازش صحیح است و اگر معذور نبوده باید اعاده نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حجّ او صحیح است و لکن نماز طواف را قضا کند و در قضای نماز طواف عمره و حج و طواف نساء رعایت ترتیب شود. (مناسک عربی، ص ۱۱۳).

آیه ۱۹.

باید دورتر و در محلی که عرفاً پشت مقام بر آن صدق می کند، نماز بخواند و لازم نیست به مقام نزدیک الله اردبیلی: باشد هر چند مراعات الاقرب فالاقرب بهتر است و ایجاد مزاحمت برای طواف کنندگان جایز نیست ولی چنانچه نماز خواندن برای آنان ایجاد مزاحمت کند، نمازش باطل نیست.

آیه الله فاضل: ولو با کمک دیگران.

آیه الله نوری: گفتیم که در موقع ازدحام، نماز طواف در خلف مقام لازم نیست.

آیه الله. به حاشیه مسأله ۷۷۸ مراجعه شود. خامنه ای:

. مراجعه شود به مسائل ۷۷۸ تا ۷۸۰. [۲۱]

آیه الله زنجانی: در موقع ازدحام لازم نیست نماز نزد مقام باشد، بلکه می توانند تا جایی که مزاحمت طواف کنندگان نباشد عقب بروند، ولی باید رو به مقام و کعبه باشد.

آیه الله سبحانی: باید نماز طواف را به تأخیر نیندازد که موجب فوت موالات شود و باید با مراعات الاقرب فالاقرب به مقام اتیان شود.

آیه الله مکارم: یعنی دورتر به جا آورد و از اینکه چند نفر در اطراف او حلقه بزنند اجتناب کند که موجب مزاحمت برای طواف

کنندگان است و نماز او خالی از اشکال نیست.

آیه الله
و متنجّسی.فاضل:

آیه الله
به حاشیه مسأله ۵۶۲ مراجعه شود. خامنه ای:

آیه الله
چنانچه محمول نجس یا متنجّس از لباس هایی باشد که بتوان با آن ستر عورت کرد، به احتیاط واجب از آن اردبیلی:
اجتناب شود.

آیات عظام خویی، زنجانی، سیستانی: محمول
متنّجّس در طواف نیز اشکال ندارد. (مناسک عربی، مسأله ۲۹۷).

آیه الله فاضل: هرگاه
متنّجّسی باشد که نمی تواند با آن ستر عورت کند معفو است. و اگر می تواند با آن ستر عورت کند و یا اعیان
نجهه باشد محل اشکال است و به احتیاط واجب اجتناب کند.

آیه الله مکارم: لباس
هایی که به تنهایی ستر عورت نمی کند، در طواف و نماز آن اشکالی ندارد و نیز محمول نجس و متنّجّس.

آیه الله
اگر مخلّ به فوریت عرفیه نباشد، اشکال ندارد. اردبیلی:

آیه الله زنجانی:
اگر متابعت عرفی طواف و نماز را به هم بزند، انجام آن در طواف واجب بدون عذر جایز نیست و طواف را

باطل می کند.

آیه الله سبحانی: نباید

نماز مستحبی بخواند و یا کارهای مستحبی دیگر مثل استلام حجر و... انجام دهد.

آیه الله

اشکال ندارد اگر محلّ به فوریت عرفیه نباشد. بهجت:

آیه الله خامنه ای: نباید

میان طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود، و معیار تشخیص ایجاد فاصله یا عدم آن بر مبنای عرف است.

(مناسک حج، م ۲۸۸)

آیه الله

و این امر اختصاص به نماز طواف ندارد، بلکه در مسجدالحرام و اطراف آن بانوان می توانند نمازهایشان رازنجانی: مساوی یا جلوتر از مردها بخوانند و کراهت هم ندارد.

آیه الله سبحانی: در

صورت امکان، زن جلوتر از مرد و یا محاذی او و یا مرد پشت سر زن و محاذی او نباشد و اگر رعایت این شرط حرجی باشد و یا لازمه آن به هم خوردن موالات بین طواف و نماز گردد رعایت این شرط لازم نیست.

آیه الله فاضل: باید

رعایت عدم تقدّم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب به هم خوردن موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

آیات عظام

اگر به امید اینکه بتواند نماز را صحیحاً انجام دهد شروع نماید و زنجان، سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: صحیحاً تمام کند مانعی ندارد.

آیه الله.

باید احتیاط کند و علاوه بر آنکه خودش نماز را هر طور که می تواند بخواند، نایب نیز بگیرد و آن را به جماعت اردبیلی: نیز بخواند و ملاک در ضیق وقت آن است که با تأخیر، وقت اعمال نگذرد.

آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی:

به مسأله ۷۸۹ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: ملاک

در ضیق وقت آن است که با تأخیر، نتواند به اعمال حج برسد.

آیه الله زنجانی: به [

حاشیه مسأله ۷۸۸ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی:

بنابر احتیاط لازم است عمره را تأخیر بیاندازد تا قرائت را بیاموزد.

مراجعه شود به مسأله ۷۹۱.

آیه الله.

باید قبل از طواف حج، نماز طواف عمره تمتع را بخواند. اردبیلی:

آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: احتیاط

آن است که نماز طواف گذشته را قبل از طواف حج بهجا آورد.

آیه الله تبریزی: احتیاط

این است که قبل از طواف حج، نماز طواف عمره را قضا کند.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: باید

آن را قبل از طواف حج قضا کند.

آیه الله سبحانی: پس

از اعمال روز عید در منی و آمدن به مکه قبل از طواف حج نماز طواف عمره را به جای آورد آن گاه به طواف

حج بپردازد.

. تفصیل مسأله در سؤال ۷۲۲ و ۷۹۵ گذشت. [۳۱]

آیه الله.

اگر بتواند استنابه هم بکند، اگر چه در امر تصحیح خلاف شرع کرده باشد. بهجت:

آیه الله سبحانی: باید

آنرا تصحیح کند و اگر بعد از تلاش موفق نشد می تواند برای خود عمره مفرده و یا حج به جا آورد ولی نمی صی علاوه بر اینکه خود نماز طواف را می خواند نخ فردي را براي خواندن نماز نائب بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و

بنا بر احتیاط، برای نماز نایب هم بگیرد.

آیه الله |

اگر در این کار معذور بوده باید نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد و اگر معذور نبوده باید نماز طواف را بخواند و زنجان: سپس طواف و نماز و سعی و تقصیر را دوباره به جا آورد و در هر دو صورت تا تقصیر نکرده باید از محرمات احرام اجتناب کند.

آیه الله سبحانی: و

با فرض جهل و نسیان اعاده طواف لازم نیست ولی تقصیر را اعاده کند و برای تقصیر بی جایی که کرده در عمره مفرده کفاره واجب نیست ولیدر عمره تمتع علاوه بر اعاده تقصیر بعد از نماز طواف و سعی باید یک گاو قربانی کند.

آیه الله |

احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند. (مستفاد از سؤال ۸۵ و ۱۷۰ مناسک). بهجت،

آیه الله |

در غیر موردی که سعی را در عمره تمتع فراموش کرده باشد، بنابر احتیاط تقصیر را اعاده نماید ؛ و چنانچه در اردبیلی: عمره تمتع سعی را فراموش کرد و تقصیر نمود، بنابر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد و اعاده تقصیر لازم نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اعاده

تقصیر نیز لازم است.

آیه الله سبحانی:

اگر فاصله زیاد شده است، در صورت عمد طواف را نیز اعاده کند و در صورت سهو یا جهل، نماز و سعی را به جا آورد و تقصیر را اعاده کند.

آیه الله سیستانی:

اگر فاصله زیاد شده است، به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند و در عمره مفرد باید پس از سعی، تقصیر را نیز اعاده کند و همچنین در عمره تمتع در صورت جهل بلکه در صورت نسیان نیز بنابر احتیاط و در فرض نسیان سعی در عمره تمتع به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله گلپایگانی: و

تقصیر نماید و با فرض جهل و نسیان کفاره ندارد. (مستفاد از مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۶ و مناسک عربی، ص ۱۲۱ و مناسک فارسی، ص ۸۶ مسأله ۱۲۲).

آیه الله.

به احتیاط مذکور در مسأله ۷۷۸ مراجعه شود. بهجت:

آیه الله زنجانی: و

همچنین نزدیک مقام باشد به طوری که بگویند «نزد مقام» نماز می خواند.

آیه الله سبحانی:

به ذیل مسأله ۷۷۸ مراجعه شود.

آیه الله مکارم:

مگر اینکه نتواند پشت مقام انجام دهد.

آیه الله.

اعاده نماز هم لازم نیست. نوری:

آیه الله.

در نماز طواف مطلقاً نمی توان به جماعت اکتفا کرد. زنجانی:

آیه الله

جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نیست. (مناسک حج، م ۲۹۵) خامنه ای:

آیه الله مکارم: مشروعیت

جماعت در نماز طواف مطلقاً محل اشکال است.

آیه الله

لذا نباید بین طواف و نماز آن، نماز مستحبی بخواند و یا کارهای مستحب دیگر مثل استلام حجر و... انجام سبحانی: دهد البته تأخیر غیر عمدی مشکلی ندارد و اگر کسی عمداً بین طواف و نماز فاصله زیاد انداخت باید علاوه بر نماز، طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر عمداً نماز نخواند و اعمال مترتبه را انجام دهد از احرام خارج شده و باید به ترتیبی که گفته شد نماز را [بخواند و سپس طواف و نماز آن و اعمال مترتبه را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته باشد عمره او باطل است.

آیه الله سیستانی: فاصله [

انداختن به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا تحصیل جای مناسبی برای نماز، مَحَلّ به مبادرت نیست ولی به کارهایی جدایی از نماز طواف، مثل خواندن نماز قضا و مانند آن مشغول نشود و اگر عمداً اخلاص به مبادرت نمود، احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

آیه الله فاضل: ظاهراً

مقدار فاصله محَلّ به موالات عرفیه نسبت به افراد و هنگام ازدحام و غیر آن فرق می کند. و به طور کلی فاصله از ده تا پانزده دقیقه برای استراحت و رفع خستگی و تطهیر محَلّ نیست. و اگر عمداً موالات را به هم زد احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

آیه الله گلپایگانی: احتیاط

در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

آیه الله

چنانچه عمداً تأخیر بیندازد، بنابر احتیاط باید طواف را نیز اعاده کند. اردبیلی:

آیه الله تبریزی:

با فوت موالات عرفی، احتیاطاً نماز را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله خویی: باید
اعاده نماید. (استفتائات)

آیه الله زنجانی:
به حاشیه مسأله ۷۷۷ مراجعه شود.

آیه الله:
به حاشیه مسأله ۷۷۸ مراجعه شود. خامنه ای:

آیه الله زنجانی:
به حاشیه مسأله ۷۷۹ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: و
کوشش کند با وجود نزدیک ترین نقطه به نقطه دورتر نرود و لازم نیست برای خلوت شدن مقام صبر کند و
چه بسا صبر کردن موجب از بین رفتن موالات بین طواف و نماز آن بشود.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل:
اگر نتواند پشت مقام و نزدیک آن نماز بخواند، احتیاطاً هم در یکی از دو طرف مقام و هم
پشت مقام و دور از آن نماز بخواند.

آیه الله مکارم:
به هنگام ازدحام مانعی ندارد.

آیه الله:
اگر می تواند قرائت خود را اصلاح کند، باید تا آخر وقت صبر کند. اردبیلی:

آیه الله:
اگر عسر و حرج ندارد صبر کند و یا به جماعت بخواند، چنانکه در ذیل ۷۸۹ گذشت. بهجت:

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی:

اگر برای او امکان داشته باشد که قرائت را تصحیح نماید لازم است تا آخر وقت صبر کند.
(مناسک عربی، مسأله ۳۳۱).

آیه الله زنجانی:

به حاشیه مسأله ۷۸۸ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی:

اگر برای او امکان داشته باشد که قرائت را تصحیح کند باید در احرام بماند و قرائت خود را تصحیح کند
مگر اینکه بقاء در احرام موجب عسر و حرج شود، در این صورت به وظیفه ای که در ذیل مسأله ۷۸۹ گذشت عمل کند.

آیه الله سیستانی:

بنابر احتیاط واجب باید تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح نماید.

آیه الله فاضل:

اگر می تواند قرائتش را تصحیح کند باید طواف را تا ضیق وقت تأخیر بیندازد مگر اینکه بقای در احرام موجب
عسر و حرج شود و ملاک در ضیق وقت آن است که حتی به مقدار واجب رکعی عرفه نرسد.

آیه الله مکارم: لازم

است صبر کند مگر آنکه عسر و حرج باشد.

نظر سایر آیات عظام در مسأله ۷۸۹ گذشت.

آیه الله.

در همان محلی که هستید، بخوانید. (مناسک حج، م ۲۹۱ و ۲۹۲) خامنه ای:

آیه الله.

و احوط جمع است میان قضای آنها در هر جا که متذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام به جا می آورد. بهجت:
□ (مناسک، مسأله ۳۳۳).

آیه الله سبحانی: در [

صورتی که ترک نماز طواف از روی عمد نباشد.

آیه الله فاضل:

البته این حکم در موردی است که از روی نسیان یا جهل، کیفیت مذکور واقع شده باشد و در صورت جهل و

نسیان بنابر احتیاط بعد از نماز سعی و تقصیر را اعاده کنید و تا اعمال اعاده نشده احتیاطاً محرمات احرام را رعایت کنید.

آیه الله مکارم:
بنابر احتیاط.

[۱] مستحبات نماز طواف

[۸۲۴] م - در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرُ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى،
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي»

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ جَبِّنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُوكَ وَأَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ
وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ»

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق (علیه

بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت: السلام)

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعَبُّدًا وَرَقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَذَا إِذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ
«فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاغْفِرْ لِي فَإِنِّي مَقْرٌ يَذْنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ»

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

آیه [۱]

این مستحبات را به قصد رجاء به جا آورد. الله مکارم:

آیه [۲]

دعای اوّل و دوّم در مناسک ایشان موجود نیست و در دعای آخر نیز تفاوت در عبارت وجود الله بهجت، آیه الله سیستانی: دارد.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

فصل ششم: سعی و بعض احکام آن

۸۲۵ م - واجب است بعد از به جا آوردن نماز طواف، سعی کند بین صفا و مروه، که دو کوه معروف اند.

۸۲۶ م - مراد از «سعی» آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.

۸۲۷ م - واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند؛ به این معنا که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.

۸۲۸ م - واجب است اول از صفا شروع کرد باید اعاده کند و اگر در بین سعی بفهمد باید از سرگیری و از صفا شروع کند.^[۱]

۸۲۹ م - احتیاط آن است که^[۲] کوه برود و همان طور به نحو متعارف سعی کند کفایت می کند.^[۴] و در صورتی که روی^[۳]

۸۳۰ م - در سعی مابین صفا و مروه جایز است سواره و بر روی محمل^[۵]، چه در حال اختیار و چه با عذر لیکن راه رفتن افضل است.

۸۳۱ م - طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست، گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.^[۶]

۸۳۲ م - واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد و اگر عمد^۱ پیش از آنها به جا آورد باید بعد از طواف و نماز، آن را اعاده کند.

۸۳۳ م - اگر از روی فراموشی و همچنین است اگر از روی ندانستن مسأله مقدم بدارد.^[۸] آن است که آن را اعاده کند^[۷]

۸۳۴ م - واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد^[۹]، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه، سعی باطل است.

۳۵ گرچه احوط سعی از^[۱۲] طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد، از هر طبقه جایز است سعی کند^[۱۱] یا چند^[۱۰]

همان راهی است که از اول متعارف بوده.

۸۳۶ م - اگر طبقه زیرزمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه دار بود و سعی بین آن دو واقع شد صحیح است علیالظاهر و [۱۳] احوط سعی از طبقه روی زمینی است.

[۱۴] در وقت رفتن به طرف مروه، متوجه به آنجا و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد. پس اگر عقب عقب برود یا [۱۵] پهلوی را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، لیکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشتسر اشکال ندارد.

۸۳۸ م - جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه و همین طور جایز است نشستن یا [۱۷] و لازم نیست عذری داشته باشد بنابر اقوی. [۱۶] خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی

۸۳۹ م - جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن، برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب، گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.

۸۴۰ م - جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر؛ از قبیل مرض. [۱۸]

۸۴۱ م - سعی از عبادات است و باید آن را بانیّت خالص برای فرمان خدای تعالی بیاورد. [۱۹]

۸۴۲ م - سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت. [۲۰]

۸۴۳ م - زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت.

۸۴۴ م - اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی؛ چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است و بهتر آن است که زاید را [۲۲]، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند. [۲۱] رها کند

۴۵. و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد، باید مراجعت کند و اگر نمی تواند یا مشقت دارد باید [۲۴] [۲۵] نایب بگیرد.

۸۴۶ م - اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد [۲۶]، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند جایز است از همانجا سعی را تمام کند، [۲۸] چهار مرتبه را تمام نکرده، تمام کند و از سر بگیرد. [۲۷] لیکن احتیاط آن است که اگر

[۸۴۷ م - با تمام کردن سعی، حلال نمی شود بر او آنچه حرام شده بود به واسطه احرام.

[۸۴۸ م - اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره تمتع، پس به گمان اینکه اعمال عمره تمام شده، از احرام خارج شد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد، واجب است برگردد و سعی را تمام کند و احتیاط واجب آن است که یک گاو برای کفاره ذبح [۲۹] کند.

، بلکه احتیاط واجب [۳۱] و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد، احتیاط واجب آن است که به دستور مسأله سابق عمل کند [۳۰] ، [۳۳] که در این دو حکم سعی در غیر عمره تمتع را نیز ملحق به تمتع کند در کفاره و اتمام [۳۲] آن است

[۵۰] و اگر شک کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد، چون بناگذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شک خالی از [۳۴] ، احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می دهد اتمام کند خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد [۳۵] اشکال نیست و اگر شک [۳۶] که عمدتاً برای حاجتی ترک کرده است سعی را، که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست در زیاده دارد و می داند ناقص نشده اعتنا نکند.

[۱] اعتنا نکند و سعی صحیح است و همینطور اگر در بین رفت و آمد، شک در صحیح به جا آوردن جزء پیش کند، [۳۷] اعتنا نکند.

[۸۵۲ م - اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتراً؛ مثل اینکه شک کند بین هفت و نه اعتنا نکند و اگر قبل از ، ظاهراً سعی او باطل است و همچنین است هر شکی که به [۳۸] رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر کمتر از هفت تعلق بگیرد؛ مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هكذا.

[۸۵۳ م - اگر طواف را در روزی به جا آورد و روز بعد شک کرد که سعی کرده است یا نه، بعید نیست بناگذاری بر آوردن [۳۹]، گرچه در آوردن [۴۰] است، مگر آنکه بعد از تقصیر شک کند که در این صورت لازم نیست سعی کند.

آیه [۱]

اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند، بعید نیست کفایت کند. الله مکارم:

آیه الله سبحانه: سعی

از بیخ کوه صفا به بیخ کوه مروه در قالب هفت شوط می باشد که فعلاً مبدأ و منتهای سعی را با سنگ مفروش کرده اند جزو مسعی نیست لکن در جانب مروه احتیاط واجب این است که سربالایی را نیز به نسبت سعی بپیماید.

واجب است که ابتدا کند از جزء اول صفا به آنکه پاشنه پا را بچسباند، در غیر سوار و محمول، به جزء اول آیه الله بهجت: [۲].
[مسافت (مناسک شیخ، ص ۵۲).]

آیه الله خویی: لازم و واجب است که ابتدا کند از اول جزء صفا.

آیه الله زنجانی: باید در هر شوط، از جزء اول کوه، شروع و به جزء اول کوه مقابل، ختم کند.

آیه الله سیستانی: باید تمام مسافت بین دو کوه پیموده شود و بالا رفتن از کوه لازم نیست گرچه احتیاط مستحب است و احتیاط واجب این است که فاصله مذکور دقیقاً همه آن پیموده شود؛ یعنی اینکه شوط اول را - مثلاً - از اولین جزء پایین کوه صفا آغاز کند و حرکت کند تا برسد به اولین جزء کوه مروه و به همین ترتیب بقیه شوط ها را انجام دهد. (مناسک، مسأله ۳۳۵).

آیه الله مکارم: واجب است فاصله میان دو کوه را طی کند و باید توجه داشت که هماکنون قسمتی از کوه صفا و مروه را مفروش کرده اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت نمایان کوه برود بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برسد کافی است.

آیه ۳.

در هر دور باید تمام فاصله میان صفا و مروه را بپیماید اما بالا رفتن از بلندی صفا و مروه لازم نیست. الله خامنه ای:
(مناسک حج، م ۳۰۲)

آیه الله سبحانی: و در فرض تقصیر، تقصیر را نیز اعاده کند و اگر در بین سعی فهمید باید بعد از به هم خوردن موالات سعی را از سر بگیرد و از صفا شروع کند و سپس تقصیر نماید.

بالا رفتن از کوه لازم نیست و چنانچه به قسمت سربالایی که آن را با سنگ پوشانده اند برسد، کافیاست: آیه الله اردبیلی: [۴].
گرچه رفتن روی کوه مستحب است.

آیه ۵ [۵]

لکن در حال اختیار باید خودش این وسیله را راه ببرد. الله زنجانی:

آیه الله سبحانی: ولی
در صورت توانایی و امکان باید وسیله را خود ببرد.

ستر عورت بنابر احتیاط واجب معتبر است. آیه الله اردبیلی: [۶]

آیه الله گلپایگانی: متعرض
ستر عورت نشده اند.

آیه الله مکارم:
ستر عورت احتیاط واجب است.

آیه الله نوری:
با عدم وجود ناظر محترم معتبر نیست.

آیات ۷ [۷]

بنابر احتیاط واجب. عظام بهجت، صافی، گلپایگانی:

آیه الله تبریزی:
اگر مقدّم داشتن سعی از جهت فراموشی طواف بوده باشد، باز احوط این است که سعی را پس از طواف
اعاده نماید.

آیه الله سیستانی:
اگر قبل از فوت وقت متذکر شود، ولی اگر طواف عمره تمتع را پس از وقوف
به عرفات یا طواف حج را پس از پایان ذی حجه متذکر شد اعاده سعی لازم نیست گر چه بهتر
است.

آیه ۸ [۸]

اگر بعد از مراجعت به وطن، متوجه شود اعاده سعی، لازم نیست. الله زنجانی:

آیه [۹]

واجب نیست سعی از راه متعارف باشد پس اگر از راهی که معمولاً به طرف صفا می روند به طرف مروه بروند الله زنجانی: سعیش باطل نمی شود، هر چند احتیاط مستحب آن است که در حال سعی از بین دو کف خارج نشود.

آیه [۱۰]

در طبقه دوم فعلی سعی محل اشکال است. الله اردبیلی:

آیه [۱۱]

سعی در طبقه دوم با توجه به اینکه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می شود، در صورتی که الله بهجت: احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می شود، کفایت می کند. (مناسک، م ۳۴۱).

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: طبقه دوم که فعلاً وجود دارد میان دو کوه نیست و سعی در آنجا اشکال دارد.

آیه الله فاضل:

جایز نیست.

آیه الله

سعی در طبقه دوم و سوم فعلی، صحیح نیست. زنجانی:

آیه الله

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود. بهجت:

آیه الله

لازم نیست سعی به صورت متعارف باشد و می تواند مسیر سعی را به پهلوی یا عقب عقب برود، هر چند سعی زنجانی: برخلاف متعارف، خلاف احتیاط استحبابی است.

آیه الله

گرداندن تنها صورت به چپ یا راست یا به پشت سر مانعی ندارد. (مناسک حج، م ۳۰۳) خامنه ای:

آیه الله سبحانی: نگاه

کردن به چپ و راست اشکال ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در

صورتی که سینه و شانه ها در حال رفتن به مروه به طرف مروه و در حال رفتن به صفا رو به صفا باشد و یا در حال توقف به پشت سر برگردد (آداب و احکام حج، ص ۲۶۴).

آیه الله مکارم:

مثلاً اگر برای ملاحظه همراهان نگاهی به عقب کند مانعی ندارد.

آیه ۱۶

هر چند رفع خستگی، طولانی شود، ولی باید پس از رفع خستگی، بلافاصله سعی را ادامه بدهد. الله زنجانی:

آیه الله

بنابر احتیاط واجب باید به مقداری باشد که موالات عرفیه به هم نخورد. اردبیلی:

آیه الله بهجت: احوط

ترک جلوس است در ما بین صفا و مروه بدون عذر (مناسک شیخ، ص ۵۳)

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل:

بنابر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه به هم نخورد.

آیه الله خویی:

به خاطر استراحت جایز است نشستن بر صفا یا مروه تا استراحت حاصل شود و احوط ترک جلوس است در مابین صفا و مروه بدون عذر.

آیه الله سبحانی: نشستن

بر صفا و مروه و بین آنها به مقداری که موالات به هم نخورد اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: احتیاط [

مستحب آن است که نشستن در وسط راه جهت استراحت ترک شود، مگر برای کسی که خسته شده باشد (مناسک، مسأله ۳۴۰).

آیه الله مکارم: احتیاط

واجب رعایت موالات عرفیه در سعی است.

آیه الله.

و اگر بدون عذر تأخیر بیندازد، بنابر احتیاط لازم است طواف و نماز را اعاده کند و با تأخیر عمدی سعی، مرتکب اردبیلی: معصیت نیز شده است.

آیه الله تبریزی: تأخیر

تکلیفاً جایز است ولی باید طواف و نماز را اعاده نمود.

آیه الله خویی:

اگر تأخیر انداخت طواف و نماز را اعاده نماید. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۵۵)، لازم به تذکر است که ایشان کلام صریحی در اینکه تکلیفاً تأخیر نینداختن سعی به فردا واجب باشد نفرموده اند.

آیه الله زنجانی: بلکه

تا بین الطلوعین روز بعد هم به تأخیر نیندازد، اما کسی که کمی قبل از طلوع فجر، طواف کرده می تواند سعی را تا اوائل روز به تأخیر بیندازد؛ و در هر حال اگر بدون عذر، سعی را به فردا به تأخیر بیندازد طواف و نماز آن را قبل از سعی اعاده کند.

آیه الله سبحانی:

اگر کسی طواف را روز انجام داد و نماز خواند می تواند سعی را شب انجام دهد مشروط بر اینکه پیش از طلوع فجر از سعی فارغ شود و همچنین اگر طواف را در شب انجام داد تا قبل از طلوع فجر سعی را به جا آورد.

آیه الله مکارم: ولی

اگر تأخیر انداخت، سعی او باطل نخواهد شد هرچند گناه کرده است.

آیه ۱۹.

مراجعه شود به حاشیه مسأله ۵۴۰الله سیستمی:

آیه الله ۲۰.

پس تارك آن عمدۀ، باطل است حج او، و باید پس از حج افراد در سال آینده حج نماید، و سهو رجوع می بهجت: نماید برای سعی مع الامكان و استنابه می نماید مع التّعذر (مناسک شیخ، ص ۵۱ و ۵۲).

آیه الله مكارم: در

مسأله ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۵ اول بحث طواف گذشت.

آیه الله.

و باید از زمان یادآوری بقیه مقدار اضافه را ادامه ندهد. (مناسک حج، م ۳۱۱) خامنه ای:

آیات ۲۲.

اگر زیادی یک شوط باشد مستحب است آن را به هفت برساند. عظام بهجت، خویی، سبحانی:

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستمی:

اگر زاید یک شوط یا بیشتر باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

آیه الله.

به حاشیه مسأله بعدی مراجعه شود. خویی:

آیه الله فاضل: چنانچه

قبل از تمام کردن شوط چهارم باشد بنابر احتیاط واجب سعی را از سر بگیرد ولی اگر شوط چهارم را تمام کرده است می تواند آن را اتمام کند یا از سر بگیرد.

آیه الله

و اگر تقصیر کرده باید آن را اعاده کند و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام پرهیز کند و فرقی بین شوط چهارم وزنجانی: قبل از آن نیست، ولی چنانچه تنها شوط هفتم یا قسمتی از آن را سهواً کم کرده است اعاده تقصیر و اجتناب از محرمات احرام لازم نیست.

آیه الله سبحانی:

اگر پیش از آنکه یک دور از هفت دور را تکمیل کند، دیگر دورها را فراموش نماید باید سعی را از سر بگیرد، و اگر پس از یک دور کامل یا بیشتر دیگر دورها را فراموش نماید هر موقع متذکر شد باقیمانده را به جا می آورد ولی احتیاط مستحب آن است که اگر قبل از تجاوز از نصف سعی باقیمانده را فراموش کرد سعی را از سر بگیرد.

آیه الله سیستانی: چه

یک شوط فراموش کرده باشد یا بیشتر، بنابر اقوی و اگر پس از گذشتن زمان سعی یادش بیاید؛ مثلاً در عرفات یادش بیاید سعی عمره اش ناقص بوده یا پس از انتهای ذی حجه به یاد آورد سعی حجه ناقص بوده، احتیاط آن است که کمبود را جبران کند و سپس سعی را از سر بگیرد و اگر نتواند برگردد یا مشقت دارد، باید نایب بگیرد و احتیاط واجب آن است که نایب هم جمع نماید بین تدارک مقدار کمبود و بین اعاده سعی کامل.

آیه الله

به احتیاط واجب نایب یک سعی به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد. اردبیلی:

آیه الله

هر وقت، متوجه شد سعی را تکمیل می کند و اگر تقصیر هم کرده دوباره تقصیر می کند و تا تقصیر نکرده از زنجانی: محرمات احرام پرهیز می کند.

آیه الله سبحانی: باید

سعی را از سر بگیرد.

آیه الله سیستانی: در

صورتی که پس از فوت موالات باشد.

آیه الله.

اگر سهواً کمتر از هفت دور سعی کند، اگر در مکه است باید آن را تکمیل کند و اگر از مکه خارج شده و سبحانی: بازگشت به مکه مشکل نیست برگردد آن را تکمیل نماید و اگر بازگشت حرجی و پر مشقت باشد نائب بگیرد و نائب پس از تکمیل سعی ناقص یک سعی کامل به جا آورد.

آیه الله .

و اگر کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هر چند بهجت: بعد از فراغت اعمال حج باشد، تدارک نماید و در صورتی که خود نتواند تدارک کند یا تدارک سخت باشد واجب است نائب بگیرد و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به جا آورد و در صورت دشواری آن نائب بگیرد. (مناسک، مسأله ۳۴۹).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه

کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هر چند بعد از فراغت از اعمال حج باشد، تدارک نماید. و اگر خود نتواند تدارک کند یا تدارک آن مشقت داشته باشد واجب است نائب بگیرد و در این صورت احتیاط این است که نائب به نیت فراغ ذمه منوب عنه از اتمام یا تمام یک سعی کامل به جا آورد. و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

آیه الله فاضل:

اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد که انجام دهد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد و همینطور است اگر کمتر از چهار مرتبه را انجام داده باشد و بقیه را فراموش کرده باشد.

آیه الله.

کفار جماع واجب است و در ناخن گرفتن احتیاط واجب. بهجت:

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: و

به اعتقاد اینکه از سعی فارغ شده محل شود، در این صورت احوط این است که یک گاو کفار بدهد و لازم است سعی را به نحوی که گفته شد تمام نماید.

آیه الله خویی: در

این صورت به اعتقاد اینکه از سعی عمره تمتع فارغ شده محل شده، در این صورت احوط بلکه اظهر این است که یک گاو کفار دارد. (مناسک، مسأله ۳۵۰).

آیه الله زنجانی: در

دو صورت کفار گاو واجب است، صورت اول آنکه بعد از خروج از احرام به گمان خود، با زنان نزدیکی کند،

صورت دوم آنکه با ناخن گرفتن از احرام خارج شده باشد و پس از آن یکی از محرمات احرام را مرتکب شود.

آیه الله سبحانی:

اگر با تقصیر گمان کرده از احرام خارج شده باید برای تقصیر بی جا یک گاو کفاره بدهد چه جماع کرده باشد و چه نکرده باشد؛ اگر کسی مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش کند و به گمان اینکه سعی را تکمیل کرده تقصیر کند و از احرام خارج شود واجب است برگردد سعی را تمام کند و سپس تقصیر کند و به جهت تقصیر بی جا یک گاو ذبح کند.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: یک
گاو کفاره دارد بنابر احوط برای جماع و نیز ناخن گرفتن.

آیه الله فاضل: و

اقوی آن است که یک گاو برای کفاره ذبح کند و در وجوب کفاره فرق نمی کند که شش شوط انجام داده باشد و از احرام خارج شده باشد یا کمتر از آن.

آیه الله.

باید در صورت تقصیر همان کفاره را بدهد اگرچه با زن نزدیکی نکرده باشد. سبحانی:

آیه الله فاضل: احتیاط

واجب آن است که طبق مسأله سابق عمل کند و همان کفاره را بدهد، اگر چه با زن نیز نزدیکی نکرده باشد و در تقصیر فرقی نیست که ناخن گرفته باشد یا مو.

آیه الله.

بلکه حتی اگر با زنان نیز نزدیکی نکرده باشد، احتیاط واجب آن است که یک گاو کفاره بدهد. اردبیلی:

آیه الله.

متعرض این احتیاط نشده اند. خامنه ای،

آیه الله |

در غیر عمره تمتع کفاره لازم نیست، بلکه باید سعی را تمام کند و در عمره مفرده باید تقصیر را نیز اعاده کند اردبیلی:
بنابر احتیاط واجب.

آیه الله بهجت: حکم

مختص به عمره تمتع است. (مناسک شیخ، ص ۵۳)

آیه الله تبریزی: این

حکم مختص است به سعی در عمره تمتع.

آیه الله سبحانی: ذبح

گاو به عنوان کفاره در تقصیر بی جا مربوط به عمره تمتع است و در عمره مفرده نیست.

آیه الله سیستانی:

اگر در عمره تمتع باشد به احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد چه جماع کند و چه نکند و سعی را تمام کند و تقصیر را احتیاطاً اعاده نماید ولی در عمره مفرده و حج کفاره لازم نیست بلکه باید سعی را تمام و تقصیر را در عمره مفرده اعاده نماید.

آیه الله فاضل: اولی

الحاق این دو حکم است در غیر عمره تمتع به تمتع.

آیه الله گلپایگانی: متعرض

فرع الحاق این حکم در غیر تمتع به تمتع نشده اند.

آیه الله |

همچنین اگر شک او در اشواط بعد از آن باشد که خود را از سعی فارغ شده زنجانی:
یافت و مشغول کارهایی شده که متعارفاً بعد از اتمام سعی انجام می دهند چنانچه احتمال بدهد هنگام سعی متوجه تعداد اشواط بوده به شک خود اعتنا نکند، خواه شک در زیاده باشد یا نقیصه.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: چه

شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه و همینطور است اگر بعد از فراغ از عمل شک در
زیاده کند.

آیه الله |

چنانچه مشغول عمل دیگری شده به نحوی که عرفاً فارغ از عمل محسوب می شود، به شک خود اعتنا نکند و اردبیلی:

همچنین است در فرض بعدی.

آیات عظام بهجت، مکارم، نوری:
اعتنا به شک نکند و عملش صحیح است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اظهر
این است که باید به این شک اعتنا شود و شک در عدد اشواط سعی را باطل می کند.

آیه الله سیستانی: اگر [احتمال زیاد بودن آنها را بدهد، بنابر صحت بگذارد و اگر احتمال کم بودن آنها را می دهد در صورتی که شک او قبل از به هم خوردن موالات باشد سعی باطل است و بنابر احتیاط اگر بعد باشد نیز باطل است. (مناسک، ص ۲۵۹).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:
اگر بعد از منصرف شدن از سعی، شک در عدد آن کند به آن شک اعتنا نکند و سعیش صحیح است، لیکن اگر احتمال می دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده، احتیاط آن است که دوباره سعی کند. (آراءالمراجع، ص ۲۹۷).

آیه الله.
اگر از عمل منصرف شده و به ظاهر آن را پایان داده، به این شک اعتنا نکند. مکارم:

آیه الله.
چنانچه صحیح بودن قطعه سابق متصل به قطعه مشکوک، محرز باشد اعتنا نکند و در غیر این صورت اگر درزنجانی: اثناء سعی شک کرده، باید سعی را اتمام و دوباره اعاده کند و اگر بعد از فارغ شدن از سعی شک کرده، چنانچه احتمال بدهد هنگام سعی به رعایت شرایط صحت توجه داشته اعتنا نکند و اگر بعد از تقصیر - و یا در حج بعد از ورود در طواف نساء - شک کرده مطلقاً اعتنا نکند.

آیه الله.
چنانچه اطمینان دارد که در ادامه سعی، نسبت به تعداد اشواط، حجت شرعی پیدا می کند می تواند سعی رازنجانی: ادامه دهد که اگر تا پایان سعی، تعداد اشواط معلوم شد سعی او صحیح است و اگر چنین اطمینانی ندارد سعی او باطل است.

آیه الله سبحانی: خود

را به مروه برساند سپس سعی را از صفا مجدداً شروع کند.

آیه الله

شک بعد از وقت است. بهجت:

آیه الله خویی: فتوای

ایشان در این مسأله روشن نیست و لذا احتیاط به اعاده طواف و نماز و اتیان سعی است.

آیه الله سیستانی: احتیاط

واجب اتیان به سعی است، ولی اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، مگر احتمال بدهد عمداً سعی را تأخیر انداخته که در این صورت احتیاط واجب اعاده طواف و نماز هم هست.

آیه الله

این احتیاط ترک نشود. اردبیلی:

آیه الله

احوط اعاده طواف و نماز و اتیان به سعی است. تبریزی:

آیه الله سبحانی: احتیاطاً

سعی را به عنوان ما فی الذمه انجام دهد و انجام دیگر اعمال مترتبه لازم نیست گرچه احوط است.

آیه الله فاضل:

اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر انداختن سعی بدون عذر است، بعید نیست بناگذاری بر آوردن، اگرچه احتیاط مستحب در آوردن است و اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر با عذر باشد. در این صورت وجهی برای بناگذاری بر اینکه آورده شده نیست.

آیه الله مکارم: این

احتیاط ترک نشود.

مسائل متفرقه سعی

[۸۵۴] م - کسی که می دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را اعاده کند، اگرچه اقوی [۱] را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، احتیاط آن است که سعی کفایت همان سعی است.

[۸۵۵] م - کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را به جا می آورد و سعی را شب انجام می دهد، اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب، اگرچه اقوی کفایت است. [۳] مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد [۲] واقع شود

[۸۵۶] م - سعی در طبقه فوقانی، اگر محرز نیست که بین صفا و مروه است، جایز نیست. [۴]

آیه [۱]

سعی صحیح است (پرسشهای جدید حج، س ۷۸). الله بهجت:

آیه الله خامنه ای: سعی

صحیح است. (مناسک حج، م ۳۱۱)

آیه الله سبحانی: و [

در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده است سعی او صحیح است ولی بنابر احتیاط مستحب پس از فوت موالات سعی را اعاده کند و همچنین تقصیر را.

آیه الله سیستانی:

اگر جاهل «قاصر» بوده سعیش صحیح است و اگر «مقصر» بوده صحتش اشکال دارد.

آیه الله مکارم: این

احتیاط ترک نشود.

آیه [۲]

تأخیر عرفی اشکال ندارد و مبادرت لازم نیست ولی تأخیر به فردا جایز نیست و اگر عمد^۱ والله زنجانی، آیه الله سیستانی: در صورت اخیر اعاده واجب آیه الله زنجانی: بدون عذر تا فردای آن روز تأخیر بیاندازد، به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند. (است).

آیه الله مکارم: هرگاه

طواف و نماز آن را در هر موقع از روز انجام دهد سعی را تا شب می تواند به تأخیر بیاورد. ولی تأخیر تا فردا جایز نیست و اگر تأخیر انداخت گناه کرده ولی اعمال او صحیح است.

آیه [۳]

به تأخیر انداختن سعی پس از طواف و نماز طواف تا روز بعد از آن جایز نیست، اما تأخیر در انجام آن تا الله خامنه ای: مانعی ندارد. (مناسک حج، م ۳۰۱) همان روز] شب

آیه الله سبحانی: بهذیل

مسأله ۸۴۱ مراجعه شود.

صحیح نیست. (مناسک حج، م ۳۰۵) آیه الله خامنه ای: [۴]

آیات عظام زنجانی، سبحانی، مکارم: طبقه

فوقانی میان دو کوه نیست.

استفتائات سعی

[۸۵۷] س - کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده تکلیف او چیست؟

[۱] - می

این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات عرفیه بین شوط زاید طواف و مقدار [۳] به [۲] تواند باقیمانده تا ۱۴ شوط، طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

[۸۵۸] س - اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست، به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج - باید

[۴] سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.

[۸۵۹] س - کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا، گمان تمام شدن هفت شوط را کرد و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفتند که باید یک شوط دیگر بیاوری، او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل او صحیح است یا خیر و كفاره دارد یا نه؟

ج - عمل

[۵] صحیح است و كفاره ندارد.

[۸۶۰] س - کسی در اثنای سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟

ج -

اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده یا اگر قطع کرده، از جایی که [۶] سعی را قطع کرده یا مُحاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است.

[۸۶۱] س - کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است، آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟

[۷] - لازم

[۸] نیست ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.

[۸۶۲] س - آیا زن هایی که از جهت عادت ماهانه براي طواف نایب مي گیرند در سعي هم مي توانند نایب بگیرند؟

ج - محل

سعي مسجد نیست و سعي را باید خودشان به جا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعي.

[۸۶۳] س - اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعي بین صفا و مروه را تمام کرده است ولي بعد از تقصیر متوجه مي شود که پنج شوط بوده، اولاً آیا کل سعي را باید از سر بگیرد یا دو شوطي را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و ثانياً آیا تقصیر هم باید بکند، یا تقصیر اول کافي است؟

ج - باید

[۱۰] و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست. [۹] سعي را اتمام کند

[۸۶۴] س - شخصی بعد از طواف عمره تمتع گم شده و بعد از پیدا شدن به رفقاییش گفته است که سعي صفا و مروه را به جا آورده ام و تقصیر نمود و محرم شد براي حج تمتع، ولي بعد از مراجعت از عرفات و مني و موقع طواف و سعي صفا و مروه و اعمال حج اظهار کرد؛ مثل اینکه من در اعمال عمره به صفا نیامده ام، همینطور گفته اند ان شاءالله آمده اي، بعد از مراجعت به ایران چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده و قبل از فوتش وصیت نموده است که براي او نایب بگیرند، اگر عمل شخص فوق الذکر باطل باشد وراثت او حاضرند اینجانب را بفرستند تا اعمال حج او را انجام بدهم، آیا نظر حضرت عالي چیست؟

ج -

ورثه مي توانند شما را نایب کنند براي عمل حج تمتع، ولي باید نایب سعي را جداگانه به نیابت آن مرحوم انجام دهد. [۱۱] گرچه در فرض مرقوم بیش از نایب گرفتن براي سعي لازم نیست.

[۸۶۵] س - بین صفا و مروه طوري است که از یک طرف مي روند و از طرف دیگر آن برمي گردند يعني بین رفت و برگشت دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسيري که به صفا رفته، به مروه برود اشکال دارد؟

ج - اشکال

ندارد، ولي نباید مزاحم دیگران شود.

[۸۶۶] س - شخصی در حال سعي کردن بود، یک وقت دید مقداري را که براي هروله علامت گذاري کرده اند به طور عادي سير کرده است، گمان مي کرد لازم است هروله کند و لذا برگشت و مقداري را که عادي رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟

ج - اشکال

دارد. [۱۲]

[۸۶۷] س - شخصی در سعي بین صفا و مروه، از جايي که به صفا یا مروه رسید براي شوط بعدي شروع نمي کند، بلکه تقريباً مقدار دو سه متر هلالی شکل و یا مستقیم به شکل عرضي مي آید و شروع مي کند، و در این مقدار متوجه نیست که

با نیت سعی است یا نه، ولی اگر از او سؤال شود چه می کنی جواب می دهد سعی می کنم، آیا مضر نیست؟

ج - راه

رفتن مزبور روی کوه مضر به سعی نیست، و در فرض مسأله سعی صحیح است.

[۸۶۸] س - آیا سعی کردن از همانجا که مریض ها را با چرخ می برند و برمی گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سرایشی شروع می کنند) صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اول کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگ های سیاه بعد از سنگ های صاف که بقایای کوه است برسند؟

ج - سعی

[۱۴] و احراز شود و لازم نیست بالا برود. [۱۳] باید بین دو کوه باشد

[۸۶۹] س - در مناسک فرموده اید کسی که بین صفا و مروه سعی می کند، واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد و بالعکس، آیا این وجوب توجه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

ج - وضعی

[۱۵] است.

[۸۷۰] س - گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی ناچار است از مسجدالحرام عبور کند [۱۶]، در این صورت تکلیف حیض و نفساء چیست، و آیا برای سعی هم مثل طواف نایب بگیرند؟

ج -

اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند باید تأخیر بیندازند، و اگر آن هم ممکن نیست نوبت به نیابت می رسد و بر فرض مخالفت چنانچه از آن راه رفت و خودش سعی کرد سعیش صحیح است هرچند گناه کرده است.

[۸۷۱] س - زیادی در سعی جهلاً، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی

را؟

- [۱۷]

[۱۸] محل اشکال است.

[۸۷۲] س - کسی که نمی تواند بدون سوار شدن در چرخ های معمولی در مسعی سعی کند لیکن تمکن مالی ندارد، چون از خود را صرف سوغات کرده، وظیفه اش چیست؟

ج -

اگر می تواند با چرخ سعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی کند و استنابه صحیح نیست مگر آنکه مشقت و حرج در کار باشد.

[۸۷۳] س - شخصی شوط سوم سعی را به هم زد و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر به جا آورد و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟

ج - اشکال

[۲۰] و باید سعی را اعاده کند. [۱۹] دارد

[۸۷۴] س - شخصی به اعتقاد اینکه هر شوط سعی، رفت و برگشت از صفا به مروه است، سعی را شروع می کند و در شوط سوم متوجه مسأله می شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می دهد، آیا سعی او چه حکمی دارد؟

ج - سعی

او صحیح است.

[۸۷۵] س - شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا صفا رفته است، تکلیف او چیست؟

[۲۱] -

[۲۲] باید آن مقدار را تدارک کند و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

[۸۷۶] س - سعی از طبقه دوم فعلی، که بالاتر از کوه صفا و مروه می باشد، جایز است یا نه؟

ج - اشکال

[۲۳] دارد.

[۸۷۷] س - شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی، گاهی به عقب برمی گشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی می کرده، آیا سعی او صحیح است؟

ج - اشکال

[۲۴] دارد و باید سعی را اعاده کند.

[۸۷۸] س - شخصی سعی بین صفا و مروه را، پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می شود، انجام داده است و آنگاه که متوجه مسأله شد سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج - در

[۲۵] فرض سؤال احوط اعاده سعی است.

[۸۷۹] س - شخصی به تصور اینکه رفتن بالای کوه صفا یا مروه لازم است، چون این مقدار مسافت را تحت فشار جمعیت رفته لذا برای اعاده آن مقداری وارد سعی شده و بعد به نیت سعی برگشته است و در واقع مقداری مسافت را دوبار طی کرده

است، آیا سعی او درست است؟

ج -

[۲۶] اگر به نیت احتیاط عمل کرده باشد ضرر ندارد.

[۸۸۰] س - شخصی به تصور اینکه سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از یک شوط و نیم سعی خود را قطع می کند و وضو می گیرد و هفت شوط دیگر سعی می نماید، تکلیف او چیست؟

ج - اشکال

[۲۸] و باید سعی را اعاده کند. [۲۷] دارد

[۸۸۱] س - کسی که قدر متیقن عدد اشواط را می داند، اما تردید دارد که شوط بعدی را انجام داده یا نه؛ مثلاً می داند پنج شوط انجام داده، ولی شک دارد که بقیه را انجام داده یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - فرض

[۲۹] مزبور شک در اشواط است و مبطل است.

[۸۸۲] س - اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟

[۳۰]

[۳۱] از احرام خارج شده و هر وقت یادش آمد سعی را به جا آورد. -

[۸۸۳] س - اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شک کرد، تکلیف او چیست؟

ج - مبطل

[۳۲] است و باید سعی را اعاده کند.

[۸۸۴] س - آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است و یا اختصاص به بعض دارد؟

[۳۳]

[۳۴] در سعی موالات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد، که در صورت فوات موالات احتیاطاً از سر بگیرد. -

[۸۸۵] س - اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد آیا به سعی او ضرر می زند یا نه؟

ج - ضرر

[۳۵] نمی زند.

[۸۸۶ س - شخصی در حال سعی در عدد اشواط شک می کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می دهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل وبعد از آنکه صد متر سعی کرد یا وارد شوط بعدی شد، یقین به عدد حاصل می شود و با یقین، باقی سعی را هم انجام می دهد، آیا این سعی صحیح است یا نه؟

ج - صحیح

[۳۶] است.

آیه [۱]

اگر زیاده سهوی به مقدار کمی از یک شوط بوده اعتنا نکند والا باید سعی را رها کند و طواف اضافی را به هفت الله زنجانی: شوط برساند و نماز طواف را بخواند و سپس سعی را تکمیل کند.

آیه [۲]

اگر زیاده طواف کمتر از یک شوط بوده، وظیفه ای ندارد و سعی را تکمیل می کند و اگر بیشتر بوده باید سعی الله اردبیلی: را رها کند و شوط های زائد طواف را به قصد قربت مطلقه تا هفت شوط تکمیل کند و نماز طواف بخواند بدون آنکه تعیین کند که برای طواف اول است یا دوم، سپس سعی را تکمیل کند و پس از سعی دو رکعت نماز دیگر بخواند.

آیه الله خامنه ای: می

تواند از طواف و سعی خود دست برداشته و مجدداً طواف و نماز طواف و سعی را از سر بگیرد. (استفتاء

۶۲۴۶۳، س ۶ و ۷)

آیه [۳]

اگر عمد بوده به همان نحو که گذشت اشکال دارد و در غیر عمد، احتیاط در اتمام تا چهارده شوط اگر ممکن الله بهجت: است. در ذیل مسأله ۶۱۴ گذشت.

آیه الله سیستانی: احتیاط

آن است که برگردد به مسجد الحرام و شوط اضافی را تا یک طواف کامل به قصد قربت مطلقه تکمیل نماید و برای آن نماز طواف بخواند، سپس سعی را تمام کند و احتیاط مستحب این است که آن را اعاده نماید.

آیه الله فاضل: احتیاطاً

سعی را رها کند تا موالات عرفیه از بین برود. پس از آن همه را اعاده کند.

آیه [۴]

و اگر تقصیر کرده نیز بنابر احتیاط آن را تکرار کند. الله اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی: در فرض تقصیر هم باید دو مرتبه تقصیر کند.

آیه الله خامنه ای: آغاز سعی از مروه و پایان آن در صفا صحیح نیست. (مناسک حج، م ۲۹۷)

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و تقصیر نماید (اگر چه قبلاً تقصیر کرده باشد) تا از احرام خارج شود.

آیه الله فاضل: اگر با اعتقاد به صحت تقصیر کرده، تقصیر اعاده ندارد مگر از باب احتیاط و در غیر این صورت باید تقصیر را اعاده کند.

آیه الله مکارم: جواب این سؤال در مسأله ۸۲۸ گذشت.

آیه [۵]

چنانچه در عمره تمتع باشد بنابر احتیاط یک گاو كفاره بدهد. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت: مگر آنکه در عمره تمتع ناخنهایش را گرفته باشد که احوط است.

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط یک گاو كفاره دهد.

آیه الله خویی: اگر در عمره تمتع باشد باید بنابر اظهر یک گاو كفاره بدهد.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: آیه الله سبّحانی: اقوی) یک گاو كفاره بدهد و اما اگر کمبود به جهت ندانستن تعداد شوط های سعی بوده است مثلاً، یا در عمره مفرده یا حج بوده، كفاره ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر ناخن گرفته كفاره دارد.

آیه الله فاضل: عمل
صحیح است ولی اگر در عمره تمتع بوده است بنابر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد.

آیه [۶]

بلکه اگر اشتباه کرده و قبل از محل قطع شده، سعی را ادامه داده، سعی او صحیح است و اگر بعد از محل الله زنجانی: قطع شده، سعی را ادامه داده اگر شوط ششم یا هفتم بوده، از محل قطع تا پایان سعی را باید اعاده کند و اگر در اشواط دیگر بوده دو شوط از سعیش ناقص مانده و باید شوط ششم و هفتم را به جا آورد.

آیه [۷]

اگر بدون هیچ عذری تأخیر انداخته باید قبل از سعی طواف و نماز را اعاده کند. الله زنجانی:

آیه [۸]

چنانچه عمداً و بدون عذر بوده احتیاطاً باید طواف و نماز آن را اعاده کند. الله اردبیلی:

آیه الله تبریزی:

بنابر احتیاط طواف و نماز را اعاده نماید.

آیه الله خویی: باید

طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سبحانی:

اگر بدون عذر تأخیر انداخته، باید طواف و نماز را نیز اعاده کند ولی اگر به خاطر عذری این مقدار تأخیر انداخته طواف و نماز لازم نیست.

آیه الله سیستانی:

اگر عمداً بدون هیچ عذری تأخیر انداخته، احتیاط واجب اعاده طواف و نماز آن است.

آیه [۹]

و سپس تقصیر نماید و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند. الله زنجانی:

آیه [۱۰]

در غیر عمره تمتع اعاده تقصیر بنابر احتیاط لازم است ولی در عمره تمتع لازم نیست و اگر در عمره تمتع الله اردبیلی: به دلیل فراموشی سعی را ناقص انجام دهد و تقصیر نماید، بنابر احتیاط باید یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله بهجت: و

تقصیر را هم اعاده می نماید.

آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی، مکارم: این

احتیاط ترک نشود.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: و

□تقصیر را باید اعاده نماید و اگر در عمره تمتع بوده یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: این [

احتیاط واجب است و اگر تقصیر از روی فراموشی کمبود باشد و در عمره تمتع باشد احتیاطاً باید یک

گاو کفاره بدهد.

آیه الله فاضل:

اگر در عمره تمتع بوده احتیاطاً تقصیر را اعاده کند و بنابر احتیاط واجب یک گاو کفاره بدهد.

آیه [۱۱]

ظاهر^۱ حج او باطل است و باید اعاده شود و نیابت در سعی لازم نیست. الله اردبیلی:

آیه الله تبریزی: احتیاط

این است که برای حج تمتع نایب بگیرند، و احوط این است که نایب یک سعی جداگانه ای هم به نیت

میت به جا آورد.

آیه الله خامنه ای:

اگر سعی را فراموش کرده، نایب همان سعی را قضا کند و اگر ترک سعی از روی جهل بوده، حج را اعاده

نماید. (مناسک حج، م ۲۷۹ و ۳۰۸)

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: حج

او باطل است مگر اینکه سعی را فراموش کرده بوده که برای او قضا می کنند.

آیه الله سیستانی:

اگر از روی جهل به موضوع یا حکم، سعی را ترک کند حش باطل است، لذا در فرض سؤال بر ورثه لازم است برای کل حج تمتع از طرف میت نایب بگیرند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

با فرض ترک سعی از جهت ندانستن مسأله، باید احتیاطاً عمره مفرده برای او به جا آورند و [بعد از آن حج او را اعاده نمایند (آداب و احکام حج، مسأله ۶۷۵).

آیه الله فاضل: در [

فرض سؤال که اعمال بعدی را با جزم به صحت انجام داده است لذا صحیح است و گرفتن نایب برای سعی کفایت می کند.

آیه الله مکارم: گرفتن

نایب برای کل حج تمتع لازم نیست.

آیه الله

ظاهر^۱ اشکال ندارد اگرچه احتیاط بهتر است. اردبیلی:

آیه الله بهجت: ظاهر^۱

اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی:

اگر به قصد انجام وظیفه واقعی باشد، اشکالی ندارد.

آیه الله خامنه ای: در

حال اختیار نباید چنین کند ولی در فرض مذکور سعی او درست است و چیزی بر او نیست، اگرچه احتیاط در اتمام و اعاده سعی است. (اجوبة الإستفتاءات فی الحج، س ۹۴)

آیه الله خویی:

بنابر اظهر اشکال ندارد. اگرچه اعاده سعی مطابق احتیاط است. (مناسک عربی، مسأله ۳۴۴).

آیات عظام زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: اشکال

ندارد.

آیه الله سیستانی: صحت

سعی اشکال دارد مگر آنکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله

به حاشیه مسأله ۸۲۹ مراجعه شود. اردبیلی:

آیه الله

به ذیل مسأله ۸۲۹ مراجعه شود. بهجت:

آیه الله مکارم: همان

گونه که قبلاً گفته شد سرایشی مزبور مربوط به کوه است، بنابراین مسیر فعلی چرخسوارها اشکالی ندارد.

آیه الله

به حاشیه مسأله ۸۳۷ مراجعه شود. زنجانی:

آیه الله مکارم: ولی

نگاه کردن به اطراف و حتی به پشتسر مانعی ندارد.

آیه الله [۱۶]

یعنی از این راه خودش را به صفا برساند و از آنجا سعی را در مسیر معمولی شروع کند. مکارم:

آیه الله

حکم زیاده سهوی را دارد؛ بنابراین اگر از روی ندانستن مسأله قسمتی از اثناء سعی را دوباره سعی نماید سعیش زنجانی: صحیح است، ولی اگر در شروع سعی قبل از رسیدن به کوه صفا شروع کند (مثلاً از مروه شروع کند) سعیش باطل است.

آیه الله.

ظاهراً حکم زیادی سهوی را دارد. اردبیلی:

آیه الله بهجت: ظاهراً

جهلاً مانعی ندارد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: زیادی

از روی جهل به حکم بنابر اظهر موجب بطلان سعی نمی باشد، اگرچه احتیاط در

اعاده است.

آیه الله خامنه ای: حکم

زیادی سهوی را دارد و سعی او صحیح است. (مناسک حج،

م ۳۱۰)

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: حکم

زیادی سهوی را دارد و سعی او صحیح است.

آیه الله فاضل: محل

اشکال است و احتیاطاً اعاده کند.

آیه ۱۹

چنانچه قبل از فوات مولات آن را از سر گرفته باشد، صحت سعیش محل اشکال است. الله اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، زنجانی، فاضل، مکارم، نوری: اشکال

ندارد.

آیه الله خامنه ای: اشکال

ندارد (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷)

آیه الله سبحانی:

اگر از آن چه انجام داده منصرف شده و پس از فوت مولات از اول شروع کرد اشکال ندارد لیکن اگر نصف سعی را انجام داده احتیاطاً آن را به هفت دور برساند و سعی را به عنوان تکلیف فعلی انجام دهد.

آیه الله.

بعید نیست آن سعی که استیناف کرده صحیح باشد، گرچه احوط اعاده سعی است. تبریزی:

آیه الله خویی: در فرض اعتقاد به جواز مانعی ندارد. (المسائل الشرعیه، مسأله ۳۴۸).

آیه الله سیستانی:
اگر پس از فوت موالات عرفیه سعی را از سر گرفته باشد صحیح است و اگر قبل از آن باشد اشکال دارد مگر آنکه جاهل قاصر باشد که در این صورت نیز صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحت آن بعید نیست.

آیه الله
سعی او صحیح است، هر چند احتیاط استحبابی آن است که آن مقدار و ما بعد آن را تدارک کند. زنجانی:

آیه الله
و می تواند سعی سابق را رها کرده و مجدداً سعی را از سر بگیرد. (استفتاء ۶۲۴۶۳) خامنه ای:

آیه الله سبحانی: برگردد و جبران کند و اگر از آن محل گذشته یعنی وارد شوط یا اشواط بعدی شده و نمی تواند برگردد و تدارک کند سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

آیه الله مکارم: می تواند برگردد و جبران کند و سعی او اشکال ندارد.

آیه الله
اگر احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می شود کفایت می کند. (مناسک، م ۳۴۱). بهجت:

آیه الله خامنه ای: سعی در طبقه دوم مسعی صحیح نیست، مگر آنکه برایش محرز باشد که طبقه دوم، میان دو کوه واقع است نه بالاتر از آن، و کسی که نمی تواند در طبقه همکف سعی کند، باید برای خود نایب بگیرد، و سعی در طبقه دوم صحیح و مجزی نیست. (مناسک حج، م ۳۰۵)

آیه الله خویی:

اگر دو طرف آن ولو قبلأکوه صفا و مروه بوده و فضاي بدون کوه نبود صحيح است. (آراء المراجع، ص ۳۰۰).

آیه الله سبحانی:

اگر ضرورت چنان باشد که منجر به ترک سعی در طبقه هم کف شود می تواند در طبقه بالا سعی نماید ولی اکنون که زیرزمین مسعی احداث شده در صورتی که عرض آن از مسعی جدید زیادتیر نباشد می تواند در آن سعی نماید و با وجود دو مسعی هم کف و سپس زیرزمین مورد ضرورت سعی در طبقه بالا بسیار نادر ممکن است اتفاق بیفتد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: مجزی

نیست.

آیات عظام

اشکال ندارد. اردبیلی، تبریزی، خویی، زنجانی:

آیه الله سبحانی: برای

مثال چند متر از مسافت مسعی را که سعی نموده برای کنترل همراهان به عقب برگشته حالا که می خواهد دوباره آن چند متر را برگردد تا به محل قطع برسد باید به قصد سعی طی نکند در این صورت سعی او صحیح و در غیر این صورت سعی او به جهت زیادی عمدي باطل است.

آیه الله سیستانی:

مگر اینکه جاهل قاصر باشد یا مقدار اضافی را به قصد سعی انجام ندهد.

آیه الله مکارم: اشکال

ندارد و اعاده لازم نیست ولی بهتر است این کار را نکند.

. مراجعه شود به سؤال ۸۷۱. [۲۵]

آیه الله اردبیلی: سعیش

صحیح است و احتیاط لازم نیست.

آیه الله خامنه ای: سعی

او صحیح است. (مناسک حج، م ۳۱۱)

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: صحیح

است و احتیاط واجب نیست.

آیه الله

سعیش صحیح است. زنجانی:

آیه الله

اگر بین رها کردن سعی اول و شروع سعی دوم به قدری فاصله شده باشد که موالات عرفیه به هم بخورد، اردبیلی:
اشکال ندارد و گرنه صحت سعیش محل اشکال است.

آیه الله خامنه ای: اشکال

ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷)

آیه الله خویی:

با فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن سعی، مجزی است. (رجوع شود به مسأله ۸۷۳).

آیات عظام زنجانی، فاضل، مکارم، نوری: اشکال

ندارد.

آیه الله سبحانی:

اگر از آن چه انجام داده منصرف شده و پس از فوت موالات از اول شروع کرد اشکال ندارد لیکن اگر نصف
سعی را انجام داده احتیاطاً آن را به هفت دور برساند و سعی را به عنوان تکلیف فعلی انجام دهد.

. مراجعه شود به سؤال ۸۷۳. [۲۸]

آیه الله

و این در صورتی است که در اثناء سعی شک کرده و گرنه مطابق حاشیه مسأله ۸۵۲ عمل کند. زنجانی:

آیه الله سبحانی:

اگر از آن چه انجام داده منصرف شده و پس از فوت مولات از اول شروع کرد اشکال ندارد لیکن اگر نصف سعی را انجام داده احتیاطاً آن را به هفت دور برساند و سعی را به عنوان تکلیف فعلی انجام دهد.

باید سعی کرده دوباره تقصیر کند. آیه الله زنجانی: [۳۰]

آیه الله.

به حاشیه مسأله ۸۱۳ مراجعه شود. اردبیلی:

آیه الله بهجت:

به ذیل مسأله ۸۴۲ مراجعه شود.

آیه الله خویی: از

احرام خارج نشده و تقصیر را اعاده نماید. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۵۷).

آیه الله سبحانی:

اگر کسی آن را در عمره تمتع فراموش کرد و تقصیر نمود اگر تا قبل از احرام حج یادش آمد باید برگردد و به جا آورد و تقصیر را اعاده کند و یک گاو کفاره بدهد ولی اگر بعد از احرام حج یادش آمد چنانچه بتواند قبل از وقوف به عرفات به جا آورد و اگر نتوانست وقتی از منی برگشت سعی را بر اعمال حج مقدم بدارد و یک گاو برای تقصیر بی جا ذبح کند اما اگر سعی حج را فراموش کرد اگر خود او در مکه است و یا مکانی است که می تواند برگردد، باید برگردد و انجام دهد و طواف نساء و نماز آن را نیز مجدداً به جا آورد و اگر برگشتن برای او مشقت دارد استنابه کرده و نائب او سعی و سپس طواف نساء و نماز را برای او به جا آورد.

آیه الله سیستانی:

بنابر احتیاط تقصیر را پس از سعی اعاده کند و یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله فاضل:

بنابر احتیاط تقصیر را پس از سعی اعاده کند، و بنابر احتیاط قبل از اعاده تقصیر، محرمات احرام را مراعات کند ولی کفاره ثابت نیست.

آیه الله.

مگر آنکه اطمینان داشته باشد که در ادامه سعی نسبت به تعداد اشواط به علم یا حجت شرعی می رسد. زنجانی:

آیه الله |

در غیر موارد خاص که قطع سعی، جایز است، رعایت موالات عرفیه در سعی، لازم بوده و قطع آن جایز نیست و زنجانی:
چنانچه بدون عذر، سعی را قطع کند باطل می شود.

آیه الله |

بنابر احتیاط موالات در تمام اشواط سعی معتبر است. اردبیلی:

آیه الله بهجت: دلیلی

بر اعتبار موالات در سعی در غیر شوط اول نیست. (پرسش های جدید حبس ۸۹)

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط

اعتبار موالات عرفیه بین اشواط سعی است. (مناسک، قبل از مسأله ۳۳۹) و راجع به لزوم دادن گاو به عنوان کفاره آنچه می توان گفت، ایشان در صورتی که مقداری از سعی را فراموش کند و به اعتقاد تمام شدن سعی، محلّ شود، فرموده یک گاو باید کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: در

غیر موارد خاص که قطع سعی جایز است، رعایت موالات عرفیه در سعی، لازم بوده و قطع آن جایز نیست و چنانچه بدون عذر، سعی را قطع کند باطل می شود.

آیه الله سبحانی: سعی

یک عمل واحد عبادی است، باید به صورت یک عمل واحد به جا آورده شود و لذا فاصله زیاد میان اشواط که مضر به موالات باشد برخلاف احتیاط است.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل:

بنابر احتیاط واجب موالات عرفیه لازم است.

آیه الله گلپایگانی: موالات

در سعی معتبر نیست. (آداب و احکام حج، ص ۲۷۴) و قسمت آخر مسأله را متعرض نشده اند.

آیه الله مکارم: احتیاط

واجب آن است که در غیر موارد استثنا شده موالات عرفیه رعایت شود.

آیه الله |

چنانچه از روی علم و عمد بوده، صحتّ سعیش محلّ اشکال است. اردبیلی:

آیه الله مکارم: ولی
اگر عمد^۱ باشد گناه کرده است.

آیه الله
اگر به رجاء کشف حال سعی را ادامه داده، صحیح است. اردبیلی:

آیه الله تبریزی:
با شک در عدد اشواط سعی باطل می شود و باید سعی را اعاده کند.

آیه الله خویی:
وظیفه اش تجدید و از سر گرفتن سعی بوده و سعی در حال شک و ادامه آن صحیح و مجزی نبوده، لذا احتیاط اعاده سعی است. (آراء المراجع، چاپ سوم، ص ۳۰۲).

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: در صورتی که به رجاء کشف حال ادامه داده باشد. (مجمع المسائل ۱/۴۸۸).

آیه الله فاضل: در فرض سؤال صحت سعی محل اشکال است و احتیاط واجب در اعاده است.

مستحبات سعی^{۱۱}

۸۸۷ م - مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی، به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد
اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ. «و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:»

پس از آن، به نزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از دري که محاذي حجرالأسود است به سوي صفا متوجه شود و با آرامي دل و بدن بالاي صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکني که حجرالأسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهي را به جا آورد و نعمت های الهي را به خاطر بیاورد، آنگاه این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُخَيِّبُ وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنَلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَقْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید

[۲]:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَتَصَرَّ عِبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ»

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«أَسْتَودِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وُدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوْفَّقْنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ»

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یک بار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد، هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَدْبَنْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَقُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَأَنَا مُخْتَاJُ إِلَى رَحْمَتِكَ. فَيَا مَنْ أَنَا مُخْتَاJُ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصَبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جَوْرَكَ». فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْقُذُ نَائِلُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

و در حدیث شریف وارد شده است: هرکس که بخواهد مال او زیاد شود، ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَصَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.»

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَقَوِّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَقَوِّ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَقَوِّ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَقَوِّ، الْعَقَوِّ الْعَقَوِّ الْعَقَوِّ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، «أَرْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ»

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حد را فیالجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زن ها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنْ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِقَهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي تَقَبَّلْ مِنِّي «عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ»

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.»

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و به جا آورد آنچه را که در صفا به جا آورد و بخواند دعاهاي آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَقْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَقْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَقْوِ، يَا مَنْ يَعْقُو عَلَى الْعَقْوِ يَا رَبَّ الْعَقْوِ، الْعَقْوُ الْعَقْوُ الْعَقْوُ.»

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ الثَّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.»

آیه [۱]

این مستحبات را به قصد رجاء به جا آورد و باید توجه داشت که بعضی از مستحبات مربوط به زمان های الهی مکارم: گذشته است و در عصر ما موضوع ندارد و یا عملاً ممکن نیست، آنچه را می توان، انجام دهد. و خداوند به نیت او پاداش می دهد.

آیه [۲]

این دعا و همچنین بعضی از دعا های آخر این قسمت در مناسک ایشان مذکور نیست. الله خویی:

فصل هفتم: تقصیر و بعض احکام آن

تقصیر کند یعنی قدری از ناخن ها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن [۱] و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی کند بلکه حرام است. [۳] و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است [۲] نکند

۸۸۹ م - این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک موجب باطل شدن عمره اش می شود مگر آنکه جبران کند. [۵]

۸۹۰ م - اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد عمره اش صحیح و احتیاط آن است که فدیة بدهد. [۶] فند

، و احتیاط [۸] تقصیر را ترک کند تا احرام بستن به حج، عمره او باطل می شود بنابر اقوی و ظاهراً حج او حج افراد شود [۷] و آن است که پس از تمام کردن حج افراد، عمره مفردة به جا آورد و در سال بعد حج را اعاده کند. [۹] واجب

۸۹۲ م - در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست و اگر بخواهد احتیاط کند طواف و نماز آن را رجاء^۱ به جا آورد. [۱۱]

۸۹۳ م - بعد از آنکه شخص محرم تقصیر کرده چه حرام شده بود بر او به واسطه احرام، حتی نزدیکی با زن. [۱۳] سر [۱۲]

آیه [۱]

لازم نیست بلافاصله پس از سعی، تقصیر کند. (مناسک حج، م ۳۱۸) الله خامنه ای:

آیه [۲]

و بنابر احتیاط مؤکد استحبابی، برای تقصیر، کوتاه کردن مو را انتخاب کند. الله زنجانی:

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی:

بنابر احتیاط واجب اکتفا به آن نکند و اگر خواست ناخن بگیرد پس از کوتاه کردن مو

باشد.

آیه الله گلبایگانی: این

قید را ندارند.

آیه الله مکارم: بلکه احتیاط واجب است.

آیه [۳]

این احتیاط ترک نشود. الله اردبیلی:

آیه [۴]

و اگر از روی علم و عمد باشد، باید یک گوسفند کفاره بدهد. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: و

چنانچه از روی عمد و علم بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۳۵۴)

آیه الله خامنه ای: و

چنانچه از روی عمد بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۳۱۵)

آیه الله فاضل: و

کندن مو هم کفایت نمی کند، اگرچه حرمتش محرز نباشد.

آیه [۵]

باطل می شود و اگر تا آخر وقت، جبران نکند عمره اش تبدیل به حج افراد می شود و باید مطابق حاشیه الله زنجانی: مسأله ۲۵۴ عمل نماید.

آیه الله سبحانی: حکم

آن در ذیل سؤال ۹۰۵ آمده، مگر آن که وقت برای تدارک تقصیر او باقی باشد که باید تدارک کند.

بلکه احتیاط واجب آن است که یک گوسفند فدیہ بدهد. آیه الله اردبیلی: [۶]

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی:
بنابر احتیاط یک گوسفند بدهد.

آیه الله زنجانی:
بنابر احتیاط مؤکد استحبابی، یک قربانی گوسفند یا گاو و یا شتر ذبح کند و تقصیر فراموش شده، قضا ندارد.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری:
بنابر احتیاط واجب یک گوسفند فدیہ بدهد.

آیه [۷].
یا از روی ندانستن مسأله. (مناسک حج، م ۳۱۹) الله خامنه ای:

آیه [۸].
و باید پس از انجام حج افراد و گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده به جا آورد هر چند عمره تمتع او استحبابی الله زنجانی:
باشد.

آیه [۹].
بلکه لازم است بعد از حج عمره مفرده به جا آورده شود. الله اردبیلی:

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: لازم
است بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله سیستانی: در
صورت تمکن، بعد از حج افراد باید عمره مفرده به جا آورد. به احتیاط واجب حج را در سال دیگر نیز اعاده
کند. (مناسک، مسأله ۳۵۴).

آیه ۱۰.

در صورتی که حج او حجة الاسلام باشد، الله اردبیلی:

آیه الله خامنه ای: و

اگر حج او حج واجب بوده باید در سال بعد از آن، عمره و حج به جا آورد. (مناسک حج، م ۳۱۹)

آیه الله سبحانی: و

باید بعد از اعمال حج، عمره مفرد به جا بیاورد و مستحب است به این حج اکتفا نکند و در صورت امکان در آینده حج تمتعی به جا آورد.

آیه الله مکارم:

به جا آوردن حج در سال بعد احتیاط مستحب است.

آیه ۱۱.

در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست بلکه انجام آن موافق احتیاط است و اگر بخواهند احتیاط کنند محل الله فاضل: انجام آن قبل از تقصیر است.

آیه الله سبحانی آیه الله مکارم: ضرورتی

ندارد طواف نساء را به قصد رجاء به جا آورد.

آیه الله

ظاهر عدم حرمت احرامی آن است و حرمت به جهت منافات با وجوب توفیر محل تأمل است (مناسک شیخ، بهجت: ص ۵۵).

آیه الله زنجانی:

بنابر احتیاط مؤکد استحبابی، سر نتراشد و از ماشین کردنی که مثل تراشیدن است پرهیز کند؛ ولی هیچ کدام کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: بین

عمره تمتع و حج نباید حلق کند و یا موی سر را با ماشین ته زن بزند، لیکن اگر چنین کرد فقط معصیت کرده و کفاره ندارد و به عمره و حج او ضرر نمی زند.

آیه الله سیستانی: سر تراشیدن

نیز حلال می شود. اگرچه احتیاط مستحب ترک آن است پس از گذشت سی روز از عید فطر و احتیاط مستحب این است که در صورت انجام آن از روی علم و عمد یک قربانی کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۳۵۶).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:
به احتیاط واجب تراشیدن سر جایز نیست.

آیه الله فاضل: تراشیدن
سر بین عمره تمتع و حج تمتع مانعی ندارد.

آیه الله مکارم: تراشیدن
سر محل اشکال است و احوط ترک آن است.

آیه الله.
به مسأله ۹۱۲ مراجعه شود. اردبیلی:

مسائل و استفتائات متفرقه تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع

[۸۹۴ م - در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان کوتاه کردن است به هر وسیله ای باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر و [۱] بغل و نحو آن مشکل است
[۴] یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است. [۳] در تقصیر، گرفتن ناخن [۲] احوط

[۸۹۵ س - آیا کسی که تقصیر او محکوم به بطلان است و بعد از آن محرمات احرام را به جا آورده و جاهل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟

ج -

[۶]؛ به تفصیلی که در کتب ذکر شده است. [۵] با جهل کفاره ندارد مگر در صید

[۸۹۶ س - کسی که بعد از سعی در عمره تمتع تقصیر کرد، بعد به شک افتاد که آیا تقصیری که کردم صحیح است یا نه، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج -

[۷] اگر در حال عمل عالم به مسأله و ملتفت بوده، اشکال ندارد.

[۸۹۷ س - یکی از خدمه کاروان ها به احرام عمره مفرده از میقات محرم می شود و به مکه می آید و طواف و نماز آن و سپس سعی بین صفا و مروه را به همان عنوان به جا می آورد، ولی برای تقصیر، گمان می کرد نتف؛ یعنی کندن مو کافی است و چند نخ مو را به عنوان تقصیر کند و به حساب خودش از احرام خارج شد، سپس برای عمره تمتع که وظیفه اش بود به میقات رفت و محرم شد و به مکه آمد و کلیه اعمال، لاز طواف تا تقصیر، را انجام داد، آیا اعمالش چگونه است و در آینده وظیفه اش چیست؟

ج - کندن

و عمره تمتع او صحیح نیست مگر آنکه قبل از احرام برای آن، از احرام عمره مفرده با [۸] مو در تقصیر کافی نیست تقصیر صحیح خارج شود.

[۸۹۸ س - اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد، آیا می تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران بازگشته است و آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟

ج - تقصیر

را اعاده کند و اگر خودش نمی تواند برود، نایب بگیرد. [۹] را در هر جا می تواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء

۸۹۹ س - هرگاه سني براي شيعه تقصير نمايد چه صورت دارد؟

ج - اشكال ندارد.

۹۰۰ س - شخصي در حج به عوض تقصير در عمره تمتع يك مو از بدن كنده است و الآن كه متوجه شده است، آيا حج او اشكال دارد يا نه؟ و در صورتي كه مرتكب خلاف شده باشد تكليف چيست؟

[۱۰]

- اگر حج را انجام داده، با [۱۲] احتياط آن است كه يك عمره مفرده به جا آورد و بعداً عمره و حج تمتع را انجام دهد. [۱۱]

۹۰۱ س - شخصي بعد از طواف و نماز طواف تقصير كرد و سپس سعي را به جا آورد و دوباره تقصير كرد، وظيفه اش چيست؟

ج -

[۱۳] اگر جاهل يا ساهي بوده چيزي بر او نيست.

۹۰۲ س - كساني كه اعمال حج را بر وقوفين مقدم مي دارند، اگر بعد از سعي تقصير نمودند، آيا موجب مُحل شدن و يا كفاره مي گردد؟

ج - مُحلّ

نمي شوند و اگر جاهل يا ساهي بوده اند كفاره ندارد.

۹۰۳ س - اگر كسي بهجاي تقصير حلق نمود، آيا كفایت مي كند؟

ج - در

[۱۴] عمره تمتع كفایت نمي كند.

۹۰۴ س - كسي كه بعد از انجام اعمال عمره، در منزل تقصير کرده است، وظيفه اش چيست؟

ج - مانع

ندارد.

۹۰۵ س - حضرت عالي در مسأله دوم تقصير مي فرماييد: اگر كسي تقصير را به رياء انجام دهد عمره اش باطل است، مقصود از بطلان عمره چيست؟ ديگر اينكه وظيفه او چه مي شود؟

ج - مقصود

این است که در تقصیر ریا کند و بدون تدارک تقصیر، برای حج محرم شود و حج انجام دهد، که در این صورت حکم کسی را دارد که بدون تقصیر وارد اعمال حج شده است و در هر صورت لازم است حج تمتع را سال بعد به جا آورد. [۱۵]

۹۰۶ س - اگر کسی در اثنای سعی تقصیر نمود، وظیفه او چیست؟

ج - باید

و [۱۷]، بلی اگر از روی نسیان یا جهل تقصیر کرده، اعاده تقصیر لازم نیست [۱۶] سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند. [۱۸] اگر از اول سعی قصد هفت شوط نداشته سعی اعاده دارد.

۹۰۷ س - اگر کسی از روی جهل، تقصیر را ترک نمود چه حکمی دارد؟

ج - در

[۱۹] این مسأله جهل حکم عمد را دارد.

۹۰۸ س - در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمد^۱ یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه ای دارد؟

ج - باید

[۲۱] و فرقی بین صور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الأحوط. [۲۰] تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید

۹۰۹. ولی برای عمره و حج تمتع اشکالی ایجاد نمی شود. [۲۳] و اگر به جا آوردند صحت عمره مفرده محل اشکال است [۲۲] [۲۴]

۹۱۰ م - خدمه کاروان های حج اگر عمره مفرده به جا آورده باشند هر دفعه که از مکه خارج می شوند و به جده می روند و برمی نایند از مکه خارج شوند مگر در [۲۶] ولی اگر عمره تمتع به جا آورده اند، بنابر احتیاط [۲۵] گردند لازم نیست محرم شوند. [۲۷] صورت حاجت در حالی که محرمند به احرام حج.

۹۱۱ س - خدمه کاروان ها که پس از انجام عمره تمتع باید به عرفات و منی بروند، برای دیدن چادرها و کارهای دیگر و برگردند به مکه، وظیفه آنان چیست؟

ج -

۱ در مورد ضرورت و در این صورت باید برای حج محرم شوند و بیرون بروند. [۳۰] نمی توانند از مکه خارج بشوند مگر [۲۹] [۳۱] بلی اگر احرام برای آنان حَرَجی باشد و رفتن به عرفات و منی بر آنان ضرورت دارد می توانند بدون احرام به آنجا بروند.

۹۱۲ س - آیا بین عمره تمتع و حج تمتع ماشین کردن سر جایز است؟

ج - ماشین

و از ^[۳۳] ماشین کردنی که مثل تراشیدن است باید اجتناب شود علی ^[۳۴]الأحوط.

[۹۱۳] س - بین عمره تمتع و حج تمتع که جایز نیست سر بتراشد، آیا سر تراشیدن كفاره دارد یا خیر؟

ج - كفاره

^[۳۵] ثابت نیست.

[۹۱۴] س - زنی که حیض بود و نمی دانست و اعمال عمره را کلاً به جا آورد، بفرمایید باید دوباره به جا آورد یا کافی است؟

ج -

اعاده کند، ولی اگر وقت ندارد، در اینکه وظیفه مبدل شده یا نه، اشکال ^[۳۶] اگر در وسعت وقت است باید طواف و نماز را ^[۳۷] است و احتیاط را مراعات نماید.

[۹۱۵] س - همچنان که تراشیدن سر بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج حرام است، آیا تراشیدن صورت نیز همین حکم را داراست؟

ج - غیر

از حکم تراشیدن ریش در غیر این مورد، حکم خاصی ندارد.

[۹۱۶] س - آیا غار حرا جزو محدوده مکه است؟ و بنابراین، آیا می توان قبل از وقوف و صدق خروج از مکه نمی کند؟ ^[۳۸]

ج - باید

^[۳۹] از اهل محل تحقیق شود.

[۹۱۷] س - کسی که از کارمندان سازمان حج است و به ناچار باید بعد از عمره تمتع و قبل از حج از مکه خارج و به عرفات برود، با توجه به اینکه حج او نیابتی است، آیا لطمه به حج او نمی زند؟

ج - ضرر

^[۴۰] باید محرم شود به احرام حج و از مکه خارج شود علی ^[۴۰]الأحوط. به حج و نیابت نمی زند، ولی در صورت امکان

[۹۱۸] س - بعضی از حجاج منزلشان از مکه خارج است، بعد از عمره تمتع و قبل از احرام به حج تمتع، خارج شدن آنان از مکه چه حکمی دارد؟

ج - خروج

، مگر در مورد ضرورت که در این صورت هم باید محرم شوند به ^[۴۱] از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست علی ^[۴۱]الأحوط

[۴۳] احرام حج و خارج شوند.

[۹۱۹] س - اخیراً خط کمربندی در اطراف مکه از پای جبلانور و جبل ثور می‌گذرد، که غار حرا و غار ثور در این دو جبل است، بین عمره و حج رفتن برای زیارت این دو مکان مقدس، چه صورت دارد؟

ج - حکم

[۴۶] و تشخیص موضوع با خود مکلف است. [۴۵] و در مسأله قبل نیز بیان شد [۴۴] کلی مسأله معلوم است

[۹۲۰] س - خروج از مکه برای کسی که عمره تمتع انجام داده، برای کار غیر ضروری جایز است یا نه و ملاک ضرورت چیست؟

ج -

[۴۹] جایز نیست [۴۸] و ضرورت عرفی است.

آیه [۱]

بلکه نباید برای تقصیر، موی زیر بغل و مانند آن را کوتاه کند و به طور کلی تقصیر از غیر مویسر و ریش والله زنجانی: شارب، کفایت نمی‌کند، بلکه حرام است و در صورت علم و عمد، کفاره دارد.

آیه [۲]

اقوی است. (آداب و احکام حج، ص ۲۷۵) الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

آیه الله فاضل: احتیاط

مستحب آن است که به گرفتن ناخن اکتفا نکند.

آیه [۳]

احتیاط واجب آن است که اگر می‌خواهد ناخن بگیرد، قبلاً مقداری از مو را بچیند. الله اردبیلی:

[۴] . به مسأله ۸۸۸ تقصیر مراجعه شود.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: در

تقصیر بنابر احتیاط واجب باید موی سر یا ریش یا سبیل خود را کوتاه کند و بنابر احتیاط واجب گرفتن ناخن به تنهایی کافی نیست بلکه احتیاط واجب این است که ناخن گرفتن بعد از کوتاه کردن مو باشد.

آیه الله مکارم: گرفتن ناخن به تنهایی کافی نیست بنابر احتیاط واجب.

آیه ۵ [۵]

در صید و مالیدن روغن. الله زنجانی:

. به مسأله ۱۳۲۰ مراجعه شود. [۶]

آیه الله بهجت: بطلان از جهت جهل به حکم نباشد کفارہ ندارد. (مستفاد از س ۸۵ مناسک).

آیات [۷]

در صورتی که احتمال التفات در حال عمل را بدهد، اعتنا نکند. عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی:

آیه الله خامنه ای: در صورتی که احتمال التفات در حال عمل را بدهد، اعتنا نکند.

آیه الله سیستانی:
به هر حال اشکال ندارد.

آیه ۸ [۸]

پس اگر می تواند از خارج حرم و گرنه از هر کجا که هست محرم می شود و اعمال عمره تمتع را به جا می الله زنجانی: آورد و اگر وقت جبران گذشته باید احتیاطاً حج تمتع را به جا آورد هر چند برای حج واجب نمی تواند به این عمل اکتفا کند.

آیه ۹ [۹]

بنابر احتیاط واجب، الله اردبیلی:

آیه الله بهجت: اکنون

که قبل از تقصیر متذکر شده است، تقصیر می کند و طواف نساء را بعد از آن اعاده می نماید، بنابر احوط و مقدم شدن طواف نساء بر تقصیر در عمره مفرده در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی است (مناسک شیخ، س ۱۱۸ و ۱۶۶).

آیه الله تبریزی: احتیاط

واجب در صورت امکان تقصیر در مکه است.

آیه الله سبحانی: و

احتیاطاً علاوه بر نائب نماز طواف نساء را خودش نیز در هر کجا هست بخواند.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیه ۱۰ [۱۰]

عمره تمتعش تبدیل به حج افراد شده و اگر بعد از گذشتن وقت حج، متوجه شده باید مطابق حاشیه مسأله الله زنجانی: ۶۷۸ اعمال عمره مفرده به جا آورد.

آیه ۱۱ [۱۱]

حجش مبدل به افراد می شود و لازم است بعد از حج عمره مفرده به جا آورد و احتیاط این است که سال الله اردبیلی: دیگر حج را اعاده نماید.

آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: حجش

مبدل به افراد می شود و لازم است بعد از حج عمره مفرده به جا آورد و احتیاط این و آیه الله صافی و آیه الله گلپایگانی است که سال دیگر حج را اعاده نماید. (مناسک، مسأله ۳۵۸ و معتمد العروه، ج ۵، ص ۱۱۵). اضافه می فرمایند که: احتیاط لازم آن است که سال بعد حج تمتع به جا آورد. (آداب حج، م ۷۰۳)

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: ظاهراً

حج او منقلب به افراد می شود و پس از آن باید در صورت تمکن عمره مفرده به جا آورد و احتیاط مستحب آن است که حج را در سال دیگر اعاده کند. (ملحق مناسک، سؤال ۲۹۲).

آیه الله مکارم: احتیاط
آن است که در حج واجب یا غیر آن عمره مفرده را انجام دهد.

آیه الله
اعاده عمره و حج لازم نیست. بهجت:

آیه الله خامنه ای:
اگر به علت ندانستن مسأله، به جای تقصیر، موی خود را بکند و سپس حج به جا آورد، عمره اش باطل است و حجه که به جا آورده، حج افراد خواهد بود. در این صورت اگر حج واجب بر عهده اش بوده، بنابر احتیاط واجب باید بعد از انجام مناسک حج، عمره مفرده به جا آورد، و در سال بعد، عمره تمتع و حج را اعاده کند. (مناسک حج، م ۳۱۷)

آیه الله مکارم: اعاده
عمره و حج تمتع لازم نیست.

آیه الله
اگر در عمره تمتع سعی را فراموش کند و پس از نماز طواف تقصیر کند، بنابر احتیاط یک گاو کفاره بدهد و سیستانی:
در غیر این صورت چیزی بر او نیست.

آیه الله
و اگر از روی علم و عمد باشد یک گوسفند کفاره دارد. اردبیلی:

آیه الله خامنه ای: کفایت
نمی کند و اگر این کار را از روی علم و عمد کرده باشد، عمل حرام انجام داده و باید یک گوسفند قربانی کند. (مناسک حج، م ۳۱۵)

آیه الله خویی: در
صورت علم و عمد یک گوسفند کفاره دارد بلکه بنابر احتیاط در غیر صورت علم و عمد نیز کفاره دارد.

آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی: و
در صورت علم و عمد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و یک گوسفند کفاره دارد و بنابر احتیاط اگر چه جاهل یا ناسی بوده باشد.

آیه الله مکارم: این کار اگر عمداً باشد و در ماه ذی القعدة به بعد باشد، بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره دارد و در غیر عمد کفاره نیست.

آیه الله.
به مسأله ۸۹۱ مراجعه شود. اردبیلی:

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: حکم آن در مسأله ۸۹۱ گذشت.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم:
اگر از روی عمد و یا جهل به مسأله بوده، حج او مبدل به افراد شده و احتیاطاً بعد از حج عمره مفرده به جا می آورد و حج او صحیح است.

آیه ۱۶.
خواه از روی علم و عمد باشد یا جهل یا فراموشی، هر چند در صورت علم و عمد، یک گوسفند کفاره هم دارد. الله زنجانی:

آیه الله.
اگر در عمره تمتع و از روی نسیان بوده اعاده تقصیر لازم نیست ولی احتیاطاً باید یک گاو کفاره بدهد و گرنه اردبیلی: کفاره لازم نیست ولی احتیاطاً پس از سعی تقصیر را نیز اعاده نماید.

آیه الله بهجت: احتیاطاً تقصیر را اعاده کند. (و در مورد کفاره به آنچه در ذیل مسأله ۸۹۵ ذکر شد مراجعه شود).

آیه الله خویی: تقصیر را اعاده کند و اگر به اعتقاد فراغ از سعی بوده، در عمره تمتع باید یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله سبحانی: باید

بعد از اتمام سعی تقصیر را نیز اعاده کند و برای تقصیر بی جا مطلقاً یک گاو به عنوان کفاره ذبح کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاطاً
تقصیر را اعاده کند.

آیه الله

در صورت نسیان و جهل نیز، باید تقصیر را اعاده کند. تبریزی:

آیه الله سبحانی: اعاده

سعی و تقصیر و ذبح گاو به عنوان کفاره متعین است.

آیه الله سیستانی: اعاده

تقصیر در هر صورت لازم است و اگر تقصیر از روی فراموشی بقیه اشواط سعی باشد باید به احتیاط واجب
تقصیر را اعاده کند و یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله فاضل:

اگر عمداً تقصیر نموده، باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده نماید، ولی از روی جهل و نسیان، احوط اعاده
تقصیر است.

آیه الله مکارم: احتیاط

اعاده تقصیر است و در هر حال کفاره ندارد.

آیه ۱۹

و عمره اش تبدیل به حج افراد می باشد و باید مطابق حاشیه مسأله ۶۷۸ حج افراد و عمره مفرده به جا آورد. الله زنجانی:

آیه الله

بنابر احتیاط واجب. اردبیلی، آیه الله مکارم:

آیه الله سبحانی: و احتیاطاً علاوه بر نائب نماز طواف نساء را خودش نیز در هر کجا هست بخواند.

. به سؤال ۸۹۸ مراجعه شود. [۲۱]

آیه الله.
محتمل است اشکال نداشته باشد. بهجت:

آیه الله خامنه ای:
بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۹۴)

آیه الله سبحانی: ولی بعید نیست که عمره قبل باطل شود و این عمره مفرده به عمره تمتع مبدل گردد.

ولی عمره تمتع را باطل می کند. آیه الله زنجانی: [۲۳]

آیه الله.
عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع مشروع نیست مگر اینکه از حرم خارج شود و در ماه دیگر غیر از ماهی تبریزی: که محرم برای عمره تمتع شده با احرام عمره مفرده داخل می شود که در این صورت عمره مفرده او صحیح است و عمره تمتع او تبدیل به عمره مفرده می شود.

آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی: فقط فرموده اند که به جا آوردن عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع جایز نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: این در صورتی است که عمره مفرده را در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده به جا آورده شود، اما اگر در ماه دیگر انجام داده، عمره تمتع او باطل شده و اگر تا هشتم ذی حجه در مکه بماند این عمره مفرده عمره تمتع محسوب می شود و حج تمتع او با همین عمره صحیح خواهد بود.

آیه الله سیستانی:

اگر بین عمره تمتع و حج، عمره مفرده به جا آورد، ظاهر این است که موجب بطلان عمره تمتع خواهد شد و لازم است که آن را اعاده نماید. ولی اگر تا روز هشتم ذی حجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره مفرده اش تمتع به حساب می آید و می تواند برای حج محرم شود. (مناسک، مسأله ۱۳۷).

آیات عظام

مگر اینکه ماه هلالی دیگر وارد مکه شوند که باید دومرتبه محرم بشوند. اردبیلی، خویی، سیستانی، فاضل:

آیه الله خامنه ای:

اگر بعد از انجام عمره تمتع از شهر مکه بدون احرام خارج شود، پس اگر در همان ماهی که عمره انجام داده به مکه برگردد، نیاز به تجدید احرام برای ورود به شهر مکه ندارد، ولی اگر در ماه بعد از ماه انجام عمره به مکه برگردد، مثل اینکه عمره را در ذی القعدة انجام دهد و خارج شود، و در ماه ذی الحجه به مکه برگردد، واجب است با احرام جدید برای عمره جهت دخول مکه محرم شود، و عمره تمتع وی که متصل به حج می شود همین عمره تمتع دوم خواهد بود. (مناسک حج، م ۹۳)

آیه الله زنجانی:

مگر آنکه سی روز از احرام عمره مفرده گذشته باشد. و اگر عمره تمتع به جا آورده اند جایز نیست از مکه و حوالی نزدیک آن خارج شوند مگر در صورت نیاز؛ در این صورت هم باید با احرام حج بیرون بروند و چنانچه بدون نیاز و عذر خارج شوند عمره تمتعشان باطل می شود.

آیه الله سبحانی:

مگر آنکه یک ماه از احرام قبلی آنان گذشته باشد و در این حکم فرقی بین جدّه و مدینه و خدمه و غیر آن نمی باشد.

آیه الله سیستانی:

اگر عمره مفرده را به نیابت از دیگران به جا آورده اند، بنابر احتیاط واجب برای دخول در مکه یا حرم دو مرتبه محرم شوند.

آیه الله

بنابر اقوی. اردبیلی:

آیه الله بهجت: در

صورتی که اعمال حج تفویض نشود، خروج از مکه مانعی ندارد، می توانند مانند خطاب و حشاش بدون احرام بروند و برگردند. (مناسک، س ۱۷۶).

آیه الله

خروج از مکه مکرمه بعد از عمره تمتع و قبل از اعمال حج براي کسی که مطمئن است که می تواند براي خاмене اي: انجام حج تمتع به مکه برگردد جایز است. هر چند احتیاط مستحب آن است که از مکه مکرمه خارج نشود مگر براي نیاز و کار ضروري. کما اینکه در این صورت بنابر احتیاط باید ابتدا در مکه براي حج محرم شود و بعد خارج شود. و اگر محرم شدن براي او مشقت داشته باشد، جایز است براي انجام کار خود بدون احرام خارج شود. و افرادی که قصد عمل به این احتیاط را دارند و ناچار هستند یک یا چند مرتبه به مکه وارد و از آن خارج شوند مانند خدمه کاروان ها، می توانند براي ورود به مکه مکرمه، اول عمره مفرده انجام دهند و عمره تمتع را به تأخیر بیندازند تا زمانی که بتوانند در آن وقت عمره تمتع را قبل از اعمال حج به جا آورند، در این صورت باید از میقات براي عمره تمتع محرم شوند و هنگامی که از عمره تمتع فارغ شدند از مکه براي حج محرم شوند. (مناسک حج، م ۹۱)

آیه الله سبحانی:

اگر بخواهند پس از عمره تمتع به عرفات و یا بیرون از توابع مکه بروند باید محرم به احرام حج بشوند مگر اینکه احرام موجب حرج و مشقت باشد که می توانند بدون احرام خارج شوند ولی در هر حال اگر بدانند براي احرام حج از مکه قبل از عرفات با مشکل روبرو می شوند در این صورت باید با احرام حج از مکه بیرون بروند.

آیه الله سیستانی:

اگر مکلف اعمال عمره تمتع را به جا آورد، بنابر احتیاط واجب نباید از مکه بیرون برود مگر براي حج، مگر آنکه بیرون رفتنش جهت انجام کاری باشد، اگر چه آن کار غیر ضروري باشد و ترس از اینکه اعمال حجش فوت گردد نداشته باشد، که در این صورت اگر بداند که می تواند به مکه برگردد و از آنجا احرام حج ببندد، اظهار جواز بیرون رفتنش از مکه بدون احرام است. (مناسک، مسأله ۱۵۱).

آیه الله فاضل:

اگر یقین یا اطمینان دارد که خروج از مکه لطمه به حج او وارد نمی کند، مانعی ندارد که حتی بدون احرام هم از مکه خارج بشود و براي احرام از مکه و مناسک به مکه برگردد لکن احتیاط استحبابی بر خلاف آن است. بلکه اگر از مکه خارج شد و در ماه بعد به مکه بازگشت باید مجدداً عمره تمتع انجام دهد والا حج تمتع او صحیح نیست.

آیه الله مکارم: حرام

است خارج شوند مگر اینکه مطمئن باشند که به موقع برمی گردند و حج خود را انجام می دهند و همچنین در صورت حاجت.

آیه الله

گذشت حکم آن در مسأله قبل و مسأله ۲۲۹. بهجت:

آیات عظام زنجانی، سبحانی، فاضل:

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله نوری:

اگر اطمینان داشته باشد که می تواند به مکه برگردد و براي اعمال حج محرم شود، می تواند از مکه خارج شود...

آیه الله

بنابر اقوي. اردبيلي:

آیه الله تبريزي، آیه الله خويي: بلکه

جایز نیست مگر در مورد حاجت. (مناسکعربي، مسأله ۱۵۱).

آیه الله

مگر با احرام براي حج، پس در مورد ضرورت بنابر احتياط مستحب براي حج محرم شود...نوري:

آیه الله

به حاشيه مسأله قبل مراجعه شود. خامنه اي:

آیه الله سيستاني، آیه الله مكارم: مانند

مسأله قبل است.

آیه الله

اگر عمره تمتع در ماه شوال انجام داده شود، تراشیدن سر تا ۳۰ روز پس از عيد فطر جایز است، اما بعد از آن اردبيلي:
بنابر احتياط نبايد به مقداري از موي سر تراشیده شود که عرفاً بگویند حلق کرده است و در صورت تراشیدن، اگر از روي علم و عمد باشد، بنابر احتياط یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله فاضل: سرتراشیدن

نیز مانعي ندارد.

آیه الله سبحانی: نباید

حلق کند و یا موی سر را با ماشین ته زن بزند لیکن اگر چنین کرد فقط معصیت کرده و کفاره ندارد و به عمره یا حج او ضرر نمی زند.

به ذیل مسأله ۸۹۳ مراجعه شود. آیات عظام بهجت، زنجانی، سبحانی: [۳۳]

آیه الله.

بنابر اظهار سرتراشیدن حلال است، اگر چه احوط ترک آن است، پس از گذشت سی روز از عید فطر. (مناسک، سیستانی: مسأله ۳۵۶).

آیه الله.

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود. اردبیلی:

آیه الله بهجت:

به مسأله ۸۹۳ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

اگر عمره تمتع در ماه شوال انجام داده شود، تراشیدن سر تا ۳۰ روز بعد از عید فطر جایز است و اما بعد از آن، بنابر احتیاط نباید تراشیده شود و در صورت تراشیدن اگر از روی علم و عمد باشد بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله سبحانی:

اگر که جای تقصیر حلق کرده باشد و یا با ماشین ته زن سر خود را تراشیده باشد کفاره اش یک گوسفند [است لکن اگر بعد از تقصیر و بین عمره تمتع و احرام حج این کار را کرده باشد فقط معصیت کرده است.

آیه الله سیستانی: احتیاط [

مستحب ترک آن است پس از گذشت سی روز از عید فطر و احتیاط مستحب آن است که در صورت انجام آن از روی علم و عمد، یک قربانی کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۳۵۶).

آیه الله صافی: باید

یک گوسفند کفاره بدهد بنابر احتیاط، هر چند جاهل یا ناسی باشد. (مناسک، مسأله ۱۳۲).

آیه الله گلپایگانی: باید

یک گوسفند کفاره بدهد بنابر احتیاط، هر چند جاهل یا ناسی باشد. (مناسک فارسی، ص ۹۷ مسأله ۱۳۳) ولی در مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۵ مسأله ۴۳ می فرماید: در صورت علم به مسأله یک گوسفند کفاره دارد و در صورت جهل و

نسیان کفاره ندارد.

آیه الله مکارم: کفاره
آن یک گوسفند است بنابر احتیاط.

آیه الله
و بنابر احتیاط سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید. اردبیلی:

آیه الله سبحانی: باید
همه اعمال عمره را اعاده نماید و اگر تا قبل از وقوف اختیاری عرفه پاک نشد وظیفه اش به افراد مبدل
شده است.

آیه الله سیستانی: و
سپس سعی و تقصیر را اعاده نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و
سعی و تقصیر را اعاده نماید و اگر پس از پاکی، وقت برای انجام اعمال عمره ندارد حج او
مبدل به افراد می شود.

آیه الله فاضل: و
احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

آیه الله
اگر حیض قبل از شروع در طواف عارض شده باشد، باید عدول به حج افراد نماید و پس از حج، عمره مفرده به اردبیلی:
جا آورد و اگر پس از شروع در طواف و قبل از اتمام شوط چهارم بوده، باید برای حج تمتع محرم شود و پس از اعمال منی و
قبل از به جا آوردن طواف حج، طواف عمره و نماز آن را به جا آورد و اگر پس از اتمام شوط چهارم طواف بوده، باید پس از
بازگشت از منی و پیش از به جا آوردن طواف حج، از همان جا که حیض عارض شده بوده، طواف عمره را تکمیل نماید و نماز
طواف را بخواند.

آیه الله بهجت: لازم
است طواف و نماز اعاده شود و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز به جا آورد
و چون تقصیر از جهت جهالت به موضوع طهارت بوده کفاره ندارد: (پرسش های جدید حج،
□ س ۷).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: پس از

تمام شدن ایام حیض و غسل، اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتع اعاده نماید و اگر وقت ندارد حتی برای سعی و تقصیر حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج به جا می آورد، و چنانچه متمکن است سعی و تقصیر کند، ولو آنکه مسمای وقوف اختیاری عرفات را درک کند، اگر حیض او بعد از احرام بود مخیر است بین اینکه سعی و تقصیر کرده سپس برای حج محرم شود و بعد از رجوع از منی، طواف عمره تمتع و نماز آن را قبل از طواف حج قضا کند و بین اینکه حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بهجا آورد و اگر حیض او قبل از احرام بستن یا هنگام احرام بستن بوده باید حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بهجا آورد.

آیه الله خامنه ای:

اگر در موقع احرام پاک نبوده وظیفه تبدیل شده و اما اگر پاک بوده تنها لازم است بعد از مراجعه از منی به مکه طواف عمره تمتع و نماز آن را - قبل از طواف و نماز و سعی حج و یا بعد از آن - قضا کند. (مناسک حج، م ۷۷)

آیه الله زنجانی:

به حاشیه مسأله ۱۷۴ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی:

اگر وقت موسع نباشد، پس اگر در حال احرام حیض بوده است، حشش مبدل به افراد می شود و پس از فراغ از حج، اگر می تواند باید عمره مفرده انجام دهد و اگر حیض او بعد از احرام بوده در فرض سؤال باید پس از فارغ شدن از اعمال منی و بازگشتن به مکه، قبل از اینکه طواف حج را انجام دهد طواف عمره و نماز آن را قضا کند. (مناسک، مسأله ۲۹۰).

آیه الله فاضل: پس

از تمام شدن ایام حیض و غسل، اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتع اعاده کند، و اگر وقت ندارد حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج به جا آورد.

آیه الله مکارم: اشکالی

نیست، حج او مبدل به حج افراد می شود و عمره مفرده بعد از حج به جا آورد.

آیه الله:

به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود. خامنه ای:

آیه الله:

رفتن به غار حرا اشکال ندارد. اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، زنجانی، مکارم: رفتن

به غار حرا و امثال آن از مناطق نزدیک ضرری ندارد، خواه جزو مکه باشد یا نه.

آیه الله خویی: خارج

شدن به اطراف و توابع مکه مانع ندارد. (مناسک عربی، مسأله ۱۵۳).

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل:

با توجه به توسعه شهر مکه، رفتن به اطراف آن تا جایی که صدق کند از مکه است مانعی ندارد.

آیه الله سیستانی:

به احتیاط واجب نباید خارج شود این احتیاط شامل غار حرا نیز می شود.

آیه الله.

ولی اگر برایش مشقت شدید نداشته باشد باید با احرام حج، خارج گردد و در هر صورت این شخص از ذوی زنجانی: الاعذار است و تنها در صورتی نیابتش برای حج واجب، صحیح است که در هنگام احرام، اطمینان داشته چنین مشکلی برایش پیش نخواهد آمد.

آیه الله سبحانی: در

احکام خروج بین عمره و حج فرقی بین نائب و اصیل نیست که در مسائل قبل احکام آن گذشت.

بنابر اقوی. آیه الله اردبیلی: [۴۱]

آیه الله بهجت:

به مسأله ۲۲۹ و ۹۱۰ مراجعه شود. و همچنین در سه مسأله بعد.

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود.

آیات عظام سبحانی، سیستانی، فاضل:

به حاشیه سؤال ۹۱۰ مراجعه شود.

آیه الله مکارم:

اگر احرام برای آنها موجب عسر و حرج است لازم نیست.

آیه الله نوری:

اگر مطمئن است که به اعمال حج در موقع خود می رسد می تواند بدون احرام از مکه خارج شود و برگردد.

آیه الله

بنابر اقوي. اردبيلي:

آیه الله

بيرون رفتن از مکه بعد از عمره يا در اثنای آنکه حرام شده، بيرون رفتن به جاي ديگر است وتبريزي، آیه الله زنجانى: اما رفتن به اطراف و نواحى تابع مکه مانعى ندارد، پس كسى كه منزلش بيرون مکه است مي تواند در اثناء يا بعد از فراغت از اعمال عمره، به منزل خود برگردد. (مناسك، مسأله ۱۵۳).

آیه الله خامنه اي: حكم

آن در ذيل مسأله ۹۱۰ گذشت.

آیه الله سبحاني، آیه الله سيستاني: منظور

از مکه همه شهر توسعه يافته است پس رفتن به مناطق جديد اشكال ندارد.

آیه الله صافي، آیه الله گلپايگاني: و

اگر محرم بودن براي چنين شخصي حرجي باشد، بدون احرام نيز مي تواند خارج شود.

آیه الله مكارم: اين

مقدار ضرر ندارد و احرام لازم نيست.

آیه الله

اشكال ندارد. اردبيلي:

آیه الله سبحاني:

به جبلالثور نبايد بروند چون بيرون شهر مکه قرار دارد ولي رفتن به جبلالنور اشكال ندارد.

آیه الله سيستاني:

به حاشيه مسأله ۹۱۶ مراجعه شود.

آیه الله مكارم: هيچ

كدام ضرري ندارد.

آیه الله

به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود. خامنه ای:

آیه الله

به حاشیه مسأله ۹۱۶ مراجعه شود. فاضل:

آیه الله

بنابر اقوی. اردبیلی:

آیه الله

بلکه بدون تردید جایز نیست. (مناسک عربی، مسأله ۱۵۱). خویی:

آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی، فاضل:

به حاشیه ۹۱۰ مراجعه شود.

آیه الله

به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود. خامنه ای:

آیه الله مکارم:

اگر مطمئن باشد به آسانی می تواند برگردد عیب ندارد.

آیه الله نوری:

اگر اطمینان دارد که می تواند برگردد و به اعمال حج در موقع خود برسد جایز است.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

تبدیل حج تمتع به افراد

۹۲۱ م - اگر شخصی که احرام عمره بسته است، به واسطه عذری، دیر وقت وارد مکه شد؛ به طوری که اگر می خواست عمره به جا بیاورد وقت وقوف به عرفات می گذشت یا خوف داشت که بگذرد، باید عدول کند به حج افراد و پس از به جا آوردن آن [۲] عمره مفرده به جا آورد و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است. [۱]

۹۲۲ م - اگر زنی احرام بست و وقتی به مکه وارد شد، به واسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف به جا آورد و اگر می خواست بماند تا پاک شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد، به دستوری که در مسأله قبل گفته شد باید عمل کند. [۳]

۹۲۳ م - اگر بدون احرام وارد مکه شد و نبستن احرام به واسطه عذری بوده و وقت هم تنگ باشد [۴]، باید در مکه احرام حج [۵] افراد ببندد و به دستور سابق عمل کند.

۹۲۴ م - اگر از روی عمد و بی جهت احرام نبسته و عمره خود را باطل کرده و وقت تنگ شده از عمره تمتع [۶]، احتیاط واجب آن [۷] است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره مفرده و در سال دیگر حج را اعاده کند.

۹۲۵ م - مراد از تنگی وقت [۸] تا غروب [۹] عرفه است که از ظهر نهم ماه ذی حجه است [۹] نرسیدن به وقوف اختیاری [۸]

۹۲۶ م - کسی که حج مستحب به جا می آورد و پس از ورود به مکه دید وقت تنگ است، عدول به افراد کند و حج افراد به جا و عمره مفرده بر او واجب نیست. [۱۲] آورد

۹۲۷ م - کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع از حج واجب و عمد^۱ تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد [۱۳]، باید به دستوری که [۱۴] در مسأله ۹۲۴ ذکر شد عمل نماید.

۹۲۸ م - کسی که وظیفه اش حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که اگر بخواهد عمره تمتع به جا آورد، به وقوف از اول مُحَرَّم شود به حج افراد و آن را به جا آورد و پس از آن، عمره مفرده به جا آورد و [۱۵] عرفات نمی رسد، می تواند [۱۶] عملش صحیح است.

آیه [۱]

و گذشتن روز سیزدهم، عمره مفرده به جا آورد و مجزی از حجة الاسلام است. الله زنجانی:

آیه الله سبحانی: و
لو به اندازه مسمای وقوف اختیاری عرفه.

آیه الله خامنه ای: کسی که
وظیفه اش حج تمتع است و می داند که به علت تنگی وقت نمی تواند عمره را تمام کند و حج را درک
نماید، واجب است از حج تمتع به حج افراد عدول کند و سپس بعد از تمام کردن اعمال حج، عمره مفرده به جا آورد. (مناسک
حج، م ۷۶)

. به مسأله ۲۲۱ مراجعه شود. [۳]

آیه الله اردبیلی:
به حاشیه مسأله ۹۱۴ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: چنانچه
حیض قبل از بستن احرام یا هنگام احرام بستن بود، به دستوری که در مسأله قبل گفته شد باید عمل
کند و اگر بعد از احرام بود مخیر است بین اینکه به دستور مسأله قبل عمل کند و بین اینکه سعی و تقصیر کند و برای حج احرام
ببندد و پس از برگشتن از منی، قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

آیه الله خامنه ای: اگر [در موقع احرام پاک بوده هم می تواند به دستور مسأله قبل عمل نماید و هم می تواند سعی و تقصیر
عمره تمتع را انجام داده و از احرام خارج شود و بعداً محرم به احرام حج تمتع شده و بعد از انجام اعمال منی، قضای طواف
عمره تمتع و نماز آن را قبل از طواف و نماز و سعی حج و یا بعد از آنها به جا آورد. (مناسک حج، م ۷۷)

آیه الله زنجانی: باید
به دستوری که در حاشیه مسأله ۱۷۴ گفته شد عمل کند.

آیه الله سیستانی: در
فرض مسأله اگر در حال احرام حیض بوده است، حبّش بدل به افراد می شود و در صورت تمکن باید بعد
از حج عمره مفرده انجام دهد و اگر بعد از احرام حیض شده است احتیاط مستحب این است که عدول کند ولی می تواند به
احرام خود باقی باشد و سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از اعمال منی، قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

آیه [۴]

باید از خارج حرم و اگر نمی تواند هرکجا که هست احرام حج افراد ببندد و پس از حج و گذشتن روز سیزدهم الله زنجانی: عمره مفرده به جا آورد و مجزی از حجة الاسلام است.

آیه [۵]

اگر ممکن نباشد غیر مکه والا احتیاط در رعایت احتمالات در محل احرام او است (مناسک شیخ، ص ۵۶). الله بهجت:

آیه الله سبحانی: و

یا با احرام اشتباه و باطل وارد مکه شود و وقت تنگ باشد باید به ادنی الحل برود و برای حج افراد محرم گردد و اگر این کار را نیز نتوانست انجام دهد از همان مکه به عنوان حج افراد محرم شده و برای وقوف به عرفات برود و حج او به عنوان حجة الاسلام محسوب می گردد؛ ولی اگر بدون عذر یا عمد این کار را کرد باید به احتیاط واجب حج افراد به جا آورد و آن از حجة الاسلام او کفایت نمی کند و باید حج خود را در سال های بعد بیاورد.

آیه الله سیستانی: کسی

که وظیفه اش حج تمتع است، اگر قبل از احرام عمره بفهمد که وقت او برای اتمام عمره قبل از زوال روز عرفه تنگ است، نمی تواند عدول به حج افراد یا قران نماید، بلکه اگر حج در ذمه اش مستقر بوده، باید حج تمتع خود را در سال های آینده انجام دهد.

آیه [۶]

می تواند حج افراد و عمره مفرده به جا آورد ولی کفایت از حجة الاسلام نمی کند. الله زنجانی:

□. رجوع شود به مسأله ۲۵۴. [۷]

آیه الله خامنه ای: هرگاه [

کسی از روی علم و عمد احرام بستن از میقات را ترک کند و به جهت تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند به میقات برگردد و میقات دیگری نیز در پیش رو نداشته باشد و در نتیجه وقت برای انجام عمره تنگ شود، عمره او فوت شده و حش باطل می شود. و در صورتی که حج بر او مستقر شده یا مستطیع باشد، باید سال دیگر حج به جا آورد. (مناسک حج، م ۸۸)

آیه الله سبحانی: این

حج کفایت نمی کند و بعید نیست که چنین شخصی حکم کسی را دارد که حج بر او مستقر شده بنا بر این

اگر از استطاعت هم خارج شده باشد باید در اولین فرصت حج تمتع به جا آورد و اگر از دنیا رفت از ترکه او برایش حج انجام دهند.

آیه الله سیستانی: حکم آن مانند مسأله قبل است و در این صورت حج بر او مستقر است و باید در آینده انجام دهد.

آیه [۸]

درک نکردن جزء رکنی از وقوف اختیاری عرفه می باشد. الله فاضل:

آیات [۹]

میزان در تنگی وقت آن است که نتواند وقوف اختیاری عرفات را، ولو به اندازه مسمای عظام تبریزی، خویی، سبحانی: آن درک کند.

آیه [۱۰]

حد تنگی وقت آن است که نتواند قبل از زوال روز عرفه اعمال عمره را به اتمام رساند. الله سیستانی:

آیه [۱۱]

میزان تنگی وقت، آن است که نتواند قبل از غروب روز نهم، در عرفات، وقوف کند. الله زنجانی:

آیه الله

و باید پس از حج افراد و گذشتن روز سیزدهم، عمره مفرد به جا آورد. زنجانی:

آیه الله.

باید به وظیفه ای که در حاشیه مسأله ۵۳۳ آمده عمل نماید. زنجانی:

آیه الله.

ولکن در این فرض احتیاطاً باید برای حج افراد تجدید نیت نماید. اردبیلی:

آیه الله بهجت: کسی

که محرم شد به احرام عمره تمتع ولی عمداً به جا آوردن اعمال آن را به تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد، هرچند در ابطال عمره معصیت کرده ولی واجب است نیت حج افراد کند و بعداً عمره مفرده را به جا آورد و در سال آینده حج تمتع به جا آورد بنابر احوط چنان که گذشت (در مسأله ۲۵۴) (مناسک، مسأله ۱۵۷).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه [

در سعه وقت برای عمره تمتع احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زمانی که نتواند آنها را به جا آورد و حج را درک نماید به تأخیر انداخت، عمره وی باطل است و نمی تواند بنابر اظهار به حج افراد عدول نماید. لکن احوط این است که عدول به افراد نموده و عمره را به قصد اعم از حج افراد یا عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله سیستانی: هرگاه

در سعه وقت برای عمره تمتع احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زوال آفتاب روز عرفه به تأخیر انداخت، عمره وی باطل است، نمی تواند به حج افراد عدول نماید، اگرچه احتیاط مستحب این است که اعمال حج افراد را به قصد رجاء انجام دهد، بلکه احوط این است که طواف و نماز آن و سعی و حلق یا تقصیر در عمره اش را به قصد اعم از حج افراد و عمره مفرده به جا آورد. (مناسک، مسأله ۱۵۷).

آیه الله.

در جایی که عمره تمتع به واسطه حیض یا تنگی وقت امکان نداشته باشد، باید از اول، حج افراد را نیت کند. بهجت: (مناسک، س ۴۰).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

اگر وظیفه اش حج تمتع باشد، «عدول» مجزی از حجة الاسلام نیست و سال آینده باید حجة الاسلام را به جا آورد.

آیه الله خامنه ای: زن

حائض اگر اطمینان دارد تا وقت احرام برای حج و درک وقوف عرفات پاک نمی شود، یا اگر پاک شود وقت کافی برای انجام عمره تا درک وقوف عرفات را نخواهد داشت، در این صورت باید در همان میقات به حج افراد محرم شود و پس

از انجام اعمال حج، عمره مفرده به جا آورد، و عمل وی مجزی از حج تمتع خواهد بود. (مناسک حج، م ۷۷)

آیه الله سیستانی:

به حاشیه مسأله ۹۲۳ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: جواز

احرام بستن او به احرام حج افراد، از همان ابتدای کار مشکل است، بلکه عدم جواز بعید نیست.

آیه الله گلپایگانی: باید

حج افراد به جا آورد و بعد عمره مفرده و بنابر احتیاط واجب در سال بعد حج تمتع به جا آورد. (آراء

المراجع ص ۳۱۴).

آیه ۱۶]

و همچنین اگر زن در میقات علم دارد که نمی تواند اعمال تمتع را طاهر^۱ انجام دهد و به الله سبحانه، آیه الله نوری: وقوف نمی رسد باید از اوّل محرم شود به حج افراد.

آیه الله زنجانی: و

در صورتی که در این تأخیر، معذور بوده کفایت از حجة الاسلام می کند.

استفتائات تبدل

[۹۲۹] س - کسی قصد بیرون رفتن از مکه را داشت، به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره مفرده مُحرم و وارد مکه شد و عمره مفرده را به جا آورد، بعداً از خارج شدن از مکه منصرف شد، آیا این عمره، از عمره تمتع کفایت می کند، یا باید برگردد به میقات و برای عمره تمتع مُحرم شود؟

ج -

ولی چنانچه حج واجب یا نیابی باشد، [۲] می تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند [۱] اگر حج او استحبابی است. جواز تبدیل محل اشکال است.

[۹۳۰] س - اگر بعد از نیت عمره و احرام، مجدداً برای عمره دیگر مُحرم شود، مثلاً به نیت عمره مفرده مُحرم شده بعداً نیت عمره تمتع کند و تلبیه بگوید، آیا کدام عمره صحیح است؟

ج -

و [۳] اگر نیت کرده و تلبیه گفته، مُحرم شده است و تجدید احرام موضوع ندارد و نمی تواند برای نوع دیگر عمره نیت کند احرام دوم باطل است.

[۹۳۱] س - زنی که عادت ماهانه وقتیه و عددیه داشت و مثلاً روز هفتم ماه پاک می شد، همان روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال عمره اش را به جا آورد، روز بعد لک دید، باز غسل کرد و اعمال را انجام داد تا روز دهم و برای عرفات حرکت کرد، روز یازدهم هم لک دید، آیا حشش افراد است یا تمتع؟

[۴]

[۵]

- در فرض مزبور وظیفه او تمتع است.

[۹۳۲] س - زنی روز هشتم خون دید، خیال کرد حیض است، احرامش را تبدیل به حج افراد کرد، بعد که به عرفات رفت متوجه شد که استحاضه است، وظیفه او چیست؟

ج -

و اگر حج واجب است سپس عمره [۷] و طواف را عمدتاً تأخیر نینداخته حج افراد را تمام کند [۶] اگر وقت عمره ضیق شده مفرده به جا آورد.

[۹۳۳] س - اینجانب مدیر گروه حج می باشم، اعمال حجی که انجام می دهم مستحبی است، آیا می شود به جای حج تمتع، نیت حج افراد نمود و بجای عمره تمتع، عمره مفرده انجام داد؟ و همچنین سایر خدمه، واجب الحج نیستند آیا می

توانند چنین کنند؟

ج - می

توانند عمره مفرده انجام دهند و برای حج محرم نشوند و می توانند حج افراد به جا آورند، ولی میقات حج افراد مواقبت [۸] معروفه است.

[۹۳۴] س - کسی که حج افراد بر او واجب و متعین است و به قصد حج افراد در یکی از میقات ها محرم شده است، آیا می تواند نیت حج افراد خود را به عمره تمتع تبدیل نماید و بعد از انجام آن، حج تمتع به جا آورد و همچنین آیا می تواند حج افراد را به عمره مفرده تبدیل نماید و بعد از انجام آن، برای عمره تمتع محرم شود؟

ج - نمی

[۹]تواند عدول کند و تبدیل نمی شود.

[۹۳۵] س - شخصی با احرام عمره تمتع وارد مکه شده و بعد از اعمال عمره، برای حج افراد محرم شده است، آیا حج او صحیح [۱۰] است؟

[۱۱]

حج، ولی تمتع واقع نمی شود و اگر از مکه محرم شده، [۱۲] و از میقات برای حج افراد محرم شده بعید نیست صحت [۱۲] در صورت اشتباه در تطبیق، حج او صحیح و تمتع است، و در غیر این صورت حج او صحیح نیست.

[۹۳۶] س - شخصی در حرم برای حج افراد محرم شده و بعضی از اعمال را انجام داده، وظیفه او چیست؟ [۱۴]

ج -

اگر از روی جهل بوده، چنانچه ممکن نیست که به میقات برود و از آنجا محرم شود و به وقوف برسد، در همان محلی که و اعمالی که امکان تدارک آن با احرام هست تدارک کنند و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده و [۱۵] هست محرم شود [۱۶] بعد متوجه شده، حج او صحیح است.

آیه [۱]

و عمره را در ماه های حج واقع ساخته بوده. الله نوری:

آیه [۲]

چنانچه تا وقت حج در مکه بماند، می تواند عمره خود را عمره تمتع قرار دهد و فرقی بین حج واجب و الله اردبیلی: مستحب نیست ولی در حج نیایی نمی تواند عمره مفرده را عمره تمتع قرار دهد.

آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی:

به ذیل مسأله ۱۳۲۲ و ۱۸۲ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسی

که عمره مفرده را در ماه های حج به جا آورده و اتفاقاً تا وقت حج در مکه باقی مانده، می تواند عمره مفرده خود را عمره تمتع قرار داده و حج را به جا آورد و فرقی در این حکم بین حج واجب و حج مستحبی نیست.

آیه الله سیستانی: کسی

که عمره مفرده را در ماه های حج به جا آورده و در مکه مانده است تا روز ترویبه (هشتم ذی حجه) و قصد حج دارد، عمره او عمره تمتع محسوب می شود و باید حج تمتع انجام دهد و در این حکم فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کسی

که در اشهر حج به نیت عمره مفرده وارد مکه شود، چنانچه عمره مفرده بر او واجب نباشد و همچنین حج استحبابی باشد، می تواند آن را عمره تمتع قرار دهد و بعد از آن حج به جا آورد و لازم می شود او را قربانی حج تمتع. (احکام عمره، ص ۲۰ و ...).

آیه الله فاضل:

اگر احرام او در ماه های حج بوده، در تمامی صور می تواند همان عمره را تبدیل به عمره تمتع کند و در حج نیایی هم اگر عمره را به نیت منوب عنه انجام داده باشد می تواند تبدیل به عمره تمتع کند.

آیه الله مکارم: مشروط

به اینکه عمره او در ماه های حج (شوال، و ذی قعدة و ذی حجه) واقع شده باشد.

آیه ۳.

با فرض اینکه هر دو عمره در ماه حج و از شخص واحد باشد فقط تمتع واقع می شود. الله فاضل:

آیه الله مکارم: ولی

می تواند نیت عمره خود را به عمره تمتع برگرداند به شرط اینکه عمره مفرده به نذر و مانند آن بر او واجب نشده باشد.

آیه ۴.

اعمال عمره تمتع او صحیح است و باید حج تمتع به جا آورد. الله زنجانی:

آیه ۵]

اگر مجموع آن روزها از ده روز بگذرد، لک هایی که دیده محکوم به استحاضه اند و حج تمتع خود را تمام الله سیستمی: کند و اگر از ده روز نگذرد لک ها محکوم به حیضند و احتیاطاً باید در اوقات پاکی جمع نماید بین احکام طاهر و حیض و به موجب این احتیاط، باید طواف عمره و نمازش را پیش از طواف حج احتیاطاً قضا نماید.

آیه ۶]

فتوای معظم له به دست نیامد. الله خوبی:

آیه الله زنجانی: و

باید اعمال حج افراد و پس از روز سیزدهم عمره مفرد به جا آورد و کفایت از حجة الاسلام می کند.

مسأله ۹۳۲ در مناسک حج آیه

نیامده است. الله گلپایگانی و آیه الله صافی

آیه ۷]

اگر وقت برگشتن به مکه را داشته باشد، به نحوی که اگر برگردد اعمال عمره تمتع را انجام دهد می تواند الله تبریزی: مسمائی وقوف اختیاری عرفات را در کنند، باید برگردد و اعمال عمره تمتع را انجام دهد و اگر وقت نداشته باشد به قصد اعم از حج افراد و عمره مفرد، اعمالش را تمام می کند و چنانچه استطاعتش باقی بود یا بعد از این مستطیع شد باید در سال های آینده حج به جا آورد.

آیه الله سبحانی: اعمال

حج را به نیت تکلیف فعلی تمام کند لیکن به احتیاط واجب در منا قربانی نموده و بعد از اتمام اعمال مکه یک عمره مفرد به جا آورد و اگر این ظن و گمانش به حیض از روی موازین شرعی بوده و در ضیق وقت کشف خلاف شد، واعمال را آن گونه که گفته شد انجام داد از حجة الاسلام کفایت می کند ولی اگر اعتقاد او از روی سهل انگاری بوده اکتفا به این حج مشکل است و باید در سال یا سال های بعد حج تمتع را انجام دهد و اگر فوت کرد از ترکه او استنابه کنند و همچنین است اگر این زن نائب بوده باشد.

آیه الله سیستمی:

اگر وقت عمره تنگ باشد، پس اگر اعتقاد او به حیض از روی موازین شرعی باشد؛ مثلاً خونی که دیده در ایام عادتش بوده ولی قبل از سه روز قطع شود، در این صورت احتیاط واجب آن است که اعمال حج افراد را تمام کند و اگر حج در ذمه او مستقر بوده و یا اگر مستقر نبوده بعداً مستطیع شود، احتیاطاً باید دوباره حج نماید ولی اگر مستقر نبوده و مستطیع هم نشود، چیزی بر او نیست و اگر اعتقاد او به حیض از روی موازین شرعی نبوده، حج و احرام او باطل است و باید اعاده نماید.

آیه الله فاضل:

اگر با علم به حیض شدن تأخیر نینداخته....

آیه الله نوري:
با عدول در نیت.

آیه [۸]

و این در صورتی است که از مواقیت پنج گانه یا نزدیکی آن می گذرند. الله زنجانی:

آیه الله سیستانی: و
لازم نیست بعد از آن عمره مفرده انجام دهد.

آیه الله مکارم: و
انجام عمره مفرده بر آنها واجب نیست هرگاه حج تمتع واجب را قبلاً انجام داده باشد.

آیه [۹]

اگر برای حج افراد مستحبی محرم شده باشد، می تواند به عمره تمتع عدول کند، مگر اینکه بعد از سعی الله اردبیلی:
تلبیه گفته باشد که در این فرض حق عدول ندارد.

آیه الله بهجت: جواز
عدول مورد تأمل است. (کتاب حج افراد، ص ۲ و ۴).

آیه الله خویی:
اگر برای حج افراد مستحبی محرم شده باشد، می تواند به عمره تمتع عدول کند، مگر اینکه بعد از سعی
تلبیه گفته باشد که در این فرض حق عدول ندارد (مناسک، مسأله ۱۵۹).

آیه الله سبحانی: عدول
صحیح نیست مگر در موردی که کشف خلاف شود مثل زن حائض که یقین داشت به جهت حیض نمی
تواند اعمال عمره را انجام دهد ولی پس از نیت حج افراد پاک شد در این صورت لازم است عدول به عمره تمتع کند؛ ولی
شایسته است این افراد در میقات نیت احرام به عنوان تکلیف فعلی و واقعی بکنند و محرم شوند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: تبدیل
حج افراد به عمره مفرده جایز نیست و اما در تبدیل حج افراد به عمره تمتع، اگر اول حج
افراد بر او متعین بود و بعد کشف خلاف شد (مانند زن حایض که چون یقین داشت برای عمره تمتع پاک نیست به قصد حج
افراد محرم شد و اتفاقاً در مکه برخلاف عادت پاک بود) لازم است از حج افراد عدول به عمره تمتع کند و بعد از انجام آن حج
تمتع به جا آورد و اما کسی که حج افراد هم از او صحیح است مختار است که عدول نماید به تمتع یا حج افراد را تمام کند.
(مناسک عربی، ص ۷۰).

آیه ۱۰.

بلي و قصد افراد لغو بوده است. الله بهجت:

آیه ۱۱.

اگر بدون عذر از مکه و حوالي آن خارج شده عمره تمتعش را باطل کرده، و احرام حج افرادش صحيح است والله زنجاني: اگر از مکه محرم...

آیه الله.

این فرع در فتاوي ایشان یافت نشد و طبق مبناي ایشان حج افراد صحيح است، گرچه با ترک حج تمتع معصیت خويي: کرده و در فرض احرام براي حج افراد از مکه، حج او باطل است مگر اینکه در نام حج تمتع اشتباه کرده باشد.

آیه الله نوري: کسی

که حج واجب ندارد، اگر از مکه خارج شده...

آیه الله.

صحت حج او خالي از اشکال نیست. اردبيلي:

آیه الله سبحاني:

وظیفه نائي حج تمتع است و نمی تواند اختياراً و عمدتاً وظیفه خود را تغییر دهد مگر اینکه حج واجب در ذمه اش نباشد و بخواهد حج افراد مستحبی انجام دهد که باید برای عمره قبلي هم احتیاطاً طواف نساء و نماز آن را انجام دهد. لیکن اگر از باب خطا و سهو درمیقات برای افراد محرم شده و بعداً اگر در اثنای عمل و حتی تا مشعر اگر به یاد آورد لبیک «اللهم علی کتابک و سنة نبیک» و محرم به احرام حج شود و اگر بعد از اتمام اعمال فهمید بعید نیست که حج او صحيح باشد.

آیه الله سیستانی: عدول

جایز نیست ولي اگر از باب اشتباه در تطبیق باشد اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: حج
او خالي از اشكال نيست.

آیه الله
شخصي نائي. صافي، آیه الله گلپايگاني:

آیه الله
اگر مي تواند از حرم خارج شود و احتياطاً بايد هر قدر مي تواند به سمت ميقات برگردد. اردبيلي:
آيات عظام زنجاني، سيستاني، مکارم: و
اگر مي تواند، به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود.

. در مسأله ۹۴۷ و ۹۴۸ مي آيد. [۱۶]

آیه الله اردبيلي:
اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از فراغ از اعمال فهميد، احتياطاً در همان جا كه هست محرم شود و اعمال
را به پايان برساند و اگر حج او واجب بوده، بنابر احتياط به اين حج اكتفا نكند.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

باب دوم: اعمال حج تمتع

و در آن چند فصل است:

فصل اول: احرام حج

[۹۳۷] م - واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، احرام ببندد برای حجت‌تمتع.

[۹۳۸] م - اگر نیت کند حج تمتع را و لبیک‌های واجب را به طوری که در احرام عمره ذکر شد بگوید، محرم می‌شود و لازم نیست قصد کند احرام بستن را و همچنین لازم نیست قصد کند ترک محرمات را، چنان که در احرام عمره گذشت. [۱]

[۹۳۹] م - نیت باید خالص برای اطاعت خداوند باشد و ریا موجب بطلان عمل است. [۲]

[۹۴۰] م - کیفیت احرام بستن و لبیک گفتن همان نحو است که در احرام عمره ذکر شد.

[۹۴۱] م - تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد، در این احرام هم حرام است و آنچه کفارہ داشت کفارہ دارد، به همان ترتیب.

[۹۴۲] م - وقت احرام موسّع است و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف [۴] و از آن وقت نمی‌تواند عقب بیندازد. [۳]

آن است که کسی که از عمره تمتع فارغ شد و مُحَلّ گردید، از مکه خارج نشود بدون حاجت و اگر حاجتی برای بیرون [۵] و به همان احرام برای اعمال حج برگردد. [۷] احتیاط واجب آن است که محرم شود به احرام حج و بیرون رود [۶] رفتن پیش آمد [۸]

[۹۴۴] م - اگر بدون حاجت و بدون احرام بیرون رفت از مکه [۹]، لیکن برگشت و احرام بست و حج به جا آورد، عملش صحیح است. [۱۰]

[۹۴۵] م - مستحب است احرام بستن در روز ترویبه بلکه احوط است. [۱۱]

[۹۴۶] م - محل [۱۵] یا حجر اسماعیل ۷ واقع شود. مستحب است [۱۳] هر موضع که باشد، گرچه در محله‌های تازه‌ساز [۱۲]

[۷] است برگردد به مکه و احرام ببندد و اگر ممکن نشد به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر، از همانجا که هست مُحْرَم [۱۶] شود. [۱۷]

[۴۸، ۱۹] و احتیاط مستحب آن است که اگر یادش آمد، بعد از وقوف به عرفات و مشعر یا قبل از فارغ شدن از اعمال [۱۸] [۲۰] تمام کند حج را و در سال بعد اعاده کند.

[۲۱] ۹۴۹ م - جاهل به مسأله اگر احرام نبندد، در حکم کسی است که به واسطه فراموشی احرام نبسته.

[۲۲] ۹۵۰ م - اگر کسی از روی علم و عمد ترک کند احرام را تا زمان فوت وقوف به عرفه و مشعر، حج او باطل است.

[۱] رجوع شود به بحث نیت در احرام.

آیه الله خامنه ای:
به حاشیه مسأله ۲۵۱ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: بلکه
باید قصد احرام کند و اموری را که بر محرم حرام است بر خود تحریم کند.

آیه ۲.
رجوع شود به مسأله ۱۵۴۰ الله سیستانی:

آیه ۳.
بنابراین تأخیر احرام تا وقتی که بتواند مقداری قبل از غروب روز نهم در عرفات، وقوف کند جایز است. الله زنجانی:

آیه ۴.
کسی که می تواند وقوف اختیاری عرفه را در کند، جایز نیست احرام را از وقت مذکور تأخیر بیندازد. الله سیستانی:

آیه ۵ [۵]

بلکه خروج جایز نیست بنابر اقوی و بنابر احتیاط در اثنای عمره تمتع نیز از مکه خارج نشود. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت: خروج

از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست برای کسی که اگر خارج شود فوت می شود حج در آن سال، و اگر بعد از عمره (بدون احرام بستن برای حج) از مکه و حرم و میقات خارج شد و عود نمود در غیر ماه احرام اولی پس محتاج به احرام عمره است و عمره ثانیه را عمره تمتع قرار می دهد و احتیاج اولی به طواف نساء موافق احتیاط است و اگر عود کرد قبل از فصل ماه، مانعی از اکتفا به همان عمره برای حج تمتع نیست و حکم فصل بین دو عمره و احرام برای دخول مکه در مسأله ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۲۴۱ گذشت. (مناسک شیخ، ص ۸۹ و ۹۰ و ۵۷).

آیه الله خویی: بلکه

جایز نیست و این حکم در اثنای عمره تمتع هم هست. (مناسک، مسأله ۱۵۲).

آیه الله سبحانی: و

پیش از احرام حج نمی تواند از مکه و توابع آن مانند منی فراتر رود مگر اینکه محرم به احرام حج بشود و تا فرا رسیدن ایام حج (نهم ذی حجه) باید در حال احرام باقی بماند در این صورت بیرون رفتن از مکه و توابع آن مانند جدّه مانع ندارد.

آیه الله مکارم: بلکه

واجب است.

آیه الله نوری: کسی

که از عمره تمتع خارج شد، اگر اطمینان داشته باشد که می تواند به مکه برگردد و برای اعمال حج محرم شود می تواند از مکه خارج شود و اگر بدون این اطمینان نیز خارج شد ولی برگشت و احرام بست و حج به جا آورد عملش صحیح است.

آیه ۶ [۶]

واجب است محرم شود به احرام حج تمتع. الله اردبیلی:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: واجب

است محرم شود به احرام حج...

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل:

به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی:

اگر حاجتی هر چند غیر ضروری پیش آمد، اگر خوف فوت اعمال حج نباشد می تواند خارج شود و در این

صورت اگر بداند که می تواند برگردد و محرم شود برای حج مانعی ندارد که بدون احرام خارج شود و اگر نمی داند، باید احرام حج را ببندد و برود و در این صورت لازم نیست به مکه بازگردد بلکه می تواند از همانجا به عرفات برود.

آیه [۷]

به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود. الله خامنه ای:

آیه [۸]

و اگر با احرام بودن، برای شخص حرجی باشد، بدون احرام نیز می تواند خارج شود. الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

آیه الله مکارم: برای

خدمه کاروان ها نیز جایز است برای انجام کارهای لازم به جدّه و مانند آن بروند و اگر محرم شدن موجب مشقت است می توانند آن را ترک کنند.

آیه [۹]

چون بدون عذر از مکه و حوالی آن خارج شده عمره تمتعش باطل الله زنجانی:
می شود.

آیه الله سبحانی:

اگر در غیر ماهی که عمره انجام داده برگردد باید با احرام جدید وارد شود و عمره دوم او عمره تمتع است و محتمل است که عمره اول او به عمره دوم تبدیل شده باشد بنابراین احتیاطاً طواف نساء با نماز آن را به عنوان مافی الذمة بیاورد.

اگر در همان ماه که عمره تمتع را به جا آورده به مکه بازگردد، چیزی بر او نیست و گرنه باید به احرام عمره آیه الله اردبیلی: [۱۰]
تمتع محرم شود و اعمال آن را به جا آورد و احتیاط واجب آن است که یک طواف نساء برای عمره قبلی خود انجام دهد و چنانچه عمره تمتع را به جا نیاورد، حج او صحیح نیست.

آیه الله خامنه ای:

اگر بعد از انجام عمره تمتع از شهر مکه بدون احرام خارج شود، پس اگر در همان ماهی که عمره انجام داده به مکه برگردد، نیاز به تجدید احرام برای ورود به شهر مکه ندارد، ولی اگر در ماه بعد از ماه انجام عمره به مکه برگردد، مثل اینکه عمره را در ذی القعدة انجام دهد و خارج شود، و در ماه ذیالحجه به مکه برگردد، واجب است با احرام جدید برای عمره جهت دخول مکه مُحرم شود، و عمره تمتع وی که متصل به حج می شود همین عمره تمتع دوم خواهد بود. (مناسک حج، م ۹۳) و توجه به دو نکته لازم است: الف) احرام عمره تمتع جدید باید از یکی از مواقیت خمسّه باشد؛ ب) اگر عمره تمتع جدید را به جا نیاورد، حج تمتع وی صحیح نمی باشد. (استفتاء)

آیه الله خویی:

اگر از میقات ها گذشت و در ماهی که عمره را انجام داده بوده برگشته باشد، اعاده عمره لازم است، ولی اگر قبل از گذشت ماهی که عمره را انجام داده باشد اعاده عمره لازم نیست. (مناسک، مسأله ۱۵۴).

آیه الله سیستانی: اگر [

در ماه بعد وارد شود و دوباره نخواهد بیرون برود و در ماه بعد از آن وارد شود، باید با عمره تمتع وارد شود و اگر باز هم بخواهد خارج شود و در ماه بعد وارد شود، باید با عمره مفرده وارد شود؛ مانند اینکه در ماه شوال عمره تمتع انجام داده و خارج شده و در ماه ذیقعدة وارد شده و باز هم می خواهد خارج شود و ماه ذیحجه وارد شود در این صورت عمره ماه ذیقعدة او باید عمره مفرده باشد.

آیه الله فاضل:

مگر آنکه در ماه بعد وارد مکه شود، که در این صورت باید مجدداً عمره تمتع به جا آورد و بعد محرم به احرام حج تمتع بشود و عمره اول فاسد شده است، و اگر مجدداً محرم نشود حج تمتع او نیز باطل می شود.

آیه الله مکارم:

اگر در همان ماه قمری برگردد چیزی بر او نیست ولی اگر در ماه بعد برگردد و از میقات هم گذشته باشد (مثلاً در ذیالقعدة به مدینه رفت و در ذی حجه برگشت) باید دوباره محرم شود و عمره بهجا آورد و همان عمره تمتع او حساب می شود و برای عمره سابق احتیاطاً طواف نساء به جا آورد.

آیه [۱۱]

و احرام بستن قبل از روز ترویبه نیز جایز است ولی احتیاط آن است که پیش از سه روز قبل از روز ترویبه الله اردبیلی: احرام نبندد.

آیه الله خامنه ای: بهترین

زمان احرام بستن، هنگام زوال (ظهر) روز ترویبه (هشتم ذی حجه) است. (مناسک حج، م ۳۲۵)

آیه الله زنجانی: بلکه

احوط استحبابی آن است که از روز ترویبه به تأخیر نیندازد.

آیه الله صافی: و

پیش از روز ترویبه نیز احرام بستن جایز است و احتیاط آن است که بیشتر از سه روز پیش از ترویبه احرام نبندد؛ چنانکه احتیاط آن است که اگر محرم شده، پیش از روز ترویبه از مکه خارج نشود.

آیه الله

مكلف مي تواند از هرجاي مکه قديم بنابر احتياط براي حج احرام ببندد. (مناسک، مسأله ۳۶۵). بهجت:

آیه الله تبریزی:

بنابر احتياط احرام حج بايد از مکه قديم باشد.

آیه الله خویی: احتياط

واجب اين است که از مکه قديمه براي حج احرام ببندد.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: ولي

از بیرون حرم (مانند مناطقي که بعد از مسجد تنعيم است و اکنون جزو مکه شده) خالي از

اشکال نیست.

آیه الله سیستانی: و

۹ بوده است، اگرچه اظهر جواز احرام بستن از قسمت هاي جديد شهر است، مگر قسمت هايي

که بیرون حرم باشد. (مناسک،

ص ۱۲۰).

آیه الله صافی: و

بنابر احتياط لازم تا مي تواند از مکه قديم محرم شود.

آیه الله

ولي احتياط واجب آن است که در مناطقي از مکه که خارج از حرم واقع شده، محرم نشوند. اردبيلي:

آیه الله

در مسجد يا در مقام ابراهيم. فاضل، آیه الله نوري:

آیه الله مکارم: مستحب

است در مسجد الحرام احرام ببندد.

آیه الله.

میقات احرام حج تمتع، مکه مکرمه است، و بهتر آن است که برای حج تمتع از مسجدالحرام مُحرم شود، وخامنه ای: مُحرم شدن در همه جای مکه، حتی بافت جدید شهر، صحیح است، اما احوط آن است که در مناطق قدیمی آن مُحرم شود، و در صورتی که شکند که محلی جزء شهر است یا نه، مُحرم شدن در آن محل صحیح نیست. (مناسک حج، م ۳۲۴)

آیه ۱۶

اگر بازگشت غیر ممکن یا حرجی باشد در همان نقطه ای که متوجه شد محرم می شود اگرچه آن نقطه الله سبحانه: اللهم علی کتابک و سنة نبیک» و اگر در مشعر به خاطر آورد، در: « همانجا محرم می شود و خوب است جمله یاد شده را نیز بگوید. حکم خروج بدون احرام از روی ندانستن مسأله نیز همین است (مناسک، م ۴۴۳).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط

آن است که هر قدر می تواند برگردد و اگر نتوانست برگردد واجب است از همان جا که هست محرم شود. (مناسک فارسی، ص ۱۰۱ مسأله ۱۴۲).

آیه الله مکارم: در

عرفات یا مشعر یا منی، قبل از رمی جمرات و ذبح، ولی اگر بعد از آن متوجه شود وقت احرام گذشته و حش صحیح است.

آیه الله.

و همچنین است اگر برگشتن به مکه برایش مشقت داشته باشد؛ البته این در صورتی است که به عرفات نرسیده زنجان: اللهم عل کتابک و سنة نبیک» و احتیاط مستحب آن است که در این صورت نیز اگر می تواند به مکه برگردد و از آنجا: « محرم

شود و اگر بعد از عرفات و قبل از حلق یا تقصیر نیز یادش بیاید همین گونه عمل کند و اگر بعد از حلق و تقصیر بفهمد حش بی تردید صحیح است و این حج در تمام صورت ها کفایت از حجة الاسلام می کند مگر صورت سوم (که بعد از عرفات یادش بیاید) که کفایت نمی کند.

آیه الله.

و احتیاط مستحب آن است که در سال بعد حج را اعاده کند. (مناسک حج، م ۳۲۷) خامنه ای:

آیه ۱۹.

چنانچه بعد از وقوف به عرفات و قبل از فارغ شدن از اعمال به خاطر آورد که احرام نبسته، بنابر احتیاط الله اردبیلی: واجب همانجا محرم شود و اعمال را به پایان برساند و چنانچه حش واجب بوده، بنابر احتیاط به این حج اکتفا نکند.

آیه الله بهجت، آیه الله نوری: احرام ببندد و تمام کند حج را.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر بعد از وقوف به عرفات یادش بیاید یا حکم را یاد بگیرد، باید از جایی که هست احرام ببندد، هرچند متمکن از بازگشت به مکه و احرام از مکه باشد.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: فوراً همانجا محرم شود و حج را تمام کند و احتیاط مستحب آن است که سال آینده دوباره به جا آورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: فوراً همانجا محرم شود و حج را تمام کند و احتیاط آن است که سال آینده دوباره به جا آورد، اگرچه بعید نیست جواز اکتفا به حج اول. (مناسک فارسی، ص ۱۰۲، مسأله ۱۴۳).

آیه الله.

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود. زنجانی:

آیه الله سیستانی: و در صورتی که یادش نیاید و یا حکم را نداند تا بعد از فارغ شدن از اعمال حج، حش صحیح است (مناسک حج، مسأله ۳۶۲).

آیه الله.

جاهل به مسأله مانند دو مسأله قبل عمل کند، ولی این حج، کفایت از حجة الاسلام نمی کند. زنجانی:

آیه الله

اگر از روی علم و عمد، احرام حج را ترک کند تا وقتی که نتواند محرم شده و قبل از غروب روز نهم، عرفات رازنجانی: درکند حجش باطل است.

آیه الله سیستانی:

اگر ترک کند احرام را از روی علم و عمد تا زمان فوت وقوفاختیاری عرفات، حجش باطل است و اگر به مقدار رکن درکند، حجش صحیح است گرچه گناه کرده است.

استفتائات احرام حج

۹۵۱ س - فاصله بعضی از محلات جدید الاحداث مکه تا مسجدالحرام بیش از ۱۸ کیلومتر است و شاید عرفاً از «توابع» مکه ؛ چرا که تابلوهای راهنمایی با فلش، جهت مکه را مشخص نموده اند، با این حساب شوند نه اینکه «جزو» مکه باشند کیفیت آیا می توان برای حج در محلات فوق الذکر محرم شد؟

ج -

[۲] و اگر از محلات آن نیست یا مورد شک است کفایت نمی کند. [۱] اگر از محلات مکه است مانع ندارد

۹۵۲ س - اشخاص معذوری که می توانند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارند، اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام دادند، چه صورتی دارد؟

ج - کفایت

و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کنند یا بعد از وقوفین و اعمال آنها را به جا آورند. [۳] نمی کند

۹۵۳ س - حاجی در عرفات یا منی فهمید که در احرام حج، تلبیه نگفته است، آیا در لحظه التفات، تلبیه کافی است و تکلیف او چیست؟

ج -

[۴] اگر می تواند به مکه برود و محرم شود و بقیه اعمال را - که باید با احرام انجام دهد - به جا آورد، باید چنین کند و اگر ممکن همانجا لبیک بگوید و اگر بعد از تقصیر یا حلق متذکر شده، عملش صحیح است و لازم نیست لبیک بگوید. [۵] نیست

۹۵۴ س - شهر مکه را چند رشته کوه های طولانی و مرتفع فرا گرفته و هر دو جانب کوه ساختمان شده است، گاهی چند کیلومتر باید از اینجانب کوه رفت تا به جانب دیگر رسید و ساکنین احد الجانبین، جدای از جانب دیگرند؛ مثل شعب بنیعامر که نزدیک مسجدالحرام است و عزیزی که ۹ کیلومتر یا بیشتر در جانب دیگر است و به حسب مسامحه عرفی، به همه این قطعات مکه گفته می شود، آیا احرام حج تمتع از تمام این نقاط و نقاط مشابه صحیح است یا نه؟

ج -

[۷] هرچند از ساختمان های جدید الاحداث باشد. [۶] اگر در مکه است، احرام حج از آنجا صحیح است

آیه [۱]

مگر اینکه خارج از حرم باشد که در این صورت بنابر احتیاط احرام از آنجا کافی نیست. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت: احوط

اقتصار بر مکه قدیم است در رابطه با احرام حج (مناسک، س ۴۸).

آیه الله سبحانی: نقاطی

از شهر مکه که به علت توسعه خارج حرم واقع شده نباید احرام

ببندد.

. به مسأله ۹۴۶ مراجعه شود. [۲]

آیه ۳ [۳]

به آن اکتفا نکند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی را اعاده کند (مناسک، س ۱۶۸). الله بهجت:

آیه الله سبحانی: و

باید این اعمال را با احرام حج از سرگرفته و مقدم بدانند و یا اینکه مثل بقیه حجاج بعد از برگشتن از منی انجام دهند.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیات [۴]

به مسأله ۹۴۷ و ۹۴۸ مراجعه شود. عظام: اردبیلی، تبریزی، زنجانی، سیستانی:

آیه ۵ [۵]

هر مقدار می تواند به سمت مکه برگردد و محرم شود و اگر آن نیز ممکن نیست در همان الله صافی، آیه الله گلپایگانی: محل محرم شود... (آداب و احکام حج، م ۳۳۸)

آیه [۶]

مگر اینکه خارج از حرم باشد که در این صورت بنابر احتیاط احرام از آنجا کافی نیست. الله اردبیلی:

آیه الله مکارم: معیار

آن است که جزو شهر مکه باشد و جدایی به خاطر کوه ها مانعی ندارد.

. به مسأله ۹۴۶ مراجعه شود و ۹۵۱. [۷]

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات^[۱]

[۹۵۵ م - اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید و چون متوجه منی شود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي.»

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحًا فِي عَافِيَةٍ وَبَلِّغْنِي هَذَا الْمَكَانَ.»

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَى أَثِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ.»

و مستحب است [۲]

شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود و اگر خواسته باشد بعد آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود و روانه شدن پیش [۳] از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت از صبح مکروه [۴]

است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رَحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.»

آیه [۱]

این مستحبات را به قصد رجاء به جا آورد. الله مکارم:

آیه [۲]

انجام بعضی از این مستحبات در حال حاضر ممکن نیست یا مشکل است، بنابراین نباید اصراری بر آن‌الله مکارم: داشته باشد و در دسر برای خود و دیگران ایجاد کند، هرگاه نیتش انجام آن باشد خداوند به فضل خود به او ثواب می دهد.

آیات [۳]

بلکه احوط. عظام بهجت، صافی، گلپایگانی:

آیه [۴]

بلکه خلاف احتیاط است مگر از جهت ضرورتی مثل بیمار و یا خائف از ازدحام. (مناسک‌الله صافی، آیه‌الله گلپایگانی: فارسی، مسأله ۱۴۵).

فصل دوم: وقوف به عرفات

[۹۵۶] م - واجب است وقوف به عرفات که محلی است معروف و محدود است به حدود معروفه به قصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.

[۹۵۷] م - مراد از وقوف، بودن در آن مکان است؛ چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.

[۹۵۸] م - اگر در تمام وقت بیهوش باشد یا خواب [۲] وقوف او باطل است. [۱]

[۹۵۹] پس جایز نیست [۵] که وقت نماز مغرب است [۴] لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم تا غروب شرعی [۳] تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

[۹۶۰] م - تأخیر انداختن از اول ظهر اگر که تأخیر نیندازد. [۸]، ولی احتیاط آن است [۷] آنها کند، معلوم نیست حرام باشد [۶]

[۹۶۱] است چنانچه گذشت لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی [۱۰] گرچه واجب [۹] توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج او صحیح است اگرچه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

[۹۶۲] م - آنچه در وقوف رکن است مسمای وقوف است به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هرچند خیلی کم باشد پس اگر هیچ به عرفات نرود رکن را ترک کرده. [۱۱] مثل یک دقیقه یا دو دقیقه

[۹۶۳] م - اگر از روی عمد و علم [۱۲]، وقوف رکنی را ترک کند یعنی در هیچ جزء از بعد از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد حجت باطل است، و کفایت نمی کند برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است.

[۹۶۴] م - اگر کسی عمد^۱ پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و اگر بدون [۱۴]، لکن احتیاط در كفاره است به یک شتر، و همچنین [۱۳] تا غروب توقف کند چیزی بر او نیست بنابر اقوی [۱۵] آنکه پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند چیزی بر او نیست.

[۶۵] بخواند، و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند، و اگر متمکن از قربانی نباشد هیچ‌ده روز روزه بگیرد [۱۷].
آن است که پشت سرهم روزه بگیرد. [۱۹]، و احتیاط مستحب [۱۸]

[۹۶۶] م - اگر سهواً کوچ کرد و بیرون رفت، پس اگر یادش آمد باید مراجعت کند و اگر مراجعت نکرد گناهکار است، لکن کفاره بنابر اقوی، گرچه احوط است و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست. [۲۰] ندارد

[۹۶۷] م - اگر کسی از روی ندانستن مسأله، آنچه ذکر شد بکند، حکم او حکم کسی است که سهواً کرده است. [۲۱]

، از ظهر نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درک نکند، کافی است که مقداری [۲۳] و مثل آن [۲۲]،
و این زمان را وقت اضطراری عرفه می‌گویند. [۲۵] عید را هرچند اندک باشد در عرفات باشد [۲۴] از شب

[۹۶۹] م - اگر کسی که به واسطه در عرفات وقوف نکند، ظاهراً حج او باطل می‌شود، اگرچه درکند وقوف به مشعر را. [۲۶]

[۹۷۰] م - اگر کسی به واسطه فراموشی یا غفلت یا عذر دیگر ترک کند وقوف به عرفات در روز نهم، که وقت اختیاری است و در شب دهم که وقت اضطراری است، کفایت می‌کند در صحیح بودن حج او که وقوف اختیاری مشعر را درکند چنانچه خواهد آمد. [۲۷]

آیه [۱]

اگر قبل از خواب قصد وقوف کرده، ولو در هنگام وقوف خواب باشد، مانعی ندارد. الله اردبیلی، آیه الله تبریزی:

آیه الله سیستانی:

اگر در اول وقت وقوف مثلاً آن را قصد کند و بعد از آن بخوابد یا بیهوش شود، تا آخر وقت کفایت می‌کند و اگر بدون اینکه قصد وقوف کرده باشد در تمام وقت در حال خواب یا بیهوش باشد وقوف از او حاصل نشده است و امّا اگر قبل از وقت قصد وقوف کرده ولی در تمام وقت خواب یا بیهوش باشد، کفایت این وقوف محلّ اشکال است. (مناسک، مسأله ۳۶۷).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی

اگر پیش از وقت در عرفات باشد و قصد وقوف کند و به همین قصد بخوابد و اتفاقاً در تمام وقت بیدار نشود و وقوف او بعید نیست و اگر بعد از قصد وقوف و دخول وقت بخوابد ضرر ندارد و وقوف او صحیح است. (مناسک فارسی، ص ۱۰۵، مسأله ۱۴۶).

آیه الله مکارم: هرگاه

قبلاً به عرفات آمده و نیت کرده باشد صحیح است.

آیه الله نوری: بدون

آنکه قبلاً قصد وقوف کرده باشد خواب باشد، وقوف او باطل است.

آیه [۲]

مگر آنکه قبل از زمان وقوف، نیت وقوف کرده باشد در حالی که احتمال می داده، تمام مدت وقوف به خواب الله زنجانی: برود یا بیهوش باشد.

آیه [۳]

وقوف در عرفات برای شخص مختار بنا بر احتیاط از اول زوال تا غروب... الله بهجت، آیه الله خویی:

آیه الله تبریزی: وقوف

در عرفات برای شخص مختار بنا بر احتیاط از اول ظهر روز نهم ذی حجه تا غروب است، و اظهر این است که می تواند تا یک ساعت بعد از ظهر وقوف را تأخیر نماید.

آیه الله سیستانی: واجب

بودن وقوف از اوّل ظهر مبني بر احتیاط است و اظهر این است که جایز است آن را از اوّل ظهر به مقدار انجام یک غسل و خواندن نماز ظهر و عصر پشت سرهم به تأخیر اندازد (مناسک، مسأله ۳۶۸).

آیه [۴]

تأخیر وقوف، از اول زوال به مقدار ادای نماز ظهر و عصر، بدون تردید جایز است، بلکه تأخیر آن تا قبل از الله زنجانی: غروب، به مقدار مسماي عرفي وقوف، جایز می باشد، هر چند خلاف احتیاط استحبابی است و منظور از غروب در این مسأله، زوال حمرة مشرقیه است.

آیه [۵]

تا غروب آفتاب. الله سیستانی:

آیه [۶]

اظهر این است که می تواند تا یک ساعت بعد از ظهر وقوف را تأخیر نماید. الله تبریزی، آیه الله خویی:

آیه الله خامنه ای: جواز تأخیر از اول وقت، به اندازه خواندن نماز ظهر و عصر (به صورت جمع) و مقدمات آن، بعید نیست. (مناسک حج، م ۳۳۲)

آیه الله سبحانی: فقط می تواند به مقدار ادای نماز ظهر و عصر و انجام مقدمات آن در منطقه نمره که فعلاً مسجد نمره در آنجاست و خارج از عرفات می باشد بماند و به این مقدار وقوف را به تأخیر بیندازد.

آیه [۷]. چنانچه در آن مدت مشغول عبادت باشد، تأخیر جایز است و گرنه بنابر احتیاط واجب تأخیر نیندازد. الله اردبیلی:

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه [۸]. این احتیاط لزومی است (مناسک شیخ، ص ۶۰). الله بهجت:

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: این احتیاط ترک نشود.

آیه [۹]. گذشت که بیش از مسماي وقوف، واجب نیست، لکن بعد از حضور در عرفات نمی تواند قبل از غروب، از الله زنجانی: عرفات کوچ کند، و اگر کوچ کند به تفصیلی که در مسائل بعد می آید کفاره دارد؛ ولی حش باطل نمی شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسأله بعدی مراجعه شود.

به حاشیه دو مسأله قبل از این مراجعه شود. آیه الله بهجت: [۱۰]

آیه الله مکارم:
بنابر احتیاط واجب.

آیه [۱۱]

وقوف در عرفات از ارکان حج است و لااقل باید به اندازه مسمی تحقق پیدا کند و اگر کسی عمداً همین الله سبحانه: مقدار را نیز ترک کند حج او باطل است ولی مقدار واجب وقوف از ظهر روز نهم ذیحجه الحرام تا غروب شرعی آن روز است بنابراین اگر به مقدار مسمی وقوف کرد ولی باقیمانده را در غیر عرفات به سر برد معصیت کرده ولی حج او صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:
به قدری که عرفاً بگویند در عرفات توقف کرده است.

آیه الله مکارم:
بهتر است به این مقدار قناعت نکند.

آیه الله:
علم و عمد و اختیار... زنجانی:

آیه الله سبحانه: و
با این فرض اگر تمام وقوف های اضطراری لیلی عرفات و اختیاری مشعر و یا اضطراری لیلی آن را در کنند حج او باطل است و احرام او به عمره مفرد بدل می شود و اگر حج بر او مستقر بوده و یا سال اول استطاعت او بوده فرقی نمی کند باید در سال بعد حج را انجام دهد.

آیه الله سیستانی:
یا جهل تقصیری.

آیه الله:
احوط ثبوت کفارہ است در صورت برگشتن نیز (مناسک شیخ ص ۶۱). بهجت:

آیات عظام تبریزی، خامنه ای، خویی، گلپایگانی: در

صورتی که پشیمان شده و برگردد چیزی بر او نیست.

آیه الله سبحانی: و
یا بدون این که نادم شود برای حاجتی برگشت و پس از رسیدن قصد قربت نمود و تا غروب توقف کرد کفاره
ندارد.

آیه الله سیستانی: بیرون
رفتن از عرفات قبل از غروب آفتاب از روی عمد و با دانستن حکم آن حرام است، ولی حج را باطل نمی
کند، و در صورتی که دو باره برگردد به عرفات چیزی بر او واجب نیست (مناسک، ص ۲۶۹).

آیه الله نوری: احوط
کفاره یک شتر است.

آیه الله.
بیرون رفتن از عرفات قبل از غروب از روی عمد حرام است، ولی حج را باطل نمی کند و در صورت مراجعت خامنه ای:
کفاره ندارد. (مناسک حج، م ۳۳۴)

آیه الله.
بر کسی که از عرفات بیرون رفته واجب است برگردد؛ ولی اگر برگشت حج او باطل نمی شود و اگر برگشت زنجانی:
(برای پشیمانی یا به جهت دیگر) کفاره ندارد، هر چند بعد از مراجعت در وقوفش تا غروب قصد وقوف یا قصد قربت نکند.

آیه الله نوری: احوط
کفاره یک شتر است.

آیه ۱۶
در راه خدا در روز عید قربانی کند. الله نوری:

آیه الله.

باید در روز عید قربانی کند و احتیاط واجب آن است که قربانی در منی باشد. اردبیلی:

آیه الله بهجت: ظاهر

این است که در منی باید نحر کند در روز عید (مناسک شیخ، ص ۶۱).

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، صافی، گلپایگانی، نوری: باید

در منی شتر را قربانی کند.

آیه الله خامنه ای: بعید

نیست عدم تعیین ذبح در منی اگر چه احتیاط ذبح در منی است و بنابر احتیاط واجب ذبح باید روز عید

باشد. [مناسک حج، م ۳۳۴]

آیه الله سیستانی: باید [

در روز عید قربان و احوط آن است که در منی بکشد نه در مکه.

آیه الله فاضل: طبق

حاشیه مسأله ۵۱۴ عمل شود.

آیه الله مکارم: در

منی و احتیاطاً در روز عید باشد.

آیه الله.

و می تواند این هیجده روز را در مکه یا در بین راه و یا در وطن خود روزه بگیرد. اردبیلی:

آیه الله سبحانی: و

این روزه را می تواند در مکه یا پس از بازگشت از مکه بگیرد.

آیه الله سیستانی: و

می تواند روزه را در مکه یا در راه یا پس از بازگشت به وطن بگیرد.

آیه [۱۹]

اظهر عدم وجوب توالی است (مناسک شیخ، ص ۶۱). الله بهجت،

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

بنابر احتیاط....

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب است.

آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله نوری: احتیاط واجب.

آیه الله.
اگر مراجعت نکرد در حکم عامد است علی الأحوط (مناسک شیخ، ص ۶۱). بهجت:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسی که از روی فراموشی و یا ندانستن حکم کوچ کند حکم آن حکم عامد است؛ یعنی اگر پس از به یاد آمدن و یا دانستن حکم برنگشت، بنابر احتیاط باید یک شتر کفاره دهد.

آیه الله سبحانی:
بنابر احتیاط باید یک شتر قربانی کند (مناسک، م ۴۵۳).

آیه الله سیستانی:
بنابر احتیاط باید کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۷۰).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:
بنابر احتیاط کفاره بدهد.

آیه الله مکارم:
بنابر احتیاط کفاره دارد.

آیه الله نوری: لکن کفاره دارد بنابر اقوی.

نظر آیات [۲۱]

در مسأله قبل گذشت. عظام

آیه الله

و همچنین جاهل قاصر. سیستانی:

آیه الله

مثل جاهل به موضوع یا حکم یا مریضی یا شدت گرما و سرما. فاضل:

آیه الله

و شب در این مسأله، از زوال حمزه مشرقیه تا طلوع فجر است. زنجانی:

آیه الله

و اگر خوف این باشد که با درک وقوف اضطراری عرفه، وقوف مشعر قبل از طلوع آفتاب از اوزنجانی، آیه الله سیستانی: فوت بشود واجب است اکتفا کند به وقوف مشعر و حجّش صحیح است.

آیه الله

موجب بطلان حج است تعمّد ترک وقوف اضطراری عرفه، که از شب عید تا طلوع فجر است، علی الأحوط. بهجت: (مناسک شیخ، ص ۶۰).

آیه الله

حکم آن بعداً خواهد آمد. تبریزی، آیه الله خویی:



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

استفتائات وقوف به عرفات

[۹۷۱] س - حدودي که براي عرفات و مزدلفه و مني مشخص شده است جهت انجام مناسک، اعتبار دارد يا نه؟

ج - چنانچه

[۱] مورد اطمینان يا تصدیق اهل محل باشد معتبر است.

[۹۷۲] س - کراهت صعود به جبل الرحمه، آیا قبل از نیت وقوف به عرفات است يا بعد از آن؟

ج - در

[۲] وقت وقوف کراهت دارد که از جبل بالا رود.

[۹۷۳] س - شخصي وقوف اختیاري عرفات را درک کرده و قبل از رفتن به مشعر، مغمي عليه شده است، بفرمایید اگر به همین حال تا آخر اعمال باقي باشد وظیفه اش چیست و اگر بعد از اغما او را به ایران آورده باشند چه حکمي دارد و نیز اگر بعد از ایام تشریق در ماه ذیحجه به هوش بیاید، در مکه باشد يا در ایران، چه باید کرد؟

ج -

کند و در هر صورت سال [۳] با فرض اینکه عذر او فقط اغما است، پس از به هوش آمدن، اگر ممکن است اعمال حج را اتمام اتیان نماید. [۴] بعد حج را اعاده کند و براي احراز خروج از احرام بعد از اتمام حج، عمره مفردهای

[۹۷۴] س - زني که عادت ماهانه اش مثلاً شش روز بوده است، در حال عادت زنانه براي عمره تمتع مُحرم مي شود و در روز هشتم ذیحجه که روز ششم عادت او است پاک مي گردد و غسل مي کند و اعمال عمره تمتع را انجام مي دهد و براي حج تمتع مُحرم مي شود، ولي ظهر روز نهم در عرفه لک مي بیند و نمي داند که آیا ادامه دارد تا پس از ده روز، تا استحاضه حساب شود و اعمال قبلي او صحیح باشد يا قبل از تمام شدن ده روز از اول عادت قطع مي شود تا حکم حیض را داشته باشد، وظیفه او چیست؟ و در همین فرض اگر در مشعر لک دید چه کند؟

ج - عمل

[۶] و راه احتیاط، انجام اعمال بدون قصد تمتع و افراد بلکه به قصد مافیالذمه، با قرباني در مني [۵] به احتیاط کند و بعد از انجام بعض اعمال حج کشف خلاف شده، اکتفا به این [۷] اتیان عمره مفرده بعد از آن است، و چنانچه قصد تمتع کرده [۸] حج نکند.

[۹۷۵] س - در فرض مسأله فوق، اگر در عرفات يا مشعر لک دید و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلاً پاک نبوده، باید چه کند با توجه به اینکه وقت وقوفین اختیاري و يا اضطراري آن باقي است ولي وقت برگشتن به مکه و

انجام اعمال عمره تمتع را ندارد؟

[۹] - مورد

[۱۰] عدول به افراد است.

[۹۷۶] س - وقوف اضطراري عرفه آیا از اول شب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟

ج - وقوف

[۱۱] اضطراري عرفه در شب عید است و شب تا طلوع فجر است.

آیه [۱]

اگر این حدود دست به دست از قدیم اخذ شده باشد معتبر است، مادام که اطمینان در خطای آن پیداالله سیستمی: نشود. (ملحق مناسک، مسأله ۳۰۳).

آیه الله مکارم:

معمولاً مورد قبول اهل محل است، بنابراین تابلوها یا علاماتی که گذارده اند معتبر است.

آیه [۲]

بنابر احتیاط مستحب، در ساعات وقوف، روی جبل الرحمة، وقوف ننماید؛ ولی کراهت آن ثابت نیست. الله زنجانی:

آیه الله سیستمی: جبلالرحمه

جزو موقف است ولی افضل ایستادن در دامنه کوه از طرف چپ آن است (مناسک، مسأله ۳۶۶).

آیه [۳]

در فرض سؤال حش باطل است و پس از به هوش آمدن، باید با همان احرام یک عمره مفرده به جا آوردالله اردبیلی: تا از احرام خارج شود و اگر سال اول استطاعت او بوده و یا حج استحبابی به جا می آورده، چیزی بر او نیست وگرنه باید سال بعد حج را اعاده کند.

آیه الله خویی:

اگر فقط وقوف اختیاری عرفات را درک ننماید، اظهار بطلان حج و انقلاب آن به عمره مفرده است. (مناسک،

ص ۲۴۲).

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستمی: حش

باطل است و احرامش بدل به عمره مفرده شده است و باید مناسک عمره را انجام

دهد.

آیه الله سبحانی: بقیه

اعمال را به قصد فراغ ذمه از آنچه بر او تعلق گرفته چه عمره و چه حج به جا آورد و بنا بر احتیاط مستحب
در صورت استقرار حج یا بقای استطاعت سال بعد حج را اعاده کند.

آیه الله صافی: به [

حاشیه مسأله ۹۹۰ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: در

فرض مرقوم رمی روز عید را نیابتاً از طرف او انجام دهند و پس از به هوش آمدن، بقیه اعمال را خودش انجام
دهد و بنا بر احتیاط واجب عمره مفرده ای به جا آورد و اگر حج بر او مستقر بوده و یا استطاعتش تا سال بعد باقی مانده حج را
اعاده کند.

آیه الله گلپایگانی:

با درک وقوف اختیاری عرفه اگر بقیه اعمال را انجام دهد حج او صحیح است. (آداب و احکام حج، م ۷۵۶)

آیه الله مکارم: درک

وقوف اختیاری عرفی برای صحت حج کافی است، پس اگر به هوش آید بقیه اعمال را به جا می آورد و اگر
نتواند به جا آورد نایب می گیرد به شرط آنکه وقت اعمال باقی باشد در غیر این صورت صحت حج او مشکل است و برای خروج
از احرام احتیاطاً عمره مفرده به جا آورد.

آیه ۴.

حج او باطل است و از احرام خارج شده و اگر استطاعت وی تا سال بعد باقی باشد حج بر او واجب است. الله تبریزی:

آیه ۵.

این احتیاط در صورتی است که آن خون دارایی صفات حیض باشد و اگر دارایی صفات حیض نباشد، حکم الله اردبیلی:
استحاضه را دارد و احتیاط لازم نیست.

آیه الله تبریزی: چنانچه

آن لککه در عرفات دیده به وصف حیض نباشد، زن مزبور مستحاضه است (و همچنین است اگر لک زرد
رنگ در مشعر ببیند) احکام مستحاضه را رعایت می کند و اعمال حج تمتع را به جا می آورد و چنانچه لک به وصف حیض
باشد، باید اعمال را به قصد اعم از حج افراد و تمتع ادامه دهد، اگر خون قبل از ده روز قطع شد کشف می شود که وظیفه او حج
افراد بوده و باید بعد از حج، عمره مفرده اتیان کند و اگر قطع نشد و پس از ده روز هم دید، اعمال حج تمتع او صحیح است.

آیه الله خویی: این [

احتیاط در صورتی است که آن خون دارای صفات حیض باشد و اگر دارای صفات حیض نباشد حکم استحاضه را دارد و احتیاط لازم نیست. (استفتائات جدید، ص ۱۱).

آیه الله سبحانی: باید

اعمال خود را به نیت تکلیف فعلی اعم از حج تمتع یا افراد انجام دهد و بنا بر احتیاط واجب در منا قربانی نموده و بعد از اعمال مکه عمره مفرده به جا آورد ولی اگر در نیت های خود به جای مافی الذمه یا تکلیف فعلی، حج تمتع را قصد کرد چنانچه قصد حقیقی او این بوده که آنچه خداوند بر او واجب گردانیده دارد انجام می دهد این از باب خطا در تطبیق است و حج او صحیح می باشد؛ ولی اگر عامداً و عالماً قصد حج تمتع کرد و عمره مفرده انجام نداد اکتفا به این حج مشکل است و احتیاط در اعاده آن در سال یا سال های بعد است.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: چنانچه

کاملاً پاک شده باشد، عمره او صحیح است و دیدن لک بعد از آن ضرری به آن نمی زند؛ زیرا طهر متخلل بنابر اقوی حکم حیض را ندارد، بنابراین منظور از ده روز، مجموع دو خون است نه با ضمیمه کردن طهر واقع در میان دو خون و اگر دیدن لک نشانه ادامه مستمر خون باشد به دستور متن عمل کند.

آیه ۶ [

قربانی را به قصد رجا انجام دهد و همچنین عمره مفرده، اگر ممکن بود به قصد رجا انجام دهد. الله سیستانی:

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: و

پس از گذشت ده روز از اوّل حیض وظیفه اش روشن می شود که اگر از ده روز تجاوز نکرد و خون قطع شد حج بدل به افراد شده و لازم است عمره مفرده بهجا آورد و اگر از ده روز تجاوز کرد کشف از استحاضه بودن می کند و حج تمتع او صحیح است.

آیه ۷ [

چنانچه در فرض مذکور قصد تمتع کند.... الله نوری:

آیات ۸ [

(با اختلاف در تعبیر): هرگاه قصد انجام وظیفه فعلی عظام بهجت، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم داشته باشد کافی است.

آیه الله خامنه ای: عمل

به احتیاط کند و راه احتیاط، انجام اعمال به قصد وظیفه فعلیه بدون قصد خصوص تمتع و افراد است و قربانی نیز انجام دهد پس اگر خون از ده روز تجاوز کرد اعمالش صحیح بوده و اگر تجاوز نکرد، حجتش تبدیل به افراد شده و واجب است عمره مفرده نیز اگر حج واجب بوده است به جا آورد (مستفاد از مناسک حج، م ۷۷)

آیه الله زنجانی: در

صورت عذر حج افراد و عمره مفرده کفایت از حجة الاسلام می کند.

آیه الله نوری:

مگر آنکه قصد وظیفه فعلیه نموده و اشتباهاً قصد تمتع کرده باشد.

آیه ۹.

چنانچه در باطن هم پاک بوده اعمال قبلی او صحیح است و باید حج تمتع را کامل کند. الله زنجانی:

آیه ۱۰.

در صورتی که فهمید در حال احرام عمره تمتع حایض بوده و نیت عمره تمتع کرده بود، فتوای ایشان راجع الله خویی: به صحت آن احرام و جواز اکتفا به آن برای حج افراد یا بطلان آن به دست نیامد، گرچه در استفتائات ص ۲۳۴ از ایشان نقل شده: زنی که به گمان اینکه تا آخر وقت پاک نمی شود، نیت حج افراد نمود و بعد کشف خلاف شد، احرام او باطل است و لذا مناسب است زنان حایض به نیت مافی الذمه محرم شوند و به هر حال در فرض سؤال با فرض عدم تمکن از رفتن به میقات و ادنیالحل و یا گذشت وقوف به عرفات از همانجا که هست احتیاطاً به نیت حج افراد تجدید تبلیه نماید.

آیه الله سیستانی: حکمش

همان حکم فرض سابق است.

آیه الله صافی: بقیه

اعمال را به قصد ما فی الذمه از تمتع و افراد به جا آورد و بنابر احتیاط واجب عمره مفرده به جا آورد. (حاشیه آداب و احکام حج، مسأله ۷۵۵).

آیه ۱۱.

و شب تا طلوع آفتاب است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۶۷). الله خویی:

آیه الله سبحانه: از
مغرب تا طلوع فجر است.

آیات عظام سیستانی، فاضل، نوری: و
درک مقداری از آن، کفایت می کند؛ چنان که گذشت.

آیه الله مکارم: درک
مقداری از آن هر چند کم باشد کافی است.

مستحبات وقوف به عرفات^[۱]

[۹۷۷ م - در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱. با طهارت بودن در حال وقوف.

باشد. [۲] ۲. غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر

۳. آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

۴. نسبت به قافله ای که از مکه می آید، وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

[۳] ۵. وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن کوه مکروه است.

۶. در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آورد.

۷. قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد، پس از آن، صد مرتبه «الله اکبر» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فَكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فُسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَحْذَنْنِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و

به جایی کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلِكُ نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بَعْلُوكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنْاسِكِي اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطْلَتْ عُمُرُهُ وَأُخِيَّتُهُ بَعْدَ الْمَوْتِ.» مُحَمَّدٌ

۸. این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ

لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الثَّقَاتِلُونَ، اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَتُسْكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ ثَرَاتِي (براءتبخل) وَيَكْ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَسَاوِسِ الصُّدُوْرِ وَمِنْ شَتَاتِ الْاَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّياحِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيْءُ بِهِ الرِّياحُ وَاَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيْ قَلْبِيْ ثَوْرًا وَفِي سَمْعِيْ وَبَصَرِيْ ثَوْرًا وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرُوْقِيْ وَمَقْعَدِيْ وَمَقَامِيْ وَمَدْخَلِيْ وَمَخْرَجِيْ ثَوْرًا وَاَعْظِمْ لِيْ ثَوْرًا يَا رَبِّ يَوْمَ اَتَاكَ «. اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

و در این روز تا می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹. آنکه کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» صد مرتبه. لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پس، از اول سوره بقره ده آیه بخواند، پس سوره توحید سه مرتبه و آیه الکرسی را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

{إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ إِصْلَاحُهَا وَادَّعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ

{اللَّهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ}

پس سوره «قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد بنماید و بگوید:

«اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصِي بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ.»

و به آیاتی از قرآن، که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلوة و السلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ.»

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا

وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَكْبَرِ الْاَكْبَرِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرَدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي «. جَمِيعَ عِلْمِكَ فِيَّ

و هر حاجت که داري بخواه و از حق سبحانه و تعالي طلب کن که توفيق حج بيابي در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ»
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. «و هفتاد مرتبه»

پس بخوان اين دعا را: «اللَّهُمَّ فَكُنِي مِنَ الثَّارِ وَأَوْسَعِ عَلَيَّ مِنْ رَزَقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فُسْقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فُسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ

۱۰. آنکه نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتُّتِ الْأُمُورِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أُمْسِي ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا يَعْقُوكَ وَأُمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأُمْسِي ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأُمْسِي ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأُمْسِي وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا «. يُوْجِّهَكَ الْبَاقِي يَا حَيُّ مَنْ سُلِّ يَا أَجُودَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَّتْ لِي بِرَحْمَتِكَ وَالْإِسْنِي عَافِيَّتِكَ وَأَصْرَفَ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء (علیه و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیه را که در صحیفه کامله است السلام)
خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُقْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَقْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَقْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ
«أَعْتِقْنِي مِنَ الثَّارِ

آیه [۱]

این مستحبات را به قصد رجاء انجام می دهد. الله مکارم:

آیه [۲]

هنگام ظهر. الله نوري:

آیه ۳]

وقوف در دامنه «جبل الرحمة» در صحراي عرفات مستحب است و بهتر است از وقوف بر روي کوه والله سبحانه:
بالارفتن از جبل الرحمه در ساعات وقوف خودداري شود.

آیه الله سيستاني: وقوف
در پايين کوه افضل است.

فصل سوم: وقوف به مشعر الحرام

[۹۷۸ م - بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

[۹۷۹ و نیت کند اطاعت خدا را در این به سر بردن [۲] آن است که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعر الحرام به سر ببرد [۱] شب [۳].

و چون این وقوف عبادت خداوند است باید با نیت خالص از ریا و خودنمایی وقوف کند والا حج او در صورت ریا کردن [۴] با [۵] عمد و علم، باطل خواهد شد.

[۱] کمی قبل از طلوع آفتاب، به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محسّر» تجاوز نکند و [۷] بلکه استحباب آن است [۶] او نیست و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی [۸] اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره بر محسّر نشود.

[۱] (بهطوری که در مسأله پیش گفته شد) در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف [۱۰] از طلوع آفتاب [۹] ترک کند به تفصیلی [۱۲] اگرچه به قدر یک دقیقه باشد، پس اگر کسی وقوف بینا طلوعین را یکسره [۱۱] کمی از بین طلوعین است حج او باطل خواهد شد. [۱۳] که می آید

[۹۸۳ م - جایز است برای کسانی که عذری دارند، قدری که شب در مشعر توقف کردند کوچ کنند به منی؛ مثل زن ها و بچه ها و احتیاط [۱۴] بیماران و پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند واجب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنابراین برای این اشخاص وقوف بین طلوعین لازم نیست و احتیاط [۱۵] مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند.

[۹۸۴ م - کسی که شب یا بعض آن را در مشعر بوده است اگر قبل از طلوع صبح عمد^۱ و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع ، بنابر مشهور حج او صحیح است، و باید یک گوسفند [۱۶] آفتاب برنگردد، در صورتی که وقوف عرفه از او فوت نشده است حش را اعاده کند و این [۱۹]؛ یعنی بعد از اتمام حج لازم است در سال دیگر [۱۸] برخلاف آن است [۱۷] کفاره بدهد، لکن احتیاط احتیاط ترک نشود.

[۹۸۵ م - کسی که درک نکند وقوف بین طلوعین را یا وقوف شب را، در صورتی که صاحب عذر باشد [۲۰]، اگر مقداری از طلوع

[۲۱] آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند اگرچه کم باشد حج او صحیح است.

[۹۸۶ م - از آنچه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است:

اول - شب

عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم - بین

[۲۲] طلوع صبح و طلوع آفتاب.

سوم - از

[۲۳] طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم، که اضطراری مشعر است؛ چنانکه قسم اول نیز اضطراری است.

[۹۸۷ م - چون معلوم شد [۲۴] که وقوف به عرفات و مشعر اختیاری و اضطراری دارند و از برای وقوف به مشعر دو قسم اضطراری است، پس به ملاحظه ادراک هر دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری، مفرد^۱ و مرکب^۲، و به ملاحظه [۲۵] ترکعمدی یا جهلی یا نسیانی، اقسام زیادی دارد که در اینجا آنچه مورد ابتلا ممکن است بشود، ذکر می شود:

اول - آنکه

؛ یعنی از ظهر روز عرفه، عرفات را و بین الطلوعین صبح دهم، مشعر راکلف درک هر دو موقف کند در وقت اختیاری درکند. پس اشکالی در صحت حج او نیست.

دوم - آنکه

هیچ یک از دو موقف را درک نکنند، نه اختیاری آنها را و نه اضطراری را، پس اشکالی نیست در بطلان حج او و باید به که عبارت است از طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن، به جا آورد و از [۲۶] همان احرام حج عمره مفرد، اگر شرایط استطاعت [۲۸] همراه داشته باشد احتیاطاً ذبح کند و باید سال دیگر حج به جا آورد [۲۷] احرام محلّ شود و اگر گوسفند، در صورتی که درک نکردن موقف به واسطه عذر باشد [۲۹] را دارا باشد،

[۹۸۸ م - اگر درک نکردن دو موقف که ذکر شد، از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر می شود و باید سال دیگر چه شرایط باشد [۳۰] یا نباشد به حج برود.

[۹۸۹ م - احتیاط آن است که این شخص که حج او باطل شد و باید عمره به جا آورد نیت عدول به عمره مفرده بکند. [۳۱]

سوم - آنکه

درک کند اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر در روز؛ یعنی اضطراری نهاری مشعر را، پس اگر اختیاری مشعر را عمد^۱ و الا صحیح است. [۳۲] ترککرده باشد حج او باطل است

چهارم - آنکه

درکرده باشد اختیاری مشعر را با اضطراری عرفه، پس اگر اختیاری عرفه را عمد^۱ ترککرده، حج او باطل است و الا صحیح است.

پنجم - آنکه

در کرده باشد اختیاری عرفه را با اضطراری شب مشعر؛ یعنی قبل از طلوع صبح، پس اگر اختیاری مشعر را با عذر [۳۳] ترک کرده است، چنانچه گفته شد، حج او صحیح است و الا باطل است بنابر احتیاط واجب.

ششم - آنکه

، پس اگر صاحب عذر [۳۵] باشد و اختیاری عرفه را عمد^۱ ترک نکرده باشد ظاهر^۱ حج او صحیح است و غیر صاحب عذر اگر اختیاری در یکی [۳۷] و بنابر احتیاط در دیگری که اختیاری^۲ مشعر باشد، و ی باشد احتیاط واجب در بطلان است. اگر به غیر عمد [۳۹]

هفتم - آنکه

در کرده باشد اضطراری عرفه و اضطراری یومی مشعر را، پس اگر ترک یکی از دو اختیاری را عمد^۱ کرده باشد حج او ، گرچه احتیاط^۲ اعاده است در سال بعد، با حاصل ت بودن شرایط وجوب.

هشتم - آنکه

، احتیاط واجب در این صورت اتمام و اعاده [۴۳] است اگر اختیاری مشعر را عمد^۱ ترک نکرده باشد و الا حج او باطل است.

نهم - آنکه

[۴۴] در کنند اضطراری عرفه را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دهم - آنکه

، در این صورت حج او صحیح است اگر وقوف عرفه را عمد^۱ ترک نکرده باشد و الا حج او [۴۵] در کنند اختیاری مشعر را باطل است.

یازدهم - آنکه

[۴۷]، در این صورت حج او باطل است. [۴۶] در کنند اضطراری روز مشعر را فقط

دوازدهم - آنکه

در کنند اضطراری لیلی مشعر را فقط، در این صورت اگر وقوف عرفات را عمد^۱ ترک نکرده باشد و از صاحبان عذر حج او صحیح است و الا باطل است. [۴۸] باشد، ظاهر^۱

آیه [۱]

احتیاط این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند. الله بهجت:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط

این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند، هر چند وجوب بیتوته ثابت نشده است.

آیه الله سیستانی: واجب

است پس از حرکت از عرفات مقداری از شب عید را تا صبح در مشعر الحرام بماند و پس از آن تا طلوع آفتاب نیز باید بماند گرچه کوچ کردن به طرف وادی محسر قبل از طلوع آفتاب به اندکی جایز است و جایز نیست از آن تجاوز کند. (مناسک، مسأله ۳۷۲).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب

است بیتوته در مشعر و احتیاط آن است که در مشعر ذکر خدا را ترک نکند هر چند
مختصر و کم باشد (مناسک فارسی، مسأله ۱۵۶).

آیه [۲].

پس از وقوف در عرفات به احتیاط واجب زائر خانه خدا شب را در مشعر بماند تا زمان وقوف اختیاری بین الله سبحانه:
الطلوعین را درکند و نباید شب یا قسمتی از آن را در بیرون از مشعر به سر برد و سپس برای وقوف رکنی به مشعر بیاید مگر
در حال ضرورت ولی در هر صورت اگر عمداً هم نماند ولی وقوف اختیاری را درک کرد حج او صحیح است.

آیه الله مکارم: و

مقداری ذکر خدا بگوید.

آیه [۳].

بیتوته شب دهم در مشعر الحرام، واجب نیست؛ لکن کسی که قبل از طلوع فجر، وارد مشعر می شود، بنابر الله زنجانی:
احتیاط مؤکد مستحب بیتوته کند یعنی تا طلوع فجر در آنجا بماند قرینه الی الله.

آیه الله سیستانی:

□ معتبر در عبادات قصد تذلل و کرنش در پیشگاه حق است.

آیه الله فاضل: نیت [

این ماندن که یک احتیاط وجوبی است غیر از نیت ماندنی است که به عنوان واجب فتوایی در مسأله بعد
می آید. بنابر این دو نیت جداگانه باید صورت پذیرد.

آیه [۴].

به حاشیه مسأله ۹۸۲ مراجعه شود. الله زنجانی:

آیه الله سیستانی: وقوف

اختیاری مشعر مقداری از شب است و وقوف بینالطلوعین.

آیه [۵]

ترک عمدی و قوف در مشعر مابین الطلوعین به تنهایی موجب بطلان حج نمی شود ولی گناه کرده و یک الله مکارم: گوسفند باید کفاره بدهد.

آیه [۶]

اشهر و احوط وجوب ماندن است تا طلوع آفتاب، پس اگر عمد^۱ پیش از طلوع آفتاب بیرون رود و از وادی الله بهجت: محسّر تجاوز کند گناه کار است و بعضی یک گوسفند کفاره واجب دانسته اند (مناسک شیخ، ص ۶۷).

آیه الله خویی: ماندن

تا طلوع آفتاب واجب است و در صورت کوچ قبل از طلوع آفتاب گناه کرده و کفاره ندارد. (مناسک عربی، مسأله ۳۷۳).

آیه الله زنجانی:

اگر حاجی، شب عید وارد مشعرالحرام شود، قبل از طلوع خورشید، نباید از آنجا کوچ کند.

آیه [۷]

وقوف بین الطلوعین یک وقوف استیعابی است یعنی برای کسی که عذر ندارد باید تمام وقت بین الله سبحانه: الطلوعین را در مشعر باشد و قبل از طلوع آفتاب از وادی محسّر عبور نکند.

آیه الله مکارم: ماندن

تا طلوع آفتاب در سرزمین مشعر واجب است و اگر قبل از آن عمد^۱ کوچ کند حج او باطل نیست ولی گناه کرده و یک گوسفند باید کفاره بدهد.

آیه [۸]

اگر چه از روی عمد باشد کفاره واجب نیست، اگر چه گناه کار است (مناسک، ص ۲۷۳). الله سیستانی:

آیه الله گلپایگانی: احوط

دادن یک گوسفند است، ولی اقوی واجب نبودن آن است. (آراء المراجع، ص ۳۳۸).

آیه [۹]

بنابر احتیاط ماندن تا طلوع آفتاب روز عید واجب است. الله بهجت:

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم: وقوف

در مزدلفه واجب است از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید قربان.

آیه الله سبحانی: نباید

قبل از طلوع از مشعر بیرون رود ولی اگر چنین کرد معصیت کرده لکن حج او صحیح است و کفاره هم

ندارد.

آیه الله سیستانی: بلکه

واجب قسمتی از شب است تا طلوع آفتاب و رکن، وقوف فیالجمله از آن است، پس اگر مقداری از شب را درکنند و قبل از طلوع فجر با علم و عمد کوچ کند حش صحیح است ولی گوسفندی را باید کفاره بدهد و اگر جاهل باشد کفاره ندارد و اگر فقط بخشی از بینالطوعین بماند و کوچ کند - هرچند عمد۱ - باز هم حش صحیح است و کفاره ندارد گرچه گناه کرده است.

آیه [۱۰]

مقدار واجب وقوف اختیاری مشعر، مسماي وقوف بین الطلوعین است و مقدار رکن، وقوف مسمای وقوف الله زنجانی: بین غروب (=زوال حمرة مشرقیه) روز نهم تا طلوع خورشید روز عید است، پس کسی که بدون عذر، تمام این مقدار را ترک کند حش باطل می شود و اگر مقداری از شب عید را در مشعر، وقوف نموده رکن وقوف را درآورده پس چنانچه هیچ مقدار از وقوف بین الطلوعین را درک نکند حش باطل نمی شود هر چند از روی علم و عمد باشد. دومین واجب مشعر، «گفتن ذکر خداوند متعال» است و ذکر قلبی، کافی نیست، بلکه باید آن را به زبان آورد و لازم نیست که ذکر را به عنوان ذکر مشعرالحرام بگوید و به هر صورت (نماز، دعا، تهلیل، تسبیح و...) خداوند را به زبان یاد کند کافی است و در هر حال ترک آن وقوف را باطل نمی کند.

آیه [۱۱]

به مقداری که عرفاً بگویند در آنجا توقف کرده است. الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

آیه الله

عمد۱ اردبیلی:

. نظریه آیات عظام هم در آنجا خواهد آمد. [۱۳]

آیه الله مکارم:
اگر شب را در مشعر باشد حج او صحیح است.

آیه الله.
و کسانی که از ماندن در مشعر الحرام خائف باشند. اردبیلی:

آیه الله بهجت: کسی
که شب را در مشعر به روز آورده، به قصد وقوف با قصد قربت، بنابر احتیاط متقدم (۹۷۹) و دشوار باشد بر او
ماندن بعد از طلوع فجر، جایز است که قبل از طلوع فجر از آنجا بیرون رود به سوی منی؛ مثل زن ها و مردهای پیر و بیماران و
کسانی که کار ضروری دارند. (مناسک شیخ، ص ۶۷).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسانی
که ناچارند همراه معذورین باشند، اگر بتوانند ولو یک لحظه قبل از طلوع آفتاب به مشعر
برگردند باید برگردند و در فرض عجز، اگر بتوانند قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند باید برگردند.

آیه الله زنجانی: چند
دسته اند که می توانند مقداری از شب عید را در مشعر، وقوف کرده به منی کوچ کنند ولو قبل از نیمه
شب مانند: ۱ و ۲. بانوان و کودکان، هر چند وقوف بین الطلوعین برای آنها مشقت نداشته باشد؛ ۳. افراد ناتوان مانند کهنسالان
در صورتی که وقوف بین الطلوعین برایشان مشقت (هر چند شدید نباشد) داشته باشد؛ ۴. کسانی که وقوف بین الطلوعین
برایشان موجب حرج است؛ ۵. کسانی که می ترسند اگر بین الطلوعین وقوف کنند مواجه با مشکلی شوند که دفع آن واجب است
مثلاً با ضرری اساسی یا خطری جدی روبرو شوند؛ ۶. کسی که اگر وقوف کند برایش مشکلی مانند مراجعت کاروان پیش می
آید که نتواند اعمال مکه را شخصاً به جا آورد؛ ۷. کسانی که لازم است گروه های پیشین را همراهی کنند؛ ۸. مأموران تدارکات
که باید برای تأمین احتیاجات حجاج، زودتر به منی بروند. البته بر مأموران و همراهان این گروه ها اگر مشقت شدید نداشته
باشد واجب است قبل از طلوع آفتاب خود را به مشعر الحرام برسانند.

آیه الله سبحانی: چنانچه
معذورین مستقر شوند و نیازی به اینها ندارند به احتیاط واجب برگردند اما کسانی که حج آن ها نیابی
است چنانچه با معذورین به منی رفتند برای درک وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

آیه الله فاضل: بلی
لازم است همراهان معذورین و کسانی که عذر آنها برطرف شد. در صورت امکان برای درک وقوف اختیاری
به مشعر برگردند.

آیه الله.

این احتیاط مستحب است. اردبیلی:

آیه الله خامنه ای: این

احتیاط واجب نیست. (مناسک حج، م ۳۳۹)

آیه الله سبحانی: واجب

است معذورین و زنان و کودکان و... که وقوف اضطراری لیلی مشعر را انجام می دهند و کسانی که همراه آنان هستند اگر قبل از نیمه شب وارد مشعر شوند آنگاه که شب از نیمه گذشت از حدّ مشعر خارج شوند و جمره عقبه را نیز بعد از نیمه شب رمی کنند لکن چنانچه پلیس یا مأمورین دولتی عربستان مانع از توقف ماشین معذورین در مشعر شدند و زودتر از نیمه شب از مشعر گذشتند این وقوف اضطراری کفایت می کند و لکن رمی جمره عقبه باید پس از نیمه شب باشد و □ زودتر رمی نکنند.

آیه الله سیستانی: جایز [

است به توقف قسمتی از شب عید در آنجا و حرکت کردن قبل از طلوع فجر به طرف منی اکتفا کنند

]. (مناسک، ص ۲۷۴).

آیه الله مکارم: این

احتیاط مستحب است.

سایر آیات

نظرشان این است: همین که مقداری از شب را در مشعر مانند، می توانند تا قبل از طلوع فجر از آنجا بروند. عظام

آیه ۱۶.

حج او صحیح است، ولی چنانچه قبل از نیمه شب، کوچ کند، باید یک شتر قربانی کند و اگر بین آن و طلوع الله زنجان: فجر برود یک گوسفند کفاره دارد و چنانچه بعد از طلوع فجر کوچ کند یا جاهل یا ناسی باشد و یا قبل از طلوع آفتاب برگردد کفاره ندارد.

آیه الله.

اگر بدون عذر بیرون رود پیش از طلوع فجر، به شرطی که علاوه بر بیتوته مشعر، وقوف عرفه از او فوت نشده بهجت: باشد، حج او صحیح است و لکن بر او یک گوسفند کفاره لازم است و این قول مشهور و قوی است (مناسک شیخ، ص ۶۷ و ۶۸).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حش

باطل است و تبدیل به عمره مفرده می شود، بلی اگر جاهل به حکم بوده و پس از علم ممکن نباشد ولو تا قبل از ظهر روز عید به مشعر برگردد حش صحیح است و می بایست یک گوسفند قربانی کند. (مناسک، فرض

هفتم، ص ۲۴۲).

آیه الله سبحانی: اگر نگوییم

اقوی بطلان حج است احتیاطاً این حج را مبرء ذمه نداند و اعمال حج را به پایان برده و یک گوسفند کفاره بدهد و به احتیاط واجب سال بعد حج را اعاده کند.

آیه الله سیستانی:

بنابر اظهر حجت صحیح می باشد و باید در صورتی که با آگاهی از حکم شرعی این کار را کرده باشد یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۳۷۳).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: این

احتیاط لازم نیست.

آیه الله مکارم: کسی

که شب را در مشعر مانده و بین الطلوعین را عمدتاً ترک کرده، حج او صحیح است هر چند گناه کرده و یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله.

احتیاط واجب آن است که چنین کسی اعمال واجب حج تمتع و عمره مفرده را به قصد ما فی الذمه یعنی اعماردبیلی:

□ از حج و عمره مفرده به جا آورد و اگر طواف و نماز و سعی و طواف

نساء و نماز آن را یک بار به قصد ما فی الذمه انجام دهد، کافی است و در سال بعد نیز چنانچه شرائط استطاعت را دارا باشد □

یا حج از قبل بر او مستقر شده باشد، حج را اعاده کند.

آیه ۱۹]

بنابر اقوی. الله فاضل:

آیه الله.

و وقوف اختیاری در عرفات را در کرده باشد یا وقوف اضطراری عرفات را در کرده و در ترک اختیاری آن معذور سبحانی: باشد.

آیه الله فاضل:

اگر وقوف در عرفات را درک کرده باشد.

آیه الله.

مشروط بر اینکه وقوف اختیاری عرفه یا اضطراری آن در صورت عذر را درک کرده باشد. اردبیلی:

آیات عظام زنجانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: حج

او صحیح نیست مگر اینکه وقوف اختیاری یا لااقل اضطراری عرفات

را نیز درک کرده باشد که حج او صحیح است.

آیه الله.

قسمتی از شب تا طلوع آفتاب. سیستانی:

آیه الله فاضل: برای

افراد عادی؛ یعنی افرادی که عذری برای ترک وقوفین ندارند.

آیه الله.

و گذشت که قسم اول اختیاری است. سیستانی:

آیه الله.

در بیان صور هشتگانه وقوفین، تفاوت هایی با متن وجود دارد. (مناسک، ص ۲۷۵). سیستانی:

آیه الله.

حج در موارد ذیل، فاسد می شود و باید به دستوری که در ذیل این مسأله آمده عمل شود: ۱. ترک هر دو وقوف، زنجانی:

مطلقاً؛ ۲. ترک وقوف اختیاری عرفه، بدون عذر؛ ۳. ترک هر دو وقوف لیلی و اختیاری مشعر، بدون عذر؛ ۴. فقط اضطراری نهاری مشعر را درکند، مطلقاً؛ ۵ و ۶. فقط اختیاری یا اضطراری عرفه را درکند، مطلقاً. البته دو مورد اخیر در یک صورت حجتان صحیح است و آن اینکه شبانه از مشعر عبور کرده و در آنجا ذکر خداوند گفته باشند و چون مسأله را نمی دانسته اند قصد وقوف نکرده اند و وقتی متوجه شده اند که به وقوف نهاری هم نمی رسند. در غیر این چند صورت، ترک وقوف، حج را فاسد نمی کند و از اینجا حکم تمام صور دوازده گانه روشن می شود.

آیه الله

با نیت عدول به عمره مفرده علی الأحوط، و وجوب ذبح گوسفند که همراه داشته باشد محتاج به تأمل است، بلی بهجت: موافق احتیاط و مروی در خبر داود رقی و صحیح ضریس به نقل فقیه است و در سال آینده حج می کند اگر شرایط مقررّه وجوب حج درباره او متحقق بشود. (مناسک شیخ، ص ۶۸ و ۶۹).

آیه الله سبحانی:

بنابر احتیاط واجب باید نیت عدول به عمره مفرده بکند و اعمال عمره مفرده را به جا آورد و در صورتی که شرایط استطاعت را داشته، حج بر او مستقر شده باشد سال دیگر به حج برود (کتاب الحج، ج ۴، ص ۴۲۷ - ۴۳۱).

آیه الله فاضل: و

بهتر است قصد عدول به عمره مفرده بنماید.

آیه الله

متعرض این فرع نشده اند. خویی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: گوسفند را قربانی کند.

آیه الله

حج سال بعد در دو صورت واجب می شود: ۱. حج او حج واجب باشد، حجة الاسلام، نذریا غیره؛ ۲. حج اوزنجانی: مستحب باشد و هنگام احرام، با خداوند، شرط تحلل نکرده باشد. و در وجوب حج سال بعد به جهت ترک وقوفین، فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست.

آیه الله

اگر حج بر او مستقر بوده به حج برود، چه مستطیع باشد یا نباشد. صافی، آیه الله گلیپایگانی:

آیه الله

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود. زنجانی:

آیات عظام خویی، سبحانی، سیستانی :

واجب است در صورتی که استطاعتش تا سال بعد باقی بماند و یا حج از سال های پیش بر ذمه اش مستقر شده باشد، سال بعد به حج برود.

آیه الله

بنابر احتیاط واجب چنانکه گذشت. بهجت، آیه الله سبحانی:

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیه الله

چون اختیاری مشعر بخشی از شب است تا طلوع آفتاب، اگر بین الطلوعین را عمداً هم ترک کنند حجت سیستانی: صحیح است ولی در صورت علم یک گوسفند کفارہ واجب است.

آیه الله |

به حاشیه مسأله ۹۸۴ مراجعه شود. اردبیلی:

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل:

بنابر اقوی باطل است.

نظریه آیات عظام در این فرض در مسأله ۹۸۴ گذشت.

آیه الله.

اگر اختیاری عرفه را عمد^۱ ترک نکرده باشد، صحت حج او بعید نیست لکن احوط اعاده حج است در سال آینده، بهجت:
با شرایط وجوب (مناسک شیخ، ص ۶۹).

آیه الله.

منظور از صاحب عذر کسی است که از ماندن شب در مشعر معذور است؛ مانند زنان و بیماران و همراهان سیستانی:
آنها.

آیه الله.

و در ترک عمدی مشعر نیز بنابر اقوی حج او باطل است. سبحانی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

اگر عمد^۱ اختیاری عرفه را ترک کرده باشد حش باطل است و لکن نسبت به ترک اختیاری مشعر، اگر بدون عذر پیش از اذان صبح از مشعر بیرون برود حش صحیح است به شرط آنکه وقوف به عرفات را انجام داده باشد و شب در مشعر به قصد وقوف مانده باشد و لکن بر آن یک گوسفند کفاره واجب است. (مناسک فارسی، ص ۱۲۵، قسم پنجم و مسأله ۱۶۲ و ص ۱۲۲، مسأله ۱۵۹).

آیه الله.

اگر اختیاری عرفه باشد حج باطل است و اگر اختیاری مشعر باشد، بنابر اقوی حج باطل است. فاضل:

آیه الله.

اختیاری مشعر از شب است تا طلوع آفتاب و حج او در این صورت صحیح است، همچنانکه گذشت. سیستانی:

آیه الله مکارم:

اگر اختیاری مشعر را عمد^۱ ترک کرده باشد حج او صحیح است و یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله.

لکن اگر ترک اختیاری مشعر به این صورت باشد که شب وقوف در مزدلفه کرده و از روی جهل تبریزی، آیه الله سبحانی: به مسأله قبل از فجر از آنجا کوچ کرد و تا ظهر روز عید هم نتوانست به مشعر برگردد حج او صحیح است و باید یک گوسفند [کفاره دهد].

آیه الله سیستانی: اگر [

جاهل مقصر باشد حجّش باطل است و اگر از روی فراموشی یا جهل قصوری یا هر عذر دیگر، اختیاری را ترک کند و اضطراری را انجام دهد حجّش صحیح است.

آیه الله مکارم:

اگر از روی جهل باشد.

آیه الله.

بنابر اقوی حج او صحیح است. اردبیلی:

آیه الله سبحانی: حج

او صحیح است و بقیه اعمال را انجام می دهد و نیازی به اعاده نیست.

این احتیاط مستحب است. آیه الله مکارم: [۴۱]

آیه الله.

در این صورت حتی اگر وقوف اختیاری مشعر را عمد^۱ ترک نکرده باشد، حجّش باطل است و باید با همان اردبیلی: احرام، عمره مفرده انجام دهد و در سال بعد در صورت وجود شرایط استطاعت، حج را اعاده کند ولی اگر به علت ندانستن مسأله بدون آنکه در مشعر وقوف کند از آنجا گذشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید اعمال را به نیت اعم از عمره مفرده و حج تمام کند

و در سال بعد حج را اعاده نماید.

آیه الله سبحانی:

اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده حج او باطل و احرام تبدیل به عمره مفرده می شود و حج را در مستقر و غیر مستقر سال بعد بیاورد ولی اگر همین شخص هنگام عبور از مشعر به منی ذکر خدا را گفته است حج او صحیح است و گرنه باطل است حتی اگر ترک و قوف مشعر غیر عمد باشد.

آنکه فقط وقوف اختیاری عرفات را درک نماید که اظهر در این صورت صحت حج است مگر آنکه اختیاری آیه الله بهجت: [۴۳] مشعر را عمداً ترک کرده باشد. (مناسک، ص ۱۳۴).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اظهر

در این صورت این است که حج او باطل و به عمره مفرده منقلب می شود.

آیه الله سیستانی: حج

او باطل است و به عمره مفرده منقلب می شود، بهجز یک صورت و آن اینکه هنگام عبور از عرفات به منی در مشعر در وقت اختیاری (از شب تا طلوع آفتاب) گذشته باشد و ذکر خدا گفته باشد که در این صورت حجت صحیح است [هرچند قصد وقوف نکرده باشد از روی جهل به مسأله].

آیه الله صافی: احتیاط [

در آن ترک نشود به اینکه اعمال را به قصد ما فی الذمه از عمره و حج به جا آورد و در سال بعد نیز در صورتیکه حج بر او مستقر بوده یا استطاعتش باقی باشد حج به جا آورد. (مناسک فارسی، ص ۱۵۸).

آیه الله گلپایگانی: اقوی

و اشهر صحیح بودن حج است. (آراء المراجع، ص ۳۴۶).

آیه الله مکارم: حج

او صحیح است و احتیاج به اعاده ندارد.

آیات عظام

و باید عمره مفرده به جا آورد تا از احرام خارج شود. سبحانی، سیستانی، مکارم:

آیه الله.

فقط.فاضل:

آیه الله سبحانی: و

حج او صحیح است لکن اگر می توانست وقوف اضطراری عرفات را درکند اما بدون عذر به عرفات نرفت در این صورت حج او باطل است هر چند وقوف در مشعر را درک نماید.

چنانچه وقوف عرفات را عمد^۱ ترک نکرده باشد، بنابر احتیاط واجب حج را به قصد ما فی الذمه یعنی اعم از آیه الله اردبیلی: [۴۶] حج تمتع و عمره مفرد تمام کند و در سال آینده نیز با وجود شرایط استطاعت، حج را اعاده نماید.

آیه الله.

مورد تأمل است هر دو اضطراری مشعر که این صورت و صورت بعدی است (مناسک شیخ، ص ۶۹). بهجت:

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی: آنکه

فقط وقوف اضطراری مزدلفه را درکند، که در این صورت بعید نیست حشش صحیح باشد. ولی احتیاط این است باقی اعمال را به قصد فراغ ذمه از آنچه به او تعلق گرفته چه عمره مفرد و چه حج به جا آورد و در سال بعد حج را اعاده نماید.

آیه الله سبحانی:

بنابر احتیاط باقی اعمال را به قصد فراغ ذمه از آنچه که به او تعلق گرفته چه عمره مفرد و چه حج، به جا آورد و در سال بعد حج را اعاده نماید (کتاب الحج، ج ۴، ص ۴۶۶).

آیه الله سیستانی: حج

او باطل است و بدل به عمره مفرد می شود.

آیه الله فاضل:

اگر اختیاری عرفه را عمد^۱ ترک نکرده باشد، ظاهراً حج او صحیح است.

آیه الله.

حج او صحیح است. سبحانی:

آیه الله سیستانی: بلکه
هر چند از صاحبان عذر نباشد.

آیه الله صافی: در
این صورت اگر چه صحت حجّش بعید نیست ولی احتیاط ترک نشود به انجام اعمال به قصد ما فی الذمه از
عمره و حج و به جا آوردن حج در سال آینده در صورت استقرار حج بر او و بقاء استطاعت و در این جهت فرقی بین اضطراری
لیلی و نهاری مشعر نیست.

آیه الله فاضل: در
این صورت اگر وقوف به عرفات را عمد^۱ ترک کرده باشد، حج او باطل است و الا بنا بر احتیاط حج باطل است،
اگر چه از ذویالأعذار نباشد.

آیه الله گلپایگانی: در
این صورت بعید نیست حجّش صحیح باشد، اگر چه احوط اعاده است. (مناسک فارسی، ص ۱۲۵ ششم، و
مسأله ۱۶۲).

آیه الله مکارم: خالی
از اشکال نیست.

استفتائات وقوف به مشعر الحرام

[۹۹۰] س - عده ای در شب دهم ذی حجه عازم مشعر بودند، از افرادی که آنجا بودند سؤال نمودند مشعر کجا است؟ جواب دادند اینجا است، اطمینان پیدا کردند که مشعر است، نیت بیتوته و قصد وقوف کردند، بعد که وقت اضطراری مشعر هم گذشته بود، معلوم شد مشعر نبوده، آیا نسبت به باقی اعمال حج و سال آینده وظیفه چیست؟

[۱] -

این حج را اتمام کنند و بعد از آن، اعمال عمره مفرده انجام دهند و در صورت استقرار حج یا بقای [۲] احتیاطاً [۳] استطاعت، سال بعد حج را اعاده کنند.

[۹۹۱] س - اگر به گفته مدیر گروه که می گوید درک وقوف اختیاری مشعر برای او مشکل است و نمی تواند آن را درک نماید، اعتماد کند و وقوف اختیاری را ترک نماید آیا اشکالیندارد؟

ج -

[۵] عذر حاصل شده، کفایت می کند. [۴] اگر برای خود شخص

[۹۹۲] س - خدمه ای که با زنها، قبل از طلوع فجر، به منی می روند ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر می رسانند و وقوف رکنی مشعر را درک می کنند، آیا نیابت آنان صحیح است یا نه؟

ج -

هرچند مرتکب [۷] که نیابت آنها صحیح است در فرض مرقوم حجتان نیابتاً صحیح است. [۶] اگر از ذوی الأعدار نبوده اند. [۸] حرام شده اند.

[۹۹۳] س - کسی که نمی دانسته وقوف اختیاری مشعر، بین طلوعین است [۹]، پس از آن وقوف اضطراری را در کرده، وظیفه او چیست؟

ج -

[۱۰] اگر جهل او قصوری و عذری باشد، نه تقصیری و ترک وقوف اختیاری از روی عذر شده باشد، مانع ندارد.

[۹۹۴] س - شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف لیلی مشعر را در کرده و عمداً قبل از طلوع فجر رفته است به منی، برای بردن اثاث و کار دیگری، و قصد داشته است که مجدداً به مشعر برگردد ولی در منی خوابش برده، وظیفه چنین حاجی ای چیست؟

ج -

کافي است، ولي اگر شب نيت وقوف نداشته، [۱۱] با فرض اينکه ترک اختياري مشعر عمدي نبوده، در فرض مرقوم، اضطراري بايد اضطراري روز را درککند [۱۳] ولي اگر نايب است کافي نيست.

آية [۱]

به صورت پنجم و ششم حاشيه مسأله ۹۸۷ مراجعه شود. الله زنجاني:

آية [۲]

حج آنان باطل است و با همان احرام، بايد عمره مفرده انجام دهند و در سال بعد اگر شرايط استطاعت را دارا الله اردبيلي: بودند، حج را اعاده کنند مگر آنکه به واسطه جهل به موضوع بدون نيت وقوف از مشعر عبور کرده باشند که در اين صورت بنابر احتياط واجب بايد اعمال را به نيت اعم از حج و عمره به اتمام برسانند و در سال بعد نيز چنانچه شرايط استطاعت را دارا بودند، حج را اعاده نمايند.

آية الله سبحاني: احتياط

این است که بقيه اعمال را به قصد مافيا لزمه از عمره و حج به جا آورند و سال بعد حج را اعاده کنند.

آية الله صافي: چنانچه [

وقوف اختياري عرفات را درک کرده اند، احتياط اين است که بقيه اعمال را به قصد ما في الذمه از عمره و حج به جا آورند و در صورت استقرار حج يا بقاء استطاعت، سال بعد حج را اعاده کنند.

آية الله گلپايگاني: چنانچه

وقوف اختياري عرفات را درک کرده اند حج آنان صحيح است. (آداب حج، م ۷۷۱)

آية الله مكارم: حج

او صحيح است و احتياط لازم نيست.

نظريه آيات عظام در فرض هشتم، صور وقوفين، در مسأله ۹۸۹ گذشت. [۳]

آية [۴]

يقين يا اطمينان به عذر الله فاضل:

آیه [۵]

و همچنین اگر مقداری از شب عید وقوف کرده کافی است. الله زنجانی:

آیه الله سیستانی:

اگر مقداری از شب مانده باشد، حش صحیح است و چیزی بر او نیست.

آیه [۶]

و عذر طاری است. الله بهجت:

آیه [۷]

اگر لازم بوده است با زن ها به منی بروند گناهی نکرده اند. الله مکارم:

آیه الله نوری:

با فرض ترک عمدی، نیابت محل اشکال است.

[۸] . مراجعه شود به شرط هفتم نایب.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: نیابت

آنها به هر حال صحیح است.

آیه [۹]

وقوف اختیاری مشعر از شب است تا طلوع آفتاب. الله سیستانی:

آیه ۱۰]

و نیز به ذیل مسأله ۹۸۴ مراجعه شود. الله بهجت:

آیه الله سبحانی: لکن

اگر از میان همه وقوف های اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر فقط اضطراری نهاری مشعر را درک کرده بنابر احتیاط حج او باطل است و باید سال بعد اعاده کند هر چند ترک آن ها از روی عذر بوده باشد.

آیه الله خوبی: نظر

ایشان راجع به کسی که از روی جهل به حکم وقوف مشعر تا طلوع آفتاب را درک نکرده روشن نیست بلی اگر کسی به خاطر فراموشی یا عذر دیگری متمکن از وقوف قبل از طلوع آفتاب نشد وقوف اضطراری برای او مجزی است. (مناسک، مسأله ۳۸۰).

آیه ۱۱]

بنابر احتیاط، وقوف اضطراری روز را درک کند و در فرض مذکور که عذر طاری است حج او مجزی از منوب عنه الله تبریزی: است.

آیه الله خوبی: باید

وقوف اضطراری روز را در فرض تمکن درک کند و حکم نایب معذور به عذر طاری قبلاً گذشت.

آیه الله سیستانی: حش

صحیح است و نیابتش مجزی است.

آیه الله مکارم: حج

او صحیح است و اگر می تواند اضطراری روز مشعر را به جا آورد احتیاط آن است که به جا آورد و اگر نایب است و عذر مزبور قابل پیشبینی نبوده نیابتش نیز صحیح است.

نظر آیه

در این مسأله به دست نیامد. الله زنجانی

آیه الله.

و برای نیابت هم کافی است. فاضل:

. نظر آیات عظام در فرض پنجم از مسأله ۹۸۷ گذشت. [۱۳]

آیه الله اردبیلی: چنانچه
عذر بعداً به وجود آمده باشد، نیابت او صحیح است.

آیه الله بهجت: ظاهراً
مطابق نظر ایشان، چون عذر طاری است نیابت صحیح است.

۱۱) مستحبات وقوف به مشعر الحرام

[۹۹۵] م - بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوْفِيقِي وَزِدْهُ فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي.»

و در راه رفتن میانه‌روی

نماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگرچه ثلث شب و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد و در صورتی که از [۳] نیز بگذرد و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی، از طرف راست راه نزول نماید و اگر حاجی سروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسر باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند: [۴]

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تَعْرِفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَثَرَلِي هَذَا وَأَنْ تَقِيَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ»

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد و به هر مقداری که میسر باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَ رَقَّبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسَعْ عَلَيَّ مِنْ رَزَقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فُسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ حَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثَرَتِي وَتَقَبَّلَ مَعْذِرَتِي.» وَأَنْ تُجَاوِزَ عَنْ خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ الثَّقَوِيَّ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي

و مستحب است سنگ ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است [۵] و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسّر رسید، به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است

بگوید: سواری خود را حرکت دهد و

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلُقْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي.»

صحیح است و اگر نائب است از منوب عنه کفایت می کند.

این مستحبات را به قصد رجاء بجاء بیاورند. آیه الله مکارم: [۱].

آیه [۲].

اللهم ارحم موقفي و زد في عملي. الله بهجت، آیه الله نوری:

آیه [۳].

یعنی برای نماز مغرب اذان و اقامه می گوید و برای عشا فقط اقامه. الله مکارم:

آیه [۴].

مشعر الحرام در این روایات نام کوهی است که در سرزمین مزدلفه بوده است. الله زنجانی:

آیه الله مکارم: این

حکم در روایات متعددی آمده است و احتمالاً منظور از آن با پای برهنه قدم گذاشتن در سرزمین مشعر است.

آیه [۵].

ولی از آنجا که در شلوغی جمعیت غالباً بعضی از سنگ ها اصابت نمی کند بهتر است بیشتر جمع آوری کند. الله مکارم:

اول - رمي جمره عقبه

يعني ريگ انداختن به جمره، که نام محلي است در مني.

[۱۹۶] در سنگي که مي خواهد بيندازد به آن، «حصي» يعني ريگ گفته شود، پس اگر آنقدر ريز باشد که ريگ به آن گفته [۱] نشود مثل «شن» کافي نيست و اگر خيلي بزرگ باشد نيز کافي نيست، چنانچه به غير ريگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نيز جايز نيست و اما اقسام سنگ ها حتي سنگ مرمر مانع ندارد.

[۹۹۷] م - شرط است که سنگ ها از حرم باشد و سنگ خارج حرم کافي [۲] مي تواند بردارد مگر مسجدالحرام [۳] نيست و در حرم از هر موضعي که مباح باشد و مستحب است از مشعر [۴] و مسجد خيف بلکه ساير مساجد بناير احوط بردارد.

[۹۹۸] م - شر نينداخته باشد، اگرچه در سال هاي قبل [۷] ديگري به وجه صحيح [۶] باشند؛ يعني آنها را خودش يا کس [۵]

[۹۹۹] م - شرط است که مباح باشد [۸]، پس با سنگ غصبي يا آنچه که ديگري براي خودش حيازت کرده کافي نيست. [۹]

[۱۰۰۰] م - شرط است که مباح باشد [۸]، پس با سنگ غصبي يا آنچه که ديگري براي خودش حيازت کرده کافي نيست. [۹] مي تواند به جا آورد و اگر تا [۱۳]، تا روز سيزدهم [۱۲] تا غروب آن و اگر فراموش کرد [۱۱] از طلوع آفتاب روز عيد است [۱۰] آن وقت متذکر در سال ديگر خودش يا نايبش بيندازد. [۱۵] احتياطاً [۱۴] نشد

[۱۰۰۱] م - واجب است در انداختن سنگ ها چند امر:

اول - نيت،
بدون ريا و نمايش دادن عمل به غير، که موجب بطلان مي شود.

دوم - آنکه
[۱۸]، پس اگر برود نزديک و با دست بگذارد به جمره، کافي نيست. [۱۷] آنها را بيندازد

سوم - آنکه
، به جمره [۲۰] برسد. پس اگر [۲۱] سنگ را انداخت و سنگ ديگران به آن خورد و به واسطه آن يا کمک آن به جمره رسيد کافي

[۲۲] جایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است ظاهرًا. نیست، لکن اگر سنگ به

چهارم - عدد

سنگ ریزه ها باید هفت باشد.

پنجم - باید

به تدریج یکی یکی عقب هم بیندازد و در این صورت، اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد [۲۴] اگر چه با هم به جمره نرسد و دنبال هم برسد. [۲۳] را با هم بیندازد کافی نیست

[۲۵] ۱۰۰۲ م - اگر شکند که سنگ را دیگری استعمال کرده یا نه جایز است به آن بیندازد.

[۲۶] ۱۰۰۳ م - اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آورده اند، اعتنا نکند.

[۲۷] ۱۰۰۴ م - اگر شکند به سنگی که می خواهد بیندازد «حصی»؛ یعنی ریگ گفته می شود، باید به آن اکتفا نکند.

[۲۸] ۱۰۰۵ م - اگر شکند در عدد انداختن، در وقتی که مشغول عمل است، باید چندان بیندازد تا علم به عدد پیدا کند و همچنین اگر شکند که سنگی که انداخت خورد به جمره یا نه، باید بیندازد تا علم به رسیدن پیدا کند.

[۲۹] ۱۰۰۶ م - اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسید، باید دو مرتبه بیندازد، اگرچه در وقت رمی گمانش آن بود که رسیده است. پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتباهاً به آنها رمی کرده، کافی نیست و باید اعاده کند، اگرچه در سال [۲۹] دیگر به وسیله نایش.

[۳۰] ۱۰۰۷ م - اگر چند سنگ را با هم بیندازد مانع ندارد لکن یکی حساب می شود؛ چه یکی از آنها به محل بخورد یا همه.

[۳۱] ۱۰۰۸ م - جایز است سواره و پیاده سنگ بیندازد.

[۳۲] ۱۰۰۹ م - باید سنگ را با دست بیندازد، اگر با پا یا دهان بیندازد کافی نیست، ولی بعید نیست با «فلاخن» کافی باشد [۳۱]

[۳۳] ۱۰۱۰ م - اگر بعد از آنکه سنگ را انداخت و از محل منصرف شد [۳۲]، شکند در عدد سنگها، اگر شک در نقیصه کند، احتیاط آن که برگردد و نقیصه را تمام کند و در شک در زیاده اعتنا نکند. [۳۳] است

[۳۴] ۱۰۱۱ م - اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن [۳۵] شکند در انداختن سنگ یا در عدد آن، اعتنا نکند. [۳۴]

۲، بنابر صحت بگذارد، بلی اگر در رسیدن سنگ آخري به محل شککند باید [۳۷] شککند در اینکه درست انداخته یا نه [۳۶] ، ولی اگر رسیدن را دانست و احتمال داد که با پا انداخته باشد یا سنگ مستعمل انداخته باشد، اعتنا نکند. [۳۸] اعاده کند

[۱۰۱۳] م - ظن به رسیدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.

[۱۰۱۴] م - در انداختن سنگ ها شرط نیست طهارت از حدث [۴۰] یا خبث و در خود سنگها نیز طهارت شرط نیست. [۳۹]

[۱۰۱۵] م - از بچه [۴۲] و کسانی که نمی توانند به واسطه عذري مثل اغما- خودشان رمي کنند، کسی دیگر نیابت کند. [۴۱]

[۱۰۱۶] م - مستحب است بلکه موافق احتیاط است که اگر بشود مریض را حمل کنند و ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ [۴۳] بیندازند.

| خودش اعاده کند و اگر در بین سنگ انداختن خوب شد یا به هوش آمد، باید خودش از سر، سنگ بیندازد و کفایت [۴۴] | [۴۵] کردن به مقداري که نایب عمل کرده مشکل است.

[۱۰۱۸] م - کسانی که عذر دارند از اینکه روز رمي کنند، می توانند شب عمل [۴۷] هر وقت شب که باشد. [۴۶] کنند

آیه [۱]

باید صدق اسم سنگ و سنگ ریزه بر آنها بکند (مناسک شیخ ص ۷۲). الله بهجت:

آیه الله سبحانه:

مثلاً به اندازه هسته خرما یا فندق باشد.

آیه الله سیستانی: و

مستحب است ریگ ها رنگین و نقطهدار و سست و باندازه سر انگشت

باشند.

آیه [۲]

رمي با سنگ هایی که در اصل خلقت، در حرم آفریده نشده اند، بلکه از بیرون آورده شده و مدتی در حرم الله زنجاني: باشند و از حرم برداشته شوند صحیح است.

آیه [۳]

باید استفاده از سنگ ها مباح باشد و اگر مباح نباشد در فرض عدم عذر، معصیت کرده و اکتفا به آن خلاف الله زنجانی:
□ احتیاط استحبابی مؤکد است؛ مانند رمی با سنگ هایی که متعلق به مسجدالحرام و مسجد خیف یا سایر مساجد است. □

آیه الله سیستانی:

بنابر احتیاط واجب نسبت به حکم وضعی.

آیات [۴]

بنابر احتیاط باید بکر باشد. عظام تبریزی، خویی، سیستانی:

آیه [۵]

رمی جمره با سنگ هایی که در پای جمرات، ریخته شده است کافی نیست و اگر از جاهای دیگر حرم بردارد الله زنجانی:
و رمی کند کافی است، هر چند این سنگ ها قبلاً برای رمی جمره استفاده شده باشد؛ البته این کار، خلاف احتیاط استحبابی است.

آیه الله سیستانی: این

احتیاط را در حکم وضعی ذکر نفرموده اند ولی برداشتن سنگ از مساجد اگر جزو آنها باشد مطلقاً جایز نیست.

آیات [۶]

خودش یا کس دیگری از آن برای رمی استفاده نکرده باشد... عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم:

آیه [۷]

یا غیر صحیح، بنابر احتیاط واجب. الله اردبیلی:

آیه الله خویی، آیه الله مکارم: باید
قبلاً در رمی استعمال نشده باشد.

آیه [۸].

رمی با ریگ هایی که متعلق به دیگری است بدون رضایت او حرام است و اگر بدون عذر، رمی کند گناهکار الله زنجانی:
است و بنابر احتیاط مستحب مؤکد به آن اکتفا نکند.

آیه [۹].

اگر اعتقاد داشته که سنگ ها غصبی نیست و یا غصبی بودن آنها را فراموش کرده باشد و خودش غاصب الله اردبیلی:
آنها نباشد، رمی صحیح است و در غیر این صورت باید اعاده شود.

آیات عظام تبریزی، خویی:
اگر اعتقاد داشت سنگ ها غصبی نیست و یا غصبی بودن آنها را فراموش کرد و خودش غاصب
نبود رمی صحیح است و در غیر آن باید اعاده شود.

آیه الله سبحانی:
یا از ملککسی برداشته اند بدون اجازه کافی نیست.

آیه الله سیستانی: مشکل
است اکتفا به آن مگر آنکه نداند غصبی است یا فراموش کرده باشد و خود غاصب نباشد یا حرمت را
فراموش کرده باشد یا جاهل قاصر باشد.

آیه [۱۰].

وقت رمی بعد از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن، و اگر فراموش کرد یا ترک کرد عمد^۱ علی الأحوط، تا الله بهجت:
روز سیزدهم، در روزی که متذکر شود به جا آورد با تقدیم قضاء بر اداء، و احتیاط در رعایت طلوع آفتاب است در قضاء ایضاً با
عدم عذر مسوؤ رمی در شب در اداء مانند خوف و مرض، و اگر متذکر نشد یا متذکر شد بعد از انقضای ایام تشریق یا ترک کرد
عمد^۱ تا آنوقت علی الأحوط، در سال آینده خود یا نایب او، با ترتب نیابت بر عدم حج در سال آینده یا عدم امکان مباشرت، به جا
آورند (مناسک شیخ ص ۷۲).

آیه الله فاضل: برای
غیر معذورین.

آیه [۱۱]

ولی اگر کسی از گروه هایی باشد که در حاشیه مسأله ۱۰۱۸ ذکر خواهد الله زنجانی:
شد می تواند در شب عید، جمره عقبه را رمی کنند و اگر روز عید رمی را از روی علم و عمد اختیاراً یا اضطراراً ترک نماید باید
قبل از رمی روز یازدهم آن را قضا کند و اگر قضا نکند، رجاء در طول ذی حجه و همچنین روز عید سال آینده، قضای آن را به جا
آورد و اگر سال آینده به
مکه نمی رود برای رمی، نایب بگیرد و اگر رمی روز عید را از روی فراموشی یا جهل ترک
نماید چنانچه تا روز سیزدهم متوجه شود قبل از رمی ادایی، آن را قضا می کند و اگر بعد از
آن در مکه یادش بیاید در ذی حجه امسال و روز عید سال بعد رجاء قضای آن را به جا آورد
و اگر پس از خروج از مکه متوجه شود قضای رمی واجب نیست؛ هر چند مطابق احتیاط استحبابی است.

آیه الله.

یا اینکه جاهل بود، باید روز یازدهم ابتدا آن را قضا کند و سپس رمی روز یازدهم را انجام دهد و همین طور در اردبیلی:
روز دوازدهم یا سیزدهم قبل از رمی واجب همان روز.

آیات [۱۳]

یا مسأله را نمی دانست. عظام خویی، صافی، گلپایگانی:

آیه الله سبحانی: هرگاه

به خاطر فراموشی یا جهل در روز عید رمی نکرد تا روز سیزدهم قبل از رمی آن روز انجام دهد و اگر پس
از روز سیزدهم متوجه شود، اگر از مکه خارج نشده خود تدارک کند و در سال دیگر نیز خود یا نایبش رمی کنند و اگر از مکه خارج
شده، احتیاطاً در سال دیگر قضا کنند (مناسک، م ۴۷۲ و ۴۷۴).

آیه الله فاضل: ...

تا روز سیزدهم می تواند به نیت قضا به جا آورد و واجب است قضا را قبل از رمی آن روز انجام دهد.

آیه الله.

باید هر وقت متوجه شد آن را اعاده کند ولو پس از گذشتن ایام تشریق مگر اینکه از مکه رفته باشد که در این اردبیلی: صورت باید در سال آینده خودش و اگر نمی تواند نایبش در ایام تشریق آن را اعاده کند.

آیه الله.

احتیاط این است که به منی رفته و رمی نموده و در سال تبریزی، آیه الله خویی: بعد رمی را شخصاً خودش و یا نایبش به جا آورد، و اگر بعد از خروج از مکه یادش آمد واجب نیست برگردد بلکه سال دیگر خودش یا نایبش بنابر احتیاط رمی می کنند. (مناسک عربی، مسأله ۳۸۰).

آیه الله خامنه ای:

اگر از مکه بیرون نرفته احتیاط واجب آن است که به منی رفته رمی نماید و در سال دیگر نیز خودش یا نایبش قضا کند و اگر از مکه خارج شده احتیاط واجب آن است که در سال بعد خود یا نایبش رمی کند. (مناسک حج، م ۳۸۸)

آیه الله سیستانی:

اگر در روز عید رمی نکرد از روی جهل یا فراموشی یا هر عذر دیگر هرگاه رفع مانع شد باید جبران کند در منی باشد و یا در مکه حتی اگر بعد از روز سیزدهم ماه باشد، ولی در شب رمی نکند و اگر پس از خروج از مکه مانع برطرف شود لازم نیست برگردد و احتیاط مستحب است که در سال بعد خود یا نایبش رمی کنند.

آیه الله گلپایگانی:

در سال بعد خودش یا نایبش باید رمی نماید.

آیه الله مکارم:

اگر بتواند باید خودش در سال آینده در همان موقع قضا کند و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

آیه ۱۶]

به این صورت نیت کند: هفت سنگ به جمره عقبه در حج تمتع برای وجوب آن می اندازم با قصد خالص. الله فاضل:

آیه الله.

بلکه پراندن آنها به سمت خاص (مناسک شیخ ص ۷۳). بهجت:

آیه الله.

به حاشیه بعد معظم له در همین مسأله مراجعه شود. مکارم:

آیه ۱۹

انداختن خودش. الله فاضل:

آیه الله.

رمی در تمامی طبقاتی که ساخته شده و می شود جایز است و آن چه که لازم است رمی به سوی آن محدوده از سبحانی:
۷ آنجا را رمی کرده تحقق می پذیرد م

در سابق این فضا به وسیله ستونی که پایین آن را حوض کوچکی احاطه کرده بود مشخص شده بود اکنون این فضا با دیواری بلند و به طول تقریبی ۳۴ متر پوشیده شده است هرگاه محاذات با ستون مشخص باشد آن نقطه را رمی کنند و در غیر اینصورت به هر نقطه از دیوار رمی شود مجزی است ولی اصابت کردن به ستون شرط نمی باشد و البته مقداری از دیوار که خارج حدود منی واقع شده رمی نشود و در تمام موارد رمی باید با هدف گیری آن فضا توأم باشد و رمی بی هدف بی معنی است ولی اصابت شرط نیست.

آیه الله.

پس اگر پرتاب کرد ولی به جمره برخورد نکرد، یا سنگ را انداخت... زنجانی:

آیه الله.

ظاهر این است که اگر سنگریزه در راه به چیزی برخورد نموده و سپس به جمره برسد کافی باشد با بقای صدق بهجت:
رمی در ابتداء و انتهای آن. (مناسک، ص ۱۳۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی:

اگر سنگریزه در راه به چیز بسیار سفتی مانند سنگ برخورد و در اثر آن جسته و به جمره برسد کافی نخواهد بود.

آیه الله خامنه ای: چهارم

آنکه ریگ ها به جمره برخورد کند، بنابراین اگر برخورد نکند یا گمان کند که اصابت کرده، کافی نیست و باید ریگ دیگری را به جای آن بزند، و رسیدن ریگ ها به دایره پیرامون جمره، جمره، بدون برخورد با آن، کافی نیست. (مناسک حجم ۳۴۰)

آیه الله سبحانی: اصابت

کردن به دیوار شرط نمی باشد بلکه باید آن فضا را که حضرت ابراهیم رمی کرده و در سابق به وسیله ستونی که قسمت پایین آن را حوض کوچکی احاطه کرده بود مورد هدف قرار دهد و رمی کند چه اصابت بکند چه نکند و اگر محل ستون های قبلی معلوم نیست هر نقطه از دیوار را مورد هدف قرار دهد و به سویی آن پرتاب کند، کافی است.

آیه الله فاضل: محلّ

اشکال است.

آیه الله مکارم: در

مورد رمی جمرات فتوای اخیر ما این است که اصابت به ستون ها لازم نیست بلکه کافی است سنگ را به دایره اطراف جمرات پرتاب کنند و در مسائل آینده نیز به همین صورت عمل شود.

آیه الله نوری: کافی

نیست ظاهراً مگر آنکه، در حال عبور با چیز دیگر ملاقات کند.

آیه الله

یعنی مجموعاً یک رمی حساب می شود. اردبیلی:

آیات عظام زنجانی، سبحانی، فاضل، مکارم: یعنی

مجموعاً یک رمی حساب می شود.

آیه الله

رعایت موالات، در زدن شش سنگ اول لازم است. زنجانی:

آیه الله

گذشت که بکر بودن سنگ ها شرط نیست. زنجانی:

آیه الله سبحانی:

مثلاً شکند که با آن رمی شده یا نه و یا شکند که قبلاً در خارج حرم بوده سپس وارد حرم شده است در هر دو صورت به شک خود اعتنا نکند اما با ریگ هایی که در اطراف جمرات ریخته شده رمی کفایت نمی کند.

آیه الله سیستانی:

مگر اینکه در جایی باشد که علم داشته باشد بعضی از سنگهای آنجا استعمال شده است و احتمال بدهد که سنگ مورد نظر هم یکی از آنها باشد که در این صورت باید احتیاط کند.

آیه الله.

فتوای ایشان به دست نیامد. خویی:

آیه الله زنجانی: گذشت

که اگر یقین هم دارد که سابقاً از خارج حرم آورده اند مانعی ندارد.

آیه الله فاضل: احتیاط

آن است که با آن رمی نکند.

آیه الله.

در شبهه مفهومیه آنکه فرض متعارف است فتوای ایشان بدست نیامد. خویی،

آیه الله.

لکن اگر اطمینان پیدا کند که هفت سنگ زده، یا به حدی بزند که اگر متعارف مردم این مقدار می زدند اطمینان زنجانی: پیدا می کردند، کافی است.

آیه الله سبحانی: اصابت

شرط نیست.

آیه الله سبحانی: چنانچه فضاي
مذکور را رمي کند کافي است و اصابت شرط نیست.

آیه الله سیستانی:
اگر پس از خروج از مکه متوجه شود اعاده لازم نیست گرچه احوط است.

آیه الله مکارم: همان
گونه که گفتیم کافي است سنگ به دایره اطراف جمره بیفتد.

آیه الله
مستحب است در حال پرتاب پیاده باشد. سیستانی:

آیه الله فاضل: اما
پیاده افضل است.

آیه الله
خلاف احتیاط است. بهجت:

آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی: متعرض
این مسأله نشده اند.

آیه الله زنجانی: رمي
با فلاخن، صحیح است و رمي با پا و دهان، خلاف احتیاط استحبابی است.

آیه الله سبحانی: سنگ
ها باید با دست پرتاب شوند و با اعضای دیگر بدن و یا بوسیله دیگر کافي نیستو کسانی که دست ندارند و
یا هر دو دست آن ها فلج است می توانند نائب بگیرند و رمي با دهن یا پاها کافي نیست.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل:
بنابر احتیاط واجب کافي نیست.

آیه الله صافی، آیه الله مکارم: احتیاط
در ترک آن است.

آیه الله

چنانچه احتمال دهد هنگام رمی به حفظ عدد سنگ ها توجه داشته، اعتنا به شکش نکند، هر چند شک درزنجانی: نقیصه باشد.

آیه الله فاضل: در

حالی که هنوز ذبح یا حلق را انجام نداده.

آیه الله |

اگر بعد از رمی جمره مشغول کار دیگری شده باشد به نحوی که عرفاً فارغ از عمل محسوب شود، به شک خوداردبیلی: اعتنا نکند.

آیه الله بهجت: اشکال

ندارد.

آیه الله سیستانی:

اگر بعد از صدق عرفی فراغ باشد اعتنا نکند و اگر قبل از آن است باید تدارک کند.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی و سایر آیات عظام قائلند:

اگر شک در نقیصه کند باید برگردد و نقیصه را تمام کند.

آیات عظام

و یا پس از فرا رسیدن شب باشد. تبریزی، خویی، سیستانی:

آیه الله گلپایگانی، آیه الله مکارم: هرگاه

شک در نقیصه کند باید اتمام نماید. و متعرض انصراف از محلّ و یا دخول در عمل بعدی

نشده اند.

آیه الله |

و همچنین اگر در روز، رمی کند و در شب شک کند، اعتنا به شک خود نکند. اردبیلی:

آیه الله زنجانی: و

همچنین اگر بعد از گذشتن وقت رمی و رسیدن شب شککند.

آیه الله

از رمی.فاضل:

آیه الله

چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی به رعایت شرایط آن توجه داشته اعتنا نکند. زنجانی:

آیه الله سبحانی: ولی

ظن به پرتاب و یا ظن به صحت در حین رمی اعتبار ندارد و باید یقین کند که صحیح پرتاب کرده ولی همان طور که گذشت اصابت شرط نیست.

اگر بعد از رمی جمره مشغول کار دیگری شده باشد به نحوی که عرفاً فارغ از عمل محسوب شود، به شک آیه الله اردبیلی: [۳۸] خود اعتنا نکند.

آیه الله بهجت: گذشت

□ در مسأله ۱۰۱۰.

آیه الله خویی: اگر [

شککند سنگریزه به جمره رسید یا نه بنابر نرسیدن گذاشته و سنگ دیگری بزند مگر آنکه شک وی در وقتی باشد که به واجب دیگری مشغول شده یا پس از فرارسیدن شب باشد. (مناسک فارسی، مسأله ۳۸).

آیه الله زنجانی: در

تمام فروض این مسأله چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی به رعایت شرایط آن توجه داشته یا بعد از روز عید، شککند اعتنا نکند.

آیه الله سبحانی:

اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن باشد، به شک خود اعتنا نکند والا باید آن را اعاده کند.

آیه الله سیستانی:

اگر بعد از صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نکند، مطلقاً.

آیه الله فاضل: برای
این استثناء وجهی به نظر نمی رسد.

آیه الله.
رعایت طهارت از حدث، مطابق احتیاط استحبابی است. زنجانی:

آیه الله.
خلاف احتیاط است. بهجت:

آیه الله سبحانی:
یا از ملککسی برداشته اند بدون اجازه کافی نیست.

بیماری که امید ندارد تا مغرب بهبودی حاصل کند. آیات عظام بهجت، سبحانی، تبریزی، خویی: [۴۱]

آیه الله زنجانی: بانوان
و کودکان و کسانی که از رمی در روز معذورند (به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۱۰۱۸ خواهد آمد) شب
عید، رمی می کنند و چنانچه از رمی در شب و روز، معذور باشند، برای رمی در روز، نایب می گیرند و رمی در شب قبل، بر نیابت
مقدم است و در صورتی که نتوانند برای رمی در روز نایب بگیرند برای رمی در شب قبل، نایب می گیرند.

آیه الله.
به شرطی که از رمی به طور کلی معذور باشند، چه در روز رمی و چه در شب قبل. اردبیلی:

آیه الله بهجت: و
اگر شب می تواند احتیاط در جمع بین استنابه و رمی در شب است.

آیه الله خویی،

با توجه به اینکه حکم مغمی علیه در دو روایت معتبره آمده که از جانب او رمی می کنند و ایشان به این دو
[روایت در معتمد العروه ج ۵ ص ۳۴ استدلال نموده ظاهر این است که ایشان موافق متن هستند.

آیه الله سبحانی: تا از

طرف آنها در روز رمی را انجام دهند.

آیه الله گلپایگانی: و

اگر ممکن است مریض سنگ ها را با دست بگیرد و دیگری برای او رمی

کند.

آیه الله مکارم: نیابت

احتیاج به اذن و اجازه منوب عنه دارد.

آیه الله.

این احتیاط واجب است اگر حضور مریض حرجی نباشد. اردبیلی:

آیه الله بهجت: و

اگر ممکن است مریض سنگ را بدست گیرد که دیگری بیندازد او را، و جمع کند بین این کار و استنباه علی
الأحوط (مناسک شیخ ص ۸۵).

آیه الله.

احوط اعاده است در صورت عروض قدرت در وقت (مناسک شیخ ص ۷۲). بهجت:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

بنابر احتیاط باید خودش نیز رمی کند.

آیه الله زنجانی:

اگر وقت، باقی است و می تواند، باید خودش اعاده کند.

آیه الله سبحانی: و

قبلاً مایوس بود که در وقت رمی بهبودی می یابد لازم نیست رمی را اعاده کند لکن اگر قبل از یأس نائب
گرفت سپس منوب عنه متمکن شد احتیاطاً همه را اعاده کند.

آیه الله سیستانی:

اگر هنگام نیابت در رمی از برطرف شدن عذر پیش از تمام شدن وقت مأیوس نبوده و نیابت کرده است و اتفاقاً عذر برطرف شده به احتیاط واجب باید خود شخص رمی کند.

آیه الله مکارم: احتیاط

آن است که خودش اعاده کند و نیابت از غیر اجازه می خواهد.

آیه الله.

کسی که از رمی معذور است، اگر نایب بگیرد و نایب او رمی را انجام دهد و سپس پیش از گذشتن وقت خامنه ای: رمی، عذرش برطرف شود، اگر در زمان گرفتن نایب نسبت به برطرف شدن عذرش امید نداشته و نایب به جای او رمی کرده، همان رمی کفایت می کند و نیازی نیست که خودش آن را تکرار کند، اما اگر نسبت به برطرف شدن عذر ناامید نبوده، هر چند گرفتن نایب در هنگام پدید آمدن عذر جایز بوده است، ولی باید پس از برطرف شدن عذر، خودش رمی را تکرار کند. (مناسک حج، م ۳۸۵)

آیه الله.

رجوع شود به حاشیه مسأله ۱۲۵۷. اردبیلی:

آیه الله بهجت: یعنی

شب مقدّم با علم به عدم تمکن از رمی در روز، و اما شب مؤخّر با علم به تمکن از رمی قضائی در روز مؤخّر پس احوط تأخیر قضاء است تا طلوع آفتاب (مناسک شیخ ص ۸۵).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: شب

قبل از آن روز. (مناسک، مسأله ۴۳۸).

آیه الله سیستانی: کسانی

که شب از ماندن در مشعر معذور بودند مانند زنان و بیماران می توانند همان شب عید رمی کنند و اما پرستاران و همراهان آنها باید روز رمی کنند مگر اینکه آنها نیاز به همراهی در طول روز داشته باشند به طوری که به مقدار رمی هم از آنها مستغنی نشوند و اما رمی در شب بعد کافی نیست و معذور باید نایب بگیرد مگر چوپانان و کسانی که از ماندن روز در منی معذورند به جهت ترس یا بیماری یا غیر آن.

آیه الله.

و همچنین زن ها و لو عذر نداشته باشند می توانند در شب رمی کنند و این مخصوص شب دهم است (مناسک بهجت):

س ۱۴۱).

آیه الله خامنه ای: کسانی

که از رمی در روز عید معذورند، می توانند در شب عید یا شب پس از آن رمی کنند، همچنین کسانی که از رمی در روز یازدهم یا دوازدهم ذی حجه معذورند، می توانند شب قبل یا شب بعد از آن رمی کنند. (مناسک حج، م ۳۴۶)

آیه الله زنجانی: چند

دسته اند که می توانند جمره را در شب قبل رمی کنند: الف) بانوان؛

ب) کودکان؛ ج) ضعیفی که رمی در روز برایش مشقت دارد، هر چند شدید نباشد؛ د) تمام کسانی که رمی در روز برای آنها مشقت شدید دارد، این چند گروه در روز هم می توانند رمی نمایند. چند گروهند که باید جمره را در شب قبل رمی کنند: الف) کسانی که نمی توانند در روز رمی کنند؛

ب) کسانی که می ترسند برای رمی در روز با خطر جدی روبرو شوند؛ ج) کسانی که رمی در روز برایشان ضرر اساسی دارد، این سه دسته باید شب قبل رمی نمایند، هر چند اگر در روز، رمی کردند صحیح است. کسی که وظیفه او نایب گرفتن است اگر کسی بدون گفته او برایش سنگ زد کافی است.

آیه الله سبحانی: یعنی

شب قبل از هر روز رمی کند نه شب بعد ولی اگر در شب هم نمی تواند باید نائب بگیرد و در هر سه مورد شب عید و شب یازدهم و دوازدهم نائب نمی تواند شب رمی کند بلکه باید در روز رمی نماید.

آیه الله مکارم: زنان

و پیران می توانند در شب رمی کنند، همچنین کسانی که روزها گرفتار کار حجاج هستند و فرق نمی کند در شب قبل یا شب بعد.

مستحبات رمي جمرات^[۱]

[۱۰۱۹ م - در رمي جمرات چند چیز مستحب است:

۱.

با طهارت بودن در حال رمي.

۲. هنگامی که سنگ ها را در دست گرفته و آماده رمي است، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأُخْصِبُهُنَّ لِي وَأَرْفَعُهُنَّ فِي عَمَلِي.»

۳. با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.

۴. هر سنگی را که می اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا يَكْتَايَكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا»

۵. میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶. جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمي نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمي نماید.

۷. سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸. پس از برگشتن به جای خود در منی، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.»

آیه [۱]

این مستحبات را بقصد رجاء به جا آورد. الله مکارم:

[۱] دوم - ذبح (قربانی)

[۱۰۲۰] م - واجب است بر کسی که حج تمتع به جا می آورد، ذبح یک هدیه؛ یعنی یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند و شتر افضل [۲] است و پس از آن گاو بهتر است.

و احتیاط واجب جمع [۴] برای چند نفر به شرکت، یک هدیه در حال اختیار، بلکه در حال ضرورت نیز محل اشکال است [۳] و [۵] بین شرکت در ذبح و روزه است که ذکر می شود.

[۱۰۲۲] م - سایر حیوانات، غیر از سه حیوان مذکور، کافی نیست.

[۱۰۲۳] م - در هدیه چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

اول - آنکه [۶]

اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد و اگر گاو است بنابر واجب [۸]، کمتر از و در میش به [۹] دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد و همچنین در «بز» کمتر از سن گاو نباشد احتیاط [۱۱] واجب [۱۱] سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد. کمتر از یک

دوم - باید

کافی نیست، حتی مثل کچلی بنابر احتیاط. [۱۲] صحیح باشد، پس حیوان مریض

سوم - باید

[۱۳] خیلی پیر نباشد.

چهارم [۱۴]

- باید تمام الأجزاء [۱۵] باشد و ناقص کافی نیست. پس اگر واضح باشد کوری یا لنگی آن بنابر اقوی کافی نیست [۱۶] و اگر واضح و احتیاط واجب آن است که چشمش سفید نشده باشد و باید گوش بریده و [۱۷] نباشد به احتیاط واجب کافی نیست [۱۸] دم بریده و شاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد.

پنجم - باید

و اگر در گرده او پیه باشد [۱۹] کافی است، و احتیاط [۲۰] آن

است که آن را در عرف لاغر نگویند.

ششم - باید

؛ یعنی باید خصیتین آن را بیرون نیاورده باشند. [۲۲] «خصی» نباشد

هفتم - باید

و^[۲۴] واجب. [۲۳] بیضه آن را نکوبیده باشند به احتیاط

هشتم - باید

به احتیاط واجب و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد، بعید نیست [۲۵] در اصل خلقت بی دم نباشد. [۲۶] کفایت، اگرچه خلاف احتیاط است.

نهم - در

[۲۷] اصل خلقت بی بیضه نباشد.

۱۰۲۴ م - اگر در جمع بین آن و سالم است در ماه ذیحجه همان سال و اگر نشد سال دیگر، یا جمع بین ناقص و روزه. [۲۹]

۱۰۲۵ م - گاومیش در ذبح واجب، کافی است لکن گفته اند کراهت دارد. [۳۰]

۱۰۲۶ م - اگر حیوان، شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد اشکال ندارد و شاخ خارج؛ شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف [۳۱] است از برای شاخ داخل که آن شاخ سفید است.

۱۰۲۷ م - شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن مانع ندارد و احتیاط آن است که چنین نباشد. [۳۲]

۱۰۲۸ م - باید ذبح را بعد از رمی جمره عقبه بکند به احتیاط واجب. [۳۳]

۱۰۲۹ م - یک گوسفند، کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح، لکن هرچه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است که ۹ صد شتر همراه (علیه السلام) نحر کردند و شصت و شش تایی آنها را برای خودشان. مؤمنین

۱۰۳۰ م - اگر هدی یافت نشود [۳۴]، قیمت آن را پیش شخص امینی بگذارد که در بقیه ذیحجه بگیرد و در منی ذبح کند و اگر در [۳۵] این سال ممکن نشود، سال بعد این کار را بکند.

۳۱. تام هم در بقیه ذیحجه و اگر نشد در سال آینده [۳۸] و یک هدی [۳۷] احتیاط واجب آن است که آن را ذبح کند [۳۶] ذبح کند، و احتیاط بهتر آن است که جمع کند بین هدی ناقص و هدی تام؛ به طوری که گفته شد و روزه به نحوی که ذکر شد.

۱۰۳۲ م - احتیاط واجب

آن است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد. [۳۹]

۱۰۳۳ م - [۴۳] نیز همین حکم است. [۴۲] در ایام «تشریق» ذبح کند و اگر نشد در بقیه ماه ذیحجه و در تأخیر عمدی [۴۱]

۱۰۳۴ م - اگر حیوانی را به گمان آنکه صحیح و سالم است ذبح کرد بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده، کافی نیست و باید [۴۴] دوباره ذبح کند.

۱۰۳۵ م - اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد بعد معلوم شد لاغر است، کافی است. [۴۵]

۱۰۳۶ م - اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آنکه چاق درآید، برای اطاعت خدا رجاء ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است، کافی است.

۱۰۳۷ م - اگر احتمال نمی داد که حیوان چاق است یا احتمال می داد لکن از روی بی مبالاتی ذبح کرد نه به امید موافقت امر [۴۶] خداوند، کافی نیست.

۱۰۳۸ م - اگر لاغری آن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسأله، برای اطاعت خداوند ذبح کرد، بعد معلوم شد چاق است [۴۷]، احتیاط [۴۸] واجب در اعاده است.

۱۰۳۹ م - اگر ناقص بودن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسأله، برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شد صحیح است ظاهراً کافی باشد.

۱۰۴۰ م - یک قسمت را هدیه بدهند و یک قسمت را صدقه بدهند و قدری هم از [۵۱] آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند [۵۰] نیست و اگر صدقه را به فقرای کفار بدهد [۵۲] ذبیحه بخورند و صدقه را به مؤمنین بدهند و لکن هیچیک از این احتیاط ها واجب لیکن احتیاط؛ خصوصاً در خوردن قدری از [۵۳] یا آنکه تمام ذبیحه را به آنها بدهد اشکال ندارد و ضامن حصه فقراء نیست ذبیحه، خیلی مطلوب است.

۱۰۴۱ م - جایز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انج [۵۵] و نیت را نایب کند و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند. [۵۴]

۱۰۴۲ م - احتیاط واجب ، بلکه خالی از قوت نیست و همینطور در ذبح کفارات. [۵۷] آن است که ذابح مؤمن باشد [۵۶]

یا جاهل به مسأله باشد. [۵۹] و باید دو مرتبه قربانی کند، هرچند در وقت قربانی متوجه نشود که ذابح مؤمن نیست [۵۸]

[۶۰]

[۱۰۴۴] م - ذبح هم از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

[۱۰۴۵] م - احتیاط آن است که اگر احتمال نقص یا مرض در گوسفند بدهند، آن را معاینه کنند، اگرچه اقوی در احتمال آنکه عیبی حادث شده باشد، مثل آنکه احتمال بدهد گوش یا دمش را بریده اند یا آن را خصي کرده اند، عدم لزوم معاینه [۶۱] است و احتیاط در عیب هایی که محتمل است از حال تولد داشته و مادر زاد بوده، ترک نشود.

[۱۰۴۶] م - اگر بعد از ذبح کردن، احتمال داد ناقص بودن یا نداشتن سایر شرایط را، اعتنا نکند. [۶۲]

[۱۰۴۷] م - اگر به کسی نیابت داد برای خریداری کردن و ذبح، و نایب انجام داد، و بعد از آن شخص محرم احتمال داد که نایب و ذبح کافی است. [۶۳] به شرایط عمل نکرده باشد، به این احتمال اعتنا نکند

[۱۰۴۸] م - اگر کسی را نایب کرد برای خریداری و ذبح، باید عا [۶۵] به اینکه عمل کرده است و گمان کفایت نمی کند. [۶۴]

[۱۰۴۹] م - اگر نایب عمد^۱ بر خلاف دستور شرع، در اوصاف ذبیحه یا در کشتن آن، عمل کرد ضامن است و باید غرامت آن را بدهد و باید دو مرتبه ذبح کنند.

[۱۰۵۰] م - اگر نایب از روی اشتباه یا جهل، برخلاف دستور عمل کند [۶۶]، اگر برای عمل اجرت گرفته است ضامن است [۶۷] و الا [۶۹] و در هر صورت باید اعاده شود. معلوم نیست ضامن باشد

آیه ۱

در صورتی که گوشت های قربانی مصرف نشود و آن را بسوزانند یا دفن کنند ذبح در آنجا مجزی نیست، بلکه الله مکارم: باید پول آن را کنار بگذارند و در وطن خود یا محل دیگری که گوشت ها مصرف می شود در همان ماه ذی حجة قربانی کنند و اگر تمام گوشت ها مصرف شود باز با توجه به این که تمام قربانگاه ها خارج از منی است، مخیر است در آنجا قربانی کند یا در وطن خود اگر چه بهتر است در آنجا ذبح شود.

آیه ۲

کسی که حج تمتع به جا می آورد، باید یکی از چهارپایان سهگانه، یعنی شتر یا گاو یا گوسفند یا بز را الله خامنه ای: قربانی کند، تفاوتی ندارد که قربانی نر باشد یا ماده و بهتر آن است که شتر باشد، اما غیر از چهارپایان مذکور، قربانی کردن سایر حیوانات کفایت نمی کند. (مناسک حج، م ۳۴۷)

آیه الله سبحانه و

در میان اقسام گوسفند، قوچ و بره نر افضل است و در مرتبه بعد بز نر و در صورتی که اینها یافت نشود میش

ثواب بیشتری دارد تا بز ماده.

آیه ۳]

بنابر احتیاط واجب، الله مکارم:

آیه ۴]

بلکه در حال ضرورت نیز کفایت نمی کند و باید به جای آن روزه بگیرند، الله زنجانی:

آیه الله سبحانی: هر

فردی باید مستقلاً گوسفندی را قربانی کند و قربانی یک گوسفند برای دو نفر صحیح نیست بنابراین هر گاه دو نفر فقط توانایی خرید یک گوسفند داشته باشند باید به جای قربانی روزه بگیرند مگر اینکه یکی از دو نفر پول خود را به دیگری ببخشد یا قرض دهد تا او قربانی کند و خود روزه بگیرد این کار جایز است.

آیه الله فاضل:

اگر چه بعید نیست در حال ضرورت یک هدی برای چند نفر به شراکت کفایت کند و در این صورت احتیاط مستحب جمع بین شراکت در هدی و روزه است.

آیه ۵]

این احتیاط مستحب است و بر چنین شخصی روزه متعین است، الله اردبیلی:

آیه الله صافی: در

صورت ضرورت مثل اینکه جز یک قربانی پیدا نشود و به واسطه بهای زیادی که مالک آن معین کرده هر یک نتوانند آنرا بخرند یا اگر بیشتر از یک قربانی پیدا شود به واسطه گرانی قیمت نتوانند خریداری نمایند بهطور شرکت خریداری نمایند و قربانی کنند و احتیاطاً بدل آن روزه بگیرند ولی اگر یک قربانی بیشتر پیدا نشود و هر یک بتوانند آنرا خریداری نمایند هر کدام توانستند باید قربانی نمایند بنابر این اگر یک نفر قربانی داشته باشد نمی تواند دیگران را با خود شریک کند. (آداب و احکام حج، ص ۳۱۳، مسأله ۷۹۶).

آیه [۶]

بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۳۴۹) الله خامنه اي:

آیه [۷]

اگر گاو داخل در سال دوم شده باشد کفایت می کند ولی بهتر است کمتر از دو سال نباشد و همچنین است الله فاضل: اگر قربانی بز باشد و اگر میش باشد کمتر از یک سال هم کفایت می کند ولی احتیاط مستحب است که کمتر از یکسال نباشد.

آیه [۸]

گاو و بز یک ساله، کافی است و بنابر احتیاط مستحب، دو ساله باشند. الله زنجانی:

آیه [۹]

بنابر احتیاط واجب. الله بهجت، آیه الله سیستانی:

آیه الله سبحانی:

شتر باید داخل در شش سال و گاو و بز داخل در سه سال و گوسفند (بره و میش) وارد در دو سال شده باشد.

آیات [۱۰]

گوسفند بایستی هفت ماهش تمام و وارد ماه هشتم باشد و کمتر از آن کافی نیست و عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: احتیاط این است که یک سالش تمام و در سال دوم داخل شده باشد.

آیه الله زنجانی: میش

شش ماهه، کافی است و بنابر احتیاط مستحب یک ساله باشد.

آیه الله گلپایگانی: و

در میش به احتیاط کمتر از....

آیه [۱۱]

اما در مورد سنین بالاتر محدودیتی وجود ندارد و اگر سن قربانی بیش از آن باشد کفایت می کند به شرط الله خامنه ای:
آنکه زیاد پیر نباشد. (مناسک حج، م ۳۴۹)

آیه الله

بنابر احتیاط در صورتی که مریضی آن آشکار باشد. اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احوط
اولی این است که مریض نباشد.

آیه الله زنجانی: حیوانی
که مبتلا به مرضی است که گوشتش را فاسد کرده کافی نیست. و مجرد کچلی حیوان، مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: حیوانی
که مریضی آشکار داشته باشد یا مریضی که باعث فاسد شدن گوشت آن شود، کافی نیست.

آیه الله فاضل:
بنابر احتیاط واجب باید صحیح باشد.

آیه الله گلپایگانی، متعرض
این حکم نشده اند.

آیه الله

بنابر احتیاط. اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احوط
اولی آن است که خیلی پیر نباشد یعنی مغز استخوانش آب نشده باشد.

آیه الله سبحانی: پیر
نبودن قربانی شرط نیست.

آیه الله زنجانی:

به طوري كه استخوانش پوك باشد.

آية الله فاضل، آية الله مكارم:
بنابر احتیاط واجب.

آیات ۱۴.

باید تامل اعضا باشد پس کافی نیست کور (هر چند یک چشم باشد) و لنگ و گوش عظام تبریزی، خویی، سیستانی:
بریده و آنکه شاخ داخلش شکسته است و مانند آن.

آية الله.

باید تام الاجزاء و سالم باشد پس ناقص و معیوب، کافی نیست. زنجانی:

آية ۱۴.

باید تام الاجزاء باشد پس کور و یک چشمی و لنگ و گوش بریده حتی اگر خیلی از گوش بریده باشند والله بهجت:
آنکه از شاخ اندرونی آن چیزی ناقص است مجزی نیست. (مناسک شیخ ص ۷۵).

آية الله.

رعایت این احتیاط مستحب است. زنجانی:

آية الله مكارم: لنگی
مختصر عیب ندارد.

آية الله.

چهارم آنکه اعضا و اندام های آن، کامل باشد، بنابراین قربانی کردن حیوان ناقص، مانند حیوانی که اخته شده خامنه ای: یا بیضه اش کشیده شده باشد، کافی نیست، اما اگر بیضه‌هایش کوفته شده و اخته نشده باشد، قربانی کردن آن کفایت می کند، و نیز قربانی کردن حیوان دم‌بریده و کور و شل و گوش بریده و حیوانی که قسمت داخلی شاخ آن شکسته باشد، یا از ابتدا با یکی از این عیوب به دنیا آمده باشد، کافی نیست. بنابراین قربانی کردن حیوانی که فایده یکی از اندام هایی باشد که در دیگر هم‌نوعان آن وجود دارد، به‌گونه ای که فقدان آن عضو یک نقص به‌شمار آید، کافی نیست. اما اگر بخش بیرونی شاخ آن (که مانند غلاف و پوشش بخش داخلی است) شکسته باشد، یا گوش آن شکافته یا سوراخ شده باشد، مانعی ندارد. (مناسک حج، م ۳۴۹، چهارم)

آیه الله سبحانی: نباید

قربانی لنگی اش آشکار، کور، لوچ، دم بریده، اخته شده، گوش بریده، و یا دست و پا شکسته باشد همچنین نباید ریشه شاخ آن شکسته باشد و سر شاخ شکسته باشد اشکال ندارد.

آیه ۱۹.

باید لاغر نباشد و مشهور کفایت بودن پیه در گرده اوست و احوط آنستکه علاوه بر این او را در عرف لاغرالله بهجت: نگویند (مناسک شیخ ص ۷۵).

آیه الله

بر کلیه آن مقداری چربی باشد کافی است. زنجانی، آیه الله مکارم:

آیه الله ۲۱.

باید عرفاً لاغر نباشد و پیه داشتن در گرده ملاک نیست. (مناسک عربی، م ۳۸۴). خویی:

آیه الله سبحانی: نباید

در عرف لاغر شمرده شود.

آیه الله سیستانی:

معتبر است که قربانی عرفاً لاغر نباشد.

آیه الله

بنابر احوط قربانی نباید اخته باشد. تبریزی، آیه الله فاضل:

آیه الله

اظهر اجزاء موجوء است. (مناسک ص ۷۵). بهجت:

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احوط
و اولی آن است که بیضه آن را نکوبیده باشند.

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه شرط چهارم مراجعه شود.

آیات عظام سبحانی، گلپایگانی، مکارم:

جایز است کشتن حیوانی که بیضه آن را کوبیده باشند.

آیه الله فاضل: احتیاط

مستحب آن است که بیضه آن را نکوبیده باشند.

آیه الله

این احتیاط مستحب است. اردبیلی:

آیه الله زنجانی:

بنابر احتیاط مستحب، بیضه آن را نتابیده و نکوبیده و نمالیده باشند.

آیه الله

اگر نداشتن دم در برخی از نژادهای گوسفند طبیعی باشد قربانی کردن آن صحیح است ولی اگر نژاد آن دارای دم سبحانی: باشد و یکی از آنها بی دم به دنیا آمده باشد، آن گوسفند برای قربانی کافی نیست (مناسک، م ۴۸۶).

آیه الله.

در هر سه مورد اشکال ندارد. اردبیلی:

آیه الله بهجت: باکی

نیست اگر گوش او شکافته یا سوراخ باشد اگر چه احوط ترک این دو و ترک حیوانی که شاخ یا دم از برای او در اصل خلقت نباشد و همچنین آن حیوان که عروق و بیضتین او را مالیده باشند که او را موجوء و مرضوض الخصیتین گویند □ اگر چه اظهر اجزاء موجوء است (مناسک شیخ ص ۷۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احوط و

اولی این است که قربانی طوری نباشد که از اصل خلقت شاخ و دم نداشته باشد.

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه شرط چهارم مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: ذبح

حیوانی که در اصل خلقت، گوش ندارد و همچنین حیوانی که دم ندارد و عرفاً ناقص به حساب می آید کافی نیست؛ ولی اگر در اصل خلقت، شاخ نداشته باشد اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: حیوانی

که در آفرینش فاقد گوش است یا گوش های آن را از ته بریده باشند مجزی نیست ولی اگر کمی از گوش را بریده و یا به عنوان علامت گذاری سوراخ کرده اند اشکالی ندارد با این حال بهتر است غیر آن را انتخاب کنند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط

واجب آن است که حیوانی را که شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکند.

آیه الله مکارم:

اگر در اصل خلقت بی دم باشد اشکال ندارد.

آیه الله.

بنابر احتیاط. مکارم:

آیه الله.

اقوی کفایت است. اردبیلی:

آیه الله

اگر تأخیر انداخت و پیدا نشد اشکال ندارد و جمع می کند بین آن و روزه. بهجت:

آیه الله تبریزی: و

کسی که نتواند قربانی را ولو با صبر کردن تا آخر ذی حجه به این شرایط تهیه کند، هرچه ممکن باشد کافی است.

آیه الله خویی: و

کسی که نتواند قربانی را به این شرایط تهیه کند، هر چه ممکنش باشد همان کافی است.

آیه الله سبحانی:

تا غروب روز سیزدهم یافت نشود

آیه الله سیستانی:

اگر تا روز سیزدهم ذی حجه به جز اخته پیدا نشود، همان کافی است.

آیه الله صافی: احتیاط

مستحب آنست که سه روز در حج و هفت روز پس از حج روزه بگیرد و این حکم در مورد قربانی ناقص است چه خصی باشد و چه غیر آن.

آیه الله گلپایگانی:

بنابر احتیاط ناقص را ذبح کند و در سال بعد نیز خودش و یا نایبش باید حیوان دیگری را که واجد شرایط است قربانی کند. (آداب و احکام حج، مسأله ۸۰۵).

آیه الله مکارم: این

احتیاط واجب نیست.

آیه الله

متعرض این فرع نشده اند. خویی، آیه الله گلپایگانی:

آیه الله

بنابر احتیاط باید شاخ خارج حیوان نیز شکسته یا بریده نباشد مگر اینکه شکستگی طبیعی باشد که عرفاً نقص سبحانی: محسوب نشود (کتاب الحج، ج ۵، ص ۸۶).

شکاف گوش یا سوراخ کردن آن اگر برای علامتگذاری انجام گرفته باشد مانع ندارد (مناسک، [۳۲] م ۴۸۵).

آیه الله |

بلکه بنابر اقوی ولی اگر روی چهل یا نسیان ذبح را مقدم کند، اعاده لازم نیست و اگر رمی از روز دوازدهم اردیبهلی: تأخیر افتاد، مراعات ترتیب بین رمی و ذبح لازم نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجان، گلپایگانی: واجب است قربانی پس از رمی باشد.

آیه الله سبحانی: احتیاط

لازم آن است که قربانی از روز دهم تأخیر نیفتد ولی افراد معذور تا غروب روز سیزدهم ذی حجه فرصت دارند که قربانی کنند و اگر امکان نپذیرفت تا آخر ماه می توانند وظیفه قربانی را انجام دهند ولی رمی خود را در روز یازدهم و دوازدهم انجام دهند اگرچه قربانی کردن به تأخیر افتاده باشد.

آیه الله سیستانی: ولی

اگر از روی چهل یا فراموشی مقدم بدارد اعاده لازم نیست.

آیه الله فاضل:

بنابر اقوی بعد از رمی قربانی کند.

آیه الله |

و نتواند تا فراهم شدن قربانی، در مکه بماند... زنجان:

آیه الله سیستانی:

اگر تا روز سیزدهم یافت نشود بعید نیست کفایت روزه (که در بخش بعد، مسأله ۱۰۵۱ خواهد آمد) ولی احتیاط مستحب این است که جمع کند بین روزه و ذبح در بقیه ذی حجه اگر ممکن باشد هرچند با سپردن به شخص امین.

آیه الله.

در ادامه این فرع می فرماید: و احوط آن است که در صورت تأخیر از ذی حجه همان سال، جمع کند بین آن و بهجت: صوم ده روز.

آیه الله.

اگر غیر از هدی ناقص یافت نشود، همان را قربانی کند و کافی است. اردبیلی:

آیه الله.

گذشت در مسأله ۱۰۲۴. بهجت:

آیه الله زنجانی: هدی

ناقص کافی نیست، بلکه باید تا آخر ذی حجه صبر کند و هدی تام، قربانی کند و پس از آن حلق و تقصیر کرده اعمال بعدی را انجام دهد، البته در صورتی که این تأخیر، حرجی است یا مجبور است به وطن برگردد بدون قربانی، اعمال بعدی را انجام می دهد و در باقی مانده ذی حجه و اگر نشد در سال بعد، قربانی می کند و در هر حال، وظیف او روزه گرفتن نیست.

آیه الله سبحانی: در

مورد خصی در مسائل قبل متعرض شده ایم لکن اگر ناچار شد حیوان ناقصی را که نقص آن به خاطر خصی بودن نباشد بلکه از جهات دیگر ناقص باشد را قربانی کند کفایت می کند و آن چه در متن به عنوان احتیاط واجب آمده احتیاط مستحب است.

آیه الله فاضل: و

بعید نیست اکتفا به همین هدی.

آیه الله.

اگر تا آخر ذی حجه هدی تام پیدا می کند باید صبر کند ولی اگر فعلاً متمکن نیست و احتمال می دهد تا آخرخوبی: ادامه پیدا کند می تواند هدی ناقص ذبح کند ولی اگر اتفاقاً کشف خلاف شد باید اعاده کند. (مناسک، مسأله ۳۸۸ و ۳۹۰ و استفتائات، ص ۲۶۷، س ۸۰۹).

آیه الله سیستانی: احتیاط

این است که بین ذبح ناقص و روزه اگر در ایام تشریق یافت نشد جمع نماید. و اگر در بقیه ذی حجه

هدي تام يافت شود به احتياط واجب آن را نيز اضافه کنند و همچنين است اگر پول هدي واجد شرايط را ندارد.

آية الله مكارم: هرگاه

صحيح يافت نشود ناقص كافي است و احتياط مزبور لازم نيست.

آية الله.

اين احتياط مستحب است و مي تواند تا روز دوازدهم ذبح كند ولي تأخير از آن جايز نيست. اردبيلي:

آية الله بهجت: واجب

است ذبح هدي در روز عيد، و اما بعد از عيد پس مجزيست در بقيه ذي حجه اگر چه خلاف احتياط است
تكليفاً تأخير از آن بدون عذر خصوصاً تأخير از ايام تشريق سه گانه (مناسك شيخ ص ۷۴).

آية الله تبريزي، آية الله خويي: احتياط

اين است كه ذبح و نحر در روز عيد قربان باشد.

آية الله زنجاني: اختياراً

مي تواند ذبح را تا روز دوازدهم به تأخير بيندازد و در صورت عذر، تأخير آن تا آخر ذي حجه مانعي ندارد
ولي در هر حال بايد ترتيب بين اعمال روز عيد و همچنين بين حلق يا تقصير و اعمال مكه رعايت شود، هر چند شرطيت ترتيب
بين اعمال منا مخصوص عالم عامد است.

آية الله سبحاني: براي

افراد معذور تأخير ذبح تا آخر ماه ذيالحجه جايز است (كتاب الحج، ج ۵، ص ۱۱۷).

آية الله سيستاني: اين

احتياط مستحب است و مي تواند در روزهاي تشريق هم قرباني كند. (مناسك، مسأله ۳۸۲).

آية الله صافي، آية الله گلپايگاني:

بنابر احتياط اختياراً جايز نيست ذبح هدي را از روز عيد تأخير بيندازد اگرچه اقوي جواز
آن است. (مناسك عربي، ص ۱۴۷).

آية الله مكارم:

تا روز سيزدهم جايز است.

آية الله.

بايد تا روز دوازدهم ذبح كند و اگر از آن نيز تأخير افتاد بنابر احتياط در روز سيزدهم ذبح كند و اگر آن نيز انجام اردبيلي:

نشد تا آخر ذي الحجه ذبح را انجام دهد.

آیه الله زنجاني:

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله.

حکم آن در مسأله قبل بیان شد. بهجت:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بلکه

بدون تردید لازم است.

آیه الله سیستانی: اقوي

□ آن است که می تواند در روزهاي تشريق قرباني کند. (مناسک، مسأله ۳۸۲).

آیه الله صافي، آیه الله گلپایگانی: این [

احتیاط واجب نیست اگرچه مطلوب است ولكن اگر در غير ايام نحر (روز عيد و سه روز بعد از آن) بود بنابر احتیاط قصد ادا و قضا نکند، بلکه بقصد مافیالذمه ذبح کند. (مناسک عربي، ص ۱۴۷).

آیه الله مکارم:

تا روز سیزدهم در هر حال جایز است ذبح کند.

آیه الله.

تأخير عمدي را متعرض نشده اند. خامنه اي:

آیه الله خویی:

اگر از روي علم و عمد ترک کرده و طواف به جا آورده باشد ظاهراً طوافش باطل و اعاده آن بعد از تدارک ذبح واجب است.

آیه الله.

اگر عمد^۱ ذبح را از ايام تشريق تأخير بیندازد حش باطل است و اگر معذور باشد باید روزه بگیرد و احتیاط سیستانی: مستحب این است که ذبح در بقیه ذي حجه را نیز انجام دهد. (ملحق مناسک، س ۳۳۶ و مناسک، مسأله ۳۹۲).

آیه الله.

بنابر احتیاط واجب اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: چنانچه

قربانی را به عقیده اینکه سالم است خریداری نمود و قیمتش را پرداخت و بعد معلوم شد که عیبي دارد، ظاهر این است که می تواند به آن اکتفا نماید و لازم نیست قربانی دیگری بنماید.

آیه الله خامنه ای: در

صورت تمکن مالی. (مناسک حج، م ۳۵۰)

آیه الله.

اگر حیوانی را به گمان اینکه چاق است خرید و بعد معلوم شد که چاق نیست، کافی است اردبیلی:

آیه الله سیستانی:

اگر حیوانی را به گمان چاقی خرید سپس معلوم شد لاغر است کافی است چه قبل از ذبح معلوم شود چه بعد از آن، ولی اگر خودش گوسفندی داشت و آن را به گمان چاقی ذبح کرد سپس معلوم شد لاغر است به احتیاط واجب کافی نیست.

آیات [۴۶]

اگر اجمالاً قصد اطاعت امر الهی داشته است کافی است عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم:

آیه الله سبحانی:

اگر معلوم شد گوسفند لاغر نبوده کفایت می کند ولی اگر لاغر بوده باید مجدداً قربانی کند.

آیه الله.

کافی است و اعاده لازم نیست اردبیلی:

آیه الله سبحانی: کفایت
می کند.

آیه الله.
مانع ندارد. بهجت:

آیه الله نوری: ظاهراً
کافی است.

آیات [۴۹].
در فرض مزبور کفایت می کند. عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در
مفروض مسأله اگر بعد معلوم شد چاق است کفایت می کند. (مناسک فارسی، ص ۱۳۸،
مسأله ۱۸۴).

آیه الله فاضل: ...
و بعد معلوم شد چاق است بهتر است اعاده کند.

آیه الله.
مستحب است که... فاضل:

آیه الله.
همین که مقداری را صدقه و مقداری را هدیه بدهند، کافی است و لازم نیست تثلیث نمایند. اردبیلی:

آیه الله.

در مورد صدقه دادن و هدیه، احتیاط ترک نشود و چنانچه امکان نداشت تکلیف ساقط است ولی اگر بتوانند از اردبیلی: فقیر مؤمن در مورد قسمت صدقه و از مؤمن در مورد قسمت هدیه وکالت گرفته و از طرف آنها قبول و اعراض نمایند، بنابر احتیاط واجب این کار را انجام دهند.

آیه الله بهجت: احوط [

آنستکه قدری از ذبیحه بخورند و قدری هدیه دهند و قدری صدقه دهند و لازم نیست بنابر اظهر که مقدار هر یک از هدیه و صدقه ثلث ذبیحه باشد و نیز در خصوص سهم صدقه احوط آن است که بر مؤمنین بوده باشد و اگر به اختیار خود به غیر مؤمن بدهد احوط ضمان اوست یعنی قیمت قدری از آن را به عنوان صدقه به فقیر می دهد و همین احتیاط در سهم هدیه به مثل اتلاف و بیع جاریست و عمل به احتیاط به مثل توسیط فقیر یا استیکال او ممکن است، و در صورت عدم امکان، این تکلیف ساقط است (مناسک شیخ ص ۷۶ و مناسک س ۱۵۸).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: این

احتیاط واجب است ولی نسبت به صدقه انسان می تواند از فقیر مؤمن و نسبت به هدیه از مؤمن دیگری ولو از شهر خودش وکالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول و قبض کرده و بعد اعراض نماید و در صورتی که در منی متمکن از تقسیم نیست اخذ وکالت مزبور لازم است و اگر این عمل را با فرض تمکن انجام ندهد بنابر احتیاط واجب ضامن است. (مستفاد از مناسک، مسأله ۴۰۴).

آیه الله زنجانی: ولی

واجب است حداقل ثلث قربانی را به فقیری که در حرم حضور دارد هر چند زائر باشد صدقه بدهد و برای این کار کافی است از فقیر وکالت بگیرد و از طرف فقیر، سهم او را تحویل بگیرد.

آیه الله سبحانی:

به احتیاط واجب قسمت فقرا به آنها داده شود و چون عمل به این قسمت در شرایط فعلی امکان پذیر نیست می تواند از فقیری در شهر خود یا نقطه ی دیگر وکالت بگیرد که در غیاب او به وی تملیک کند و سپس آن را رها کند و اگر این کار را هم نتواند انجام دهد اذن فقیر ساقط است.

آیه الله سیستانی، در

دو قسم اول با متن موافق هستند و اما در قسم سوم می فرمایند: بنابر احتیاط واجب آن را به فقرای مسلمانان صدقه دهد. و اگر صدقه دادن ممکن نباشد یا موجب مشقت و زحمت زیادی شود وجوب آن ساقط می شود و رساندن آن به خود فقیر لازم نیست بلکه کفایت می کند به وکیل او داده شود اگر چه وکیل خود قربانی کننده باشد آنگاه وکیل بر حسب اجازه موکل در آن تصرف می کند به هدیه دادن یا فروش یا اعراض از آن و یا غیر اینها (مناسک مصرف قربانی حج تمتع، ص ۲۹۴).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب

است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه دهد و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه بدهد، و احتیاط آن است که هدیه را هم به مؤمن بدهد و اینکه هریک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد و در هدیه فقر شرط نیست.

آیه الله مکارم: تقسیم

ذبیحه به سه قسمت واجب نیست ولی واجب است که قسمتی از آن را به فقراء بدهند.

آیه الله.

بلکه به احتیاط واجب ضامن حصّه فقرا است مگر اینکه قربانی ارزش مالی خود را به دلیل فراوانی بیش از سیستانی: حد از دست بدهد.

آیه الله.

در ذبح قربانی و کفارات، مباشرت، معتبر نیست، پس حاجی می تواند از کسی بخواهد یا به او اجازه دهد برایش زنجانی: ذبح کند، بلکه می تواند دیگری را در این کار، نایب خود قرار دهد و در صورت اول که متعارف موارد است هنگام ذبح باید خود حاجی، قصد داشته باشد که «برای حج تمتع قربانی می کنم قربۀ الی الله» و کافی است این قصد به طور اجمال در ذهن او باشد و لازم نیست ذابح، قصد قربت یا نیت انجام قربانی برای حج داشته باشد؛ بلکه همین که قربانی او را ذبح می کند کافی است، هر چند اصلاً کسی را نیت نکرده باشد و چون کار ذابح، نیابت نیست، بدون تردید، ایمان در او معتبر نمی باشد و حکمی که در مناسک آمده است مربوط به صورت دوم یعنی صورت نیابت است که به ندرت پیش می آید.

آیه الله.

نیت را باید حاجی انجام دهد و اگر حاجی هنگام ذبح حضور نداشته باشد، احتیاط این است که ذابح نیز نیت اردبیلی: کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید

نیت از صاحب قربانی تا هنگام کشتن مستمر باشد و کشنده لازم نیست نیت کند هر چند احوط و اولی نیت نمودن اوست.

آیه الله سبحانی:

اگر تنها سر بریدن حیوان را به دیگری واگذار کند باید صاحب قربانی خود نیت کند و کافی است که بر نیتی که هنگام توکیل داشته مستمر باشد در این صورت لازم نیست ذابح نیت کند ولی اگر دیگری را نایب در ذبح قرار دهد در این صورت باید صاحب قربانی قصد قربت کند و نایب هم در ذبح نیت بکند یعنی عمل را آگاهانه و با تعیین نوع عمل انجام دهد و اگر نائب قصد کند که این قربانی را به عنوان آنچه که بر ذمه فلانی است انجام می دهد کافی است.

آیه الله صافی: و

احوط آن است که علاوه بر نایب خودش هم اگر در وقت ذبح حاضر باشد نیت کند و اگر حاضر نیست موقعی که نایب یا وکیل را که از طرف او برای ذبح نایب می گیرد می فرستد نیت کند و نیت را تا وقت ذبح مستمر بدارد.

آیه الله گلپایگانی: علاوه

بر خودش ذابح نیز باید نیت کند. (آداب و احکام حج، ص ۳۱۵).

آیه الله مکارم: نیت
را حاجي مي کند.

آیه الله.

بنابر احتیاط واجب ذبح کننده باید شیعه اثني عشري باشد اما اگر نیت را خودش انجام دهد و فقط براي خامنه اي:
اجراي آن نايب بگيرد در اين صورت بعيد نيست که شیعه بودن ذبح کننده شرط نباشد. (مناسک حج، م ۳۵۴)

آیه الله فاضل، آیه الله نوري: در

صورتی که ذابح را در انجام قربانی نایب کرده باشد و اما اگر از او خصوص ذبح را خواسته باشد
لازم نیست مؤمن باشد و خودش باید قصد قربانی و قربت را انجام دهد.

آیه الله.

اگر مسلمان باشد كافي است. اردبيلي:

آیه الله بهجت: ایمان

شرط نیست ولي شرائط دیگر را باید دارا باشد. (مناسک س ۱۵۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی:

اگر مسلمان باشد كفايت مي کند و شیعه بودن

ذابح لزومی ندارد.

آیه الله مکارم: تمام

مسلمانان که ذبیحه آنان پاک و حلال است می توانند ذبح کنند.

آیه الله.

اگر ذابح مسلمان باشد كفايت مي کند. اردبيلي:

آیه الله خامنه اي:

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله مکارم: مانند

مسأله سابق است.

آیه الله نوري: گذشت
که اگر خصوص ذبح از غیر مؤمن را خواسته باشد کفایت می کند.

آیه الله.
به حاشیه مسأله ۱۰۴۱ مراجعه شود. زنجانی:

. نظر آیات عظام از مسأله قبل معلوم می شود. [۶۰]

آیه [۶].
در موارد احتمال نقص و مرض مطلقاً فحص لازم نیست. الله تبریزی:

آیه الله خویی: متعرض
این فرع نشده اند.

آیه الله زنجانی:
اگر احتمال عقلایی عیب یا مرض مادرزادی، داده شود فحص، واجب است.

آیه الله سیستانی: فحص
مطلقاً لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که فحص کند مخصوصاً اگر احتمال نقص از هنگام
ولادت در میان باشد.

آیه الله مکارم: بعید
نیست قول فروشنده در مورد سنّ حیوان و یا اخته نبودن یا سایر عیوب پنهانی که خریدار نمی داند مقبول
باشد.

آیه الله.

مشروط بر اینکه احتمال بدهد که در حال ذبح احراز شرایط کرده بوده؛ البته این در موردی است که احتمال اردبیلی: وجود عیب از بدو تولد بوده باشد نه عیبی که بعداً حادث شده است.

آیات عظام خویی، زنجانی، سبحانی، فاضل: در

صورتی که احتمال بدهد که در حال ذبح احراز شرایط کرده بوده. (مناسک عربی،

مسأله ۳۸۸).

آیه الله سیستانی: و

همچنین اگر شک در این باشد که محل ذبح منی بوده یا جایی دیگر.

آیه الله.

به شرط آنکه نائب مورد وثوق باشد. اردبیلی:

آیه الله.

یا حجت شرعیه دیگری مانند شهادت دو عادل یا اخبار کسی که گفته او در این مورد برای حاجی یا متعارف زنجانی: مردم، اطمینانآور است وجود داشته باشد.

آیه الله.

احتیاطاً اطمینان لازم است. بهجت:

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی:

اگر نایب ثقه باشد و خبر دهد از ذبح کافی است.

آیه الله.

این فرع مجمل است و تفصیلی دارد. صافی:

آیه الله گلپایگانی: متعرض
این فرع نشده اند.

آیه الله

ظاهراً به نظر ایشان فرض مزبور مطلقاً مورد ضمان است چون اتلاف مستند به نایب است و عدم ضمان وکیل خوبی:
آیه الله بدون تعدي و تفريط در مورد تلف است نه اتلاف. (رجوع شود به مستند العروه، کتاب الاجاره، ص ۲۴۵ و ۲۴۷). و نظریه
هم همین است. تبریزی

آیه الله زنجانی: در
هر دو صورت ضامن است، مگر شرط عدم ضمان کرده باشد - ولو ارتکازاً -.

آیه الله سبحانی: چون

اتلاف صورت گرفته ضامن است چه برای این کار اجرت گرفته باشد یا اینکه تبرعاً انجام داده باشد ولی
بهتر است در مورد تبرع رعایت انصاف شده و مصالحه گردد ولی در هر صورت باید ذبح اعاده شود.

آیه الله سیستانی: در
هر دو صورت ضامن است.

آیه الله مکارم:
اگر مقصر بوده ضامن است.

آیه الله

در هر دو صورت ضامن است. اردبیلی:

آیه الله بهجت:
اگر خلاف موجب عدم اجزاء شود در هر صورت ضامن است و اعاده لازم است.

آیه الله فاضل: و
نیز اگر تلف مستند به ذابح باشد بنابر احتیاط ضامن است اگر چه عمل را تبرعاً انجام داده باشد.

آیه الله

بنابر احتیاط واجب اعاده شود. مکارم:

چند مسأله راجع به بدل ذبیحه

۱۰۵۱ م - اگر قادر نباشد بر ذبح، باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

۱۰۵۲ م - مراد از اینکه قادر بر ذبح نباشد، آن است که نه هدی را داشته باشد و نه پولش را. [۱]

۱۰۵۳ م - اگر می تواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و در ازای قرض چیزی که ادا کند داشته باشد باید قرض کند و ذبح [۲] کند.

۱۰۵۴ م - اگر می تواند بدون مشقت چیزی که زاید از مؤونه سفر است بفروشد [۳]، باید بفروشد، و هدی بخرد، لکن لباس را هر [۴] چه باشد لازم نیست بفروشد.

۱۰۵۵ م - لازم نیست کسب کند و پول هدی را تهیه کند [۵]، لیکن اگر کسب کرد و تهیه کرد، باید ذبح کند.

۱۰۵۶ م - اگر چه لباس را لازم نیست بفروشد لکن اگر لباس زاید داشت و فروخت، ظاهراً باید ذبح کند و احتیاط آن است که [۶] روزه هم بگیرد.

۱۰۵۷ م - این سه روز روزه را باید در ماه ذیحجه بگیرد و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد و جلوتر ننگ [۷].

۱۰۵۸ م - باید این سه روز دنبال هم باشد.

۱۰۵۹ م - اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد [۸]، روز هشتم و نهم بگیرد و یک روز دیگر بعد از مراجعت از منی بگیرد و احتیاط [۹] آن است که بعد از ایام تشریق، که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است، بگیرد.

۱۰۶۰ م - این سه روز روزه را در ایام تشریق، در منی، جایز نیست بگیرد [۱۰]، بلکه در ایام است، چه حج به جا بیاورد یا نه. [۱۱] حرام

۱۰۶۱ م - احتیاط مستحب برای کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و هشتم و نهم را گرفته، آن است که بعد از مراجعت از منی،

- و متوالي بگیرد و قصدش آن باشد که سه روز از [۱۲] سه روز روزه بگیرد که اول آن، روز کوچ کردن است؛ يعني سیزدهم پنج روز براي ادای روزه واجب باشد.

[۱۰۶۲] م - اگر روز هشتم را روزه نگرفت، روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از مني سه روز دنبال هم بگیرد. [۱۳]

[۱۰۶۳] م - جایز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاد، تا آخر ذیحجه هر وقت آن است که بعد از ایام تشریق فوراً بگیرد. [۱۴] بیاط

[۱۰۶۴] م - این سه روز را در سفر می تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه [۱۵] مهلت نیست بین راه هم جایز است بگیرد.

[۱۰۶۵] م - اگر سه روز روزه را گرفت و بعد، لیکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند. [۱۸] ذبح کند [۱۷]

[۱۰۶۶] م - اگر این سه روز روزه را نگرفت تا و روزه فایده ندارد. [۲۱] را خودش یا نایبش در مني ذبح کند [۲۰] باید هدی [۱۹]

[۱۰۶۷] م - باید این سه روز روزه را، بعد از احرام به عمره [۲۳] به جا آورد و قبل از آن نمی تواند. [۲۲]

[۱۰۶۸] م - هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج، روزه بگیرد.

[۱۰۶۹] م - احتیاط واجب [۲۵] آن است که پی در پی به جا آورد. [۲۴]

[۱۰۷۰] م - جایز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آنکه بنای اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می توانست به وطن خود مراجعت کند، جایز است به جا آورد و همچنین جایز است اگر یک [۲۶] ماه بماند.

[۱۰۷۱] م - در این ایام که با هواپیما مراجعت می کنند، بعید نیست برای کسی که در مکه اقامت کرده جایز باشد به همان و به [۲۹] صبر کند و روزه بگیرد لیکن احتیاط خلاف آن است [۲۸] هواپیما اشخاص را به محل می رساند [۲۷] مقداریکه [۳۱] جمع بین سه روز و هفت روز را نکند. [۳۰] احتیاط واجب

[۱۰۷۲] م - اگر در غیر مکه؛ چه در راه یا در بلدی غیر از وطن خودش، اقامت کرد ظاهراً نتواند هفت روز روزه را در آنجا بگیرد [۳۲]، اگرچه به مقداری صبر کند که اگر راه می پیمود به وطن می رسید.

[۱۰۷۳] م - ابتداء ماهي را که اگر بماند در مکه جايز است روزه را بگيرد و همينطور ابتداء [۳۳] حساب موقع رسيدن به وطن را [۳۴] ظاهراً بايد از وقتي که بناي مجاورت يا اقامت به مکه کرد حسابکند.

[۱۰۷۴] م - اگر متمکن از روزه گرفتن شد و قبل از آنکه روزه [۳۶] بنا بر اقوي، و هفت روز ديگر را بنا بر احتياط واجب [۳۵]

[۱۰۷۵] م - لازم نيست بعد از برگشتن به بلد خود، در همانجا روزه بگيرد، پس اگر در جاي ديگر قصد اقامت کرد مي تواند بگيرد.

[۱۰۷۶] م - اگر متمکن از سه روز روزه نشد، در مکه و برگشت به محل خود [۳۷]، در صورتي که ماه ذي حجه باقي است مي تواند هدي ذبح کند، اگرچه به [۴۰] و اگر ماه گذشته باشد بايد [۳۹] بدهد [۳۸] در محل بگيرد، ليکن با هفت روز روزه فاصله باشد [۴۱] وسيله شخص اميني

آية [۱]

و يا اينکه نتواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و يا اينکه ما به ازاي قرض را جهت ادا در مکه و يا وطن الله سبحانه: نداشته باشد.

آية الله فاضل: و

قدرت اقتراض يا فروش زايد از مؤونه سفر را هم که در مسائل آينده گفته مي شود نداشته باشد.

آية [۲]

واجب نيست پول قرباني را قرض کند، ولي اگر قرض کرد بايد قرباني کند. الله زنجاني:

آية [۳]

واجب نيست بفروشد، ولي اگر فروخت بايد قرباني کند. الله زنجاني:

آية [۴]

در زائد بر مؤونه فرقي بين لباس و غير لباس نيست. الله اردبيلي:

آية الله بهجت، آية الله صافي: فرق

بین لباس و غیر آن در صورتیکه زائد بر مؤونه باشد

نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: فرقی

بین لباس و غیر لباس نیست.

آیه الله سبحانی: ولی

در لباسی که به آن حاجت دارد اگر بفروشد و قربانی تهیه نماید احتیاط آن است که روزه هم بگیرد.

آیه الله سیستانی:

اگر لباس مورد حاجت او نباشد بنابر احتیاط واجب باید آن را بفروشد و قربانی تهیه کند.

آیه الله گلپایگانی: متعرض

این فرع نشده اند.

آیه الله مکارم: لباسی

که مورد حاجت است.

آیه [۵]

اگر مناسب باشد و عسر و حرج نباشد لازم است کسب نماید. الله بهجت:

آیه [۶]

اگر زائد بر مؤونه و احتیاجش باشد، فروختن لباس لازم است و روزه گرفتن لازم نیست. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت: گذشت

که لباس زائد را بفروشد و ذبح کند و روزه لازم نیست.

آیات عظام تبریزی، زنجانی، مکارم: در

این صورت روزه لازم نیست.

آیه الله گلپایگانی: متعرض

این فرع نشده اند.

آیه [۷]

اگر یأس از قدرت بر قربانی داشته باشد، پس از احرام عمره تمتع می تواند سه روز روزه را در ماه ذی الحجه الله اردبیلی: بگیرد هرچند قبل از روز هفتم باشد.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: و

سه روز اول را می تواند پس از شروع به اعمال عمره تمتع از اول ماه ذی حجه بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید

این سه روز یا کاملاً قبل از عید قربان قرار گیرد هفتم و هشتم و نهم. و یا پس از بازگشت

از منی و تا آخر ذی حجه.

آیه الله سبحانی: لیکن

اگر قبل از ایام منی یعنی روز هشتم و نهم را روزه گرفت می تواند یک روز را بعد از ایام تشریق روزه

بگیرد کما اینکه این سه روز را می تواند از اول ذی حجه روزه بگیرد.

آیه [۸]

روز هشتم و نهم روزه نگیرد و پس از ایام تشریق تا آخر ذی الحجه آن سه روز را روزه بگیرد و بنابر اظهار می الله اردبیلی: تواند از روز سیزدهم شروع کند اگر چه در روز سیزدهم از منی به طرف مکه کوچ کند و احتیاط واجب آن است که اختیاراً روزه را از روز هفتم تأخیر نیندازد.

آیه [۹]

کسی که باید در حج روزه بگیرد چنانچه نتواند روز هفتم را روزه بگیرد هشتم و نهم را روزه گرفته و روز دیگر الله تبریزی: را پس از بازگشت از منی روزه بگیرد.

آیه الله خویی: این

احتیاط استحبابی است. (مستفاد از مناسک، مسأله ۳۹۸ و صریح مستند العروه، ج ۵، ص ۲۷۰).

آیه الله زنجانی: و

باید بعد از روز سیزدهم بگیرد، مگر به جهت ضرورت.

آیه الله سبحانی: روزه

در ایام تشریق برای کسی که در منا است جایز نیست چه حج گزار باشد و چه غیر آن لذا اگر قبل از ایام

منی روزه نگرفت باید بعد از ایام تشریق سه روز در مکه روزه بگیرد و هفت روز در محل خود و اگر در مکه نشد در راه بازگشت و اگر آن هم ممکن نشد در محل سه روز و بعد فاصله انداخته و هفت روز را روزه بگیرد.

آیه الله سیستانی: مکلفی

که باید سه روز در حج روزه بگیرد اگر موفق نشود همه سه روز را پیش از روز عید به جا آورد، بنابر احتیاط کفایت نمی کند آنها را در روز هشتم و نهم و یک روز دیگر پس از برگشت از منی بگیرد، و افضل این است که پس از سپری شدن روزهای تشریق این سه روز را روزه بگیرد، اگرچه جایز است که از روز سیزدهم شروع کند، در صورتی که قبل از آن از منی برگشته باشد، بلکه بنابر اظهر اگرچه در خود روز سیزدهم برگشته باشد. (مناسک، مسأله ۳۹۴).

آیه ۱۰.

مگر برای ضرورتی باشد مثلاً روز چهاردهم، مجبور است مراجعت کند. در این صورت روز سیزدهم را روزه الله زنجانی: می گیرد.

آیه ۱۱.

نسبت به غیر ناسک خالی از تأمل نیست. (وسیله ص ۳۳۰). الله بهجت:

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیه الله

رجوع شود به حاشیه مسأله ۱۰۵۹. اردبیلی:

آیه الله زنجانی: و

اول آن روز چهاردهم است.

آیه الله سبحانی، آیه الله صافی: و

احتیاط آنست که اول آن روز چهاردهم باشد.

آیه الله سیستانی: رجوع

شود به حاشیه قبل.

آیه الله فاضل: مشروط

بر اینکه روز سیزدهم در منی نباشد والا باید از روز چهاردهم شروع کند.

آیه الله

و گذشتن روز سیزدهم. زنجانی:

آیه الله

این احتیاط ترک نشود. اردبیلی:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط

این است که پس از بازگشت هرچه زودتر روزه ها را بگیرد و بدون عذر تأخیر ننماید.

آیه الله مکارم: این

احتیاط ترک نشود.

آیه الله

بنابر احتیاط واجب باید این سه روز را در مکه روزه بگیرد هر چند قصد اقامه لازم نیست ولی در صورتی که سبحانی: متمکن برای ماندن در مکه نباشد در راه بگیرد (کتاب الحج، ج ۵، ص ۱۸۳-۱۸۴).

آیه ۱۶]

اگر در روز دهم تا دوازدهم، متمکن از هدی شد لازم است قربانی کند و نمی تواند به روزه، اکتفا کند و اگر الله زنجانی: بعد از آن متمکن شد لازم نیست.

آیه الله

اگر تا روز دوازدهم تمکن از قربانی پیدا کرد، بنابر احتیاط قربانی کند. اردبیلی:

آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: احتیاط

واجب آن است که قربانی کند.

آیه الله سبحانی:

اگر تا آخر ایام تشریق متمکن شد باید ذبح کند و در غیر این صورت، روزه کفایت می کند.

آیه الله سیستانی:

بنابر احتیاط قربانی بر او واجب خواهد شد اگر تمکن قبل از گذشت ایام تشریق باشد و الا روزه کفایت می کند.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب قربانی کند.

آیه الله.

اگر چه ذبح کردن افضل و احوط است خصوصاً در صورت وجدان هدی قبل از خروج از منی (مناسک شیخ بهجت: ص ۷۷).

آیه ۱۹.

باید در سال آینده، خودش یا نایبش در منی ذبح کند و اگر تأخیر روزه از روی علم و عمد و اختیار بوده باید الله زنجانی: یک گوسفند کفاره بدهد، بلی چنانچه به جهت ضرورتی نتوانسته در ذی حجه روزه بگیرد باید بعد از ذی حجه روزه بگیرد و قربانی کفایت نمی کند.

آیه الله.

باید یک گوسفند در سال آینده خودش یا نایبش... بهجت:

آیه الله.

در سال بعد. اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و
قربانی برای سال بعد بر او متعین است.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: در
سال آینده خودش و یا نابیش....

آیه الله صافی: در
□ ذی حجه سال آینده.

آیه الله گلپایگانی: و [در ذبح نیت مافیالذمه از هدی یا کفاره بکند و سپس بنابر احتیاط هفت روز پی در پی نزد اهلش روزه
بگیرد. (مناسک عربی، ص ۱۴۹).

آیه الله مکارم:
بنابر احتیاط واجب در ذی حجه سال آینده.

آیه الله.
باید بعد از محرم شدن به احرام حج بگیرد. زنجانی:

آیه الله.
یعنی تا زمانی که محرم به احرام عمره تمتع نشده نمی تواند این سه روز را بگیرد اما بعد از احرام عمره تمتع فاضل:
اگر چه محلّ هم باشد می تواند به تفصیلی که در مسأله ۱۰۵۷ گذشت روزه بگیرد.

آیه الله.
این احتیاط مستحب است. اردبیلی:

آیه الله بهجت: اظهر
عدم وجوب توالی است (مناسک شیخ ص ۷۷).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط
این است که هفت روز پی در پی باشد.

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم:
بنابر احتیاط مستحب....

آیه الله.
سه روز روزه و همچنین هفت روز روزه باید پی در پی باشد، مگر در مواردی که ذکر شده است. زنجانی:

آیه الله.
در این صورت باید صبر کند تا همراهان او به وطن مراجعت کنند یا یک ماه بگذرد و سپس روزه بگیرد. سیستانی:
آیه الله گلپایگانی: متعرض
این مسأله و مسائل بعد تا مسأله ۱۰۷۶ نشده اند.

آیه الله.
باید به همان مقداری که مثلاً باید به فرودگاه برود و با هواپیما به محل بازگردد صبر کند و سپس روزه بگیرد. زنجانی:
و نباید بین ۳ روز و ۷ روز جمع نماید.

آیه الله.
مراجعه شود به حاشیه قبل. سیستانی:

آیه الله مکارم:
البته با توجه به نوبت بندی در حرکت با هواپیما.

آیه الله.

رعایت این احتیاط لازم نیست. اردبیلی:

آیه الله مکارم: این احتیاط لازم نیست.

آیه الله.
بلکه بنابر اقوی. اردبیلی:

آیه الله.
به ذیل مسأله ۱۰۷۶ مراجعه شود. بهجت:

نظر آیات
نباید بین ۳ روز و ۷ روز جمع نمایند. عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی:

آیه الله.
مانعی ندارد در بلد دیگر روزه بگیرد، البته آن قدر که می توانست به وطن برسد صبر کند. بهجت:

آیه الله خویی: متعرض
این مسأله نشده اند.

آیه الله |
بلکه ملاک این است که همسفرهایش که در مکه اقامت نکرده اند به وطن برسند. (مناسک عربی، مسأله ۳۹۳). خویی:

آیه الله زنجانی: مبدأ
این دو مدت پس از انقضاء ایام تشریق و پایان مناسک حج (یعنی انجام طواف نساء) و سه روز روزه گرفتن است.

آیه الله سبحانی: ابتدای

ماه از مابعد ایام تشریق یعنی روز چهاردهم حساب می شود (کتاب الحج، ج ۵، ص ۱۹۶).

آیه الله سیستانی: ابتدا

آن زمانی است که اگر قصد اقامت در مکه نداشت معمولاً از آنجا خارج می شد.

آیه الله:

بلکه باید از روزی حساب کند که اگر در مکه اقامت نمی کرد، آن روز به محل خود مراجعت می کرد. اردبیلی:

آیه الله مکارم: بلکه

ملاک آن است که همسفران او به وطن برسند ولی در یک ماه احتیاط واجب محاسبه بعد از قصد اقامت در مکه است.

آیه الله:

اگر تا تمام شدن ماه ذی حجه این سه روز را روزه نگرفت روزه ساقط و قربانی در سال بعد متعین است و لوخویی: اینکۀ نایب بگیرد. (مناسک عربی، مسأله ۳۹۴).

آیه الله فاضل:

بر ولی واجب است سه روز را قضا کند و هفت روز دیگر را بنابر احتیاط مستحب قضا کند.

آیه الله:

واجب است بگیرد. بهجت، آیه الله زنجانی:

آیه الله سبحانی:

اگر سه روز را روزه گرفته قضای بقیه واجب نیست ولی اگر هیچ روزه نگرفته باید همه را قضا کند (کتاب الحج، ج ۵، ص ۲۰۴).

آیه الله سیستانی: هیچ

کدام واجب نیست.

آیه الله.

متعرض این مسأله نشده اند. گلیایگانی:

آیه الله.

فاصله لازم نیست. بهجت:

آیه الله سیستانی: احتیاط

مستحب عدم جمع است. (مناسک مسأله ۳۹۴).

آیه الله.

و باید روزه بگیرد هر چند ماه ذی حجه گذشته باشد و ذبح هدی، لازم نیست. زنجانی:

آیه الله.

در سال آینده و در منی. اردبیلی:

آیه الله فاضل: در

منی.

آیه الله.

البته در سال آینده. سیستانی:

مسائل متفرقه هدي

[۱۰۷۷] م - تقسیم قرباني به سه قسم واجب نیست [۱]، و فروش یا هبه سهم

فقير

[۲]، بنابراین، عمل بعضي، که به ادعای فقر یا وکالت از فقير، ثلث فقير را از قرباني بخود حاجي مي فروشند یا هبه مي [۳] کنند صحيح نیست.

[۱۰۷۸] م - گفته مي شود که در مني، مسلخ فعلي، کمی در وادي مُحَسَّر ساخته شده و در این صورت، هر چند در صورت امکان [۴] ولو تا آخر ذیحجه باید در مني قرباني کنند لکن قرباني در مسلخ جديد مجزي است.

[۱۰۷۹] م - کسی که اجیر در حج است، مي تواند برای قرباني شخص ثالثي را وکیل کند و وکیل مزبور، نیت قرباني حجي که [۵] موکلش از طرف موکل خود انجام مي دهد را مي نماید.

[۱۰۸۰] م - تأخیر ذبح از روز عید عمد۱، جایز نیست علی الأحوط [۶]، لکن اگر تأخیر شد عمد۱ یا جهلاً یا نسیاناً، ذبح در شب کفایت [۷] مي کند.

[۱۰۸۱] م - کسانی که وکیل دیگری هستند که برای او قرباني کنند، مي توانند قبل از اینکه حلق یا تقصیر کنند، قرباني دیگری را [۸] ذبح نمایند.

[۱] . نظریه آیات عظام در ۱۰۴۰ گذشت.

آیه [۲]

توسط فقير یا وکیل او. الله فاضل:

آیات [۳]

جایز است قبل از قبض، از فقیری در وطنش وکالت بگیرد که در یک عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی: سوّم قربانی طبق خواسته او تصرف کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نسبت به صدقه و اهدا، انسان می تواند از فقرا و مؤمنین آشنا در شهر خود وکالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول کرده و بدون تقسیم اعراض نماید. (مناسک فارسی، ص ۱۴۰، مسأله ۱۹۰ و ۱۹۱).

آیه ۴ [۴]

با توجه به وضعیت فعلی و کثرت حجاج و عدم امکان ذبح برای تمامی آنان در منی، ذبح در مذبح فعلی الله اردبیلی: کافی است.

آیه الله بهجت:

اگر به علت تغییر محل، ذبح در منی ممکن نباشد و تأخیر انداختن آن، ولو تا آخر ماه ذی حجه موجب عُسر و حرج نوعی باشد، در این صورت ذبح در خارج از منی اشکال ندارد. (مناسک، ص ۱۳۷).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: پس

اگر متمکن از تأخیر و ذبح در منی باشد، اگرچه تا آخر ذی حجه، حلق یا تقصیر نماید و محل شود و ذبح را تأخیر بیندازد و همچنین طواف و نماز طواف و سعی را تأخیر بیندازد و الا جایز است به ذبح در مذبح فعلی اکتفا لازم به تذکر است اگر در روز عید متمکن از ذبح در منی نبود و احتمال بقای عذر تا آخر ذی حجه را بدهد، می تواند طبق کند، فتوای آیه الله خویی در مسلخ های جدید ذبح کند ولی اگر اتفاقاً کشف خلاف شد اعاده نماید. (استفتائات، ص ۲۶۷، س ۸۰۹). و آیه

اضافه فرموده اند: و جایی که مشکوک است که منی باشد مبیت و ذبح و تقصیر در حال اختیار هم مجزی الله تبریزی است.

آیه الله خامنه ای: محل

انجام ذبح، منی است و در صورتی که از ذبح در منی ممانعت شود، انجام آن در محل تعیین شده در حال حاضر، بلامانع است. (مناسک حج، م ۳۵۳)

آیه الله زنجانی: در

شرایط کنونی، قربانی کردن در مسلخ هایی که در خارج منی و وادی محسّر ولی نزدیک منی احداث شده است □ مجزی است و تأخیر برای ذبح در منی لازم نیست ولی اگر تأخیر انداخت اعمال بعدی را هم به تأخیر بیندازد.

آیه الله سبحانی: تأخیر [

ذبح برای تمکن از ذبح در منی واجب نیست و ذبح در مسلخ جدید مجزی است (کتاب الحج، ج ۵، ص ۲۰۹).

آیه الله سیستانی: در

صورت زیاد بودن حجاج و گنجایش نداشتن منی برای همه آنها در وقت اراده ذبح، بعید نیست کشتن در وادی محسّر نیز جایز باشد، اگرچه احوط ترک آن است مگر آنکه بداند که نمی تواند در منی تا روز سیزدهم قربانی کند. و چنانچه

ذبح در مني يا وادي محسر تا آخر ايام تشريق ميسور نبود در هر كجاي حرم بخواهد مي تواند ذبح كند و جواز اكتفاء در حال اختيار به ذبح در مكاني كه مشكوك است از مني يا وادي محسر مي باشد به علت شك در صحت علائم منصوبه در آن مكان ها محل اشكال است.

آية الله صافي، آية الله گلپایگانی: در صورت تمکن از ذبح در ايام تشريق، لازم است ذبح را تأخير نمايد بلکه لزوم تأخير تا آخر ذي حجه بعيد نيست ولي حلق را روز عيد انجام دهد و با اين عمل از احرام مخيط خارج مي شود و باقي اعمال را به ترتيب به جا آورد. و اگر بکلي ذبح در مني ممکن نبود ذبح در وادي محسر کافي است.

آية الله فاضل: اولاً خارج بودن مذبح فعلي از مني ثابت نيست بلکه به احتمال قوي قسمتي از آن داخل مني است و بر فرض اينکه مسلخ فعلي خارج از مني باشد، صبر کردن لازم نيست بلکه مي توانند در روز عيد در مذبح فعلي قرباني کنند و بقيه اعمال را انجام دهند.

آية الله مکارم: از روز سيزدهم تأخير نيندازد.

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۴۱ ذبح. [۵]

آية الله سبحانی آية الله سيستاني: وكيل بايد نيت کند آن قرباني که بر موکلش واجب است.

آية الله مکارم: نيت قرباني را نايب اصلي مي کند.

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۳۲ ذبح. [۶]

آية الله اردبيلي: تأخير تا روز دوازدهم جايز است.

آية الله مکارم: تا روز سيزدهم جايز است.

آیه [۷]

□ بنابر احتیاط کفایت نمی کند مگر برای خائف. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت: احوط [

این است که ذبح در روز عید قربان باشد و در صورتی که به دلایلی نتواند تا مغرب قربانی کند، بعد از اذان مغرب هم می تواند، (مستفاد از مناسک، س ۱۵۳ و ۱۵۴).

آیه الله تبریزی: ذبح

در شب، بعد از عید، خلاف احتیاط است.

آیات عظام خویی، سبحانی، فاضل: ذبح

در شب کفایت نمی کند مگر برای خائف.

آیه الله زنجانی: تأخیر

قربانی تا روز دوازدهم جایز است ولی ذبح در شب کفایت نمی کند.

آیه الله سیستانی: و

احتیاط واجب اینست که در شب قربانی نکند، حتی شب روزهای تشریق، مگر برای خائف (مناسک فارسی،

ص ۲۸۴).

آیه الله گلپایگانی: ذبح

در شب یازدهم بنابر احوط جایز نیست و اگر در روز عید ذبح نکرد، روز یازدهم ذبح نماید.

آیه [۸]

و چون قربانی کردن باعث نجس شدن بدن یا لباس محرم می شود، تا در منی حلق یا تقصیر نکرده نباید الله زنجانی: قربانی دیگری را ذبح کند و در هر حال اگر قربانی کرد، صحیح است.

استفتائات قربانی

[۱۰۸۲] س - جمعی از حجاج پول روی هم می گذارند و کسی با پول مشترک برای همه آنان تعدادی گوسفند می خرد و در وقت ذبح، هر گوسفند را برای یک نفر قصد می کند و قربانی می کند، آیا این ترتیب ذبح اشکال دارد یا خیر و آیا در صورت تفاوت گوسفندان در قیمت با اینکه همه به یک اندازه پول داده اند چه وضعی پیدا می شود؟

ج -

[۱] اگر صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد.

[۱۰۸۳] س - کسانی که گوسفند خود را به غیر مؤمن داده اند و او ذبح نموده است و بعد، حلق و اعمال مترتبه را انجام داده اند و بعد متوجه شده اند، وظیفه آنان چیست؟

ج - ذبح

[۲] و حلق و اعمال مترتبه صحیح است. [۲] را اعاده کنند

[۱۰۸۴] س - کسی قربانی را به غیر مؤمن داده و او کشته است و بعد متوجه شده و در عین توجه، عمد^۱ بدون تجدید قربانی حلق کرده و اعمال مترتبه بر حلق را انجام داده، آیا مُحَلّ شده است یا نه و آیا فقط قربانی باید بکند یا همه اعمال را اعاده نماید؟

ج -

با فرض اینکه احتمال صحتِ اعمالی را که بعد از قربانی اتیان کرده می داده، مُحَلّ شده است و فقط قربانی بر عهده او است [۵] و اعمالش صحیح است. [۴]

[۱۰۸۵] س - در مسأله قربانی در مسلخ جدید، عبارت نقل شده از حضرتعالی صراحت در حکم ندارد، لطفاً نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

ج - ذبح

[۶] در مسلخ جدید مجزی است.

[۱۰۸۶] س - آیا در شرایط قربانی، تحقیق لازم است که یقین به بودن شرایط حاصل شود یا لازم نیست؟

ج - در

شرایطیکه مربوط به نقص عارض بر حیوان بعد از تمام بودن آن است، مثل خصی نبودن یا معیوب نبودن حیوان، فحص

، لازم [۷] لازم نیست و در صورت شک می تواند بدون تحقیق ذبح کند، ولی در شرایط دیگر مثل سن حیوان یا مؤمن بودن ذابح [۸] است یقین حاصل شود.

[۱۰۸۷] س - در مکه جیب کسی را زدند و پولش را بردند، شکایت کرد، بعد [از] طی مراحل قانونی، حاکم آنجا حکم کرد پولش را از دزد بگیرند و به او بدهند، آیا جایز است پول را بگیرد و گوسفند قربانی را با آن بخرد یا نه؟

ج -
[۹] اگر می داند که پول خود او است، مانع ندارد.

[۱۰۸۸] س - شخصی بدون گرفتن وکالت در ذبح، از طرف عیالش یا شخص دیگری قربانی می نماید، به این خیال که اذن فحوی از او دارد و مطمئن است که وقتی به عیالش یا رفیقش بگوید من در قربانگاه برای تو قربانی کرده ام او راضی است و خوشحال هم می شود، این نحو قربانی کافیه است یا نه؟

[۱۰] -
[۱۱] کافی نیست مگر او را وکیل کرده باشد.

[۱۰۸۹] س - روز عید، بعضی اشخاص به قربانگاه می روند و بدون اینکه در قربانی نیابت داشته باشند، خودشان برای رفقایشان قربانی می کنند، آیا این قربانی کافی است یا نه؟ و اگر کافی نیست، پول قربانی به عهده چه کسی است؟

ج - کفایت
[۱۳] و پول از مال کسی خارج می شود که خرج کرده است مگر آنکه غروری در بین باشد. [۱۲] نمی کند

[۱۰۹۰] س - در قربانگاه، حجاج و صاحب گوسفند یک قرار می دهند که هرچند رأس گوسفندی که می خواهند، هریکی به فلان مبلغ و نام می برد، حاجی هم قبول می کند و یکی یکی را به نیت افرادی که وکالت دارد می کشد، بعد می رود با صاحب گوسفند حساب می کند، آیا در قربانی اشکالی نیست؟

ج - اشکال
ندارد.

[۱۰۹۱] س - در قربانگاه ده نفر حاجی با صاحب گوسفند قرار می گذارند که ده گوسفند را جدا می کنیم و قربانی می کنیم از قرار یکی دویست ریال سعودی مثلاً، در این بین چند نفر دیگر از رفقای آنان می آیند و بدون قرار جدید با صاحب گوسفند، به تعدادشان گوسفند قربانی می کنند و بنا دارند که بعد از قربانی طبق قرارداد سایر افراد، به صاحب گوسفند پول بدهند، آیا قربانی های آنان درست است یا خیر؟

ج -
[۱۴] اگر یقین به رضایت صاحب گوسفند دارند، مانع ندارد.

۱۰۹۲ س - غیر مؤمن مشغول سر بریدن قربانی بود، شخصی که برای او قربانی می شد دست گذاشت روی دست ذابح و فشار می داد در بردن و آوردن چاقو، به نحوی که بریدن سر گوسفند به هر دو اسناد داده می شد، آیا این قربانی صحیح است؟

ج -

[۱۵] اگر خودش ذبح نکرده، صحیح نیست.

۱۰۹۳ س - در روز عید قربان معمولاً در هر کاروانی چند نفر برای قربانی از طرف دیگران نایب می شوند و می آیند قربانگاه، اگر کسی شک کند که برای فلان شخص هم قربانی کردم یا نه، وظیفه نایب چیست؟

ج - باید

قربانی کند.

۱۰۹۴ س - آیا ذبح با کاردهای استیل که معلوم نیست آهن است یا نه چگونه است؟

ج - صحیح

[۱۶] نیست.

۱۰۹۵ س - اگر انسان مریض نتواند در حج تمتع قربانی کند و به دیگری نیابت دهد و نایب و وکیل فراموش کند و در مدینه یا در ایران یادش بیاید که قربانی نکرده است، وظیفه اش چیست؟

ج -

بر حج او اشکالی نیست، ولی قربانی بر ذمه اش باقی است که باید در سال آینده در منی انجام دهد و اگر در ماه ذیحجه [۱۷] فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

۱۰۹۶ س - شخصی برای خود و نیابت افرادی به قربانگاه رفت و ده رأس گوسفند خرید و قربانی کرد، بعد از رسیدن به منزل، یقین پیدا کرد پول ۹ رأس گوسفند را داده است، وظیفه اش نسبت به پول یک رأس که نداده چیست؟ ضمناً با مراجعه به قربانگاه صاحب گوسفند را پیدا نکرد، آیا جایز است که در آن پول تصرف کند و بعد از مراجعت به ایران پول ایرانی به حاکم شرع بدهد و یا صدقه بدهد یا نه؟ و در صورتی که تصرف در آن جایز باشد اکنون که به ایران برگشته، آیا باید ریال سعودی یا قیمت آن به ارز دولتی یا ارز آزاد بدهد؟

ج -

[۱۹] صدقه دهد و باید یا ریال بدهد و یا قیمت بالا را بدهد. [۱۸] با یأس از شناسایی صاحبش، از طرف او به فقیر

۱۰۹۷ س - شخصی قربانی نمی کند به اعتقاد اینکه گوشت گوسفند تلف می شود و از آنان استفاده ای نمی شود وبا همین کیفیت تقصیر کرده، اعمال حج را انجام می دهد، وظیفه او چیست؟

ج -

[۲۰] اگر جاهل بوده و فکر می کرده که عملش صحیح است، از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه او است.

۱۰۹۸ س - آیا مُحَرَّم می تواند قبل از ذبح گوسفندِ خود، برای دیگری ذبح نماید؟

ج - مانع
[۲۱] ندارد.

۱۰۹۹ س - اگر کسی مؤمن بودن ذابح را قبل از ذبح احرار کرد و بعداً معلوم شد خلاف بوده است، آیا آن قربانی کفایت می کند؟

ج - کفایت
[۲۲] نمی کند.

۱۱۰۰ س - اگر قربانی از وجه غیر مُحَمَّس باشد چه صورت دارد؟

ج - کفایت
[۲۳] نمی کند.

۱۱۰۱ س - در صورت عدم وجود گوسفند سالم، آیا می توان گوسفند مرضوض الخصیتین (گوسفندی که تخم های آن را کوبیده اند) را ذبح نمود؟

ج -
[۲۴] اگر غیر خصی و مرضوض یافت نشود، ذبح خصی و مرضوض کافی است.

۱۱۰۲ س - شخصی به اعتماد نایب خود در رمی، ذبح کرده و حلق نموده است، بعد معلوم شده که نایب از جانب او رمی ننموده است، آیا ذبح و حلق او صحیح است؟

ج - کفایت
[۲۵] می کند.

۱۱۰۳ س - شخصی در قربانی کسی را نایب خود کرد و پس از آن به دیگری نیابت داد، ولی شخص اول ذبح نمود، آیا صحیح است؟

[۲۶]

- اگر اولی را از وکالت عزل نکرده کافی است و مجرد نیابت دادن به دومی، عزل اولی از نیابت نیست.

۱۱۰۴ س - شخصی با جهل به اشتراط مؤمن بودن ذابح، قربانی خود را به دیگری واگذار کرده که ذبح نماید، بعد از ذبح متوجه مسأله شده است، وظیفه او چیست؟

ج -
[۲۷] اگر مؤمن بودن ذابح معلوم نیست، باید دو مرتبه قربانی کند.

[۱۱۰۵] س - کسی را وکیل در قربانی نموده، آیا وکیل می تواند به دیگری وکالت دهد؟

ج -
اگر وکالت داده که وکیل خودش قربانی کند، نمی تواند به دیگری بدهد.

[۱۱۰۶] س - اگر ذبح قربانی شخصی توسط غیر مؤمن صورت گرفته باشد [۲۸]، آیا تکرار آن باید در ایام تشریق باشد؟

ج -
[۲۹] اگر در بقیه ذبحه، تا آخر آن هم قربانی شود کافی است، اگرچه تأخیر آن از ایام تشریق جایز نیست.

[۱۱۰۷] س - محرمی که لباس احرامش بر اثر ذبح نجس شده، می تواند به مقداری که برای دیگران ذبح می کند، در لباس احرام نجس باشد؟

ج - در
[۳۱] و اگر نکرد ضرری به احرام یا ذبح ندارد. [۳۰] صورت امکان باید لباس خود را تطهیر کند

[۱۱۰۸] س - در مناسک نوشته شده: واجب است احتیاطاً، که قربانی را از روز عید تأخیر نیندازند [۳۲]، حال اگر کسی بدون عذر تأخیر انداخت، به غیر از حرمت تکلیفی، عواقب دیگری همدارد؟

ج - قربانی
[۳۳] او صحیح است، ولی باید ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مکه مراعات شود.

[۱۱۰۹] س - بعد از فري اوداج اربعه، اگر گردن قربانی را در حالی که هنوز زنده است قطع نمود، چه صورتی دارد؟

ج - کار
[۳۵]، لکن ذبیحه حلال است و کفایت از قربانی می کند. [۳۴] حرامی است

[۱۱۱۰] س - می فرمایید اگر ذبح در منی تا آخر ذبحه ممکن شود باید ذبح را تأخیر بیندازد، آیا اجازه می دهید که حلق را همان روز عید انجام دهد، یا باید حلق و تقصیر را تا بعد از قربانی تأخیر بیندازد، هرچند ده روز طول بکشد؟

ج - باید
[۳۷] علی الأحوط. [۳۶] مراعات ترتیب شود

۱۱۱۱] س - آیا حکم گوسفندي که تخم هاي آن را کوبيده اند، با گوسفندي که تخمهايش را تابيده اند يکي است يا نه؟ و در هر صورت، اگر تخم هاي گوسفندي را تابيده باشند، آیا براي هَدْي مُجْزي است يا نه؟ لطفاً نظر خودتان را بيان فرماييد.

ج -

[۳۸] بنا بر احتياط واجب بايد تابيده هم نشده باشد.

۱۱۱۲] س - حيواني را که براي هدي ذبح مي کنند، اگر قطع اوداج اربعه بکنند و آن را رها نمايند و حيوان به خودي خود پشت به قبله شود و يا بعد از قطع اوداج اربعه، قبل از جان دادن، حيوان را روي بقيه اجساد حيوانات ذبح شده پرت نمايند و حيوان در اثر اين کار، از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، حکمش چيست؟

ج - رو

به قبله بودن در حال قطع اوداج اربعه کافي است.

۱۱۱۳] س - اگر کسي پس از ذبح قرباني و انجام باقي مناسک و يا قبل از آن متوجه شد که سن هَدْي کمتر از حد نصاب است وظيفه چيست؟

ج - اعاده

[۳۹] لازم است.

۱۱۱۴] س - اگر روحاني کاروان مي داند که احرامي او در روز عيد در مسلخ به خون آلوده مي شود و به جهت اينکه روحاني است و بايد براعمال حجاج نظارت داشته باشد مدت چند ساعت لباس احرامي او خونآلود است، آیا با علم به نجس شدن و طولاني بودن آن تکليف او چيست؟

ج -

[۴۰] اگر معذور از تبديل يا تطهير است اشکال ندارد.

۱۱۱۵] س - روحاني کارواني نايب است و مي داند که براي نظارت بر اعمال حج حجاج در قربانگاه لباس او به خون آلوده مي شود و به جهت مسؤوليتي که دارد در قربانگاه معطل مي گردد، آیا با علم به اين جهت، نيابتش در حج اشکالي دارد؟

ج - نيابت

اشکال ندارد.

۱۱۱۶] س - بعضي از محله هاي جديد مکه، در مني ساخته شده است، آیا در آنجا مي شود قرباني نمود يا خير؟

ج -

[۴۱] اگر در مني است مانع ندارد، ولي بدون احراز اينکه در مني است، صحيح نيست.

[۱۱۱۷] س - انسان شک می کند که در سال یا سال های گذشته ذابح قربانیاش مؤمن بوده یا نه، الآن وظیفه اش چیست؟

ج -

اگر در حال عمل، مسأله را می دانسته و ملتفت بوده و شک بعد از عمل است، اعتنا نکند و در غیر این صورت باید قربانی [۴۲] را اعاده نماید.

[۱۱۱۸] س - بعضی از مدیران کاروان ها یا اشخاص خیر دیگر، که برای قربانی از اشخاص پول می گیرند و احیاناً خودشان سر بریدن را یاد ندارند لذا قربانی ها را غیر مؤمن ذبح می کند، اولاً آیا از منوب عنه مجزی است یا نه و ثانیاً آیا نایب ضامن است یا خیر؟

ج - قربانی

و کسی که پول را از منوب عنه گرفته ضامن است. [۴۳] مزبور کفایت نمی کند

آیه [۱]

اگر صاحبان پول اجازه داده باشند مانعی ندارد ولی رضایت قلبی کافی نیست. الله تبریزی، آیه الله خویی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

اگر صاحبان پول راضی باشند و ذابح وکالت در افراز داشته باشد اشکال ندارد. (آداب و

احکام حج، مسأله ۸۴۱).

آیه الله فاضل: لیکن

بهتر است که وکالت بگیرد در مقابل وجه مورد توافق، یک گوسفند به نیابت از او قربانی کند و مجاز باشد که برای ذبح نایب هم بگیرد.

آیه [۲]

اگر ذابح مسلمان باشد، کفایت می کند. الله اردبیلی:

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: کافی

است ذبح کننده مسلمان باشد.

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۴۲. [۳]

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

آیه [۴].

قربانی هم بر عهده او نیست و اعمالش صحیح است. الله اردبیلی:

[۵]. در مسأله قبل گذشت.

آیه الله خامنه ای:
به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۶]. مراجعه شود به مسأله ۱۰۷۸.

آیه [۷].

بنابر شرطیت و گذشت عدم شرطیت ایمان ذابح. الله بهجت، آیه الله سبحانی:

آیه الله خامنه ای:
به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۸]. مراجعه شود به مسأله ۱۰۴۵.

آیه الله اردبیلی: مؤمن بودن ذابح لازم نیست و مسلمان بودن کافی است و در تحصیل شرایط اطمینان کفایت می کند و در مورد عیوبی که احتمال می دهد از بدو تولد وجود داشته، بنابر احتیاط فحص نماید.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

اگر با یاع اهل خبره بود و از سن هدی خبر داد می توان به قول او اعتماد کرد. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۷۶ و صراط النجاة).

آیه الله سبحانی: در صورتی که شخص ثقه خبر بدهد یا قول فروشنده اطمینانآور باشد کافی است.

آیه الله مکارم: در صفات پنهانی حیوان می توان به قول فروشنده ظاهر الصلاح قناعت کرد و مؤمن بودن ذابح شرط نیست کافی است که مسلمان باشد.

آیه ۹]. اگر بداند آن شخص مال او را دزدیده، مانع ندارد. الله اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی: اگر می داند آن شخص دزد است مانع ندارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: و همچنین اگر شرایط تقاض حاصل باشد و به هر حال اگر قربانی را به نحو کلی فیالذمه بخرد و با آن پول، قیمت آن را ادا کند مجزی است.

آیه ۱۰]. کافی نیست مگر مأذون در ذبح باشد. الله زنجانی:

آیه ۱۱]. چنانچه احراز رضایت کرد و شاهد حال هم دال بر رضایت بود؛ به طوریکه اگر او بفهمد راضی است کفایت می الله بهجت: کند.

آیه الله خامنه ای: قربانی کردن باید به وسیله خود شخص یا با وکالت از سوی او انجام شود، اما اگر شخص دیگری بدون وکالت گرفتن از او برایش ذبح انجام دهد، صحت آن محل اشکال است و بنابر احتیاط، نمی توان به آن اکتفا کرد. (مناسک حج، م ۳۵۵)

آیه الله

به حاشیه سؤال قبل مراجعه شود. خامنه ای:

آیه الله

در مسأله قبل بیان شد که در چه صورتی کفایت می کند. بهجت:

آیه الله مکارم: یعنی

کسی او را فریب داده باشد.

آیه الله

و الا رضایت بعدی کافی نیست (آداب و احکام حج، مسأله ۸۳۹). صافی، آیه الله گلپایگانی:

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۴۲. [۱۵]

آیه الله اردبیلی: بلکه

صحیح است.

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

آیات عظام زنجانی، سبحانی، مکارم: گفتیم

مسلمان بودن ذابح کافی است.

آیه [۱۶]

سر بریدن با هر فلزی که عادتاً از آن چاقو ساخته می شود، صحیح است. الله اردیلبی:

آیه الله بهجت:

اگر در تیزی و حدّت مثل آهن باشد تا انتهای ذبح، بعید نیست حکم آهن را داشته باشد به الغای خصوصیت. (مناسک، س ۱۵۹).

آیه الله تبریزی: مانعی

ندارد، بلی اگر در محلّ ذبح آهن باشد، احتیاط مستحب آن است که با آن ذبح کند.

آیه الله خامنه ای: ابزاری

که ذبح با آن انجام می شود. باید از آهن باشد، و استیل (که فولاد مخلوط با ماده ضد زنگ است) در حکم آهن است، اما اگر در مورد آهني بودن ابزار ذبح تردید دارد، تا زمانی که آهني بودن آن محرز نشده، ذبح کردن با آن کفایت نمی کند. (مناسک حج، م ۳۵۶)

آیه الله خویی: ذبح

با آن مانعی ندارد. (صراط النجاة، ج ۱، ص ۲۹۲).

آیه الله زنجانی: ذبح

با چاقوي استیل، بلکه هر وسیله ای که در برندگی، از چاقوي آهني، کمتر نباشد صحیح است.

آیه الله سبحانی: ذبح

با کاردهای استیل مانعی ندارد (مناسک، م ۵۱۰).

آیه الله سیستانی: خالی

از اشکال نیست.

آیه الله صافی:

اگر محرز نباشد که استیل آهن است صحیح نیست.

آیه الله فاضل: اشکال

ندارد.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری:

با هر فلز برنده ای صحیح است.

آیه الله

بدین شکل که اگر وکیل یا نایب هنوز در مکه است سعی کند آن را در سبحانی: منی یا کشتارگاه های نزدیک به منا انجام دهد وگرنه باید در سال آینده در منا انجام دهد

و اگر پول یا فیش قربانی به هدر رفته است قربانی بر ذمه نایب باقی است و باید انجام دهد.

آیه

اگر پس از ایام تشریق در ماه ذی حجه متوجه شود به احتیاط واجب جمع کند بین روزه و ذبح. الله سیستانی:

آیه الله

باید فقیر مؤمن باشد. تبریزی، آیه الله خویی:

آیه الله زنجانی: باید

با اذن حاکم شرع به فقیر مؤمن غیر سید صدقه دهد.

آیه الله سبحانی:

به احتیاط واجب به اذن حاکم شرع به فقیر مؤمن صدقه بدهد.

آیه الله سیستانی: و

به احتیاط واجب باید به اذن حاکم شرع باشد.

آیه ۱۹

منظور قیمت ارز آزاد است. الله مکارم:

آیه الله

قربانی کند و بعد تقصیر نماید و کفاره ازاله شَعْر را بدهد. بهجت:

آیه الله زنجانی: و

باید بعد از قربانی، اعمال مکّه را هم اعاده کند مگر آنکه بعد از کوچ کردن از منی، حکم شرعی آن را یاد گرفته

باشد.

آیه الله سبحانی: ولی

در جاهل مقصر و یا در صورت عمد چنین فردی از احرام خارج نشده و اگر محرم مرد می باشد باید فوراً

لباس دوخته را از تن خارج کند و حوله های احرام را بپوشد و محرمات احرام را ترک نماید و بعد از قربانی در منی یا قربانگاه

هائي موجود اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر پايان ايام تشريق ذبح نکند تا آخر ذي حجه بايد ذبح کند و اعمال را انجام دهد و یک عمره مفرده نیز به جا آورد و حج خود را بنابر احتیاط واجب سال بعد اعاده کند.

آية الله فاضل: ظاهر^۱

از احرام خارج نشده و لازم است محرمات احرام را رعایت کند و اگر تا پایان ايام تشريق ذبح کند حجّش صحیح است و الا بنابر احتیاط باطل است و باید با عمره مفرده از احرام خارج شود.

آية الله سيستاني: باید

فورا لباس دوخته را بیرون آورد و محرمات احرام را ترک کند و قبل از پایان ايام تشريق ذبح کند و گرنه حج او باطل است بنابر احتیاط.

آية الله مکارم:

اگر قرباني در مني از بين مي رود و به هيچ وجه قابل استفاده نیست، بايد پول آنرا کنار گذارد و در شهر خودش قرباني کند (در ماه ذي حجه آن سال و اگر نتوانست در سال بعد در ايام تشريق).

آية الله

به حاشیه مسأله ۱۰۸۱ مراجعه شود. زنجاني:

آية الله سبحاني: ولي

بهتر است نخست قرباني خود را ذبح کند سپس قرباني افراد ديگر را.

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۴۲. [۲۲]

آية الله اردبيلي: کفایت

مي کند.

آية الله بهجت: کفایت

مي کند چون گذشت که ايمان شرط نیست و اسلام کافي است.

آية الله خامنه اي:

به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

آية الله سبحاني: مباشرت

در قرباني و حلق لازم نیست بنابراین اگر خودش نیت کند در هر دو مورد اگر ذابح یا حلاق غیر مؤمن باشد اشکال ندارد ولي اگر آنان را در قرباني و یا حلق نیابت داده باشد کفایت نمی کند.

. مراجعه شود به سؤال ۶۶۷. [۲۳]

آیه الله اردبیلی: کفایت

می کند مگر اینکه معامله به نحو شخصی صورت گرفته باشد و قصد او نیز این باشد که خمس را نپردازد.

آیه الله بهجت:

اگر معامله به ذمه باشد، ظاهراً کافی است. (مستفاد از س ۹۷ مناسک).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چون

متعارف خرید به ثمن کلی است، قربانی صحیح است.

آیه الله خامنه ای:

اگر معامله به صورت خرید در ذمه باشد کافی است.

آیه الله سبحانی: کفایت

می کند و فقط ذمه حج گزار به اندازه خمس مشغول است.

آیه الله مکارم: کفایت

می کند.

آیه الله سیستانی، آیه الله نوری: چون

متعارف خرید به ثمن کلی است، قربانی صحیح است ولی ذمه اش به اندازه خمس

مشغول است.

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۲۴ و ۱۰۲۳. [۲۴]

آیه الله اردبیلی: ذبح

□ مرضوض در حال اختیار نیز کافی است.

آیه الله بهجت: ولی [

بنا بر احتیاط روزه هم بگیرد.

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه مسأله ۱۰۲۳ «شرط چهارم» مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: ذبح
خصی در این فرض و ذبح مرضوض مطلقاً کافی است.

آیه الله سبحانی: و
همچنین است اگر گمان کرد که رمی نموده و ذبح و حلق را انجام داد بعد معلوم شد که رمی بعد از ذبح و
حلق واقع شده است در این صورت ذبح و حلق صحیح است و رمی نیز کافی است.

آیه الله
ولی باید رمی را خودش یا نایبش انجام دهد. اردبیلی:

آیه الله
صحیح است. زنجانی:

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۴۲. [۲۷]

آیه الله اردبیلی: اشکال
ندارد.

آیه الله زنجانی:
به حاشیه مسأله ۱۰۴۱ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: لازم
نیست چون همان اسلام کفایت می کند.

آیه الله
به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود. خامنه ای:

. مراجعه به مسأله ۱۰۴۲ شود. [۲۹]

آیه الله اردبیلی: گذشت
که تکرار ذبح لازم نیست.

آیه الله خامنه ای:
بنابر احتیاط واجب و در صورت امکان. (مناسک حج، م ۳۵۲)

آیه الله زنجانی:
به حاشیه مسأله ۱۰۴۱ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: همان
گونه که گفته شد، اسلام ذابح کافی است.

آیه الله
تطهیر لباس واجب نیست، اگرچه مطابق با احتیاط استحبابی است. اردبیلی:

آیه الله بهجت:
بنابر احوط. (مناسک، شیخ ص ۱۴).

آیه الله سبحانی: و
برای اینکه این محذورات پیش نیاید افراد محرم که برای دیگران ذبح می کنند در مذبح سعی کنند اول
گوسفند خود را قربانی کنند و با تقصیر یا حلق در منی از احرام خارج بشوند.

آیه الله سیستانی:
بنابر احتیاط واجب.

آیه الله
بنابر احتیاط لباس را تطهیر کند. تبریزی، آیه الله خویی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط
مستحب تعویض یا تطهیر آن است.

آیه الله.

گذشت که تأخیر قربانی تا روز دوازدهم جایز است. اردبیلی:

آیه الله |

علي الأحوط الأشهر. (مناسک شیخ، ص ۷۸). بهجت:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

اگر ذبح را عمد^۱ تأخیر بیندازد تا تنگی وقت روز عید که دیگر نتواند در آن روز ذبح کند، باید حلق یا تقصیر نماید، ولی اعمال مکه را تأخیر بیندازد.

آیه الله خامنه ای: کسی

که ذبح قربانی را بنابر هر دلیلی از روز عید به تأخیر انداخته، لازم نیست حلق یا تقصیر را هم به تأخیر اندازد، بلکه بعید نیست انجام حلق یا تقصیر در روز عید واجب باشد، و نباید در این مورد ترک احتیاط کند، اما صحت انجام طواف حج و دیگر اعمال پنج گانه مکه در چنین حالتی (تأخیر در انجام قربانی) محل اشکال است و باید برای انجام آن اعمال تا ذبح قربانی منتظر بماند. (مناسک حج، م ۳۶)

آیه الله زنجانی:

به حاشیه مسأله ۱۰۳۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی:

به ذیل مسأله ۱۰۲۸ مراجعه شود و اما اعمال مکه نیز باید بعد از قربانی و حلق یا تقصیر انجام شود.

آیه الله سیستانی:

جایز است مقدّم داشتن تقصیر یا حلق بر ذبح ولی احتیاط واجب این است که پس از تهیه قربانی در مکانی که ذبح در آن برای او جایز است باشد. ولی تا ذبح نکند محل نمی شود و تقدیم اعمال مکه بر حلق یا تقصیر برای کسی که باید آنها را بعد از وقوفین انجام دهد جایز نیست و اگر کسی از روی علم و عمد مقدم بدارد باید یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید

ترتیب بنابر احتیاط مراعات شود و اگر از روی سهو یا جهل ترتیب مراعات نشد اشکال ندارد ولی احکام مکه باید بعد از قربانی و حلق یا تقصیر انجام شود. (مناسک عربی، ص ۱۴۸).

آیه الله مکارم: تأخیر

تا روز سیزدهم جایز است.

آیه الله.

بنابر احتیاط. سیستانی، آیه الله فاضل:

آیه الله.

مانعی ندارد ولی اگر عمداً چنین کند استفاده از گوشت آن مکروه است بلکه خلاف احتیاط است (رساله توضیح بهجت: المسائل، مسأله ۱۸۲۳).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

بنابر احتیاط لازم، ذبیحه حلال نیست.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: این

کار حرام نیست ولی بهتر است این کار را نکند.

آیه الله سبحانی: گرچه

این کار اگر عمداً باشد حرام است ولی استفاده از گوشت آن مکروه است.

آیه الله.

اگر تأخیر ذبح تا روز دوازدهم باشد، باید حلق را بعد از ذبح انجام دهد و اگر از روز دوازدهم نیز تأخیر می افتد، اردبیلی: می تواند حلق کرده و باقی اعمال را به جا آورد و تا آخر ذیالحجه هر وقت که توانست ذبح کند.

آیه الله بهجت: حلق

و تقصیر در روز عید است.

آیه الله نوری: تأخیر

حلق از روز عید جایز نیست.

. مراجعه شود به مسأله ۱۱۳۹ و ۱۱۴۰ از مسائل تقصیر و مسأله ۱۰۷۸. [۳۷]

آیه الله خامنه ای:

اگر نتواند در روز عید در منی قربانی کند، لیکن قربانی کردن در روز عید در قربانگاهی که در حال حاضر در خارج از منی برای قربانی در نظر گرفته شده، برایش میسر باشد، بنابر احتیاط، واجب است که ابتدا قربانی کند. و سپس حلق یا تقصیر نماید؛ و اگر این کار هم برایش ممکن نباشد، بنابر احتیاط واجب باید در روز عید حلق یا تقصیر انجام دهد که با انجام آن از احرام خارج می شود، اما باید اعمال پنج گانه مکه را تا پس از ذبح قربانی به تأخیر اندازد. (مناسک حج، م ۳۶۴)

آیه الله سبحانی: حلق

یا تقصیر باید پس از قربانی باشد و این تأخیر از غروب روز سیزدهم فراتر نرود.

آیه الله مکارم: رعایت

ترتیب در اینجا لازم نیست.

آیه الله:

هر دو مجزی است. اردبیلی:

آیه الله بهجت، آیه الله گلپایگانی:

به مسأله ۱۰۲۳ (شرایط هدی) مراجعه شود.

آیه الله خامنه ای: رجوع

شود به حاشیه مسأله ۱۰۲۳، چهارم.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: مسأله

در مورد کوبیده نبودن، و تابیده و مالیده نبودن مبتنی بر احتیاط استحبابی است، بلی باید خصی یعنی اخته نباشد. (مناسک عربی، مسأله ۳۸۴).

آیات عظام سبحانی، سیستانی، فاضل: احتیاط

مستحب است.

آیه الله:

اگر در ایام تشریق باشد باید اعاده کند و اگر بعد از آن باشد به احتیاط واجب جمع کند بین اعاده ذبح و سیستانی: روزه.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیه الله.

مطلقاً اشکال ندارد ولی احتیاط مستحب آن است که تا جایی که امکان دارد تطهیر کند. اردبیلی:

آیه الله سیستانی:

اگر ممکن است، به احتیاط واجب باید مبادرت به تطهیر یا تبدیل کند یا ابتدا از احرام خارج شود سپس به این کار بپردازد.

آیه الله.

با فرض شک، مانعی ندارد. تبریزی:

آیه الله خویی: در

مورد شک در منی فتوای ایشان به دست نیامد.

آیه الله زنجانی: در

شرایط کنونی ذبح در اماکن نزدیک منی مجزی است.

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۴۲. [۴۲]

آیه الله اردبیلی:

اگر ذابح مسلمان بوده کافی است.

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: برای

پاسخ این سؤال و سؤال بعد به حاشیه مسأله ۱۰۴۱ مراجعه شود.

آیه الله.

به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود. خامنه ای:

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۴۲. [۴۴]

آیه الله اردبیلی:

اگر وکالت داشته باشند که ذبح را به شخص دیگری واگذار کنند، مسلمان بودن ذابح کافی است.

آیه الله فاضل:

به حاشیه مسأله ۱۰۵۰ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: و

اگر کسانی که در کاروان ها از حجاج جهت خرید قربانی و ذبح پول گرفته و نیابت با اذن در توکیل گرفته اند چنانچه فقط ذبح را به غیر مؤمن واگذار و خود نیت کند اشکال ندارد ولی هم ذبح و هم نیت را نمی تواند به غیر مؤمن واگذار کند.

مستحبات هدي

[۱۱۱۹ م - مستحبات هدي چند چيز است]:

۱. در صورت تمکن، قرباني شتر باشد و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد.
۲. قرباني بسيار فربه باشد.
۳. در صورت شتر يا گاو بودن آن، از جنس ماده و در صورت گوسفند يا بز بودن آن، از جنس نر باشد.
۴. شتري که مي خواهند او را نحر کنند، ايستاده و از سر دست ها تا زانوي آن را ببندند و شخص در جانب راست او بایستد و کارد يا نيزه يا خنجر به گودال گردن او فرو برد و در وقت ذبح يا نحر اين دعا را بخواند:
«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي»
۵. اينکه خود قرباني را بکشد و اگر نتواند، دست خود را بالاي دست کشنده بگذارد.

آية [۱]

به قصد رجاء و اميد ثواب به جا آورد. الله مکارم:

سوم - تقصیر یا حلق

[۱۱۲۰] م - هر مکلفي مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر بتراشد و یا از ناخن^[۱] یا موي خود قدری بچیند، مگر چند طایفه:

اول - زن

[۴] خود قدری بگیرند و کافی نیست ظاهراً^[۲] برای آنها سر تراشیدن. یا ناخن

دوم - کسی

^[۳] بتراشد^[۲] به احتیاط واجب. عج او باشد، که باید سر

سوم - کسی

که موي سر خود را به غسل یا «صمغ» یا نحو آن برای رفع شپش و نحو آن چسبانیده باشد باید سر بتراشد به احتیاط [۸] واجب.

چهارم - کسی

[۹] که موي خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته است، باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

پنجم - خنثای

[۱۰] مشکل اگر از این سه دسته اخیر نباشد، باید تقصیر کند و سر نتراشد.

[۱۱۲۱] م - اگر خنثای مشکل از این سه طایفه باشد [۱۱]، واجب است هم تقصیر کند و هم سر بتراشد احتیاطاً. [۱۲]

[۱۱۲۲] م - احتیاط آن است که کسی که سر را می تراشد تمامش را بتراشد. [۱۳]

[۱۱۲۳] م - در تقصیر کفایت می کند مقدار کمی از موي سر یا ریش یا و بهتر [۱۴] شارب را چیدن، به هر نحو و با هر آلت که باشد و یا ناخن گرفتن. است

[۱۵] که هم مقداری از مو بگیرد و هم ناخنرا بگیرد.

[۱۱۲۴] م - سر تراشیدن و تقصیر چون از عبادات است، باید با نیت خالص از ریا و برای اطاعت خداوند باشد و بدون آن صحیح نیست و آنچه باید به آن حلال شود حلال نمی شود.

[۱۱۲۵] م - جایز است سر را خود انسان بتراشد یا به سلمانی بدهد و همچنین در تقصیر و باید خودش نیت کند و بهتر آن است [۱۶] که سلمانی هم نیت کند.

[۱۱۲۶] م - کسانی که سر تراشیدن بر آنها متعین است، [۱۸] باید تیغ را بکشند بهسر آنها و آن کافی است از تراشیدن سر. [۱۷] د

[۱۱۲۷] م - اگر آن را هم نداشتند تیغ را بسر بکشند [۲۰] تقصیر کنند و اگر هیچ مو نداشتند حتی موی ابرو [۱۹] باید کافی است.

[۱۱۲۸] م - تراشیدن ریش کفایت نمی کند از تقصیر. [۲۱]

[۱۱۲۹] م - اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل یا عانه محل اشکال است. [۲۲]

[۱۱۳۰] م - محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است و جایز نیست اختیاراً در غیر آنجا. [۲۳]

[۱۱۳۱] م - احتیاط [۲۵] آن است که در روز عید باشد، اگرچه بعید نیست جواز تأخیر تا آخر ایام تشریق. [۲۴]

[۱۱۳۲] و [۲۷] باید مراجعت کند و عمل را انجام دهد و فرقی نیست در این حکم بین کسی که عمدتاً ترک کرده یا نسیاناً [۲۶] سهواً یا به واسطه مسأله ندانستن.

[۱۱۳۳] م - اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منی [۲۸]، هر جا که هست سر بتراشد یا تقصیر کند و موی خود را [۳۰] به منی، در صورت امکان، و مستحب است که مو را در منی دفن کند در محل خیمه خود. [۲۹] بفرستد

[۱۱۳۴] م - جایز نیست طواف حج بکند قبل از تقصیر یا سر تراشی و همچنین سعی را جایز نیست جلو بیندازد.

[۵] و اگر نمی تواند به منی برگردد [۳۲] و سر بتراشد یا تقصیر کند و پس از آن طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد [۳۱] هر جا هست سر بتراشد و تقصیر کند و اعاده طواف و نماز و سعی را.

[۱۱۳۶] م - اگر از روی علم و عمد اینکار را کرده، باید علاوه بر اعاده طواف و نماز و سعی یک گوسفند ذبح کند. [۳۳]

[۱۱۳۷] م - اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم داشته گوسفند لازم است [۳۴]، و اگر فقط سعی را مقدم داشته گوسفند لازم نیست، لیکن باید اعاده کند آن را بعد از حلق یا تقصیر و طواف و نماز آن.

تا ترتیب حاصل شود [۳۶] بعد از طواف یا سعی یا هر دو، سر را تراشید یا تقصیر کرد، احتیاط آن است که اعاده کند [۳۵] و اگر تکلیفش سر تراشی بوده تیغ را به سر بکشد احتیاطاً. [۳۷]

۱۱۳۹ م - به احتیاط واجب باید در منی اول رمی جمره کند و بعد از آن ذبح کند و بعد تقصیر یا حلق. [۳۸]

۱۱۴۰ م - اگر برخلاف این ترتیب عمل کند [۳۹]، پس اگر از روی غفلت و سهو بوده، اعاده لازم نیست و اگر از روی جهل به مسأله در صورت امکان احتیاط را [۴۰] بوده بعید نیست که اعاده نخواهد و احتیاط به اعاده است و اگر از روی علم و عمد بوده [۴۱] ترک نکند.

۱۱۴۱ م - بعد از آنکه مُحرمی که وظیفه اش سر تراشیدن بود سر تراشید یا تقصیر کردن بود تقصیر کرد [۴۲]، حلال می شود بر او از دو جهت حرمت داشت: [۴۳] و بوی خوش و اما صید [۴۳] تمام چیزهایی که حرام شده، به واسطه احرام حج، مگر زن یکی آنکه در حرم صید جایز نیست نه برای محرم و نه برای غیر محرم و این حرمت باقی است. دوم آنکه بر خصوص محرم نیز صید جایز نیست، چه در حرم باشد یا غیر حرم و بعید نیست که به واسطه حلق یا تقصیر از جهت دوم حرمت برداشته شود، پس [۴۵] جایز است از برای او صید در خارج حرم.

آیه [۱]

بنابر احتیاط واجب ناخن گرفتن به تنهایی کافی نیست و اگر خواست ناخن بگیرد، احتیاطاً باید بعد از چیدن الله اردبیلی: مو باشد.

آیه الله زنجانی:

بنابر احتیاط مؤکد استحبابی، برای تقصیر، کوتاه کردن مو را انتخاب کند و همچنین است حکم تقصیر بانوان.

آیه الله سبحانی: نحوه

تقصیر در ذیل مسأله ۸۹۴ گذشت مضافاً بر اینکه تراشیدن ریش در مردان کفایت از حلق یا تقصیر نمی کند.

آیه الله سیستانی: گرفتن

ناخن کافی نیست بنابر احتیاط واجب و اگر خواست ناخن بگیرد باید بعد از کوتاه کردن مو باشد.

آیه [۲]

حکمش گذشت. الله اردبیلی:

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب کوتاه کردن ناخن به تنهایی کافی نیست.

آیه الله سبحانی: و تراشیدن سر برای آن ها جایز نیست و کفایت از تقصیر نمی کند.

آیه الله فاضل: و سرتراشیدن برای آنها کافی نیست.

آیه [۳].
سر تراشیدن برای آنها جایز نیست. الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

آیه [۴].
زنان حتماً باید تقصیر کنند و برای آنان حلق کفایت نمی کند. (مناسک حج، م ۳۵۷) الله خامنه ای:

آیه الله زنجانی: و جایز نیز نمی باشد.

آیه [۵].
سر تراشیدن در این مورد دوّم و نیز سوم و چهارم مستحبّ مؤکد است. (مناسک شیخ ص ۷۸). الله بهجت:

آیه الله نوری: مخیر
بین تراشیدن سر و کوتاه کردن مو یا چیدن ناخن می باشد.

آیه [۶].
مردی که حجة الاسلام خود را به جا می آورد باید سرش را بتراشد هر چند حج اول او نباشد و می تواند با الله زنجانی: ماشینیه که مانند تیغ از ته می زند، سرش را بتراشد.

آیه [۷]

بلکه بنابر اظهر الله اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احتیاط
مستحب این است که سر تراشیدن را اختیار کند، هرچند مخیر بودنش بین حلق و
تقصیر خالی از قوت نیست.

آیه الله سبحانی: تراشیدن

سر برای کسی که برای اولین بار به حج می رود و همچنین کسی که حجة الاسلام را به جا می آورد هر
چند قبلاً حج مستحبی یا نیایی به جا آورده باشد و فردی که موهای خود را گره زده یا با هم جمع کرده واجب است (مناسک، م
۵۱۱).

آیه الله مکارم: چنین

کسی نیز مخیر است و سر تراشیدن متعین نیست.

آیه [۸]

بلکه بنابر اقوی الله اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، فاضل: احتیاط
این است که سر تراشیدن را اختیار کند. بلکه وجوب آن اظهر است.

. مانند طایفه قبل است. [۹]

آیه [۱۰]

سر تراشیدن برای خنثای مشکل جایز نیست بنابر تخییر که گذشت، و اما بنابر تعیین حلق بر مرد، اگر یکی از الله بهجت:
قسم متقدّم باشد، احوط جمع است. (مناسک شیخ، ص ۷۸).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: خنثای

مشکل اگر موی سر خود را نچسبانده یا نبافته باشد باید تقصیر نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: خنثی

در حکم زن است و تقصیر بر او متعین است.

آیه الله مکارم:

اگر از دو دسته اخیر نباشد مو را کوتاه کند و اگر باشد اول کمی مو را کوتاه کرده بعد سر را می تراشد (بنابر احتیاط واجب).

آیه [۱۱]

باید احتیاطاً اول تقصیر کند و سپس سر بتراشد. الله زنجانی:

آیه الله

و تقصیر را بر حلق مقدم کند. اردبیلی:

نظریه آیه

در مسأله قبل گذشت. الله بهجت، آیه الله گلپایگانی

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: دو

و فرموده‌اند: باید هم تقصیر و هم قسم سوّم و چهارم [قسم از سه قسم را متذکر شده اند حلق نماید و بنابر احتیاط تقصیر را بر حلق مقدم بدارد.

آیه الله سیستانی: باید

اول تقصیر نماید و آنگاه بنابر احتیاط حلق نماید. (مناسک، مسأله ۴۰۶).

آیات [۱۲]

بلکه باید تمامش را بتراشد. عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، گلپایگانی:

آیه الله سبحانی: لازم

است تمام سر را بتراشد و تراشیدن برخی از آن کافی نیست.

آیه الله.

گذشت که بنابر احتیاط واجب به گرفتن ناخن به تنهایی نباید اکتفا شود. اردبیلی:

آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی: رجوع

شود به مسأله ۱۱۲۰.

آیه الله مکارم: کفایت

ناخن گرفتن به تنهایی مشکل است.

آیه الله.

و احوط آن است. (مناسک حج، م ۳۵۷) خامنه ای:

آیه ۱۶]

متعرض این مسأله نشده اند. الله خویی،

آیه الله سبحانی: نیازی

به نیت سلمانی و یا تقصیر کننده نیست.

آیه الله سیستانی: در

رابطه با نیت سلمانی مطلبی در دست نیست.

آیه الله.

بنابر احتیاط واجب علاوه بر کشیدن تیغ، تقصیر نیز بنمایند. اردبیلی:

آیه الله.

طایفه اول از آن سه طایفه، همانطور که گذشت، مخیر بین حلق و تقصیر هستند. تبریزی:

آیه الله سیستانی:

بنابر احتیاط تقصیر هم بکند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در

این صورت تقصیر متعین است و بنابر احتیاط تیغ را به سر بکشند و در صوره این احتیاط ترک نشود. (آداب و احکام حج، مسأله ۸۵۳).

آیه الله فاضل:

بنابر احتیاط مستحب تقصیر هم بکند.

آیه الله مکارم: احتیاط

جمع میان آن و ناخن گرفتن است و اگر ریش یا شارب دارد کمی از آن را نیز احتیاطاً کوتاه کند.

آیه ۱۹.

بنابر احتیاط باید موی ریش یا سبیل را کوتاه کند. الله سبحانه:

آیه الله مکارم: موی

صورت را کوتاه کند.

آیه الله.

باید در کوتاه کردن موی مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل را کوتاه کند. اردبیلی:

آیه الله بهجت: احتیاط

این است که به کوتاه کردن موی ابرو اکتفا نکند.

آیه الله تبریزی:

اکتفا به کوتاه کردن موی ابرو محل اشکال است.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: در

کوتاه کردن موی بنابر احتیاط واجب باید مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل را کوتاه کند.

(مناسک، مسأله ۳۵۴).

آیه الله زنجانی: کوتاه

کردن ابرو برای تقصیر، کفایت نمی کند.

آیه الله سبحانی: از موی غیر سر یعنی ریش و سیل کوتاه کند و اگر آنها را نداشت تیغ را بر تمام سر بکشند.

آیه الله فاضل: تقصیر با موی ابرو و سینه و پا مجزی و صحیح است ولی احتیاط مستحب است که از موی سر یا ریش یا شارب تقصیر کنند.

آیه الله مکارم: کوتاه کردن موی ابرو دلیلی ندارد.

آیه الله: و حرام نیز می باشد. زنجانی:

. به مسأله ۸۹۴ مراجعه شود. [۲۲]

آیه الله: مویی که برای حلق یا تقصیر زده می شود باید در منی ریخته شود بلکه بنابر احتیاط باید عمل حلق و تقصیر زنجانی: نیز در منی انجام شود.

آیه الله: احتیاط واجب آن است که در روز عید باشد و اگر روز عید نکرد تا آخر ذی حجه وقت دارد. تبریزی، آیه الله خویی:

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب این است که از روز عید تأخیر نشود و بعید نیست تأخیر آن تا آخرین زمانی که بتواند اعمال حج را در ماه ذی حجه به جا آورد.

آیه الله سبحانی: جواز

تأخیر عمدی حلق از روز عید خلاف احتیاط است و باید چنانچه عذری ندارد آن را به تأخیر نیندازد لکن جهت حفظ ترتیب اعمال روز عید تا قربانی نکرده است جایز نیست حلق یا تقصیر کند مگر اینکه تا غروب روز سیزدهم نتواند قربانی کند که در اینصورت غروب روز سیزدهم حلق می نماید و مسائل مربوط به قربانی با این فرض گذشت.

آیه الله گلپایگانی: متعرض [این فرع نشده اند.

آیه الله نوری: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله.

بنابر احتیاط واجب، باید حلق یا تقصیر واجب را در روز عید قربان انجام دهد، و اگر چنین نکند، واجب است خامنه ای: که در شب یازدهم یا پس از آن آن را انجام دهد، و همان کفایت می کند. (مناسک حج، م ۳۶۰)

آیه الله.

چنانچه از روی علم و عمد، تقصیر را ترک کرده بنابر احتیاط باید برگردد و در منی حلق یا تقصیر کند و اگر از روی زنجانی: فراموشی یا ندانستن مسأله ترک کرده می تواند در جایی که هست حلق یا تقصیر کند؛ هر چند احتیاط مؤکد مستحب در این است که اگر می تواند، در منی حلق یا تقصیر کند و در هر حال اگر بیرون منی، حلق یا تقصیر نمود واجب است موی خود را به منی بفرستد.

آیه الله.

اگر پس از اعمال حج تدارک نماید، اعاده طواف واجب است و در صورت تعمّد بنابر احوط گوسفندی کفاره دارد بهجت: (مناسک، مسأله ۴۱۴).

آیه الله سبحانی: و

اگر اعمال بعد از حلق را انجام داده آنگونه که در ذیل س ۱۱۴۸ گفته شد اعاده کند و اگر خود در مکه نیست به نحوی که در ذیل همان مسأله بیان کردیم استنباه کند تا از احرام خارج شود و الا هنوز محرم است و نمی تواند برای عمره یا حج دیگر محرم شود.

آیه الله سیستانی: ناسی

بنابر احتیاط واجب ملحق به عامد است. (مناسک، مسأله ۴۰۸).

آیه الله

بنابر احتیاط واجب. اردبیلی:

آیه الله

نظر معظم له در این فرع به دست نیامد. خامنه ای:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: مستحب

است موی خود را بفرستد.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیه الله

یا غیر خیمه خود. مکارم:

آیه الله

اگر حلق یا تقصیر نکرده باید انجام دهد و موی خود را به منی بفرستد، سپس باید اعمال مکه را اعاده کند، مگر زنجانی:
آنکه پس از کوچ کردن از منی، متوجه شده باشد که در این صورت اعاده اعمال مکه، لازم نیست.

آیه الله سبحانی: و

اگر کسی آن را مقدم داشت چهار صورت دارد: الف) اگر عمد¹ مقدم داشت باید پس از حلق و تقصیر طواف و نماز آن و سعی را اعاده کند و یک گوسفند به عنوان کفاره ذبح کند. ب) اگر سهواً و یا نسیاناً مقدم داشت باید بعد از حلق یا تقصیر آن ها را به ترتیب اعاده کند و کفاره ندارد. ج) اگر طواف را عمد¹ مقدم داشت حکم آن نیز مانند فرع الف است. د) اگر فقط سعی را عمد¹ مقدم داشت حکم آن مانند فرع ب است.

آیه الله

اعاده طواف و نماز و سعی، در هر دو صورت مبني بر احتیاط واجب است. اردبیلی:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اعاده

طواف و سعی لزوم ندارد، بلکه احتیاط استحبابی دارد. (مناسک عربی، مسأله ۴۰۹ والمسائل
بلی اگر قبل از خروج از مکه متذکر شود، احتیاط در خصوص اعاده طواف نباید ترک آیه الله تبریزی: الشرعیه، ج ۱، ص ۳۸۳)،
شود.

آیه الله سبحانی: اعاده

طواف و نماز و سعی واجب نیست بلکه احتیاط مستحب است.

آیه الله سیستانی: اعاده

طواف و سعی لازم نیست گرچه احوط است ولی اگر تقدیم طواف برای عذری غیر از جهل و نسیان بوده
اعاده لازم است.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب پس از آن سعی و....

آیه الله |

در صورت تعمّد بنابر احوط گوسفندی کفارہ دارد. بهجت:

آیه الله گلپایگانی: گناه

کرده ولی متعرض کفارہ نشده است.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط اعاده کند طواف و نماز و سعی را.

آیه الله |

باید علاوه بر اعاده طواف پس از حلق و تقصیر یک گوسفند ذبح کند (کتاب الحج، ج ۵، ص ۲۶۳). سبحانی:

آیه الله گلپایگانی: متعرض

کفارہ نشده اند.

آیات عظام

مسأله اجمال دارد. بهجت، زنجانی، مکارم:

آیه الله

یعنی طواف و سعی را اعاده کند تا ترتیب حاصل شود. خویی:

آیه الله سبحانی: واجب

است طواف زیارت و نماز و سعی را تجدید کند و سپس طواف نساء را انجام دهد لکن اگر حلق را حتی از طواف نساء مؤخر داشته باز همان طور که گفته شد همه اعمال مکّه را تجدید کند و حتی اگر بعد از حلق یا تقصیر و قبل از تجدید اعمال بر سر او مو روییده باشد چون که آن دو در محل خود انجام شده اند نیازی به تجدید و یا کشیدن تیغ بر سر نیست.

آیه الله سیستانی:

اگر منظور اعاده طواف و سعی بعد از حلق یا تقصیر باشد در صورتی که جاهل یا ناسی باشد لازم نیست و اما اعاده حلق یا تقصیر که ذیل عبارت آن را می رساند لازم نیست حتی در عالم عامد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: لازم

است اعاده طواف و نماز و سعی (آداب حج، م ۸۵۵)

آیه الله فاضل: یعنی

احتیاطاً طواف و سعی را اعاده کند تا ترتیب حاصل شود و وجهی برای آخر مسأله نمی باشد.

آیه الله

ذیل عبارت مختل است و مقصود روشن نیست. اردبیلی:

آیه الله خامنه ای:

اگر عمد^۱ یا بر اثر فراموشی یا عدم آگاهی از مسأله، در خارج از منی حلق یا تقصیر نماید و یا حلق یا تقصیر نکند و از منی خارج شود و سپس سایر اعمال را انجام دهد، واجب است که برای حلق یا تقصیر به منی باز گردد و بقیه اعمال را نیز اعاده نماید. (مناسک حج، م ۳۶۳)

آیه الله

بلکه بنابر اقوی. اردبیلی:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: واجب

است که ذبح پس از رمی جمره عقبه باشد و بنابر احتیاط حلق و تقصیر باید پس از آن دو
باشد.

آیه الله خامنه ای: واجب [

است که در روز عید قربان، ابتدا جمره عقبه را رمی کند، سپس - در صورتی که ذبح قربانی در روز عید
برایش میسر است - قربانی نماید و پس از آن، حلق یا تقصیر کند؛ و در صورتی که عمد^۱ ترتیب اعمال مذکور را رعایت نکند،
معصیت کرده؛ اما بنابر ظاهر، تکرار اعمال به ترتیب فوق بر او واجب نیست، هر چند تکرار آنها در صورت امکان، موافق احتیاط
نیز چنین است. (مناسک حج، م ۳۶۴) ترتیب مذکور را رعایت نکرده] است. حکم کسی که بر اثر ناآگاهی یا فراموشی

آیه الله زنجانی: رعایت

ترتیب بین رمی جمره عقبه و ذبح و حلق یا تقصیر لازم است، ولی سه گروهند که می توانند قبل از ذبح،
حلق یا تقصیر کنند: الف) کسی که می ترسد اگر بخواهد صبر کند که ذبح انجام شود مشکلی مانند مراجعت کاروان یا حائض
شدن برایش پیش آید که نتواند شخصاً اعمال مکّه را به جا آورد؛ کسی که می ترسد تأخیر اعمال مکّه باعث بروز مشکلی شود
که شرعاً دفع آن لازم است مثلاً خطر جانی داشته باشد؛ کسی که تأخیر اعمال مکّه مشقت شدید بیش از متعارفی را برای او
ایجاد می کند، این سه گروه شبانه از مشعر به منی می روند و جمره عقبه را رمی می کنند و به کسی برای قربانی وکالت می
دهند و در شب عید با حلق یا تقصیر از احرام بیرون می آیند، هر چند قربانی آنها انجام نشده باشد.

آیه الله سبحانی: ترک

عمدی رمی روز عید مغلّ به ترتیب است و باید جوری اعمال را مجدداً انجام دهد که ترتیب حاصل شود
بدین ترتیب باید قربانی پس از رمی جمره عقبه انجام گیرد و وظیفه حلق و تقصیر پس از قربانی می باشد لکن اگر کسی از روی
جهل به حکم شرعی ترتیب را رعایت نکند یا حکم آن را فراموش کند عمل او صحیح است ولی در صورت عمد باید به نحوی که
ترتیب حاصل شود اعاده کند.

آیه الله سیستانی: می

تواند قبل از ذبح حلق یا تقصیر کند در صورتی که قربانی را در جایی که ذبح در آن مکان جایز است تهیه
کرده باشد.

آیه الله گلپایگانی: علی

الأحوط اول رمی جمره عقبه کند و بعد....

آیه الله مکارم: ترتیب

مزبور واجب است و اگر رعایت نکند گناه کرده و اما عملش صحیح
است.

آیه الله.

اگر از روی جهل و نسیان باشد، اعاده لازم نیست و اگر از روی علم و عمد باشد، باید اعاده شود. اردبیلی:

آیه الله

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود. خامنه ای:

آیه الله

اگر از روی فراموشی و جهل باشد اعاده آن لازم نیست و همینطور در صورت تعدد بنابر مشهور که اظهر تمامیت بهجت: آنست (مناسک، ص ۱۴۳ و مناسک شیخ، ص ۷۸).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

اگر از روی جهل یا نسیان بوده اعاده لازم نیست.

آیه الله زنجانی: در

صورت علم و عمد باید اعاده کند و در جهل و نسیان لازم نیست.

آیه الله گلپایگانی: در

صورت علم و عمد و امکان باید اعاده کند.

آیه الله سبحانی:

به ذیل مسأله قبل رجوع شود

آیه الله مکارم: این

احتیاط مستحب است.

آیه الله

و دو عمل دیگر منی را هم که رمی و ذبح است انجام داد. فاضل:

آیه الله سبحانی: که

با انجام سعی بوی خوش حلال می شود و با انجام طواف نساء و نماز آنهمسر نیز حلال می شود ولی صید احرامی با ذبح و حلق حلال می شود و خوب است از صید احرامی تا ظهر روز سیزدهم اجتناب کند اما شکار و کندن گیاه خود روی حرم برای محرم و غیر محرم همیشه حرام است.

آیه الله.

همه استمتاعات جنسی بر حرمت خود باقی است ولی عقد کردن چه برای خود چه برای زنجانی، آیه الله سیستانی: دیگران و همچنین شهادت بر عقد پس از حلق یا تقصیر جایز است.

آیات عظام.

بنابر احتیاط واجب صید بر او حرام است و این احتیاط تا ظهر روز سیزدهم ادامه دارد. تبریزی، خویی، سیستانی:

آیه الله گلپایگانی: حرمت

صید به حال خود باقی است.

آیه الله.

بنابر احتیاط جایز نیست. اردبیلی:

آیه الله بهجت: حلیت

□ صید احرامی به مجرد تمامیت مناسک منی، بی وجه نیست، (مناسک، مسأله ۴۱۲).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حرمت [

صید از جهت دوّم هم باقی است و بعد از انجام طواف نساء و نماز آن حلال می شود.

آیه الله مکارم: احتیاط

آن است که در این حال صید را ترک کند.

مسائل متفرقه حلق یا تقصیر در حج

۱] حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات [۱]
[۲] کند علی الأحوط.

[۱۱۴۳ م - تأخیر حلق، تا آخر ایام تشریق مانع ندارد، هرچند عمدی باشد و حلق در شب هم صحیح است و کفایت می [۳]ند.

ولی اگر با اعتقاد به اینکه وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق [۴]
و اگر بعد از حلق اعمال مکه را هم انجام داده باشد کفایت می کند و لازم نیست آنها را اعاده کند. [۵] مزبور کافی است

[۴۵ می باشد، بنابر احتیاط، جایز نیست به واسطه زیادی مو، اول سر را ماشین کنند و بعد آن را بتراشند هر چند فوراً [۶]
[۷] بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره دارد.

[۱۱۴۶ م - کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید، نمی تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می تواند
[۸] ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد و ازاله موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای تقصیر.

آیه [۱]

کسی که ذبح قربانی را بنابر هر دلیلی از روز عید به تأخیر انداخته، لازم نیست حلق یا تقصیر را هم به الله خامنه ای:
تأخیر اندازد، بلکه بعید نیست انجام حلق یا تقصیر در روز عید واجب باشد، و نباید در این مورد ترک احتیاط کند، اما صحت
انجام طواف حج و دیگر اعمال پنج گانه مکه در چنین حالتی (تأخیر در انجام قربانی) محل اشکال است و باید برای انجام آن
اعمال تا ذبح قربانی منتظر بماند. (مناسک حج، م ۳۶۱)

آیه الله زنجانی: بلکه

نباید حلق و تقصیر کند و رعایت ترتیب بین رمی و ذبح و حلق و تقصیر و اعمال مکه، واجب و معتبر
است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: می

تواند حلق کند و از احرام خارج شود ولی اعمال مکه باید بعد از قربانی و حلق انجام شود.
(۸۷۱ آداب و احکام حج).

آیه الله فاضل:

بنابر احتیاط نمی تواند حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب بین قربانی و
حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی الأحوط مگر در فرض اضطرار و یا حرج که در این صورت رعایت ترتیب بین

ذبح و حلق یا تقصیر لازم نیست و حاجی می تواند در اواخر روز، حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود، ولی اعمال مکه را باید پس از اطمینان به ذبح انجام دهد.

آیه الله نوری: بلکه
باید روز عید حلق کند و تأخیر نیندازد.

آیه ۲ [۲]

به حاشیه مسأله ۱۱۱۰ مراجعه شود. الله اردبیلی:

آیه الله تبریزی:
بنابر احتیاط، قربانی باید در روز عید باشد و چنانچه قربانی در روز عید ممکن نباشد، می تواند بعد از رمی حلق یا تقصیر را در روز عید انجام دهد و مُحَلّ شود و قربانی را تأخیر بیندازد.

آیه الله سبحانی:
اگر نتوانست قربانی را انجام دهد باید حلق و یا تقصیر را به تأخیر بیندازد ولی نباید تأخیر حلق یا تقصیر از غروب روز سیزدهم فراتر نرود بنابراین اگر نتوانست تا غروب روز سیزدهم قربانی کند حلق یا تقصیر را انجام دهد و تا آخر ذی الحجه وقت دارد انجام دهد و در غیر این صورت باید به شرحی که در محل خود آمده ۱۰ روز روزه بگیرد.

آیه الله سیستانی: اگر [
قربانی را در منی تهیه کرد جایز است تقصیر یا حلق.

آیه الله مکارم: و
اگر رعایت این احتیاط واجب را نکند عمل او باطل نیست.

آیه الله نوری:
به حسب جمع بین روایات، ترتیب مستحب است ولی چون شهرت بر وجوب قائم شده، احوط رعایت ترتیب است در صورت امکان و عند الضرورة، خلاف ترتیب مانعی ندارد و در فرض سؤال اگر ذبح را تأخیر انداخت، تأخیر حلق جایز نیست.

آیه ۳ [۳]

حلق در روز عید است و در صورت تأخیر شب هم مجزی است. الله بهجت:

آیه الله تبریزی: احتیاط
واجب در عدم تأخیر عمدی است. چنانکه گذشت بنابر احتیاط حلق باید در روز باشد. پس اگر در روز عید انجام نگرفت باید در روز بعد انجام گیرد.

آیه الله خامنه اي:

بنابر احتیاط واجب، حلق یا تقصیر واجب را در روز عید قربان انجام دهد، و اگر چنین نکند، واجب است که در شب یازدهم یا پس از آن، را انجام دهد، و همان کفایت می کند. (مناسک حج، م ۳۶۰)

آیه الله خویی: احتیاط

واجب این است که در روز انجام شود، و متعرض تأخیر عمدی تا آخر ایام تشریق نشده اند.

آیه الله زنجانی: حلق

و تقصیر در شب عید جایز نیست؛ مگر برای چند گروه که در حاشیه مسأله ۱۱۳۹ گذشت و انجام حلق و تقصیر در شب های دیگر مانعی ندارد و حکم تأخیر حلق و تقصیر در حاشیه مسأله ۱۱۳۱ گذشت.

آیه الله سبحانی: حلق

و تقصیر و ذبح بنابر احتیاط واجب در شب جایز نیست و عمداً هم نمی تواند از روز عید به تأخیر بیندازد.

آیه الله سیستانی: حلق

در شب عید جایز نیست مگر برای خائف و به احتیاط مستحب از روز عید تأخیر نشود ولی بعد از عید در شب هم کافی است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حلق

در شب خلاف احتیاط است و اگر در روز عید ترک نمود، روز یازدهم باید حلق کند و تأخیر عمدی علی الأحوط جایز نیست.

آیه الله مکارم: احتیاط

در ترک حلق در شب است.

آیه ۴.

بنابر احوط. الله بهجت:

آیه الله زنجانی:

مگر در چند مورد که در حاشیه مسأله ۱۱۳۹ گفته شد.

آیه ۵.

گذشت کفایت حتی در صورت عمد در مسأله ۱۱۴۰. الله بهجت:

آیه الله سبحانی: اما

اگر چه اعمال انجام شده صحیح است لیکن تا یقین به ذبح قربانی نکرده است هنوز محرم است و اگر لباس دوخته به تن کرده فوراً بیرون آورد.

آیه الله سیستانی: ولی
او هنوز محرم است و باید لباس دوخته را بیرون آورد و از سایر محرمات احرام اجتناب کند و با ذبح محل می شود و همچنین در قسمت بعد مسأله.

آیه [۶]

مخیر بین تراشیدن سر و کوتاه کردن مو و یا چیدن ناخن، که در مسأله ۱۱۲۰ ذکر شد، می باشد. الله نوری:

[۷] به مسأله ۱۱۲۰ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: کسی
که وظیفه اش سر تراشیدن است جایز نیست اول سر را ماشین کند ولی اگر با ماشین ته زن بترشد جایز و کافی است.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی:
اگر با ماشین ته زن بتراشند کافی است گرچه احتیاط مستحب تراشیدن با تیغ است.

آیه الله مکارم: کوتاه
کردن کافی است.

آیه [۸]

و بعید نیست تقصیر واقع و موجب احلال شود، هر چند با فعلی که بر غیر حرام است انجام گیرد (مناسک، الله بهجت: س ۱۲۰).

آیه الله زنجانی: هر
چند حلق و تقصیرش صحیح است، مخصوصاً اگر حرمت آن را نداند.

آیه الله سبحانی:
اگر عمد^۱ دیگری را تقصیر نماید کفاره دارد ولی ساهی و جاهل و افراد غیر ملتفت کفاره ندارد

آیه الله سیستانی: و
مجزي نیز نمی باشد.

استفتائات حلق و تقصیر

[۱۱۴۷] س - کسی که سفر اول حج او است، در وقتی که سلمانی سر او را برای حلق می تراشیده، مشغول گرفتن ناخن های خود بوده و غافل بوده که نباید این کار را بکند. آیا کفاره دارد یا خیر؟

ج - چیزی
بر او نیست.

[۱۱۴۸] س - کسی که در غیر منی حلق نموده و اعمال مترتبه را انجام داده و پس از این عمره مفرده انجام داده، آیا مُحَلّ شده است یا خیر و عمره مفرده او صحیح است یا خیر؟

ج - مُحَلّ
[۱] نشده است و عمره او صحیح نیست.

[۱۱۴۹] س - گفته می شود که مسلخ جدید، در منی نیست و اشخاص پس از قربانی در آنجا، و بیرون آمدن، پشت همانجا حلق و تقصیر کرده اند، وظیفه آنان چیست؟

ج -
[۲] اگر حلق و تقصیر در منی نبوده باید اعاده شود.

[۱۱۵۰] س - در مسأله سابق، کسانی که بعد از حلق و تقصیر مزبور به مکه آمده اند و اعمال مکه از قبیل طواف و سعی و طواف نساء را انجام داده اند و بعد متوجه شده اند که حلق و تقصیر در منی نبوده، آیا اعمال مکه آنان صحیح است؟

[۳]

[۴]

- در فرض مزبور صحیح نیست و باید آن اعمال هم اعاده شود.

[۱۱۵۱] س - کسی که سال قبل هم به حج مشرف شده و حلق را در خارج منی انجام داده است و امسال هم حلق را در خارج منی نموده چه وظیفه ای دارد و اگر اعمال مکه را انجام داده صحیح است یا خیر؟

ج - حلق
و احتیاطاً طواف و نماز [۵] را در منی اعاده کند و یک حلق کافی است و بعد طواف و نماز و سعی سال قبل را اعاده کند و کفایت می کند، گرچه ظاهر این است که احرام برای [۶] و سعی امسال را نیز به جا آورد و بعد یک طواف نساء و نماز انجام دهد. [۷] عمره و حج امسال صحیح نبوده است.

[۱۱۵۲] س - اگر در موردی که حاجی باید حلق کند، بهجای حلق تقصیر کرده است وظیفه اش چیست، آیا كفاره دارد یا نه؟

ج -

باید حلق را انجام دهد [۹] و در فرض علم احوط است و در فرض مسأله بنابر احتیاط [۸] اگر جاهل به مسأله بوده كفاره ندارد [۱۰] و چنانچه اعمال مکه را به جا آورده اعاده کند.

[۱۱۵۳] س - کسی که سال دوم حج او است و سال قبل برای خودش حج نموده و حلق کرده است و امسال به نیابت دیگری حج به جا می آورد، آیا در سفر دوم حکم صروره را دارد که باید حلق کند یا تقصیر کافی است؟

ج - تقصیر

کفایت می کند.

[۱۱۵۴] س - شخصی در سال ۶۰ نایب شخص دیگری شد و برای اولین بار آمد مکه و در مرز بین وادی مُحَسَّر و منی حلق نمود، به اعتقاد اینکه اینجا جزو منی است و یک سال بعد باز به مکه مشرف شد، برای خودش به عنوان حجة الاسلام و در منی تقصیر نمود به خیال اینکه حلق قبلی و اعمال حج گذشته او صحیح بوده است، و سال ۶۵ باز به مکه مشرف شد و به عنوان مافیالذمه مُحَرَّم شد، در این بین متوجه شد که حلق سال اول در خارج منی بوده است و در نظر حضرت امام کافی نیست، امسال حلق را در منی بقصد مافیالذمه انجام می دهد و بقیه اعمال را نیز بقصد مافیالذمه به جا آورده است، آیا این کار کافی است یا نه؟

ج - کفایت

[۱۲] و از منوبعنه واقع می شود و باید حجة الاسلام را اعاده کند. [۱۱]

[۱۱۵۵] س - اگر کسی مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و بقیه را ماشین کند، آیا جایز است و حلق صدق می کند؟ ضمناً بعد از ماشین، بقیه سر را نیز می تراشد.

ج -

[۱۴]، و اگر تمام سر را تراشیده از حلق کافی است. [۱۳] تا حلق تمام نشده کوتاه کردن موی سر جایز نیست

[۱۱۵۶] س - کسی که غیر از وقوفین اضطراری را نمی تواند درکند و برای بقیه اعمال خود نایب می گیرد، آیا می تواند حلق را در غیر از منی انجام دهد؟

ج - باید

[۱۵] در منی حلق کند و حلق در غیر منی کافی نیست، مگر آنکه نتواند به منی برود.

[۱۱۵۷] س - شخصی دو موضع در سرش شکسته است، ممکن است که حلق روز عید باعث پاره شدن پوست گردد اگر تقصیر نماید، مجزی است یا وظیفه دیگری دارد؟

ج -

اگر امید خوب شدن در حدي که بتواند حلق تمام نماید، تا آخر ایام تشریق، دارد تأخیر بیندازد و همچنین اعمال مترتبه [۱۶] را، و اگر امید ندارد یا پس از تأخیر خوب نشد، احتیاط آن است که هر مقدار سر را می تواند بتراشد و تقصیر هم نکند.

[۱۱۵۸] س - شخصی سال گذشته قربانی و حلق را در غیر منی (خارج از منی) انجام داده و پس از خاتمه اعمال، به ایران برگشته است و امسال نیز به مدینه مشرف شده و قصد حج دارد، بفرمایید وظیفه او چیست؟ و آیا می تواند برای خود یا دیگری حج به جا آورد یا نه؟

ج -

تا وظیفه سال قبل را از؛ قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن، انجام نداده و از احرام آن خارج نشده، نمی تواند مُحرم شود. [۱۷]

[۱۱۵۹] س - صبی مُمَیَّری تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام داده است، آیا از صروره بودن، خارج می شود یا نه؟

ج - بلی،

[۱۸] خارج می شود.

[۱۱۶۰] س - در روز عید قربان که حاجی باید حلق کند و از طرفی تراشیدن و کندن مو بر مُحرم حرام است، آیا حجاج باید بعد از تقصیر افرادی که مخیر بین حلق و تقصیر هستند، از وجودشان برای حلق استفاده کنند یا در آن وقت برای شخص جایز است که سر خود را بتراشد و آیا فرق است بین تراشیدن سر خود و تراشیدن سر دیگری و در هر حال تکلیف شرعی او چیست؟

ج - خودش

می تواند خود را حلق کند و می تواند به کسی که از احرام به حلق یا تقصیر خارج شده واگذار کند که او را حلق [۲۱] اگرچه از احرام خارج نشده باشد. [۲۰]، و در هر صورت اگر دیگری او را حلق کند کفایت می کند [۱۹] نماید

[۱۱۶۱] س - کسی که در حج وظیفه اش سر تراشیدن است و از اول می داند که با تیغ کشیدن سرش خون می آید، بفرمایید آیا سرش را باید بتراشد یا نه؟

[۲۲]

[۲۳]

- باید سر بتراشد علی الأحوط.

[۱۱۶۲] س - در مناسک آمده است: کسی که سال اول حج او باشد، بنابر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد، آیا می توان در این احتیاط واجب به دیگری رجوع کرد؟

ج - حکم

[۲۴] سایر احتیاطات را دارد، لیکن چون امر مهمی است، مراعات کنید این احتیاط را.

[۱۱۶۳] س - کسی که حلق را فراموش کرده و به ایران بازگشته است، وظیفه او چیست؟

ج - باید

مترتبه بر حلق را انجام دهد و اگر نمی تواند خودش به مکه برود، در محل خودش حلق کند و موی [۲۵] حلق و اعمال مکه [۲۶] خود را به منی بفرستد علی الأحوط و برای اعاده اعمال مکه نایب بگیرد.

[۱۱۶۴] س - کسی که وظیفه او حلق است ولیکن از حلق معذور است، وظیفه او چیست؟

ج - بعید

[۲۸]، ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر رجوع کنند. [۲۷] نیست لزوم و کفایت تقصیر در این مورد

[۱۱۶۵] س - اگر کسی قربانی را از روی عمد تأخیر بیندازد، آیا می تواند حلق و یا تقصیر نماید و یا باید حتماً بعد از قربانی باشد؟

ج - باید

[۳۰] انجام دهد، علی الأحوط. [۲۹] حلق را بعد از قربانی

[۱۱۶۶] س - شخصی در روز عید قربان در حال رمی جمره عقبه پول خود را گم کرد و چون پول برای هدیه نداشت آن را مبدل به روزه کرد و تصمیم دارد بعد از ایام تشریق شروع به سه روز روزه نماید، آیا چنین شخصی تقصیر یا حلق را پس از سه روز روزه انجام دهد یا همان روز عید حلق یا تقصیر نماید؟

ج - می

[۳۲] حلق یا تقصیر نماید. [۳۱] تواند روز عید

[۱۱۶۷] س - شخصی که صروره نیست و می تواند تقصیر کند آیا اگر ریش بتراشد، صرف نظر از حرمت، این کار کفایت از تقصیر می کند یا نه؟

ج - کفایت

نمی کند.

[۱۱۶۸] س - عصر عید قربان، بعد از هدئی، که دوستان سر می تراشیدند و من هم به این فکر که باید سر را تراشید رفتم سر خود را تراشیدم و نگفتم که سر می تراشم برای حج تمتع، فقط سرم را تراشیدم، در این صورت وظیفه من چیست؟

ج -

اگر سر را به عنوان اینکه وظیفه شما سر تراشی است و از اعمال حج است تراشیده اید صحیح است هر چند نیت را نگفته باشید.

[۱۱۶۹] س - چون من از سر تراشیدن بدم می آید، آیا می توانم بجای سر تراشیدن تقصیر کنم و آیا آن کار گناهی هم دارد یا نه؟

ج - در

و اگر نتراشید گذشته از معصیت از احرام هم خارج نمی شوید علی[۳۳] سفر اول در منی باید سر بتراشید علی الأحوط
[۳۴]الأحوط.

[۱۱۷۰] س - حاجی در مذبح، بعد از قربانی فوراً تقصیر کرده که دچار تطهیر نجاست بدن و لباس احرام نگردد و بعد از رسیدن به چادر حلق کند، از یک طرف ضروره است و از طرفی در حلق قصد احلال نکرده، تکلیفش چیست؟

ج - تقصیر

[۳۵] در صورت جهل کفاره ندارد و حلق را اگر به قصد قربت و به حساب یکی از اعمال انجام داده، کافی است و گرنه باقی بر [۳۶]احرام است و باید در منی حلق کند علی الأحوط.

آیه [۱]

اگر از روی جهل یا نسیان بوده، محلّ شده و عمره او صحیح است و گرنه عمره اش باطل است و چنانچه می‌الله اردبیلی: تواند باید به منی برگردد و حلق نماید و اگر نمی تواند، در همان جا حلق کند و بنابر احتیاط مویش را به منی بفرستد.

آیات عظام تبریزی، زنجانی، صافی، گلپایگانی:

مگر اینکه از جهت جهل به مسأله و غفلت، در غیر منی حلق کرده باشد، که در این صورت اجزاء بعید نیست، هر چند احتیاط آن است که در صورت امکان به منی برگردد و حلق کند. همچنین است حکم سه مسأله بعد.

آیه الله سبحانی:

اگر کسی عمدتاً در غیر منی حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد محلّ نمی شود بلکه باید آن را در منی اعاده کند و اعمال مترتبه را نیز بیاورد و اگر از مکه بیرون رفته باشد باید حلق یا تقصیر کند و موهایی خود را به منی بفرستد و کسی را نائب کند که اعمال مکه او را انجام دهد و سال بعد نیز در ایام تشریق رمی روز یازدهم و دوازدهم خود را انجام دهد و یا استنابه کند. تا این وظایف را انجام ندهد نمی تواند برای عمره یا حج دیگر محرم شود و اگر محرم شود احرام او صحیح نیست بلکه تا حلق و اعمال مترتبه را به نحوی که گفته شد انجام ندهد در حال احرام باقی می باشد ولی اگر از روی جهل به موضوع یا نسیاناً حلق را بیرون از منی انجام داده اعمال مترتبه درست است فقط باید حلق یا تقصیر کند و موهایی خود را به منی بفرستد.

آیه الله سیستانی: کافی

است هر چند عمدتاً باشد ولی واجب است در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد. (مناسک، مسأله ۴۰۸).

آیه الله فاضل:

مگر اینکه از روی جهل قصوری یا غفلت و نسیان در غیر منی حلق کرده باشد که در این صورت محلّ شده و عمره او صحیح است، هر چند که در صورت امکان و عدم عسر و حرج بهتر است به منی برگردد و حلق کند و اعمال مترتبه را [اعاده کند].

آیه الله مکارم: این [

حکم در صورت عمد مسلّم است و در صورت جهل یا نسیان عمل آنها صحیح است و اگر می تواند به منی

برگردد و سر خود را بتراشد و یا کوتاه کند برگردد.

آیه [۲]

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود. الله اردبیلی، آیه الله فاضل و سایر مراجع:

آیه [۳]

مطابق حاشیه مسأله ۱۱۳۵ عمل نماید. الله زنجانی:

آیه [۴]

اگر به جهت جهل یا نسیان بوده، اعمالشان صحیح است و گرنه باید پس از اعاده حلق یا تقصیر، اعمال مکّه الله اردبیلی:
را هم اعاده نمایند.

آیه الله خویی: اعاده

اعمال مکّه لازم نیست.

آیه الله سبحانی:

اگر از روی جهل به موضوع یا نسیاناً حلق را بیرون از منی انجام داده اعمال مترتبه درست است فقط باید
حلق یا تقصیر کند و موهایی خود را به منی بفرستد.

آیه الله سیستانی: حلق

و تقصیر و اعمال صحیح است و همچنین در مسأله بعد.

آیه الله صافی: حکم

آن از مسأله قبل معلوم می شود.

آیه الله فاضل:

به حاشیه مسأله ۱۱۴۸ مراجعه شود.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط.

آیه ۵]

اگر به جهت نسیان یا جهل، خارج منی حلق کرده، اعمالش صحیح بوده وگرنه به تفصیل موجود در جواب الله اردبیلی: عمل نماید.

آیه الله زنجان:

اگر به خاطر فراموشی یا ندانستن حکم خارج منی حلق کرده، اعمالش صحیح است.

آیه الله مکارم: اعاده

اینها لازم نیست و همچنین احتیاط بعد نیز لزومی ندارد.

آیه ۶]

اگر خواست احتیاط کند، باید دو طواف نساء به جا آورد. الله اردبیلی:

آیه ۷]

به حاشیه مسأله ۱۱۴۸ مراجعه شود. الله فاضل و سایر مراجع:

آیه الله سبحانی:

اگر عمدی بوده با توجه به آنچه در سؤال ۱۱۴۸ آمد احرام جدید او صحیح نیست و باید نسبت به وظائف سال قبل از حلق به بعد اقدام کند لکن چنانچه بخواهد احتیاط کند باید بعد از حلق و یا تقصیر همه اعمال از جمله طواف نساء البته به غیر از بیتوته و نفر را دوباره انجام دهد، یکبار به عنوان اعمال سال قبل انجام دهد و بار دیگر به عنوان تکلیف فعلی. مثلاً اول سه جمره را برای روز یازدهم حج سال گذشته رمی کند و سپس هر سه را مجدداً به عنوان تکلیف فعلی در حج امسال و هکذا بقیه اعمال را.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط.

آیه ۸]

و در فرض علم کفار و واجب است و در هر دو صورت بعد از حلق چنانچه اعمال مکه را به جا آورده اعاده کند. الله زنجان:

آیه [۹]

بلکه بنابر اظهر در مورد ضروره و کسی که موی خود را چسبانده است، ولی اعاده اعمال مکه در صورتی که از الله اردبیلی:
روی علم و عمد آن را مقدّم بر حلق نکرده باشد، مبني بر احتیاط است.

. به مسأله ۱۱۳۵ مراجعه شود. [۱۰]

آیه الله بهجت:

به ذیل مسأله ۱۲۰ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: در

□ فرض جهل، اعاده واجب نیست گرچه احوط است.

آیه الله فاضل: به [

سؤال ۱۱۳۵ و حاشیه مسأله ۱۱۴۸ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: چنانچه

گذشت حلق واجب نیست.

آیه [۱۱]

حج نیایی و حجة الاسلام او صحیح است و حج امسال نیز از خودش واقع می شود. و هرچند حلق در سال الله اردبیلی:
اول و دوم در خارج از منی بوده ولی این شخص متعمّد نبوده بلکه معذور بوده است.

آیه الله خویی: فتوای

ایشان در جایی که در ماه ذی حجه نتواند تقصیر را اعاده کند راجع به اینکه آیا تقصیر بعد از آن کافی است

یا نه، بدست نیامد.

آیه الله صافی: از

منوبعنه واقع نمی شود و باید حج نیایی را با اجازه کسی که او را اجیر کرده اعاده کند چون جاهل به موضوع
معذور نیست.

آیه الله

اعاده حجة الاسلام واجب نیست. تبریزی:

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: حلق

اول صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

اگر جهلاً یا نسیاناً در غیر منی تقصیر کرده است صحت آن بعید نیست اگرچه احوط و

□ اولی حلق در منی و اعاده اعمال مترتب است. بنابراین حج نیایی

و حجة الاسلام او صحیح است. (آداب و احکام حج، م ۸۷۷) □

آیه الله فاضل: در

فرض سؤال از منوبعنه واقع شده و کفایت می کند و اعاده حجة الاسلام واجب نیست.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط.

آیه الله

اگر ماشین ته زن بوده که مانند حلق کردن است کافی است. اردبیلی:

آیه الله فاضل: بلی

می تواند به قصد تقصیر مقداری از موی سر خود را بچیند، یا با ماشین کوتاه کند و در این فرض لازم نیست

بقیه سر را حلق کند.

. مراجعه شود به مسأله ۱۱۲۰. [۱۴]

آیه الله بهجت: گذشت

که در صروره حلق، واجب متعین نیست.

آیه الله خویی: ماشین

کردن تقصیر حساب می شود و مجزی است.

آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی:

اگر با ماشین ته زن بزند کفایت از حلق می کند.

آیه الله مکارم: کوتاه
کردن کافی است.

آیه الله:
که در این صورت بنابر احتیاط واجب باید موی خود را به منی بفرستد. اردبیلی:

آیه الله زنجانی: ولی
در صورت امکان باید موی خود را به منی بفرستد.

آیه الله سبحانی:
اگر فردی نمی تواند در منی حلق یا تقصیر کند در خارج منی می تواند انجام دهد ولی باید موهایی ریخته را
به منی برگرداند.

آیه الله سیستانی: باید
در منی حلق کند ولی حلق در غیر منی هم کافی است حتی اگر عمداً باشد و به هر حال در صورت امکان
باید موهایی خود را به منی بفرستد.

آیه ۱۶]
این امر در صورتی صحیح است که نتواند با ماشین ته زن بدون خونریزی موی سر خود را بتراشد. الله اردبیلی:

آیه الله تبریزی: چنانکه
گذشت، صوره مخیر است بین حلق و تقصیر و در فرض مذکور که متمکن از حلق نیست باید تقصیر
کند.

آیه الله خویی: تخییر
بین حلق و تقصیر حتی برای غیر معذور خالی از قوت نیست. بنابراین، اگر چه امید خوب شدن داشته
باشد تقصیر کفایت می کند (مناسک عربی، مسأله ۴۰۴).

آیه الله زنجانی: تقصیر،
کافی است مگر آنکه بدون حرج بتواند با ماشین ته زن، سرش را بتراشد.

آیه الله سبحانی: و
پس از حلق به آن ها بپردازد ولی اگر امید بهبودی ندارد و یا تا غروب روز سیزدهم بهبودی حاصل نشود اگر

چنانچه با ماشین ته زن مي تواند حلق را انجام دهد و اگر نمي تواند حلق کند تقصیر کند و از احرام خارج گردد و مي تواند اعمال مکه را انجام دهد و به احتیاط واجب چنانچه تا آخر ذي حجه متمکن از حلق شد، و لو با ماشین حلق نماید و موهاي خود را به مني بفرستد.

آیه الله سیستانی:

اگر تراشیدن با ماشین ته زن براي او میسر باشد تقصیر کافي نیست، بنابر احتیاط واجب و اگر حلق حرجي بود تقصیر کافي است.

آیه الله فاضل: چون

صروره مخیر بین حلق و تقصیر است لذا این مسأله موضوعاً منتفی است.

آیه الله گلپایگانی:

اگر متمکن از حلق نبود تقصیر نماید و بعد در ماه ذي حجه هر وقت متمکن از حلق شد حلق نماید، هرچند به مکه آمده باشد، و مو را به مني بفرستد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۹۰، مسأله ۶).

آیه الله مکارم: حلق

واجب نیست و کوتاه کردن قسمتي کافي است.

آیه الله:

اگر از روي جهل یا غفلت یا اضطرار بوده، حج او صحیح است ولي باید ذبح را در مني در ایام تشریق اعاده کند واردبيلي: مي تواند براي خود یا دیگری در سال بعد حج به جا آورد و اگر از روي عمد بوده، حج او باطل است ولي در احرام باقي مي ماند و باید با عمره مفرده از احرام خارج شود.

آیه الله تبریزی: در

صورت جهل به مسأله یا غفلت، اعاده اعمال لازم نیست.

آیه الله خویی: حکم

آن در پاورقي مسأله ۱۱۵۴ گذشت.

آیه الله زنجانی: از

احرام خارج شده، حلق و اعمال مکه او صحیح است و مي تواند مجدداً محرم شود، و در مورد قرباني اگر حوالی مني قرباني کرده کفایت مي کند.

آیه الله سبحانی: در

رابطه با قرباني چون که فعلاً در مني به نحوي که در جاي خود گذشت میسر نیست اعاده لازم نیست لکن به جهت حلق در خارج از مني به ذیل سؤال ۱۱۴۸ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: حلق

سابق مجزي است و نسبت به ذبح اگر جاهل قاصر بوده مجزي است و اگر مقصر بوده است در فرض

مذکور به احتیاط واجب باید جمع کند بین ذبح و روزه ده روز و اعاده اعمال دیگر لازم نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحت

حج سال گذشته بعید نیست و اگر با عدم تمکن از ذبح در منی قربانی را در مذبح معمول انجام داده اعاده لازم نیست. (آداب و احکام حج، مسأله ۸۷۸).

آیه الله فاضل:

به حاشیه مسأله ۱۱۴۸ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: حلق

را در منی اعاده می کند و قربانی اگر در منی امکان نداشت کافی است و الا آن را نیز اعاده می کند اما اعاده اعمال مترتبه لازم نمی باشد.

آیه الله.

وقتی حجة الاسلام خود را به جا آورد باید حلق نماید. زنجان:

آیه الله سبحانی:

اگر پس از بلوغ مستطیع شد و حجة الاسلام به جا آورد باید حلق کند (مناسک، م ۵۲۸).

آیه الله مکارم: حلق

برای صروره واجب تخییری است.

آیه [۱۹]

حلق برای صروره واجب تخییری است. الله خامنه ای:

آیه الله [۲۰]

اگر کسی که او را حلق می کند از احرام خارج نشده باشد مجزی نیست. تبریزی، آیه الله خویی:

آیه الله سبحانی:

اگر محرم؛ محرم دیگر را سهواً و یا جهلاً حلق و یا تقصیر کند کفاره ندارد اما در صورت عمد باید کفاره دهد و در هر حال به این حلق یا تقصیر اکتفا نشود.

آیه الله سیستانی: کسی که از احرام خارج نشده است، جایز نیست برای دیگری حلق یا تقصیر انجام دهد و مجزی هم نیست.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: اگر کسی که او را حلق می کند از احرام خارج نشده باشد، مشکل است.

آیه الله مکارم: خالی از اشکال نیست.

آیه الله: محل اشکال است. اردبیلی:

آیه الله: واجب است سرش را بتراشد و اگر خون هم بیاید اشکال ندارد. زنجانی:

آیه الله: اگر با ماشین ته زن امکان حلق وجود نداشته باشد. اردبیلی:

آیه الله بهجت: بایستی اول تقصیر کند و مقداری از موی سر خود را چیده، سپس سر بتراشد (مناسک، مسأله ۴۱۰).

آیه الله خویی: بلکه باید اول تقصیر کند سپس سرش را بتراشد. (مناسک عربی، مسأله ۴۰۵).

آیه الله سبحانی: باید □ با ماشین ته زن بزند.

آیه الله سیستانی: جایز [نیست سر خود را با تیغ بتراشد بلکه با ماشین ته زن بتراشد و یا در صورتی که مخیر بین تراشیدن و کوتاه کردن باشد ابتدا موی خود را کوتاه و سپس اگر بخواهد سر خود را با تیغ بتراشد و اگر با آنچه گفته شد مخالفت کند کفایت می کند اگرچه گنهکار است. (مناسک، مسأله ۴۰۵).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در

صورتی که پس از فحص، حلاق ماهری پیدا نکرد که سر او را خونی نکند، تقصیر نماید و بعد در ماه ذی حجه هر وقت ممکن شد حلق نماید هرچند به مکّه آمده باشد و مو را به منی بفرستد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۹۰، مسأله ۶).

آیه الله فاضل: تراشیدن

سر واجب نیست.

آیه الله مکارم:

سر تراشیدن واجب نیست ولی احوط است.

. مراجعه شود به مسأله ۱۱۲۰. [۲۴]

آیه الله.

بنابر احتیاط واجب. اردبیلی:

آیه الله.

اعاده اعمال لازم نیست ولی فرستادن مو به منی در صورت امکان لازم است همچنان که درزنجانی، آیه الله سیستانی: مسأله ۱۱۳۳ گذشت.

مراجعه شود به مسأله ۱۱۳۵.

آیه الله.

در صورتی که با ماشین ته زن نتواند سر را بتراشد. اردبیلی:

آیه الله.

به ذیل مسأله ۱۱۲۰ مراجعه شود. بهجت:

آیه الله زنجانی: تقصیر

کفایت می کند.

آیه الله سبحانی: چنانچه

عذر او وجه شرعی یا مصلحت مهم طبّی داشته باشد می تواند تقصیر کند لکن احتیاط را از کف ندهد و تا محلی برای حلق هست آن را به تقصیر بدل ننماید.

آیه الله فاضل: رعایت

این احتیاط برای کسی که سال اوّل او است مطلقاً لازم نیست و نسبت به چند طایفه که در مسأله ۱۱۲۰ گذشت که به احتیاط واجب باید سر بتراشند، در فرض سؤال رعایت این احتیاط برای آنها لازم نبوده و تقصیر کفایت می کند.

آیه الله مکارم: مانند

سؤال ۱۱۶۱ است.

آیه الله.

بعد از تحصیل قربانی در منی علی الأحوط. سیستانی:

آیه الله نوری:

بنابر احتیاط از روز عید تأخیر نیندازد.

. مراجعه شود به مسأله ۱۱۳۱. [۳۰]

آیه الله اردبیلی، آیه الله زنجانی: بلکه

علی الاقوی.

آیه الله بهجت: مراجعه

به مسأله ۱۱۳۹ و ۱۱۴۰ مفید است.

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه مسأله ۱۱۴۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی:

به حاشیه مسأله ۱۱۳۱ مراجعه شود.

آیه الله

بلکه باید روز عید حلق یا تقصیر نماید. سبحانی، آیه الله نوری:

آیه الله

بنابر احتیاط واجب حلق یا تقصیر را از روز عید تأخیر نیندازد. (مناسک حج، م ۳۶۰ و ۳۶۱) خامنه ای:

مراجعه شود به مسأله ۱۱۲۰ و ۱۱۳۱.

آیه الله |

بلکه علی الاظهر. اردبیلی:

آیه الله سبحانی: ضروره

بنابر فتوی باید حلق کند.

آیه الله فاضل: گذشت

که ضروره بین حلق و تقصیر مخیر است و تقصیر کفایت می کند.

آیه الله مکارم:

سر تراشیدن واجب تعیینی نیست می تواند فقط قسمتی از مو را کوتاه کند.

. مراجعه شود به مسأله ۱۱۲۰. [۳۴]

آیه الله اردبیلی: بلکه

علی الاظهر.

آیه الله .

در فرض علم علاوه بر کفار باید اگر اعمال مترتبه منی و مکّه را انجام داده مجدداً همراه با حلق اعاده کند. سبحانی:

آیه الله فاضل: ضروره

مخير بين حلق و تقصير مي باشد و تقصير مزبور كفايت مي كند.

. حكم سؤال قبل را دارد. [۳۶]

آیه الله اردبيلي: بلکه

علي الاظهر.

آیه الله مکارم: کوتاه

کردن مو كافي است ولي گرفتن ناخن به تنهائي كفايت نمي كند بنابر احتياط.

مستحبات حلق

[۱۱۷۱ م - در حلق چند چیز مستحب است:

۱. آنکه از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَكْلَ شَعْرَةٍ ثَوْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

۲. آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق، از اطراف ریش و شارب خود گرفته و [۱]همچنین ناخن ها را بگیرد.

آیه [۱]

و مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند... و احوط آن است که از اطراف سروریش و شارب موالله بهجت: بگیرد و ناخن ها را بگیرد (مناسک شیخ، ص ۷۹).

فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی، که سه چیز بود، مراجعت به مکه، برای اعمالی که در آنجا واجب است.

؛ به این معنی که روز آخر ذیحجه [۳] روز یازدهم و بعید نیست که جایز باشد تأخیر تا آخر ذیحجه [۲] تأخیر بیندازد تا [۱] ت [۴] هم اگر آمد و اعمال را به جا آورد مانع ندارد.

[۱۱۷۳] م - اعمالی که در مکه واجب است به جا بیاورد:

اول - طواف
حج است که آن را «طواف زیارت» می گویند.

دوم - نماز
طواف است.

سوم - سعی
بین صفا و مروه است.

چهارم - طواف
نساء است.

پنجم - نماز
طواف نساء است.

[۱۱۷۴] م - کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی [۵] گذشت، بدون هیچ تفاوت، مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء به جا آورد.

[۵] طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و به جا آوردن اعمال عرفات و مشعر و [۶] [۷] اعمال سهگانه منی به جا آورد در حال اختیار.

نساء و نماز آن را، بعد از آنکه محرم به احرام حج شدند قبل از رفتن به عرفات، [۹] طواف حج و نماز و سعی و طواف [۸] و عمل آنها مجزی است: [۱۰] به جا آورند

اول - زن

[۱۱]هایی که ترس آن دارند که در برگشتن حیض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

دوم - پیرمردها

، یا عاجز از برگشتن به مکّه [۱۲] یا پیر زن هایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت، برای زیادی جمعیت [۱۳] باشند.

سوم - اشخاص

[۱۴]مريضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز باشند از آن.

چهارم - کسانی

[۱۵] تا آخر ماه ذي حجه، به جهتي برای آنها ممکن نمی شود طواف و سعی [۱۵] که می دانند

[۱۱۷۷] م - سه طایفه اول، اعمالی را که جلو انداختند، کافی است اگرچه بعد خلاف آن ظاهر شود، مثلاً زن حیض نشود و مریض است. [۱۱۷] خوب شود و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود، پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گرچه احوط

[۱۱۷۸] و پیری و علیلی بود باز مجزی است، و اما اگر از جهت دیگر بود؛ مثل آنکه اعتقاد داشت سیل مانع می شود و بعد [۱۱۹] [۲۰] خلافش ظاهر شد باید اعاده کند اعمال را، بعد از رجوع.

[۱۱۷۹] م - شخص محرم که به واسطه احرام حج، چیزهایی بر او حرام شد، که در سابق به تفصیل ذکر شد، در سه موقع و بعد از سه عمل به تدریج آنها بر او حلال می شود:

اول - بعد

که پیشتر ذکر شد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منی، که به آن همه چیز حلال می شود مگر بوی خوش و زن چنان [۲۱] و گفته شد که صید از جهت احرام نیز حلال می شود نه از جهت حرم. [۲۱]

دوم - بعد

از به جا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه، به تفصیلی که گذشت، حلال می شود بر او بوی خوش [۲۲] ، ولی زن بر او حرام است. [۲۳]

سوم - بعد

از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن، که در کیفیت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت، حلال می شود بر او زن در حرم حرام است برای [۲۵] نیز، پس بعد از این سه عمل، همه چیز که به احرام حرام شده بود حلال می شود و اما صید کردن همه کس؛ چه مُحَرَّم و چه مُحَلّ.

[۱۱۸۰] م - کسانی که به واسطه عذر؛ مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف نساء را مقدّم داشتند [۲۶]، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی شود و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

[۱۱۸۱] م - طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی شود و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی شود، بلکه طفل تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال [۲۸] طواف نساء بدهد [۲۷] غیر ممیز، اگر ولی او را محرم کرد باید او را به احتیاط واجب [۲۹] شود.

[۱۱۸۲] م - طواف نساء و نماز آن [۳۰]، اگرچه واجب است و بدون آن زن حلال نمی شود، لیکن رکن نیست و ترک عمدی آن و اگر به جا نیاورد زن بر او [۳۱] موجب باطل شدن حج نمی شود، بلکه واجب است بر کسی که حج کرده آن را به جا آورد آنچه از زن بر او حرام شده بود؛ مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی شود، [۳۲] حلال نمی شود، بلکه [۳۳] بنابر احتیاط واجب.

[۳۴] "سعی را بر طواف زیارت یا بر نماز آن اختیار^۱ و جایز نیست مقدم داشتن طواف نساء را بر طواف زیارت و بر سعی [۳۴] اختیار^۱ و اگر مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

[۱۱۸۴] م - جایز است طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد در حال ضرورت، مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا [۳۵] زمان پاکی، لیکن احتیاط در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن به جا آورد.

[۱۱۸۵] م - اگر سهواً طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد یا به واسطه ندانستن [۳۷] و احتیاط در اعاده طواف است. [۳۶] ح است

[۳۸]] به جا نیاورد تا برگشت از حج، پس اگر می تواند باید خودش برگردد و به جا بیاورد و اگر نمی تواند یا مشقت دارد [۳۸] نایب بگیرد و پس از به جا آوردن، زن به او حلال می شود.

[۱۱۸۷] م - اگر کسی طواف واجب را - چه طواف عمره و چه طواف حج و چه طواف نساء- فراموش کرد و برگشت و با زن نزدیکی باشد و اگر می تواند، خودش برود و طواف [۴۱] آن است که شتر [۴۰] کند و احتیاط [۳۹] کرد، باید یک هدی در مکه قربانی و اگر نمی تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد. [۴۲] و نماز آن را به جا آورد. و احتیاطاً در غیر طواف نساء سعی را هم به جا آورد

[۱۱۸۸] یا طواف زیارت - از روی جهل به مسأله به جا نیاورد و برگشت به محل خود، باید حج را اعاده کند و یک شتر [۴۳] کند. [۴۴] قربانی

۱. آیه [۱].

و بنابر احتیاط مستحب از روز یازدهم تأخیر نیفتد. الله سیستانی:

۲. آیه [۲].

در جواز تأخیر از روز یازدهم خلاف است، احوط عدم تأخیر است، اگرچه جواز تأخیر تا بعد از ایام تشریق الله بهجت: بلکه تا تمام ذی حجه بعید نیست، و محلّ خلاف جواز تکلیفی است نه وضعی (مناسک شیخ، ص ۷۹).

آیه ۳ [۳]

بلکه تا آخر ایام تشریق و از این روز تأخیر نیندازد مگر در موارد عذر و معذور نیز باید پس از ایام تشریق در الله اردبیلی: انجام اعمال مکه تعجیل کند.

آیه ۴ [۴]

اگر چه احوط آن است که تأخیر نیندازد. الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

آیه ۵ [۵]

آنچه لازم است این است که باید این اعمال به ترتیب انجام شود و اگر کسی برخلاف ترتیب یاد شده انجام الله سبحانه: داد باید به گونه ای اعاده کند که ترتیب حاصل شود مثلاً اگر اول سعی نمود و بعداً طواف کرد تنها اعاده سعی کافی است و بعد باید برود سراغ طواف نساء و نماز آن.

آیه ۶ [۶]

بنابر احتیاط واجب. الله اردبیلی:

آیه الله سیستانی:

بنابر احتیاط جایز نیست و در صورتی که از روی ندانستن حکم شرعی مقدم بدارد، اکتفا به آنها مورد اشکال است، اگر چه خالی از وجه نمی باشد. (مناسک، مسأله ۴۱۲).

آیه ۷ [۷]

و چنانچه با علم و عمد پیش از حلق یا تقصیر طواف نمود، واجب است طواف را بعد از حلق یا تقصیر اعاده الله بهجت: نموده و یک گوسفند کفاره بدهد، چنان که گذشت. (مناسک، مسأله ۴۱۵).

آیه ۸ [A]

اظهر جواز تقدیم برای صاحب عذر است و احوط آن است که تقدیم کند و بعد از آن اگر ممکن شود اعاده آن الله بهجت: در ایام تشریق کند والا در باقی ماه ذی حجه اعاده نماید و اگر ممکن نشد استنابه نماید علی الأحوط و اگر می داند (مورد چهارم) که در تمام ماه ممکن نمی شود، پس بی اشکال تقدیم واجب است و احوط جمع بین تقدیم و استنابه است (مناسک شیخ، ص ۸۰).

آیه الله سبحانی: چهار

گروه از کسانی که حج تمتع به جا می آورند می توانند همه اعمال مکه را پس از احرام برای حج و قبل از رفتن به عرفات مقدم بدانند این چهارگروه فرقی نمی کند که حج را نیابتاً انجام می دهند یا اصالتاً.

آیه ۹ [A]

احتیاطاً طواف نساء و نماز آن را رجاء^۱ مقدم بدارد و اگر بعد ممکن شد آن را اعاده نماید وگرنه برای اعاده آن الله اردبیلی: نایب بگیرد.

آیه الله بهجت: ...

□ طواف نساء و نماز آن علی المشهور الأظهر.... (مناسک، مسأله ۴۱۷).

آیه الله تبریزی: کسی [

که از رفتن به مکه یا از مباشرت به اعمال بعد از رجوع از منی بر جان خود می ترسد، او فقط می تواند طواف نساء و نمازش را نیز مقدم بدارد و بقیه طوایف معذورین، طواف حج و نماز آن را مقدم می کنند و بنابر احتیاط مستحب، سعی را هم مقدم کنند و بعد در وقت خودش اعاده کنند و چنانچه سعی را مقدم کردند، احتیاط واجب آن است که در وقتش اعاده کنند.

آیه الله خویی: تقدیم

طواف حج و نماز و سعی بر وقوفین در حج تمتع جایز نیست مگر برای پیرمردان یا زنی که بیم حیض شدن دارد، که این دو می توانند طواف حج و نمازش را قبل از وقوفین به جا آورده و سعی را در وقت خودش بنمایند و احوط این است که سعی را نیز مقدم داشته و در وقتش هم اعاده نمایند و اولی و بهتر نیز در صورت امکان، اعاده طواف و نماز است در ایام تشریق یا بعد از آن تا آخر ماه ذی حجه و کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می ترسد می تواند طواف حج و نماز و سعی را بر وقوفین مقدم بدارد بلکه مقدم داشتن طواف نساء نیز عیبی ندارد و بعد از اعمال منی هر جا دلش بخواهد برود. (مناسک، مسأله ۴۱۸، ۴۱۷).

آیه الله سبحانی:

بنابر احتیاط واجب این چند طائفه سعی را هم مقدم بدانند و در وقتش اعاده کنند (کتاب الحج، ج ۵، ص ۲۹۸).

آیه الله گلپایگانی: احوط

برای این چند طایفه تقدیم طواف نساء و نماز آن است رجاء^۱. سپس اعاده بعد از مناسک منی در صورت
تمکن و الا باید نایب بگیرد. (آراء المراجع، ص ۳۸۳).

آیه ۱۰

بر کسانی که می ترسند نتوانند از منی به مکه بازگردند، واجب است تمام اعمال مکه حتی طواف نساء را الله زنجانی: بر وقوف عرفات، مقدم بدانند و عمل آنها مجزی است، هرچند کشف خلاف شود، اما سایر طوایفی که ذکر می شوند نمی توانند طواف نساء را مقدم بدانند و آنها عبارتند از: ۱. کسانی که به جهتی مانند حیض یا پیری زیاد یا بیماری نمی توانند یا می ترسند که نتوانند اعمال مکه را پس از بازگشت از منی انجام دهند، بر اینها تقدیم طواف و سعی، واجب و مجزی است؛ ۲. کسانی که طواف و سعی در زمان خودش بر آنها حرجی است؛ بر این گروه تقدیم طواف و سعی، جایز و مجزی است؛ ۳. کسانی که خوف آن دارند که اعمال مکه در زمان خودش برای آنها ایجاد حرج کند، این گروه می توانند طواف حج و سعی را رجاء مقدم کنند، که اگر بعداً معلوم شد واقعاً حرجی بوده مجزی است.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیه ۱۱

و تا آخرایام تشریق و یا حداکثر زمانی که در مکه هست پاک نشوند. الله سبحانه:

آیه الله

پیرمرد یا پیرزنی که نمی توانند خودشان بعد از برگشتن از منی اعمال مکه را در ازدحام انجام دهند. سبحانه:

آیه الله فاضل: و

نتواند صبر کند تا ازدحام تمام شود یا صبر کردن مستلزم عسر و حرج باشد.

آیه الله.

کلمه مریض در مناسکی که متن معتمدالعروه است ذکر شده و در معتمد العروه، ج ۵، ص ۳۴۴ آمده است: «انماخویی: يجوز تقديم الطواف للعاجز، كالشيخ الكبير والمريض والمرأة التي تخاف الحيض».

آیه الله سیستانی: مناط

عسر است نه عجز.

آیه الله.

مناط در جواز تقدیم، معذور بودن عرفی و عسر و حرج است (کتاب الحج، ج ۵، ص ۲۹۵). سبحانی:

آیه الله سبحانی: آیه الله سیستانی: مریض

یا معلول و هر کسی که بازگشت به مکه برای او مشکل باشد، یا طواف مشکل باشد در اثر ازدحام و مانند آن.

آیه الله فاضل: و

نتوانند تا رفع ازدحام در مکه بمانند یا با عسر و حرج مواجه می شوند.

آیه الله.

هر کس دیگری که عذر عرف پسند داشته باشد از اینکه اعمال را بعد از برگشتن از منی تا آخر ذی حجه و یاسبحانی: زمانی که در مکه هست خود انجام دهد.

آیه الله سیستانی: کسانی

که می ترسند برای آنها بازگشت به مکه میسر نشود.

آیه ۱۶

به جا آوردن اعمال فوق، پیش از وقوف در عرفات و مشعر و اعمال منی در حال اختیار جایز نیست، اما الله خامنه ای: این کار برای سه گروه جایز است که عبارتند از: نخست، زنانی که می ترسند با ابتلاء به حیض یا نفاس پس از بازگشت به مکه مکرمه از انجام طواف و نماز آن باز بمانند، و نتوانند تا پاک شدن منتظر بمانند؛ دوم: مردان و زنانی که ناتوان از طواف و نماز آن پس از بازگشت به مکه از جهت زیادی ازدحام باشند، و یا اصولاً ناتوان از بازگشت به مکه باشند؛ سوم: بیمارانی که پس از بازگشت به مکه مکرمه، بر اثر ازدحام یا ترس از آن، از انجام طواف ناتوانند. (مناسک حج، م ۳۶۸)

آیه الله خویی، متعرض
این فرع نشده اند.

آیات ۱۷

به ذیل مسأله قبل مراجعه شود. عظام بهجت، خویی، زنجانی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط
آن است که بعد از برگشتن از منی، اگر ممکن شود در ایام تشریق و گرنه تا آخر ذی
حجه طواف و سعی را دوباره به جا آورند. (مناسک فارسی، مسأله ۲۰۴).

آیه الله مکارم: احتیاط
به اعاده در صورت امکان ترک نشود.

آیه الله.

هرگاه بعد از بازگشت از منی به مکه برایش روشن شود که مانعی برای طواف و نماز و سعی او نبوده، بنابراین: احتیاط باید تمام اعمال مکه را اعاده نماید.

آیه الله خویی: فتوای
معظم له در این مسأله به دست نیامد.

آیه ۱۹

بیماری و پیری جزء گروه های دوم و سوم هستند که گذشت و اعتقاد به سیل و امثال آن جزء گروه چهارم الله سبحانه: که در صورت کشف خلاف باید اعمال را اعاده کنند.

آیه الله صافی: احوط
آن است که پس از مراجعت از منی نایب بگیرند که اعمال آنها را انجام دهد و اگر بعد از مراجعت خلاف
یقینی که داشت ظاهر شد اعاده لازم است بدون تفاوت بین صور مذکوره.

آیه الله فاضل: و
اگر احتمال حدوث مرض را می داد و بعد^۱ مرض حادث نشد، مجزی نیست.

آیه الله

در همه موارد اعاده را موافق احتیاط استحبابی بیان کرده اند. بهجت، آیه الله سیستانی:

آیه الله زنجانی:

به حاشیه مسأله ۱۱۷۶ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی: اعاده

مستحب است. (آداب و احکام حج، مسأله ۸۹۰).

آیه الله مکارم: مانند

مسأله سابق است.

آیه الله

در حاشیه مسأله ۱۱۴۱ گذشت که عقد و شهادت بر آن با حلق یا تقصیر جایز می شود. زنجانی، آیه الله سیستانی:

آیه الله مکارم: احتیاط

در ترک صید است هرچند در خارج حرم باشد.

. مراجعه شود به مسأله ۱۱۴۱. [۲۲]

آیه الله اردبیلی:

بنابر احتیاط واجب حرمت صید باقی است هرچند خارج از حرم باشد.

آیه الله

و این احوط است اما اقوی بودن آن در قبال قول به حلیت بعد از نماز طواف (و قبل از سعی) محتاج به تأمل بهجت:

است. (مناسک شیخ، ص ۸۰).

آیه الله

و حرمت صید خارج از حرم نیز بنابر احتیاط باقی است. اردبیلی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صید

و زن بر او حرام است و احوط در حج تمتع آن است که پیش از طواف نساء و نماز آن از

بوی خوش نیز اجتناب نماید.

آیه الله

اما کندن گیاه و درخت حرم و شکار در حرم گفته شد که حرمتش اختصاص به محرم ندارد و شامل غیر محرم بهجت: نیز هست و در مسأله ۴۱۲ مناسک آمده است ولی حلیت صید احرامی، به مجرد تمامیت مناسک منی، بی وجه نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: فقط

چیزی که از حرامها باقی می ماند شکار است که تا ظهر روز سیزدهم حرام است،

بنابر احتیاط واجب.

آیه الله زنجانی: و

همچنین سایر محرمات حرم همانند کندن گیاه بر حرمت خود باقی است.

آیه الله

به حاشیه مسأله ۱۱۷۶ مراجعه شود. زنجانی:

آیه الله

واجب است... صافی، آیه الله گلپایگانی:

آیه الله

بر ولي يا كسي كه به اذن او كودك را احجاج کرده واجب است كودك را طواف نساء بدهد وگرنه بعد از بلوغ، زنجاني: همسر بر او حرام خواهد بود.

آية الله.

بعد از طواف حج و نماز و سعي، ظاهراً عقد حلال مي شود، ولكن بنابر احتياط استمتاعا جايز نمي شود، تبريزي: گرچه اظهر اختصاص حرمت به جماع است.

آية الله خويي: حكم

صبي مميز، مانند حكم مرد است. (مستفاد از المسائل الشرعية، ج ۱، ص ۳۴۳) ولي راجع به صبي غير مميز كه او را به حج مي برند فتواي ايشان در دست نيست.

آية الله سبحاني: همه

كساني كه حج و يا عمره مفرده انجام مي دهند بايد به جا آورند و اگر كسي انجام ندهد و بميرد بايد براي او نايب بگيرند و هزينه نايب از تركه برداشته شود.

آية الله سيستاني: همان

گونه كه گذشت، با حلق يا تقصير، عقد حلال مي شود و اما حليت استمتاع در صبي هم متوقف است بر طواف نساء، پس اگر بالغ شد و هنوز طواف نساء نكرده، نمي تواند از همسرش استمتاع ببرد.

آية الله فاضل: مجنون

و مغمي عليه را نيز اگر مُحْرَم کرده اند، طواف نساء بدهند تا در صورت افاقه زن يا مرد بر آنها حلال شود.

آية الله گلپايگاني: متعرض

خصي و خنثي نشده اند وليكن در مورد مجنوني كه وليش او را محرم کرده، طواف نساء را لازم مي دانند.

آية الله.

اگرچه از اجزاء واجب حج است و بايد در ذي حجه انجام گيرد، و بدون آن... زنجاني:

آية الله.

با مباشرت خودش با امكان و با استنابه با عدم امكان مباشرت علي الأحوط (مناسك شيخ، ص ۸۱). بهجت:

آیه الله.

فتوای معظمله در این فرع یافت نشد. خامنه ای:

آیه الله |

نزدیکی با زن بنابر اقوی و سایر استمتاعات بنابر احتیاط بر او حرام است ولی عقد کردن و شاهد عقد شدن واردبیلی: خواستگاری کردن برایش حلال می شود اگرچه احتیاط مستحب آن است که تا طواف نساء و نماز آن را به جا نیاورده، از این اعمال نیز اجتناب کند.

آیه الله بهجت:

تا آن را به جا نیاورد زن بر او حلال نمی شود حتی عقد کردن و شهادت دادن بر آن علی الأحوط (مناسک شیخ، ص ۸۱).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و

ظاهر این است که بتواند بعد از طواف و سعی عقد نماید ولی لذت بردن از زن برایش جایز نیست بنابر احتیاط، اگرچه اظهار جواز غیر از جماع است.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: پس

از تراشیدن و یا کوتاه کردن مو، بنابر اقوی جایز است زن عقد کند و شاهد عقد باشد.

آیه الله سبحانی:

بنابر احتیاط.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و

به احتیاط واجب ادای شهادت هم ننماید.

آیه الله.

سعی باید بعد از طواف و نماز طواف به جا آورده شود و اگر پیش از طواف یا نماز آن آورده شود، لازم است بعدخویی: از آنها اعاده شود.

آیه الله.

بنابر احتیاط چنانچه بعد از سعی بتواند طواف نساء را با شرایط آن به جا آورد، باید آن را اعاده کند و اگر ردیابی: نتواند برای اعاده آن نایب بگیرد.

آیه الله بهجت: تقدیم [

طواف نساء بر سعی در حال ضرورت و خوف حیض جایز است و همچنین از ناسی و جاهل مجزی است تقدیم بر سعی علی الأظهر (مناسک شیخ، ص ۸۱ و مناسک، س ۱۶۵).

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی:

جایز نیست قبل از سعی طواف نساء را انجام دهد و اگر نتوانست تا زمان پاکی در مکه بماند، می تواند از مکه خارج شود و بنابر احتیاط برای طواف نساء نایب بگیرد. (مناسک، مسأله ۴۲۶ و ۴۲۸).

آیه الله زنجانی: کسی

که می ترسد پس از سعی، متمکن از طواف نساء نباشد باید طواف نساء را مقدم بدارد و بعد از سعی نیز اگر می تواند، دوباره طواف نساء را به جا آورد و اگر حائض بود نایب بگیرد.

آیه الله سبحانی: ولی

اگر بعداً حائض نشد واجب است خودش طواف نساء و نماز آن را به جا آورد.

آیه الله مکارم: احتیاط

گرفتن نایب ترک نشود.

آیه الله گلپایگانی: متعرض

این مسأله نشده اند.

آیه الله.

حکم آن در مسأله قبلی گذشت که مجزی است. بهجت:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

بنابر احتیاط، لازم است آنها را بعد از سعی اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف

زیارت و سعیش صحیح است و اعاده طواف نساء با نمازش بعد از سعی احوط است و اگر خودش نمی تواند اعاده کند نایب بگیرد.

آیه الله سبحانی:

اگر سهواً و یا از روی جهل مقدم داشته اعاده آن بعد از سعی مستحب است.

آیه الله.

احتیاط در اعاده طواف نساء ترک نشود. اردبیلی:

آیات عظام

یا عمداً بهجت، خامنه ای، سیستانی، فاضل:

آیه الله سبحانی: فراموش

کرد و یا عمداً و یا جهلاً به جا نیاورد؛ و خود نیز احتیاطاً نماز آن را در محلی که هست بخواند.

آیه الله.

باید یک شتر در مکه نحر کند و هر کدام از این سه طواف را با نماز آن اعاده نماید و در طواف حج و عمره سبحانی: اعمال مترتبه را نیز اعاده کند و اگر نمی تواند خود بازگردد و انجام دهد استنابه کند.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: برای

فراموشی طواف عمره در مکه و برای فراموشی طواف حج در منی قربانی استفاده می شود که: این حکم در طواف نساء نیست. (مناسک، و از مناسک آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی‌ند کافی است. [مسأله ۳۲۷])

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کسی

که تمام طواف یا بعض آن را فراموش کند و یادش نیاید تا به شهر خود برگردد و برای او مشکل باشد که به مکه مراجعت نماید و آنچه را فراموش کرده به جا آورد واجب است نایب بگیرد که برای او طواف کند و در این صورت بنابر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آن است که شتر باشد. آیه الله صافی بعد از «برای او طواف کند» می فرماید: و نماز طواف بخواند و بنابر احتیاط لازم سعی هم بنماید و در این صورت بنابر احتیاط واجب هدی بفرستد، و احوط آن است که شتر باشد، و در مواردی که گفته شد باید وجوباً یا احتیاطاً بعد از اتمام و نماز طواف، اعاده نماید، نایب نیز به همان شرح عمل کند. (مناسک فارسی، م ۱۰۴)

آیه الله فاضل: در

صورتی که نسیان مبطل به علم شود و استمرار نداشته باشد کفاره دارد والا چیزی بر او نیست.

آیه الله مکارم: قربانی

کردن گوسفند و اعاده سعی احتیاط مستحب است.

آیه الله.

و احتیاط مستحب.فاضل:

آیه الله.

این احتیاط مستحب است و گوسفند کفایت می کند.اردبیلی:

آیه الله.

اگر پس از احرام بستن برای حج فهمید که طواف عمره را به جا نیاورده و یا پس از گذشتن از ماه ذی حجه اردبیلی: فهمید که طواف حج را به جا نیاورده و یا پس از بازگشت به وطن متوجه شد که طواف عمره و یا حج را انجام نداده است، اعاده سعی لازم نیست و در مواردی که در عمره سعی را احتیاطاً باید اعاده کند، بنابر احتیاط واجب اعاده تقصیر نیز لازم است.

آیه الله سیستانی:

اگر قبل از فوت وقت متذکر شود، باید سعی را اعاده کند و اگر بعد از آن باشد، مثلاً طواف عمره را پس از وقوف در عرفات متذکر شود یا طواف حج را پس از پایان ذی حجه متذکر شود طواف را قضا می کند و اعاده سعی لازم نیست و تا طواف را خودش یا نایبش انجام نداده اند آنچه بر او حرام شده است حلال نمی شود.

آیه الله.

درباره طواف زیارت به ذیل سؤال ۶۷۰ مراجعه شود لکن در باب طواف عمره تمتع چنانچه از روی جهل به سبحانی: حکم ترک کنند حج را در سال بعد اعاده کند ولی کفاره ندارد. اما چنانچه تارک طواف عمره تمتع قبل از رفتن به عرفات متوجه شد و فرصت جبران نداشت حج او به افراد بدل شده و باید بعد از آن عمره مفرده بیاورد و حج را نیز در سال بعد قضا کند.

آیه الله فاضل:کفاره

در طواف عمره بنابر احتیاط است.

آیه الله.

بنابر احتیاط. اردبیلی:

آیه الله بهجت: وجوب

ذبح یک شتر مطلقاً حتی در حال علم و عمد موافق احتیاط است که در مسأله ۵۳۲ هم گذشت (مناسک شیخ، ص ۳۵).

آیه الله تبریزی: کفاره

دادن یک شتر در ترک طواف حج از روی جهل به مسأله است، و اما در طواف عمره تمتع چنانچه از روی جهل به مسأله ترک شد، هرچند باید حج را در سال آینده اعاده کرد ولی کفاره ندارد.

آیه الله خویی:

اگر کسی طواف عمره تمتع را از روی علم یا از روی جهل ترک کند به نحوی که قبل از وقوف عرفات نتواند آن را تدارک نماید عمره و حتی احرام عمره اش باطل می شود و باید در سال دیگر حج را اعاده نماید و کفاره مذکوره اختصاص دارد به موردی که طواف حج را از روی جهل ترک کرده باشد.

آیه الله سبحانی:

اگر طواف حج تمتع را ترک کند باید یک شتر در مکه قربانی کند و حج را اعاده نماید ولی اگر طواف عمره تمتع را از روی جهل به حکم ترک کند باید حج را در سال بعد اعاده کند ولی کفاره ندارد.

آیه الله سیستانی: کفاره

در مورد طواف عمره مبني بر احتیاط واجب است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: چون

احتمال می دهد در احرام باشد، احتیاطاً از نزدیکی با زن قبل از انجام عمره مفرد دوری نماید و یک شتر قربانی کند.

آیه الله فاضل: اگرچه

با زن هم نزدیکی نکرده باشد.

آیه الله مکارم: در

ترک طواف عمره، قربانی احتیاط مستحب است و در طواف حج، احتیاط واجب است.

استفتائات اعمال بعد از منی و طواف نساء

[۱۱۸۹] س - اگر کسی تنها این ترس را داشته باشد که بعد از برگشت از منی، در اثر ازدحام نتواند طواف کند یا به مشقت بیفتد، آیا می تواند اعمال حج را مقدم دارد یا نه؟

ج - مورد

[۱] جواز تقدیم نیست و نمی تواند مقدم بدارد.

[۱۱۹۰] س - اعمال حج را به جهت خوف حیض، بر اعمال منی مقدم داشت، ولی چون طواف یا سعی را قطع کرده بود، به طوری [۲] که می باید اتمام و اعاده کند و چنین کرد، آیا بعد از اعمال منی بر او چیزی نیست؟

ج -

[۳] اگر وظیفه را انجام داده چیزی بر او نیست.

[۱۱۹۱] س - آیا نایب هم، اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد، می تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد یا نه؟

[۴] -

[۵] مانع ندارد.

[۱۱۹۲] س - کسانی که اعمال حج را قبل از اعمال منی انجام می دهند، آیا می توانند سعی را بعد از برگشتن از منی انجام دهند و باقی اعمال را قبل؟

ج - محل

[۶] اشکال است.

[۱۱۹۳] س - تقدیم اعمال مکه برای ذویالأعذار جایز است یا لازم؟

ج -

[۷] جایز است و لازم نیست.

[۱۱۹۴] س - کسانی که اعمال حج را مقدم بر وقوفین می نمایند، آیا باید اقرب زمان به موقوفین را رعایت کنند؟

ج - لازم
نیست.

[۱۱۹۵] س - تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم می دارند، بر عهده خود آنان است یا بر عهده گردانندگان گروه و مسؤولین؟

ج - تشخیص
[۸] با خود مکلف است.

[۱۱۹۶] س - کسی که او را به وسیله تخت طواف می دهند، آیا می تواند اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم بدارد؟

ج -
[۹] اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیست، نمی تواند مقدمبدارد.

[۱۱۹۷] س - کسی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می دارد، آیا می تواند طواف نساء را بعد از وقوفین و اعمال دیگر انجام دهد؟

ج -
[۱۰] بنابر احتیاط در موردی تقدیم بدارند که هر سه عمل را مقدماً انجام دهند.

[۱۱۹۸] س - شخصی که می تواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد، اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکه را انجام داد چه صورتی دارد؟

ج - کفایت
و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کند و یا بعد از وقوفین و اعمال منی، آنها را به جا آورد. [۱۱] نمی کند

[۱۱۹۹] س - آیا می تواند اعمال مکه را به نایب واگذارد، در صورتی که می تواند تأخیر بیندازد تا خود به جا آورد؟

ج -
با فرض اینکه می تواند خودش به جا آورد، ولو با تأخیر، تا آخر وقت نمی تواند نایب بگیرد.

[۱۲۰۰] س - در مناسک فرموده اید وقت انجام اعمال حج تا روز یازدهم است و بعید نیست که تا آخر ماه ذیحجه نیت کند، در صورتی که وقت انجام مناسک حج تا روز یازدهم باشد، اگر تأخیر انداخت چون محتمل است ظرف وجوب منقضی شده باشد آیا معصیت نموده است؟

ج - معصیت
[۱۲] نیست.

۱۲۰۱ س - کسی که از منی برگشته و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده، آیا می تواند طواف مستحبی انجام دهد و نیز در حال احرام عمره تمتع آیا می تواند قبل از انجام عمره، طواف مستحبی انجام دهد؟

- [۱۳]

[۱۴] احتیاطاً ترک نماید.

۱۲۰۲ س - آیا بعد از انجام اعمال منی، قبل از انجام اعمال مکه، می توان از مکه خارج شد یا خیر؟

ج - مانع

[۱۵] ندارد.

۱۲۰۳ م - اگر شخص، چندین عمره مفرده بهجای آورده باشد و در هیچکدام طواف نساء نکرده باشد، یک طواف نساء برای تمام [۱۶] آنها کفایت می کند.

۱۲۰۴ م - احتیاط آن است که نایب در طواف نساء، نیت مافیالذمه کند، گرچه می تواند به نیت منوب عنه انجام ده [۱۷]

۱۲۰۵ س - آیا پیش از به جا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق و اعمال بعدی، تمام انواع تلذذ و تمتع از زن حرام است و یا اختصاص به جماع دارد؟

ج - از

[۱۸] مطلق تلذذ از زن باید اجتناب نماید.

۱۲۰۶ س - آیا تأخیر طواف نساء از سعی تا چند روز، جایز است یا خیر؟

ج - مانع

[۱۹] ندارد.

۱۲۰۷ س - شخصی بعد از حج، ازدواج کرد و دارای فرزند شد، بعداً متوجه می شود که در حج، طواف نساء را به جا نیاورده است، حال که متوجه شده است، حکم زن و فرزند او چگونه است و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج -

و باید طواف نساء را انجام دهد و اگر بخواهد [۲۰] با فرض جهل، فرزند او حکم حلالزاده را دارد ولی عقد ازدواج باطل است [۲۱] بعد از آن تجدید عقد نماید.

۱۲۰۸ س - مردی به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است ولی تو باید طواف رجال به جا آوری! زن بهجای نیت «طواف نساء»

«طواف رجال» ذکر کرد، آیا کافی است یا نه؟

ج -

اگر منظورش ادای وظیفه است، مانع ندارد.

۱۲۰۹ س - کسی که عمره مفرده انجام می داد، بدون اینکه تقصیر کند، طواف نساء را بهجا آورد، آیا وظیفه او چیست و عمره او باطل است یا نه؟

ج - عمره

نماید و بدون آن حرمت نساء باقی است. [۲۲] باطل نمی شود، لیکن باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده

۱۲۱۰ س - شخصی پس از مراجعت از مکه شک می کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را به جا آورده یا نه، چه وظیفه ای دارد؟

ج -

[۲۳] اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام

دهد

و همچنین است در صورت التفات [۲۵] علی الأحوط، بلکه خالی از قوت نیست.

۱۲۱۱ س - اگر کسی بعد از شوط چهارم طواف نساء عمره مفرده، با زوجه خود مواجهه نماید، آیا مانند طواف نساء حج است که به حج لطمه ای وارد نکرده و کفاره هم ندارد؟

[۲۶] -

[۲۷] بلی، عمل صحیح است و کفاره ندارد، اگرچه حرام مرتکب شده است.

۱۲۱۲ س - به جا نیاوردن طواف نساء از روی جهل، همانند طواف حج و عمره است که باید حج را اعاده کند و شتر قربانی نماید؟ چنانکه در مسأله ۱۷ فصل پنجم حج در مناسک می فرمایید؟

ج - ترک

[۲۸] طواف نساء، حج را باطل نمی کند و کفاره ندارد، ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد.

۱۲۱۳ س - شخصی قبل از طواف نساء با زوجه خود ملاعبه نموده و از روی شهوت به او دست زده است، آیا کفاره دارد؟

ج - کفاره

[۲۹] دارد مگر در صورت جهل.

۱۲۱۴ س - زنی که اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم داشته، بعد از سعی حیض می شود، شوهرش در همان وقت به نیابت از

او طواف نساء را انجام می دهد، آیا این نیابت صحیح است؟

ج - صحیح

نیست و تقدیم برای کسی است که خودش طواف می کند و احتیاط آن است که اکتفا به آنچه مقدم داشته هم نکند.

[۳۰]

[۱۲۱۵] س - اگر نایب طواف نساء را به جا نیاورد، آیا فقط زن بر او حرام است یا ذمه اش هم مشغول است، هرچند بعد از مردن باشد، که باید برای او قضا کند؟

ج - ذمه

[۳۱] او هم مشغول است، ولی خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

[۱۲۱۶] س - شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمره تمتع محرم شده است، آیا طواف نساء فراموش شده را، بعد از انجام اعمال عمره تمتع به جا آورد یا قبل از آن؟

ج - می تواند

[۳۲] بعد از انجام اعمال عمره تمتع به جا آورد و اگر تأخیر بیندازد، طواف نساء حج، کفایت از آن می کند.

[۱۲۱۷] س - کسی که طواف نساء عمره مفرده را به جا نیاورده و بعد از آن حج افراد به جا می آورد، آیا طواف نساء حج افراد کفایت می کند؟

ج - کفایت

[۳۳] می کند.

[۱۲۱۸] س - پیرمردان و پیر زنانی که عمل زناشویی از آنان ممکن نیست و ازدواج هم نمی کنند و نیز کسی که عتین است، آیا اگر طواف نساء را نیاورند اشکال دارد؟

ج - گرچه

[۳۴] طواف نساء جزو اعمال نیست، لکن عمل واجبی است که باید انجام داده شود.

آیه [۱]

می تواند احتیاط کند و اعمال حج را مقدم بدارد و پس از بازگشت از منی اگر نتوانست اعمال را اعاده کند، الله اردبیلی: نایب بگیرد.

آیه الله بهجت: تقدیم

اعمال مکه برای کسی که پس از بازگشت از منی از ازدحام جمعیت می ترسد، جایز است ولی احتیاطاً بعد از برگشت از منی اعمال را تکرار کند و در صورت عدم امکان نایب بگیرد (مناسک، س ۱۶۷).

آیه الله تبریزی، آیه الله مکارم: احتیاط

آن است که مقدم دارد و بعداً اگر نتوانست برای طواف نایب بگیرد.

آیه الله زنجانی: در

مورد اول تقدیم طواف و سعی واجب و مجزی است و در مورد دوم می توانند رجاء مقدم کنند ولی اگر کشف خلاف شد مجزی نیست و تقدیم طواف نساء در هیچ یک از دو مورد جایز نیست.

آیه الله سبحانی: افرادی

که دارای روحیه ضعیف هستند و یا حالت وسواسی و ترس از جمعیت دارند این حالت صرفاً مجوز تقدیم اعمال مکه بر وقوفین نمی شود.

آیه الله سیستانی: کسانی

که بازگشت به مکه برای آنها مشکل است و یا طواف نمودن بعد از بازگشت از منی به علت ازدحام شدید جمعیت یا غیر آن برای آنها مشکل است می توانند مقدّم دارند (مناسک، مسأله ۴۱۲).

آیه ۲.

به ذیل مسأله ۱۱۷۶ مراجعه شود. الله بهجت:

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: تقدیم

سعی و طواف نساء بر وقوف مجزی نیست گرچه احوط تقدیم سعی و اعاده آن است، بلی کسی که از بازگشت به مکه می ترسد همه اعمال مکه را می تواند مقدم کند. (مناسک، مسأله ۴۱۷ و ۴۱۸).

آیه ۳.

به حاشیه مسأله ۱۱۷۷ مراجعه شود. الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

آیه ۴.

اگر هنگام احرام، اطمینان به عدم عذر داشته باشد، حج و نیابتش صحیح است. الله زنجانی:

آیه ۵ [۵]

مشروط بر اینکه عذر او پس از قبول نیابت عارض شده وگرنه عملش ذمه منوبعنه را بریء نمی کند. الله اردبیلی:

آیه الله خویی، فتوای

ایشان در این مورد در دست نیست، بلی حکم نایب معذور به عذر طاری، قبلاً در بحث نیابت گذشت.

مراجعه شود به مسأله ۱۱۷۶. [۶]

آیه الله اردبیلی: اظهر

عدم جواز تأخیر سعی است.

آیه الله بهجت: بعد

از طواف سعی است.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی:

جایز نیست.

آیه الله مکارم: همه

را قبلاً انجام می دهند.

آیه ۷ [۷]

مگر اینکه اطمینان داشته باشد که پس از بازگشت از منی نمی تواند طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد. الله اردبیلی: که در این صورت لازم است.

آیه الله تبریزی:

مگر اینکه بدانند یا اطمینان داشته باشند؛ چنانچه اعمال مکه را بر وقوفین مقدم نکنند، بعد امکان انجام آن را ندارند، که در این صورت واجب است طواف و نماز آن را مقدم کنند و بنابر احتیاط مستحب، سعی را نیز مقدم و بعد اعاده کنند.

آیه الله خویی: کسی

که خوف این را دارد که نتواند طواف صحیح تام بعد از وقوفین انجام دهد لازم است طواف را قبل از وقوف انجام دهد، بلی ظاهر مناسک راجع به زنی که صرفاً می ترسد حیاض بشود ولی اطمینان به آن ندارد، جواز تقدیم و عدم لزوم آن □ است.

آیه الله زنجانی: به [

حاشیه مسأله ۱۱۷۶ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی:

مگر برای کسانی که می دانند تا زمانی که در مکه هستند و یا تا آخر ذی حجه عذرشان برطرف نمی شود و مجبور به استنابه می شوند که در این صورت واجب است خود اعمال را تقدیم انجام دهند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

مگر برای کسی که یقین دارد بعد از برگشتن از منی و تا آخر ذی حجه امکان انجام آن را ندارد که در این صورت تقدیم واجب است. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۰۷).

آیه [۸].

یعنی حاجی باید ببیند معمول مردم، وضعیت وی را عذر می دانند یا خیر و علم و سواس و علم کسی که الله زنجانی: کمترین دشواری را عذر می داند، ملاک نیست و باید به متعارف رجوع کند.

آیه [۹].

بنابر احتیاط واجب. الله اردبیلی:

آیه [۱۰].

بنابر احتیاط طواف نساء و نماز آن را رجاء^۱ مقدم بدارد و پس از اعمال منی، آن را اعاده نماید و اگر نتوانست الله اردبیلی: نایب بگیرد.

آیه الله زنجانی:

□ به حاشیه مسأله ۱۱۷۶ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: تأخیر [

طواف نساء مانعی ندارد.

آیه الله مکارم: هر

سه عمل را مقدماً انجام دهد.

مراجعه شود به مسأله ۱۱۷۶.

آیه [۱۱]

اگر شخصی به دلیل عذر، اعمال مکه را مقدّم داشت، بعداً کشف شد که اعمال را بدون احرام انجام داده، به آن الله بهجت: اکتفا نکند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی را اعاده کند (مناسک، س ۱۶۸).

آیه الله سبحانی: و باید با احرام انجام دهد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله.
به حاشیه مسأله ۱۱۷۲ مراجعه شود. اردبیلی:

آیه الله.
تا طواف واجب خود ولو طواف نساء را انجام نداده نمی تواند طواف مستحب بکند. زنجانی:

آیه الله.
می تواند. بهجت:

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: می تواند، ولی متمتع پس از احرام حج و قبل از خروج به عرفات، به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند، هر چند طواف حج را مقدم داشته باشد.

آیه الله.

خلاف احتیاط است. بهجت:

آیه الله تبریزی: احتیاط

واجب این است که تا اعمال حج تمام نشده، از مکه خارج نشود.

آیه الله خامنه ای: ولی

باید خروج به نحوی باشد که بتواند مناسک باقی مانده را در وقت خودش انجام دهد. (استفتاء ۶۴۴۰،

س ۱۶)

آیه الله خویی:

جایز نیست. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۱۳).

آیه الله سبحانی: احتیاط

آن است که تا اعمال را تکمیل نکرده خارج نشود.

آیه الله فاضل: احتیاط

واجب این است که تا اعمال حج تمام نشده از مکه خارج نشود، مگر اینکه اطمینان داشته باشد که برای اتمام اعمال برمی گردد.

آیه ۱۴]

باید برای هر یک از آنها یک طواف نساء به جا آورد. الله اردبیلی:

آیات عظام بهجت، سبحانی، فاضل:

بنابر احتیاط، برای هر کدام یک طواف نساء انجام دهد.

آیه الله تبریزی: هر

احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد ولی احتیاط این است تا طواف عمره مفرده را انجام نداده، محرم به احرام جدید نشود.

آیه الله خامنه ای: واجب

است برای هر عمره مفرده جداگانه طواف نساء به جا آورد، اگرچه تحلل با طواف نساء واحد بعید نیست. (مناسک حج، مسائل متفرقه، س ۵۱)

آیات عظام خویی، زنجانی، صافی: هر

احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد. (مستفاد از مسأله ۶۸ استفتائات).

آیه الله سیستانی: هر

احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد بنابر احتیاط واجب.

آیه الله

به نیت منوب عنه انجام دهد (ملحق، سؤال ۳۶۱). خویی، آیه الله سیستانی:

آیه الله زنجانی:

به نیت منوب عنه انجام دهد و انجام به قصد ما فی الذمه نیز صحیح است.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: طواف

نساء به نیت منوب عنه انجام شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف

نساء را باید به نیت منوب عنه به جا آورد (توضیح المسائل، م ۲۰۵۷).

آیه الله

بنابر احتیاط واجب. اردبیلی:

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

مراجعه شود به مسأله ۱۱۸۱ و ۱۱۸۲.

آیه ۱۹

ولی نباید از ماه ذی حجه به تأخیر بیفتد. الله زنجانی:

آیه الله

ظاهراً عقد صحیح است و نیاز به تجدید ندارد ولی مادامی که طواف نساء و نماز آن را خودش و در صورت عذر اردبیلی: نایبش انجام نداده اند، جماع و همچنین بنابر احتیاط واجب سایر استمتاعات بر او حرام است.

آیه الله بهجت:

تا طواف نساء به جا نیاورد زن حلال نیست ولی عقد صحیح است و فرزند حلال زاده است، بنابر این اگر نتواند شخصاً طواف نساء را به جا آورد نایب بگیرد که طواف نساء و نمازش را انجام دهد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: ظاهر!

عقد صحیح است و نیاز به تجدید ندارد، ولی مادامی که طواف نساء و نماز آن را خودش و در صورت تعذر نایبش انجام نداده جماع جایز نیست.

آیه الله سبحانی: فرزند

او حلال زاده است و باید طواف نساء را انجام دهد و احتیاطاً عقد را تجدید کند.

آیه الله سیستانی: عقد

او صحیح است؛ زیرا آنچه بر حاجی پس از حلق حرام است، استمتاع است نه عقد و اما اولاد به هر حال ملحق به او هستند.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب عقد او باطل است.

آیه الله.

عقد ازدواج آنها صحیح و احتیاط استحبابی در اعاده عقد بعد از طواف نساء است. زنجانی:

آیه الله.

به ذیل مسأله ۸۹۸ مراجعه شود. بهجت:

آیه الله سبحانی: و

اگر به وطن بازگشته خود تقصیر کند و برای طواف نساء و نماز آن چنانچه برگشتن مشقت دارد استنابه کند و احتیاطاً علاوه بر نایب نماز طواف نساء را خودش نیز بخواند.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیه الله

اگر توانست خودش به جا آورد و الا نایب بگیرد. بهجت:

آیه الله زنجانی:

اگر قبل از تمتع از نساء، شک کرده، باید طواف نساء را انجام دهد و اگر بعد از تمتع، شک کرده چنانچه احتمال ☐ بدهد هنگام استمتاع، به رعایت جهات شرعی توجه داشته است اعتنا به شکش نمی کند و اگر احتمال ندهد باید طواف نساء را به جا آورد، البته در حج اگر بعد از گذشتن ماه ذی حجه، ☐ برایش شک پیدا شده مطلقاً اعتنا نمی کند.

آیه الله سبحانی: چنانچه

در انجام طواف نساء در حج شک کند در حالی که ماه ذی حجه الحرام به پایان نرسیده است چنین فردی باید خود و در صورت عدم امکان نائب او طواف نساء و نماز آن را انجام دهد و اگر پس از خروج ماه ذی حجه چنین شک رخ دهد اعتنا نکند ولی در مورد شک در انجام طواف عمره مفرده به متن عمل شود.

آیه الله

اگر شک بعد از عمل مواقعه با زوجه برایش حاصل شد، به آن اعتنا ننموده و بنابر انجام آن تبریزی، آیه الله خویی: گذارد.

آیه الله سبحانی:

اگر قبل از به پایان رسیدن ماه ذیالحجه شک کند باید خود وی و یا در صورت عدم امکان نائب او طواف نساء و نماز آن را انجام دهد و اگر پس از خروج ماه ذیالحجه چنین شک رخ داد، اعتنا نکند (مناسک، م ۵۲۵).

آیه الله سیستانی: باید

طواف نساء را انجام دهد و اگر معذور است یا مشقت دارد نایب بگیرد.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب در صورت اول، ولی در صورت بعد طواف نساء لازم نیست.

آیه الله

ولی اگر التفات به وجوب آن داشته و شک دارد که انجام داده یا نه، بعید نیست انجام آن صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب نباشد، اگر چه احتیاط خوب است (آداب و احکام حج، مسأله ۹۱۵).

آیه الله.

اگر توانست خودش به جا آورد والا نایب بگیرد. بهجت:

آیه الله سبحانی: بعد

از نیمه اول طواف نساء یعنی سه شوط و نیم، و باید استغفار کند و طوافش را با تحصیل طهارت تمام کند.

آیه الله.

قبل از اتمام شوط پنجم كفاره دارد، بنا بر احتیاط و بعد از شوط پنجم كفاره ندارد البته این مسأله را درباره حج بهجت: دارند نه عمره مفرده. (مستفاد از مناسک، مسأله ۲۲۲) به ذیل مسأله ۳۱۸ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: چنانچه

این عمل بعد از سعی بوده، عمره باطل نمی شود، ولی قبل از شوط پنجم كفاره دارد، بلکه احوط كفاره

□ است مطلقاً.

آیه الله خویی: بعد از

سعی عمره باطل نمی شود ولی كفاره دارد مگر اینکه شوط پنجم را به جا آورده بوده. (مناسک، مسأله ۲۲۳).

آیه الله سیستانی: استغفار

کند و كفاره ندارد و طوافش را تمام کند (ملحق مناسک، سؤال

۳۶۶).

نظر آیه الله زنجانی در

این مسأله به دست نیامد.

آیه الله.

مگر در صورت جهل و نسیان. اردبیلی:

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، مکارم: در

صورت فراموشی یا ندانستن مسأله كفاره ندارد.

آیات [۲۹]

یا نسیان. عظام اردبیلی، بهجت، زنجانی، سبحانی، سیستانی، فاضل:

به مسأله ۱۱۸۲ مراجعه شود.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب، ولی در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفاره ندارد.

آیه الله

طواف حج و نماز آن و سعی صحیح است و طواف نساء و نماز آن را پس از بازگشت از منی به جا آورد و نیابت اردبیلی: □ شوهرش صحیح نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی: اگر [

به جهت خوف از حیض، اعمال حج را مقدّم کرده، اعاده طواف حج لازم نیست لکن بنابر احتیاط واجب باید سعی را اعاده کند و باید طواف نساء هم بعد از وقوفین و اعمال حج باشد.

آیه الله زنجانی: پس

از بازگشت از منی اگر پاک شد طواف نساء را خودش به جا می آورد والا نایب می گیرد.

آیه الله سیستانی: آنچه

مقدم داشته کافی است و طواف نساء را پس از اعمال روز عید انجام دهد و اگر نتوانست تکلیف ساقط است ولی احتیاط آن است که نایب بگیرد.

آیه الله فاضل: یعنی

با فرض اینکه زن نتوانسته همه اعمال حج را قبل از وقوفین انجام بدهد، احتیاط این است که بعد از پاک شدن مجدداً همه اعمال بعد از منی را اعاده کند.

آیه الله

و چنانچه قبل از تدارک فوت نماید، احتیاط این است که از ترکه اش قضای آن آورده شود. (مناسک، مسأله بهجت: ۴۲۵).

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: در

صورت عدم تدارک در زمان زنده بودنش، بنابر احتیاط باید قضای آن از ترکه او به جا آورده شود. (مناسک عربی، مسأله ۴۲۰).

آیه الله زنجانی: و

اگر در زمان حیاتش تدارک نکرد واجب است وصیت کند و در هر صورت وصیت کند یا نه مسؤولیت انجام طواف نساء بر عهده ولی اوست و هزینه آن از اصل ترکه خارج می شود؛ مگر متبرعی پیدا شود یا خودش وصیت نافذی کرده باشد که از ثلث حساب کنند.

آیه الله سبحانی:

اگر بمیرد از ترکه او کسی را اجیر کنند تا طواف نساء را به نیابت از او و به نیت آنچه بر ذمه نایب بوده است به جا آورد ولی ترک طواف نساء از جانب نائب نسبت به منوب عنه اثری از جهت حرمت نساء ندارد.

آیه الله.

بنابر اقوی طواف نساء عمره مفرده را مستقلاً به جا آورد. اردبیلی:

آیه الله بهجت: در

این مسأله و مسأله بعدی به ذیل مسأله ۱۲۰۳ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: صحت

احرام جدید قبل از طواف نساء عمره مفرده محل اشکال است.

آیه الله خامنه ای: کفایت

نمی کند، گرچه زن بر او حلال می شود. (مناسک حج، مسائل متفرقه، س ۵۱)

آیات عظام خویی، زنجانی، صافی: کفایت

نمی کند.

آیه الله سبحانی: باید

قبل از انجام اعمال عمره تمتع طواف نساء را انجام دهد و سپس به اعمال عمره بپردازد و طواف نساء حج بنابر احتیاط کفایت از آن نمی کند.

آیه الله سیستانی: کفایت

نمی کند بنابر احتیاط.

آیه الله فاضل: کفایت

نمی کند و برای عمره مفرده بنابر احتیاط واجب یک طواف نساء دیگر به جا آورد.

. مانند سؤال قبل است. [۳۳]

آیه الله اردبیلی: کفایت
نمی کند.

آیه الله خامنه ای:
به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: کفایت
نمی کند و به ذیل سؤال ۱۸۵ و ۱۲۱۱ مراجعه شود.

آیه الله .
طواف نساء از اجزاء واجب حج یا عمره مفرده است و بر عتین و کسانی که نمی توانند زناشویی کنند نیز واجب زنجانی:
است.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی^{۱۱}

[۱۲۱۹ م - آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى تَسْكِكِ وَسَلْمَنِي لَهُ وَسَلْمَهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بَيْنَكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتِكَ مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ «مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعِقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَقُوكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ

پس به نزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید و اگر بوسیدن ممکن نشد، دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

۱. آیه [۱]

این اعمال را به قصد رجا و امید مطلوبیت به جا آورد. الله مکارم:

فصل ششم: بیتوته به منی

[۱۲۲۰] م - واجب است بر حاج که شب یازدهم ذیحجه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند؛ یعنی در [۲] تا نصف شب [۱] آفتاب

[۱۲۲۱] م - چند طایفه باید در شب سیزدهم نیز تا نصف شب بمانند:

اول - کسی

آن است که اگر صید را گرفته باشد و نکشته باشد شب سیزدهم را [۳] که صید کرده است در احرام، و احتیاط واجب بماند، لیکن غیر از صید کردن چیزهای دیگر که از صید بر محرم حرام است، مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نیست بیتوته شب سیزدهم.

دوم - کسی

با زن کرده در احرام [۴]؛ چه در قُبُل و چه در دُبُر و چه با زن خود یا اجنبیه، ولی غیر از جماع، کارهای دیگر مثل بوسیدن و لمس و غیر آن را اگر اجتناب نکرده، واجب نمی شود بیتوته شب سیزدهم.

سوم [۵]

[۷] کسیکه در روز دوازدهم کوچ نکرد از منی و غروب شب سیزدهم را درک کرد.

[۱۲۲۲] م - چند طایفه اند که واجب نیست در شب های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم در منی بمانند: [۸]

اول - بیماران

[۹] و پرستاران آنها و دیگر کسانی که برای آنها مشقت داشته باشد ماندن، به هر عذری که باشد.

دوم - کسانی

[۱۰] که ترس آن دارند که اگر شب را بمانند مال آنها در مکه از بین می رود، به شرطی که مال مُعْتَدُّ به باشد.

سوم - شبان

حیوانات آنها به چرانیدن در شب [۱۱] هایی که احتیاج دارد

چهارم - کسانی

[۱۲] که متکفل آب دادن به حجاج هستند در مکه.

پنجم - کسانی

باشند و به عبادت مشغول باشند تا صبح و کار دیگر جز آن نکنند، مگر کارهای [۱۳] که شب را در مکه بیدار

[۱۴] ضروری؛ از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو.

[۱۲۲۳] م - کسی که در احرا [۱۷] باید شب سیزدهم بماند و این حکم اختصاص به احرام حج ندارد. [۱۶] اجتناب نکرده [۱۵]

[۱۲۲۴] م - مقدار شب که واجب است در این سه شب بیتوته کرد، از اول شب است تا نصف آن [۱۸]، پس کسی که از غروب بیتوته کرد در منی تا نیمه شب مانع ندارد بعد از آن بیرون برود، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع صبح وارد مکه نشود.

[۱۲۲۵] م - کسی که در اول شب بی عذر در منی نبود [۱۹]، اح [۲۱] آن است که قبل از نیمه شب برگردد و تا صبح بماند. [۲۰]

[۱۲۲۶] م - نیمه شب را باید از اول غروب حساب [۲۳] تا طلوع آفتاب [۲۲] کنند، بنابر احتیاط [۲۴] واجب، و احتیاط آن است که از مغرب شرعی حساب [۲۵] کنند.

[۱۲۲۷] م - بیتوته در منی از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند به جا آورد. [۲۶]

[۱۲۲۸] م - جایز نیست در غیر مکه مشغول عبادت شود و به منی نرود، حتی در بین راه منی و مکه به احتیاط واجب [۲۷]

[۱۲۲۹] م - کسی که ترک کند بیتوته به منی را، در شبی که واجب است بماند، برای هر شبی یک گوسفند باید قربانی [۲۸] کند.

[۱۲۳۰] م - «باشد یا از روی ندانستن مسأله. [۳۱] بین آنکه از روی علم و عمد باشد یا از روی نسیان [۳۰] در واجب بودن قربانی [۲۹] [۳۲]

[۱۲۳۱] م - کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بودند و نیامده اند به منی، قربانی بر آنها واجب نیست. [۳۳]

[۱۲۳۲] م - چهار طایفه ای [۳۴] که در مسأله ۱۲۲۲ گفته شد واجب نیست در منی بمانند، در صورتی که نمانند باید برای هر شب یک گوسفند [۳۵] کفاره قربانی

[۳۸] به احتیاط واجب. [۳۷] حتی دسته سوم و چهارم [۳۶] کنند

[۱۲۳۳] م - گوسفندی که باید قربانی شود [۳۹]، هیچیک از شرایط هدی را، که در منی برای حج باید ذبح کنند، لازم نیست

[۴۰] داشته باشد.

[۱۳۳۴] م - گوسفندی را که باید قربانی کند، محل معینی ندارد حتی می تواند پس از مراجعت به محل خود قربانی بکند، اگرچه [۴۲] آن است که در منی قربانی کند. [۴۱] احتیاط

[۱۳۳۵] م - اگر قسمتی از اول شب که باید در منی بیتوته کرد، درک نشود یا زودتر از نصف شب از منی خارج شوند [۴۳]، احتیاط و فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست. [۴۵] آن است که یک گوسفند قربانی کنند [۴۴] واجب

[۱۳۳۶] م - کسانی که جایز است برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم، باید بعد از ظهر کوچ کنند و جایز نیست قبل از ظهر [۴۶]، و [۴۷] کسانی که در روز سیزدهم کوچ می کنند مختارند هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

آیه [۱]

از غروب شرعی. الله نوری:

آیه [۲]

یا از نصف شب تا طلوع فجر. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت:

تا مابعد نصف شب (مناسک شیخ، ص ۸۳)

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: می

تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب و یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در

آنجا بماند.

آیه الله خامنه ای: می

تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب و یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در آنجا بماند. (مناسک حج،

م ۳۷۹)

آیه الله زنجانی: در

شب یازدهم، حاجی مخیر است بین «بیتوته نیمه اول شب» و بین «اصباح» یعنی باید از غروب شب یازدهم

تا نیمه شب در منی به سر برد و یا اینکه هنگام طلوع فجر، در منی حضور داشته باشد و در شب دوازدهم و همچنین شب

سیزدهم بر کسی که واجب است باید از غروب تا طلوع خورشید روز بعد در منی بماند.

آیه الله سبحانی: می

تواند از سر شب تا نیمه آن در منی بماند یا اینکه اگر نصف اول در منی نبوده باید به نحوی به منی برگردد

که پیش از طلوع فجر به منی بیاید تا فجر طلوع کند.

آیه الله فاضل: و
بعید نیست که بتوان به نیمه دوم شب اکتفا کرد.

آیه [۳]

کسی که در حال احرام از شکار خودداری نکرده واجب است شب سیزدهم را نیز در منی الله خوبی، آیه الله سیستانی: بماند.

آیه الله گلپایگانی: متعرض
این فرع مسأله نشده اند.

آیات [۴]

بنابر احتیاط کسی که با زن نزدیکی کرده باید شب سیزدهم را در منی بماند. عظام تبریزی، خوبی، سیستانی:
آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کسی
که از تمتع از زن ها اجتناب نکرده. (آداب و احکام حج، م ۹۲۴).

آیه [۵]

بنابر احتیاط. الله اردبیلی:

آیه [۶]

طائفه سوم و چهارم را معظمه در مناسک متعرض نشده اند. الله خامنه ای:

آیه [۷]

یعنی اگر کسی هنگام پنهان شدن قرص خورشید، در منی باشد، بلکه اگر حوالی غروب که خورشید، زرد رنگ الله زنجانی:
است در منی باشد باید آن شب را تا طلوع خورشید در منی بماند.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: که
در این صورت باید تا طلوع فجر در منی باشد.

آیه [۸]

اول: کسانی که نتوانند بیتوته کنند. دوم: کسانی که بیتوته بر آنها مشقت شدید داشته باشد. سوم: کسانی الله زنجانی:
که شرعاً موظفند آن شب را در خارج منی به سر ببرد مانند طبیب یا پرستاری که باید در بیمارستان مکه باشد و مأمورینی که
باید در خارج منی به تأمین نیازهای حجاج بپردازند. چهارم: کسانی که شب یازدهم برای اعمال واجب مکه، به مکه می روند،
پس اگر انجام اعمال مکه و مقدمات آن تمام شب را فرا گرفت بیتوته را ترک می کنند و الا باید هنگام طلوع فجر در منی حضور
یابند، مگر در صورتی که بعد از غروب از منی خارج شده و پس از اعمال مکه به سوی منی بازگشته اند، چنین افرادی پس از
اینکه از محدوده مکه قدیم خارج شدند می توانند ولو بدون عذر- در بین راه بیتوته کنند، ترک بیتوته در مورد اول و دوم، کفاره
دارد و در مورد سوم و چهارم کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی:
معمولاً به جز مورد اول و پنجم امروزه بسیار به ندرت ممکن است مورد ابتلا باشد.

آیه [۹]

و احتیاط آن است که اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر، مثل بیماری و الله صافی، آیه الله گلپایگانی:
پرستار بودن ترک کرد، یک گوسفند ذبح نماید هر چند گناه نکرده (مناسک فارسی، مسأله ۲۱۴).

آیه [۱۰]

کسی که در صورت بیتوته نمودن در منی بر جان یا مال یا آبروی خود بترسد. الله سیستانی:

آیه [۱۱]

طائفه سوم و چهارم استثناء نشده اند. (معتمد، ج ۵، ص ۳۹۵). الله خویی:

آیه الله سبحانه، آیه الله مکارم:
به طوري که ترک آن موجب ضرر یا زحمت شدید باشد.

آیه الله سیستانی:
طایفه سوم و چهارم مستثني نیستند مگر اینکه داخل در طایفه اول باشند.

آیه الله.
در استثنای این طایفه تأمل است. تبریزی:

آیه الله خویی: متعرض
این قسم نشده اند.

آیه الله مکارم:
یا متکفل سایر کارهای لازم برای حجاج هستند.

آیه الله.
به نسک حج؛ از قبیل طواف و سعی علی الأوط والا رجوع به منی نماید و مشغول به سایر عبادات نشود مگر در بهجت:
صورت خروج از منی بعد از نصف شب علی الأوط، و از امور ضروریه مذکوره، نوم غالب است (مناسک شیخ، ص ۸۳).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسی
که در مکه تمام شب و یا باقیمانده از شب، اگر بعد از دخول در شب از منی خارج شده و
مشغول به عبادت بوده، بهجت حاجت ضروری؛ مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر و امثال آنها کار دیگری نداشته.

آیه الله زنجانی: و
به اعمال مکه (= طواف حج و سعی و طواف نساء) مشغول باشند و انجام عبادات مستحب مانند طواف و دعا
و نگاه به کعبه مجوز ترک بیتوته نمی باشد.

آیه الله سیستانی: کسی
که از منی، اول شب یا پیش از آن، بیرون رفته و در مکه در تمام مدت نیمه دوم شب تا طلوع فجر، بهجت
اندک زمانی که برای حوائج ضروری مانند خوردن و آشامیدن و امثال آن لازم است، مشغول به عبادت شده و اشتغال به آن، او
را از برگشتن به منی بازداشته است.

آیه الله.

و همچنین کسانی که بخشی از اول شب را در منی باشند، می توانند قبل از نصف شب به مکه بیایند و تاردیلی: صبح در مکه به عبادت مشغول باشند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: این

طایفه را نیز از وجوب بیتوته استثنا کرده اند و آن این است: کسی که طواف خانه خدا را نموده و به عبادت خود باقی مانده و سپس از مکه خارج شده و از عقبه مدنیین گذشته باشد، چنین شخصی می تواند در راه بیتوته کند و به منی نیاید.

آیه الله سبحانی: و

احتیاط مستحب این است که عبادت خود را به طواف و نماز طواف اختصاص دهند.

آیه الله سیستانی:

طایفه دیگر کسی است که از مکه به قصد منی خارج شده و از عقبه مدنیین گذشته باشد که در این صورت می تواند در راه پیش از رسیدن به منی بخوابد ولی اگر منزل او بعد از عقبه مدنیین باشد نمی تواند در منزلش بخوابد.

آیه الله.

یعنی کسی که نزدیکی با زن اجتناب نکرده باید شب سیزدهم تا طلوع خورشید بماند. زنجانی:

آیه ۱۶]

بنابر احتیاط. الله تبریزی:

آیه الله.

نصف اول یا نصف دوم فرق نمی کند. مکارم:

آیه الله.

و یا از نصف شب تا طلوع فجر. اردبیلی:

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه مسأله ۱۲۲۰ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: و

اکتفا کردن به نیمه دوّم شب هم بعید به نظر نمی رسد.

نظریه سایر آیات عظام در ذیل مسأله ۱۲۲۰ گذشت.

آیه ۱۹.

باید به منی برگردد و تا طلوع خورشید بماند، ولی در مورد شب یازدهم کافی است که طلوع فجر را در منی الله زنجانی: درکند.

آیه الله.

بلکه اظهر آن است. اردبیلی:

آیه الله بهجت:

اگر حاجی ساعتی از اوایل شب بیتوته در منی را درک نکند کفاره ندارد و احتیاطاً قسمت دوّم را در منی بماند. (پرسش های جدید حج، ص ۲۹ س ۱۱۹).

آیه الله خامنه ای: واجب

است. (مناسک حج، م ۳۷۹)

آیه الله سیستانی: ترک

نیمه اول؛ چه با عذر باشد چه بی عذر، بیتوته نیمه دوّم را باید درکند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب

است برگردد و در صورتی که بدون عذر قسمتی از اول شب را در منی نبوده احتیاط در پرداخت کفاره ترک نشود. (آداب و احکام حج، م ۹۳۸)

آیه الله فاضل: واجب

است.

. مراجعه شود به مسأله ۱۲۲۰ و ۱۲۲۴ [۲۱]

آیه الله سبحانی:

اگر از اول شب در منی نبوده باید به نحوی به منی برگردد که پیش از طلوع فجر در منی باشد.

آیه الله فاضل:

بیتوته شب در منی، نسبت به نیمه اول یا دوم شب واجب تخییری است، لذا اگر از روی عذر هم نیمه اول شب در منی نباشد، باید نیمه دوم را در منی بیتوته کند.

آیه الله.

بنابر احتیاط نیمه اول شب را از اول غروب شرعی تا طلوع آفتاب و نیمه دوم را از غروب آفتاب تا طلوع فجراردبیلی: محاسبه کند.

آیه الله.

تا طلوع فجر. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۵) خامنه ای:

آیه الله.

نیمه شب از اول غروب آفتاب تا طلوع صبح حساب می شود. بهجت، آیه الله مکارم:

آیه الله تبریزی: نصف

شب در مسأله مبیت در منی، نصف از غروب تا طلوع فجر است، گرچه احتیاط برای کسی که نصف اول شب را بیتوته می کند آن است که نصف از غروب تا طلوع آفتاب را در منی بماند.

آیه الله زنجانی: برای

بیتوته نیمه اول شب، راه احتیاط در این است که شب تا طلوع آفتاب حساب شود و برای بازگشتن قبل از [نیمه شب به منی، احتیاط در این است که شب تا طلوع فجر حساب شود.

آیه الله سبحانی: آیه الله سیستانی: نیمه [

شب در منی از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب می شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: از

مغرب تا طلوع فجر حساب کنند (آداب و احکام حج، مسأله ۹۳۶).

آیه الله فاضل: نیمه

شب در منی از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب می شود، بلی اگر بخواهد نیمه دوّم شب را بیتوته کند
اولی این است که آن را تا طلوع آفتاب حساب کند.

آیه الله:

معیار در بیتوته، از غروب آفتاب تا طلوع فجر است و نیمه شب، ما بین غروب آفتاب و طلوع فجر می باشد. خویی:
(المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۶۳).

آیه الله:

بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند. سیستانی:

آیات عظام

کسی که طواف خانه خدا را نموده و در عبادت خود باقی مانده سپس از مکه بیرون رفته و از بهجت، تبریزی، خویی:
عقبه مدنیین گذشته باشد، چنین شخصی می تواند در راه بیتوته نماید و لازم نیست خود را به منی برساند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

بنابر احتیاط در مکه قدیمه بماند.

آیه الله زنجانی: همچنان

که برای انجام عبادات مستحب در مکه مانند طواف مستحب و نماز و قرائت قرآن و دعا- نمی تواند
بیتوته را ترک کند و اگر ترک کند باید یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله سیستانی: نظریه

ایشان در مسأله ۱۲۲۲ ذیل طایفه پنجم گذشت.

آیه الله.

برای شبی که بیتوته کند برای غیر عبادت در مکه یا در راه قبل از تجاوز از حدود مکه که آخرش عقبة المذنبین بهجت:
باشد علی الأظهر (مناسک شیخ، ص ۸۳).

آیه الله سبحانی: کسی

که عمداً بیتوته در منی را ترک کند باید برای شب اول یک گوسفند قربانی کند و اگر شب دوم و سوم هم
عمداً نبود به احتیاط واجب برای هر کدام یک گوسفند قربانی کند اما سه دسته دیگر که عامد نیستند در مکه هم مشغول عبادت
نمیستند که عبارتند از:

الف) بیماران و پرستاران آنها. ب) کسانی که می ترستند بر اثر بیتوته در منی مال مهمی را در مکه از دست بدهند. ج) کسانی
که برای تدارک نیازهای ضروری حجاج ناچارند در مکه بمانند. این سه دسته اگر بیتوته را ترک کردند برای هر شب به احتیاط واجب
یک گوسفند قربانی کنند.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیه الله.

بنابر احتیاط واجب. (مناسک شیخ، م ۳۸۰). خامنه ای:

آیه الله سبحانی: در

صورت جهل و نسیان کفاره ندارد.

آیه الله.

بنابر احتیاط واجب در همه صور. مکارم:

آیه الله.

ثبوت کفاره در جاهل و ناسی و معذور مبنی بر احتیاط است. فاضل:

آیه الله.

این حکم در جهل و نسیان و معذور مبني بر احتیاط است. اردبیلی:

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: احتیاط

این است که در صورت فراموشی و یا ندانستن

حکم نیز یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله خامنه ای: و

یا معذور و یا غیر معذور (مناسک حج، م ۳۸۰)

آیه الله |

برای ترک بیتوته، قربانی واجب است مگر در چند مورد: الف) کسانی که برای انجام اعمال واجب مکه، بیتوته رازنجانی: ترک کرده اند ب) کسانی که از بیتوته عاجزند ج) کسانی که شرعاً موظفند خارج منی باشند د) کسانی که در منی بوده ولی در این ماندن قصد قربت یا قصد انجام مناسک حج نداشته اند.

آیه الله.

به حاشیه مسأله ۱۲۲۲ مراجعه شود. خویی، آیه الله زنجانی:

آیات عظام.

بنابر احتیاط باید کفاره بدهد. بهجت، خویی، صافی، گلپایگانی:

آیه الله تبریزی:

بنابر احتیاط، بر معذور و شبان و متکفل آب. و نسبت به بقیه طوایفی که بر آنها واجب نیست، در صورت ترک کفاره لازم نیست.

آیه الله سبحانی:

□ بر طائفه پنجم کفاره نیست و ثبوت کفاره بر چهار طائفه دیگر مبني بر احتیاط است.

آیه الله سیستانی: احتیاط [

واجب آن است که دسته اول و دوم کفاره بدهند اما دسته چهارم و پنجم و دسته دیگری که در مسأله ۱۲۲۲ ذکر شد بر آنها کفاره ای نیست.

آیه الله.

به احتیاط واجب در هر چهار طایفه. اردبیلی:

آیه الله.

ظاهر علما عدم وجوب فدیة گوسفند است بر طایفه سوم و چهارم (مناسک شیخ، ص ۸۳). بهجت:

آیه الله.

به حاشیه مسأله ۱۲۲۲ مراجعه شود. خامنه ای:

آیه الله.

باید شرایط هدی را داشته باشد. زنجانی:

آیه الله.

هر چند احتیاط این است که آن شرایط در کفاره نیز مراعات شود. بهجت:

آیه الله.

این احتیاط ترک نشود. بهجت:

آیه الله سبحانی: محل

خاصی برای ذبح این کفارہ ذکر نشده است و آن چه در روایات است مربوط به اخلال به محرمات احرام است نه کفارہ ترک هر واجب.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.

آیات عظام

کفارہ ای که بر محرم، برای غیر از شکار، واجب شده است، اظهر این است که می تواند کشتنش بهجت، تبریزی، خویی: را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد و بهتر این است که کفارہ را در حج خود بکشد.

آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب باید در منی قربانی کند. (اجوبة الاستفتاءات في الحج، س ۱۲۱)

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید در منی قربانی کند و اگر نکرد بنابر اظهر هر جا که قربانی نماید مجزی است.

آیه الله: چنانکه بیتوته در منی را در نیمه دوم شب هم ترک کند. فاضل:

آیه الله

کسی که برای انجام اعمال به مکه آمده و نتوانسته خود را تا گذشت قسمتی از شب به منی صافی، آیه الله گلپایگانی: برساند، بر او کفارہ واجب نیست، اگرچه بعد از نیمه شب به منی رسیده باشد. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۳۰). و در مسأله ۹۳۸ آداب حج می فرمایند: در صورت عذر کفارہ واجب نیست.

آیه الله

در صورتی که نیمه دوم شب را در منی نباشند. اردبیلی:

آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی:
به ذیل مسأله ۱۲۲۵ مراجعه شود.

آیه الله خامنه ای:
مگر آن که نیمه دوم شب را کاملاً در منا باشد. (مناسک حج، م ۳۷۹)

آیه الله زنجانی:
مگر از مواردی باشند که در مسأله ۱۲۳۱ گفته شد یا اگر شب یازدهم است طلوع فجر را در منی در کرده باشند.

آیه الله مکارم: کافی
است نصف اول یا نصف دوم شب را بماند.

آیه الله:
ولی در مواردی جایز است خارج شوند که در حاشیه مسأله بعد خواهد آمد. سیستانی:

آیه الله:
ولی باید طلوع خورشید در منی بمانند. زنجانی:

مسائل متفرقه بیتوته به منی

[۱۲۳۷] م - اگر حاجی صبح دوازده [۲] برای ثقر، بعدازظهر به منی برگردد گرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست. [۱]

[۱۲۳۸] م - در کوچ کردن بعدازظهر روز دوازدهم، زن ها هم حکم مردان را دارند. بنابراین، اگر با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم [۴] قبل از ظهر از منی کوچ کنند مگر از ماندن تا بعدازظهر معذور باشند. [۳] رمی کردند نمی توانند

[۱۲۳۹] م - کسانی که در زمین های متصل به منی، که از منی نیست، در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می کنند باید کفاره بدهند و برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند هرچند اعتقاد پیدا کرده باشند که آنجا از منی است یا به گفته اشخاص [۵] محلی، مطمئن شده باشند.

[۱۲۴۰] م - اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کرده، واجب نیست و رمی روز سیزدهم بر او واجب نمی شود. [۶] شب را بماند

آیه [۱]

بنابر احتیاط برگردد. الله بهجت آیه الله مکارم:

آیه الله تبریزی، آیه الله گلپایگانی: باید برگردد برای تحقق نفر بعدازظهر.

آیه الله خویی:

اگر می تواند قبل از ظهر به منی بیاید تا بعدازظهر برگردد واجب است وگرنه بر او چیزی نیست. (استفتائات، ص ۲۶۰، س ۷۸۰).

آیه الله سبحانی:

اگر فردی برای اعمال مکه یا کارهای دیگر روز دوازدهم به مکه بیاید باید در صورت امکان قبل از ظهر و در غیر آن صورت بعد از ظهر به منی برگردد تا فریضه نفر و کوچ کردن بعد از ظهر انجام دهد خصوصاً افرادی که نائب هستند به نیت این فریضه نیز مدیون هستند مگر در صورت اضطرار.

آیه الله فاضل:

بنابر احتیاط واجب باید برای نفر....

آیه ۲.

حاجي مي تواند اثاثيه و وسائل خود را در مني گذاشته قبل از ظهر دوازدهم به طور موقت از مني خارج شود الله زنجاني: لکن باید به مني برگردد تا بعد از ظهر یا روز بعد کوچ کند و بدون عذر جایز نیست وسایل خود را جمع کرده پیش از ظهر از مني کوچ کند، هر چند اگر کوچ کرد لازم نیست برگردد.

آیه الله سیستانی: اگر

در مني متعلقاتی از قبیل رحل و اثاث به جا گذارد که مستلزم برگشتن باشد، می تواند پس از رمي و پیش از ظهر از مني بیرون رود و در این صورت باید به مني برگردد؛ چه پیش از ظهر و چه بعد از ظهر و قبل از غروب یا روز بعد کوچ کند و اگر متعلقاتی ندارد بنابر احتیاط جایز نیست پیش از ظهر خارج شود گرچه نیت برگشتن داشته باشد و اگر خارج شد به احتیاط واجب باید برای نفر باز گردد چه پیش از ظهر چه بعد از آن.

آیه ۳.

شبان ها و کسانی که نمی توانند در مني توقف نمایند به سبب خوف یا مرض یا امثال آن، می توانند رمي الله سیستانی: جمرات سه گانه را در شب یازدهم و شب دوازدهم انجام دهند و اینان می توانند پس از رمي شبانه کوچ کنند اما زنان نمی توانند بهجز رمي جمره عقبه در شب عید رمي جمرات را در شب انجام دهند بلکه در روز اگر می توانند خودشان انجام دهند و اگر نمی توانند نایب بگیرند و در هر صورت نباید قبل از ظهر از مني کوچ کنند مگر اینکه کوچ کردن بعد از ظهر بر آنها حرجی باشد که در این صورت اگر بیتوته شب سیزدهم برای آنها ممکن باشد و حرجی نباشد باید بمانند و اگر میسر نیست، نفر پیش از ظهر جایز است.

آیه الله سبحانی: خائف

و مریض که در شب رمي می کنند می توانند قبل از ظهر کوچ کنند و در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست ولی اگر جزء این دو دسته حساب نمی شوند چه زن و چه مرد باید بعد از ظهر دوازدهم کوچ کنند موارد دیگری نیز استثناء شده که مبتلا به نیست.

آیه ۴.

البته اگر پیش از طلوع آفتاب از مني خارج شوند، مانع ندارد و لازم نیست برای نفر بعد از ظهر به مني باز الله اردبیلی: گردند.

آیه ۵.

بنابر احتیاط. الله اردبیلی:

آیات عظام بهجت، سبحانی، مکارم:
بنابر احتیاط واجب.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: در
ناسی و جاهل و معذور وجوب کفارہ مبني بر احتیاط است. (مناسک، مسأله
۴۳۴). □

آیه الله خامنه اي: بنابر [
احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۳۸۰)

آیه الله زنجانی: ولي
اگر مني گنجایش حجاج را نداشته باشد، مي توانند در وادي محسّر، بیتوته کنند و کفارہ هم ندارد.

آیه الله صافي، آیه الله گلپایگانی: در
صورت فراموشي يا ندانستن مسأله، کفارہ مبني بر احتیاط است.

آیه ۶].

و نیز کسی که بعد از ظهر دوازدهم کوچ کند و قبل از غروب برای کاری به مني برگردد و تا غروب بماند واجب الله فاضل:
نیست شب سیزدهم را بماند و همچنین رمي روز سیزدهم بر او واجب نیست.

استفتائات بیتوته در منی

[۱۲۴۱] س - بیتوته در منی اگر در غیر منی انجام شود چه صورت دارد و آیا اشخاص جاهل به موضوع معذورند یا خیر؟

ج - باید

[۱] قربانی کنند و فرقی بین عالم و جاهل نیست.

[۱۲۴۲] س - کسانی که مقداری از اول شب، با عذر یا بدون عذر، در خارج منی بودند یا قبل از نصف شب خارج شدند، در مناسک احتیاط استحبابی است نسبت به کفاره و در تحریر احتیاط وجوبی، آیا کفاره واجب است یا خیر؟

ج - این

[۲] احتیاط وجوبی است و ترک نشود.

[۱۲۴۳] س - فرموده اید کسی که بدون عذر نصف اول شب را در منی نبود، واجب است نصف دوم را در منی بماند، آیا کفاره ترک مَبیت را نیز باید بدهد؟

ج - باید

[۳] کفاره هم بدهد.

[۱۲۴۴] س - کسی که در شب یازدهم و دوازدهم باید در منی باشد یا در مسجدالحرام مشغول عبادت گردد، در مسجدالحرام مشغول عبادت می شود، ولی در بین آن از خستگی مرتب چرت می زند و بیدار می شود، وظیفه او چیست؟ و سؤال دیگر در این رابطه که اخیراً پشتیبانی وسیع برای مسجدالحرام (زادهاالله شرفاً) درست کرده اند، آیا شب هایی که باید یا در منی بماند و یا در مسجدالحرام مشغول عبادت باشد، ماندن در آنجا و عبادت کردن کافی است یا نه؟

ج -

نمی کند که تمام شب مشغول به عبادت بوده، کافی نیست و باید کفاره بدهد و [۴] اگر به قدری خواب می رود که صدق [۵] عبادت در هر جای مکه کافی است.

[۱۲۴۵] س - اینجانب شغلم حملهداری است، چندین سال قبل جایی را که یقین داشتم جزو منی است با حاجی ها بیتوته نموده ام و سال های بعد فهمیدم و برایم یقین حاصل شد جایی که سال های قبل بیتوته نموده ایم خارج از منی است آیا کفاره بر اینجانب و همه حجاج واجب است یا نه؟ و در صورتی که کفاره واجب باشد، آیا کفاره حجاج بر عهده خودشان است یا بر عهده من؟ و آیا ابلاغ به حجاج واجب است یا نه؟ و اگر بعضی از آنان مرده باشند یا دسترسی به آنان نباشد، تکلیف چیست؟

ج - كفاره

و كفاره ديگران بر شما واجب نيست و لازم نيست به آنان اعلام نماييد و [۶] ترك بيتوته خود شما بر شما واجب است اگر فهميدند كفاره بر خود آنان واجب است، ولي اگر اجرتعمل صحيح و عملي كه انجام شده تفاوتى دارد، نسبت به تفاوت بايد رضايت حجاج تحصيل شود.

[۱۲۴۶] س - علامت گذاري حدود مني در سال هاي قبل، با علامت گذاري الان، كه به وسيله حكومت انجام گرفته فرق مي كند، و اينجانب كه شغلم حمله داري است، در سال هاي قبل با حجاج در قطعهميني بيتوته کرده ايم كه اگر تعيين فعلي حكومت صحيح باشد، بيتوته ما در خارج از مني بوده، و اگر تعيين قبلي صحيح باشد كه ما يقين به آن داريم طبق علميت قبلي و نظر پيروان اهل مكه بيتوته ما صحيح است، حال بنابر اينكه تعيين حكومت صحيح باشد، آيا تكليف ما نسبت به بيتوته سال هاي قبل چيست؟ و در صورت وجوب كفاره آيا ابلاغ به همه حجاج لازم است يا نه؟ و آيا با توجه به اينكه در فرض مسأله بيتوته ترك نشده بلكه اشتباه در مصداق بوده است، نسبت به حجاج ضامن مي باشم يا نه؟

ج -

اگر در محلي بيتوته کرده ايد كه يقين به مني بودن آن داشته ايد تا يقين پيدا نكنيد كه خارج مني بوده، قرباني لازم [۷] نيست، و در اين صورت ابلاغ و اعلام لازم نيست.

[۱۲۴۷] س - آيا كساني كه عذر دارند از رمي در روز، مي توانند شب دوازدهم براي روز دوازدهم رمي كنند و از مني به مكه بيابند و ديگر برنگردند به مني يا بايد صبر كنند و بعدازظهر با مردم كوچ كنند؟

[۸] - مي

[۹] توانند بعد از مبيت واجب خارج شوند و لازم نيست صبر كنند.

مي توانند شب دوازدهم رمي جمره نموده به مكه رفته و ديگر به مني برنگردند؛ و حضرتعالي جواب فرموده ايد در [۱۰] صورت عذر اشكال ندارد، ولي قبل از نصف شب نبايد بيرون بروند. با توجه به مسأله فوق اين سؤال مطرح مي شود كه آيا خدمه كاروان ها نيز براي پذيرايي از اين قبيل زائرين مي توانند به همراه آنان در شب رمي نموده و به مكه بروند و براي وقوف تا وقت شرعي روز دوازدهم ديگر به مني برنگردند؟

ج - وقوف

و اشخاص ذكر شده مي توانند بعد [۱۱] در روز دوازدهم واجب نيست و آنچه واجب است كوچ نكردن قبل از زوال است و اگر قبل از ظهر آمدند بعدازظهر بيرون [۱۲] از نصف شب از مني بروند و روز دوازدهم براي رمي به مني برگردند ولو بعدازظهر بروند. و رمي شب براي آنها كافي نيست.

[۱۲۴۹] س - حاجي شب دوازدهم، بعد از نصف شب، از مني خارج و به مكه مي رود، روز بعد براي رمي به مني مي آيد، آيا لازم است كه قبل از ظهر به مني بيايد يا چون وظيفه اي غير از رمي ندارد بعدازظهر هم مي تواند بيايد؟

[۱۳] -

بيايد، هرچند اگر قبل از ظهر بيايد نمي تواند قبل از ظهر كوچ كند. [۱۴] لازم نيست قبل از ظهر به مني

[۱۲۵۰] س - مدیر کاروانی زن ها را قبل از ظهر دوازدهم از منی خارج نمود، وظیفه آنان که از مسأله اطلاع نداشتند و یا اگر متوجه مسأله بودند نمی توانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در منی بمانند چیست؟

ج -

با فرض اینکه عذر داشته اند مانع ندارد.

[۱۲۵۱] س - مقدار شب برای کسی که در مکه بهجای بیتوته در منی به عبادت مشغول می شود، چقدر است؟ از مغرب تا طلوع فجر است یا تا طلوع آفتاب؟

ج -

[۱۵] تا طلوع فجر حساب می شود.

[۱۲۵۲] س - بعد از اعمال ثلاثه روز عید، می خواهد برای طواف ها به مکه برود، ولی می داند که اگر به مکه برود سه ساعت از مَبیت اول شب را درک نمی کند، آیا برود یا نه؟ و اگر رفت کفاره دارد یا خیر؟

ج - رفتن

[۱۶] از منی به مکه - در فرض مرقوم - مانع ندارد، ولی برای تأخیر باید کفاره بدهد.

[۱].مراجعه شود به مسأله ۱۲۳۹.

آیه الله اردبیلی: وجوب قربانی در جاهل به موضوع بنابر احتیاط است.

آیه الله خامنه ای:

بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۳۸۰)

[۲].مراجعه شود به مسأله ۱۲۲۰ و ۱۲۳۵.

آیه الله بهجت:

اگر حاجی ساعتی از اوایل شب بیتوته در منی را درک نکند کفاره ندارد ولی احتیاطاً قسمت دوم شب را در [منی بماند.

آیه الله خامنه ای: اگر [

در نصف دوم بیتوته کند وظیفه خود را انجام داده و کفاره ندارد. (مناسک حج، م ۳۷۹)

آیه الله سبحانی:

به حاشیه مسأله ۱۲۲۵ مراجعه شود همچنین در سؤال بعدی.

آیه الله فاضل:

اگر نصف اول شب یا نصف دوّم شب را بماند کافي است و کفاره لازم نمی شود. بلي اگر مقداري از اوّل شب را در خارج مني بود و مقداري هم از نیمه دوّم شب را در خارج بود کفاره در غیر از جاهل و ناسي و معذور واجب است و در این افراد بنابر احتیاط لازم است.

. مانند سؤال قبل است. [۳]

آیه الله اردبيلي: کفاره لازم نیست.

آیه الله خامنه اي، آیه الله زنجاني:
به حاشیه مسأله ۱۲۲۰ و ۱۲۳۱ مراجعه شود.

آیات عظام سيستاني، فاضل، مکارم:
اگر در نصف دوم بیتوته کند وظیفه خود را انجام داده و کفاره ندارد.

آیه الله سبحاني: چنانچه
قبل از طلوع فجر در مني حاضر شود و اصباح نماید کافي است و کفاره ندارد.

آیه [۴]

کسي که در مکه تمام شب مشغول به عبادت بوده، به جز حاجت ضروري؛ مانند خوردن و آشامیدن و نوم غالب الله بهجت:
و تطهیر و امثال آنها، کار دیگری نداشته و مراد از عبادت طواف و سعی است علي الأحوط. (مناسک، ص ۱۵۰).

آیه الله سيستاني: بلکه
اگر خواب برود هر چند براي مدت کوتاهی باشد، بنابر احتیاط واجب کفاره دارد و آنچه معتبر است عبادت در نصف دوّم شب است.

آیه [۵]

به حاشیه مسأله ۱۲۲۲ و ۱۲۲۸ مراجعه شود. الله زنجاني:

. مراجعه شود به مسأله ۱۲۳۹. [۶]

آیات عظام اردبیلی، تبریزی، سبحانی:
بنابر احتیاط.

آیه الله خامنه ای:
بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۳۸۰)

آیه الله مکارم:
بنابر احتیاط واجب و اعلام به دیگران، لازم نیست، اما اگر آنها باخبر شوند و کفاره بدهند باید شما آنها را راضی کنید ضمناً دامنه های کوه های اطراف منی جزو منی است.

آیات [۷]

بلکه همان گونه که در مسأله قبل گذشت، در غیر این صورت نیز اعلام لازم نیست. عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی:

آیه [۸]

باید شب قبل، رمی کنند و تا طلوع آفتاب، بیتوته کنند و بعد از ظهر با مردم کوچ کنند؛ مگر در ترک این کارها الله زنجانی: هم معذور باشند.

. به مسأله ۱۲۳۷ و ۱۲۳۸ مراجعه شود. [۹]

آیه الله اردبیلی:
اگر قبل از طلوع آفتاب خارج شوند اشکال ندارد، و لازم نیست تا بعد از ظهر فردا صبر کنند.

آیه الله بهجت: لازم
است برای تفر بعد از ظهر به منی برگردد علی الأحوط. (مناسک، مسأله ۲۴۳).

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: در صورتی که از رمی در روز و ماندن تا بعد از ظهر دوازدهم عذر داشته باشد، والا باید صبر کنند و

بعد از ظهر با مردم کوچ نمایند.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب صبر کردن است.

آیه ۱۰.

از رمی در روز دوازدهم و ماندن تا بعد از ظهر. الله فاضل:

آیه ۱۱.

و اگر همراهی خدمه، لازم است می توانند همراه معذورین از منی بروند و روز دوازدهم برای رمی برگردند. الله زنجان:

آیه الله.

بنابر احتیاط قبل از ظهر برگردند. سبحانی، آیه الله فاضل:

آیه الله.

باید در منی می ماند ولی حالا که کوچ کرده لازم نیست قبل از ظهر به منی برگردد. زنجان:

آیه الله سبحانی: در

صورت امکان باید قبل از ظهر به منی برگردد تا فریضه نفر و کوچ کردن را در بعد از ظهر انجام دهد خصوصاً افرادی که در حج نائب هستند به نیت این فریضه مدیون می باشند مگر در صورت اضطرار.

آیه الله.

بنابر احتیاط، لازم است قبل از ظهر بیاید. فاضل:

آیه الله

به حاشیه مسأله ۱۲۲۲ و ۱۲۲۸ مراجعه شود. زنجانی:

آیه الله سیستانی: از

غروب آفتاب است تا طلوع فجر.

. مراجعه به مسأله ۱۲۲۰ و ۱۲۳۵ بیتوته در منی شود. [۱۶]

آیه الله اردبیلی:

اگر قبل از نصف شب برگردد و تا طلوع فجر در منی بماند، کفاره ندارد.

آیه الله بهجت:

اگر حاجی ساعتی از اوایل شب بیتوته در منی را درک نکند، کفاره ندارد ولی احتیاطاً قسمت دوم شب را در منی بماند.

آیه الله خامنه ای:

اگر در نصف دوم بیتوته کند وظیفه خود را انجام داده و کفاره ندارد. (مناسک حج، م ۳۷۹)

آیه الله زنجانی: و

کفاره هم ندارد.

آیه الله سبحانی: ولی

باید به نحوی به منی برگردد که پیش از طلوع فجر در منی باشد تا فجر طلوع کند.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: همانطور

که گفته شد، بیتوته نصف دوم شب کافی است و کفاره ندارد.

فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه

[۱۲۵۳] م - شب هایی که واجب است در منی بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه گانه کند؛ یعنی سنگریزه بزند به سه محل، که یکی را جمره اولی و یکی را جمره وسطی و یکی را جمره عقبه گویند، ولی اگر عمد^۱ همه آن را ترک کند، به حج و صحیح است، گرچه در صورت عمد معصیت کار است. [۱] و ضرر نمی رساند

[۱۲۵۴] م - اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند [۲]، واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند. [۳]

[۱۲۵۵] م - عدد سنگریزه که باید به جمره بزند، برای هر یک در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمره عقبه گفته شد.

[۱۲۵۶] م - وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است و در شب جایز نیست به جا آورد.

[۱۲۵۷] م - اگر کسی عذری داشته باشد از اینکه روز به جا آورد [۴]؛ مثل شبان و مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از انجام دهد. [۵] چیزی مثل تراحم جمعیت، جایز است شب آن روز یا شب بعد

[۱۲۵۸] م - واجب است ترتیب در سنگ انداختن به اینکه: اول به جمره اولی و بعد از آن به جمره وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بیندازد.

[۱۲۵۹] م - اگر به ترتیبی که گفته شد به جا نیاورد، باید دوباره آنچه که برخلاف ترتیب کرده به جا آورد، بهطوری که ترتیب حاصل شود، مثلاً اگر اول به جمره وسطی انداخت و بعد به جمره اولی کفایت می کند که جمره وسطی را دوباره به جا آورد و بعد جمره عقبه را و اعاده جمره اولی لازم نیست.

[۱۲۶۰] م - در حکمی که در مسأله قبل ذکر شد، فرق نیست میان آنکه از روی علم و عمد خلاف ترتیب کند یا از روی سهو و نسیان یا از روی ندانستن مسأله، در هر صورت باید اعاده کند.

[۱۲۶۱] م - اگر کسی چهار سنگ به جمره اولی بیندازد و آن را رها کند و مشغول جمره بعدی بشود کافی است و لازم نیست تمام هفت سنگ مقدم

باشد پس می تواند چهار سنگ به جمره اولی بزند و بعد چهار سنگ به جمره وسطی و بعد مشغول جمره عقبه شود و به هر ترتیب می خواهد هفت سنگ جمره عقبه و سه سنگ آن دو تایی دیگری را بیندازد

[۶]، لیکن احتیاط

[۸] از برای کسی که از روی علم و عمد این کار را کرده، اعاده است. [۷] واجب

۱۲۶۲ م - اگر کسی فراموش کند در یکی از روزها رمی کند واجب است روز بعد آن را قضا کند و اگر دو روز را فراموش کرد باید [۱۰] کرده باشد. [۹] در روز بعد هر دو را قضا کند و همچنین است اگر از روی عمد ترک

، پس در روز یازدهم اگر بخواهد قضای روز عید را به جا بیاورد، اول قضای عید را [۱۲] است قضا را مقدم بدارد بر ادا [۱۱] به جا آورد و بعد رمی روز یازدهم را که ادا است و همچنین باید قضای روز جلو را مقدم بدارد بر قضای روز بعد، پس اگر در روز سیزدهم مثلاً بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را به جا آورد باید به ترتیب از قضای روز عید شروع و به روز سیزدهم ختم کند که ادا است.

۱۲۶۴ م - چنانچه قضای رمی جمرات سهگانه واجب است، قضای رمی بعضی از آنها هم، اگر ترک شده باشد، واجب است. پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد و دوتایی دیگر را نکرد روز بعد باید آن را که نکرده اتیان کند و بعد تکلیف این [۱۳] روز را به جا آورد.

۱۲۶۵ م - اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب انداخته، باید قضا کند؛ به طوری که ترتیب حاصل شود و [۱۴] بعد وظیفه این روز را به جا آورد.

۱۲۶۶ م - اگر به هریک از جمرات یا بعضی آنها چهار سنگ انداخته باشد و در روز بعد یادش بیاید احتیاط واجب آن است که [۱۵] بقیه روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه روز را به جا آورد.

۱۲۶۷ م - اگر کسی فراموش کند رمی جمرات سهگانه را و خارج شود از منی و به مکه بیاید، پس اگر در ایام تشریق یادش آمد [۱۶]، باید برگردد و به جا آورد و اگر متمکن نیست باید نایب بگیرد و اگر بعد از ایام تشریق یادش بیاید یا عمدتاً تعویق بیندازد و در سال دیگر هم در ایامی که فوت [۱۷] تا بعد، احتیاط واجب آن است که خودش یا نایبش از مکه برگردد و به جا آورد [۱۸] شده است خودش یا نایبش قضا کند.

۱۲۶۸ م - اگر فراموش کرد رمی جمرات را و یادش ن [۲۰] آن است که در سال دیگر قضا کند آن را، خودش یا نایبش. [۱۹]

۱۲۶۹ م - کسی که بعضی از جمرات را فراموش کند، حکمش همان است که در دو مسأله قبل ذکر شد، بلکه کسی که کمتر از [۲۱] هفت سنگ در تمام جمرات یا بعضی آن انداخت همین حکم را دارد بنابر احتیاط واجب.

۱۲۷۰ م - کسی که عذری داشته باشد از انداختن سنگ؛ مثل آنکه مریض باشد یا طفل باشد که نتواند رمی کند یا علیل باشد مثل و اگر از نایب [۲۲] آنکه دست یا پایش شکسته باشد یا از شدت بی حالی نتواند یا بیهوش باشد، باید نایبش به جا آورد دیگری از طرف او به جا آورد و احتیاط واجب آن [۲۴]، ولی او یا شخص [۲۳] گرفتن هم عاجز باشد مثل بیهوش و طفل کوچک و بهتر آن است که اگر می شود شخص معذور را ببرند و [۲۵] است که تا مأیوس نشده از اینکه خودش عمل کند، نایب عمل نکند [۲۶] در حضور او رمی کنند و اگر می شود سنگ را در دست او بگذارند و بیندازند.

۱۲۷۱ م - اگر بعد از آنکه نایب عمل را به جا آورد، عذر برطرف شد [۲۷]، آوردن خودش لازم نیست اگرچه احوط است [۲۸]

می تواند نایب [۳۰] شدن یا شخص معذور مأیوس باشد از رفع عذر، واجب است که نایب بگیرد و اگر مأیوس نیست [۲۹] بگیرد، لیکن اگر عذر رفع شد احتیاط آن است که خودش عمل کند.

۱۲۷۳ م - اگر دیگران مأیوس باشند از رفع عذر معذور، لازمه [۳۲] است و اگر نتواند اذن بدهد اذن معتبر نخواهد بود. [۳۱]

۱۲۷۴ م - اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رمی کند شک کند که به جا آورده یا نه اعتنا نکند.

۱۲۷۵ م - اگر بعد از انداختن شک کند که کیفیت آن صحیح بوده یا نه [۳۳]، اعتنا نکند.

۱۲۷۶ م - اگر در وقتی که مشغول رمی جمره عقبه است شک کند که اولی را یا دومی را یا هر دو را رمی کرده یا صحیح انجام داده [۳۴] یا نه اعتنا نکند.

۱۲۷۷ م - اگر در عدد شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر، قبل از آنکه داخل شود در رمی جمره بعدی، باید آنچه محتمل است که کسر شده بیاورد تا یقین کند هفت عدد شده، هر چند منصرف از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد بنابر [۳۵] احتیاط واجب.

۱۲۷۸ م - اگر بعد از گذشتن روزی که باید رمی کند یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رمی نکرده ظاهر^۱ جایز است اکتفا به [۳۶] قضای رمی جمره عقبه کند و احتیاط آن است که هر سه را قضا کند.

۱۲۷۹ م - اگر بعد از آنکه داخل در جمره بعدی شد شک کند در عدد قبلی، پس اگر بداند چهار سنگ از قبلی را انداخته و شک کند که بقیه را یا بعض از آنها را انداخته یا نه به احتیاط واجب بقیه را اتیان کند اگرچه بعد از اتیان جمره بعدی، و اگر در [۳۷] کمتر از چهار، شک داشته باشد تا مقدار چهار اعتناء نکند و سه سنگ دیگر را بزند.

۱۲۸۰ م - اگر بعد از انداختن به هر سه جمره یقین پیدا کند که یک سنگ یا دو سنگ یا سه سنگ از سه جمره ناقص شده [۳۸] باید هرچه را احتمال کسری داده به هر یک از سه جمره بزند.

[۱۲۸۱] م - اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه، يقين کند که يکي از آنها

را از چهار کمتر انداخته بعيد نيست [۳۹]

جواز اکتفا به کسري جمره آخري و احتياط

آن است که جمره آخري را از سر بگيرد و احتياط [۴۰]

بالتر آن است که هر سه را

از سر بگيرد.

[۱۲۸۲] م - اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز، يقين کند که يک روز را رمي نکرده و نداند کدام روز است [۴۱]، بايد هر سه روز را [۴۳] کند با مراعات ترتيب، گرچه به احتمالي اکتفاء به قضاي روز آخر جايز است. ^[۴۲] قضا

آية [۱]

علي الأشهر الأقوي. الله بهجت:

آية الله تبريزي:

با ترک رمي، اگرچه عمدي باشد، حج باطل نمي شود و بنابر احتياط بايد قضاي آن را در سال آينده خود يا نايبش انجام دهد.

آية [۲]

اگر بيتوته کردند بايد روز سيزدهم، رمي جمرات کنند. الله زنجاني:

آيات [۳]

اگر بيتوته کند واجب است بنابر احتياط روز سيزدهم رمي جمرات کند. عظام تبريزي، خويي، سيستاني:

آية [۴]

عذر، مخصوص کساني است که: الف) نمي توانند در روز رمي کنند؛ ب) رمي در روز بر آنها حرجي است؛ ج) به الله زنجاني: جهتي مانند خوف خطر جدي يا ضرر اساسي رمي در روز براي آنها جايز نيست، گروه دوم مي توانند و گروه اول و سوم بايد جمرات را در شب قبل رمي کنند و نمي توانند شب بعد رمي کنند و رمي شب قبل، بر نايب گرفتن مقدم است.

آیه ۵ [۵]

اگر در روز نمی تواند رمی کند، شب قبل رمی کند و در شب بعدی احتیاطاً رمی نکند و چنانچه نتوانست درالله اردبیلی: شب قبل نیز رمی کند و از رمی در تمام مدت آن در روز نیز عاجز است، نایب بگیرد.

آیه الله بهجت: صاحب

عذر در شب رمی می کند؛ یعنی شب مقدّم، با علم به عدم تمکن از رمی در روز، و اما شب مؤخّر با علم به تمکن از رمی قضایی در روز مؤخّر پس احوط تأخیر قضا است تا طلوع آفتاب (مناسک شیخ، ص ۸۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی: برای

چنین کسانی جایز است رمی را شب آن روز انجام دهند و این بر نیابت مقدم است.

آیه الله سیستانی: واجب

است رمی جمرات در روز باشد و از این حکم چوپانان و هر کسی که از ماندن روز در منی معذور است، به علت ترس یا مرض یا چیز دیگری، استثنا می شود، که برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهند و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند. و اما زنان، ضعفا، مریض ها و مثل آنان که در روز به خاطر کثرت جمعیت یا چیز دیگر نمی توانند رمی کنند، باید برای رمی در روز نایب بگیرند.

آیه الله گلپایگانی: برای

آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهند و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند.

آیه ۶ [۶]

اگر مخالفت ترتیب کند اعاده نماید آنچه را که در غیر مرتبه خود کرده، بلی اگر چهار سنگ بر جمره انداخت و الله بهجت: آن را ترک نمود و مشغول دیگری شد کفایت می کند در ترتیب، و سه سنگ را بعد از آن می زند، اگرچه احوط در اینجا نیز اعاده است (مناسک شیخ، ص ۸۴).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

اگر بعد از اینکه جمره سابق را چهار ریگ زد فراموش نموده و به جمره بعدی رفت، واجب اضافه می کنند که: در آیه الله تبریزی نیست رمی را تماماً اعاده کند بلکه اگر سه ریگ دیگر به جمره قبلی زد کفایت می کند. و غیر این فرض باید برگردد و به نحوی رمی کند که ترتیب حاصل شود.

آیه الله زنجانی: این

در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله است ولی اگر از روی علم و عمد، رمی جمره ای را رها کرده، باید آن جمره را بزند سپس جمرات بعدی را اعاده کند، البته رعایت ترتیب در سنگ هفتم، لازم نیست.

آیه الله سبحانی:

اگر کسی جهلاً و یا سهواً به هر کدام از جمره ها چهار سنگ پرتاب کرد باید برگردد و به هر کدام سه سنگ

پرتاب کند مثلاً اول چهارسنگ به جمره اولی سپس وسطی و سپس کبری بزند، همچنین صورت دیگر اینکه اگر به جمره اولی و وسطی چهارسنگ زد و سپس به جمره کبری هفت سنگ زد باید آن دو مورد ناقص را تکمیل کند و در تکمیل ترتیب شرط نیست ولی احتیاط مستحب در عامد این است که رمی خود را از اول به صورت کامل با رعایت ترتیب اعاده کند.

آیه الله سیستانی:

اگر چهار ریگ را به یک جمره پرتاب کرد و به علت فراموشی یا ندانستن حکم شرعی، آن را رها کرد و جمره دیگری را پس از آن رمی نمود، برای او کفایت می کند که جمره سابق را سه ریگ بزند و اعاده رمی جمره بعد لازم نیست. □

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر [

به جمره اولی چهار سنگریزه بزند و سپس از روی فراموشی جمره بعدی را هفت سنگریزه بزند، اگر کمبود اولی را جبران کند کفایت می کند. بلی اگر نقص مربوط به جمره سوّم باشد اکمال آن کافی است و لازم نیست رمی جمرات قبل را کامل کند. ولی اگر عمداً چهار سنگ به جمره اولی بزند و بعد جمره دوّم و سوّم را هریک هفت سنگ بزند احتیاط لازم آن است که رمی تمام جمرات را اعاده نماید چنانچه احوط الحاق جاهل به عالم است.

آیه الله مکارم: احتیاط

آن است که باقیمانده را نیز با ترتیب بزند.

[۷] . احتیاط مستحب... (کتاب الحج، ج ۵، ص ۴۱۲).

آیه [۸]

و اگر از روی ندانستن مسأله نیز چنین عمل کرده باشد، حکم همین است. الله اردبیلی:

آیه [۹]

با ترک رمی، اگر چه عمدي باشد حج باطل نمی شود و بنابر احتیاط باید قضای آن را در سال آینده خودش یا الله خوبی: نایبش انجام دهد. (مناسک عربی، مسأله ۴۳۷).

آیه ۱۰.

و احتیاطاً بین قضا و اداء مدتی را فاصله بیندازد. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت،

به ذیل مسأله ۱۰۰۰ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: و

همچنین جاهل به مسأله و بنابر احتیاط متعمد هم همین حکم را دارد.

آیه ۱۱.

احتیاط این است که بین ادای همان روز و قضای روز قبل فاصله گذاشته، و قضای روز قبل الله تبریزی، آیه الله خویی: را پیش از ادای همان روز به جا آورد و قضای روز قبل طرف صبح و ادای همان روز هنگام زوال باشد.

آیه الله سبحانی: احتیاط

واجب این است که قضا را مقدم بدارد بر اداء و مستحب است که بین آن دو فاصله گذاشته شود، قضای روز قبل طرف صبح و ادای همان روز هنگام ظهر باشد (کتاب الحج، ج ۵، ص ۴۱۸).

آیه الله سیستانی: و

احتیاط واجب این است که بین ادا و قضا فاصله بیندازد و اینکه قضا را بر ادا مقدم بدارد و احتیاط مستحب این است که قضا در اوّل روز و ادا هنگام ظهر باشد. (مناسک، مسأله ۴۳۴).

آیه الله مکارم: واجب

نیست بلکه افضل است مگر در صورت عمد، که احتیاط رعایت ترتیب است.

آیه الله.

و احتیاطاً بین قضا و اداء مدتی را فاصله بیندازد. اردبیلی:

آیه الله زنجانی: و

باید بین قضا و ادا و همچنین بین قضای دو روز لااقل به مقدار یک دوازدهم روزی که سنگ می زند فاصله بیندازد.

آية الله.

متعرض اين مسأله نشده اند. خوبي،

آية الله زنجاني: و

بايد بين رمي قضا و ادا لا اقل به مقدار يك دوازدهم روزي كه سنگ مي زند فاصله بيندازد؛ ولي رعايت فاصله و ترتيب در قضاي سنگ هفتم لازم نيست.

آية الله سيستاني، آية الله مكارم: حكم

آن شبیه مسأله سابق است.

. حكم اين مسأله و مسأله بعد، از مسائل قبلي روشن شد. [۱۴]

آية الله سبحاني: و

چون به هم خوردن ترتيب اعمال عيد هم عمدي نبوده اشكالي ندارد. مقدم بودن قضا بر ادا واجب است بنا بر اين رمي هر روز كه از او فوت شده را اول انجام مي دهد سپس رمي مربوط به همان روزي را كه بر او واجب است و اگر هر سه روز را فراموش كرد و در روز سيزدهم متذكر شده است به ترتيب، اول رمي روز عيد، سپس روز دهم و در آخر روز دوازدهم را قضا مي كند و تا زماني كه در مكه است تا آخر ذي حجه همين گونه قضا نمايد. و اگر خارج از ايام تشريق رمي كرد سال بعد به احتياط واجب در ايام مني قضا كند و يا استنابه كند.

و احتياطاً بين قضا و اداء مدتي را فاصله بيندازد. آية الله اردبيلي: [۱۵]

آية الله زنجاني: در

قضاي غير سنگ هفتم، رعايت ترتيب و فاصله لازم است.

آية [۱۶]

به حاشيه مسأله ۱۰۰۰ مراجعه شود. الله اردبيلي:

آية الله مكارم: يعني

تا روز سيزدهم.

آیه الله.

تا زمانی که در مکه است تا آخر ذی حجه جا آورد و در سال بعد هم در ایام منی به احتیاط واجب اعاده سبхани: نماید و یا استنابه کند.

آیه الله مکارم:

اگر از سیزدهم بگذرد به سال بعد می افتد.

آیه الله.

کسی که فراموش کند رمی را، بر می گردد از مکه به جهت آنها، و اگر متذکر نشد تا بعد از خروج، قضا می کند در بهجت: سال آینده در ایام تشریق، خودش یا نایبش در صورت عدم امکان مباشرت علی الأحوط. (مناسک شیخ، ص ۸۴ و ۸۵).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسی

که رمی را در منی فراموش نموده و پس از کوچ به مکه یادش آمد، واجب است به منی برگشته و رمی نماید. و چنانچه فراموش شده رمی دو روز یا سه روز باشد، احتیاط این است که بین وظیفه هر روز و روز دیگر یک ساعت فاصله بگذارد و چنانچه پس از خروج از مکه یادش آمد که رمی نکرده، واجب نیست به منی برگردد بلکه بنابر احتیاط در سال بعد خود یا نایبش آن را قضا نماید.

آیه الله سیستانی: کسی

که رمی جمرات را به علت فراموشی و یا جهل به مسأله ترک نماید و در مکه یادش بیاید یا حکمش را بداند واجب است به منی بیاید و رمی نماید و اگر رمی در دو روز ترک شده باشد یا سه روز، بنابر احتیاط باید به ترتیب روزها قضا نماید و بین قضای هر روز و روز بعد مقداری وقت فاصله بیندازد. و چنانچه پس از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید یا حکمش را بداند، واجب نیست جهت تدارک آن برگردد و احتیاط مستحب این است که خودش شخصاً آن را در سال آینده قضا نماید، در صورتی که به حج برود و یا توسط نایبش، در صورتی که به حج نرود. (مناسک، مسأله ۴۳۵).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

اگر کسی رمی جمرات سه گانه را جهلاً یا سهواً یا عمدتاً ترک کرد، باید اگر به مکه یا خارج مکه هم رفته باشد تا ایام تشریق نگذشته برگردد به منی و رمی را به جا آورد و اگر متمکن نیست نایب بگیرد و اگر تا ایام تشریق خودش یا نایبش به جا نیاورد باید در سال بعد خودش یا نایبش رمی را قضا نماید در ایام تشریق. (آراء المراجع، ص ۳۹۸).

آیه ۱۹

بلکه اقوی. الله اردبیلی:

. نظریه آیات عظام در ذیل مسأله قبل گذشت. [۲۰]

آیه الله زنجانی: در این صورت قضای رمی واجب نیست و رعایت این احتیاط، مستحب است.

آیه الله سبحانی:
به ذیل سؤال ۱۲۹۷ و مسأله ۱۲۶۷ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: باید خودش به جا آورد و در صورت عدم امکان، نایبش انجام دهد.

آیه الله:
به مسأله ۱۲۶۱ و حاشیه آن مراجعه شود. زنجانی:

آیه الله سبحانی:
اگر کمتر از چهار سنگ زده باید رمی را به ترتیبی که در مسائل قبلی گفته شد از اول شروع کند و با رعایت عدم تداخل روزها رمی هر روزی را انجام دهد ولی اگر پس از چهارسنگ به خاطر عدم آشنایی به حکم شرعی و یا فراموشی بقیه را به تأخیر انداخت باید عمل را به ترتیب در همان روز تکمیل کند و اگر قضا شده غیر متداخل هر روزی را مستقل از روز دیگر به طور کامل انجام دهد.

آیه الله سیستانی: حکم ترک رمی کامل جمرات یا بعض آنها در این موارد مانند حکم ترک رمی تمام جمرات است.

آیه الله:
اگر بتواند شب قبل، سنگ بزند نوبت به نیابت نمی رسد و گرنه نایب می گیرد؛ البته در این صورت اگر بدون زنجانی: درخواست او دیگری برایش سنگ بزند کافی است.

آیه الله.

سال بعد خودش انجام دهد و اگر نتوانست نایب بگیرد. اردبیلی:

آیه الله

احتیاط آن است که با وجود ولی شرعی، دیگری بدون اذن او به جا نیاورد. سبحانی:

آیه الله مکارم: و

در سال بعد نایب بگیرد.

آیه الله

ولی نیابت قبل از یأس نیز جایز است و اگر بعد از نیابت عذر برطرف شد، خودش نیز انجام دهد. اردبیلی:

آیه الله خامنه ای: قبل

از یأس هم می تواند نایب بگیرد لکن اگر بعداً متمکن از رمی شد باید خودش اعاده کند ولی اگر بعد از یأس نایب بگیرد و رفع عذر شود اعاده لازم نیست. (مناسک حج، م ۳۸۵)

آیه الله سبحانی:

اگر مریض و معذور از خوب شدن و رفع عذر مأیوس باشند واجب است استنابه نمایند و در این صورت اگر رفع عذر شد و یا بهبودی پیدا کرد اعاده لازم نیست ولی اگر مأیوس هم نباشد می توانند نایب بگیرند ولی در این صورت چنانچه بهبودی حاصل شد و یا رفع عذر گردید به احتیاط واجب آن چه را انجام داده اعاده کند.

آیه الله سیستانی: قبل

از یأس می شود نایب عمل کند ولی اگر بعداً متمکن شد باید خودش انجام دهد.

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۱۵ و ۱۰۱۶. [۲۶]

آیه الله مکارم: در

شرایط فعلی این امور ضرورتی ندارد.

آیه الله.

رجوع شود به حاشیه مسأله ۱۲۷۰ خامنه ای:

آیه الله زنجانی:

اگر قبل از گذشتن وقت رمی متمکن از رمی شد باید خودش رمی کند.

آیه الله فاضل:

اگر با یأس از رفع عذر نایب گرفته و یا نایب بعد از یأس از رفع عذر منوبعنه رمی انجام داده باشد اعاده لازم نیست و در غیر این دو صورت اعاده واجب است.

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۱۷. [۲۸]

آیه الله اردبیلی، آیه الله مکارم: این

احتیاط ترک نشود.

آیه الله سبحانی:

به ذیل مسأله ۱۲۷۰ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: بلکه

لازم است.

. مانند مسأله قبل است. [۲۹]

آیه الله.

رجوع شود به حاشیه مسأله ۱۲۷۰ خامنه ای:

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی:

اگر عذر برطرف شد لازم است خودش عمل کند چه در وقت عمل، نایب از برطرف شدن عذر، مأیوس باشد چه نباشد (ملحق مسأله ۳۹۱).

آیه الله سبحانی: رجوع

شود به حاشیه مسأله ۱۲۷۰.

آیه الله صافی، آیه الله مکارم: احتیاطاً
اگر مأیوس نیست صبر کند.

آیه الله.

این احتیاط ترک نشود. سبحانی:

آیه الله زنجانی: احتیاط
استحبایی در اذن گرفتن است.

آیه الله.

وظیفه عاجز نایب گرفتن است و استنابه بدون اذن گرفتن تحقق پیدا نمی کند مگر اینکه از نایب گرفتن هم‌اردبیلی:
عاجز باشد مثل بی‌هوش و طفل غیر ممیز.

آیه الله بهجت:

اگر قطع به رضایت داشته باشد اذن لازم نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

وظیفه عاجز نایب گرفتن است و استنابه بدون اذن گرفتن تحقق پیدا نمی کند مگر
اینکه از نایب گرفتن هم عاجز باشد مثل بی‌هوش و طفل غیر ممیز.

آیه الله سبحانی:

به ذیل مسأله ۱۲۷۰ مراجعه کنید.

آیه الله سیستانی: معذور

باید نایب بگیرد و کسی که قادر به نایب گرفتن نیست ولی او یا هر کس دیگر بهجای او رمی کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

استنابه بدون اذن گرفتن محقق نمی شود مگر در مغمیعلیه که گذشت.

آیه الله مکارم: بدون

اذن مشکل است.

آیه الله |

چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی به رعایت شرایط آن توجه داشته اعتنا نکند. زنجانی:

آیه الله |

اگر شک او نسبت به اصل رمی است باید برگردد جوری رمی کند که ترتیب رعایت شده و یقین هم حاصل سبحانی: گردد و این شک اگر در ظرف هر روزی نسبت به رمی جمرات اتفاق افتد که آیا جمره ای را رمی کرده یا نه هر چند از محیط رمی خارج شده باشد باید برگردد و جمره مشکوک و سپس آنچه بر آن مترتب است را رمی نماید و ضمن رعایت ترتیب یقین حاصل گردد ولی اگر شب یا روز بعد شک کرد به شک خود اعتنا نکند.

مراجعه شود به مسأله ۱۰۱۰. [۳۵]

آیه الله اردبیلی:

اگر بعد از رمی جمره مشغول کار دیگری شده باشد به نحوی که عرفاً فارغ از عمل محسوب شود، به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بلکه

بنابر اظهر.

آیه الله زنجانی:

اگر خود را از رمی جمره ای فارغ شده یافت و مشغول کارهایی که متعارفاً بعد از آن انجام می دهند شد در عدد شک کرد چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی متوجه تعداد آن بوده اعتنا نکند.

آیه الله سبحانی: ولی

اگر یک طرف شک او در عدد سنگ ها به کمتر از چهار تعلق گرفته رمی آن جمره را باید از سر بگیرد و اکتفا به تکمیل خلاف احتیاط است و در این صورت اگر جمرات مترتبه را رمی کرده باید به ترتیب اعاده کند.

آیه الله سیستانی:

اگر شک بعد از انصراف و صدق فراغ باشد عرفاً به آن اعتنا نکند.

آیه الله مکارم: این

احتیاط واجب نیست.

آیات عظام

این احتیاط ترک نشود. بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری:

آیه الله فاضل: این

احتیاط مستحبی است.

آیه الله:

در هیچ یک از فروض مسأله به شک خود اعتنا نکند. اردبیلی:

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی: در

هیچیک از فروض مسأله به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله گلپایگانی: متعرض

این فرع نشده اند.

آیه الله سبحانی:

بنابر آنچه در ذیل مسأله ۱۲۷۷ گذشت اگر بعد از رمی هر سه جمره شک او به کمتر از چهار باشد مثلاً شک کند سه سنگ زده یا بیشتر یا دو سنگ زده یا بیشتر باید رمی آن جمره را از سر بگیرد و جمرات بعدی را اگر رمی کرده مجدداً اعاده کند تا ترتیب حفظ شود.

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیه الله:

متعرض این مسأله نشده اند. خویی:

آیه الله:

باید رمی جمره آخری را از سر بگیرد و احتیاط مستحب این است که هر سه را از سر بگیرد (کتاب الحج، ج ۵، سبحانی: ص ۴۳۸).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در این صورت باید رمی هر سه جمره را به ترتیب از سر بگیرد.

آیه الله فاضل: و یا یقین کند که یکی از آنها را اصلاً رمی نکرده.

آیات [۴۰].

این احتیاط ترک نشود. عظام بهجت، تبریزی، مکارم:

آیه الله سبحانی: و دیگر اعاده رمی جمرات مترتبه لازم نیست زیرا ترتیب با پرتاب چهارسنگ به هر جمره حاصل شده و دیگر نیازی به اعاده آنها نیست. اکتفا به تکمیل خلاف احتیاط است و این احتیاط نباید ترک شود بنابراین باید رمی هر سه جمره را به ترتیب از سر بگیرد.

آیه الله سیستانی:

اگر بعد از غروب آفتاب شک کند جایز است اکتفا به کسری جمره آخری و اگر قبل از آن باشد باید کسری همه را به ترتیب جبران کند.

آیه الله فاضل:

به کسری جمره آخری و یا رمی جمره آخری.

آیه الله.

باید رمی هر سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه قضا کند. زنجانی:

آیه الله.

بنابر احتیاط مستحب. اردبیلی:

آیه الله بهجت: احتیاط

در قضای هر سه روز است.

آیه الله تبریزی: اظهر

اکتفا به قضای یک روز است به قصد آنچه در عهده اوست؛ اعم از قضای سه رمی یا یک رمی، بلکه می تواند اکتفا به رمی جمره عقبه نماید.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: قضای رمی جمره عقبه کافی است.

آیه الله سبحانی: احتیاط این است که سه روز را با مراعات ترتیب قضا کند یا اینکه روز اول را قضاء کند و سپس یک روز به عنوان مافیالذمه از دو روز دیگر قضا کند (کتاب الحج، ج ۵، ص ۴۳۹).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احوط آن است که رمی سه جمره را به ترتیب به قصد مافی الذمه انجام دهد. اگر چه در صورتی که شک بعد از روز دوازدهم باشد بیش از قضای رمی جمره عقبه واجب نیست. (آداب حج، م ۹۷۱)

آیه الله فاضل: بنابر احتیاط واجب باید هر سه روز را قضا کند با مراعات ترتیب و می تواند اکتفا کند به رمی سه جمره به ترتیب، به قصد مافیالذمه.

آیه الله مکارم: کافی است که یک روز را به نیت مافیالذمه انجام دهد. در مسأله ۱۳۰۶ حکم مذکور به صورت احتیاط بیان شده است.

آیه الله: بلکه اظهر کفایت قضای رمی جمره عقبه است. اردبیلی:

مسائل متفرقه رمی

[۱۲۸۳] م - زن ها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعرالحرام به منی وارد شوند، اگر از رمی در روز [۲] همان شب رمی نمایند. [۱] معذورند می توانند شب رمیکنند بلکه زن ها مطلقاً مجازند

[۱۲۸۴] م - در طبقه دوم جمرات رمی جایز است و لازم نیست در طبقه اول [۳] رمی نمایند. [۴] رمی نمایند.

[۱۲۸۵] م - کسانی که عذر دارند از اینکه روز عید رمی کنند می توانند شب قبل از آن، یا شب بعد از آن رمی کنند و اگر از رمی روز [۵] یازدهم نیز معذورند می توانند بعد از رمی به جای روز عید، در شب یازدهم رمی روز یازدهم را هم انجام دهند.

آیه [۱]

زنان و کسانی که کوچ از مشعر در شب برایشان جایز است می توانند شب عید رمی جمره نمایند بنابر اظهر. والله بهجت: نیز به ذیل مسأله ۱۰۱۸ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی: زن ها می توانند رمی روز دهم را در شب آن انجام دهند، هرچند متمکن از رمی در روز دهم باشند، ولی در رمی روز یازدهم و دوازدهم، چنانچه از رمی در روز معذور باشند می توانند رمی هر روز را در شب آن انجام دهند و چنانچه معذور نباشند باید در روز رمی کنند.

آیه الله خامنه ای: ولی اگر زن بخواهد به نیابت از دیگری رمی کند به احتیاط واجب رمی را در روز انجام دهد. (استفتاء، دستخط معظم له)

آیه الله خویی: بیماران و پیرها و ضعیف ها و کسانی که از دشمن می ترسند هم، می توانند در شب عید رمی کنند. (مناسک، قبل از مسأله ۳۸۱).

آیه الله زنجانی: در مورد رمی جمره عقبه به حاشیه مسأله ۱۰۱۸ و نسبت به رمی جمرات سه گانه به حاشیه مسأله ۱۲۵۷ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: پس از نیمه شب عید قربان جایز است.

آیه الله سیستانی: این حکم اختصاص به رمی روز عید دارد.

آیه ۲ [۲]

زن ها چه عذر داشته باشند و چه نداشته باشند، می توانند رمی روز دهم را در شب قبل انجام دهند. الله اردبیلی:

آیه ۳ [۳]

رمی در هر دو طبقه جایز و مکفی است و در مناسک (س ۱۴۳) می فرماید: میزان صدق رمی جمره است ولو از الله بهجت: طبقه دوم باشد حتی اختیاراً کفایت می کند.

آیه الله تبریزی:
بنابر احتیاط مجزی نیست.

آیه الله خامنه ای: اگرچه احتیاط مستحب رمی از مکان متعارف در گذشته است.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: کفایت نمودن زدن سنگ بر مقداری که بر ارتفاع جمره افزوده شده، محل اشکال است و احوط آن است که مقدار سابق را رمی نماید. و اگر متمکن نباشد مقدار زیادی را خودش رمی کند و نایب نیز بگیرد برای زدن به مقدار : بوده است از جهت عرض ظاهراً فرقی با جمره فعلی ندارد و از جهت طول ظاهراً به ائمه مقدار یک قامت انسان یا مقدار کمی بیشتر بالاتر از سکوی فعلی است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: رمی در طبقه فوقانی خلاف احتیاط است و در طبقه تحتانی جایز است.

آیه الله مکارم: در هنگام ازدحام جمعیت جایز است.

آیه ۴ [۴]

رمی جمراتی که اخیراً احداث شده در تمام طبقات حتی قسمت هایی که بیرون از محل جمرات سابق یا الله زنجانی:

بیرون از منی است و همچنین رمی هر دو طرف دیوار کافی است، هر چند احتیاط مستحب در آن است که قسمت وسط دیوار رمی شود.

. به مسأله ۱۲۵۷ مراجعه شود. [۵]

آیه الله سبحانی: باید
شب قبل از آن رمی کند.

آیه الله سیستانی: رمی
روز عید در شب بعد کافی نیست مگر برای کسانی که از ماندن روز در منی معذورند و در مورد رمی شب
یازدهم و دوازدهم به حاشیه مسأله ۱۲۵۷ مراجعه شود.

استفتائات رمی جمرات ثلاث

[۱۲۸۶] س - کسانی که با عذر از رمی در روز می توانند شب رمی کنند آیا لازم است شب رمی کنند یا می توانند همان روز نایب بگیرند؟

[۱] - می

[۲] توانند نایب بگیرند.

[۱۲۸۷] س - چنانچه کسانی صبح روز دهم از رمی کردن معذور باشند ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت است و قادر به رمی هستند، بفرمایید از صبح می توانند نایب بگیرند یا باید صبر کنند تا خلوت شود و رمی نمایند؟

ج -

رمی کنند، نمی توانند نایب بگیرند. [۴] می توانند در روز [۳] اگر

[۱۲۸۸] س - آیا بدون عذر می توان در شب رمی کرد یا کافی نیست و اگر در شب صحیح است آیا گناهی هم مرتکب شده است و همچنین تأخیر ذبح از روز عید قربان هرچند صحیح است ولی آیا گناهی هم مرتکب شده است؟

ج - بدون

و اگر بدون عذر رمی در روز را ترک نماید گناه کرده است، و همچنین معصیت [۵] عذر، رمی در شب واقع نمی شود اگر ذبح را عمد^۱ از روز عید تأخیر بیندازد، هرچند ذبح صحیح است. [۶] نموده است علی الأحوط

[۱۲۸۹] س - کسی که در رمی جمرات نایب شده، آیا می تواند شب رمی کند یا نه و همچنین کسی که در اصل حج نایب باشد و از ابتدا می دانسته که نمی تواند رمی کند، یا نمی تواند روز رمی کند و یا در رمی روز مسامحه و اهمال کند، حکمش چیست؟

[۷] -

شود و کسی که در رمی نایب شده [۸] نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد و اگر معذور باشد نمی تواند نایب باید روز رمی کند و مسامحه و اهمال موجب بطلان نیابت نیست، هرچند در فرض سؤال جایز نیست.

[۱۲۹۰] س - شخصی که خود معذور است و نمی تواند رمی جمرات نماید، آیا می تواند شخص دیگری را که برای او هم رمی در روز مقدور نیست، نایب قرار دهد تا در شب رمی نماید و آیا در صورت بودن و یا نبودن شخص سومی که بتواند نایب شود و در روز رمی نماید، حکم مسأله فرق دارد یا خیر؟

ج - در

بنابر احتیاط واجب روز بعد خودش [۱۰] و اگر ممکن نباشد [۹] صورت امکان باید کسی را نایب بگیرد که در روز رمی نماید [۱۲]، نایب بگیرد [۱۱] قضا کند و اگر در قضا هم امکان مباشرت نیست

۱۲۹۱ س - در رمی جمرات، اگر سنگریزه اول به دیوار مجاور و بعد به جمره بخورد آیا کافی است، یا باید سنگریزه دیگر بزند؟

ج - ظاهر^۱

[۱۳] کافی است.

۱۲۹۲ س - شخصی وقت رمی جمرات شک کرد که چند سنگ زده ام، پس آن مقدار را رها کرد و دوباره از اول شروع نمود، آیا رمی او اشکال دارد یا نه؟

ج - اشکال

[۱۴] ندارد هر چند رها نمی شود.

۱۲۹۳ س - اینکه فرموده اید کوچ کردن شب دهم و درک کردن وقوف اضطراری مشعر و رمی در شب دهم برای زنان جایز است و نفس زن بودن عذر است، آیا با این حال زنان می توانند نایب شوند؟

ج - می

توانند نایب باشند.

۱۲۹۴ س - در زمان قدیم که جمرات به صورت فعلی نبوده است و یقیناً بعداً بلندتر و قطورتر درست شده است، بنابراین در جمره عقبه چرا رمی کردن مخصوص به آن سنگچین وسط دیوار سیمانی است و رمی به دیوار سیمانی جایز نیست؟ و اگر جایز می دانید بفرمایید؛ زیرا که اکثر مردم در جمره عقبه اکتفا به دیوار سیمانی دو طرف سنگچین می کنند و خلاصه ملاک رمی در جمرات چیست؟

ج - دیوار

[۱۵] سیمانی پشت جمره از جمره نیست و رمی آن کافی نیست.

۱۲۹۵ س - اگر مردی که می تواند در روز رمی نماید، برای رمی زنی نایب شود آیا می تواند رمی زن را در شب انجام دهد؟

ج - نمی

[۱۶] تواند و باید رمی را در روز انجام دهد.

۱۲۹۶ س - افرادی که معذورند از واجباتی که ترکش ولو عمدی مضر به حج نیست؛ مثل رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم و مَبِیت به منی در شب های یازدهم و دوازدهم، آیا می توانند اجیر شوند و نیابت کنند یا نمی توانند؟

ج - ذوي

[۱۸]، حتي اگر از مثل مذکورات عذر داشته باشند. [۱۷] الأعدار نمي توانند نايب شوند

[۱۲۹۷] س - کسي که به نيابت ديگري رمي جمره مي کند، آیا کافي است که اول براي خودش هر جمره اي را رمي کند و پس از آن به نيابت ديگران ولو ده نفر باشند يکجا رمي کند، بعد جمره وسطي را هم همينطور و در پايان براي جمره عقبه نيز چنين کند، يا اينکه بايد اول هر سه جمره را براي خودش و بعد هر سه را براي دومي و همچنين نسبت به ديگران رمي نمايد؟

ج - هر

[۱۹] دو صورت صحيح است.

[۱۲۹۸] س - کسي که نمي تواند در روز عيد رمي کند، آیا مي تواند قبل از رمي حلق نمايد و روز ديگر رمي کند؟ [۲۰]

- [۲۱]

[۲۲] جايز نيست علي الأحوط.

[۱۲۹۹] س - آیا جمره عقبه را از هر طرف مي توان رمي نمود؟

[۲۳]

[۲۴]

- اگر به جمره بزند کافي است، ولي رمي ديوار کفايت نمي کند.

[۱۳۰۰] س - سنگريزه هايي که در مشعر موجود است و معلوم است که از خارج از مشعر آورده اند، و معلوم نيست که از حرم است يا از خارج از حرم، آیا مي توان از آنها براي رمي استفاده نمود؟

[۲۵]

- ا آورده اند، در مورد سؤال استفاده نکنند مگر آنکه طوري باشد که جزو مشعر محسوب [۲۷] معلوم است که از خارج [۲۶] شود.

[۱۳۰۱] س - شخصي رمي جمره عقبه را در روز عيد غلط انجام داده است و در روز سيزدهم متوجه مي شود، آیا بعد از قضاي جمره عقبه، بايد رمي روز يازدهم و دوازدهم را نيز تکرار کند؟

ج - لازم

نيست.

[۱۳۰۲] س - آیا زياده از هفت رمي، مُخِلّ به رمي است؟

[۲۸]

- اگر از اول قصد زيادتر از هفت داشته باشد صحيح نيست و بايد رمي را اعاده کند، ولي اگر بعد از تمام شدن هفت سنگريزه که

به قصد هفت بوده، اضافه زده ضرر ندارد.

[۱۳۰۳] س - کسی که نتوانسته ذبح کند و حلق یا تقصیر نیز ننموده است، آیا می تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد؟

ج - مانع
ندارد.

[۱۳۰۴] س - زنی که احتمال بدهد، رمی باعث قاعدگی او می شود، آیا کافی است در رمی نایب بگیرد؟

[۲۹]

[۳۰]

- اگر در اثر آن به مشقت می افتد، عذر محسوب می شود و می تواند نایب بگیرد.

[۱۳۰۵] س - آیا می شود که زن ها را شب دهم بعد از نصف شب از مَشَعَر به منی بیاورند و همان شب آنان را به جمره عقبه ببرند و رمی کنند و بعد به خیمه برگردانند و نزدیک غروب روز یازدهم مجدداً آنان را به جمرات ببرند تا شب دوازدهم، [۳۱] هم رمی روز یازدهم را انجام دهند و هم رمی روز دوازدهم را، با توجه به ازدحام و خطرهای احتمالی؟

ج - برای

زن ها رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منی در همان شب عید قربان مانع ندارد، ولی رمی روز یازدهم [۳۲] و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رمی روز معذور باشند.

[۱۳۰۶] س - اگر کسی می داند یک روز رمی را ترک کرده است ولی نمی داند که روز دهم بوده یا یازدهم، یا دوازدهم، وظیفه اش چیست؟

آن است که رمی سه جمره را به ترتیب، به قصد مافیالذمه انجام دهد. اگرچه در صورتی که شک بعد از روز [۳۳] ج - احوط [۳۴] دوازدهم باشد بیش از قضای رمی جمره عقبه واجب نیست.

[۱۳۰۷] س - شخصی در رمی جمرات چنین تصور می کرده است که باید سنگریزه به خود سنگ های نصب شده جمرات بخورد، نه به ملات لای سنگ ها که به وسیله آن ملات بندکشی شده است، لذا برای اطمینان که به خود سنگ ها بخورد، یازده سنگریزه انداخته و هفت عدد از آنها را رمی صحیح محسوب داشته است، آیا این رمی صحیح است یا نه؟

ج -

اگر مواردی را که شک داشته احتیاطاً زده، مانع ندارد و چنانچه شک نداشته و قصد زیاده هم نداشته است، صحیح است. [۳۵] هرچند در این صورت احتیاط مطلوب است.

[۱۳۰۸] س - شخصی روز عید قربان برای رمی جمره عقبه رفته و انجام داده ولی دو روز بعد را در اثر کسالت و کالت داده و روز سیزدهم خودش برای قضای رمی جمرات رفته، ولی اول رمی جمره عقبه نموده، بعداً برگشته از جمره اولی شروع کرده و روز یازدهم و دوازدهم را یک مرتبه چهارده سنگ زده، هفت عدد برای روز یازدهم و هفت عدد برای روز دوازدهم و جمره

وُسْطِي را همچنين دوازده سنگ زده و جمره عقبه را نيز دوازده سنگ زده است، و الآن به ايران برگشته است، آيا وظيفه او چيست؟

ج -

اگر كسالت داشته و معذور بوده و وكالت داده عمل او صحيح است، و نياز به تكرار نداشته است، و در هر صورت تكرار به [۳۶] نحو مرقوم صحيح نيست.

آية [۱]

بايد شب قبل، رمي كنند، و اگر نمي توانند براي رمي در روز نايب بگيرند. الله زنجاني، آية الله سبحاني:

آية [۲]

به حاشيه مسأله ۱۲۵۷ مراجعه شود. الله اردبيلي:

آيات عظام بهجت، تبريزي، سبحاني، صافي، گلپايگاني: بايد شب رمي نمايد.

آية الله خامنه اي: كسي

كه از رَمِي در روز معذور است اما مي تواند شب رَمِي نمايد، جايز نيست نايب بگيرد بلكه بايد خودش در شب پيش و يا شب بعد رَمِي نمايد. (مناسك حج، م ۳۸۴)

آية الله سيستاني: چنانكه

گذشت كسي كه معذور از رمي در روز است بايد نايب بگيرد و نمي تواند در شب رمي نمايد، مگر چوپانان و كساني كه از ماندن روز در مني معذور باشند.

آية الله فاضل: احتياط

واجب آن است كه شب رمي كنند.

آية الله مكارم:

تا در شب بتواند رمي كند نايب گرفتن مشكل است.

آية [۳]

رمي جمرات بايستي به مباشرت خود شخص انجام شود و نايب گرفتن در حال اختيار جايز نيست. (مناسك، الله بهجت: ص ۱۵۱).

آیه [۴]

یا شب. (مناسک حج، م ۳۸۴) الله خامنه ای:

آیه [۵]

در مورد رمی جمره عقبه روز عید، بانوان و کودکان مطلقاً می توانند شب عید، رمی کنند، هر چند از رمی در الله زنجانی: روز معذور نباشند و دیگران تنها در صورت عذر می توانند شب قبل، رمی کنند. و در مورد رمی جمرات، همه حجاج تنها در صورت عذر می توانند شب قبل، رمی کنند و فرقی بین بانوان و کودکان و غیر آنها نیست، و تأخیر ذبح اختیاراً تا روز دوازدهم جایز است.

. مراجعه شود به مسأله ۱۰۳۲. [۶]

آیه الله اردبیلی: تأخیر

ذبح از روز عید معصیت ندارد و جایز است تا روز دوازدهم ذبح را تأخیر اندازد.

آیه الله بهجت: برای

غیر معذورین رمی در شب جایز نیست. (مستفاد از مسأله ۴۳۸) و در مورد قربانی در شب، صحت آن استفاده می شود. (پرسش های جدید حج، سؤال ۱۴۹).

آیه الله سبحانی:

اگر کسی بدون عذر در شب رمی کرد اگر ایام تشریق تمام نشده اعاده و یا قضا کند و اگر تمام شده علاوه بر اینکه اگر تا آخر ذی حجه در مکه هست رمی را قضا می نماید در سال آینده نیز در روزهای منی اعاده و یا استنابه نماید.

آیه [۷]

نایب در رمی، باید در روز رمی کند مگر نایب دیگری پیدا نشود و معذور از رمی در روز، نمی تواند در حج الله زنجانی: واجب، نایب شود، و اگر نایب زن باشد می تواند جمره عقبه را شب عید رمی کند.

آیه [۸]

مگر اینکه عذر پس از قبول نیابت عارض شود. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت:

مگر آنکه عذر طاري باشد و در غير آن خلاف احتياط است.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: نیابت

معذور اشکال دارد، لکن اگر ابتدا معذور نبود و بعد در زمان عمل معذور شد نیابت صحیح است و در اجرت باید با مستأجر خود تراضی کند.

آیه الله سیستانی: عذر

در رمی جمرات در روز ۱۱ و ۱۲ مانع نیابت حج نیست.

آیه الله صافی:

به حاشیه شرط ۷ نایب از مسأله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: عذرهایی

که به طور طبیعی گاه در حج پیش می آید مانع نیابت نیست.

آیه [۹]

در صورتی که نتواند شب قبل خودش رمی کند. الله اردبیلی:

آیه [۱۰]

اگر استنابه برای روز ممکن نباشد، رمی نایب در شب قبل، کافی است. الله زنجانی:

آیه الله سبحانی: و

یا کسی حاضر نشد برای او نیابت کند می تواند رمی را بدهد به کسی که در شب رمی کند ولی چنانچه خودش خوب شد روز بعد قضا کند و یا اگر نایبی پیدا شد برای روز بعد علاوه بر رمی آن روز قضای روز قبل را نیز استنابه کند که در روز رمی کند.

آیه [۱۱]

استنباه به نحو مذکور صحیح است. الله فاضل:

آیه الله

احتیاط آن است که هم نایب بگیرد و هم قضای آن را روز بعد به جا آورد. مکارم:

مراجعه شود به بند سوم از مسأله ۱۰۰۱. [۱۳]

آیه الله فاضل: گذشت

که محل اشکال است.

آیه الله

یعنی در حقیقت شخص با این کار رمی ناقص را تکمیل می کند و قبلی ها رها نمی شوند و آنچه را که اضافه سببانی: می زند چون قصد بیشتر از هفت به عنوان تکلیف شرعی ندارد به صحت رمی ضرر نمی زند.

آیه الله مکارم: یعنی

با زند مقدار قطعی باقیمانده وظیفه او تمام است.

آیات [۱۵]

در حال حاضر دیوار سیمانی وجود ندارد. عظام بهجت، سببانی، مکارم:

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل:

بنابر احتیاط واجب رمی آن قسمت که سابقاً دیوار بوده است و اکنون برداشته اند کافی

نیست.

آیه [۱۶]

به حاشیه مسأله ۱۲۸۳ مراجعه شود. الله خامنه اي:

آیه الله

به حاشیه مسأله ۱۰۷ مراجعه شود. زنجان:

آیه الله سبحانی: شخص

معذور در رمي روز یازدهم و دوازدهم و طواف نساء و بیتوته های منا می تواند برای اداء حج نائب شود در این صورت باید رمي را در شب و به جای بیتوته ها در مکه به عبادت پردازد و در طواف نساء دیگری را نائب بگیرد.

آیه الله فاضل: و

نیز اگر زنی برای رمي ولو برای زن دیگر نائب شود باید رمي را در روز انجام دهد والا نیابت و رمي او صحیح نیست.

آیه الله مکارم: عذرهایی

که گاه در حج پیش می آید مانع از نیابت نیست.

[۱۸]. مراجعه شود به مسأله ۱۰۷ و ۱۲۸۹.

آیه الله اردبیلی:

مگر اینکه عذر آنها پس از قبول نیابت عارض شده باشد.

آیه الله بهجت:

مگر در عذر طاری و در غیر آن خلاف احتیاط است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: نیابت

آنها اشکال دارد.

آیه الله سبحانی: معذور

از رمي روز یازدهم و دوازدهم می تواند نائب شود و باید شب رمي کند.

آیه ۱۹

ولي در هنگام قضاي رمي روز قبل مثلاً يازدهم و ادای رمي روز دوازدهم که هر دو در روز دوازدهم انجام الله سبحانه: مي شود نبايد متداخلاً انجام دهد مثلاً به جمره اولي چهارده سنگ بزند هفت عدد آن براي قضاي روز يازدهم و هفت عدد ديگر براي روز دوازدهم و سپس به سراغ جمره وسطي برود بلکه بايد قضاي روز يازدهم به صورت کامل در هر سه جمره انجام شود و سپس براي روز دوازدهم مستقلاً از سر گيرد و بين روزها کمي فاصله بيندازد.

آیه الله

به هر تقدير ترتيب لازم است. بهجت:

آیه الله

بايد رمي در روز عيد نايب بگيرد و بعد از رمي قرباني و حلق کند. زنجاني:

مراجعه شود به مسأله ۱۱۳۹. [۲۲]

آیه الله اردبيلي: بايد

شب عيد رمي کند و چنانچه از رمي در شب عيد هم معذور باشد، براي رمي در روز نايب مي گيرد و بعد از رمي نايب، حلق يا تقصير مي کند.

آیه الله تبريزي، آیه الله سبحاني: چنين

شخصي بايد شب عيد رمي کند و چنانچه از رمي در شب عيد هم معذور باشد براي رمي در روز نايب مي گيرد و بعد از رمي نايب حلق يا تقصير مي کند.

آیه الله خامنه اي:

بنابر احتياط واجب را از روز عيد تأخير نيندازد. (مناسک حج، م ۳۶۴)

آیه الله سيستاني:

وظيفه چنين کسي نايب گرفتن در روز عيد است.

آیه الله مکارم: لازم

است بقيه اعمال خود را روز عيد انجام دهد.

آیه الله نوري: گذشت
که تأخیر خلق از روز عید جایز نیست علی الأحوط.

آیه الله.
در شرایط فعلی، رمی تمام دیوار جمره از هر دو طرف، کافی است. زنجانی:

آیه الله التبریزی، آیه.
□ رمی آن از هر طرف کافی است، ولی مستحب است از جلوی آن پشت به قبله رمیشود. الله سبحانه:

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: به [حاشیه پاسخ سؤال ۱۲۹۴ مراجعه شود.

آیه الله مکارم:
فعلاً دیواری وجود ندارد.

آیه الله.
مانعی ندارد. زنجانی:

آیه الله.
اگر عرفاً جزو مشعر حساب شود مانعی ندارد و گرنه باید احراز شود از حرام است. سیستانی:

آیه الله فاضل:
اگر جزو مشعر محسوب می شود مانعی ندارد.

آیات عظام

یعنی از خارج حرم تبریزی، خویی، سبحانی:

آیات عظام

مخل به رمی نیست. تبریزی، خویی، سیستانی:

آیه الله

اگر در اثر آن به مشقت شدید می افتد، عذر، محسوب می شود. زنجانی:

آیه الله

مگر اینکه بتواند شب قبل خودش به راحتی رمی نماید. اردبیلی:

آیه الله تبریزی: قاعدگی

مجاز استنابه برای رمی نیست، باید خودش انجام دهد و اگر قبل از وقوف به عرفه می ترسد که رمی باعث قاعدگی بشود و نتواند طواف کند، باید طواف و نماز آن را مقدم کند و بنابر احتیاط مستحب سعی را نیز مقدم کند و در وقت خودش اعاده کند.

آیه الله سبحانی:

اگر زنی احتمال بدهد رمی یا مقدمات آن مثل رفتن به پای جمرات موجب قاعدگی می شود و با اینکه پزشک او را از فعالیت زیاد منع کرده تا موجب قاعدگی نشود و در اثر قاعدگی به مشقت می افتد بالأخص آنجا که پس از برگشتن از منی اعمال حج را در روز دوازدهم و به بعد در این صورت عذر او موجه است و می تواند برای رمی نایب بگیرد.

آیه الله سیستانی: مجرد

احتمال وقوع در مشقت مجوز استنابه نیست.

آیه الله گلپایگانی: متعرض

این فرع نشده اند.

آیه الله.

اگر از رمی در روز یازدهم و دوازدهم خائف بر نفس خود باشند، می توانند رمی روز یازدهم را در شب یازدهم، و تبریزی: رمی روز دوازدهم را در شب دوازدهم انجام دهند. و یک شب نمی توانند برای دو روز رمی کنند.

نظر آیه

در حاشیه مسأله ۱۲۵۷ گذشت که رمی در شب برای کسانی جایز است که از ماندن در روز معذورند. الله سیستمی

آیه الله مکارم: این

کار اشکال ندارد.

آیه الله.

ولی باید شب قبل رمی کنند. زنجان:

آیه الله |

اگر بعد از گذشت روز دوازدهم باشد قضای رمی جمره عقبه کافی است و اگر در روز دوازدهم باشد رمی سیستمی: جمرات همان روز را به جا آورد.

آیه الله مکارم: این

احتیاط ترک نشود.

. به مسأله ۱۲۸۲ مراجعه شود. [۳۴]

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:

اگر در روز دوازدهم علم پیدا کند رمی یک روز را انجام نداده و شک داشته باشد آن روز که رمی آن را انجام نداده، روز دوازدهم است یا روزهای قبل، باید هر سه جمره را به ترتیب به قصد مافیالذمه رمی کند، ولی اگر در روز دوازدهم علم پیدا کرد که رمی یک روز را ترک کرده و نمی داند که روز دهم بوده یا یازدهم، می تواند به رمی جمره عقبه اکتفا کند و اگر بعد از روز دوازدهم علم پیدا کرد که رمی یک روز را ترک کرده و نمی داند روز دهم بوده یا یازدهم، می تواند به رمی جمره عقبه اکتفا کند.

آیات عظام

بلکه مطلقاً صحیح است. تبریزی، خویی، سیستانی:

آیه الله

به این نحو نیز صحیح است ولی به احتیاط واجب بین قضای روز یازدهم و قضای روز دوازدهم باید قدری سیستانی:
فاصله بیندازد.

۱] مستحبات منی

[۱۳۰۹ م - بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می باشد و بعضی آن را واجب دانسته اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَلَانَا»

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف به جا آورد و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف، با عبادت هفتاد سال برابر است و هرکس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است و هرکس در آنجا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد و هرکس در آنجا صد مرتبه «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

آیه [۱]

مناسب است این مستحبات و مستحبات آینده به قصد رجاء انجام گیرد. الله مکارم:

مستحبات دیگر مکه معظمه

[۱۳۱۰ م - آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱. زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲. ختم نمودن قرآن.

۳. خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً، وَرِزْقاً وَاسِعاً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ.»

و نیز بگوید: «بِسْمِ

«اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ»

۴. نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵. در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن

[۱]؛ در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.

۶. هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.

۷. به خانه کعبه داخل شود

[۲]؛ خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً فَأَمِّتِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ.»

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم، سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸. دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لَوَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَقْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَتَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَالْيَا سَيِّدِي تَهَيَّئْ لِي وَتَعَيَّنْ لِي

وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَقْدِكَ وَتَوَافَلِكِ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تَحْيِبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ
فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي
وَلَا عُذْرَ فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي رَغْبَتِي وَلَا تُرَدِّدَنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا
«خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه

مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، پس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تَشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ»

بعداً پایین آمده و پله ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله ها دو رکعت نماز بخواند.

آیه [۱]

ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف های مستحب را ترک کنند و مجال الله مکارم: را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند.

آیه [۲]

اینگونه امور در حال حاضر معمولاً امکان ندارد و هرگاه کسی نیت آن را داشته باشد، خداوند به لطفش به او الله مکارم: ثواب آن را می دهد.

استحباب عمره مفرده

[۱۳۱۱] م - بدان که بعد از فراغ از اعمال حج، در صورتی که میسور باشد، مستحب است عمره مفرده به جا آورده شود و در اعتبار فاصله بین این عمره و است و احتیاط در این است که در فصل کمتر از یکماه [۱] عمره سابق، خلاف [۳] و کیفیت این عمره در صورت حج افراد و عمره مفرده ذکر شد. [۲] به قصد رجاء به جا بیاورد

آیه [۱]

□ میزان تبدل عنوان ماه در فاصله دو عمره است ولی بین عمره مفرده و عمره تمتع فاصله اعتبار ندارد. الله فاضل:

آیه الله سبحانه: می [

تواند بعد از اعمال حج برای خود عمره مفرده انجام دهد هرچند در همان ماه عمره تمتع انجام داده باشد.

آیه الله مکارم: در

هر ماه قمری یک عمره مشروع است و زاید بر آن باید به قصد رجاء به جا آورده شود.

آیه [۲]

بین عمره مفرده و عمره تمتع فاصله لازم نیست، چه قبل از حج و چه پس از حج. الله اردبیلی:

آیه الله خامنه ای: انجام

عمره مستحب بوده و قصد رجاء لازم نیست. (مناسک حج، م ۷۰)

. نظریه آیات عظام در این مسأله، ذیل مسأله ۱۹۴ و ۱۷۳ گذشت. [۳]

طواف وداع

[۱۳۱۲ م - بدان که برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را، در صورت امکان، استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالأسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَتَبِّكْ وَأَمِينِكَ وَخَبِيرِكَ وَنَجِيكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رَسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنَّتِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُقْلِحاً مُنْجِئاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا «يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَقْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرَّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ»

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناتین، که مقابل رکن شامی است، بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یکدرهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید.

مسائل متفرقه

[۱۳۱۳] م - در وقتی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از [۱] جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

[۱۳۱۴] م - سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها؛ چه مرمر باشد یا سنگ های سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک، قبل از آنکه پخته و سنگ هایی که در «مسجد الحرام» از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همینطور در [۲] شود جایز است
۹. «مسجد رسول الله

[۱۵] و می توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت [۴] نماز را به جماعت بخوانند [۳] بخوانند.

[به مسجد الحرام و مسجد النبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص [۶] در مکه و مدینه اختصاص [۵] به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است، هر چند احتیاطاً بر مسجد اصلی است پس در [۷] تمام مسجد فعلی مسافر می تواند نماز را تمام بخواند همانطور که می تواند شکسته بخواند.

[۱۳۱۷] آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد و اگر در حج تقصیر کرد در منی سر ببرد و اگر ترک کرد آن را و [۸] [۹] برگشت به محل خود، در محل خود بکشد و صدقه بدهد.

[۱۸] یا جای دیگری که تکلیف اقتضا می کرد محرم شد نمی تواند احرام خود را به هم بزند و محل شود برای رفتن به [۱۰] مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند، احرامش به هم نمی خورد و آنچه به واسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی شود و اگر کاری که موجب کفاره است به جا آورد باید کفاره بدهد.

[نیت عمره و یا حج کند و لبیک بگوید و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس [۱۱] ت آن کند. [۱۲] یک گوسفند قربانی [۱۲] احرام نبوشیده بپوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید

[۱۳۲۰] م - کسی که از روی ندانستن مسأله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از محرمات احرام را ارتکاب نمود کفاره [۱۵]، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است. [۱۴] ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد

۱۳۲۱ م - عمره تمتع و حج تمتع باید در یکسال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره تمتع به جا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی باشد.

۱۳۲۲ م - کسی که وظیفه اش حج تمتع است، باید در حالی که می خواهد احرام عمره ببندد نیت آن داشته باشد که عمره تمتع کند و بعد از آن حج تمتع، اگرچه به نیت ارتکازی اجمالی، پس اگر نیت عمره مفرده بکند و بعد بخواهد آن را [۱۶]عمره تمتع قرار دهد حج او اشکال پیدا می کند.

۱۳۲۳ م - اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع، شککند که عمره تمتع را به جا آورده یا نه یا شککند که صحیح به جا آورده یا نه، اعتنا نکند و عملش صحیح است.

۱۳۲۴ م - در هر یک از اعمال عمره و حج، اگر شککند بعد از آنکه وارد عملی شده باشد که مترتب بر اوست، اعتنا نکند؛ چه شککند که آورده یا نه، یا شککند که صحیح آورده یا فاسد.

۱۳۲۵ م - باید عمره تمتع و حج تمتع، هر دو در ماه های حج واقع شود و ماه های حج؛ شوال و ذیقعد و ذیحجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذیقعد عمره تمتع به جا آورد و در موقع حج، حج تمتع به جا آورد صحیح است، و اگر قبل از شوال بخواهد عمره تمتع به جا آورد صحیح نیست، اگرچه بعض اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماه های حج.

۱۳۲۶ م - کسی که به احرام عمره تمتع وارد مکه، شد در صورتی که حج او فوت شده قصد عمره مفرده کند و به همان احرامی که بسته، عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود، و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا [۱۷]باشد باید به حج برود.

۱۳۲۷ م - شرایطی که برای هدیه است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچیکدر حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند [۱۹]پس می تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند. [۱۸]معتبر نیست

۱۳۲۸ م - غیر از هدیه تمتع، از هدیه هایی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان واجب می شود، نمی تواند شخص کفاره دهنده [۲۱]و اما از قربانی استحبابی جایز است بخورد. [۲۰]از گوشت آنها بخورد

۱۳۲۹ م - مصرف کفارات: فقرا و مساکین هستند. [۲۲]

۱۳۳۰ م - اگر در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط [۲۴]در برداشتن است. [۲۳]

۳۱- قصد تملک آن را بکند و آن را مصرف کند و ضامن صاحبش نیست و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن [۲۵]

، و اگر قصد تملک کرد و صاحبش [۲۶] نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است [۲۷] قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب.

[۳۲] باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پساگر نیافت او را بعد از یک سال، مخیر است بین دو امر [۲۸] یکی آنکه آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف. دوم [۲۹] و جایز نیست آن [۳۰] آنکه برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد. را تملک کند و اگر تملک کند مالک نمی شود و ضامن هم می شود.

[۱۳۳۳] م - کسی که بعد از محرم شدن نتوانسته باشد وظیفه ای انجام دهد که محلّ شود، اگر مصدود یا محصور است باید به وظیفه آنها که در آخر مناسک ذکر شده عمل نماید و اگر مصدود یا محصور نیست، در بعض موارد با انجام عمره مفرده می تواند محلّ شود.

[۱۳۳۴] م - در مسجد النبی ۹ سجده کردن روی فرش های مسجد مانع در جایی که سنگ است نماز [۳۲] و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست [۳۱] ندارد و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با [۳۳] بخوانند خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند، به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لیکن تأکید می شود از عملی که موجب هتک و انگشتنما شدن باشد اجتناب نمایند.

آیه [۱]

اگر کار ضروری ندارند خارج نشوند و خوب است شرکت کنند. الله بهجت:

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بلی نماز مجزی است در صورتی که قرائت حمد و سوره را برای خود آهسته قرائت کند و اگر نمی شود به نحو حدیث نفس بخواند و در نماز جمعه بعد از فراغ از آن، با آنها، نماز ظهر را اعاده کند.

آیه الله زنجانی: حجاج محترم باید از خارج شدن از مسجد هنگام نماز جماعت که سبب وهن شیعه می شود، جدا خودداری کنند و خوب است در نماز جماعت اهل سنت، شرکت کنند؛ ولی در شرایط کنونی می بایست آن را اعاده کنند.

آیه الله سبحانی: لازم است در نماز جماعت حاضر شده ولی خود قرائت را آهسته بخواند و اگر ممکن نشد در دل به صورت حدیث نفس بخواند و یا اینکه اقتدا کند و سپس اعاده نماید.

آیه الله صافی: نماز با عامّه در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعات آنان اگر موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتهام به شیعه باشد خوب است و اعاده آن لازم نیست اگر چه موافق با احتیاط است و خروج از مسجد در هنگام اقامه جماعات و یا ایستادن و شرکت نکردن شایسته نیست، بلی اگر ضرورتی ایجاب کند مانع ندارد. (آداب و احکام حج).

آیه الله گلپایگانی: نماز با عامّه در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعات آنان خوب است، لکن با

تمکن نماز را با شرایط کامل اعاده کند. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۰۲۵).

آیه ۲

بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می شود سجده کرد. الله بهجت، آیه الله فاضل:

آیه الله خامنه ای: سجده

بر آجر و سفال و گچ و آهک و سیمان صحیح است. (بخشی از رساله عملیه، م ۳۱۷)

آیه الله سبحانی: سجده

بر فیروزه و عقیق و طلا و نقره باطل است.

آیه الله سیستانی: بلکه

بعد از پخته شدن نیز جایز است.

آیه ۳

اگر خلاف تقیه ولو تقیه مداراتی است نماز را به جماعت نخوانند. الله فاضل:

آیه ۴

مگر در جاهایی که جلب توجه نکند و مورد اعتراض واقع نشود. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت: برگزار

نمودن نماز جماعت در هتل ها و مسافرخانه ها در مکه و مدینه مانعی ندارد اگر مستلزم مفسده نباشد.

آیه الله خویی: متعرض

این مسأله نشده اند.

آیه الله زنجانی: برگزار

کردن نماز جماعت در هتل ها در مکه و مدینه مانعی ندارد، مگر باعث مفسده ای که دفع آن لازم است

شود، و حکم شرکت در نماز جماعت عامه، در مسأله ۱۳۱۳ گذشت.

آیه الله سبحانی: هر

گاه اقامه نماز در هتل ها سبب شود که حضور شیعه در مساجد کم رنگ و ضعیف شود این کار را انجام ندهند در غیر این صورت اشکالی ندارد.

آیه الله سیستانی:

اگر خلاف تقیه نباشد اشکال ندارد ولی شرکت در جماعت مسلمین بهتر است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در

صورتی که مفسده داشته باشد.

آیه الله مکارم: نماز

جماعت های کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

آیه ۵]

بنابر اقوی، تخییر در هیچ یک از اماکن اربعه، ثابت نیست و نسبت به این اماکن، سفارش اکید به قصد اقامه الله زنجانی: نیز بر این نظر بوده اند؛ پس اگر شرایط قصد اقامه، محقق و مین :- باید نماز را شکسته بخوانند. مسجد الحرام و مسجد النبی

آیه ۶]

و... نمازش را تمام بخواند و احتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند ولی اگر بخواهد در جایی که اول جز و این مسجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند.

آیه الله تبریزی: در

همه مکه و مدینه قدیم می تواند قصر و تمام بخواند. (استفتائات، س ۱۲۹).

آیه الله خویی: ظاهراً

قید اختصاص ندارد بلکه این حکم در شهر قدیمی مکه و مدینه جاری است. (منهاج الصالحین، م ۹۲۵). قدیمی در منهاج نیست بلکه در استفتائات و در بعض مناسک مذکور است

[۰.]

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: می [

تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و

اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد.

آیه [۷]

می تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه حتی محله های جدید دو شهر نماز را تمام بخواند و اختصاص الله خامنه ای: به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد. گرچه احتیاط استحبابی در اختصاص تخیر به محله های قدیمی دو شهر بلکه در اختصاص به دو مسجد است. (مناسک حج، مسائل متفرقه، ص ۵)

آیه الله سبحانی: نمازگزار

در قسمت های این دو مسجد حتی قسمت های جدید الإحداث مخیر بین قصر و اتمام است و تمام افضل است و قصر (شکسته) احوط می باشد.

آیه [۸]

محل ذبح کفاره صید در عمره مکه است و در حج منی است و احتیاط آن است که در دیگر کفارات نیز به الله خامنه ای: همین نحو عمل کنند، اما اگر در مکه مکرمه یا در منی ذبح نکند و پس از بازگشت از حج، در وطن خود یا در مکان دیگر ذبح نماید، کفایت می کند. (مناسک حج، ص ۲۳۴)

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در

صورت تمکن باید کفارات در احرام عمره را.... (آداب و احکام حج، ص ۱۷۲) و در صورت عدم تمکن مالی یا پیدا نشدن فقیر مؤمن در بلد خود یا جای دیگر ذبح کند.

آیه الله سبحانی: محل

ذبح و یا نحر کفاره صید در عمره تمتع مکه هر چه که به مسجد الحرام و کعبه نزدیک تر باشد و اگر نتوانست یا به تأخیر انداخت می تواند در منی ذبح کند و محل ذبح و یا نحر کفاره حج منی است. همچنین محل ذبح و یا نحر کفاره عمره مفرده مکه است و می تواند آن را تا زمان حج به تأخیر بیندازد و در منی قربانی کند و در هر سه مورد (عمره تمتع و حج و عمره مفرده) اگر چه تأخیر کفاره از محل خود خلاف احتیاط است لکن اگر از منی هم تأخیر انداخت و به وطن برگشت می تواند در محل قربانی کند ولی در عمره تمتع و عمره مفرده حکم اولی مکه است و در حج حکم اولی منی است.

آیه الله فاضل: احتیاط

این است که کفاره محرمات احرام عمره در مکه ذبح شود و کفاره محرمات احرام حج در منی، ولی فعلاکه گوشت آن در آن دو مکان مصرف فقرای مؤمن نمی شود، ذبح در وطن جایز بلکه مطابق احتیاط است، تا به مصرف فقرای مؤمن برسد.

آیه الله مکارم: احتیاط

مستحب آن است....

آیه [۹]

این احکام مربوط به کفاره صید است و باقی کفاره ها را می توان تأخیر انداخت و در وطن ذبح کرد. الله اردبیلی:

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: جای

کشتن کفاره شکار در احرام عمره، مکه مکرمه است و جای کشتن کفاره شکار در احرام حج، منی است. کفاره ای که بر محرم برای غیر از شکار واجب شده است، اظهر این است که می تواند کشتنش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد. و بهتر این است که کفاره را در حج، خود بکشد.

آیه الله زنجانی: کفارات

عمره و حج را پس از مراجعت به وطن هم می توان انجام داد، مگر کفاره صید و جماع، که محل ذبح کفاره صید و جماع در حج، منی و در عمره مفرده، مکه و در عمره تمتع مکه و منی است.

آیه الله سبحانی: ذبح

گوسفند به جهت ترک بیتوته در منی لازم نیست در مکان خاصی انجام گیرد.

آیه الله سیستانی: و

جای کشتن کفاره واجب شده به علت شکار در عمره مفرده، مکه مکرمه می باشد و جای کفاره واجب شده به علت شکار در احرام حج یا عمره تمتع، منی می باشد، و همچنین است بنابر احتیاط، کفاره واجب شده به علت سایر محرمات احرام غیر شکار. (مناسک، مسأله ۲۸۳). و اگر آن را از روی عذر و یا بدون عذر در منی نکشت تا آنکه برگشت، بنابر اظهر جایز است آن را در هر جا خواست بکشد. (مناسک، مسأله ۲۸۴).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در

صورت امکان نایب بگیرد تا از طرف او در مکه یا منی ذبح شود.

آیه الله نوری: در

صورت نداشتن قدرت مالی یا پیدا نکردن فقیر مؤمن می تواند در شهر خود یا جای دیگر ذبح کند.

آیه [۱۰]

به حاشیه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود. الله اردبیلی:

آیه [۱۱]

به حاشیه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود. الله اردبیلی:

آیه الله.

بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۱۳۵) خامنه ای:

. نظریه آیات عظام در ذیل مسأله ۳۵۰ گذشت. [۱۳]

آیه الله.

و همچنین روغنمالي که در صورت جهل به حکم باید یک فقیر را اطعام کند. زنجانی:

آیه الله.

نسبت به موارد فوق، در مورد اوّل بعد از اینکه مقداري از سعي را در عمره تمتع فراموش نموده این اضافه را بهجت: دارند: یا ناخن هاي خود را بگیرد به خیال اینکه احرامش تمام شده. (مناسک، مسأله ۲۲۵).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هر

عملي غیر از صید، که از محرم از روي جهل و نسیان سر بزند کفاره ندارد، مگر موارد ذیل:

آنکه طواف فريضة حج یا عمره را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی نماید یا مقداري از سعي را در عمره تمتع فراموش نموده و از احرام درآمد به اعتقاد اینکه فارغ شده است از سعي و یا آنکه بعد از سعي و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

کسي که دست خود را بي خود بر سر یا ریش خود بکشد و یک یا بیشتر مو از آن بیفتد.

آنکه بدن خود را روغنمالي کند از روي نادانی.

آیه الله سبحانی:

به مسائل و حواشي مربوطه مراجعه شود: ۸۴۸، ۱۱۸۷ و ۱۱۸۸.

آیه الله سیستانی:

با حاشیه مذکور موافقاند با این فرق که ایشان مورد نزدیکی بین سعي و تقصیر را ذکر نفرموده اند و در مورد آخر، روغن مالي به روغن خوشبو را موجب دانسته اند. (حکم تمام اینها در جاي خود ذکر خواهد شد ان شاء الله تعالی).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و

بعض موارد دیگر که در چاپ اخیر مناسک مذکور است.

آیه [۱۶]

مگر در ماه های حج که اگر کسی به نیت عمره مفرده استحبایی وارد مکه شود و تا زمان حج در مکه بماند، الله اردبیلی: می تواند عمره مفرده را عمره تمتع قرار دهد.

آیه الله بهجت: جواز

عدول از عمره مفرده در ماه های حج، به عمره تمتع، محل تأمل و احتیاط است، و اگر در شهر حج به عمره مفرده محرم شد و داخل مکه شد و وقت ضیق باشد از حج تمتع، می تواند با قصد، عدول به عمره تمتع نماید در صورتی که به سببی واجب نشده باشد بقا بر عمره مفرده بر او، با احتیاط در اراقه دم (کتاب حج افراد، ص ۴ و مناسک شیخ، ص ۹۰).

آیه الله تبریزی:

اگر در ماه های حج عمره مفرده انجام دهد می تواند آن را به جای عمره تمتع حساب کند.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل:

اگر در ماه های حج، عمره مفرده انجام دهد و تا وقت حج اتفاقاً در مکه بماند، می تواند آن را عمره تمتع قرار داده و حج تمتع به جا آورد، و در این حکم بین حج واجب و مستحب فرقی نیست. (مناسک، مسأله ۱۴۲).

آیه الله زنجانی:

به حاشیه مسأله ۱۸۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: چنانچه

عمره مفرده را در ماه های حج آورده و می خواهد حج مستحبی به جا آورد می تواند عدول به عمره تمتع کند.

آیه الله سیستانی:

اگر در ماه های حج عمره مفرده انجام دهد و تا روز هشتم ذی حجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره اش تمتع به حساب می آید و باید حج تمتع انجام دهد و فرقی بین حج واجب و مستحب نیست. (مسأله ۱۴۲)

آیه الله مکارم: ولی

از عمره مفرده (اگر در ماه های حج واقع شده باشد) به عمره تمتع جایز است ولی این در مورد حج مستحبی است.

آیه الله.

به طور کلی باید در سال آینده حج به جا آورد هر چند حج وی استحبایی باشد، و در هنگام احرام هم شرط تحلل زنجانی:

کرده باشد.

آیه الله

گوسفند کفاره باید تمام شرایط هدی را داشته باشد. زنجانی:

آیه ۱۹

هر چند احتیاط این است که آن شرایط در کفاره نیز مراعات شود. الله بهجت:

آیه الله سبحانی: ولی

اگر حیوانی را ذبح کند که گوشت آن قابل استفاده نباشد کفایت نمی کند.

آیه الله

عیبی ندارد که مقداری از آن را خودش بخورد و قیمت آن را برای فقرا به عهده بگیرد. تبریزی، آیه الله خویی:

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: و

احتیاط این است که خود کفاره دهنده از آن نخورد و اگر خورد احتیاط این است که قیمت اضافه می فرمایند: و نزدیکان او نیز اگر فقیر نیستند از آن نخورند. آیه الله فاضل مقداری را که خورده به فقرا صدقه بدهد. (و

آیه الله سبحانی: و

اگر تناول کرد معادل آن را به فقرا صدقه دهد.

آیه الله

کسی که کفاره بر او واجب شده، نباید از گوشت آن بخورد، اما خوردن گوشت قربانی واجب یا مستحب و یا خامنه ای: نذری اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۲۳۵)

آیه الله.

اگر كفاره دهنده غير سيد باشد، فقير و مسكين نيز بايد غير سيد باشند. اردبيلي:

آیه الله تبريزي، آیه الله خويي: بايد

مؤمن باشند.

آیه الله زنجاني: مصرف

كفارات فقير مؤمن غير سيد است.

آیه الله سبحاني: بايد

مؤمن باشد و احتياطاً غير سيد ولي نبايد به ناصبي ها و نازل منزله آنان داده شود.

آیه الله سيستاني: بايد

مسلمان بلکه به احتياط واجب مؤمن باشند مگر اينکه مؤمن مستحق پيدا نشود که مي توان به ضعفاي

غير ناصبي داد.

آیه الله فاضل: مصرف

كفاره، فقير مؤمن غير سيد است. بلي اگر دهنده آن سيد باشد مي تواند كفاره خود را به سيد فقير بدهد.

آیه الله گلپايگاني: متن

مطابق احتياط است.

آیه الله مكارم: احتياط

آن است که كفاره غير سادات به سادات داده نشود.

آیه الله.

بلکه نبايد بردارد، مگر منظورش اعلان کردن و پيدا کردن صاحبش باشد. زنجاني:

آیه الله فاضل، آیه الله مكارم: اين

احتياط ترك نشود.

آیه الله.

اين احتياط ترك نشود. اردبيلي:

آیه الله خويي، آیه الله فاضل:

بنابر احتیاط باید عوض صاحبش به مؤمن فقیر صدقه بدهد و حق تملک ندارد.

آیه الله

بنابر احتیاط حکم آن همان حکم مسأله بعدی است. اردبیلی:

آیه الله زنجانی: در

لقطه حرم (چه قیمت آن به یک درهم برسد یا نه) باید تا یک سال آن را اعلان کند؛ پس اگر مالک آن را نیافت، باید آن را صدقه دهد یا برای صاحب آن تا وقتی که احتمال دارد صاحب آن پیدا شود نگاه دارد و اگر از بین برود چنانچه کوتاهی نکرده ضامن نیست و اگر بعد از یک سال اعلان، صدقه بدهد و صاحبش پیدا شود، می تواند به صدقه راضی شود یا عوض مالش را بگیرد و ثواب صدقه برای صدقه‌دهنده باشد.

آیه الله سبحانی: در

صورتی که از پیدا کردن صاحبش ناامید است باید آن را به فقیر مؤمن صدقه بدهد و در صورتی که صاحبش [پیدا شود به صدقه دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد.

آیه الله سیستانی: بنابر [

احتیاط واجب باید از طرف صاحبش صدقه بدهد و هر وقت صاحبش پیدا شد چنانچه به صدقه دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد. (توضیح المسائل، م ۲۵۷۴).

آیه الله

بنابر احتیاط واجب. مکارم:

آیه الله

باید به صاحبش رد کند بنابر احتیاط اگر اقوی نباشد (وسیلة النجاة، ج ۲، ص ۳۲۶) گلیایگانی:

آیه الله

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود. زنجانی:

آیه الله سیستانی، آیه الله صافی:
به احتیاط واجب باید صدقه بدهد.

آیه الله
احتیاط واجب آن است که آن را صدقه دهد. اردبیلی:

آیه الله خویی:
بنابر احتیاط باید عوض صاحبش صدقه بدهد و حق تملک ندارد. (منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۶۴۶)

آیه الله سبحانی: و
طرف صاحبش صدقه دهد به نحوی که در مسأله قبل گفته شد و بهتر است اگر پس از یکسال پیدا نشد از
که آن را به حاکم شرع تحویل دهد.

آیه الله سیستانی: احتیاط
واجب آن است که تصدق کند. (توضیح المسائل، م ۲۵۷۷).

آیه الله مکارم: هرگاه
احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش نمی دهد صدقه بدهد.

آیه الله
و همچنین می تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد. (وسیلة النجاة، ج ۲، ص ۳۲۶). گلپایگانی:

آیه الله مکارم:
بنابر احتیاط واجب.

آیه الله
در صورتی که مورد تقیه باشد و راهی برای تصحیح وجود نداشته باشد. اردبیلی:

آیه الله بهجت: در
صورت امکان سجده بر «مایصح السجود علیه»، اکتفا به غیر آن خلاف احتیاط است. (استفتائات ویژه حج) و
در پرسش های جدید حج، ص ۳۰، س ۱۲۷ می فرماید: اعتبار عدم مندوحه در حال عمل، یقینی است و اما مندوحه مکانی و یا

زمانی پس اعتبار عدم آن موافق با احتیاط است. و در مورد سجده بر مهر و یا حصیر و بادبزن در مساجد مکه و مدینه در صورتی که موجب وهن و انگشتنماشدن باشد، در پرسش های جدید حج، ص ۳۱، س ۱۳۰ می فرماید: در فرض سؤال جایز نیست و حکم در صورت وجود مندوحه در مسأله قبل بیان شد.

آیه الله خویی:

اگر در آن مکان، تمکن از سجود بر آنچه سجود بر آن جایز است ندارد، سجده صحیح است.

آیه الله زنجانی: سجده

کردن بر روی فرش های مسجد، مجزی نیست و اگر ضرورتی اقتضا کرد بر روی فرش های مسجد نماز می خواند؛ ولی نباید به آن اکتفا کند.

آیه الله سبحانی:

تا آنجا که امکان دارد در نقاطی نماز بگذارد که بتواند بر سنگ های مسجد سجده کند و از خواندن نماز در نقاط مفروش خودداری شود مگر اینکه ضرورت و خوف در کار باشد (مناسک، م ۵۸۶).

آیه الله سیستانی:

اگر تقیه اقتضا کند و در همانجا مایصح السجود علیه نباشد، سجده صحیح است و لازم نیست از آنجا منتقل شود به جای دیگر.

آیه الله فاضل:

اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشتنما شدن نشود باید در محلی که بتواند پیشانی او در محل سجده بر سنگ های مسجد قرار گیرد سجده نماید.

آیه الله گلپایگانی: سجده

روی فرش های مسجد در صورت تقیه مانع ندارد. (استفتائات ویژه حج، ص ۳۰، مسأله ۵۲).

آیه الله.

□ در صورت تمکن لازم است....تبریزی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر [

فرادی می خواند و ضرورتی نباشد نباید به فرش سجده کند و اگر به جماعت می خواند سجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد و حکم لزوم اعاده و عدم آن در مسأله ۱۳۱۳ گذشت.

آیه الله |

جایی که انسان باید تقیه کند می تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای خامنه ای:

دیگر برود، ولی اگر در همان محل بتواند طوری که به زحمت نیفتد بر حصیر یا سنگ و امثال آن سجده کند، بنابر احتیاط واجب باید بر این اشیاء سجده نماید. (بخشی از رساله عملیه، م ۳۰۷)

استفتائات مسائل متفرقه

[۱۳۳۵] س - در مسجد النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) بعد از اتمام نماز جماعت، آیا می توان روی فرش های مسجد سجده نمود و یا اینکه باید برود در جایی که سنگفرش است و بر سنگ نماز بخواند؟

ج - لازم

[۱] نیست بهجای دیگر که سنگ مفروش است برود.

[۱۳۳۶] س - کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است؛ به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟

[۲]

[۳]

- با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد.

[۱۳۳۷] س - در صورتی که شخص نمازگزار وارد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نمازگزاران در مسجد هستند، آیا می تواند نماز را قرادی بر طبق شرایط موجود بهجای آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟

[۴] - می

[۵] تواند در همانجا و برطبق نماز آنان به جا آورد.

[۱۳۳۸] س - حصیرهایی که در حجاز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می شود، سجده بر آن جایز است یا خیر، با ملاحظه اینکه حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج -

[۶] اگر عرفاً روی حصیر سجده می شود مانع ندارد.

[۱۳۳۹] س - اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزاران صف جلو و عدم رعایت اتصال و... آیا نماز در این گونه موارد باید اعاده شود؟

ج - اعاده

دارد.

[۱۳۴۰] س - آیا حیض و جنب می توانند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی عبور کنند یا خیر؟

ج - نمی
[۷]توانند.

[۱۳۴۱] س - کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می شوند و نمازهای خود را با جماعت می خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشا را بخوانند یا نه؟

ج - مانع
[۸]ندارد و اگر وقت نشده باید صبر کنند.

[۱۳۴۲] س - کسی خیال می کرد که بر سنگ های فرش شده در مسجدالحرام زاده الله شرفاً سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می کرده است، آیا نمازهایی که به این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج - صحیح
[۹]نیست، مگر جاهل قاصر باشد.

[۱۳۴۳] س - در لیالی مقمره در مکه، کسانی که نماز صبح را به جماعت با سایر مسلمین می خوانند، آیا باید بعد از روشن شدن هم دوباره بخوانند، یا همان نماز که به جماعت خوانده اند کافی است؟

[۱۰]
[۱۱] - در فرض مرقوم، جماعت صحیح است و اعاده ندارد.

[۱۳۴۴] س - کسی که قصد کرده است تا پایان روز ترویبه (هشتم ذی حجه) در مکه اقامت نماید، به تصور اینکه از آغاز ورودش به مکه تا روز ترویبه ده روز است و بر این اساس، چند روز نماز را تمام خواند، بعد خلاف آن ثابت گردید و معلوم شد ده روز نبوده است، وظیفه او در نماز چیست؟ آیا تمام است یا قصر؟

[۱۲]
- را قصد کرده و بعد خلاف آن معلوم شده است، مثل اینکه یقین داشت که ماه سی روز است و روز [۱۴] واقع ده روز [۱۳] ترویبه مثلاً سهشنبه است، بعداً معلوم شد ماه ۲۹ روز است و روز ترویبه دوشنبه است، باید نماز را تمام بخواند، و اگر واقع آن را قصد ندارد و فقط خیال می کند که ده روز می ماند، مثل اینکه می داند ماه ۲۹ روز و ترویبه دوشنبه است ولی در حساب اشتباه کرده و خیال می کند تا آن روز ده روز است در حالی که واقعاً نیست، باید بعد از کشف خلاف نمازها را جمع بخواند علی الأحوط [۱۶] و آنچه تمام خوانده را نیز قصرأ قضا نماید. [۱۵]

[۱۳۴۵] س - شخصی مقلد هیچ یک از فقها نبوده؛ مثلاً ده سال، حالا می خواهد تقلید کند، در این ده سال مکه هم رفته است، آیا عبادت های او مثل نماز و روزه و حجه صحیح است یا نه؟

ج -

[۱۸] باشد صحیح است. [۱۷] اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند

[۱۳۴۶] س - قرآن هایی که در مسجدالحرام است بر بعضی نوشته شده که «وقف است» ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است، شایع است آنها که کلمه وقف و یا عبارت دیگری که مفهوم وقف بودن باشد ندارد جایز است بردارند و چنین کاری احیاناً شده است، بفرمایید جایز است یا نه؟

ج - برداشتن

آنها بدون اینکه از متصدی ذریط بگیرند، جایز نیست و باید برگردانده شود.

[۱۳۴۷] س - آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مشعر را می شود با خود آورد یا نه؟

و از مشعر مانع ندارد. [۲۰] از صفا و مروه جایز نیست [۱۹] -

[۱۳۴۸] س - نیت تیمم از حدث اکبر در مسجِدین چیست؟

ج -

و با این التفات [۲۲] بدل از غسل جنابت کند [۲۱] اگر در مسجد جنب شده، باید فوراً خارج شود و برای خروج از مسجد تیمم [۲۳] اگر تیمم کند صحیح و با نیت است.

[۱۳۴۹] س - در تطهیر مسجدالحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف می کنند و بعد با ظرف آب می ریزند و می شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می شود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می کند، آیا جواز سجده بر آن سنگ ها از باب عسر و حرج است یا جهت دیگر؟

ج - علم

[۲۴] پیدا نمی شود و با فرض شک نباید اعتنا شود.

[۱۳۵۰] س - شخصی بدون اینکه خمس مال خود را بپردازد به حج رفته است و الآن می خواهد بپردازد، آیا حج او صحیح است یا خیر؟

ج -

اگر لباس احرام و قربانی با پول غیر مخمس نبوده، عمل او اشکال ندارد و در غیر این صورت تفصیلاتی دارد که به رساله [۲۵] مراجعه شود.

[۱۳۵۱] س - اینجانب که تحت تکفل پدرم هستم اگر خدا بخواهد سال آینده به اتفاق مادرم به زیارت خانه خدا مشرف خواهم شد، لازم به یادآوری است که هزینه این سفر را از پول هایی که پدرم طی هفت یا هشت سال به عنوان هفتگی و یا پولی که برای پس انداز به ما داده پرداخته ایم، قابل ذکر است که پدرم تا این تاریخ هیچ گونه وجهی به عنوان خمس نپرداخته

است، خواهشمندم مرقوم بفرمایید که حج ما با این پول چه صورتی پیدا می کند؟

ج -

اگر یقین به وجود خمس در پول مزبور ندارید حج اشکال ندارد و اگر یقین به وجود خمس در مال دارید لازم است احرام و [۲۷] را از مال حلال یقینی تهیه نمایید. [۲۶] قربانی

[۱۳۵۲] س - فرموده اید اگر از طرف قاضی مکه حکم شد که فلان روز عید است و ما یقین به خلاف نداشته باشیم متابعت آنان جایز است، آیا اگر در همین فرض بتوان احتیاط کرد و وقوف عرفات و مشعر و اعمال منی را بدون محذور انجام داد تا متابعت قطعی واقع شود، آیا این کار لازم است یا نه؟

ج - باید

[۲۸] تبعیت کنند ولو با علم به خلاف.

[۱۳۵۳] س - آیا شخص فقیر می تواند گوشت کفاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی که نانخور او هستند برساند؟

ج - برای

کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمی شود صرف نمود.

[۱۳۵۴] س - کفاراتی که در احرام عمره تمتع بر گردن انسان می آید، در مکه معلوم است که فقیر مؤمن نیست، آیا باید صبر کند تا در محل، ذبح کند و به فقیر بدهد و این تأخیر عمدی مانع دارد؟

ج - تأخیر

[۲۹] عمدی خلاف احتیاط است و در هر صورت ذبح در محل و دادن به فقرا کفایت می کند.

[۱۳۵۵] س - اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمی داند متعلق به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه او چیست؟

ج -

[۳۰] با یأس از پیدا شدن صاحبش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی الأحوط.

[۱۳۵۶] س - زنی به همراه شوهرش در روز یازدهم جهت رمی به طرف جمرات حرکت می کند که بر اثر شدت گرمی هوا و کثرت جمعیت، شوهر خود را گم می کند، حالت اضطراب و شوکه شدن به او دست می دهد و به زمین می افتد، مأمورین او را به بیمارستان منتقل می کنند، بعد از چهار روز تفحص و جستجوی زیاد در بیمارستان پیدا می شود که قادر به سخن گفتن نبوده و حتی قادر به انجام بقیه اعمال حج نمی باشد و در فاصله این مدت همراهان او شوهرش را تکلیف می کنند که به نیابت پرتی از خانواده خودش بقیه اعمال او را انجام دهد، آنچه مسلم است این بوده که شوهر در حال ناراحتی و اضطراب و حواس بوده، ولی از او که سؤال می شود اعمال نیابتی را انجام دادید یا نه جواب می دهد بلی انجام دادم، پس از مراجعت از حج شوهرش قسم جلاله یاد می کند که من حالم به جا نبوده، و اعمال نیابتی را انجام ندادم و اظهار می کند که اجتماع ما با هم حرام است، آیا حج صحیح است یا نه؟ و در صورت عدم صحت آیا با نیابت کفایت می کند یا اینکه لازم است خودش بقیه اعمال

حج را انجام دهد و قربانی که به واسطه عدم بیتوته در منی می باشد، آیا در محل خودش ذبح کند کافی است و یا باید به منی فرستاده شود؟

ج -

و اعمال مکه را انجام نداده در صورتی که می تواند خودش به مکه برود باید خودش آنها^[۳۱] اگر اعمال روز عید را انجام داده و لازم نیست به منی^[۳۲] را انجام دهد، و اگر معذور است نایب بگیرد و قربانی مورد سؤال در محل خودش هم صحیح است باید قضا شود و اگر خودش نمی تواند برود، نیابت کافی است.^[۳۳] فرستاده شود، و رمی ایامی که انجام نشده، سال بعد

[۱۳۵۷] س - شخصی در سال ۱۳۶۱ به حج مشرف می شود و در مغرب روز نهم ذی حجه با وانت کارگری بدون توقف در مشعر الحرام به منی رفته و در خارج منی به دست غیر مؤمن قربانی کرده، و در خارج منی سر تراشیده است، تکلیف این شخص چیست، آیا می تواند به نیت دیگری یا برای خودش به حج مشرف شود؟

^[۳۴]

بنابر احتیاط واجب باید قربانی و سرتراشی و اعمال مکه را اعاده کند و عمره مفرده ای هم به جا آورد و دو مرتبه اصل حج را هم انجام دهد و تا سرتراشی و اعمال بعد از آن انجام نگرفته و عمره مفرده را انجام نداده، باقی بر احرام است.^[۳۵]

[۱۳۵۸] س - آیا در عرفات و منی و مشعر و بعد از مراجعت از اماکن مزبور در صورتی که مسافت شرعی محقق نشود وظیفه حاجی که قبلاً در مکه معظمه قصد اقامت کرده اند از حیث قصر و اتمام چیست؟

ج - در

[۳۶] فرض مذکور تمام است.

[۱۳۵۹] س - بعضی از حجاج در مکه قصد اقامه کرده اند، چه بطن مکه یا محلات آن مثل شیشه و ریع الذاهر یا مسفله یا حجون، اگر یقین داشته باشند که تا عرفات چهار فرسخ است، نماز را قصر و اگر شک داشته باشند در مسافت شرعی نماز را تمام می خوانند، بفرمایید در مراجعت از عرفات و منی، تکلیف آنان از نظر قصر و اتمام چیست؟ با توجه به اینکه توقف آنان در مکه یک روز یا سه روز یا نه روز است و باید به ایران یا مدینه حرکت کنند؟

ج - در

صورت عدم مسافت شرعی یا شک در آنکه در نماز باقی بر تمام هستند، اگر از عرفات که به مکه برمی گردند، از جهت اینکه محل اقامه است می روند و بعد از مکه قصد مسافرت می کنند، در بازگشت به مکه و در خود مکه هم نمازشان تمام است.^[۳۷]

[۱۳۶۰] س - اگر موقف دو روز اختلاف داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج - فرقی

[۳۸] بین یک روز اختلاف و دو روز در حکم مسأله نیست.

[۱۳۶۱] س - در مواردی که فرموده اید: اگر مشقت یا حرج داشته باشد... بفرمایید منظور از مشقت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج - باید

خصوص مسأله ملاحظه شود و اگر حکم دائر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی آن منظور است.

[۱۳۶۲] س - حاجي تمام اعمال عمره و حج را انجام داد و بعد فهميد وضویش باطل بوده است، آیا با تدارک طواف ها و نماز، حج او صحيح است يا نه؟ و بر فرض فساد چگونه از احرام خارج شود، وظیفه او چیست؟

[۳۹]

[۴۰]

- بلي با تدارک طواف ها و نماز، حج او صحيح است.

[۱۳۶۳] س - اگر شخصی مبلغی از رز به فردي بدهد که عوض آن را به قيمت دولتي يا آزاد- پول ایرانی بگیرد، چه حکمي دارد؟

ج - در

و خلاف مقررات هم نباشد. [۴۱] تبدیل پول باید با هم تراضي نمایند

[۱۳۶۴] م - پیشاهنگانی که مي خواهند بدون احرام در عرفات و مني باشند و نمي توانند در آنجا با احرام باشند، مي توانند براي ورود به مکه، عمره مفرده انجام دهند و براي حج محرم نشوند، ولي کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند و [۴۲] باید عمره و حج تمتع به جا آورد و در هر صورت اگر مُحرم شد و با لباس مخیط بود حج او صحيح است و باید كفاره بدهد.

[۱۳۶۵] س - شخصی بعد از احرام عمره تمتع دیوانه شده است، دوستان او بدون اجازه براي او نایب مي گیرند و يا تبرعاً باقي اعمال او را انجام مي دهند، آیا این اعمال براي شخص اول مجزي است و از احرام خارج مي شود يا نه؟ و اگر پولي خرج شد، آیا مي شود از ولي کسی که دیوانه شده گرفت يا نه؟

[۴۳] -

و پولي که خرج شده از مال کسی است [۴۴] نیابت مزبور کفایت نمي کند و شخص اول همچنان در احرام باقي است [۴۵] که خرج کرده است و نمي تواند به دیگری رجوع کند، مگر آنکه مغرور شده باشد.

[۱۳۶۶] س - آیا عمره و حج به واسطه جماع، يا ترک طواف، يا ترک احدالموقفین، فاسد مي شود يا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه باید از احرام خارج شد؟

ج - تفصیل

و چنانچه در حج [۴۶] موارد فساد به واسطه امور ذکر شده، در مناسک موجود است و جماع در عمره تمتع مفسد نیست فساد به واسطه جماع باشد، باید عمل حج را تمام کند گرچه حج فاسد است و با اتمام حج از احرام خارج مي شود، ولي در موارد دیگر، اگر فساد به ترک وقوف باشد، باید به همان احرام حج، عمره مفرده به جا آورد و مُحَلَّ شود و حکم ترک طواف در عمره [۴۷] تمتع، در مناسک مفصلاً بیان شده است و ترک طواف در حج صوري دارد که بعض آنها در مناسک ذکر شده است.

[۱۳۶۷] س - کسی که حج او به واسطه ترک وقوفین فاسد شده و باقي اعمال را به جا آورده و بدون عمره مفرده به ایران آمده است، تکلیف فعلي و آینده این مُحرم چیست؟

ج -

[۴۸] به احرام باقی است و می تواند برای خروج از احرام عمره مفرد انجام دهد.

[۱۳۶۸] س - آیا قصد ابطال عمره یا حج و یا بعض اجزاء آن، مبطل است یا نه؟

ج - قصد

ابطال، مبطل نیست.

[۱۳۶۹] س - آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی، که در بازار مسلمین به فروش می رسد، جایز است یا نه؟

ج -

و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می شود، در [۴۹] اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد صورتی محکوم به حلیت است که وارد کننده مسلمان باشد [۵۰] و احتمال بدهند که احراز تذکیر آن را کرده و در دسترس [۵۱] مین قرار داده است.

. مراجعه شود به مسأله ۱۳۳۴. [۱]

آیه الله اردبیلی:

به حاشیه مسأله ۱۳۳۴ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:

اضافه کردند: آیه الله سیستانی با وجود مکان سنگ فرش در مسجد باید به آنجا برود. (بلی نماز مستحب را می تواند رجاء در روضه مقدسه بخواند.)

آیه الله خامنه ای:

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله زنجانی:

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی:

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه ۲.

نماز در مسجد الحرام به نحو استداره مانعی ندارد؛ ولی در حال حاضر که نماز جماعت آنها شرایط لازم را ندارد الله زنجانی: باید نماز را اعاده کرد، هر چند بسیار مناسب است که شیعیان در نماز جماعت عامه، حاضر گردند.

آیه الله سبحانی: باید

در صورت اقتدا در تمام دورها از امام عقب تر باشد یعنی فاصله او با کعبه بیش از فاصله امام جماعت باشد ولی نماز کسانی که روبروی امام قرار دارند صحیح نیست و در هر حال باید نماز را اعاده کنند.

آیه ۳ [۳]

با انحفاظ نسبت در صف مأمومین با امام با انحفاظ نسبت امام به کعبه اگر محفوظ باشد تا تمام دور حتی الله بهجت: ۷ و عدم حائل بین هر ل مأموم و آنکه به او متصل است، دور نیست تصحیح نماز جماعت به طور استداره در اطراف کعبه یا مسجد و در امام غیر مرضی مراعات وظیفه منفرد لازم است.. (ذخیره، ج ۲، ص ۲۳۱)

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: در

هر صورت باید قرائت را خود ولو به نحو حدیث نفس بخواند.

آیه الله خامنه ای: نماز

کسی که پشت سر امام یا در یکی از دو طرف او بایستد، صحیح است، و بنابر احتیاط مستحب، کسی که در یکی از دو طرف امام ایستاده باید فاصله میان امام جماعت و کعبه را رعایت کند و از امام به کعبه نزدیک تر نباشد، اما نماز کسی که در طرف دیگر کعبه مقابل امام بایستد، صحیح نیست. (مناسک حج، مسائل متفرقه، س ۲)

آیه الله خویی:

جایز نیست، ولی به هر حال چون اقتدا صوری است باید قرائت را ولو آهسته و یا اگر نمی شود به نحو حدیث نفس بخواند و این نماز مجزی است.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: نماز

به نحو استداره مانعی ندارد ولی بنابر احتیاط باید به حسب دایره مقدم بر امام نباشد و همچنین بنابر احتیاط با مراعات قید قبلی نزدیکتر از امام به کعبه هم نباشد. (العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۸۳ مسأله ۲۵ شرایط الجماعة).

آیه الله فاضل:

اگر به جهت تقیه خوانده باشد اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه استداره جایز نیست.

آیه الله نوری:

با حفظ نسبت در تمام دایره صحیح است.

آیه ۴ [۴]

می تواند رجاء بخواند، ولی نباید به آن اکتفا کند. الله زنجانی:

مراجعه شود به مسأله ۱۳۳۴. [۵]

آیه الله اردبیلی: باید
بر چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده کند.

آیه الله تبریزی:
با وجود مکان سنگفرش در مسجد، باید در آنجا نماز بخواند و در غیر این صورت اگر روی فرش ها هم سجده
کند مجزی است.

آیه الله خامنه ای:
به حاشیه مسأله ۱۳۳۴ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: باید
در منزل با رعایت شرایط معتبره بخواند مگر تقیه اقتضای غیر آن را داشته باشد.

آیه الله مکارم: یعنی
برای سجده مهر نگذارد.

آیه [۶]

اگر مجموع آنچه سجده بر آن صحیح است به اندازه کفاف برسد اشکال ندارد. الله بهجت:

آیات عظام زنجانی، سیستانی، مکارم: سجده
بر این حصیرها مانعی ندارد.

آیه [۷]

احکام مطلق مساجد را دارند ولی احکام خاصه را ندارند. الله بهجت:

آیه الله تبریزی:
بنابر احتیاط باید عبور ترک شود.

آیه الله سبحانی: ولی

مسعی حکم مسجد را ندارد.

آیه [۸]

اشکالی ندارد با رعایت وظیفه منفرد، چه آنکه استتار قرص کافی است. الله بهجت:

آیه الله خویی:

اگر نماز مغرب قبل از زوال حمزه مشرقیه باشد، فتوای ایشان به صحت آن معلوم نیست و لذا احتیاط رعایت شود.

آیه الله زنجانی: باید

قبل از نماز عشاء نماز مغرب را اعاده کنند.

آیه الله سبحانی: در

تقیه خویی وقت مانند بقیه شرائط و اجزاء است ولی در تقیه مداراتی به ذیل مسأله ۱۳۱۳ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی:

اگر قبل از دخول وقت، نماز با آنها بخواند مجزی نیست.

آیه الله مکارم: وقت

وارد شده است.

آیه [۹]

به احتیاط واجب اعاده لازم است. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: نمازهایش

را قضا کند و نماز طواف را خود یا نابیش اعاده نماید.

آیه الله تبریزی: نمازهایی

که به این صورت خوانده، باطل است و باید اعاده کند و اگر نماز طواف را هم به این صورت خوانده، حکم نسیان نماز طواف بر آن جاری است، چنانچه متمکن است باید پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اگر متمکن نیست می تواند در جای خود اعاده کند.

آیات عظام خویی، زنجانی، صافی، گلپایگانی: جاهل

قاصر مُستثنی نشده است.

آیه ۱۰.

تأخیر نماز صبح در شب های مهتابی، لازم است؛ لذا در فرض سؤال باید بعد از روشن شدن هوا نماز صبح را الله زنجانی: اعاده کند.

آیات ۱۱.

فرقی میان شب های مهتابی عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: و غیر مهتابی نیست.

آیه الله خامنه ای: فرقی

میان شب های مهتابی و غیر مهتابی نیست، هر چند احتیاط در این زمینه خوب است. (اجوبة الاستفتاءات، س ۳۵۴)

آیه الله.

نمازش قصر است. زنجانی:

آیه الله.

قصر است و باید نمازش را احتیاطاً قضا کند. بهجت:

آیه الله خامنه ای: در

مکه و مدینه در کمتر از ده روز هم می تواند نماز را تمام بخواند چون بین قصر و اتمام مخیر است. (مناسک حج، مسائل متفرقه، س ۵)

آیه الله فاضل: در

فرض اول که واقع ده روز را قصد کرده است نمازهایی را که تمام خوانده صحیح است و تا وقتی که انشاء سفر جدید نکرده است نمازها را حتی در عرفات و منی باید تمام بخواند، اما در فرض دوم که در واقع قصد ده روز نداشته و اشتباه کرده است نمازهایی را که در مکه تمام خوانده صحیح است و مادامی که در مکه است مخیر بین قصر و اتمام است اما در عرفات و منی باید شکسته بخواند.

آیه الله.

در هر دو صورت در مکه قدیم مخیر است بین قصر و تمام و در غیر آن وظیفه اش قصر است و نمازهایی را که تیریزی: در غیر مکه قدیم تمام خوانده بنابر احتیاط اعاده کند.

آیه الله خویی: فتوای

ایشان در این مسأله در دست نیست ولی آنچه نماز تمام خوانده و وقت آن گذشته قضا ندارد و قبلاً گذشت که در مکه قدیمه شخص مخیر بین قصر و تمام است.

آیه الله سیستانی:

به هر حال نماز تمام در همه شهر مکه صحیح است.

آیه الله.

نماز او قصر است و آنچه را به صورت تمام خوانده باید به صورت قصر قضا کند. سبحانی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

مسافر مخیر است نماز خود را در تمام شهر مکه مکرمه و مدینه منوره به صورت تمام یا شکسته بخواند، بنابراین احتیاط آن است که پس از کشف خلاف نمازهای خود را تمام بخواند.

آیه الله مکارم: باید

قصر بخواند، جمع لازم نیست.

. برای به دست آوردن حکم این مسأله و شناخت نظریه آیات عظام به توضیح المسائل آنان مراجعه شود، مضافاً بعضی از [۱۶] آیات عظام قائل بودند که نماز را در تمام شهر مکه و مدینه می توان به نحو تخییر بین قصر و اتمام انجام داد.

آیه الله اردبیلی: در

فرض سؤال نمازهای بعدی را قصر بخواند و نمازهای گذشته را چنانچه در مسجد خوانده باشد، کافی است و اگر در خارج مسجد خوانده به نحو قصر، آنها را اعاده کند.

آیه الله.

یا کسی که در هنگام عمل وظیفه اش تقلید از او بوده است. اردبیلی:

آیات [۱۸]

اگر اعمالش مطابق واقع باشد و عبادات را به قصد قربت به جا آورده باشد صحیح عظام، زنجانی، صافی، گلپایگانی: است و راه به دست آوردن مطابق شدن آن با واقع این است که یا علم پیدا کند که مطابق با واقع بوده یا آنکه مطابق فتوای مجتهدی که فعلاً وظیفه اش تقلید از او است واقع شده است. (توضیح المسائل ۱۴، احکام تقلید).

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم:

اگر مطابق فتوای کسی که الآن از او تقلید می کند باشد صحیح است.

آیه الله سیستانی:

اگر مطابق فتوای کسی که الآن باید از او تقلید کند باشد صحیح است، در غیر این صورت نیز گاهی صحیح است، مانند اینکه جاهل قاصر باشد و اخلاص به چیزی شده باشد که با جهل قصوری ضرر ندارد.

آیه [۱۹]

برداشتن سنگی که متعلق به صفا و مروه یا مساجد یا ملک اشخاص است بدون رضایت مالک آن جایز الله زنجانی: نیست و از غیر آن اشکال ندارد و برگرداندن آن واجب نیست، مگر آنکه پس از برگرداندن، در این اماکن مورد استفاده قرار گیرد یا مالک آن راضی نباشد.

آیه الله.

جایز است. اردبیلی:

آیه الله بهجت: برداشتن

خاک و سنگ از مسجد الحرام و صفا و مروه جایز نیست و اگر آورده باید برگرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست (مناسک، س ۱۸۵).

آیه الله تبریزی:

بنابر احتیاط.

آیه الله خویی: نظر

ایشان راجع به برداشتن سنگ از صفا و مروه به دست نیامد.

آیه الله سبحانی: برداشتن

سنگ از صفا و مروه و مسجد خیف جایز نیست و احتیاط آن است که از آوردن خاک و ریگ حرم مطلقاً خودداری شود.

آیه الله سیستانی: شکستن

سنگ های صفا و مروه جایز نیست ولی برداشتن آنچه از آنجا جدا شده مانعی ندارد.

آیه الله گلپایگانی: بیرون

بردن خاک و سنگ از حرم ممنوع است علی الأحوط. (آراء المراجع، ص ۴۳۴).

آیات [۲۱]

مگر اینکه زمان خروج کوتاهتر باشد از زمان تیمم که باید بدون آن خارج شود یا عظام بهجت، سبحانی، سیستانی: مساوی باشد که مخیر است.

آیه الله تبریزی: نیت

در تیمم بدل از غسل جنابت، به جهت خروج از مسجد است.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل:

مگر اینکه زمان خروج کوتاه تر از زمان لازم برای تیمم و یا مساوی باشد که در این صورت واجب نیست.

آیه الله مکارم:

مگر اینکه زمان خروج کوتاهتر از زمان تیمم باشد.

آیه الله

مگر آنکه وقت خروج از مسجد کمتر از مقداری باشد که برای تیمم صرف می شود که در این صورت باید بدون اربابیلی: تیمم فوراً از مسجد خارج شود.

آیه الله

تیمم با سنگ های مسجدالحرام که از آن چیزی به دست نمی چسبد صحیح نیست. زنجانی:

آیه الله

لیکن از عین نجاست باید پرهیز کرد. سبحانی:

آیه الله گلپایگانی،

کتباً فرموده: و با فرض یقین طواف و نماز از جهت تقیه محکوم به صحت است و شفاهاً فرموده: در وقت طواف نعلین بپا کند. (آراء المراجع، ص ۴۱۸).

. مراجعه شود به سؤال ۶۶۷. [۲۵]

آیه الله اردبیلی:

به حاشیه مسأله ۶۶۷ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: چنانچه

با عین مال غیر مخمّس معامله کرده؛ یعنی عین مال در مقابل لباس قرار گرفته، طواف و نماز با آن لباس باطل است ولی اگر لباس را به ذمه خریده و بعد از معامله، آن مال غیر مخمّس را در عوض دین پرداخت نموده، طواف و نماز با آن لباس باطل نیست.

آیه الله سبحانی: مشروط

بر اینکه حداقل تمام خمس مخارج حج و یا عمره را به ذمه بگیرد و توان پرداخت آن را داشته باشد.

آیه الله

و سایر هزینه های حج. زنجانی، آیه الله مکارم:

. حکم آن مانند سؤال قبل است. [۲۷]

آیه الله اردبیلی:

به حاشیه مسأله ۶۶۷ مراجعه شود.

آیه الله بهجت:

با توجه به لزوم خمس در هبه، علی الأحوط و همچنین اینکه در طول هفت یا هشت سال این پول جمع شده، باید خمس به آن تعلق گرفته باشد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، فاضل: چنانچه

پول های جمع شده تا سال تشرف به حج را تخمیس نمایند به وظیفه عمل شده و حج اشکالی ندارد.

آیه الله.

و احتیاط مذکور در سؤال خلاف احتیاط است. اردبیلی:

آیه الله بهجت: آنکه

علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضی روز عرفه (نهم) است، واقعاً روز ترویبه و هشتم باشد، که در این صورت وقوف با آنها کافی نخواهد بود. بلی با عدم علم به خلاف و عدم قیام حجت شرعی به خلاف و با اقوی کفایت موافقت با عامه است چنانکه سیره قطعیه غیر مردوعه بر آن دلالت دارد و عدم مانعیت علم به خلاف از صحت عمل با ناچاری و تقیه، خالی از وجه نیست و عمل به واقع در جمیع صور، ظاهراً مجزی است و با عدم شرایط تقیه صحت عمل مورد تأمل است با موافقت عامه، ولو علم به خلاف عمل ایشان بر حسب حکم حاکم ایشان نباشد، والله العالم. (مناسک، مسأله ۳۷۵).

آیه الله تبریزی: نظریه

ایشان عیناً نظریه آیه الله خویی است اما با این اضافه:

و ممکن است در صورت دوم چاره کند به اینکه در روز عید آنها (روز نهم واقعاً) از طریق منی به مکه برگردد و بعد از راه عرفات و مشعر به منی برود، بنحوی که قبل از غروب وقوف در عرفات بنماید ولو آنأما (ولو یک لحظه) و در حال حرکت، و به همین نحو وقوف در مشعر را در شب درکند و بعد برای اعمال به منی برود. (مناسک، مسأله ۳۷۵).

آیه الله خویی: آنکه

علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضی روز عرفه (نهم) است، واقعاً روز ترویبه و هشتم باشد، که در این صورت وقوف با آنها کافی نخواهد بود. و در این حال اگر مکلف تمکن از عمل به وظیفه را داشته باشد ولو به وقوف اضطراری در مزدلفه بدون محذور حتی محذور مخالفت تقیه، باید عمل به وظیفه نماید، و در غیر این صورت حش بدل به عمره مفرده شده و حجی نخواهد داشت. و چنانچه استطاعتش از همین سال بوده و برای سال های بعد باقی نخواهد ماند، وجوب حج از او ساقط خواهد بود، مگر اینکه استطاعت تازه ای پیدا کند که در این صورت دوباره حج می نماید. (مناسک، مسأله ۳۷۵).

آیه الله زنجانی: مجزی

است ولو با علم به خلاف.

آیه الله سبحانی:

اگر علم قطعی به خلاف نباشد حج صحیح است و اگر علم قطعی به خلاف حاصل شود مثلاً روز نهم حکم مفتی عربستان روز هشتم واقعی باشد و نتواند احتیاط کند (مقداری ولو کم از بعد از ظهر روز دهم آنها در عرفات حضور داشته باشد و شب یازدهم پس از طلوع فجر در مشعر باشد) احرام حج او به عمره مفرده تبدیل می شود و اگر او در همان سال مستطیع شده و استطاعت او برای سال های بعد باقی نماند حج از او ساقط می شود مگر اینکه مجدداً مستطیع شود.

آیه الله سیستانی:

اگر برای مکلف ممکن شود که اعمال حج را در اوقات مخصوص خود، برطبق ضوابط شرعی، در باب ثبوت هلال به جا آورد و آنها را به همین صورت به جا آورد، حجتش در هر صورت صحیح است و اگر آنها را به صورت یاد شده به جا نیاورد، اگرچه به علت عذری باشد پس اگر از نظر و حکم قاضی عامه نیز در وقوف در عرفات و مشعر پیروی نکرد، شکی در بطلان حج او نیست ولی اگر از او پیروی کند صحت حج او مورد اشکال است. (مناسک، مسأله ۳۷۱).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: هرگاه

نزد قاضی عامه، اول ماه ذی حجه ثابت شود و برای شیعه شرعاً ثابت نشده باشد و به این جهت روز نهم ذی حجه در نزد آنها روز هشتم به نظر شیعه باشد، احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است وقوف اختیاری شیعه نهم است انجام دهد و اگر ممکن نشد اضطراری آن را در کنند، و به مشعر رفته و وقوف در آنجا را نیز درک نماید و اعمال □ روز عید را در منی به عمل آورد، و اگر درک اضطراری عرفات هم ممکن نشد درک اختیاری مشعر کافی است و حجتش صحیح است و بنابر اقوی چنانچه گفته خواهد شد، درک اضطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز کفایت می کند و اگر درک هیچ یک از این مواضع میسر نشود، حکم آن در مسأله بعد ذکر خواهد شد.

هرگاه هلال نزد قاضی عامه ثابت شود و نزد شیعه ثابت نشده باشد لکن از جهت تقیه ناچار به متابعت باشند و از عمل به وظیفه خود خائف باشند اقوی صحت و کفایت همین حج است از حجة الاسلام، هرچند عالم به خلاف باشند و اگر بدون خوف متمکن از عمل به وظیفه باشند احوط آن است که با آنها رجاء متابعت کند و بعد واجب است عمل بوظیفه خود نمایند حتی با عدم علم به خلاف.

. به مسأله ۱۳۱۷ مراجعه شود. [۲۹]

آیه الله اردبیلی:

به حاشیه مسأله ۱۳۱۷ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کفار

ای که بر محرم، برای غیر از شکار واجب شده است، علی الظاهر این است که می تواند کشتن آن را تا بازگشتن از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد. (مناسک عربی، مسأله ۲۸۴)

آیه الله زنجانی:

به مسأله ۱۳۱۷ و ۱۳۲۹ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: تأخیر
تا هنگام بازگشت به محل مانعی ندارد.

. برای به دست آوردن نظریه مراجع به ذیل مسأله ۱۳۳۰ الی ۱۳۳۲ مراجعه شود. [۳۰]

آیه الله زنجانی:
به مسأله ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ مراجعه شود.

آیه الله.
در صورتی که فقط مبییت در منی و رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم ترک شده، حجاوتبریزی، آیه الله خویی:
آیه الله خویی: ... و اگر طواف فریضه یا سعی ترک شده و امکان تدارک در ماه ذی
حجه نیست آیا حکم فراموش کردن طواف و سعی
[را دارد که حش صحیح است یا نه، فتوای ایشان در دست نیست.

آیه الله.
در فرض مسأله که صورت اضطرار است کفار لازم نیست. زنجانی، آیه الله مکارم:

آیه الله |
و در ایام تشریق قضا کند. صافی، آیه الله گلپایگانی:

آیه الله.
حش صحیح است و حلق کند و موی خود به منی فرستد. بهجت:

آیه الله زنجانی:

اگر هنگام عبور از مشعر الحرام، قصد وقوف کرده یا به جهت ندانستن حکم، قصد وقوف نکرده ولی در مشعر ذکر خدا گفته باشد حج او صحیح است و از احرام خارج شده است ولی باید قربانی کند، و اگر قصد وقوف نکرده و ذکر خدا هم نگفته حش باطل است و باید اعمال عمره مفرده به جا آورد تا از احرام بیرون آید.

آیه الله.

به حاشیه قسمت هشتم مسأله ۹۸۷ مراجعه شود. اردبیلی:

آیه الله تبریزی: در

فرض مزبور که از مشعر عبور کرد ولی توقف نکرد، چنانچه از روی ندانستن مسأله، وقوف به مشعر را ترک کرد، حش صحیح است و باید آن اعمال و اعمال بعد از آن را اعاده کند و بعد از اعاده آنها می تواند به نیت دیگری یا برای خودش حج به جا آورد.

آیه الله خویی:

اگر ترک وقوف مشعر از روی جهل به حکم بوده حش صحیح است ولی باید یک گوسفند کفاره بدهد و ذبح و حلق اگر در روز بوده مجزی است.

آیه الله سبحانی: این

شخص چنانچه وقوف اختیاری عرفه را در کرده باشد نه اضطراری عرفه را و هنگام مرور از مشعر به منی ذکر خدا را گفته است حش صحیح است در غیر این صورت حج او باطل است و حج خود را تبدیل به عمره کند و در صورت استقرار حج یا بقای آن حج را در سال بعد اعاده می کند و لکن در مورد صحت حج و انجام قربانی و حلق به شرحی که در متن است؛
الان به خاطر محذوراتی که هست ذبح در خارج منی کفایت می کند و چنانچه خود نیت قربانی و حلق را داشته مباشرت خلاق و ذابح غیر مومن اشکال ندارد و موهایی خود را به منی بفرستد.

آیه الله سیستانی:

اگر هنگام مرور از مزدلفه قصد وقوف کرده باشد حش صحیح است و اگر قصد نکرده باشد از روی جهل به مسأله ولی ذکر خدا در حال مرور گفته باشد باز هم حش صحیح است و قربانی او در خارج از منی از روی غفلت و جهل قصوری صحیح است و حلق او نیز صحیح است ولی اگر در مشعر نه قصد کرده است و نه ذکر خدا گفته است حش باطل است و باید اعمال عمره مفرده به جا آورد و طواف و سعی حج او به جای طواف و سعی عمره کافی است و باید تقصیر کند و برای طواف نساء نایب بگیرد.

آیه الله گلپایگانی:

اگر ترک وقوف مشعر عمدی نبوده و از طرفی وقوف اختیاری عرفات را در کرده است و همچنین تمکن از قربانی در منی نداشته و در وادی محسر قربانی کرده و از طرف دیگر از جهت جهله مسأله و غفلت در غیر منی حلق کرده، اجزاء بعید نیست. و در غیر صورت فوق، باید به آنچه در متن آمده عمل نماید. (مستفاد از مناسک فارسی، ص ۱۲۵ مسأله ۱۶۲، و مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۰۱ مسأله ۵، و ج ۱، ص ۴۹۱، مسأله ۱۰).

آیه الله مکارم: چنانچه

ترک وقوف مشعر عمدي نبوده و کارهاي فوق جهلاً صورت گرفته، حج او صحيح و اعاده قرباني هم لازم نیست.

آیه الله

در مواردی که نماز در مکه تمام است در عرفات و مشعر و منی هم تمام است و گرنه قصر است. (پرسش های بهجت: جدید حج ص ۳۱ س ۱۳۱)

آیه الله خویی: در

مفروض سؤال در مکه معظمه بدون قصد عشره هم ادای نماز به نحو تمام صحيح و مجزي است و با قصد عشره متعین می شود، و با خارج شدن به عرفات حکم سفر برایش تجدید می شود که باید در آن ایام نماز رباعي را شکسته بخواند (با احراز مسافت شرعيه) در عرفات و منی و چون به مکه برمی گردد باز مخیر بین قصر و تمام است، در خود مکه مکرمه، البته نه در محله های دور فعلي آن، که شک در حقوق آن به مکه باشد. (آراء المراجع، ص ۴۱۰).

آیه الله سبحانی: قصد

عشره باید بدون احتساب روزهایی که در عرفات و مشعر و منی به سر می برد صورت پذیرد، البته با تحقق □ قصد عشره در خود شهر مکه، نمازشان در عرفات و مشعر و منی تمام است.

آیه الله سیستانی: اگر [

مجموع مسافت از مکه به عرفات و از آنجا به مشعر و منی تا مکه ۴۴ کیلومتر یا بیشتر باشد نماز شکسته است و اگر کمتر باشد نماز تمام است و در این صورت اگر از عرفات قصد بازگشت به وطن را داشته باشد و آمدنش به مکه نه از این جهت باشد که محل اقامت او است بلکه از این جهت که در راه واقع است نمازش در مشعر و منی شکسته است و در مکه مخیر است.

آیه الله گلپایگانی: در

فرض مذکور اگر قصد برگشت به وطن ندارد تا در محل اقامه است باید نمازش را تمام بخواند و اگر قصد و در برگشت از محلی که رفته و در محل اقامه در مشعر و منی و در مکه پس از مراجعت از د باید نماز را شکسته [عرفات

بخواند البته در مکه مخیر بین قصر و اتمام است. (آراء المراجع، ص ۴۱۱).

آیه الله

فاصله مکه تا عرفات فعلاً مسافت شرعيه نیست و اگر قبلاً در مکه قصد اقامت کرده اند نمازشان فاضل، آیه الله مکارم: در مکه و عرفات و در بازگشت تمام است.

. به سؤال ۱۳۵۲ مراجعه شود. [۳۸]

آیه الله سبحانی:

به سؤال ۱۳۵۲ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بلکه

فارق علم به خلاف و عدم علم به خلاف است که در صورت عدم علم به خلاف تبعیت لازم و مجزی است ولی در صورت علم به خلاف مجزی نیست. (مناسک عربی، مسأله ۳۷۱).

آیه الله.

اگر بعد از مراجعت به وطن متوجه شده اعاده طواف و نماز آن کافی است و در غیر این صورت مطابق حاشیه زنجانی: مسأله ۶۷۹ و ۷۱۰ عمل نماید.

آیه الله سبحانی:

اگر بعد از اعمال حج فهمید که طواف حج او بی وضو و یا اینکه با وضوی باطلی انجام شده است این شخص باید تا آخر ذی حجه طواف و نماز و سعی و چنانچه طواف نساء را نیز بی وضو انجام داده طواف نساء و نمازش را اعاده کند و چنانچه این شخص از مکه خارج شده باشد و بازگشت حرجی و یا غیر ممکن باشد باید نایب بگیرد و علاوه بر نایب خودش هر کجا که هست نماز طواف را بخواند ولی اگر بازگشت مشکل نیست خود باید برگردد و انجام دهد و در این صورت اعاده حج در سال دیگر لازم نیست ولی چنانچه بعد از ذی حجه متوجه بطلان وضوی خود در طواف حج شد وظیفه او عمره مفرده است و چنانچه خود نمی تواند باید نایب بگیرد و سال بعد حج واجب خود را به جا آورد.

آیه الله.

و چنانچه در مکه و در ماه ذی حجه متوجه شود، بنابر احتیاط سعی حج را نیز اعاده کند مگر اینکه بطلان وضواردبیلی: به جهت جهل به مسأله بوده باشد که در این صورت حش باطل است و بنابر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد و یک عمره مفرده جهت خروج از احرام به جا آورد.

آیه الله بهجت: واجب

است نایب بگیرد و احتیاط این است نایب بعد از طواف، سعی را نیز اعاده کند.

آیه الله تبریزی: در

فرض مزبور حج تمتع او باطل است و بنابر احتیاط طواف و سعی را به قصد عمره مفرده به جا آورده و تقصیر یا حلق نموده طواف نساء را انجام داده از احرام خارج می شود و سال آینده حج تمتع را به جا آورد.

آیه الله خویی:

اگر زمان تدارک گذشته مانند اینکه وضوی طواف عمره باطل بوده حش باطل است، احرام او هم باطل است

و اگر زمان تدارک باقی باشد مانند اینکه طواف حج باطل بوده و هنوز ماه ذی حجه تمام نشده طواف و اعمال مترتبه را اعاده می کند و اگر متمکن از مباشرت نیست برای آن اعمال نایب می گیرد و نباید اعاده غیر از طواف نساء از ماه ذی حجه بگذرد.

آیه الله سیستانی: ولی [

در فرض جهل به حکم حج او باطل است و بنابر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد و از احرام خارج شده است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در

فرض سؤال طواف او باطل است و احرام او باقی است و اگر در ذی حجه در مکه متوجه شود بعد از وضو، طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و عمره مفرد نیز به جا آورد با طواف نساء و مُحَلّ شود و در سال بعد حج واجب را به جا آورد و اگر بعد از ذی حجه متوجه بطلان طواف شود، عمره مفرد را به جا آورد و چنانچه در خارج از میقات باشد لازم است، ثانیاً در میقات محرم شود رجاء^۱ و به مکه برود و اعمال عمره مفرد را با طواف نساء به جا آورد تا مُحَلّ شود و در سال بعد حج واجب خود را به جا آورد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۸، مسأله ۴۷).

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

آیه الله.

خرید و فروش پول جایز است. اردبیلی:

آیه الله.

البته از مسائل احرام به دست می آید که وقت احرام نباید قصد چنین تخلفی را داشته باشد. بهجت:

آیه الله سبحانی: لیکن

این افراد نباید سال اول استطاعتشان باشد و یا حج به گردنشان مستقر شده باشد بلکه یا مستطیع ال های قبل حج خود را، انجام داده باشند.

آیه الله.

حتی در احرام نایب گرفته می شود احتیاطاً. بهجت:

آیه الله

بنابر احتیاط. اردبیلی:

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: ظاهراً

احرام و حج او باطل است و احتیاط مستحب آن است که در صورت بهبودی عمره مفرد

ای ولو با استنابه انجام دهد.

آیه الله

بنابر اظهر، احرام او نیز باطل می شود. تبریزی، آیه الله خویی:

آیه الله سیستانی:

اگر احتمال بهبودی و درک وقوفین در او نیست، نیازی به نیابت نیست و حج و احرام او باطل است.

آیه الله مکارم: یعنی

او را فریب داده باشند؛ مثلاً کسی بگوید شما این پول را بدهید من از ولی او می گیرم و به تو می دهم.

آیه الله

به حاشیه مسأله ۳۱۴ مراجعه شود. بهجت:

آیه الله تبریزی: نزدیکی

با زن در عمره تمتع بنابر اظهر مفسد عمره نیست، ولی موجب کفاره می شود، اگرچه احتیاط در اعاده

عمره است در صورت امکان و اعاده حج در سال آینده اگر اعاده عمره ممکن نباشد.

آیه الله سبحانی:

به حاشیه مسأله ۳۱۴ و ۳۱۶ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: هرچند

عمداً باشد و اگر از روی سهو و یا غفلت و فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، نه حج باطل می شود و نه

عمره و نه کفاره دارد.

. تفصیل نظریه سایر آیات عظام در مفروض سؤال، در مواضع خاص خود آمده است. [۴۷]

آیه الله

آنچه در متن آمده بنابر احتیاط واجب ترک نشود. تبریزی:

آیه الله سیستانی: طواف

و سعی حج بهجای عمره او کافی است پس باید تقصیر کند و طواف نساء انجام دهد و اگر رفتن برای او مشکل است نایب بگیرد.

آیه الله مکارم: و

اگر شخصاً نمی تواند به مکه برود نایب بگیرد.

آیه الله

باید احراز شود که فلس دارد. سیستانی:

آیه الله فاضل: چنانچه

احراز شود از نوع ماهی فلسدار است و احراز شود زنده و توسط انسان از آب خارج شده یا در تور ماهیگیری افتاده است مصرف آن مانعی ندارد والا حلال نیست و چنانچه فروشنده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیه و فلس داشتن آن را کرده است کفایت می کند.

آیه الله

اگر فروشنده مسلمان باشد و این احتمال در او داده شود کافی است و ماهی اگر پس از صید در تور ماهیگیری سیستانی: بمیرد حلال است و اگر اطمینان پیدا شود که صید کافر به این صورت بوده است اگر ماهی فلسدار باشد حلال است.

آیه الله

اگر ماهی معلوم نباشد که فلس دارد، خوردن آن جایز نیست. خویی، آیه الله سبحانی:



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

محصور و مصدود^[۱]

[۱۳۷۰] م - ممنوع شود از عمره یا حج. [۳] از عمره یا حج به تفصیلی که می آید و محصور آن است که به واسطه مرض [۲]

[۱۳۷۱] م - کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند. [۴]

[۱۳۷۲] م - اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها، او را منع کنند از رفتن مکه و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته باشد می تواند در همان و از احرام خارج شود و احتیاط واجب آن است که به نیت [۵] محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و در این صورت بر او همه چیز حلال می شود [۸] قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد [۷] و به احتیاط واجب [۶] تحلیل قربانی کند [۹] حتی زن.

[۱۳۷۳] م - اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از به جا آوردن اعمال عمره منع کرد، همان حکم مسأله پیش را دارد

[۱۰]

بلکه بعید نیست

[۱۱] که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند، همین حکم را داشته

[۱۲] باشد.

[۱۳۷۴] م - کسی را که به واسطه بدهکاری، که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد. [۱۳]

[۱۳۷۵] م - اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه به جا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند، پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آنکه حرجی باشد و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد.

[۱۳۷۶] م - اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود و اگر از آن راه رفت و حج او فوت شد، باید عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود.

[۱۳۷۷] م - اگر شخص مصدود خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به حج نمی رسد، نمی تواند عمل شخص مصدود را بکند و محلّ شود،

[۱۴] بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمره مفرده متحلل شود.

[۱۳۷۸] م - تحقق پیدا می کند مصدود بودن در حج به اینکه به هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر نرسد، بلکه تحقق پیدا می کند اگر نرسد به چیزی که به فوت آن، حج فوت می شود هر چند از روی علم و عمد نباشد و صور آن [در] ، بلکه اگر [۱۵] سابق ذکر شد، بلکه ظاهراً تحقق پیدا کند به اینکه بعد از وقوفین منع کنند او را از منی و مکه و نتواند نایب بگیرد یا اعمال مکه، با عدم امکان نایب، بلی در صورتی که تمام اعمال را به جا آورد و منع نمودند از [۱۶] منع کنند از اعمال منی برگشتن به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق، مصدود بودن تحقق پیدا نمی کند و حج او صحیح است و باید نایب بگیرد برای [۱۷] اعمال در این سال و اگر نشد سال دیگر.

[۱۳۷۹] م - کسی که مصدود شد از آمدن به مکه یا از اتمام اعمال یا از به جا آوردن اعمالی که به ترک آنها، حتی به غیر عمد، حج ، اگر حج بر او مستقر شده بوده یا آنکه در سال دیگر [۱۸] باطل می شود و به دستوری که گفته شد از احرام خارج شد مستطیع است و حج واجب را به جا نیاورده، باید بعد از رفع منع، دوباره به حج برود و اعمالی که نموده کافی از حجة الاسلام نیست.

[۱۳۸۰] م - کسی که مصدود است اگر امید برطرف شدن مانع را داشته باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد می تواند به دستوری [۱۹] که گفته شد از احرام خارج شود.

[۲۰] هدی یا [۲۱]، اگر بخواهد محلّ شود باید هدی کند و به احتیاط واجب [۲۱] و به واسطه مرض نتوانست برود به مکه [۲۰] پول آن را به وسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت [۲۳] بفرستد در ذبح، [۲۵] زن، و احتیاط آن است که [۲۴] موعود رسید تقصیر کند. پس از آن، هرچه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر [۲۶] قصد تحلیل منوب عنه کند.

[۲۸] هدی یا پول آن را باید بفرستد به منی که در آنجا ذبح کنند و مواعده کنند که روز عید ذبح شود [۲۷] واجب [۲۹] تقصیر کند، پس هرچه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن.

و اعمال حج را [۳۱] به عهده او است و به واسطه مرض محصور شد، زن بر او حلال نمی شود مگر آنکه خودش بیاید [۳۰] و اما [۳۳] بیاورد و طواف نساء بکند، ولی اگر عاجز شد از آمدن، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او. [۳۲] بهجا کفایت طواف نایب از او، ولیکن احتیاط آن است که در صورت امکان خودش [۳۵] بوده، بعید نیست [۳۴] کسی که حج او استحبابی [۳۶] برود.

[۱۳۸۴] م - اگر کسی که با او قرار داده بود ذبح کند [ذبح] نکرده بود و شخص محرم در روز موعود محلّ شد و با زن هم نزدیکی و کفاره هم ندارد، لیکن باید باز هدی یا پول را بفرستد و مواعده کند و باید از زن اجتناب کند [۳۷] کرد، معصیت نکرده که وجوب اجتناب [۴۰] کند گرچه محتمل است [۳۹] و احتیاط واجب آن است که از وقتی که معلوم شد عمل نشده، اجتناب [۳۸] برای ذبح. [۴۱] از وقتی باشد که شخص را می فرستد

[۱۳۸۵] م - تحقق محصور بودن، مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

[۳۸۶] و به وقت [۴۴]، باید برود. پس اگر مُحرم به احرام تمتع است [۴۳] به طوری که توانایی رفتن به مکه را داشت [۴۲] رسید، اعمال عمره و حج را به جا می آورد و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره به جا بیاورد و قوف به عرفات فوت آن است که قصد عدول کند و بعد از آن عمره مفرده بکند و [۴۵] می شود، باید برود به عرفات و حج افراد به جا بیاورد و احتیاط [۴۶] کافی است از حَجَّة الاسلام.

به عمره [۴۸] مشعر نمی رسد، عمره او مبدل می شود [۴۷] و اگر وقتی رسید به مکه که حج فوت شده؛ یعنی به وقت اختیاری مفرده و باید آن را به جا آورد و از احرام خارج شود و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده کند و حج واجب را با وجود [۵۰] در سال دیگر به جا آورد. [۴۹] شرایط

[۱۳۸۷] م - مصدود به دشمن، در حکمی که برای مریض در مسأله پیش ذکر شده، مانند او است. [۵۱]

[۱۳۸۸] م - کسانی که مریض نیستند لیکن به علت دیگر، بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند؛ مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا به واسطه خونریزی ضعف بر او مستولی شده، بعید نیست حکم مریض را داشته باشند، لیکن [۵۲] آن است که به احرام باقی بمانند تا وقتی که خوب شوند. پس اگر حج فوت [۵۴] مشکل است. بنابراین، احتیاط [۵۳] مسأله شده، عمره مفرده به جا بیاورند و از احرام خارج شوند و حج اگر واجب بوده با وجود شرایط اعاده کنند.

است به احتیاط واجب و باید قرار تأخیر تا ایام تشریق نهد و در احرام عمره [۵۶] برای ذبح در احرام حج، روز دهم [۵۵] تمتع احتیاط آن است قبل از خروج حاج به عرفات باشد.

آیه [۱]

احکام محصور و مصدود را متعرض نشده اند. الله خامنه ای،

آیه [۲]

کسی که دشمن یا غیر دشمن او را منع کند به تفصیلی که می آید. بلکه ظاهراً تمام کسانی که به علتی به الله زنجانی: جز بیماری نمی توانند اعمال حج یا عمره را به پایان برسانند «مصدود» می باشند و اگر مانع آنها بیماری باشد «محصور» می باشند (مراد از بیماری، معنای گسترده ای است که شامل شکستگی استخوان و مجروح شدن نیز می شود) صد و حصر در موارد ذیل تحقق می یابد: ۱. در احرام عمره مفرده، ممنوع شده به طوری که نمی تواند تا یک سال، عمره را تمام کند؛ ۲. در احرام عمره تمتع از انجام اعمال عمره، ممنوع شده به طوری که نمی تواند پس از انجام عمره هیچ مقدار از وقوف اختیاری عرفه را درکند؛ ۳. در احرام عمره مفرده یا عمره تمتع اگر در مدتی از انجام کامل اعمال، بازداشته شده که در احرام ماندن برای شخص وی یا نوع مردم حرجی است.

آیه [۳]

و امثال آن مثل شکستگی و جراحت. الله سبحانه:

آیه الله سیستانی: مصدود

کسی است که دشمن و مانند او از رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال عمره یا حج پس از احرام منع کند و محصور کسی است که بیماری و مانند آن مانع رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال حج یا عمره پس از احرام شود.

آیه الله مکارم:

یا شکستگی اعضا یا مجروح شدن و مانند آن.

آیه [۴]

بقای احرام در بعضی از صور محل اشکال است. الله تبریزی:

آیه الله خویی: بقای

احرام در بعض صور محل منع است.

آیه الله سبحانی: اما

محصور و مصدود از این حکم مستثنی هستند.

آیه الله سیستانی: در

بعضی از موارد احرام بدون انجام اعمال باطل می شود.

آیه الله فاضل: همان

گونه که گذشت ظاهراً در بعضی موارد، احرام خود به خود باطل می شود.

آیه [۵]

به احتیاط واجب، بدون آن محل نمی شود و اگر نتواند قربانی تهیه کند به احتیاط واجب ده روز روزه الله سیستانی: بگیرد.

آیه الله مکارم: ...

اگر قربانی میسر نشد نیت خروج از احرام می کند و احتیاطاً به جای قربانی ۱۰ روز روزه می گیرد مطابق آنچه در

قربانی در مناسک آورده ایم عمل کند.

آیات [۶]

قید تحلیل لازم نیست. عظام تبریزی، خویی، سیستانی:

آیه الله زنجانی: نیت

تحلیل لازم نیست ولی پس از قربانی یا حلق یا تقصیر از موی سر، محرمات احرام حتی زن بر او حلال می شود در عمره مصدود شده باشد یا در حج و کوتاه کردن ریش و شارب و ناخن گرفتن کفایت نمی کند و چنانچه نتواند قربانی کند ظاهراً در عمره مفرده با حلق یا تقصیر از احرام خارج می شود و در عمره تمتع با انجام حج افراد و اگر از حج هم ممنوع است باید صبر کند تا حج فوت شود و با عمره مفرده و اگر از آن هم مصدود است با حلق یا تقصیر از احرام خارج شود. وظیفه ای که در این مسأله برای مصدود گفته می شود در صورتی است که مصدود، شرط تحلل نکرده باشد، ولی اگر در هنگام احرام با خداوند متعال قرار گذاشته باشد که اگر مانعی پیش آمد از احرام بیرون آید، به مجرد مصدود شدن، از احرام خارج می شود و قربانی و حلق یا تقصیر لازم نیست.

آیه الله سبحانی: و

با تقصیر از احرام خارج شود و اگر به هر دلیلی قربانی ممکن نیست باید ده روز روزه بگیرد و لازم نیست پس از پایان روزه تقصیر کند بلکه همین که قصد کند به جای هدیه روزه بگیرد کافی است. لذا می تواند تقصیر کند و از احرام خارج شود همچنین کسی که بعد از قربانی روز عید مصدود شد نیاز به قربانی مجدد ندارد.

آیه [۷]

و احتیاط آن است که شخص مصدود علاوه بر قربانی حلق نیز بنماید و بهتر آن است که الله صافی، آیه الله گلپایگانی: جمع کند بین حلق و تقصیر و احتیاط آن است که هنگام ذبح یا نحر قربانی قبل از تقصیر نیت تحلیل از احرام کند. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۸۴).

آیه [۸]

احتیاطاً گرفتن ناخن کفایت نمی کند، بلکه باید از موی خود تقصیر کند و یا سرش را بتراشد. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت: و

احتیاج به حلق یا تقصیر بعد از هدیه موافق احتیاط است (مناسک شیخ،

ص ۹۷).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط [

این است که حلق یا تقصیر را به آن (قربانی) ضمیمه نماید، بلکه احتیاط این است که حلق را اختیار نماید در صورتی که قربانی را با خود آورده باشد در عمره مفرده. (مناسک، مسأله ۴۴۴).

آیه الله سیستانی: گرفتن

ناخن بنابر احتیاط واجب کافی نیست و جایز است حلق به جای تقصیر.

آیه الله فاضل: ...

و یا به جای تقصیر حلق کند مخصوصاً کسی که سوق هدی نموده باشد.

آیه الله مکارم: ناخن

به تنهایی کفایت نمی کند.

آیه ۹.

حکم مذکور در مورد عمره مفرده است و همچنین عمره تمتع اگر از اعمال حج نیز منع شود ولی اگر فقط الله سیستانی: از آمدن به مکه قبل از وقوفین منع شود وظیفه او به حج افراد تبدیل می شود.

آیه الله سبحانی:

اگر شخصی به احرام عمره تمتع وارد مکه شد ولی حج از او فوت شد چه به خاطر بیماری و یا دستگیری و یا دیر رسیدن و امثال اینها، عمره مفرده به جا می آورد و از احرام خارج می گردد و این شخص در حقیقت مستطیع نیست و تکلیفی ندارد مگر در سه صورت: الف: با اهمال کاری از درک زمان حج محروم شده باشد. ب: حج قبلاً بر او مستقر شده باشد. ج: در سال یا سال های بعد مستطیع شود که باید در این سه صورت حج خود را بیاورد.

حتی المقدور جمع کند بین استنابه و عمل مصدود و اگر نتوانست، عمل مصدود را به جا آورد و همین طور آیه الله اردبیلی: [۱۰]. در فرض بعدی.

آیه الله بهجت: معتمر

به عمره تمتع مصدود می شود به منع از دخول مکه یا از انجام افعال بعد از دخول و متحلل به هدی می شود در صورت عدم امکان استنابه در همان سال، اگرچه بعد از طواف مصدود از سعی بشود و همچنین اگر ممنوع شد در عمره مفرده از خصوص طواف نساء بعد از اتیان به سایر اعمال و تقصیر. (مناسک شیخ، ص ۱۰۲ و ۱۰۳)

آیه الله سبحانی: کسی

که در عمره مفرده و یا عمره تمتع بعد از احرام مصدود شود چه داخل حرم شده باشد و یا نشده باشد و

به او اجازه ندهند هیچ یک از اعمال عمره را انجام دهد و یا او را از انجام طواف و سعی و یا فقط سعی منع کنند باید در هر کجا هست گوسفند و یا گاو و یا شتری را ذبح کند و سپس تقصیر نماید در این صورت از احرام خارج شده و همه محرمات احرام حتی تمتعات از همسر بر او حلال می گردد.

آیه [۱۱]

قسمت آخر مسأله را متعرض نشده اند. الله گلپایگانی:

آیه الله مکارم: محلّ تأمل است.

آیه الله

در هر سه فرض در صورتی مصدود می شود که نتواند نایب بگیرد. زنجانی:

آیه الله

ولی مدیون متمکن باید دین خود را بپردازد و از حبس نجات پیدا کند و اعمال را به جا آورد اگر نپرداخت حکم سبحانی: مصدود را ندارد.

آیه الله

: این مسأله و مسأله قبل را، متعرض نشده اند. خویی

آیه الله

ولی اگر امکان نیابت برای او باشد، تحقق مصدود بودن برایش محل اشکال است و باید جمع کند بین اعمال اردبیلی: مصدود و نایب گرفتن و همچنین در فرض بعدی.

آیه الله زنجانی: بلکه

اگر از رمی جمره عقبه یا طواف حج یا سعی، ممنوع شود و نتواند نایب بگیرد مصدود است و مصدود از حج باید مطابق مسأله ۱۳۷۲، قربانی و حلق یا تقصیر کند تا از احرام بیرون آید.

آیه الله سبحانی: پس

چنانچه فوت محقق شد با عمره مفرد از احرام خارج شود و اگر به اعمال حج رسید اعمال را انجام دهد.

آیه ۱۶

در صورتی که شخص بعد از احرام حج از انجام مناسک بعد از احرام ممنوع شد مصدود از حج نامیده می‌الله سبحانی: (کسی که بعد از احرام حج از درک وقوفین اختیاری و اضطراری الف

ممنوع گردد باید به حکم مصدود عمل کند یعنی باید گوسفند و یا گاو و یا شتری را ذبح کند و بعد از تقصیر از احرام خارج گردد که در این صورت همه محرمات احرام برای او حلال است. ب) صورتی که شخص وقوفین را انجام داده لکن از اعمال منی و مکه مصدود گردیده که سه صورت دارد: ۱) فقط از اعمال منی منع شود ولی بتواند اعمال مکه را انجام دهد. ۲) بر عکس صورت قبل یعنی از اعمال مکه منع شود ولی بتواند اعمال منی را انجام دهد. ۳) از هر دو منع شود. در هر یک از این سه صورت یا می‌تواند نائب بگیرد و یا نمی‌تواند بنابراین می‌شود شش صورت که حکم هر کدام عبارت است از:

۱) اگر شخصی بعد از وقوفین فقط از آمدن به منی ممنوع شود اگر بتواند باید این کار را انجام دهد و اعمال مکه را خود بیاورد و عوض بیتوته‌های منا نیز در مکه به عبادت پردازد و گرنه برای هر شب یک گوسفند ذبح کند.

۲) اگر شخص بعد از وقوفین از آمدن به منی ممنوع شد و نایب هم نمی‌تواند بگیرد در این صورت نیز حکم مصدود جاری نمی‌شود و باید اعمال را به شرح زیر انجام دهد:

الف) رمی از او ساقط می‌شود زیرا آن فرع تمکن است و نهایتاً این که سال بعد خود و یا نائش در ایام تشریق رمی را انجام دهد.

ب) در مورد قربانی اگر بتواند پول آن را به شخص مطمئن بدهد تا از طرف او قربانی کند و الا باید بدل آن را بیاورد یعنی سه روز روزه در ایام حج و هفت روز روزه پس از بازگشت به وطن.

ج) حلق را نیز بیرون منی انجام دهد و موی خود را به منی بفرستد و سپس اعمال مکه را خود انجام دهد.

□ د) در مورد بیتوته در منی به نحوی که گذشت در مکه به عبادت پردازد یا برای هر شب گوسفندی را به عنوان کفاره ذبح کند.

۳) اگر شخصی از اعمال مکه منع شود (طواف و نماز، سعی، طواف نساء و نماز آن) و می‌تواند نائب بگیرد دو فرع دارد: □

الف) اینکه از دخول مکه منع شده این شخص مشمول ادله نیابت نمی‌شود و حکم مصدود را دارد و با همان قربانی و حلق و یا تقصیر روز عید به طور کامل از احرام خارج می‌شود.

ب) اینکه وارد مکه شده ولی از اعمال مسجد الحرام منع گردیده که در اینجا باید برای اعمال خود نایب بگیرد چنین شخصی

نیز اگر نتواند استنابه کند از موارد مصدود است.

۴) و اما اگر شخص از آمدن به مکه منع شده و نمی تواند نائب هم بگیرد به طریق اولی حکم مصدود را دارد البته چنانچه این شخص قربانی روز عید را انجام داده دیگر نیازی به قربانی مجدد ندارد و با همان قربانی و حلق و یا تقصیر روز عید از احرام به طور کامل بعد از مصدود شدن و عدم توان در استنابه محلّ می گردد.

۵) و اگر شخص از ورود به منی و مکه هر دو منع شود چه بتواند نائب بگیرد یا نه حکم مصدود را دارد و باید به حکم مصدود عمل کند و از احرام خارج شود.

آیه الله فاضل: ظاهر

آن است که به منع از اعمال منی به تنهایی صدّ محقق نمی شود.

آیه الله.

مصدود از حج چنانچه از موقف عرفات و مشعر باشد، وظیفه اش قربانی در محلّ صدّ (جلوگیری) و بیرون آمدن بهجت: از احرام است و احتیاط این است که علاوه بر قربانی حلق یا تقصیر نیز بنماید و اگر مصدود از احد الموقوفین باشد و متمکن از دیگری باشد یا بشود اظهر عدم جریان حکم مصدود است بلکه مکلف است در صورت تمشّی حج صحیح اگرچه اضطراری باشد به اتیان آن، و با تمامیت حج به هر نوعی در آن سال باشد محلّی برای صدّ و حکم آنکه تحلل به هدی است، نیست و اگر مصدود از ما بعد الموقوفین بجمیع اقسام آن باشد در این صورت حج او صحیح و تمام است و برای آنها عمل به وظیفه؛ یعنی استنابه در رمی و واجب بعدی که قابل استنابه است می نماید و احتیاط این است که بعد از این اعمال از احرام خارج شود و همچنین در انجام آن شد خود بهجای آورد و الا نایب بگیرد و بر تقدیر عدم تمکن از استنابه در ذی حجه اعمال بعد از منی؛ چنانچه متمکن از همان سال، در سال آینده در صورت تمامیت حج به وقوفین، پس جواز رفع حرج به تحلل به هدی خالی از وجه نیست. (مناسک، مسأله ۴۴۶). و کسی که تمام اعمال حج را به جا آورده و در مکه است و جهت بیتوته در منی و رمی جمرات می خواهد به منی برود و منع و جلوگیری شود حشّش تمام است و برای رمی در صورت امکان همان سال نایب می گیرد و در صورت عدم امکان برای سال بعد نایب بگیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مصدود از

حج، چنانچه از موقف عرفات و مشعر یا خصوص موقف مشعر مصدود باشد، وظیفه اش قربانی در محلّ صدّ و بیرون آمدن از احرام است و احتیاط این است که علاوه بر قربانی، حلق یا تقصیر نیز بنماید و چنانچه آیه الله تبریزی (باشد در این صورت اگر نتواند نایب بگیرد، وظیفه اش قربانی در محلّ) -

صدّ است و اگر بتواند برای طواف و سعی

نایب بگیرد، احوط این است که هر دو وظیفه را انجام دهد؛ یعنی هم قربانی کند و هم نایب بگیرد (گرچه اظهر جواز اکتفا به آیه قربانی است در صورتی که جلوگیری از دخول در مکه باشد و جواز اکتفا به نایب گرفتن است اگر جلوگیری بعد از آن باشد - الله تبریزی)

و چنانچه فقط از اعمال منی جلوگیری شده باشد نه از رفتن به مکه، در این صورت چنانچه بتواند برای رمی و قربانی نایب بگیرد صحیح است و خود حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شده، سپس بقیه مناسک و اعمال را به جا آورد و چنانچه نتواند نایب بگیرد، در این صورت ظاهراً وظیفه اش این است که پول قربانی را نزد کسی بگذارد که بهجای او قربانی کند و در جای خود حلق یا تقصیر نموده و برای به جا آوردن اعمال مکه به مکه رفته و پس از انجام اعمال آنجا، تمام چیزهایی که به احرام بر او حرام شده بود، حلال خواهد شد حتی زن و حاجتی به چیز دیگر ندارد و حشّش صحیح است و بایستی در سال بعد بنابر احتیاط رمی را اعاده نماید.

آیه الله سیستانی: مصدود

در حج تمتع اگر از رسیدن به وقوفین یا مشعر به تنهایی منع شده باشد احتیاط این است که طواف و سعی نماید و سر خود را بتراشد و گوسفندی را قربانی کند و سپس از احرام بیرون رود. و اگر از طواف و سعی منع شده باشد، در این صورت اگر نتواند نایب بگیرد و بخواهد از احرام بیرون رود، احتیاط این است که قربانی کرده و پس از آن حلق یا تقصیر نماید و اگر بتواند نایب بگیرد بعید نیست که نایب گرفتن کفایت کند، بنابراین برای طواف و سعی نایب می گیرد و نماز طواف را خود پس از طواف نایب به جا می آورد و اگر از رسیدنش به منی جهت به جا آوردن اعمال آنجا جلوگیری شود، در این صورت اگر بتواند نایب بگیرد باید نایب جهت رمی و قربانی کردن بگیرد، و پس از آن سر خود را بتراشد یا کوتاه کند و موی خود را در صورت امکان نیز به منی بفرستد، و باقی مناسک را به جا آورد و اگر نتواند نایب بگیرد، واجب نیست قربانی کند، ولی به جای آن روزه بگیرد، همچنان که واجب نیست رمی کند - اگرچه احتیاط این است که خودش شخصاً رمی را در سال آینده به جا آورد، در صورتی که به حج برود و یا توسط نایبش، در صورتی که به حج نرود - سپس باقی مناسک حج را، از سر تراشیدن یا کوتاه کردن و اعمال مکه به جا آورد، و پس از آن همه محرمات احرام بر او حلال می شوند حتی زنها، و نیازی به هیچ چیز دیگری نیست. (مناسک، مسأله ۴۴۰).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: از

اینجا تا آخر مسأله به فتوای معظمله در مناسک

عربی، ص ۱۷۶ چنین است: اگر بعد از وقوفین او را از مناسک سه گانه منی رمی، قربانی و حلق یا تقصیر منع کنند، پس اگر همچنین از داخل شدن مکه و ادای مناسک آن در طول ذی حجه هم منع شده باشد، در این صورت حکم مصدود را دارد و اگر منع تنها از رجوع به منی است، پس اگر تمکن از نایب گرفتن دارد، شخصی را برای خود نایب می گیرد تا رمی و قربانی را انجام دهد و پس از آن خودش حلق می کند و بعد از حلق از احرام خارج می شود و بقیه اعمال حج را به جا می آورد و اگر نمی تواند نایب بگیرد بنابر احتیاط هدی را قربانی می کند و بر احرام باقی می ماند تا اینکه با عمره مفرده محلّ شود و در صورتی که بعد از انجام اعمال مکه او را از برگشتن به منی برای بیتوته و رمی ایام تشریق منع کردند مصدود بودن تحقق پیدا نمی کند و حج او صحیح است و باید نایب بگیرد برای رمی جمرات در همان سال و اگر امکان نداشت در سال دیگر و در شب هایی که باید در منی بیتوته کند در مکه مشغول عبادت شود، و اگر این کار هم ممکن نشد بنابر احتیاط برای ترک بیتوته در منی کفاره بدهد. (مناسک عربی، ص ۱۷۶).

آیه الله مکارم: در

صورت اخیر احتیاط آن است که با قربانی کردن از احرام بیرون آید.

آیه الله.

بر مصدود از عمره تمتع یا مطلق حج، تکلیفاً واجب است در سال آینده، همان قسم از حج را مجدداً به جا آورد، زنجانی: هر چند عمره یا حجه که در آن مصدود شده استحبابی باشد یا حج واجب بوده و استطاعت او تا سال بعد باقی نمانده باشد یا هنگام احرام، شرط تحلل کرده باشد؛ بلی اگر نتواند سال بعد، حج به جا آورد یا حرجی باشد وجوب آن ساقط می شود و نیازی به نایب گرفتن نیست و ظاهراً بر کسی که در عمره مفرده مصدود شده و از احرام بیرون آمده واجب نیست دوباره عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله سبحانی: در

عمره تمتع و یا حج تمتع و قران و افراد پس از احرام از تمام اعمال و یا از آمدن به مکه بعد از منی و یا از مکه و منی بعد از وقوفین منع شد چنانچه اول استطاعت به حج آمده و مصدود شده حج از گردن او ساقط می گردد مگر اینکه استطاعت او در سال دیگر باقی بماند و یا اینکه حج قبلاً بر او مستقر گردیده باشد.

آیه ۱۹]

صدق مصدود در این فرض مشکل است و باید صبر کند تا احتمال رفع عذر برطرف شود و سپس به وظیفه الله اردبیلی: مصدود عمل کند.

آیه الله بهجت: احوط

تأخیر احلال است برای کسی که امید زوال صدّ و عذر را دارد و به خوف فوات متحمل نمی شود بنابر احوط (مناسک شیخ، ص ۹۹).

آیه الله زنجانی:

تا اطمینان نداشته باشد که از عمره یا حج ممنوع است، نمی تواند احکام مصدود را بار کند.

آیه الله سبحانی:

اگر مصدود ظن عقلایی به عدم رفع منع داشته باشد می تواند به احکام صد عمل کند و لازم نیست برای روشن شدن اوضاع صبر کند و الا باید صبر کند.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم:

اگر امید به برطرف شدن مانع را داشته باشد احتیاط آن است که صبر کنند.

آیه الله فاضل: در

صورت گمان به رفع مانع عمل به احکام صدّ در ابتداء مشکل است.

آیه الله گلپایگانی: متعرض

این فرع نشده اند.

آیه الله.

شخص محصور اگر حج تمتع و یا حج افراد به جا می آورد، در صورتی که موقع احرام باصافی، آیه الله گلپایگانی: خداوند قرار گذاشته که اگر محصور شد خداوند او را محلّ گرداند، بدون فرستادن قربانی به منی، خود به خود محلّ می شود حتی نسبت به زن و شخص محصور که حج قرآن به جا می آورد به مجرد فرستادن قربانی به منی محلّ می شود و نیازی به صبر کردن تا زمانی که قربانی به منی برسد نیست. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۸۸). اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده و نمی تواند اعمال عمره را تمام کند، نایب بگیرد. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۹۶)

آیه الله.

اگر هنگام احرام، شرط تحلل کرده باشد به مجرد حصر، تمام محرمات احرام. حتی زن بر او حلال می شود و زنجانی: اگر شرط نکرده باید قربانی کند و این قربانی تنها برای بیرون آمدن از احرام نیست؛ بلکه تکلیفاً نیز واجب است و در آن قصد تحلیل، لازم نیست و آن را به دو شکل می توان انجام داد: الف) قربانی یا پول آن را توسط فرد امینی به محل ذبح لاگر عمره مفرده باشد به مکه و اگر عمره تمتع یا حج باشد به منی بفرستد و با او قرار بگذارد که در وقت معین، قربانی کند و در آن وقت با تقصیر، همه محرمات احرام حتی زن بر او حلال می شود؛ ب) در غیر محل ذبح (محل بیماری باشد یا جای دیگر) قربانی کند، پس از این قربانی، محرمات احرام به جز زن حلال می گردد، در این صورت تقصیر لازم نیست و اگر نتواند قربانی کند باید به جای آن سه روز روزه بگیرد - هر چند این روزه، دخالتی در بیرون آمدن از احرام ندارد - و باید این روزه را در وطن یا جایی که قصد اقامه کرده بگیرد و در هر حال بر محصور از عمره تمتع یا حج تمتع یا غیر آن که از احرام خارج شده واجب است در سال آینده همان قسم از حج و عمره را به جا آورد، به همان تفصیلی که در حاشیه مسأله ۱۳۷۹ گذشت، با این فرق که بر محصور از عمره مفرده، واجب است بعد از خروج از احرام، دوباره عمره مفرده به جا آورد ولی بر مصدود از عمره مفرده، واجب نیست.

آیه الله.

اگر در عمره مفرده محصور شده، بنابر احتیاط باید قربانی بفرستد که در وقت معینی قربانی نمایند... و بعد از بهجت: این کار، تمامی محرمات احرام بر او، به جز زن حلال می شود و اگر محصور در عمره تمتع باشد، حکمش حکم سابق است با این تفاوت که زن هم بر او حلال می شود. (مناسک، مسأله ۴۵۴).

آیه الله تبریزی:

اگر در عمره مفرده محصور شد وظیفه اش این است که یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین قربانی نمایند و خود در آن وقت معین با تقصیر از احرام خارج می شود و برای چنین شخصی؛ به خصوص جایز است در جای خود قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید و بر چنین شخصی بعد از این کار تمام محرمات احرام حلال می شود بهجز زن و زن بر او حلال نمی شود مگر بعد از آنکه خوب شد و عمره مفرده را به جا آورد و این در صورتی است که محصور در مکان خودش ذبح یا نحر نماید و اما اگر هدی را بفرستد، پس برای خروجش از احرام وجهی هست هنگامی که هدی به محلش برسد و کسی که در عمره تمتع محصور شده حکمش حکم سابق است با این فرق که فرستادن قربانی بر او تعیین دارد و چنانچه آنچه گفته شد عمل کند، زن هم بر این شخص حلال می شود. (مناسک، مسأله ۴۵۳).

آیه الله خویی:

وظیفه چنین کسی این است که مخیر است بین فرستادن قربانی و یا قیمت آن، توسط فردی به مکه و از احرام بیرون بیاید. (و در عمره مفرده به خصوص مخیر است بین فرستادن هدی و یا ذبح هدی در مکان خودش و محل شدن) با این فرق که اگر این شخص که محصور از عمره مفرده بوده، با قربانی کردن تمامی محرمات احرام بهجز زن بر او حلال خواهد شد و اگر محصور در عمره تمتع باشد، زن هم بر او حلال خواهد شد. (مناسک، مسأله ۴۵۳).

آیه الله سبحانی: کسی

که در عمره مفرده و یا عمره تمتع بعد از احرام محصور شد باید به احتیاط واجب هدی یا پول آن را به شخص امینی بسپارد و وعده بگذارد در چه موقعی ذبح کند پس از سپری شدن زمان مشخص تقصیر می کند و از احرام خارج شده و همه محرمات احرام بر او حلال می شود به جز تمتعات از همسر این حرمت باقی است تا زمانی که او و یا در صورتی که خود نتواند به هیچ وجه به مکه برود نایب وی اعمال عمره و بالطبع طواف نساء را انجام دهد و نماز آن را بخواند. اما اگر بقاء بر احرام تا زمان ذبح در مکه برای محصور حرجی باشد و مخصوصاً علاوه بر حرج در مواردی که علاج بیماری به حلق و تراشیدن

□ موی سر باشد می تواند در عمره مفرده یا

عمره تمتع در محل حصر قربانی کند و با تقصیر از احرام خارج شود ولی باید خود یا نایبش بعد^۱ عمره را بیاورند و تا عمره را□ انجام ندهند لذت بردن از همسر حرام است. اما اگر حج گزار بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج چنان بیمار شد که نتواند برای حج احرام ببندد در این صورت خود و یا نائب او طواف نساء و نماز آن را بیاورند در اینجا در حقیقت عمره او به عمره مفرده تبدیل می شود و چنانچه حج بر او مستقر بوده و یا سال بعد استطاعتش باقی است حج را در سال بعد بیاورد.

آیه الله سیستانی:

اگر در عمره تمتع یا عمره مفرده محصور شود و بخواهد از احرام خارج شود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد که در روز معینی آن را ذبح کنند و پس از آن حلق یا تقصیر کند تا از احرام بیرون آید و اگر نتواند قربانی یا قیمت آن را بفرستد جایز است در جای خود قربانی کند و از احرام بیرون آید و اگر این را هم نتواند ده روز روزه بگیرد و در این دو مورد همه چیز بر او حلال می شود جز زن. (مناسک، مسأله ۴۴۶ و ۴۵۲).

آیه الله فاضل: اما

در عمره مفرده مخیر است بین ارسال هدی به مکه و یا ذبح هدی در محل حصر، و در عمره تمتع به احتیاط واجب....

آیه الله.

اگر عمره مفرده باشد فرستادن تعیین ندارد بلکه می تواند در مکان خودش هدی را ذبح کرده و مُحَلّ شود. خویی:
(مناسک عربی، مسأله ۴۴۸).

آیه الله.

در عمره تمتع عدم حلیت زن بر او مبني بر احتیاط است. اردبیلی:

آیه الله بهجت:

قبلاً گذشت که در عمره تمتع از زن هم مُحَلّ می شود.

آیه الله سبحانی: برای

حلال شدن زن باید عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله مکارم: زن

هم بر او حلال می شود.

آیه الله.

و احتیاط مستحب آن است که نایب...فاضل:

آیه الله.

هر کس هنگام عقد احرام در عمره مفرده و یا تمتع و یا حج شرط کند «بار پروردگارا محرم می شوم به شرط سبحانی: اینکه هرگاه محصور شدم تو مرا محلّ گردان» در این صورت لازم نیست که هدی را به مکه بفرستد پس همانجا قربانی کند و همه چیز حتی لذت بردن از همسر بر او حلال می شود و دیگر برای تحلیل نیازی به آوردن عمره مفرده ندارد. به عبارت دیگر محصور در اینجا مانند مصدود عمل می کند و این نوع شرط را می تواند در عمره مفرده و عمره تمتع و حج تمتع یا افراد و یا قران شرط کند ولی در حج قران در هر صورت باید قربانی را به منی بفرستد.

آیه الله سیستانی: این

احتیاط لازم نیست.

آیه الله.

حکم محصور در حج، مانند حکم محصور در عمره است ولی راجع به حلال شدن زن بر او احتیاط تبریزی، آیه الله خویی: این است که زن بر او پس از حلق یا تقصیر حلال نمی شود، و فرستادن هدی یا پول آن متعین است، ولی مواعده روز عید متعین نیست. (مناسک عربی، م ۴۴۸).

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: بلکه

بنابر اقوی.

آیه الله فاضل: و

اقوی آن است....

آیه الله گلپایگانی: باید

یک قربانی به منی بفرستد و پس از ذبح و نحر قربانی در منی، نسبت به همه تروک احرام بهج زنه محلّ می شود.

آیه الله.

علي الأحوط. بهجت:

آیه الله.

به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود. زنجان:

آیه الله مکارم:

بنابر احتیاط واجب.

آیه الله.

بین حج واجب و مستحب تفصیل نیست. (مناسک عربی، مسأله ۴۸۸). خویی:

آیه الله.

و عمره یا حج به جا آورد و هر نوع حج یا عمره کفایت می کند و فرقی نیست که احرامی که در آن محصور شده زنجان: عمره باشد یا حج، مستحب باشد یا واجب و اگر انجام حج و عمره یا اجتناب از محرمات تا آن زمان حرجی باشد می تواند نایب بگیرد.

آیه الله سبحانی: حلال

شدن تمتعات از همسر برای شخص محصور به یکی از سه طرق زیر است: الف) اگر در عمره تمتع یا عمره مفرد محصور شده باید پس از بهبودی عمره مفرد به جا آورد. ب) اگر در حج واجب محصور شده باید تا سال آینده صبر کند و تمتعات از همسر بر او حلال می شود و در صورتی که اعمال فوق الذکر توسط خود او ممکن نیست و یا حرجی می باشد باید نایب بگیرد.

آیه الله.

محصور در عمره تمتع زن هم پس از تحلل بر او حلال می شود و محصور در حج بنابر احتیاط تبریزی، آیه الله خویی: [تا وقتی طواف حج و سعی و طواف نساء را در حج و یا عمره مفرد به جا نیاورد زن بر او حلال نمی شود. (مناسک، م ۴۵۳).

آیه الله سیستانی: هرگاه [

طواف و سعی را در حجاجی یا عمره ای به جا آورد، زن بر او حلال خواهد شد. (مناسک، مسأله ۴۴۶).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

اگر از انجام مناسک روز عید و یا بعد از روز عید محصور شود باید برای رمی و قربانی نایب بگیرد و خودش حلق نماید و در صورت امکان اعمال مکه را انجام دهد، وگرنه برای اعمال مکه نیز نایب بگیرد، و اگر در مسجد است نماز طواف را خودش بخواند وگرنه بنابر احتیاط باید خودش نماز بگزارد و نایب هم بگیرد و در صورت امکان در منی بیتوته کند و در این صورت حش صحیح است و در غیر این صورت برای اینکه بیتوته نکرده، بنابر احتیاط کفاره بدهد. و در اینکه استنابه جهت طواف نساء برای حلیتزن کافی باشد، اشکال است؛ اگرچه در صورتی که رفتن به مکه برای او حرجی باشد اقوی جواز استنابه است.

آیه الله |

بعد از انجام دستور سابق مکارم:

آیه الله |

یا نیابتی تبرّعی یا استیجاری یا حج در سال اول که استطاعت تا سال بعد باقی نماند. اردبیلی:

آیه الله |

حکم محصور که گفته شد، اختصاص به حج واجب ندارد. سیستانی:

آیه الله فاضل: و

همچنین است کسی که حج او نیابتی تبرّعی یا استیجاری بوده، یا حج او واجب بوده و سال اول استطاعت بوده و استطاعت تا سال بعد استمرار نداشته باشد. و کفایت نیابت در صورتی است که رفتن برای خود او حرجی باشد.

آیه الله مکارم: در

صورتی که قادر بر حج نباشد یا عسر و حرج داشته باشد بنابر احتیاط واجب.

آیه الله |

و اگر نایب نگرفت تا رفع حصر شد، باید خودش برود و حج یا عمره مفرده به جا آورد تا زن بر او حلال شود. اردبیلی:

آیه الله فاضل: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله: چنانچه گذشت اگر به واسطه مریضی محصور شود زن با هدی برای او حلال نمی شود بنابراین این حکم درسبحانی: رابطه محصور، نسبت به تحلیل از سایر محرمات است (کتاب الحج، ج ۵، ص ۴۹۴).

آیه الله: باید از همه محرمات اجتناب کند. اردبیلی:

آیه الله: رعایت این احتیاط، لازم نیست بلکه از وقتی که شخص را برای قربانی می فرستد از زن اجتناب می کند و زنجان: اجتناب از سایر محرمات احرام، لازم نیست.

آیه الله فاضل: از همه محرمات احرام اجتناب کند.

آیه الله: بلکه اظهر همیناست، اگرچه احتیاط خوب است و اما امساک نساء پس لزوم آن زایل نمی شود مگر آنکه به بهجت: مباشرت یا استنباه، طواف نساء را انجام دهد بنابر اظهر و احوط (مناسک شیخ، ص ۱۰۵).

آیه الله سیستانی: کافی است از هنگامی که شخص دوم را می فرستد از محرمات احرام اجتناب کند تا زمانی که با او قرار می گذارد که از جانب او ذبح کند، گرچه احتیاط مستحب اجتناب از محرمات احرام از زمانی است که فهمید شخص اول عمل نکرده است.

آیه الله.

این فرع را متعرض نشده اند. خویی، آیه الله گلپایگانی:

آیه الله سبحانی: و

باید زمانی که علم به عدم ذبح پیدا کرد از ارتکاب محرمات احرام خودداری کند و کس دیگر را جهت ذبح تعیین و قرار بگذارد چنین فردی پس از بهبودی باید عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله فاضل: مصدود

می تواند در همان محلّ صدّ، هدی را ذبح کند.

آیه الله.

ملاک را «قبل از تحلل به هدی و تقصیر حالش خوب شد» می دانند. خویی:

آیه الله سبحانی:

اگر محصور در عمره تمتع بعد از فرستادن هدی یا پول آن حالش خوب شد به نحوی که می تواند به مکه برود و اعمال را انجام دهد چند صورت دارد: الف) قبل از ذبح هدی به مکه می رسد و عمره تمتع را انجام می دهد و سپس برای حج محرم می شود و مثل دیگران اعمال را انجام می دهد. ب) از آن جایی که محل ذبح هدی محصور در عمره تمتع، مکه و قبل از احرام حج است اگر زمانی به مکه رسد که قربانی ذبح شده و او تقصیر نکرده است مثل فرع اول عمره تمتع را انجام می دهد و سپس برای حج محرم می شود و این قربانی به احتیاط واجب کفایت از قربانی روز عید نمی کند و در روز عید باید قربانی کند. اما اگر هدی او ذبح شده و خود او نیز تقصیر کرده است باید عمره مفرده انجام دهد و از احرام خارج گردد لیکن اگر زمان برای حج افراد و لو با درک وقوف اختیاری مشعر باقی باشد محرم به حج افراد شده و آن را انجام می دهد و از حجة الاسلام کفایت می کند. ج) چنین شخصی اگر به مکه رسید و هنوز تقصیر نکرده و هدی او نیز ذبح نشده ولی اگر بخواهد عمره تمتع انجام دهد به وقوف اختیاری عرفات نمی رسد باید عدول به قرآن کند و هدی را با خود به عرفات و سپس به مشعر و بعد به منی ببرد و در آن جا ذبح کند و این حج نیز از حجة الاسلام کفایت می کند.

آیه الله سیستانی: موضوع

این حکم، کسی است که در احرام عمره پس از فرستادن هدی یا قیمتش یا قبل از آن حالش بهبود یابد، به طوری که بتواند قبل از ذبح یا نهر هدی به مکه برسد.

آیه الله.

اگر گمان داشته باشد که می تواند اعمال حج را در زمان خود به جا آورد باید برود. زنجانی:

آیه الله [۴۴]

و اگر محرم به احرام عمره مفرده است، اعمال آن را انجام می دهد و محل می شود. سیستانی:

آیه الله

این احتیاط استحبابی است. زنجانی:

آیه الله

و اگر زمانی برسد که نتواند مقدار رکن از وقفین را درک کند و حج او فوت شد، پس اگر هدی او را ذبح نکرده زنجانی: باشند، در حال احرام باقی مانده و باید با همان احرام، اعمال عمره مفرده را به جا آورده و با انجام آن از احرام بیرون می آید و هدیی هم که فرستاده باید ذبح شود و اگر زمانی برسد که هدی او را ذبح کرده اند، از احرام بیرون آمده و در هر حال اگر حج وی فوت شد، باید در سال آینده همان قسم از حج را انجام دهد، هر چند برای حج استحبابی احرام بسته باشد.

آیه الله

یا اضطراری عرفات و اضطراری مشعر. سبحانی، آیه الله سیستانی:

آیه الله فاضل: ادراک

اضطراری نهاری مشعر به تنهایی برای صحت حج کافی است.

آیه الله گلپایگانی:

یا ادراک اضطراری لیلی مشعر....

آیه الله مکارم:

اگر یکی از دو وقوف مشعر و عرفات را درک کند کافی است.

آیه الله.

در صورت عدم تحلل به ذبح مبعوث قبل از فوت حج بنابر احوط (مناسک شیخ، ص ۱۰۵). بهجت:

آیه الله تبریزی: در

این صورت اگر قربانی اش کشته نشده، حج او بدل به عمره مفرده می شود و اگر کشته شده باشد از احرام بیرون آمده است و تمام محرمات بر او حلال شده مگر زن و بر او واجب است که طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نمازش را به جا آورد تا زن نیز بر او حلال شود بنا بر احتیاط.

آیه الله.

یا در صورت مستقر بودن حج بر او فاضل:

آیه الله.

و اگر پس از احرام حج مریض شده باشد و پس از فرستادن هدی بهبود یابد، پس اگر گمان کند که حج را درک سیستانی: می کند باید برود و در این صورت اگر موقوفین یا خصوص مشعر (به نحوی که گذشت) را درک نکند، اگر قبل از این قربانی او را بکشند برسد، حج او بدل به عمره مفرده می شود و اگر قبل از رسیدن او قربانی او را کشته باشند تقصیر می کند و یا سر می تراشد و از هر چیز به جز زن محل می شود.

آیه الله.

مصدود باید همانجا قربانی کند و موردی برای جریان این حکم ندارد. زنجان، آیه الله سیستانی:

آیه الله مکارم: باید

قربانی را در همانجا که مصدود شده ذبح کند، به شرطی که در مناسک نوشته ایم.

آیه الله.

بلکه بنابر اظهر حکم محصور را دارند ولی کسانی که به عللی مانند دوری راه یا نداشتن وسیله در اثنای سفر یا ردبیلی: دسترسینداشتن به پول و مخارج یا گم کردن راه، نمی توانند به مکه بروند، گرچه بعید نیست حکم محصور را داشته باشند ولی □مسأله در مورد آنان بی اشکال نیست و احتیاط مذکور را باید مراعات نمایند.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: کسی [

که نتواند حج خود را ادامه دهد، از جهت

پیش آمد مانعی غیر از صد و حصر، احتیاط این است که در جای خود قربانی نموده و از احرام خارج شود.

آیه الله زنجانی: موارد

مذکور، حکم محصور را دارند و علل دیگر که به وضعیت جسمی یا روحی محرم، ربطی ندارد حکم مصدود

را دارند.

آیه الله سبحانی:

به ذیل مسأله ۱۳۹۱ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: ظاهر

این است که حکم مریض را دارند.

آیه الله سیستانی: دو

مورد مذکور، مصداق محصورند ولی اگر مانع دیگری غیر از حصر و صد باشد تفصیلی دارند، به مناسک

مسأله ۴۵۳ و ۴۴۹ مراجعه شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در

موارد مشکوک به حصر، علاوه بر انجام وظیفه محصور، با عمره مفرد از احرام خارج شود.

(آداب و احکام حج، مسأله ۱۰۰۰).

آیه الله:

اشکالی ندارد. مکارم:

آیه الله:

این احتیاط مستحب است. فاضل:

آیه الله:

این مسأله را متعرض نشده اند. خویی، آیه الله گلپایگانی:

آیه الله زنجانی: در احرام حج یا عمره تمتع باید روز دهم را وقت کشتن قربانی قرار دهند و در احرام عمره مفرد می توانند هر زمانی را تعیین کنند.

آیه الله در عمره تمتع حداکثر زمان صبر این است که وقت بستن احرام برای حج به پایان برسد مثلاً یک ساعت قبل سبحانی: از ظهر روز نهم.

آیه الله سیستانی: در احرام حج باید روز دهم را وقت کشتن قربانی قرار دهند و در احرام عمره زمان معینی ندارد.

آیه الله مکارم: تا روز سیزدهم جایز است.

استفتائات محصور و مصدود

[۱۳۹۰] س - شخصی به نیت عمره تمتع استحبایی برای یکی از معصومین: یا یکی از شهدا مُحرم شد و طواف و نماز طواف عمره را به جا آورد و قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد، آیا همان حکم محصور و مصدود را دارد؟

ج -
اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده و نمی تواند اعمال را تمام کند و نایب هم نمی تواند بگیرد، حکم محصور و [۱] مصدود را دارد.

[۱۳۹۱] س - آیا تصادف در احرام، حصر است و باید عملی که محصور انجام می دهد به جا آورد؟

ج - بلی،
[۲] با شرایط معتبره در حصر، حکم حصر بر آن مترتب می شود.

[۱۳۹۲] س - در مناسک، حکم محصور را که بیان فرموده اید، مربوط است به کسی که مُحرم شده است و قبل از مُحل شدن محصور شود، در اینجا این سؤال مطرح است که اگر پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام آن محصور شود و نتواند برای حج مُحرم شود، آیا حج از او ساقط است یا نه؟ و وظیفه او چیست؟

ج - از
ولی کفایت از حج نمی کند و چنانچه سال اول استطاعت او باشد حج بر او واجب نشده است. [۳] احرام خارج شده است

[۱۳۹۳] س - شخصی بعد از آنکه برای حج مُحرم شده، دچار سکنه قلبی می شود؛ به گونه ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد، وظیفه او چیست؟

ج -
[۴] اگر نمی تواند وقوفین را درک کند، حکم محصور را پیدا می کند و چنانچه وقوفین را درک کرده، نسبت به بقیه اعمال تفصیل بین امکان استنابه و عدم آن است که در مناسک ذکر شده است.

[۱۳۹۴] س - شخصی در مدینه مصدوم می شود، او را به مسجد شجره می آورند و مُحرم می نمایند آیا احرام او صحیح است و وظیفه بعدی او چیست؟ و اگر نتواند حج انجام دهد تکلیف او چیست؟

[۵] - احرام

و اگر می تواند که عمره و حج را انجام دهد، ولو با استنابه در طواف و سعی، حج او صحیح است و [۶] او صحیح است

اگر نمی تواند حج به جا آورد احوط آن است که وظیفه محصور را انجام دهد
[۷] و با احرام مزبور عمره مفرده هم انجام دهد.

والحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

والسلام علی محمد و آله الطیبین و اللّٰعن علی أعدائهم أجمعین

آیه [۱]

فتوای معظم له به دست نیامد. الله خویی:

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:

اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده و نمی تواند اعمال عمره را تمام کند نایب بگیرد
و اگر قدرت انجام اعمال حج را ندارد، واجب نیست مُحرم به احرام حج گردد. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۹۶).

آیه الله سبحانی: مصدود

در عمره و حج واجب و استحبابی و نیابی تبرعی و نیابی استیجاری و همچنین در عمره مفرده
استحبابی و نیابی تبرعی و یا استیجاری حکمش یکی است. لکن محصور احکامش در بخش بعد خواهد آمد.

. مراجعه شود به مسأله ۱۳۸۸. [۲]

آیه الله سبحانی: کسانی

که بعد از احرام پا یا کمر آنها بشکنند و یا سخته کنند و یا تصادف نمایند و یا به گونه ای زخمی شوند که
از انجام اعمال منع گردند و کلاً هر چیزی که در بدن عارضه ای ایجاد کند که آن عارضه مانع از ادامه اعمال شود حکم محصور را
دارد.

آیات [۳]

به احتیاط واجب عمره خود را عمره مفرده قرار دهد و طواف نساء انجام دهد و از عظام بهجت، سبحانی، سیستانی:
احرام خارج شود.

آیه [۴]

به حاشیه مسأله ۱۳۷۸ مراجعه شود. الله اردبیلی:

آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی:

با عنایت به مسأله ۱۳۸۵، به ذیل مسأله ۱۳۷۸ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی: نسبت

به بقیه اعمال نایب بگیرد. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۹۷).

آیه [۵]

نظر معظم له در این مسأله به دست نیامد. الله زنجانی:

آیه [۶]

احرام او در صورتی صحیح است که خیال می کرده می تواند اعمال حج و عمره را ولو با استنابه به جا آورد. الله زنجانی: لذا قصد کرده که اعمال حج و عمره را به جا آورد.

آیه [۷]

حکم محصور را دارد. الله زنجانی، آیه الله سیستانی:

آیه الله سبحانی: چنانچه

بعد از احرام کلاً ناتوان شد حکم محصور را دارد که احکام آن در مسائل قبل گذشت.

استفتاءات جدید

فروع جدید احکام حج و تغییر و تبدیل موضوعات سبب می شود استفتاءات جدیدی مطرح و فتاوای مراجع تقلید درباره آنها و وظیفه مکلفان معین گردد. در این مجموعه تعدادی از سؤال های جدید حج به محضر مراجع معظم تقلید ارائه شده و پاسخ بسیاری از آن بزرگواران به دست آمده که تقدیم می گردد. یادآوری می شود: مواردی که فتوای بعضی از مراجع عظام تقلید آورده نشده تاکنون به دست، نرسیده که امیدواریم در آینده بتوانیم فتاوای آنان را نیز بر این مجموعه بیفزاییم.

تقلید

بقاء بر تقلید میّت

س ۱۳۹۵ - تقلید

میّت ابتداءً جایز نیست، ولی بقاء بر تقلید میّت اشکال ندارد و باید بقاء بر تقلید میّت به فتوای مجتهد زنده باشد و کسی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده، بعد از مردن آن مجتهد می تواند در همه مسائل از او تقلید کند.

آیه الله --

فقهائ حیات را شرط می دانند؛ یعنی می گویند: برای ابتدای تقلید باید از مجتهد زنده تقلید کرد و اما اگر مرجع بهجت: تقلید انسان از دنیا رفت، در اینکه آیا می تواند بر تقلید باقی بماند یا باید به مجتهد زنده مراجعه نماید، مورد اختلاف است، پس اگر کسی در این مسأله مجتهد بود طبق نظر خودش عمل می کند و گرنه طبق نظر مجتهد زنده عمل می کند.

باقی ماندن بر تقلید میّت در مسائلی که در آنها تقلید و عمل کرده است، در صورتی که مجتهدی که از دنیا رفته با مجتهد زنده از نظر علمی مساوی باشند، بنابر اقوی جایز است، هر چند با اجازه مجتهد دیگری بر تقلید باقی بوده و عمل کرده باشد؛ و اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد، واجب است بر تقلید او باقی بماند و اگر مجتهد زنده بعداً اعلم شد واجب است در تمامی مسائل به او عدول نماید.

آیه الله --

آیه الله خویی: اگر

مجتهدی که انسان از او تقلید می کند از دنیا برود، در صورتی که فتوای او در نظر مقلد بوده و فراموش خویی: یا فراموش کرده است) لازم است به مجتهد زنده رجوع کند. (تبریزی: و بعید نیست در صورتی که فراموش کرده است باز

بتواند به فتوای او عمل کند.)

آیه الله --

اگر انسان مجتهدی را در زمانی که می توانسته از او تقلید کند - یعنی در هنگامی که ممیّز بوده و خوب و بدزنجانی: را می فهمیده (هر چند بالغ نشده) - درک کند، می تواند پس از مرگ آن مجتهد از او تقلید کند، خواه در زمان زنده بودن مجتهد از او تقلید کرده باشد یا از او تقلید نکرده باشد، در غیر این صورت، بنابر احتیاط عمل کردن به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته جایز نیست.

و چنانچه مجتهدی که انسان از او تقلید می کند از دنیا برود حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است، بنابراین اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد یا در صورت تساوی به فتوای او عمل کرده باشد، لازم است بر فتوای او باقی بماند و اگر مجتهد زنده اعلم شده باشد، باید به او مراجعه شود و اگر به فتوای مجتهد متوفی که با مجتهد زنده مساوی است عمل نکرده باشد، از هر یک از آنها که بخواهد می تواند تقلید کند.

و اگر مجتهد پیش از عمل کردن به فتوای او از دنیا برود و انسان به فتوای مجتهد مساوی دیگر عمل کند دیگر نمی تواند به

فتوای مجتهدی که از دنیا رفته عمل نماید.

آیه الله --

ابتدای تقلید باید از مجتهد زنده باشد و اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می کند از دنیا برود باید از مجتهد سبحانی: زنده تقلید کند ولی مسائلی که آنها را یاد گرفته است می تواند بر تقلید قبلی باقی بماند در این صورت حکم بعد از وفات او حکم زنده بودنش است.

آیه الله --

اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می کند از دنیا برود، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است. سیستانی: بنابراین، اگر او اعلم از مجتهد زنده باشد باید - با علم به اختلاف در مسائل محل ابتلا ولو اجمالاً - بر تقلید او باقی بماند و چنانچه مجتهد زنده اعلم از او باشد، باید به مجتهد زنده رجوع کند. و اگر علمیتی در میان آنها معلوم نشود یا مساوی باشند مخیر است عمل خود را با فتوای هر کدام تطبیق نماید مگر در موارد علم اجمالی یا قیام حجت اجمالی بر تکلیف مانند موارد اختلاف در قصر و تمام که بنا بر احتیاط واجب باید رعایت هر دو فتوا را بنماید و مراد از تقلید در صدر این مسأله صرف التزام به متابعت از فتوای مجتهد معین است نه عمل کردن به دستور او.

آیه الله --

بلکه جواز بقا بر تقلید او در سایر مسائل نیز بعید نیست. ولی اگر مجتهد میّتی که از او تقلید می کرده، اعلم از صافی: حی باشد، بقا بر تقلید او، بنا بر احتیاط، واجب است؛ چنان که اگر مجتهد حی، از میّت اعلم باشد عدول به حی واجب است.

آیه الله --

مسأله باقی ماندن بر تقلید میّت جایز است در صورتی که مجتهد میّت و مجتهد حی مساوی در علم باشند و فاضل: چنانچه یکی از آن دو اعلم باشد تقلید از اعلم لازم است و در باقی ماندن بر تقلید میّت، فرقی بین مسائلی که عمل نموده و مسائلی که عمل ننموده وجود ندارد.

آیه الله --

اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می کند از دنیا برود، باید از مجتهد زنده تقلید کند. ولی کسی که در گلیپایگانی: مسأله ای به فتوای مجتهدی عمل کرده یا آن را یاد گرفته و ملتزم به عمل به آن شده باشد، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می تواند در آن مسأله به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته باقی باشد.

اگرچه احتیاط مستحب آن است که به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید.

آیه الله --

هرگاه مجتهدی که انسان از او تقلید می کند از دنیا برود، باقی ماندن بر تقلید او جایز است بلکه اگر اعلم باشد مکارم: واجب است، به شرط اینکه عمل به فتوای او کرده باشد و یا حداقل فتوای او را برای عمل گرفته باشد.

عمل کردن به فتوای مجتهد مرده ابتداءً جایز نیست هر چند اعلم باشد بنا بر احتیاط واجب.

رجوع به فالاعلم

س ۱۳۹۶

گر اعلم در مسأله ای فتوا نداده و تنها احتیاط واجب کرده است، ولی فالاعلم آن احتیاط را ندارد، آیا لازم است مقلّد اعلم بداند مرجعش احتیاط واجب کرده و باید نیت رجوع به فالاعلم کند، یا همین که در مقام انجام وظیفه شرعی بوده و عملش طبق فتوای فالاعلم است کافی است؟ به عبارت دیگر، اگر اعلم مثلاً در احرام از مکه قدیم احتیاط واجب است، ولی

فالأعلم چنین احتیاطی نداشته، و مقلّد اعلم از مکه جدید محرم شده و بعد از اعمال حجّ فهمیده است که اعلم چنین احتیاطی داشته، آیا عملش صحیح است یا خیر؟ و اکنون چه وظیفه ای دارد؟

آیه الله --

پس از فهمیدن فتوای فالأعلم در تصحیح عمل، به فتوای وی استناد می کند. تبریزی:

آیه الله --

کافی است عمل او هرچند نداند مطابق فتوای فالأعلم باشد. سبحانی:

آیه الله --

اگر مطابقت با فتوای کسی که می تواند از او تقلید کند داشته باشد، الآن می تواند به او رجوع کند. سیستانی:

آیه الله --

در فرض سؤال، بعد از خاتمه اعمال نیت کند که آنچه انجام داده ام بر طبق نظر فالأعلم باشد اشکال ندارد البته صافی: مشروط به این که هنگام احرام از مکه جدید قصد قربت از او متمشی شده باشد.

آیه الله --

همین که عمل مطابق فتوای مشهور باشد صحیح است و نیت رجوع و حتی گفتن و ارجاع دادن

لازم نیست. بلی اگر سؤال

کردند باید گفت و اگر بعد از عمل متوجه آن احتیاط شدند اعاده لازم نیست، هرچند اگر بخواهند طبق احتیاط اعاده و عمل کنند مانعی ندارد.

آیه الله --

بعد از اعمال حجّ رجوع به فالأعلم می کند و چون عمل گذشته او با آن هماهنگ است، اعاده لازم نیست. مکارم:

مسائل اختصاصی بقاء بر تقلید

آیه الله بهجت:--

مسأله ۱۳: اگر مسائلی را از مجتهد میّت یاد گرفته و بنا داشته عمل کند، چنانچه عمل نکرده و یا شک در عمل کردن دارد، در صورت بقا بر تقلید میّت، نمی تواند در آن مسائل باقی بر تقلید بماند، هر چند مجتهد میّت اعلم باشد.

مسأله ۱۴: شخصی که مقلد مرجعی بوده و بعد از وفات او بر طبق نظر مرجعی دیگر بر تقلید باقی مانده، ولی در بعضی از فتاوی؛ از قبیل بلاد کبیره و شب مهتاب یا هر مسأله دیگر، به مرجع دوّم عدول کرده، بعد از وفات مرجع دوّم، در صورت بقا، نمی تواند در این مسائل به مرجع اوّل برگردد ولی می تواند به تقلید مرجع دوّم باقی باشد.

مسأله ۱۵: کسی که مقلّد مرجعی بوده و بعد از وفات او به فتوای مرجعی دیگر به تقلید اوّل باقی بوده، پس از وفات مرجع دوّم، در صورت جواز بقا تنها در مسائلی که طبق فتوای مجتهد اوّل عمل کرده می تواند باقی بماند و اگر چند مرجع داشته و بعد از وفات هر کدام طبق موازین از دیگری تقلید کرده و با اجازه بعدی بر تقلید باقی مانده و در نتیجه از هر مجتهد چند مسأله عمل کرده است، در آن مسائل می تواند بر تقلید مجتهدین قبلی باقی بماند، ولی در هر صورت در مسائلی که عمل نکرده باید به فتوای مجتهد زنده عمل کند.

مسأله ۱۶: شخصی که مقلّد مرجعی بوده، بعد از فوت آن مرجع اگر احرار و یا احتمال اعلمیّت میّت در بین نباشد، رجوع به

مجتهد زنده جایز است و در صورتی که مجتهد زنده اعلم باشد یا احتمال اعلیّت او در بین باشد، رجوع به او واجب است.

آیه الله --

اگر انسان به فتوای مجتهدی عمل کرد، نمی تواند از مجتهد دیگر تقلید کند، مگر مجتهد دیگر اعلم از مجتهدزنجانی:
اول شده باشد که لازم است به فتوای مجتهد دیگر عدول کند.

استطاعت

س ۱۳۹۷

برخی

اثران ثبتنام شده حج، از معلولیت جسمی به دلیل قطع نخاع و یا شیمیایی شدید و یا بیماری اعصاب و روان
حادث برخورد دارند که در انجام اعمال حج دچار مشکل می شوند و برخی اعمال از قبیل طواف و نماز طواف را به ناچار باید نائب
بگیرند و در مواقع، وقوف اضطراری کنند، امکانات عربستان نیز پاسخگویی آنان خصوصاً در مواقع نیست، [همچنین] ساختمان
ها مناسب شرایط آنان نمی باشد، مثلاً ویلچر درون حمام ها نمی رود، از سرویس های بهداشتی خصوصاً در عرفات و منا یا نمی
توانند استفاده کنند و یا استفاده سخت است. اکنون با توجه به آنچه ذکر شد بفرمایید:

۱. آیا با شرایط فوق، اینگونه افراد شرعاً استطاعت دارند یا خیر؟

۲. در صورت مستطیع بودن، با توجه به اینکه از اول می دانند که شخصاً نمی توانند این اعمال را انجام دهند، تکلیف شرعی آنها
چيست؟

آیه الله --

اگر سایر شرائط استطاعت فراهم است و رفتن به حج برای خود آنان موجب حرج و سختی زیاد نباشد بایدخامنه ای:
بروند و در غیر این صورت
مستطیع نیستند و در صورتی که حج بر آنان از قبل مستقر شده باشد، باید نایب بگیرند.

آیه الله --

محروم کردن افراد معلول که استطاعت مالی برای خود و همراه دارند، جائز نیست. از آنجا که رکن حج همان سبحانی :
وقوف در عرفات و مشعر است، می توانند از نظر وقوف به اقل اکتفا کنند. دو ساعت قبل از غروب از مکه حرکت کرده، مقداریدر
عرفات وقوف کنند، سپس به مشعر رفته پس از نیمه شب به سمت منا و از آنجا هم بهمکه بروند. اعمال منا را نائب انجام دهد.
و در اعمال حج، طواف و سعی را خود انجام می دهند.

آیه الله --

جواب سؤال اول: اگر از رفتن به حج به حرج و مشقت زیاد می افتند حج بر آنها واجب نیست ولی باید برای سیستانی:
حج نائب بگیرند. جواب سؤال دوم: حکم آن روشن شد.

آیه الله --

با توجه به شرایطی که ذکر کردید، اینگونه افراد مستطیع نیستند و در صورت لزوم باید نایب بگیرند و احتیاط آن مکارم:
است که عمره مفرده را به جا آورند.

آیه الله --

هر یک از افراد مذکور در سؤال که برای رفتن به حج در حرج شدید قرار می گیرند واجب نیست صافی گلیایگانی:
شخصاً به مکه مشرف شوند و در صورتی که

حج بر آنها مستقر بوده و مأیوس از رفع حرج می باشند باید نائب بگیرند و اگر حج

بر آنها مستقر نشده و فعلاً استطاعت مالی دارند ولی استطاعت بدنی ندارند، بنابر احتیاط واجب نائب بگیرند.

آیه الله --

ج ۱. در شرایط فوق افراد مذکور در سؤال مستطیع نیستند. ج ۲. اگر حج بر عهده آنها مستقر بوده، باید شبیری زنجانی: بدون تأخیر برای انجام حج نایب بگیرند. هر چند اگر انجام حج برای خودشان ضرر اساسی نداشته باشد، شخصاً نیز می توانند حج خود را به جا آورند. و اگر حج بر آنها مستقر نبوده چنانچه الان استطاعت مالی دارند و از این که بعداً نیز بتوانند شخصاً حج بجا آورند، مأیوسند باید بدون تأخیر نایب بگیرند. والله العالم.

آیه الله --

اگر استطاعت مالی دارد، ولی استطاعت بدنی ندارد، باید نائب بگیرد. سید محمد شاهرودی:

آیه الله --

در هر دو مورد استطاعت محقق نیست و حج واجب نمی باشد. نوری همدانی:

آیه الله --

۱. استطاعت مالی در فرض مزبور حاصل است، ۲. چون مباشرت عسر و حرج است نائب بگیرد. جوادی آملی:

آیه الله --

ظاهراً در صورتی که از سایر جهات مستطیع باشند و بتوانند محرم شوند و وقوف در عرفات و مشعر موسوی اردبیلی: الحرام ولو به نحو اضطراری داشته باشند لازم است به حج بروند و محرم شوند و به وظیفه معذور در مثل طواف و سعی و رمی جمرات عمل کنند. جهات ذکر شده مانع از استطاعت نمی شود مگر آنکه رفتن به حج ملازم با جهات ذکر شده باشد و این جهات موجب عسر و حرج بر این افراد باشد و یا این که توان مالی این هزینه ها را نداشته باشند.

نیابت

وظیفه نایب نسبت به مستحبات حج

س ۱۳۹۸

کسی

که در انجام حج بلدي نیابت دارد، چه مقدار از مستحبات مدینه و مکه را باید به نیابت از منوبعنه انجام دهد؟

آیه الله --

مستحبات مدینه و مکه اگر در ضمن اجاره ذکر نشود، بر عهده اجیر نیست. بلی، آن مستحباتی که در خود حج تبریزی: وعمره متعارف است باید اتیان شود، والله العالم.

آیه الله --

کسی که اجیر و شهدای احد، به هر میزان که در قرارداد ذکر شده و یا عرفاً وائمه بقیع و فاطمه زهرا ۸ بر خدا ۹ سبحانی: منصرف به آن است عمل کند؛ لیکن اگر در قرارداد چیزی بیان نشده باید مستحباتی که معمولاً در اعمال حج نیابتی بجا آورده می شود ترک نشود و شایسته است که او را در مشاهد مشرفه یاد کند.

آیه الله --

باید طبق عقد اجاره عمل کند مگر این که اطلاق نیابت طبق عرف عام یا خاص منصرف به انجام بعضی از سیستمی: اعمال باشد.

آیه الله --

اگر در ضمن عقد اجاره نسبت به مستحبات، خصوصیات ذکر نشده باشد، احتیاط این است که مستحباتی راضایی: که به طور متعارف همه یا اکثر حجاج انجام می دهند و زحمت معتد به ندارد، اقلاً یکبار به نیت منوب عنه بجا آورد، والله العالم.

آیه الله --

به مقدار متعارف انجام دهد. فاضل:

آیه الله --

به مقداری که در نیابت متعارف است انجام می دهد، مگر این که شرط خاصی کرده باشند. مکارم:

آیه الله --

مقداری که حجاج به طور معمول و متعارف انجام می دهند لازم است، مگر این که بیش از آن شرط شده باشد. نوری:

س ۱۳۹۹ - کسی

که در انجام حج بلدي نیابت دارد، آیا در برگشت از سفر حج نیز باید به شهر منوبعنه برگردد یا لزومی ندارد؟

آیه الله --

لزومي ندارد، والله العالم. تبريزي:

آية الله --

خروج از مکه و يا رجوع به شهر منوب عنه لازم نيست.

آية الله --

لازم نيست. سيستاني:

آية الله --

برگشت به شهر منوب عنه لازم نيست بلکه در استيجار و تحقق نيابت شرط بازگشت از مکه مطلقاً معتبر نيست صافي:
ولي اگر اجير کننده اجير را براي رفتن به حج و برگشتن به شهر منوب عنه اجاره کند، اجير بايد طبق قرار اجاره عمل نمايد، والله العالم.

آية الله --

خير، لازم نيست، مگر اين که در ضمن عقد
اجاره شرط شده باشد.

آية الله --

لزومي ندارد. مكارم:

آية الله --

برگشتن به شهر منوب عنه لازم نيست مگر اين که شرط شده باشد. نوري:

محل احرام براي نايب

س ۱۴۰۰ - شخصي

در مدينه منوره، ديگري را اجير مي کند که براي پدروي حج ميقاتي بجا آورد ولي مشخص نکرده است که از
مسجد شجره محرم شود يا ميقات هاي ديگر، آيا اجير مي تواند از مسجد شجره به نيّت عمره مفرده محرم شود و پس از آن به
جحفه يا قرن المنازل برود و براي عمره تمتع استيجاري محرم شود؟

آية الله --

در صورتي که قرينه اي ولو از جهت تعارف بر احرام از مسجد شجره احراز نشود مي تواند از خود چهار ميقات تبريزي:
ديگر نيز محرم شود، والله العالم.

آية الله --

در فرض مذکور اجير مي تواند از هر کدام از مواقيت معروف، به نيابت محرم شود. مگر اين که اجير گرفتن خامنه اي:
در مدينه، قرينه باشد بر اين که مستأجر نظرش مسجد شجره بوده که در اين صورت بايد از مسجد شجره محرم شود.

آية الله --

در فرض سؤال مي تواند از يکي از مواقيت معروفه براي عمره استيجاري محرم شود مگر اينکه قرينه يا متعارف سبحاني:
براي او احرام از مسجد شجره باشد.

آية الله --

ظاهراً این استیجار منصرف است به احرام از مسجد شجره ولی اگر چنین نباشد یا تصریح به عدم تقییدسیستانی: کند اشکال ندارد.

آیه الله --

اگر منصرف به احرام او از مسجد شجره نباشد مانعی ندارد، والله العالم. صافی:

آیه الله --

چنانچه عقد اجاره انصراف و یا ظهور عرفی در احرام از خصوص مسجد شجره را نداشته باشد اشکالی ندارد. فاضل:

آیه الله --

اگر منظور این است که عمره مفرده را انجام دهد و بعد به میقات برگردد برای عمره تمتع استیجاری محرم شود مکارم: مانعی ندارد، مشروط بر این که فاصله میان دو عمره مطابق فتوای ما حفظ شود.

آیه الله --

اگر قرینه ای در بین نباشد که منظور مستأجر احرام از مسجد شجره است می تواند. نوری:

عمره مفرده به نیابت از خود و دیگران

س ۱۴۰۱ - انجام

یک عمره مفرده استحبابی، به نیت خود و به نیابت تبرّعی دیگران، صحیح است یا نه؟

آیه الله --

صحیح است، والله العالم تبریزی:

آیه الله --

مانع ندارد و صحیح است. خامنه ای:

آیه الله --

اشتراک در نیت در عمره مفرده مستحبی یعنی به نیت خود و نیابت دیگران و لو افراد زیاد باشند اشکالی ندارد سبحانی: و در تمام اعمال باید افراد را و لو اجمالاً در نیت مد نظر داشت.

آیه الله --

: اشکال ندارد. سیستانی

آیه الله --

اشکال ندارد، والله العالم صافی:

آیه الله --

مانعی ندارد و صحیح است. فاضل:

آیه الله --

احتیاط آن است آن را به نیت خود بجا آورد و هر مقدار از ثواب آن را که می خواهد بر دیگران هدیه کند. مکارم:

آیه الله --

: صحیح است. نوری

احرام

احرام از جدّه

شخصی
ی جهل به مسأله در فرودگاه جدّه برای عمره مفرده محرم می شود و پس از انجام طواف و نماز و سعی متوجه می شود که می بایست به یکی از مواقیت برود، تکلیف او در این صورتحیست؟

آیه الله --

احتیاطاً به یکی از مواقیت ولو به جحفه برود و برای عمره مفرده احرام ببندد و اعمال عمره مفرده را انجام تبریزی: دهد، والله العالم.

آیه الله --

فعلاً تکلیفی ندارد، بلی اگر از طرف کسی نایب بوده و یا به سبب نذر عمره واجب شده باشد کفایت نمی خامنه ای: کند.

آیه الله --

احتیاطاً تقصیر کند و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد و سپس باید به ادنی الحل رفته و محرم شود و اعمال سبحانی: عمره را انجام دهد.

آیه الله --

عمره او باطل است و اگر نمی تواند به میقات برود می تواند از ادنی الحل؛ مانند مسجد تنعیم، دوباره مُحرم شود و اعمال را انجام دهد.

آیه الله --

در فرض سؤال، احتیاطاً بقیّه اعمال عمره را اتمام کند و چنانچه عمره مفرده به نذر و غیره واجب بوده اکتفا به صافی: آن نکند و از ادنی الحل محرم شود و عمره واجبه خود را انجام دهد، والله العالم.

آیه الله --

در فرض سؤال، عمره باطل است و تکلیف خاصی ندارد و چنانچه عمره به جهتی بر او واجب بوده است یا بخواهد فاضل: یک عمره مستحبی انجام دهد باید به یکی از مواقیت برگردد ولو به ادنی الحل و محرم شود و اعمال را انجام دهد.

آیه الله --

احرام عمره مفرده منحصر به مواقیت معروف نیست. اگر این شخص توجه می داشت و نیت احرام را در حدیبیه مکارم: که نقطه ای است میان جده و مکه یا محاذات آن تجدید می کرد، عمره اش صحیح بود و همچنین اگر در جده نذر احرام کرده بود عمره او بی اشکال بود ولی حالا که هیچ یک از این دو کار را انجام نداده احرامش باطل است و باید به تنعیم که ادنی الحل

محسوب می شود و امروز در کنار شهر مکه قرار گرفته، برود و از آنجا محرم شود و عمره را تجدید کند.

آیه الله --

اگر بعد از اعمال متوجه شود عمره او صحیح است. نوری:

احرام از حدیبیه

س ۱۴۰۳

خواهشمند

رمایید آیا زائران ایرانی بیت الله الحرام در موسم حج و یاعمره می توانند از میقات حدیبیه محرم شوند؟ و آیا حدیبیه نیز مانند سایر مواقیت از قبیل میقات شجره و جحفه می باشد یا خیر؟

آیه الله --

چنانچه متمکن است، بنابر احتیاط بین وظیفه مصدود و اتیان به عمره مفرده جمع نماید، والله العالم. تبریزی:

آیه الله --

کسی که از یکی از مواقیت عبور نمی کند می تواند از نزدیک ترین نقاط به حرم محرم شود و یکی از آن نقاط حدیبیه است.

آیه الله --

حدیبیه مانند تنعیم میقات عمره مفرده است برای کسانی که داخل مکه هستند چه اهل مکه باشند و چه سیستانی: حاجیانی که پس از اعمال حج می خواهند عمره مفرده انجام دهند.

آیه الله --

حجاج ایرانی برای انجام عمره تمتع باید از یکی از مواقیت پنج گانه معروفه محرم شوند مانند مسجد شجره و صافی: جحفه و از حدیبیه مجزی نیست و همین طور برای عمره مفرده، لکن در عمره مفرده اگر عصیاناً از میقات عبور کرده و از حدیبیه محرم شود عمره صحیح است و چیزی بر او نیست. و الله العالم.

آیه الله --

میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه معروفه است که در مسأله ۹۸ تا ۱۰۷ مناسک حج بیان شده است. وفاضل: در صورت عدم عبور از آنها، لازم است از محاذی یکی از آنها محرم شود. لذا کسانی که برای حج تمتع از جده به مکه می روند باید به جحفه یا یکی از مواقیت معروفه دیگر بروند و از آنجا محرم شوند و الا از محاذی یکی از آنها محرم بشوند. و در غیر این صورت احرام عمره تمتع صحیح نیست.

ولی میقات برای احرام عمره مفرده علاوه بر مواقیت پنجگانه معروفه ادنی الحل نیز می باشد اما افضل این است که در حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم محرم شوند. بلی اگر کسی برای عمره مفرده از یکی از مواقیت پنجگانه با تمکن از احرام، بدون احرام عبور کند مرتکب معصیت شده است ولی احرامش از حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم صحیح است.

بنابراین کسانی که از جده برای عمره مفرده به مکه می روند می توانند از حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم محرم شوند و معصیتی نیز مرتکب نشده اند چون از مواقیت پنجگانه عبور نکرده اند.

آیه الله --

۱. حدیبیه میقات عمره مفرده است (نه میقات عمره تمتع) برای کسانی که از جده به سوی مکه می آیند؛ ۲. از مکارم:

جواب بالا معلوم شد.

آیه الله --

کسانی که از جدّه به مکه می روند لازم است که به جحفه بروند و از آنجا محرم شوند و افرادی که از مدینه به نوری: مکه می روند باید از مسجد شجره محرم شوند. و در این حکم فرقی بین این که قصد عمره تمتع و انجام حجّ تمتع داشته باشند یا قصد عمره مفرده داشته باشند نیست. بلیکسی که در مکه است می خواهد عمره مفرده انجام دهد می تواند به حدیبیه برود و از آنجا محرم شود.

لباس احرام بانوان

س ۱۴۰۴ - شرایط

لباس احرام بانوان چیست؟

آیه الله --

زنان می توانند در لباس دوخته محرم شوند ولی سایر شرایط لباس احرام مردان را در آن باید رعایت نمایند. تبریزی: والله العالم.

آیه الله --

زنان می توانند در لباس خودشان محرم شوند و لباس احرام زنان شرط خاصی ندارد. خامنه ای:

آیه الله سبحانه: شرایط آن

همان شرایط لباس احرام مرد است.

آیه الله --

می توانند در لباس های معمولی خود احرام ببندند، مشروط به اینکه: ۱. به احتیاط واجب از حریر خالص نباشد. ۲. از اجزای درندگان نباشد بلکه به احتیاط واجب از اجزای حیوانات حرام گوشت نباشد. ۳. زربافت نباشد. ۴. نجس نباشد مگر نجاستی که در نماز معفو است؛ مانند خون زخم یا خونی که کمتر از بند سرانگشت ابهام است و زن نباید دستکش بپوشد.

آیه الله --

پوشیدن لباس احرام برای بانوان واجب نیست بلی استحباب دارد و اگر بخواهند به استحباب عمل کنند، شرایط صافی: آن با لباس احرام مردان تفاوت ندارد، والله العالم.

آیه الله --

لباس احرام بانوان شرط خاصی ندارد و احتیاط مستحب آن است که در حال نیت و تبلیه بانوان نیز دو لباس فاضل: احرام را بپوشند.

آیه الله --

برای زن لباس خاصی شرط نیست، خواه دوخته باشد یا غیر دوخته و هر رنگی که باشد، هر چند انتخاب رنگ مکارم: سفید بهتر است ولی جنس آن باید حریر خالص نباشد.

آیه الله --

بانوان می توانند در لباس خودشان به هر نحوی که هست احرام ببندند، چه دوخته باشد یا نباشد ولی حریرنوری خالص نباشد.

وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه

س ۱۴۰۵ - وقف

به حرکت و وصل به سکون در تلبیه چه حکمی دارد؟

آیه الله --

بسمه تعالی، احتیاط مستحب ترک آن است. واللّٰه العالم. تبریزی:

آیه الله --

بسمه تعالی، تلبیه باید نزد اهل لسان صحیح باشد. خامنه ای:

آیه الله --

اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب در عدم وصل به سکون و وقف به حرکت است. سبحانی:

آیه الله --

اشکال ندارد. سیستانی:

آیه الله --

اشکال ندارد اگر چه احوط و اولی مراعات عدم وصل به سکون و وقف به حرکت است. واللّٰه العالم صافی:

آیه الله --

: مانعی ندارد. فاضل

آیه الله --

در هر دو صورت، اشکال ندارد. مکارم:

آیه الله --

احتیاط واجب در مراعات است. نوری:

محرمات احرام

خوردن سبزي هاي خوشبو

خوردن

س ۱۴۰۶

نعنا و ساير سبزي هاي خوشبو در حال احرام چه حکمي دارد؟

- آية الله --
مانعي ندارد و احتياط مستحب آن است که آن را نبويد، والله العالم. تبريزي:
- آية الله --
بويیدن حرام است ولي خوردن بدون بويیدن مانع ندارد. سبحاني:
- آية الله --
جائز است ولي به احتياط واجب بايد در وقت خوردن، از بويیدن آنها خودداري نمايد. سيستاني:
- آية الله --
بنابر احتياط از خوردن نعنا و سبزي هاي خوشبو اجتناب شود، والله العالم. صافي:
- آية الله --
احتياطاً جائز نیست. فاضل:
- آية الله --
اشکالي ندارد. مکارم:
- آية الله --
جائز نیست. نوري:

استفاده از بوي خوش براي کسي که حس بويائي ندارد

کسي

س ۱۴۰۷

حسّ بويائي ندارد يا به علت زکام و سرماخوردگي بويي را احساس نمي کند، استعمال طيب و عطر زدن به بدن و لباس و گرفتن بيني از بوي بد بر او حرام است يا نه؟

- آية الله --
استعمال طيب بر او حرام است و نسبت به گرفتن بيني از بو، چنانچه شخص بو را احساس مي کند ولوتبريزي:
مختصر، گرفتن بيني از بوي بد جائز نیست.

آیه الله --

الف) نمی تواند به بدن و لباس خود عطر بزند و یا غذای معطر میل کند. سبحانی:

ب) احتیاطاً بینی خود را از بوی بد نگیرد.

آیه الله --

استعمال و عطر زدن حرام است ولی اگر احساس بوی بد نمی کند گرفتن بینی حرام نیست. سیستانی:

آیه الله --

استعمال طیب و گرفتن بینی از بوی بد برای چنین کسی هم حرام است. صافی:

آیه الله --

بلی، در فرض سؤال نیز استعمال طیب و عطر زدن و بینی را از بوی بد گرفتن حرام است. فاضل:

آیه الله --

استعمال عطر برای او نیز اشکال دارد ولی گرفتن بینی از بوهای خوب و بد لازم نیست. مکارم:

پوشیدن دمپایی دوخته

س ۱۴۰۸ - پوشیدن

دمپایی دوخته برای مرد محرم چه حکمی دارد؟

آیه الله --

در صورتی که مقداری روی پا باز باشد مانعی ندارد، والله العالم. تبریزی:

آیه الله --

پوشیدن لباس مخیط بر محرم جایز نیست و اگر لباس صدق نکند اشکال ندارد، البته مشروط به این که تمام خامنه ای روی پا پوشیده نشود.

آیه الله --

اشکالی ندارد. سبحانی:

آیه الله --

اشکال ندارد. سیستانی:

آیه الله --

اشکال ندارد، والله العالم. صافی:

آیه الله --

مانعی ندارد. فاضل:

آیه الله --

اشکالی ندارد به شرطی که روی پای او را نگیرد ولی بهتر است مردان در حال احرام چنین کفشی نپوشند. مکارم:

-- آیه الله --

اشکال دارد.نوري:

بند دوخته ساعت مچی

س ۱۴۰۹ -

به مچ بستن ساعتی که بند آن دوخته است چه حکمی دارد؟

-- آیه الله --

مانعی ندارد، والله العالم.تبریزی:

-- آیه الله --

چنانچه گذشت، پوشیدن چیزی که بر آن لباس صدق نکند، هر چند مخیط باشد اشکالی ندارد.خامنه ای:

-- آیه الله --

بنابر احتیاط از ساعتی که بند آن دوخته است اجتناب کند.سبحانی:

-- آیه الله --

اشکال ندارد.سیستانی:

-- آیه الله --

بنابر احتیاط واجب از بستن آن در حال احرام خودداری کند، والله العالم.صافی:

-- آیه الله --

اشکال ندارد.فاضل:

-- آیه الله --

اشکالی ندارد.مکارم:

-- آیه الله --

اشکال دارد.نوري:

طواف

شکایات طواف

شخصی
س ۱۴۱۰
ایان یکی از اشواط طواف، آن را رها کرده و لحظه ای استراحت می کند و هنگامی که برای تکمیل آن برمی گردد، شک می کند که شوط پنجم بوده یا ششم، تکلیفش چیست؟

آیه الله --
چنانچه طواف واجب بوده باطل است و باید آن را اعاده نماید، والله العالم. تبریزی:

آیه الله --
شک در عدد اشواط طواف بین ۵ و ۶ در هر صورت مبطل طواف است. خامنه ای:

آیه الله --
طواف او باطل است. سبحانی:

آیه الله --
طوافش باطل است و باید از سر بگیرد. سیستانی:

آیه الله --
در فرض سؤال، ظاهراً طواف مذکور باطل است باید از آن طواف صرف نظر کند و طواف دیگر انجام دهد، والله صافی:
العالم.

آیه الله --
طواف وی در فرض سؤال باطل است. فاضل:

آیه الله --
احتیاط واجب آن است که آن را رها کند و از نو شروع کند. مکارم:

آیه الله --
طوافش باطل است. نوری:

بطلان طواف

شخصی
س ۱۴۱۱
مفردی ای به نیابت از پدرش انجام داده و روز بعد به نیابت مادرش محرم می شود و در اثنای آن، متوجه می شود که در عمره اول طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است، وظیفه او در این صورت چیست؟

آیه الله --

بنابر احتیاط طواف و نماز آن را قضا نماید و پس از آن تمام اعمال عمره مفرده به قصد ما فی الذمه انجام تبریزي: دهد، والله العالم

آیه الله --

باید طواف و نماز عمره اول را اعاده نماید و احرام دوم نیز صحیح است. خامنه ای:

آیه الله --

احرام دوم باطل است، باید با طهارت طواف و نماز و سپس اعمال مترتبه عمره را بیاورد و سپس برای مادرش سبحانی: محرم شود و عمره بیاورد لکن صورت بهتر این است که با همان احرام دوم اعمال را بعنوان وظیفه فعلی بیاورد و تقصیر نماید و طواف نساء و نماز آن را نیز به همین نیت بیاورد و چنانچه هر کدام از آن دو عمره یا هر دوی آن ها با نذر یا استیجار بر او واجب شده بود مجدداً به احتیاط واجب آن ها را بیاورد.

آیه الله --

احرام دوم باطل است و باید همه اعمال عمره اول را اعاده کند. سیستانی:

آیه الله --

در فرض سؤال، طواف و نماز عمره ای را که به نیابت پدر انجام داده اعاده نماید، والله العالم صافی:

آیه الله --

ابتدا طواف و نماز طواف عمره سابق را بجا آورد سپس اعمال عمره فعلی را انجام دهد. فاضل:

آیه الله --

طواف و نماز عمره اول را اعاده می کند و عمره دوم را به قصد رجاء ادامه می دهد (توجه داشته باشد که در یک مکارم: ماه قمری بیش از یک عمره نمی توان انجام داد مگر اینکه بر نیت رجاء؛ یعنی به امید اینکه مطلوب باشد).

آیه الله --

بعد از اتمام عمره دوم طواف و نماز آن را که از عمره اول بجا مانده است بجا بیاورد صحیح است. نوری:

نجاست معفو در طواف

-

س ۱۴۱۲

آیا نجاست معفو در نماز، در طواف نیز معفو است؟ و حکم محمول متنجس در طواف چیست؟

آیه الله --

نجاست معفو در نماز، بنابر احتیاط در طواف معفو نیست و محمول متنجس مضر به طواف نیست، والله تبریزي: العالم.

آیه الله --

نجاستی که در نماز از آن عفو شده در طواف از آن عفو نشده است ولی حمل چیز نجس که سائر نباشد مانند سبحانی: دستمال نجس ضرری به صحت طواف نمی زند.

آیه الله --

به احتیاط واجب معفو نیست ولی حمل متنجس اشکال ندارد. سیستانی:

آیه الله --

بنابر احتیاط نجاست معفو در نماز، در طواف معفو نیست اما محمول متنجس اگر سائر نباشد اشکال ندارد، صافی:
والله العالم.

آیه الله --

احتیاط واجب آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده و از محمول متنجس اجتناب شود. فاضل:

آیه الله --

نجاسات معفو نیست (بنابر احتیاط واجب) ولی محمول متنجس اشکالی ندارد. مکارم:

آیه الله --

در طواف معفو نیست و محمول هم باید متنجس نباشد. نوری:

غسل مستحب طواف

-

س ۱۴۱۳

آیا به جز غسل مستحبی برای رفتن به مسجدالحرام، غسل دیگری برای طواف مستحب است و در صورت وجود چنین استحبابی، آیا یک غسل به نیت هر دو کافی است؟

آیه الله --

برای زیارت بیت الله غسل مستحب

است و طواف، زیارت بیت است، والله العالم.

آیه الله --

برای خصوص طواف هم غسل

مستحبی وارد شده است ولی می توانید هر دو را در یک غسل نیت کنید.

آیه الله --

آنچه که از غسل های مستحب بیان شده است یکی غسل ورود به حرم است که اگر کسی تا ورود به مکه آن سبحانی: را تأخیر انداخت مانعی ندارد سپس غسل ورود به مکه است که این غیر غسل ورود به حرم است و رجاء می شود هر دو را به یک نسبت انجام داد و اگر کسی این دو غسل را انجام نداد و تأخیر انداخت تا موقعی که منزل گرفت در منزل و قبل از رفتن به مسجد الحرام غسل کند کفایت می کند و دیگری غسل ورود به خانه کعبه است.

آیه الله --

غسل زیارت کعبه مستحب است ولی استحباب غسل دخول مسجدالحرام و غسل طواف ثابت نیست و اگر سیستانی: خواست انجام دهد به قصد رجاء اشکال ندارد و می تواند یک غسل را به نیت های متعدد انجام دهد.

آیه الله --

غسل برای طواف بالخصوص، به نظر نرسیده است، والله العالم. صافی:

آیه الله --

بلي براي هر دو مورد؛ يعني دخول در مسجدالحرام و طواف غسل مستحب است و يك غسل به نيت هر دوفاضل:
كفايت مي كند.

آیه الله --

ظاهراً طواف، غسل مستحب ندارد. مكارم:

آیه الله --

بجز غسل مستحبي براي رفتن به مسجدالحرام استحباب غسل ديگري براي طواف ثابت نيست. نوري:

هل خوردن در طواف

س ۱۴۱۴

شخصي

كي از اشواط، گام هايي را در اثر فشار جمعيت بي اختيار پيموده و به همان نحو ادامه داده و طواف را پايان برده است، اکنون كه مسأله را فرا گرفته، نه جاي آن مقدار را مي داند و نه شوط را، تكليف او چيست؟

آیه الله --

حرکت غير اختياري در فرض مزبور مضر به طواف نيست، والله العالم. تبريزي:

آیه الله --

اگر با قصد طواف نموده، اشكال ندارد. خامنه اي:

آیه الله --

هرگاه قصد طواف همراه با جمعيت را کرده باشد كافي است و گرنه احتياطاً خودش و اگر مقدور نيست يك سبхани: طواف كامل به نيت تكليف فعلي انجام دهد و نماز آن را بخواند.

آیه الله --

اگر كاملاً بي اختيار بوده طواف را پس از فوت موالات از سر بگيرد. سيستاني:

آیه الله --

از طواف مذکور صرف نظر کند و طواف ديگر انجام دهد، والله العالم صافي:

آیه الله --

احتياطاً خودش و اگر نمي تواند فردي را نايب کند تا يك طواف و نماز طواف براي او بجا آورد. فاضل:

آیه الله --

اگر منظور از بي اختيار بودن اين است كه در وسط جمعيت قرار گرفته و قصد طواف دارد و جمعيت او را پيش مكارم: مي برند اين وضع ضرري به طواف نمي زند.

آیه الله --

لازم است طواف را اعاده کند. نوري:

طواف معذورين

افراد

س ۱۴۱۵

نوان که قبلاً با صندلی چرخدار (ویلچر) یا سید (تخت روان) طواف داده می شدند، در سال جاری از طواف در صحن مسجدالحرام منع شده اند و حتماً ممکن است کسی نباشد تا فرد ناتوان را بر دوش خود حمل کند و طواف بدهد یا همین کار نیز ممنوع شود و چنین افرادی باید در طبقه دوم یا پشتبام مسجدالحرام طواف داده شوند. آیا چنین طوافی کفایت می کند یا نه، وظیفه آنان چیست؟

آیه الله --

در صورت عدم امکان، با رعایت الاقرب فالاقرب، کفایت می کند. بهجت:

آیه الله --

احتیاط واجب آن است که آن ها را از طبقه دوم طواف دهند و نایب هم برایشان بگیرند. تبریزی:

آیه الله --

هرگاه به هر جهت نتواند در صحن مسجدالحرام طواف کند، و باید طواف را در طبقه دوم انجام دهد، به خامنه ای: احتیاط واجب باید چنین شخصی خودش در طبقه دوم طواف کند و کسی را هم نایب بگیرد که برای او در صحن مسجد طواف انجام دهد، و نماز را هم خودش در طبقه دوم، و نائیش در صحن مسجد بخواند، و اگر خودش بتواند در صحن مسجد نماز بخواند همان نماز او کفایت می کند

آیه الله --

به خاطر ضرورت افراد معلول و ناتوان و پیر که قادر بر طواف در صحن مسجد الحرام با رعایت الاقرب فالاقرب سبحانی: نیستند و یا قوانین داخلی به آن ها اجازه چنین طوافی را با ویلچر و امثال آن نمی دهد می توانند در طبقه دوم طواف کنند و به احتیاط واجب نایب نیز بگیرند که طواف را در محدوده طواف انجام دهد و نایب نماز طواف را پشت مقام بخواند و خود او نیز اگر امکان دارد نماز را در طبقه همکف پشت مقام بخواند مگر اینکه حرجی و مشقت زا باشد که در این صورت نماز طواف را در همان طبقه به نحوی که پشت مقام حساب شود بخواند و احتیاط مستحب این است که طواف نایب کمی با تأخیر از منوب عنه باشد یعنی هم زمان نباشد و فاصله زیاد نیز نباشد.

آیه الله --

چنانچه احراز شود که طبقه دوم بالاتر از کعبه است، طواف از بالا کفایت نمی کند و باید برای طواف از سیستانی: پایین نایب بگیرند و لازم نیست احتیاط کنند و چنانچه مطلب مشکوک باشد، باید احتیاطاً بین طواف از بالا و نایب گرفتن از پایین جمع نمایند.

آیه الله --

در مورد سؤال اگر ممکن باشد کسی فرد ناتوان را بر دوش حمل کند، طواف در محدوده بین مقام شبیری زنجانی: ابراهیم و کعبه لازم است و در غیر این صورت باید نایب بگیرند تا در محدوده طواف کند و بنابر احتیاط مستحب نیز خود شخص در طبقه دوم طواف داده شود و چنانچه نیابت نیز ممکن نباشد طواف دادن شخص در طبقه دوم کفایت می کند.

آیه الله --

در فرض مذکور این افراد باید در طبقه دوم طواف داده شوند و بنابر احتیاط واجب نایب هم گرفته صافی گلپایگانی: تا برای آنان در صحن مسجدالحرام طواف نماید.

آیه الله --

در فرض سؤال، چنانچه کعبه مقدسه از طبقه دوم پایین تر نباشد، احتیاط

واجب آن است که علاوه بر اینکه در طبقه دوم طواف

داده می شوند، استنابه هم بنماید؛ و الله العالم.

آیه الله --

در این گونه موارد که راهی جز این

نیست، طواف در طبقه بالا کفایت می کند.

آیه الله --

طواف در طبقه فوقانی صحیح نیست و این قبیل افراد باید به وسیله کول گرفتن طواف خود را انجام نوری همدانی: بدهند و اگر ممکن نشد، لازم است برای طواف خود نایب بگیرند.

آیه الله --

در مفروض سؤال باید نایب بگیرد که در صحن مسجدالحرام طواف نماید و در صورتی که متمکن می و حید خراسانی: باشد و بر او حرجی نیست، احتیاط واجب آن است که خودش هم از طبقه دوم طواف نماید.

آیه الله --

: چنین فردی نایب بگیرد و بعداً نیز خودش از هر طبقه ای که اقرب به کعبه است با ویلچر طواف کند. والله سبحانه العالم

شکایات طواف

س ۱۴۱۶

-

اگر در بین طواف نداند چند شوط بجا آورده، وظیفه اش چیست؟

آیه الله --

شک در عدد اشواط طواف واجب موجب بطلان آن است مگر هنگامی که به حجرالاسود برسد شک کند، هفت تبریزی: شوط بجا آورده یا بیشتر که بنابر هفت می گذارد و طوافش صحیح است. والله العالم.

آیه الله --

اگر در بین طواف نداند چند شوط طواف انجام داده طوافش باطل است و باید از سر بگیرد. خامنه ای:

آیه الله --

طواف او باطل است. سبحانی:

آیه الله --

طوافش باطل است. سیستانی:

آیه الله --

طواف باطل است، والله العالم. صافی:

آیه الله --

طواف او باطل است، والله العالم. فاضل:

آیه الله --

احتیاط واجب آن است که آن را رها کند و از نو شروع کند. مکارم:

آیه الله --

طوافش باطل است و باید اعاده کند. نوری:

سعی

سعی در مسعای جدید

س ۱۴۱۷

نظر

ه اینکۀ عرض مسعی را از سمت شرق (بیرون مسجد الحرام) موازیسالن موجود توسعه داده اند و تقریباً عرض راهروی بین صفا و مروه دو برابر شده، لذا خواهشمند است بفرمایید سعی در قسمت افزوده شده جدید چه حکمی دارد؟

شایان ذکر است که طبق نظر کارشناسان و کسانی که از سال ها پیش سابقه تشریف دارند، کوه صفا و مروه تا این قسمت نیز امتداد داشته و هم اکنون نیز ریشه کوه وجود دارد.

آیه الله --

اگر ثابت شود که عرض مسعای جدید در بین کوه صفا و مروه در سابق بوده که مانعی ندارد ولی اگر در خارج از بهجت: حدّین الجبلین باشد، باید اقرب به مسعای واقعی رعایت شود.

آیه الله --

: سعی در قسمت توسعه یافته مسعی مجزی است. والله العالم سبحانه

آیه الله --

سعی در مقدار توسعه یافته مجزی است. خامنه ای:

آیه الله --

اطمینان حاصل از قول اهل خبره کافی است. شاهرودی:

آیه الله --

با توجه به شهادتی که به وجود ریشه های کوه داده شده، مکارم:
و با توجه به شهادت شهودی که می گویند قبلاً برجستگی کوه را در آن سمت دیده اند و بعداً در ساختمان های جدید تخریب شده، مشکلی برای سعی حجّاج به وجود نمی آورد به خصوص اینکه حجّاج می توانند از سمت مسجد الحرام که برای سعی می آیند نیت کنند از کنار کوه صفا بگذرند و وارد مسعای جدید شوند و در موقع رسیدن به مروه نیز از کنار مروه بگذرند و به این ترتیب مصداق {أَنْ} خواهد بود. يَطُوفَ بِهِمَا

آیه الله --

در فرض سؤال، که در گذشته این قسمت که الان به مسعی اضافه می شود، جزء صفا و مروه بوده، سعی نوری همدانی: در قسمت جدید، اشکال ندارد.

خروج از مکه

خروج از مکه پس از عمره تمتع

س ۱۴۱۸

شخصی

قات برای انجام عمره تمتع محرم شده و اعمال عمره را نیز به پایان برده و عمدتاً یا اضطراراً بین الإحرامین از مکه خارج شده است، بدون آن که به احرام حج محرم شود، و مثلاً به مدینه آمده و بار دیگر به قصد مکه از میقات می‌گذرد، وظیفه او نسبت به احرام در میقات یا گذشتن از میقات بدون احرام چیست؟

آیه الله --

اگر در همان ماه هلالی که برای عمره تمتع احرام بسته برگردد نیاز به احرام جدید نیست و اگر در ماه دیگر تبریزی برگردد، باید بار دیگر محرم به عمره تمتع بشود، والله العالم.

آیه الله --

هرگاه پیش از گذشتن یک ماه قمری از میقات بگذرد می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود و در غیر این صورت سبحانی: باید محرم به عمره تمتع شود و میزان در عمره تمتع ماه قمری است.

آیه الله --

اگر در همان ماه برگردد احرام لازم نیست و اگر در ماه بعد باشد، پس اگر دوباره نخواهد خارج شود تا زمان سیستانی: حج باید به قصد عمره تمتع محرم شود و اگر دوباره قصد خروج و بازگشت در ماه بعد دارد باید به قصد عمره مفرده محرم شود.

آیه الله --

در فرض سؤال، اگر در همان ماهی که محرم به عمره تمتع شده و عمره را انجام داده، از مکه بیرون رفته و درصافی: همان ماه برگشته، احرام لازم نیست و اگر یک ماه فاصله شده باید مجدداً جهت عمره تمتع محرم شود و عمره اولی مفرده می‌شود، و اگر یک ماه فاصله نشده ولی در غیر ماهی که محرم به عمره تمتع شده بوده دوباره به مکه وارد می‌شود، احتیاطاً جهت عمره تمتع دوباره محرم شود، والله العالم.

آیه الله --

اگر در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده‌است بخواند دیگر لازم نیست محرم شود و حج تمتع او به همان صورت صحیح است. اما اگر در ماه بعد بخواند وارد مکه شود محرم به احرام عمره تمتع شود و عمره اولیه فاسد می‌شود و طواف نساء هم لازم نیست.

آیه الله --

هرگاه در همان ماه قمری که محرم شده برگردد، احرام دیگر لازم نیست. مکارم:

آیه الله --

احتیاط واجب آن است که از میقات بدون احرام بگذرد و برای دخول مکه احرام ببندد و برای حج خود نیز از نوری: مکه محرم شود و هر دو احرام را به قصد قربت مطلقه انجام دهد.

س ۱۴۱۹

شخصی

کارمند سازمان حج و زیارت است و به علت مأموریت شغلی ممکن است از مکه خارج شود؛ مثلاً به مدینه برگردد، ولی یقین به این امر ندارد، آیا وقت احرام در میقات می‌تواند به نیت عمره تمتع محرم شود؟

آیه الله --

تواند به نیت عمره تمتع محرم شود و اگر از مکه بخواهد خارج شود احکام خروج از مکه را باید رعایت تبریزی: می نماید، والله العالم.

آیه الله --

تواند نیت عمره تمتع کند. خامنه ای: می

آیه الله --

احرام عمره تمتع او صحیح است ولی در صورت خروج از مکه باید احکام آن را رعایت کند. سبحانی:

آیه الله --

می تواند بلکه اگر قصد خروج ندارد باید نیت تمتع کند و خارج شدن برای کاری، هر چند غیر ضروری، اشکال سیستمی: ندارد در صورتیکه مطمئن باشد حج را درک می کند.

آیه الله --

بلی می تواند، والله العالم. صافی:

آیه الله --

بلی می تواند و خروج از مکه در صورتی که اطمینان به رسیدن برای اعمال حج را دارد جایز است.

آیه الله --

توانند برای عمره تمتع احرام ببندند حتی در صورتی که یقین داشته باشند که به خاطر الزام های شغلی، مکارم: می بعد از پایان عمره تمتع از مکه خارج می شوند، مشروط بر این که برای انجام حج به موقع برگردند.

خروج از مکه پیش از اتمام اعمال حج

س ۱۴۲۰ - خارج

شدن از شهر مکه و منا، مثلاً رفتن به جده، مدینه یا طائف در موارد ذیل چه حکمیدارد؟

الف) پس از اعمال روز عید قربان پیش از اعمال مکه.

ب) در روز یازدهم پس از رمی جمرات

ج) پس از بیتوته نیمه اول شب یازدهم یا دوازدهم.

د) پس از اعمال ایام تشریق، پیش از اعمال مکه.

آیه الله --

خارج شدن از مکه و توابع آن، قبل از اعمال مکه و تمام کردن آن جایز نیست. تبریزی:

آیه الله --

: احتیاط آن است که تا اعمال را تکمیل نکرده است بیرون نرود. والله العالم سبحانی

آیه الله --

اشکال ندارد مگر اینکه در ماه ذی قعدة مُحرم به احرام عمره تمتع شده بود که در این صورت برای برگشت سیستانی:
باید مُحرم به عمره مفردة شده و داخل مکه بشود.

آیه الله --

در هیچ یک از موارد مذکور جایز نیست. صافی:

آیه الله --

احتیاط واجب است که تا اعمال حج تمام نشده از مکه و منا خارج نشود مگر این که اطمینان داشته باشد که فاضل:
برای اتمام اعمال بر می گردد.

آیه الله --

احتیاط آن است تا اعمال را تکمیل نکرده خارج نشود. مکارم:

فاصله دو عمره

س ۱۴۲۱

کسی

در فاصله کمتر از یک ماه، که عمره مفردة انجام داده و به مدینه برگشته و بار دیگر قصد رفتن به مکه دارد،
آیا می تواند بدون احرام از میقات بگذرد و عمره مفردة ای نیز بجا نیاورد؟

آیه الله --

اگر در همان ماه هلالی که مُحرم برای عمره مفردة شده برگردد، احرام جدید لازم نیست، والله العالم. تبریزی:

آیه الله --

اگر در همان ماه قمری به مکه بازگردد نیازی به تجدید احرام نیست. سبحانی:

آیه الله --

معیار فاصله یک ماه نیست بلکه اگر در همان ماه به مکه برگردد احرام لازم نیست و اگر در ماه بعد باشد هر سیستانی:
چند فاصله یک روز باشد باید با احرام وارد شود.

آیه الله --

اگر در همان ماهی که مُحرم شده و اعمال عمره مفردة انجام داده از میقات عبور می کند احرام برای عمره صافی:
مفردة دیگر لازم نیست. والله العالم.

آیه الله --

اگر در همان ماه قمری که عمره مفردة انجام داده قصد مکه کند، جایز است که بدون احرام وارد مکه شود. اما فاضل:
اگر در ماه بعد قصد مکه کند باید مُحرم به احرام عمره شود و بدون احرام جایز نیست.

آیه الله --

اگر در همان ماه قمری برگردد، احرام و عمره بر او نیست. مکارم:

آیه الله --

بلی می تواند. نوری:

س ۱۴۲۲

یکی

کارمندان سازمان حج و زیارت که بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره قبلی او گذشته، برای کاری به جدّه می رود و در برگشت، بدون احرام وارد مکه شده است، وظیفه اش چیست؟

آیه الله --

گرچه دخول در مکه بدون احرام پس از گذشت ماه قمری که در آن ماه احرام عمره قبلی را بسته بوده، جایز تبریزی: نیست ولی بعد از دخول مکه تکلیفی ندارد، والله العالم.

آیه الله --

فعلاً وظیفه خاصی ندارد ولی اگر از روی عمد بدون احرام وارد مکه شده، عمل حرام انجام داده و باید توبه خامنه ای: کند.

آیه الله --

اگر برگشت او به مکه در ماه قمری دیگر (غیر از ماه خروج) است و بخواهد حج تمتع انجام دهد باید در ادنی سیحانی: الحل احرام ببندد و عمره را اعاده کند.

آیه الله --

گناه کرده و چیزی بر او نیست ضمناً معیار در لزوم عمره برای ورود به مکه گذشتن یک ماه نیست بلکه سیستانی: ورود در ماه قمری دیگر است هر چند روز بعد باشد.

آیه الله --

بر چنین شخصی واجب بوده که بدون احرام وارد حرم نشود حال که با علم و عمد و یا از روی جهل وارد حرم صافی: شده، اگر موقع حج است و می خواهد حج تمتع انجام دهد باید به یکی از مواقیع معروفه؛ مانند جحفه یا مسجد شجره برود و برای عمره تمتع محرم شود و اگر موقع حج نیست یا نمی خواهد حج تمتع به جا آورد فعلاً تکلیفی ندارد، والله العالم

آیه الله --

باید با احرام وارد مکه می شده است ولی در فرض مزبور فعلاً وظیفه ای ندارد. فاضل:

آیه الله --

کار خلاف شرعی انجام داده است و باید برگردد و محرم شود. مکارم:

آیه الله --

لازم است به یکی از مواقیع برگردد و در آنجا احرام برای عمره مفرده ببندد و عمره مفرده انجام بدهد و اگر می نوری: خواهد حج تمتع انجام بدهد احرام عمره تمتع ببندد.

رمی

رمی در طبقات فوقانی

س ۱۴۲۳

رمی

مرات از طبقه فوقانی جایز و مکفی است یا نه؟ و چنانچه بر اثر ازدحام جمعیت رمی در طبقه پایین مشکل باشد تکلیف چیست؟

امام خمینی: جایز --

است و لازم نیست در طبقه اول رمی نمایند.

آیه الله بهجت آیه الله زنجانی: رمی در

هر دو طبقه جایز و کافی است.

آیه الله --

کفایت رمی مزبور محل اشکال است مگر این که از بالا، پایین جمره را بتواند رمی کند و اگر در تمام روز رمی در تبریزی: طبقه پایین مشکل باشد و خوف بر نفس داشته باشد، شب قبل رمی نماید و چنانچه در روز هم متمکن شد رمی را اعاده می کند. والله العالم.

آیه الله --

رمی در تمام طبقات جایز است. سبحانی:

آیه الله --

اکتفا به رمی مقدار اضافه شده، محل اشکال است اگر رمی مقدار سابق ممکن نباشد هم خود به مقدار سیستانی: جدید اضافه شده رمی کند و هم نایب بگیرد که به مقدار زاید رمی نماید.

آیه الله --

رمی آنچه بر ستون جمره اضافه شده خلاف احتیاط است ولی اگر از طبقه فوقانی به قسمت قبلی جمره رمی کنند اشکال ندارد. والله

العالم.

آیه الله فاضل آیه الله نوری: رمی از

طبقه فوقانی جایز است.

آیه الله گلپایگانی: --

رمی در طبقه بالا خلاف احتیاط است و اگر در همان روز متمکن از رمی در طبقه پایین نشدند روز بعد در کنند. والله العالم. طبقه پایین رمی

آیه الله --

در هنگام ازدحام جمعیت جایز است. مکارم:

رمی جمرات توسعه یافته

س ۱۴۲۴

ستون

جمرات در طبقات پایین و بالا، در هر جمره به صورت دیواری به طول ۲۵ متر و عرض یک متر ساخته شده است که تشخیص محل قبلی ستون ها و ایستادن در آن محلّ پر ازدحام برای تشخیص آن، کاری دشوار و یا غیر ممکن است، از این رو خواهشمند است بفرمایید تکلیف حجّاج در رمی جمرات چیست؟ و آیا رمی تمام دیوار ۲۵ متری کفایت می کند یا خیر؟

آیه الله --

اگر ضرورت است، به این که ممکن نیست

سؤال شود که از کجا زیاد شده، اشکال ندارد.

آیه الله --

با فحص و سؤال از کسانی که از کیفیت بنا اطلاع دارند، به دیوار جدیدی که مقابل ستون های قبلی قرار تبریزي: گرفته رمی کنند و اگر تشخیص محل قبلی ستون ها و ایستادن در محل پر ازدحام برای تشخیص آن، کاری دشوار و یا غیر ممکن بود (با توجه به نقشه ارسالی به این جانب از جمرات جدید) چنانچه وسط دیوار جدید را در نظر بگیرند و رمی کنند، مجزی است ان شاء الله تعالی.

آیه الله --

اگر می تواند بدون عذر و مشقت، به آنچه در محل ستون قبلی قرار دارد رمی کند، واجب است به آن رمی خامنه ای: نماید و اگر جستجو از محل آن و رمی به آن مستلزم عسر و مشقت است، به هر نقطه آن دیوار رمی کند مجزی است ان شاء الله.

آیه الله --

: به ذیل مسأله ۱۰۰۱ مراجعه شود. سبحانی

آیه الله --

اگر دیوار موجود، مشتمل بر ستون سابق باشد و تشخیص آن هرچند به کمک اهل خبره قبل از رمی میسر سیستانی: باشد، باید همان قسمت را رمی کنند و اگر میسر نباشد، به احتیاط واجب، باید رمی را تکرار کنند، مگر مقداری که مستلزم حرج یا ضرر است.

آیه الله شبیری زنجانی: بلی --

کفایت می کند.

آیه الله --

در مورد سؤال با وضع فعلی بعید نیست رمی در هر قسمت جمره کافی باشد. البته مهما ممکن، احوط صافی گلپایگانی: و اولی مراعات رمی به حدود ستون قبلی است؛ والله العالم.

آیه الله --

بلی، در فرض مزبور رمی جمرات فعلی کفایت می کند. فاضل:

آیه الله --

پرتاب سنگ به آن حوضچه، هرچند بزرگتر از سابق شده است کافی است، و اگر به دیوار مزبور بزنند تا مکارم شیرازی:
در حوضچه بیفتد، آن هم کفایت می کند، و هیچ ضرورتی ندارد که جای ستون سابق را پیدا کنند و به آن بزنند.

قربانی

ذبح با استیل

ذبح

س ۱۴۲۵

حیوان با چاقوی استیل چه حکمی دارد؟ با توجه به این که اهل خبره استیل را هم نوعی آهن می دانند.

امام خمینی: اگر --

معلوم نباشد آهن است یا نه، صحیح نیست.

آیه الله --

اگر آهن است صحیح است. بهجت:

آیه الله --

ذبح حیوان با استیل در صورتی که آهن پیدا نشود مانع ندارد و ملاک در آهن بودن صدق عرفی است و نظرتبریزی: مبتنی بر نظریات دقیق علمی اعتباری ندارد. والله العالم.

آیه الله --

اشکال ندارد هر چند آهن نباشد. زنجانی:

آیه الله --

کاردهای استیل و غیر استیل فرقی نمی کند همین که فلز باشد و تیز که حیوان را اذیت نکند کافی است. سبحانی:

آیه الله --

جایز بودن ذبح با چاقوی استیل خالی از اشکال نیست و جای احتیاط است. سیستانی:

آیه الله --

ذبح باید با حدید باشد و تشخیص آن با عرف است و اگر کسی یقین کند استیل حدید است برای او اشکال صافی: ندارد. والله العالم.

آیه الله --

با تحقیقی که انجام گرفته استیل نوعی از آهن است که از امتیاز خاصی برخوردار است در این صورت ذبح با آن مانعی ندارد و بر فرض احتمال امتزاج غیر آهن به آن، چون مقدار امتزاج شده نسبت بسیار کمی دارد و مضر به صدق آهن نیست، در این صورت نیز مانعی ندارد.

آیه الله --

ذبح باید با آلت حدیدی باشد و حدید بودن آلت مذکوره در سؤال محرز نیست. والله العالم. گلپایگانی:

آية الله --

با هر فلز برنده اي صحيح است. مكارم:

حلق

حلق با ماشین اصلاح

س ۱۴۲۶

- آیا در اعمال حج، حلق با ماشین هایی که مانند تیغ، موی سر را می تراشد کفایت می کند یا حتماً باید با تیغ باشد؟

آیه الله --

تراشیدن سر با ماشین به نحو مذکور برای حلق در حج کفایت می کند. اردبیلی:

آیه الله --

بنابر احتیاط باید با تیغ باشد. خامنه ای:

آیه الله --

حلق با ماشین هایی که مانند تیغ مو را می تراشد کفایت می کند. جوادی آملی:

آیه الله --

ماشین های ته زن که مانند تیغ موی سر را می تراشند کافی است، زیرا عرفاً حلق صدق می کند.

آیه الله --

کفایت می کند. سیستانی:

آیه الله --

کفایت می کند. شبیری زنجانی:

آیه الله --

منظور از حلق این است که موی سر از ته تراشیده شود خواه با تیغ باشد یا با ماشین سرتراشی؛ سید محمد شاهرودی: به شرط آنکه مو را از ته بتراشد.

آیه الله --

باید حلق صدق کند یعنی تراشیدن و مجرد ازاله مو مانند تراشیدن، حلق محسوب نمی شود. صافی گلپایگانی:

آیه الله --

کفایت می کند. مکارم شیرازی:

آیه الله --

در فرض سؤال حلق با ماشین مزبور اشکال ندارد. نوری همدانی:

بیتوته

بیتوته در منا

نظر

س ۱۴۲۷

محدودیت سرزمین منا، اگر وقوف به منا بر اثر ازدحام جمعیت موجب عسر و حرج گردد، حکم شرعی مسائل ذیل را بیان فرمایید:

۱. در صورت توسعه سرزمین منا از طرف دولت عربستان آیا بیتوته در محدوده توسعه یافته جایز است؟

۲. اگر بیتوته در محدوده فعلی منا (چادرهای اختصاص یافته) مقدور نباشد و باعث عسر و حرج گردد آیا می توان در مشعر وقوف نمود؟

۳. ملاک عسر و حرج و چگونگی وقوف در محدوده فعلی با توجه به محدودیت چادرهای اختصاص یافته و عدم امکان وقوف در معابر چیست؟

آیه الله --

ج ۱. در فرض ضرورت جایز است، ج ۲. در صورتی که باعث عسر و حرج شود مانعی ندارد. ج ۳. منظور از مکارم شیرازی: عسر و حرج این است که وقوف در محدوده فعلی مشقت بسیار زیادی داشته باشد.

آیه الله --

کسانی که می توانند به جای بیتوته در منا به مکه بروند و در مسجدالحرام به عبادت پردازند، باید این فرض سبحانی: را مقدم بدانند. ولی اگر این فرض ممکن نشد و یا به حرج مقرون گشت، از آنجا که اسلام آیین جهانی است، هرگاه در منا جا برای مسلمانان تنگ شد، باید به اقرب فالاقرب اکتفا کرد. البته مادامی که سعودی ها چادرهای ایرانی را اجبار به خروج از منا نکرده اند، بیتوته در نقطه ای دیگر جایز نیست.

آیه الله --

۱. اشکال ندارد. ۲. خیر، باید از همان سرزمین توسعه یافته منا استفاده شود. ۳. از جواب قبل معلوم نوری همدانی: شد.

آیه الله --

۱. خیر مگر در وادی محسر. ۲. اگر بیتوته در منا و در فرض ضیق منا بر اثر ازدحام جمعیت در وادی محسر، سیستانی: ممکن نباشد، نسبت به آن وظیفه ای ندارد و بدل آن که اشتغال به عبادت در مکه است، اتیان کند. ۳. عسر و حرج، همان مشقت زیاد است.

آیه الله --

۱. مجزی نیست. ۲. وقوف در مشعر هم مجزی نیست. ۳. در فرض مذکور که مبیت به منا ممکن صافی گلیایگانی: نیست، برای هرشب یک گوسفند کفاره بدهد و یا در این شب ها در مکه به عبادت مشغول باشد و به کار دیگر غیر از عبادت

مشغول نباشد مگر کارهای ضروری، مانند خوردن و آشامیدن و تجدید وضو که در این صورت مبیت به منا واجب نیست. والله العالم.

آیه الله --

۱. حدود منا از طرف شارع مشخص شده و باید وقوف در محدوده منا باشد. ۲. در روایت آمده که هنگام شاهرودی: ضیق و ازدحام به وادی محسّر بروند، و ظاهراً مجزی است.
۳. ضیق منا ملاک مبیت در وادی محسّر می باشد، مبیت نصف شب در منا کفایت می کند، و همچنین گذراندن به عبادت در مکه، و اگر هیچ کدام را انجام ندهد، یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله --

منا سرزمین معینی است که قابل توسعه نمی باشد و در صورت عدم امکان بیتوته در منا، حاجی باید موسوی اردبیلی: به جای آن در مکه با شرایطی که در کتاب مناسک آمده است به عبادت پردازد و اگر آن نیز ممکن نشد وظیفه ای ندارد ولی احتیاط واجب آن است که برای هر شب یک گوسفند کفاره بدهد.

نماز

نماز جماعت با اهل سنت

س ۱۴۲۸

در

ایام عمره که جمعیت کمتری در نماز جماعت مسجد الحرام شرکت می کنند امام مقابل در کعبه، یا کنار مقام ابراهیم به نماز می ایستد، و چند صف دور کعبه تشکیل می شود و بقیه جمعیت داخل شبستان ها هستند و اتصال صفوف برقرار نیست آیا لازم است شیعیان به هنگام شرکت در نماز جماعت مسجد الحرام، اتصال صفوف را مراعات کنند و یا به همان مقداری که آنان نماز را صحیح می دانند کافی است، به علاوه بانوان را داخل حیاط راه نمی دهند و اتصال آنها به ناچار قطع است، تکلیف چیست؟

آیه الله --

مراعات آنچه را خود آنها شرط می دانند بنمایند و در هر صورت نماز را اعاده کنند، علی الأخطوط. بهجت:

آیه الله --

اقتدا به آنها صوری است و باید قرائت را خودش و لو آهسته بخواند و اگر آهسته هم نمی تواند بخواند حدیث تبریزی: نفس کند، والله العالم.

آیه الله --

همانطور که آنها نماز را صحیح می دانند کفایت می کند، والله العالم. خامنه ای:

آیه الله --

بنابر احتیاط واجب باید نماز خوانده شده با آنها را اعاده کند. سبحانی:

آیه الله --

به همان نحو که آنها نماز می خوانند می تواند نماز بخواند ولی باید قرائتش را آهسته و اگر نمی شود سیستانی: مخفیانه بخواند.

آیه الله --

با فرض عدم وجود تقیّه، نماز خود را اعاده نماید، والله العالم. صافی:

آیه الله --

چنانچه هنگام اقامه جماعت اتفاقاً داخل شبستان ها بودند همان جا اقتدا کنند و نماز صحیح است هر چند اتصال برقرار نباشد. ولی اختیاراً و با وسعت وقت آنجا نروند و نمانند. و در این مسأله فرقی بین آقایان و بانوان نیست.

آیه الله --

در مورد بانوان که راه دیگری ندارند، اشکالی ندارد. ولی در مورد آقایان چنانچه بتوانند اتصال صفوف را رعایت مکارم:

کنند، لازم است.

آیه الله --

لازم است اتصال صفوف را مراعات کنند. نوری:

س ۱۴۲۹

گاهی

ت امام جماعت اهل سنت در نماز، سوره سجده را می خواند و نمازگزاران در اثنای قرائت به سجده می روند و برمی خیزند؛

اولاً: تکلیف چیست؟

ثانیاً: اگر کسی عمداً یا جهلاً یا سهواً سجده را ترک کرد، نمازش چه حکمی دارد؟

و اگر ندانسته به رکوع رفت و سپس به سجده و دوباره به قیام برگشت تکلیف چیست؟

آیه الله --

در سجده هم با آنها تبعیت کند، و در جمیع فروض مسأله نماز را اعاده کند، والله العالم. بهجت:

آیه الله --

در فرض استماع باید ایماء^۱ سجده کرده و احوط اعاده آن بعد از نماز است و با ترک آن نمازش باطل نمی شود. تبریزی:
و اگر رکوع یا سجده زائده انجام داد باید نمازی را که خوانده اعاده کند والله العالم.

آیه الله --

باید تبعیت کنند، بلی اگر خلاف تقیه نباشد می توانند تبعیت نکنند و در هر صورت تبعیت مضر نیست؛ وخامنه ای:
اگر خلاف تقیه عمل نکرده باشد نمازش صحیح است، گرچه رعایت احتیاط خوب است.

آیه الله --

در سجده با آنها تبعیت کند ولی در هر حال باید نماز را اعاده کند. سبحانی:

آیه الله --

تکلیف این است که اگر امام سجده کرد او هم سجده کند و پس از اتمام احتیاطاً اعاده کند و اگر امام سجده سیستانی:
نکرد او با ایماء و اشاره سجده کند و نماز صحیح است و اگر عمداً یا جهلاً یا سهواً سجده نکرد نماز صحیح است و اگر به رکوع رفت نماز بنابر احتیاط واجب باطل است.

آیه الله --

اگر شرکت در نماز عنوان تقیه داشته باشد و ترک موافقت با آنان در سجده مخالف تقیه باشد، در سجده با آنها صافی:
موافقت کند و نماز او صحیح است و در غیر مورد تقیه چون مجرّد سماع آیه موجب وجوب نیست ترک سجده بی اشکال و بلکه لازم است و انجام آن
به سماع، هر چند به ایماء باشد موجب بطلان نماز است، بلی در صورت استماع وعدم تقیه، باید به ایماء و اشاره سجده نماید. و
زیاد شدن رکوع در صورت مذکوره موجب بطلان نماز است، والله العالم.

آیه الله --

تکلیف تبعیت است و نماز صحیح است. فاضل:

اگر به هر جهت سجده را ترک کرده است به نماز لطمه اي نمي خورد، ولي اگر خلاف تقيه نيست، بعد از نماز احتياطاً سجده را انجام دهد.

اگر ندانسته به رکوع و سپس به سجده رفته و بعداً به قيام برگشته است نمازش باطل است و بايد اعاده کند.

آية الله --

تکليف آن است که از آنها متابعت شود و احتياطاً نماز را بعداً اعاده نمايد و در صورت ديگر هم احتياط

اعاده است.

آية الله --

۱. نمازش را بخواند و دوباره اعاده کند؛ ۲. در صورت ترک سجده عمدی يا جهلاً يا سهواً اگر مشغول خواندن ذکر نورى: شود تا سکوت طولاني که محو کننده صورت نماز است به عمل نيامده باشد نمازش صحيح است؛ ۳. در صورت اخير نمازش باطل است.

نماز جماعت با اهل سنت

س ۱۴۳۰

گاهي

نماز جماعت اهل سنت پس از رکوع، قنوت مي خوانند، تکليف شيعياني که در نماز جماعت آنها شرکت کرده اند چيست؟

آية الله --

تبعيت کنند و احتياطاً مراعات نمايند به قصد آنچه جايز است مطلقاً. بهجت:

آية الله --

آية الله صافي: متابعت

کنند. والله العالم.

آية الله --

قنوت بعد از رکوع به قصد دعا مانع ندارد و در هر صورت در فرض مرقوم مضر به صحت نماز نيست. خامنه اي:

آية الله --

آية الله نجاني:

سيستاني: اشکال ندارد.

آية الله --

: متابعت اشکالي ندارد. والله العالم سبحاني

آية الله --

بايد مانند آنها نماز بخوانند. مکارم:

نماز در اماکن تخيير

آیا مسافر، در اماکن تخییر مجاز است نوافل ظهر و عصر را بخواند؟

آیه الله --

اظهر عدم سقوط رواتب نهاریه در اماکن تخییر است اگرچه فریضه را در خارج ایقاع نماید یا قاصد آن باشد یا بهجت: قصر^۱ در داخل ایقاع نماید، بلکه ثابت است نافله با عدم تعیین تقصیر.

آیه الله --

نوافل ظهر و عصر او ساقط است. والله العالم. تبریزی:

آیه الله --

نافله نماز ظهر و عصر در سفر ساقط است، حتی در اماکن تخییر. خامنه ای:

آیه الله --

مجاز نیست. شبیری:

آیه الله --

استحباب نوافل ظهر و عصر در اماکن تخییر ثابت نیست؛ والله العالم. صافی:

آیه الله --

خیر، مشروعیت نوافل ظهر و عصر در فرض مزبور ثابت نیست. فاضل:

آیه الله --

مجاز نیست. مکارم:

آیه الله --

در صورتی که تمام را اختیار کرد رجاء می تواند بخواند. نوری:

آیه الله --

: نوافل ظهر و عصر در سفر مطلقاً ساقط است و در اماکن تخییر دلیلی بر آن نیست. والله العالم. سبحانی

نماز در مشاعر

س ۱۴۳۲

فاصله

مکه و عرفات که قبلاً چهار فرسخ بوده امروزه با توجه به توسعه مکه و اتصال شهر به منا کمتر از مسافت شرعی است در این صورت، کسی که قصد اقامه ده روز در مکه را نموده و سپس به عرفات و مشعر و منا می رود و چهار شب یا بیشتر در آنجا بیتوته می کند نماز او در عرفات و مشعر و منا و پس از مراجعت به مکه قصر است یا تمام؟

آیه الله --

باید نماز را شکسته بخواند با رعایت تخییر در محلش از مکه. بهجت:

آیه الله --

چنانچه از آخر خانه های مسکونی فعلی مکه تا عرفات کمتر از چهار فرسخ و رفتن به عرفات و مشعر و منا و تبریزی: رجوع به مکه کمتر از هشت فرسخ باشد در صورتی که شخص بعد از اقامت ده روز - با قصد اقامت از قبل - به عرفات برود و یا

این که قصد اقامت ده روز در مکه نموده و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از اقامت در مکه منصرف شده و تصمیم گرفت به عرفات برود نمازهایی او در عرفات و مشعر و منا، و در رفتن و برگشتن تمام است و در غیر این دو صورت مسافر است و باید نمازهایی خود را در غیر مکه قدیم، قصر بخواند و در خود مکه قدیم مخیر است بین قصر و تمام. والله العالم.

آیه الله --

اگر پس از استقرار حکم اقامت عشره در مکه مکرمه به عرفات و مشعر و منا می رود، با فرض این که رفت و خامنه ای: برگشت از عرفات و مشعر و منا هشت فرسخ شرعی نیست نمازش در عرفات و منا تمام است.

آیه الله --

کسی که قصد اقامه ده روز در مکه نموده یعنی تصمیم دارد ده روز در خود مکه بماند نماز او در مکه و عرفات و زنجانی: مشعر و منا تمام است، ولی مسافری که تصمیم دارد در اثنای ده روز برای انجام اعمال خود به عرفات و مشعر و منا برود تمام نمازهایی او قصر است.

آیه الله --

: هرگاه قصد کند در مکه ده روز بماند و اقامت او محقق شود به این معنی که تصمیم ندارد در این ده روز سبحانی بیرون برود آنگاه پس از ده روز به منی و عرفات برود در تمام مراحل نماز او تمام است و اگر قصد اقامه او محقق نشد، در تمام مراحل نماز او شکسته است. والله العالم

آیه الله --

اگر مسافت مکه تا عرفات و از آنجا تا مشعر و از آنجا تا منا و تا مکه (۴۴) کیلومتر باشد نمازش را در این سیستانی: اماکن قصر می خواند و الا لازم است نمازش را تمام بخواند، بلکه اگر کمتر از (۴۴) کیلومتر باشد اگر برگشتن او به مکه عبوری باشد نه این که برگشتن به محل اقامت است، پس حکم او در مشعر و منا قصر است ولی در مکه مخیر است بین قصر و اتمام.

آیه الله --

در فرض سؤال نماز شخص مذکور در عرفات و مشعر و منا تمام است همچنین پس از مراجعت به مکه، درصافی: مکه هم تمام است. والله العالم.

آیه الله --

اگر اقامه ده روزه با قطع نظر از چند شب مذکور باشد در مواضع ذکر شده نماز تمام است و اگر مجموعاً باشد فاضل: نماز در آن مواضع شکسته، لیکن در مکه و اگر چه بعد از مراجعت باشد مخیر بین قصر و اتمام است.

آیه الله --

نماز او تمام است. مکارم:

آیه الله --

در صورتی که در مکه قصد اقامت ده روز کرده باشد نمازش در عرفات و مشعر و منا تمام است و الا قصر است ونوری: در مراجعت در مکه بجهت این که در این شهر مخیر است بین قصر و اتمام، اگر قصد اقامت نکرد مخیر است و اگر قصد اقامت کرد که باید تمام بخواند.

[نماز در هواپیما](#)

س ۱۴۳۳

در

رخي موارد، زائران بيت الله الحرام يا ساير مسافران، در وقت نماز داخل هواپيما هستند، با توجه به اين كه نماز در هواپيما معمولاً مانع استقرار و طمأنينه نيست، در صورتي كه ساير شرايط، مثل قيام و قبله و ركوع و سجود مراعات شود، آيا در صورت علم يا احتمال اين كه پيش از اتمام وقت نماز به مقصد مي رسند و مي توانند نماز را پس از پياده شدن از هواپيما بخوانند، نماز در هواپيما كفايت مي كند يا بايد تاخير بيندازند و در صورتي كه نماز را در آن حال خواندند و پيش از اتمام وقت نماز پياده شدند، اعاده نماز لازم است يا نه؟

آية الله --

چنانچه احتمال بدهند كه تا آخر وقت هواپيما به زمين ننشينند مي تواند در هواپيما نماز بخوانند و اگر پيش تبريزي: از اتمام وقت هواپيما به زمين نشست نمازشان را اعاده كنند.

آية الله --

: اگر در هواپيما شرائط را رعايت كرد مثل اينكه به جهت قبله و رعايت قيام و قعود و ركوع و سجود نماز راسبحاني خواند حتي اگر وقت باقي باشد نيازي به اعاده ندارد.

آية الله --

در فرض مذکور نماز در هواپيما كافي است. سيستاني:

آية الله --

در صورت علم بايد تاخير نمايد و در صورت احتمال، احوط خواندن و چنانچه قبل از گذشتن وقت به مقصد صافي: رسيد اعاده است.

آية الله --

به طور كلي مكان نماز گزار بايد بي حركت باشد و بايد بتوانند تا پايان نماز شرايط نماز را رعايت كنند لذا در فرض فاضل: سؤال، در سعه وقت تاخير بيندازند و اگر به واسطه تنگي وقت ناچار باشند نماز بخوانند بايد به قدري كه ممكن است رعايت شرايط را بنمايند و در اين صورت اعاده لازم نيست.

آية الله --

چنين نمازي صحيح است و اعاده ندارد. مكارم:

متفرقه

فیش حج متوفي

س ۱۴۳۴

ر فیش حج متوفي به مبلغ زیادی در بازار خریداري مي شود و به کمتر از آن مبلغ، مي توان براي حج ميت نايب گرفت، آیا مي توان از آن فیش براي رفتن به حج استفاده کرد، در حالي که مازاد قيمت آن متعلق به ورثه است و در صورتي که ميت وارث صغير داشته باشد، چطور؟

آية الله --

اگر به مبلغ کمتر مي توان نايب گرفت، بدون اذن همه ورثه نمي توان از فیش براي حج استفاده کرد مگر اين تيريزي: که ميت وصيت کرده باشد که در اين صورت

مابه التفاوت از ثلث حساب مي شود، والله العالم.

آية الله --

ظاهر اينکه فیش را در حال صحت خريده است نوعي وصيت به حج بلدي است بنابر اين مابه التفاوت حج بلدي و

ميقاتي از

ثلث حساب کنند و پرداخت نمايند و وجه فیش را به عنوان ترکه تقسيم کنند البته اگر وارث همگي بالغ باشند با رضایت آنان استفاده از فیش براي حج اشکالي ندارد.

آية الله --

فیش به ورثه منتقل مي شود و اگر حج بر ميت مستقر باشد يا وصيت کرده باشد بايد براي او نايب بگيرند وسيستاني: اگر بخواهند با آن فیش بروند بايد با رضایت ورثه باشد و اگر صغير در ميان آنها هست بايد سهم او را بپردازند.

آية الله --

نايب گرفتن براي متوفي به کمتر از مبلغ ارزش و فروش فیش حج متوفي مانعي ندارد و زايد بر مبلغ که صرف صافي: استيجار حج شده، متعلق به ورثه است و از خود فیش هم جهت استيجار با توافق ورثه مي شود استفاده کرد.

بلي چنانچه متوفي ورثه صغير داشته باشد، بايد حق او ملاحظه شود. والله العالم.

آية الله --

چنانچه ميت وصيتي نسبت به حج بلدي نداشته باشد. مي توان از ميقات براي ميت در صورت استقرار حج براي فاضل: او استنابه کرد و فیش را در اختيار ديگري قرار داده و مابه التفاوت، بين همه ورثه، طبق قانون شرع تقسيم گردد. و در اين فرض فرقي بين داشتن صغير يا نداشتن آن نيست.

و در صورت نبودن وصيت و عدم استقرار حج با وجود صغير، بايد سهم صغير از مجموع فیش به هر صورت رعايت شود و تفصيل اين مسأله در استفتائات آمده است.

آیه الله --

در صورتی که میت وصیتی نکرده باشد، این کار جایز است، ولی به اجازه همه ورثه، و سهم صغیر را باید از آن مکارم: بپردازند.

آیه الله --

اگر حج بر متوفی واجب بوده است و ورثه کبار نباشند، لازم است برای حج متوفی نایب بگیرند و از آن فیش هم‌نوری: به نحوی که ذکر شده است، استفاده اشکال ندارد و اگر در بین ورثه صغیر وجود دارد نیز با اجازه وصی و یا حاکم شرع اشکال ندارد.

س ۱۴۳۵

کسانی

فیش حج میت و به نیابت از وی به حج می‌روند، اگر خود نیز تمام شرایط استطاعت را دارا باشند، به جز باز بودن راه، که آن هم با فیش حج میت حاصل شده است، در صورتی که بتوانند مثلاً در مدینه یا جده (قبل از میقات) برای متوفی نایب بگیرند و خودشان حج واجب خود را انجام دهند، تکلیف چیست؟

آیه الله --

اگر بتواند ورثه را راضی کند که با آن فیش برای خود حج بجا آورد و برای میت نایب بگیرد، والله العالم. تبریزی:

آیه الله --

بسیار دیده شده که افرادی به عنوان نیابت از پدر یا دیگران اجیر شده و به حج آمده‌اند و در مدینه و یا میقات سبحانی: ملتفت شده‌اند که خود مستطیع هستند، اگر بقیه وراثت یا اجیر کننده موافقت کنند باید این افراد برای خود حج انجام دهند و برای پدر و یا منوب عنه نایب بگیرند و همچنین است اگر تبرعاً با فیش پدر یا منوب عنه به حج آمده و متوجه استطاعت خود شده است در این صورت باید تفاضل فیش را نسبت به حج میقاتی به ورثه بپردازد ولی اگر قیمت نیابت بیشتر از فیش بود باید خود بپردازد مگر اینکه ورثه ببخشند.

آیه الله --

اگر اجیر باشد و نیابت مشروط به آن سال باشد. باید حج نیابی را مقدم بدارد و اگر مشروط نباشد یا اجیر سیستانی: نباشد، باید حج خود را مقدم بدارد و می‌تواند برای میت نایب بگیرد مگر این که مطمئن باشد در آینده می‌تواند حج خود را انجام دهد که در این صورت می‌تواند حج نیابی را انجام دهد.

آیه الله --

در فرض مرقوم، استیجار شخص مذکور صحیح نیست، بلی اگر برای انجام حج، اعم از مباشرت و تسبیب اجیر صافی: شده باشد و حج مورد اجاره میقاتی باشد باید خودش حجة الاسلام خود را بجا آورد و برای میت حج میقاتی استیجار کند. والله

العالم.

آیه الله --

در فرض سؤال، وظیفه انجام حج نیابی است. گرچه اگر برای خود حج انجام دهند صحیح است. هر چند تفاضل: معصیت کرده‌اند. و نایب گرفتن برای متوفی در صورتی صحیح و مجزی است که مجاز در استنباه باشند. و الا مجزی نیست.

آیه الله --

مانند مسأله سابق است. مکارم:

آیه الله --

این قبیل افراد نمی توانند نایب باشند و حجّ نیابی انجام بدهند، این شخص هم لازم است حجّ خود را انجام نوری: بدهد و گرفتن نایب باید با نظر ورثه و یا وصی و یا حاکم شرع، که هر یک در مورد خود اختیار دارند، باشد.

س ۱۴۳۶

در

فرض سؤال قبل، اگر میت یکی از ورثه را (مثلاً پسر بزرگ خود را) برای انجام حج مشخص کرده باشد، یا تمام ورثه اتفاق کنند که یکی از آنها از طرف میت به حج برود، تکلیف او چیست؟

آیه الله --

به همان نحو که در مسأله سابقه گذشت عمل شود والله العالم. تبریزی:

آیه الله --

به جواب سؤال قبلی مراجعه شود. سبحانی:

آیه الله --

در صورتی که وصیت بهیچیک از آنها کرده باشد، باید به جای او حج انجام دهد و خود شمشطیع نیست. ولی اگر توافق آنها بر یکی از آنها باشد مصداق مسأله فوق است.

آیه الله --

کسی که از برای میت و یا ورثه جهت انجام حج میت معین شده چنانچه خود استطاعت مالی داشته باشد نمی صافی: تواند نیابت کند. والله العالم.

آیه الله --

حکم آن از جواب قبل معلوم شد. فاضل:

آیه الله --

هرگاه میت وصیت کرده، باید به وصیت او عمل شود و اگر ورثه توافق کنند جایز است او به حج برود. مکارم:

آیه الله --

اگر خود آن فرزند مستطیع باشد، نمی تواند نیابت را قبول کند. نوری:

خمس پول حج

س ۱۴۳۷

هم

موان کسانی که قصد تشرّف به حج یا عمره را دارند، باید برای حفظ نوبت، مبلغ مقرری را به بانک سپارند که این مبلغ مطابق قرارداد مضاربه است و سودی نیز به آن تعلق می گیرد و زمانی که پس از حدود سه سال، نوبت تشرّف آنها فرا می رسد، اصل پول و سود آن را دریافت می کنند و به سازمان حج و زیارت می سپارند و به عمره یا حج مشرف می شوند. حال با توجه به اینکه سپردن پول به بانک، مقدمه رفتن به حج یا عمره است و چنانچه کسی این پول را به بانک نسپارد نوبتی را برای رفتن به عمره یا حج نخواهد داشت و اکنون طریق رفتن به حج نیز همین است، آیا به اصل پول و سود آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟

آیه الله --

در فرض سؤال چنانچه بر اصل پول سال بگذرد، یعنی از وقت به دست آوردن پولی که به بانک سپرده اند، سال تبریزی:

گذشته باید خمس آن را بپردازد و نسبت به مقداری که زیادتز از اصل پول به آنها، می دهند اگر در همان سال به حج یا عمره بروند چیزی بر آنها نیست. والله العالم.

آیه الله --

در فرض مرقوم، اگر در همان سال خمسی سپرده گذاری به حج می رود خمس ندارد، ولی اگر نوبت حج از پس خامنه ای: از آن سال خمسی است، مبلغ سپرده اگر از درآمد کسب غیر مخمس بوده، خمس دارد و سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نبوده جزو درآمد سال وصول محسوب است که اگر در همان سال به حساب هزینه سفر حج محسوب شود خمس ندارد.

آیه الله --

هرگاه سپرده ها از درآمد همان سال باشد که نام نویسی کرده خمس ندارد هرچند سفر او به خاطر نرسیدن سیحانی: نوبت به تأخیر بیفتد ولی اگر درآمد سال های قبل باشد که خمس آن را نپرداخته است باید خمس آن را بپردازد و اما نسبت به سود اگر این سود به وسیله یکی از عقود شرعی به صاحب سپرده تعلق گیرد سود مذکور از درآمدهای سال وصول سود محسوب می شود و اگر همان سال وصول صرف مؤونه شد خمس ندارد و در غیر این صورت باید خمس آن را بپردازد و اما اگر کسی سال خمسی ندارد چنانچه به حج یا عمره مشرف می شود خمس به همه اموال او تعلق می گیرد و لااقل باید خمس تمام هزینه های حج و یا عمره را بپردازد و یا از حاکم شرع اجازه گرفته و مبالغ مذکور را به ذمه بگیرد.

آیه الله --

به اصل پول خمس تعلق می گیرد و نیز به سود آن، اگر از طریق معامله شرعیه ملک صاحب پول شده است، سیستانی: بلی اگر حج بر او مستقر شده و راه دیگری برای رفتن به حج در سال ثبت نام نداشته باشد، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

آیه الله --

در حج واجب و یا عمره، اگر به وسیله ای واجب کرده خمس پول مورد سؤال واجب نیست و در حج و شبیری زنجان: عمره مستحب واجب است.

آیه الله --

در فرض سؤال، اصل پول خمس دارد ولی سود آن، اگر با آن پول معاملات شرعی با رعایت شرایطش صافی گلیایگانی: انجام شود و پرداخت سود، طبق قرارداد باید در موقع تحویل اصل پول پرداخت شود، سود مذکور از منافع سال وصول است که اگر دره مان سال صرف مؤونه شود خمس ندارد و اگر باقی بماند آن هم خمس دارد. والله العالم.

آیه الله فاضل: افرادی --

که برای تشرف به حج یا عمره ثبت نام می کنند و در همان سال توفیق تشرف پیدا نمی کنند، باید خمس اصل پول و سود متعلقه مربوط به سنوات سابق را بپردازند، مگر برای افرادی که حج بر آنها مستقر شده و تمکن از خرید فیش را ندارند.

آیه الله --

هرگاه این پول از درآمد همان سالی باشد که نام نویسی کرده است، نه به خود آن خمس تعلق می گیرد مکارم شیرازی: و نه به سود آن.

آیه الله --

اگر همان سالی که مستطیع شده است، آن پول را برای انجام حج در نوبت خود به حساب ریخته است آن نوری همدانی: پول جزو مؤونه و مخارج آن سال محسوب می شود و خمس ندارد، ولی اگر در سال قبل یا سال های قبل مستطیع بوده و تأخیر انداخته و به حساب نریخته است، باید خمس آن را بدهد. و در عمره نیز اگر به طور متعارف یک مرتبه یا در چند سال یک

مرتبه باشد، پولی که به حساب ریخته است خمس ندارد اما سودی که می گیرد، از ارباح آن سالی است که آن را تحویل می گیرد و اگر تا آخر سال خمس خود آن را در مخارج لازم زندگی خود خرج کرد، خمس ندارد و اگر بماند و سال بر آن بگذرد خمس دارد.

س ۱۴۳۸

کسی

برای عمره مفرده ثبت نام کرده، در حالی که بردن او به عمره قطعی بوده و برای رفتن نیز به ناچار می بایست پولی به حساب بریزد ولی در سال بعد نوبت او شد، و به عمره مشرف خواهد شد، آیا سر سال خمس، به این پول که به حساب سازمان حج و زیارت واریز شده، خمس تعلق می گیرد یا نه؟

آیه الله --

در فرض سؤال خمس واجب نیست. بهجت:

آیه الله --

باید آن را تخمیس نماید، والله العالم. تبریزی:

آیه الله خامنه ای: در --

فرض مزبور خمس ندارد.

آیه الله سبحانی: --

به سؤال قبل مراجعه شود.

آیه الله --

خمس دارد. سیستانی:

آیه الله صافی: پول --

مذکور خمس ندارد، والله العالم.

آیه الله فاضل: در --

فرض مذکور خمس پول را باید بدهد مگر اینکه دیگر نتواند پول را از سازمان حج پس بگیرد که در این صورت خمس ندارد.

آیه الله --

خمس ندارد. مکارم:

آیه الله نوری: خمس --

به آن تعلق نمی گیرد.

مصدود

س ۱۴۳۹

شخصی

فات برای عمره تمتع محرم شده است و پس از احرام و قبل از سایر اعمال دستگیر و زندانی شده و پس از گذشت ایام تشریق او را آزاد کرده اند، ولی در زمان صدّ، به وظیفه مصدود عمل نکرده، حال یا جاهل به مسأله بوده یا نمی توانسته عمل کند، ولی اکنون می تواند عمره مفرده انجام دهد، وظیفه او برای خروج از احرام چیست و در صورتی که نتواند

عمره مفرده انجام دهد، تکلیفش چیست؟

آیه الله تبریزی: چنانچه --

متمکن است، بنابر احتیاط بین وظیفه مصدود و اتیان به عمره مفرده جمع نماید، والله العالم.

آیه الله سبحانی: چون --

حکم مصدود را دارد باید برای خروج از احرام قربانی و تقصیر کند و احتیاطاً پس از رفع منع، اعمال عمره مفرده را انجام دهد و اگر نمی تواند، نائب بگیرد.

آیه الله سیستانی: به --

احتیاط واجب از احرام خارج نمی شود مگر این که هدی تهیه و ذبح یا نحر کند و به احتیاط واجب حلق یا تقصیر نیز لازم است و اگر متمکن از هدی نباشد ده روز روزه بگیرد.

آیه الله --

شخص مذکور اگر قدرت بر اعمال عمره مفرده دارد باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود و اگر از انجام صافی: عمره مفرده نیز ممنوع است به وظیفه مصدود عمل کند؛ والله العالم.

آیه الله فاضل: چنانچه می

تواند عمره مفرده انجام دهد باید با انجام عمره مفرده از احرام خارج شود و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده کند. و چنانچه نتواند عمره مفرده انجام دهد. اگر علت آن مریضی باشد باید او را طواف و سعی دهند. و اگر ممکن نشد باید برای طواف و سعی نایب بگیرد و از احرام خارج شود و اگر علت آن این باشد که او را از مکه اخراج کرده اند و نمی تواند برگردد حکم مصدود را دارد.

آیه الله مکارم: باید --

عمره مفرده انجام دهد و از احرام خارج شود و اگر نمی تواند کسی را نایب بگیرد.

آیه الله --

اگر نتواند عمره مفرده انجام دهد لازم است به وظیفه مصدود عمل نماید. نوری:

س ۱۴۴۰

شخصی

عمره تمتع را به پایان برده و اکنون نمی تواند حج تمتع بجا آورد، مثلاً برای خدمت به حجاج از سوی سازمان حج و زیارت به حج آمده و اکنون سازمان مذکور او را مأمور کرده که در ایام تشریق در مکه بماند، وظیفه اش چیست؟

آیه الله --

چنانچه کسی مضطر به ترک حج تمتع بشود احتیاط آن است که عمره تمتع را عمره مفرده قرار داده و برای آن تبریزی: طواف نساء بجا آورد ولی مجرد منع دیگران محقق اضطرار نیست، والله العالم.

آیه الله --

چنین فردی با انجام طواف نساء و نماز آن، آن را به عمره مفرده تبدیل می کند و اگر استطاعت او باقی است سبحانی: و یا حج در سال های قبل بر ذمه او آمده باشد باید سال بعد حج را انجام دهد. ولی توجه به این نکته ضروری است که نمی تواند بدون عذر از عمره تمتع حتی استحبابی منصرف شود.

آیه الله --

به احتیاط واجب آن را عمره مفرده قرار دهد و طواف نساء به جای آورد. سیستانی:

آیه الله صافی: در --

فرض سؤال، در حج تمتع واجب (حجة الاسلام، حج واجب به نذر و غیره) ترک حج تمتع جایز نیست، و در حج تمتع مستحبی نیز با عدم ضرورت عرفی یا شرعی احتیاط واجب انجام حج تمتع است. والله العالم.

آیه الله --

فعلاً مُجَل است و تکلیفی ندارد و به مأموریت خود ادامه دهد. فاضل:

آیه الله --

اگر توانایی بر حج ندارد وظیفه ای ندارد. مکارم:

آیه الله نوری: اگر --

حجّ بر آن شخص واجب بوده است و به قصد ادای حج واجب عمره تمتع را انجام داده و اکنون قدرت ادای حج را ندارد این عمره تمتع از عمره تمتعی که جزء حج است کفایت نمی کند و لازم است بعداً عمره تمتع و حج تمتع را باهم در یک سال انجام بدهد و اگر از باب استحباب می خواسته است حج تمتع انجام بدهد و مضطر به ترک حج شده است اشکال ندارد.

حج کودک

کودک

س ۱۴۴۱

ی را ولی او به سعی می برد؛ مثلاً در کالسکه سوار است و خواب است، آیا لازم است در ابتدای سعی او را برای نیت بیدار کند، و چنانچه در آغاز بیدار باشد و در بین راه خواب برود چه حکمی دارد؟

آیه الله بهجت: سعی از

عبادات است و سعی در حال خواب صحیح نیست باید او را بیدار کند.

آیه الله --

بنابر احتیاط واجب این است که خواب نرود و آن مقدار را که خواب رفته، به نیت «اتمام ما نقص من سعی» تبریزی: اعاده کند و اگر قبل از نیت سعی، خواب رفته - بدون اشکال- سعی او باطل است، والله العالم.

آیه الله خامنه ای: باید --

برای نیت سعی، حدوثاً و بقاءً بیدار باشد، بنابر این در اثناء هم نباید خواب باشد.

آیه الله --

طفل ممیز باید در تمام اشواط طواف و سعی بیدار باشد و شرایط طواف و سعی را تا جایی که خارج از طاقت سبحانی: او نباشد باید مانند افراد بزرگسال رعایت کند و اگر رعایت نکرد بر اساس مسائل گذشته در طواف و سعی اصلاح نماید ولی در بچه غیر ممیز چنانچه ابتداءً بیدار باشد ولی در اثناء هر کدام از طواف و سعی بخوابد اشکال ندارد اما در طواف جوری او را در بغل بگیرد یا اگر توانایی و امکان راه رفتن دارد راه ببرند که سمت چپ او به سمت کعبه باشد و در سعی نیز رو به صفا و مروه باشد.

آیه الله --

سعی در حال خواب مجزی نیست و باید او را وقتی به سعی ببرد که بیدار بماند و تا ممکن است او را به راه‌سیستانی: رفتن وادارد و سعی با کالسکه فقط در حال عدم تمکن از راه رفتن مجزی است.

آیه الله --

سعی در حال خواب صحیح نیست، والله العالم. صافی:

آیه الله --

چون سعی از عبادات است و صحت آن منوط به نیت و قصد قربت مستمر است لذا در فرض مذکور اگر قبل از فاضل: شوط چهارم به خواب رفته است به احتیاط واجب سعی را از اول اعاده کند و اگر بعد از شوط چهارم خواب رفته است پس از بیدار شدن و توجه و التفات باید از جایی که به خواب رفته سعی را ادامه دهد.

آیه الله --

در صورتی که در ابتدای سعی نیت کرده باشد، اشکالی ندارد. مکارم:

آیه الله --

۱. لازم است که او را برای انجام نیت بیدار کند؛ ۲. و آن مقداری را که در حال خواب پیش رفته است پس از بیدارنوری: شدن اعاده کند.

شخصی

س ۱۴۴۲

که کودک را در بغل گرفته و طواف می دهد، آیا باید شانه چپ کودک نیز به طرف کعبه باشد؟

آیه الله --

لزومی ندارد، والله العالم. تبریزی:

آیه الله --

به سؤال ۱۴۴۱ رجوع شود. سبحانی:

آیه الله سیستانی: باید --

تا حد امکان سعی کند طوری او را طواف دهد که عرفاً طرف چپ او به طرف کعبه باشد.

آیه الله --

بنابر احتیاط شانه چپ کودک نیز به طرف بیت باشد، والله العالم. صافی:

آیه الله فاضل: بلی --

باید تمام شرایط در کودک نیز رعایت شود.

آیه الله --

لازم نیست. مکارم:

آیه الله --

بلی لازم است. نوری:

کودکی

س ۱۴۴۳

محرم کرده اند و طواف می دهند، آیا طهارت بدن و لباس کودک در حال طواف لازم است، و چنانچه قبل از طواف او را تطهیر کنند برای یک طواف کافی است و واریسی بین طواف لازم نیست؟

آیه الله --

آن مقدار که بتوانند بنابر احتیاط رعایت طهارت او را بکنند ولی واریسی لازم نیست، والله العالم. تبریزی:

آیه الله --

آن مقدار که بتوانند بنابر احتیاط طهارت بچه را رعایت بکنند ولی واریسی لازم نیست. سبحانی:

آیه الله --

رعایت طهارت بدن و لباس او لازم نیست. سیستانی:

آیه الله --

باید شرایط طواف و نماز در طفل نیز مراعات شود و در صورت غیر ممیز بودن طفل، در صورت امکان او را وضو صافی: دهند لباس و بدن او را تطهیر کنند و در صورت شک در عارض شدن حدث و خبث واریسی لازم نیست و حکم طهارت باقی است، والله العالم.

آیه الله --

بلی لازم است و واریسی در بین طواف لازم نیست. ولی اگر متوجه شدند که لباس و بدن او نجس شده، احتیاطاً فاضل: این است که آنها را تطهیر کنند.

آیه الله --

چنانچه قبل از طواف او را تطهیر کرده باشد کافی است. مکارم:

آیه الله --

بلی لازم است و برای یک طواف کافی است، و واریسی لازم نیست. نوری:

دیوانه و حج مستقر

شخصی

س ۱۴۴۴

پس از استقرار وجوب حج دیوانه شده، وظیفه ولی، نسبت به حج او چیست؟

آیه الله تبریزی: تا --

زنده است ولی وظیفه ای ندارد و پس از مردن وی از ترکه اش برای وی حج می گیرد، والله العالم.

آیه الله خامنه ای: ولی --

مجنون نسبت به حج او تکلیفی ندارد، اگر تا آخر عمر عاقل شد خودش حج بجا می آورد و گرنه پس از مرگ از ترکه او نایب می گیرند.

آیه الله --

هرگاه یأس از بهبودی او دارند ولی او می تواند از اموالش برای او حج نیابی بگیرد یا این کار را به امید برطرف سیحانی: شدن عذر تا هنگام مرگ تأخیر بیندازد و سپس از ترکه او استنابه کند.

آیه الله سیستانی: باید --

پس از مرگ برای او نایب بگیرد.

آیه الله --

در فرض سؤال، چنانچه افاقه حاصل شود، باید حج را بجا آورد و در صورت عدم افاقه تا حین موت، باید پس از صافی: موت برایش حجّ استیجار شود، والله العالم.

آیه الله فاضل: چنانچه --

امید افاقه هست صبر کنند والا بنابر احتیاط واجب، ولی شرعی او از مال او یک حج نیابی انجام دهد.

آیه الله مکارم: ولی او

وظیفه ای ندارد، مخصوصاً اگر امید زوال جنون باشد ولی بعد از مردن او باید از مال او حج را نیابتاً بجا آورند.

آیه الله --

اگر مال دارد لازم است ولی اقدام به حجّ نیابی بکند. نوری:

روزه مستحب در مدینه

س ۱۴۴۵

با استحباب سه روز روزه مستحبی در مدینه منوره برای برآمدن حاجت، اختصاص به مسافر دارد یا برای اهالی مدینه و کسی که قصد عشره دارد نیز مستحب است؟

آیه الله --

حکم مزبور اختصاص به مسافر دارد و شامل اهل مدینه نمی شود و در مسافر بین این که نمازش قصر باشد تبریزی: یا به جهت قصد اقامت ده روز نمازش تمام باشد، فرقی نیست، والله العالم.

آیه الله --

مخصوص مسافر است و فرقی بین کسی که قصد عشره کرده و یا نکرده در این مسأله نیست. سبحانی:

آیه الله --

برای همه مستحب است. سیستانی:

آیه الله --

بعید نیست اختصاص به مسافر نداشته باشد، والله العالم. صافی:

آیه الله --

استحباب آن به قصد ورود برای غیر مسافر ثابت نیست، بلی رجاء^۱ مانعی ندارد. فاضل:

آیه الله --

این حکم مخصوص مسافر است ولی دیگران بر اساس قانون اولی هر روزی بخواهند می توانند به قصد حاجت مکارم: روزه بگیرند.

اعتکاف در مسجد الحرام

س ۱۴۴۶

بسیاری

ران خانه خدا خواهان اعتکاف در مسجد الحرام هستند باتوجه به فرصت معنوی و تأثیر فراوان روحی و روانی آن و لزوم روزه جهت اعتکاف، آیا می توانند پس از حضور در مکه مکرمه با نذر، به اعتکاف بپردازند؟

آیه الله --

: مانعی ندارد. بهجت

آیه الله --

چنانچه نذر روزه در مکه نماید تا روزه در سفر صحیح باشد می تواند معتکف شود. والله العالم. تبریزی:

آیه الله --

می توانند برای روزه نذر کنند و در این صورت اعتکاف مانعی ندارد. خامنه ای:

آیه الله --

می تواند قبل از سفر و یا حضور در مکه نذر کنند که در سفر سه روز روزه بگیرند و با این نذر اعتکاف کنند. سبحانی:

آیه الله --

اگر نذر کنند که در سفر روزه بگیرند اشکال ندارد. سیستانی:

آیه الله --

بلی می توانند بعد از سفر نذر کنند که در همان سفر روزه بگیرند و معتکف شوند. شبیری:

آیه الله --

صحت نذر روزه بعد از ورود به مکه مکرمه مورد اشکال است. صافی:

آیه الله --

ظاهر آن است که صحت روزه در سفر با نذر در وطن محقق می شود. فاضل:

آیه الله --

بدون نیت اقامه ده روز روزه گرفتن و اعتکاف کردن، اشکال دارد. مکارم:

آیه الله --

پس از سلام، نمی توانند مگر اینکه در وطن نذر روزه کرده باشند. نوری:

س ۱۴۴۷

شخصی

اعتکاف در مسجد الحرام را دارد، آیا می تواند قبل از اذان صبح در تنعیم محرم شود و بقیه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد، با توجه به اینکه محل سعی جزو مسجد نیست؟

آیه الله --

مانعی ندارد و می تواند همه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد. والله العالم. تبریزی:

آیه الله --

می تواند محرم شود و خروج از مسجد برای انجام سعی مانع ندارد. خامنه ای:

آیه الله --

بله، این شخص باید به نحوی خود را به مسجد الحرام برساند که هنگام اذان صبح جهت شروع اعتکاف و روزه سحانی: داخل مسجد باشد و اعمال عمره را در حین اعتکاف انجام دهد. اشکالی ندارد و خارج شدن از مسجد به اندازه انجام سعی بین صفا و مروه به اعتکاف ضرر نمی زند لیکن شتاب کند که سعی را زودتر به پایان ببرد و به مسجد برگردد.

آیه الله --

می تواند ولی لازم است اعمال را تا زمانی تأخیر بیندازد که سعی او پس از پایان اعتکاف باشد، ولی سیستانی: چنانچه صبر کردن تا آن موقع سخت باشد می تواند از عنوان حاجت ضروری استفاده نماید و از مسجد جهت انجام سعی خارج شود.

آیه الله --

صحت احرام قبل از شروع به اعتکاف، بعید نیست. والله العالم صافی:

آیه الله --

مانعی ندارد لکن سعی نماید تا عمل سعی را زودتر به پایان رساند. فاضل:

آیه الله --

این مقدار اشکال ندارد. مکارم:

آیه الله --

بسمه تعالی، پس از سلام، لازم است قبل از اذان صبح در مسجد الحرام باشد. نوری:

آوردن قرآن از مسجد الحرام

قرآن

س ۱۴۴۸

هایی در مسجد الحرام به زائران اهدا می شود که چند دسته است:

دسته اول: قرآن های مستعمل مسجد الحرام، مهور به مهر «وقف الله تعالی بالمسجد الحرام».

دسته دوم: قرآن های چاپ عربستان، وقف و هدیه زائران جهت قرائت در مسجد الحرام، که متصدیان این قرآن ها و قرآن های دسته سوم که چاپ سایر کشورها است و توسط زائران به مسجد الحرام هدیه می شود را به خاطر یک شکل بودن قرآن های مسجد الحرام از قفسه ها خارج کرده و به زائران دیگر که متقاضی قرآن هستند تحویل می دهند. و دسته چهارم قرآن هایی است که هدیه دولت عربستان و ریاست شؤون حرمین شریفین است و هیچ گونه مهری ندارد. حال: آیا دریافت این قرآن ها جایز است؟ و بفرض جواز مالک می شوند یا نه؟ و در صورت عدم مالکیت، آیا جهت استفاده عمومی در غیر مساجد یا در مساجد دیگر می توان آنها را آورد؟

آیه الله --

دسته اول و دوم جایز نیست و دسته سوم ممکن است تملک، ولی احتیاط در ترک است و

دسته چهارم تملک آن مانعی ندارد و

دسته اول و دوم را اگر نمی گذارند در آنجا باشد می تواند به اقرب آن مساجد بگذارد.

آیه الله --

قرآن هایی که محرز است زوار هدیه و وقف کرده اند را نمی توان گرفت و تصرف کرد و گرفتن قرآن های تبریزی: دیگر جایز است و می توانند تملک کنند و یا در مساجد و غیره برای عموم قرار دهند، والله العالم.

آیه الله --

قرآن هایی که وقف مسجدالحرام شده است، دریافت و تملک آن جایز و صحیح نیست و در صورتی که عودت خامنه ای: و استفاده از آن در مسجدالحرام امکان ندارد، آنها را به مساجد دیگر برده و در آنجا استفاده نمایند.

آیه الله --

: دسته اول و دوم جایز نیست و سومی هم خالی از اشکال نیست فقط دسته چهارم را می توان گرفت و سبحانی تملک کرد. والله العالم

آیه الله --

در فرض سؤال، قرآن هایی که توسط حجاج و زائرین وقف نشده؛ اعم از آنکه اثری از وقف بودن در آنها نباشد صافی: یا از طرف حکومت سعودی اثر وقف در آنها دیده شود اگر مسئولین ذیربط از آنها به کسی اهدا نمایند، گرفتن آن اشکال ندارد و گیرنده مالک می شود. قرآن هایی که توسط حجاج وقف بشود، گرفتن آنها جایز نیست، والله العالم.

آیه الله --

استفاده از قرآن های دسته اول و دوم در غیر مسجدالحرام اشکال دارد، اما دسته سوم و چهارم اشکالی ندارد و فاضل: تحقق ملکیت نسبت به دسته چهارم مسلم است.

آیه الله --

قرآن هایی که از طرف مسئولین آن منطقه به زوار داده می شود اشکالی ندارد و ملک آنها می شود.

آیه الله --

در غیر مورد اخیر، گرفتن آنها اشکال دارد و همچنین نمی توان آنها را به مساجد یا جاهای دیگر برد. نوری:

آوردن خاک و ریگ از مشاعر

س ۱۴۴۹

آوردن

، ریگ و سنگ از عرفات، مشعرالحرام، منا، صفا، مروه یا منطقه حرم چه حکمی دارد؟ و چنانچه عمد^۱ یا جهلاً آورده باشد، برگرداندن آن واجب است یا نه؟

آیه الله --

برداشتن خاک و ریگ و سنگ از آنچه نام برده شده مانعی ندارد بلی اگر در مسجد الحرام و مسجد خیف و یاتبریزی: سایر مساجد فرض شود، جایز نیست و برگرداندن آن لازم است، والله العالم.

آیه الله --

اگر کسی از منطقه حرم (مکه، مخصوصاً صفا و مروه) مشعر و منی سنگ یا خاکی برداشته و به وطن خود برده سبحانی: است باید آن را به حرم برگرداند. (مناسک، م ۵۸۴)

آیه الله --

اشکال ندارد و برگرداندن واجب نیست. بی:

آیه الله --

بنابر احتیاط از آوردن خاک و ریگ حرم خودداری شود و اگر آورده، در صورت تمکن به حرم برگرداند، والله صافی:
العالم.

آیه الله --

از صفا و مروه جایز نیست. و از غیر آن دو مانعی ندارد. و
در هر صورت برگرداندن لازم نیست. ولی به طور کلی لازم است
مؤمنین از این قبیل اعمال پرهیز کنند.

آیه الله --

این کار شرعاً اشکال دارد و احتیاط آن است که آن را برگرداند. مکارم:

آیه الله --

از عرفات و مشعر الحرام اشکال ندارد ولی از صفا و مروه اشکال دارد و باید برگرداند. نوری:

نذورات

س ۱۴۵۰

برخی

زائران حرمین شریفین اظهار می دارند که فلان مبلغ را به ما داده اند تا در حرم مطهر نبوی یا قبور مطهر بقیع
بریزیم با توجه به اینکه ریختن آنها در آن محل ها غیر ممکن است یا صرف حرم یا مصرف مقرر خود نخواهد شد و حاضر
نیستند این وجوه را با خود برگردانند، آیا می توان آنها را در راه خیر؛ مثل کمک به فقرای شیعه صرف کرد؟

آیه الله --

می توان خرج زوار آنجا از شیعیان کرد و اگر نشد به فقرای شیعه می توان داد. بهجت:

آیه الله --

اگر علم به رضایت صاحبان وجوه باشد یا از قبل کسب اجازه شده باشد، صرف آن در مورد فقرای شیعه خامنه ای:
اشکال ندارد.

آیه الله --

: در مورد زائران فقیر مصرف شود و اگر در میان زائران فقیر نباشد در مورد فقرای شیعه مصرف شود. والله سبحانه
العالم

آیه الله --

باید به صاحبانش برگردانند. سیستانی:

آیه الله --

باید پول های مذکور را از طرف صاحبان آن به فقرای شیعه صدقه بدهند. فاضل:

آیه الله --

مجاز هستند که صرف فقرای شیعه در آنجا کنند. مکارم:

آیه الله --

در صورتی که صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد. نوری:

شرایط وجوب حجة الاسلام

با چند شرط، حج واجب می‌شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست:
حج واجب نیست (۱) اول و دوم - بلوغ و عقل. پس بر کودک و دیوانه

۱. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: که قاصر باشد زمان افاقه او از اداء واجب فعلی بر او (کتاب حج ص ۲).

[۴] م - اگر غیر بالغ حج به جا آورد صحیح است، هر چند از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.
کفایت (۳) مشعر الحرام بالغ باشد (۲) [۵] م - اگر کودک ممیز برای حج مُحرم شود و در وقت درک (۵)، و همچنین اگر مجنون قبل از درک مشعر عاقل شود. (۴) از حجة الاسلام می‌کند

۲. آیه الله بهجت کفایت ادراک آنچه با آن حج ادراک می‌شود، اگرچه اضطراری مشعر باشد، با انجام واجب از اضطراری عرفه خالی از وجه نیست (کتاب حج، ص ۳).

۳. آیه الله زنجانی: باید به قصد انجام امر فعلی حج را تمام کند و چنانچه در آینده مستطیع بود حجة الاسلام خود را به جا آورد.

۴. آیه الله اردبیلی: بلکه کفایت نمی‌کند و همچنین است در مجنون.

آیه الله بهجت: با سایر شروط و با ادای واجبات لاحق، بدون نیاز به تجدید نیت حجة الاسلام یا تجدید نیت احرام یا نیت وجوب به مجرد کمال، و معتبر است از زمان کمال نه قبل از آن استطاعت او به قدر فراغ از واجبات حج بنابر اظهر، و در صورت ادراک حج به نحو صحیح در اجزاء عمره سابقه بر کمال از متمتع تأمل است، و احوط اعاده عمره است به قصد وظیفه بعد از اتمام حج اگر در اشهر حج باشد و اگر نباشد در سال آینده بقصد وظیفه انجام دهد عمره را با حج متمتع بنابر احوط (کتاب حج، ص ۳).

آیه الله تبریزی کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند. بلکه اگر متمکن بود طبق مسأله ۱۶۹ مناسک، برای عمره متمتع احرام ببندد و اعمال عمره و حج را اتیان کند، کفایت می‌کند. و در غیر این صورت باید آن حج را تمام کند و در سال‌های آینده، چنانچه مستطیع بود، حجة الاسلام را به جا آورد و اگر مجنون قبل از فوت زمان عمره متمتع عاقل شود بر فرض استطاعت محرم شده و اعمال را انجام می‌دهد و در غیر این فرض اتمام حج بر او واجب نیست.

آیه الله خویی: کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند (و تفصیلی دارند که به مناسک، مسأله ۴ رجوع شود).

آیه الله سبحانی: بدون نیاز به تجدید نیت و احوط اعاده عمره است به قصد وظیفه فعلیه بعد از اتمام اعمال حج، هر چند احتیاط مستحب آن است که در صورت استطاعت حج را در سال‌های بعد اعاده کند (کتاب الحج، ج ۱، ص ۷۷).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احوط بلکه اقوی عدم کفایت از حجة الاسلام است و همچنین نسبت به مجنون، بنابراین اگر سال‌های بعد مستطیع بودند حجة الاسلام را به جا آورند. (مناسک عربی، ص ۱۴، مسأله ۱۴)

آیه الله فاضل: هر چند احتیاط مستحب آن است که در صورت استطاعت، حج را در سال‌های بعد اعاده کند (مناسک، ص ۱۰).

آیه الله مکارم: احتیاط واجب در هر دو، اعاده بعد از آن است، در صورتی که مستطیع شوند.

۵. آیه الله فاضل: اگر کسی در میقات مجنون بود، همراهان او می‌توانند او را رجاء مثل کودک غیر ممیز محرم کنند و چنانچه قبل از درک مشعر عاقل شود کفایت از حجة الاسلام می‌کند. و احتیاط این است که به اذن ولی شرعی، او را محرم کنند. و احتیاط مستحب آن است که در سال‌های بعد اگر مستطیع شد حجة الاسلام را اعاده کند.

آیه الله زنجانی: اگر مجنون، قبل از مشعر، عاقل شود و مستطیع باشد، چنانچه بتواند احرام ببندد و پس از انجام اعمال عمره متمتع و احرام حج، مشعر را در کنند، باید به احرام عمره متمتع (محرم گردد و اگر نمی‌تواند، به حج افراد محرم می‌گردد و کفایت از حجة الاسلام می‌کند؛ در غیر این صورت باید در اولین سالی که می‌تواند حج به جا آورد.

آیه الله سبحانی: و احتیاط مستحب است در سال‌های بعد اگر مستطیع شد اعاده کند.

[۶] م کسی که گمان می‌کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و بعد معلوم شد بالغ بوده، حج او مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه را نموده و آن را بر حج (۶) کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند

ندبی اشتباهاً تطبیق کرده باشد.

۶. آیات عظام اردبیلی، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی: این حج کافی از حجة الاسلام

می‌باشد.

آیه الله زنجانی: مگر در صورتی که در نیت احرام انجام وظیفه فعلیه را انشاء کرده و آن را اشتباهاً بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

آیه الله سبحانی: آیه الله مکارم: در صورتی که قصد مأمور به واقعی را داشته باشد کفایت می‌کند.

[۷] م - از برای بچه ممیز، مستحب است حج رفتن و صحیح است حج او اگرچه ولی او اذن ندهد ،
لکن بعد از بالغ شدن، اگر استطاعت داشت باید حج برود و حج زمان کودکی کافی نیست. (۷)

۷. آیه الله اردبیلی: اقوی این است که صحت حج او متوقف بر اذن ولی نیست گرچه تصرفات مالی او بدون اذن ولی مشروع نیست و در مواردی که حج او مستلزم تصرفات مالی نیست، رفتن به حج اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: احرام صبی ممیز صحیح است و احوط در صورت استلزام تصرف در مال، اذن ولی است در صحت آن. (کتاب حج ص ۴).

آیه الله زنجانی: ولی اگر انجام حج، مستلزم تصرف در اموال کودک باشد، پس چنانچه ولی، مصلحت کودک نداند باید مانع حج رفتن کودک گردد، و در هر حال اگر حج به‌جا آورد صحیح است، لکن کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: حج برای غیر مکلف ممیز مستحب است ولی کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند و اذن ولی در صحت حج او شرط نیست، اگرچه در مواردی که حج او موجب تصرف در اموالش می‌شود، برای تصرف، اذن ولی لازم است. (آداب و احکام حج، مسأله ۵).

آیه الله سیستانی: بعید نیست که در صحت آن اذن ولی معتبر باشد. (مناسک، مسأله ۶).

آیه الله مکارم: ولی اگر تصرف در مال خود می‌کند، باید به اذن ولی باشد.

و لباس احرام به او بپوشاند، و (۹) مُحْرَم کند او را [۸] (۸) م - مستحب است ولی طفل غیر ممیز
نیت کند که این طفل را مُحْرَم می‌کنم برای حج، یا این طفل را مُعْتَمِر می‌کنم به عمره تمتع، و اگر
می‌شود تلبيه را تلقین کند به او، و الا خودش به عوض او بگوید.

۸. آیه الله بهجت: صحیح است احرام ولی از طفل غیر ممیز و از مجنون، و متولّی نیت احرام طفل، ولی حاضر می‌شود، و تمام اعمال حج را آنچه را متمکن است طفل و غیر عاقل انجام می‌دهد با نیت ولی و آنچه را متمکن نیست ولی از جانب او انجام می‌دهد از آن جمله تلبيه احرام است که اگر متمکن باشد طفل و غیر عاقل انجام می‌دهد با نیت ولی، و گرنه ولی نایب می‌شود. (کتاب حج ص ۴).

آیه الله تبریزی: استحباب احجاج، اختصاص به طفل غیر ممیز ندارد بلکه احجاج طفل ممیز هم بر ولی او مستحب است.

۹. آیه الله زنجانی: کودکی که در تحت سرپرستی کسی به سفر حج آمده است و خودش نمی‌تواند مستقلاً اعمال را به‌جا آورد، مستحب است که سرپرستش او را محرم کند و اگر کودک با تلقین هم نمی‌تواند به شکل صحیح تلبيه بگوید، آن شخص از طرف او تلبيه می‌گوید.

آیه الله سبحانی: این طفل را برای حج یا برای عمره محرم می‌کنم.

[۹] م - بعید نیست که ولی در این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار او است، اگرچه ولی شرعی
(۱۰) نباشد.

۱۰. آیه الله اردبیلی: مشکل است، بلکه در صورت مخالفت با ولی شرعی جایز نیست. البته در این مسأله مادر ملحق به ولی شرعی است.

آیه الله بهجت: ولی در این مقام عبارت است از ولی در مال؛ مثل اب و جدایی و وصی ایشان و حاکم و امین حاکم. و ولایت مادر در احرام طفل و سایر اعمال حج خالی از وجه نیست. (رساله ذخیره العباد، ص ۵).

آیه الله خویی: در صورتی که مستلزم تصرف در اموال طفل نباشد والا اذن ولی شرعی لازم است. (معتمد، ج ۱، ص ۳۶)

آیه الله زنجانی: ولی در این امر کسی است که شرعاً اختیار دارد کودک را به سفر حج ببرد؛ خواه پدر یا جد باشد یا غیر آنها.

آیه الله سیستانی: ولی طفل در این امر کسی است که حق حضانت و سرپرستی او را دارد، چه پدر و مادر او باشند و چه غیر آنها. (مناسک، مسأله ۱۱).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: قدر متیقن از ولی در این امر نسبت به بچه غیر ممیز،

(ولی شرعی است؛ مانند پدر و جد و یا وصی یکی از آن دو، و همچنین حاکم و امین از طرف حاکم و یا وکیل یکی از آنها، و اما غیر ولی شرعی مانند عمو و دایی

و برادر، محال اشکال است، اگر چه کفیل و نگهدار بچه باشد، لکن مادر در این مورد ملحق به ولی شرعی است زیرا نسبت به او دلیل خاصی داریم، و اما در بچه ممیز در مواردی که اجازه ولی لازم است اجازه غیر ولی شرعی کفایت نمی‌کند. (مناسک عربی، ص ۱۳، مسأله ۱۱).
آیه الله سبحانی: علاوه بر ولیمادر و همچنین کسی که متکفل امور کودک غیر ممیز است می‌تواند کودک را محرم نماید. و در مورد اخیر احتیاطاً از ولی کودک اجازه بگیرد.
آیه الله فاضل: مقصود از ولی، همان ولی شرعی است، ولی مادر در این مورد ملحق به ولی شرعی است.
آیه الله مکارم: ولی به اذن ولی شرعی انجام می‌دهد.
آیه الله نوری: در غیر ولی شرعی، محل اشکال است.

[۱۰] م - بعد از آنکه طفل مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولی، او را از محرمات احرام باز دارد ، و اگر ممیز نیست خود ولی حفظ کند او را از محرمات. (۱۱)

۱۱. آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است و همچنین گونه است حکم مذکور در مسأله ۱۱ و ۱۲ و ۱۳.
آیه الله تبریزی: این حکم در مورد احجاج صبی است.
آیه الله زنجانی: در مورد کودکی که مستقلاً محرم شده است ولی وظیفه خاصی ندارد، اما در مورد کودکی که ولی او را محرم کرده است موظف است که با نهي خود یا ممانعت عملي او را از محرمات احرام باز دارد؛ و در این امر فرقی بین ممیز و غیر آن نیست.